

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فرہنگ موضوعی احادیث امام مہدی

علی کورانی عاملی

ترجمہ: حسین نائینی



سرشناسه: کورانی، علی، ۱۹۴۴ - م. / عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف / علی کورانی عاملی. مشخصات نشر: قم: نشر معروف، ۱۳۹۴. / مشخصات ظاهری: ۱۲۶ ص. / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۲-۵۰۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا / یادداشت: کتابنامه. موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - احادیث / رده بندی کنگره: ۴۱۳۹۴ف۸۶ک/ BP۵۱ / رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹ / شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۲۴۲۲۳

• نام کتاب:



فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی

مؤلف:

علی کورانی عاملی

• مترجم: حسین نائینی

• ناشر: معروف

• چاپ: اول

• تاریخ نشر: بهمن ۱۳۹۴ - February 2016

• چاپخانه: باقری - ۳۰۰۰ نسخه

ISBN: 978-600-6612-508



قم- خیابان مصلای قدس- بین ک ۶ و ۴- پلاک ۶۸۲
تلفکس: ۳۲۹۲۶۱۷۵ ۰۲۵ - تلفن: ۳۲۹۳۹۱۴۰-۴۱ ۰۲۵

www.maroof.org

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ است

مقدمه‌ی مترجم

سخن پیرامون امام عصر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، سابقه‌ای دیرینه دارد و به پیش از ولادت ایشان مربوط می‌شود، امری که از اهمیت کم نظیر و فوق العاده‌ی این بحث حکایت دارد. پیامبران الهی علیهم السلام درباره‌ی ایشان و روزگارشان بشارت داده‌اند. در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز ادوار دیگر معصومان علیهم السلام - و به خصوص عصر امام جعفر صادق علیه السلام - سخن درباره‌ی ایشان رونق فراوانی داشته است تا آنکه به روزگار امام هادی و امام عسکری علیهما السلام می‌رسیم. دشمنان که به خوبی آگاهی داشتند نهمین نسل پس از امام حسین علیه السلام کسی است که زمین را از عدل و داد خواهد آکند، بعد از آنکه از جور و بیداد بیدادگران آکنده خواهد شد، می‌دانستند نزدیک است چنین شخصی پا به عرصه‌ی وجود بگذارد و لذا ماهیت خود را در خطر می‌دیدند، بسان فرعون که می‌دانست میلاد موسی علیه السلام نزدیک شده و حکومتش در مخاطره قرار دارد.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: بنی‌امیه و بنی‌عباس به دو جهت شمشیرهایشان را بر گردن ما گذاشتند؛ یکی آنکه می‌دانستند هیچ حقی در خلافت ندارند، از این رو می‌هراسیدند ما آن را ادعا کنیم و در جایگاه خود [اهل بیت] قرار گیرد.

دوم آنکه از روایات متعدد فهمیده بودند زوال حکومت جباران و ظالمان بردست قائم ما خواهد بود و تردیدی نداشتند که خود، از آنهایند، لذا تلاش کردند اهل بیت پیامبر ﷺ را بکشند و نسل ایشان را از میان برند تا با این کار بتوانند از به دنیا آمدن قائم جلوگیری کنند و یا او را به قتل رسانند، ولی خداوند ابا کرد امرا و را برای احدی از آنان آشکار کند، تا اینکه نورش را کامل گرداند، اگرچه کافران را خوش نیاید.^۱

از این رو شاید بتوان گفت علت احضار امام دهم امام هادی علیه السلام به شهر نظامی سامرا، و اسکان اجباری ایشان و به تبع، فرزندشان امام حسن عسکری علیه السلام در آن دیار، همین باشد که بتوانند بیش از پیش ایشان را زیر نظر داشته باشند و تمامی حالات ایشان را رصد کنند.

لذا جعفر بن محمد بن هارون ملقب به متوکل عباسی در دوران خلافت خود، امام علی النقی علیه السلام را به سامرا آورد.

غافل از آنکه یُریدُونَ لِیُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^۲، می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا - گرچه کافران را ناخوش افتد - نور خود را کامل خواهد گردانید.

خداوند اراده فرمود ولی خود، همو که بر بساط فساد و شر، خط بطلان می کشد، و عدالت الهی را در عالم حکم فرما می سازد، در چنان شرایط خفقان آلودی پا بر پهنه ی گیتی بنهد، گرچه فرعون سیرتان را خوش نیاید.

از آن زمان تا به امروز که چیزی حدود یک هزار و دویست سال می گذرد، ایشان در پس ابرغیت - گاه کوتاه و گاه بلند - نهانند، و بسیاری در انتظار که پرده برافتد تا ظهور به حضور پیوند خورد، و وعده ی الهی رخ نماید.

نگارش پیرامون امام عصر علیه السلام، سابقه ای طولانی دارد. در زمره ی کتب فضل بن شاذان نیشابوری علیه السلام، کتاب القائم علیه السلام را نام برده اند. وی به سال ۲۶۰ هجری، یعنی سال آغاز

۱. اثبات الهداة ۳ / ۵۷۰

۲. سوره ی صف / ۸

غیبت صغری از دنیا رفته است. به لطف الهی این جریان تا به امروز ادامه دارد و در این میان کتاب‌هایی گرانسنگ و وزین ارائه شده است، کتاب‌هایی از جمله:

کمال الدین و تمام النعمة؛ اثر ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی،
شیخ صدوق رحمه الله

کتاب الغیبة؛ اثر محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی رحمه الله

کتاب الغیبة؛ اثر شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی رحمه الله

منتخب الأنوار المضيئة؛ اثر سید علی بن عبد الحمید نیلی نجفی رحمه الله

چند جلد از بحار الانوار؛ علامه‌ی مجلسی رحمه الله

چند جلد از عوالم العلوم و المعارف؛ شیخ عبدالله بحرانی رحمه الله

یکی از آثاری که در این مجال به رشته‌ی تحریر درآمده، کتاب «المعجم الموضوعی لأحادیث الإمام المهدي عليه السلام» اثر دانشمند محقق آیت الله کورانی عاملی است که حاصل مدّت‌ها تلاش و تتبع می‌باشد، و به گونه‌ای جامع و در چهل فصل نگاشته شده است. از ویژگی‌های برجسته‌ی این کتاب، پرداختن به موضوعاتی است که کمتر بدان توجه می‌شده، از جمله مطالبی درباره‌ی مناطقی که در دوران ظهور نقش آفرین هستند، ارائه‌ی تصویری واضح از دوران ظهور، تفکیک میان نشانه‌های ظهور و قیامت و...

حال با گذشت سالیان دراز از چاپ متن عربی کتاب، بازگردان فارسی آن با عنوان «فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی عليه السلام» در مقابل دیدگان خوانندگان ارجمند است.

در پایان ذکر چند مطلب را ضرور می‌دانم:

۱. در ترجمه‌ی آیات قرآن مجید، از ترجمه‌ی آقای فولادوند بهره‌ی فراوان بردم.
۲. در بازگردان احادیث و روایات، در مواردی متعدد، به شروح و کتب مربوطه مراجعه شد که می‌بایست در این میان به دو اثر گرانسنگ علامه‌ی مجلسی رحمه الله یعنی مرآة العقول و بحار الانوار اشاره داشت.

۳. همانسان که در کتاب اشاره شده، منبع استوار و وثیق ما، احادیثی است که از معصومین عليهم السلام و در کتب شیعی رسیده است. و از همین رهگذر است که مؤلف ارجمند، در موارد متعددی

نسبت به گزارش‌های دیگران - و به خصوص کتاب الفتن نعیم بن حماد مروزی استاد بخاری - موضع گرفته و به نقادی آن می‌پردازد. از دیگر اهدافی که در نقل گزارش‌های دیگر فرقی دنبال می‌شود، بحث احتجاج و اتمام حجت بر آنان، و بیان این نکته است که مورد مذکور، منحصر به کتاب‌های شیعیان نیست.

۴. در برخی موارد که لازم و یا شایسته به نظر می‌رسید، مطالبی در پاورقی ارائه شد که با حرف م مشخص شده است.

۵. در بعضی موارد بابت وضوح بیشتر، کلمه و یا کلماتی درون قلاب قرار گرفت، و حتی الامکان سعی شد به گونه‌ای باشد که با قطع نظر از آن هم ترجمه‌ای خالص، از متن عربی ارائه گردد.

۶. از آنجا که ترجمه‌ی حاضر، در حضور مؤلف محترم بررسی و تدقیق شد، مرجع و اصل خواهد بود، از این رو اگر در موردی با چاپ عربی کتاب تعارضی به چشم خورد، این ترجمه مقدم است، همان گونه که مؤلف محترم فرمودند.

در پایان می‌بایست از آقایان سید مهدی مقدم و سید محمود فخرایی که در نشر این کتاب همراهی نمودند، کمال تقدیر را داشته باشم.

حسین نائینی

مقدمه‌ی مؤلف

الحمد لله رب العالمين وأفضل الصلاة وأتمّ السلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين، سيما خاتم الاوصياء، موعود الانبياء، منتظر الاجيال والأئم، مذكور الله لإصلاح العالم، الإمام المهدي المنتظر رُوحى له الفداء.

به لطف خداوند، کتاب حاضر نزد عالمان، محققان و عموم مردم مقبول افتاد. در طول این مدّت موفق به بررسی دقیق و بازنگری آن شدم، و در همین راستا برخی از فصل‌های آن از جمله فصل دجال، فصل ترک‌ها و نیز فصل مصر را بازنویسی نمودم.

بعد از آن به بازبینی پیرامون دلالت روایات، بسیاری از اسناد و مصادری که عبارت کامل روایت یا پاره‌ای که شاهد بر مطلب است را نقل کرده‌اند پرداختم.

مصادر متعدّدی را که پیشتر ارائه می‌شد کاسته و به مهمترین آنان به خصوص منبع اصلی بسنده نمودم. در فصل زیارات و ادعیه نیز تنها به ارائه‌ی چند نمونه اکتفا کردم، چرا که کتاب‌هایی مخصوص این موضوع در دست می‌باشد.

شایان ذکر است که درود و صلوات بر رسول خدا ﷺ را نیز به طور کامل آوردم، اگرچه در منبعی که از آن نقل شود به طور ناقص آمده باشد. البته برخی مؤلفان اهل سنت به

مانند حاکم نیشابوری صلوات را به طور کامل یعنی به ضمیمه‌ی «آل» آورده می‌گویند:
صلی الله علیه و آله، هم چنان‌که در برخی منابع مخطوط آنان به طور کامل آمده است، لکن ناشران عبارت «و آله» را حذف کردند و به جای آن عبارت «و سلّم» را قرار دادند!
از خداوند می‌خواهم که بر رسول خود و خاندان طاهرین ایشان علیهم‌السلام مخصوصاً آخرین آنان امام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف درود فرستد، و این کوشش را در خدمت دین و آگاه سازی مسلمین نسبت به بشارت نبوی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بپذیرد، و هو ولی التوفیق.

علی کورانی عاملی

پیشوایان گمراهی

بزرگترین خطر برای امت

خطراین امت، پیشوایان گمراه کننده، نه دجال

از احادیث مهم نبوی، که مورد پسند راویان وابسته به دستگاه خلافت قریشی نیست، هشدارهای پر شمار پیامبر ﷺ درباره‌ی رهبران گمراه کننده‌ای است که پس از ایشان برمسند خلافت تکیه می‌زنند. این احادیث، صحیح، متواتر و بسیار تکان دهنده است، زیرا برخی از آنها به روشنی بیان می‌کند که فتنه‌ی رهبران گمراه کننده، پیوسته وجود دارد، تا آن زمان که خدا، مهدی فرزند پیامبر ﷺ را برانگیزد.

مسند احمد ۴/ ۱۲۳ به نقل از شداد بن اوس آورده که پیامبر ﷺ فرمود: «خدای عزوجل گستره‌ی زمین را به من نشان داد و شرق و غرب آن را دیدم، دانستم که سرزمین‌های امتم، به اندازه‌ای خواهد شد که به من نشان داده شد، گنج‌های سفید و سرخ نیز به من داده شد، از خدا درخواست کردم که امتم را با قحطی و خشکسالی هلاک نکند، و هیچ دشمنی را بر آنها چیره ننماید که همگی را هلاک گرداند، آنها را فرقه‌هایی درهم نیامیزد چنان‌که برخی به بعضی دیگر آسیب رسانند. پس [خداوند] فرمود: ای محمد! هرگاه حکمی کنم، برگشت ناپذیر است، و من به تونسبت به امت، چنان بخشش و عطا کردم که با خشکسالی هلاکشان نکنم و دشمنی از امت‌های دیگر را هم بر آنان چیره نگردانم که همگی را هلاک کند، اما وضع بدان جا می‌انجامد که برخی یکدیگر را هلاک می‌نمایند و بعضی، بعضی دیگر را می‌کشند و برخی، دیگران را به اسارت می‌گیرند.

راوی می‌گوید: پیامبر ﷺ افزود: برای امتم جز از رهبران گمراه کننده نمی‌ترسم، زیرا اگر میان امتم [به سبب فتنه‌ای که آنها ایجاد می‌کنند] شمشیر برکشیده شود، جنگ و درگیری تا روز قیامت از میانشان رخت بر نخواهد بست.^۱

ابن ماجه درس ۲/ ۱۳۰۴ همین حدیث را نقل کرده و می‌افزاید: «گروهی از امتم بت‌ها را خواهند پرستید و برخی از آنان به مشرکان خواهند پیوست، هم چنین پیش از رستاخیز، دجال‌هایی دروغ پرداز ظهور می‌کنند، که نزدیک به سی نفرند و هر کدام می‌پندارد پیامبر

۱. مشابه آن در مسند احمد ۵/ ۲۷۸ و نیز صحیح مسلم ۴/ ۲۲۱۵.

است! اما همواره خدا گروهی از اتم را نصرت و یاری می‌نماید، و مخالفان نمی‌توانند زیانی به آنها برسانند، تا آن که سرانجام امر الهی فرارسد.

شخصی که این روایت را از ابن ماجه نقل کرده می‌گوید: او درباره‌ی این حدیث گفت: چه هراس آور است!^۱

ابن ابی شیبہ در المصنف ۸/ ۶۵۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودیم و ایشان خواب بودند، یکباره از دجال سخن گفتیم، ایشان در حالی که صورتشان برافروخته بود، بیدار شدند و فرمودند: نزد من کسان دیگری برای شما هراس آورتر از دجال هستند؛ رهبران گمراه کننده.»

در مسند احمد ۵/ ۳۸۹ به نقل از حذیفه آمده است: «نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از دجال سخن به میان آمد، ایشان فرمودند: نزد من فتنه‌ی برخی از شما، ترسناکتر از فتنه‌ی دجال است.»^۲

همان ۵/ ۱۴۵ به نقل از ابوذر آمده است: «با رسول خدا صلی الله علیه و آله راه می‌رفتم که فرمودند: برای اتم از غیر دجال بیشتری ترسم - و این را سه بار تکرار فرمودند -، عرض کردم: ای رسول خدا! از چه امری بیش از دجال برامت بیمناکید؟ فرمود: رهبران گمراه کننده.»

همودر ۱/ ۹۸ از امیرالمؤمنین علیه السلام آورده است: «نزد پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که خواب بود سخن از دجال به میان آوردیم، آن حضرت در حالی که صورتشان برافروخته بود بیدار شدند و فرمودند: من از امر دیگری غیر آن برای شما بیشتری ترسم و هراسم و عبارتی فرمودند.»

راوی بیم آن داشته که عبارت حضرت را ذکر کند و بر حاکمان زمانش منطبق باشد!

صحیح‌ه‌ی البانی ۲/ ۲۷۱ ح ۵۴ به نقل از شداد بن اوس آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از اموری که بیشترین بیم را براتم از آن دارم، رهبران گمراه کننده اند. اگر [به سبب آنها

۱. نظیر آن در سنن ابوداود ۴/ ۹۷، سنن ترمذی ۴/ ۴۱۰ - وی آن را صحیح می‌شمارد - سنن بیهقی ۹/ ۱۸۱، صحیح‌ه‌ی البانی ۷/ ۲ - قسمت نخست آن را آورده است - و مجمع الزوائد ۵/ ۲۳۹ قسمت آخر آن را بنابر روایت احمد صحیح دانسته است.

۲. مجمع الزوائد ۷/ ۳۳۵ آن را صحیح دانسته است، مانند آن را در الفردوس ۳/ ۱۳۱ آورده و در حاشیه آمده است: امام عراقی می‌گوید: احمد [فرموده پیامبر را] به روایت از ابوذر با سندی نیکو چنین آورده است: «بیشتر از دجال از غیر او برای شما می‌هراسم. پرسیدند: غیر او کیست؟ فرمود: رهبران گمراه کننده.»

میان امت [شمشیر کشیده شود، تا روز قیامت از میان نخواهد رفت. »

در سبیل الهدی و الرشاد ۱۳۸/۱۰ آمده است: «ابویعلی و ابن حبان از ابوسعید و ابوهریره نقل کرده اند که رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که فرمانروایانی نادان بر آنها حکومت کنند. آنها بدان را مقدم داشته، تظاهر به دوستی خوبان می کنند، و نماز را از وقت آن به تأخیر می اندازند. هر کسی از شما آن زمان را دریابد، کارگزار، لشکری، مأمور جمع آوری مالیات و یا خزانه دار آنان نباشد.

احمد بن منیع از راویانی مورد اطمینان، و نیز ابن ابی شیبیه و ابویعلی به نقل از ابوهریره آورده اند که رسول خدا ﷺ فرمود: از هفتادمین سال پس از هجرت، و حکمرانی کودکان به خدا پناه برید. همچنین به نقلی که آن را معتبر دانسته است از ابن عباس و او از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: فرمانروایانی بر شما حکمرانی خواهند کرد که بدتر از مجوس اند.»

در حلیة الاولیاء ۶۹/۷ به نقل از سفیان آمده است که رسول خدا ﷺ به سلمان فرمود: «طعام حکمرانان پس از من، مانند طعام دجال است، هر کسی از آن بخورد، قلب او دگرگون گردد.»

پیشوایان گمراه کننده، خون عترت پیامبر ﷺ و امت را می ریزند

رسول خدا ﷺ در سخنان خود پیرامون پیشوایان گمراه کننده، خبر داده اند که آنان خون اهل بیت آن حضرت را خواهند ریخت. اما پیروان حاکمان گمراهی این طایفه از احادیث را که در بردارنده ی ظلم آنان نسبت به عترت می باشد، حذف کردند!

در امالی شیخ طوسی / ۵۱۲ از عبدالله بن یحیی حضرمی آمده است: «از حضرت امیر علی (ع) شنیدم که فرمود: نزد پیامبر ﷺ نشسته بودیم - و ایشان خواب و سرمبارکشان در آغوش من بود - که سخن از دجال به میان آوردیم. حضرت با چهره ای برافروخته، بیدار شدند و فرمودند: برای شما امور دیگری هراس آورتر از دجال هستند؛ رهبران گمراه کننده و ریختن خون عترت پس از من. با هر کس که با عترت دشمنی کند، دشمن هستم و با هر آنکه با

دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

ایشان از در صلح و دوستی در آید، دوست.»^۱

در امالی شیخ طوسی / ۶۵ و نیز امالی شیخ مفید / ۲۸۸ آمده است که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه فرمودند: «هنگامی که آیه‌ی إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ^۲، چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد، بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، به من فرمودند: یا علی! یاری خدا و پیروزی فرا رسیده است، پس هنگامی که دیدی مردم گروه گروه در دین خدا وارد می شوند، پروردگارت را ستایش کرده، آموزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است. یا علی! خداوند متعال هم چنانکه جهاد با مشرکین را در کنار من، برای مؤمنین واجب نموده، جهاد در فتنه‌ی پس از من را نیز برای ایشان فرض و لازم قرار داده است.

پرسیدم: ای رسول خدا! کدام فتنه است که جهاد در آن برای ما واجب است؟ فرمود: فتنه‌ی گروهی که به یگانگی خدا و رسالت من شهادت می دهند، اما با سنت من مخالفت کرده و به دین من ضربه می زنند!

عرضه داشتم: ای رسول خدا! به چه عنوانی با آنان بجنگیم در حالی که به توحید خدا و رسالت شما گواهی می دهند؟ فرمود: برای این که در دین بدعت ایجاد کرده، از فرمان من دوری می‌گزینند و ریختن خون عترتم را روا می‌دارند.

عرض کردم: یا رسول الله! شما مرا وعده‌ی شهادت داده‌اید، از خدا بخواهید که آن را زودتر قسمت من کند.

فرمود: آری، به تو وعده‌ی شهادت داده‌ام، اما صبر و بردباری تو هنگامی که این [محاسن] با این [خون سرت] خضاب شود چگونه خواهد بود؟ و به سر و ریش من اشاره کرد.

گفتم: ای رسول خدا! اینکه برای من فرمودید مقام صبر نیست، بلکه مقام سرور و شایان سپاسگزاری است.

فرمود: آری، پس آماده احتجاج باش، چرا که تو با امت من به احتجاج خواهی پرداخت. گفتم: یا رسول الله! راه پیروزی را به من بنمایانید. فرمود: هرگاه گروهی را دیدی که از

۱. مشابه آن در احتجاج ۱/ ۳۹۵

۲. سوره‌ی فتح ۱/

هدایت به سمت گمراهی روی آورده اند، با آنان احتجاج کن، چون هدایت از خداست و گمراهی و ضلالت از شیطان.

یا علی! هدایت، پیروی از فرمان خداست، نه در پی هوی و هوس و رأی بودن. گویا می بینم که با کسانی مواجه خواهی بود که قرآن را تأویل [باطل] می برند، مرتکب شبهات گشته، شراب را به نام نبیذ حلال می شمردند، در پیمان و میزان با مردم کم فروشی کرده، با پرداخت زکات و صدقه از مال حرام، در صدد جبران آن هستند، و مال حرام را به نام هدیه می ستانند.

عرضه داشتم: ای رسول خدا! آنان با چنین اعمالی مرتدند یا گرفتاران فتنه؟ فرمود: آنها گرفتاران فتنه اند و در آن سرگردان خواهند بود، تا آنکه عدالت ایشان را دریابد.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! عدالت از ناحیه ی ما خواهد بود یا کسانی دیگر؟ فرمودند: البته که از ناحیه ی ماست، خدا تنها با ما آغاز کرده و تنها با ما هم به پایان می رساند. پس از گرفتاری مردم به شرك، تنها به سبب ما بود که بین قلوب الفت ایجاد نمود، و پس از فتنه ها نیز فقط به واسطه ی ماست که بین قلب ها ایجاد الفت خواهد کرد.

پس گفتم: سپاس مخصوص خداوند است برای فضلی که از خود به ما عطا فرموده است.

نگارنده: منابع اهل سنت پاره ای از این حدیث را آورده اند، ولی آن قسمت هایی را که مربوط به پیشوایان گمراهی می باشد حذف کرده اند! و البته این شگرد آنها دراز میان بردن مفاهیم حساس از سنت پیامبر اکرم ﷺ است.

حاکم نیشابوری در المستدرک ۱۴۹/۳ از ابوهریره آورده است: «پیامبر ﷺ به علی، فاطمه، حسن و حسین نگریست و فرمود: من با هر آن که با شما دشمنی کند دشمن، و با هر که با شما از در صلح و دوستی در آید دوست هستم.» حاکم این حدیث را صحیح دانسته و با حدیث مشابه دیگری از زید بن ارقم تأیید می کند، در آن آمده است: «با کسی که شما با او دشمن باشید، دشمنم و با هر که در صلح و آشتی باشید، در آشتی هستم.»

هم چنین سنین این حدیث را از زید بن ارقم، ابوسعید خدری، ام سلمه و دیگران روایت

کرده و آورده‌اند: هنگامی که آیه‌ی تطهیر نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله این حدیث را چندین مرتبه تکرار کردند. ایشان چهل روز به هنگام صبح به در خانه‌ی حضرت علی علیه السلام می‌رفتند و آیه را می‌خواندند و این حدیث را تکرار می‌فرمودند. هم چنان‌که نقل کرده‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله این حدیث را در محله‌ای در مدینه ذکر نمودند و در مناسبت‌های دیگر تکرار می‌کردند، و در آن بیماری که منجر به وفاتشان شد، بر آن تأکید فرمودند.^۱

کوشش‌ها برای تبرئه‌ی صحابه از وصف گمراهگری

مسند احمد ۱/ ۴۵۸ از ابن مسعود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را پیش از من در امتی مبعوث نکرد، مگر آنکه یارانی خاص و اصحابی داشت که به سنت او عمل، و دستوراتش را پیروی می‌کردند، اما پس از آنها کسانی می‌آمدند که بدانچه می‌گفتند عمل نمی‌کردند، و کارهایی را مرتکب می‌شدند که بدان امر نشده بودند.»^۲

مسلم در صحیح خود ۱/ ۶۹ آن را نقل می‌کند و می‌افزاید: «ابورافع [که این حدیث را از ابن مسعود روایت می‌کند] می‌گوید: این حدیث را برای عبدالله بن عمر نقل کردم، اما وی نپذیرفت. پس از مدتی ابن مسعود وارد مدینه شد و در یکی از نواحی آن منزل گزید. عبدالله بن عمر از من خواست تا به همراه او به ملاقات ابن مسعود بروم، من نیز اجابت کردم. وقتی نزد وی نشستیم از وی درباره‌ی این حدیث پرسیدم و همان گونه که من برای ابن عمر روایت کردم، ابن مسعود نیز نقل نمود.»

طبرانی در المعجم الکبیر ۲۲/ ۳۶۲ و ۳۷۳ آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسانی بر شما حکمرانی خواهند کرد که اختیار روزی شما را به دست می‌گیرند، با شما سخن به دروغ می‌گویند و کرداری ناپسند را شیوه‌ی خود قرار می‌دهند، از شما راضی نخواهند شد تا اینکه

۱. مسند احمد ۲/ ۴۴۲، سنن ابن ماجه ۱/ ۵۲، سنن ترمذی ۵/ ۳۶۰، مجمع الزوائد ۹/ ۱۶۹، ابن ابی شیبہ ۷/ ۵۱۲، امالی محاملی ۴۴۷/، صحیح ابن حبان ۱۵/ ۴۳۴، المعجم الاوسط ۳/ ۱۷۹ و ۵/ ۱۸۲ و ۷/ ۱۹۷، المعجم الصغیر ۳/ ۲، المعجم الکبیر ۳/ ۴۰ و ۵/ ۱۸۴، فضائل سیده النساء، عمر بن شاهین ۲۹، تفسیر ثعلبی ۸/ ۳۱۱، شواهد التنزیل ۲/ ۴۴، تاریخ بغداد ۷/ ۱۴۴، تاریخ دمشق ۱۳/ ۲۱۸ و ۱۴/ ۱۴۴، سیر اعلام النبلاء ۲/ ۱۲۲
۲. نظیر آن در مسند احمد ۱/ ۴۶۱

کارهای قبیح آنان را نیکو شمرده و دروغ آنها را تصدیق نمایید. به اندازه‌ای که به حق تن دهند، از آنان پیروی کنید، اما اگر یا را فراتر گذاشته از حق تجاوز نمودند، اگر کسی در مقابل آنان [ایستاد و] کشته شد، شهید است.»

همان مصدر ۳۷۵/۲۲ به نقل از صدفی آورده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «پس از من خلفایی خواهند آمد، و پس از آنها امیران، در پی ایشان پادشاهان و پس از آنها ستمگران. سپس مردی از اهل بیتم قیام کرده و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان‌که از ستم آکنده شده است.»

نگارنده: نمی‌توان احادیث مربوط به پیشوایان گمراهی را از صحابه دور کرد و دامن آنان را از این مطلب پاک و منزه داشت، چرا که بخاری در صحیح خود ۲۰۸/۷ احادیث حوض را که صراحت دارد در اینکه اکثر صحابه پس از رسول خدا ﷺ راه انحراف را در پیش گرفتند و لذا در آتش داخل خواهند شد و جز افراد اندکی از آنان نجات خواهند یافت، نقل نموده است.

وی از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «درحالی که ایستاده‌ام، می‌بینم گروهی می‌آیند، همین که آنان را می‌شناسم، یکباره فرشته‌ای از میان من و آنان خارج شده، خطاب به آنان می‌گوید: بیاید، پس من می‌گویم: به کجا؟ وی پاسخ می‌دهد: به خدا سوگند به سوی آتش، می‌پرسم: چه کرده‌اند؟ می‌گوید: آنان پس از شما راه ارتداد را در پیش گرفته، قهقرا به عقب بازگشتند! سپس گروهی [دیگر] می‌آیند، همین که آنان را می‌شناسم، یکباره فرشته‌ای از میان من و آنان خارج شده، خطاب به آنان می‌گوید: بیاید، پس من می‌گویم: به کجا؟ وی پاسخ می‌دهد: به خدا سوگند به سوی آتش، می‌پرسم: چه کرده‌اند؟ می‌گوید: آنان پس از شما راه ارتداد را در پیش گرفته، قهقرا به عقب بازگشتند! پس نمی‌بینم کسی از آنان نجات یابد، مگر به تعداد شترانی که از گله جدا و گم شده‌اند.»

نکته‌ای شایان توجه: احادیث خروج بر رهبران گمراهی به واسطه‌ی دستبرد دستگاه سلطه، مورد تناقض گویی راویان قرار گرفته است، لذا می‌بینیم برخی از احادیث از هرگونه قیامی در مقابل آنان نهی می‌کند، گرچه هر نوع ظلمی را مرتکب شوند. این در حالی است که بعضی دیگر فرمان به قیام و ایستادگی در مقابل آنان می‌دهد، حتی اگر منجر به شهادت گردد. برخی نیز تا زمانی

دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

که آنان نماز را برپا می‌دارند، از خروج نهی می‌کند!

پیروی از حاکمان موجب گمراهی است، و سرپیچی موجب مرگ!

المعجم الكبير ۸/ ۱۷۶ از ابی امامه آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بر اتمم از گرسنگی ای که آنان را هلاک و دشمنی که آنان را از پای درآورد نمی‌هراسم، بلکه برایشان از پیشوایانی گمراه کننده بیم دارم، که اگر از آنان اطاعت کنند آنها را به گمراهی می‌کشانند، و اگر عصیان کنند به قتل رسانند.»

المعجم الصغير ۱/ ۲۶۴ به نقل از معاذ بن جبل از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می‌آورد: «هدیه را تا وقتی که هدیه است بپذیرید، اما اگر به رشوه‌ی در قبال دین تبدیل شد، از پذیرش آن خودداری کنید، و البته شما آن را خواهید پذیرفت، چرا که فقر و نیازمندی به شما اجازه نمی‌دهد. بدانید دنیا به کام مشرکان - یعنی همان کسانی که در پی عیش و بطالت بودند - گشت، اما تمامی آنان کشته شدند و از میان رفتند. آگاه باشید که اسلام است که پایدار می‌ماند، پس با کتاب خدا باشید، هر کجا که رفت.

بدانید کتاب خدا و حاکمیت از یکدیگر خواهند گسست [و حاکمان به آنچه خداوند نازل فرموده حکم نخواهند کرد، هم چنان که همین طور شد] پس از کتاب جداشوید. آگاه باشید که فرمانروایانی خواهند آمد که در آنچه به سود خودشان است برای خود حکم می‌کنند، اما در آنچه به سود شما باشد برای شما حکم نمی‌کنند، اگر از آنان اطاعت نمایید شما را گمراه می‌کنند، و اگر سرپیچی کنید به قتل می‌رسانند.

معاذ پرسید: ای رسول خدا! در چنین شرایطی چه کنیم؟ فرمود: همان کاری که یاران عیسی بن مریم کردند، با آره تکه تکه شدند و بر صلیب‌ها آویزان گشتند [اما زیر بار ستم نرفتند]، مرگی که در اطاعت فرمان خدا باشد، بهتر از زندگی در نافرمانی اوست.^۱

عبدالرزاق صنعانی در المصنف ۱۱/ ۳۲۹ از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «امیرانی بر شما حاکم

۱. المطالب العالیة ۴/ ۲۶۷ - با اندک تفاوتی نسبت به نقل طبرانی - الدر المنثور ۲/ ۳۰۰ و مجمع الزوائد ۵/ ۲۲۷ -

هیشمی آن را توثیق کرده است -

خواهند شد که برخی از فرامین [الهی] را کنار می گذارند، هر کسی با آنان مخالفت کند، [در آخرت] نجات می یابد، و کسی که کردار آنان را ناپسند شمارد جان به سلامت به در می برد یا لا اقل امید آن می رود، و هر کسی که در میان آنان باشد هلاک گشته یا در شرف تباهی خواهد بود.»
همودر ۱۱/ ۳۳۰ از حسن بصری مشابه این روایت را نقل می کند و در ادامه می افزاید: «گفتند: ای رسول خدا! آیا با آنان مبارزه نکنیم؟ فرمود: تا وقتی که نماز می خوانند، نه.»^۱

این احادیث [که گاهی در بردارنده ی لفظ امام است، گاه خلیفه و گاهی امیر] خود دلیل بر آن است که مقصود از امراء، خلفاء و پیشوایان یکی می باشد و آن هم حکام پس از ایشان است.

معرفی پیشوایان گمراهی توسط امیر المؤمنین علیه السلام

در نهج البلاغه ۲/ ۱۸۸ آمده است که شخصی از امیر المؤمنین علیه السلام درباره ی احادیث بدعت آور و گوناگونی روایاتی که در میان مردم رواج داشت پرسید، ایشان فرمودند: «بعضی از احادیثی که در دست مردم است، حق است و برخی هم باطل، هم راست دارد و هم دروغ، هم ناسخ و هم منسوخ، هم عام و هم خاص، هم محکم و هم متشابه، هم احادیثی که درست ثبت شده و هم احادیثی که با ظن و گمان روایت شده است. در زمان پیامبر آن قدر به ایشان نسبت دروغ دادند که ایشان به سخنرانی ایستاد و فرمود: هر کسی عمداً نسبت دروغ به من دهد، در جایگاهش در آتش منزل کند.

کسانی که برای حدیث نقل می کنند، تنها چهار دسته اند و پنجمی ندارند: اول منافقی که تظاهر به ایمان می کند و خود را به آداب اسلام جلوه می دهد، [اما] از گناه پرهیز نکرده، باکی ندارد، و از روی عمد به پیامبر نسبت دروغ می دهد! اگر مردم می دانستند که او منافق و دروغگوست، سخنش را نپذیرفته و گفتارش را تصدیق نمی کردند، ولیکن گفتند: او همراه رسول خدا بوده، حضرت را دیده و از ایشان شنیده و فرا گرفته است، و لذا سخنش را می پذیرند. ولی خدا درباره ی منافقین به تو خبر داده و آنان را برای تو و وصف نموده

۱. مانند حدیث در المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۶۲۰ سنن ترمذی ۳/ ۳۶۱ - با تفاوتی اندک، نقل می کند و صحیح می شمارد - المعجم الکبیر طبرانی ۱۱/ ۳۹، سنن بیهقی ۸/ ۱۵۷، المعجم الأوسط ۱/ ۲۵۲ و ۵/ ۳۷۴، مسند الشامیین ۱/ ۳۷۱ مسند ابویعلی ۱۰/ ۳۰۸ و مسند بزار ۶/ ۶۱.

دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

است. منافقان، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله با دروغ بستن و بهتان زدن، به پیشوایان گمراهی و دعوت کنندگان به سوی آتش تقرّب جستند، و لذا حاکمان ایشان را ولایت دادند و برگردن مردم سوار کردند و به وسیله‌ی آنان دنیا را به کام خود درآوردند. مردمان تنها با سلاطین و دنیا هستند، مگر کسی که خدا او را نگاه دارد. این یکی از آن چهار گروه است...»^۱

در کافی ۶۲/۸ از حضرت امیر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان در حالی که از امت شکوه می‌کرد فرمود: «والیانی که پیش از من بودند اموری را برخلاف دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتکب شدند، در حالی که از روی عمد در صدد مخالفت با آن حضرت بودند، عهد او را نقض کردند و سنت او را تغییر دادند. اگر مردمان را بر ترک آنها وامی‌داشتیم، و آن امور را به جایگاه‌های خود و آن گونه که در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله بود باز می‌گرداندم، هرآینه لشکریانم از پیرامون من پراکنده می‌شدند... به خدا سوگند به مردم دستور دادم که در ماه رمضان جز برای انجام فریضه و نماز واجب گرد نیایند، به آنها گفتم که تجمّعیان برای نوافل و نمازهای مستحبی بدعت است، اما برخی از سپاهیانم و کسانی که در کنار من می‌جنگیدند فریاد برآوردند: ای مسلمانان! سنت عمر دگرگون شد، او ما را از نماز مستحبی در ماه رمضان نهی می‌کند! و ترسیدم در ناحیه‌ای از لشکرم بشورند. چه افتراق و از هم گسستگی، اطاعت از پیشوایان گمراهی و دعوت کنندگان به سوی آتش که من از این امت دیدم.»

معرفی رهبران گمراهی توسط عبادۀ بن صامت

ابن ابی شیبۀ در المصنف ۶۹۶/۸ روایت می‌کند: «عبادۀ بن صامت از شام به قصد حج، به مدینه آمد. در مدینه نزد عثمان بن عفان رفت و گفت: ای عثمان! آیا تو را از آنچه که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم آگاه سازم؟ عثمان گفت: بگو! عبادۀ گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: بر شما کسانی به حکومت خواهند رسید که شما را به آنچه درست می‌دانید فرمان می‌دهند، ولیکن آنچه را که زشت و ناپسند می‌شمارید، انجام می‌دهند. اینان بر شما هیچ گونه حق اطاعتی ندارند.»

حاکم در المستدرک ۳/ ۳۵۷ از عبادہ چنین آورده است: «بر شما فرمانروایانی سرکار خواهند آمد که به آنچه درست می دانید فرمان می دهند، ولیکن آنچه را که زشت و ناپسند می شمارید انجام می دهند، اینان بر شما هیچ گونه حق اطاعتی ندارند، پس خود را سرزنش نکنید. آنگاه افزود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، معاویه از شمار آنان است، و عثمان هیچ اعتراضی براو نکرد.»^۱ **حاکم این روایت را بنا بر شرط بخاری و مسلم صحیح می شمارد.**

در مسند ابوسعید شاشی ۳/ ۱۷۲ از رفاعة نقل کرده است: «عبادة بن صامت در شام شترانی را دید که بار آنها شراب بود، پرسید: بارشان چیست؟ روغن است؟ گفتند: نه، شراب است و برای معاویه به فروش می رسد. عبادہ هم چاقویی بزرگ از بازار تهیه کرد و به طرف بارها رفت و همه مشک ها را پاره نمود.

معاویه به ابوهریره که در آن زمان در شام بود پیغام داد و گفت: آیا جلوی برادرت عبادة بن صامت را نمی گیری؟ او صبح ها به بازار می رود و کسب و کار ذمیان را فاسد می کند، و شب در مسجد می نشیند و کاری جز آبروریزی و عیب جویی از ما ندارد. جلوی برادرت را بگیر.

ابوهریره نزد عبادہ رفت و گفت: ای عبادہ! با معاویه چه کار داری؟ بگذار هرکاری می خواهد انجام دهد! خدا در قرآن می فرماید: **تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ**^۲، آنان امتی بودند که گذشتند، دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست.

عبادہ پاسخ داد: ای ابوهریره! وقتی که ما با رسول خدا ﷺ بیعت کردیم، تونبودی، ما با ایشان بیعت کردیم که در همه ی حالات، چه در حال نشاط و چه در کسالت از ایشان اطاعت و پیروی کنیم، و در حال تنگدستی و گشاده دستی اتفاق نماییم، امر به معروف و نهی از منکر کنیم و در راه خدا سخن بگوییم و از سرزنش ملامت گران هراس نداشته باشیم. با ایشان بیعت کردیم که هنگامی که نزد ما به یثرب آمد، او را یاری کنیم و چنان که خود و

۱. مشابه آن در مسند احمد ۵/ ۳۲۹

۲. سوره ی بقره / ۱۳۴

دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

همسران و خاندانمان را حفظ می‌کنیم، از ایشان نیز محافظت نموده و در مقابل، پاداشمان بهشت باشد و هرکسی به بیعت خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله وفادار بماند، خداوند بهشت را به او ارزانی خواهد داشت، ومن نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، و کسی که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند.

ابوهریره وقتی این سخنان را شنید، دیگر چیزی نگفت.

معاویه به عثمان در مدینه نوشت که عبادۀ بن صامت، شام را برمن شورانده است، پس یا دست از سرما بردارد، یا اینکه او را با شام رها می‌کنم. عثمان در پاسخ معاویه نوشت که عبادۀ را روانه‌ی مدینه کن. معاویه هم همین کار را کرد. وقتی عبادۀ برعثمان وارد شد، جز عثمان کسی از صحابه در آنجا نبود، اما از تابعین که صحابه را درک کرده بودند جماعت بسیاری حضور داشتند. عثمان متوجه او نشد تا اینکه یکباره او را در گوشه‌ای دید که نشسته است، پس رو به عبادۀ کرد و گفت: ما با توجه کار داریم؟

عبادۀ تمام قامت برخاست و گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: پس از من کسانی امورتان را در دست خواهند گرفت که آنچه را زشت و ناپسند می‌دانید، برای شما خوب معرفی می‌کنند، و آنچه را خوب و درست می‌دانید، بد و نادرست می‌شمارند. برای کسی که نافرمانی خدا را می‌کند هیچ حق اطاعتی نیست، پس از راه پروردگارتان گمراه نشوید. سوگند به خدایی که جان عبادۀ در دست اوست، معاویه از شمار آنان است.

عثمان هم هیچ اعتراضی براو نکرد.^۱

۱. سوره‌ی فتح ۱۰/

۲. منابع دیگری نیز این جریان را نقل کرده‌اند: طبرانی آن را در مسند الشامیین ۲/ ۲۸۲ از عبدالله بن عمرو به اختصار آورده است، ذهبی نیز در سیر اعلام النبلاء ۲/ ۹ آن را می‌آورد، و البانی در صحیحی ۲/ ۱۳۸ آن را صحیح شمرده است.

تصریح پیامبر ﷺ بر اینکه برخی پیشوایان گمراهی از صحابه هستند!

عبدالرزاق در المصنف ۱۱/۳۴۵ از جابر نقل کرده است که رسول خدا ﷺ به کعب بن عجره فرمود: «خدا تو را از شر حکمرانی سفیهان حفظ کند. وی پرسید: مقصود از حکمرانی اینان چیست؟ فرمود: امرایی پس از من خواهند بود که به راهنمایی من رهنمون نشده و به ستم گردن نمی‌نهند. کسانی که دروغ ایشان را راست انگارند و در ستم یاریشان نمایند، از من نیستند و من هم از ایشان نیستم و در کنار حوض نزد من نمی‌آیند. اما کسانی که دروغ ایشان را راست نمی‌انگارند، و بر ستم یاری نمی‌نمایند، از منند و من نیز از ایشان هستم و در کنار حوض نزد من می‌آیند.

ای کعب بن عجره! روزه سپری [در برابر آتش] است، صدقه گناه را محومی کند و نماز موجب نزدیکی به خداست.

ای کعب بن عجره! کسی که گوشت بدنش از مال حرام روییده باشد، هرگز وارد بهشت نمی‌شود و او سزاوار آتش است.

ای کعب بن عجره! مردمان دو گونه‌اند: یا خود را می‌خرند و آزاد می‌کنند، یا خود را فروخته، گرفتار می‌نمایند.^۱

در مسند احمد ۵/۱۱۱ از خباب بن ارت نقل می‌کند: «بردر خانه‌ی رسول خدا ﷺ منتظر ایشان بودیم تا برای نماز ظهر بیرون بیایند. وقتی بیرون آمدند، فرمودند: به گوش باشید، گفتیم: گوش به فرمانیم، دوباره فرمود: گوش کنید، و پاسخ دادیم: گوش به فرمان هستیم، آنگاه فرمود: کسانی بر شما حکومت خواهند کرد، آنان را در ستمشان یاری ننمایید. هر کس دروغشان را راست انگاشت، هرگز در کنار حوض نزد من نخواهد آمد.^۲»

۱. مانند آن در مسند احمد ۳/۲۳۱

۲. مشابه آن در مسند احمد ۶/۳۹۵ و ۵/۳۸۴ و ۴/۲۴۳ و ۲۶۷، مسند ابن المبارک ۱۶۳، سنن ترمذی ۲/۵۱۲ و ۱۳۷، صحیح ابن حبان ۵/۹، المعجم الكبير ۳/۱۳۵، المسند الجامع ۱۰/۷۴۹، تاریخ بغداد ۵/۳۶۱، المستدرک ۱/۷۸ و ۴/۱۲۶ - وی آن را صحیح دانسته است - و مجمع الزوائد ۵/۲۴۸ می‌نویسد: این حدیث را احمد و بزار روایت کرده‌اند و سند روایت احمد و یکی از روایات بزار صحیح می‌باشد.

دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه
منزلت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه
حکومت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجله‌الله تعالی فرجه‌ه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

مسلم در صحیح خود ۶ / ۲۰ روایت کرده است که رهبران گمراهی بلافاصله پس از پیامبر صلی الله علیه و آله خواهند بود. او چنین نقل می‌کند: «حذیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا! ما گرفتار شرّ و بدی بودیم و خدا خیری آورد که اکنون در آن به سر می‌بریم، آیا پس از این خیر، شرّی هست؟ فرمود: آری! پرسید: آیا در پس آن، خیری خواهد بود؟ فرمود: آری! گفت: آیا پس از آن خیر، شرّ دیگری هست؟ فرمود: بلی، گفت: چگونه؟ فرمود: پس از من رهبرانی خواهند بود که به راهنمایی من رهنمون نمی‌شوند و از سنت من پیروی نمی‌کنند. در میان آنها مردانی خواهند بود که قلب‌هایشان قلب‌های شیاطین است که در بدن‌های آدمیان قرار دارد. پرسید: ای رسول خدا! اگر آن زمان را دریافتم، چه کنم؟ فرمود: فرمان حاکم را شنیده، از او اطاعت می‌کنی، گرچه بر پشت بزند و مالت را بستاند، پس بشنو و اطاعت کن.»

عمری گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی رهبران گمراه کننده مخفیانه با من سخن گفتند!

در مسند احمد ۱ / ۴۲ آمده است که عمر به کعب الاحبار گفت: «از تو مطلبی را می‌پرسم، پس جوابش را کتمان نکن! کعب گفت: به خدا قسم آنچه را بدانم از تو مخفی نخواهم داشت! عمر پرسید: از چه چیزی بیشتر بر امت محمد بیم داری؟ کعب پاسخ داد: رهبران گمراه کننده! عمر گفت: راست گفتی، رسول خدا این مطلب را مخفیانه به من گفته بود.»^۱

طبرانی در مسند الشامیین ۲ / ۹۷ از کعب الاحبار از عمر بن خطاب نقل می‌کند که رسول خدا مخفیانه به من فرمود: «بیش از هر چیزی برای امتم، از پیشوایان گمراهی می‌هراسم. کعب می‌گوید: من هم گفتم: به خدا سوگند، از چیزی به جز آنها برای این امت نمی‌ترسم.»

پیامبر صلی الله علیه و آله تنها یک بار به خانه‌ی عمر آمد!

حلیة الاولیاء ۵ / ۱۱۹ به نقل از عمر بن خطاب می‌نویسد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که غم را در چهره‌شان احساس می‌کردم، دست به ریش من زد و فرمود: إنا لله و إنا الیه راجعون! ۱. هیشمی در مجمع الزوائد ۵ / ۲۳۹ می‌نویسد: احمد این حدیث را نقل نموده و راویان آن همه مورد اطمینان هستند.

جبرئیل هم اکنون نزد من آمد و گفت: إنا لله وإنا إليه راجعون! گفتم: درست است، ما برای خداییم و به سوی او باز می گردیم، اما چرا این آیه را خواندی؟ پاسخ داد: با گذشت اندک زمانی پس از شما امت گرفتار فتنه می شوند، پرسیدم: فتنه کفرا گمراهی؟ گفت: هر دو خواهد بود! گفتم: چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که کتاب خدا را میان آنها به جا خواهی گذاشت؟ در پاسخ گفت: با کتاب خدا دچار فتنه می گردند و این کار توسط امیران و قاریان انجام می پذیرد! امیران مردم را از حقوقشان باز داشته، به آنان ستم می کنند که این کار منجر به جنگ و جدال شده، فتنه ی مردمان را در پی خواهد داشت! قاریان هم از خواست امیران پیروی می کنند و بر ضلالت آنان افزوده، خودداری نمی نمایند.

پرسیدم: چگونه می توان از دست اینان جان به سلامت به در برد؟ جبرئیل گفت: با خویشتن داری و شکیبایی! اگر حقوقشان را دادند بگیرند، اما اگر منع کردند از آن بگذرند. «الدر المنثور ۳/ ۱۵۵: «حکیم ترمذی از عمر بن خطاب نقل کرده است: رسول خدا ﷺ به

سراغ من آمد، من اندوه را در چهره ی ایشان مشاهده می کردم، پس ریش مرا گرفته...»^۱ در گزارش دیگری نیامده که رسول خدا ﷺ غیر از این مورد به خانه ی عمر رفته باشند!

علت گرفتاری امت به رهبران گمراه کننده

علت اینکه این امت به پیشوایان گمراهی دچار شدند، آن است که با فرمان پیامبر ﷺ مخالفت کرده، به بالاترین خدمتی که پیامبری به امت خود کرده است پشت پا زدند. آن حضرت در آن بیماری که منجر به وفاتشان شد، اصحاب را فرا خواندند و خواستند عهده ی بنویسند که آنان را تا روز قیامت از خطر گمراهی نگاه داشته، سروران عالم قرار دهد.

اما قریش احساس کرد که ایشان قصد آن دارد که ولایت حضرت امیر و عترت ﷺ را به طور رسمی بنویسد و از قریش بر آن اقرار بگیرد و آنها را وادار به اطاعت نماید. لذا عمر بن خطاب به پا خواسته، رو در روی پیامبر ﷺ گفت: ما هیچ نیازی به وصیت شما نداریم، کتاب خدا برای ما

۱. و نیز الجلیس الصالح / ۵۹۹ و المعرفة والتاریخ / ۵۸۰

کافی است! قریشیان و طلقاء [آزادشدگان به دست پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه] نیز سخن عمر را تأیید کرده، فریاد زدند: همان که عمر گفت، همان که خدا برای ما کافی است، برای او چیزی نیاورید، او هیچ نخواهد نوشت و گفتار کفر را بر زبان جاری کرده، گفتند: پیامبران هذیان می‌گویند! و صدا به فریاد بلند کردند.

برخی از اصحاب و بعضی زنان آن حضرت فریاد زدند: برای او [قلم و کاغذ] بیاورید تا بنویسد، ولیکن دیگران گفتند: هیچ چیزی نیاورید، از خود او پرسید، هذیان می‌گوید! آنان آمادگی آن را داشتند که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله بر نوشتن وصیت خود اصرار ورزد، ارتداد خود را از اسلام علنی کنند و بگویند که او پیامبر نبوده، بلکه تنها در صدد تأسیس حکومت برای بنی هاشم بوده است. لذا حضرت بر آنان خشمگین شد و آنها را بیرون راند.

این تنها موردی بود که ایشان اصحابش را طرد کرد و آن گونه که بخاری نقل می‌کند فرمود: «از نزد من برخیزید، روا نیست که نزد من اختلاف کنید، حالی که من دارم بهتر از آن چیزی است که مرا بدان فرا می‌خوانید!»

مقصود از آن چه آن حضرت را بدان فرا می‌خواندند آن بود که بر نگاشتن وصیتش اصرار کند و این توجیهی شود بر این که آنان ارتداد خود را علنی سازند.

پس از این ماجرا، ابن عباس پیوسته می‌گفت: مصیبت، تمام مصیبت آن بود که مانع شدند رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را بنویسد.^۱

احادیث پیرامون شجره‌ی ملعونه در قرآن، گمراه‌گران را معلوم می‌کند

خداوند متعال می‌فرماید:

«وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا، هنگامی که به تو [ای پیامبر!] گفتیم: پروردگارت بر همه‌ی مردم احاطه دارد، و آن رؤیا را که به تو نمایانندیم، و [نیز] آن درخت لعنت شده در قرآن را،

۱. این حدیث را بخاری در ۳۶/۱ و شش جای دیگر آورده و تا توانسته آن را کوتاه کرده است! حدیث نگاران دیگر مبسوط‌تر از او روایت کرده‌اند.

جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم، و ما آنان را بیم می دهیم، ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی افزاید.^۱
سنیان روایت می کنند که پیامبر ﷺ این آیه را به رهبران گمراه کننده از بنی امیه تفسیر نموده است.

در مجمع الزوائد ۵/ ۲۴۳ در حدیثی که آن را از ابویعلی نقل و توثیق می کند، آورده است که ابوهریره می گوید: «رسول خدا ﷺ در خواب دید که گویا بنی حکم بر منبرش بالا و پایین می پرند، صبح آن روز با عصبانیت فرمود: چرا باید ببینم که بنی حکم مانند میمون از منبرم بالا می پرند؟
راوی می افزاید: کسی رسول خدا ﷺ را پس از این ماجرا تا زمانی که از دنیا رفتند، خندان ندید!»

در همین منبع ۵/ ۲۴۰ از عبدالله بن عمرو روایتی را می آورد و آن را صحیح می شمارد، وی می گوید: «نزد پیامبر ﷺ نشسته بودیم و [پدرم] عمرو بن عاص رفته بود تا لباسش را به تن کند و به من پیوندد. آن حضرت در این حال فرمود: مردی ملعون بر شما وارد می شود. به خدا قسم پیوسته هراسان بودم و بیرون و داخل را نگاه می کردم [که ببینم چه کسی می آید] تا این که فلانی وارد شد، مقصود او حکم است.»

المعجم الكبير ۳/ ۹ از امام حسن علیّه السلام در پاسخ به اعتراض شخصی درباره ی صلح با معاویه، نقل می کند که فرمودند: «رسول خدا ﷺ در رؤیا بنی امیه را دید که یکی پس از دیگری بر منبرش سخنرانی می کنند. این رؤیا ایشان را آزد تا آنکه این آیه نازل شد: إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ^۲ همانا ما تو را کوثر دادیم، که نام نهري است در بهشت. هم چنین این آیات نازل گردید: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ^۳، همانا ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم، و تو چه می دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر برتر و بالاتر است از هزار ماه، که بنی امیه در آن حکومت می کنند.

قاسم بن فضل [که از راویان این حدیث است] می گوید: ما حساب کردیم همان هزار ماه

۱. سوره ی اسراء / ۶۰

۲. سوره ی کوثر / ۱

۳. سوره ی قدر / ۳ - ۱

بود، نه کم‌تر و نه بیشتر.^۱

در فتح الباری ۲۸۷/۸ چنین روایت می‌کند: «ابن عباس از عمر درباره‌ی آیه‌ی اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ بَدَلُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ كُفْرًا وَّ اَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ،^۲ آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند، ننگریستی؟ پرسید که منظور این آیه چه کسانی هستند؟ عمر گفت: مقصود، آن دو گروه فاجرتر که از بنی مخزوم و بنی امیه هستند می‌باشد، یعنی دایی‌های من و عموهای تو! اما دایی‌های مرا، خداوند در جنگ بدر از میان برد، ولیکن به عموهای تو تا چندی مهلت داده است!»

ابن حجر در ادامه حدیثی از حضرت امیر علیه السلام می‌آورد [که مقصود، آن دو گروه فاجرتر، یعنی بنی امیه و بنی مغیره می‌باشد، اما بنی مغیره را خداوند در جنگ بدر ریشه کن نمود ولیکن بنی امیه تا چندی مهلت داده شده اند] و درباره‌ی آن می‌گوید: «این حدیث در کتاب عبدالرزاق و نسائی و حاکم نیز هست، علاوه بر آنکه حاکم آن را صحیح دانسته است.»

نگارنده: مقصود عمر از دایی‌هایش، بنی مخزوم است و عمر مادرش حنتمه را به آنها منتسب می‌کرد. اما خالد بن ولید [که خود از بنی مخزوم بود] این انتساب را نمی‌پذیرفت و عمر این آیه را می‌خواند:

«لَيَقْطَعَنَّ ظَرْفًا مِّنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا وَاَوْكَبَتْهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِيْنَ. لَيْسَ لَكَ مِنَ الْاَمْرِ شَيْْءٌ اَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ اَوْ يَعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُوْنَ»^۳ تا خداوند برخی از کسانی را که کافر شدند نابود کند، یا آنان را خوار سازد تا نومید بازگردند. هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست، یا [خدا] بر آنان می‌بخشاید یا عذابشان می‌کند، زیرا آنان ستمکارانند.»

ولیکن معنای آیه [آن گونه که عمر برای شتمات خالد آن را شاهد می‌آورد و چنین می‌نماید که خالد از این کسانی است که مقصود آیه هستند، نمی‌باشد، بلکه] این است: خداوند اراده کرده برخی قبائل قریش را مهلت دهد، و برخی دیگر را با کشتن رهبرانشان و از میان بردن سیاسی

۱. و نیز فضائل الاوقات بیهقی ۲۱۱، سنن ترمذی ۱۱۵/۵، المستدرک حاکم ۱۷۰/۳ وی آن را صحیح دانسته و احادیث دیگری نیز آورده است، رک به ۱۷۵/۳ و ۷۴/۴

۲. سوره‌ی ابراهیم علیه السلام ۲۸/

۳. سوره‌ی آل عمران ۱۲۸ - ۱۲۷

از میدان به در برده، از صحنه‌ی مقابله با اسلام خارج کند. از این رو در تاریخ، نقش مهمی از اینان نمی‌بینیم.

گروهی از آنان بنو عبد الدار هستند، کسانی که سوارکاران و جنگجویان قریش بودند و امیرالمؤمنین علیه السلام در بدر و احد بیش از ده تن از جنگ آوران آنان را کشت، که همگی جزء قهرمانان و پرچمداران قریش بودند.

گروهی دیگر بنو مغیره، که خاندان ریاستمدار از بنی مخزوم اند و پس از کشته شدن ابو جهل در جنگ بدر، دیگر خبری از آنان نیست. از میانشان تنها یک جنگجو باقی ماند و او خالد بن ولید بود که بعدها پسرش عبد الرحمن در خلافت طمع کرد و معاویه وی را کشت.

همچنین پس از ابو بکر و عمر، دوران دو قبیله‌ی تیم و عدی نیز به سرآمد و فقط امیه و هاشم در صحنه سیاسی باقی ماندند.

گرچه در منابع حدیثی اهل سنت چنان که گذشت مقصود از آیه تنها برخی از قبایل قریش عنوان شده اند، ولیکن در منابع و روایات ما، رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام تأکید دارند که نه تنها بنی امیه و بنی مخزوم، بلکه تمامی قریش، مسئول و پاسخگوی کفران و تغییر نعمت الهی هستند. امام صادق علیه السلام به عمرو بن سعید که از حضرت پیرامون همین آیه سؤال کرد، فرمودند: «شما در مورد این آیه چه می‌گویید؟ پاسخ داد: ما می‌گوییم که آنان دو گروه فاجرتر قریش یعنی بنی امیه و بنی مخزوم هستند. حضرت فرمود: بلکه مقصود تمامی قریش است. خداوند به پیامبرش فرمود: من قریش را بر عرب برتری دادم و نعمتم را بر آنان تمام کردم و رسولی برایشان فرستادم، اما آنان کفران نعمت کردند و فرستاده‌ی مرا تکذیب نمودند.»^۱

در کافی ۸/ ۳۴۵ از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: «صبح هنگامی رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفته و غمگین بودند، امیرالمؤمنین علیه السلام خدمت ایشان عرض نمود: ای رسول خدا! چرا شما را ناراحت و محزون می‌بینم؟ فرمودند: چرا چنین نباشم و حال آن که دیشب در خواب دیدم بنی تیم و بنی عدی و بنی امیه از منبرم بالا می‌روند و مردم را از اسلام به قهقرا به

۱. تفسیر عیاشی ۲/ ۲۲۹ و نیز رک به کافی ۸/ ۱۰۳

جاهلیت باز می گردانند، پرسیدم: پروردگارا! این رخداد در زمان حیات من است یا پس از مرگم؟ فرمود: پس از مرگ.»

اهل سنت این روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح می دانند: خلافت پس از من بی سال است

مسند احمد ۴/ ۲۷۳ از نعمان بن بشیر می آورد: «با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودیم. بشیر بن سعد هم که سخنان آن حضرت را به خاطر می سپرد حضور داشت. ابو ثعلبه خشنی آمد و از بشیر پرسید: آیا گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی حاکمان را به یاد داری؟ حذیفه [که حاضر بود] پاسخ داد: من خطبه ایشان را در خاطر دارم، پس ابو ثعلبه نشست. حذیفه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر آن مقداری که خدا بخواهد نبوت میان شما خواهد ماند، و هنگامی که اراده کند آن را برمی دارد، سپس خلافتی به شیوه نبوت، آن مقداری که خداوند اراده نماید خواهد بود، تا آن زمان که آن را براساس مشیت خود بردارد، سپس پادشاهی ستمکارانه ای خواهد بود، تا خداوند بساط آن را برچیند، پس از آن سلطنتی جبارانه خواهد آمد، که آن را هم از میان می برد، در نهایت [مجدداً] خلافتی به شیوه نبوت خواهد بود.

حبیب بن سالم که این روایت را از نعمان نقل می کند می گوید: وقتی عمر بن عبد العزیز بر مسند خلافت تکیه زد، یزید بن نعمان بن بشیر از یاران وی بود. این حدیث را برای یادآوری، به او نوشتم و گفتم: امیدوارم حکومت عمر بن عبد العزیز، آن حکومتی باشد که بعد از آن دو پادشاهی ستمکارانه و جبارانه قرار دارد! یزید بن نعمان نامه ی مرا نزد عمر بن عبد العزیز برد که خوشایند و مسرت وی را در پی داشت.^۱

۱. علی رغم آنچه برخی تصور می کنند، عمر بن عبد العزیز نیز بسان دیگر حاکمان اموی، شخصیتی ظالم بوده است. علامه ی امینی رحمه الله در مورد برداشته شدن بدگویی به حضرت امیر علیه السلام توسط وی، کلامی دقیق دارد که شایسته است بدان مراجعه شود، رک به الغدیر ۱۰/ ۲۶۶

امام زین العابدین علیه السلام درباره ی او می فرماید: هنگامی که بمیرد، آسمانیان بر او لعنت می فرستند، ولی اهل زمین برایش استغفار می کنند، بصائر الدرجات ۱۷۰/ و نباید فراموش کرد که وی از سال ۹۹ تا سال ۱۰۱ هجری که از دنیا رفت، به مدت دو سال خلافت امام باقر علیه السلام را غصب کرده است. م

طیالسی در مسند خود / ۳۱ به نقل از معاذ بن جبل آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند این امر را با نبوت و رحمت آغاز کرد، سپس خلافت و رحمت خواهد بود، پس از آن حکومتی ستمکارانه، و بعد حکومتی جبارانه با زور و غلبه و فساد در زمین خواهد بود که زنا کردن، نوشیدن شراب و پوشیدن حریر را حلال می‌شمارند، در این راه یاری می‌شوند و پیوسته دنیا به کام آنان است، تا خدا را ملاقات کنند.»

در سنن دارمی ۱۱۴/۲ از ابو عبیده از رسول خدا ﷺ چنین می‌آورد: «آغاز دینتان با نبوت و رحمت است، سپس حکومت و رحمت، بعد پادشاهی ای که هیچ خیری در آن نیست، سپس سلطنتی جبارانه که شراب و حریر در آن روا شمرده می‌شود.»^۱

نگارنده: این حدیث صحیح است و بنی امیه را به عنوان «رهبران گمراه کننده» معرفی می‌کند و تصریح دارد که حکومت معاویه و تمام کسانی که پس از وی تا عمر بن عبد العزیز آمدند، حکومتی جبارانه، ظالمانه و غیر شرعی بوده است.

ابن حجر عسقلانی در فتح الباری ۶۱/۸ می‌گوید: «اشاره وی [ذو عمرو یمانی در روایت بخاری]^۲ بدین سخن [که هرگاه پای شمشیر به میان آید، سلطنت و پادشاهی خواهد بود] با حدیثی که احمد و اصحاب سنن آورده‌اند و ابن حبان و دیگران آن را صحیح شمرده‌اند مطابقت دارد که سفینه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

خلافت پس از من سی سال است، و پس از آن به حکومتی ظالمانه تبدیل می‌شود.»

البانی در صحیحه ۷۴۲/۱ می‌نویسد: «این حدیث را احمد، ابوداود، ترمذی و حاکم نقل کرده‌اند و دلیل بر صدق نبوت پیامبر ﷺ است، چون ابوبکر سال ۱۱ هجری بر مسند حکومت نشست و حسن بن علی، سال ۴۱ از خلافت کناره‌گیری کرد که سی سال تمام می‌شود.»

ما سنیان را با این حدیث [که خود صحیح می‌دانند] ملزم می‌نماییم تا بپذیرند حکومت معاویه و امثال وی نامشروع است. لکن ما خود آن را نمی‌پذیریم، چرا که با وصیت متواتر رسول خدا ﷺ

۱. ابویعلی در مسند ۱۷۷/۲ مشابه این حدیث را آورده است، و نیز المعجم الکبیر طبرانی ۸۸/۱۱ با این تفاوت که در آن چنین آمده است: سپس مانند خزان به جان یکدیگر می‌افتند.

دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
اببدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

نسبت به امیرالمؤمنین و عترت علیهم السلام تعارض دارد، هم چنان‌که آن را تلاشی برای خارج کردن عمر بن عبد العزیز از دایره‌ی نکوهش عام و فراگیر پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی بنی امیه می‌دانیم.

حکومت رهبران گمراهی و پیروان آنان تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ادامه دارد

مقدسی سلمی در عقد الدرر/ ۶۲ به نقل از حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آورد: «بدا به حال این امت از پادشاهان جبار که چگونه می‌کشند و چسان می‌ترسانند، مگر کسانی را که آشکارا از آنها اطاعت کنند. مؤمن پارسا، با زبان خود تظاهر به دوستی می‌کند، اما قلباً از آنان گریزان است.

پس آنگاه که خداوند اراده کند دوباره اسلام را عزیز و سربلند گرداند، تمام ستمگران را از بین می‌برد و اوست که برهر آنچه بخواهد قادر است، و تواناست که امتی را پس از فساد و تباهی اصلاح کند.

ای حذیفه! اگر از دنیا تنها يك روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی کند تا مردی از اهل بیتم حکمرانی نماید. معرکه‌ها بردست او واقع می‌شود و اوست که اسلام را پدیدار می‌کند. خداوند از وعده‌اش تخلف نمی‌کند و او سریع الحساب است.

مقدسی در ادامه می‌نگارد: حافظ ابو نعیم اصفهانی این حدیث را در صفة المهدی آورده است.^۱

۱. و نیز العرف الوردی فی اخبار المهدی ۲/۲، البرهان متقی هندی ۹۲، ینابیع المودة ۴۴۸/ و کشف الغمة ۳/۲۶۲

دجال

دجال در نگرش مسلمین، یهود و آن دسته از صحابه که تحت تأثیر اندیشه ی یهود بودند

دجال در نگرش اهل بیت علیهم السلام

آنچه در منابع شیعیان درباره‌ی دجال و حرکت وی بیان شده است، با آنچه در احادیث سنی هاست، از چند جهت تفاوت دارد:

۱. نزد ما شیعیان، دجال یهودی است و برضد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دست به شورش جهانی می‌زند. این رخداد پس از ظهور امام و برپایی دولت جهانی ایشان و نیز بعد از فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان، اتفاق می‌افتد.

پیروان او یهودیان و ناصبی‌ها هستند. ظاهراً دجال از پیشرفت دانش آن روزگار نیز استفاده می‌کند و از فریب‌کاری و افسونگری نیز بهره خواهد جست!

کمال الدین / ۵۲۸ از عبدالله بن عمر نقل می‌کند که اکثر پیروان دجال یهودیان، زنان و اعراب هستند.

۲. احادیث شیعیان از عناصر اسطوره‌ای و افسانه‌ای دجال که در منابع دیگران به وفور یافت می‌شود، عاری است.

۳. کعب الأحبار معتقد است که شورش دجال بلافاصله پس از فتح قسطنطنیه است و قیامت پس از آن برپا می‌شود. اما چنین پنداری در منابع ما مردود است، چرا که دولت عدل الهی زمانی طولانی استمرار خواهد داشت.

۴. در روایات ما، دجال آخرین طاغوت و پیشوای گمراهی است.

در کافی ۲۹۶/۸ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «تا ظهور دجال، برای هر کسی که مردم را به سوی خویش بخواند، کسانی خواهند بود که با او بیعت کنند و هر کس پرچم گمراهی برافرازد، صاحب آن طاغوت است.»

در بصائر الدرجات / ۳۱۷ از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «پیش از آنکه مرا از دست بدهید، هر سؤالی دارید پرسید. به خدا سوگند، از من درباره‌ی گروهی که یکصد نفر را رهبری می‌کنند نمی‌پرسید، مگر آنکه به شما خواهم گفت رهبر و دعوت کننده‌ی به آن کیست، تا زمانی که دجال خروج کند.»

۵. عمده‌ی دشمنان اهل بیت پیروان دجال اند.

در امالی شیخ طوسی ۱/ ۵۹ از رافع غلام ابوذرا آمده است: «ابوذر رضی الله عنه را در حالی که حلقه‌ی در کعبه را گرفته و رو به جانب مردم کرده بود دیدم که می‌گفت: نزد کسی که مرا می‌شناسد من جندب ام و برای آنکه مرا [بدین نام] نمی‌شناسد، ابوذر غفاری، شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکسی که با من در این زمان و با اهل بیتم پس از من بجنگد، خداوند او را در آخرالزمان در میان پیروان دجال قرار خواهد داد. همانا اهل بیتم در میان شما همانند کشتی نوح اند که هرکسی سوار آن شود، نجات یافته و کسی که سرپیچی کند، غرق خواهد شد، و بسان باب حطه [در میان بنی اسرائیل] هستند که هر که از آن وارد شود نجات یابد، و هر آنکه داخل نشود هلاک گردد.»^۱

محاسن برقی ۱/ ۹۰ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکسی با ما اهل بیت دشمنی کند، خدا او را یهودی محشور گرداند. گفتند: ای رسول خدا! حتی اگر شاهدتین را بگویند؟ فرمود: آری، با این دو کلمه تنها از ریخته شدن خونس یا از پرداخت جزیه - با حالت خواری - جلوگیری می‌کند.

در ادامه فرمودند: هرکسی با ما اهل بیت دشمنی کند، خدا او را یهودی محشور می‌کند. پرسیدند: ای رسول خدا! چگونه چنین می‌شود؟ فرمود: اگر دجال را دریابد، به او ایمان می‌آورد.»^۲

در رجال کشی ۲/ ۶۹۷ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «خداوند ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آفرید و آنها را در هوا قرار داد، پس هر آنچه از آنان در آنجا یکدیگر را شناختند، در اینجا با هم الفت گرفتند و هر آنچه در آنجا یکدیگر را نشناختند در اینجا دچار اختلاف شدند. هرکسی که به ما اهل بیت نسبت دروغ دهد، خداوند او را در روز قیامت نابینا و

۱. مشابه آن در امالی طوسی ۲/ ۷۴ و رجال کشی ۱/ ۱۱۵. نظیر آن در مصادر سنیان بدون ذکر دجال آمده است، به عنوان نمونه: مسند شهاب ۲/ ۲۷۳، مناقب ابن مغازی ۶۸/ ۱۳۴، امالی شجری ۱/ ۱۵۱، میزان الاعتدال ۱/ ۴۸۲، مقتل خوارزمی ۱/ ۱۰۴، کشف الأستار هیشمی ۳/ ۲۲۲. و نیز رک به المستدرک ۳/ ۱۵۰، المعجم الصغیر ۱/ ۱۳۹ و مجمع الزوائد ۹/ ۱۶۸.

۲. و نیز ثواب الاعمال ۲۰۳.

یهودی محشور گرداند، و اگر دجال را درک کند به او ایمان می آورد، و اگر او را درک نکند در قبر به او ایمان خواهد آورد.»

مشارق انوار الیقین / ۵۲ از ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل می کند: «ای مردم! هرکسی با ما اهل بیت دشمنی ورزد، خداوند او را یهودی محشور کند و اسلامش نفعی برایش نخواهد داشت. اگر دجال را دریابد، به او ایمان می آورد، و اگر بمیرد خداوند او را از قبر برانگیزد تا به او ایمان آورد.»^۱

معنای این احادیث آن است که ناصبی ها در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم پیمانان و پیروان یهود خواهند بود.

۶. براساس روایات ما ورود به مدینه بردجال حرام است که مشابه آن را سنیان نیز روایت کرده اند.

شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه ۲/ ۵۶۴ نقل می کند که امام صادق علیه السلام دجال را یاد کرده فرمودند: «هر دشت و پهنه ای را زیر پا می نهد مگر مکه و مدینه را، زیرا که بر هر گذرگاهی از گذرگاه های مکه و مدینه فرشته ای است که آنجا را از طاعون و دجال حفظ می کند.»^۲

[اهل سنت علی رغم اینکه مشابه این حدیث را روایت کرده اند] ولیکن مواردی را از آن استثناء کرده اند و بدین وسیله حرمت ورود وی به مدینه را نقض نموده اند، مواردی که در روایات ما یافت نمی شود. آنان چنین تصویر کرده اند که دجال داخل مدینه می شود.

۷. روایت مرسلی وجود دارد و از آن چنین فهمیده می شود که دجال اهالی بصره را می کشد.

در شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی ۱/ ۲۸۹ آمده است: «وقتی جنگ امیرالمؤمنین علیه السلام با اصحاب جمل تمام شد، به منادی دستور دادند تا میان اهالی بصره ندا دهد که به خواست خدا از فردا تا سه روز نماز جماعت برگزار می شود و بهانه ای برای شرکت نکردن قابل قبول نیست، مگر کسی عذر موجه یا بیماری داشته باشد، پس [تخلف نکرده و] راهی برای مؤاخذه تان قرار ندهید.

۱. فسوی در المعرفة والتاریخ / ۸۳۳ آن را نقل می کند.

۲. تهذیب الاحکام ۶/ ۱۲ و وسائل الشیعة ۱۰/ ۲۷۲

وقتی مردم گرد آمدند، امام عجل الله تعالی فرجه در مسجد جامع برای آنان نماز صبح گزارد، بعد از اتمام نماز ایستاد و به دیوار سمت قبله در طرف راست مصلّا تکیه داد و سخنرانی کرد.

امام عجل الله تعالی فرجه خدا را سپاس گفت و چنان‌که شایسته‌ی اوست ستود، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد و برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان طلب آمرزش کرد، آنگاه فرمودند:

ای اهالی شهرزیر و رو شده، که سه بار ساکنانش را زیر و رو کرد و خدا برای چهارمین بار آن را زیر و رو خواهد کرد، ای سپاه آن زن و یاران آن حیوان [شترعایشه]! تا وقتی آن حیوان نعره می‌زد، جنگیدید، اما چون پی شد، پا به فرار گذاردید. اخلاق شما پست و آب آشامیدنی تان شور و ناگوار است. سرزمین شما متعفن‌ترین سرزمین‌های خدا و دورترین آنها از آسمان است. نه دهم شرو فساد در شهر شما نهفته شده است، کسی که در شهر شما باشد، به خاطر گناه اوست، و آن کس که بیرون برود، عفو خداوند او را دریافته است، گویی شهر شما را می‌بینم که آب تمام آن را فرا گرفته و همانند سینه‌ی پرنده‌ای بر روی دریا، از شهرتان چیزی بجز کنگره‌های مسجد دیده نمی‌شود.

در اینجا احنف بن قیس برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! این اتفاق چه زمانی رخ می‌دهد؟ حضرت فرمود: ای ابا بحر! بین تو و آن زمان قرن‌ها فاصله است و تو هرگز آن هنگام را در نخواهی یافت. اما حاضران به غائبان برسانند تا به برادرانشان خبر دهند هنگامی که دیدند کلبه‌های بصره به خانه تبدیل شد و نیزارهایش به کاخ، پس فرار کنید که آن روز بَصیره [بصره‌ی کوچک] ندارید!

سپس به سمت راست رو کرده، فرمود: فاصله شما با منطقه اُبله چقدر است؟ منذر بن جارود گفت: پدر و مادرم فدای شما، چهار فرسخ. فرمود: درست گفتی، سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت و با نبوت گرامی داشته، به رسالت اختصاص داد و روحش را به بهشت برد، هم چنان‌که از من می‌شنوید، از ایشان شنیدم که فرمودند: یا علی! آیا می‌دانی مسافت بین منطقه‌ای به نام بصره تا جایی که اُبله نامیده می‌شود، چهار فرسخ است؟ سرزمین اُبله محل مالیات بگیران خواهد بود و هفتاد هزار نفر از اتم در آن محل شهید می‌شوند که مقام شهدای بدر را خواهند داشت.

منذر سؤال کرد: ای امیر مؤمنان! پدر و مادرم فدای شما، چه کسی آنها را می‌کشد؟
فرمودند: برادران جن. آنان گروهی همچون شیاطین اند، سیاه پوست، بد بو و بسیار شرور
هستند و غنیمت شان اندک است [چرا که اهتمام آنان به کشتن است نه کسب غنیمت].
خوشا به حال کسی که آنان را بکشد یا به دست آنان کشته شود. در آن زمان، گروهی برای
جهاد با آنها قیام می‌کنند که در چشم متکبران آن روزگار خوار و در زمین گمنامند، ولی در
آسمان مشهور. آسمان و اهل آن و زمین و اهل آن برایشان می‌گیرند.
در این هنگام دیدگان حضرت پراز اشک شد و فرمود: ای بصره! بدا به حال تو، از لشکری
که نه گرد و غباری دارد، و نه سرو صدایی.

منذر پرسید: ای امیر مؤمنان! از آنچه فرمودید، چه بر سر اهالی بصره بر اثر غرق شدن
خواهد آمد؟ و ویح و ویل یعنی چه؟ فرمود: اینها دو در هستند، ویح در رحمت و ویل در
عذاب.

ای پسر جارود! فتنه های بزرگی به وقوع خواهد پیوست، یکی از آنها آن است که گروهی
خواهند بود که یکدیگر را می‌کشند، و نیز فتنه ای که در پی آن خانه ها ویران می‌شود، اموال
به غارت می‌رود، مرد ها کشته می‌شوند و زنان اسیر شده، ذبح می‌گردند. وای که تا چه اندازه
سرگذشت آن زنان عجیب است!

از دیگر فتنه ها آن است که دجال اکبر در آن منزل می‌کند. او يك چشم است، چشم
راستش کور و چشم دیگرش گویا خون آلود است و از سرخی چونان لخته ی خونی می‌نماید.
حدقه ی چشمش چنان از کاسه بالا زده که گویی دانه انگوری است که روی آب آمده باشد.
از اهالی بصره، به تعداد شهدای اُبله از او پیروی می‌کنند. انجیل هایشان را بر سینه دارند،
برخی کشته شده و بعضی می‌گیرند. پس از آن زمین لرزه ای است، سپس پرتاب، به دنبال
آن فرورفتن زمین و در پی آن مسخ خواهد بود. آنگاه گرسنگی و قحطی شدیدی پیش
می‌آید و بعد از آن مرگ سرخ که همان غرق شدن است، خواهد بود.

ای منذر! برای بصره سه نام دیگر در زُبرِ اوّل آمده است که کسی جز عالمان از آن آگاه
نیست؛ خریبه، تدمرو مؤتفکه.

ای منذر! قسم به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر بخواهم می‌توانم یک به یک خراب شدن مناطق را برایتان بگویم که تا قیامت، چه زمانی ویران می‌شوند و چه هنگام آباد. نزد من در این باره دانش فراوانی است، اگر بپرسید، مرا بدان آگاه خواهید یافت و هیچ اشتباهی در آن نخواهم داشت.

در این هنگام مردی برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! اهل جماعت و اهل تفرقه و پیروان سنت و بدعت کیانند؟ امام عجل الله تعالی فرجه فرمودند: دقت کن، حال که از من پرسیدی بفهم و پس از من از احدی نپرس. اهل جماعت منم و پیروان من‌اند، هرچند اندک باشند. این مطلب، حق و به امر خدا و رسول اوست.

اما اهل تفرقه و اختلاف، مخالفان من و مخالفان پیروان من هستند، هرچند بسیار باشند. پیروان سنت، کسانی هستند که به آنچه خدا و رسول سنت قرار داده‌اند عمل می‌کنند، نه آنان که به رأی و خواست خود رفتار می‌کنند، هرچند تعدادشان زیاد باشد.^۱

این خطبه مرسل است و نمی‌توان بدان استدلال نمود، مگر بخش نخست آن تا جایی که می‌فرماید:

«همانند سینه‌ی پرنده‌ای بر روی دریا، از شهرتان چیزی بجز کنگره‌های مسجد دیده نمی‌شود» چرا که تاریخ نگارانی مانند ابن ابی الحدید و ابن منظور، آن را نقل کرده‌اند.

نکته‌ای در اینجا لازم به ذکر است: آن قسمتی از روایت که سخن از دجال به میان آورده مبهم است، چون ممکن است مقصود از آن، شورش زنگیان باشد که رخ داده است، و اوصافی که امام عجل الله تعالی فرجه در آغاز خطبه برای دجال بیان می‌فرمایند بر آن منطبق است، آنجا که می‌فرمایند:

«آنان سیاه پوست، بد بو و بسیار شرور هستند و غنیمت شان اندک است. خوشا به حال کسی که آنان را بکشد و یا به دست آنان کشته شود.»

۸. در روایات ما آغاز شورش دجال از شهر بلخ در کشور افغانستان است.

در بصائر الدرجات / ۱۴۱ روایت می‌کند که مردی از اهالی بلخ نزد امام باقر عجل الله تعالی فرجه آمد، حضرت به

۱. از همان منبع در بحار الانوار ۳/ ۱۵ و ۳۲/ ۲۵۳

او فرمودند: «ای خراسانی! فلان منطقه را می شناسی؟ پاسخ داد: آری، فرمودند: آیا فلان دره که در آن منطقه قرار دارد و چنان اوصافی دارد را می شناسی؟ آن شخص گفت: آری، ایشان فرمودند: دجال از آنجا خارج می گردد.»

کمال الدین ۱/ ۲۵۰ در حدیثی طولانی از رسول خدا ﷺ از خداوند متعال روایت می کند: «مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام خارج می شود. دجال از سمت مشرق از سیستان قیام می کند، و سفیانی ظهور خواهد کرد.»^۱

معنای این حدیث آن است که حرکت دجال از مناطق آن دیار آغاز می شود.

۹. در روایات ما کسی که دجال را می کشد حضرت مهدی علیه السلام است، و حضرت عیسی علیه السلام ایشان را در این راه یاری می رساند.

در کمال الدین ۲/ ۳۳۵ از مفضل از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی چهارده هزار سال قبل از آفرینش مخلوقات، چهارده نور را آفرید که ارواح ما بودند.

پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! این چهارده نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از نسل حسین. آخرینشان قائم است که پس از غیبت قیام کرده، دجال را می کشد و زمین را از هرستم و بیدادی پاک می نماید.»^۲

الکامل فی السقیفة اثر عماد الدین طبری / ۶۴۳ از امام زین العابدین علیه السلام روایت می کند: «حق تعالی حلم و علم و شجاعت و سخاوت به ما داد، و محبت بردل مؤمنان نهاد، و رسول و وصی او و سید الشهداء و جعفر طیار در بهشت و دو سبط این امت و مهدی که دجال را بکشد از ماست.»^۳

۱۰. در روایات ما حضرت مسیح علیه السلام امام مهدی علیه السلام را در مقابل دجال یاری می نماید. شیخ صدوق رحمه الله در امالی / ۲۲۴ از حماد و او از عبدالله بن سلیمان که کتاب های آسمانی را خوانده بود، چنین نقل می کند: «در انجیل خوانده ام [که خداوند می فرماید: ای عیسی!

۱. المحتضر / ۱۴۱، بحار الانوار ۲۶ / ۱۸۹ و ۵۲ / ۱۹۰. در ۵۱ / ۶۸ آن را از کمال الدین نقل می نماید.

۲. و نیز اثبات الهداة ۱ / ۵۱۷ و بحار الانوار ۱۵ / ۲۳

۳. این کتاب فارسی است و به قرن هفتم مربوط می شود، لذا عین عبارات ایشان را آوردیم. م

نسبت به امر من جدّیت ورز و در آن سستی ننما و [گفتار مرا] بشنو و اطاعت کن. ای پسر آن بانوی پاکیزه، پاکدامن و دوشیزه! تو بدون پدر به دنیا آمدی و من تورا به عنوان نشانه‌ای برای جهانیان آفریدم، پس تنها مرا بپرست و فقط بر من توکل کن. کتاب [خدا] را با جدّ و جهد بگیر و آن را برای اهالی سوریه به زبان سریانی تفسیر کن، به تمام کسانی که نزد تو هستند برسان که من خداوندگار پایدار و به دور از زوال هستم. پیامبر مرا که اهل ام القری [مکه] و صاحب شتر، زره، تاج [عمامه]، نعلین و عصا است تصدیق نمایید، همو که چشمانش درشت و زیبا، جبینش گشاده، دو گونه‌اش برجسته، بینی‌اش کشیده و در وسط آن برآمدگی است، دندان‌هایش با فاصله... دارای نسلی اندک است، نسل او تنها از دختری مبارک است که برای آن دختر خانه‌ای در بهشت خواهد بود که در آن نه سرو صدا است و نه خستگی و رنج. هم چنان که زکریا کفالت مادرت را عهده دار شد، آن پیامبر نیز در آخر الزمان کفالت آن دختر مبارک را بر عهده خواهد گرفت. آن دختر دو جوجه [فرزند] دارد که هر دو به شهادت می‌رسند.

سخن آن پیامبر قرآن و دین او اسلام است و من سلام هستم، طوبی برای آنکه دوران او را دریابد و گفتار او را بشنود.

مسیح به درگاه خداوند عرضه داشت: پروردگارا! طوبی چیست؟

خدا در پاسخ او فرمود: درختی است در بهشت که من خود آن را کاشته‌ام، بر تمامی بهشت سایه می‌افکند، ریشه‌ی آن از رضوان و آب آن از چشمه‌ی تسنیم است، خنکای آن چشمه خنکای کافور است و طعم آن طعم زنجبیل، هر کس از آن بنوشد تا ابد تشنه نخواهد شد.

مسیح گفت: خدایا! مرا از آن بنوشان.

خداوند فرمود: ای عیسی! نوشیدن از آن چشمه بر بشر حرام است تا هنگامی که آن پیامبر از آن بیاشامد، و آشامیدن از آن بر امت‌ها حرام است تا زمانی که امت او از آن بنوشند.

ای عیسی! من تورا به سوی خود بالا می‌برم، و در آخر الزمان تورا فرو خواهم فرستاد

تا از امت او شگفتی‌ها بینی و آنان را در مقابل دجال یاری نمایی. تورا در هنگام نماز فرو می‌فرستم تا با آنها نماز بگذاری. آنان امتی هستند که مورد رحمت خواهند بود.»^۱

۱۱. در روایات ما سخن از استمرار حیات پس از دجال است که ردی بر نظر کسانی است که می‌پندارند یا جوج و مأجوج پس از وی خواهند آمد و در پی آن زندگی پایان می‌پذیرد و قیامت برپا می‌شود!

در کافی ۵/ ۲۶۰ از سیاهه روایت می‌کند که مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: «فدایت شوم، از گروهی می‌شنوم که می‌گویند کشاورزی مکروه است.

امام علیه السلام فرمودند: زراعت کنید و بکارید. به خدا سوگند، مردمان کاری حلال‌تر و پاک‌تر از آن انجام نداده‌اند. به خدا قسم پس از خروج دجال نیز کشاورزی و کاشت نخل خواهد بود.»^۲

۱۲. برخی روایات ما با روایات فراوان سنّیان - که دجال را از علائم قیامت قلمداد می‌کند - موافقت دارد، ولیکن بعضی سندهای آن با اسناد نامقبول سنّی‌ها نزد ما مطابقت دارد و لذا در صحت آن روایات و نیز در ترتیبی که درباره‌ی علائم قیامت در آنها آمده، دچار مشکل می‌شویم. یکی از آن روایات آن است که در غیبت شیخ طوسی / ۲۶۷ از حضرت امیر علیه السلام آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ده رخداد پیش از قیامت حتمی است؛ خروج سفیانی، دجال، دود، دابة الارض، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب، فرود آمدن مسیح، فرورفتن زمین در مشرق، فرورفتن زمین در جزیره العرب، و خروج آتشی از سرزمین عدن که مردم را به سمت محشر سوق می‌دهد.»

۱۳. روایات اهل بیت علیهم السلام ضرر منافق در تشیع بر شیعیان را، از ضرر دجال بیشتر می‌شمارد. صفات الشيعة شیخ صدوق / ۱۴ از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند: «در میان کسانی که ادعای

۱. و نیز کمال الدین ۱/ ۱۵۹

۲. و نیز من لا یحضره الفقیه ۳/ ۲۵۰، تهذیب الاحکام ۶/ ۳۸۴، وسائل الشیعة ۱۳/ ۱۹۳، الغایات شیخ جعفرین احمد قمی ۸۸/، و به نقل از آن در بحار ۳/ ۶۸

مودّت ما اهل بیت را دارند، افرادی هستند که فتنه‌ی آنان برای شیعیان، از فتنه‌ی دجال سخت تر است!

[راوی حدیث، حسن بن علی خزاز می گوید:] عرضه داشتیم: ای فرزند رسول خدا! به خاطر چه چیزی؟

فرمودند: به خاطر دوستی دشمنان ما و دشمنی دوستان ما! وقتی چنین شود حق و باطل به هم آمیخته و امر مشتبه می گردد و لذا مؤمن از منافق شناخته نمی شود.»

در احادیث، دروغ پردازان به عنوان کسانی که عرصه را برای پیروان دجال مهیا می کنند، معرفی شده اند.

کتاب سلیم / ۴۰۵ از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت می کند: «برای دینتان از سه کس بر حذر باشید؛ از کسی که قرآن را قرائت می کند، اما همین که نشاط و خرمی آن بر چهره اش دیده شد، شمشیر به روی برادر مسلمانش کشیده و او را به شرک متهم می نماید. عرضه داشتیم: یا رسول الله! کدام یک از آن دو به شرک سزاوارتر است؟ فرمودند: آنکه تهمت زده است.

[دومین نفر] کسی که رخدادهای روزگار او را [به بازی گرفته،] خوار گرداند و هر امر دروغینی که جلوه کند او دنباله‌ی آن را گرفته، بیشتر گستراند، اگر دجال را دریابد از او پیروی خواهد کرد.

[سومین شخص] کسی است که خدای عزوجل به او قدرتی داده، لذا می پندارد که فرمان برداری از او اطاعت از خداست، و سرپیچی از او سرپیچی از فرمان خدا. این در حالی است که او دروغ می گوید چرا که هیچ اطاعتی نسبت به مخلوقی در معصیت خالق نیست، کسی که سرپیچی خدا می کند هیچ حق فرمان برداری ندارد، اطاعت تنها برای خدا، پیامبرش و صاحبان امر- همان کسانی که خدا با خود و پیامبرش قرین کرده و فرموده: **أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**، ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید - است، زیرا خدا تنها از آن جهت فرمان به اطاعت از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ داده است که معصوم و پاک است و به معصیت خدا فرمان نمی دهد،

و نیز تنها از این بابت دستور داده از صاحبان امر اطاعت شود، که معصوم و پاکند و به معصیت خدا امر نمی کنند.»

ابن حماد نیز پاره ای از آن را در الفتن ۲ / ۵۲۰ آورده است، او چنین روایت می کند: «مردی است که رخدادهای روزگار او را [به بازی گرفته،] خوار گرداند و هرامر دروغینی که جلوه کند و پایان پذیرد دنباله ای آن را گرفته، بیشتر می گستراند، اگر دجال را دریابد از او پیروی خواهد نمود.»

۱۴. در احادیث ما آمده است که بدترین مردمان پیشوایان گمراهی اند و آنان دوازده نفرند، شش تن از پیشینیان و شش تن از پسینیان، و یکی از آنان دجال است.

خصال ۵۷ / ۴ از ابوذر از رسول خدا ﷺ روایت می کند: «بدترین اولین و آخرین دوازده نفرند: شش تن از اولین و شش تن از آخرین، سپس شش نفر نخستین را نام بردند: فرزند آدم که برادرش را کشت، فرعون، هامان، قارون، سامری و دجال، که نامش در پیشینیان است، اما در زمره پسینیان خروج می کند...»

کتاب سلیم بن قیس رضی الله عنه / ۱۶۱ از حضرت امیر علیه السلام روایت می کند: «در حالی که شما [سلمان، ابوذر، زبیر و مقداد] شاهد بودید، از رسول خدا ﷺ درباره ی آنان [دوازده نفر که در تابوتی در آتش اند، شش نفر از اولین و شش نفر از آخرین] پرسیدم و ایشان در پاسخ فرمودند: اما پیشینیان: فرزند آدم که برادرش را کشت، فرعون فرعون ها، کسی که با ابراهیم درباره ی پروردگارش ستیزه کرد، دو مرد از بنی اسرائیل که کتاب خود را تحریف و سنت هایشان را دگرگون کردند، یکی از آنان مردمان را یهودی کرد و دیگری مردمان را به کیش نصاری در آورد، ششمین آنان هم ابلیس است، و دجال از جمله آخرین می باشد....»

نگرش یهود نسبت به دجال

۱. دجال، مهدی موعود یهود:

مناوی در فیض القدیر ۷۱۸/۳ از بسطامی چنین نقل می‌کند: «دجال، مهدی یهود است و آنان انتظار وی را می‌کشند، چنان‌که مؤمنان منتظر مهدی هستند! وی از کعب الأخبار روایت می‌کند که دجال مردی است کور، با قدی بلند و سینه‌ای پهن. او ادعای خدایی می‌کند. کوهی از نان و کوهی از انواع میوه‌ها را به همراه دارد. اصحاب عیش و خوش‌گذرانی همه در نزد او بر طبل‌ها زده، به کار ساز و آواز و نواختن تار و طنبور مشغولند. هر کسی صدای او را بشنود، از وی دنباله روی می‌کند، مگر آن کسی که خدا حفظ کند.

وی می‌گوید: از نشانه‌های خروج دجال، وزیدن بادی مانند باد قوم عاد و شنیدن فریادی مهیب است. این اتفاق زمانی می‌افتد که امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، زنا و خونریزی زیاد گردد، و عالمان به ستمگران متمایل شده، نزد پادشاهان آمد و شد داشته باشند.

دجال از سمت مشرق و از روستایی به نام دسرابادین و از شهر هوازن و شهر اصفهان سوار بر الاغی خروج می‌کند، با دست خود ابر را می‌گیرد، و تا برآمدگی روی پایش در دریا فرو می‌رود. مردم بسیاری زیر گوش الاغش پناه می‌گیرند. او چهل روز روی زمین می‌ماند. سپس خورشید در یک روز، سرخ‌گون، روز دیگر به رنگ زرد، و سومین روز به رنگ سیاه طلوع می‌کند.

آنگاه مهدی و لشکر او به دجال می‌رسند، او از یاران دجال سی هزار نفر را می‌کشد که در پی آن دجال شکست می‌خورد، سپس عیسی به زمین فرود می‌آید، در حالی که عمامه سبزی بر سر دارد و شمشیری به میان بسته است، بر روی اسبش نشسته و دشنه‌ای در دست دارد، پس به سوی دجال می‌آید و بر او ضربه می‌زند و از پای در می‌آورد.»

۲. یهودیان دجال را پادشاه آخرالزمان نامیدند!

الدر المنثور ۵/۳۵۳ می‌نویسد: «ابن منذر از ابن جریج درباره‌ی این آیه: لَخَلَقَ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ^۱، قطعاً آفرینش آسمان ها و زمین بزرگتر [و شکوهمندتر] از آفرینش مردم است، روایت کرده است: یهودیان می گویند: در آخرالزمان پادشاهی از میان ما خواهد آمد که دریا تا دوزانوی اوست و ابر نزدیک سرش، پرنده را در میان آسمان و زمین می گیرد، کوهی از نان و چشمه ای با خود به همراه دارد. پس این آیه نازل شد.»

سید ابن طاووس در اقبال الاعمال ۳۱۹/۲ جریان مناظره و گفتگوی پیامبر ﷺ با علمای نجران را نقل کرده، می نویسد: «یکی از آنان که حارثه نام داشت، مسلمان شد و به نجرانیان گفت: ای قوم! شما را بر حذر می دارم از اینکه یهودیانی را که پیش از شما بودند اسوه و الگو قرار دهید، آنان به دو مسیح هشدار داده شدند: مسیح هدایت و مسیح ضلالت، و برای هر کدام نشانه و علامتی قرار داده شد. آنها مسیح هدایت را انکار کرده، تکذیب نمودند و به مسیح ضلالت که دجال بود ایمان آوردند و انتظارش را می کشیدند، در فتنه غوطه خوردند و بر تازمه مولود آن سوار شدند. پیش از آن نیز کتاب خدا را پشت سرشان انداختند، و پیامبران او و بندگان را که برپا دارندگان عدالت بودند کشتند، پس خداوند عزوجل پس از آنکه بر آنان اتمام حجت کرد، بصیرت را از آنها سلب نمود و این به خاطر اعمال خود آنان بود. و به جهت ظلم و جوری که روا می داشتند پادشاهی را از آنان گرفت و به ذلت و خواری دچارشان کرد.»

در این روایت آمده است که بزرگ آنها که عاقب نام داشت گفتار حارثه را انکار نکرد، بلکه صرفاً نسبت به تطبیق مسیح هدایت بر رسول خدا ﷺ اعتراض کرد. معنای این سخن آن است که عاقب به بشارتی نبوی که نزد آنان نسبت به پیامبر و دجالی وجود داشته، اذعان داشته است و خواهد آمد که آنان مسیح ﷺ را مشیح [کسی که چیزی را لمس می کند] و مجذّف [کسی که داد و فریاد می کند] نامیدند و مقصودشان آن است که او - پناه بر خدا - مسیح ضلالت و دجال است. طبری در تاریخ ۱۲/۱ می نویسد: «مسیحیان یونانی چنین پنداشتند که یهودیان سال های ما بین تاریخ خود و تاریخ مسیحیان را کاسته اند تا پیامبری عیسی بن مریم ﷺ را انکار کنند، زیرا صفت و وقت مبعث وی در تورات مشخص بوده است. آنان گفتند: هنوز آن

۱. سوره ی غافر/ ۵۷

وقتی که در تورات برای آمدن عیسای موصوف به آن اوصاف معین شده، نرسیده است. آنها چنین می‌انگارند که منتظر خروج و دوران او هستند. به پندار من کسی که آنان انتظارش را می‌کشند و ادعا می‌کنند که صفت وی در تورات هست، همان دجال است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای امت خویش وصف کرده و فرموده است که غالب پیروان او یهودیان اند و اگر او عبدالله بن صیاد باشد، از نسل یهود است.»

۳. آن دجالی که انبیای الهی علیهم السلام مردمان را درباره‌ی او هشدار داده‌اند شخصی مذموم است. این در حالی است که یهودیان درباره‌اش تعصب ورزیدند، چرا که اعتقاد داشتند او پادشاهی یهودی است و خدا وی را مانند حیوانی وحشی برای خوردن دشمنانش خواهد فرستاد!

یهودیان به واسطه‌ی آن دسته از صحابه که تحت تأثیر خود داشتند ترس و بیم از دجال را در میان مسلمانان نشر دادند، تا اینکه خاخام کعب الاحبار از راه رسید و دستگاه خلافت او را مرجع دینی مسلمانان قرار داد، او هم به نشر اسرائیلیات و گسترانیدن عقیده‌ی یهود در مورد دجال پرداخت، گرچه می‌کوشید باور آنان را با چهره‌ای دیگر اظهار نماید تا مبدا حقیقت او برای مسلمانان آشکار گردد، از این رو به تناقض گویی دچار شد!

۴. کعب الاحبار می‌پندارد دجال شیطانی است که در جزیره‌ای در قید و بند می‌باشد و بعدها آزاد خواهد شد.

ابن حماد در الفتن ۲ / ۵۴۱ از کلاعی رفیق کعب الاحبار نقل می‌کند: «دجال انسان نیست بلکه شیطانی است که در جزیره‌ای در هفتاد حلقه زنجیر بسته شده است، معلوم نیست که چه کسی او را در قید و بند کرده است، آیا سلیمان بوده یا شخصی دیگر؟ چون وقت ظهورش فرا رسد، خدا در هر سالی یک حلقه از او باز خواهد کرد، وقتی ظهور کند ماده الاغی که فاصله بین دو گوش آن چهل ذراع به ذراع خداوند است، نزد او خواهد آمد که این برای سواری تیزرو مقدار یک فرسخ است، پس بر پشت آن منبری از مس قرار داده، روی آن می‌نشیند، قبائل جن با او بیعت می‌کنند، گنج‌های زمین را برای او خارج می‌نمایند و مردم را

به خاطر او می‌کشند.»^۱

۵. یهودیان از همان زمان پیامبر ﷺ ترس و بیم از دجال را نشر دادند.

در مناقب ابن شهر آشوب ۱/ ۱۲۹ آمده است: «عربی بیابانی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! به ما خبر رسیده که مسیح - یعنی دجال - برای مردم و در حالی که همه در معرض نابودی هستند، نان و آبگوشت می‌آورد، آیا نظر شما این است که زهد ورزم و از خوردن آن بپرهیزم؟ آن حضرت خندیدند و فرمودند: خداوند با هر آنچه [سایر] مؤمنین را بدان بی‌نیاز گرداند، تو را نیز بی‌نیاز خواهد کرد.»

الفتن ۲/ ۵۸۱ روایتی را از ابو عمرو شیبانی می‌آورد که هیشمی در مجمع الزوائد ۷/ ۳۳۸ آن را توثیق می‌کند، وی می‌گوید: «با حدیقه در مسجد نشسته بودم که عربی بیابانی شتابان آمد و مقابل او ایستاد و پرسید: آیا دجال خروج کرده است؟ حدیقه گفت: من از غیر دجال بیشتر می‌هراسم تا از او، دجال چیست؟ فتنه‌ی او تنها چهل روز خواهد بود...»^۲

نگارنده: ببینید که تبلیغات یهود درباره‌ی دجال حتی به عرب‌های بیابانی رسیده است و گذشت که آن مرد عرب بیابانی او را تنها با نام مسیح نام برد، آن گونه که از یهودیان و یا از صحابه‌ای که تحت تأثیر آنان قرار گرفته بودند شنیده بود. معنای این مطلب یکی آن است که یهود در گسترش فرهنگ رعب و وحشت از دجال، چنان به مقصود خود نائل شده بودند که این فرهنگ حتی به اعراب بیابان هم رسیده بود، و دیگر آنکه صحابه‌ای که تحت تأثیر یهودیان بودند آرامش دادن‌های پیامبر ﷺ را کتمان نمودند و فرهنگ ترسانیدنی را که از یهود فرا گرفته بودند، گسترش می‌دادند!

ابن ابی شیبہ در المصنف ۸/ ۶۴۹ جریانی را آورده که باعث تعجب است، وی می‌نویسد: «عایشه می‌گوید: رسول خدا ﷺ نزد من آمد در حالی که من گریه می‌کردم، پس فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ پاسخ دادم: ای پیامبر خدا! به یاد دجال افتادم. فرمود: گریه نکن، زیرا اگر در زمانی که من زنده‌ام خارج شود، من شراو را از شما باز خواهم داشت، و اگر بمیرم پروردگارتان

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

۱. و نیز فتح الباری ۱۳/ ۲۷۷

۲. مشابه آن در المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۶۵۳

یک چشم نیست.

به همراه دجال یهودیان اصفهان خروج خواهند کرد. او خواهد آمد تا اینکه به حومه‌ی مدینه برسد و در آن روزگار، مدینه هفت در و برهرداری دو فرشته خواهد داشت، پس مردمان شرور مدینه نزد او می‌روند، او خواهد رفت تا آنکه به لُد [منطقه‌ای در نزدیکی بیت المقدس] برسد، در این هنگام عیسی بن مریم فرود آمده، او را می‌کشد و در زمین چهل سال یا نزدیک به آن، به عنوان پیشوا و دادگری عدل گستر، زندگی خواهد کرد.^۱

گریه‌ی عایشه دلیل بر آن است که وی نیز تحت تأثیر سخنان یهود قرار داشته و آنها را تصدیق می‌نموده است و لذا پیامبر ﷺ او را آرامش دادند. البته او با وجود این، باز هم مردمان را از دجال می‌ترسانید!

ضحاک در الآحاد و المثنائی ۶/ ۲۰۸ نقل می‌کند که «عایشه و حفصه، سوده را در حالی که خود را آراسته بود مشاهده کردند، به او گفتند: دجال خارج شد و سوده را ترس فرا گرفت. وی زنی بلند قامت بود و [تا این را شنید] به خیمه‌ای که برای ذخیره سازی هیزم تعبیه شده بود رفت، حفصه می‌گوید: ما خندیدیم، پس پیامبر خدا ﷺ در حالی که سوده به خود می‌لرزید، وارد [خیمه] شدند، ایشان فرمود: چه چیزی برایت پیش آمده؟ او در پاسخ گفت: ای رسول خدا! دجال خارج شده است؟ ایشان فرمود: نه، ولیکن خارج می‌شود، و دست سوده را گرفته، [از خیمه] بیرون بردند و با آستین لباسشان از چهره و پوشش او، آثار دود و تار عنکبوت را زدودند.^۲

۶. یهودیان در حجة الوداع نیز مسلمانان را از دجال می‌هراسانند!

بخاری در صحیح ۵/ ۱۲۵ از عبدالله ابن عمر روایت می‌کند: «در حجة الوداع در حالی که پیامبر ﷺ در میان ما بود مشغول صحبت بودیم و نمی‌دانستیم که حجة الوداع چیست! آن حضرت حمد و ثنای الهی را به جای آوردند، سپس سخن از مسیح دجال به میان آوردند و پیرامون آن مطالب بسیاری فرمودند، و این چنین ادامه دادند:

۱. نظیر آن در مسند احمد ۶/ ۷۵

۲. و نیز رک به السيرة النبوية ابن كثير ۴/ ۶۴۴

ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام ﷺ
منزلت امام ﷺ
حکومت امام ﷺ
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عیسی
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام ﷺ
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام ﷺ در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر آنکه امتش را از دجال بر حذر داشت، نوح و پیامبران پس از وی امت خود را از او بر حذر داشتند. او در میان شما خروج می‌کند، هر چه درباره‌ی او برایتان پوشیده باشد این مطلب پوشیده نیست که پروردگارتان یک چشم نیست - و این را سه بار گفتند -، در حالی که چشم راست دجال کور است و به انگوری می‌ماند که بر روی آب آمده باشد.

بدانید، خداوند بر شما [برای همیشه، ریختن خون و] تصرف در [مال یکدیگر] حرام کرده است، آن چنان که [ریختن خون و تصرف در مال] در این روز، در این سرزمین و در این ماه حرام است. آیا رساندم؟

گفتند: آری، فرمود: خدایا! تو گواه باش - و این عبارت را سه مرتبه فرمودند - [و ادامه دادند:] وای بر شما - و یا بدا به حالتان [تردید از راوی است] -، مراقب باشید که پس از من به کفر باز نگردید که برخی گردن برخی دیگر را بزنند.^۱

معنای این مطلب آن است که احادیث پیرامون دجال در حجة الوداع یعنی نزدیک وفات پیامبر ﷺ منتشر بوده است، و چه بسا آن عرب‌های بیابانی در همین برهه خدمت آن حضرت می‌رسیدند، و شاید به هراس افتادن سوده توسط عایشه و حفصه نیز در این برهه بوده است، و نیز گفتار برخی صحابه، مانند کلام عبدالله بن حرث بن جزء، وی می‌گوید: «ما هیچ ترس و بیم و لرزه‌ای را در مدینه احساس نمی‌کردیم، مگر آنکه می‌پنداشتیم همان دجال است، این به خاطر آن بود که رسول خدا ﷺ برای ما از او سخن می‌گفت و [دوران] ما را به دوران او نزدیک قلمداد می‌کرد.»^۲

براین اساس هیچ استبعادی ندارد که انتشار قرب خروج دجال، از ابزاری باشد که یهودیان و طلقاء، در دو ماه پایانی زندگانی پیامبر ﷺ و با هدف سیطره بر حکومت پس از ایشان به کار بسته‌اند.

۷. یهودیان حضرت مسیح علی‌ه السلام را دجال نامیدند و راویان وابسته به دستگاه سلطه نیز از آنها

۱. مشابه آن در مسند احمد ۲/ ۱۳۵، مجمع الزوائد ۷/ ۳۳۸ - وی آن را صحیح می‌شمارد - المعجم الکبیر ۱۲/ ۲۷۵،

مسند ابویعلی ۹/ ۴۳۵ و تاریخ مدینه دمشق ۴۵/ ۳۲۴

۲. مجمع الزوائد ۷/ ۳۳۶

پیروی کردند! آنان برای این مطلب چنین تعلیل آوردند که یکی از چشمان او نابینا است و دیگری به خون آغشته، چنان که سرخ می نماید.^۱ راویان وابسته حتی این نشانه را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دادند!

این در حالی است که اهل بیت علیهم السلام او را، تنها دجال نامیدند و هرگز نام مسیح را بر او ننهادند. لذا سنت صحیح نبوی را باید نزد اهل بیت ایشان یافت نه دیگران.

۸. منابع یهودیان و مسیحیان از دجال به عنوان شخصی منتظر یاد می کنند.

یکی از اموری که گفتار اسقف اعظم نجرانیان، همو که اسلام آورد [و کلام او پیشتر گذشت] را تأیید می کند، آن است که پیامبران یهود آنان را به دو مسیح بشارت داده اند، مسیح هدایت و مسیح گمراهی و آن دو به مشیخ موعود و مجدف وصف شده اند، و از دجال به پیامبر دروغ پردازی که عرصه را برای پیامبر وحشی آماده می کند، تعبیر شده است!

در کتاب مقدس چاپ مجمع الكنائس الشرقية / ۱۲۶ آمده است: «در سفر اشعیای نبی چنین نوشته: این منم که پیامبرم را پیش از تومی فرستم تا راه را برای تو آماده سازد.»

در همان کتاب / ۸۱۸ ذیل عنوان «پیامبر دروغ پرداز، وحشی را خدمت می کند» آمده است: «و حیوان وحشی دیگری را دیدم که خارج از زمین بود و دو شاخ شبیه به شاخ های گوسفند داشت و چونان اژدها سخن می گفت. و آن وحش دیگر تمامی اختیارات وحش اول را در حضور او دارد. زمین و اهل آن برای وحش اول به سجود در می آیند، همو که از بیماری مهلکش بهبودی یافت. او امور خارق العاده ی عظیمی را با خود دارد، در مقابل دیدگان مردم آتشی از آسمان بر زمین می فرستد، و با آن امور خارق العاده که می بایست تنها در حضور وحش اظهار نماید، مردمان را گمراه خواهد کرد.»

در حاشیه همان کتاب / ۸۱۸ آمده است: «این وحش دوم که در خدمت وحش اول است، پیامبر کذاب نامیده می شود (ر.ک به رؤ ۱۶ / ۱۳ و ۱۹ / ۲۰ و ۱۰ / ۱). این پیامبر دروغ پرداز پیامبران کذاب و مسیحان دجال که در انجیل متی ۲۴ / ۱۱ و ۲۴ خبر آمدن آنان آمده است، را به یاد مردم می آورد تا علامت و بشارتی نسبت به بازگشت مشیخ حقیقی باشد.»

۱. ر.ک به الفتن ۲ / ۵۱۸

در انجیل متی از کتاب مقدس / ۱۱۵ آمده که پیلاتس حاکم به کاهنان گفت: «من بایسوع که به او مسیح گفته می شود چه کنم؟ همه پاسخ دادند: او باید به دار آویخته شود! پیلاتس گفت: چه کار بدی انجام داده است؟ کاهنان یک صدا فریاد برآوردند: او باید به دار آویخته شود. هنگامی که پیلاتس دانست سخنانش هیچ فایده ای ندارد، دستانش را با آب در حضور همگان شست و گفت: من از ریختن این خون بری هستم، شما خود دانید، کاهنان همه در جواب گفتند: خون او به پای ما و فرزندان ماست! پس باراباس [مجرمی که یهودیان خواستار آزادی او بودند] را آزاد کرد، اما یسوع را تازیانه زد و او را برای به دار آویختن تسلیم نمود.»

در پاورقی آن آمده است: «این فریاد یهودیان ریشه هایی در عهد قدیم نیز دارد (۲ صم ۱ / ۱۳ - ۱۶ و ۳ / ۲۹ و ۵۱ / ۵۵ و لو ۲۳ / ۲۸). پس یهودیان در مقابل خود یک دوراهی دینی دارند که فراتر از رویکردی سیاسی می طلبد؛ آنان یا بایست بپذیرند که یسوع همان مشیح موعود است، و یا اینکه او مجذّف بوده و لذا باید خواهان مرگ او باشند.»

شارحان غربی کتاب مقدس اعتقاد به مسیح دجال را این گونه تفسیر نموده اند که از ظلم و فشار یهود نشأت گرفته است. در مقدمه ی کتاب مقدس چاپ مجمع الكنائس الشرقية / ۱۹ آمده است:

«این امر در باور یهودیان روز به روز رسوخ بیشتری می یافت که خداوند نسبت به خنثی کردن خطر وجود بت پرستان در سرزمین مقدس، هرگز درنگ نخواهد نمود، و عدالت را دوباره برپا داشته، امتیازات یهود را باز خواهد گرداند، چرا که ملکوت خود را بر روی زمین چنان می گسترانند که چشم ها را به تعجب و ا می دارد. این مداخله [ی خداوند] منعی برای شدائد و نا آرامی ها بوده، و دوران جدیدی خالی از شرّ و گناه را خواهد آغازید، و در نهایت، این فزونی مصائب و پیشامدهای ناگوار - که هلاکت دشمنان خدا را به دنبال دارد - است که فرا رسیدن آن دوران را خبر می دهد...»

این باور هاست که موجب شکل گیری چنین نظراتی برای یهودیان متأخر در امور مربوط به زمان های اخیر شده است... در آن دوران مشیح نصیب زیادی در

تمامی آراء ندارد، چرا که مؤلفان اسفار هنگامی که درباره‌ی او سخن می‌گویند، از اینکه او را مشیحی دنیوی که یهوه او را مسح نموده و یا به عبارتی دیگر پادشاهی از نسل داود که اقداماتی سیاسی و لشکری انجام می‌دهد، تا به یاری خداوند سرزمین را آزاد سازد و موجبات شکوفایی آن را فراهم آورد ببینند، خودداری می‌کنند.»

نگارنده: این تحلیل از آن روشنفکران غربی است، ولیکن نظر صحیح همان است که پیش از این گذشت. پیامبران یهود، آنان را پس از مسیح به دو مسیح بشارت داده‌اند: مسیح هدایت و مسیح گمراهی، مسیح هدایت حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه است که با کشیدن دست شفا می‌دهد، و مسیح گمراهی همان دجال موعود است که آخرین پیشوای ضلالت بوده و در مقابل مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه قیام خواهد کرد.

و اگر بشارت آنان به بعد از زمان حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه بازگردد، مقصود از مسیح هدایت رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود، زیرا ایشان نیز به مانند مسیح با کشیدن دست شفا می‌دهند.

اعتقاد به دجال نزد دستگاه خلافت، کانون اسرائیلیات!

۱. احادیث سنیان پیرامون دجال در عین فراوانی دارای تضادها و تناقض هاست، جالب آنکه تمام آنها نزد ایشان صحیح است! عمده‌ی اصول احادیث این موضوع، به کعب الاحبار، عمر بن خطاب و تمیم داری بازگشت می‌کند! اهل سنت از آنجا که این روایات براساس مبانی شان صحیح است، آنها را با تمام خرافات و تناقضاتش پذیرفته‌اند، و بدین صورت بدعت نزد آنان به دین تبدیل شد، و آنها آن را به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دادند!

کعب الاحبار به آنان گفت: دجال در یکی از جزایر یمن محبوس است، تمیم داری گفت: در جزیره‌ای در بحر متوسط، عمرهم گفت: او در مدینه متولد شده و وی او را دیده است. اهل سنت همه را تصدیق کردند!

۲. آنان با رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت نمودند و دجال را خطرناکتر از پیشوایان ضلالت عنوان کردند! این در حالی است که خود، با اسنادی صحیح روایت می‌کنند که رهبران گمراهی خطری بیش از دجال دارند، و سخن حذیفه به آن مرد عرب بیابانی - که شتابان آمد و درباره‌ی دجال

پرسید و او در پاسخ گفت: دجال چیست؟! فتنه‌ی او تنها چهل روز است - پیش از این گذشت. لیکن آنان اصرار دارند بر این که دجال خطرناکترین فتنه‌هاست!

با این وجود ابن حماد در الفتن ۵۱۸/۲ از هشام بن عامر روایت می‌کند: «از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: در فاصله‌ی میان آفرینش آدم تا قیامت، امری مهم‌تر از دجال خواهد بود.» ابن سعد در الطبقات الکبری ۲۶/۷ از هرون نقل می‌کند: «شما مردم به جای اینکه سراغ من آید، نزد گروهی از اصحاب رسول خدا ﷺ می‌روید که بیش از من همنشینی آن حضرت نکردند، و مانند من سخنان ایشان را به خاطر نسپاردند، من از ایشان شنیدم که می‌فرمود: در فاصله‌ی میان آفرینش آدم تا قیامت، فتنه‌ای عظیم‌تر از دجال خواهد بود.»^۱

بنگرید که راوی این حدیث هشام بن عامر چسان راویان را به خاطر آنکه او را ترک کرده و از او روایت نمی‌کنند سرزنش می‌کند و مدعی است که خود، از دیگر راویان که مردم به سراغشان می‌روند و آنان را بر او برتری می‌دهند روایات را بهتر در خاطر دارد. او خود صحابی کم سن و سالی بوده و در خط بنی امیه سیر می‌کرده، و لذا به ترویج احادیث آنان می‌پرداخته است، و همین امر در اینکه مردمان او را ترک نموده، احادیث سایرین را بر او ترجیح دهند، کفایت می‌کند.

الفتن ۵۱۷/۲ از ابوامامه‌ی باهلی نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ برای ما خطبه‌ای خواند و اکثر آن را به هشدار پیرامون دجال اختصاص داد، پاره‌ای از آن خطبه چنین بود: ای مردم! هیچ فتنه‌ای در زمین بالاتر از فتنه‌ی دجال نیست و خدای تعالی هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر آنکه امتش را از او بر حذر داشت، و من آخرین پیامبر و شما آخرین امت‌ها هستید، دجال بدون تردید در میان شما خروج خواهد کرد. حال اگر در حالی که من در میان شما هستم قیام کند، من به جای هر مسلمانی به احتجاج با او خواهم پرداخت، ولیکن اگر پس از من خارج شود، هر کسی خود چنین وظیفه‌ای دارد و خداوند جانشین من بر هر مسلمانی است. هر کس از شما که او را مشاهده نمود آب دهان بر صورتش بیندازد و آیه‌های آغازین

۱. و نیز رک به المصنف ابن ابی شیبہ ۶۴۸/۸، مسند احمد ۱۹/۴، صحیح مسلم ۲۵۷/۸، مسند ابویعلیٰ ۱۲۶/۳ و المعجم الکبیر ۱۷۴/۲۲. حاکم در المستدرک ۵۲۸/۴ روایت را به مانند ابن ابی شیبہ نقل و آن را بنابر شرط بخاری تصحیح می‌کند. الفردوس ۳۴۰/۴ مانند روایت ابن حماد را می‌آورد، و الجامع الصغیر ۴۸۹/۲ آن را از احمد و مسلم نقل و تصحیح می‌نماید.

سوره‌ی کهف را قرائت کند.»

۳. عالمان وابسته به دستگاه سلطه با قصد تقرب به درگاه خداوند (!) در ترویج ترس و بیمی دینی (!) با یکدیگر مسابقه گذاردند. و در میان آنان، این بخاری و مسلم هستند که گوی سبقت را ربودند!

مسلم در صحیحش ۱۹۷/۸ از نواس بن سمعان می‌آورد: «یک روز صبح رسول خدا ﷺ دجال را یاد نموده و او را حقیر و دوران او را نزدیک دانستند، چنان که ما پنداشتیم او در جانب نخل هاست، زمانی که [بار دیگر] خدمت ایشان رسیدیم، این [ترس و اضطراب] را در ما مشاهده کرد و فرمود: چه چیزی برایتان پیش آمده است؟ گفتیم: ای پیامبر خدا! صبح هنگامی شما دجال را یاد کردید و شأن او را حقیر و دوران او را نزدیک دانستید، چنان که ما پنداشتیم او در جانب نخل هاست!

ایشان فرمودند: من برای شما از غیر دجال بیشتر می‌هراسم، اگر دجال زمانی خارج شود که من در میان شما هستم خود به جای شما با او به احتجاج خواهم پرداخت، اما اگر در نبود من خروج کند هر کسی خود چنین وظیفه‌ای دارد، و خداوند جانشین من بر هر مسلمانی است. دجال جوانی است با موهای مجعد و چشم برآمده، من او را به عبد العزی بن قطن تشبیه می‌کنم، هر کس از شما او را درک کرد آیات آغازین سوره‌ی کهف را براو بخواند. او از دره‌ای بین شام و عراق خارج خواهد شد و اطراف خود را مملو از شر و فساد خواهد کرد، پس ای بندگان خدا!! [سستی نکنید و] ثابت قدم باشید.

عرضه داشتیم: ای رسول خدا! چه مدت در زمین درنگ می‌کند؟ فرمودند: چهل روز، یک روز آن به مانند یک سال، یک روز آن به مانند یک ماه، یک روز آن به مانند یک هفته و سایر روزهای آن همچون روزهای شماست.

گفتیم: ای پیامبر خدا! آیا در آن روزی که به سالی می‌ماند ادای نماز یک روز برای ما کافی است؟ فرمودند: نه، بلکه برای آن روز زمان بندی کنید [شارحان صحیح مسلم چنین تفسیر کرده‌اند که آن روز را به مانند سایر ایام تقسیم بندی کنید، به این ترتیب که هرگاه پس از نماز صبح، آن مقدار زمانی که در روزهای معمولی باید بگذرد تا وقت نماز ظهر برسد،

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سپری شد نماز ظهر را به جای آورد و همچنین است نماز عصر و مغرب و عشاء، سپس دوباره زمان بندی می شود تا نماز صبح، و همچنان ادامه می یابد تا اینکه در این یک روز نمازهای یک سال خوانده شود^۱].

عرض کردیم: ای رسول خدا! سرعت او در زمین چگونه است؟ فرمودند: مانند بارانی که در پی آن باد روانه باشد، او به سراغ مردم می آید و آنان را دعوت می کند، آنها نیز به او ایمان آورده، اجابت می کنند. پس او آسمان را امر می کند و آن هم می بارد و زمین را فرمان می دهد و آن هم می روید، و چار پایان آنها در آخر روز نزد صاحبان خود باز می گردند در حالی که بیشترین شیر، بزرگ ترین پستان و کشیده ترین لگن را دارند.

آنگاه به سراغ گروهی دیگر رفته، آنان را دعوت می کند ولی آنان گفتار او را نمی پذیرند، او هم از نزد آنها باز می گردد، آنان صبح می کنند در حالی که به قحطی دچار شده اند و هیچ یک از اموالشان برایشان باقی نمانده است، دجال از کنار ویرانه ای می گذرد و بدان می گوید: گنج هایت را بیرون آر، پس گنج ها مانند ملکه های زنبور عسل در پی او خواهند آمد. سپس جوانی را فرا خوانده، او را با شمشیر چنان ضربه ای می زند که دو نیم می کند، و تنها به اندازه ی پرتاب تیری به سمت هدف در میان دو قسمت بدن او فاصله می ماند^۲. سپس آن جوان را می خواند و او در حالی که خندان است و چهره اش می درخشد به سوی او می آید!

در این هنگام خداوند مسیح را مبعوث می کند و او کنار مناره ی سفیدی که در شرق دمشق قرار دارد در حالی که دو جامه ی زرد رنگ در بردارد، و دو کف دستش را بر بال دو فرشته گذاشته فرود می آید، هنگامی که سرش را پایین می برد قطرات عرق و وقتی سرش را بالا می گیرد، دانه هایی چون گوهر فرو می ریزد، هر کافری رایحه ی نفس او را استشمام کند خواهد مرد، تا هر جایی که چشم او ببیند نفس او خواهد رفت، او در جستجوی دجال

۱. شرح صحیح مسلم نووی ۶۶/ ۱۸

۲. برخی شارحان مقصود از این جمله را چنین بیان می کنند که در بین دو قسمت بدن او چنین فاصله ای خواهد گذارد تا جای تردیدی در مرگ او برای کسی باقی نماند، هم چنان که ساحران و شعبده بازان انجام می دهند، رک به تحفة الاحوذی ۴۱۶/ ۶ م

خواهد رفت تا آنکه او را کنار باب لُد یافته، به هلاکت می‌رساند.

آنگاه گروهی نزد مسیح خواهند آمد که خدا آنان را از شرّ دجال در امان داشته است، او دست بر صورت هایشان می‌کشد [تا غم و اندوهی که به جهت مواجهه با دجال بدان دچار شدند، زائل شود] و با آنان درباره‌ی درجاتشان در بهشت سخن می‌گوید.

در این هنگام خداوند به عیسی وحی می‌کند که من بندگان را آفریدم که هیچ کس را یارای نبرد با آنان نیست، پس [دیگر] بندگانم را در پناه کوه طور در آور، و خداوند یاجوج و مأجوج را که از هرپشته‌ای بتازند، می‌فرستد، گروه نخستین آنان به دریاچه‌ی طبریه می‌رسند و هرچه در آن است می‌آشامند، ما بقی آنها که به آن دریاچه می‌رسند می‌گویند: زمانی در اینجا آب بوده است.

حضرت عیسی و مردمی که با او هستند، [در کوه طور] چنان در محاصره قرار می‌گیرند که [از شدت قحطی] سرگاو نزد آنها از صد سکه طلایی که امروز نزد یکی از شما باشد، محبوبتر است.

آنگاه پیامبر خدا عیسی و اطرافیانش به درگاه خدا به دعا و تضرع می‌پردازند که در پی آن خداوند کرم‌ها را برگردن یاجوج و مأجوج می‌فرستد و آنان همانند مردن یک نفر، همه به روی زمین می‌افتند. در این هنگام عیسی و همراهانش [از طور] پایین می‌آیند ولیکن در زمین موضعی به اندازه یک وجب نمی‌یابند، مگر آنکه بوی بد و نامطبوع آنها آن را فرا گرفته است. پس عیسی و یاران به درگاه خدا به التجا می‌پردازند و خداوند هم پرنده‌گانی که گردن آنها در بزرگی و طول مانند گردن شتران است گسیل می‌کند که آنها را حمل می‌کنند و هر جایی که خدا بخواهد می‌اندازند.

آنگاه خدا بارانی را فرو می‌فرستد که بر همه‌ی خانه‌های گلی یا مویی خواهد بارید، پس زمین را شست و شوداده، مانند آئینه قرار می‌دهد، اینجاست که به زمین گفته می‌شود: میوه‌ات را برویان و برکت را بازگردان، پس آن روز آن مردم از درخت انار خورده، در سایه‌ی پوست آن خواهند آرامید، در قسمتی از [گوشت] یک شتر چنان برکتی خواهد بود که شتری که نزدیک به وضع حمل است، جماعت بسیاری را کفایت می‌کند و یک گاوی

که نزدیک به وضع حمل است قبیله ای را، و گوسفندی چنین، تعدادی از مردم را کافی خواهد بود.

در حالی که آنان در چنین شرائطی قرار دارند، خداوند بادی خوشبورا می فرستد که آنها را در آغوش یکدیگر فرا گرفته، روح تمامی مؤمنان و مسلمانان را قبض خواهد نمود، ولی بدان باقی می ماند و مانند الاغ ها در فساد و فتنه غوطه خورده، قیامت بر آنان واقع خواهد شد. «مسلم دیگر باره آن را در ۸/ ۱۹۹ روایت کرده، می افزاید: «سپس یاجوج و مأجوج در زمین سیر می کنند تا آنکه به جبل الخمر که نام کوهی است در بیت المقدس برسند، پس می گویند: کسانی را که در زمین بودند نابود کردیم، حال بیایید کسانی را که در آسمانند از بین ببریم و تیرهایشان را به سوی آسمان رها می کنند، آنگاه خداوند تیرهایشان را در حالی که به خون آغشته، بر خود آنها باز می گرداند.»^۱

کسی که در احادیث خبره و آگاه باشد می داند چنین احادیثی از اسرائیلیات است و راوی بادی نشین آن، این حدیث را - به مانند اکثر روایاتی که در این باب دارند - با خیالات خود در هم آمیخته است، ولیکن این روایات نزد اهل سنت از بالا ترین درجات صحت برخوردار می باشد!

به این عبارت پیامبر ﷺ در روایت مسلم «از امر دیگری غیر از دجال برای شما بیشتر می هراسم» دقت کنید و ببینید که چگونه در میان دروغ ها و بزرگ سازی هایی که پیرامون دجال صورت گرفته گم شده است!

۴. آنان برای دجال معجزات و امور خارق العاده ای قرار دادند که پیروان بنی امیه زمینه ساز آن بودند!

در مجموع فتاوی ابن تیمیه ۳۵/ ۱۱۸ آمده است: «رسول خدا ﷺ فرمود: قیامت بر پا نخواهد شد تا آنکه سی دجال پرداز که باور همه شان این است که فرستاده ی خدا هستند، در میان شما آشکار شوند. بالاترین فتنه را در بین آنها دجال بزرگ دارد، همو که عیسی بن مریم او را به قتل خواهد رساند. خداوند از آدم تا قیامت بالاتر از فتنه ی او را نیافریده است.

۱. و نیز رک به سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۵۶، سنن ابوداود ۴/ ۱۱۷ مختصراً، البدء و التاریخ ۲/ ۱۹۳، المعجم الکبیر ۸/ ۱۷۱، المستدرک ۴/ ۴۹۲ آن را بنابر شرط شیخین صحیح می شمارد و در ۵۳۰ قسمت آغازین آن را بنابر شرط مسلم صحیح می شمارد - و سنن ترمذی ۴/ ۵۱۰ - وی آن را حدیثی حسن قلمداد می کند -.

خدا مسلمانان را فرمان داده که در نمازهایشان از فتنه‌ی دجال به او پناه برند! این مطلب ثابت است که او به آسمان فرمان بارش می‌دهد و آن هم می‌بارد و به زمین فرمان رویش می‌دهد و آن هم چنین می‌کند! دجال مردی مؤمن را می‌کشد سپس به او می‌گوید: برخیز، و او برمی‌خیزد و در اینجا دجال می‌گوید: من پروردگار تو هستم، آن مرد در پاسخ می‌گوید: دروغ گفتی، بلکه تو آن یک چشم کذاب هستی که پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از آن خبر داده است، و به خدا سوگند آگاهی و شناختن نسبت به تو بالا رفت، دجال دوباره او را می‌کشد [و زنده می‌کند] و چون می‌خواهد او را برای بار سوم به قتل برساند، خدا قدرت این کار را به او نمی‌دهد.»!

ابن تیمیه فتنه‌ی دجال را بالاتر از فتنه پیشوایان ضلالت قرار داده است و بر احادیث صحیحی که صراحت در این دارند که فتنه‌ی آنان بالاتر و خطرناکتر از فتنه‌ی دجال است، خط بطلان می‌کشد! هم چنان که جزم دارد خدا به دجال معجزه و ولایت تکوینی می‌دهد و به واسطه‌ی آن قدرت می‌یابد که آسمان را فرمان بارش دهد و زمین را فرمان رویش، آن دو نیز اطاعت می‌کنند، و مرده را امر می‌کند و او هم زنده می‌گردد! این‌ها قدرت‌هایی است که ابن تیمیه نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان علیهم السلام نمی‌پذیرد، حال آیا دجال از آنها قدرت بیشتری دارد و افضل است؟! الفتن ۲/ ۵۳۶ از حدیقه از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند: «چشم راست دجال کور است و موهای او بسیار، او به همراه خود بهشتی دارد و آتشی، آتش او بهشت است و بهشت او آتش...»

به واسطه عبدالله بن عمر چنین روایت می‌کند: یکی از چشمان دجال کور است و دیگری به خون آغشته چنان که سرخ می‌نماید، وقتی که او سیر می‌کند دو کوه با خود به همراه دارد، کوهی از نهرها و میوه‌ها و کوهی از دود و آتش، هم چنان که تار مویی را دو نیم می‌کند خورشید را دو نیم می‌کند، و پرنده را در هوا می‌گیرد.»^۱

در این نقلی که آن را حدیث می‌پندارند (!) دست‌های یهود را مشاهده می‌کنیم. یکی

۱. و نیز رک به مسند احمد ۵/ ۳۲۴ و ۳۹۷، صحیح مسلم در ۸/ ۱۹۵، سنن ابوداود ۴/ ۱۱۶، سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۵۳، حلیة الاولیاء ۵/ ۱۵۷ و ۲۳۵/ ۹ و مصابیح السنة بغوی ۳/ ۴۹۸ و ۵۰۷-وی برخی را صحیح و برخی را حسن یاد می‌کند...

از معجزات پیامبر ﷺ آن بوده که ایشان به درگاه خداوند متعال دعا کردند و او ماه را به عنوان نشانه‌ای برای مشرکین، برای آن حضرت دو نیم کرد، حال یهودیان برای دجال چنین ادعا می‌کنند که خورشید را مانند تار مویی که دو نیم شود، به دو قسمت مساوی تبدیل خواهد نمود! ابن ابی شیبہ در المصنف ۸ / ۶۵۷ از رسول خدا ﷺ چنین نقل می‌کند:

«دجال تا زانوهایش در دریاها فرو می‌رود، ابر را با دستش می‌گیرد، از خورشید زودتر به مغرب می‌رسد، در پیشانی او شاخی است که از آن مارهایی را می‌گیرد [و با آنها با دشمنانش می‌جنگد]، او تمام بدنش را سلاح پوشانده است و [پیامبر ﷺ یک به یک اسلحه و] حتی شمشیر و نیزه و درق را هم نام بردند، راوی [که حسن نام دارد] گوید: از ایشان پرسیدم که درق چیست؟ فرمود: سپر...»

همان / ۶۴۸: «همانا من نسبت به آنچه دجال به همراه دارد از خود او آگاه‌ترم، او با خود دو نهر جاری دارد که یکی آبی سفید دیده می‌شود و دیگری آتشی فروزان، اگر کسی آن را یافت به سوی نهری که آن را آتش می‌بیند برود و چشمش را ببندد سپس سر به زیر آورده از آن بیاشامد که آبی خنک است.

دجال چشمی نابینا دارد که بر آن گوشتی غلیظ روییده و تمام آن را پوشانده است، در میان دو چشم او لفظ کافرنوشته شده است که هر مؤمنی، چه آشنا با نوشتن و چه ناآشنا، آن را می‌خواند.»^۱

عبدالرزاق در المصنف ۱۱ / ۳۹۱ از اسماء بنت یزید که زنی از انصار و دوست فاطمه بنت قیس است - که خواهد آمد - روایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ در خانه‌ی من بود که دجال یاد کرد و فرمود: دجال سه سال در پیش رو دارد، در سال اول آسمان یک سوم باران و زمین یک سوم گیاهانش، در سال دوم دو سوم آن و در سومین سال تمام آن را باز می‌دارد، و تمام چارپایان شُم دار و دارای دندان هلاک می‌شوند.

۱. این حدیث را احمد در ۵ / ۳۸۶، طبرانی در الأحادیث الطوال / ۱۲۵ و المعجم الکبیر / ۸ / ۱۴۶، الدر المنثور / ۴ / ۲۱۰ و ۲۵۲ و حاکم در المستدرک / ۴ / ۴۹۱ آورده‌اند - وی آن را صحیح می‌شمارد و با عبارتی افسانه‌ای تر نیز آن را نقل می‌کند -.

از کسانی که سخت‌ترین امتحان را دارند، آن است که دجال نزد عربی بیابانی رفته، می‌گوید: آیا اگر شترت را برای زنده کنم خواهی پذیرفت که من پروردگار توام؟ و او می‌گوید: آری، پس شیطان به صورت شتر او در می‌آید در حالی که بهترین پستان و بلندترین کوهان را دارد. او به نزد مردی که پدر و برادرش مرده‌اند رفته، می‌گوید: آیا اگر پدر و برادرت را زنده کنم خواهی پذیرفت که من پروردگار توام؟ و او پاسخ مثبت می‌دهد، آنگاه شیطان خود را به صورت پدر و برادر او درمی‌آورد.

اسماء می‌گوید: در این هنگام آن حضرت برای کاری از خانه بیرون رفت، سپس در حالی که جماعت حاضر همه به سبب گفته‌های ایشان در غم و اندوه به سر می‌بردند، بازگشت و دو طرف در را گرفته، فرمود: ای اسماء! چه شده است؟ عرضه داشتم: ای رسول خدا! با ذکر دجال دل‌های ما را از جا کندید. ایشان فرمود: اگر در زمان حیات من خروج کند، خود با او به احتجاج خواهم پرداخت، و اگر من در میان شما نباشم، پروردگار من پس از من، جانشین من بر هر مؤمنی است.

اسماء گفت: ای رسول خدا! ما آرد هایمان را خمیر می‌کنیم ولی آن را نمی‌پزیم تا آنکه گرسنه شویم، مؤمنین آن روز چه خواهند کرد؟ فرمود: هم چنان که اهل آسمان را تسبیح و تقدیس [به عنوان غذا] کفایت می‌کند، آنان نیز چنین خواهند بود.^۱

۵. بخاری احادیث بسیاری پیرامون دجال نقل می‌کند.

او در ۴/ ۱۰۵ از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «دجال به همراه خود مانند بهشت و دوزخ را می‌آورد و آن را که بهشت می‌گوید، دوزخ است».

در ۱۴۳/ ۱ از آن حضرت نقل می‌کند: «هنگامی که دجال قیام کند به همراه خود آب و آتشی دارد، آن را که مردم آتش می‌بینند آبی خنک است و آن را که آب خنک می‌بینند آتشی سوزان است! هر کسی آن را درک کرد خود را در آنچه آتش می‌بیند بیندازد، که گوارا و خنک است».

در ۸/ ۱۰۱ چنین می‌آورد: «آتش او آب خنک، و آب او آتش است».

۱. و نیز الفتن ۲/ ۵۲۷ و مسند احمد ۶/ ۴۵۵

در ۱/۲۰۲، ۷/۱۵۹ و ۱۶۱ و ۸/۱۰۳ از عایشه روایت می‌کند: «پیامبر ﷺ در نمازش از دجال به خدا پناه می‌برد و می‌گفت: خدایا! من به تواز عذاب قبر و فتنه‌ی مسیح دجال و فتنه‌ی زندگی و مرگ پناه می‌برم.»^۱

۶. بخاری خود در احادیث دجال دچار تناقض گویی شده است، بلکه فراتر آنکه رسول خدا ﷺ را به تناقض گویی متهم نموده است!

در ۸/۱۰۳ به واسطه‌ی انس روایت می‌کند: «دجال به طرف مدینه می‌آید ولیکن فرشتگان را مشغول نگهبانی آن می‌بیند. نه دجال و نه طاعون نمی‌توانند به مدینه نزدیک شوند.»
در ۲/۲۲۳ و ۸/۱۰۸ نیز، از آن حضرت چنین می‌آورد: «ترس و رعب از مسیح دجال وارد مدینه نمی‌گردد، در آن روز مدینه هفت در دارد و بر هر دری دو فرشته است.»
وی، این را از یک سو و از سویی دیگر نقیض آن را می‌آورد.

وی در ۸/۱۰۱ از پیامبر ﷺ روایت می‌کند: «دجال می‌آید تا آنکه در ناحیه‌ای از مدینه وارد می‌شود و تمام کافران و منافقان به سوی او می‌روند.»

در ۸/۱۰۳ روایت می‌کند: «دجال در بعضی از شوره زارهای مدینه وارد می‌شود، پس مردی که در آن روز بهترین مردم - یا از بهترین آنان - است به نزد او آمده، می‌گوید: گواهی می‌دهم که تو آن دجالی هستی که رسول خدا ﷺ درباره‌اش برای ما سخن گفته است. پس دجال [به مردم] می‌گوید: اگر این شخص را بکشم سپس زنده گردانم، باز هم درباره‌ی من تردیدی خواهید داشت؟ آنان هم می‌گویند: نه، او هم آن مرد را می‌کشد و زنده می‌کند.»

با این حساب حرمت ورود به مدینه بر دجال چنان خواهد بود که او وارد حومه‌ی آن می‌شود و اهالی آن از او می‌گریزند، منافقان مدینه به نزد او می‌آیند، او بر مؤمنین تسلط می‌یابد و مردی صالح از آنان را می‌کشد، در این صورت دیگر چه چیزی برای حفظ کردن مدینه باقی می‌ماند؟!

فراتر آنکه طیالسی از محجن از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که تمام اهل مدینه می‌گریزند!
وی در مسند خود / ۱۸۳ می‌آورد: «بدا به حال آن شهر در روزی که اهالی آن، آن را ترک

۱. مشابیه آن را در ۲/۱۵۳ از ابوهیره و در ۵/۲۲۳ از انس نقل می‌کند و در ۷/۱۵۸ روایت می‌کند که سعد از فتنه‌ی دنیا - یعنی فتنه‌ی دجال - به خدا پناه می‌برد.

می‌کنند در حالی که در بالاترین شرایط آبادانی است. دجال به سمت آن می‌آید ولی بر هر دری از آن فرشته‌ای با شمشیری آخته می‌بیند، لذا وارد آن نمی‌شود.^۱

بخاری در ۸/ ۱۰۱ از عبدالله بن عمر روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله گفتار او و پدرش را در این باره که دجال به دنیا آمده، تصدیق می‌کند، و حضرت خود او را در کنار کعبه دیده است، آن حضرت می‌گوید: «در حالی که به طواف کعبه مشغول بودم مردی گندمگون با موهای نرم و انبوه که از سر او آب می‌چکید - و یا می‌ریخت - را دیدم، پرسیدم: او کیست؟ گفتند: عیسی بن مریم، آنگاه رفتم و یکبارہ مردی درشت هیکل، سرخ، با موهای مجعد و یک چشم دیدم، گویا چشم او مانند انگوری که بر روی آب افتاده بود، آنان گفتند: این دجال است! و شبیه‌ترین مردم به او ابن قطن مردی از خزاعه است.»^۲

۷. نزد ما تمامی احادیث اهل سنت پیرامون دجال مردود است و آنان نیز بایست آنها را رد کنند، زیرا خود صحیح می‌دانند که فتنه‌ی پیشوایان گمراهی سخت‌ترین فتنه‌هاست! از سویی عقل این مطلب را که خداوند عزوجل به دشمنش دجال همانند پیامبران علیهم السلام معجزه و قدرت زنده نمودن مردگان را عطا کند، محال می‌داند.

۸. سنن حدیث صحیحی را که با سخن اهل بیت علیهم السلام موافقت دارد، نقل می‌کنند ولیکن در عمل با آن مخالفت می‌نمایند!

بخاری در صحیح خود ۸/ ۱۰۱ از مغیره بن شعبه نقل می‌کند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی دجال پرسید و آن حضرت فرمودند: «چه چیزی از او به تو آسیب می‌رساند؟ گفتم: مردم می‌گویند: او به همراه خود کوهی از نان و چشمه‌ای دارد! ایشان فرمودند: او نزد خدا بی‌ارزشتر از آن است.»^۳

این حدیث تمامی بزرگ‌سازی‌های بخاری و دیگران پیرامون دجال را تکذیب کرده، و انگشت اتهام را بر روی آن دسته از صحابه که تحت تأثیر یهود بودند و درباره‌ی دجال

۱. مشابه آن در المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵/ ۱۴۰، مسند احمد ۴/ ۳۳۸ و المستدرک حاکم ۴/ ۲۲۷

۲. در ۷/ ۵۸، ۵/ ۱۲۶ و ۸/ ۷۲ آن را مسیح دجال می‌نامد.

۳. و نیز مسند احمد ۴/ ۲۵۲، الفتن ابن حماد ۲/ ۵۵۲، المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۶۴۷ و صحیح مسلم

۶/ ۱۷۷ و ۸/ ۲۰۰

افسانه‌ها در میان مسلمانان رواج داده، به سنت پیامبر ﷺ پشت پا زدند، قرار می‌دهد. و با امثال این روایت می‌توان علت اینکه آن حضرت صحابه‌ای را که تحت تأثیر یهود بودند، متهم‌گ [سرگردان] نامید دانست، یعنی جزاندکی از آنها ما بقی به یهودی‌گری پرداختند!

۹. آنچه مایه‌ی تعجب است آن است که بزرگان اهل سنت از دیرباز تا عصر حاضر، این رعب و وحشت دینی یهودی را با قصد قربت (!) در میان مسلمین رواج می‌دهند و به نشر و گسترش امور خارق‌العاده برای دجال می‌پردازند، از جمله اینکه پوست او چنان باد می‌کند که مسیر را پرمی‌کند، طول الاغ او هفتاد ذراع به ذراع خداوند است، با خود بهشت و دوزخ و کوهی از نان و آبگوشت دارد و.... و عموم اهل سنت هم این امور را تصدیق می‌کنند. عالمان آنان [که به نشر این مطالب می‌پردازند] آرامش دادن‌های رسول خدا ﷺ و سخنانی که از ایشان در تکذیب این امور رسیده است را کتمان می‌کنند!

۱۰. ترس و بیم مسلمانان از دجال تا بدان جا رسیده است، که برخی آن را بر مغول تطبیق نموده‌اند!

سنیان از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: «دجال با هشتاد هزار نفر در خوزستان و کرمان فرود می‌آید. صورت‌های آنان به سپرهایی می‌ماند که آهنگبران ضربه می‌زند، جامه‌هایی که تمام بدن را می‌پوشاند در بر، و کفش‌هایی از موبرپا دارند.»^۱

دو وصفی که در این روایت آمده است، یکی آن که صورت‌های آنان به سپرهایی می‌ماند که آهنگبران ضربه می‌زند، و دوم آن که کفش‌هایی از موبرپا دارند، تنها در اوصاف مغول آمده است.

۱۱. اهل سنت طول عمر دجال را پذیرفتند، ولیکن نسبت به طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اعتراض دارند!

شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین ۲ / ۵۲۸ گزارش عبدالله ابن عمر درباره‌ی دجال را آورده است، ابن عمر در آن چنین می‌پندارد: «رسول خدا ﷺ صبح هنگامی با اصحاب نماز را به جای آوردند و بعد با آنان تا درخانه‌ای در مدینه آمده و در را کوبیدند، زنی بیرون آمد و گفت: ای

۱. و نیز در ک به الفتن ۲ / ۵۹۷ و مسند احمد ۲ / ۳۳۷، المصنف ابن ابی شیبہ ۸ / ۶۵۴، مسند ابویعلیٰ ۱۰ / ۳۸۰، الفتن ابن کثیر ۱ / ۱۴۳ و ۱۴۴ و مجمع الزوائد ۷ / ۳۴۵

ابوالقاسم! چه می‌خواهی؟ آن حضرت فرمودند: ای مادر عبدالله! به من اجازه بده تا نزد عبدالله بروم، او گفت: ای ابوالقاسم! با عبدالله چه کار داری؟ به خدا قسم او عقلش را از دست داده و لباسش را آلوده می‌کند، مرانیز به امری عظیم وادار می‌کند! ایشان فرمودند: اجازه بده تا نزد او بروم، آن زن گفت: برعهده‌ی شما؟ حضرت فرمودند: آری، آنگاه اجازه‌ی ورود داد و رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل شدند. آن پسر در میان ردایی، با خود زمزمه می‌کرد، مادر گفت: ساکت شو و بنشین، این محمد است که نزد تو آمده، او هم آرام نشست. حضرت فرمودند: این زن چه می‌خواهد؟ خدا او را لعنت کند، اگر مرا و می‌گذاشت به شما خبر می‌دادم که آیا این پسر همان است؟

سپس به آن پسر فرمود: چه می‌بینی؟ گفت: حق، باطل و سریری بر روی آب، فرمود: گواهی بده که خدایی جز الله نیست و من رسول اویم، آن پسر گفت: بلکه شما گواهی بده که خدایی جز الله نیست و من رسول اویم، خدا شما را در این امر شایسته تراز من قرار نداده است!

روز دوم هم پس از آنکه با اصحاب نماز صبح را به جای آوردند با آنان برخاسته، به در آن خانه رفتند و در را کوبیدند... مادر گفت: ساکت باش و [از فراز درخت] پایین بیا، چرا که این محمد است که نزد تو آمده، و او هم آرام شد، آنگاه حضرت گفتند: این زن چه می‌خواهد؟ خدا او را لعنت کند، اگر مرا و می‌گذاشت به شما خبر می‌دادم که آیا این پسر همان است؟

چون روز سوم فرارسید ایشان با اصحاب نماز صبح را برپا داشتند و بعد با آنان برخاستند... پس فرمودند: من برای تو چیزی را پنهان کرده‌ام، آن چیست؟ او در جواب گفت: دود، دود [مقصود سوره‌ی دخان است که آیاتی از آن در آن روز بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده بود]، حضرت فرمودند: دور شو، تو هرگز از اجلت فراتر نرفته و به آرزویت نخواهی رسید، تو جز به آنچه برای مقدر است دست نخواهی یافت.

در این هنگام به اصحاب فرمود: ای مردم! خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد، مگر آنکه قوم خود را از دجال بر حذر داشته است، خدا دجال را تا امروز تأخیر انداخته است، پس

اگر چیزی از امر وی برایتان مشتبه شد [بدانید که] پروردگارتان یک چشم نیست. دجال برالاهی که فاصله‌ی میان دو گوش آن به اندازه‌ی یک میل است خارج می‌شود، او در حالی خروج می‌کند که بهشتی، دوزخی و کوهی از نان و چشمه‌ای را با خود به همراه دارد، بیشترین پیروان او را یهودیان، زنان و اعراب تشکیل می‌دهند. او در تمامی آفاق زمین - به جز مکه و دو حومه‌ی آن و مدینه و دو حومه‌ی آن - وارد می‌شود.

بیشتر در ما بر مضمون این گزارش گذشت.

غرض ما از نقل این حدیث آن است که بدانید اهل سنت به دجال و طول عمر وی معتقدند، در حالی که طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار می‌کنند! شیخ صدوق رحمه الله پس از نقل این روایت می‌فرماید:

«کسانی که عناد می‌ورزند و به تکذیب [حقایق] می‌پردازند این روایت را پذیرفته، آن را درباره‌ی دجال، غیبت وی، طول مدت درنگ و خروج او در آخرالزمان نقل می‌کنند، حال آنکه امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت طولانی و ظهور ایشان را که در آن، عدل و داد را در زمین آن گونه که از ظلم و جور پر شده است فراگیر می‌سازد، بر نمی‌تابند، و این با وجود تصریحاتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام درباره‌ی نام و نسب آن حضرت، غیبت و طولانی بودن دوران آن، داشته‌اند. آنان با این کار در صدد خاموش کردن نور خداوند عزوجل و نیز باطل نمودن امر ولی خدا هستند، در حالی که خداوند ابا کرده مگر آن که نور خود را تمام کند، گرچه کافران را خوش نیاید. آنان در راستای باطل ساختن امر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر چنین استدلال نموده و گویند: ما این اخباری را که شما در مورد مهدی دارید نه می‌شناسیم و نه روایت می‌کنیم. این همان سخن ملحدان، براهمه، یهودیان، مسیحیان و مجوسیان است که نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار نموده، می‌گویند: هیچ یک از معجزات و دلائلی که برای صدق ادعای نبوت پیامبرتان می‌آورد را نه می‌شناسیم و نه روایت می‌کنیم، و لذا به عدم صحت ادعای او معتقدیم. حال اگر دلیل سنیان ما را ملزم سازد، دلیل این طوائف - که تعدادشان از سنیان بیشتر است - نیز باید برای سنیان الزام آور باشد!

دیگراز سخنان سنی‌ها آن است که گویند: در عقول ما نمی‌گنجد که شخصی در زمان ما

چنان عمر کند که از عمر هم عصران خود فراتر رود، حال آنکه امام شما بر طبق پندارتان از عمر هم عصران خود فراتر رفته است.

ما هم در پاسخ آنها می‌گوییم: آیا شما تصدیق می‌کنید که دجال در غیبت می‌تواند عمری فراتر از عمر اهل زمان داشته باشد و ابلیس نیز چنین است (؟) ولیکن با وجود تصریحاتی که درباره‌ی قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه، غیبت، طول عمر و ظهور ایشان برای برپا داشتن امر خدا رسیده است - و روایاتی را که در این باره وارد شده در این کتاب آورده‌ام - آن را نمی‌پذیرید! علاوه بر آنکه به طریق صحیح از رسول خدا ص رسیده که فرمودند: هر آنچه در امت‌های گذشته واقع شده، در این امت نیز خواهد بود، هم چنان که دو تایی کفش و دو پرتیر در برابر یکدیگر هستند. در پیامبران گذشته و حجت‌های الهی کسانی بوده‌اند که عمر طولانی داشته‌اند، نوح نبی ع دو هزار و پانصد سال زندگی کرد و خدا در قرآن [تنها] سخن از آن به میان آورده که او در میان قوم خود نهصد و پنجاه سال درنگ کرد؛ در حدیثی که آن را با سندش در این کتاب نقل نمودم، آمده است که در قائم عجل الله تعالی فرجه سنتی از نوح است که طولانی بودن عمر وی می‌باشد، حال چگونه است که سنیان امر [غیبت] امام زمان عجل الله تعالی فرجه را نمی‌پذیرند ولی با امور مشابه آن - که نزد عقل هیچ اشکالی ندارد - چنین برخوردی ندارند؟ بلکه بایست به این امور اذعان نمود، چرا که از طریق رسول خدا ص رسیده است، و اعتقاد به قائم عجل الله تعالی فرجه نیز چنین است.

مقتضای کدام عقل است که اصحاب کهف می‌توانند سیصد و نه سال در غارشان درنگ کنند، آیا تصدیق و پذیرش این مطلب از غیر طریق اخبار بوده است؟ پس چرا امر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را که آن نیز از طریق اخبار رسیده، تصدیق نمی‌نمایند؟!

آنان چگونه اخبار وهب بن منبه و کعب الاحبار را در اموری محال تصدیق می‌کنند، در حالی که هیچ یک از آنها را نه می‌توان به رسول خدا ص نسبت داد و نه عقل روا می‌شمارد، ولیکن آنچه را که از پیامبر ص و امامان ع پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، غیبت و ظهور ایشان - که پس از تردید اکثر مردم و بازگشت آنها از اعتقاد به آن حضرت واقع می‌شود -

رسیده و اخبار و آثار صحیح بر آن دلالت دارد نمی‌پذیرند؟! آیا این امر غیر از پافشاری بر انکار حق است؟

اینان چرانی می‌گویند: اگر چه در این عصر و زمان کسی که بتواند عمری طولانی داشته باشد وجود ندارد، اما باید به عنوان تصدیق گفتار صاحب شریعت صلی الله علیه و آله، سنت پیشینیان در عمر طولانی در مشهورترین اجناس جاری گردد و هیچ جنسی از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مشهورتر نیست، زیرا در شرق و غرب عالم بر زبان کسانی که به ایشان اعتقاد دارند و نیز آنان که انکار می‌نمایند، یاد می‌شود.

هرگاه غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف با وجود روایات صحیحی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی آن رسیده است صحیح نباشد، نبوت ایشان نیز باطل خواهد بود، چرا که در این صورت آن حضرت خبر از غیبت کسی داده‌اند که غائب نشده است، و اگر دروغ ایشان ثابت شود، پیامبر نبوده است!

چگونه است که سنیان رسول خدا صلی الله علیه و آله را در آنچه در مورد عمار فرموده است: «گروه ستمکار او را می‌کشند»، و در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام: «موهای صورتش با خون سرش رنگین می‌شود»، و درباره‌ی امام حسن علیه السلام: «با سم کشته می‌شود»، و در مورد امام حسین علیه السلام: «با شمشیر به شهادت می‌رسد» تصدیق می‌کنند، ولی آن حضرت را در آنچه پیرامون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت، و تعیین او به نام و نسب، فرموده است تصدیق نمی‌نمایند؟!

البته که رسول خدا صلی الله علیه و آله در تمامی سخنان صادق است و در تمامی حالات به حق رفتار می‌نماید و ایمان هیچ بنده‌ای صحیح نخواهد بود، مگر آن زمانی که در دل نسبت به حکم آن حضرت هیچ ناراحتی نیافته، در تمامی امور تسلیم ایشان باشد و شک و تردیدی در او راه نیابد، این اسلام است همان اسلامی که عبارت است از تسلیم و انقیاد وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۱، و هر که غیر از اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است.

از شگفت‌انگیزترین امور آن است که مخالفین ما روایت می‌کنند: عیسی بن مریم علیه السلام از

۱. سوره‌ی آل عمران / ۸۵

سرزمین کربلا عبور کرد و آهوانی را دید که در آنجا گرد آمده بودند، آن آهوان گریان به سوی او آمدند و مسیح و حواریون نشستند و به گریه مشغول شدند، حواریون که علت گریه مسیح را نمی دانستند، گفتند: ای روح و کلمه ی خداوند! چرا گریه می کنید؟ فرمود: آیا می دانید اینجا چه سرزمینی است؟ آنها پاسخ منفی دادند، او فرمود: این زمینی است که جوجه ی رسول خدا احمد و آن زن آزاده ی طاهره بتول که شبیه مادر من است، در آن کشته و دفن می شود، این زمین از مشک خوشبوتر است، چرا که خاک آن جوجه ی شهید است و البته که خاک پیامبران و فرزندان آنها چنین است، این آهوان با من تکلم می کنند و می گویند: ما در این سرزمین از شوق تربت آن جوجه ی شهید و مبارک به چرا مشغولیم، اینان چنین اعتقاد دارند که در این زمین در امنیت هستند، آنگاه از پشکل آنها برداشت و بوئید و گفت: خدایا این ها را باقی دار تا پدرش آن را ببوید و موجب تسلی و آرامش او گردد. آن پشکل ها نیز تا زمان امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه باقی ماند و ایشان آن را بویدند و گریستند و زمانی که گذرشان به کربلا افتاد این ماجرا را تعریف کردند.

سنیان می پذیرند که پشکل این آهوان بیش از پانصد سال باقی بماند و باران ها و بادهای و گذشت روزها و سال ها آن را دگرگون نکند، ولی نمی پذیرند که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باقی می ماند تا آنکه با شمشیر قیام کرده، دشمنان خدای عزوجل را به هلاکت رساند و دین خدا را اظهار نماید. و این با وجود احادیثی است که از پیامبر و ائمه علیهم السلام با تصریح به نام، نسب، غیبت دراز مدت و جریان یافتن سنت پیشینیان در طول عمر در آن حضرت رسیده است! آیا این چیزی جز عناد ورزیدن و انکار حق است؟»

در غیبت شیخ طوسی / ۱۱۳ آمده است: «ناقلان حدیث روایت کرده اند که دجال موجود است و در عصر نبوی هم بوده است و تا زمانی که خروج می کند باقی خواهد ماند، و او دشمن خداست. اگر به خاطر مصلحتی جایز باشد که دشمن خدا چنین عمر کند، پس چگونه برای ولی خدا جایز نباشد؟! همانا این امر از عناد ناشی شده است.»

نگارنده: پیروان مذاهب به دجال اعتقاد دارند، بعضی از آنان به دجال عمر معتقدند و او را ابن صیاد می دانند چرا که عمر و فرزندان او بر احادیث پیرامون آن که [نزد آنها] صحیح است،

قسم خورده اند!

برخی هم دجال تمیم داری را که جاسوس وی در جزیره، او را از آن خبر داد باور دارند، زیرا احادیث او نیز [براساس مبانی آنها] صحیح است. برخی دیگر نیز به دجال کعب الاحبار اعتقاد دارند.

تمامی آنان چنین معتقد هستند که دجال زنده و پوشیده از چشم هاست و خداوند براساس عقیده‌ی عمر صدها سال، و براساس باور تمیم داری و کعب هزاران سال به او عمر داده است، لذا روا نیست آنها نسبت به اعتقاد به اینکه امام مهدی عجله الله تعالی فرجه زنده است و روزی می خورد تا آنکه خداوند متعال به ایشان اذن دهد که ظهور کرده و اسلام را اظهار نماید، برما خرده گیرند. چگونه است که عمر دراز مدت برای دشمنان خدا ممکن است، ولی برای اولیای او ناممکن؟! و آیا روایات تمیم و کعب و امثال آنها از روایات اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر اطمینان آور است!؟

احادیث پیرامون دجال در منابع سنیان به چند جلد می رسد!

۱. مسلمین اتفاق نظر دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از سه موضوع سخن گفتند؛ ایشان به دوازده امام پس از خود بشارت داده اند، از رهبران گمراهی پس از خود بر حذر داشته اند و نسبت به دجال هشدار داده اند.

هنگامی که به منابع دستگاه سلطه مراجعه می کنیم، چنین می یابیم که در چند موضع سخن درباره‌ی امامان دوازده گانه به میان رفته است. مردم در عرفات در اثنای سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله صدایشان را بالا بردند و لذا نفهمیدند که این دوازده تن کیانند!

همین حادثه زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه درباره‌ی امامان دوازده گانه سخن می گفتند برای راویان رخ داد، از این رو اسامی ائمه در میان همه گم شد، راوی در این رابطه از عمر پرسید و او گفت: تمامی آنان از قریش اند، آنها همه از قریش اند!

تعیین پیشوایان ضلالت و زمان آنها توسط آن حضرت نیز با سرنوشتی مشابه مواجه شد! گرچه برخی روایات از تیررس آنان به دور مانده است، در میان آنها بعضی مروان و فرزندان او را نام برده است و بعضی دیگر براین دلالت دارد که آنها بلافاصله پس از پیامبرند.

بنابراین نباید امامان دوازده گانه‌ی هدایت را تعیین کرد، چرا که اسامی آنها از بین رفته است و نیز نمی‌توان رهبران دوازده گانه‌ی ضلالت را مشخص نمود، زیرا اسامی آنان نیز به چنین سرنوشتی دچار شده است!!!

در مقابل هیچ یک از احادیث پیرامون دجال از میان نرفته است و بازار آن رونق دارد، این احادیث در دار الخلافه نگهداری می‌شود و توسط راویان آن به عرضه گذاشته شده و به چند جلد می‌رسد! بنابراینچه گذشت می‌توان فهمید که دستگاه خلافت قریش نشر و ترویج احادیث دجال - حتی اگر دروغین باشد - و نیز منع از احادیث پیرامون امامان هدایت و رهبران گمراهی را - هر چند صحیح باشد - هدفمند دنبال می‌کرده است.

۲. در روایات دستگاه خلافت قریش، دو پیامبر با عنوان وزیر در خدمت دجال هستند!

طیالسی در مسند خود / ۱۵۰ با سندی صحیح (!) از سفینه روایت می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما سخن راند و فرمود: هیچ پیامبری نبوده مگر آنکه امتش را از دجال بر حذر داشته است، تا آنجا که فرمودند: دجال به مردم می‌گوید: آیا من پروردگار شما نیستم که زنده می‌کنم و می‌میرانم؟

به همراه او دو تن از پیامبران هستند که من نام خود و پدرانشان را می‌دانم، اگر می‌خواستم آنها را نام می‌بردم، یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ او قرار دارند، دجال می‌گوید: آیا من پروردگار شما نیستم که زنده می‌کنم و می‌میرانم؟ یکی از آن دو پاسخ می‌دهد: دروغ گفتمی، ولی هیچ یک از مردم غیر از آن پیامبر دیگر صدای او را نمی‌شنود، اما پیامبر دیگر می‌گوید: راست گفتمی، و مردم صدای او را می‌شنوند و این خود فتنه‌ای خواهد بود.»^۱

پس به این نوآوری راویان دستگاه خلافت و احادیث صحیح (!) آنان توجه کنید و ببینید که می‌پندارند خداوند دو پیامبر را در خدمت دجال قرار می‌دهد و صدای آنکه دجال را تکذیب می‌کند مخفی می‌دارد، پیامبر دیگر هم خیانت نموده، به پروردگارش کفر می‌ورزد و دجال را تصدیق می‌کند! اینان در افترا بستن بر خداوند متعال و توهین به رسولان و پیامبران علیهم السلام به تقلید یهود گردن نهاده‌اند.

۱. و نیز رک به المصنف ابن ابی شیبہ ۸ / ۶۵۱، مسند احمد ۵ / ۲۲۱ و المعجم الكبير ۷ / ۸۴ و دیگران.

۳. اهل سنت چنین گمان می‌کنند که دجال به خداوند شبیه است و لذا مسلمانان در تشخیص او دچار مشکل می‌شوند! از این رو پیامبر ﷺ به آنان چنین نشانه داده که دجال یک چشم است تا آنان بتوانند او را از خدا تشخیص دهند، چرا که خداوند یک چشم نیست بلکه هر دو چشم او سالم می‌باشد!

عبدالرزاق در المصنف ۱۱ / ۳۹۰ از عبدالله بن عمر از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «هیچ پیامبری نیست مگر آنکه قوم خود را از دجال بر حذر داشته است، نوح [هم] قوم خود را از او بر حذر داشت. ولیکن من درباره‌ی او سخنی می‌گویم که هیچ پیامبری به قوم خود نگفته است، شما می‌دانید که او یک چشم است ولی خدا یک چشم نیست!»^۱
کسانی که پس از اینان آمدند این روایت را با ده‌ها نقل که اکثر آنها از عبدالله بن عمر است، آوردند.^۲

۴. سنیان چنین می‌پندارند که دجال معجزاتی از جمله زنده کردن مردگان دارد!

عبدالرزاق در المصنف ۱۱ / ۳۹۳ از ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ می‌آورد: «بر دجال حرام است که در راه‌های مدینه داخل شود، در آن روز مردی که بهترین - و یا از بهترین - مردم است نزد او رفته می‌گوید: گواهی می‌دهم تو آن دجالی هستی که رسول خدا ﷺ درباره‌اش برای ما سخن گفته است. دجال [به مردم] می‌گوید: آیا اگر این شخص را بکشم و آنگاه زنده کنم، درباره‌ی من هم چنان تردید خواهید داشت؟ پاسخ می‌دهند: نه، او هم آن مرد را می‌کشد سپس زنده می‌گرداند، آن مرد پس از آنکه زنده می‌شود می‌گوید: به خدا قسم آگاهی و شناختی که اکنون نسبت به تو دارم پیشتر نداشتم. دجال در صدد کشتن دوباره‌ی او بر می‌آید، ولی برای او مسلط نمی‌گردد.

معمر گوید: به من خبر رسیده که دجال بر خلق او قطعه‌ای مس قرار می‌دهد، و کسی که

۱. و نیز الفتن ۲ / ۵۱۸، مسند طرابلسی ۷۳ / ۱ و المصنف ابن ابی شیبہ ۸ / ۶۴۶. علاوه بر آن در المصنف ۸ / ۶۴۷ چنین آمده است: چشم راست او کور است و از هر قومی گروهی می‌کنند و او را با زبان خودشان، خدا می‌خوانند!

۲. رک به صحیح بخاری ۴ / ۱۶۳، مسلم ۸ / ۱۹۳، سنن ابوداود ۴ / ۱۱۶، سنن ترمذی ۳ / ۳۴۵، مسند ابویعلی ۲ / ۷۸ و ۵ / ۳۶۸، حلیۃ الأولیاء ۴ / ۳۳۴، مصابیح السنة ۳ / ۴۹۷ و تاریخ بغداد ۷ / ۱۹۳ و ...

ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

دجال او را می‌کشد و زنده می‌گرداند، خضر است.»^۱

صحیح مسلم ۸/ ۲۰ آن را با تفاوتی اندک نسبت به عبدالرزاق آورده و در قسمتی از آن چنین آمده است: «پس به فرمان دجال او را با آزه از فرق سر تا پا دو نیم می‌کنند. او بین دو نیمه‌ی آن بدن راه می‌رود و می‌گوید: بایست، و او برمی‌خیزد. آنگاه می‌گوید: آیا به من ایمان می‌آوری؟ او پاسخ می‌دهد: [با این کار] تنها شناختن نسبت به تو بیشتر شد. پس دجال می‌گوید: ای مردم! پس از من با هیچ کس چنین رفتاری نخواهد شد و در صدد ذبح نمودن آن شخص برمی‌آید. پس قطعه‌ی مسی [بِزَن] را بین گردن و ترقوه‌ی او قرار می‌دهد، ولی نمی‌تواند به مقصود خود برسد، لذا دست و پای او را می‌گیرد و پرتاب می‌کند.

مردم گمان می‌کنند که او را به جهنم انداخت، حال آن که او در بهشت افتاد. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: این شخص بالاترین گواهی را نزد رب العالمین دارد.»

باید از کسانی که بر اعتقاد ما - به اینکه خداوند به عترت معصوم علیه السلام معجزه داده است - خرده می‌گیرند و در مقابل چنین می‌پندارند که خدا به دشمنان خود مانند دجال و جنیان و ساحران معجزه می‌دهد، تعجب نمود، آنان با این کار نبوت‌ها را از اساس باطل می‌کنند، چرا که دلیل آن معجزه است که تصدیق و تأییدی از جانب خداوند برای پیامبران می‌باشد.

۵. آنان ده‌ها روایت درباره‌ی دجال نقل می‌کنند، از جمله آنکه او از یهودیان مشرق یا اصفهان است.

طبرانی در المعجم الکبیر ۱۸/ ۱۵۵ از عمران بن حصین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «دجال از جانب اصفهان شورش می‌کند.»^۲

در المعجم الصغیر ۱/ ۲۶۰ از ابو پرده روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله دجال را یاد کرد و فرمود: «او از اینجا، نه بلکه از اینجا می‌آید، و با دست به سمت مشرق اشاره نمود.»

حاکم در المستدرک ۴/ ۵۲۸ به واسطه‌ی ابوهیره از آن حضرت چنین نقل می‌کند و صحیح می‌شمارد: «دجال از اینجا، یا از اینجا، و یا از اینجا، بلکه از اینجا خروج می‌کند. ابوهیره

۱. و نیز الفتن ۲/ ۵۴۶، مسند احمد ۳/ ۳۶ و صحیح بخاری ۹/ ۷۶

۲. مجمع الزوائد ۷/ ۳۳۹ آن را از المعجم الاوسط نقل می‌کند.

می‌گوید: مقصود ایشان مشرق است.»

الفتن ۲ / ۵۳۲ و صفحاتی پس از آن از ابوبکر روایتی را بدون ذکر سند نقل می‌کند که دجال از سمت مشرق و از سرزمینی که آن را خراسان گویند خروج می‌کند، ولی ابن ابی شیبۀ آن را با سند در المصنف ۸ / ۶۵۴ آورده و می‌نویسد: «ابوبکر پرسید: آیا در عراق سرزمینی به نام خراسان وجود دارد؟ در جواب گفتند: بلی، او گفت: دجال از آن خارج می‌شود.»^۱

در تهذیب تاریخ دمشق ۱ / ۱۹۵ می‌نویسد: «ابن منده از عبدالله بن معتمر روایت می‌کند که گفت: دجال به طور علنی فعالیت می‌کند. او از مشرق می‌آید، به سوی خود دعوت می‌کند و گروهی بدو می‌گروند، او با گروهی از مردم می‌جنگد و بر آنان چیره می‌شود، اینچنین ادامه می‌یابد تا آنکه وارد کوفه شده بر کوفیان نیز غالب می‌شود.»

عبدالرزاق در المصنف ۱۱ / ۳۹۶ از کعب الاحبار روایت می‌کند: «دجال از عراق خروج می‌نماید.»^۲

ابن حماد در الفتن ۲ / ۵۳۰ از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «دجال از درّه‌ای میان شام و عراق خارج می‌شود.» و در النهایة ۲ / ۷۳ آن را از هروی می‌آورد.

و پیشتر حدیثی از اهل بیت علیهم‌السلام گذشت که وی از بلخ در افغانستان خروج می‌کند.

۶. در احادیث آنان و نیز در روایات ما آمده است که پیروان دجال یهودیانند.

روایت صحیح مسلم ۸ / ۲۰۷ گذشت که «هفتاد هزار نفر از یهود اصفهان، که جامه‌هایی که تمام بدن را می‌پوشاند دربردارند، از او دنباله روی خواهند نمود.» و خواهد آمد که کعب الاحبار اتباع وی را از عرب می‌داند!

در مسند احمد ۳ / ۲۲۴ آمده است: «دجال از منطقه یهودی نشین اصفهان شورش می‌کند و هفتاد هزار تن از یهودیان که تاج برسر دارند، او را همراهی خواهند نمود.»^۳

۱. و نیز رک به مسند احمد ۱ / ۴، سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳۵۳، ترمذی ۳ / ۳۴۵، مستدرک ۴ / ۵۲۷، مصابیح بغوی ۳ / ۵۵۸، سیوطی در الدر المنثور ۵ / ۳۵۴ می‌نویسد: این روایت را ابن ابی شیبۀ، احمد و ابن ماجه آورده‌اند و ترمذی هم آن را نقل کرده، صحیح می‌شمارد.

۲. همودر ۳۹۵ و ابن ابی شیبۀ در ۸ / ۶۵۶ این مطلب را از ابن عمرو می‌آورند.

۳. مسند ابویعلی ۶ / ۳۱۷، المعجم الاوسط ۵ / ۱۵۶ و مجمع الزوائد ۷ / ۳۳۸ - هیشمی آن را صحیح می‌شمارد -.

و ده‌ها بلکه صدها روایت دیگر که علی‌رغم وجود تناقضات، منابع سنیان مالمال از آن است.

در کمال الدین / ۵۲۸ نیز از عبدالله بن عمر نقل می‌کند: «اکثر اتباع دجال یهود، زنان و اعراب هستند.»

قهرمانان سه‌گانه در تحریف دجال

بارزترین شخصیت‌هایی که برای روایات پیرامون دجال زمینه‌سازی کردند و آنها را در میان مسلمانان ترویج دادند، عمر بن خطاب، تمیم داری و کعب الاحبار هستند که بردجال و امور خارق‌العاده‌ی وی اتفاق نظر دارند، اگر چه در تعیین شخص او با یکدیگر اختلاف دارند.

نظر عمر آن است که دجال عبدالله بن صیاد است که در عهد وی متولد شده و ظاهراً یهودی و مادرش از خزرج و از بستگان سعد بن عباد بوده است، این در حالی است که تمیم داری او را شخصی بلند قامت، عریض و درشت هیکل می‌داند و معتقد است که وی در جزیره‌ای در بحر متوسط در غل و زنجیر است، کعب الاحبار هم بر این باور است که دجال شیطانی است که در جزیره‌ای از جزایر یمن در بند می‌باشد.

اهل سنت هر سه را تصدیق کرده برآنند تا بین دجال‌های متناقض آنان جمع کنند و از آنان یکی بسازند! ولیکن بالاترین تأثیر را عمر داشته است، چرا که وی علاوه بر گسترانیدن اعتقاد به دجال، به تمیم و کعب میدانی داد تا در حدّ توان اسرائیلیاتشان را منتشر کنند و یکی از آنها هم عقیده‌شان درباره‌ی دجال است.

عالمان سنی در میان دجال عمر، دجال تمیم و دجال کعب دچار حیرت و سرگردانی شده‌اند، زیرا روایاتشان در عین اینکه همه صحیح است (!) در کلیات و جزئیات دچار تناقض است.

تحیّر دیگران در احادیث کعب الاحبار و جماعت اوست، که خروج دجال را به فتح قسطنطنیه، مهدی و قیامت مرتبط می‌دانند و تفاسیل و تناقضات بسیاری دارد.

بزرگان اهل سنت اصل روایات دجال را مورد هیچ گونه نقدی قرار نداده‌اند، زیرا تمام آنها نزد آنان صحیح است (!) به عنوان نمونه ابن حجر که از بزرگان ایشان است، حتی دجال کعب را که در

یکی از جزائریمن محبوس می باشد پذیرفته است، او هیچ نقدی را متوجه روایت تمیم و جاسوس خیالی دجال [که در روایت تمیم است] نمی کند، و البته در جمع بین آن و دجال عمریه حیرت افتاده است! و بنا بر عادت همیشگی در صدد برآمده تا با وجوهی سست آنها را جمع کرده و تناقضاتش را بر طرف سازد که در این راستا به بیراهه رفته و به عجز افتاده است.

وی در فتح الباری ۱۳ / ۲۷۷ می نویسد: «نعیم بن حماد استاد بخاری در کتاب خود الفتن احادیثی را درباره ی دجال و شورش او آورده است که اگر به آنچه پیشتر در اواخر کتاب الفتن گذشت ضمیمه شود، سرگذشت کاملی درباره ی دجال خواهد بود. از جمله، آنچه که ابن حماد از طریق جبیر بن نفیر و شریح بن عبید و عمرو بن اسود و کثیر بن مره نقل می کند که گفتند: دجال انسان نیست بلکه شیطانی است که در بعضی از جزائریمن به هفتاد زنجیر بسته شده است، معلوم نیست چه کسی او را در بند کرده است، سلیمان نبی یا دیگری، هنگامی که زمان ظهورش فرا برسد خداوند در هر سالی یک حلقه از او باز می نماید، پس چون آشکار شود ماده الاغی که فاصله ی میان دو گوشش چهل ذراع است نزد او می آید و دجال منبری از مس بر پشت آن قرار داده، بر روی آن می نشیند و قبيله های جن از او پیروی نموده، گنج های زمین را برای او بیرون خواهند آورد! ابن حجر در ادامه می نویسد: با چنین اوصافی امکان ندارد که ابن صیاد دجال باشد.»

این ابن صیادی که ابن حجر [دجال بودن] وی را بعید می شمارد، همان دجال عمر است که روایات مربوط به آن نزد سنیان در بالاترین درجات صحت است!

او در ادامه می افزاید: «راویانی که این روایات را نقل کرده اند گرچه افراد ثقه ای هستند، ولی شاید آن را از برخی کتب اهل کتاب آورده اند. ابو نعیم هم از طریق کعب الاحبار نقل می کند که دجال از مادری در قوص مصر به دنیا می آید و فاصله میان تولد تا خروج وی سی سال است. خبر وی نه در تورات و نه در انجیل نازل نشده بلکه تنها در بعضی از کتب پیامبران آمده است... ابن وصیف مورخ نیز می نویسد: دجال از فرزندان شق کاهن مشهور است، بلکه او خود شق است و خداوند او را مهلت داده. مادر دجال زنی از جن است که شیفته ی پدر او شد، پدر هم از او صاحب این فرزند شد. شیطان برای او کارهای عجیبی انجام می داد،

لذا سلیمان او را گرفت و در جزیره‌ای از جزائر بحر حبس نمود.»

ابن حجر می‌افزاید: «به خاطر آنکه امر در مورد دجال بسیار مشتبه است بخاری در صد و ترجیح [در میان اخبار] برآمده و تنها روایت جابر از عمر که درباره‌ی ابن صیاد است را آورده، و حدیث فاطمه بنت قیس را که در جریان تمیم می‌باشد نقل نکرده است، از این رو برخی چنین پنداشته‌اند که حدیث فاطمه غریب می‌باشد و آن را رد کرده، حال آنکه چنین نیست.»

پس از آن ابن حجر به رد روایتی که دجال را اهل مصر عنوان می‌کرد [و پیشتر گذشت] پرداخته و در ۱۳ / ۲۷۷ می‌نویسد: «گمانم این است که این خبر نادرست می‌باشد، زیرا حدیث صحیح دلالت دارد که هر پیامبری پیش از پیامبر ما، قوم خود را از دجال بر حذر داشته است. این مطلب هم که او به آن مدت [سی سال] قبل از خروجش به دنیا می‌آید، با اینکه او ابن صیاد است و نیز آنکه در جزیره‌ای از جزائر بحر در بند می‌باشد، تنافی دارد.»

سخنان ابن حجر طولانی است و در آن به دجال تمیم تمایل بیشتری نسبت به دجال عمر نشان می‌دهد! وی تلاش کرده تا بین آن دو چنین جمع کند: «نزدیکترین وجهی که می‌توان بدان بین حدیث تمیم و ابن صیاد جمع نمود، آن است که دجال همان کسی است که تمیم او را در بند دیده، و ابن صیاد شیطانی است که در آن مدت به صورت دجال آشکار شد تا آن هنگام که به سوی اصفهان رفت و بار فقیخ خود در آنجا پنهان شد، تا آن زمانی که خداوند خروج او را در آن مقدر داشته فرا رسد.»

جمعی که ابن حجر ارائه داده صحیح نمی‌باشد، چرا که ابن صیاد در مدینه از دنیا رفت، در حالی که دجال تمیم و دجال کعب الاخبار در بند هستند و جز در هنگام خروجشان آزاد نخواهند شد.

ابن حجر با وجود علم و آگاهی، در احادیث پیرامون دجال سرگردان مانده است، پس حال دیگر عالمان آنان چگونه است؟ مشکلی که بزرگان علمای سنی دارند ضعف ذهنی نیست، بلکه در مواد قضایی است که آن را مفروض گرفته‌اند و دلیل آنان صحت سند است، و همین امر است که آنها را مجبور به پذیرش متناقضات کرده، به حشوی‌گری و نوآوری‌ها می‌دارد!

عقیده ای که عمر درباره‌ی دجال رواج داد

صحیحترین کتاب سنیان پس از کتاب خدا - آن گونه که خود ادعا می‌کنند - روایت می‌کند که عمر قسم می‌خورده دجال عبدالله بن صیاد می‌باشد که از یهودیان مدینه است.

پیش از این گذشت که صحیح بخاری ۸/ ۱۵۸ و ۹/ ۱۳۳ از جابر نقل می‌کند: «شنیدم که عمر نزد رسول خدا ﷺ براین مطلب قسم می‌خورد و آن حضرت هم آن را انکار نکرد.»

این روایت بیانگر آن است که پیامبر ﷺ به دجال عُمر یعنی ابن صیاد اقرار دارند!!! و امری که باعث شگفتی می‌شود آن است که عمر از آن حضرت درباره‌ی دجال نپرسید، بلکه در حضور ایشان بر رأی و نظر خود سوگند می‌خورد و حضرت با سکوت خود به باور او اقرار می‌کنند! آنان بر جابرو ابوذر هم دروغ بستند و گفتند که این دو نیز به مانند عمر قسم یاد می‌کردند، و درباره‌ی ابوذر را فراتر گذاشته گفتند که او ده بار سوگند می‌خورد! آنگاه بر رسول خدا ﷺ افترا بستند که اعتقاد ایشان براین است که دجال ابن صیاد می‌باشد و ایشان نسبت به آگاهی از حقیقت، گفتار و اهداف او حریص بوده‌اند و مخفی از او، بارها برای تجسس رفته‌اند!

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

بخاری در صحیح ۷/ ۱۱۳ از سالم بن عبدالله نقل می‌کند: «عبدالله بن عمر به او خبر داده: عمر با رسول خدا ﷺ در میان جماعتی از اصحاب به سراغ ابن صیاد رفتند و او را در قلعه بنی مغاله در حال بازی با کودکان یافتند، ابن صیاد که آن روز ها نزدیک بلوغ بود، متوجه حضور پیامبر ﷺ نشد تا آنکه آن حضرت با دست بر پشت او زدند و فرمودند: آیا گواهی می‌دهی که من رسول خدایم؟ وی پاسخ داد: گواهی می‌دهم که تو رسول بی سوادان هستی، و خود گفت: آیا تو شهادت می‌دهی که من رسول خدایم؟ پس آن حضرت او را زدند و فرمودند: به خدا و رسولان او ایمان دارم.

به او گفتند: چه می‌بینی؟ وی گفت: راستگو و دروغگو به نزد من می‌آیند. پیامبر ﷺ گفتند: امر بر تو مشتبّه شده است. در ادامه فرمودند: من برای تو چیزی را پنهان کرده‌ام، ابن صیاد گفت: آن دود است. ایشان گفتند: دور شو که تو هرگز از آنچه برایت مقدر است، تجاوز نخواهی نمود!

عمر گفت: ای رسول خدا! آیا به من اجازه می‌دهید که گردن او را بزنم؟ ایشان گفتند: اگر او همان دجال باشد براو تسلط نخواهی یافت، و اگر او نباشد برای توهیج خیری در کشتن او نیست».

سالم گوید: از عبدالله بن عمر شنیدم: «پس از این ماجرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه ابی بن کعب انصاری دوباره به سراغ ابن صیاد رفتند، چون آن حضرت وارد شد خود را در پشت شاخه‌های نخل پنهان نمود و می‌خواست پیش از آنکه او ایشان را ببیند چیزی از سخنان او را بشنود، ابن صیاد در بستر در میان عبایش دراز کشیده و زمزمه می‌کرد، مادر ابن صیاد پیامبر صلی الله علیه و آله را - در حالی که خود را در میان شاخه‌های نخل مخفی می‌کرد - مشاهده نمود و به پسرش گفت: ای صاف! - این نام ابن صیاد است - این محمد است، و ابن صیاد از حضور ایشان آگاه شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مادرش او را رها می‌گذاشت، او [اسرار خود را] فاش می‌کرد! سالم گوید: عبدالله بن عمر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان مردم برخاست و به آنچه شایسته‌ی خداست ثنا گفت، سپس دجال را یاد نمود و فرمود: من شما را از او بر حذر می‌دارم و هیچ پیامبری نبوده مگر آنکه قوم خود را از او بر حذر داشته است، نوح [هم] قومش را درباره‌ی او هشدار داده است، لیکن من در مورد او سخنی می‌گویم که هیچ پیامبری به قوم خود نگفته است، شما می‌دانید که او یک چشم است و حال آنکه خداوند یک چشم نمی‌باشد.»

عبدالرزاق در المصنف ۱۱/ ۳۸۹ این مطلب را به سه روایت نقل می‌کند که در سومین خبر از امام حسین علیه السلام (!) چنین می‌آورد: «پیامبر صلی الله علیه و آله سوره‌ی دخان را از ابن صیاد مخفی داشت و از او درباره‌ی آن پرسید، وی گفت: دود، ایشان گفتند: دور شو که تو هرگز از آنچه برای مقدر است تجاوز نخواهی نمود، پس چون پشت نمود پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: او چه گفت؟ بعضی گفتند: دخ [دود] و برخی گفتند: ریح [باد]! حضرت فرمود: من در بین شما هستم و دچار اختلاف شده‌اید، پس از من اختلافان شدیدتر خواهد بود.»^۱

۱. و نیز رک به الفتن ۲/ ۵۵۰ و مسند احمد ۲/ ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۳/ ۳۶۸ که در آن آمده است: «... همانا صاحب او [کسی که او را می‌کشد] عیسی بن مریم است، و اگر او دجال نباشد توحق کشتن مردی که با ما معاهده دارد را نداری. ایشان پیوسته بیم آن داشتند که او دجال باشد.»

روایت بخاری این مطلب را نیز در بر دارد که خداوند متعال دو دیده‌ی سالم دارد که به واسطه‌ی آن از دجال تمییز داده می‌شود!

ابوبکره برادر زیاد بن ابیه هم برای آنکه سوگند عمر را تأیید کند به اظهار نظر درباره‌ی دجال می‌پردازد.

طیالسی در مسند / ۱۱۶ به واسطه‌ی او از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «پدر و مادر دجال سی سال را بدون فرزند سپری می‌کنند و پس از آن پسری یک چشم از آنان متولد می‌شود که بیشترین زیان و کمترین نفع را دارد، چشمان او به خواب می‌رود ولی قلب او نه. حضرت پدر او را نیز چنین وصف نمودند: پدر او مردی است با قدی بلند و اندامی فربه که گوشت بدنش به اضطراب افتاده است و بینی‌اش به منقار می‌ماند. مادر او زنی است بلند قد، درشت هیكل و با سینه‌هایی بزرگ.

ابوبکره در ادامه می‌گوید: ما شنیدیم که در مدینه در میان یهودیان کودکی به دنیا آمده است، لذا من و زبیر به نزد والدین آن کودک رفتیم و اوصافی را که پیامبر ﷺ بیان کرده بودند در آن دو مشاهده کردیم، من به آنان گفتم: آیا برای شما فرزندی به دنیا آمده است؟ آن دو در پاسخ گفتند: ما سی سال را بدون فرزند سپری نمودیم و پس از گذشت آن، این کودک برایمان متولد شده است که بیشترین زیان و کمترین نفع را دارد و دیدگانش به خواب می‌رود ولی قلب او بیدار است.

ما از نزد آنها بیرون آمدیم که یکباره به آن پسر برخوردیم، او قامتی نحیف داشت و در زیر آفتاب در میان عبایی، چیزی با خود زمزمه می‌کرد، پس سرش را بیرون آورد و گفت: شما چه گفتید؟ ما گفتیم: آیا شنیدی؟ او گفت: من به خواب می‌روم ولی قلبم نمی‌خوابد!»^۱

اهل سنت پنداشته‌اند که رسول خدا ﷺ قسم عمر را تأیید نموده است، باور آنان چنین است که آن حضرت در این مطلب تردید داشته و نیازمند دانش یهودیان بوده است و از آنجا که عمر در درس آنان شرکت می‌کرده و دانش دجال شناسی را از آنان فرا گرفته است، آن را به پیامبر ﷺ

۱. و نیز المصنف ابن ابی شیبہ ۸ / ۶۵۲، مسند احمد ۵ / ۴۹ و ۵ / ۵۱، سنن ترمذی ۳ / ۳۵۳ و مصابیح السنة بغوی ۳ / ۵۱۴ - وی آن را حدیثی حسن به شمار می‌آورد -.

یاد داده و با سوگند تأکید کرده است، و در پی آن ایشان از قسم خوردن عمر کسب یقین نموده و به واسطه‌ی دانش یهود و قسم عمر، از نزول وحی مستغنی شده است!

عمدة القاری ۶۹/۲۵] پس از آنکه روایتی را که پیشتر گذشت و در آن، عمر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواهد تا اجازه بدهد گردن ابن صیاد را بزند و ایشان در پاسخ او می‌گویند: اگر او همان دجال باشد بر او تسلط نمی‌یابی، و اگر او نباشد هیچ خیری در کشتنش نیست، نقل می‌کند [می‌نویسد: «اگر کسی اشکال کند که این خبر بر شک و تردید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عدم جزم ایشان نسبت به دجال بودن ابن صیاد دلالت دارد، در پاسخ گوییم: شک آن حضرت، ممکن است پیش از سوگند خوردن عمر بر دجال بودن وی بوده باشد.»!]

این در حالی است که عالمانی به مانند ابن حجر که خود را وقف دستگاه خلافت کرده‌اند، اعتقادشان بر این است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دجال عمر را تأیید ننموده، سکوت اختیار کردند و هم چنان در شک و تردید بودند تا آنکه تمیم داری از راه رسید و به ایشان خبر داد که دجال را دیده است، ایشان هم از او قدردانی کرده، مسلمانان را فرا خواندند و برای آنان سخنرانی نمودند و اعتقاد به دجال را به ایشان آموختند، از این رو فضیلت و برتری از آن تمیم است نه عمر!!! و دیگر نوآوری‌های تأسف بار آنها.

فرزندان عمر بر عقیده و باور پدرشان تأکید می‌کنند!

سنن ابی داود ۴/ ۱۲۰ از عبدالله بن عمر نقل می‌کند که می‌گفت: «به خدا قسم تردیدی ندارم که مسیح دجال همان ابن صیاد است.»

در مسند احمد ۶/ ۲۸۳ نیز آمده است که «عبدالله بن عمر ابن صائد [ابن صیاد] را در یکی از کوچه‌های مدینه مشاهده کرد و به او دشنام داد و ناسزا گفت و ابن صائد در پی آن چنان باد کرد که تمامی راه را بست! ابن عمر با عصایی که به همراه داشت چنان او را زد که عصا شکست! حفصه [چون برادرش را دید] گفت: شما دو نفر با یکدیگر چه کار دارید، چه چیزی تورا بر آن وامی‌دارد؟ آیا نشنیدی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: خروج دجال تنها به خاطر خشم و غضب است؟»!

مسلم در صحیح ۸/ ۱۹۴ از نافع چنین نقل می‌کند: «عبدالله بن عمر ابن صائد را در یکی از گذرگاه‌های مدینه دید و سخنی گفت که خشم او را برانگیخت، در پی آن ابن صائد چنان باد کرد که تمام راه را پرکرد، پس از این ماجرا عبدالله نزد حفصه که از این برخورد آگاهی یافته بود آمد، او به برادرش گفت: خداوند تو را رحمت کند، از ابن صائد چه خواستی، آیا نمی‌دانی که پیامبر ﷺ فرمود: خروج دجال تنها بر اثر خشم و غضب است!»^۱

عبدالرزاق در المصنف ۱۱/ ۳۹۶ از ابن عمر روایت می‌کند: «روزی به ابن صیاد در حالی که مردی یهودی همراه او بود برخورددم و دیدم چشم او که مانند چشم شتربیرون بود برآمده است، گفتم: ای ابن صیاد! تو را به خدا قسم می‌دهم، چه زمانی چشم تو برآمده است - و یا سخنی مشابه این -؟ او در جواب گفت: به خدا قسم نمی‌دانم، گفتم: دروغ می‌گویی، چشم تو در سرتو است و نمی‌دانی؟ او هم با دست چشمش را مسح نمود و سه بار خرناس کشید! - در اینجا یهودی پنداشت که من با دست بر سینه او زده‌ام ولی من نمی‌دانستم - من به ابن صیاد گفتم: دور شو که هرگز از آنچه برایت مقدر است تجاوز نخواهی نمود، او هم گفت: آری، قسم به جانم که از آنچه برایم مقدر است تجاوز نخواهم کرد.

ابن عمر می‌گوید: من این مطلب را برای حفصه گفتم و او گفت: از این مرد اجتناب کن، زیرا ما روایت می‌کنیم که دجال به هنگام غضب خارج می‌شود!»

بلائی که بر سر عبدالله بن صیاد بیچاره و پسرش عماره آمد!

عالمانی که خود را وقف دستگاه خلافت کرده‌اند در شرح حال عبدالله بن صیاد و پسرش عماره دچار تناقض شده‌اند، آنان در پذیرش سوگند عمر نسبت به اینکه وی همان دجال است متحیرند، برخی از آنان چنین گفتند: گفتار عمر صحیح است و ابن صیاد همان دجال می‌باشد، اینان به جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه نسبت دادند که وی شهادت می‌داده ابن صیاد دجال است و «ابو سلمه به او گفت: ابن صیاد از دنیا رفته است (!) و جابر پاسخ داد: اگر چه از دنیا رفته باشد، ابو سلمه گفت: ابن صیاد اسلام آورده بود و جابر گفت: اگر چه اسلام آورده باشد!»

۱. و نیز رک به المعجم الکبیر ۲۳/ ۱۹۵، الفتن ۲/ ۵۱۸ و دیگر کتب.

منکران گفتند که ابن صیاد اسلام آورد و در فتح اصفهان شرکت جست، ولی مدعیان جواب دادند که او نزد یهود آنجا غائب شده است، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داده است دجال از آن سرزمین خروج می‌کند «و یهودیان از او استقبال کرده، گفتند: این پادشاه ماست که به واسطه‌ی او بر عرب پیروز خواهیم شد، آنان او را شبانه وارد شهر کردند و بر طبل‌ها زدند و شمع‌ها افروختند، و پس از آن دیگر خبری از او نشد.»^۱

گرچه آنان خودشان را تکذیب نمودند، زیرا خواهد آمد که خود روایت می‌کنند او در واقعه‌ی حره در مدینه بوده است!

بعضی دیگر نیز چنین گفتند: چگونه می‌توان گفت که ابن صیاد دجال است و حال آنکه او مسلمان شد و در فتوحات شرکت نمود و در مدینه در گذشت، به علاوه آنکه پسر او عماره مورد توثیق ابن معین، ابن حبان و دیگران قرار گرفته است!

بیهقی، ابن حجر، ذهبی، ابن تیمیه و شوکانی از خود جرأت نشان داده، گفتند: ابن صیاد دجال نبوده و عمر در سوگند خود خطا رفته است، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بدان اقرار ننموده‌اند، چرا که هم چنان شک و تردید داشتند، تا آنکه وحی برایشان نازل می‌شود و دجال را دجال تمیم داری که در جزیره‌ای محبوس است، معرفی می‌کند و در پی آن ایشان در میان مردم سخنرانی کرده، آنان را می‌آگاهاند!

ابن حجر در اصابه ۱/۵۸ می‌گوید: «صحیحین روایت می‌کنند که جابر قسم می‌خورد ابن صیاد همان دجال است، و در خبر چنین آمده که عمر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره سوگند یاد می‌کرده است... ولیکن اگر او بر دین اسلام از دنیا رفته باشد، همان گونه که ابن فتحون بر شرط کتاب الاستیعاب گفته [صحابی عادل] خواهد بود».

ذهبی در الکاشف ۲/۵۴ می‌نویسد: «عمارة بن عبدالله بن صیاد: او فرزند کسی است که او را دجال پنداشتند، عماره از جابرو سعید بن مسیب روایت می‌کند و مالک و جماعتی هم از او روایت می‌نمایند. او مورد توثیق ابن معین قرار گرفته است.»

شوکانی در نیل الاوطار ۸/۲۰-۱۹ می‌نویسد: «خطابی می‌گوید: پیشینیان در مورد ابن صیاد

۱. تهذیب التهذیب ابن حجر ۷/۳۶۷.

- پس از آنکه بزرگ شد - اختلاف کرده اند، روایت شده که او از گفتار خود توبه نمود و در مدینه درگذشت و هنگامی که خواستند بر او نماز بخوانند، چهره اش را گشودند تا مردمان او را ببینند و به مردم گفته شد: شاهد باشید!

نووی گفته است: علماء جریان ابن صیاد را مشکل و امر او را مشتبہ می دانند، اما جای تردیدی نیست که وی یکی از دجال ها می باشد! ظاهر آن است که درباره ی اینکه دجال کیست هیچ وحیی بر پیامبر ﷺ نیامد و تنها اوصاف وی برایشان وحی شد، در ابن صیاد هم قرائنی وجود داشت که با این احتمال سازگار بود، از این رو آن حضرت در این باره جازم نبودند.

بیهقی نیز می گوید: احتمال آن می رود که پیامبر ﷺ در مورد ابن صیاد متوقف بودند، سپس از ناحیه خدای متعال این امر برای ایشان استوار شد که دجال شخص دیگری است همان گونه که ماجرای تمیم داری می رساند و تمام کسانی که بر این مطلب جزم دارند که دجال کسی دیگر است بدان تمسک نموده اند، و البته طریق آن اصح است.»

همودر ۲۰/۸ چنین می گوید: «حدیثی که از دجال تمیم سخن می گوید با آنچه بر دجال بودن ابن صیاد دلالت می کند منافات دارد و امکان جمع بین آن دو نیست، زیرا کسی که در روزگار نبوی نزدیک به بلوغ بوده و آن حضرت نزد او آمده و از او سؤال می پرسیدند، نمی تواند در اواخر دوران آن حضرت مردی بزرگ باشد که در جزیره ای از جزائر بحر زندانی و در بند است و درباره ی پیامبر ﷺ می پرسد که آیا ظهور نموده است یا نه، پس سزاوار است که قسم عمر و جابر را این گونه توجیه کنیم که پیش از اطلاع از ماجرای تمیم بوده است.»

این در حالی است که اینان خود از جابر ﷺ در همین موضوع و نیز در موضوعات متعدد دیگر، اموری ضد و نقیض روایت نموده اند، آنان از او نقل می کنند که گفت: «نسبت به ابن صیاد پیوسته در تردید بودم تا آنکه به خاک سپرده شد.»^۱

ابن تیمیه در فتاوی خود ۲۸۳/۱۱ می نویسد: «بعضی از صحابه چنین می پنداشتند که ابن صیاد همان دجال است، پیامبر ﷺ نیز در مورد او متوقف بودند، تا آنکه پس از مدتی

۱. رسالة الصاهل ابو العلاء معری / ۱۰۰

معلوم شد او دجال نیست، بلکه پیشگو بوده است.»

ابن قتیبہ در المعارف / ۲۷۲ می‌گوید: «پدر او [عمارہ] عبد اللہ بن صیاد است کہ درباره‌اش گفته شده کہ دجال است. این به خاطر کارهایی بود کہ انجام می‌داد. عبد اللہ مسلمان شد و در کنار مسلمانان جنگید و در مدینہ اقامت نمود و پسرش عمارہ در دوران خلافت مروان بن محمد از دنیا رفت.»

در الجرح والتعديل ۶ / ۳۶۷ می‌نویسد: «یحیی بن معین گوید: عمارۃ بن عبد اللہ بن صیاد ثقه است، عبد الرحمن برای ما نقل نموده کہ از پدرم درباره‌ی عمارہ پرسیدم و او در پاسخ او را صالح الحديث خواند.»

در تهذيب الكمال ۲۱ / ۲۴۹ می‌نویسد: «محمد بن سعد [درباره‌ی عمارہ] گفت: وی ثقه بود و احادیث کمی را نقل کرد، مالک بن انس هیچ کسی را در فضل بر او مقدم نمی‌داشت... عمارہ در خلافت مروان بن محمد درگذشت. ابن حبان او را در کتاب الثقات ذکر کرده است.»

در اسد الغابة ۳ / ۱۸۷ می‌نویسد: «عبد اللہ بن صیاد... پدر او از یهودیان بود، معلوم نیست کہ او از چه تیره‌ای است، بعضی از مردم او را دجال می‌دانند. عبد اللہ در روزگار رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد در حالی کہ یک چشم داشت و ختنه بود. از فرزندان او عمارہ است کہ از نیکان مسلمین و اصحاب سعید بن مسیب بود، مالک و دیگران از او روایت کرده‌اند.»

وی در ادامه سوگند عمر را می‌آورد و می‌گوید: «آنچه نزد ما صحیح است آن است کہ ابن صیاد دجال نیست، به جهت آنچه در این حدیث آمده است [ابن اثیر حدیثی نقل می‌کند کہ خلاصه‌اش این است: ابن صیاد با ابوسعید به حج یا عمره رفتند و سخن از گفتار مردم درباره‌ی او به میان آمد، ابن صیاد به ابوسعید گفت: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله نگفتند کہ دجال عقیم است؟ و حال آنکہ من فرزندم را در مدینہ به جا گذاشتم. آیا ایشان نگفتند کہ دجال وارد مکہ و مدینہ نمی‌شود؟ و آیا من خود اهل مدینہ نیستم؟ هم اکنون نیز رهسپار مکہ‌ام!] و نیز به دلیل آنکہ او در حالی کہ مسلمان بود در مدینہ فوت نمود. دلیل دیگر هم روایت تمیم داری است.»

الطبقات الكبرى، القسم المتمم / ۳۰۲ می نویسد: «مالک بن انس احدی را در فضل براو [عمار] مقدم نمی کرد، و از او روایت نقل نموده است، خود عماره هم از سعید بن مسیب روایت می کند، آنان [عمار و خانواده اش] خود را بنی اشیهب می دانستند. ابن سعد درباره ی پدر عماره - عبدالله - می گوید: اوست که به خاطر کارهایی که انجام می داد، گفتند دجال است.» نگارنده: به نظر می رسد مادر این صائد از خزرج بوده، پدرش نیز ممکن است از یهود باشد، در مورد بنی اشیهب که وی خود را به آن منتسب می نمود چیزی یافت نشد و چه بسا آنان دایی های او از خزرج باشند، پس او به حساب خزرج گذاشته می شود که رئیس آنها سعد بن عباد است، همو که دشمن سرسخت عمر بود، چرا که در مقابل بیعت ابوبکر ایستاد، لذا عمر او را به شام تبعید کرد و خالد بن ولید را فرستاد تا او را به قتل برساند!

الطبقات الكبرى ۳ / ۵۰۳ می نویسد: «پیامبر ﷺ ابن صیاد را در حالی که نوجوان و در نزدیکی بلوغ بود و در قبیله ی بنی مغاله بازی می کرد مشاهده نمود، آنان تیره ای از بنی عبد نجار هستند.»

ولیکن عمر او را یهودی معرفی و به دجال بودن متهم کرد! در حالی که او مسلمانی مجاهد بود و در جنگ نهاوند فرماندهی سواران را بر عهده داشت، چنان که طبری در تاریخ ۳ / ۱۸۷ می نگارد. او همواره از تهمت عمرو و فرزندان او - عبدالله و حفصه - و مقلدین آنها فریاد می کرد!

احمد در المسند ۳ / ۷۹ می نگارد: «ابو سعید خدری در لشکر فتح شرکت داشت، وی می گوید: ما در لشکری - که عبدالله بن صیاد هم در آن حضور داشت - از مدینه به سمت مشرق آمدم، هیچ کس با او همراه، همنشین و هم سفره نمی شد و او را دجال می نامیدند! روزی در منزلگاهی فرود آمده بودم که او مرا دید که نشسته ام، پس آمد، کنار من نشست و گفت: ابو سعید! آیا نمی بینی مردم چه می کنند؟! هیچ کسی همراه، همنشین و هم سفره ی من نمی شود، و مرا دجال می خوانند! تومی دانی که پیامبر ﷺ فرمود: دجال وارد مدینه نمی شود، و این در حالی است که من در مدینه به دنیا آمدم، و شنیدی که آن حضرت گفتند: برای دجال فرزندی به دنیا نمی آید، در حالی که من صاحب فرزند هستم! سوگند به خدا به خاطر رفتاری که مردم با من دارند در صدد آن برآمدم که ریسمانی بگیرم و در خلوت

آن را دور گردنم قرار داده، [خود را حلق آویز کنم تا] خفه شوم و از این مردم راحت گردم. به خدا قسم من دجال نیستم!

اما راویان در راستای اثبات صدق عمر، از زبان ابوسعید در این گزارش افزودند که وی گفت: «ابن صیاد در پایان سخنش گفت: به خدا قسم من محل تولد و مکان دجال را می‌دانم! ابوسعید ادامه می‌دهد: او امر را برای من دگرگون جلوه داد.»^۱

مقصود ابوسعید آن است که ابن صیاد در ابتدای گفتارش او را فریب داد، ولی در نهایت اقرار نمود که دجال است!

دجال تمیم داری

تمیم داری شخصی مسیحی و اهل شام است، او در سال دهم هجری یعنی پس از پیروزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و فراگیر شدن اسلام در تمام جزیره، به همراه گروهی نزد آن حضرت آمدند. آنها به تجارت شراب اشتغال داشتند، پس خمره‌هایی از شراب را به عنوان هدیه خدمت ایشان آوردند، آن حضرت نپذیرفت زیرا خداوند حرام نموده است، در اینجا تمیم گفت: اینها را بگیرید و از قیمت آن بهره ببرید، ایشان در پاسخ فرمودند: قیمت آن نیز حرام است.

تمیم در مدینه سکنی گزید و بعداً در درگاه عمر که فرهنگ اهل کتاب، مخصوصاً داستان‌های آنها - که تمیم به خوبی از پس آن برمی‌آمد - موجب شگفتی او می‌شد، تقرب یافت! وی از عمر درخواست نمود تا به او اجازه دهد داستان‌های اهل کتاب را در مسجد بگوید، ولی عمر گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله از فرهنگ داستان‌سرایان نهی نموده است و من هراس آن دارم که خدا تورا در زیر گام‌های آنان قرار دهد.»

مقصود عمر آن است که هنگامی که تودر مسجد داستان بگویی، من از غضب مسلمین بر تو می‌هراسم!

ولیکن تمیم از نرمش و سهل‌انگاری عمر بهره جست و به مطلوب خود دست یافت، هم‌چنان‌که

۱. صحیح مسلم ۸/ ۱۹۰.

در تاریخ المدینة ۹ / ۱ آمده است، لذا عمر نامه‌ای رسمی نوشت و به او اجازه داد تا در مسجد پیامبر ﷺ به داستان سرایی بپردازد!

او خود او در جلسه سخنرانی تمیم حضور یافت. او گفته که می‌خواسته از تمیم درباره‌ی مطلبی که در آن جلسه از او شنیده است سؤال کند، ولی او را احترام کرد و نپسندید گفتارش را قطع نماید! عمر روز جمعه را برای تمیم انتخاب کرد، سپس شنبه را بدان افزود و نتیجه آن جالب از آب در آمد: کشیش و تاجر شراب، مسیحی سابق و آن گونه که خود گوید مسلمان کنونی. برای مسلمین در مسجد پیامبرشان ﷺ در روز شنبه داستان‌های یهودیان و مسیحیان را می‌گوید! این در حالی است که عمر نقل هرگونه حدیثی از رسول خدا ﷺ را با تهدید به تازیانه و زندان، ممنوع کرده بود! در مسند احمد ۴۴۹ / ۳ آمده است: «در دوران رسول خدا ﷺ و نیز روزگار ابوبکر داستان سرایی نمی‌شد، نخستین کسی که بدان پرداخت تمیم داری بود، وی از عمر اجازه گرفت تا در حالی که ایستاده است برای مردم داستان سرایی کند و عمر به او اجازه داد.»

عمر بن شبة در تاریخ المدینة ۱۱ / ۱ می‌گوید: «سپس عثمان به خلافت رسید، تمیم از او درخواست کرد تا [بر عرصه‌ی فعالیت او] بیفزاید، وی هم جایگاه دیگری به او داد که در پی آن تمیم در طول هفته سه بار به سخنرانی می‌پرداخت.»

بدین سان تمیم واعظ و سخنران رسمی مسلمانان شد و عمر او را بسیار احترام می‌کرد و خیر المؤمنین می‌نامید، از این رو برای او کرامات و معجزات ساختند، از جمله آنکه گفتند: روزی آتش‌فشانی در مدینه فوران کرد، عمر نزد تمیم آمد و از او خواهش کرد تا آن را خاموش کند، تمیم هم با وی آمد و با دست دهانه‌ی آتش‌فشان را جمع کرده آن را به سمت راهی در میان کوه‌ها سوق داد و در پی آن دوید تا آنکه آتش پنهان شد!

بیهقی در دلائل النبوة ۸۰ / ۶ می‌نویسد: «فصلی در بیان کراماتی که برای تمیم داری آشکار شد... معاویه بن حرمّل گوید: وارد مدینه شدم و سه روز بدون غذا در مسجد ماندم، پس از آن به نزد عمر آمده گفتم: یا امیر المؤمنین! توبه کاری پیش از آنکه بر او دست یابی [با پای خویش آمده است]، او گفت: که هستی؟ پاسخ دادم: معاویه بن حرمّل [وی داماد مسیلمه‌ی کذاب است که در جریان ادعای نبوت، او را همراهی نموده است]، او گفت:

سیره‌ی تمیم داری چنان بود که پس از نماز با دست به سمت راست و چپ خود می‌زد و دومرد را گرفته، با خود می‌برد [و میهمان می‌کرد]، من در کنار او نماز خواندم و پس از نماز با دست زد و دست مرا گرفت و برد، پس غذایی برایم آوردند و من هم بسیار خوردم، گرچه از شدت گرسنگی سیر نشدم!

روزی در منطقه‌ی حره آتشی شعله گرفت، عمر نزد تمیم آمد و گفت: به سراغ این آتش برو، تمیم گفت: ای امیرالمؤمنین! مگر من کیستم؟ مگر من کیستم؟ و عمر آن قدر اصرار کرد که تمیم با او برخاست و من هم به دنبال آنها رفتم، آنان به سوی آتش رفتند و تمیم آن را با دستش جمع می‌نمود تا آنکه آتش در راهی کوهستانی داخل شد و تمیم هم در پی آن رفت. پس عمر گفت: کسی که دیده مانند کسی که ندیده نیست، و این را سه بار تکرار کرد.»

این تمیم داری است که پنداشتند رسول خدا ﷺ اعتقاد به دجال را از او گرفته است! تمیم آن را از داستان دجال یهودی برگرفته، تغییر داده و ادعا کرده که او را در جزیره‌ای در بحر در حالی که در بند است مشاهده کرده است! او رسول خدا ﷺ را از آن با خبر نمود و آن حضرت هم به سرعت بر منبر رفت و در میان مسلمانان سخنرانی و قصه‌ی تمیم را برایشان تعریف نمود و آن را یکی از اجزاء اسلام و اعتقادات آن قرار داد! مسلمین هم به ترویج آن در مهمترین مصادر پرداختند، این جریان به نام حدیث جساسه شناخته می‌شود.

از قدیمی‌ترین کسانی که آن را روایت کرده ابن ابی شیبیه است، وی در المصنف ۱۵۴/۱۵ آن را از مشهورترین راویان این داستان که فاطمه دختر قیس فهریه خواهر ضحاک بن قیس چاپلوس معاویه است، نقل می‌کند، او می‌گوید: «روزی رسول خدا ﷺ نماز ظهر را به جا آورده پس از آن بر منبر رفتند، مردم از این کار تعجب کردند، برخی از آنان ایستاده و بعضی هم نشسته بودند، ایشان پیش از آن روز تنها در روز جمعه بر منبر می‌رفتند، پس با دست به مردم اشاره نمودند که بنشینید، سپس گفتند: به خدا قسم ایستادن من بابت امری که برایتان نفعی به دنبال داشته باشد نیست، نه برای ترغیب نمودن است و نه برای ترسانیدن. مطلب آن است که تمیم داری نزد من آمد و خبری آورد که به خاطر مسرت و روشنی چشمی

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عیسیٰ

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

که برایم در پی داشت مرا از خواب نیم روز باز داشت، پسر عموهای او در میان دریا دچار بادهای سختی شدند که آنان را واداشت تا به جزیره‌ای که نمی‌شناختند پناه برند، آنان در میان قایق‌های کوچک نشستند و بالا رفتند که ناگهان با چیزی سیاه و پرمو که مژه‌هایی دراز داشت مواجه شدند، پرسیدند: تو کیستی؟ او گفت: من جساسه‌ام، گفتند: به ما خبر بده، او گفت: من نه به شما خبری می‌دهم و نه از شما درباره‌ی چیزی می‌پرسم، ولی این دیر چشم شما را گرفته است، بدانجا بروید که در آنجا مردی است مشتاق آگاهانیدن شما و کسب اطلاع از شما.

آنها هم به دیر آمدند و یکبار به پیرمردی پرمو برخورد کردند که سخت در میان غل و زنجیر به بند کشیده شده بود، او به آنان گفت: از کجا آمده‌اید؟ گفتند: از شام، پرسید: عرب‌ها چه کردند؟ پاسخ دادند: ما قومی از آنهایم، گفت: این مردی که در میان شما خارج شد چه کرد؟ گفتند: کار نیک، گروهی با او به دشمنی پرداختند ولی خدا او را بر آنها غالب گردانید، امروز آنان همه متحدند و پروردگار و دینشان یکی است، او گفت: این برای آنها بهتر است، و افزود: چشمه‌ی زغرچه شد؟ گفتند: مردم محصولات خود را از آن آبیاری کرده و برای آشامیدن از آن استفاده می‌نمایند.

او پرسید: آن درخت نخلی که بین عمان و بیسان [شهری در اردن] بود چه شد؟ پاسخ گفتند: هر ساله از میوه‌ی آن اطعام می‌شود، گفت: چه بر سر دریاچه‌ی طبریه آمد؟ گفتند: از فراوانی، آب از دو طرف آن روان است. پس سه بار نفس عمیق کشید و گفت: اگر از این بند رهایی می‌یافتم هیچ زمینی را و نمی‌نهادم مگر آنکه با همین دو قدم بر آنجا گام می‌نهادم، مگر مدینه که مرا هیچ سلطه‌ای بر آن نیست.

در این هنگام رسول خدا ﷺ گفتند: شادمانی من در اینجا به نهایت رسید (!) اینجا مدینه است، سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست هیچ گذرگاه تنگ یا وسیعی در مدینه نیست، مگر آنکه تا روز قیامت فرشته‌ای با شمشیری آخته بر آن قرار دارد.^۱

۱. و نیز رک به مسند احمد ۶/ ۴۱۶، سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۵۴ و سنن ابوداود ۴/ ۱۱۸، ترمذی ۳/ ۳۵۵، مسند ابویعلی ۴/ ۱۱۹ و ...

ولیکن مسلم در صحیح ۸/ ۲۰۳ در جریان جساسه و دجال تمیم بیش از حد قلم فرسایي کرده و آن را با چند روایت آورده است که شاید طولانی‌ترین آن در ۸/ ۲۰۴ و از قهرمان داستان فاطمه دختر قیس باشد، وی گوید: «هنگامی که دوران عده‌ی من سپری شد، شنیدم منادی پیامبر صلی الله علیه و آله ندا کرد: نماز جماعت، پس به مسجد رفتم و با آن حضرت نماز گزاردم، ایشان بعد از نماز بر منبر نشستند در حالی که می‌خندیدند، سپس گفتند: هر کسی در محل نماز خود باشد، و بعد از آن گفتند: آیا می‌دانید چرا شما را گرد آوردم؟ مردم گفتند: خدا و رسولش دانانند.

ایشان گفتند: به خدا قسم نه برای ترغیب نمودن است و نه بابت بیم دادن، بلکه به خاطر آن است که تمیم داری که مردی بود برآیین مسیح و آمد و بیعت نمود و مسلمان شد برای من جریانی را تعریف کرد که با آنچه برایتان از مسیح دجال می‌گفتم موافقت دارد! او به من گفت که به همراه سی‌تن از طوایف لخم و جذام در کشتی نشست و آنان به مدت یک ماه در میان دریا گرفتار امواج بودند، پس از آن به جزیره‌ای که در مغرب خورشید قرار داشت پناه بردند و لذا در قایق‌های کوچک نشستند تا آنکه داخل جزیره شدند، در آنجا جنبنده‌ای به آنان برخورد کرد چنان پرمو، که جلو و پشت او قابل تمییز نبود، آنان گفتند: وای بر تو، کیستی؟ او در پاسخ گفت: من جساسه‌ام. پرسیدند: جساسه چیست؟ گفت: ای قوم! به نزد این مردی که در این دیراست بروید که او مشتاق خبر شماست.

تمیم گوید: وقتی از او نام مردی را شنیدیم ترسیدیم که مبادا این جساسه یک شیطان باشد پس به سرعت رفتیم تا آنکه وارد دیر شدیم، در آنجا با انسانی مواجه شدیم که بزرگتر از او ندیده بودیم و کسی که به مانند او سخت در بند باشد مشاهده نکرده بودیم! دستان او به گردنش بسته شده بود و بین زانو تا استخوان روی پای او در آهن بود! به او گفتیم: وای بر تو، کیستی؟ پاسخ داد: درباره‌ی من آگاه شدید، از خودتان خبر دهید که کیستید؟ گفتیم: مردمانی عرب هستیم که در کشتی نشستیم ولی در دریا با طوفانی روبرو شدیم که یک ماه گرفتار آن بودیم، پس از آن هم به جزیره‌ی تو پناهانده شده در قایق‌ها نشستیم، در جزیره جنبنده‌ای به ما برخورد چنان پرمو، که جلو و پشت او قابل تمییز نبود، به او گفتیم: وای بر تو، کیستی؟

و او پاسخ داد: من جساسه‌ام، گفتیم: جساسه چیست؟ گفت: به نزد این مردی که در دیر است بروید که مشتاق خبر شماست، و ما با سرعت نزد تو آمدیم و از آن موجود هراسان بودیم و ایمن نبودیم که یک شیطان باشد!

پس آن شخص پرسید: به من از نخل بیسان خبر بدهید، گفتیم: از چه چیز آن می‌پرسی؟ گفت: از نخل آن، آیا میوه می‌دهد؟ پاسخ دادیم: آری، او گفت: نزدیک است که دیگر میوه ندهد، و افزود: از دریاچه‌ی طبریه چه خبر دارید؟ گفتیم: از چه چیز آن می‌پرسی؟ گفت: آیا آب دارد؟ پاسخ دادیم: آب بسیاری دارد، او گفت: نزدیک است که آب آن خشک شود، گفت: از چشمه‌ی زغر خبر دهید، گفتیم: از چه چیز آن می‌پرسی؟ گفت: آیا در آن آبی هست و آیا اهالی آنجا در کشاورزی از آن بهره می‌برند؟ پاسخ دادیم: آری، آب فراوانی دارد و اهالی آنجا در کشاورزی از آن بهره می‌برند، گفت: به من از پیامبر درس نخواندگان خبر دهید، چه کرده است؟ گفتیم: از مکه خارج و ساکن مدینه شده است، پرسید: آیا عرب‌ها به جنگ با او پرداختند؟ پاسخ مثبت دادیم، گفت: او با ایشان چه کرد؟ و ما به او خبر دادیم که آن حضرت بر عرب‌هایی که پیرامون ایشان بودند غالب آمد و آنان به اطاعت او گردن نهادند، او گفت: آیا چنین شد؟! گفتیم: آری، گفت: برای آنها بهتر است که از او اطاعت نمایند، [حال] من از خودم به شما خبر می‌دهم، من مسیح‌م (!) و نزدیک است که به من اجازه‌ی خروج داده شود و در پی آن خروج کرده در زمین سیر کنم و در مدت چهل شب هیچ ناحیه‌ای را و آنهم مگر آنکه در آن فرود آیم، مگر مکه و طیبه [مدینه] که بر من حرام است و هرگاه بخواهم در یکی از آن دو وارد شوم فرشته‌ای با شمشیری آخته به سوی من آمده مرا باز می‌دارد، و بر هر راهی از آن ملائکه‌ای هستند که از آن محافظت می‌نمایند.

[در این هنگام] پیامبر ﷺ در حالی که با چوب دستی خود بر منبر می‌زدند گفتند: این طیبه است، این طیبه است، این طیبه است، آیا این را به شما گفته بودم؟ مردم گفتند: آری، ایشان گفتند: سخن تمیم که با آنچه برایتان از دجال و مکه و مدینه می‌گفتم مطابق است (!) خوشایند من قرار گرفت، بدانید که او در دریای شام یا یمن است، نه، بلکه از سمت مشرق می‌آید، از سمت مشرق، از سمت مشرق.

ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

من [فاطمه بنت قیس] این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر سپردم.»

نگارنده: آگاهی از دروغین بودن و تناقضات این داستان به دقت و تأمل زیادی نیاز ندارد، ظاهراً پردازنده‌ی آن خود بنت قیس دروغ پرداز بوده است و به حق باید گفت: دروغگو حافظه ندارد! یکی از امور سؤال برانگیز آن است که در بعضی از اخبار آمده که تمیم در کشتی بوده است، ولی در برخی چنین آمده که او در کشتی حضور نداشته است! در بعضی آمده که آنان به مدت یک ماه گرفتار امواج دریا بودند، حال آنکه در برخی دیگر چنین آمده که آنان سیرمی کردند تا آنکه جزیره ای نمایان شد و برای خرید نان رفتند! این جزیره در بعضی از اخبار در ساحل فلسطین^۲ قرار دارد و در برخی دیگر در مغرب! و در بعضی از آنها آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکان آن متحیر بودند و... از سویی دیگر بعضی روایات، حساسه را جنبه‌ای معرفی می‌کند و حال آنکه بعضی دیگر او را یک زن می‌داند! دجال هم که یا انسانی است درشت هیکل و یا شیطانی که در دیر جزیره در بند است.

دجال خاخام کعب الاحبار

یهودیان تلاش بسیاری نمودند تا برفرهنگ اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله تأثیرگذار باشند، تا جایی که تورات را به زبان عربی ترجمه نموده و عمر بن خطاب را عهده‌دار آن کردند که به پیامبر صلی الله علیه و آله بقبولاند تا تورات را به عنوان کتابی برای مسلمانان، مورد اعتماد خود قرار دهد! اما پیامبر غضبناک شده فرمودند: «قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست، اگر موسی در میان شما می‌بود و شما از او پیروی می‌کردید، و مرا و امی نهادید، بی شک گمراه می‌شدید.»

در المصنف عبدالرزاق ۶/ ۱۱۳ آمده است: «پس رنگ چهره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله عوض شد! عبدالله بن ثابت گوید: به عمر گفتم: خدا عقلت را مسخ نماید (!) آیا نمی‌بینی چهره‌ی

۱. سنن ابوداود ۲/ ۳۲۱

۲. مسند احمد ۶/ ۳۷۴

۳. سنن ابوداود ۲/ ۳۲۱

رسول خدا ﷺ چگونه شد؟!۱

یهودیان در مدینه دو مدرسه داشتند: یکی مدراس بود که در آن تورات تدریس می شد و دیگری مشنا که محل تدریس تلمود بود و بعضی از اصحاب پیامبر ﷺ که بارزترین آنها عمر بود، هر شنبه نزد آنان حاضر می شدند! عمر از آن حضرت خواست تا به آنها اجازه دهد که احادیث یهودیان را بنویسند، ولی ایشان از این مطلب نهی نموده فرمودند: آنها چگونه شما را هدایت نمایند حال آنکه خود را گمراه کرده اند! ولیکن آنها هم چنان در درس های یهودیان حضور می یافتند! و لذا پیامبر ﷺ سخنرانی نمودند و مسلمانان را از کسانی که از یهود تأثیر می پذیرند - و خود ایشان آنها را متهم میکنند - بر حذر داشت!۲

معنای این مطلب آن است که اسرائیلیات از همان زمان رسول خدا ﷺ انتشار یافت و هنگامی که کعب الاحبار در زمان عمر از راه رسید، دریافت که اسرائیلیات در دجال جمع است و لذا آن را دگرگون کرد، یهودی بودن دجال را انکار نمود و چنین جلوه داد که دجال عرب و اهل عراق است و برهاس مسلمین از او افزود. علاوه بر آن با خبر دادن از فتح قسطنطنیه آنان را بیم داد، چرا که در پی آن خروج دجال و قیامت است!!!

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

او هم چنین فتح قسطنطنیه را بردستان یهود بنی اسحاق قرار داد و نه به دست مسلمانان! امری که موجب شگفتی می شود آن است که کعب این مطالب را از رسول خدا ﷺ روایت می کند و حال آنکه ایشان را ندیده است! ولیکن شاگردان کعب یعنی ابوهریره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو عاص و دیگران سخنان او را حدیث قرار دادند!

کعب الاحبار شورش دجال را شورشی عربی جلوه می دهد!

سنیان از انس روایت می کنند که دجال یهودی است، در مسند احمد ۳/ ۲۲۴ از انس نقل می کند: «پیامبر ﷺ فرمودند: دجال از منطقه ی یهودی نشین اصفهان قیام می کند و هفتاد هزار تن از یهودیان که بر سرتاج دارند، همراه او خواهند بود.» صحیح مسلم ۸/ ۲۰۷ می آورد:

۱. و نیز رک به فتح الباری ۱۳/ ۴۳۸

۲. الدر المنثور ۴/ ۳ و نیز رک به تدوین القرآن ۴۱۷

«از یهود اصفهان هفتاد هزار نفر از دجال تبعیت می‌کنند، آنان جامه‌هایی دربردارند که تمام بدن را می‌پوشاند.» با این وجود، کعب دجال را عربی خالص جلوه داد!

در مصنف ابن ابی شیبہ ۸ / ۶۷۱ از کعب آمده است: «گویا می‌بینم که در صف مقدم لشکر دجال یک چشم، ششصد هزار نفر از اعراب هستند که جامه‌هایی سبزوگشاد دربردارند که تمام بدن را می‌پوشاند.» در کنی بخاری ۶۵ / آمده است: «چهل هزار تن از اعراب اصیل از دجال پیروی می‌کنند.»^۱

کار دیگر کعب آن است که دجال را اهل عراق نشان داد، زیرا عراق خوشایند وی نبود و علت این امر آن بود که قبائل یمنی آنجا از فریب‌کاری او آگاه بودند، عبدالرزاق در المصنف ۱۱ / ۳۹۶ از کعب می‌آورد: «دجال از عراق قیام می‌کند.» و در ۲۵۱ نقل می‌کند: «عمر بر آن شد که در عراق سکونت کند، ولی کعب بدو گفت: این کار را نکن چرا که دجال، جنیان عصیانگر، نه قسمت از ده قسمت سحر و هر درد سختی که از پای در می‌آورد - مقصود او اهواء است - در آنجاست.»^۲

کعب الاحبار برای بنی تمیم احترام بسیاری قائل شده است، او بنابر نقل الآحاد و المثانی ۲ / ۳۷۲ به ابن فاتک تمیمی گوید: «سخت‌ترین قبائل عرب در مقابل دجال، قوم توهستند.» در نتیجه کعب الاحبار با این کار، با تمیم داری و عمر به مخالفت پرداخته است، زیرا آن دو می‌گویند دجال به دنیا آمده و زندگی می‌کند تا آنکه خروج نماید!

هم‌چنان‌که حدیث نبوی مشهور نزد سنیان را که متضمن آن است که دجال از یهود اصفهان می‌باشد، رد کرده است! او می‌پندارد که دجال اهل مصر است و غرض آن بوده که وی را یهودی و شبیه به موسی عجل الله تعالی فرجه قرار دهد، زیرا نزد یهودیان موسی مهدی منتظر است!

درفتح الباری ۱۳ / ۲۷۷ می‌نویسد: «ابونعیم به واسطه‌ی کعب الاحبار روایت کرده که دجال در شهر قوص در سرزمین مصر به دنیا می‌آید، او گفته است: بین زمان تولد تا قیام او سی سال است.»

۱. و نیز رک به الجرح و التعديل رازی ۹ / ۴۳۰ از ابن عمرو و نیز المصنف عبدالرزاق ۱۱ / ۳۹۳

۲. و نیز الدر المنثور ۵ / ۳۹۳

هر کس به دجال کعب ایمان نیاورد کافر است!

در فرائد السمطين ۲ / ۳۳۴ می نویسد: «جابر بن عبدالله روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس قیام مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد نازل گشته کافر شده است، و هر کس فرود آمدن عیسی را انکار نماید، کافر شده است، و هر کس خروج دجال را انکار کند، کافر شده است.»^۱

مقصود از این دجال، دجال کعب الاحبار است، و چه بسا بدعتی که او درباره ی دجال آورده از ناحیه عقلاء مسلمانان با انکار مواجه شده و برخی علناً به انکار آن پرداخته و یا با اهل بیت (علیهم السلام) موافقت کرده اند، لذا او و شاگردانش این حدیث را ساخته و دجال او را با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) ارتباط داده اند [و از مسلم بودن قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) سوء استفاده کرده اند تا دجال کعب را نیز مسلم جلوه دهند]!

و اگر از باب جدال صحت این حدیث را بپذیریم باید کفر در آن را به معنای لغوی که عبارتست از پوشاندن حق بدانیم، نه به معنای اصطلاحی آن که موجب خروج از دین می شود.

ارتباطی که کعب الاحبار میان دجال و مهدی ایجاد نمود و ضربه ی آن را متوجه اسلام کرد!

کعب الاحبار بشارت نبوی درباره ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) و فرود آمدن مسیح (علیه السلام) را دریافت کرده و آنها را با بدعت های یهود آمیخت، به علاوه در راستای مصالح رومیان، دروغ هایی بدان افزود که مسلمین را از فتح قسطنطنیه باز می داشت! او چنین پنداشت که دجال بدون فاصله پس از فتح قسطنطنیه خروج می کند، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) کشته می شود، کعبه منهدم می گردد و مکه ویران شده و تا ابد کسی در آن سکونت نخواهد نمود!

راویان وابسته به دستگاه خلافت هم بدعت های او را پذیرفته، آنها را احادیثی نبوی قلمداد کردند و در مهمترین منابع خود گردآوری نمودند و به اعتقادی تبدیل شد که علی رغم آن که

۱. و نیز الروض الانف ۲ / ۴۳۱ و رد ابن خلدون / ۳۴۷ و ...

ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه‌ه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

رسوایی آن فریاد می‌کند، بدان ایمان می‌آورند!

ابن حماد در الفتن ۲/ ۴۵۷ از کعب نقل می‌کند: «اهل آسمان و زمین و پرندگان، بر مهدی منصور درود می‌فرستند، او نبرد خود را با اهل روم آغاز می‌کند و جنگ هایش بیست سال به طول می‌انجامد، سپس در بزرگترین نبرد، او و دو هزار تن از همراهانش که همه امیر و صاحب پرچم هستند به شهادت می‌رسند که مسلمانان پس از مصیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مصیبتی عظیم‌تر از آن دچار نشده‌اند.»

همودر ۱/ ۳۹۳ از کعب می‌آورد: «به من خبر رسیده که مهدی چهارده سال در بیت المقدس درنگ خواهد کرد، سپس می‌میرد و بعد از او شریف الذکر که از قوم تبع است و بدو منصور گفته می‌شود، به مدت بیست و یک سال در بیت المقدس خواهد بود، در پانزده سال آن عدالت و در سه سال آن ستم حکم خواهد کرد، سه سال دیگر نیز محرومیت از اموال است و هیچ کس درهمی نخواهد پرداخت.»

زندگی شافعی در معارج الوصول / ۱۹۸ می‌نویسد: «از کعب نقل شده که مهدی می‌میرد و پس از او مردی از اهل بیتش متولی امر مردم خواهد شد که هم خیر دارد و هم شرو بدی، ولی شرا و از خیرش بیشتر است، او مردم را به غضب آورده و پس از یکپارچگی آنها را به افتراق می‌کشد، دوران او کوتاه است و مردی از اهل بیتش براو شوریده، او را به قتل خواهد رساند. پس از قتل او جنگی شدید در میان مردم درمی‌گیرد. دوران او نیز کوتاه بوده و خواهد مرد، پس از او مردی از قبیله‌ی مضر، از سمت مشرق بر مردم حاکم شده، آنان را به کفر کشانده و از دین به در خواهد برد!»

بینیم که چگونه کعب الاحبار قلب اعتقاد اسلام و بشارت نبوی نسبت به دولت عدل الهی و پایان یافتن ظلم و ستم را هدف قرار داده و آن را به بازی گرفته است، و به خدای متعال که وعده‌ی پایان یافتن ظلم و جور را داده است نسبت داده که مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه کشته می‌شود و ظلم باز می‌گردد! و چگونه است که عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو عاص، زهری، وهب بن منبه و دیگران افکار کعب را پذیرفتند و به گسترش آن همت گماردند و نپرسیدند که کعب به جز از آموخته‌های یهود، از کجا به علم غیب دست یافته است؟!

کعب می‌پندارد یهودیان قسطنطنیه را فتح خواهند کرد!

از امور عجیبی که مسلم در صحیح ۸ / ۱۸۷ از ابوهریره نقل می‌کند این مطلب است: «رسول خدا ﷺ فرمود: آیا نام شهری را شنیده‌اید که یک سوی آن در خشکی و یک سوی دیگر آن در دریا باشد؟ پاسخ دادند: آری، ای رسول خدا! فرمود: قیامت به پا نخواهد شد تا آنکه هفتاد هزار تن از بنی اسحاق برای جنگ بدان سوبشتابند، و وقتی بدان سرزمین می‌رسند فرود می‌آیند ولی نه با سلاحی به جنگ می‌پردازند و نه تیری پرتاب می‌کنند، بلکه می‌گویند: لا إله إلا الله والله أكبر، و یکی از دو طرف آن سرزمین سقوط می‌کند - ثور [که این مطلب را با یک واسطه از ابوهریره نقل می‌کند] می‌گوید: به خاطر دارم که گفت آن طرفی که در ریاست - آنان دوباره می‌گویند: لا إله إلا الله والله أكبر، و طرف دیگر آن سقوط می‌کند، برای بار سوم این جمله را تکرار می‌کنند که راه برای آنان باز می‌شود و وارد شده به جمع آوری غنائم می‌پردازند، در حالی که مشغول تقسیم غنائم هستند شخصی می‌آید و در میان آنان فریاد می‌کند: دجال خروج کرده است و آنها همه چیز را وانهاده باز می‌گردند.»^۱

نگارنده: کعب الاحبار شنیده که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شهری را در مغرب با تکبیر فتح می‌کند، برخی راویان هم گفتند که آن شهر قسطنطنیه است، مسلمانان هم برای فتح آن مهیا می‌شدند، پس کعب فتح آن را به قوم خود نسبت داد. وی این مطلب را به ابوهریره آموخت، او هم آن را حدیثی نبوی جلوه داد که خواهد آمد.

۱. و نیز المستدرک ۴ / ۴۷۶، مصابیح السنة بغوی ۳ / ۴۸۲ - وی آن را صحیح شمرده است -، جامع الاصول ۱۱ / ۷۵ و التذکره قرطبی ۷۰۷. نووی در شرح صحیح مسلم ۱۸ / ۴۳ گوید: قاضی گوید: در تمام نسخ صحیح مسلم بنی اسحاق آمده است، برخی گویند: آنچه معروف و محفوظ است بنی اسماعیل است که متن و سیاق حدیث بر آن دلالت دارد، چرا که مراد آن حضرت [از جنگاوران] عرب اند و آن شهر هم قسطنطنیه می‌باشد [که پیامبر ﷺ مژده‌ی فتح آن را به مسلمانان داده است].

کعب الاحبار مسلمانان را از دجال می هراساند، اگر قسطنطنیه را فتح کند!

در جلد سوم جواهرالتاریخ آوردیم که امام زین العابدین و امام باقر علیه السلام افترای کعب الاحبار را نسبت به اینکه صخره‌ی بیت المقدس که قبله‌ی یهودیان است از کعبه برتر است، رد کردند، و در جلد دوم در فصل کسانی که به دست معاویه کشته شدند، آوردیم که رشید هجری و محمد بن ابی حذیفه، کعب و پیشگویی های او را به تمسخر گرفتند!

کعب، دجال را زمینه‌ای مناسب برای دروغ های خود یافت، لذا آنچه را در ذهنش در باب او ساخته و پرداخته بود، در افکار مسلمانان کاشت و به آنان قبولاند که این امت در زمانی نزدیک به انتها می رسد! او عمر را نیز قانع کرد که اسلام به پایان می رسد، کعبه منهدم می شود، مکه ویران شده و تا ابد آباد نخواهد گردید! و البته هذیان سرایی های کعب توسط شاگردانش به احادیث نبوی تبدیل شد!

ابن حماد در الفتن ۲/ ۵۲۹ می نویسد: «کعب الاحبار گوید: قسطنطنیه را فتح می کنند، پس از آن خبر قیام دجال به آنها می رسد، آنها هم رهسپار شام می شوند ولی می فهمند او خروج نکرده است، و پس از درنگی کوتاه خروج می نماید.»

همو در ۲/ ۵۲۲ از کعب می نویسد: «در حالی که مشغول تقسیم غنائم هستند خبر قیام دجال به آنها می رسد و حال آنکه این خبر دروغ است، پس هر آنچه می توانید غنیمت بردارید، زیرا شما شش سال سپری خواهید نمود و او در هفتمین سال خروج خواهد کرد.»

و در ۱۴۷/ ۱ از کعب می آورد: «دجال قیام نمی کند تا آنکه قسطنطنیه فتح گردد.»

حاکم در المستدرک ۴/ ۶۲ از کعب نقل می کند: «جزیره ایمن از خرابی است تا آنکه ارمینیه [ارمنستان] ویران شود، مصر ایمن از ویرانی است تا آنکه جزیره خراب گردد، کوفه نیز ایمن است تا آنکه مصر ویران گردد، و جنگ واقع نخواهد شد تا زمانی که کوفه خراب شود، و شهر کفر [قسطنطنیه] پیش از جنگ فتح نمی شود و دجال هم پیش از فتح آن قیام

نخواهد کرد.»

الفتن ۲/ ۴۸۸ از عبدالله بن عمر روایت می‌کند: «مردم پنج جنگ خواهند داشت؛ دو مورد آنها گذشته و سه مورد دیگر در این امت است؛ جنگ ترک‌ها، نبرد رومیان و جنگ دجال که پس از آن جنگی نخواهد بود.»

همو در ۲/ ۱۶۱ از کعب: «در حالی که آنها مشغول تقسیم غنائم هستند خبر خروج دجال می‌رسد. پس هر آنچه در دست دارند رها می‌کنند و به بیت المقدس می‌آیند. پس [عیسی] پشت سر کسی که عهده دار امور مسلمین است نماز می‌گزارد.

سپس خداوند به عیسی بن مریم وحی می‌کند که به سمت یاجوج و ماجوج برود و بعد از آن به بیت المقدس باز می‌گردد. آنگاه زمین زکات خود را آن چنان که در ابتدای دنیا بود بیرون می‌دهد، پس از آن هفت سال می‌گذرد و در پی آن خدا بادی را می‌فرستد که ارواح مؤمنین را قبض می‌کند.»

الفتن ۲/ ۴۹۹ از کعب نقل می‌کند: «بالاترین نبرد، ویرانی قسطنطنیه و قیام دجال، در هفت ماه است و یا هر قدر که خدا بخواهد.»

نظر کعب - با تبدیل هفت ماه به هفت سال - به برخی از صحابه هم سرایت نمود! الفتن ۲/ ۴۶۹ از بشیر بن عبدالله بن یسار چنین می‌آورد: «عبدالله بن بسر مازنی که از صحابه‌ی رسول خدا ﷺ بود، گوش مرا گرفت و گفت: ای فرزند برادر! شاید توفتح قسطنطنیه را درک کنی، پس اگر چنین شد مبادا غنیمتت را رها کنی، زیرا بین فتح آن تا خروج دجال هفت سال است.» فراتر آنکه سخن کعب به حدیثی نبوی تبدیل شد! و سنیان گمان کردند که پیامبر ﷺ گفته است: «بالاترین نبرد، فتح قسطنطنیه و قیام دجال در هفت ماه است.»^۱

مسند احمد ۴/ ۱۸۹ از عبدالله بن بسر از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «بین جنگ و فتح مدینه شش سال است و مسیح دجال در سال هفتم قیام می‌کند.»^۲

ابن سهل بلخی در البدء والتاریخ ۲/ ۱۸۵ می‌نویسد: «عالمان گفته‌اند: بین فتح قسطنطنیه

۱. و نیز سنن ترمذی ۳/ ۳۴۶ و المستدرک ۴/ ۴۲۶

۲. التاریخ الکبیر ۸/ ۴۳۱ و سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۷۰. سیوطی در الدر المنثور ۶/ ۵۹ می‌نویسد: احمد، ابوداود، ابن ماجه، ابویعلی، نعیم بن حماد، طبرانی، بیهقی و ضیاء مقدسی در المختارة آن را نقل کرده‌اند.

و شورش دجال هفت سال است، پس در حالی که آنها در چنین حالتی [تقسیم دینارها] هستند کسی می‌آید و فریاد می‌کند که دجال در خانه‌هایشان است و آنان هرچه در دست دارند رها می‌کنند و به سوی او می‌شتابند.»

یکی دیگر از این خرافات آن است که مسلم در صحیح خود ۸/ ۱۷۶ از ابوهریره می‌آورد که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: «قیامت به پا نخواهد شد مگر آن زمان که لشکریان روم در اعماق یا دابق^۱ فرود آیند. در پی آن لشکری از مدینه که در آن روزگار از بهترین‌های اهل زمین هستند به سوی آنان می‌روند، پس چون صف می‌کشند رومیان گویند: ما را با کسانی که برخی از ما را اسیر کردند، رها بگذارید تا با آنها بجنگیم، مسلمانان در پاسخ می‌گویند: نه، به خدا سوگند شما را با برادرانمان رها نخواهیم کرد، پس میان آنان جنگی در می‌گیرد و یک سوم مسلمانان پا به فرار می‌گذارند که خداوند تا ابد توبه‌ی آنها را نخواهد پذیرفت، یک سوم هم کشته می‌شوند که برترین شهیدان نزد خداوند، و یک سوم آخر فاتح‌اند و تا ابد فتنه و اختلافی در میان آنها در نخواهد گرفت، آنان قسطنطنیه را فتح می‌کنند و زمانی که مشغول تقسیم غنائم هستند و شمشیرهایشان را بر درختان زیتون آویخته‌اند، شیطان در میان آنها فریاد می‌کند که مسیح [دجال] به سراغ خانواده‌هایشان رفته است. [به دنبال این فریاد] آنها از آن سرزمین خارج می‌شوند و حال آنکه این خبر دروغ است.

وقتی به شام می‌رسند در حالی که خود را آماده جنگ می‌کنند و مشغول صف آرایی هستند، او قیام می‌کند. یکبار نماز به پا می‌شود و عیسی بن مریم علیه السلام فرود آمده، امامت نماز را بر عهده می‌گیرد. زمانی که دشمن خدا او را می‌بیند هم چنان که نمک در آب ذوب می‌شود، ذوب می‌گردد، اگر او را رها کند، آن قدر ذوب می‌شود که هلاک گردد، ولیکن خدا او را به دست عیسی به قتل خواهد رساند و خونس را بردشنه‌ی وی به مردم نشان خواهد داد.»^۲

بدین صورت دروغ‌های کعب‌الاحبار به احادیث نبوی و صحیح مبدل شد که مصادر مورد

۱. دو منطقه در شام و در نزدیکی حلب

۲. ابن حبان در صحیح ۸/ ۲۸۶، حاکم در المستدرک ۴/ ۴۸۲ - وی آن را بنا بر شرط مسلم صحیح شمرده - و بغوی در مصابیح السنة ۳/ ۴۸۰ - او هم آن را صحیح قلمداد کرده است - .

اعتماد!) آنها را نقل نمودند. ببینیم که چگونه یهودیان، راویان سرسپرده‌ی دستگاه خلافت را نادان فرض نمودند و برای خدمت به توطئه‌هایشان، از آنها استفاده کردند؟! و چگونه حکومت‌ها تا به امروز بدعت‌های آنها را پذیرفته‌اند؟! ما کسی را نمی‌یابیم که از خود بپرسد: قسطنطنیه فتح شده و هفت سال، بلکه هفتاد سال، و بلکه صدها سال از آن گذشته است، پس دجال کعب، مهدی او و قیامتی که از آن سخن می‌گفت، کجا شدند؟!

کعب در تأیید دروغ‌هایش شگردهای مختلف داشت!

در الفائق زمخشری ۲ / ۱۸۵ آمده است که کعب به ابو عثمان نه‌دی گفت: «آیا نزد شما کوهی که بر بصره اشراف داشته باشد و بدان سنام گویند، وجود دارد؟ وی پاسخ داد: آری، او گفت: آیا در کنار آن، چشمه‌ای بسیار خاک آلود قرار دارد؟ او گفت: بلی، کعب گفت: آن چشمه اولین آب از آب‌های عرب است که دجال وارد آن می‌گردد»^۱ در نهایت این سخن کعب به به حدیثی نبوی تبدیل شد!^۲

کعب‌الاحبار گفتار رسول خدا ﷺ را نمی‌پذیرد و پیروان دستگاه خلافت از او تبعیت می‌کنند!

پیشتر به نقل بخاری گذشت که مغیره به پیامبر ﷺ گفت: «مردم می‌پندارند که دجال خوردنی و آشامیدنی با خود به همراه دارد، و آن حضرت پاسخ دادند: او نزد خدا خوارتر از آن است.»

ولیکن کعب روی داستان‌های یهود تأکید می‌کند، مسلمانان هم او را درباره‌ی کوه نان خرد شده در آبگوشت تصدیق می‌نمایند!

لسان العرب ۸ / ۳۲۸ می‌نویسد: «[به کوه بلند مائع گویند که] مثال آن سخن کعب است که دجال با خود کوهی بلند دارد که با نان خرد شده در آبگوشت مخلوط است.»^۳

۱. حلیۃ الاولیاء ۶ / ۱۳ و نیز رک به الفتن ۲ / ۳۲۵

۲. الفتن ۱۴۹ /

۳. و نیز غریب الحدیث ابن قتیبه ۱ / ۲۷۱ و النهایة ابن اثیر ۴ / ۲۹۳

کعب الاحبار آن کوه را کوهی بلند و مرتفع قرار داده است، که در حقیقت نانی است خرد شده در آبگوشت، بلند و مرتفع، و برای تمامی قبائل عرب کافی است! و این کوه به نام پدر کعب می باشد، چرا که او کعب بن مافع است!

اهل بیت علیهم السلام دروغ پردازی های کعب را رد می کنند!

منابع ما با قاطعیت بیان می کنند که ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مرحله و دورانی جدید در زندگی مردم بر روی این کوهی خاکی است و حیات تا روز قیامت در پرتو آن استمرار دارد، لذا ظلم تا ابد باز نخواهد گشت. در روایات ما چنین آمده که آن حضرت مدت زمانی طولانی به تعداد سال های اصحاب کهف حکومت می کنند، و پس از ایشان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان باز می گردند و حکومت می نمایند.

سلسله ی وقایع اینچنین است؛ ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرود آمدن مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف، خروج دجال در عصر آن دو و مرگ او، وفات مسیح و استمرار حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امتداد دولت عدل الهی پس از ایشان تا روز قیامت. پس قیام دجال بعد از ظهور آن حضرت و نزول مسیح است.

این در حالی است که منابع اهل سنت باورهای یهودیان را - که می پندارند وقتی مسلمین قسطنطنیه را فتح نمایند و بر رویان پیروز گردند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته می شود و دجال خروج می کند، سپس مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود می آید، بعد از آن یاجوج و ماجوج ظهور می کنند و پس از آن قیامت به پا می شود - به رسمیت شناخته است! آنان این وقایع عظیم را که با فاصله از یکدیگر رخ می دهند، پشت سر هم قرار دادند و همه را در هفت ماه و یا هفت سال گنجانند، سپس آن را احادیث نبوی قلمداد کردند!

سؤالی که به ذهن می آید درباره ی جبهه ی مشکوکی است که کعب الاحبار در مورد قسطنطنیه اتخاذ نموده و با مصالح رومیان موافقت دارد!

پس از آنکه لشکر روم در شام شکست خورد و مسلمین به قصد فتح قسطنطنیه بدان سو رفتند، کعب گفت: در پی فتح آن سرزمین، دجال قیام می کند، مهدی مسلمانان کشته می شود،

قیامت برپا شده و عالم به پایان می‌رسد!

ابن ابی شیبیه در المصنف ۸/ ۶۵۰ از معاذ بن جبل روایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ گفتند: آبادانی بیت المقدس ویرانی مدینه را در پی دارد و ویرانی مدینه بروز جنگ را، با بروز آن جنگ، قسطنطنیه فتح می‌شود و فتح آن قیام دجال را به دنبال دارد! سپس با دست بران یا شانه‌ی کسی که این حدیث را برایش گفتند زدند و افزودند: این مطلب حق است هم چنان که تواینجا هستی - و یا هم چنان که تواینجا نشسته ای -، و مقصود ایشان معاذ است.»^۱

نگارنده: اگر روایت سنن از ابو عبیده و معاذ صحیح باشد، بر آن دلالت دارد که این دو نیز از جمله متهمین و شاگردان خاخام‌های یهود بوده‌اند، و احادیثی را که مردم را از دجال به هراس می‌انداخت، از آنها فرا گرفته بودند!

سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۷۰ از عمرو بن عوف از پیامبر ﷺ می‌آورد: «قیامت به پا نخواهد شد، مگر آنکه نزدیکترین مرزبانان مسلمانان در بولاء باشند، سپس فرمود: یا علی! یا علی! یا علی! و ایشان گفتند: پدر و مادرم فدای شما، رسول خدا ﷺ گفتند: شما و کسانی که بعد از شما خواهند بود، با بنی الاصفهر [رومیان] نبرد خواهید کرد تا آنکه بهترین‌های اسلام یعنی اهل حجاز که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند، به سوی آنان بروند، آنها قسطنطنیه را با تسبیح و تکبیر فتح می‌کنند و به غنائمی دست می‌یابند که مانند آن را دست نیافته بودند و حتی سپرها را تقسیم می‌کنند، یکباره شخصی آمده گوید: مسیح در سرزمین‌های شما قیام کرده است، آگاه باشید که این خبر دروغ است، پس هم کسانی که از غنائم برداشته‌اند پشیمانند و هم کسانی که آن را رها کرده‌اند.»^۲

الفتن ۱/ ۵۵ از عمران بن حصین از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «چهار فتنه به وقوع خواهد پیوست، در نخستین آنها ریختن خون مردم را حلال می‌شمارند، در دومی خون و مال مردم حلال شمرده می‌شود، در سومین آنها خون و مال و ناموس حلال به حساب می‌آید، و

۱. مسند احمد ۵/ ۲۳۲ و ۲۴۵ و سنن ابی داود ۴/ ۱۱۰ و نیز رک به المستدرک ۴/ ۴۲۰ و الدر المنثور ۶/ ۶۰

۲. و نیز المستدرک ۴/ ۴۸۳

چهارمین آنها دجال است.

و در ۵۵۵/۲ می نویسد: «دجال در فتنه‌ی چهارم شورش و چهل سال درنگ خواهد نمود.»
همودر ۵۱۷/۲ از کعب می آورد: «گفته می شد که سگ قیامت، دجال است.»
معنای این سخن آن است که قیام دجال ملازم برپایی قیامت است، هم چنان که سگ ملازم صاحب خود می باشد! باید گفت که کعب این تعبیر را از تلمود گرفته است، چرا که هم چنان که ابن حجر می گوید گزارش های پیرامون دجال در تورات نیامده است.
شگردی که کعب الاحبار به کار بسته آن است که برای جلب رضایت مسلمین (!) تصویرش از دجال را با اندک تفاوتی نسبت به تصویر یهود ارائه کرده است. قوم او یهود، دجال را بر پیامبر خدا حضرت مسیح عليه السلام تطبیق می کنند، ولی کعب این تطبیق را حذف نموده است.
از سویی ظهور مهدی، نزول مسیح و جنگ آنها با دجال را بدان افزوده است. در عین حال مهدی و دجالی که ترسیم می کند، با مفاهیمی یهودی توأم است، مثل آنکه می گوید دجال عرب است، مهدی به هدف خود دست نمی یابد و به دست رومیان به قتل می رسد و کعبه منهدم و مکه ویران می شود!
در نهایت گوییم که یک محقق به آسانی می تواند به احادیث کعب خرده گیرد، و همین کافی است که می بینیم سخنان وی به احادیث نبوی مبدل شد، با وجود آنکه کعب، آن حضرت را ندیده است! و گفتیم که عمرو پس از وی عثمان و معاویه چه تقدیسی از او می کردند، و او بین مدینه و شام و مصر و قسطنطنیه در حرکت بود.
راویان وابسته به دستگاه خلافت نیز چنان او را بزرگ داشتند که به وی اجازه می داد هر آنچه بخواهد بگوید، و شاگردان او مانند ابوهیره، عبدالله بن عمرو عاص، عبدالله بن عمر، عبدالله بن سلام، وهب بن منبه و دیگران، آن سخنان را به حدیث تبدیل می کردند و به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نسبت می دادند!

دروغ پردازان پیش از دجال!

سنیان روایت کرده‌اند که پیش از دجال سی و یا هفتاد دروغ پرداز خواهند بود و روایت سی تن نزد آنان صحیح است. در روایات ما نیز آمده است که در این امت دوازده پیشوای هدایت و دوازده پیشوای ضلالت و سی دروغ پرداز خواهند بود. و البته مقصود آن است که دجال‌ها و دروغ پردازان پیش از دجال اصلی که از شخصیت‌ها و رؤوس هستند این تعدادند و گرنه بیش از این‌ها هستند، که از جمله‌ی آنها، تعدادی از راویان احادیث پیرامون دجال هستند!

عبدالرزاق در المصنف ۱۱/ ۳۹۲ از ابی بکره چنین نقل می‌کند: «مردم پیش از آنکه پیامبر ﷺ درباره‌ی مسیلمه سخنی بگویند، در مورد او زیاد صحبت می‌کردند، پس روزی آن حضرت برای سخنرانی ایستادند و فرمودند: این دجالی که پیرامون او بسیار سخن گفتید، یکی از سی دروغ پرداز است که پیش از مسیح [دجال] می‌آیند. هیچ سرزمینی نیست مگر آنکه رعب از او در آن وارد می‌شود، مگر مدینه که بر همراهی از آن دو فرشته هستند و رعب و وحشت از او را، از آن دفع می‌کنند.»^۱

نگارنده: نکته‌ای که شایان تأمل است، آن است که راویان بر زبان رسول خدا ﷺ، از دجال به مسیح تعبیر می‌کنند و این، اسلوب و روش کعب الاحبار و دیگر یهودیان است.

ابن ابی شیبہ در المصنف ۸/ ۶۶۵ از عبید بن عمیر لیشی چنین می‌آورد: «رسول خدا ﷺ فرمودند: قیامت برپا نخواهد شد، مگر آنکه سی تن دروغ پرداز که خود را پیامبر می‌پندارند، ظهور کنند.»^۲

گزارش‌های اهل سنت پیرامون دجال فراتر از یک جلد کتاب است، و از همین دست روایاتی است که در این کتاب از نظر گذشت و بلکه نارواتر!

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

۱. ابن حماد در الفتن ۲/ ۵۵۱، احمد در مسند ۵/ ۴۱، بخاری در صحیح ۹/ ۷۵، ابن حبان در صحیح ۸/ ۲۲۵ و حاکم در المستدرک ۴/ ۵۴۱ آن را نقل کرده‌اند، و هیشمی در مجمع الزوائد ۷/ ۳۳۲ آن را حدیثی صحیح می‌شمارد.

۲. مشابه آن در مسند احمد ۲/ ۹۵، ۱۱۳ و ۱۱۷ و ۲۳۶ و ۳۱۲، صحیح بخاری ۴/ ۲۴۳ و ۹/ ۷۴، صحیح مسلم ۸/ ۱۸۹. در المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۶۵۵ از انس چنین می‌آورد: «پیش از دجال، هفتاد و شش دجال خواهند بود. و نیز رک به مجمع الزوائد ۷/ ۳۳۳.

خاتمه‌ای پیرامون دابة الارض و یا جوج و مأجوج

راویان سرسپرده‌ی دستگاه خلافت احادیث دجال را با احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نشانه‌های قیامت خلط نمودند و همه را یکدست قرار دادند! آنان با آیه‌ی دابة الارض و یا جوج که در قرآن آمده است نیز چنین کردند و زمان آن دو را نیز هنگام ظهور حضرت مهدی و مسیح انگاشتند.

بلکه آنان روایت کردند که حضرت عیسی علیه السلام پس از نبرد با دجال به جنگ با یا جوج و مأجوج می‌پردازد! و این در حالی است که دابة الارض به دوران رجعت و بعد از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مربوط می‌شود و یا جوج و مأجوج هم در نزدیکی قیامت خواهند بود. این چنین تصووراتی درباره‌ی آینده، از اسرائیلیات کعب الاحبار و هم پیاله‌های او ناشی می‌شود!

آیه‌ی دابة الارض که با مردم سخن می‌گوید!

خداوند تعالی می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۖ وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝ ۷۷ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۝ ۷۸ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ۝ ۷۹ إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَلُوا مَدْبِرِينَ ۝ ۸۰ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنَّ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ۝ ۸۱ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۝ ۸۲ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ۝ ۸۳ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ إِذَا جَاءُوكَ أَلَّا تَكُفُّ عَنْهُمْ إِذْ يُنْفِقُونَ ۝ ۸۴ وَلَمْ يَحْطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّا إِذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ ۸۵ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْتَفِعُونَ ۝ ۸۶»

بی‌گمان، این قرآن بر فرزندان اسرائیل بیشتر آنچه را که آنان درباره‌اش اختلاف دارند حکایت می‌کند. و به راستی که آن، رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است. در حقیقت پروردگار تو طبق حکم خود، میان آنان داوری می‌کند، و اوست شکست‌ناپذیر دانا. پس بر خدا توکل کن که تو واقعاً بر حق آشکاری. البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی، و این ندا را به ناشنوایان - چون پشت بگردانند - نمی‌توانی بشنوانی. و راهبر کوران [و بازگرداننده‌ی آنان] از گمراهیشان نیستی. تو جز کسانی را که به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند و مسلمانند، نمی‌توانی بشنوانی. و چون قول [عذاب] بر

ایشان واجب گردد، جان داری را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم به نشانه های ما یقین نمی کردند. و آن روز که از هراقتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند محشور می گردانیم، پس آنان نگاه داشته می شوند. تا چون [همه ی کافران] بیایند، [خدا] می فرماید: آیا نشانه های مرا به دروغ گرفتید و حال آنکه از نظر علم، بدانها احاطه نداشتید؟ آیا [در طول حیات] چه می کردید؟ و به [کیفر] آنکه ستم کردند، حکم [عذاب] بر آنان واجب گردد، در نتیجه ایشان دم برنیارند.»

مخاطب این آیات یهودیان و نیز گمراهان معاند هستند، همان کسانی که قصد کردند حقایق هستی را نبینند و نشنوند، پس خداوند آنها را مردگان نامید! و پیامبر ﷺ را فرمان داد تا از آنان صرف نظر نماید، زیرا آنان هم چنان بر آن حالت باقی خواهند ماند تا آنکه عذاب فرارسد و خداوند جان داری را از زمین برایشان خارج نماید که با ایشان سخن می گوید.

آیه ی شریفه زمان این واقعه را معین نکرده است، پس ممکن است نزدیک قیامت باشد، هم چنان که می تواند هزاران سال پیش از آن باشد. عبارت «وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ» نیز جز در این مورد در قرآن به کار نرفته است، و برای قیامت عبارت «حَقَّ الْقَوْلُ» آمده است، خداوند می فرماید: «وَلَكِنَّ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ»^۱، «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ»^۲، «قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ»^۳. لفظ «وقع» نیز در قرآن در معنای نزول عذاب و نزول عذاب دنیوی^۴ به کار رفته است، این مطلب آنچه را که در روایات ما آمده است که دابة الارض در رجعت می باشد، تأیید می کند.

رجعت مرحله ای از حیات دنیوی است که با ظهور حضرت مهدی ﷺ آغاز می شود و در آن پیامبر ﷺ و امامان و تعدادی از پیامبران به دنیا باز می گردند و برخی مدتی کوتاه در آن به سر می برند و برخی دیگر برای مدتی در آن حکومت می کنند. آیه ای که پس از آیه ی دابة الارض

۱. سوره ی سجده / ۱۳

۲. سوره ی یس / ۷

۳. سوره ی قصص / ۶۳

۴. سوره ی اعراف / ۷۱ و ۱۳۴

۵. سوره ی یونس / ۵۱

است، بر رجعت دلالت دارد و تصریح می کند که پیش از حشر عام قیامت حشری خواهد بود که به گروه هایی اختصاص دارد، می فرماید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ».

در تفسیر قمی ۱/ ۱۹۸ آمده است: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه درباره ی این آیه: إِنْ أَلَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً...، بی تردید، خدا قادر است که پدیده ای شگرف فرو فرستد، فرمودند: خداوند در آخر الزمان آیاتی را به شما نشان خواهد داد، از جمله ی آنها دابه ای [جان داری] در زمین، دجال، فرود آمدن عیسی بن مریم و طلوع خورشید از مغرب آن است.»

عبارت آخر الزمان حاکی از مرحله ای مدید از حیات است که با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آغاز می شود و تا پایان دنیا امتداد می یابد. نکته ای که شایان ذکر است آن است که ترتیبی که در این روایت آمده بیان راوی است، چرا که ائمه علیهم السلام تصریح نموده اند ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پیش از دجال و دابه الارض است.

مرحوم کلینی در کافی ۱/ ۱۹۷ و صفار در بصائر الدرجات ۱۹۹ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می کنند که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه در حدیثی طولانی فرمودند: «به من شش فضیلت عطا شده است: علم به مرگ ها و بلایا، علم به وصیت ها [ی انبیاء]، علم به نسب ها، فیصله ی میان حق و باطل، من صاحب بازگشت ها و دولت حاکم بر تمام دولت هایم، من صاحب عصا و میسم. و جان داری هستم که با مردم سخن می گوید.»^۲

این حدیث با صراحت^۳ بیان می کند که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه هنگامی که به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنیا باز می گردد، هم صاحب دابه است، یعنی خداوند آن را مطیع فرمان ایشان قرار می دهد و آن دابه با مردم سخن می گوید، و هم صاحب عصا، و چه بسا عصای موسی عجل الله تعالی فرجه باشد و در روایت آمده که عصای موسی عصای آدم عجل الله تعالی فرجه بوده است، و این نشانه ای از نشانه های خداوند در رجعت است، و نیز صاحب میسم که ابزاری است که بر پیشانی بعضی کفار نشانه می گذارد. معنای این مطلب آن است که کسانی که در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه امید اصلاحشان نمی رود، گروه

۱. سوره ی انعام ۳۷/

۲. و نیز مختصر بصائر الدرجات ۴۱/، الايقاظ من الهجة بالبرهان على الرجعة ۳۷۲/ و بحار الانوار ۵۳/ ۱۰۱

۳. البته بنابر اینکه دابه را به کسر بخوانیم، نه به رفع. م

گروه می شوند تا مردم آنها را بشناسند و از آنان بر حذر باشند، زیرا میسم با دابة الارض که نشانه ای برای معاندان یهودی و امثال آنان است، هماهنگ می باشد و شاید این علامت گذاری برای گروه خاصی از آنها باشد.

روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده صریح در این است که دابة الارض یکی از نشانه های رجعت است نه قیامت، خدای متعال می فرماید: **يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا**^۱، روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید، کسی که پیشتر ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد.

مختصر بصائر الدرجات / ۲۱۰ از زید شحام روایت می کند: «امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: **وَلَنُذِيقَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ**^۲، و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب نزدیک و کمتر به آنان می چشانیم، امید که آنها [به حق] بازگردند، فرمودند: همانا عذاب نزدیک دابه و دجال است.»^۳

دابة الارض در منابع سنیان

اسرائیلیات، در منابع پیروان دستگاه خلافت به وفور یافت می شود و اصول افسانه سرایی در عموم احادیث آنان پیرامون دجال، دابة الارض و یاجوج و مأجوج مشترک است! نخستین امری که بدان برمی خوریم آن است که آنان دابة الارض را به این آیه ربط داده اند، خدای متعال می فرماید: **يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا**، ابن ابی شیبہ در المصنف ۱۵ / ۱۷۸ از ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: «سه امر است که چون رخ دهد ایمان آوردن کسی که پیشتر، ایمان نیاورده است، برایش سودی ندارد: طلوع خورشید از مغرب آن، دجال و دابه.»^۴

۱. سوره ی انعام / ۱۵۸

۲. سوره ی سجدہ / ۲۱

۳. و نیز مجمع البیان / ۴ / ۳۳۲، تأویل الآیات / ۲ / ۴۴۴، الايقاظ من الهجعة / ۳۸۶ و بحار الانوار / ۵۳ / ۱۱۴

۴. مانند آن در مسند احمد / ۲ / ۴۴۵، صحیح مسلم / ۱ / ۱۳۸، مسند ابو عوانه / ۱ / ۱۰۷، تفسیر طبری / ۸ / ۷۶ و ... آمده ←

المعجم الكبير ۹/ ۲۱۴ از عبدالله بن عمر چنین نقل می‌کند: «توبه، مادامی که یکی از سه امر رخ نداده، بر کسی که خواهان آن باشد عرضه می‌شود؛ مادامی که خورشید از مغرب طلوع ننموده، یا دابة الارض و یا یاجوج و مأجوج خروج نکرده‌اند.»

این در حالی است که خود، موافق اهل بیت علیهم السلام روایت کرده‌اند که در توبه هم چنان باز خواهد ماند، و آن را صحیح شمرده‌اند، ولیکن خاطرخواهی آنان نسبت به احادیث کعب الاحبار و شاگردان او، باعث شده از آن رویگردان شوند! حاکم در المستدرک ۴/ ۴۸۵ در وصف دابة الارض چنین روایت می‌کند: «سپس دجال خارج شده و مؤمن به خود حالت کسانی که زکام هستند را می‌گیرد، و این به گوش کافرو منافق سرایت کرده و مانند شیئی پخته خواهد بود، و در توبه باز است، سپس خورشید از مغرب خود بیرون می‌آید. این حدیث بنابر شرط شیخین صحیح است ولی آن دو آن را نیاورده‌اند.»

مبالغه‌ها و اسرائیلیات آنها درباره‌ی دابة الارض

۱. کیفیت خروج دابه:

طبرانی در المعجم الاوسط ۱/ ۹۸ از عبدالله بن عمرو عاص از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «هنگامی که خورشید از مغرب خود طلوع کند، ابلیس به سجده افتاده می‌گوید: خدایا مرا فرمان ده تا بر هر که توبهخواهی سجده کنم، پس فرشتگان خشن و سختگیر گرد او جمع شده گویند: ای آقای آنها [شیاطین]! این التماس چیست؟ وی پاسخ می‌دهد: من از پروردگار درخواست کردم که مرا تا وقت معلوم مهلت دهد و اکنون آن زمان است. سپس دابة الارض از شکافی در کوه صفا بیرون می‌آید، پس اولین گامی که بر زمین می‌گذارد در انطاکیه است، آنگاه به سراغ ابلیس آمده براو سیلی می‌زند.»^۱

این در حالی است که ابن کثیر در تفسیر ۲/ ۲۰۲ می‌گوید: «این حدیث جدا غریب است و سند آن ضعیف می‌باشد و شاید عبدالله بن عمرو عاص، آن را از دو بار شتری که در

است، ترمذی هم در سنن خود ۵/ ۲۶۴ آن را حدیثی صحیح می‌شمارد.

۱. و نیز مجمع الزوائد ۸/ ۸ و الدر المنثور ۳/ ۶۲

جنگ یرموک به دست آورده نقل کرده باشد. نسبت دادن آن به پیامبر نیز درست نیست، و خدا آگاهتر است.»

نگارنده: این گفتار ابن کثیر موجب می شود تا در تمام روایات عبدالله بن عمرو عاص شک کنیم، زیرا او یک یا دو بار شتر کتاب داشته که در فتح شام عایدش شده و از آن برای مردم می گفته است! مهمتر آنکه ابن کثیر می گوید عبدالله بن عمرو عاص در نسبت دادن آنچه که از بار آن دو شتر به دست آورده به پیامبر ﷺ، افترا می زده است! و البته این شک و تردید، به عبدالله بن عمر که افکاری مشابه عبدالله بن عمرو عاص دارد نیز سرایت می کند، مخصوصاً وقتی در سند روایت نام عبدالله بدون ذکر نام پدر می آید، نام آن دو با یکدیگر خلط می شود!

۲. آنان گمان کردند دابة الارض به مردم یورش می برد!

طیالسی در مسند / ۱۴۴ از طلحه چنین می آورد: «رسول خدا ﷺ دابه را یاد کرد و فرمود: او سه بار خارج می شود، یک بار در دورترین نقطه ی بیابان است که خبری از او به مکه نمی رسد، پس زمانی طولانی مخفی می شود و برای بار دوم خروج می کند که خبرش به صحرا نشینان و نیز مکه می رسد، آنگاه در حالی که مردم در محترم ترین مساجد نزد خدا و بهترین و گرامی ترین آنها - یعنی مسجد الحرام - هستند، ناگهان آن جان دار در میان رکن و مقام بانگی بلند می زند.

آنگاه خاک از سر خود می افشانند و مردم جدا جدا و با هم از او می گریزند. تنها گروهی از مؤمنان هستند که باقی می مانند و می دانند که نمی توانند در برابر خواست خدا بایستند. سپس او به سراغ آنان آمده چهره های آنان را روشن می کند، چنان که مانند ستاره تابناک بدرخشد.

آنگاه در زمین حرکت می کند، نه کسی می تواند به او برسد و نه کسی قادر است از او گریخته، رهایی یابد. برخی برای خلاصی از دست او به نماز پناه می برد ولی او از پشت آمده می گوید: فلانی! اکنون نماز می خوانی! پس آن شخص به نماز می شتابد، او هم در چهره اش نشانی می گذارد و می رود. در آن حال، مردم از اموال یکدیگر استفاده کرده و در شهرها در کنار هم با دوستی زندگی می کنند و مؤمنان و کافران از هم شناخته می شوند تا

بدانجا که مؤمن به کافر می‌گوید: ای کافر! حق مرا ادا کن و کافر هم به مؤمن می‌گوید: ای مؤمن! حق مرا بپرداز.^۱

طبری در تفسیر خود ۱۹/۲۰ چنین می‌نویسد: «دابه از کوه صفا خارج می‌شود، نخستین قسمت بدن او که نمایان می‌شود، سراوست که می‌درخشد. او دارای کرک و پراست. نه کسی می‌تواند به او برسد و نه کسی قادر است از او بگریزد.»^۲

الدرالمنثور ۱۱۶/۵ چنین می‌نویسد: «دابه گردنی بلند دارد، اهل مشرق و مغرب او را می‌بینند. او چهره‌ای چون انسان و منقاری چون پرنده و کرک و پر دارد، عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست، با صدایی بلند فریاد می‌کند: مردم به نشانه‌های ما یقین نمی‌کردند. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله گریستند، برخی گفتند: ای رسول خدا! پس از آن چه می‌شود؟ فرمود: سختی و فساد، سپس تا قیامت سرسبزی و خرمی خواهد بود.»

در زهر الفردوس ۴/ ۶۴ از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «مَثَل امت من و دابه، مَثَل مکانی است بلند با دیوارهای افراشته و درهای بسته که تمام درندگان در آن افکنده شده‌اند. سپس شیری را می‌آورند و در میان آنها می‌اندازند، پس آن حیوانات می‌گریزند و از هر طرف شکافی برای پناه بردن می‌جویند.

امت من نیز هنگام خروج دابه اینچنین است که هر کس بخواهد از آن بگریزد، در مقابلش آشکار می‌شود، پروردگار ما به او قدرتی بزرگ داده است.»

۳. آنان برای دابه اوصافی خرافی ساخته‌اند!

الفتن ۲/ ۶۶۵ از شعبی: «دابه الارض کرک دارد و سراو به آسمان می‌رسد.»^۳

الدرالمنثور ۱۱۶/۵ از همو: «دابه الارض کرک دارد و با آسمان سخن می‌گوید. ابن عباس هم گوید: دابه، کرک و پر دارد و رنگ‌های تمام جنبندگان در او هست.»

التبیان ۱۱۹/۸ از عبدالله بن عمر: «دابه خارج می‌شود و سراو به ابرها می‌رسد، لذا تمامی

۱. الفتن ۲/ ۶۶۶ با قدری تفاوت، و نیز رک به المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۶۱۸

۲. و نیز المعجم الكبير ۳/ ۱۹۳ و المستدرک ۴/ ۴۸۴ - وی آن را صحیح می‌شمارد و روایتی مشابه آن را با سندی دیگر نقل می‌کند و آن را بنابر شرط بخاری و مسلم صحیح می‌داند.

۳. و نیز رک به تفسیر طبری ۲۰/ ۱۱ و تفسیر رازی ۲۴/ ۲۱۷

مخلوقات او را مشاهده می‌کنند.»

در تفسیر این کثیر ۳/ ۳۸۸ از ابوالزبیر چنین آمده است: «سردابه سرگاو، چشمش چشم خوک، گوشش گوش فیل، شاخش شاخ گوزن، گردنش گردن شتر مرغ، سینه‌اش سینه‌ی شیر، رنگش رنگ پلنگ، کفلش کفل گربه، دمش دم قوچ و پاهایش پاهای شتر است و میان هر دو مفصل آن دوازده ذراع است!

او خارج می‌شود در حالی که عصای موسی و انگشتر سلیمان را به همراه دارد، هیچ مؤمنی باقی نخواهد ماند، مگر آنکه با عصای موسی در چهره‌ی او نقطه‌ای سفید می‌گذارد که تمام صورت او را فرا می‌گیرد، و هیچ کافری باقی نمی‌ماند، مگر آنکه با انگشتر سلیمان نقطه‌ای سیاه در صورتش می‌گذارد که تمام صورتش را فرا می‌گیرد.

ابوهریره می‌گوید: بین دو شاخ دابه، فاصله‌ی یک فرسخ راه انسان سواره است. سنن الدانی / ۱۰۴ حدیثی طولانی از حذیفه می‌آورد که در قسمتی از آن آمده است: «گفتم: ای رسول خدا! دابه چیست؟ ایشان گفتند: او دارای کرک و پراست، استخوان او شصت میل است، نه کسی قادر است به او برسد و نه کسی می‌تواند از او بگریزد، بر چهره‌ی مؤمنان و کافران نشانه می‌گذارد، در چهره‌ی مؤمن چیزی چون ستاره‌ی درخشان می‌گذارد و میان دو چشمش می‌نویسد که او مؤمن است، بر چهره‌ی کافر هم نقطه‌ای سیاه می‌نهد و بین دو چشمش می‌نویسد کافر است.»

بخاری در التاریخ الكبير ۳/ ۳۱۶ از ابوهریره چنین می‌آورد: «پیامبر ﷺ گفتند: دابه خارج می‌شود و سه بار فریاد می‌کند.»

هیثمی در مجمع الزوائد ۸/ ۶ از احمد چنین می‌نویسد: «دابه خارج می‌شود و بر پیشانی مردم نشانه می‌گذارد، پس آنان در میان شما عمرهایی طولانی می‌کنند. چنان می‌شود که شخصی شتری می‌خرد و به او می‌گویند: از چه کسی خریدی؟ او هم پاسخ می‌دهد: از یکی از کسانی که بر بینی‌اش نشانه گذارده شده است.» این روایت دلالت دارد که تنها گروهی از مردم اند که بر پیشانی‌شان علامت گذارده می‌شود، و تصریح سنیان را نسبت به این که همه را شامل است، رد می‌کند.

۴. بررسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دروغ بسته، گفتند که ایشان مکان خروج دابه را برای بریده‌ی

اسلمی مشخص کرده است.

احمد در مسند ۵ / ۳۵۷ از بریده روایت می‌کند: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرا به نقطه‌ای در صحرای نزدیک مکه بردند، زمینی خشک به چشم خورد که اطراف آن پراز ماسه بود، آن حضرت فرمود: دابه از اینجا بیرون می‌آید، [پس بدانجا نگاه کردم و دیدم] به اندازه‌ی فاصله‌ی دو انگشت ابهام و سبابه، در یک وجب است.»!

ولیکن عبدالله بن عمرو عاص، همان که صاحب آن دو بار شتر است، براین باور است که دابه از صفا خارج می‌شود، طبری در تفسیر خود ۲۰ / ۱۰ از او نقل می‌کند: «اگر بخواهم این دو کفش را به پامی کنم و همین طوری که نشسته‌ام گامی بر نمی‌دارم تا آنکه بر سنگ‌هایی که دابه از میان آنها بیرون می‌آید پا بگذارم، گویا او را می‌بینم که در پی سواره‌هایی از حاجیان بیرون آمده است. من هیچ حجبی را به جا نیاوردم، مگر آنکه بیم آن داشتم که به دنبال ما در آید.»!

ابن حماد در الفتن ۲ / ۶۶۲ و ما بعد آن از عطاء نقل می‌کند: «عبدالله بن عمرو عاص را که خانه‌اش نزدیک صفا بود دیدم، او در حالی که ایستاده بود پای خود را برداشت و گفت: اگر بخواهم پایم را [بر زمین] نمی‌گذارم مگر آنکه بر مکانی قرار می‌دهم که دابه از آن خارج می‌شود.»

سپس وی مکان خروج دابه را کمی از صفا دور کرد و پنداشت که از دره‌ی اجیاد [منطقه‌ای نزدیک صفا] بیرون می‌آید! ۲

هم ردیف او عبدالله بن عمر هم در اینکه دابه از صفا خارج می‌شود با او موافقت کرده است، ولی می‌گوید دابه با مردم تکلم نمی‌کند! بلکه در حج بر آنان مهر می‌زند و مأموریت خود را به پایان می‌رساند، پس پای خود را از مکه برمی‌دارد و اولین قدم را در انطاکیه

۱. و نیز سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳۵۲. سیوطی در الدر المنثور ۵ / ۱۱۷ می‌نگارد: بخاری در تاریخ خود، ابن ماجه و ابن مردويه آن را روایت کرده‌اند.

۲. الفتن و نیز المصنف ابن ابی شیبه ۸ / ۶۱۹، ابوهریره هم در این مطلب با عبدالله بن عمرو موافقت کرده است، رک به الدر المنثور ۵ / ۱۱۷

گذاشته می رود!

ابویعلی در مسند ۶۷ / ۱۰ از ابن عمر نقل می کند: «آیا مکانی را که به فرموده ی رسول خدا ﷺ دابه از آن بیرون می آید به شما نشان ندهم؟ سپس با عصای خود بر شکافی که در کوه صفا بود زد.»

به جهت این خرافه پردازی هاست که به هیچ یک از روایات اهل سنت درباره ی دابه، دجال و یأجوج و مأجوج نمی توان اعتماد نمود.

عجیب آن است که روایات آنها در این جریانات، از حجم بیشتری نسبت به امور حیاتی و سرنوشت سازی که خون های مسلمانان در آن ریخته شد برخوردار است، به عنوان نمونه می توان به ماجرای حکمرانی پس از پیامبر ﷺ اشاره کرد.

روایتی که حضرت امیر علیه السلام را دابة الارض معرفی می کند و نیز گزارشی در انکار آن

در الدر المنثور ۱۱۷ / ۵ می نویسد: «ابن ابی حاتم از نزال بن سبره نقل می کند که به حضرت امیر علیه السلام گفتند: بعضی از مردم گمان می کنند که شما دابة الارض هستید، ایشان در پاسخ گفتند: به خدا سوگند که دابة الارض کرک و پر دارد ولی من ندارم، او شم دارد ولی من ندارم، او سه بار به میدان اسبی تیزرو می رود در حالی که هنوز دو سوم بدنش خارج نشده است.» مقصود نزال بن سبره که تمایلاتش به سمت عثمان است، آن است که بعضی از شیعیان در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را دابة الارض موعود می دانستند و او از آن حضرت در این باره پرسید و ایشان انکار نمودند و دابه را آن گونه که راویان وابسته به دستگاه خلافت وصف می کردند معرفی نمودند، و طول آن را بیش از میدانی که اسبی تند رو می پیماید تا خسته شود یعنی بیش از پنج کیلومتر دانستند!

منابع ما روایت کرده اند که معاویه از اصیغ بن نباته همان سؤال ابن سبره را پرسید، اصیغ می گوید: «معاویه به من گفت: شما شیعیان می پندارید که علی دابة الارض است؟ گفتم:

مگر فقط ما می‌گوییم؟ یهودیان نیز بر این باورند!

آنگاه معاویه در پی رأس الجالوت [بزرگ یهود] فرستاد، و [وقتی آمد] به او گفت: شما نزد خود درباره‌ی دابة الارض چیزی یافته‌اید؟ او جواب داد: بلی، معاویه گفت: چه چیزی؟ پاسخ داد: مردی است، گفت: آیا نامش را می‌دانی؟ او گفت: آری، ایلیا نام دارد.

معاویه به من رو کرد و گفت: وای بر توای اصبح! چقدر ایلیا به علی نزدیک است! «**در تفسیر قمی ۲/ ۱۳۰ آمده است:** «و اما درباره‌ی این آیه: **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ**، پدرم از ابن ابی عمیر از ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: رسول خدا ص به امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه رسیدند در حالی که ایشان در مسجد ماسه‌هایی را جمع کرده و زیر سر خود قرار داده، به خواب رفته بودند، پس با پا آن حضرت را تکان دادند و فرمودند: برخیزای دابه‌ی خدا!

مردی از اصحاب گفت: ای رسول خدا! آیا برخی از ما برخی دیگر را چنین می‌نامد؟ آن حضرت فرمودند: نه، به خدا قسم، این نام مخصوص اوست، او همان دابه‌ای است که خداوند در کتابش می‌فرماید: **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ**، سپس فرمودند: یا علی! چون آخرالزمان فرارسد، خدا تو را در بهترین صورت بیرون خواهد آورد و تو با خود میسم خواهی داشت و دشمنانت را با آن داغ خواهی گذارد.

در این هنگام مردی به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفت: مردم می‌گویند: این دابه مردم را مجروح می‌کند^۱، آن حضرت فرمودند: خداوند آنان را در جهنم مجروح سازد، آن دابه با آنها تکلم می‌کند^۲ و از کلام است [نه کلم].

دلیل این که این امر در رجعت خواهد بود این آیه است: **يَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ . حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آدَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ؟!** مراد از آیات، امیرالمؤمنین و ائمه عجل الله تعالی فرجه هستند.

۱. مختصر بصائر الدرجات / ۲۰۸ و تأویل الآيات / ۴۰۴

۲. یعنی آن را ثلاثی مجرد می‌خوانند که به معنای مجروح نمودن است.

۳. ثلاثی مزید

آن مرد گفت: سنیان براین باورند که این آیه: **وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا** مربوط به روز قیامت است، امام علیه السلام فرمودند: آیا خداوند [در قیامت] گروهی از مردم را محشور می‌کند و بقیه را وای می‌گذارد؟ اینچنین نیست، بلکه درباره‌ی رجعت است، آیه‌ای که مربوط به قیامت می‌باشد، این است: **وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا**، و ما آنان را گرد می‌آوریم و هیچ یک را فروگذار نمی‌کنیم.^۲

نگارنده: احتمال آن می‌رود که اصل روایت «صاحب» دابه‌ی خدا باشد و لفظ صاحب که در روایت کافی و بصائر الدرجات آمده است، از آن افتاده باشد.

آنچه در روایات مسلم است آن است که حضرت علی علیه السلام صاحب دابه است، دابه‌ای که در رجعت آن حضرت در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون می‌آید، و شاید بتوان گفت که اصل این مطلب که ایشان دابه الارض است، از این فرمایش آن حضرت آمده باشد که «من صاحب عصا و میسم و دابه‌ای هستم که با مردم تکلم می‌کند» و مربوط به رجعت است، و چه بسا شبیه از اینجا ناشی شده که دابه را به حرکت ضمه قرائت و آن را به صاحب عطف کرده‌اند، در حالی که مکسور است و عطف بر میسم و عصا.^۳

آیات پیرامون یاجوج و ماجوج

خدای متعال درباره ماجرای ذوالقرنین می‌فرماید:

«ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾ كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾ قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ

۱. سوره‌ی کهف / ۴۷

۲. مختصر البصائر / ۴۲ و بحار الانوار / ۵۳ / ۵۲، و نیز رک به تأویل الآيات / ۴۰۷ / ۱، الايقاظ من الهجعة / ۲۵۷ و ۳۴۲ و بحار الانوار / ۳۹ / ۲۴۳

۳. برخی گویند: دب یدب در کتب لغت، به معنای مطلق راه رفتن بر زمین است، ابن فارس در معجم المقاییس ذیل دب می‌نویسد: حرکت بر زمین و خفیفتر از مشی، و هر آنچه بر زمین راه رود دابه نام دارد. خلیل بن احمد ذیل همان ماده می‌نگارد: دب القوم یدبون دبیبا، یعنی قوم به آرامی راه رفتند.

از این رو می‌توان گفت دابه اختصاصی به حیوانات ندارد، و برای انسان نیز به کار می‌رود. م

فَجَعَلَ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٦٦﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٦٧﴾ أَتُوبِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُوبِي أَفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا ﴿٦٨﴾ فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿٦٩﴾ قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿٧٠﴾ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فُجِّعْنَاَهُمْ جَمْعًا ﴿٧١﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿٧٢﴾، سپس راهی [دیگر] را دنبال کرد. تا آنگاه که به جایگاه برآمدنِ خورشید رسید. آن [خورشید] را [چنین] یافت که بر قومی طلوع می‌کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم. این چنین [می‌رفت]، و قطعاً به خبری که پیش او بود احاطه داشتیم. باز راهی را دنبال نمود. تا وقتی به میان آن دو سد رسید، در برابر آن دو [سد]، طایفه‌ای را یافت که نمی‌توانستند هیچ زبانی را بفهمند. گفتند: ای ذو القرنین! یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می‌کنند، آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی؟ گفت: آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده، [از کمک مالی شما] بهتر است. مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنها سدی استوار قرار دهم. برای من قطعات آهن بیاورید، تا آنگاه که میان دو کوه برابر شد، گفت: بدمید، تا وقتی که آن [قطعات] را آتش گردانید، گفت: مس گداخته برایم بیاورید تا روی آن بریزم. [در نتیجه، اقوام وحشی] نتوانستند از آن [مانع] بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند. گفت: این رحمتی از جانب پروردگار من است، و [لی] چون وعده‌ی پروردگارم فرارسد، آن [سد] را درهم کوبد، و وعده‌ی پروردگارم حق است. و در آن روز آنان را رها می‌کنیم تا موج آسا بعضی با برخی درآمیزند و [همین که] در صور دمیده شود، همه‌ی آنها را گرد خواهیم آورد. و آن روز، جهنم را آشکارا به کافران بنماییم.»

ذو القرنین عليه السلام - که خداوند او را برای وظیفه‌ای جهانی برانگیخت - با ابزار خود به سمت مشرق خورشید رفت. او به منطقه‌ای رسید که در آن قومی بودند که تابش سوزنده‌ی خورشید را تحمل می‌کردند و شاید همان یاجوج و ماجوج بودند و ذوالقرنین کاری برای آنها انجام نداد. آنگاه با امکانات خداداد، به منطقه‌ای بین دو کوه رسید و قومی را دید که از هجوم یاجوج و ماجوج، شکایت داشتند. وی برای حمایت از آنها، سدی ساخت که به نام خودش [سد

ذو القرنین] شناخته می شود. پس یاجوج نتوانستند سوراخی در آن ایجاد کنند یا از آن بالا روند. ذو القرنین خبر داد که این سد رحمتی برای آن قوم است و تا نزدیکی های قیامت باقی خواهد ماند، اما خداوند در نزدیکی های قیامت آن را درهم می کوبد.

خداوند درباره بعثت پیامبران علیهم السلام می فرماید:

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿٩٣﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَافٍ بَرًا ﴿٩٤﴾ وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾ وَقَتَرَ بَ الْوَعْدِ الْحَقِّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾»، این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید. و [لی] دینشان را میان خود پاره پاره کردند، همه به سوی ما بازمی گردند. پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، برای تلاش او ناسپاسی نخواهد بود، و ماییم که به سود او ثبت می کنیم. و بر [مردم] شهری که آن را هلاک کرده ایم، بازگشتشان [به دنیا] حرام است. تا وقتی که یاجوج و مأجوج [راهشان] گشوده شود و آنها از هر پشته ای بتازند، و وعده ی حق نزدیک گردد، ناگهان دیدگان کسانی که کفرورزیده اند خیره می شود [و می گویند: ای وای بر ما که از این [روز] در غفلت بودیم، بلکه ستمگر بودیم.].

خداوند پیامبران را فرستاد و به مردم دستور داد به راهنمایی آنان رهنمون شوند و امت واحدی باشند، اما آنها نزاع و اختلاف کرده، راه گناه و تفرقه را در پیش گرفتند. آنها نزد خدا باز خواهند گشت و مجازات خواهند شد.

سپس خداوند از تمدن های ستم پیشه و شهرهایی که آنها را به جهت ظلم مردمش ویران نمود، سخن می گوید و می فرماید که بازگشت به دنیا بر آنان حرام است.

مفسران در معنای این رجوع حرام، متحیر مانده اند، برخی گفته اند: به این معناست که آنها نمی توانند به دنیا بازگردند تا سعی و تلاشی که پاداش الهی را به دنبال می داشت و اعمالی که از

آنان مقبول درگاه حق قرار می‌گرفت، ولی در دنیا از ایشان فوت شده است را جبران نمایند.^۱

اما این تفسیر شامل تمام کسانی است که می‌میرند و معنا ندارد که آن را به کسانی که به عذاب هلاک شده‌اند اختصاص دهیم.

تفسیر صحیح این آیه را نزد اهل بیت علیهم‌السلام باید جست، آنان فرموده‌اند که در زمان رجعت بازگشت آنها حرام است و آیه ربطی به قیامت ندارد.

در تفسیر قمی ۷۵/۲ به سند صحیح از امام صادق و امام باقر علیهما السلام آمده است: «هر شهری که خداوند اهالی آن را با عذاب هلاک کند، در زمان رجعت باز نخواهند گشت.»

علی بن ابراهیم قمی رحمه الله در ادامه می‌فرماید: «این آیه از بزرگترین دلایل رجعت است، چرا که هیچ مسلمانی منکر آن نیست که همه‌ی مردم، چه آنان که [به عذاب] هلاک شده‌اند و چه سایرین، در قیامت رجوع می‌کنند.»

آیه‌ی بعد، از سرنوشت دنیا تا زمانی که یاجوج و ماجوج راهشان گشوده شود و با شتاب در زمین می‌روند سخن می‌گوید. آن زمان نزدیک قیامت است که وعده حق خداوند می‌باشد. این آیه در مورد اینکه اینان از طرف سد می‌آیند یا از جای دیگر، و یا اینکه آیا با کسی وارد جنگ می‌شوند، سخنی نمی‌گوید.

در اینجا نکاتی در رابطه با آنان ذکر می‌کنیم:

۱. یاجوج و ماجوج، ظاهراً در جای دیگری غیر از کروی زمین باشند و آیه به آن اشاره دارد: «ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ السَّمِیْمِ» و شاید این اسباب و وسایلی فضایی باشند و خاستگاه خورشید که ذو القرنین بدانجا رسیده، در غیر کروی خاکی باشد!

۲. در روایات آمده که یاجوج از بنی آدم علیهم‌السلام نیستند.

در کافی ۲۲۰/۸ از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل می‌کند: «بنی آدم هفتاد جنس هستند. مردم فرزندان آدم هستند، به جز یاجوج و ماجوج.»

اما کعب الاحبار باز هم خود را دخالت داده، می‌گوید: «آنان طائفه‌ای نادر از نسل آدم‌اند. روزی آدم محتلم و نطفه‌اش با خاک مخلوط شد، خدا از آن آب و خاک، یاجوج و ماجوج را

۱. رک به تفسیر المیزان ۳۲۵/۱۴

آفرید. پس اینان تنها از جهت پدر به ما آدمیان متصل اند.^۱

۳. در احادیث اهل بیت علیهم السلام هیچ سخنی از جنگ مسلمانان یا دیگران با یاجوج و مأجوج نیست، اما منابع سنیان پراز جنگ های خیالی است که به رهبری عیسی بن مریم علیه السلام با آنان در می گیرد.

۴. امیر المؤمنین علیه السلام مغول را وصف و جنگ آنها با امت را بیان کرده اند، ولی آنها را به یاجوج یا قیامت، ربط نداده اند، اما منابع پیروان دستگاه خلافت، یاجوج را بر مغول منطبق کرده اند! این در حالی است که اکنون مغولان از بین رفته اند ولی هنوز قیامت برپا نشده است، از اینجا دروغ بودن چنین پنداری روشن می شود!

در مسند احمد ۵/ ۲۷۱ آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که انگشتش را به سبب نیش عقرب بسته بود، سخنرانی کرد و فرمود: شما می گوید دیگر دشمنی باقی نمانده است، ولیکن پیوسته در جنگ با خصم خواهید بود تا آنکه یاجوج و مأجوج بیایند. صورت آنها پهن، چشمانشان ریز و موهایشان زرد است، از هر پشته ای بتازند. صورت های آنها مانند سپرهایی است که از کوفتن پتک صاف شده است.»^۲

۵. پیروان مکتب خلافت روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله از نزدیک بودن هلاکت عرب و خروج یاجوج خبر داده اند، اما از اهل بیت علیهم السلام در این باره سخنی نرسیده است.

در صحیح بخاری ۸/ ۸۸ آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله از خواب برخاست در حالی که صورتش برافروخته بود و می فرمود: لا إله إلا الله، وای بر عرب از شری که نزدیک شده است. سد یاجوج و مأجوج بدین اندازه باز شد - و سفیان [که راوی حدیث است] انگشت سبابه یا خنصر [انگشت کوچک] را در انتهای انگشت ابهام گذاشت، [با این کار سوراخی کوچک ایجاد می شود و او بدین وسیله نشان داد که پیامبر صلی الله علیه و آله سوراخ آن سد را چقدر نشان دادند] - به ایشان گفتند: آیا در حالی که خوبان در میان ما هستند، هلاک می شویم؟ فرمود:

۱. شرح نووی بر مسلم ۹۸/۳ و فتح الباری ۹۴/۱۳

۲. ونیز الفائق ۲/ ۲۰۴، الفتن ابن کثیر ۲/ ۱۸۳، تفسیر وی ۳/ ۲۰۵، مجمع الزوائد ۸/ ۶ از احمد و طبرانی، الدر المنثور ۴/ ۳۲۶ و...

زمانی که خباثت زیاد گردد، آری.»

همودر ۴/ ۱۰۹ و ۱۷۶ آن را از امام حبیبیه دختر ابوسفیان نقل می‌کند و گویا بر قتل عثمان منطبق می‌داند، از سویی دیگر آن را از ابوهریره نقل و بر جوانان قریش که هلاک این امت به دستشان است تطبیق می‌کند!

نمونه‌هایی از مبالغات اهل سنت پیرامون یأجوج و مأجوج

روایات سنیان درباره‌ی یأجوج و مأجوج از حجم بالایی برخوردار است و البته بیشتر آن چنان پوچ و نامربوط است که خود، زبان به دروغین بودنش می‌گشاید، با این حال بنا بر شرط یک شیخ [عالم]، یا شیخین [بخاری و مسلم] و یا بیشتر صحیح است!

این در حالی است که در قضایای سرنوشت‌سازی مانند خلافت و آینده‌ی امت، یک دهم این مطالب یافت نمی‌شود!

افزون بر آنچه پیشتر از صحیح بخاری گذشت، در ۴/ ۱۶۷ می‌آورد: «مردی به پیامبر ﷺ گفت: سَدَّ یأجوج را دیده‌ام و آن را برای حضرت وصف نمود، و گفت که آن سد مانند ردایی خط دار بود، پیامبر ﷺ هم او را تصدیق کرد.»!

صحیح بخاری ۴/ ۱۰۸ بابی را تحت عنوان «باب قصه یأجوج و مأجوج» و نیز در ۸/ ۱۰۴ بابی تحت عنوان «باب یأجوج و مأجوج» باز کرده است.^۱

احمد در مسند ۲/ ۵۱۰ از ابوهریره روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «یأجوج و مأجوج هر روز سد را می‌کنند و این کار تا زمانی که آفتاب می‌تابد ادامه دارد. سپس کسی که عهده‌دار سرپرستی آنهاست می‌گوید: بروید، فردا دوباره حفر می‌کنید. وقتی فردا برمی‌گردند، می‌بینند که سد در نهایت سختی است. هنگامی که مدتشان پایان پذیرد و خداوند بخواهد آنان را به سوی مردم گسیل دارد، [وضع چنان می‌شود که] آنها می‌کنند تا زمانی که تابش خورشید را می‌بینند، پس آن شخص می‌گوید: برگردید که این شاء الله فردا خواهید کند. پس وقتی [فردا] برگردند، می‌بینند بر همان وضعی است که آن را رها کرده بودند. آنان دوباره می‌کنند

۱. و نیز رک به ۲۴۱/۵، ۱۷۵/۶ و ۱۹۶/۷

و [چون کندن سد به پایان می‌رسد] به مردم هجوم برده و آب‌ها را خشک می‌کنند. مردم از آنها به دژهاشان پناه می‌برند. یاجوج و مأجوج تیرهای خود را به سوی آسمان پرتاب می‌کنند و آن تیرها چنان برمی‌گردد که گویا به خون آغشته است.

آنها می‌گویند: براهل زمین چیره شدیم و بر آسمانیان پیروز گشتیم. آنگاه خدا در پشت گردنشان کرمی می‌فرستد و بدین وسیله آنها را نابود می‌کند.

در این هنگام رسول خدا ﷺ گفتند: سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، جنبندگان زمین از گوشت و خون آنان فربه می‌شوند.^۱

طبری در تفسیرش ۱۷ / ۷۱ روایتی طولانی از کعب الاحبار می‌آورد و در آن آمده است: «چنان حفر می‌کنند که کسانی که در نزدیکی [منطقه‌ی] آنها هستند، صدای کوبیدن تبرشان را می‌شنوند. وقتی شب فرا می‌رسد، می‌گویند فردا برمی‌گردیم و [چنان حفر می‌کنیم که] خارج شویم. پس خداوند سد را به همان شکلی که بوده برمی‌گرداند و چون فردا باز می‌گردند می‌بینند خدا آن را به حالت سابق برگردانده است.

پس می‌کنند به طوری که کسانی که در نزدیکی آنها هستند، صدای کوبیدن تبرشان را می‌شنوند. وقتی شب شد، خدا بر زبان مردی از آنان جاری می‌کند که بگوید: فردا می‌آیم و آن شاء الله خارج می‌شویم.

آنان فردا می‌آیند و می‌بینند سد همان طور است که رها کرده بودند. پس حفر می‌کنند و بیرون می‌روند. گروه نخست آنها از دریاچه می‌گذرند و آب آن را می‌نوشند، آنگاه دسته دوم می‌گذرند و گِل دریاچه را می‌لیسند، سپس گروه سوم می‌گذرند و می‌گویند: اینجا زمانی آب بوده است! مردم از آنها می‌گریزند و هیچ چیزی توان ایستادگی در مقابل آنان را ندارد. عیسی بن مریم آنها را نفرین می‌کند و می‌گوید: خدایا! در برابر اینان توان و قدرتی نداریم، پس هرطوری که می‌خواهی شر آنها را از سر ما کوتاه کن.

آنگاه خداوند نوعی کرم را بر آنان مسلط می‌نماید که گردنشان را خرد می‌کند و پرنده‌گانی را می‌فرستد که با منقارشان آنها را می‌گیرند و به دریا می‌اندازند. خداوند چشمه‌ای را که بدان

۱. مشابه آن در سنن ابن ماجه ۱۳۶۴/۲ و ترمذی ۳۱۳/۵ - وی آن را حدیثی حسن می‌شمارد - .

حیات گویند [فرو] می‌فرستد و زمین را از آنان پاک می‌کند و برآن گیاه می‌رویاند، بدان اندازه که از یک انار، خانواده‌ای سیر شوند!

پس مردم در همین اوضاع به سر می‌برند که یکباره فریادی می‌شنوند که ذوالسویقتین به دنبال حضرت عیسی است. ایشان هم در طلیعه‌ی لشکری با هفتصد یا بین هفتصد تا هشتصد نفر می‌آید. در میان راه، خدا بادی یمنی و خوشبو می‌فرستد و روح مؤمنان را قبض می‌کند، و عده‌ای اراذل از مردم باقی می‌مانند که مانند چارپایان آمیزش می‌کنند.

مثال قیامت مثل مردی است که برگرد اسبش می‌گردد و منتظر وضع حمل آن است.

اگر کسی پس از این گفته‌ی من، چیزی بگوید یا مطلبی برآن بیفزاید، دروغ گفته است.!!

در سنن الدانی / ۱۰۴ به نقل از حدیقه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی طولانی فرمود:

«هنگامی که زمان خروج یأجوج و مأجوج فرارسد، خدای عزوجل به عیسی وحی می‌کند:

بندگانم را در طور سینا پناه ده. حدیقه می‌گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! یأجوج و مأجوج

چیست؟ فرمود: یأجوج يك امت و مأجوج امتی دیگر است و هرامت، چهار صد هزار نفر

می‌باشد. مردی از آنها نمی‌میرد مگر پس از آنکه پیرامون خود هزار چشم [پانصد نفر] ببیند

که همگی از نسل او هستند.

پرسیدم: ای رسول خدا! یأجوج و مأجوج را برای ما وصف کنید! گفتند: آنان سه دسته‌اند؛

برخی مانند درختان بلند صنوبرند، گروهی دیگر عرض و طولشان برابر است، صد و بیست

ذراع در صد و بیست ذراع که آهن هم در برابر اینان کارگر نیست. دسته‌ی سوم هم چنان

هستند که یک گوش خود را زیر انداز قرار می‌دهند و دیگری را به جای لحاف بر روی خود

می‌کشند!

حدیقه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله افزود: برخی از آنان در شام هستند و دنباله‌ی آنها

در خراسان که نهرهای مشرق را می‌نوشند تا خشک شود، سپس وارد بیت المقدس

۱. مشابه آن در مستدرک حاکم ۴/ ۴۸۸ - وی بنابر شرط شیخین آن را صحیح دانسته است -، سیوطی در

الدر المنثور ۴/ ۲۵۰ می‌گوید: احمد و ترمذی آن را آورده‌اند، علاوه بر آنکه ترمذی آن را حدیثی حسن دانسته است. هم

چنین ابن ماجه، ابن حبان و حاکم - که صحیح شمرده - و ابن مردویه و بیهقی به نقل از ابوهریره آن را روایت کرده‌اند.

همو در ۲۵۲ می‌نویسد: عبدالرزاق، عبد بن حمید، ابن مندر و ابن ابی حاتم به نقل از کعب آن را آورده‌اند.

می‌گردند، در حالی که عیسی و مسلمانان در کوه طور هستند. عیسی لشکری را می‌فرستد که بریت المقدس مشرف می‌شوند، اما نزد وی برگشته و خبر می‌دهند که آنها آن قدر [در گستره‌ی زمین] زیادند که زمین دیده نمی‌شود!

عیسی دستانش را به طرف آسمان بلند می‌کند و مؤمنان نیز چنین می‌کنند، او به درگاه خدای عزوجل دعا می‌کند و مؤمنین آمین می‌گویند. آنگاه خداوند نوعی کرم را به سوی آنها می‌فرستد که وارد بینی‌شان شده و چنان می‌رود که در مغز سرداخل می‌گردد و [بدین وسیله] آنان به هلاکت می‌رسند. آنگاه خداوند چهل روز بارانی شدید فرو می‌فرستد و [اجساد] آنان را در دریا غرق می‌کند، و عیسی - در حالی که مؤمنان او را همراهی می‌کنند - به بیت المقدس بازمی‌گردد.^۱ به تصریح قرآن، یأجوج و مأجوج از نشانه‌های قیامت هستند و ربطی به علامات ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف یا نزول حضرت عیسی عليه السلام ندارند، و چه بسا میان آنها صدها و یا هزاران سال فاصله باشد.

دابة الارض هم نشانه‌ای است برای اتمام حجت با یهودیان و امثال آنها یعنی کسانی که حقائق را تکذیب می‌کنند. او در زمان رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام خواهد آمد و امام علی علیه السلام صاحب آن خواهد بود.

۱. و نیز الفردوس ۴۴۱/۵، تهذیب ابن عساکر ۱۹۶/۱ و مجمع الزوائد ۶/۸ از المعجم الاوسط طبرانی. الدر المنثور ۱۵۵/۴ از ابن مردویه و در ۲۵۰/ از ابن حماد و ابن مردویه. همودر ۲۵۰/ می‌نگارد: این روایت را ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ابن عدی، ابن عساکر و ابن نجار از حذیفه نقل نموده‌اند.

ثابت قدمان

گروهی که تا ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ
ثابت قدم می مانند.

غریبان و گروه ثابت قدم تا ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

منابع اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کنند: اسلام با غربت آغاز شد و غریبانه باز خواهد گشت و گروهی از امت، بر حق استوار می مانند و تا روز قیامت، تکذیب کسانی که آنان را دروغگو می شمارند، آسیبی به ایشان نخواهد زد.

البته در برخی روایات «تا زمان خروج دجال»، در بعضی دیگر «تا زمانی که امر خداوند فرارسد»، در برخی «تا نزول عیسی بن مریم علیه السلام» و یا «تا ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» آمده است. معاویه توجه خاصی به این احادیث داشت و اوصافی را بر این غریبان افزود تا آنها را براهالی شام تطبیق کند! روایان وابسته به دربار وی نیز احادیثی ساختند که تصریح می کند این گروه، شامیان هستند و پیشوایشان معاویه است!

در عصر حاضر هم گروه «اخوان المسلمین» سعی داشتند تا احادیث غریبان را بر جنبش خود منطبق نمایند، دلیل آنها بر این ادعا آن بود که آنان طایفه ای از امت هستند و بر حق ثبات قدم دارند و به اسلام دعوت می کنند!

فلسطینیان هم کوشیدند که این احادیث را بر خود انطباق دهند، آنان به بعضی از روایات که گروه پیروز را در بیت المقدس و حوالی آن می داند و یا برخی دیگر از اخبار که از نبرد گروه پیروز سخن می گوید تمسک کردند، پس غریبان کسانی هستند که در برابر اسرائیل مقاومت می کنند!

نهایتاً وهابیان هم تلاش کردند تا این روایات را بر خودشان تطبیق دهند، چون احادیث، ثابت قدمان امت را چنین وصف نموده که طایفه یا دسته ای هستند، و این کلمه بر گروهی اندک دلالت دارد و اینها هم گروه اندکی هستند! آنان در سال های اخیر سعی کردند تا گروه طالبان را با سوء استفاده از این احادیث بسیج کنند و در این راستا کتاب ها و مقالاتی نوشتند و چنین جلوه دادند که اینان همان گروهی هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله وصف نموده و مورد نصرت الهی هستند!

اما در روایات شیعی فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله نیمه کاره رها نشده است، بلکه ایشان آن گروه غریب را که ستمدیدگانی هستند که بر حق ثابتند و با حجت و دلیل بر مخالفان فائق می آیند،

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نام برده است و بیان نموده که آنها امامان از عترت و شیعیان ایشان هستند، همانان که امت را درباره‌شان وصیت کرد و فرمود: «من در میان شما دو امر گران بها می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم، کتاب خدا ریسمانی است که از آسمان تا زمین کشیده شده است، و عترتم اهل بیت هستند. خداوند لطیف و آگاه به من خبر داده که آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا آنکه در کنار حوض کوثر نزد من آیند. پس به من نشان دهید که بعد از من با آنها چگونه برخورد خواهید کرد.»^۱

اینان کسانی هستند که پیامبر به امامت ربانیشان بشارت داده است و در کنار آن، فرموده که امت به آنها ستم خواهد نمود، تکذیبشان خواهد کرد و آنها را به شهادت خواهد رساند. اما این تکذیب و دشمنی - که تا زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه و فراگیر شدن عدل و داد در جهان هم چنان که پراز ستم و جور شده است ادامه دارد - آسیبی به ایشان نخواهد رساند.

در المعجم الکبیر طبرانی ۲/ ۲۱۳ به نقل از جابر بن سمره آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این امت، دوازده قیم و رهبر خواهد داشت که هر کسی از یاری آنان دریغ ورزد، ضرری به آنها نخواهد رسانید.»

همودر ۲/ ۲۶۵ از وی چنین نقل می‌کند: «شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که بر منبر سخنرانی می‌کرد، فرمود: دوازده قیم از قریش خواهند بود که دشمنی دشمنان، ضرری به آنها نمی‌رساند.»

در مجمع الزوائد ۵/ ۱۹۱ درباره‌ی این حدیث می‌نویسد: «بزار، آن را تنها از جابر بن سمره روایت می‌کند و می‌افزاید: پس از این فرمایش، پیامبر به خانه‌اش بازگشت. من خدمت ایشان آمدم و گفتم: بعد از آن چه خواهد شد؟ فرمود: فتنه و آشوب. [هیثمی در ادامه می‌نویسد: راویان آن ثقة هستند.]»

ما بر این باوریم که راویان سرسپرده‌ی خلافت قریش، ویژگی‌ها و صفات «ثابت قدمان غریب» را از احادیث انداخته‌اند و حتی قرائنی را که بر آنان دلالت می‌کند، حذف کرده‌اند. اینک مجموعه‌ای از احادیث آنها را نقل می‌کنیم:

۱. مسند احمد ۳/ ۱۷

احادیث سنیان درباره‌ی گروه ظفرمند یا منصور

نخست احادیثی را می‌آوریم که این گروه را گروه پیروز وصف کرده است، اما بیان نکرده که علت پیروزی آنان چیست، حجت و برهان یا نبرد و پیکار، لذا ممکن است به هریک تفسیر شود. در مسند طرابلسی ۹/ به نقل از سلیمان بن ربیع عدوی آمده است: «به عمر گفتیم: عبدالله بن عمرو چنین و چنان برایمان گفت. عمر گفت: وی بهتر می‌داند چه می‌گوید. و این سخن را سه بار تکرار کرد. پس بانگ نماز جماعت سردادند و مردم جمع شدند. عمر هم سخنرانی کرد و گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم: پیوسته گروهی از اتمم برحق اند، تا آنکه امر الهی فرا رسد.»

سنن سعید بن منصور ۱۴۴/۲ این روایت را با اندکی تفاوت از ثوبان آورده است: «پیوسته گروهی از اتمم در راه حق چیره می‌شوند و اگر کسی یاریشان نکند، زیانی به آنها نخواهد رسانید.»^۱

مسلم در صحیح خود ۵۴/۶ از عقبه بن عامر آورده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «همواره گروهی از اتمم به فرمان خدا جهاد می‌کنند و بردشمنانشان چیره می‌شوند. کسانی که با ایشان مخالفت نمایند، ضرری به آنها نمی‌رسانند، آنان بر همین حالت اند تا آنکه قیامت فرا رسد.

عبدالله بن عمرو عاص [که در مجلس حاضر بود] گفت: آری، سپس خداوند نسیمی می‌فرستد که بویش چون مشک است و مانند حریر نرم و لطیف نوازش می‌دهد. هر کسی را که مثقالی ایمان در دل داشته باشد، قبض روح می‌کند. پس از آنان، مردم شرور می‌مانند که قیامت بر آنان برپا می‌شود.»

ملاحظه می‌شود که عبدالله بن عمرو سخنی از نبرد و جهاد نمی‌گوید و امر الهی را به قیامت تفسیر می‌کند. این همان ایده و باوری است که استاد او کعب الاحبار دارد و چنین نتیجه می‌دهد که قیامت چند سالی پس از فتح قسطنطنیه است!

۱. و نیز رک به مسند احمد ۳۲۱/۲، صحیح بخاری ۴/۲۵۲، صحیح مسلم ۳/۱۵۲۳، الجواهر الحسان ۲/۲۷۹، المسند الجامع ۱۴/۱۴ و صحیح ابن حبان ۸/۲۹۴

مسند احمد ۵/ ۲۷۸ از ثوبان آورده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود مگر آنکه گروهی از امتم به مشرکان بپیوندند و گروهی بت پرست شوند! سی دروغگو در امتم خواهند بود که هریک می‌پندارد پیامبر است، اما من خاتم النبیین هستم و پس از من هیچ پیامبری نخواهد بود. هم چنین پیوسته گروهی از امتم در راه حق پیروزند و مخالفان نمی‌توانند زیانی به آنها برسانند، تا آنکه امر خدا فرا رسد.»^۱

این احادیث بیانگر آن است که ثابت قدمان تا زمان «فرارسیدن امر خدا» یعنی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهند بود نه اینکه غایت آن قیامت باشد. هم چنین از جهاد آنان سخنی به میان نیاورده است.

روایاتی که سخن از جهاد و پیروزی آنان می‌راند

در سنن سعید بن منصور ۲/ ۱۴۵ از محمد بن کعب آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همواره دسته‌ای از امتم خواهند بود که در راه حق پیروزند و به کسانی که با آنها مخالفت می‌کنند اهمیتی نمی‌دهند، تا زمانی که مسیح دجال خروج کند که با او به جنگ خواهند پرداخت.»

در مسند احمد ۴/ ۳۴ از مطرف آمده است که عمران بن حصین گفت: «بدان که همواره گروهی از مسلمانان خواهند بود که در راه حق جهاد کرده، بر مخالفشان پیروز می‌شوند، تا آنکه با دجال نبرد کنند.»

الطبقات الکبری ۲/ ۱۶۷ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌آورد: «دسته‌ای از امتم در راه حق جهاد می‌کنند تا آنکه دجال خروج کند.»

در التهذیب ابن عساکر ۱/ ۶۵ آمده است: «وقتی اهل شام از بین روند، هیچ خیری در امتم باقی نخواهد ماند. گروهی از امتم پیوسته در راه حق پیروزند، تا آنکه با دجال بجنگند.»

مسند احمد ۳/ ۳۴۵ از جابر نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پیوسته گروهی از امتم در راه حق نبرد می‌کنند و تا روز قیامت پیروز خواهند بود، و وقتی عیسی بن مریم [از آسمان] فرود آید،

۱. و نیز سنن ابوداود ۲/ ۳۰۲ و التذکره قرطبی ۲/ ۶۳۸

فرماندهی ایشان به او می‌گوید: بیا [به امامت بایست و] برایمان نماز بگزار، می‌گوید: نه، برخی از شما بردیگران، امیر و رهبر است، این به خاطر آن است که خدا می‌خواهد این امت را گرامی بدارد.^۱

اهتمام معاویه به تطبیق این احادیث بر خود و اهل شام!

مسند احمد ۴/ ۹۷ و ۱۰۱ به نقل از عمیر بن هانی آورده است: «شنیدم که معاویه بالای منبر گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: اگر خداوند خیر کسی را بخواهد، او را در دین فقیه می‌کند. گروهی از این امت، پیوسته بر امر خدا استوارند و مخالفان نمی‌توانند ضرری به آنها برسانند، تا آنکه امر خداوند - در حالی که آنها بر مردمان پیروزند - فرا رسد. در روایت دیگر آمده است که مالک بن یخامر سکسکی برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! از معاذ بن جبل شنیدم که می‌گفت: آن گروه پیروز اهل شام هستند. پس معاویه با صدای بلند گفت: این مالک است که می‌گوید از معاذ شنیده است که آنان اهالی شام اند.»!

طبرانی در المعجم الکبیر ۵/ ۱۶۵ و سعید بن منصور در سنن ۲/ ۳۶۹ از ابو عبدالله شامی آورده اند: «شنیدم که معاویه در سخنرانی اش می‌گفت: ای اهل شام! انصاری - شعبه می‌گوید: منظور معاویه، زید بن ارقم است - به من گفت که رسول خدا ﷺ فرمود: پیوسته مردمانی از امتم در راه حق نبرد می‌کنند تا آنکه امر [خدا] فرا رسد. ای اهل شام! امیدوارم که شما آنها باشید.»^۲

این روایات، همه از معاویه می‌باشد و در برخی آمده که آنها را بالای منبر می‌گفته است! هدف او، مدح خود و اهالی شام در برابر اهالی عراق و حجاز بود که جبهه‌ی مخالفان او را تشکیل می‌دادند، و همین مطلب در سقوط آنها از درجه‌ی اعتبار کافی است.

۱. و نیز زک به همان کتاب ۳/ ۳۸۴، صحیح مسلم ۱/ ۱۳۷، مسند ابویعلی ۴/ ۵۹، جامع المسانید و السنن ۲۵/ ۲۶ و سنن الدانی ۴۳.
۲. و نیز زک به صحیح بخاری ۹/ ۱۶۷، صحیح مسلم ۳/ ۱۵۲۴، التاریخ الکبیر بخاری ۷/ ۳۲۷، علل دارقطنی ۷/ ۶۱ و مسند الشامیین جماز: ۱/ ۱۰۹، ۱۳۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۴ و ۱۴۹

گزارشاتی دروغین و تحریف شده در ستایش معاویه و اهل شام

طیالسی در مسند خود / ۱۴۵ از معاویه بن قره از پدرش نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی اهل شام تباه شوند، دیگر خیری میان شما نیست. همواره گروهی از اتمم خواهند بود که [توسط خدا] یاری می‌شوند و هرکسی از یاریشان دریغ کند ضرری به آنها نخواهد زد، تا قیامت برپا شود.»

ابن حدیث را سعید بن منصور، احمد، ابن ماجه^۱ و دیگران همگی از ابی قره از رسول خدا ﷺ آورده‌اند، ولی اثری از اهل شام در آن نیست. این بدان معناست که آن قسمت برای منافع و مصالح بنی امیه، به حدیث افزوده شده است که آن را از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌کند.

مسند احمد ۴/ ۲۹ از عمران بن حصین آورده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «پیوسته گروهی از اتمم بر حق هستند و بر کسانی که با آنان مخالفت کنند، پیروز می‌شوند تا امر خداوند تبارک و تعالی فرا رسد و عیسی بن مریم عليه السلام از آسمان فرود آید.»^۲

ابن عساکر در التهذیب ۱/ ۵۶ می‌نویسد: «ابو عمرو می‌گوید: این حدیث را برای قتاده گفتم، او گفت: من آنها را جز اهل شام نمی‌دانم.»!

بعدها تفسیر قتاده، در حلیه الاولیاء به حدیثی نبوی تبدیل شد!

حلیه الاولیاء ۹/ ۳۰۷ از ابوهریره از پیامبر ﷺ می‌آورد: «گروهی از اتمم بر امر خدا استوار خواهند بود و مخالفان نمی‌توانند زبانی به آنها برسانند. آنها با دشمنان خود می‌جنگند و هرگاه جنگی تمام شود، نبرد با قومی دیگر آغاز می‌شود. خداوند اقوامی را بالا می‌برد و بر دیگران برتری می‌دهد، تا قیامت برایشان فرا رسد. سپس رسول خدا ﷺ افزود: آنها اهل شام هستند.»!

مسند الشامیین طبرانی ۱/ ۵۶ مشابه آن را از جرشی آورده است، در پاره‌ای از آن آمده است: «اسب‌ها تا روز قیامت پراز خیر و برکتند و خانه و سرای مؤمنان در سرزمین شام است.»^۳

بدین ترتیب روشن می‌شود که راویان، نام اهل شام را از زبان پیامبر ﷺ به حدیث افزوده‌اند!

۱. سنن سعید بن منصور ۲/ ۱۴۵، مسند احمد ۳/ ۴۳۶، سنن ابن ماجه ۱/ ۵۴

۲. و نیز التاریخ الکبیر بخاری ۵/ ۴۵۱.

۳. و نیز زک به مسند الشامیین ج ۱/ ۱۹۱، المعجم الکبیر ۷/ ۶۱، سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۶۹ و المستدرک

۴/ ۵۴۸، - حاکم آن را بنابر شرط بخاری، صحیح دانسته است -

ماجرای ابدال شام نیز در فصل اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهد آمد.

گزارشاتی در ستایش ساکنان بیت المقدس و مناطق پیرامون آن

مسند احمد ۵/ ۲۶۹ از ابی امامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «پیوسته گروهی از اتمم در راه دین پیروزند و بردشمنانشان چیره می‌شوند. مخالفان نمی‌توانند زیانی به آنها برسانند. هم چنین مشکلات و نامایماتی که به آنان می‌رسد، ضرری برایشان ندارد. اینان بر همین حالند تا زمانی که امر خدا فرارسد.

پرسیدند: ای رسول خدا! آنان کجایند؟ فرمود: در بیت المقدس و مناطق پیرامون آن.^۱
مسند ابویعلی ۱۱/ ۳۰۲ از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است: «همواره گروهی از اتمم بر دروازه‌های دمشق و پیرامون آن دیار، و نیز بر دروازه‌های بیت المقدس و اطراف آنجا می‌جنگند. کسانی که از یاریشان دریغ ورزند، زیانی به آنها نمی‌رسانند. آنان در راه حق پیروزند، تا آنکه قیامت برپا شود.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

گزارشاتی در ستایش اهالی طالقان

التهذیب ابن عساکر ۱/ ۵۵ از تاریخ دارا آورده است: «در عبارتی دیگر چنین آمده است: پیوسته گروهی از اتمم کنار دروازه‌های بیت المقدس و حوالی آن، و نیز بر دروازه‌های انطاکیه و اطراف آن، و در کنار دروازه دمشق و حوالی آن، و نیز بر دروازه‌های طالقان و پیرامون آن خواهند جنگید. آنها در راه حق پیروزند و به کسانی که از نصرت و یاریشان دریغ ورزند، اهمیتی نمی‌دهند. تا اینکه خدا گنج خود را از طالقان بیرون آورد و دینش را زنده گرداند، چنان که پیشتر آن را میرانده بود.»^۲

مشارق الاشواق ۱/ ۴۰۷ چنین می‌نویسد: «همواره گروهی از اتمم کنار دروازه‌های بیت المقدس و اطرافش، بر دروازه‌های انطاکیه و پیرامونش، کنار دروازه‌های دمشق و حوالی

۱. مشابه آن در تهذیب الآثار، مسند عمر ۲/ ۸۲۳.

۲. مشابه آن در عقد الدرر ۱۲۲/ و پاره ای در ۲۸۳.

آن دیار، و نیز بر دروازه های طالقان و اطراف آن می جنگند.

آنها در راه حق پیروزند و کسانی که از نصرت و یاریشان دریغ ورزند، ضرری به آنها نخواهند رسانید، تا آنکه خدا گنج خود را از طالقان بیرون آورد و دینش را بدان زنده گرداند.»

نگارنده: جبال طالقان از سلسله جبال البرز در ایران است و مقصود از آن در احادیث، ایران است که به بلاد مشرق یا خراسان و یا جبال طالقان شناخته می شود چنان که خواهد آمد. همان اشکالی که در انطباق گروه ظفرمند براهالی شام گذشت، در مورد اهالی طالقان هم وارد است و راویان اموی و یا فارس این روایات خواسته اند تا بدین واسطه، مناطق و حکام خود را بستانند!

البته احادیث صحیحی درباره ی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از اهل مشرق رسیده است که این اشکال بر آنها وارد نیست.

در فصل های بعد خواهد آمد که ایرانیان در احادیث سنیان بسیار ستوده شده اند، تعجبی هم ندارد، زیرا این فارس ها بودند که مذاهب سنی ها را پایه ریزی کردند و مآخذ اصلی حدیث و فقه و تفسیر را برایشان نگاشتند!

دروغ پردازی های یهود در برتری مناطق شام!

یهودیان و اتباعشان روایاتی اغراق آمیز در ستایش شام و فلسطین و برتری آنها بر حجاز و عراق، و نیز برتری بیت المقدس بر مکه و افضلیت صخره ی آن بر کعبه جعل کردند!

معاویه و بنی امیه نیز زمینه را برای نشر آنها فراهم کردند، لذا منابع پیروان دستگاه خلافت پراز آنهاست، توده ی مسلمانان نیز آنها را جزئی از دین خود پنداشتند، چرا که حکومت ها برای بعضی از آن روایات، سندی صحیح ساختند!

۱. کعب الاحبار در میان مردم شایع کرد که بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در حجاز است ولیکن پایتخت و مرکز حاکمیت ایشان شام است، نه مدینه و نه عراق!

سنن دارمی ۴/۱ از ابو صالح از کعب می آورد: «در نوشته ای چنین یافتیم: محمد رسول خداست، تندخو و سخت دل نیست و در بازارها فریاد نمی کند. بدی را با

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بدی پاسخ نمی دهد، بلکه می بخشد و در می گذرد... در مکه زاده شده، به طیبه [مدینه] مهاجرت می کند و حکومتش در شام است.»

عبارت «حکومتش در شام است» توسط خود کعب اضافه شده است که برخی منابع سنی نیز بدان تصریح می کنند.

فتح الباری ۸/ ۴۵۰ می نویسد: «روایت کعب عبارتی افزون دارد: زادگاهش مکه، محل هجرتش طیبه و حکومتش در شام است.»

این کار یهودی گرانه بابت آن است که خلافت، برای بنی امیه که مورد حمایت یهودیان بودند، در شام تثبیت گردد و از حجاز و عراق دور شود، زیرا اهالی این دو سرزمین برخلاف شامیان هواخواه یهود نبودند.

با این وجود، بیشتر منابع اهل سنت این عبارت افزوده شده را روایت کرده و آن را صحیح دانسته اند!^۱

به علاوه راویان وابسته به دربار خلفاء، یهودی دیگری به نام «جریجره» را نیز یافتند که گفته های کعب را تأیید می کند، لذا خدا را بر این نعمت شکر کرده و به نقل آن پرداختند!^۲

بنابراین معلوم می شود که این یهودیان بودند که برنامه ریزی انتقال پایتخت اسلام به شام را برعهده داشتند و آن را جایگزین حجاز و عراق کردند. از این رو معاویه از عثمان خواست که به شام بیاید تا مهمان وی شود و پس از خود، زمام امور را به او بسپارد، چنان که ابوبکر به عمر سپرد!^۳

۲. کعب الاحبار خاخامی یهودی بود که از یمن به مدینه آمد، پس عمر به استقبال او رفت و احترامی درخور پیامبران به او گذاشت. وی کعب را مشاور فرهنگی خود قرار داد و در مجالس مقدم می داشت.

کعب بر کیش یهود باقی بود و در حمص سکنی گزید، او به مدینه رفت و آمد می کرد و مدت

۱. ر.ک به الطبقات الکبری ۳۶۰/۱، حلیة الاولیاء ۳۸۷/۵، تفسیر یغوی ۲/ ۲۰۵، الخصائص سیوطی ۱۹/۱، فیض القدیر ۷۶۸/۳، دلائل النبوة اصبهانی ۴/ ۱۳۳۲، تفسیر ابن کثیر ۴/ ۳۸۳، الدر المنثور ۳/ ۱۳۲، تاریخ مدینه دمشق ۱/ ۱۸۶ و...

۲. ر.ک به المستدرک ۲/ ۶۲۲، تاریخ مدینه دمشق ۱/ ۱۸۴، الخصائص سیوطی ۲۳/۱

۳. ر.ک به جواهر التاریخ ج ۲

زیادی آنجا می‌ماند. چندی بعد اعلان مسلمانی کرد، پس عمر از او خواست که در مدینه بماند و گفت: «چه مانعی دارد که در مدینه که محل هجرت رسول خدا و آرامگاه اوست، سکونت کنی؟ کعب در پاسخ گفت: در کتاب خدا چنین یافته‌ام که شام، گنج خدا روی زمین است و بهترین بندگانش در آنجا هستند.»^۱

۳. در الفتن ابن حماد ۱/ ۲۳۶ از کعب آمده است: «سرزمین، شام و دو طرف آن است، نه مصر و عراق و نه ذنباء [دُم] - یعنی حجاز -، باز بر آن دم، فضله می‌اندازد.»^۲ نگارنده: این یهودی خبیث، حجاز و مصر و عراق را اینچنین نکوهش می‌کند! شگفتا که راویان دستگاه خلافت و عالمان مذاهب سنی که از جمله آنان عراقیان و حجازیانند، این روایت را نقل کرده و پذیرفته‌اند!^۳

اگرچه در برخی روایات نیز بدین صورت آمده که سرزمین، شام است، دو بال آن مصر و عراق و دم آن حجاز، ولیکن نکته‌ی شایان تأمل آن است که دم وصفی ثابت برای حجاز، عنوان شده است!

۴. سیوطی در الدر المنثور ۱/ ۱۳۶ به نقل از کعب می‌نویسد: «قیامت برپا نمی‌شود مگر پس از آنکه بیت الحرام را به بیت المقدس برند، سپس آن دو به همراه کسانی که داخل آنها هستند، به بهشت می‌روند. عرضه و حسابرسی اعمال هم در بیت المقدس خواهد بود.»^۴ مرحوم کلینی در کافی ۴/ ۲۳۹ از زراره چنین نقل می‌کند: «در کنار امام باقر عجل الله تعالی فرجه نشسته بودم. امام جامه‌شان را به خود پیچیده بودند و رو به کعبه داشتند، آنگاه فرمودند: بدان، نگاه به کعبه عبادت است.

در این هنگام مردی از قبیله‌ی بجیل به نام عاصم بن عمر آمد و گفت: کعب الاحبار می‌گوید: کعبه هر صبح به بیت المقدس سجده می‌کند!

امام عجل الله تعالی فرجه از آن مرد پرسیدند: نظرتو چیست؟ پاسخ داد: کعب راست گفته است! سخن درست همان است که او گفته!

۱. تاریخ مدینه دمشق ۱/ ۱۲۲

۲. مشابه آن را الدر المنثور ۳/ ۱۱۳ از وهب بن منبه که شاگرد کعب الاحبار است، نقل می‌کند.

امام علیه السلام فرمودند: تو و کعب الاحبار هر دو دروغ می‌گویید و غضبناک شدند.

زراره می‌گوید: ندیده بودم امام به احدی جز همان مرد گفته باشد «دروغ می‌گویی». سپس افزودند: خداوند در زمین هیچ جایی را نیافریده که نزد او محبوب‌تر و گرامی‌تر از آن باشد و با دست به کعبه اشاره کردند. خداوند به خاطر کعبه، از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، در کتابش ماه‌هایی را حرام اعلام کرد که سه ماه آن - شوال، ذی القعدة و ذی الحجة - برای حج و در پی هم‌اند و يك ماه آن - رجب - برای عمره است.

۵. تاریخ دمشق ۱/ ۱۵۲ به نقل از کعب آورده است: «هر آب گوارایی که نوشیده می‌شود، از زیراین صخره [بیت المقدس] بیرون می‌آید، حتی چشمه‌ای که در دارین [منطقه‌ای در نزدیکی غزه] است.»^۱

۶. سنن کتاب‌هایی نگاشته‌اند که مملو از احادیث مدح شام و قدس است! عجلونی در کشف الخفاء ۲/ ۲۱۲ احادیثی را در برتری شام آورده است، ولی هیچ یک را توثیق نمی‌کند!

۷. سیوطی در الدر المنثور ۳/ ۱۱۱ در فضیلت شام، از کعب الاحبار و شاگردانش، روایاتی عجیب از منابع حدیثی متعددی آورده که برخی به حدیث نبوی تبدیل شده است! از جمله به نقل از کعب آورده است:

«در تورات نوشته شده است: سرزمین شام، گنج خداوند روی زمین است و بهترین بندگان خداوند در آنجا هستند!

- محبوبترین سرزمین‌ها نزد خدا شام است، محبوبترین قسمت شام قدس و محبوبترین قسمت آن کوه نابلس، روزی بر مردم فرامی‌رسد که باریسمان آن را در میان خود تقسیم می‌کنند!
- من در کتاب خدا چنین یافته‌ام که ویرانی زمین، چهل سال پیش از ویرانی شام است!
- وهب بن منبه نیز گوید: من در کتاب‌ها سخن از شام را مکرر دیده‌ام، چنان که گویا خدا جز بدانجا نیازی ندارد!

۱. تفسیر قرطبی ۱۱/ ۳۰۵، تفسیر ابی السعود ۶/ ۵ و السیرة الحلبیة ۲/ ۸۲

- عبدالله بن عمر هم می‌گوید: ابلیس وارد عراق شد و به مقصود خود از آنجا رسید، سپس وارد شام شد ولی او را راندند تا آنکه به بیسان رسید، پس از آن داخل مصر شد و در آنجا زاد و ولد کرد و بساط خود را افکند!

- وهب گوید: سرزمین، شام است!

- ابن عمر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدایا! به ما در شام ما و یمن ما برکت ده، برخی گفتند: سرزمین نجد ما چگونه؟ و در نقلی دیگر گفتند: مشرق ما چگونه؟ ایشان فرمود: در آنجا زلزله‌ها و فتنه‌ها خواهد بود و شاخ شیطان از آنجا بیرون می‌آید! ابن عساکر می‌افزاید: نه قسمت از ده قسمت شر در آنجا است!

- هم‌و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: خیر، ده قسمت است که نه قسمت آن در شام و یکی در سائر سرزمین‌هاست، و شرنیزده قسمت است که یک جزء آن در شام است و نه جزء دیگر در دیگر سرزمین‌ها! و زمانی که اهل شام تباه گردند، هیچ خیری در میان شما نخواهد بود!

- زید بن ثابت از ایشان می‌آورد: خوشا به حال شام! پرسیدند: چرا؟ فرمود: فرشتگان خدا، بال‌هایشان را براهالی شام گسترده‌اند. حاکم نیشابوری آن را صحیح شمرده است.

- مردی گفت: ای رسول خدا! [منطقه‌ای برای سکونت] برایم اختیار کن! گفتند: شام را به تو پیشنهاد می‌کنم، چرا که شهر برگزیده‌ی خداست و بهترین بندگان او، آنجا هستند! اگر کسی نخواست بدانجا رود، به نجده برود. خداوند شام و اهل آن را برای من تضمین کرده است. عبارت مسند احمد چنین است: شام سرزمین برگزیده‌ی خداست... اگر نخواستید، به یمنتان بروید!

واثله بن اسقع چنین روایت می‌کند: هرکسی نخواست، به یمن خود برود و از آبگیر آن بنوشد! احمد، ابو داود، ابن حبان و حاکم به واسطه‌ی عبدالله بن حواله‌ی ازدی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده‌اند: هرکسی نخواست، به یمن خود برود و از آبگیر آن بنوشد. «!

این احادیث را که از جمله‌ی آن مذمت سرزمین نجد است، نمی‌توان پذیرفت، اگرچه بخاری روایت کند، زیرا راویان سرسپرده‌ی دستگاه خلافت اموی در نقل خود، متهم‌اند.

شیخ محمود ابوریه از علمای الازهر، در کتاب خود اضواء علی السنة المحمدية / ۱۷۶، پس از آنکه از عده‌ای از علمای سنی نقل می‌کند که به کعب الاحبار، وهب بن منبه و عالمان یهودی مانند آنها ایراد می‌گیرند، می‌نویسد: «بزرگان اهل تحقیق، بر روایات این دو کاهن ایراد گرفته‌اند، اما متأسفانه هنوز کسانی میان ما هستند که به آن دو اعتماد دارند و روایاتشان را تصدیق می‌کنند و هیچ سخن انتقاد آمیزی را درباره‌ی آنها بر نمی‌تابند... برای اینکه میزان مکر و حیل یهودیان آشکار شود، [در اینجا] در بعد سیاسی مشت آنها را باز می‌کنیم: یهودیان در نبرد با اسلام، از دو جنبه ضربه وارد می‌کردند: یکی جنبه دینی و دیگری سیاسی...»

احادیث غریبان و غربت اسلام در منابع شیعه و سنی

الفتن ۱/ ۷۸ از عبدالله بن عمرو عاص چنین آورده است: «محبوبترین‌ها نزد خداوند، غریبان هستند! پرسیده شد: غریبان کیانند؟ پاسخ داد: کسانی که برای حفظ دینشان فرار می‌کنند و پیرامون عیسی بن مریم علیه السلام گرد می‌آیند.»

التاریخ الکبیر بخاری ۴/ ۱۳۰ آورده است: «کسانی که برای حفظ دینشان بسیار فرار می‌کنند و روز قیامت پیرامون عیسی بن مریم گرد می‌آیند.»

حلیة الاولیاء ۱/ ۲۵: «خداوند، کسانی را که برای حفظ دینشان فرار می‌کنند، در روز قیامت، با عیسی بن مریم محشور می‌کند.»

مسند احمد ۱/ ۱۸۴ از سعد بن ابی وقاص: «شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان غریبانه آغاز شد و چنان‌که آغاز گشت، باز خواهد گشت، پس خوشا به حال غریبان، هنگامی که مردم فاسد شوند. سوگند به آنکه جان ابوالقاسم در دست اوست، همان گونه که مار در سوراخش بر خود می‌پیچد، ایمان هم در میان این دو مسجد [مکه و مدینه] جمع می‌شود.»

همو در ۱/ ۳۹۸ از ابن مسعود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: غریبان چه کسانی هستند؟ فرمود: غریبان کسانی هستند که از قبیله‌ها مهاجرت می‌کنند.»

و در ۲/ ۱۷۷ از عبدالله بن عمرو عاص آمده است که همین سؤال از آن حضرت شد و ایشان پاسخ

دادند: «مردمانی شایسته در میان مردمی نا اهل و بسیار. کسانی که نافرمانی آنها را می‌کنند بیش از کسانی هستند که از آنان پیروی می‌کنند.»

و در ۷۳/۴ از عبدالرحمن بن سنه چنین آورده است: «آنان، کسانی هستند که هنگام فساد مردم، به اصلاح می‌پردازند. سوگند به کسی که جانم به دست اوست، ایمان مانند سیل به مدینه رو خواهد آورد. قسم به آنکه جانم به دست اوست، همان گونه که مار در سوراخش بر خود می‌پیچد، اسلام هم در میان این دو مسجد جمع می‌شود.»^۱

المعجم الاوسط در ۶/۳۷۷ از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه باز خواهد گشت، پس خوشا به حال غریبان.

پیش از قیامت فتنه‌هایی خواهد بود به مانند پاره‌های شب تاریک، شخص شب هنگام مؤمن است ولی صبح کافراست، و شخص صبح هنگام مؤمن است ولی شب کافر، اقوامی هستند که دین خود را در قبال کالای دنیا می‌فروشند.»

ترمذی در ۴/۱۲۹ می‌نویسد: «چنان‌که مار در لانه‌اش جمع می‌شود، دین در حجاز جمع می‌گردد. دین در حجاز پناه می‌گیرد، چنان‌که بزکوهی به بالای کوه پناه می‌برد. دین غریبانه آغاز گشت و غریبانه باز می‌گردد. خوشا به حال غریبان که سنتم را - که مردم پس از من به فساد می‌کشند - اصلاح می‌کنند. این حدیثی حسن است.»

در منابع شیعی نیز احادیثی درباره‌ی غربت اسلام روایت شده است.

الجعفریات / ۱۹۲ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه باز می‌گردد، خوشا به حال غریبان، پرسیدند: ای رسول خدا! غریبان کیانند؟ فرمود: کسانی که وقتی مردم فساد می‌کنند، اصلاح می‌نمایند. مؤمن، هیچ وحشت و غربتی ندارد. هر مؤمنی که در غربت بمیرد و گریه کنندگانش اندک باشند، فرشتگان بر او ترحم کرده، خواهند گریست، وگرنه در قبرش نوری گسترده می‌شود که از جایی که دفن شده تا زادگاهش خواهد درخشید.»

کمال الدین ۱/۲۰۰ سه روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام آورده و می‌نویسد: «وهم چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. و نیز رک به صحیح مسلم ۹۰/۱، سنن ابن ماجه ۱۳۱۹/۲، مسند بزار ۳۱۴/۱، مشکل الآثار ۱/۲۹۷، المسند الجامع ۱۲/۳۱۷ و ۶/۱۵۵ و ۱۴/۱۹۲، المعجم الاوسط ۲/۵۵۱ و ۵/۴۷۸

فرمودند، اسلام در این زمان غریبانه بازگشته است، همانسان که آغاز شده بود، و با ظهور ولی و حجت خدا تقویت می‌گردد، چنان‌که با ظهور پیامبر خدا ﷺ تقویت شد.

بدین ترتیب چشمان منتظران و معتقدان به امامت آن حضرت روشن می‌شود، چنان‌که پس از ظهور رسول خدا ﷺ، چشمان کسانی که در انتظار ایشان بودند و یا درباره‌ی آن حضرت شناخت و آگاهی داشتند، روشن شد. خداوند عزوجل، وعده‌هایی را که به اولیائش داده، جامه‌ی عمل می‌پوشاند، دینش را اوج می‌بخشد و نورش را تمام و کامل می‌گرداند، حتی اگر مشرکان خوش نداشته باشند.»

قاضی نعمان مغربی در شرح الاخبار ۳/ ۳۷۱ آورده است که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام خواست این حدیث [غریبان] را برایش شرح دهد، وی می‌گوید: «عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا! فدایت شوم، این حدیث را برایم شرح دهید، ایشان فرمودند: هر امامی از ما، دعوت جدیدی مانند دعوت رسول خدا ﷺ آغاز می‌کند. مهدی علیه السلام نیز چنین است، و از نو به سوی خدا دعوت می‌کند و این هنگامی است که سنت‌ها تغییر یافته، بدعت‌ها زیاد شده، پیشوایان گمراهی بر مردم چیره می‌شوند و نام و یاد پیشوایان هدایت - که خدا اطاعتشان را بر بندگان واجب کرده و آنها را عهده‌دار آن نموده که مردم را به سوی او بخوانند و با نشانه‌هایش، آنها را به سوی او راهنمایی کنند - کهنه می‌گردد، و به سبب غلبه‌ی پیشوایان ستمگر بر ایشان، نامشان از یاد رفته و از آنان خبری نخواهد بود. پس وقتی که خداوند بخواهد وعده‌ای را که به امامان نسبت به ظهور مهدی آنان داده عملی کند، [مهدی] نیازمند آن است که آنان را مجدّد به اسلام فراخواند، هم چنان‌که رسول خدا ﷺ چنین نمودند.»

ارشاد / ۳۶۴ از محمد بن عجلان نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: «وقتی قائم علیه السلام قیام کند، مردم را از نوبه اسلام فرامی‌خواند و آنان را به امری که مندرس و کهنه شده و عموم مردم از آن گمراه شده‌اند، هدایت می‌کند. از آن رو قائم، مهدی نامیده شده است که به امری که از آن گمراه شده‌اند، هدایت می‌کند و قائم نامیده شده، چون برای برپا داشتن حق قیام می‌کند.»^۱

نعمانی در غیبت / ۲۳۰ از ابن عطاء مکی چنین نقل می‌کند: «از یکی از بزرگان فقهاء - مقصود

۱. و نیز اعلام البوری / ۴۳۱، روضة الواعظین / ۲، ۲۶۴، كشف الغمة / ۳، ۲۵۴ و اثبات الهداة / ۳، ۵۲۷ و ۵۵۵.

امام صادق علیه السلام است - پرسیدم: سیره ی مهدی چگونه است؟ فرمود: مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می کند، او آنچه را که پیشتر بوده از میان می برد - چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله جاهلیت را از بین برد - و اسلامی جدید را آغاز می کند.^۱

در کافی ۵۳۶/۱ از ابو خدیجه روایت می کند که از امام صادق علیه السلام درباره ی قائم پرسیدند، آن حضرت در پاسخ فرمودند: «ما همه، یکی پس از دیگری، قائم به امر خداییم، تا هنگامی که صاحب شمشیر بیاید. وقتی صاحب شمشیر آمد، امری غیر از آنچه بوده است، می آورد.»^۲

نگارنده: مقصود از غربت اسلام، غربت در مقام اجرا و عمل است که شیخ صدوق رحمه الله نیز بزدان تصریح کرده و آن را به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مرتبط دانسته است. بزرگان اهل سنت سعی کرده اند تا حدیث را به درگیری میان اهل حجاز و شام ارتباط دهند، همان طور که حدیث گروه پیروز را به سود اهل شام و بنی امیه به کار گرفته اند.

معنای این جمله: ایمان یا علم در مدینه و مکه جمع می گردد، نیز آن است که آگاهی دینی از امت رخت برمی بندد و این دو شهر، در آخر الزمان و بردستان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، مرکز شروع دوباره ی اسلام خواهند بود، هم چنان که مرکز شروع اسلام بردستان جد ایشان، خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله بودند.

غریبان و گروه یاری شده کیانند؟

در اینجا به نکته ای شایان توجه، اشاره می شود: علت اینکه این حدیث به طرق متعدد و توسط راویان زیادی نقل شده، آن است که عمرین خطاب و معاویه در سلسله ی راویان آن داخل شدند، به علاوه آنکه معاویه آن را بر خود و اهل شام منطبق دانست! البته سوء استفاده وی از این حدیث، تنها نقل های مرتبط با او را تضعیف می کند ولی به اصل آن، که شیعیان از اهل بیت علیهم السلام روایت می کنند، ضربه ای نمی زند.

۱. به نقل از همین منبع در اثبات الهداة ۵۳۹/۳ و بحار الانوار ۵۲/۵۲ ۳۵۲
۲. و نیز غیبت شیخ طوسی / ۲۸۲، ارشاد / ۳۶۴، کشف الغمة ۳/ ۲۵۵، اثبات الهداة ۳/ ۴۸۸، ۵۱۶ و ۵۵۵ و بحار الانوار ۵۲/ ۳۳۲ و ۳۳۸

شگرد معاویه به شیوه‌ی عباسیان - که می‌کوشیدند احادیث پرچم‌های سیاه را بر جنبش خود تطبیق دهند - شباهت دارد. و نیز به تلاش برای تطبیق حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه بر مهدی‌های دروغین تیمی، حسنی، عباسی و فاطمی می‌ماند. نادرستی کارهای آنها نیز آسیبی به اصل جریان امام مهدی عجله الله تعالی فرجه نمی‌رساند، گرچه فهم آنان را در این رابطه دچار مشکل می‌کند.

تمام این تطبیقات باطل است، چه تطبیق معاویه این حدیث را بر اهل شام، چه تطبیق عباسیان آن را بر اهل خراسان، چه تطبیق متوکل آن را بر اهل حدیث که خود آن را بنیان نهاد و به نام مجسمه‌ی حنابله شناخته می‌شوند، و نیز تطبیق وارثان متوکل یعنی وهابیت که محمد بن عبد الوهاب تأسیس کرد، و نه تطبیق اخوان المسلمین که حسن البناء بنیان نهاد و نه مقاومت فلسطین در مقابل اسرائیل و یهود و نه...

علت این امر آن است که این حدیث صریح است در اینکه این غریبان، جماعتی هستند که در هر زمانی وجود دارند، تا آنکه حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه ظهور نماید و مسیح عجله الله تعالی فرجه فرود آید، و نیز صراحت در این دارد که آنان در اقلیت هستند و تکذیب کنندگان و دشمنانی دارند. این اوصاف و نیز احادیثی که به تفسیر این گروه می‌پردازند، جای شکی نمی‌گذارد که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله امامان عترت و پیروان آنان هستند، همان کسانی که آخرینشان حضرت بقیة الله عجله الله تعالی فرجه است، و این مطلب از احادیثی که گذشت روشن شد.

روایات احیاگران اسلام

منابع سنن روایتی را از ابوهریره نقل می‌کنند که راوی آن ابو علقمه گمان می‌کند ابوهریره آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد.

سنن ابوداود ۴/ ۱۰۹ می‌نویسد: «ابو علقمه گوید: تا آنجا که می‌دانم ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: خداوند در رأس هر صد سال، کسی را برای امتش برمی‌انگیزد که دینش را احیاء کند.»^۱

۱. و نیز المعرفة بیهقی ۱/ ۱۳۷، تاریخ بغداد ۲/ ۵۹، الجامع الصغیر ۱/ ۲۸۲، المسند الجامع ۱۷/ ۸۴۳ و صحیح بخاری با شرح کرمانی ۱/ ۷۲.

حاکم در المستدرک ۴/ ۵۲۲ می‌نویسد: «مردی این عبارت را در مجلس قاضی ابوالعباس بن شریح خواند و گفت: ای قاضی! بشارت باد که خدا در رأس قرن اول، عمر بن عبد العزیز و در رأس قرن دوم، محمد بن ادریس شافعی و در رأس سومین قرن، تورا برانگیخت.»

اگر این روایت صحیح باشد و کسانی غیر از اهل بیت علیهم السلام را در برگیرد، باز نمی‌توان این احیاگران را شناخت، زیرا ادعاهای بسیاری از سوی برخی حاکمان و عالمان شده که خود را احیاگران می‌دانند، پیروانشان نیز این ادعاها را تأکید می‌کنند!

علاوه بر آنکه حدیث دارای ابهام است، چرا که روشن نیست این صد سال آیا از مبعث پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز می‌شود، یا از هجرت و یا از وفات ایشان، و آیا مقصود از رأس قرن، سال نخست آن است یا معنای عرفی آن، که سال‌هایی از قرن بعد را نیز شامل می‌باشد؟

از سویی معنای احیاء دین چیست؟ احیاء نظری است یا عملی؟

آیا زدودن تحریفات اعتقادی و فقهی آن است و یا محو انحرافات عملی و اجرایی آن؟

از طرفی این احیاگر، آیا از طرف خداوند مبعوث می‌شود و به علم الهی عمل می‌کند، و یا اینکه مجتهد در دین است و مردم را به پیروی از آراء خود فرا می‌خواند؟

آیا او حاکم است و یا قدرت آن را دارد تا احیاگری خود را به اجراء بگذارد، یا اینکه صرفاً مردمان را بدان دعوت می‌نماید و نظرات خود را اعلام می‌کند؟

مودودی، در شمار احیاگرانی که در رأس هر قرن هستند، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را احیاگر اسلام در عالم می‌شمارد، ولیکن آن حضرت حساب خاص خود را دارند و نمی‌توان ایشان را با دیگران سنجید.

به نظر می‌رسد که اصل این حدیث درباره‌ی «نقش و تأثیر عترت پیامبر صلی الله علیه و آله در حفظ اسلام و زدودن تحریفات از آن» بوده، اما دشمنان با افزودن در روایت، آن را برای زمامداران خود مصادره کردند! قدر متیقن حدیث آن است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و پیش از ایشان امامان معصوم علیهم السلام احیاگران اسلام هستند.

احقاق الحق از احمد بن حنبل نقل می‌کند که تنها احیاگران، عترت هستند. شاید او این مطلب را از این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی عترت برداشت کرده است که «قرآن و عترت،

هرگز از هم جدا نمی شوند تا آنکه در کنار حوض نزد من آیند»، زیرا این حدیث بر این دلالت می کند که در هر عصری امامی از عترت وجود دارد.

احادیث ما شیعیان صراحت در این دارد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اسلام را احیا می کند و از غربت بیرون می آورد.

شیخ صدوق در عیون أخبار الرضا ع ۲/ ۲۰۰ از حسن بن جهم روایت می کند: «روزی در مجلس مأمون حاضر شدم و علی بن موسی الرضا ع آنجا بودند. فقیهان و متکلمان فرق مختلف هم حضور داشتند... مأمون پرسید: یا ابا الحسن! درباره ی رجعت چه می گویی؟ امام ع فرمودند: رجعت حق است و در امت های پیشین نیز رخ داده، قرآن نیز از آن سخن گفته است. رسول خدا ص هم فرموده اند: هرچه در امت های گذشته بوده، در این امت نیز رخ خواهد داد، هم چنان که دو تای کفش و دو پیرتیر در مقابل هم قرار دارند.

رسول خدا ص هم چنین می فرماید: هنگامی که مهدی از فرزندان من خروج کند، عیسی بن مریم ع فرود آمده و پشت سر او نماز می گزارد. و نیز می فرماید: اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه نیز باز می گردد و خوشا به حال غریبان. پرسیدند: ای رسول خدا! پس از آن چه خواهد شد؟ فرمودند: حق به اهلش بازمی گردد.^۱

فرات کوفی در تفسیر خود / ۴۴ از خیثمه ی جعفری روایت می کند: «امام باقر ع در تفسیر آیه ی: **يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا**^۲، روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت می آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد، فرمودند: مقصود [از خیر] مودّت و نصرت ماست.

خیثمه گوید: عرض کردم: آیا یاری شما با زبان و دست و قلب [هر سه] است؟ حضرت فرمودند: ای خیثمه! یاری ما با زبان، مانند یاری با شمشیر است، و نصرت ما با دست [و شمشیر] برتر است.

۱. الايقاظ / ۱۰۷، حلیة الابراز / ۳۰۱/۲ و بحار الانوار / ۱۳۵/۲۵

۲. سوره ی انعام / ۱۵۸

ای خیشمه! قرآن در سه مورد نازل شده است: یک قسم آن درباره‌ی ما، قسم دوم در مورد دشمنان ما و سومین قسم هم در خصوص واجبات و احکام است. آیا اگر آیه‌ای درباره‌ی قومی نازل شود و آن قوم از بین روند، آیه نیز از بین می‌رود؟ در این صورت، چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند! قرآن، از ابتدا تا انتها و از انتها تا ابتدا جریان دارد، مادامی که آسمان‌ها و زمین پا برجاست، پس برای هر قومی آیه‌ای است که آن را تلاوت می‌کنند.

ای خیشمه! اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه باز می‌گردد، پس خوشا به حال غریبان. ای خیشمه! زمانی برای مردم فرا خواهد رسید که خدا را نمی‌شناسند و نمی‌دانند توحید چیست، تا آنکه خروج دجال فرا رسد و عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و خداوند دجال را به دست او بکشد، و مردی از ما اهل بیت برای آنان نماز بگذارد. آیا نمی‌بینی که عیسی با این که پیامبر است، پشت سر ما نماز می‌خواند؟ بدان که ما از او برتریم.»

نعمانی در غیبت / ۳۲۰ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «هنگامی که قائم ما قیام کند، مردم را به امری جدید فرا می‌خواند، چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدان دعوت نمود. اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه به مانند ابتدای آن، باز خواهد گشت، پس خوشا به حال غریبان.»^۱

همودر / ۲۳۲ روایت می‌کند که عبدالله بن عطاء از امام باقر عجل الله تعالی فرجه پرسید: «وقتی قائم قیام کند، به چه سیره‌ای بین مردم رفتار خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه را که پیشتر بوده از میان می‌برد و اسلام جدیدی را آغاز می‌کند.»^۲

و در / ۳۲۲ نقل می‌کند که ابو بصیر به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفت: «درباره‌ی فرمایش امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه: اسلام غریبانه آغاز شد و هم چنان‌که شروع شده، باز می‌گردد، پس خوشا به حال غریبان، خبر دهید که مقصود چیست؟

امام عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای ابو محمد! هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت جدیدی را آغاز می‌کند.»^۳

۱. از همین منبع در بحار الانوار ۳۶۶/۵۲

۲. به نقل از همین منبع، حلیة الابرار ۶۲۹/۲ و بحار الانوار ۳۵۴/۵۲

۳. و نیز بحار الانوار ۳۶۷/۵۲

حدیث بین دو جاهلیت مبعوث شدم

امالی شجرى ۲/ ۲۷۷ از موسى بن جعفر عليه السلام از پدرانش از حضرت امیر عليه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «بین دو جاهلیت مبعوث شدم، که دومین آنها بدتر از اولی است.» نگارنده: منبع دیگری برای این حدیث مهم، یافت نشد. این حدیث دلالت بر این دارد که جاهلیت دوم که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله واقع می شود، از جاهلیتی که پیش از ایشان بوده، بدتر است. ما هر گونه که روایت را تفسیر کنیم، جاهلیت غربی کنونی نیز، جزئی از آن است. مؤید این مطلب، فرمایش خداست:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱، و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت های خود را آشکار نکنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید. خداوند فقط می خواهد هر گونه آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عج

این آیه به جاهلیت دوم اشاره دارد و از نشانه هایش آن است که زنان به گونه ای که در زمان جاهلیت نخست زینت هایشان را آشکار می کردند، ظاهر می شوند! در این آیه بحث هایی است که به موضوع ما مربوط می شود، از جمله آنکه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پس از جاهلیت دوم است که شرّ و زیان آن برای بشریت، به مراتب بیشتر از جاهلیت نخستین است.

۱. سوره ی احزاب / ۳۳

فتنه‌ها

فتنه‌های پیش‌بینی شده در امت اسلام

پیامبر ﷺ امت را درباره‌ی فتنه‌های پس از خود هشدار می‌دهند

وقتی پیامبر ﷺ در بستری بیماری بودند، مطالب ارزنده‌ای را به امت عرضه کردند که هیچ پیامبری برای امتش نیاورده بود. ایشان می‌خواستند برای آنها عهدنامه و برنامه‌ای بنویسند که ضامن هدایت آنان باشد و با عمل بدان هرگز گمراه نشوند، و تا قیامت سرور سایر امم باشند. اما عمر بن خطاب به مواجهه با آن حضرت برخاست و مانع آن شد که پیامبر ﷺ عهد خود را بنگارند! طلقاء و آزادشدگان قریش هم که آن زمان بسیاری از آنها در مدینه حضور داشتند، سخن او را تأیید کردند و فریاد زدند: آنچه عمر می‌گوید، صحیح است! دوات و کاغذ را به او نزدیک نکنید، کتاب خدا ما را بس است.

معنی این سخن آن است که ما سنت پیامبر را رد می‌کنیم و نمی‌خواهیم برای ما پیمان و امان‌نامه‌ای در برابر گمراهی بنویسد!

بخاری در شش جای صحیح خود جبهه‌گیری عمر در قبال رسول خدا ﷺ را نقل می‌کند! و پیروان دستگاه خلافت تا به امروز، به دفاع و جانب‌داری از عمر می‌پردازند! بدین ترتیب امت از فرمان پیامبر ﷺ سرپیچی کرد و به رهبری عمر، به آینده‌ای ایمن از گمراهی و فتنه پشت پا زد، و این برخورد عجیب‌ترین رفتاری است که امتی با پیامبرش داشته است! مسند الشامیین ۱/ ۵۶ از ایشان روایت می‌کند: «به من وحی شده که از دنیا می‌روم و مهلتی ندارم، و شما پاره پاره - در حالی که برخی گردن برخی را می‌زنند - به دنبال من خواهید آمد.» مقصود از این روایت آن است که در حکومت پس از من طمع می‌کنید و بر سر آن خواهید جنگید! ایشان این مطلب را از این بابت فرمودند که برخی صحابه در بیماری حضرت اظهار داشته بود که حضرت نمی‌میرند، و البته غرضی در ورای آن نهفته بود، او می‌خواست با این کار از بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه‌ی پیامبر ﷺ جلوگیری به عمل آورد! طبرانی در المعجم الکبیر ۶۹/ ۲۲ و مسند الشامیین ۳/ ۱۲۴ از واثله بن اسقع از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «شما می‌پندارید من آخرین نفر از میان شما هستم که می‌میرم، حال آنکه نخستین فردی هستم که از میانتان می‌روم. شما پس از من به صورت گروه‌هایی پاره پاره

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت‌گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خواهید آمد که برخی، برخی دیگر را می‌کشند.^۱

نگارنده: راویان وابسته به خلافت در صدد برآمدند تا زمان این فتنه‌ها را از زمان صحابه دور کنند! علی‌رغم اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله خود به آنان خبر دادند که پس از ایشان برسر حکومت نزاع می‌کنند، و خبر دادند که در قیامت دستور می‌رسد که آنها را به سوی آتش برند و جزبه تعداد شترانی که از گله جدا و گم شده‌اند، کسی از ایشان نجات نمی‌یابد - همان گونه که بخاری نقل می‌کند - ولی با این وجود راویان چنین جلوه دادند که این فتنه‌ها در نزدیکی‌های قیامت است!

سوء استفاده راویان دستگاه خلافت از احادیث فتنه!

دستگاه خلافت، به تحریف و دگرگون کردن احادیث فتنه‌هایی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌ی آنها هشدار داده بود، بسنده نکرد، و راویان آنان اسرائیلیات خود را بدان افزودند، و آنها را در راستای خدمت رسانی به خلافت به کار گرفتند!

طیالسی در مسند خود / ۱۰۸ از نعمان بن بشیر و ابن ابی شیبیه در المصنف ۵۹۳ / ۸ از ابو موسی آورده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «پیش از قیامت، فتنه‌هایی مانند پاره‌های شب تاریک خواهد بود، شخص صبح می‌کند در حالی که مؤمن است ولی شب کافر می‌شود، و شخص شب مؤمن است ولی صبح کافر می‌گردد. گروه‌هایی در آن فتنه‌ها، نصیب خود [از دین] را به ازای متاع اندکی از دنیا می‌فروشند.»^۲

تغییر از ایمان به کفر، بدان معناست که ولایت حق مداران را رها می‌کنند و به باطل می‌گروند، یا آنکه به ضلالت می‌افتند.

حسن بصری، در وصف کسانی که دچار این فتنه‌ها شدند و دین خود را فروختند، می‌گوید: «به خدا قسم آنان را اشباحی دیدم بدون عقل، و جسم‌هایی بی‌خرد. پروانگان آتش و مگسان طمع‌ورز، با دو درهم می‌آمدند و با دو درهم می‌رفتند، هریک از آنان حاضر بود دینش را به قیمت بزی بفروشد.»^۳

۱. مجمع الزوائد ۳۰۶ / ۷ راویان آن را توثیق کرده است.

۲. و نیز مسند احمد ۳۰۳ / ۲ و ۳۷۲، صحیح مسلم ۱۱۰ / ۱ و سنن ترمذی ۳۳۰ / ۳

۳. حلیة الاولیاء ۱۷۰ / ۱۰

او این کلام را در وصف مردمان عوام و پیروان فرومایه گفته است، ولی سخنی در وصف رهبران و پیشوایان گمراهی به میان نیاورده است!

ابوهریره در آخر عمر اعتراف کرد که پیامبر ﷺ مسلمانان را از فتنه های قریش و کودکان آنان بر حذر داشت، و نیز اذعان نمود که خود، به جهت ترس از قتل، این روایات را کتمان می کرده است.^۱ یکی از مشهورترین کسانی که به تحریف احادیث فتنه پرداخت، ابو موسی اشعری است. وی در بصره، در نبرد امیرالمؤمنین علیه السلام با اهل جمل، با سوء استفاده از این احادیث، کوشید تا مسلمانان را از یاری امام علیه السلام باز دارد. او به این استدلال کرد که پیامبر ﷺ از جنگ نهی کرده است. غرض او این بود که طلحه و زبیر و عایشه بر بصره و به دنبال آن بر کوفه سیطره یابند و حکومت را از حضرت امیر علیه السلام سلب کنند.^۲

حدیثی که وی بدان تمسک می کند در منابع سنیان معروف است، احمد در مسند ۴/ ۱۶ از وی چنین روایت می کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: پیش از قیامت، فتنه هایی مانند پاره های شب تاریک خواهد بود، در آن فتنه ها شخص صبح مؤمن است ولی شب کافر می شود، و شب مؤمن است ولی صبح کافر می گردد. در آن فتنه ها کسی که بنشیند از ایستاده بهتر است، و ایستاده از کسی که راه می رود و کسی که راه می رود از کسی که می دود. پس کمان هایتان را بشکنید، زه هایتان را پاره کنید و شمشیرهایتان را بر سنگ بزنید، اگر در خانه ی یکی از شما وارد شوند، مانند پسر خوب آدم [هابیل، که کشته شد ولی دست به سمت برادرش نبرد] باشید.»^۳

حکم به صحت این حدیث توسط سنیان شگفت آور است، زیرا هر دو طرف استحقاق دوزخ خواهند داشت، علاوه بر آنکه با قرآن نیز مخالف است، خدای متعال می فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي

۱. رک به صحیح بخاری ۸/ ۸۸

۲. رک به جواهر التاریخ، جلد اول

۳. مشابه آن در الفتن ۱/ ۳۰، بخاری ۴/ ۱۷۷، سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۱۰، سنن ابوداود ۲/ ۳۰۵، مستدرک حاکم

۴/ ۵۵۵ و سنن بیهقی ۸/ ۱۹۱ آمده است. البانی در ارواء الغلیل ۸/ ۱۰۲ آن را صحیح می شمارد.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تَبَغِي حَتَّى تَفِي إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ^۱،
واگردو طائفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دورا اصلاح دهید، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طائفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میان آنها را به عدالت سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.»
بخاری در ۹۱/۸ تحت عنوان «فصلی در اینکه فتنه‌ای به وقوع می‌پیوندد و کسی که در آن بنشیند بهتر از کسی است که بایستد» همین مضمون را از ابوهریره روایت می‌کند. او سپس در «فصلی در اینکه اگر دو مسلمان با شمشیر با یکدیگر مواجه شوند»، داستان حسن بصری با ابوبکره - برادر زیاد بن ابیه - را آورده است. وی می‌گوید: «شبی از شب‌های فتنه [جنگ جمل]، سلاحم را برداشتم و خارج شدم، ابوبکره نزد من آمد و گفت: کجا می‌خواهی بروی؟ گفتم: می‌خواهم پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله را یاری نمایم. او گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه دو مسلمان با شمشیر با یکدیگر مواجه شوند، هر دو اهل آتش اند! از ایشان پرسیدند: [علت اینکه] قاتل [اهل آتش است] واضح است، ولی چرا مقتول؟ حضرت گفتند: او در صدد کشتن دیگری بود.»

ابو سعید خدری و جاریه بن عبدالله، سخن ابوبکره را رد کردند، ولی بخاری در این رابطه خود را به غفلت زده است، آن دو گفتند: «خدا ابوبکره را لعنت کند، هم بد شنید و هم بد پاسخ داد! رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابو موسی اشعری چنین فرمود: پس از من فتنه‌ای خواهد بود که تو اگر در آن خواب باشی بهتر از آن است که نشسته باشی و اگر نشسته باشی بهتر از آن است که راه بروی.»^۲
این دو تن، گواهی دادند که ابو موسی این حدیث را تحریف کرده است، عمار نیز شاهد سوم آن است. طبری در تاریخ ۳/ ۴۹۷ نقل می‌کند که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام، امام حسن علیه السلام و عمار را به کوفه فرستاد، امام مجتبی علیه السلام به ابو موسی فرمود: «ای ابو موسی! چرا مردم را از [یاری] ما باز می‌داری؟ به خدا سوگند ما جز اصلاح را نمی‌خواهیم، و کسی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام هم از چیزی نمی‌هراسد!

۱. سوره‌ی حجرات ۹/

۲. الغارات ۲/ ۵۵۷

ابو موسی در پاسخ گفت: راست گفתי، پدر و مادرم فدایت، ولی با شخصی امین مشورت کردید، از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: فتنه ای خواهد بود که در آن، نشسته بهتراز ایستاده است و ایستاده بهتراز راه رونده و راه رونده بهتراز سواره.

در این هنگام، عمار که از این سخن ناراحت شده بود، غضب کرد و ایستاد و گفت: ای مردم! پیامبر ﷺ به ابو موسی تنها این را فرمود: [فتنه ای خواهد بود که] اگر تو در آن بنشینی بهتراز آن است که ایستاده باشی.

در تاریخ مدینه دمشق ۹۳ / ۳۲ می آورد که عمار با او چنین مواجه شد که تواز زمهری افراد لیلۃ العقبة هستی که توطئه کردند پیامبر ﷺ را به قتل برسانند، وی چنین می نگارد: «ابو موسی آمد و گفت: مرا با توجه کار، آیا برادر تو نیستم؟ عمار گفت: نمی دانم، تنها این را می دانم که از پیامبر ﷺ شنیدم که لیلۃ الجبل تو را لعنت می کرد! ابو موسی گفت: ایشان برای من طلب آموزش کرده است. عمار پاسخ داد: شاهد لعنت بودم ولی طلب آموزش را، نه.»

اهل سنت این روایت را به خاطر محمد بن علی بن خلف العطار ضعیف می شمارند، ولیکن خطیب او را توثیق کرده است.

ابو موسی یکی از صحابه است و چند تن از صحابه شهادت می دهند که وی یکی از روایات فتنه را تحریف نموده است. حضرت امیر ﷺ هم او را از امارت کوفه عزل فرمود و سامری نامید، شباهت او به سامری آن است که ابو موسی می گفت: «لا قتال» یعنی جنگ نکنید، و سامری می گفت: «لا مساس» یعنی به من دست نزنید.

ابو موسی، خود نیز اعتراف می کند که پیامبر ﷺ او را گمراه کننده معرفی کردند، مناقب آل ابی طالب ﷺ ۲ / ۳۶۳ از ابن مردویه از سوید بن غفله روایت می کند: «با ابو موسی در کنار فرات بودیم، او گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: بنی اسرائیل با هم اختلاف کردند و این اختلاف تا آنجا ادامه داشت که آنها دو حکم گمراه که پیروانشان نیز گمراهند، گماردند، شما نیز پیوسته در اختلافید تا آنجا که دو تن را حکم قرار می دهید که هم خود

۱. شبی که تعدادی از منافقان صحابه در صدد کشتن رسول خدا ﷺ برآمدند و خواستند وقتی شترایشان از فراز گردنه ای که در کوه بود عبور می کند، آن را رم دهند تا حضرت را به درّه بیندازند. م

گمراهند و هم کسانی که از آنها تبعیت می کنند!

سوید گوید: من به ابو موسی گفتم: تو را در پناه خدا قرار می دهم که مبادا یکی از آن دو باشی! پس وی جامه اش را در آورد و گفت: از این کار به درگاه خدا دوری می جویم، هم چنان که جامه ام را از خود دور ساختم.^۱

یعقوبی در تاریخ خود ۱۹۰/۲ پس از آنکه جریانی مشابه را نقل می کند می نویسد: «سوید گفت: چه بسیار بلا، که به خاطر سخن گفتن است. من او را پس از جریان حکمین دیدم و گفتم: خداوند، چون امری را اراده کند، مغلوب نمی گردد.»!

نگارنده: محقق، نمی تواند به گزارش هایی که امثال ابو موسی درباره ی فتنه نقل می کنند اعتماد نماید، زیرا هم چنان که می بینیم آنها این روایات را علناً تحریف کرده، دگرگون جلوه می دهند. آنان قتل عثمان را بالاترین فتنه قرار دادند و برای مطالبه ی خون او، به نبرد با امیرالمؤمنین علیه السلام و امت پرداختند. آنچه در اینجا مقصود ماست، فتنه هایی است که متصل به ظهور امام عصر علیه السلام می باشد. روایات صراحت در این دارد که فتنه ها تا زمان ظهور آن حضرت ادامه دارد، و آنها را علاوه بر شیعیان، سنیان نیز نقل کرده صحیح شمرده اند.

طبرانی در المعجم الکبیر ۱۸/۵۱ از عوف بن مالک روایت می کند: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا شام فتح می شود؟ فرمود: آری، نزدیک است و پس از آن فتنه هایی رخ می دهد، سپس فتنه ای تاریک به وقوع خواهد پیوست و به دنبال آن، فتنه ها یکی پس از دیگری رخ می نماید، تا آنکه مردی از اهل بیت که مهدی نام دارد، قیام کند، اگر او را درک کردی پیروی کن و از هدایت یافتگان باش.»

فتنه ی جهانی و پر شدن زمین از ظلم و جور جباران

منابع و کتب اسلامی در این مطلب اتفاق دارند که مأموریت حضرت مهدی علیه السلام آن است که زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم آکنده شده، از عدل و داد پر کند. این امر، خود بر آن دلالت دارد که ظهور ایشان پس از فتنه ای فراگیر خواهد بود.

۱. و نیز شرح نهج البلاغة ۱۳/۵۰۷

این مطلب که ظلم پهنه‌ی زمین را فرا می‌گیرد، براکثر زمان‌ها انطباق دارد. خداوند می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۱ به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد تا به آنان جزای بعضی از کارهایشان را بچشاند، باشد که بازگردند.»

ولی در زمان ما، فساد و تباهی در خشکی و دریا و حتی هوا آشکار شده و چنان زمین از ستم آکنده است که عرصه‌ی آن به تنگ آمده است!

اینک نمونه‌هایی از احادیث شیعه و سنی در این باره:

کمال الدین ۲۸۶/۱ از جابر آورده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «مهدی از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه اش کنیه من می‌باشد، او در خلقت و اخلاق شبیه ترین مردمان به من است. او غیبتی خواهد داشت که امت‌ها در آن به حیرت و گمراهی دچار می‌شوند، سپس به مانند ستاره‌ی درخشان می‌آید و زمین را پراز عدل و داد می‌کند، هم چنان که از ستم و بیداد آکنده شده است.»

همان کتاب ۲۸۷/۱ از امیرمؤمنان علی علیه السلام از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «مهدی از فرزندان من است. برای او غیبتی خواهد بود که امت‌ها در آن دچار حیرت و گمراهی می‌شوند. او ذخیره‌ی پیامبران ﷺ [یعنی کتاب‌ها، علوم و آثار نبوت ایشان] را به همراه می‌آورد. سپس زمین را پراز عدل و داد می‌کند، هم چنان که از ستم و بیداد آکنده شده است.»

مسند احمد ۳۷/۳ از ابو سعید خدری از پیامبر ﷺ: «شما را به مهدی بشارت می‌دهم. او در زمان اختلاف میان مردم و بروز زلزله‌ها، در میان امتم برانگیخته می‌شود، پس زمین را پراز عدل و داد می‌کند، بعد از آنکه از ستم و جور پر شده است.»

همودر ۱۷/۳ چنین روایت می‌کند: «قیامت برپا نمی‌شود مگر پس از آنکه مردی از اهل بیتم به حکومت برسد که پیشانی اش بلند است و بینی اش برجستگی دارد. او زمین را پراز عدل می‌کند، هم چنان که پیش از او، از ستم پر شده است.»

۱. سوره‌ی روم/ ۴۱

اهل بیت علیهم السلام امان امت و کشتی نجات از فتنه‌ها

پیامبر ﷺ اهل بیت خود را کشتی نجات این امت، از فتنه و گمراهی معرفی کردند و فرمودند: «مَثَل اهل بیتم در میان شما مثل کشتی نوح است که هر کسی بر آن سوار شود، نجات یافته و هر کسی سرپیچی کند، غرق می شود.»

حدیث وصیت آن حضرت نسبت به قرآن و عترت نیز نزد همه متواتر است.

شیخ صدوق رحمه الله در اعتقادات / ۹۴ می نگارد:

«اعتقاد ما درباره ی اهل بیت علیهم السلام این است که آنها اولوا الامر هستند و خدای متعال به اطاعت و پیروی از آنان دستور داده است. آنان گواهان بر مردم و باب های خداوند هستند. ایشان راه و راهنمای به سوی خدا، مخزن دانش الهی، مترجمان وحی و ارکان توحیدند. از خطا و لغزش معصوم و کسانی هستند که خداوند هرگونه پلیدی را از ایشان زدوده و آنان را پاک و مطهر قرار داده است. آنها معجزات و دلایل صدق امامت دارند، و هم چنان که ستارگان موجب ایمنی اهل آسمانند، ایشان موجب ایمنی اهل زمین هستند.

مَثَلشان در این امت، مثل کشتی نوح و یا باب حطه^۱ است. آنان بندگان گرامی خدا هستند که در سخن بر خدا پیشی نمی گیرند و پیوسته به فرمان او عمل می کنند.»
ایشان در خصال ۵۷/۳ از رسول خدا ﷺ روایت می کند که به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: «یا علی! مَثَل تودر میان امتم، مثل کشتی نوح است. هر کسی بر آن سوار شود، نجات یابد، و هر کسی که سرباز زند، غرق گردد.»

عیون اخبار الرضا (ع) ۱/ ۳۰ مشابه همین حدیث را می آورد، ولی فقره ی آخر را چنین نقل می کند: «هر کسی از آن سرباز زند، به سختی در آتش افکنده می شود.»

کفایة الاثر/ ۲۹ از ابوسعید خدری نقل می کند: شنیدم که رسول خدا ﷺ می فرمودند: «اهل بیتم موجب ایمنی اهل زمینند، هم چنان که ستارگان امان آسمانیانند. از آن حضرت پرسیدند: ای رسول خدا! آیا امامان پس از شما از اهل بیت شمایند؟ فرمودند: آری، امامان پس از من، دوازده نفرند، که نه نفر [آنان] از نسل حسین هستند، آنها امین و معصومند و مهدی این

۱. دری که بنی اسرائیل باید از آن وارد می شدند و طلب مغفرت می نمودند.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام (ع)

منزلت امام (ع)

حکومت امام (ع)

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (ع)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (ع)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام (ع) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

امامان، از ماست.

بدانید، آنان اهل بیت و عترت من و از گوشت و خون من هستند، چرا گروه‌هایی با رفتاری که با آنها دارند، مرا می‌آزارند؟ خداوند شفاعت مرا شامل آنها نگرداند.»^۱

همه روایت کرده‌اند که جناب ابوذر رضی الله عنه حلقه‌ی کعبه را می‌گرفت و برای مسلمانان سخن می‌گفت.

المعجم الكبير ۳/ ۶۷ از حنش بن معتمر روایت می‌کند: «ابوذر غفاری را دیدم، در حالی که دو طرف در کعبه را گرفته بود و می‌گفت: هر کسی که مرا می‌شناسد، می‌شناسد اما کسی که نمی‌شناسد، بداند که من ابوذر غفاری ام. شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مَثَل اهل بیت در میان شما، مثل کشتی نوح در قوم نوح است، هر کسی بر آن سوار شود، نجات یابد و هر کس که سرباز زند، هلاک گردد، و نیز مثل باب حطه در میان بنی اسرائیل.»^۲

آیت الله میلانی در نفحات الازهار ۱/ ۶۰ طرق این حدیث را بررسی کرده و صحت آن را نزد عالمان سنی با وجود اختلافات مذاهبشان، به اثبات رسانده است. و نیز ثابت کرده که ضعیف شمردن آن، عناد ورزی و بدون حجت و برهان است.

آیت الله صافی گلپایگانی در امان الامة من الاختلاف ۱/ ۱۷۱ می‌نویسد: «شمار بسیاری از شخصیت‌های سنی، احادیث امان را با طرق فراوان و عبارات نزدیک به هم، از امیرالمؤمنین علیه السلام، انس، ابوسعید خدری، جابر، ابوموسی، ابن عباس، سلمة بن اکوع و... نقل کرده‌اند. ابن حجر هیثمی می‌گوید: هفتمین آیه [از آیاتی که درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام نازل شده است] این فرمایش خداست: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ، تا تو [ای پیامبر!] میان آنان هستی، خداوند عذابشان نخواهد کرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کردند که این خصوصیت در اهل بیت ایشان نیز یافت می‌شود و آنها امان اهل زمینند، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله خود

۱. و نیز رک به علل الشرائع ۱/ ۱۲۳ و کمال الدین ۵/ ۲۰۵.

۲. و نیز المعجم الاوسط ۴/ ۹ و ۵/ ۳۰۶، المعجم الصغير ۱/ ۱۳۹ و ۲/ ۲۲، المصنف ابن ابی شیبہ ۷/ ۵۰۳، مجمع الزوائد ۹/ ۱۶۸، شواهد التنزیل ۱/ ۳۶۰، تاریخ بغداد ۱۲/ ۹۰. خطیب تبریزی در الاکمال ۵۹/ آن را صحیح می‌شمارد و صالحی شامی در سبیل الهدی ۱۱/ ۱۱ می‌نویسد: سخاوی آن را حدیثی قوی شمرده است.

موجب امان اهل زمین است. و در این باره احادیث بسیاری رسیده است.»

اما ببینیم که بزرگ مفسر سنیان، فخر رازی، چه شگردی به کار بسته تا این حدیث را از معنای صحیحش دور کند! وی در تفسیرش ۱۶۷/۲۷ می‌گوید:

«این آیه [مودت ذوی القربی] دلالت دارد که دوستی آل رسول ﷺ و اصحابش (!) واجب است. و این منزلت و مقام [لزوم محبت آل و اصحاب] جز بر رأی ما اهل سنت، که میان محبت عترت و اصحاب جمع کردیم، درست نمی‌آید. از برخی واعظان شنیدم که از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کرد: مَثَل اهل بیتم، مثل کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شود، نجات می‌یابد. آن حضرت می‌گویند: اصحابم مانند ستارگانند، از هریک پیروی کنید، هدایت می‌شوید.

هم اکنون، ما در دریای تکلیف هستیم و امواج شبهات و شهوات است که بر ما می‌تازد و کسی که در دریاست، به دو چیز نیازمند است: یکی کشتی‌ای که عیب و سوراخی نداشته باشد و دوم ستارگان آشکار و درخشان. اگر بر آن کشتی سوار شود و نگاهش به ستارگان درخشان بیفتد [و جهت را دریابد] غالباً امید سلامت و رهایی می‌رود. ما اهل سنت، اینچنین هستیم. ما بر کشتی محبت آل محمد سوار شده‌ایم و چشمان خود را به ستارگان صحابه دوخته‌ایم، لذا از خداوند متعال امید سلامت و سعادت در دنیا و آخرت را داریم.»

می‌بینیم که فخر رازی سند حدیث «اهل بیتم مانند کشتی نوحند» را، گفته‌ی یک واعظ قرار داده است، در حالی که نزد اهل سنت، صحیح است! اما «اصحابم مانند ستارگانند» را، حدیث نبوی صحیحی قلمداد می‌کند، به رغم آنکه عالمان بزرگ سنی، حکم به دروغین بودن آن کرده‌اند! البته که فخر، خود می‌دانسته که حدیث سفینه‌ی نوح صحیح و اصحاب من مانند ستارگانند دروغ است، ولی طریقه‌ی تعصب و تزویر را در پیش گرفته است!

ابن حزم در الاحکام ۶/۸۱۰ می‌نویسد: «اما روایت اصحابم مانند ستارگان اند، از اعتبار ساقط است.» وی سپس سند آن را [که از جمله راویانش سلام بن سلیمان است] ذکر می‌کند و می‌افزاید: «سلام بن سلیمان احادیث دروغین را روایت می‌کند و بدون تردید این حدیث، از جمله آنهاست.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تحفة الاحوذی ۱۰/ ۱۲۵ می نگارد: «ابوبکر بزار گوید: چنین سخنی از پیامبر ﷺ صحیح نیست.»

مطلب دیگری که جلب توجه می کند، آن است که فخر رازی، اهل بیت علیهم السلام را کشتی ای می داند که سواره اش را هدایت نمی کند (!) اما صحابه را، ستارگانی می شمارد که سواران کشتی را راهنمایی می کنند!

اختلاف روایات در تعداد فتنه های که در این امت رخ می دهند!

اقوال در شمارش فتنه های موعود این امت، مختلف است. با این حال، ضروری به بحث ما که درباره ی فتنه ی نهایی و متصل به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، نمی رساند.

برخی روایات از سه فتنه سخن می گویند

تاریخ ابن معین ۱/ ۳۱۷ از ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: «فتنه هایی سخت بر سر شما خواهد آمد؛ در نخستین آنها، سنگ های سیاه داغ می بارد، دومن آنها بارش سنگ های آتشین است، و سومی تاریکی و ظلمتی است که تا روز قیامت ادامه می یابد، کسانی که در آنها کشته می شوند مانند کشته های دوران جاهلیتند.»

همودر ۱/ ۲۳۴ از کعب روایت می کند: «سه فتنه در شام خواهد بود؛ یکی ریختن خون ها، دیگری قطع رجم ها و غارت اموال، و سپس فتنه ی کور مغرب.»

همان کتاب ۱/ ۵۷ از کعب: «سه فتنه خواهد بود که به مانند دیروزتان که گذشت [حتمی الوقوع] است؛ فتنه ای در شام، سپس فتنه ای شرقی که هلاکت پادشاهان است، و به دنبال آن فتنه ای غربی - و پرچم های زرد را یاد کرد - وی افزود: فتنه ی غربی، کور است.»

در اکثر عبارات سنگ های سیاه داغ بر سنگ های آتشین مقدم است و آن را بر قتل عثمان تطبیق کرده اند.

مقصود راوی از فتنه ی غربی و پرچم های زرد که از کعب نقل می کند، جنبش فاطمیین است، چون آنها از مغرب جهان اسلام، به مصر و نقاط دیگر روی آوردند و به مانند انصار

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پرچمی زرد داشتند. این امر موجب تردید در این می‌شود که مبدا روایت را برضد جنبش فاطمیین - که دشمنان آن، آن را فتنه‌ی مغرب می‌نامند - به دروغ به کعب نسبت داده باشند.

در روایتی در التذکره‌ی قرطبی آمده است که در میان پرچم‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پرچم‌هایی به رنگ زرد وجود دارد، و بعضی از برادران لبنانی بدان استناد می‌کنند و آن را بر پرچم‌های مقاومت در لبنان تطبیق می‌دهند.

ملاحظه می‌شود که این عبارات، حدیث نیستند، بلکه گفته‌های کعب، ابوهیره، حذیفه و دیگران است. مسلمانان نیز به سخنان صحابه درباره‌ی فتنه اهتمام داشتند، به ویژه سخنان حذیفه، که معروف بود که مخزن اسرار رسول خدا صلی الله علیه و آله است و اسامی منافقین و اخبار فتنه‌ها را نیز می‌داند.

از این رو این سخنان، ارزش علمی ندارند، علاوه برآنکه در فتنه‌های آن دوران، مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، هم چنان که رویکرد ابو موسی اشعری را دیدیم. این مطلب با آنچه که ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق نقل می‌کند، واضح ترمی‌گردد، وی در ۷۸/۳۹ به نقل از زید بن وهب می‌نویسد: «نامه‌ای از عثمان رسید و برای مردم خوانده شد که چنین بود: السلام علیکم، لشکر ذی المروة اینجا آمدند. از جمله شروط صلح با ایشان، آن بود که حق هر صاحب حقی ادا شود. پس هر کسی حقی از ما طلب دارد، بشتابد، اما اگر کسی تأخیر کرد یا سستی نمود، حقش را صدقه حساب کند، که خدا صدقه دهندگان را پاداش می‌دهد. مردم گفتند: خدایا! صدقه دادیم.

بعد از چهل شب، خبر کشته شدن عثمان به ما رسید که جزع و اضطراب مردم را در پی داشت. پس من به سراغ دوستی که در کنار او آرامش می‌یافتم، رفتم و گفتم: مردم کاری کردند که خود می‌بینی! گروهی از یاران محمد صلی الله علیه و آله در میان ما هستند، ما را نزد آنان ببر.

پس نزد ابو موسی که حکومت کوفه را بر عهده داشت رفتیم. توصیه‌ی او در آن اوضاع، نهی از دامن زدن به فتنه و امر به نشستن در خانه بود.

از آنجا به خانه‌ی حذیفه رفتیم اما او را نیافتیم، به مسجد آمدیم و دیدیم پشت به ستون

مسجد داده و مردی هم در کنار او بود، من گفتم: گمان دارم که او کاری دارد و لذا با قدری فاصله از ایشان نشستیم، پس مردی آمد و نزد آنها رفت، ما نیز برخاستیم و نزد او نشستیم، حذیفه که انگشت ابهام را می‌گزید گفت: فتنه‌ای به سراغ شما آمده که سنگ‌های سیاه داغ می‌افکند، سپس فتنه‌ای دیگر خواهد بود که سنگ‌های آتشین می‌پراکند، آنگاه فتنه‌ی تاریکی به وقوع خواهد پیوست که در آن، آدمی صبح هنگام در مسیر هدایت است ولی شب، همراه می‌گردد، و یا شب هنگام در مسیر هدایت است اما صبح، همراه می‌شود، انسان عاقل نیز سرگردان است و نمی‌داند همراه است یا در هدایت به سر می‌برد!

آگاه باشید که فتنه‌ی سوم، به دفعات رخ می‌دهد و از چند راه می‌آید. پس اگر توانستی در این وضع بمیر و یا کناره‌گیری کن!

در این هنگام مردی که نزد حذیفه نشسته بود، گفت: ای یاران محمد! خدا سزای شما را بدهد! به خدا سوگند، آن قدر امور را بر ما مبهم و مشتبه کردید که نمی‌دانیم بنشینیم یا برخیزیم! چرا مردم را در روز جرعه [ایام اعتراض مردم بر ضد عثمان] از فتنه نهی نکردی؟! حذیفه گفت: من، خود و ابن خضرامه را از آن باز داشتم و اگر او را نهی نمی‌کردم، هرآینه از کسانی می‌بود که در آن فتنه شرکت می‌نمودند و گرفتار آن می‌شدند.

مقصود راوی از فتنه‌ی نخست که در آن سنگ‌های سیاه داغ می‌بارد، فتنه‌ی قتل عثمان است، و مراد وی از فتنه‌ای که در آن سنگ‌های آتشین می‌بارد، جنگ‌هایی است که بر ضد امیرالمؤمنین علیه السلام به راه می‌اندازند، و مقصودش از سومین فتنه که به دفعات و از راه‌های متعدد رخ می‌نماید، فتنه‌ی بنی‌امیه می‌باشد.

هدف راوی آن است که حذیفه رضی الله عنه را مخالف قتل عثمان و جنگ‌های حضرت علی علیه السلام معرفی کند! در حالی که او والی عثمان برمدان بود، و از طرفی وقتی خبر بیعت مسلمانان با امیرالمؤمنین علیه السلام به وی رسید، مسرور شد. او با اینکه در آن زمان بیمار بود، گفت: مرا بردارید و بر منبر بگذارید. سپس خطبه‌ای خواند و حقانیت حضرت امیر علیه السلام نسبت به خلافت - بر طبق وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله - را برای مردم بازگو کرد و همانجا و آشکارا بیعت خود را اعلام نمود و مسلمانان را فرمان داد تا با آن حضرت بیعت کنند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

وی دو پسرش را نیز وصیت کرد تا با امیرالمؤمنین علیه السلام، و آزمند شهادت در کنار ایشان باشند، آن دو نیز به این وصیت عمل نمودند و در صفین و در رکاب آن حضرت به شهادت رسیدند. خود حذیفه هم پس از چند روز در همان مدائن درگذشت، در حالی که این گزارش چنین نشان می‌دهد که وی در کوفه بوده است و این امر خود از علائم دروغین بودن آن است. الفتن ۵۳/۱ مشابه همین مضمون را از حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است: «فتنه‌ای خواهد بود، و آنگاه همبستگی و اتحاد خواهد شد، باز فتنه‌ای به وقوع می‌پیوندد که همبستگی و اتحاد را در پی دارد، سپس فتنه‌ای رخ می‌نماید که عقل‌ها در آن سرگردان می‌شود.» مقصود از فتنه‌ی نخست، قتل عثمان است و مراد از دومین فتنه، جنگ‌هایی است که برضد حضرت امیر علیه السلام برپا می‌شود و منظور از سومین آن، فتنه‌ی بنی امیه است، و این با عقیده خوارج هماهنگ است.

برخی روایات از چهار فتنه سخن می‌راند

الفتن ۵۴/۱ از عمران بن حصین از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آورد: «چهار فتنه خواهد بود؛ در نخستین آنها، خونریزی مباح می‌شود، در دومین فتنه خون و مال مردم حلال شمرده می‌شود، و در سومی خون و مال و ناموس، و فتنه‌ی چهارم دجال است.»

المعجم الکبیر طبرانی ۱۸۰/۱۸ مشابه آن را آورده است، اما در آن سخنی از فتنه‌ی چهارم یعنی دجال نیست، امری که به دستبرد کعب الاحبار در حدیث اشاره دارد!

الفتن ۵۳/۱ از عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «در اتم چهار فتنه خواهد بود که در چهارمی، هلاکت و نابودی است... در اسلام چهار فتنه به وقوع می‌پیوندد که چهارمی آنان را تسلیم دجال می‌کند.»

الفتن ۵۷/۱ از حذیفه روایت می‌کند: «سه فتنه خواهد بود که چهارمین آنها، دجال را در

۱. و نیز ر.ک به المعجم الاوسط ۱۰۹/۸، حلیة الاولیاء ۲۳/۶، جمع الجوامع ۴۸۱/۱ و جامع المسانید ۴۳۴/۹. مجمع الزوائد ۳۰۸/۷ آن را از طبرانی نقل می‌کند ولی به سبب وجود این لهیه در سند، آن را تضعیف می‌نماید، در حالی که شماری وی را توثیق کرده‌اند.

پی دارد؛ یکی بارش سنگ های آتشین، دیگری بارش سنگ های سیاه داغ، سومی تاریکی و ظلمت، و دیگری فتنه ای است که مانند دریا موج می زند.»^۱

همودر ۶۷/۱ از ابوهیره از پیامبر ﷺ: «پس از من چهار فتنه به سراغ شما خواهد آمد: چهارمن آنها، فتنه ای کر، کور و فراگیر است که امت، در بلا مانند پوست ساییده می شوند، و چنان می شود که معروف، منکر و منکر، معروف می گردد و قلب هایشان می میرد، هم چنان که بدن هایشان می میرد.»

همان ۵۵/۱ از ابوهیره از پیامبر ﷺ: «پس از من چهار فتنه خواهد بود: در فتنه ی نخست، خون ها ریخته می شود، در دومن آنها، خون و مال مردم حلال شمرده می شود، و در سومی خون و مال و ناموس ایشان، چهارمین فتنه، کور و کراست و اتم در آن، مانند پوست ساییده می شوند.»
در ۵۶/۱ چنین آمده است: «... چهارمین فتنه، رمیده و سخت و فراگیر است و همچون موج دریا، به تلاطم در می آید، به گونه ای که هیچ یک از مردم، پناهگاهی در مقابل آن نمی یابد. آن فتنه، برگرد شام می گردد، عراق را در بر می گیرد و جزیره را با دست و پایش، در هم می کوبد، و امت در بلا به مانند پوست ساییده می شوند، آنگاه هیچ یک از مردم نمی تواند بگوید بس است، بس است، آن را از هیچ نقطه ای محو نمی کنند مگر آنکه از ناحیه ای دیگر رو می آورد.»

ابن حماد در ادامه از ابوهیره نقل می کند که رسول خدا ﷺ درباره ی آیه ذیل گفتند:
«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتَ أَزْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»^۲ بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند؛ چهار فتنه به وقوع می پیوندد: در فتنه ی نخست، ریختن خون روا شمرده می شود، در دومی خون و مال مردم حلال به شمار می آید، و در سومین فتنه خون و مال و ناموس آنان، چهارمی کور و ظلمانی است و همچون موج دریا به تلاطم در می آید، و چنان

۱. و نیز حلیة الاولیاء ۱/ ۲۷۳

۲. سوره ی انعام / ۶۵

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

ظهور
عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌گسترده که خانه‌ای از عرب نمی‌ماند مگر آنکه در آن وارد می‌شود.»

ابن حماد سپس می‌نویسد: «ارطاة بن منذر می‌گوید: به ما خبر رسیده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهار فتنه در امتم رخ خواهد داد که در آخرین آنها امتم گرفتار فتنه‌هایی پیایی می‌گردد: در اولین فتنه، چنان به امت بلا می‌رسد که مؤمن می‌گوید: این فتنه هلاکت من است، ولی برطرف می‌شود. در فتنه‌ی دوم نیز مؤمن می‌گوید: این هلاکت من است، اما باز برطرف می‌گردد. سومی آن است که هرگاه می‌گویند به پایان رسید، امتداد می‌یابد، و در فتنه‌ی چهارم به کفر درمی‌آیند، و این زمانی است که امت گاه با این است و گاه با آن، بدون آنکه پیشوایی و اتحادی داشته باشد. سپس مسیح خواهد آمد، آنگاه خورشید از مغرب خود طلوع می‌کند. در نزدیکی‌های قیامت، هفتاد و دو دجال خواهند بود که از برخی، تنها یک نفر پیروی می‌کند.»^۱

نگارنده: این عبارات چیزی جز خیالات و آمال کعب الاحبار و امثال وی - نسبت به قرب به پایان رسیدن دوران این امت با خروج دجال پادشاه یهودیان - نیست! ولیکن نابخردان، این بافته‌ها را به احادیثی نبوی مبدل کردند! گواه دروغین بودن آن، این است که دجالی که آنها وعده داده بودند که به هنگام فتح قسطنطنیه قیام می‌کند، هنوز خروج نکرده است!

شاهد دیگر دروغ بودن آن، روایتی است که الفتن ۱/ ۵۷ از عمیر بن هانی آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در فتنه‌ی احلاس، مردمان مال و خانواده‌شان را از دست می‌دهند و می‌گریزند، در فتنه‌ی سراء، دود آن فتنه، از زیر پای مردی که می‌پندارد از من است در حالی که چنین نیست، بیرون می‌آید، اولیای من تنها پارسایان هستند. و سپس مردمان بر مردی اجتماع می‌کنند. آنگاه فتنه‌ای سخت خواهد بود که هرگاه گویند پایان یافت، امتداد می‌یابد چنان که خانه‌ای از عرب نمی‌ماند مگر آنکه در آن وارد می‌شود. در آن فتنه شخص می‌جنگد ولی نمی‌داند در راه حق می‌جنگد و یا باطل، پیوسته چنین است تا آنکه به دو خیمه [و گروه] تقسیم شوند: خیمه‌ی ایمان که هیچ نفاقی در آن نیست و خیمه‌ی نفاق که هیچ ایمانی در آن نیست، وقتی گرد آمدند، همان روز و یا فردای آن دجال را خواهی دید.»

۱. از همین منبع در جمع الجوامع ۴۸۱/۱

مقصود راوی از «مردی که می‌پندارد از من است در حالی که چنین نیست» حضرت امیر علیه السلام است و «کسی که مردمان بر او اجتماع می‌کنند» معاویه، و «فتنه‌ای که شخص در آن می‌جنگد ولی نمی‌داند...» فتنه‌ی ابن زبیر و دیگران.

هدف آنها از این روایت آن است که بگویند جنگ حضرت علی علیه السلام با شورشیانی که بر آن حضرت خروج کرده بودند، فتنه بوده و خود او مسؤولیت آن را بر عهده دارد، به علاوه آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله از او بی‌زاری جسته است!!!

لذا آنان چنین می‌پندارند که بر آن حضرت لازم بود در قبال شورشیان سکوت اختیار کند تا آنها بتوانند سرزمین‌ها را بگیرند و برایشان پیروز شوند! و این در حالی است که هر کسی که بر ابوبکر، عمر، عثمان و معاویه خروج کند، کافرو شورشی است و در میان مسلمانان تفرقه افکنده است و بر آنان و نیز مسلمین واجب است که به نبرد با او پردازند و او را از به فساد کشاندن امت منع کنند! باعث تأسف است که اینان، این عبارت «سپس فتنه‌ی سراء خواهد بود که دود آن، از زیرپای مردی از اهل بیتم که می‌پندارد از من است در حالی که چنین نیست، بیرون می‌آید، اولیای من تنها پارسایان هستند» را که برای ایشان محبوب جلوه داده شده، زیاد روایت کرده‌اند!

احمد در مسند ۲/ ۱۳۳ از عبدالله بن عمر چنین روایت کرده است: «نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که از فتنه‌ها یاد کرد و در این باره مطالب زیادی گفت، تا آنکه سخن از فتنه‌ی احلاس به میان آورد. شخصی پرسید: ای رسول خدا! فتنه‌ی احلاس چیست؟ گفتند: فتنه‌ای که در آن مردمان می‌گریزند و مال و خانواده‌شان را از دست می‌دهند. سپس فتنه‌ی سراء رخ می‌دهد که فساد - یا دود - آن از زیرپای مردی از اهل بیتم که می‌پندارد از من است و حال آنکه چنین نیست، بیرون می‌زند، اولیای من تنها پارسایان هستند. سپس مردمان بر گرد مردی اجتماع می‌کنند، آنسان که بر جایی متزلزل بنشینند. آنگاه فتنه‌ای سخت به وقوع می‌پیوندد که کسی از این امت را رها نمی‌کند مگر آنکه به او لطمه‌ای وارد می‌آورد، و هرگاه بگویند پایان یافت، امتداد می‌یابد. شخص در آن فتنه صبح مؤمن است ولی شب هنگام کافر می‌شود، و هم چنان ادامه می‌یابد تا آنکه مردمان به دو خیمه تقسیم شوند: یکی

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خیمه‌ی ایمان است که هیچ نفاق‌ی در آن نیست و دیگری خیمه‌ی نفاق است که هیچ ایمانی در آن نیست، زمانی که چنین شد در همان روز و یا فردای آن، منتظر دجال باشید.^۱ در معالم السنن ۳۳۶/۴ می‌نویسد: «اضافه‌ی فتنه به احلاس برای آن است که دوام و طول مدت درنگ آن را برساند. زیرا به کسی که خانه نشین است و از آن جدا نمی‌شود می‌گویند که حلس [فرش] خانه است. حلس را در خانه می‌گسترند و تا زمانی که آن را برندارند، از آنجا تکان نمی‌خورد.»

نگارنده: ریشه‌ی تمام این افتراءات را باید نزد بخاری جست، وی از عمرو عاص روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آل ابی طالب علناً بیزاری جست!

وی در صحیح خود ۷۳/۷ از قیس بن حازم از عمرو بن عاص چنین نقل می‌کند: «شنیدم پیامبر آشکارا و نه مخفیانه فرمود: آل ابی عمرو بن عباس [استاد بخاری] گوید: اینجا در کتاب محمد بن جعفر [استاد عمرو بن عباس] سفید است - اولیای من نیستند، اولیای من تنها خدا و مؤمنان صالحند.»

ابن قیم، بنیانگذار مکتب و مدرسه‌ی فکری جوزیه در کتابش زاد المعاد ۵/۱۵۸ سعی کرده تا سخن بخاری را توجیه کند، لذا پنداشته که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله خاندان پدرش هستند!

لیکن ابن حجر عسقلانی اعتراف می‌کند که اصل عبارت بخاری، آل ابی طالب است و در صدد برآمده تا آن را به نحوی دیگر توجیه نماید. وی در فتح الباری ۱۰/۳۵۲ می‌گوید: «خطابی گوید: اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید آنان اولیای من نیستند، مقصود ولی از جهت خویشاوندی و اختصاص است نه ولی در دین، ولی ابن تین ترجیح داده که مقصود آنهایی باشند که اسلام نیاوردند و همین رجحان دارد، زیرا از جمله‌ی آل ابی طالب، علی و جعفر هستند که به خاطر سابقه، قدمت در اسلام و یاری دین، از نزدیکترین کسان به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند.» وی در ادامه می‌نویسد: «بعضی در صحت این حدیث اشکال کرده‌اند، زیرا برخی از راویان

۱. و نیز سنن ابی داود ۲/۲۹۹، المستدرک حاکم ۴/۴۶۶ - وی روایت را صحیح دانسته است -، حلیة الاولیاء ۵/۱۵۸، مسند الشامیین ۳/۴۰۱، علل الحدیث ابن ابی حاتم ۲/۴۱۷، الدر المنثور ۶/۵۶ و...

آن را به نصب، دشمنی و انحراف از حضرت علی و اهل بیت او، نسبت داده‌اند... اما عمرو عاص، اگر چه میان او و علی، اختلاف بود، هرگز نمی‌توان او را متهّم نمود [که دروغ گفته است] (!) و از سویی این حدیث توجیه صحیحی دارد که هیچ گونه نقص و ایرادی را در مؤمنان آل ابی طالب به دنبال ندارد، و آن این است که بگوییم مراد از اینکه اولیای من نیستند، آن است که مجموعه‌ی آل ابی طالب با تمام افراد آن چنین نیستند [نه اینکه هیچ یک از آنها ولی من نباشند]، به علاوه احتمال آن نیز می‌رود که مقصود از آل ابی طالب، خود ابوطالب باشد (!) و چنین اطلاقی جائز است»!

مقصود این ناصبی‌ها آن است که عمرو عاص به دروغ گویی متهّم نشود، نتیجه‌اش هر چه که باشد، باشد!

ابن ابی الحدید نیز در شرح خود ۴/ ۶۴ تصریح می‌کند که عبارت، آل ابی طالب بوده است. آنان از حدیث بخاری مسرور و شادمانند، گویا اعلان نبوی بیزاری از حضرت علی و عترت علیهم‌السلام

است!

آنان تمنا دارند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از حدیث ثقلین، وجوب صلوات بر آل در کنار ایشان و ده‌ها حدیث دیگر که فرمان به اطاعت از آنان می‌دهد، باز گردد و تجدید نظر کند! بلکه فراتر آنکه تمنای آن دارند که آیاتی از قرآن که درباره‌ی آنان است، نسخ گردد!

ابن تیمیه در منهاج السنه ۷/ ۷۶ می‌نویسد: «در حدیث صحیح است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفتند: آل بنی فلان، اولیای من نیستند، اولیای من تنها خدا و مؤمنان صالح‌اند. پیامبر بیان کرده است که اولیاء او مؤمنان صالح‌اند، و نیز در حدیث دیگر است: اولیای من تنها پرهیزکارانند، هر زمان و هر کجا که باشند.»^۱

اما خداوند دروغشان را بر ملا کرده است چرا که حدیث جعلی آنها، صراحت دارد در اینکه خروج دجال، چهل سال پس از فتنه‌ی علی علیه‌السلام (!) است.

۱. ابن تیمیه با این حدیث سرو صدای بسیاری به راه انداخته است. وی آن را در الفتاوی ۵۴۳/۱۰، دقائق التفسیر ۴۸/۲، مجموع الفتاوی ۱۱/ ۱۶۴ و ۲۷/ ۴۳۵ و ۲۸/ ۲۲۷ و ۵۴۳ و جامع الرسائل ۵۱۰/ آورده است. ابن قیم نیز در جلاء الافهام ۲۲۶، ابن رجب در جامع العلوم والحکم ۳۴۷/ و ابن حجر در تغلیق التعلیق ۵/ ۸۶ روش ابن تیمیه را در پیش گرفته‌اند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ابن حماد در الفتن ۶۸۶/۲ به نقل از حدیقه آورده است: «پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله تا قیامت، چهار فتنه خواهد بود: اوّلی پنج سال است [مقصودش خلافت حضرت علی علیه السلام است که پنج سال بود]، دومی بیست سال، سومی نیز بیست سال و چهارمی دجال است.»
و دجال، آن گونه که آنان گمان کردند، چهل سال پس از خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام آشکار نشد!

برخی روایات پنج فتنه را عنوان کرده است

ابن ابی حاتم در علل الحديث ۴۱۱/۲ از عماره بن عبید، بزرگی از جشعم آورده است: «شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما از پنج فتنه سخن به میان می‌آورد که چهارتای آن را می‌دانم که گذشته و پنجمین آنها در میان شما اهل شام است.^۱

عمارۀ در ادامه گفت: اگر به پنجمین فتنه برخوردی و توانستی که در خانه ات بنشین، چنین کن، و اگر هم توانستی سوراخی در زمین پیدا کنی و در آن داخل شوی، چنین کن.»
الفتن ۵۱/۱ از حزن بن عبد عمرو چنین نقل می‌کند: «در غزو طوانه^۲ وارد روم شدیم و در دشتی فرود آمدیم. من افسار چارپایان یارانم را گرفتم و ریسمان آنها را باز کردم و آنان در پی چیزی برای خوردن رفتند، در همین حال بودم که شنیدم کسی می‌گوید: السلام علیک و رحمة الله و برکاته، برگشتم و مردی را دیدم که جامه‌هایی سفید در برداشت، گفتم: السلام علیک و رحمة الله و برکاته، او گفت: آیا از امت احمدی؟ پاسخ دادم: آری، گفت: پس صبوری کنید که این امت، امتی مرحومه است، خداوند پنج فتنه و پنج نماز را برای شما قرار داده است، گفتم: آنها را برایم نام ببر، گفت: به خاطر بسپار: یکی فوت پیامبران است که نام آن فتنه در کتاب خدا، بغته است، پس از آن فتنه‌ی قتل عثمان است که در کتاب خدا صماء نام دارد، سپس فتنه‌ی ابن زبیر است که در کتاب خداوند، عمیاء نام دارد، آنگاه فتنه‌ی ابن اشعث خواهد بود که در کتاب الله بتیراء نامیده شده است، سپس پشت کرد در حالی که می‌گفت: صیلم باقی مانده است، صیلم باقی مانده است، و من نفهمیدم به کجا رفت.»

۱. این مطلب زمانی است که عبد الرحمان بن محمد بن اشعث در مصاف با حجاج شکست خورد.
۲. شهری داخل روم در نزدیکی انطاکیه که حکومت آن بین مسلمانان و رومیان دست به دست می‌گشت و در سال ۸۸ هجری مسلمین در آنجا شکست سختی خوردند، رک به تاریخ مدینه دمشق ۴۴۴/۲۶

ابن اشعث، همان عبدالرحمان بن محمد بن اشعث بن قیس کنندی است. اشعث در زمان امیر مؤمنان علیه السلام سرکرده‌ی منافقان بود، تاریخ زندگی او پراست از نیرنگ و نفاق. وی در قالب هیئتی از کنده نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و اظهار اسلام نمود. چندی نگذشت که به همراه بنی ولیعہ مرتد شد و پس از مدتی به اسارت مسلمین درآمد. اشعث از مسلمانان درخواست نمود تا او را به نزد ابوبکر ببرند، وی نیز او را آزاد کرد و گرامی داشت و خواهرش را به ازدواج او درآورد! ابوبکر بعدها از اینکه او را به قتل نرساند، پشیمان شد!

یعقوبی در تاریخ خود ۱۳۷/۲ روایت می‌کند: «ابوبکر، در آن بیماری که منجر به فوتش شد، حسرت می‌خورد و آرزو می‌کرد که ای کاش برخی از کارها را انجام نداده بود، و از جمله‌ی آنها یورش به خانه‌ی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود، او هم چنین آرزو می‌کرد که ای کاش برخی کارها را انجام داده بود و می‌گفت: ای کاش می‌گذاشتم گردن اشعث بن قیس را بزنند، زیرا چنین گمان دارم که او با هیچ شَرّ و بدی مواجه نمی‌شود، مگر آنکه در راستای آن تلاش می‌کند.»!

دشمنی اشعث با امیر المؤمنین علیه السلام از دشمنی عبدالله بن ابی بن سلول با رسول خدا صلی الله علیه و آله بدتر بود. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «اشعث بن قیس، در خون امیر المؤمنین علیه السلام شرکت جست، دخترش جعده، امام حسن علیه السلام را مسموم کرد و محمد پسرش، در خون امام حسین علیه السلام شرکت کرد.»^۱

اشعث مزدور معاویه بود و پس از هلاکتش، پسر و نوه‌اش محمد و عبدالرحمان، به ترتیب به جای او ریاست قبیله‌ی کنده را برعهده گرفتند. این دو، با معاویه و سپس با یزید بودند. بعدها عبدالرحمان در بصره و جنوب ایران برضد مروانیان شورید و جنگی طولانی میان او با آنها در گرفت که در نهایت، عبد الملک بن مروان وی را به قتل رساند.

بنابراین شورش او از لحاظ مکانی و زمانی محدود است و نمی‌تواند فتنه‌ای برای تمام امت به شمار آید، ولیکن راوی روایت فتنه‌های پنجگانه را تحریف کرده و حرکت وی را پنجمین فتنه‌ی

۱. کافی ۱۶۷/۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

موعود به حساب آورده است، و سپس چنین پنداشته که هاتفی در دشت طوانه آن را گفته است.

تنها نقلی که در این رابطه قابل توجه است، آن است که ابن حماد در الفتن ۱/ ۵۱ از عاصم بن

ضمهر آورده که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند در این امت پنج فتنه قرار داده است: ابتدا

فتنه‌ای عام، بعد فتنه‌ای خاص، آنگاه فتنه‌ای عام، سپس فتنه‌ای خاص، و آنگاه فتنه‌ی

سیاه و ظلمانی که مردمان [در آن] هم چون چارپایان می‌شوند، سپس آرامشی خواهد بود،

و پس از آن کسانی می‌آیند که به گمراهی دعوت می‌کنند. اگر در آن هنگام خلیفه‌ای الهی

وجود داشت، همراه او باش.»

المصنف عبدالرزاق ۱۱/ ۳۵۶ آن را چنین آورده است: «در این امت پنج فتنه قرار داده شده

است: فتنه‌ای عام، سپس فتنه‌ای خاص، بعد فتنه‌ای عام، آنگاه فتنه‌ای خاص، و سپس

فتنه‌ای کور، کرو فراگیر که در آن، مردمان مانند چارپایان خواهند شد.»^۱

تفسیر فتنه‌ی خاص و فتنه‌ی عام در این روایات دشوار است و از آن دشوارتر، مشخص کردن

زمان آنهاست!

برخی روایات هم از هفت فتنه سخن گفته‌اند

الفتن ابن حماد ۱/ ۵۵ در این باره چنین آورده است: «عبدالله بن مسعود می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله

به ما فرمود: من شما را از هفت فتنه که پس از من خواهد بود، بر حذر می‌دارم: فتنه‌ای که از

مدینه رو می‌آورد، فتنه‌ای در مکه، فتنه‌ای از یمن، فتنه‌ای از سوی شام، فتنه‌ای از شرق،

فتنه‌ای از غرب و فتنه‌ای که از دل شام رخ می‌نماید که فتنه‌ی سفیانی است.

ابن مسعود می‌گوید: برخی از شما آغاز فتنه را درک می‌کنید و شماری از امت، انجام آن

را درمی‌یابند.

ولید بن عیاش می‌گوید: فتنه‌ی مدینه توسط طلحه و زبیر به وقوع پیوست، فتنه‌ی مکه

فتنه‌ی عبدالله بن زبیر بود، فتنه‌ی یمن توسط نجدة [بن عامر حروری] واقع شد، فتنه‌ی

۱. و نیز المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۵۹۹، المستدرک حاکم ۴/ ۴۳۷ و ۵۰۴. و آن را صحیح دانسته - و الملاحم ابن

شام از ناحیه ی بنی امیه بود و فتنه مشرق هم توسط اینان [عباسیان] رخ خواهد داد.^۱
نگارنده: ولید بن عیاش از پیروان بنی امیه است.

فتنه های متصل به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

هدف ما فتنه های متصل به ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. روایاتی که از این فتنه ها سخن به میان می آورد، یا به صراحت و یا به کمک قرائن، اتصال آنها را به زمان ظهور ایشان بیان می کند. احادیث بسیاری در این باره وجود دارد که به عنوان نمونه به روایتی که عبدالرزاق نقل می کند، اشاره می شود.

وی در المصنف ۱۱ / ۳۷۱ از ابو سعید خدری می آورد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله بلایی را که به این امت می رسد، چنین وصف نمودند: چنان می شود که آدمی پناهگاهی نمی یابد که از ظلم، بدان پناه ببرد. آنگاه خداوند مردی از عترت و اهل بیت را برمی انگیزد و به دست او زمین را پراز عدل و داد می کند، همانسان که از ستم و بیداد آکنده شده است. اهل آسمان و زمین از وی راضی و خشنود می شوند. آسمان هر چه باران دارد، پی در پی فرو می فرستد و زمین هر آنچه آب دارد، بیرون می دهد، آن گونه می شود که زندگان آرزو می کنند که ای کاش مردگان نیز حضور داشتند. او در این حال، هفت، هشت و یا نه سال زندگی [حکومت] می کند.»^۲
نگارنده: این حدیث یکی از واضح ترین احادیث فتن است و تصریح دارد بر این که فتنه ی آخر، تمام مسلمانان را فرا می گیرد و تا ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه می یابد، هم چنان که به سرنوشت عموم امت نیز اشاراتی دارد.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. حاکم در المستدرک ۴ / ۴۶۸ آن را حدیثی صحیح می شمارد.

۲. الفتن ۱ / ۳۵۸ روایت را بدون قسمت پایانی آن که در مورد مدت حکومت امام علیه السلام است، آورده است. حاکم در المستدرک ۴ / ۴۶۵ آن را نقل کرده، صحیح می شمارد، و نیز التذکره قرطبی ۲ / ۷۰۰ و شرح المقاصد ۲ / ۳۰۷، تفتازانی نیمه ی نخست حدیث را مانند عبدالرزاق نقل می کند و می نویسد: عالمان معتقدند که او امامی است عادل از نسل فاطمه که خداوند هر زمان بخواهد، او را می آفریند و برای نصرت دینش برمی انگیزد. هم چنین الدر المنثور ۶ / ۵۸ و الصواعق المحرقة ۶۳

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در زمان اختلاف میان مردم و بروز نابسامانی‌ها، در امت من برانگیخته می‌شود

مسند احمد ۳/ ۳۷ از ابی سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است: «شما را به مهدی بشارت می‌دهم. او در زمان اختلاف میان مردم و نابسامانی‌ها، در میان امت من برانگیخته می‌شود و زمین را پراز عدل و داد می‌کند، چنان‌که پراز ظلم و ستم شده است. اهل آسمان و زمین از او راضی و خشنود می‌شوند. او اموال را به طور صحیح تقسیم می‌کند.

مردی پرسید: صحیح یعنی چه؟ فرمود: تقسیم به مساوات بین مردم. خداوند قلوب امت محمد را مملو از غنا و بی‌نیازی می‌کند و عدالت او همه را فرا می‌گیرد، چنان‌که او کسی را فرمان می‌دهد تا ندا کند که چه کسی به مال نیاز دارد؟ و تنها یک نفر برمی‌خیزد، پس او به آن شخص می‌گوید: به نزد خزانه دار برو و بگو: مهدی تورا امر می‌کند که به من مالی بدهی. پس آن خزانه دار می‌گوید: بی حساب بردار. او هم برمی‌دارد و هنگامی که آن اموال را در دامن خود می‌ریزد و ذخیره می‌کند، پشیمان شده می‌گوید: من آزمندترین کس در امت محمد هستم، آیا من هم نمی‌توانستم مانند دیگران باشم! پس آن اموال را بر می‌گرداند ولی از او پس نمی‌گیرند و می‌گویند: ما آنچه را که عطا کردیم، پس نمی‌گیریم. به مدت هفت، هشت و یا نه سال چنین وضعیتی خواهد بود. و هیچ خیری در زندگی پس از او نیست.^۱

در منابع شیعی، دلائل الامامة / ۲۴۹ از ابوسعید خدری آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «شما را به مهدی بشارت باد، او در آخر الزمان در شدت و سختی می‌آید و خداوند برای او زمین را از عدل و داد آکنده می‌کند.^۲»

شیخ طوسی در غیبت / ۱۱۱ از ابوسعید خدری، روایتی مشابه روایت احمد نقل می‌کند تا آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اهل آسمان و زمین از او راضی و خشنود می‌شوند.» آنگاه روایتی چنین از آن حضرت نقل می‌کند: «شما را به مهدی بشارت باد - و این را سه بار فرمودند -

۱. مشابه آن در همان کتاب ۵۲/، الملاحم ابن المنادی ۴۲/ - با تفاوتی اندک -، مجمع الزوائد ۷/ ۳۱۳ - وی گوید: ترمذی و دیگران، روایت را با اختصار بسیاری گزارش کرده‌اند، احمد با چند سند آورده، ابویعلی نیز آن را با اختصار بسیار نقل می‌کند و راویان نقل احمد و ابویعلی ثقة‌اند -، نیز رک به الدر المنثور ۶/ ۵۷، الصواعق المحرقة ۱۶۶ / ۲. همودر ۲۵۲/ از ابوسعید خدری، مشابه حدیث احمد را نقل می‌کند.

او به هنگام اختلاف میان مردم و نابسامانی شدید قیام می‌کند، پس زمین را پراز عدل و داد می‌کند، بعد از آنی که آکنده از ظلم و ستم شده است. او قلوب بندگان خدا را مملو از غنا و بی‌نیازی می‌نماید و عدالتش همه را فرا می‌گیرد.»

نگارنده: از روایت شیخ طوسی و طبری امامی معلوم می‌شود که بر روایت ابوسعید خدری افزوده‌اند، و این شگرد راویان وابسته به دستگاه حاکم است!

ظهور پس از زمانی سخت و ناگوار

مسند ابویعلی ۳۵۶/۲ از رسول خدا ﷺ آورده است: «در آخرالزمان، در زمانی سخت و ناگوار، امامی خواهد بود که بخشنده‌ترین مردم است. شخصی نزد او می‌آید و او مقدار بی‌شماری در دامنش می‌ریزد، [چنان که] صدقه‌ای که آن شخص از آن مال می‌پردازد، برای کسی که آن را دریافت می‌کند و خانواده‌اش کافی است، و این به جهت خیری است که به مردم می‌رسد.»^۱

الفتن ۳۶۱/۱ از ابوسعید خدری از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل می‌کند: «مردی از اهل بیت من در زمانی ناگوار و هنگام بروز فتنه‌ها قیام می‌کند که بخشش او بدون شمارش است و او را سفاح [کسی که خون دشمنانش را می‌ریزد] گویند.»

نگارنده: در احادیث شیعه و سنی، نام سفاح به عنوان یکی از اوصاف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه آمده است، ولیکن ممکن است توسط راویان دربار عباسی بدان افزوده شده باشد تا بر سفاح آنان منطبق گردد و لذا تعدادی از منابع، حدیث را بدون ذکر سفاح نقل می‌کنند.^۲

نگهبانان زیاد می‌شوند و کنیزان به حکومت می‌رسند

طبرانی در المعجم الكبير ۵۱/۱۸ از عوف بن مالک از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «ای عوف! چگونه خواهی بود وقتی که این امت، هفتاد و سه فرقه شوند که یکی در بهشت

۱. و نیز مسند ابن جعد ۷۹۵/۲، سیوطی در الحاوی ۶۳/۲ می‌نویسد: این حدیث را ابویعلی و ابن عساکر با اندکی تفاوت، از ابوسعید روایت می‌کنند. جمع الجوامع ۱۰۱۲/۱ نیز آن را از حلیه الاولیاء و ابن عساکر از ابوسعید آورده است.

۲. رک به المصنف ابن ابی شیبہ ۶۷۸/۸ و ...

است و ما بقی در آتش؟

پرسیدم: چه زمانی چنین خواهد شد؟! فرمود: وقتی که نگهبانان زیاد شوند، کنیزان به حکومت برسند، کودکان بر منبرها بنشینند، قرآن را به آواز و غنا بخوانند، مساجد زینت شوند، منابر بلند ساخته شوند، ثروت مسلمانان میان عده ای خاص بگردد، زکات به عنوان مالیات و جریمه تلقی شود، امانت را غنیمت بدانند، تفقه [و ژرف اندیشی] در دین برای غیر خدا باشد، مرد از زنش پیروی کند و از مادرش نافرمانی کرده و پدرش را دور نماید، آخرین افراد این امت، پسینیان این امت، پیشینیان آن را لعن می کنند، فاسق قوم، ریاست قبیله را عهده دار شود و پست ترین کس، مهتر قوم گردد و شخص را به سبب ترس از شرش، اکرام کنند. در آن موقع، چنین خواهد شد و مردم به شام پناه برند تا آنها را از دشمنانشان مصون دارد.

عوف گوید: پرسیدم: آیا شام فتح می شود؟ فرمود: آری، به زودی، و فتنه هایی پس از فتح شام رخ می دهد، سپس فتنه ای تیره و تاریک خواهد بود، آنگاه فتنه ها یکی پس از دیگری به وقوع می پیوندد، تا آنکه مردی از اهل بیتم خروج کند، که به او مهدی گفته می شود. اگر وی را دریابی، پیروی کن و از هدایت یافتگان باش.^۱

آنگاه فتنه ای رخ می دهد که هرگاه گویند پایان یافت، امتداد می یابد!

الفتن ۵۷/۱ از ابو سعید خدری از رسول خدا ﷺ: «پس از من فتنه هایی رخ می دهد که یکی از آنها احلاس است. در آن فتنه می گریزند و خانواده و مال خود را از دست می دهند. سپس، فتنه هایی سخت تر از آن به وقوع می پیوندد، آنگاه فتنه ای رخ می دهد که هرگاه بگویند به پایان رسید، امتداد می یابد و چنان پیش می رود که خانه ای نمی ماند مگر در آن وارد می شود و مسلمانی نمی ماند مگر آنکه براو سیلی می زند، تا آنکه مردی از عترت من قیام نماید.»

المعجم الاوسط ۳۳۸/۵ از طلحه از پیامبر ﷺ: «پس از من فتنه ای خواهد بود که گوشه ای

۱. مجمع الزوائد ۳۲۳/۷ آن را نقل و بر مبنای ابن حبان توثیق می کند.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عیسی

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

از آن آرام نمی‌گیرد، مگر آنکه گوشه‌ی دیگری به خروش می‌آید، تا آنکه منادی از آسمان ندا دهد که امیر شما فلانی [مهدی] است.^۱

نگارنده: موجب شگفتی است که طلحه بن عبیدالله حدیث ندای آسمانی به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را روایت کند، با وجود اینکه آن حضرت، از فرزندان امیرالمؤمنین و صدیقه‌ی طاهره علیها السلام است و جبهه‌گیری طلحه در مقابل حضرت امیر و عترت علیهم السلام معروف است! این تعجب هنگامی برطرف می‌شود که بدانیم بنی تیم، پیوسته می‌کوشیدند تا پس از ابوبکر و نیز پس از عمرو عثمان، به خلافت برسند. صحیح مسلم ۷/ ۱۱۰ از عایشه نقل می‌کند: «پیامبر صلی الله علیه و آله در آن بیماری که به وفات ایشان منجر شد، به من گفت: ابوبکر پدرت و نیز برادرت را فرا بخوان تا مطلبی را بنویسم، زیرا هراس آن دارم که آرزومندی آرزو کند و کسی بگوید که من اولی هستم.»!

اما بعدها عائشه از ادعای نصّ نبوی نسبت به خلافت پدر و برادرش کوتاه آمد و خلافت را برای پسرعمویش طلحه‌ی تیمی خواستار شد ولیکن به این آرزو هم نرسید. پس از عائشه انصار وی ادعا کردند که موسی بن طلحه مهدی موعود است! و لذا حدیث طلحه در این راستا می‌باشد. به علاوه آنکه اسماعیل بن عیاش تنها ناقل آن و دروغ پرداز است.

بدترین تمام فتنه‌ها پیش از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه

سنن الدانی / ۱۶۱ نقل می‌کند که حکم بن عتیبه به امام باقر علیه السلام گفت: «شنیده‌ایم مردی از شما قیام می‌کند که به عدالت در میان این امت رفتار می‌نماید.

امام فرمود: ما نیز بدانچه مردم امید دارند، امید داریم، ما امیدواریم که اگر از دنیا جزیک روز باقی نماند، خداوند آن را چنان طولانی گرداند که آنچه این امت بدان امید دارند، واقع شود. پیش از آن فتنه‌ای است که بدترین فتنه‌هاست، شخص در آن، به هنگام شب مؤمن ولی صبح کافراست و صبح مؤمن است، لیکن شب کافر می‌شود! هرکس از شما آن را درک نمود، تقوای الهی در پیش گیرد و دین خود را حفظ نماید و از فرش‌های خانه‌اش باشد.»^۲

۱. و نیز مجمع الزوائد ۷/ ۳۱۶

۲. از همین منبع در عقد الدرر ۶۱/ ۸۱ و الحاوی ۲/ ۸۱

فتنه‌ی گنج کعبه و کوه طلا در مجرای رود فرات

منابع سنی احادیث بسیاری - درباره‌ی نزاع میان خانواده‌هایی که حکومت را به دست دارند و یا حتی افراد یک خانواده، بر سر گنجی که در چاه زیر کعبه مدفون است و اینکه پس از آن، امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهد کرد - که بر طبق مبانی رجالی ایشان صحیح است، روایت کرده‌اند.

هم چنین روایت کرده‌اند که نزاعی بر سر کوهی از طلا که مجرای رود فرات آن را آشکار می‌کند، رخ خواهد داد، و بین چند گروه برای رسیدن به آن جنگ در خواهد گرفت ولی آنها بدان دست نمی‌یابند و در پی آن ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

اما در منابع شیعی هیچ روایتی در این باره ذکر نشده است.

احادیث پیرامون این دو گنج، در بعضی از منابع اهل سنت با هم خلط شده است.

سنن ابن ماجه ۱۳۶۷/۲ از ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «بر سر گنجی که میان شماست سه تن - که هر سه خلیفه زاده هستند - می‌جنگند، اما به هیچ کدام از آنها نمی‌رسد. آنگاه پرچم‌های سیاه از طرف مشرق نمودار می‌شود و چنان شما را می‌کشند که هیچ قومی چنان کشتاری نکرده است.

راوی می‌گوید: سپس پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی گفتند که به یاد ندارم، بعد فرمودند: وقتی مهدی را دیدید، [نزد او بروید و] با او بیعت کنید، اگر چه چهار دست و پا بر روی برف. زیرا او خلیفه‌ی خدا مهدی است.»^۱

سقاف در تناقضات الالبانی الواضحات ۱/ ۴۳ می‌نویسد: «البانی در تخریج مشکاة

المصابیح ۱۴۹۵/۳ به شماره‌ی ۵۴۲۹ آن را ضعیف شمرده و گفته است: سند ضعیفی

۱. در پاورقی روایت در سنن ابن ماجه آمده است: «مجمع الزوائد می‌نویسد: این سند صحیح است و راویان آن ثقة‌اند. حاکم در المستدرک آن را آورده و می‌گوید: بنابر شرط شیخین صحیح است.» و نیز مسند رویانی ۱۲۳/ الملاحم ابن المنادی ۴۴/، المستدرک ۴/ ۴۶۳ - و هم چنان که گذشت آن را بنابر شرط شیخین صحیح می‌شمارد -، دلائل النبوة بیهقی ۵۱۵/ ۶ و البیان شافعی ۴۸۹/ - آن را صحیح می‌شمارد -، وی در ۵۲۰ آن را از طبرانی نقل می‌کند و می‌نویسد: این حدیث متنی حسن دارد که - بحمد الله و حسن توفیقه - به این طریق عالی به ما رسیده است و در آن دلیلی بر شرافت حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف است که بر زبان راستگو ترین فرزندان آدم [رسول اکرم صلی الله علیه و آله] خلیفه الله در زمین معرفی شده است. هم چنین مصباح الزجاجة بوصیری ۲۰۳/ ۴ وی آن را صحیح می‌شمارد.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجله الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجله الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجله الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دارد، ولی پس از مدتی دیدیم که خود او دچار تناقض شده و در صحیح‌ه‌ی خود ۲/ ۴۱۵ حدیث شماره‌ی ۷۷۲ آن را صحیح می‌داند. پس ای صاحبان خرد عبرت بگیرید!»

ابن کثیر در الفتن ۱/ ۴۲ به نقل از ابن ماجه روایت را آورده و می‌نویسد: «این روایت را تنها ابن ماجه آورده و سند آن قوی و صحیح است. و مقصود از گنج مذکور، گنج کعبه است که سه تن از فرزندان خلفاء برای دستیابی به آن بایکدیگر می‌جنگند، تا آنکه آخرالزمان شود و مهدی خروج نماید. قیام او از سمت مشرق است نه از سرداب سامراء، آن گونه که جاهلان رافضی می‌پندارند.»!

نکاتی چند

۱. نزد شیعه و سنی، به تواتر روایت شده است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه از مکه ظهور می‌کند، پس مقصود از ظهور ایشان از شرق، می‌بایستی آن باشد که سرآغاز نهضت، توسط یاران خراسانی‌اش که عرصه را آماده می‌سازند، از مشرق است. اما آنچه که ابن کثیر درباره‌ی ظهور امام از سرداب سامراء گفته، حتی توسط شیعیان ناآگاه هم گفته نمی‌شود، چه رسد به عالمان شیعی. و این از جمله تهمت‌ها و افتراءات مخالفان شیعه است و وهابیان هم پیوسته به واسطه‌ی آن، ما را به تمسخر می‌گیرند و آن را در جهان نشر می‌دهند!

۲. وهابیان ادعا می‌کنند که مهدی، شخصی از اهالی منطقه بریده در سرزمین نجد است و محمد بن عبدالله نام دارد، پیشوای آنان ابن باز هم آن را تأیید کرد. وهابیان او را به چپن فرستادند تا این مطلب که مهدی از شرق خروج می‌کند، براو منطبق گردد! آنها تنها این حدیث را اخذ کردند و چشمان خود را بر احادیث صحیحی که صراحت دارد در اینکه ایشان از مکه قیام می‌نماید، بستند. آنان بیرق‌های خراسان را که برای نصرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌آیند، به پرچم‌های طالبان تفسیر کردند. این نهایت تعصب و دیده پوشی به عمد، از احادیثی است که نزد خودشان صحیح است!

۳. از جمله مطالبی که بر سر زبان اهل مکه است، آن است که کعبه گنجی دارد که در زیر آن مدفون می‌باشد. کتب تاریخ، سیره و حدیث روایات بسیاری درباره‌ی آن آورده‌اند که میزان

صحت آنها را نمی دانیم.^۱

۴. یگانه حدیثی که در منابع ما درباره ی گنج کعبه یافت می شود، آن است که حمیری در قرب الاسناد / ۸۲ از امام باقر از پدرانش علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تا وقتی که حبشیان به شما کاری ندارند، آنها را به حال خود رها کنید. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، گنج کعبه را جز ذو السویقتین بیرون نمی آورد.»

مسند احمد ۵ / ۳۷۱ این روایت را از ابوامامه از مردی چنین نقل می کند: «شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: تا وقتی حبشی ها به شما کاری ندارند، آنها را به حال خود واگذارید، زیرا گنج کعبه را جز ذو السویقتین حبشی، بیرون نمی آورد.»^۲

نگارنده: حدیث گنج کعبه، از موضوع ما خارج است، چون ارتباط صریحی به حضرت مهدی علیه السلام ندارد. به علاوه آنکه تمسک بدان صحیح نیست، چرا که با پندارهای کعب الاحبار مبنی بر ویرانی کعبه موافقت دارد!

اما حدیث گنج فرات و کوه طلایی که در آن پدیدار می گردد را عبدالرزاق در المصنف ۱۱ / ۳۸۲ از ابوهریره روایت کرده است، وی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فرات کوهی از طلا را نمایان می کند و مردم بر سر تصاحب آن می جنگند و از هر صد نفر، نود نفر - و یا فرمود: نود و نه نفر - کشته می شوند، که همه خود را اهل نجات می دیدند.»^۳

الفن ابن حماد ۱ / ۵۷ از عبدالله بن زریر غافقی چنین نقل می کند: «شنیدم حضرت علی علیه السلام می فرمود: چهار فتنه خواهد بود: فتنه ی سراء، فتنه ی ضراء، فتنه کذا و از معدن طلا یاد کردند، آنگاه مردی از عترت پیامبر قیام می کند و خداوند به دست وی امور مردم را اصلاح می نماید.»^۴ همان ۱ / ۲۳۹ چنین آورده است: «فرات کوهی از طلا و نقره را نمایان می کند که برای رسیدن به آن، از هر نه نفر، هفت نفر کشته می شوند. اگر آن را درک کردید، بدان نزدیک نشوید.

۱. رک به تاریخ الطبری ۳۶ / ۲، سیره ابن هشام ۱ / ۱۲۴ و سبل الهدی ۱۰ / ۱۹۰

۲. و نیز سنن نسائی ۹ / ۱۷۶، سنن ابو داود ۲ / ۳۱۶، مستدرک ۴ / ۴۵۳ - و آن را صحیح می شمارد - و مجمع الزوائد ۵ / ۳۰۳ - و آن را توثیق می کند - .

۳. و نیز رک به مسند احمد ۲ / ۲۶۱

۴. و نیز عقد الدرر / ۵۷ از ابن حماد، الحاوی سیوطی ۲ / ۶۷ - وی روایت را بنا بر شرط مسلم صحیح دانسته - و جمع الجوامع ۲ / ۳۰

در روایت دیگری آمده است: فتنه‌ی چهارم، هیجده سال امتداد می‌یابد و در حالی تمام می‌شود که فرات، کوهی از طلارا نمایان کرده است. بر سر دست یابی به آن، از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شوند.

در روایتی دیگر آمده است: فتنه‌ی چهارم، هیجده سال است و در حالی پایان می‌یابد که فرات، کوهی از طلارا نمایان کرده است. مردم به آن هجوم می‌آورند و از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شوند.

مسند احمد ۱۳۹/۵ از عبدالله بن حرث نقل می‌کند: «من و ابی بن کعب زیر دیوار قلعه‌ی قبیله‌ی حسان ایستادیم. ابی به من گفت: آیا نمی‌بینی که رؤسا و بزرگان در طلب دنیا هستند؟ گفتم: آری، گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ فرمود: نزدیک است که فرات، کوهی از طلارا بنمایاند. هنگامی که مردمان از آن آگاه شوند، به سوی آن می‌روند. کسانی که آنجا هستند می‌گویند: به خدا قسم اگر مردم را واگذاریم تا از این کوه بردارند، کوه از بین می‌رود. پس جنگی در می‌گیرد که از هر صد نفر، نود و نه نفر کشته می‌شوند.»

صحیح بخاری ۷۳/۹ مشابه روایت احمد را می‌آورد و در آن آمده است: «نزدیک است که فرات گنجی از طلارا نمایان کند، پس هر کس نزد آن حاضر شد چیزی از آن برنگیرد.»
الجمع بین الصحیحین حمیدی ۹۸/۳ از ابو هریره چنین آورده است: «قیامت برپا نمی‌شود مگر پس از آنکه فرات، کوهی از طلارا بنمایاند که مردم برای دست یابی به آن، به جنگ می‌پردازند و از هر صد نفر، نود و نه تن کشته می‌شوند.»

ابن حماد ۲۳۹/۱ از کعب چنین نقل می‌کند: «قسمتی از فرات که در شام و یا کمی دورتر از آن است، محل تجمعی عظیم خواهد بود. آنان برای رسیدن به اموال با یکدیگر می‌جنگند و از هر نه نفر، هفت تن کشته خواهند شد. این جریان پس از حادثه و مصیبتی در ماه رمضان است و نیز بعد از آنکه سه پرچم از یکدیگر جدا شوند که هر کدام پادشاهی را برای خود می‌خواهد، در میان آنها مردی است که عبدالله نام دارد.»

نگارنده: بر اساس قول کعب، زمان نزاع بر سر گنج فرات پس از ندای آسمانی است.

فتنه‌ای که پس از شهادت پنجمین شخص از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به وقوع می‌پیوندد

الفتن ۱۱۷/۱ روایتی را نقل می‌کند که جز با اعتقادات مذهبی ما شیعیان نمی‌توان آن را معنا کرد، وی می‌نویسد: «فرزند ابوهریره از پدرش از علی بن ابی طلحه از ابن عباس روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی پنجمین شخص از اهل بیت از دنیا برود، آشوب و کشتار رخ می‌دهد، تا آنکه هفتمین آنان از دنیا رود. آنگاه پیوسته چنین خواهد بود تا مهدی قیام نماید.»

نعیم بن حماد [صاحب کتاب] گوید: «به من خبر رسیده که شریک می‌گوید: او [پنجمین]، ابن العفر- یعنی هارون - است که پنجمین بود، ولی ما گوییم که هارون هفتمین بود و خداوند داناتر است.»^۱

نگارنده: ابن حماد متوفای ۲۲۷ این مطلب - که پس از پنجمین شخص از اهل بیت، کشت و کشتار خواهد بود تا آنکه هفتمین آنان از دنیا رود و آنگاه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نزدیک خواهد بود - را بر مملوک بنی عباس تطبیق داده و هفتمین آنها را هارون الرشید که پیش از سال دویست هجری فوت کرده می‌داند، و براین اساس به قرب ظهور امام، بشارت داده است!

اما این تفسیر صحیح نیست، زیرا اگر مقصود آن است که از بنی عباس بیش از هفت تن حکومت نخواهند کرد، خلاف آن ثابت است، و اگر مقصود آن است که حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه پس از هفتمین قیام می‌کند، چنین چیزی واقع نشده است!

از سویی عبارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن است که «پنجمین شخص از اهل بیتم» و حال آنکه بنی عباس از اهل بیت ایشان نیستند. آن حضرت خود، مقصود از اهل بیت را بیان کرده‌اند و آنان را در امیرالمؤمنین، صدیقه‌ی کبری، حسنین و امامان از ذریه‌ی ایشان علیهم السلام منحصر دانسته‌اند. احمد بن حنبل ۴/ ۱۰۷ نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدا یا! اینان اهل بیت من هستند

۱. از همان منبع در الحاوی ۲/ ۸۳ و کنز العمال ۱۱/ ۲۴۷ با اندکی تفاوت

و اهل بیتم شایسته ترند.»

همو در ۶ / ۳۲۳ چنین روایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ به فاطمه فرمودند: همسر و دو پسر و را بیاور، فاطمه هم آنها را آورد، پیامبر روی آنها عباپی فدکی انداخت، آنگاه دستش را بر آنان نهاد و عرض کرد: خدایا! اینان آل محمدند، صلوات و برکات خود را بر محمد و آل محمد قرار ده، که تو ستوده و والایی.

ام سلمه می‌گوید: عبا را بالا زدم تا در میان آنان داخل شوم، پیامبران را از دستم کشید و فرمود: تو در راه خیری.»

پس اینان که عترت پیامبر ﷺ هستند، مقصود از اهل بیت می‌باشند.

بنابراین به ناچار باید گفت که در حدیث، افتادگی وجود دارد، زیرا معنای آن تنها در صورتی صحیح است که بگوییم مراد از پنجمین و هفتمین، پنجمین و هفتمین تن از امامان ربانی دوازده گانه ﷺ از عترت پیامبر ﷺ هستند، همان کسانی که ایشان در حجة الوداع در خطبه‌ی عرفات، امت را به آنها بشارت داد و اولین آنها امیرالمؤمنین علی ﷺ و آخرین آنان حضرت مهدی ﷺ است. لذا این حدیث در اثر تحریف نمودن احادیث منابع ما به وجود آمده است.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

فتنه‌ی عقیدتی، پس از فقدان فرزند پنجم از فرزندان هفتمین

خزاز قمی رحمه الله در کفایة الاثر / ۱۵۶ از محمد بن حنفیه از حضرت امیرالمؤمنین روایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ در حدیثی طولانی درباره‌ی فضیلت اهل بیت ﷺ فرمودند: یا علی!... پس از من فتنه‌ای رمیده و سخت خواهد بود که نزدیک ترین دوستان و یاران انسان، همه کنار می‌زنند. این، زمانی خواهد بود که شیعیان تو، به پنجمین فرزند از هفتمین فرزندان دست نیابند. زمینیان و آسمانیان از نبود او محزون می‌شوند و چه بسیار مرد و زن با ایمانی که در نبود او متأسف، اندوهگین و حیرانند!

آنگاه مدتی طولانی سر را به زیر افکندند، و سپس بالا آورده فرمودند: پدر و مادرم فدای کسی که همنام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. جامه‌های نور در بردارد که از پرتو قدس می‌درخشد. گویا شیعیان را می‌بینم که در اوج ناامیدی به سرمی‌برند، آنگاه ندایی

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌شود که هم چنان که از نزدیک به گوش می‌رسد، از دور نیز شنیده می‌شود و رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای منافقان خواهد بود.

حضرت علی عجل الله تعالی فرجه‌ش می‌فرماید: عرضه داشتم: آن ندا چیست؟ فرمودند: سه نداست در ماه رجب: اولین آنها: آگاه باشید، لعنت خداوند بر ظالمین است، دوم آنکه قیامت نزدیک شد، و سومی پیکری است آشکار که در آغاز طلوع خورشید می‌بینید و ندا می‌کند: آگاه باشید، خداوند، فلانی پسر فلانی - و نسب او را تا حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه‌ش بیان می‌کند - را برانگیخته است، و در آن هلاکت ظالمان است.

در آن هنگام است که فرج می‌آید و خداوند سینه‌های مؤمنان را شفا بخشیده و کینه‌ی قلب‌هایشان را می‌زداید. گفتیم: ای رسول خدا! پس از من چند امام خواهند بود؟ فرمودند: پس از حسین نه تن، که نهمین آنها قائم آنان است.^۱

معنای حدیث آن است که مردم به پنجمین امام پس از امام هفتم از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ش فرزند امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه‌ش دسترسی نخواهند داشت، و مؤمنان به فتنه‌ی غیبت امامشان دچار می‌شوند، و آنان که بصیرتی در دین ندارند، در آن رنگ می‌بازند، و تنها شماری اندک اعتقاد دارند که او به دنیا آمده و در غیبت به سر می‌برد، همان کسانی که جدایی و فقدان او، ایشان را اندوهگین ساخته و هر چقدر روزگار به درازا بیانجامد، ایمان خود را نسبت به او از دست نخواهند داد.

منابع ما احادیث دیگری با همین مضمون را روایت کرده‌اند، از جمله خزار در کفایة الاثر/ ۱۴۷ به سه طریق از عبدالرحمن بن ابی لیلی از حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه‌ش روایت می‌کند: «در خانه‌ی ام سلمه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که جماعتی از اصحاب از جمله سلمان، ابوذر، مقداد و عبدالرحمن بن عوف وارد شدند. سلمان گفت: ای رسول خدا! هر پیامبری، جانشین و دو سبط [نوه] دارد، جانشین و دو سبط شما کیانند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله مدتی سربه زیر انداختند، بعد فرمودند: ای سلمان! خداوند چهار هزار پیامبر مبعوث کرد، که چهار هزار جانشین

۱. سید هاشم بحرانی در غایة المرام/ ۲۱۲ این حدیث را از کتاب النصوص علی الاثمة الاثنی عشر شیخ صدوق، که مع الاسف مفقود است، نقل می‌کند. نباطی عاملی هم قسمتی از آن را در الصراط المستقیم ۲/ ۱۲۸ آورده است، و نیز رک به عیون اخبار الرضا عجل الله تعالی فرجه‌ش ۹/۲ و غیبت نعمانی/ ۱۸۶

و هشت هزار سبط داشتند. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، من بهترین پیامبرانم، جانشینم بهترین جانشینان است، و دو سبط من بهترین اسباط هستند... [حضرت در ادامه به تفصیل جانشینان پیامبران و خودشان را نام برده فرمودند: [آنگاه آن مقدار که خدا بخواهد، اما مشان از آنان غائب می شود. برای او دو غیبت خواهد بود، که یکی طولانی تر از دیگری است. پس به ما رو کردند و با صدایی بلند فرمودند: بر حذر باشید از زمانی که پنجمین فرزند از فرزندان هفتمین فرزند من مفقود شود! حضرت علی (ع) می فرماید: عرض کردم: یا رسول الله! او در این غیبت چه خواهد کرد؟ فرمودند: صبر می کند تا آنکه خدا به او اجازه ی خروج بدهد، آنگاه از منطقه ای به نام اکرعه در یمن خروج می کند، و این در حالی است که ابری بر سرش سایه انداخته، زره مرا پوشیده و شمشیرم ذوالفقار را حمایل کرده است و منادی ندا می کند: این مهدی خلیفه ی خداست، پس از او پیروی کنید.

او زمین را پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ستم و بیداد پر شده است. این زمانی خواهد بود که دنیا گرفتار فتنه و آشوب شده مردم به غارت یکدیگر می پردازند، نه بزرگ به کوچک رحم می کند و نه قوی بر ضعیف، در این هنگام است که خدا به او اجازه ی قیام می دهد.»

نقد و بررسی

۱. بر اینکه تعداد پیامبران صد و بیست و چهار هزار نفر است و تعداد رسولان سیصد و شصت نفر، همه اتفاق نظر دارند. ما شیعیان معتقدیم که هر پیامبر و وصی دارد. مقصود از چهار هزار پیامبری [که در این حدیث یاد شدند] شاید پیامبران بزرگ باشند که هر یک دارای وصی و دو سبط بودند.

۲. در منابع ما احادیثی با اسناد صحیح از امامان اهل بیت (ع) درباره ی یمانی که پیش از امام مهدی (عج) ظهور می کند و از یاران خاص ایشان است، وجود دارد. برخی احادیث می گوید که او در صنعاء ظهور می کند و از ذریه ی زید شهید (ع) است و...

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

اما روایات منابع اهل سنت درباره‌ی یمانی و قحطانی^۱ تعارض دارند. برخی ظهور او را قبل از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند و برخی بعد از آن، بعضی او را همان مهدی معرفی می‌کند و در مقابل بعضی دیگر آن را انکار می‌نماید. اختلافی که در عهد امویان در میان اعراب جنوب یعنی یمنی‌ها و اعراب شمال یعنی قریشیان بالا گرفت، در آنها آشکار می‌گردد.

تربیت شیعه برای رویارویی با فتنه و انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کفایة الاثر / ۲۶۰ از مسعده روایت می‌کند: «نزد امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف بودم که پیرمرد کهنسالی با قامتی خمیده در حالی که بر عصایش تکیه داشت، خدمت حضرت رسید. او سلام کرد و امام عجل الله تعالی فرجه الشریف جواب سلام او را دادند. آنگاه پیرمرد عرض کرد: یابن رسول الله! دستت را بده تا ببوسم، امام دستشان را به طرف او بردند و پیرمرد بوسید و گریست. حضرت فرمودند: چرا گریه می‌کنی؟ عرضه داشت: فدایت شوم، صد سال است که در انتظار قائم شما هستم، می‌گویم این ماه و این سال ظهور می‌کند. سنّم بالا رفته، استخوانم خرد و مرگم نزدیک شده است، اما آنچه را که دوست دارم نمی‌بینم. شما را کشته و آواره می‌بینم ولی دشمنانتان را در حالی که با پروبال می‌پزند، حال چگونه نگریم؟

در این هنگام دیدگان امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف گریان شد، سپس فرمودند: ای پیرمرد! اگر خداوند تو را آن قدر عمر داد که قائم ما را ببینی، در بالاترین درجات بهشت با ما همراه خواهی بود. و اگر مرگ تو فرا رسد، روز قیامت با ثقل حضرت محمد صلی الله علیه و آله - که ماییم - خواهی آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دو چیز گران بها در میان شما باقی می‌گذارم، پس به آنها تمسک کنید تا هرگز گمراه نگردید: کتاب خدا و عترتم اهل بیتم.

پیرمرد گفت: بعد از شنیدن این روایت، دیگر باکی ندارم.

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: ای پیرمرد! همانا قائم ما از نسل حسن [عسکری] است و او از نسل علی [النقی]، علی از نسل محمد [تقی] خواهد بود و محمد از نسل علی، علی از این پسریم به دنیا می‌آید - و به حضرت موسی کاظم عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره نمودند - و این هم از نسل من است. ما

۱. قحطان جدّ اعلای یمینان و قحطانی بدان منتسب است.

دوازده امامیم که همگی معصوم و مطهر هستیم.

پیرمرد عرض کرد: آقای من! آیا برخی از شما امامان، از برخی دیگر برترند؟ فرمودند: نه، ما در فضل و برتری، برابریم، اما بعضی از ما از بعضی اعلم است.

ایشان در ادامه فرمودند: ای پیرمرد! به خدا سوگند، اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا آن روز را چنان طولانی کند تا قائم ما اهل بیت قیام نماید. بدانید که شیعیان ما در غیبت او گرفتار فتنه و سرگردانی می شوند. در آن وقت خداوند، مخلصان را در راه هدایتش ثابت قدم می دارد. خدایا! در این راه آنان را یاری ده.^۱

شیخ طوسی در امالی / ۱۶۱ ماجرای مشابه را نقل می کند و در ادامه آن آمده است: «آنگاه امام علیه السلام فرمودند: ای پیرمرد! تو را از اهالی کوفه نمی دانم. عرض کرد: نه [اهل کوفه نیستم]، حضرت فرمودند: اهل کجایی؟ پاسخ داد: فدایت شوم، از روستاهای اطراف آن، امام علیه السلام فرمودند: با قبر جدّ مظلوم حسین علیه السلام چقدر فاصله داری؟ گفت: نزدیک آن هستم، فرمودند: چقدر آنجا می روی؟ عرض کرد: بسیار می روم، فرمودند: ای پیرمرد! آن، خونی است که خدای متعال خونخواهی آن را می کند. به فرزندان فاطمه مصیبتی مانند مصیبت امام حسین علیه السلام نرسید و نخواهد رسید. او در میان هفده تن از اهل بیتش که برای خدا نصیحت و در راه او صبر کردند، به شهادت رسید، پس خداوند به آنان بهترین پاداش صابران را عطا فرمود.

وقتی روز قیامت شود، رسول خدا صلی الله علیه و آله می آید، در حالی که حسین همراه اوست و دست بر سردارد و خون از آن می چکد، پس پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می دارد: پروردگارا! از اتمم پیرس چرا فرزندم را کشتند.»

کمال الدین ۲/ ۱۰۵ می نویسد: «توقیعی برای عثمان بن سعید عمری و پسرش محمد بن عثمان [سفیران اول و دوم] - که رضوان خدا بر آنان باد - خارج شد که آن را سعد بن عبدالله چنین روایت کرده است - شیخ ابو عبدالله جعفر گوید: من آن توقیع را که توسط سعد بن عبدالله رضی الله عنه به ثبت رسیده بود، دیدم: خداوند شما را بر طاعت خود موقّع گرداند، بر دینش ثابت قدم

۱. و نیز ارشاد القلوب / ۴۰۵

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بدارد و به آنچه که موجب خشنودی اوست، نیکبخت گرداند. آنچه که میثمی درباره‌ی مختار برایتان گفت - که وی با هر کسی که می‌بیند، به مناظره و استدلال می‌پردازد که جانشینی غیر از جعفر بن علی [برای امام عسکری عجل الله تعالی فرجه] نیست و او را تصدیق و تأیید می‌کند - و شما آن را ذکر کردید، به ما رسید، و من هر آنچه را که شما به گفته‌ی اصحابتان درباره‌ی او نگاشتید، دریافتم، از کوری بعد از بینایی، گمراهی پس از هدایت و اعمالی که هلاکت را به دنبال دارد و نیز فتنه‌های تباه کننده، به خدا پناه می‌برم، چرا که خداوند عزوجل می‌فرماید:

اَلَمْ اَحْسِبِ النَّاسَ اَنْ يَتْرُكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْقَهُوْنَ^۱ آیا مردم گمان کردند به صرف اینکه گفتند: ایمان آوردیم، رها می‌گردند و دیگر امتحان نمی‌شوند؟

چگونه مردم در فتنه سقوط می‌کنند و در حیرت و سرگردانی به سرمی‌برند و چپ و راست را انتخاب می‌کنند؟! آیا از دین خود مفارقت جسته‌اند، یا دچار تردید شده و یا اینکه با حق عناد می‌ورزند؟ و یا نسبت به آنچه که در روایات راستین و اخبار صحیح آمده، جاهل هستند؟! یا آنکه آنها را دانستند ولی خود را نسبت به آنچه می‌دانند - که زمین خالی از حجت نمی‌شود، حال یا آشکار و یا هراسان و مخفی - به فراموشی زده‌اند؟!

آیا ندانستند که پس از پیامبرشان صلی الله علیه و آله، امامان یکی پس از دیگری آمدند، تا آنکه این امر [امامت] به امر خدای عزوجل به امام پیشین - یعنی امام حسن بن علی عجل الله تعالی فرجه - رسید، پس او به جای پدرانش عجل الله تعالی فرجه نشست و به حق و طریق مستقیم هدایت نمود.

او نوری درخشان، ستاره‌ای تابان و قمری منیر بود. سپس خدای عزوجل آنچه را که نزد خود دارد [جوار الهی]، برای او اختیار نمود، پس او بر همان منهاج و روش پدرانش عجل الله تعالی فرجه - هم چنان که دوتای کفش در برابر هم هستند - عهد و وصیت به وصیتی نمود که خدای عزوجل او را به امر خود تا زمانی، مستور و مکانش را مخفی داشته، و این به خاطر مشیتهی بر اساس قضای پیشین و تقدیر نافذ اوست. جایگاه او در ماست و فضیلت او برای ما، و اگر خدای عزوجل درباره‌ی آنچه که او را از آن منع نموده اذن دهد، و حکم خود را که درباره‌ی او

۱. سوره‌ی عنکبوت ۲/ - ۱

[و غیبتش] محقق است، محو کند، هر آینه حق را آشکارا و با زیباترین زینت و روشن ترین دلالت و واضح ترین علامت، به ایشان بنمایاند و خود را ظاهر سازد و حجت او را برپا دارد. ولیکن مقدرات خدا مغلوب نمی گردد و اراده ی او مردود نمی شود و برتوفیق او نمی توان سبقت جست.

پس مردم پیروی از هوی را کنار بگذارند و بر اصل خود که بر آن بودند بمانند، و درباره ی آنچه خدا از ایشان مخفی داشته، جستجو نکنند که گناه کرده اند، و سترالهی را کنارزنند که پشیمان گردند، و بدانند حق با ما و در میان ماست، کسی غیر از ما این را نمی گوید جز کذابی که افترا بزند، و جز ما کسی آن را ادعا نمی کند مگر ضالّ گمراه، پس باید که از ما به این جمله اکتفا کنند و در صدد تفسیر آن نباشند و به کنایه ی آن بدون تصریح قناعت نمایند، **إن شاء الله.**^۱

فتنه ی موعود شام پیش از ظهور

المصنف عبدالرزاق ۳۶۱/۱۱ از ابن مسیب می آورد: «فتنه ای در شام خواهد بود که آغاز آن به بازی کودکان می ماند. از یک سمت شعله ور می شود و از جانب دیگر فروکش می کند. به پایان نمی رسد تا آنکه منادی ندا دهد: امیر فلانی است.

راوی گوید: ابن مسیب دستانش را برهم زد و گفت: او حقّاً امیر شماست، او حقّاً امیر شماست.»^۲

مشابه آن را ابن حماد ۳۳۸/۱ نقل می کند و در آن چنین آمده است: «... آنان هیچ اجتماع و اتحادی نخواهند داشت تا آنکه منادی از آسمان ندا کند: از فلانی پیروی کنید، و دستی آشکار می شود و اشاره می کند.

... مغیره بن عبدالرحمان از مادرش - که پیر بود - درباره ی فتنه ی عبدالله بن زبیر [که لشکری از شام برای سرکوب آن آمده بود] پرسید: آیا مردم در این فتنه هلاک می شوند؟ گفت: هرگز، فرزندانم! اما بعد از آن فتنه ای است که مردم در آن هلاک می شوند و کارشان ثبات نمی یابد، تا آنکه منادی از آسمان ندا دهد: از فلانی پیروی کنید.»

۱. و نیز الخرائج و الجرائح ۳/ ۱۱۰۹ به طور مختصر و ...

۲. و نیز الفتن ۱/ ۳۳۷

شدت یافتن فتنه‌ها قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ورخدادی در حجاز

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

احادیث شیعه و سنی از فتنه‌ای در حجاز سخن گفته‌اند، حاکمشان می‌میرد و پس از او بر سر حکومت نزاع می‌کنند، حکومت سالانه به حکومت ماهانه و روزانه تبدیل می‌شود و براحدی اتفاق نظر نمی‌کنند. آنگاه مردمان در پی امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌گردند و از ایشان می‌خواهند که بیعت آنان را بپذیرد. و در فصل مربوط به حجاز خواهد آمد.

عبارات بسیاری که شبیه احادیث است، اما حدیث نیست

این عبارات همه در وصف و بیان فتنه‌ای است که متصل به ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه می‌باشد، از جمله عبدالرزاق در المصنف ۱۱/ ۳۷۲ از ابو جلد چنین می‌آورد: «فتنه‌ای رخ می‌دهد که در پی آن فتنه‌ی دیگری خواهد بود. اولی در مقایسه با دومی مانند ضربه‌ای با پایین شلاق است که پس از آن ضربه‌ی شمشیر فرود آید [یعنی فتنه‌ها همه شدید است و یکی پس از دیگری شدیدتر می‌گردد]. سپس فتنه‌ای خواهد بود که در آن، حرامی از محرمات خدا باقی نمی‌ماند مگر آنکه حلال شمرده می‌شود، آنگاه مردم گرداگرد بهترین فرد جمع می‌شوند. وی در حالی که در خانه است، حکومت به راحتی به سراغش می‌آید.»^۱

ابن حجر مکی در القول المختصر / ۷۰: «[مهدی] خروج نمی‌کند، مگر آنکه پیش از وی فتنه‌ای واقع می‌شود که تمامی محرمات در آن حلال شمرده شود، آنگاه خلافت به سراغ او - که بهترین اهل زمین است - در حالی که در خانه‌اش نشسته، می‌آید.»

الملاحم و الفتن ابن طاووس / ۱۲۱ به نقل از کتاب الفتن سلیلی، از عبدالله بن عمرو آورده است: «فتنه‌ای خواهد بود که بدان سببیه^۲ می‌گویند و کشته‌های آن در آتش‌اند.

۱. و نیز الفتن ۱/ ۳۴۴ و المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۷۰۲. در المصنف چنین آمده است: «آنگاه خلافت به راحتی به سراغ بهترین اهل زمین می‌آید، در حالی او در خانه‌اش نشسته است.»

۲. سببیه به معنای طولانی است و شاید از سباطه یعنی زیاله‌دان آید، و شباهت در آن است که همان گونه که زیاله‌دان محل جمع شدن پلیدی‌هاست، در آن فتنه نیز بدترین‌ها جمع می‌شود، البته ممکن است سببیه باشد که از سبت به معنای سکون و استقرار می‌آید و حکایت از دوام و به درازا کشیدن آن فتنه کند.

[راوی از ابن عمرو، شخصی به نام حارث است که گوید: پرسیدم: طرفین درگیری مسلمانند؟! گفت: مسلمانند! دوباره پرسیدم: مسلمانند؟! گفت: مسلمانند! پرسیدم: پس چرا [هر دو در آتش اند]? گفت: زیرا برای دنیا می جنگند، نه امر خدا. گفتم: این فتنه رخ داده است. پرسید: خدا پدرت را بیامرزد، چه زمانی؟ گفتم: فتنه قتل عثمان. گفت: سوگند به خدایی که محمد را به حق برانگیخت، هرگز! آن فتنه تمام خانه های عرب را فرا می گیرد و چنان می شود که شخص کنار قبر می آید و می گوید: کاش به جای تو بودم. و زمین پراز ستم و بیداد می شود. گفتم: آنگاه چه خواهد شد؟ گفت: خدا مردی را برمی انگیزد که زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد، چنان که پراز ظلم و جور شده است و چند سال زندگی می کند. پرسیدم: چند سال؟ گفت: اهل کتاب می پندارند هفت یا نه سال.^۱]

سنن الدانی / ۹۵ از قتاده می آورد: «نزد مهدی می آیند، در حالی که در خانه اش حضور دارد و مردم در فتنه ای به سر می برند که خون ها در آن ریخته می شود. به او می گویند: با ما برخیز، اما وی سرباز می زند، تا اینکه وی را به کشتن می ترسانند، در این هنگام همراه آنان برمی خیزد. در حرکت او به اندازه ی شاخ حجامت هم خون ریخته نمی شود.»^۲

ترسانیدن به قتل که در اینجا و برخی روایات آمده است، در احادیث دیگری تفسیر شده است به اینکه ایشان را از این می هراسانند که حقیقت امر ایشان در هنگامی که لشکریان سفیانی به مکه نزدیک شده اند، معلوم و آشکار شود، نه آنکه کسانی که می خواهند با آن حضرت بیعت کنند، ایشان را به قتل تهدید نمایند.

۱. الجمع بین الصحیحین ۲۰۳/۳ آن را از ابوهریره نقل می کند.
۲. عقد الدرر / ۶۳ و برخی دیگر، آن را از سنن الدانی روایت می کنند.

حاکمان بد کردار

نکوهش حاکمان بد کردار
و برخی دانشوران آخر الزمان

دانشوران بد کردار، پیروان پیشوایان گمراه کننده!

شیعه و سنی احادیثی روایت کرده‌اند درباره‌ی اینکه این امت علاوه بر حاکمان جور، به عالمانی بد کردار نیز مبتلا می‌شود که به توجیه اعمال حکام می‌پردازند! و لذا احادیثی که در مورد آنان است را می‌توان یکی از فروع احادیث پیرامون رهبران ضلالت به حساب آورد. بعضی سنیان در صدد برآمده‌اند تا زمان این عالمان را با فاصله از دوران صحابه، و در آخرالزمان و یا نزدیکی‌های قیامت جلوه دهند! ولیکن برخی احادیث زمان آن را بلافاصله پس از پیامبر ﷺ می‌داند و دلالت دارد که این بلا، تا ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریح ادامه دارد.

به علاوه آنکه تعدادی از صحابه براین باور بودند که عصرآنان آخرالزمان است. آنان می‌پنداشتند که این سخن رسول خدا ﷺ: «من و قیامت، به مانند این دو مبعوث شدیم، و دو انگشت خود را کنار هم قرار دادند»^۱، می‌رساند که آنها در قرن قیامت هستند. به علاوه آنان از اینکه پیامبر ﷺ به پیامبر آخرالزمان موصوف است^۲ نیز چنین برداشتی داشتند.

صحیح آن است که آخرالزمان عنوانی نسبی است و قابلیت آن را دارد که برروزگار پس از رسول خدا ﷺ اطلاق شود، حال یا تمام اعصار پس از آن حضرت و یا بعضی از آنها. از این رو صحیح است که عالمان آن دوران نیز عالمان آخرالزمان نامیده شوند. احادیثی که در مذمت آنان است، فراوان می‌باشد ولی آنچه در اینجا مد نظر است، آنهایی است که به ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریح ارتباط دارد.

در مجمع الزوائد ۵/ ۲۳۳ از معاذ بن جبل از رسول خدا ﷺ آمده است: «قیامت برپا نخواهد شد، مگر وقتی که امیرانی دروغگو، وزیرانی بدکردار، امینان خیانتکار و قاریان فاسقی که زیّ آنان زیّ راهبان است ولی هیچ گونه ورع و تقوایی ندارند، ظاهر شوند. پس خداوند آنان را به فتنه‌ای تاریک و ظلمانی - که در آن مانند به تاریکی درافتادن یهودیان، در می‌افتند - دچار می‌کند. هیشمی در ادامه می‌نویسد: بزارآن را روایت کرده و یکی از راویان آن حبیب بن عمران کلاعی است که من او را نمی‌شناسم، اما بقیه‌ی راویان، راویان صحیح‌اند.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

۱. بخاری ۶/ ۱۷۷

۲. رک به کمال الدین ۱۰/ ۱۹۰

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

این جمله: «قیامت برپا نخواهد شد مگر...» دلالت بر آن دارد که این وقایع حتمی است، ولی نمی‌رساند که آنها در نزدیکی های قیامت خواهد بود!

ابن ابی شیبیه در المصنف ۸/ ۶۹۸ روایتی نقل می‌کند که براین مطلب دلالت دارد که آنها در قرب ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه خواهند بود، در آن چنین آمده است: «در آخرین زمان، قاریانی فاسق خواهند بود.»^۱

سیوطی در الدر المنثور ۶/ ۵۳ می‌نویسد: «ابن مردویه از ابن عباس آورده که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حجة الوداع، حلقه‌ی در کعبه را گرفت و فرمود: ای مردم! آیا نشانه‌های قیامت را برای شما نگویم؟ سلمان برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! پدر و مادرم به فدای شما، ما را آگاه کنید. فرمود: از نشانه‌های قیامت، ضایع نمودن نماز، گرایش به هوا و هوس و تکریم ثروتمندان است. سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، سوگند به کسی که جان محمد به دست اوست. ای سلمان! در آن هنگام، زکات جریمه به شمار می‌آید و خراج غنیمت، دروغگو تصدیق می‌شود و راستگو تکذیب، خائن امین به حساب می‌آید و امین خیانت می‌کند و رویبضه سخن می‌گوید.

سلمان پرسید: رویبضه به چه معناست؟ فرمود: کسی که [پیشتر] سخن نگفته است [واهلیت ندارد]، در امور مردم سخن می‌گوید. [در آن زمان] نه قسمت از ده قسمت مردم حق را انکار می‌کنند، اسلام از میان می‌رود و جز نام آن باقی نمی‌ماند، قرآن نیز از بین می‌رود و جز خطوط آن باقی نمی‌ماند، مصحف‌ها را با طلا می‌آرایند، مردان اتم خود را به طلا می‌آرایند و مشورت با کنیزان خواهد بود. کودکان بر منبرها سخن می‌گویند و زنان خواستگاری خواهند نمود! در این هنگام است که مساجد به مانند کنیسه‌ها و کلیساها زینت می‌شوند، مناره‌ها بلند می‌گردند، صفوف زیاد می‌شود ولیکن قلب‌ها نسبت به هم بغض و کینه دارند و زبان‌ها مختلف است و اهواء بسیار!

سلمان پرسید: ای رسول خدا! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، سوگند به آنکه جان محمد به دست اوست. ای سلمان! در آن زمان، مؤمن در میان مردم، از کنیز خوارتر

۱. و نیز التاریخ الکبیر بخاری ۴/ ۳۳۰ و الزهد ابن ابی عاصم ۱/ ۲۱۲.

است. قلب مؤمن درونش مانند نمک در آب، ذوب می شود، چرا که منکرات را می بیند ولی نمی تواند آنها را تغییر دهد. مردان به مردان بسنده می کنند و زنان به زنان. چنان که بر دختران باکره غیرت می کنند، بر پسران هم!

ای سلمان! در آن زمان امیرانی فاسق، وزیرانی بدکار و اُمینانی خیانتکار خواهند بود. آنان نماز را ضایع می کنند و دنباله رو شهوات هستند. اگر چنین اشخاصی را دیدید، نمازتان را در وقتش برپا دارید. ای سلمان! در این هنگام چیزهایی از شرق و چیزهایی از غرب می آیند که جسم هایشان جسم های آدمیان است، اما دل هایشان دل های شیاطین. آنان به کوچک رحم نمی کنند و به بزرگ احترام نمی گذارند. ای سلمان! در آن زمان، مردم به سوی این بیت الحرام حج می گزارند، اما پادشاهان برای تفریح و سرگرمی، ثروتمندان برای تجارت، مساکین برای تکدی و قاریان برای ریا و شهرت! سلمان پرسید: ای رسول خدا! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، سوگند به کسی که جانم در دست اوست. ای سلمان! در این هنگام، دروغ فراوان می شود و ستاره ی دنباله داری آشکار می گردد. زن با شوهرش در تجارت مشارکت می کند و بازارها مانند یکدیگر می شوند! سلمان عرضه داشت: در چه چیزی مانند هم می شوند؟ فرمود: در کساد و کمی سود. ای سلمان! آنگاه خداوند بادی می فرستد که در آن مارهایی زرد رنگ است، پس عالمان بزرگ را [از زمین] برمی دارند، زیرا آنها منکرات را دیدند ولی تغییر ندادند! سلمان گفت: یا رسول الله! چنین خواهد بود؟ فرمود: آری، قسم به آنکه محمد را به حق مبعوث کرد.^۱

ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق ۳۶/۲۸۲ از انس از رسول خدا ﷺ: «در جهنم آسیابی است که عالمان سوء را به سختی آرد می کند.»^۲

ابشیهی در المستطرف ۱/۴۷ از انس از آن حضرت: «وای به حال اتم از علمای سوء که علم

۱. تعدادی از منابع سنن مشابیه آن را نقل کرده اند. در کتب شیعی نیز علامه ی مجلسی در بحار الانوار ۵۲/۲۶۲ قریب به همین مضمون را از جامع الاخبار تاج الدین شعیری از جابر نقل می کند، ولی سخنی از نشانه های قیامت در آن نیست، رک به جامع الاخبار ۷۲/

۲. همو در ۳۶/۱۷۸ و نیز ذهبی در میزان الاعتدال ۲/۲۵۲

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
اببدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد رب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

را وسیله‌ی تجارت قرار می‌دهند و آن را می‌فروشند. خدا تجارت آنان را سودمند قرار ندهد.^۱
مناوی در فیض القدير ۱/ ۱۸۳ آورده است: «از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: شرورترین مردمان کیست؟ فرمود: عالمان سوء».

همودر ۶/ ۴۷۸ آورده است: «وای بر حال اتمم از عالمان سوء».

این روایات از جهت زمانی مطلق و در منابع شیعه و سنی بسیار است.

در منابع ما شیعیان نیز، احادیث متعددی در نکوهش عالمان سوء و تفسیر آیات مذمت ایشان، آمده است و دلالت بر این دارد که زمان اینان، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ادامه دارد.

و اینک نمونه‌هایی از این روایات:

مرحوم کلینی در کافی ۸/ ۳۰۷ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «زمانی بر این مردم خواهد آمد که از قرآن جز خطوط آن و از اسلام جز اسمش باقی نماند. آنان مسلمان نامیده می‌شوند در حالی که دورترین مردم از اسلامند، مساجدشان آباد است و نسبت به هدایت ویران، فقیهان آن زمان بدترین فقیهان در زیر آسمانند! فتنه از ایشان بیرون می‌آید و به ایشان باز می‌گردد».^۲

این عبارت: «فتنه از ایشان بیرون می‌آید» از آن روست که آنان حاکمان جور را تأیید می‌کنند و اسلام را به خاطر آنها تحریف می‌نمایند.

جامع الاخبار/ ۱۲۹ از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «علمای آنان بدترین خلق خدا روی زمینند. در این هنگام خدا به چهار پیامد گرفتارشان می‌کند: ستم سلطان، قحطی دوران، ظلم والیان و ستم حاکمان».

اصحاب با تعجب پرسیدند: یا رسول الله! مگر بت‌ها را می‌پرستند؟ فرمودند: آری، هر درهمی برای آنان صنمی خواهد بود».

علامه‌ی مجلسی در بحار الانوار ۲/ ۱۰۷ آیات و احادیث نکوهش عالمان بدکردار را تحت عنوان «ذم علماء السوء ولزوم التحرز عنهم» آورده و ۲۵ حدیث در این رابطه نقل می‌کنند، از

۱. و نیز فیض القدير ۶/ ۴۷۹ و الفردوس ۴/ ۳۹۸ و ...

۲. مشابه آن در ثواب الاعمال ۱/ ۳۰۱ و اعلام الدین ۴۰۶/

جمله اینکه پیامبر ﷺ فرمودند: «فقیهان - تا وقتی که در دنیا داخل نشده اند - امینان رسولان خدا هستند. پرسیدند: یا رسول الله! داخل شدن در دنیا به چه معناست؟ فرمودند: پیروی از سلطان. زمانی که چنین کردند، به خاطر دینتان از ایشان بر حذر باشید.» و نیز فرمودند: «بدترین شر، عالمان بدکردارند و بهترین خیر، عالمان نیکو رفتار.» هم چنین فرمودند: «خدای عز و جل به داود علیه السلام وحی کرد: میان من و خود، عالم دنیا شیفته را قرار مده که تو را از راه محبتم باز می دارد. آنها راهزنان بندگان خواهان منند.» امام باقر علیه السلام نیز درباره ی آیه ی: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ»^۱، و شاعران را گمراهان پیروی می کنند، فرمودند: دیده ای کسی از شاعری دنباله روی کند؟ همانا آنها کسانی هستند که برای [هدفی] غیر دینی، تفقه [و کسب آگاهی] نمودند، پس گمراه شدند و گمراه کردند.»

مرحوم طبرسی در احتجاج ۲/۲۶۲ از امام حسن عسکری علیه السلام روایت می کند: «هر کسی از عوام شیعه، از چنین فقهایی [که فسق ظاهر دارند و به دنیا و حرام آن رومی آورند] تقلید کند، مانند یهودیانی است که خدا آنها را به سبب تقلید از فقیهان فاسقشان، نکوهش کرده است. و اما هر کسی از فقهاء که خویشان دار باشد، از دینش محافظت نماید، با هوای نفسش مخالف بوده و مطیع فرمان مولایش باشد، عوام می توانند از او تقلید کنند، و این اوصاف تنها در برخی از فقیهان شیعه است نه همه ی آنان. کسی که مانند فاسقان از عوام مرتکب کارهای قبیح و امور ناپسند گردد، هیچ چیزی از او درباره ی ما نپذیرید و او هیچ احترامی ندارد.» در تفسیر امام عسکری علیه السلام / ۳۴۴ از امام هادی علیه السلام در ستایش عالمان با تقوا چنین آمده است: «اگر بعد از غیبت قائم شما، عالمانی باقی نمی ماندند که به سوی او دعوت و راهنمایی کنند و با حجت های الهی از دین او دفاع نمایند و بندگان ضعیف الایمان را از دام ابلیس و شیطان های سرکش او نجات دهند و از تله های نواصب پرهانند، همه از دین خدا مرتد می شدند. ولیکن اینان کسانی هستند که قلوب شیعیان ضعیف الایمان را نگه می دارند، همان طور که سگانداز کشتی سگان را نگه می دارد، ایشان برترین ها در نزد خدای عز و جل اند.»^۲

۱. سوره ی شعراء / ۲۲۴

۲. و نیز احتجاج / ۱۱۸ و منیة المرید / ۱۱۸.

بشارت ها

بشارت پیامبر ﷺ و دیگر معصومان علیهم السلام

درباره ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

احادیث بشارت پیامبر ﷺ به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

«مهدی از عترت من، همنام و هم کنیه‌ی من است»

مسند احمد ۳/ ۳۶ از ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ می‌آورد: «قیامت برپا نمی‌شود مگر پس از آنکه زمین از ستم و عدوان آکنده شود.

در ادامه فرمودند: سپس مردی از عترتم - و یا فرمود: از اهل بیتم - خروج می‌کند و زمین را پُر از عدل و داد می‌نماید، همان گونه که از ستم و عدوان آکنده شده است.»^۱

حافظ مغربی در ردّ ابن خلدون / ۵۱۵ می‌گوید: «حاکم این حدیث را از عوف بن ابی جمیله به دو طریق آورده است؛ طریق نخست: از ابوبکر بن اسحاق و علی بن حماد عدل و ابوبکر محمد بن احمد بن بالویه، همگی به نقل از بشر بن موسی اسدی از هارون بن خلیفه از عوف بن ابی جمیله اعرابی.

طریق دوم: از حسین بن علی دارمی، از محمد بن اسحاق امام، از محمد بن یسار، از ابن ابی عدی از عوف اعرابی.

امام احمد آن را به نقل از محمد بن جعفر آورده و می‌گوید که عوف اعرابی برایمان این حدیث را گفت.

حاکم می‌گوید: حدیث بنا بر شرط شیخین صحیح است و حافظ ذهبی در مستدرک آن را پذیرفته است. و برای انسان منصف همین کافیست.»

الجامع الصحیح ۱/ ۱۴۷ از ابوسعید خدری از آن حضرت: «قیامت برپا نمی‌شود مگر پس از آنکه زمین از ستم و عدوان آکنده شود، آنگاه مردی از عترتم - و یا فرمود: از اهل بیتم - خروج می‌کند و زمین را پُر از عدل و داد می‌نماید، چنان که از ستم و جور آکنده شده است.»

هیشمی در المقصد العلی ۴/ ۴۰۶ از ابوسعید خدری از ایشان: «قیامت برپا نمی‌شود مگر پس از آنکه زمین از ستم و دشمنی پر شود، آنگاه مردی از اهل بیتم - و یا فرمود: از عترتم - قیام می‌کند و زمین را پُر از عدل و داد می‌نماید، چنان که از ستم و ظلم و عدوان پر شده است.»

۱. و نیز مسند ابویعلی ۲/ ۲۷۴، صحیح ابن حبان ۸/ ۲۹۰، المستدرک ۴/ ۵۵۷ که بنا بر شرط شیخین آن را صحیح دانسته است. در منابع ما نیز رُک به دلائل الامامة / ۲۴۹

بشارت‌ها

جامع الاحادیث ۸/ ۸۱ از ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «مردی از اهل بیتم قیام می‌کند که همنام من است و اخلاقش اخلاق من است. پس زمین را پراز عدل و داد می‌کند، چنان‌که از ستم و بیداد پر شده است.»

مسند احمد ۱/ ۳۷۶ از عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله: «قیامت برپا نمی‌شود مگر پس از آنکه مردی از اهل بیتم به حکومت برسد که همنام من است.»

سنن ترمذی ۳/ ۴۴۳ مشابه آن را از ابن مسعود نقل می‌کند، از ابوهریره نیز چنین آورده است: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا آنکه...» حدیث را صحیح و حسن شمرده است.

بلخی در البدء والتاریخ ۲/ ۱۸۰ مانند روایت احمد را نقل کرده می‌گوید: «در این باب، بهترین روایت، روایت ابوبکر بن عیاش از عاصم بن ذرّاز عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله است: دنیا سپری نمی‌شود مگر پس از آنکه مردی از اهل بیتم که همنام من است، برامتم به حکومت برسد، نام او مشابه نام من است...»

ابن منادی در الملاحم ۱/ ۴۱ از ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله: «قیامت برپا نمی‌شود مگر پس از آنکه فردی از اهل بیتم که نام او همانند نام من است، بر زمین حکمرانی کند.»

در مسند احمد ۳/ ۲۸ و ۷۰ از ابوسعید نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «زمین پراز ظلم و ستم می‌شود، آنگاه مردی از عزترتم قیام می‌کند. او هفت یا نه سال حکومت کرده و زمین را پراز عدل و داد می‌نماید.»^۱

در تذکرة الخواص ۳/ ۳۶۳ از ابن عمر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخرالزمان، مردی از فرزندانم قیام می‌کند. نام و کنیه‌اش مانند من است. او زمین را پراز عدل می‌کند، چنان‌که پراز ستم شده است.

سبط بن جوزی در ادامه می‌نویسد: او همان مهدی است، و این حدیثی مشهور است.»^۲

۱. المستدرک ۴/ ۵۵۸ مشابه روایت احمد را با تفاوتی اندک از ابوسعید آورده و آن را بنابر شرط مسلم صحیح دانسته است، و نیز رک به استدرک ذهبی ۷/ ۳۴۶۱ و حلیة الاولیاء ۳/ ۱۰۱

۲. مانند آن در عقد الدرر ۳۲/

امام زمان عجل الله تعالی فرجه و دولت جهانی ایشان حتمی است

المصنف ابن ابی شیبہ ۸ / ۶۷۹ از حضرت امیر عليه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله: «اگر از روزگار جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیتم را برمی انگیزد که دنیا را پراز عدل می کند، چنان که آکنده از ستم شده است.»^۱

در مسند بزار ۲ / ۱۳۴ آمده است: «اگر از دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا برمی انگیزد که زمین را مملو از عدالت می کند، هم چنان که پراز جور شده است.»^۲

مسند احمد ۱ / ۳۷۶ و ۳۷۷: «ایام سپری نمی شود و روزگار به پایان نمی رسد، مگر آنکه مردی از اهل بیتم که هم نام من است، بر عرب حکمرانی کند.»^۳

المعجم الكبير ۲۰ / ۱۶۸ از عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «روزها و شب ها به پایان نمی رسد و اگر جز یک روز از دنیا باقی نمانده باشد، خدا مردی از امتم را برمی انگیزد که نام او همانند نام من است.»^۴

ابن حبان در صحیح خود ۷ / ۵۷۶ از ابوهیره از آن حضرت: «اگر جز یک شب از دنیا باقی نمانده باشد، مردی از اهل بیت پیامبر، در آن حکمرانی خواهد کرد.»^۵

این مضمون در منابع ما شیعیان از جمله در دلائل الامامة / ۲۵۵ چنین آمده است: «قیامت برپا نمی شود مگر بعد از آنکه مردی از فرزندانم که نام او همانند نام من است، به حکومت برسد. او زمین را پراز عدل و داد می نماید، همان گونه که پراز ظلم و ستم شده است.»^۶

۱. مشابه آن در مسند احمد ۱ / ۹۹، البدء و التاريخ ۲ / ۱۸۱ و الجامع الصغير ۲ / ۴۳۸ از احمد و ابوداود، الدر المنثور ۶ / ۵۸ می نویسد: ابن ابی شیبہ، احمد و ابوداود آن را نقل کرده اند.

۲. مشابه آن در جامع المسانید ۲۰ / ۳۰۰

۳. مشابه آن در سنن ابوداود ۴ / ۱۰۷، سنن ترمذی ۳ / ۳۴۳ - که آن را حسن و صحیح دانسته -، المعجم الكبير ۱۰ / ۱۶۴ و ۱۶۶، مسند بزار ۵ / ۲۰۴ و المعجم الاوسط ۷ / ۴۲۵

۴. و نیز رک به تحفة الاشراف ۷ / ۲۳، الفصول المهمة ۱ / ۲۹۱ از ارشاد شیخ مفید، و در ۲۹۴ آن را از سنن ابوداود و ترمذی آورده است.

۵. همو در ادامه نظیر همین حدیث را از ابن مسعود نقل می کند که عبارت «نام وی همانند نام من است» نیز در آن آمده است، و نیز الملاحم ابن منادی ۱ / ۴۱ و المعجم الكبير ۱۰ / ۱۶۱

۶. و نیز بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله ۲۵۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سنن الدانی / ۱۰۰ از ابوسعید روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردی از امت قیام می‌کند و به ستم عمل می‌نماید. خداوند برکت را از آسمان برایش فرو می‌فرستد و زمین برکتش را برای او بیرون می‌دهد. او زمین را پراز عدالت می‌کند، چنان‌که پراز ستم شده است. هفت سال بر این امت حکومت می‌کند و در بیت المقدس سکنی می‌گزیند.»^۱

المعجم الاوسط ۲/ ۱۵ از ابوسعید از آن حضرت: «مردی از اهل بیت قیام و به ستم حکم می‌کند. خدای عزوجل برای او از آسمان باران می‌فرستد و زمین برکت خود را برایش بیرون می‌دهد. به دست او زمین از داد و عدل پر می‌شود، چنان‌که از ستم و بیداد پر شده است. او بر این امت هفت سال حکومت می‌کند و در بیت المقدس سکنی می‌گزیند.»

در منابع شیعی، شیخ طوسی در غیبت / ۱۱۱ از ابوسعید خدری: «شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فراز منبر می‌فرمودند: مهدی از عترت و اهل بیت من است. او در آخر الزمان خروج می‌کند. خداوند برای او باران را از آسمان فرو می‌فرستد و بذر زمین را بیرون می‌دهد، پس زمین را از عدل و داد پر می‌کند، چنان‌که مردم آن را از ستم و بیداد پر نمودند.»

همان / ۱۱۳ از ابن مسعود از ایشان: «دنیا به پایان نمی‌رسد مگر پس از آنکه مردی از اهل بیت که مهدی گفته می‌شود، امر امت را به دست گیرد.»

مهدی به حق، و از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام است

سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۶۸ از سعید بن مسیب چنین نقل می‌کند: «ما نزد ام سلمه بودیم و مهدی را یاد کردیم، او گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی به حق و از فرزندان فاطمه می‌باشد.»^۲

۱. عقد الدرر / ۴۰ آن را از سنن الدانی و ابونعیم نقل می‌کند. مجمع الزوائد ۷/ ۳۱۷ آن را با تفاوتی اندک نسبت به سنن الدانی می‌آورد و می‌نویسد: آن را ترمذی، ابن ماجه به طور مختصر و نیز المعجم الاوسط آورده‌اند. در نقل طبرانی آمده است: خدای عزوجل باران را از آسمان برای او فرو می‌فرستد و برکت زمین را برایش می‌رویاند.
۲. و نیز التاریخ الكبير بخاری ۳/ ۳۴۶، سنن ابوداود ۴/ ۱۵۷، المعجم الكبير ۲۳/ ۲۶۷، المستدرک ۴/ ۵۷۷ به دو روایت، مشکاة المصابیح ۳/ ۲۴ از ابوداود - در پاورقی آن آمده است: سند خوبی دارد - تذکرة الحفاظ ۲/ ۴۶۳، الدر المنثور ۶/ ۵۸ می‌نویسد: ابوداود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم آن را از ام سلمه آورده‌اند. الصواعق المحرقة ابن حجر ۱۶۳/ مانند روایت ابوداود را نقل کرده می‌گوید: از جمله روایات پیرامون مهدی آن است که مسلم، ابوداود، نسائی، —

الفتن ابن حماد / ۱/ ۳۶۸ از قتاده: «به سعید بن مسیب گفتم: آیا مهدی حق است؟ گفت: حق است، پرسیدم: از کدام قبیله است؟ گفت: از قریش، پرسیدم: از کدام تیره؟ گفت: بنی هاشم، گفتم: از کدام؟ پاسخ داد: از بنی عبدالمطلب، گفتم: از کدام نسل؟ گفت: از فرزندان فاطمه.»^۱

الملاحم والفتن ابن طاووس / ۱۶۴ از کتاب فتن زکریا از سعید بن مسیب از ابن عباس آورده است: «مهدی از قریش است، گفتند: از چه تیره ای؟ گفت: از بنی هاشم، از فرزندان فاطمه (علیها السلام).»

ابن یوسف کرمی در فرائد فوائد الفكر / ۶۵ از قتاده چنین نقل می کند: «از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی حق است؟ گفت: آری، حق است، ... از فرزندان فاطمه، پرسیدم: از کدام یک از فرزندان فاطمه؟ گفت: دیگر برایت کافی است.»^۲

غیبت شیخ طوسی / ۱۱۴ از جابر بن یزید جعفی از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: «مهدی مردی از فرزندان فاطمه (علیها السلام) و گندمگون می باشد.»

رسول خدا ﷺ حضرت زهرا را به مهدی (علیه السلام) بشارت می دهند

یکی از روایات شگفت آوری که اتباع خلافت نقل می کنند حدیثی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن با حضرت زهرا (علیها السلام) سخن می گویند و از مهدی یاد کرده، فضیلت و برتری عترت

← ابن ماجه، بیهقی و دیگران آورده اند که: مهدی از عترت من و فرزندان فاطمه است.

در منابع شیعی، غیبت شیخ طوسی / ۱۱۴ مانند نقل ابو داود را آورده است. ابن طاووس نیز در الطرائف / ۱۷۵ همان را از الجمع بین الصحاح، الفردوس، ومصابیح السنة بغوی نقل می کند.

عباد وهابی در عقیده اهل السنة و الاثر / ۱۸ آن را از ابو داود و ابن ماجه نقل می کند و می نویسد: این حدیث را در الجامع الصغير آورده و به صحت آن اشاره کرده است، مصابیح السنن آن را در فصل روایات حسن آورده است، البانی نیز در تخریج احادیث المشکاة می گوید: سند خوبی دارد. وی می افزاید: ترمذی و ابو داود آن را روایت کرده اند. و نیز می نویسد: ابو داود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم آن را از ام سلمه نقل کرده اند.

۱. و نیز الملاحم ابن منادی / ۴۱، هموبه واسطه ی سعید بن مسیب از ام سلمه روایت می کند که نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن از مهدی به میان آمد، ایشان فرمودند: آری او حق است و از فرزندان فاطمه - و یا فرمودند: از پسران فاطمه - می باشد.

۲. مشابه آن در تیسیر المطالب / ۸۸ از ام سلمه و زین الفتی / ۴۰۲ از قتاده آمده است، و نیز رک به الفتن / ۳۷۵، ۳۴۵، ۳۵۰، ۳۶۹ و ۳۷۳، الحاوی / ۷۸/۲، جمع الجوامع / ۱۰۴/۲ و اثبات الهداة / ۱/ ۷۱۲

بشارت‌ها

بر تمامی صحابه را ذکر می‌کنند، و بروصایت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح می‌نمایند. این یکی از حجت‌ها و براهینی نبوی است که از تیررس دستگاه حاکم و اتباع آن به دور مانده است.

البته خشم و غضب ذہبی را برانگیخته و لذا در صدد تضعیف آن - به وسیله‌ی تضعیف هیثم بن حبیب - برآمده است، اما علی رغم میل او بزرگان علمای جرح و تعدیل سنی مانند احمد بن حنبل، ابو عوانه، شعبه، اسحاق بن منصور، ابو زرعه، ابو حاتم و ابن حبان او را ثقه شمرده‌اند! اهل سنت آن را با نقل‌هایی مشابه از ابوایوب انصاری، ابو سعید خدری، سلمان، علی هلالی، ابن عباس و غیراینان آورده‌اند، که ارائه‌ی آن به همراه طرق و اسناد از صد صفحه متجاوز است.

المعجم الصغیر طبرانی ۳۷/۱ از ابوایوب انصاری نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: «پیامبر ما بهترین پیامبران و پدرتوست. شهید ما بهترین شهیدان و عمومی پدرت حمزه است. کسی که دو بال دارد و با آن به هر جایی از بهشت که بخواهد پرواز می‌کند، از ماست و او پسر عمومی پدرت جعفر است. دو سبط این امت حسن و حسین از ما هستند، و آنها پسران تواند، مهدی نیز از ماست.»

در المعجم الکبیر ۵۲/۳ دو روایت از علی مکی هلالی آورده است: «در آن بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله که منجر به وفات ایشان شد، خدمتشان رسیدم. فاطمه در کنار سر پیامبر نشست. پس آن قدر گریه کرد که صدایش بلند شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او نگاه کرد و فرمود: محبوبم، ای فاطمه! چرا گریه می‌کنی؟ عرض کرد: از ظلم [امت] پس از شما می‌هراسم! فرمود: محبوبم! آیا نمی‌دانی که خدای عزوجل به زمین نگاهی کرد و پدرت را از آن برگزید و برای رسالت خویش برانگیخت، سپس نگاه دیگری کرد و شوهرت را از آن برگزید و به من وحی فرمود که تو را به ازدواج او درآورم؟

ای فاطمه! و ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت ویژگی به ما داده است که نه پیش از

۱. تهذیب التهذیب ۸۱/۱۱

۲. این عبارت کنایه از اختیار و انتخاب الهی به جهت آگاهی او از ممتاز بودن ایشان در میان مخلوقات می‌باشد.

ما به کسی عطا نموده و نه پس از ما به کسی عطا خواهد کرد؛ من خاتم پیامبران، گرامی ترین آنان نزد خدا و محبوب ترین خلق او هستم که پدر تو هستم. وصی من بهترین اوصیاء و محبوب ترین ایشان نزد خداست که شوهرتوست. شهید ما بهترین شهیدان و محبوب ترین آنها نزد خداست و او عموی حمزة بن عبدالمطلب است، او عموی پدرت و شوهرت است. آنکه دو بال سبز دارد و در بهشت همراه فرشتگان، هر جا که بخواهد پرواز می کند، از ماست، که پسر عموی پدرت و برادر شوهرت است. دو سبط این امت از ما هستند که پسران تو حسن و حسین و دو سرور جوانان اهل بهشت اند. سوگند به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، پدر آن دو برتر از آنهاست.

ای فاطمه! سوگند به خدایی که مرا به حق مبعوث داشت، مهدی این امت از حسن و حسین است.^۱ هنگامی که دنیا دچار فتنه و آشوب شود و فتنه ها پشت سر هم رخ دهند و راه ها قطع گردد [و امنیت نداشته باشد]، برخی بر برخی دیگر هجوم آورند، نه بزرگ بر کوچک رحم کند و نه کوچک بزرگ را احترام نماید، آنگاه خدای عزوجل از [نسل] حسن و حسین، کسی را برمی انگیزد که قلعه های گمراهی و قلب های بسته را فتح می کند. او در آخرالزمان - همان گونه که من در اول الزمان برای برپایی دین قیام کردم - بدان قیام می کند و دنیا را - همان طور که پراز جور شده است - پراز عدالت می نماید.

ای فاطمه! غمگین مباش و گریه نکن، زیرا خدای عزوجل از من به تو مهربان تر و رؤف تر است، و این به سبب جایگاه تو نزد من و موضع تو در قلب من است. خدا تو را به ازدواج همسری درآورده که از لحاظ حسب با شرافت ترین اهل بیت تست، بالاترین منزلت را در میان آنان دارد، مهربان ترین آنان با مردم، عادل ترین آنها در برپایی مساوات و آگاه ترین ایشان نسبت به امر دآوری است. من از پروردگارم درخواست کردم که تو نخستین شخص از اهل بیتم باشی که [پس از وفاتم] به من ملحق می گردد.

علی بن هلال می گوید: وقتی پیامبر وفات نمود، فاطمه تنها هفتاد و پنج روز باقی ماند تا

۱. شاید این عبارت اشاره به آن باشد که امام عصر عجل الله تعالی فرجه - از آنجا که امام زین العابدین علیه السلام با دختر امام حسن علیه السلام ازدواج نمودند و امام محمد باقر علیه السلام ثمره ی این ازدواج است، اما مان بعدی همه همان گونه که از نسل امام حسین علیه السلام هستند، از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می باشند - از نسل هر دو امام است. م

آنکه خدا او را به پیامبر ملحق نمود.^۱

مناقب ابن مغازلی / ۱۰۱ از ابویوب آورده است: «رسول خدا بیمار شدند. فاطمه علیها السلام برای عیادت نزد آن حضرت رفت، در حالی که پیامبر بهبودی کامل نیافته بودند. وقتی خستگی و ضعف رسول خدا صلی الله علیه و آله را دید، گریه گلویش را گرفت و اشکش جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای فاطمه! خدای عزوجل به زمین نگاهی نمود و پدرت را از آن برگزید و او را به پیامبری مبعوث کرد. سپس بار دوم بدان نگرست و شوهرت را از آن برگزید، پس به من وحی کرد، و من او را به ازدواج تو درآوردم و جانشینم قرار دادم. ای فاطمه! آیا نمی دانی به سبب کرامتی که نزد خدا داری تو را به ازدواج بردبارترین مردم، پیشگام ترین آنان در اسلام و داناترین آنها در آورد؟ فاطمه از این مطلب خوشحال و مسرور شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای فاطمه! علی هشت منقبت عظیم دارد؛ ایمان به خدا و رسول، حکمت، همسری با تو، دو فرزند او حسن و حسین هستند، او امر به معروف و نهی از منکر می کند و بر طبق کتاب خدای عزوجل قضاوت می نماید.

ای فاطمه! ما اهل بیتی هستیم که به ما هفت ویژگی داده شده که به هیچ یک از اولین و آخرین داده نشده و نخواهد شد؛ پیامبر ما برترین پیامبران است، که پدرتوست. وصی ما بهترین اوصیاست، که شوهرتوست. شهید ما بهترین شهداست، که عموی پدرتوست. کسی که دو بال دارد و در بهشت، هر جا که بخواهد با آنها پرواز می کند، از ماست، که جعفر پسر عموی توست. دو سبط این امت از ما هستند، که پسران تواند. و سوگند به کسی که جانم به دست اوست، مهدی این امت از ماست.»

سیوطی در مسند فاطمه / ۴۷ و ۹۳ نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «ای فاطمه! بر تو بشارت باد که مهدی از توست.»

ینابیع المودة / ۸۱ این حدیث را با قدری تفاوت از مناقب خوارزمی نقل می کند و در آن آمده است: «دو سبط و دو سرور جوانان اهل بهشت که دو پسر تواند، از ما هستند، و قسم به کسی که جان من به دست اوست، همانا مهدی این امت که عیسی بن مریم پشت سرش نماز

۱. و نیز مجمع الزوائد ۹/ ۱۶۵، البیان شافعی ۴۷۸ و ذخائر العقبی ۴۴ و ۱۳۵ به اختصار

می‌گزارد، از فرزندان توست.»^۱

گنجی شافعی در البیان / ۵۰۱ از ابوهارون عبدی چنین نقل می‌کند: «نزد ابوسعید خدری رفتم و پرسیدم: آیا در جنگ بدر حضور داشتی؟ گفت: آری، پرسیدم: آیا از آنچه از رسول خدا ﷺ درباره‌ی علی و فضل او شنیدی، برایم نمی‌گویی؟ گفت: آری، برایت می‌گویم. رسول خدا ﷺ بیمار شدند. وقتی که مقداری بهبودی یافتند، فاطمه برای عیادت ایشان آمد. من هم سمت راست پیامبر نشسته بودم... مهدی امت که عیسی پشت سرش نماز می‌خواند، از ماست. آنگاه برشانه‌ی حسین زد و فرمود: مهدی امت از نسل این فرزند است. دارقطنی، صاحب الجرح والتعديل چنین آورده است.»

در منابع شیعی، امالی شیخ طوسی ۱/ ۱۵۴ از ابویوب انصاری آن را نقل می‌کند. **کمال الدین ۱/ ۲۶۲** از سلمان نقل می‌کند: «در آن بیماری رسول خدا ﷺ که منجر به فوت ایشان شد، نزد آن حضرت نشسته بودم که فاطمه ﷺ وارد شد... نخستین وصی پس از من برادرم علی است، آنگاه حسن و سپس حسین و بعد از او نه نفر از فرزندان حسین که در درجه‌ی من هستند...»

دخترم! ما اهل بیتی هستیم که خدای عزوجل شش خصلت به ما عطا فرموده است که به احدی غیر از ما نداده است...»

مقاتل الطالبین ۱/ ۹۷ از ولید بن محمد موقری آورده است: «همراه ابن شهاب زهری در منطقه‌ی رصافه^۲ بودم که بانگ طبل زنان را شنیدیم. او به من گفت: ولید! بین چه خبر است؟ از پنجره به پایین نگاه کردم و گفتم: سرزید بن علی است! ابن شهاب درست نشست و گفت: افراد این خاندان را شتاب و عجله هلاک نمود. پرسیدم: مگر اینان هم حکومت خواهند کرد؟ گفت: علی بن حسین از پدرش از فاطمه روایت کرد که رسول خدا ﷺ به او فرمود: مهدی از فرزندان توست.»^۳

در دلائل الامامه / ۲۳۴ از ولید بن محمد موقری چنین روایت می‌کند: «نیم روز در رصافه بردر

۱. و نیز رک به الروض الدانی ۷۵/۱

۲. شاید مقصود رصافه‌ی کوفه باشد.

۳. و نیز تهذیب ابن عساکر ۶/ ۲۶

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ش

منزلت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله‌الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خانه‌ی زهری ایستاده بودم که طبل‌زنانی که سرزید بن علی را می‌چرخاندند گذشتند. پس زهری گریست و گفت: افراد این خاندان حکمرانی خواهند کرد، اما عجله [اینان را بدین روز انداخته است]. گفتم: ای ابوبکر! اینها هم حکومت می‌کنند؟ گفت: علی بن الحسین به نقل از پدرش برایم گفت که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به فاطمه فرمود: مهدی از فرزندان توست.»

کفایة الاثر / ۶۲ از جابر بن عبدالله: «در بیماری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که منجر به وفاتشان شد، فاطمه کنار سرایشان نشسته بود، پس چنان گریست که صدایش بلند شد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دیده‌اش را به سوی فاطمه گشود و فرمود: محبوبم، فاطمه! چرا گریه می‌کنی؟ عرض نمود: از ستم [امت] پس از شما می‌هراسم! فرمود: محبوبم! گریه نکن، زیرا ما اهل بیتی هستیم که خدا هفت امتیاز به ما عطا نموده که به احدی پیش از ما و پس از ما نداده و نخواهد داد؛ من خاتم انبیاء و محبوب‌ترین خلق نزد خدایم، و پدر توهستم. جانشین من بهترین جانشینان و محبوب‌ترین آنان نزد خداست، که شوهر توست. شهید ما بهترین و محبوب‌ترین شهداء نزد خداست، که عموی توست. دو سبط این امت از ما هستند، که پسرانت حسن و حسین‌اند، و خدا از نسل حسین، نه امام می‌آورد که امین و معصوم‌اند. و مهدی این امت نیز از ماست.

آنگاه که دنیا گرفتار هرج و مرج شود، فتنه‌های یکی پس از دیگری پدیدار گردند، راه‌ها ناامن شود، برخی بر برخی دیگر هجوم برند، پس نه بزرگ بر کوچک رحم کند و نه کوچک به بزرگ احترام بگذارد، خدا مهدی ما را - که نهمین امام از نسل حسین است - برمی‌انگیزد که دژهای گمراهی و قلب‌های فرو بسته را فتح می‌کند، و همان گونه که من در ابتدای زمان دین را اقامه نمودم، آن را در آخرالزمان برپا خواهد داشت، و زمین را چنان که پراز ستم شده است، از عدالت آکنده خواهد ساخت.»

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حضرت امیر را به حضرت مهدی عجله‌الله تعالی فرجه‌ش بشارت می‌دهند

دلائل الامامة / ۲۵۰ از انس بن مالک روایت می‌کند: «روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم [از خانه] بیرون آمدند و حضرت علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه را دیدند، پس دست خود را میان دو کتف او گذاشته فرمودند:

یا علی! اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن را چنان طولانی می‌کند تا مردی از عترت تو - که او را مهدی گویند - حکمرانی نماید. او به سوی خدای عزوجل هدایت می‌کند و عرب توسط او رهنمون می‌شوند، همان طور که تو کفار و مشرکان را از ضلالت هدایت نمودی.

آنگاه فرمودند: بردو کف دست او نوشته است: با او بیعت نمایید که این بیعت با خداوند عزوجل است.»

نعمانی در غیبت / ۹۲ از عبد خیر نقل می‌کند: «شنیدم امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمودند: یا علی! امامان را شد، هدایت شده و معصوم از فرزندان تو یازده تن هستند. نخستین آنها توئی و آخرینشان همان من است. او خروج می‌کند و زمین را پر از عدل می‌نماید، همان سان که از جور و ظلم پر شده است. مردی به نزد او می‌آید - و این در حالی است که اموال انباشته اند - و می‌گوید: ای مهدی! به من عطا کن، پس مهدی می‌گوید: بگیر.»^۱

همان / ۵۷ از حسن بن ابوالحسن بصری - به طور مرفوع - روایت می‌کند: «جبرئیل خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و گفت: ای محمد! خدای عزوجل تو را فرمان می‌دهد که فاطمه را به همسری علی برادرت درآوری، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هم به سراغ ایشان فرستاد و فرمود: یا علی! من تو را به ازدواج فاطمه دخترم، بانوی بانوان عالمین که پس از تو محبوب‌ترین شخص نزد من است، در می‌آورم. از شما دو تن، دو آقای جوانان اهل بهشت و نیز شهیدانی که پس از من به خون آغشته می‌شوند و در زمین مورد ستم قرار می‌گیرند، به وجود خواهند آمد. آن نجیبان نورانی که خداوند به وسیله‌ی آنها ظلم را خاموش و حق را احیاء می‌کند و باطل را می‌میراند، تعداد آنان تعداد ماه‌های سال است و آخرین ایشان کسی است که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌گزارد.»

۱. و نیز غیبت شیخ طوسی / ۹۰

رسول خدا ﷺ امام حسین را به حضرت مهدی علیه السلام بشارت می دهند

عقد الدرر / ۲۴ از ابونعیم در صفة المهدی چنین روایت می کند: «حذیفه می گوید: رسول خدا ﷺ برای ما سخنرانی کرد و از آنچه رخ خواهد نمود خبر داد، آنگاه فرمود: اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای عزوجل آن روز را چنان طولانی می کند، تا مردی از فرزندانم را که همانم من است برانگیزد. سلمان فارسی برخاست و عرضه داشت: یا رسول الله! از نسل کدام فرزندان؟ فرمود: از این فرزندم و با دست بر حسین زدند.»^۱

القول المختصر / ۷ این مضمون را چنین نقل می کند: «تا آنکه مردی از اهل بیتم به حکومت رسد. نبردها بردست او رخ می دهد و او اسلام را آشکار می کند. خداوند از وعده اش تخلف نمی کند و او سریع الحساب است.»

گنجی در البیان / ۵۱۰ مشابه آن را از حذیفه چنین نقل می کند: «نام او نام من و اخلاق او همچون اخلاق من است. کنیه اش ابو عبدالله است. مردم بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. خداوند دین را به دست او باز می گرداند و برای او فتوحاتی خواهد داشت که به دنبال آن تنها گویندگان لا إله إلا الله بر روی زمین باقی خواهند ماند... فرمودند: از نسل این پسر، و با دست بر حسین علیه السلام زدند.»

نگارنده: تنها در این روایت کنیه ی ابو عبدالله برای امام مهدی علیه السلام ذکر شده است، ولی صحیح و متواتر آن است که رسول خدا ﷺ درباره ی ایشان فرموده است: کنیه ی او کنیه ی من است، یعنی ابو القاسم.

دلائل الامامة / ۲۳۴ از ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ: «قسم به کسی که جانم به دست اوست، مهدی این امت که عیسی پشت سرش نماز می خواند، از ماست. آنگاه دست خود را بر شانه حسین زدند و فرمودند: از این، از این.»^۲

ابن میثم بحرانی در النجاة فی القيامة / ۱۶۷ از پیامبر ﷺ نقل می کند که به امام حسین علیه السلام فرمودند: «این پسر، امام، پسر امام، برادر امام و پدر امامان نه گانه ایست که نهمین آنان قائم

۱. و نیز ذخائر العقبی / ۱۳۶، فرائد السمطين / ۳۲۵/۲ و المنار المنيف / ۱۴۸ از طبرانی

۲. نظیر آن در غیبت شیخ طوسی / ۱۱۶

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آنهاست. او حجت، پسر حجت، برادر حجت و پدر حجج نه گانه است.»

البرهان / ۴۶ و الدر النظیم / ۷۹۱ از سلمان فارسی چنین روایت می‌کنند: «خدمت رسول خدا ﷺ رسیدم و دیدم حسین بر روی زانوی ایشان نشسته و پیامبر ﷺ گونه‌ها و دهان او را می‌بوسند و می‌فرمایند: تو آقا، پسر آقا و برادر آقائی، تو امام، پسر امام و برادر امامی، تو حجت [خدا]، برادر حجت و پدر حجج نه گانه‌ای که نهمین آنان قائم مهدی آنهاست.»

عوالم العلوم، کتاب النصوص / ۱۴۶ از ابوسعید آورده است: «شنیدم رسول خدا ﷺ به حسین فرمودند: ای حسین! تو امام، پسر امام و برادر امامی و نه تن از فرزندان امامان ابرار هستند، که نهمین آنان قائم آنهاست. اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! پس از شما چند امام خواهند بود؟ فرمودند: دوازده تن که نه تن آنها از نسل حسین هستند.»

امیرالمؤمنین امام حسین علیه السلام را بشارت می‌دهند

کمال الدین ۳۰۴/۱ از حضرت علی علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «ای حسین! نهمین فرزند تو قائم به حق است که دین را اظهار می‌کند و عدالت را می‌گستراند.

امام حسین علیه السلام عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! و آیا چنین خواهد شد؟ فرمودند: آری، سوگند به آنکه محمد ﷺ را به نبوت برانگیخت و او را بر تمامی آفریدگان برگزید، ولیکن پس از غیبت و حیرتی که در آن تنها مخلصانی که یقینی راسخ دارند و خداوند از آنان بر ولایت ما میثاق گرفته، ایمان را در قلوب آنها نوشته و آنان را با روحی از جانب خود تأیید نموده است، بر اعتقاد به او ثابت می‌مانند.»^۱

شیوه‌های ابتکاری پیامبر و امامان علیه السلام برای شناساندن

انسان، وقتی روایات مربوط به تفسیر آیه‌ی تطهیر، و تعیین خاندان و اهل بیت پیامبر ﷺ توسط آن حضرت را مشاهده می‌کند، در مقابل شگردی که ایشان برای معرفی آنان به کار گرفته‌اند، سر تعظیم فرود می‌آورد. رسول گرامی ﷺ حضرت امیر، صدیق‌ه‌ی طاهره و حسنین علیه السلام

۱. و نیز اعلام الوری / ۴۰۰، اثبات الهداة / ۳/ ۴۶۴، بحار الانوار / ۵۱/ ۱۱۰، کفایة الاثر / ۶۶ و...

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

را حاضر می‌کنند، عبایی بر آنان پیچیده و آیه را تلاوت می‌کنند، آنگاه می‌فرمایند: اینان، اهل بیت منند و برای آنان دعا می‌کنند. ام سلمه می‌خواهد در میان آنان داخل شود، ولی آن حضرت عبا را از دست او می‌کشند - چنان که احمد بن حنبل روایت کرده است - پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نزول این آیه، بارها و بارها در طول شش ماه - بنابر روایت احمد و دیگران - به در خانه‌ی امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام می‌آیند، آنان را برای نماز صبح بیدار و آیه تطهیر را تلاوت می‌کنند.

افزون بر این تعیین عملی، دلالت‌های واضح دیگری نیز در میان است که سنیان پاره‌ای از آن را نقل کرده‌اند و ما به صورت کامل. از جمله آنکه ایشان فرمودند: «علی، فاطمه، حسن، حسین و نه تن از نسل حسین که نهمین آنان مهدی آنهاست و زمین را مملو از عدل و داد می‌کند.»^۱ از دیگر ابتکارات پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که در حجة الوداع حضرت علی رضی الله عنه را طلب نموده، او را بر فراز منبر بردند، دستش را بالا گرفتند و رسالت الهی را درباره‌ی او ابلاغ نمودند، آنگاه از مسلمین خواستند تا به ایشان تهنیت بگویند و به عنوان ولایت و سرپرستی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن حضرت بیعت کنند!

دیگر ابتکار ایشان گفتارها و فرمایشاتی است که درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام دارند، از جمله آنکه فرمودند: «امامان پس از من دوازده تن هستند که در این تیره از هاشم کاشته شده‌اند، امامت جز بر آنان شایسته نیست و زمامداری غیر از ایشان نیز شایستگی ندارند.»^۲

هم چنین فرمودند: «امامان پس از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل اند، نه تن آنها از نسل حسین هستند که نهمین آنان قائم آنهاست. او در آخر الزمان قیام می‌نماید و زمین را پر از عدالت می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.»^۳

و نیز فرمودند: «هنگامی که سه نام از امامان از فرزندان من - محمد، علی و حسن - پشت سر هم آیند، چهارمین آنها قائم مورد آرزو و انتظار است.»^۴

۱. رک به کافی ۱/ ۵۲۹ و کفایة الاثر ۶۶/

۲. نهج البلاغة ۲/ ۲۷

۳. کفایة الاثر ۲۵۰/

۴. دلائل الامامة ۴۴۷/

تعايير بليغ و مبتكرانه ي ديگري نيز از آن حضرت رسیده است، همچون: «مهدی از عترت من است»، «از اولاد فاطمه است»، «نهمین فرزند از نسل حسین»، «پسر بهترین کنیزان»، «خداوند تنها به ما [اهل بیت] آغاز نموده و تنها به ما ختم خواهد کرد»، «اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن را چنان طولانی می کند تا او را برانگیزد»، «او زمین را پراز عدل و داد می کند»، «ما فرزندان عبدالمطلب آقایان اهل بهشتیم؛ من، علی، حمزه، جعفر، حسن، حسین و مهدی.»

امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به حضرت مهدی علیه السلام یازدهمین فرزند خود، بشارت می دهد

کافی ۱/ ۳۳۸ از اصبع بن نباته نقل می کند: «حضور حضرت امیرالمؤمنین رسیدم و ایشان را دیدم که متفکرانه با چوبی بر زمین می زند، عرضه داشتم: یا امیرالمؤمنین! چه شده که شما را چنین می بینم، با حالت تفکر بر زمین می زنید؟ آیا به خلافت رغبت دارید؟ فرمودند: نه، به خدا سوگند که هیچ روزی نه در خلافت و نه در دنیا رغبت نداشتم، ولی در مولودی اندیشیدم که از نسل من و یازدهمین فرزندم خواهد بود، او همان مهدی است که زمین را از عدل و داد می آکند، هم چنان که از ستم و جور پر شده است.

برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که گروه هایی در آن گمراه شده و گروه هایی دیگر رهنمون می شوند. گفتم: یا امیرالمؤمنین! این حیرت و غیبت چقدر به طول می انجامد؟ فرمودند: مدتی. گفتم: آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، همان سان [و با همان قاطعیت] که تو آفریده شده ای، و چگونه تو-ای اصبع!- آن را درک کنی؟ آنان بهترین های این امتند که با ابرار این عترت خواهند بود. پرسیدم: پس از آن چه خواهد بود؟ ایشان فرمودند: آنگاه خداوند هر آنچه را بخواهد انجام خواهد داد، چرا که او بدها، اراده ها، غایات و نهاییاتی دارد.»^۱

در نقل اثبات الوصیه / ۲۲۹ چنین آمده است: «برای او غیبت و در امر او حیرتی است... و هنگامی که واسطه ی بین او و شیعیان ما مفقود شود [و دوران غیبت صغری که چهارتن

۱. و نیز رک به اثبات الوصیه / ۲۲۵

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سفارت امام عجل الله تعالی فرجه را بر عهده دارند، به پایان رسد [حیرت و سرگردانی خواهد بود. »^۱

معانی الاخبار/ ۵۸ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «پس از آنکه حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه بعد از نهروان به کوفه بازگشتند - و به ایشان خبر رسیده بود که معاویه ایشان را سب می‌کند، لعن می‌گوید و یارانش را به قتل می‌رساند - ایستادند و خطبه‌ای خواندند و بعد از آنکه حمد و ثنای الهی را به جای آورده بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود فرستادند و آنچه را که خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و ایشان ارزانی داشته یاد نمودند، در سخنی طولانی فرمودند: و از فرزندان من مهدی این امت است. »^۲

امام حسن مجتبی عجل الله تعالی فرجه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بشارت می‌دهند

کمال الدین ۱/ ۳۱۶ از ابو سعید عقیصا از امام حسن مجتبی عجل الله تعالی فرجه حدیثی طولانی را روایت می‌کند که در قسمتی از آن آمده است: «آیا ندانستید که هیچ یک از ما نیست مگر آنکه بیعت طاغوت زمانش را برگردن داشته است، مگر قائم که روح الله عیسی بن مریم پشت سرا و نماز می‌گزارد؟ خدای عزوجل ولادت او را مخفی و شخص او را غائب می‌نماید، تا وقتی که قیام می‌کند بیعت هیچ طاغوتی برگردنش نباشد. او نهمین تن از فرزندان برادرم حسین می‌باشد و فرزند بانوی کنیزان. خدا عمرو او را در غیبتش طولانی می‌گرداند، سپس به قدرت خود او را در چهره‌ی جوانی کمتر از چهل سال آشکار می‌نماید. این برای آن است که بدانند خداوند بر همه چیز تواناست. »^۳

۱. همچنین غیبت نعمانی / ۶۰، کمال الدین ۱/ ۲۸۸، کفایة الاثر / ۲۱۹، دلائل الامامة / ۲۸۹، اختصاص شیخ مفید / ۲۰۹، غیبت شیخ طوسی / ۱۰۳ و رسائل شیخ مفید / ۴۰۰. ایشان می‌نگارد: این روایتی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند که روایت کمیل بن زیاد است [و در ادامه مشابه مضمون همین روایت اصبح را با قدری تفاوت می‌آورند] و در آن چنین آمده است: ... هرگز لحظه‌ای در آن رغبت نکردم... نهمین فرزند از نسل حسین، و هموست که زمین را پراز عدل و داد می‌کند... برای او غیبتی است که اهل باطل در آن به تردید می‌افتند... باید که از سوی خدا حجتی باشد، حال یا آشکار و معروف و یا مخفی و پوشیده تا حجت خداوند از بین نرود.

۲. و نیز بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله / ۱۲ و بحار الانوار / ۳۵ / ۴۵

۳. هم چنین کفایة الاثر / ۲۲۵

بشارت امام حسین (علیه السلام) به نهمین فرزندش امام مهدی (علیه السلام)

کمال الدین ۱/ ۳۱۷ از امام حسین (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمودند: «قائم این امت، نهمین فرزند از فرزندان من است. اوست که غیبت می‌کند و هموست که زنده است و میراثش تقسیم می‌شود.»^۱

کفایة الاثر/ ۲۳۲ از یحیی بن نعمان نقل می‌کند: «در حضور امام حسین (علیه السلام) بودم که مردی عرب که نقاب بر چهره داشت و بسیار گندمگون بود، وارد شد و گفت: ای پسر رسول خدا! سؤالی دارم، حضرت فرمودند: بپرس. او گفت: چقدر بین ایمان و یقین فاصله است؟ ایشان فرمودند: چهار انگشت، گفت: چسان؟ فرمودند: ایمان آن چیزی است که شنیده‌ایم و یقین آن است که دیده‌ایم و میان شنیدن و دیدن چهار انگشت فاصله است.^۲ او دوباره سؤال کرد: فاصله‌ی میان آسمان و زمین چه مقدار است؟ امام (علیه السلام) پاسخ دادند: یک دعای مستجاب. او گفت: بین مشرق و مغرب چطور؟ فرمودند: یک روز مسیر خورشید. پرسید: عزت انسان به چیست؟ ایشان فرمودند: بی‌نیازی از مردم. سؤال کرد: زشت‌ترین چیز چیست؟ امام (علیه السلام) فرمودند: فسق پیرمرد، خشم سلطان، دروغ کسی که شرافت خانوادگی دارد، بخل غنی و حرص در عالم قبیح است.

عرض کرد: ای پسر رسول خدا! درست فرمودید. حال بفرمایید: امامان پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) چه تعدادند؟ فرمود: دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل. گفت: آنان را نام ببرید. امام (علیه السلام) مدتی طولانی سربه زیر انداختند و بعد سر را بالا آورده فرمودند: آری به تو خبر می‌دهم، ای برادر عرب! همانا امام و خلیفه‌ی پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و حسن و من‌و نه تن از فرزندان من هستیم، آنان علی پسر من، پس از او پسرش محمد، بعد از او فرزندش جعفر، در پی او پسرش موسی، به دنبال او فرزندش علی، پس از او فرزندش محمد، بعد از او پسرش علی، در پی او پسرش حسن و پس از او جانشین او مهدی - که نهمین تن از نسل من

۱. از همین منبع اعلام الوری ۴۰۱/، العدد القویة ۷۱/، الصراط المستقیم ۱۲۹/۲، اثبات الهداة ۴۶۵/۳، بحار الانوار ۱۳۳/۵۱ و...

۲. امام حسن مجتبی (علیه السلام) در پاسخ همین سؤال به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرضه داشتند: زیرا ایمان آن است که با گوشمان شنیده‌ایم و با دل‌هایمان تصدیق کرده‌ایم، ولی یقین آن است که با چشم دیده‌ایم و به وسیله‌ی آن بر آنچه از ما پوشیده است استدلال می‌کنیم، رک به مشکاة الانوار ۱۵/ م

است و دین را در آخر الزمان برپا می دارد - هستند.

در این هنگام آن مرد عرب برخاست و گفت:

مسح النبى جبينه فله بريق في الخدود

أبواه من عليا قریش وجده خير الجُدد

پیامبر بر پیشانی او دست کشید، پس گونه هایش لمعان و درخشش دارد

پدر و مادرش از مهران قریش هستند و پدر بزرگ او بهترین پدر بزرگ ها.

کمال الدین ۱/ ۳۱۷ از امام حسین علیه السلام نقل می کند: «در نهمین از فرزندان من سنتی از یوسف

و سنتی از موسی بن عمران است، او قائم ما اهل بیت است و خداوند تبارک و تعالی امر [قیام] او را در یک شب سامان می دهد.»^۱

همان ۱/ ۳۱۷ از عبدالرحمن بن سلیط: «امام حسین علیه السلام فرمودند: از ما دوازده مهدی است

که اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرینشان نهمین تن از فرزندان من.

هموست که حق را برپا می دارد. خداوند به دست او زمین را پس از مرگ آن زنده و دین حق

را بر تمامی ادیان غالب می گرداند، اگرچه مشرکان را ناخوش آید.

او غیبتی دارد که در آن گروه هایی از دین برمی گردند و گروه هایی دیگر بر آن استوار

می مانند، آنان مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و به آنها گفته می شود: **مَتَى هَذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ**

صَادِقِينَ^۲، این وعده ی چه زمانی محقق می شود، اگر شما راستگویانید؟

آگاه باشید کسی که در غیبت او برآزار و تکذیب صبور باشد، به مانند کسی است که با

شمشیر در حضور رسول خدا ﷺ مجاهدت کند.»^۳

اثبات الهداة ۳/ ۵۶۹ از اثبات الرجعة فضل بن شاذان از امام باقر از امام حسین علیه السلام روایت

می کند: «خداوند قائم ما را آشکار می کند، پس او از ظالمین انتقام می گیرد. گفتند: ای فرزند

رسول خدا! قائم شما کیست؟ فرمودند: هفتمین شخص از نسل فرزندم محمد بن علی.

۱. از همین مأخذ در اعلام الوری ۴۰۱/، كشف الغمة ۳/ ۳۱۲ و بحار الانوار ۵۱/ ۱۳۲ و ...

۲. سوره های یونس ۴۸/، انبیاء علیه السلام ۳۸/، نمل ۷۱/، سبأ ۲۹/، یس ۴۸/ و ملک ۲۵/

۳. و نیز عیون الاخبار ۱/ ۶۸، کفایة الاثر ۲۳۱/ و مقتضب الاثر ۲۳/

او حجت بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی فرزند من است. اوست که مدتی طولانی غائب می شود، سپس ظهور نموده و زمین را از عدل و داد پرمی کند، همان طوری که از ظلم و جور پر شده است.»

امام زین العابدین علیه السلام:

گویا صاحب شما را می بینم که بر فراز نجفستان برآمده است

شیخ مفید رحمه الله در امالی / ۴۵ از ابو خالد کابلی روایت می کند: «امام سجاد علیه السلام به من فرمودند: ای ابا خالد! قطعاً فتنه هایی به مانند پاره های شب تاریک رخ خواهد داد که تنها کسانی که خداوند میثاقشان را گرفته است از آن نجات می یابند، آنان چراغ های هدایت و چشمه های دانش هستند که خدا از هرفتنه ی تاریکی آنان را رهایی می بخشد.

گویا صاحب شما را می بینم که بر فراز شهر نجفستان - پشت کوفه - در میان سیصد و بیش از ده مرد برآمده است، جبرئیل در سمت راست او، میکائیل سمت چپ و اسرافیل جلوی او هستند. او پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را به همراه دارد و آن را گشوده است، آن را بر هیچ گروهی فرود نمی آورد مگر آنکه خداوند عزیز و جلیل آنان را هلاک می گرداند.»

هفتمین امام از فرزندان امام باقر علیه السلام

کفایة الاثر / ۲۹۷ از زید بن علی نقل می کند: «نزد پدرم علی بن الحسین علیه السلام بودم که جابر بن عبدالله انصاری وارد شد. در حالی که با پدرم سخن می گفت، برادرم محمد از یکی از اتاق ها بیرون آمد. جابر به او چشم دوخت، سپس برخاست و گفت: ای پسر! پیش بیا و او هم آمد، آنگاه گفت: برگرد و او برگشت، جابر گفت: شمائلی مانند شمائل رسول خدا صلی الله علیه و آله هم ای پسر! نامت چیست؟ فرمود: محمد، جابر پرسید: پسر کیستی؟ ایشان فرمودند: پسر علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، جابر گفت: پس تو باقری.

در این هنگام بر روی دست و پای ایشان افتاد و سرودست او را بوسید و گفت: ای محمد! رسول خدا صلی الله علیه و آله بر تو سلام فرستاد. ایشان فرمودند: بهترین سلام بر رسول خدا و بر تو - ای جابر! -

به جهت آنکه سلام [آن حضرت] را رساندی.

آنگاه جابریه جای خود بازگشت و به سخن گفتن با پدرم ادامه داد، او گفت: رسول خدا ﷺ روزی به من فرمودند: ای جابر! زمانی که فرزندم باقر را دیدی سلام مرا به او برسان، همانا او همانم و شبیه ترین مردمان به من است، دانش او دانش من و فرمان او فرمان من است، هفت تن از فرزندان او امینان، معصومان و امان ابرارند و هفتمین ایشان مهدی آنهاست که زمین را از عدل و داد آکنده می کند، همان سان که از ستم و جور آکنده شده است، آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فَعَلِ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ^۱، و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند و به ایشان انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ی ما بودند.»

همان / ۲۵۰ از ابو مریم عبد الغفار بن قاسم آورده است: «به حضور مولایم امام باقر علیه السلام رسیدم. برخی از شیعیان نزد ایشان بودند. پس سخن از اسلام به میان آمد و من گفتم: آقای من! کدام اسلام افضل است؟ حضرت فرمودند: کسی که مؤمنان از زبان و دست او در سلامت و امان باشند. پرسیدم: برترین اخلاق چیست؟ فرمودند: صبر و سخاوت. عرض کردم: ایمان کدام یک از مؤمنان کاملتر است؟ پاسخ دادند: خوش اخلاق ترین آنها. گفتم: کدام جهاد برتر است؟ فرمودند: کسی که اسبش پی و خونش ریخته شود. عرضه داشتم: کدامین نماز افضل است؟ فرمودند: آنکه دعا و خشوع بیشتری دارد. پرسیدم: کدام صدقه برتر است؟ پاسخ دادند: آنکه از چیزی که خدای عزوجل برایت حرام کرده، دوری کنی.

گفتم: آقای من! درباره ی ورود نزد سلطان چه می فرمایید؟ فرمودند: چنین امری را برای تو [روا] نمی بینم. عرضه داشتم: من گاهی به شام مسافرت می کنم و نزد ابراهیم بن ولید می روم. امام علیه السلام فرمودند: ای عبد الغفار! ورود تو بر سلطان سه چیز را در پی دارد: محبت دنیا، فراموشی مرگ و کم رضایتی به آنچه خداوند قسمت نموده است.

گفتم: ای فرزند رسول خدا! من خانواده دارم و به آن سرزمین برای تجارت و کسب منفعت

۱. سوره ی انبیاء علیهم السلام / ۷۳

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌روم، نظر شما چیست؟ فرمودند: ای بنده‌ی خدا! من تو را به ترک دنیا امر نمی‌کنم، بلکه به ترک گناهان فرمان می‌دهم. ترک دنیا فضیلت است ولی ترک گناهان فریضه و واجب، و توبیش از آنکه به کسب فضیلت نیاز داشته باشی به کسب فریضه نیازمندی.

در این هنگام دست و پای ایشان را بوسه دادم و گفتم: پدر و مادرم فدای شما، ای فرزند رسول خدا! دانش صحیح را تنها نزد شما می‌یابیم. سنّ من بالا رفته و استخوانم سست شده است ولی آنچه را که باعث مسرتّم شود در شما نمی‌بینم، شما را می‌بینم که کشته و آواره می‌شوید و در بیم و هراس به سر می‌برید. من دیرزمانی است که انتظار قائم شما را می‌کشم و می‌گویم: امروز یا فردا ظهور می‌کند.

ایشان فرمودند: ای عبد الغفار! قائم ما هفتمین نفر از نسل من است و این زمان، زمان ظهور او نیست، پدرم از پدرش و ایشان از پدرانش روایت می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرمودند: همانا امامان پس از من دوازده نفرند، به تعداد نقیبان بنی اسرائیل، نه تن ایشان از نسل حسین هستند و نهمین شخص قائم آنهاست. او در آخرالزمان خروج می‌کند و زمین را همان سان که از ستم و ظلم پر شده، از عدالت مملو می‌نماید.

گفتم: اگر چنین باشد، پس از شما چه کسی [امام] خواهد بود؟ فرمودند: جعفر که سید اولاد من و پدر امامان است و در گفتار و کردار صادق می‌باشد. ای عبد الغفار سؤال بزرگی پرسیدی و البته که توشایسته‌ی آنی که پاسخ را دریافت کنی.

آنگاه فرمودند: بدانید که کلیدهای دانش پرسش است و این بیت را خواندند:

شفاء العَمَى طول السؤال وإِثْمًا تمامُ العَمَى طولُ السكوتِ على الجَهْلِ

درمان نابینایی [جهل] طول پرسش است، و تنها دلیل نابینایی طول سکوت در حالت جهل و نادانی است.»

بشارت امام صادق علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام ششمین فرزندشان

کمال الدین ۳۳/۱ از سید بن محمد حمیری نقل می‌کند: «من غلومی کردم و به غیبت محمد بن حنفیه اعتقاد داشتم. برهه‌ای از زمان را در این گمراهی به سر بردم تا آنکه خداوند

به واسطه‌ی جعفر بن محمد الصادق علیه السلام بر من منت نهاد و از آتش رهانیده به راه صحیح راهنمایی فرمود.

پس از آنکه با دلائل و معجزاتی که از آن حضرت مشاهده نمودم، ثابت شد که او حجت خدا بر من و جمیع اهل زمان، و امامی است که خدا اطاعت و پیروی از او را واجب نموده است، خدمت ایشان عرض کردم: ای پسر رسول خدا! از پدران علیهم السلام روایاتی پیرامون غیبت رسیده است، بفرمایید که مربوط به چه کسی خواهد بود؟ ایشان فرمودند: غیبت برای ششمین فرزند از نسل من - که دوازدهمین تن از امامان هدایتگر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است و نخستین ایشان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرین آنها قائم به حق بقیت الله در زمین و صاحب الزمان - خواهد بود. به خدا سوگند اگر او به مقداری که نوح در قومش بود، در غیبت بماند از دنیا نمی رود مگر پس از آنکه ظهور نماید و زمین را پر از عدل و داد کند، همان طوری که پراز ظلم و ستم شده است.

سید حمیری گوید: هنگامی که این سخن را از مولای خود امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام شنیدم، بردستان او به درگاه خدای تعالی توبه کردم و قصیده‌ای را که ابتدای آن چنین است، سرودم:

أيا راكباً نحو المدينة جَسْرَةً	عذافرةً يطوى بها كل سبب
إذا ما هداك الله عاينت جعفرًا	فقل لولي الله وابن المهذب
ألا يا أمين الله وابن أمينه	أتوبُ إلى الرحمن ثم تأوُّبِي
إليك من الأمر الذي كنت مطنباً	أحارب فيه جاهداً كل معرب
وما كان قولي في ابن خولة مطنباً	معاندةً مني لنسل المطيب
ولكن روينا عن وصي محمد	وما كان فيما قال بالمتكذب
بأن ولي الأمر يفقد لا يرى	ستيراً كفعل الخائف المترقب
فتقسم أموال الفقيد كأنما	تغييه بين الصفيح المنصب
فيمكث حيناً ثم ينبع نبعاً	كنبعة جدي من الأفق كوكب

یسیر بنصر الله من بیت ربه علی سؤدد منه وأمر مسبب
یسیر إلى أعدائه بلوائه فيقتلهم قتلا كحرّان مغضب
فلما روي أنّ ابن خولة غائب صرفنا إليه قولنا لم نكدب
وقلنا هو المهدي والقائم الذي يعيش به من عدله كل مجذب
فإن قلت لا فالحق قولك والذي أمرت فحتم غير ما متعصب
وأشهد ربي أن قولك حجة على الناس طراً من مطيع ومذنب
بأن وليّ الأمر والقائم الذي تطلع نفسى نحوه بتطرب
له غيبة لا بد من أن يغيبها فصلّى عليه الله من متغيب
فيمكث حيناً ثم يظهر حينه فيملك من في شرقها والمغرب
بذاك أدين الله سرّاً وجهراً ولست وإن عوتبت فيه بمعتب

ای کسی که سوار بر شتری تندرو و تنومند که با آن هربیابانی در نور دیده می شود،

رهسپار مدینه ای

اگر خداوند تورا هدایت کرد و جعفر را دیدی، به آن ولیّ خدا و فرزند امام پاک و مظهر بگو:
بدان ای امین خدا و پسر امین او! که من به درگاه خداوند رحمان توبه می کنم، و آنگاه بازگرد
از آن عقیده ای که بر آن پافشاری داشتم و آشکارا با مخالفان آن ستیزه می کردم، به سوی
شما باز می گردم

باوری که من درباره ی پسر خوله [محمد بن حنفیه] داشتم و بر آن اصرار می ورزیدم، به
خاطر عناد با خاندان پیامبر پاک نبود

ولیکن [بدان جهت بود که] از وصیّ پیامبر روایت کرده ایم و او در آنچه گفته دروغ
نگفته است

او گفته که ولیّ امر مفقود و مستور می شود، به مانند کسی که هراسان و منتظر است
پس اموال او را قسمت می کنند، چنان که گویا در میان خوارها خاک دفن شده است
او مدت زمانی درنگ می کند و آنگاه مانند ستاره ی جدی که از پشت افق آشکار می شود،
ظهور می کند

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پس با نصرت الهی و سیادت و اسبابی آماده از خانه‌ی پروردگارش حرکت می‌کند
او با پرچمش به سوی دشمنان می‌رود و مانند تشنه‌ی غضبناک آنان را می‌کشد
و از سویی برآیمان روایت شد که پسرخوله غائب است، پس سخن خود را براو تطبیق
نمودیم و قصد دروغ پردازی هم نداشتیم

و گفتیم که او مهدی و قائم است که هر قحطی زده‌ای از برکت عدالت او [به خوبی و
خوشی] زندگی می‌کند
حال اگر بگویی که چنین نیست، سخن شما حق و فرمان شما قطعی است و هیچ تعصّبی
هم ندارم

و خدا را گواه می‌گیرم که گفتار شما بر تمام مردمان حجت است، چه مطیعان و چه سرکشان:
که ولیّ امر و قائمی که جان من با اشتیاق در طلب او در طرب است
غیبتی دارد که گزیری از آن نیست، پس خداوند بر آن غائب درود فرستد
او برهه‌ای درنگ می‌کند و سپس ظهور نموده و حاکم همه‌ی مردم شرق و غرب
خواهد شد
من در نهان و آشکار چنین اعتقادی به درگاه خدا دارم و اگرچه نسبت به آن سرزنش شوم،
تأثیری در من نخواهد داشت.^۱

امام کاظم عجل الله تعالی فرجه الیه: قائم، پنجمین فرزند من است

کمال الدین ۲/ ۳۶۱ از یونس بن عبدالرحمن روایت می‌کند: «به امام موسی بن جعفر عجل الله تعالی فرجه الیه عرض
کردم: ای پسر رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟ فرمودند: من قائم به حق هستم، اما
قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدای عزوجل پاک می‌کند و آن را هم چنان که از ستم و
جور پر شده، از داد می‌آکند، پنجمین فرزند من است. به سبب بیم بر جان خویش، غیبتی
خواهد داشت که به درازا می‌انجامد و در آن گروه‌هایی از دین برمی‌گردند و گروه‌هایی دیگر
بر آن استوار می‌مانند.

۱. و نیز اعلام الوری / ۲۸۶ و بشارة المصطفی / ۲۷۸، هم چنین رک به کمال الدین ۲/ ۳۴۲

و چنین ادامه دادند: خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به ریسمان ما دست انداخته و بر ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما استوارند، آنان از ما هستند و ما نیز از ایشانیم، آنها به ما به عنوان امامان رضایت داده اند و ما به ایشان به عنوان شیعه. خوشا به حال ایشان، باز خوشا به حال ایشان، به خدا قسم آنان روز قیامت در درجه ی ما خواهند بود.^۱

مرحوم کلینی در کافی ۳۳۶/۱ به سند صحیح از امام کاظم علیه السلام روایت می کند: «وقتی پنجمین شخص از نسل هفتمین [امام] غائب شد، تقوای خدا پیشه کنید و نسبت به دینتان مراقب باشید، مبدا کسی شما را از آن جدا سازد.

فرزندانم! البته که برای صاحب این امر [امامت] غیبتی خواهد بود و تا آنجا ادامه خواهد یافت که کسی که به امامت اعتقاد می داشت، از این اعتقاد باز می گردد! همانا این امر امتحانی است که خدای عزوجل خلق را بدان می آزماید. اگر پدران و اجداد شما دینی بهتر از این دین می شناختند، هرآینه از آن پیروی می کردند. [راوی گوید:] عرضه داشتم: آقای من! پنجمین از نسل هفتمین کیست؟ فرمودند: پسر من! خردهای شما از درک آن کوچکتر است و عقول شما گنجایش آن را ندارد، ولیکن اگر زنده ماندید، او را خواهید دید.^۲

غیبت نعمانی / ۱۵۴ و الهدایة الکبری / ۳۶۱ نیز آن را نقل می کنند، در ادامه ی آن آمده است: «من هفتمین هستم، پسر علی الرضا هشتمین [امام]، پسرش محمد نهمین، پسر او علی دهمین، پسر او حسن یازدهمین و فرزند او محمد که همانا و هم کنیه ی جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله است، مهدی و پنجمین پس از هفتمین است.

در این هنگام گفتم: آقای من! خداوند گره از امور شما بگشاید، همان گونه که گره از کار من گشودید.^۳

۱. و نیز کفایة الاثر / ۲۶۵، اعلام الوری / ۴۰۷ و ...

۲. و نیز غیبت نعمانی / ۱۵۴

۳. و نیز اثبات الوصیة / ۲۲۴، کمال الدین / ۲ / ۳۵۹، علل الشرائع / ۱ / ۲۴۴، کفایة الاثر / ۲۶۴، دلائل الامامة / ۲۹۲، غیبت شیخ طوسی / ۱۰۴ و ۲۰۴ و اعلام الوری / ۴۰۶

امام رضا علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام چهارمین فرزند از نسل خود بشارت می دهند

کمال الدین ۳۷۶/۲ از ریان بن صلت نقل می کند: «به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمودند: من صاحب الامر [امامت] هستم، اما نه آنی که زمین را از عدل پر می کند، چنان که از ستم آکنده شده است. با وجود این ضعف بدنی که در من می بینی چگونه من آن صاحب الامر باشم؟ و قائم کسی است که زمانی که خروج کند در سنّ پیران باشد و در چهره ی جوانان. او بدنی قوی دارد بسانی که اگر دست خود را به سوی بزرگترین درخت زمین دراز نماید، آن را بر خواهد کند، و اگر در میان کوه ها فریاد زند، صخره های آن را از جای بر خواهد کند. او عصای موسی و انگشتی سلیمان را به همراه دارد. او چهارمین فرزند از نسل من است که خداوند هر آن قدر که بخواهد، او را در ستر خود غائب می دارد، آنگاه او را آشکار می کند و به دستش زمین را پراز عدل و داد می نماید، همان گونه که پراز ستم و بیداد شده است.»^۱

همان ۳۷۱/۱ از حسین بن خالد: «امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که ورع ندارد دین ندارد و کسی که تقیه نمی کند ایمان ندارد، همانا گرمی ترین شما کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند. گفتند: ای فرزند رسول خدا! تا چه زمانی؟ فرمودند: تا روز وقت معلوم که روز خروج قائم ما اهل بیت است. پس هر کسی که پیش از خروج او تقیه را ترک کند، از ما نیست!

پرسیدند: ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمودند: چهارمین تن از نسل من، پسر بانوی کنیزان که خدا به او زمین را از هر ستمی پاک و از هر ظلمی تطهیر می نماید. او کسی است که مردم در ولادت یافتن او تردید می کنند. پیش از ظهورش غیبت می کند و هنگامی که ظهور کند زمین را به نور خود روشن می نماید و میزان عدل را در بین مردم قرار می دهد و در پی آن هیچ کسی به دیگری ظلم نخواهد نمود.

هموست که زمین برایش در هم پیچیده می شود و سایه ای ندارد. اوست که منادی از آسمان ندا می کند و به سوی او فرا می خواند و تمامی اهل زمین آن را می شنوند، [آن منادی]

۱. هم چنین اعلام الوری / ۴۰۷ و کشف الغمة ۳ / ۳۱۴

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌گوید: بدانید، حجت خدا در کنار خانه‌ی خدا ظهور کرده است، پس، از او پیروی کنید که حق با او و در اوست، و این فرمایش خدای عزوجل است: **إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّلَتْ أَغْنَاهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**^۱، اگر بخواهیم آیه و نشانه‌ای از آسمان برای ایشان فرو می‌فرستیم که گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد، دولت اهل بیت در این آیه همان آیه است.^۲

اثبات الوصیة / ۲۲۷ از حسن بن محبوب روایت می‌کند که امام رضا علیه السلام فرمودند: «گزیری نیست از فتنه‌ای رمیده و سخت که [چهره‌ی واقعی] نزدیکترین کسان و دوستان شخص، آشکار می‌شود، و این زمانی خواهد بود که شیعه سومین فرزند از نسل مرا [مقصود امام عسکری علیه السلام است که با شهادت ایشان دوران غیبت امام مهدی وَعَلَيْهِ السَّلَامُ و حیرت شیعیان آغاز شد] از دست دهند. اهل آسمان و زمین براو می‌گیرند. و پس از کلامی طولانی فرمودند: گویا آنها را می‌بینم در حالی که در بدترین حالت هستند و سه ندا شنیده‌اند؛ ندای نخست آن است که ای گروه مؤمنان! قیامت نزدیک شد. دوم آن است که آگاه باشید لعنت خدا بر ظالمان است. و سوم آن است که در مطلع خورشید پیکری آشکار و مشاهده می‌شود که می‌گوید: خداوند فلانی را برانگیخته است، پس، از او بشنوید و فرمان برید.»^۳

نعمانی در غیبت / ۱۸۰ مشابه آن را نقل می‌کند و در آن آمده است: «امام رضا علیه السلام به من فرمودند: ای حسن! فتنه‌ای رمیده و سخت خواهد بود که نزدیکترین کسان و دوستان در آن خود را می‌بازند. این زمانی رخ خواهد داد که شیعیان سومین فرزند از نسل مرا نیابند. در نبود او اهل زمین و آسمان محزون می‌شوند. چه بسیار مرد و زن مؤمنی که در نبود او متأسف، انده‌گین و حیرانند. سپس سربه زیر افکندند و پس از مدتی بالا آورده فرمودند: پدر و مادرم فدای همان جدم و شبیه من و موسی بن عمران، جامه‌هایی از نور در بر دارد که از پرتو نور قدس می‌درخشد. گویا آنها را می‌بینم در حالی که در ناامیدترین حالات به سرمی‌برند و ندا شده‌اند - بسانی که کسانی که دور هستند به مانند آنان که نزدیک هستند، آن را می‌شنوند -، آن ندا رحمتی

۱. سوره‌ی شعراء / ۴

۲. و نیز کفایة الاثر / ۲۷۰، اعلام الوری / ۴۰۸ و ...

۳. و نیز کمال الدین / ۲ / ۳۷۰ و عیون الاخبار / ۲ / ۶

برای مؤمنان است و عذابی برای کافران.

عرضه داشتم: پدر و مادرم به فدای شما، آن ندا چیست؟ فرمودند: سه صدا در ماه رجب خواهد بود؛ اولی آنکه بدانید لعنت خدا بر ظالمان است. دوم آنکه ای گروه مؤمنان! قیامت نزدیک شده است. و سوم آنکه پیکری آشکار را در مطلع خورشید مشاهده می‌کنند که ندا می‌کند: بدانید، خداوند فلانی را برای به هلاکت رساندن ظالمین برانگیخته است. در این هنگام است که فرج برای مؤمنین می‌آید و خدا قلب‌های آنان را شفا می‌بخشد و کینه‌ی دل‌هایشان را می‌زداید.»

بشارات امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم‌السلام نیز خواهد آمد.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارات‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارات‌ها

اوصاف امام علیه‌السلام

منزلت امام علیه‌السلام

حکومت امام علیه‌السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه‌السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه‌السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه‌السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

برنامه‌ی الهی

جایگاه حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در برنامه‌ی الهی

پیامبر ﷺ: خدا تنها به ما آغاز کرد و فقط به ما ختم خواهد نمود

الفتن ۱/ ۳۷۰ چند روایت از حضرت امیر علیه السلام آورده که می فرماید: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: مهدی از ما امامان هدایتگر است یا از غیر ما؟ فرمود: از ماست. دین تنها به ما ختم می شود، همان طور که تنها به ما آغاز شد. مردم فقط به دست ماست که از گمراهی فتنه نجات می یابند، همان سان که از گمراهی شرک نجات یافتند، و تنها به ماست که خداوند در میان دل های آنها پس از عداوت فتنه، الفت در دین برقرار خواهد ساخت، همان گونه که پس از عداوت شرک، بین دل و دین ایشان الفت ایجاد کرد.»

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغة ۲۰۶/۹ ذیل خطبه ی ۱۵۷ می نویسد: «این روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است، بسیاری از محدثان آن را از حضرت علی علیه السلام آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: خدا جهاد با کسانی که دچار فتنه می شوند را بر تو واجب کرده، چنان که جهاد با مشرکان را بر من واجب نمود... پرسیدم: یا رسول الله! این کسانی را که پس از شما به فتنه درمی افتند، چه عنوانی دهم، فتنه یا ارتداد؟ فرمود: فتنه ای که در آن سرگردان می مانند تا آنکه عدالت آنها را دریابد.

عرض کردم: یا رسول الله! عدالت از ناحیه ی ما ایشان را درمی یابد یا از غیر ما؟ فرمودند: بلکه از سوی ما، خداوند تنها به ما آغازیده و تنها به ما ختم خواهد نمود، و [همان سان که] تنها به واسطه ی ما میان دل ها - پس از آنکه گرفتار شرک بودند - الفت ایجاد نمود، تنها به ماست که پس از فتنه نیز میان دل ها الفت برقرار خواهد ساخت. در این هنگام من گفتم: الحمد لله برای فضیلتی که به ما بخشیده است.^۱

۱. و نیز المعجم الوسط ۱/ ۱۳۶، گنجی شافعی آن را در البیان ۵۰۶/ نقل می کند و می نویسد: حدیثی حسن و عالی است که حافظان [حدیث] آن را در کتاب های شان نقل کرده اند. سلمی در عقد الدرر ۲۵/ آن را نقل کرده می نگارد: جماعتی از حافظان آن را در کتب خود آورده اند، از جمله ابو القاسم طبرانی، ابو نعیم اصفهانی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، نعیم بن حماد و دیگران. همودر ۱۴۵/ حافظ ابوبکر بیهقی را نیز به اینان می افزاید. مغربی در رد ابن خلدون ۵۳۵/ می نویسد: این حدیث را طبرانی از طریق عبدالله بن لهیعه، از عمرو بن جابر حضرمی، از عمر بن علی بن ابی طالب از پدرش روایت می کند. درباره ی ابن لهیعه سخن خواهد آمد. اما حضرمی، ترمذی و ابن ماجه از او روایت کرده اند، ابو حاتم گوید: او صالح الحدیث است و نزدیک به بیست حدیث نقل می کند. برقی او را در زمره ی کسانی که ثقة اند ولی به جهت تشیع تضعیف شده اند آورده است. یعقوب بن یوسف هم او را در زمره ی ثقات می آورد، و ترمذی حدیث او را صحیح می شمارد.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

الفتن ۱/ ۳۷۵ از سالم نقل می‌کند: «نجده در نامه‌ای به ابن عباس از او درباره‌ی مهدی سؤال کرد و او چنین پاسخ داد: خدا این امت را با نخستین فرد اهل بیت هدایت کرد و با آخرین ایشان، آنها را نجات می‌بخشد. در زمان وی حتی دو بز شاخ‌دار یا بی‌شاخ هم با یکدیگر نمی‌جنگند.»

مشابه مضمون حدیث حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه در منابع ما نیز آمده است. علی بن بابویه قمی در الامامة والتبصرة / ۹۲ از حارث بن نوفل آورده است: «حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: یا رسول الله! امانان هدایت‌گراز ما هستند یا از غیر ما؟...»^۱

شیخ مفید در امالی / ۲۸۸ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «وقتی که إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، به من فرمود: یا علی! یاری خدا و فتح فرا رسیده است. یا علی! هدایت پیروی از دستور خداست و نه پیروی از هوی و رأی [غیر او]. گویا می‌بینم که تو با گروهی مواجه می‌شوی که قرآن را تأویل می‌برند و به شبهات دامن می‌زنند، شراب را به عنوان نبیذ، کم فروشی را با [پرداخت] زکات و رشوه را به نام هدیه حلال می‌شمارند! عرضه داشتم: ای رسول خدا! هنگامی که آنان مرتکب چنین اموری شوند، مرتدّند یا اهل فتنه؟ فرمودند: آنان اهل فتنه‌ای هستند که در آن سرگردان می‌مانند تا آنکه عدالت آنها را دریابد.»

گفتم: یا رسول الله! عدالت از ناحیه‌ی ما و یا از سوی غیر؟ فرمودند: بلکه از جانب ما، خداوند تنها به ما آغازیده است و فقط به ما به پایان خواهد رسانید. او تنها به واسطه‌ی ما در میان دل‌ها - پس از آنکه گرفتار شرک بودند - الفت ایجاد نمود، و فقط به ماست که پس از فتنه در میان دل‌ها الفت برقرار خواهد ساخت.

در این هنگام من گفتم: الحمد لله برای فضیلتی که به ما بخشیده است.»

نگارنده: ختم و به پایان رسیدن در این حدیث به معنای آن است که برنامه‌ی الهی و هدف او در اوج خود به ثمر خواهد نشست. نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سرآغاز آن بود و بردستان حضرت مهدی

۱. و نیز کمال الدین ۱/ ۲۳۰

بقیت الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه به اوج خود خواهد رسید. خدای متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱، اوست که رسول خود را به هدایت و دین حق ارسال نمود تا آن را بر همه ی ادیان غالب نماید، اگرچه مشرکان خوش نداشته باشند».

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پایان بخش تمامی اسرار

ابن شعبه ی حرانی رحمه الله در تحف العقول / ۱۷۱ وصیت نامه ی امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد رضی الله عنه را روایت می کند، و عماد الدین طبری امامی رحمه الله در بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله لشیعة المرتضی علیه السلام / ۲۴ گزیده ای از آن را می آورد. این وصیت نامه طولانی و مملو از دانش و حکمت است. در پاره ای از آن آمده است: «سعید بن ارطاة گوید: کمیل بن زیاد را دیدم و درباره ی فضیلت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از او پرسیدم. او گفت: آیا می خواهی تورا از وصیتی که ایشان به من فرمودند - و از دنیا و آنچه در آن است برایت بهتری می باشد - آگاه کنم؟ گفتم: آری و او گفت: حضرت علی علیه السلام به من فرمودند:

ای کمیل! هر روز نام خدا را [بر زبان] آور و بگو: لا حول ولا قوة إلا بالله. بر خدا توکل کن و ما را به یاد آور و نام ما را ذکر کن...

ای کمیل! خداوند رسولش را ادب آموخت و ایشان هم مرا، من نیز مؤمنان را ادب می آموزم و آن را برای شریفان به ارث می گذارم.

ای کمیل! هیچ علمی نیست، مگر آنکه من آن را در می گشایم و هیچ رازی نیست، مگر آنکه قائم علیه السلام آن را به پایان می رساند، ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۲، فرزندانی که بعضی از [نسل] بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست.

ای کمیل! فقط از ما فراگیر تا از ما باشی!

ای کمیل! تو در هر حرکتی نیازمند معرفت و شناخت هستی...

ای کمیل! شما از دشمنانتان بهره مندید، به شادی آنان شادید، به آشامیدن آنها

۱. سوره ی توبه / ۳۳

۲. سوره ی آل عمران / ۳۴

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

می‌آشامید، به خوردن آنان می‌خورید و در جاهایی که آنها وارد می‌شوند، وارد می‌شوید و چه بسا که بر نعمت ایشان دست یابید. آری به خدا قسم که این علی رغم ناخوشنودی آنهاست، ولی خدای عزوجل یاور شماست و آنان را وامی‌گذارد.

به خدا زمانی که روز شما فرا رسد و صاحب‌تان ظهور نماید، آنها با شما نمی‌خورند و در جاهایی که شما وارد می‌شوید، وارد نمی‌شوند، درهای شما را نمی‌کوبند، به نعمت‌های شما دست نمی‌یابند و ذلیل و نومید خواهند بود **مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا ثَقْتِيلًا**، [ایشان] از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد.

ای کمیل! فریب قومی را نخور که نماز خود را طول می‌دهند، هم‌اره روزه می‌دارند و صدقه می‌دهند و گمان می‌کنند موقتند.

ای کمیل! به خدا سوگند می‌خورم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم: وقتی شیطان قومی را به طرف کارهای زشتی چون زنا و شرابخواری و مانند آن - از دشنام و گناهان - بکشد، عبادت شدید، خشوع، رکوع، خضوع و سجود را خوشایندشان می‌کند، آنگاه آنان را به ولایت و سرپرستی پیشوایانی که به سوی آتش فرا می‌خوانند و روز قیامت یاری نمی‌شوند، وامی‌دارد.

ای کمیل! [ایمان برخی] ثابت است و [ایمان برخی دیگر] به صورت ودیعه، پس بر حذر باش که مبادا از کسانی باشی که [ایمان] نزد آنها ودیعه است. تنها در صورتی شایستگی ثبوت آن را داری که در مسیر روشنی که تورا به کج راه نمی‌برد، و از طریقی که ما تورا بر آن داشتیم و بدان هدایت نمودیم، جدا نمی‌سازد، استوار بمانی.

ای کمیل! هیچ نبردی جز با حضور امامی عادل و هیچ غنیمتی جز با وجود امامی فاضل نخواهد بود.

ای کمیل! اگر پیامبری ظهور نکرده بود و مؤمنی پارسا روی زمین بود، آیا در دعوت به سوی خدا خطا کرده یا نه؟ بلی، به خدا سوگند خطا کرده است مگر زمانی که خدا او را بگمارد و برای دعوت شایستگی دهد.

ای کمیل! دین برای خداست، پس فریب سخنان امت فریفته‌ای را که پس از هدایت گمراه شدند و بعد از آنکه پذیرفتند انکار نمودند، مخور.

ای کمیل! دین برای خدای متعال است، بنابراین از کسی نمی‌پذیرد که آن را برپا دارد، مگر آنکه رسول، نبی و یا وصی باشد.

ای کمیل! این [مقام اقامه‌ی دین] همان نبوت و رسالت و امامت است، و غیر از ایشان [کسانی که در این صدد برآیند،] تنها کسانی هستند که خود را به حکومت رسانده‌اند، به زور چیره شده‌اند، گمراهند و تجاوزگر.

ای کمیل! مسیحیان و یهودیان نه فاعلیت خدای تعالی را انکار کردند و نه موسی و عیسی را، ولیکن افزودند، کاستند، تحریف نمودند و به کج راه رفتند، پس مورد لعنت و خشم قرار گرفتند و توبه هم ننمودند...

ای کمیل! بعد از نماز عصر نیمه‌ی ماه رمضان که بسیاری از مهاجروانصار جمع بودند، پیامبر ﷺ بر بالای منبر در حالی که بر روی پاهایشان ایستاده بودند، اعلان کردند: علی از من است، دو پسر من از او هستند، و پاکان از من و ایشان. آنان پس از مادرشان پاکانند. آنان کشتی نوحند که هر که بر آن سوار شود نجات می‌یابد، و هر که از آن سرباز زند، هلاک گردد. آنکه نجات یابد در بهشت و آنکه فرو افتد در آتش است.»

نگارنده: معنای فرمایش امام علی (ع): هیچ دانشی نیست مگر آنکه من آن را در می‌گشایم، آن است که رسول خدا ﷺ اصول علمی که مردم بدان احتیاج دارند را آوردند، و اصول علوم دین را گشودند. پس از ایشان هم امیرالمؤمنین علی (ع) پاره‌ای از آنها را در گشودند. شارح نهج البلاغه ابن ابی الحدید در مقدمه‌ی شرح خود به استدلال پیرامون این مطلب پرداخته که علوم اسلامی همه به حضرت امیر علی (ع) بازگشت می‌کند، پس ایشان بنیانگذار آنها و یا استوار دارنده‌ی اصول آنهاست. و نیز این سخن: هیچ سری نیست مگر آنکه قائم علی (ع) آن را به پایان می‌رساند، بدان معناست که اسرار پنهان علوم و حیات به دست امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) آشکار می‌شود و آن حضرت است که آنها را در دسترس مردم قرار می‌دهد. البته همین امر که ایشان اسرار قرآن را بیان می‌کند و معرفت متعالی انسانی و حیات تکامل یافته‌ی مادی و معنوی را براساس آن قرار می‌دهد، کفایت می‌کند.

امیر المؤمنین علیه السلام: خدا تنها به ما آغاز کرد و فقط به ما به پایان می‌رساند، نه به شما

الملاحم ابن منادی / ۶۴ از اصبح بن نباته آورده است: «امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در کوفه خطبه ای خواندند و پس از به جا آوردن حمد و ثنای الهی فرمودند: ای مردم! قریشیان امامان عرب هستند، ابرار آنان برای ابرار عرب و فاجران آنها برای فاجران ایشان. بدانید ناگزیر آسیابی برگمراهی آرد می‌کند و می‌گردد، پس چون بر محور خود بگردد به شدت آرد کند. آگاه باشید که زیبا و اعجاب آور آرد می‌کند، زیبایی نهایت [و زمان پایان یافتن] آن است، و درهم شکستن آن بر عهده‌ی خدای عزیز و جلیل خواهد بود.

بدانید که من و ابرار عترت و اهل بیتم داناترین مردمان در کودکی و بردبارترین آنها به هنگام بزرگسالی هستیم. پرچم حق تنها با ماست. هر کسی بر آن پیشی گیرد، [از دین] خارج شود و هر که از آن سرپیچی کند، هلاک گردد و هر کسی بر آن استوار ماند، به ما پیوندد.

ما اهل بیت رحمتیم و درهای حکمت تنها توسط ما گشوده شده است. ما تنها بر اساس حکم خدا حکم کردیم، به دانش او دانستیم و از راست گفتاری شنیدیم، پس اگر از ما تبعیت کنید، نجات می‌یابید و اگر پشت کنید، خداوند به دستان ما شما را عذاب خواهد نمود.

خدا تنها به دست ما حلقه‌ی ذلت را از گردن شما گشود و فقط به ما ختم خواهد نمود و نه به شما. آنان که در پی اند به ما می‌پیوندند و کسانی که جلورفته‌اند به سوی ما باز می‌گردند. اگر چنین نبود که شما در صدد به تعجیل انداختن و به تأخیر انداختن مقدّرات هستید و این [خواسته و اراده‌ی شما در تعجیل و تأخیر] در بشریشتربوده است، هر آینه برای شما از جوانانی از موالی [غیر عرب]، پسران عرب و برخی از پیران - که به نمک در توشه‌ی سفر می‌مانند و کمترین توشه نمک است - می‌گفتم.

عبرت در ماست و انتظار برای شیعیان ما. ما و شیعیانمان با دل درد، تب و شمشیر [قتل] نزد خدای عزوجل می‌رویم و دشمنان ما با درد و سختی، و بلا و انتقامی که خداوند بخواهد، به هلاکت می‌رسند.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سوگند به خدا که اگر هر آنچه را می دانم برای شما بگویم، طائفه ای می گویند: چقدر دروغگو و گمان پرداز است، و اگر از میان شما صد تن را که قلب هایشان مانند طلاست، برگزینم، و آنگاه از میان آن صد نفرده تن را انتخاب نمایم، و سخنی ساده درباره ی ما اهل بیت - که در آن جز حق نمی گویم و تنها بر صدق تکیه می کنم - برایشان بگویم، آنان بیرون می روند و می گویند: علی از دروغگوترین مردم است! ولی اگر از دیگران ده تن را برگزینم، و در [مدح] دشمنانمان و کسانی که بر ما ستم کردند، مطالب بسیاری بگویم، بیرون می روند در حالی که می گویند: علی از راستگوترین مردم است!

سخنران هلاک شد، صاحب گروه نیرومند به حیرت افتاد، دل ها متغیر گشت، بعضی از آنها بسیار ناراحت است، برخی سخت، برخی نرم و بعضی نا آرام.

فرزند انم! خردسالان شما بایستی به بزرگانتان نیکی کنند و بزرگانتان بایست با خردسالان رؤوف باشند. مانند گمراهان درشتخون باشید که در دین تفقه نکردند و یقین خالص به خدای عزوجل نداشتند و به تخمی که در لانه است می مانند.^۱

افسوس بر جوجه ها، جوجه های آل محمد از دست خلیفه ای جبّار، خبیث و هوسران که به حقّ جانشین من و جانشین جانشینم استخفاف خواهد ورزید.

به خدا سوگند که تأویل رسالت ها، تحقیق وعده ها و تمام کلمات [خدا] را می دانم. به طور حتم در میان اهل بیت من کسی خواهد بود که بر اساس فرمان خدا فرمان می دهد، قدرتمند است و بنابر حکم خدا حکم می کند. این پس از زمانی سخت و رسوا خواهد بود که بلا در آن شدت می گیرد، امید قطع و رشوه پذیرفته می شود. در این هنگام خداوند عزوجل

۱. عبارتی مشابه همین سخن در نهج البلاغه آمده است، امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: بسان درشتان جاهلیت نباشید که نه در دین تفقه کنید و نه در مورد فرمان خدا اندیشه، مانند پوست تخمی که در لانه است، شکستن آن موجب وزر و گناه است، و [اگر هم آن را نشکنند و رها کنند] تخم آن با شر و فساد بیرون می آید. ابن میثم بحرانی در شرح این عبارت می نگارد: امام علیه السلام آنان را نهی از آن می کنند که در عدم تفقه در دین به درشتان جاهلیت مانند، که در این صورت چون تخم افعی خواهند بود که اگر آن را بشکنند گناه کرده اند، زیرا موجب آزار حیوان شده اند، اینان نیز چنین اند، به احترام اسلام نمی توان آنان را آزد، اگر هم بر جهالت رهایشان کنند به شیطنت خواهند پرداخت، رک به بحار الانوار ۳۴/ ۱۱۵. م

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مردی را از کنار دجله برای امری که او را به غضب آورده، مبعوث می‌دارد. کینه او را بر ریختن خون‌ها و او می‌دارد. او [پیشتر] در غیبت و خفا بوده است. پس [چون ظاهر شود] قومی را که بر آنها خشمگین، پرکینه و شدید است - به شیوه‌ی بخت نصّر - به هلاکت می‌رساند. او آنان را به ذلّت می‌کشانند و کاسه‌هایی لبالب از تازیانه‌ی عذاب و شمشیر هلاک را به ایشان می‌نشانند. آنگاه فساد و اموری مشتبه خواهد بود...

بدانید که شگفتی، تمام شگفتی پس از جمادی و رجب است، گرد آمدن پراکنده‌ها و برانگیختن مردگان و رخدادهایی با فاصله که در بین آنها مردن‌هایی است که دنباله‌ی خود را بالا گرفته، فریاد می‌کند و سخن خود را اعلان می‌دارد و این در دجله یا اطراف آن است. آگاه باشید، قائمی از ما خواهد بود که حسب او پاکیزه و یاران او بزرگانند. شما را به هنگام نابودی دشمنان خدا سه بار به نام او و نام پدرش ندا می‌کنند و این در ماه رمضان خواهد بود و پس از فتنه، کشتار، سختی، فساد و اوج گرفتن بلا. من آگاهم که زمین اندوخته‌هایش را برای چه کسی بیرون می‌آورد و خزائنش را تسلیم می‌کند، و اگر بخواهم با پایم [برزمین] می‌زنم و می‌گویم: از اینجا کلاه‌خود و زره بیرون آرید.

ای فرزندان گناهان! شما چگونه هستید آن زمانی که با شمشیرهایی آخته بردستان در شب یورش به دشمن در راه رفتن شتاب می‌کنید؟ البته که خداوند خلیفه‌ای را که بر هدایت استوار می‌ماند و بر حکم کردن رشوه نمی‌ستاند، به خلافت خواهد رساند. او هنگامی که دعا کند، دعا‌هایش تا فاصله‌ای دور خواهد رفت و موجب شکست منافقان و گشایش امور مؤمنان خواهد شد.

بدانید که این امر علی رغم آنان که خوش ندارند واقع می‌شود و الحمد لله رب العالمین.^۱ **جاحظ در البیان والتبیین / ۲۳۸ مضمون قسمتی از این خطبه را آورده است، وی می‌نویسد:** «ابو عبیده گوید: جعفر بن محمد می‌گوید: نیکان عترتم و پاکان خاندانم در خردسالی بردبارترین مردم و در بزرگسالی داناترین ایشانند.

بدانید، ما اهل بیتی هستیم که از علم خدا دانستیم، به حکم او حکم نمودیم و از گفتار

۱. و نیز کنز العمال ۱۴ / ۵۹۲ از ابن منادی

راستگویی شنیدیم. اگر از آثار ما پیروی نمایید، به بصیرت های ما رهنمون می شوید، ولی اگر چنین نکنید، خدا شما را به دستان ما به هلاکت خواهد رساند.

پرچم حق تنها با ماست. هر که از ما تبعیت نماید، بیوندد و هر آنکه سرپیچی کند، غرق شود. آگاه باشید که تنها به وسیله ی ما زخم هر مؤمنی التیام می یابد و طوق ذلت از گردن هایتان کنار می رود، و فقط به ما آغاز شده و به پایان خواهد رسید، و نه به شما.^۱

ابن ابی الحدید در شرح خود ۲۸۱/۱ می نویسد: «این سخن ایشان در پایان: تنها به ما به پایان خواهد رسید، و نه به شما، اشاره به مهدی است که در آخر الزمان ظهور می کند و اکثر محدثین معتقدند که او از نسل فاطمه علیها السلام است و اصحاب ما معتزله نیز منکر او نیستند و در کتاب هایشان به آن تصریح کرده اند و بزرگان شان به او اعتراف نموده اند، الا اینکه به اعتقاد ما او هنوز خلق نشده و بعدها خلق خواهد شد.»!

شیخ مفید رحمه الله در ارشاد ۱۲۸/ روایت را مانند البیان و التبیین می آورد و می نگارد: «شیعه و سنی از حضرت امیر علیه السلام روایتی آورده اند که ابو عبیده معمر بن مثنی و دیگران - که دشمنان شیعه آنان را در روایتشان متهم نمی کنند - آن را ذکر می کنند و می نویسند که امیر المؤمنین علیه السلام در نخستین خطبه پس از آنکه مردم با آن حضرت بیعت کردند، چنین فرمودند و این بعد از قتل عثمان بن عفان بوده است.»

طبری امامی در المسترشد / ۷۵ می نگارد: «وقتی که حضرت علی علیه السلام خلافت [ظاهری] را به دست گرفت، سخنرانی کردند و فرمودند:

سوگند به آنکه جانم در دست اوست، پراکنده، درهم آمیخته و غربال شده و به مانند محتویات دیگ به هم خواهید آمیخت تا آنجا که آنان که در بالا قرار دارند، به پایین روند و کسانی که در پایین هستند، به بالا^۲. همانا شما به حالتی که در زمان مبعوث شدن پیامبران صلی الله علیه و آله داشتید، بازگشت کرده اید، و من از این بازگشت و این مطلب خبر داده شده ام...»

۱. ابن ابی الحدید در شرح خود ۲۷۶/۱ از جاحظ

۲. ممکن است مقصود آن باشد که مؤمنان کافر شوند و فاجران متقی، و یا آنکه صاحبان عزت ذلیل شوند و ذلیلان عزیز.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بدانید که نزد خدا مبعوض‌ترین بنده‌ای که آفریده است، کسی است که خدا او را به خودش وا گذاشته و مردی که در میان شبه انسان‌ها علمی گرد آورده است و مردم او را عالم می‌نامند، تا آنکه بر آب گندیده‌ای وارد شود و بدون آنکه فایده‌ای برد، سیراب گردد، به عنوان قاضی [برمسند قضاوت] برای مردم می‌نشیند تا امر مشتبه را از غیر آن تمییز دهد، پس اگر چیزی را با چیز دیگری قیاس کند و بسنجد، چشمانش را تکذیب نمی‌کند، و اگر مطلبی براو پوشیده باشد، آن [جهلی] را که از خود می‌داند، کتمان می‌کند، تا مبادا گفته شود نمی‌داند.

او بدون آگاهی در تاریکی‌ها سیر می‌کند و کلید نادانی‌هاست، درباره‌ی آنچه نمی‌داند پرسش نمی‌کند تا فرا گیرد و علم قاطعی ندارد، به مانند باد که چیز خشک خُرد را می‌پراکند، روایت را خرد و پراکنده می‌سازد، وارثان از [ستم] او [در تقسیم ارث] فریاد می‌کنند، او به حکم خود ازدواج حرام را حلال و ازدواج حلال را حرام می‌کند، آگاه و توانا نیست تا بتواند مشکلاتی را که برایش پیش می‌آید برطرف کند، و از آنچه نسبت بدان کوتاهی نموده، غافل نیست. بدانید دانشی که حضرت آدم آورد و تمامی آنچه پیامبران عجل الله تعالی فرجه بدان برتری یافتند، نزد خاندان پیامبر شماسست. پس به کجا گمراه می‌شوید و کجا می‌روید؟ ای گروه کسانی که سوارشدگان و نجات یافتگان کشتی [نوح] هستید! همانند کشتی نوح در میان شماسست، هم چنان که در آن کشتی هر که نجات یافت، نجات یافت، در این نیز هر کس از شما نجات یابد، نجات یابد.

وای بر کسی که از ایشان سرپیچی کند. اینان برای شما بسان کُهِف اصحاب کُهِف هستند، ایشان را به بهترین نام‌هایشان و به آنچه که در قرآن نامیده شده‌اند بنامید: هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ، این آب شیرین تشنگی‌زاست که نوشیدنش گواراست؛ پس بیاشامید، وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ^۲، و این شور تلخ مزه است؛ پس بر حذر باشید، ایشان در حَظّه‌اند، پس وارد شوید. بدانید ابرار عترت من و پاکان خاندانم در خردسالی داناترین و در بزرگسالی بردبارترین

۱. مرحوم نعمانی این فقره را چنین نقل می‌کند: ای گروه کسانی که از پشت‌های کشتی‌نشینان جدا شده‌اید، رک

به غیبت / ۴۴ م

۲. سوره‌ی فاطر / ۱۲

مردمانند. ما از علم خداوند دانستیم و از گفتار راستگویی شنیدیم، پس اگر آثار ما را پیروی نمایید، به بصیرت های ما رهنمون شوید، و اگر به ما پشت کنید، خدا شما را به دست ما - و یا هر چیزی که بخواهد - هلاک کند.

پرچم حق تنها با ماست، هر که به دنبال آن بیاید، پیوندد، و هر که سرپیچی نماید، هلاک گردد. خدا فقط به ماست که زمان تاریک را روشن می نماید، و به دست ماست که انتقام هر مؤمنی را می گیرد و طوق ذلت را از گردن هایتان می گشاید، و تنها به ما به پایان می رساند، نه به شما. «ابن شعبه حرانی رحمه الله در تحف العقول / ۱۱۵ قسمت هایی از آن را آورده است: «خدا ی عزوجل تنها به ما آغاز کرده و به پایان می برد. او فقط به ما آنچه را بخواهد، محو می کند، و تنها به ماست که زمانه ی سخت را برطرف می کند و باران را فرو می فرستد. مبادا فریبکار شما را درباره ی خدا بفریبد.

اگر قائم ما قیام کند، آسمان بارانش را فرو می فرستد، زمین گیاهش را بیرون می دهد و کینه از دل بندگان رخت برمی بندد. درندگان و چارپایان با یکدیگر آشتی می کنند. چنان می شود که زنی میان عراق و شام راه می رود و گام خود را تنها بر گیاهان می گذارد، زنبیل خود را بر سر دارد و هیچ درنده ای در صدد او بر نمی آید، و او نمی هراسد.»

نگارنده: صحیح مسلم ۸۴ / ۳ روایت می کند که در روزگار آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بلاد عرب را مراعات و نهرها فرا می گیرد.

مقصود از جمله ی آخر روایت هم آن است که زنی در بین عراق و شام و حجاز در حالی که زنبیلش را بر سر دارد راه می رود و از هیچ چیزی بیم ندارد، امنیت پایدار و نقل و انتقال آسان است. در این عبارت امام علیه السلام با مثالی از دوران مخاطبین مطلب را برای آنان بیان کردند.

خاتم الاوصیاء علیه السلام از نسل خاتم الاسباط

امالی طوسی ۱۱۳ / ۲ از امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند: «در یکی از راه های مدینه، پشت سر عمومیم امام حسن و پدرم امام حسین علیه السلام راه می رفتیم - و این جریان در همان سالی بود که عمومیم امام حسن علیه السلام به شهادت رسیدند - من در آن وقت پسری نابالغ - و یا نزدیک

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بلوغ - بودم. جابر بن عبدالله انصاری و انس بن مالک انصاری همراه گروهی از قریش و انصار با ما مواجه شدند.

جابر بن عبدالله نتوانست جلوی خود را بگیرد، به دست و پای عمو و پدرم افتاد و شروع به بوسیدن کرد. مردی از قریش که از خاندان مروان بود، [به جابر] گفت: ای ابا عبدالله! با این سن و جایگاهی که به عنوان صحابی رسول خدا ص داری - و جابر در بدر حضور داشت -، این کارها را می‌کنی؟! جابر گفت: ای برادر قریشی! دور شو، اگر فضل و جایگاه این دورا به مانند من می‌دانستی، خاک زیر پای آنان را می‌بوسیدی.

سپس به انس بن مالک رو کرد و گفت: ای ابو حمزه! رسول خدا ص چیزی درباره‌ی این دو به من فرمودند که گمان نمی‌کردم انسانی چنین باشد. انس گفت: ای ابو عبدالله! پیامبر ص به تو چه فرمودند؟ - در این هنگام امام حسن و امام حسین علیهما السلام رفتند، اما من برای شنیدن گفتگویشان ایستادم - جابر گفت: روزی در مسجد جماعتی اندک پیرامون رسول خدا ص بودند، ایشان به من فرمودند: ای جابر! حسن و حسین را برایم بخوان.

آن حضرت به آن دو علاقه‌ی بسیار داشت. رفتم و آن دورا فرا خواندم و در حالی که گاهی این را حمل می‌نمودم و گاهی آن را، بازگشتم. ایشان - که به خاطر محبت و گرامیداشت من نسبت به آن دو سرور و شادمانی را در چهره‌شان مشاهده می‌کردم - به من فرمودند: ای جابر! آیا این دورا دوست داری؟ عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما، با این منزلتی که برای آنها نزد شما می‌دانم، چسان دوستشان نداشته باشم؟

فرمودند: آیا تو را از فضیلتشان آگاهی ندهم؟ گفتم: آری، پدر و مادرم فدایت. فرمودند: خدای تعالی وقتی خواست مرا بیافریند، مرا نطفه‌ای سفید و پاکیزه آفرید. پس آن را در صلب پدرم آدم علیه السلام به ودیعه گذارد و پیوسته آن را از صلبی پاک به رحمی پاک منتقل کرد تا آنکه به نوح و ابراهیم علیهما السلام رسید و چنین بود تا به عبدالمطلب منتقل شد. لذا چیزی از آلودگی‌های جاهلیت به من اصابت نکرد.

آنگاه آن نطفه در عبدالله و ابوطالب دو نیم شد. من از [صلب] پدرم به وجود آمدم و خدا نبوت را به من ختم کرد. از [صلب] ابوطالب نیز علی به وجود آمد و خدا وصیت را به او ختم

نمود. آنگاه این دو نطفه از من و علی به هم پیوست و جهر و جهیر- یعنی حسن و حسین - از [نسل] ما به وجود آمدند، و خدا به آن دو اسباط نبوت را ختم فرمود و ذریه‌ی مرا از نسل آن دو قرار داد، و مرا فرمان داد شهر- و یا فرمودند: شهرهای کفر- را فتح کنم. مردی از نسل این- و به حسین علیه السلام اشاره نمود- در آخرالزمان خروج خواهد کرد که زمین را از عدل آکنده می‌سازد همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. این دو پاکیزه و مطهرند و دو آقای جوانان اهل بهشت. خوشا به حال کسی که آن دو و پدر و مادرشان را دوست بدارد، و وای بر کسی که با آنان بجنگد و دشمنی کند.^۲

با مهدی ما، حجت‌های الهی به پایان می‌رسد

مروج الذهب ۱/ ۳۲ از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی خدا خواست بیافریند و اموری بدیع را ایجاد کند، پیش از گسترانیدن زمین و برافراشتن آسمان، خلاق را در صورت‌هایی چون غبار قرار داد. خدا در آن حال در ملکوتش یگانه و در جبروتش بی‌همتا بود. سپس نوری از انوارش را فراهم آورد که درخشید و پاره‌ای از پرتو خود را برکند که ساطع شد، آنگاه آن نور میان آن صورت‌های پنهان، گرد آمد که همان صورت پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله بود. خدا به او فرمود: تو برگزیده و منتخب هستی و ودیعه‌گاه نور و گنجینه‌های هدایت‌م نزد توست. به خاطر تو سرزمین بطحاء را می‌گسترانم و آب را می‌فرستم و آسمان را برمی‌افرازم و پاداش و عذاب و بهشت و جهنم را قرار می‌دهم. اهل بیت تو را برای هدایت می‌گمارم و از علم و دانش مکنونم به آنها می‌دهم، چنان که هیچ مطلب دقیقی برایشان سخت نباشد و امور پوشیده خسته‌شان نکند. آنها را حجت بر آفریدگانم و آگاهی بخشان از قدرت و وحدانیت قرار می‌دهم. آنگاه خداوند از آنان بر ربوبیت و اخلاص در وحدانیت، گواهی و شهادت گرفت.

پس از آن، انتخاب محمد و آلش را با بصیرت و خرد خلاق آمیخت و به آنان نمایاند که

۱. احتمال آن نیز می‌رود که مقصود از «طوبی» که به «خوشا به حال» ترجمه شد، درخت طوبی باشد، و در عبارت اخیر به جای «ویل» که «وای» برگردان شد، چاه ویل در جهنم. م

۲. تأویل الآیات ۱/ ۳۷۹ با اندکی تفاوت، و نیز حلیه الابرا ۲/ ۶۴

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجله الله تعالی فرجه

منزلت امام عجله الله تعالی فرجه

حکومت امام عجله الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجله الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

هدایت و نور با اوست و امامت در خاندانش. این از آن رو بود که می خواست سنت عدل مقدم باشد و اتمام حجت پیشتر.

آنگاه مخلوقات را در غیب خود مخفی نمود و در علم مکنون خود پنهان داشت. بعد از آن عوالم [مختلف] را قرار داد، زمان را گسترده، آب را فرستاد، کف و دود را به تحریک درآورد، پس عرش او بر روی آب قرار گرفت.

آنگاه زمین را بر روی آب گسترانید (و از آب دودی بیرون آورد و آن را آسمان قرار داد). سپس زمین و آسمان را به اطاعت فراخواند و آن دو اجابت کردند.

سپس ملائکه را از انواری که خود ابداع نموده و ارواحی که خود آفریده بود ایجاد نمود. با توحید خود نبوت محمد ص را قرین ساخت. لذا نبوت ایشان پیش از آنکه در زمین مبعوث شود، در آسمان مشهور شد.

پس چون آدم را آفرید فضیلت او را برای فرشتگان آشکار کرد، و هنگامی که او را از اسامی اشیاء - در آن زمانی که از او خواست تا [به فرشتگان] خبر دهد - آگاه نمود، به آنان نمایاند که او را به علم سابق مخصوص داشته است، پس آدم را محراب، کعبه، در و قبله ای قرار داد که نیکان و روحانیین انوار را برای او به سجده درآورد.

سپس آدم را از ودیعه اش خبر داد و عظمت آنچه وی را نسبت به آن امین شمرده است، به او نشان داد، و این بعد از آن بود که او را نزد ملائکه امام نامید. بهره ی آدم از خیر همان ودیعه گاه نور ما بود که به او نمایاند.

خدای تعالی همواره این نور را در زمان پنهان می داشت تا آنکه محمد ص را در این مقطع زمانی برتری داد. او هم مردم را در ظاهر و باطن و پنهان و آشکار دعوت کرد و از آنان خواست تا پیمانی را که خدا در [عالم] ذرو پیش از تناسل از آنان گرفته بود، به یاد آورند.

پس هر کس با ایشان موافقت کرد و از مصباح نور پیشینش برگرفت، به سرایشان هدایت شد و امر روشن ایشان را دریافت، و هر آنکه به غفلت دچار شد، شایسته ی غضب گشت.

سپس آن نور به ما انتقال یافت و در امامان ما درخشید، پس ما انوار آسمان و زمینیم. تنها به ماست که نجات می یابید، علم مکنون تنها از ناحیه ی ماست و امور فقط به ما

بازگشت می‌کند.

به مهدی ماست که حجت‌ها به پایان می‌رسند. او خاتم امامان، رهایی بخش امت، نهایت نور و مصدر امور است. پس ما برترین مخلوقات، با شرافت‌ترین موحدان و حجت‌های پروردگار جهانیان هستیم. هر که به ولایت ما تمسک دارد و بر ریسمان ما چنگ زده به این نعمت خوش باشد.»

تذکرة الخواص ابن جوزی / ۱۲۸ از امام حسین علیه السلام: «پدرم امیر المؤمنین روزی در مسجد جامع کوفه در ستایش رسول خدا ﷺ خطبه‌ای بلیغ ادا کردند و در آن فرمودند: با مهدی ما حجت‌ها پایان می‌یابد، پس او خاتم امامان، رهایی بخش امت، منتهای نور و سرپیچیده است. مژده باد بر هر کسی که به رشته‌ی ما چنگ زند و بر محبت ما محشور شود.»

معنای این سخن: حجت‌ها پایان می‌یابد، آن است که دیگری هیچ حجت و برهانی در مقابل اهل بیت علیه السلام نخواهد بود.

امام عسکری علیه السلام: مهدی آخرین حجت و خلیفه‌ی الهی است

اثبات الهداة ۳/ ۵۶۹ از فضل بن شاذان از محمد بن عبد الجبار روایت می‌کند: «خدمت مولایم امام حسن بن علی [عسکری] علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله! خدا مرا فدای شما گرداند، دوست دارم بدانم پس از شما امام و حجت خدا بر بندگانش کیست؟ فرمودند: پس از من، پسر امام و حجت خداست، همو که همانم و هم کنیه‌ی رسول خدا ﷺ است. او آخرین حجت و خلیفه‌ی خداست.

عرضه داشتم: ای پسر رسول خدا! از چه کسی به دنیا می‌آید؟ فرمودند: از دختر پسر قیصر پادشاه روم. بدانید او به دنیا می‌آید و مدّتی طولانی، از مردم غائب می‌شود، سپس ظاهر می‌گردد.»

مصباح المتهجد / ۲۸۷ در توّسل به امامان معصوم علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«خدایا... بواسطه‌ی بقیة الله که باقی مانده، به تو تقرّب می‌جویم، همو که بین اولیائش مقیم است و او را برای خود رضایت دادی، طیب، طاهر، فاضل و نیکوکار، نور زمین و ستون آن،

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

امید و آقای این امت، فرمان ده به معروف و بازدارنده از منکر، ناصح امین، آنکه از پیامبران می‌رساند و خاتم اوصیاء نجیب و طاهر است.»

غیبت شیخ طوسی / ۱۶۵ از ابو سلیمان داود بن عنان بحرانی روایت می‌کند: «برای ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی این جریان را بیان کردم: در آن بیماری که امام عسکری عجل الله تعالی فرجه‌ش درگذشتند خدمتشان رسیدم. ایشان به عقید خادم که سیاهپوست و اهل حبشه و پیشتر خادم امام هادی عجل الله تعالی فرجه‌ش بود و امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه‌ش او را بزرگ کرده بود، فرمودند: ای عقید! برایم آبی با مصطکی بجوشان.

خادم آن را جوشاند، و صقیل کنیز آن را آورد. وقتی ظرف در دست امام عسکری عجل الله تعالی فرجه‌ش قرار گرفت و خواستند آن را بنوشند، دستان ایشان به لرزه افتاد به طوری که ظرف به دندان هایشان برخورد نمود.

حضرت آن را گذاشتند و به عقید فرمودند: وارد اتاق شو، آنجا پسری را در سجده می‌بینی، او را بیاور.

عقید گوید: وارد اتاق شدم و با پسری در سجده مواجه شدم که انگشت سبابه خود را بالا برده بود. براو سلام کردم و او نمازش را کوتاه کرد. عرض کردم: آقای من شما را فرا می‌خواند. در این هنگام صقیل آمد و دست او را گرفته نزد پدر برد.

وقتی ایشان آمدند در حضور پدر ایستادند و سلام کردند. چهره‌ای نورانی داشتند و موهایشان مجعد و نیز دندان هایشان با فاصله بود. چون امام عسکری عجل الله تعالی فرجه‌ش او را دیدند گریستند و فرمودند: ای آقای اهل بیت خود! مرا آب بنوشان که به نزد پروردگارم می‌روم. او هم ظرف را گرفت، لب هایش را [به دعا] تکان داد و آنگاه پدر را نوشانید.

امام عسکری عجل الله تعالی فرجه‌ش فرمودند: مرا برای نماز آماده کنید. پس در آغوش ایشان دستمالی گذاشتند و آن پسر او را وضو داد و بر سر و دو قدمش مسح کرد.

امام عسکری عجل الله تعالی فرجه‌ش فرمودند: پسر! بشارت باد که تو صاحب الزمان، مهدی، حجّت خدا بر زمین، فرزند و وصی منی و از من تولّد یافته‌ای، تو محمد بن الحسن بن علی بن محمد

۱. درختی است با میوه‌ای که طعم آن به تلخی مایل است و شیره‌ای دارویی از آن بیرون می‌آورند.

بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب و از نسل رسول خدا ﷺ هستی، تو خاتم ائمه ی طاهرین هستی و رسول خدا ﷺ به تو بشارت دادند و نام و کنیه برایت نهادند، اینچنین پدرم از پدران طاهرینش به من عهد کردند، خداوند بر اهل بیت درود فرستد، همانا پروردگار ما حمید و مجید است. و همان وقت از دنیا رفتند.»

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه: من خاتم الاوصیاء هستم و خداوند به من بلارا برطرف می کند

مسعودی در اثبات الوصیة / ۲۲۱ روایت می کند: «علان از ابونصر ضریر خادم برایم چنین نقل کرد: حضور صاحب الزمان رسیدم، به من فرمودند: صندل قرمز را بیاور. برایشان آوردم، بعد فرمودند: مرا می شناسی؟ عرض کردم: آری، فرمودند: که هستم؟ عرض کردم: مولا و پسر مولای من.

فرمودند: از این نپرسیدم. عرض کردم: فدایتان شوم، خود بفرمایید، فرمودند: من خاتم الاوصیاء هستم و خداوند تنها به من، بلارا از خاندان و شیعیانم برطرف می کند.»^۲

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

۱. نام دارویی است.

۲. مشابه آن در کمال الدین ۴۴۱/۲، غیبت طوسی ۱۴۸/ و الخرائج والجرائح ۴۵۸/۱

تحریف بشارت‌ها

تحریف بشارت نبوی توسط سلطه

پیامبر ﷺ فرمودند: مهدی از عترت من است، ولی آن را به امت تغییر دادند!

در حدیثی که نزد سنیان صحیح است و حافظ ابن منادی در الملاحم / ۴۱ آورده است چنین آمده: «عبدالرزاق بن همام گوید: از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی حق است؟ گفت: حق است، گفتم: از کدام قبیله است؟ گفت: از قریش، پرسیدم: از کدام تیره؟ پاسخ داد: بنی هاشم، سؤال کردم: از کدام بنی هاشم؟ گفت: از بنی عبدالمطلب، پرسیدم: از کدام فرزندان عبدالمطلب؟ جواب داد: از فرزندان فاطمه، گفتم: از کدام فرزندان فاطمه؟ جواب داد: همین اندازه برای کافی است.»^۱

علت کتمان حدیث توسط ابن مسیب این بود که از نظر حکومت، مدح و ستایش اهل بیت ﷺ جرم محسوب می شد و همین موجب هراس وی شده بود.

علت دیگر اینکه هویت امام مهدی ﷺ در برخی روایات سنیان مبهم است آن است که بعضی راویان برای فرار از خشم خلیفه عبارت «عترت من» را به «امت من» تغییر دادند! صحیح ابن حبان ۱۱/۸ و مسند ابی یعلیٰ ۲/۲۹۱ از عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ نقل می کنند: «مردی از اتمم خروج می کند که نامش شبیه نام من و اخلاقش همچون اخلاق من است. او زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که از ستم و بیداد آکنده شده است.»

المعجم الكبير ۱۰/۱۶۸ از ابن عمر از آن حضرت: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا مردی از اتمم را برمی انگیزد که نامش شبیه نام من است.»

سنن الدانی / ۱۰۰ نیز مشابه آن را از ابوسعید خدری آورده است و... لذا می بایست در این احادیث عترت را جایگزین امت نمود.

این تحریف، گاه از عبدالله بن عمر مشاهده می شود، گاه عبدالله بن عمرو عاص و برخی اوقات به عبدالله بن مسعود نسبت داده می شود. حتی گاهی به ابوسعید خدری - که جرأت و شهامتش معروف است به نحوی که حاضر به بیعت با یزید نشد و لذا جلادان او در واقعه حرّه ریش های او

۱. فرائد فوائد الفكر / ۶۵ از قتاده، الملاحم والفتن ابن طاووس / ۱۶۴ از فتن زکریا، ینابیع الموده ۳/۲۶۲، و آقای میلانی در شرح منهاج الکرامه ۱/۲۵۵ از شرح المواقف ۵/۳۴۲ و شرح المقاصد ۸/۲۳۲ آورده اند.

را کردند و نزدیک بود او را بکشند - منتسب می‌گردد!

سنن الدانی / ۹۳ از ابو صدیق ناجی شاگرد ابوسعید چنین نقل می‌کند: «ابوسعید کنار منبر پیامبر نشست بود و گریه و ناله می‌کرد! گفتم: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: یاد آمد رسول خدا ﷺ بر این منبر نشستند و فرمودند: در میان اهل بیت مردی است که بینی اش برجستگی دارد و پیشانی اش بلند است، وی می‌آید و زمین را که از ستم و بیداد پر شده، از عدل و داد می‌آکند.»

عبارت «نام او نام من است» را به «نام او شبیه نام من است» تبدیل کردند!

در احادیث سنیان پیوسته می‌دیدم و می‌خواندم که از پیامبر ﷺ روایت می‌کنند: «نام او شبیه نام من است»، بعد از خود می‌پرسیدم: چگونه ممکن است پیامبر ﷺ که مخزن دانش و یقین است، مانند کسانی که بر اساس پندار و گمان سخن می‌رانند، سخن بگویند؟ و آیا در راستای غرضی می‌خواهد قضیه را مبهم بگذارد؟

اما وقتی احادیث اهل بیت علیهم السلام را - که صادقان و پاکان هستند - بررسی نمودم، دیدم که همه عبارت را چنین آورده‌اند: «نام او نام من است» و اثری از الفاظ دیگری چون «شبیه و نزدیک» نیست.

کمال الدین ۲۸۶/۱ از جابر بن عبد الله از رسول خدا ﷺ: «مهدی از فرزندان من و همنام و کنیه‌ی من است. او در خلقت و اخلاق شبیه‌ترین مردم به من است. برای او غیبت و [برای مردم] حیرتی خواهد بود که در آن امت‌ها گمراه می‌شوند. سپس مانند ستاره‌ی درخشان می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان‌که آکنده از ستم و بیداد شده است.»

چرایی این تحریف را در این باید جست که کسانی که برای معاویه و موسی بن طلحه ادعای مهدویت داشتند، تلاش می‌کردند تا نام حضرت مهدی علیه السلام را از نام رسول گرامی ﷺ دور کنند و آن را مشابه و یا نزدیک نام ایشان قرار دهند تا به مقصود خود دست یابند! یکی از نکات مهم آن است که «مشابه بودن دو نام» توسط کسانی که از ابن مسعود روایت می‌کنند

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

جعل شده است!

ابن منادی در الملاحم / ۴۱ از سلامة بن سليم می‌آورد: «به عاصم بن ابی النجود گفتم: ای ابوبکر! آیا تو گفتی که زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود از رسول خدا ﷺ چنین روایت می‌کند: دنیا سپری نمی‌شود مگر پس از آنکه مردی از اهل بیت که نامش مشابه نام من است بر زمین حکمرانی کند؟ گفت: آری، و [نیز فرمود:] او خلیفه ای خواهد بود.»

شاید آغاز تحریفاتی چنین، از اینجا باشد که آنان ابتدا عبارت «اسمه اسمی» را با افزودن کاف تشبیه به «اسمه کاسمی» تبدیل کرده‌اند و در نتیجه به الفاظی چون «یوافق اسمی: با نام من موافق است» و یا «یواطئ اسمی: به نام من نزدیک است» تغییر یافته است.^۱

اما در روایت حدیثه عبارت «اسمه اسمی» آمده است. عقد الدرر / ۲۴ از ابو نعیم در صفة المهدی از حدیثه آورده است: «رسول خدا ﷺ برایمان سخنرانی کردند و درباره‌ی وقایعی که رخ خواهد داد فرمودند، سپس افزودند: اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از فرزندانم را که همنام من است برانگیزد.

سلمان فارسی برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! از کدام فرزندانان؟ فرمود: از این فرزندانم، وبا دست بر حسین زد.»

به فرمایش پیامبر ﷺ افزودند که «نام پدر او نام پدر من است»!

پدر حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه امام حسن عسکری علیه السلام است و علت این عنوان آن بود که خلیفه‌ی وقت آن حضرت و پدرش امام هادی علیه السلام را به اجبار در پایتخت خود سامرا که عسکر نام داشت اقامت داده بود. از این رو این دو امام به عسکریین علیهم السلام معروف شدند.

ولیکن راویان دستگاه خلافت پدر امام عصر عجله الله تعالی فرجه را همنام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دادند! از این رو عرصه فراهم شد تا عبدالله منصور عباسی برای پسرش محمد ادعای مهدویت کند، و نیز عبدالله بن حسن مثنی توانست آن را برای فرزندش محمد مدعی شود!

پیروان ابن تیمیه هم فرصت را غنیمت شمرده بر این افترا پافشاری کردند، و تمامی نصوص

۱. المعجم الكبير طبرانی ۱۶۱/۱۰ و الملاحم ابن منادی ۴۱/ از ابن مسعود

پیدشویان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت ها
 برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

و روایاتی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از نسل حضرت امیر و صدیقه‌ی طاهره علیها السلام معرفی می‌کند کنار زدند! آنان در صدد آن بودند که عرصه را برای مهدی غیرهاشمی خود مهیا سازند! به دنبال آن شورش محمد بن عبدالله عتیبی در آغاز سده‌ی پانزدهم و در سال ۱۴۰۰ هجری رخ داد و با ادعای مهدویت او همراه بود. او چند روز بر حرم مکه سیطره داشت و وزارت او را برادر همسرش جهیمان عهده دار بود. جهیمان مردم را به بیعت با شوهر خواهرش محمد بن عبدالله عتیبی فرا خواند! اما این مهدی کشته شد و حتی نتوانست اندکی عدالت را برقرار سازد! بعد از او وهابیان برای شخص دیگری که اهل بریده بود مدعی مهدویت شدند. او هم محمد بن عبدالله نام داشت و هنوز هم زنده است و شاید از قبیله‌ی هوازن باشد. آنان پنداشتند که اوصاف مهدی در اوست، لذا او را نزد مفتی بزرگ خود ابن باز بردند. او هم وی را آزمود و خوشایندش قرار گرفت و با کسانی که او را مهدی می‌انگاشتند موافقت کرد و صفات مهدی را بر او منطبق دانست! سایت‌های وهابیان این خبر را دو سال پیش از مرگ ابن باز منتشر کردند. بعدها خواندیم که او را به چین و افغانستان بردند تا این حدیث که «مهدی از شرق خروج می‌کند» بر او منطبق شود! سپس او را در سرداب خود - که ما را به گزاف بدان متهم می‌کنند - مخفی کردند! گرچه آنان چنین پنداشتند، اما صحیح آن است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از مکه خروج می‌کند و آغاز حرکت یاران مشرقی ایشان - و نه ظهور - از سمت شرق است.

ظاهراً اصل این زیادت، از روایتی است که به ابن مسعود نسبت می‌دهند، او می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از خاندانم را که نامش مشابه نام من و نام پدرش هم نام پدر من است برانگیزد، او زمین را پراز عدل و داد می‌کند، چنان‌که پراز ظلم و بیداد شده است.»^۱ قابل توجه آنکه این زیادت تنها در بعضی منابع دسته دوم و دسته سوم سنیان آمده است. احمد در ۳۷۶/۱ دو روایت از زر بن حبیش از ابن مسعود نقل می‌کند که عبارت «نام پدرش نام پدر من است» در آنها نمی‌باشد.

۱. رک به الفتن ۳۶۷/۱، المصنف ابن ابی شیبہ ۶۷۸/۸، المعجم الاوسط ۱۳۵/۲، سنن الدانی ۹۴/، العلل المتناهية ۸۵۶/۲ و ...

الروض الدانی علی المعجم الصغیر ۲/ ۲۹۰ از عبدالله بن مسعود از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «دنیا سپری نمی‌شود، مگر پس از آنکه مردی از اهل بیتم حکمرانی کند که نامش مشابه نام من است.»^۱

این افزوده حتی مورد نقد برخی از علمای بزرگ اهل سنت مانند گنجی شافعی قرار گرفته است. او در البیان / ۴۸۲ می‌نویسد: «حافظ ابوالحسن محمد بن حسین بن ابراهیم بن عاصم آبری در مناقب الشافعی این حدیث را ذکر می‌کند و می‌نویسد: زائده [راوی] این روایت را با زیادتی آورده است، وی می‌گوید: اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن را چنان طولانی می‌کند تا مردی از [نسل] من یا اهل بیت من را برانگیزد که نام او مشابه نام من و نام پدر او نام پدر من است، او زمین را همان طور که از ظلم و جور آکنده شده است پراز عدل و داد خواهد نمود. گنجی در ادامه می‌گوید: ترمذی این حدیث را نقل می‌کند و در آن عبارت «نام پدر او نام پدر من است» وجود ندارد.

ابوداود آن را آورده است ولی در اکثر روایات حافظان احادیث و ثقاتی که روایات را نقل نموده‌اند، تنها «نام او نام من است» آمده است. کسی که این عبارت «نام پدر او نام پدر من است» را نقل کرده زائده است که بر احادیث می‌افزاید... گفتار نهایی در این مطلب آن است که امام احمد بن حنبل با آن دقت و اتقانی که در ضبط احادیث داشته در چند جای مسند خود این حدیث را چنین می‌آورد که «نام او نام من است».

سلمی در عقد الدرر / ۲۷ می‌نویسد: گروهی از پیشوایان در حدیث، این روایت را در کتاب هایشان آورده‌اند، از جمله امام ابو عیسی ترمذی در جامع، امام ابوداود در سنن، حافظ ابوبکر بیهقی و شیخ ابو عمرو دانی که همگی روایت را نقل می‌کنند و عبارت «نام پدر او نام پدر من است» در آن نیست.

۱. مانند آن در جامع الاحادیث سیوطی ۲۶۴/۷ نیز به دو روایت از ابن مسعود، مسند بزار ۵/ ۲۲۵، زین الفتی ۳۸۲/۱، سنن ابوداود ۴/ ۱۰۶ به سه طریق از ابن مسعود، سنن ترمذی ۳/ ۳۴۳، المعجم الكبير ۱۰/ ۱۶۶، سنن الدانی ۹۸/، مصابیح بغوی ۳/ ۴۹۲، جامع الاصول ۱۱/ ۴۸ و الاعتقاد بیهقی ۱۷۳/

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

نگارنده: بدین ترتیب معلوم شد کسی که این عبارت را افزوده و جعل کرده است زائده بن قدامه‌ی ثقفی است. او از خویشان مختار بود و از فرماندهان سپاه حجاج. در احوال او نوشته اند که تعصب بسیاری داشت، از این رو کسانی را که برابر بکرو عمر خرده می گرفتند از خانه اش بیرون می کرد و لذا است که او را ثقه شمرده اند! با وجود اینکه خود تصریح می کنند این عبارت دروغین است، دیگر نیازی به توجیهاتی که شبهنجی، اربلی، هروی، میرزای نوری و علامه مجلسی کرده اند، نیست، ایشان گفته اند: شاید اصل روایت چنین بوده که «اسم ابیه اسم نبی: نام پدر او نام پیامبری است» و یا «اسم ابیه اسم ابنی: نام پدرش نام پسر می یعنی امام حسن عجل الله تعالی فرجه است». البته این اشکال که برخی عالمان شیعی - مانند شیخ طوسی در امالی ۱/ ۳۶۱ و سید بن طاووس - نیز در بعضی روایات این افزوده را نقل کرده اند بر ما وارد نیست، زیرا آنان امانت در نقل را رعایت کرده اند و از سویی تصریح نموده اند که پدر ایشان امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه می باشد.

«امام مهدی از نسل امام حسین علیه السلام» را به «از نسل امام حسن عجل الله تعالی فرجه» تبدیل کردند!

در جلد سوم جواهرالتاریخ به اثبات رساندیم که امویان از صلح امام حسن عجل الله تعالی فرجه با معاویه سوء استفاده کردند و بر آن شدند تا ایشان را مخالف با پدر و برادرشان علیه السلام و نیز مخالف جنگ های جمل و صفین جلوه دهند و گفتند که ایشان به برادرشان وصیت کرد بر بنی امیه خروج نکنند! آنان در این راستا گزارشاتی جعل کردند که به ظاهر مدح ایشان است ولی در واقع و به طور هدفمند مذمت پدر و برادر ایشان!

از جمله کارهای آنها آن بود که از امام حسین علیه السلام انتقام گیرند و لذا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از نسل ایشان بیرون بردند و از ذریه‌ی امام حسن عجل الله تعالی فرجه معرفی کردند و در این رابطه روایتی را نیز به حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه نسبت دادند!

الفتن ۱/ ۳۷۴ می نویسد: «علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن را سید نامید، و به زودی خداوند از نسل او مردی خواهد آورد که نامش نام پیامبر شماست. او زمین را پر از

عدل و داد می‌کند، چنان‌که از ستم آکنده شده است.^۱

ابوداود در سنن ۱۰۸/۴ چنین آورده: «از ابواسحاق نقل شده که علی علیه السلام - در حالی که به پسرش، حسن می‌نگریست - گفت: این پسرم سید است، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله نامید، و به زودی مردی از نسلش قیام می‌کند که به نام پیامبران نامیده می‌شود. در اخلاق مانند اوست، اما خلقت نه - سپس امام سخن از فراگیر شدن عدل و داد به میان آوردند -.

پیروان بنی امیه از این حدیثی جعلی شادمان شدند و خود را به نادانی زدند که خودشان روایت «امیرالمؤمنین به پسرش حسین علیه السلام نگاه کرد و ...» را نقل کرده‌اند!

مناوی در فیض القدير ۳۶۲/۶ به نقل از سمهودی می‌نویسد: «حسن خلافت را رها کرد و برادرش را هم از آن نهی کرد. او این مطلب را در شب وفاتش یادآور شد و از باب دلسوزی به برادرش گفت. و روایتی که او را از نسل حسین معرفی می‌کند جداً سست و بی پایه است.»
ابن تیمیه در منهاج السنة ۹۵/۴ می‌نویسد: «مهدی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد او خبر داده است، محمد بن عبدالله نام دارد نه محمد بن حسن و از علی روایت شده: او از نسل حسن است نه حسین.»^۲

شاگرد وی ابن قیم نیز در المنار المنيف ۱۵۱ پندار استادش را اتخاذ کرده می‌افزاید: «اکثر احادیث بر این دلالت دارد که مهدی از نسل حسن است (!) این مطلب سرّ لطیفی دارد و آن این است که حسن به خاطر خدا خلافت را رها نمود، لذا خداوند در نسل او کسی را قرار داد که به خلافت حق که عدالت آن زمین را مملومی سازد، قیام کند ... و این برخلاف حسین است، چرا که او برخلاف حرص ورزید (!) و برای رسیدن به آن جنگید و بدان دست نیافت.»^۳

۱. و نیز جامع الاصول ۴۹/۱۱، عقد الدرر ۲۳، مشکاة المصابيح ۲۶/۳، الفتن ابن کثیر ۳۸/۱، الحاوی ۵۹/۲، عون المعبود ۳۸۱/۱۱، عقیده اهل السنة ۱۶ و ...

۲. و نیز رک به ۲۵۸/۸

۳. برای آگاهی بیشتر از خباثت و ناصبی‌گری عالمان اموی، و نیز افترا بستن آنان بر آقای جوانان اهل بهشت امام حسین علیه السلام و شادمانی آنان از این روایت رک به الصواعق المحرقة ۴۸۰/۲، الحاوی ۸۵/۲، الفتاوی الحدیثة ۳۰/۳، عون المعبود ۲۵۶/۱۱ و الفائق ۲۳۰/۱

بهترین مطلبی که در ردّ اینان یافتیم، پاسخی است که آقای میلانی در مجله‌ی تراثنا ۴۳/ ۵۹ می‌دهند، و اینک خلاصه‌ی آن:

«الف. تنها کسی که این روایت را آورده است ابو داود است و هیچ یک از حدیث نگاران نه پیش از او و نه پس از او آن را نقل نکرده‌اند.

ب. در نقل این حدیث از ابو داود اختلاف است. جزری شافعی متوفای ۸۳۳ در اسمی المناقب می‌گوید: صحیح تر آن است که مهدی از نسل حسین بن علی است، زیرا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر آن تصریح کردند، هم چنان که استاد ما عمر بن حسن رقی که در زمان خود رَحاله بود خبر داد که استاد او ابوالحسن بخاری، از عمر بن محمد دارقزی، از ابودر کرخی، از ابوبکر خطیب، از ابو عمر هاشمی، از ابو علی لؤلؤی، از ابو داود حافظ نقل می‌کند: هارون بن مغیره، از عمر بن ابی قیس، از شعیب بن خالد، از ابواسحاق روایت کرد: علی (علیه السلام) به پسرش حسین نگاه کرد و... ابو داود در سنن خود اینچنین روایت نموده و چیزی نگفته است.

ج. حدیث منقطع^۱ است و حجیتی ندارد. زیرا ابواسحاق سبّعی آن را از حضرت امیر (علیه السلام) نقل می‌کند و همان گونه که منذری تصریح نموده روایت او از آن حضرت ثابت و معلوم نیست. او هنگام شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هفت سال بیشتر نداشت. بنابر قول ابن حجر او دو سال به آخر خلافت عثمان به دنیا آمد.

د. علاوه بر منقطع بودن حدیث، ابو داود آن را از شخصی مجهول که وی را نام نمی‌برد نقل می‌کند. وی می‌گوید: «از هارون برایم حدیث گفتند»، و همین مطلب در بطلان آن کافی است. افزون بر ایشان سید صدرالدین صدر با شش وجه به مناقشه‌ی این روایت پرداخته است، ایشان می‌نویسد: «بر اساس قواعد اصول فقه به روایت ابو داود نمی‌توان استناد نمود:

الف. در خود نقل ابو داود اختلاف است، عقد الدرر آن را از سنن ابی داود نقل می‌کند و در آن چنین است: علی (علیه السلام) به پسرش حسین نگاه کرد.

۱. کسی که برای دریافت احادیث به مناطق مختلف و متعدّد سفر می‌کند.

۲. حدیثی که برخی راویان آن افتاده باشد.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام (علیه السلام)
منزلت امام (علیه السلام)
حکومت امام (علیه السلام)
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح (علیه السلام)
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام (علیه السلام)
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام (علیه السلام) در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

ب. جماعتی از حافظان احادیث - مانند ترمذی، نسائی و بیهقی چنان که در عقد الدرر آمده است - همین جریان را نقل می‌کنند و در آن چنین آمده است: علی علیه السلام به پسرش حسین نگاه کرد.

ج. احتمال وقوع تصحیف نیز وجود دارد، چرا که حسن و حسین در نوشتن بسیار نزدیک به هم هستند. و این احتمال به خصوص در خط کوفی تقویت می‌شود.

د. این روایت با نظر مشهور عالمان سنی مخالف است، چنان که برخی از آنان بر این نکته تصریح کرده‌اند.

هـ. این حدیث با روایات بسیاری که سنداً صحیح‌تر و دلالت آن نیز واضح‌تر است تعارض دارد.

و. احتمال جعلی بودن حدیث و اینکه بخاطر درهم و دینار ساخته شده باشد بسیار زیاد است، زیرا بدین وسیله می‌توانستند به محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه تقرب جویند.^۱

نگارنده: تردید عالمان سنی در این روایت را از این مطلب نیز می‌توان دریافت که بعضی از آنها برآند تا بین روایات جمع کنند. فرائد فوائد الفکر / ۱۰۱ می‌نویسد: «شاید بدینسان بتوان جمع کرد که پدر مهدی از نسل یکی و مادرش از نسل دیگری باشد.»!

اما در منابع حدیثی ما شیعیان به طور صریح و متواتر روایت شده که امامان معصوم و نه گانه‌ی پس از امام حسین علیه السلام، همه از نسل ایشانند.

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۹۱ از حمران نقل می‌کند که به امام باقر علیه السلام گفتیم: «یا بن رسول الله! نوادگان امام حسن علیه السلام بر این باورند که قائم از آنهاست و آنانند که صاحبان منصب امامت هستند،

۱. رک به المنار المنیف ۱۴۸/ شماره ۳۲۹ فصل ۵۰ از معجم الاوسط طبرانی، عقد الدرر ۲۴/ باب ۱ از کتاب الاربعین ابونعیم اصفهانی، ذخائر العقبی ۱۳۶- وی با این حدیث که «مهدی از نسل امام حسین علیه السلام است» احادیث مطلق را که پیش از آن آورده و سخنی از این که ایشان از نسل چه کسی است را به میان نیاورده، قید می‌زند. - فرائد السمطين ۲/ ۳۲۵ شماره ۵۷۵ باب ۶۱، القول المختصر ۳۷/ ۷ باب ۱، فرائد فوائد الفکر ۲/ باب ۱، السيرة الحلبیة ۱۹۳/ ۱، مقتل الحسين علیه السلام خوارزمی ۱۹۶/ ۱، ینابیع المودة ۲۲۴/ باب ۵۶ و ۴۹۲، غایة المرام ۶۹۴ شماره ۱۷ باب ۱۴۱ و منتخب الاثر ۱۵۴/ شماره ۴۰ باب ۱ که در آن احادیث بسیاری از طریق اهل سنت که بیانگر آن است که حضرت مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است، جمع آوری شده است.

فرزندان محمد بن حنفیه نیز چنین پنداری دارند!

امام عجل الله تعالی فرجه‌اش فرمودند: به خدا سوگند ما صاحبان منصب امامت هستیم و قائم در میان ماست، منصور و سفاح نیز از ما هستند، خداوند تعالی می‌فرماید: **وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا**^۱، و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی [برای قصاص] داده‌ایم؛ ما ولی حسین بن علی عجل الله تعالی فرجه‌اش و بردین او هستیم.^۲

کمال الدین ۳۵۸/۲ از مفضل بن عمر روایت می‌کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه‌اش درباره‌ی این آیه: **وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ**^۳، و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، سؤال کردم که این کلمات چه بود؟ فرمودند: کلماتی بود که آدم از پروردگارش دریافت کرد و به خاطر آن خدا توبه‌اش را پذیرفت. آدم گفت: به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین از تومی خواهم که توبه‌ی مرا بپذیری، خدا هم توبه‌ی او را پذیرفت، او بسیار توبه پذیر و مهربان است.

عرض کردم: ای پسر رسول خدا! معنای اینکه «همه را به انجام رسانید» چیست؟ فرمودند: یعنی این کلمات را تا قائم که دوازده امام و نه تن آنان از نسل امام حسین عجل الله تعالی فرجه‌اش هستند ادامه داد.

عرض کردم: یابن رسول الله! درباره‌ی این آیه: **وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ**، و آن را در فرزندان خود گفتاری جاودان کرد، بفرمایید؟ فرمودند: مقصود امامت است که خدا آن را تا روز قیامت در نسل امام حسین عجل الله تعالی فرجه‌اش قرار داد.

پرسیدم: با اینکه امام حسن و امام حسین عجل الله تعالی فرجه‌اش هر دو فرزند و نواده‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سرور جوانان اهل بهشت اند، چرا امامت در نسل امام حسین عجل الله تعالی فرجه‌اش قرار گرفت و نه در نسل امام حسن عجل الله تعالی فرجه‌اش؟

فرمودند: موسی و هارون، نبی، رسول و برادر بودند، ولی خدای عزوجل نبوت را در صلب

۱. سوره‌ی اسراء / ۳۳

۲. و نیز رک به اثبات الهداة ۵۵۲/۳ و بحار الانوار ۱۴۶/۸

۳. سوره‌ی بقره / ۱۲۴

۴. سوره‌ی زخرف / ۲۸

هارون قرار داد نه موسی، و کسی حق نداشت پیرسد که چرا خدا این کار را کرد. امامت، جانشینی خدای عزوجل در زمین است و کسی حق ندارد پیرسد چرا خدا آن را در صلب امام حسین علیه السلام قرار داد، چون خدای تبارک و تعالی در کارهایش حکیم است، لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ^۱، از آنچه می‌کند پرسیده نمی‌شود و [لی] آنان پرسیده می‌شوند.^۲ البته این روایت که دلالت بر انتخاب و اختیار الهی دارد با روایتی که مرحوم عیاشی در تفسیر خود ۷۲/۲ نقل می‌کند، منافاتی ندارد. «ابو عمرو زبیری گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا امامت از نسل امام حسن علیه السلام بیرون رفت و در نسل امام حسین علیه السلام قرار گرفت؟ حضرت فرمودند: وقتی که امر الهی [شهادت] بر امام حسین علیه السلام فرا رسید، جایز نبود که امامت را به فرزندان برادرش را بسپارد و به آنان وصیت کند، خداوند می‌فرماید: وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ^۳، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند؛ فرزندان او از جهت رحم به او نزدیکتر بودند تا فرزندان برادرش و نیز شایسته‌تر به امامت.

این آیه فرزندان امام حسن علیه السلام را از آن خارج کرد و امامت در نسل امام حسین علیه السلام قرار گرفت و این آیه برای آنان حکم نمود، پس تا روز قیامت امامت در آنهاست. آری این حدیث منافاتی با اختیار الهی ندارد، و بر این دلالت می‌کند که خداوند اختیار و انتخاب خود را بر طبق اولویت رحم در ارث قرار داده است.

معاویه، نخستین مدعی مهدویت!

الفتن ۱/ ۳۷۰ به نقل از ولید بن هشام معیطی از ابان بن ولید آورده است: «شنیدم ابن عباس نزد معاویه گفت: خدا مهدی را از میان ما اهل بیت برمی‌انگیزد.» نگارنده: ادعای مهدویت توسط معاویه برای مقابله با بنی هاشم بود!

۱. سوره‌ی انبیاء علیه السلام / ۲۳

۲. و نیز معانی الاخبار / ۱۲۶، خصال / ۳۵۴، مناقب ابن شهر آشوب / ۱/ ۲۸۳، مجمع البیان / ۱/ ۲۰۰، ارشاد القلوب / ۴۲۱، تأویل الآیات / ۱/ ۷۷ و اثبات الهداة / ۱/ ۶۴۵

۳. سوره‌ی انفال / ۷۵

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 یاران
 ابدال
 یاری‌فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت‌گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

سید ابن طاووس در الملاحم والفتن / ۱۱۵ می‌نگارد: «مورخ معروف طبری در کتابش عیون اخبار بنی هاشم - که به سفارش وزیر علی بن عیسی بن جراح نوشت، و من نسخه‌ای از آن را که ظاهراً در حیات وی نوشته شده یافته‌ام - می‌نویسد: سخن از مهدی و امام؛ معاویه روزی به بنی هاشم رو کرد و گفت: شما برآنید که همان سان که استحقاق نبوت را داشتید، از استحقاق خلافت نیز برخوردارید؟ و حال آنکه این دو برای هیچ کس با هم جمع نمی‌شود.^۱ به جانم قسم که استدلال شما بر خلافت نزد این مردم مشتبه است! شما می‌گویید: ما اهل بیت خدا هستیم، پس چرا نبوت در میان ما باشد ولی خلافت در دست دیگران؟ این شبهه با تزویر توأم است. شبهه را شبهه گویند چون شبهه به حق جلوه می‌کند، مگر آنکه حقیقت آن را دریابی.

خلافت در میان قبائل قریش می‌گردد و تنها با رضایت مردم و شورای خواص است که حاصل می‌شود. مردم نگفتند: ای کاش بنی هاشم ولایت ما را بر عهده داشتند، و اگر آنان متولی بودند، برای دین و دنیای ما بهتر بود. نه مردم بر شما اجتماع نمودند و نه چون بردیگری اجتماع کنند از شما حمایت می‌کنند. شما اگر دیروز نسبت به خلافت زهد می‌ورزیدید، امروز به خاطر آن با ما نمی‌جنگیدید!

شما براین باورید که خلافتی هاشمی و مهدی قائم دارید، و حال آنکه مهدی عیسی بن مریم است! خلافت هم در دستان ماست تا آن را به او تحویل دهیم. قسم به جان خودم اگر شما به حکومت برسید بیشتر از باد [عذاب] قوم عاد و صاعقه‌ی قوم ثمود موجب هلاکت مردم خواهید شد!

در این هنگام عبدالله بن عباس برخاست، حمد و ثنای الهی را به جای آورد و گفت: اما اینکه گفتی: ما با نبوت شایسته خلافت نیستیم؛ پس به چه چیزی شایسته‌ی آن

۱. عباس عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام اعتراض کرد که چرا قبول کردید در شورای شش نفره‌ای که عمر قرار داده بود شرکت کنید، و حال آنکه او نام عثمان را نام نخست قرار داد و نام شما را به عنوان آخرین نام؟ حضرت امیر علیه السلام در پاسخ او فرمودند: عمو! مطلبی بر شما مخفی مانده، آیا سخن او [عمر] را بر فراز منبر نشنیدی که می‌گفت: خدا برای این خاندان خلافت و نبوت را در کنار هم جمع نمی‌کند؟ من خواستم تا او به زبان خود، خود را تکذیب کند و مردم بدانند سخن دیروزین او دروغ و باطل بوده است، رک به علل الشرائع ۱/ ۱۷۱. م

خواهیم بود؟

و اینکه گفتی: این دو با هم برای کسی نخواهد بود، فرموده ی خدا: فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا^۱، ما به تحقیق به آل ابراهیم کتاب، حکمت و پادشاهی عظیمی دادیم؛ چه می شود؟ کتاب [دلیل] نبوت است، حکمت سنت، پادشاهی خلافت، و ما آل ابراهیم. امر و سنت الهی در ما و آنها یکسان جریان دارد.

این سخن تو: استدلال ما شبیه ناک است؛ به خدا قسم که دلیل ما از خورشید و ماه روشن تر است و تو هم این را می دانی. ولیکن تو تکبر و روزییدی، و قتل برادر، جد، عم و دایی ات به دست ما موجب روی تافتن تو شده است. بر آن استخوان های پوسیده و ارواحی که در هاویه سقوط کرده اند گریه نکن و به خاطر خون هایی که به جهت شرک حلال شمرده شد و اسلام برای آنها ارزشی قائل نشد غضب ننما.

و اما اینکه گفتی: مردم بر ما اجتماع ننمودند، هرآینه آنچه آنان از آن محروم شدند بیش از آن چیزی است که ما محروم شدیم، هر امری که زمان نتیجه گیری اش فرا رسد حق آن می ماند و باطل آن از بین می رود.

اینکه گفتی: ما بر این پنداریم که حکومت و مهدی داریم، پندار در کتاب خدا شک است، او می فرماید: رَعِمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ^۲، کسانی که کفر ورزیدند، پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد، بگو: آری، سوگند به پروردگارم، حتماً برانگیخته خواهید شد؛ همه گواهی می دهند که برای ما پادشاهی و مهدی خواهد بود که اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خدا او را برای امر خود بر خواهد انگیزخت و او زمین را همان گونه که از ظلم و جور پر شده، از عدل و داد آکنده خواهد ساخت.

اگر شما یک روز حکومت کنید، ما دو روز حکومت خواهیم کرد، اگر شما یک ماه پادشاهی دارید، ما دو ماه، و اگر شما یک سال، ما دو سال.

و اینکه گفتی: مهدی همان عیسی بن مریم است؛ بدان که عیسی برای [نابود کردن]

۱. سوره ی نساء / ۵۴

۲. سوره ی تغابن / ۷

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

دجال فرود می‌آید و چون دجال او را ببیند مانند چربی ذوب می‌شود. و امام مردی از ماست که عیسی پشت سر او نماز می‌گزارد و اگر بخواهم می‌توانم او را نام برم.

و اما باد قوم عاد و صاعقه‌ی ثمود عذاب بودند، ولی پادشاهی ما رحمت خواهد بود.^۱
اما معاویه به اقداماتی چنین بسنده نکرد، بلکه کسی را اجیر کرد که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کند که ایشان برای او دعا کرد و او را هادی مهدی وصف نمود!

احمد در مسند ۴/ ۲۱۶ از عبد الرحمن بن ابی عمیره‌ی ازدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «ایشان معاویه را یاد کرده گفتند: خدایا! او را هادی و مهدی قرار ده و به وسیله‌ی او هدایت کن.»
معاویه در این راستا عالم نمایان وابسته به دربار را نیز به گواهی گرفت تا شهادت دهند او مهدی موعود است! ابن کثیر در البدایة و النهایة ۸/ ۱۴۳ از اعمش از مجاهد چنین نقل می‌کند:
«اگر معاویه را می‌دیدید، می‌گفتید او مهدی است.»

البته خلال انتساب این سخن را به اعمش و مجاهد تضعیف می‌کند، وی در السنة ۲/ ۳۸ می‌نویسد: «از قتاده نقل شده: اگر کردار معاویه را می‌دیدید، بیشتر شما می‌گفتید: او مهدی است. در سند این روایت عمرو بن جبلة است که نتوانستم او را بشناسم. محمد بن سلیمان بن هشام، از ابو معاویه‌ی ضریر، از اعمش، از مجاهد چنین روایت می‌کند: اگر معاویه را می‌دیدید، می‌گفتید: او مهدی است. سند این روایت ضعیف است.»

هیثمی نیز در مجمع الزوائد ۹/ ۳۵۷ انتساب آن را به اعمش ضعیف می‌داند، وی می‌گوید: «از اعمش نقل شده است که اگر معاویه را می‌دیدید، می‌گفتید: او مهدی است. طبرانی آن را به صورت مرسل روایت کرده است و در میان راویان آن یحیی حمانی است که ضعیف می‌باشد.»
اما ابن تیمیه که در اموی‌گری گوی سبقت را از خود بنی امیه ربوده است، بدون ارزش قائل شدن برای تضعیف خلال و هیثمی آن را صحیح می‌شمارد! وی در منهاج السنة ۶/ ۲۳۳ می‌نویسد: «یونس از قتاده چنین نقل می‌کند: اگر کردار معاویه را مشاهده می‌کردید، بیشتر شما می‌گفتید: او مهدی است. ابن بطه نیز آن را با سندی که از دو طریق ثابت است از اعمش از مجاهد روایت می‌کند: اگر معاویه را درک می‌کردید، می‌گفتید: او مهدی است.»

۱. امالی شیخ مفید ۱۴/

از ابواسحاق سبّعی منقول است که معاویه را یاد کرد و گفت: اگر او - یا روزگارش - را درک می‌کردید، می‌گفتید: او مهدی است.»

ابن تیمیه با این کار گواهی امامش عبدالله بن عمرو عاص را نسبت به اینکه معاویه هیچ‌گونه کرامتی ندارد، چه برسد به آنکه مهدی خوانده شود، رد کرده است! ابن طاووس در الملاحم و الفتن / ۳۲۶ می‌نویسد: «عبدالله بن عمرو عاص مهدی را یاد کرد. مردی عرب گفت: او معاویه است! عبدالله گفت: نه، او هیچ کرامتی ندارد، بلکه مهدی کسی است که عیسی بن مریم بر او فرود می‌آید.»

حافظ سقاف در تناقضات الالبانی الواضحات ۲/ ۲۲۹ می‌گوید: «البانی حدیث عبدالرحمن بن ابی عمیره را به صورت مرفوع چنین آورده است: خدایا! او را هادی مهدی قرار ده و به وسیله‌ی او هدایت گردان، و مقصود وی معاویه است.»

این گزارش به چند دلیل، صحیح نیست:

اول: حافظ ذهبی در سیر اعلام النبلاء ۳/ ۱۳۲ از اسحاق بن راهویه روایت می‌کند: هیچ فضیلتی از زبان پیامبر ﷺ برای معاویه صحیح نیست.

دوم: محدّثان آگاه، تصریح دارند که این حدیث صحیح نیست. ابو حاتم رازی - همان‌گونه که پسرش در علل الحدیث ۲/ ۳۶۲ آورده - می‌گوید: عبدالرحمن بن ابی عمیره این حدیث را از پیامبر ﷺ نشنیده است.

حافظ ابن حجر در تهذیب التهذیب ۶/ ۲۲۰ به نقل از حافظ ابن عبد البر می‌آورد: عبدالرحمن بن ابی عمیره از صحابه نبوده و سند آن صحیح نیست.

سوم: سندهای این حدیث همه به سعید بن عبد العزیز، از ربیعۃ بن یزید، از عبدالرحمن بن ابی عمیره باز می‌گردد، و سعید بن عبد العزیز هم چنان‌که البانی اقرار و اعتراف کرده، دچار اختلاط شده است.

البته البانی بر این باور است که جماعتی دیگر نیز آن را نقل کرده‌اند، لیکن در این ادّعا صادق نیست، زیرا کسی که مراجعه کند، می‌یابد که همه‌ی نقل‌ها به سعید بن عبد العزیز بر می‌گردد و همان‌طوری که ابو مسهر گفته مختلط است. علاوه بر ابو مسهر ابو داود و یحیی بن معین نیز چنین

گفته‌اند، چنان که در تهذیب التهذیب ۴ / ۵۴ می‌بینید.

خود البانی نیز چند جا به اختلاط وی اعتراف نموده است، از آن جمله در سلسله الاحادیث الضعیفة ۳ / ۳۹۳ و سلسله الاحادیث الصحیحة ۲ / ۶۴۷، با این وجود چگونه صحیح است؟! لذا البانی می‌بایست این حدیث را تنها در سلسله الاحادیث الضعیفة می‌آورد.^۱ نگارنده: در پاسخ ابن تیمیه و البانی همین کافی است که بگوییم: چرا امام شما معاویه، که از طرف پروردگارش هدایت شده و مهدی است، نتوانست زمین را پراز عدل و داد کند؟!

موسی بن طلحه، دومین مدّعی

عایشه برنامه ریزی کرده بود که خلافت پس از پدرش در بنی تیم باقی بماند، گزینه‌ی نخست برادرش عبدالرحمن بن ابی بکر بود و گزینه‌ی دوم طلحه بن عبیدالله پسر عمویش! ولی او و طلحه با مرگ مسمومانه و ناگهانی ابوبکر و وصیت به عمر مواجه شدند. لذا طلحه با عصبانیت نزد ابوبکر آمد و با اعتراض گفت: «حال که بر ما این خشن تندخو را خلیفه کردی، به پروردگارت چه پاسخ خواهی داد؟ و ابوبکر گفت: آیا مرا به خدا می‌ترسانی؟ به او می‌گوییم: بهترین بنده‌ات را برایشان گماشتیم.»^۲

اما به رغم خلافت عمر، عایشه ناامید نشد و ادامه داد، تا آنکه توانست طلحه را در شورای صوری شش نفره که حق و توازن عبدالرحمن بن عوف بود، داخل کند!

لیکن در دوران عثمان ورق برگشت، لذا عایشه در مقابل او برخاست و شعارهای شدیدی برضد او داد و مردم را به عزل و قتل او دعوت کرد. او برنامه ریزی کرده بود که چون عثمان کنار رود طلحه در جای او قرار گیرد! ولی با بیعت صحابه با امیرالمؤمنین علیه السلام مواجه شد. از این رو سرپایش را خشم فراگرفت و جنگ جمل را به راه انداخت. اما در این مصاف هم او، هم طلحه و هم شوهر خواهرش زبیر باختند.

در دوران معاویه عایشه جنگی نرم را برضد او شروع کرد، ولی بعدها به همراه برادرش عبدالرحمن

۱. و نیز رک به تحقیق سقاف بر کتاب دفع شبه التشبیه بأکف التنزیه ابن جوزی ۲۳۵/

۲. منهاج السنّة ۲ / ۱۷۰ چاپ بولاق که البته چاپ‌های بعدی آن به دست وهابیان تحریف شده است! رک به ۶ / ۱۵۵ و ۷ / ۴۶۱ از برنامه‌ی کامپیوتری آثار ابن تیمیه

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به تشدید آن پرداختند^۱، لذا معاویه عبدالرحمن را به قتل رساند و گفته می شود عایشه را نیز کشت! و با مرگ وی نقشه ی بنی تیم برای دستیابی به خلافت پایان یافت.

با این وجود عایشه در منابع سنیان فریاد می زند که پیامبر ﷺ به خلافت پدر و برادرش وصیت نمود!

مسلم در صحیح ۱۱۰/۷ نقل می کند که عایشه گفت: «رسول خدا ﷺ به هنگام بیماری اش به من گفت: پدرت ابوبکر و برادرت را فرا بخوان تا وصیت کنم، چون می ترسم کسی آرزو کند و دیگری بگوید: من شایسته ترم.»!

این ادعای عایشه می بایست پس از مرگ عمر باشد، چون ابوبکر و عمر می گفتند: رسول خدا ﷺ به هیچ کسی وصیت نکرد. اگر این ادعا صحیح می بود آنان در سقیفه بدان استدلال می کردند. در حالی که تنها استدلالشان این بود که محمد از قریش است و آن دو نیز از قریش هستند و لذا شایسته ترند!

عمر گفت: «بر آن دسته از عرب که ما را نپذیرند، برهانی آشکار و دلیلی روشن داریم؛ چه کسی می تواند با ما بر سر خلافت محمد نزاع کند و حال آنکه ما اولیاء و خانواده ی او هستیم، هر که چنین کند به باطل استدلال کرده، به گناه مایل، و یا در هلاکت غوطه ور شده است.»^۲

اگر روایت عایشه صحیح می بود، طلحه نیز در مقابل ابوبکر و در اعتراض بر خلافت عمر بدان استدلال می کرد! نمی دانیم چه کسی ادعا کرد موسی بن طلحه مهدی موعود است. این مقدار می دانیم که این ادعا را برای جبران تلاش های عایشه - که با شکست مواجه شد - مطرح کرده اند. و البته ظاهراً پس از مرگ عایشه انتشار یافته است. روایت می کنند: «هنگامی که مختار در کوفه قیام کرد موسی بن طلحه نزد ما [در بصره] آمد، مردم او را مهدی زمانشان می دانستند و لذا گرد او جمع شدند.»^۳

اما موسی بن طلحه دیری نپایید، و با مرگ او این ادعا نیز به پایان رسید.

۱. رک به جواهرالتاریخ جلد دوم

۲. تاریخ طبری ۴۵۷/۲

۳. تاریخ مدینه دمشق ۴۳۱/۶۰، سیر اعلام النبلاء ۳۶۵/۴، الفتن ۱۵۸/۱ و سنن الدانی ۱۵۸/۱

بنی حسن و محمد بن عبدالله بن حسن مثنی

ظاهراً ادعای مهدویت در اواخر سده‌ی نخست هجری، و پس از آنکه مسلمانان از سلطه‌ی امویان به ستوه آمدند، به موجی تبدیل شد که به دنبال آن احادیث نبوی پیرامون مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و نیز بشارت به مهدی موعود (علیه السلام) انتشار یافت. و این زمینه‌ای مناسب برای ادعای مهدویت برای افرادی از بنی هاشم و بنی تیم بود. برای دو نفر ایشان ادعای مهدویت کرده‌اند که نام هردو محمد و نام پدرشان عبدالله است. یکی محمد بن عبدالله بن حسن مثنی است و دیگری محمد بن عبدالله منصور معروف به مهدی عباسی. یاران هریک تلاش کردند تا احادیث مهدی را برهمو منطبق کنند. از این رو بود که پیشتر ترجیح دادیم عبارت «نام پدر او نام پدر من است» را برای مصلحت اینان افزوده‌اند!

بعدها عباسیان چنان پیش رفتند که به جعل احادیثی پرداختند که مهدی موعود را از فرزندان عباس معرفی می‌کند! البته عالمان سنی گواهی به کذب آن داده‌اند، مثل روایات دیگری که مهدی را از نسل عمرو یا بنی امیه معرفی می‌کند!

ادعای مهدویت گرچه برای مدعیان وسوسه انگیز است، ولی از آنجا که در احادیث نبوی اوصاف آن حضرت به خوبی و وضوح بیان شده است، - پس از آنکه مدعیان زمین را از عدالت مملو نساختند، ثروت‌ها را بدون شمارش ندادند و... - دست این بازیگران به خوبی رو می‌شود! ظاهراً عبدالله بن حسن مثنی زیرکترین فردی بوده که برای پسرش محمد ادعای مهدویت کرده است. وی از زمان کودکی پسرش نقشه‌ی خود را شروع کرده است، لذا نام او را محمد گذاشت. آنگاه او را به گونه‌ای خاص تربیت کرد. او محمد را از مردم مخفی می‌داشت و درباره‌ی او افسانه سرایی می‌کرد!

مقاتل الطالیین / ۲۳۹ می‌نویسد: «عبدالله به حسن از زمان کودکی از مردم می‌گریخت و به آنان نامه می‌نوشت و به سوی خود فرا می‌خواند و مهدی نامیده می‌شد.»!

تهذیب الکمال ۲۵ / ۴۶۷ می‌نویسد: «داود بن عبدالله جعفری، از درآوردی، از پسر برادر زهری چنین نقل می‌کند: «من و عبدالله بن حسن در مدینه نشسته بودیم و یکباره سخن از مهدی به میان آوردیم. عبدالله گفت: مهدی از فرزندان حسن بن علی است. من گفتم:

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام (علیه السلام)

منزلت امام (علیه السلام)

حکومت امام (علیه السلام)

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (علیه السلام)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (علیه السلام)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام (علیه السلام) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

عالم‌ان اهل بیت این را نمی‌پذیرند. او گفت: به خدا قسم مهدی از فرزندان حسن بن علی و سپس از فرزندان من است.»!

عبدالله را شخصیتی معرفی می‌کنند که از قدرت اقناع بالایی برخوردار بوده است و لذا توانسته هم پیمانان عباسی خود را قانع کند که فرزندش محمد، مهدی است!

مقاتل الطالبین / ۲۳۹ به نقل از عمیر بن فضل خثعمی می‌نویسد: «روزی محمد بن عبدالله بن حسن را دیدم که از خانه‌ی پسرش بیرون آمد. بیرون از خانه، اسب و غلام سیاه وی بودند. ابو جعفر منصور دوانیقی هم منتظر او بود. وقتی او بیرون آمد، ابو جعفر به سرعت رفت و ردای او را گرفت تا سوار شود و آنگاه لباس او را بر روی زین مرتب کرد و محمد رفت.

من که او را نمی‌شناختم به منصور گفتم: این که بود که اینچنین او را احترام کردی؟ او گفت: نشناختی؟ گفتم: نه، گفت: این محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن، مهدی ما اهل بیت است.»!

همودر / ۲۴۴ می‌نویسد: «مردم ساده اندیش محمد را مهدی می‌نامیدند.»!

البته این‌ها قبل از آن بود که عباسیان بر آنان بشورند و مهدی را از خود بدانند!

منابع تاریخی، رخدادهای گردهمایی ابواء را که در آن، حسنین به بیعت با مهدی فرامی‌خوانند گزارش می‌کنند. مقاتل الطالبین / ۱۴۰ از عمر بن شبه و گروهی از راویان و تاریخ نگاران آن عصر از عیسی بن عبدالله نقل کرده است: «گروهی از بنی هاشم در منطقه‌ی ابواء گرد آمدند. ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، ابو جعفر منصور، صالح بن علی، عبدالله بن حسن بن حسن، پسران وی محمد و ابراهیم و محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان جزء آنها بودند. صالح بن علی گفت: می‌دانید که مردم به شما چشم دوخته‌اند، و خداوند شما را در اینجا جمع کرده است، پس بایک نفر از میان خود بیعت کنیم و بر آن استوار بمانیم، تا خداوند گشایشی ایجاد کند که او بهترین گشایشگران است.

در این هنگام عبدالله بن حسن حمد و ثنای خدا را به جای آورد و گفت: می‌دانید که پسر مهدی است، پس بیایید با او بیعت کنیم.

ابو جعفر منصور گفت: برای چه خود را فریب دهید و حال آنکه می‌دانید مردم به کسی

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بیش از این جوان امید ندارند و زود است که او را اجابت خواهند کرد. آنان گفتند: به خدا قسم درست گفتی، ما این را خوب می‌دانیم و با محمد بیعت کردند و بردست او دست کشیدند.

عیسی گوید: فرستاده‌ی عبدالله بن حسن نزد پدرم و جعفر بن محمد آمد و آنان را دعوت کرد. اما دیگران می‌گویند: عبدالله بن حسن گفت: ما بیعت جعفر بن محمد را نمی‌خواهیم تا مبادا کار ما را خراب کند! - پس پدرم مرا فرستاد تا ببینم چه خبر است. جعفر بن محمد نیز محمد بن عبدالله الارقط پسر علی بن الحسین را فرستاد. ما آمدیم و دیدیم محمد بن عبدالله بر روی بوریایی - که آن را تا کرده بود - مشغول نماز است.

من گفتم: پدرم مرا فرستاده تا ببینم شما برای چه جمع شده‌اید؟ عبدالله گفت: برای اینکه با مهدی محمد بن عبدالله بیعت کنیم.

می‌گویند: جعفر بن محمد آمد و عبدالله بن حسن در کنار خود برای او جا باز کرد و همین سخن رد و بدل شد.

ایشان فرمودند: این کار را نکنید که هنوز زمان آن نرسیده است. اگر برای باوری که پسر مهدی است، [بدان] نه او مهدی است و نه زمان، زمان قیام او. و اگر می‌خواهی به خاطر غضب برای خدا و امر به معروف و نهی از منکر او را به قیام واداری، به خدا قسم ما تو را که بزرگ ما هستی رها نمی‌کنیم و با پسر بیعت کنیم.

عبدالله خشمگین شد و گفت: تو خلاف آنچه را که می‌گویی خوب می‌دانی [و می‌دانی که او همان مهدی است]! به خدا قسم خدا تو را از غیب خود آگاه نکرده است و حسادت با پسر من است که تو را وادار به چنین سخنانی کرد!

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش فرمودند: به خدا سوگند حسد مرا و انداخته است، ولیکن این امرا از آن این و برداران و فرزندان آنهاست - و به ابوالعباس [سفاح] اشاره کرد -، سپس بر شانه‌ی عبدالله بن حسن زد و فرمود: به خدا قسم نه به تومی رسد و نه به دو پسر، و از آن اینهاست، و دو پسر کشته خواهند شد!

آنگاه برخاست و بردست عبد العزیز بن عمران زهری تکیه داد و به او فرمود: آیا صاحب

ردای زرد - یعنی ابو جعفر منصور - را دیدی؟ گفت: آری، فرمود: به خدا او محمد را به قتل خواهد رساند! عبد العزیز گفت: او محمد را خواهد کشت؟! فرمود: آری.

عبد العزیز گوید: با خود گفتم: به خدای کعبه حسادت کرده است! ولیکن به خدا قسم از دنیا نرفتم مگر آنکه دیدم منصور آن دورا کشت!

وقتی جعفر این را فرمود، آنها پراکنده شدند و بعد از آن دیگر اجتماع نکردند. عبد الصمد و ابو جعفر به دنبال آن حضرت رفتند و گفتند: یا ابا عبدالله! شما چنین می‌گویید؟ فرمود: آری به خدا سوگند، و از آن آگاهم.»

همودر/ ۱۴۲ از عنبسة بن نجاد عابد نقل کرده است: «وقتی جعفر بن محمد علیه السلام محمد بن عبدالله بن حسن را می‌دید، چشمانش پراز اشک می‌شد و می‌فرمود: جانم فدای او! مردم او را مهدی می‌دانند، اما وی کشته خواهد شد! در کتاب پدرش علی نیامده که وی از خلفای امت باشد.»

وی در نقلی دیگر در/ ۱۷۱ این جریان را از عبد الاعلی بن علی چنین می‌آورد: «بنی هاشم گرد آمدند. عبدالله بن حسن برایشان سخن راند و پس از حمد و ستایش الهی، گفت: شما اهل بیتی هستید که خداوند شما را با رسالت، برتری داد و برای آن برگزید و برکت شما را زیاد کرد.

ای ذریه‌ی محمد و پسر عموها و عترتش! ای کسانی که سزاوارترین مردم برای یاری در راه خدا هستید! خداوند چه کسانی را مانند شما نزدیک به پیامبرش قرار داده است؟ می‌بینید که کتاب خدا را کنار گذاشته‌اند، سنت پیامبر را رها کرده‌اند، باطل زنده و حق مرده است. در طلب رضای خدا چنان که شایسته‌ی اوست بجنگید، پیش از آنکه خدا نامتان را از صفحه‌ی روزگار بردارد و چونان بنی اسرائیل - که محبوبترین بندگانش بودند - نزد او خوار شوید. می‌دانید که این قوم [بنی امیه] هر زمان که بعضی شان بعضی دیگر را بکشند، باز خلیفه از میان خود آنان خواهد بود. اکنون خلیفه شان ولید بن یزید را کشته‌اند، پس بیایید با محمد - که دانستید مهدی است - بیعت کنیم.

آنان گفتند: همه حضور ندارند و اگر همه جمع شوند چنین می‌کنیم. ما جعفر بن محمد

را اینجا نمی بینیم!

عبدالله بن حسن کسی را به سراغ ایشان فرستاد ولی حضرت از آمدن ابا کرد. خودش برخاست و گفت: همین الان او را می آورم. او آمد و وارد سرای فضل بن عبدالرحمن بن عباس بن ربیعۃ بن حارث [که امام علیه السلام هم آنجا بودند] شد. فضل به او جا داد ولی نه در صدر مجلس - و من فهمیدم که فضل از او مسن تراست -، ولی جعفر، هم به او جا داد و هم او را در صدر قرار داد - و من فهمیدم او از امام علیه السلام مسن تر می باشد -.

پس همه نزد عبدالله آمدیم. او به بیعت با محمد دعوت کرد. جعفر فرمود: تو پیرمردی و اگر بخواهی با تو بیعت می کنم، ولی به خدا قسم تو را رها نمی کنم و با پسرت بیعت نمایم! عبد الاعلی گوید: [صحیح آن است که] عبدالله بن حسن گفت: به دنبال جعفر نفرستید، زیرا او کار شما را خراب می کند، ولی آنها پذیرفتند. ایشان آمدند و عبدالله در کنار خود برایشان جا باز کرد و گفت: می دانی که بنی امیه با ما چه کردند، مصلحت را در آن دیدیم که با این جوان بیعت کنیم. امام علیه السلام فرمودند: این کار را نکنید که هنوز زمان آن فرا نرسیده است. عبدالله هم خشمگین شد و ... هم چنان که گذشت.^۱

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب علیه السلام ۴/ ۲۲۸ نقل می کند که امام علیه السلام فرمودند: «به خدا سوگند، حکومت نه به تو و نه به پسرت می رسد، بلکه به این - یعنی سفاح - و سپس به این - یعنی منصور - خواهد رسید، و او محمد را در احجار الزیت خواهد کشت. آنگاه برادرش را در طوف می کشد، در حالی که پاهای اسبش در آب است!

منصور به دنبال امام علیه السلام راه افتاد و گفت: یا ابا عبدالله! چه فرمودید؟ امام پاسخ دادند: آنچه شنیدی، و البته رخ خواهد داد.

راوی می گوید: کسی که از منصور شنیده بود، برایم نقل کرد که او گفت: همان زمان برگشتم و به فراهم ساختن اسباب حکومت پرداختم، و همان طور شد که ایشان فرمود.^۲ نعمانی در غیبت / ۲۲۹ از یزید بن ابی حازم: «از کوفه خارج شدم. وقتی به مدینه رسیدم،

۱. و نیز ارشاد / ۲۷۶ و اعلام الوری / ۲۷۱ و ۲۷۲

۲. و نیز اثبات الهداة / ۱۱۲/۳ و بحار الانوار / ۴۷/۲۷۶

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خدمت امام صادق علیه السلام آمدم و سلام کردم. ایشان به من فرمودند: آیا کسی به همراه تو بود؟ گفتم: آری، فرمودند: مشغول به صحبت بودید؟ عرض کردم: بلی، شخصی از مغیریه [پیروان مغیره بن سعید] با من بود.

امام علیه السلام فرمودند: او چه می گفت؟ گفتم: براین باور بود که محمد بن عبدالله بن حسن قائم است، و دلیل او آن بود که نام او نام پیامبر صلی الله علیه و آله است و نام پدرش نام پدر آن حضرت. من به او گفتم: اگر به اسامی استناد می کنی، در فرزندان امام حسین علیه السلام هم محمد بن عبدالله بن علی است.

او گفت: این یک کنیززاده است و محمد بن عبدالله بن حسن فرزند زنی آزاد.

امام علیه السلام فرمودند: چه جوابی به او دادی؟ عرضه داشتم: جوابی نداشتم.

فرمودند: آیا ندانستید که او - یعنی قائم علیه السلام - فرزند زنی اسیر است.»

در جلد سوم جواهرالتاریخ درباره ی مهدی بنی حسن مطالبی گذشت و گذشت که ترجیح دادیم وی یا مهدی عباسیان دچار لکنت زبان بوده است و لذا نمی توانسته سخنش را برساند و با دست بران خود می زده است. از این رو در اوصاف مهدی این مطلب را افزودند تا بر مهدی خودشان منطبق باشد!

۸. عباسیان بر پیامبر صلی الله علیه و آله دروغ بسته، مهدی را از خود انگاشتند!

تاریخ بغداد ۲/ ۶۳ از ابن عباس نقل می کند: «ام فضل دختر حارث هلالیه برایم نقل کرد: از کنار پیامبر صلی الله علیه و آله که در حجر اسماعیل بود مرور کردم، ایشان فرمودند: ای ام فضل! تو پسری در رحم داری. عرض کردم: ای رسول خدا! چگونه ممکن است، و حال آنکه قریشیان قسم خورده اند سراغ زنان نروند؟! فرمود: مطلب همان است که گفتم، وقتی وضع حمل کردی، نوزاد را پیش من بیاور!

ام فضل می گوید: بعد از زایمان، نوزاد را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بردم. در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفتند و فرمودند: نزد [عباس] پدر خلفاء برو و او را بیاور. من هم

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

آمدم و به او خبر را رساندم. او مرد زیبا و خوش لباسی بود. نزد آن حضرت آمد و چون ایشان او را دیدند برخاستند و میان دیدگانش را بوسه دادند و در طرف راست خود نشاندند. آنگاه فرمودند: این عموی من است، هر که می‌خواهد به عموی خود افتخار کند. عباس گفت: یا رسول الله! چنین نفرمایید. ایشان گفتند: چرا نگوییم و حال آنکه تو عمو و برادر پدرم و بهترین کس از خاندانم هستی که پس از خود به جا می‌گذارم!

عباس گفت: ای رسول خدا! این چیست که ام الفضل درباره‌ی فرزند ما می‌گوید؟ ایشان گفتند: آری، ای عباس! چون سال صد و سی و پنج فرا رسد، خلافت برای تو و تو فرزندان تو خواهد بود، یکی از آنها سفاح است، یکی منصور و یکی هم مهدی.^۱

در گزارشی دیگر چنین آمده: «تا آنکه از میان آنان کسی باشد که با عیسی بن مریم نماز می‌گزارد.»^۲

همان ۳/۳۴۳ از هشام بن محمد کلبی: «در اوائل خلافت مأمون در زمانی که وی به بغداد آمده بود نزد معتصم بودم. معتصم قومی را یاد کرد و از آنان بدگفت. من گفتم: ای امیر! خدای تعالی آنان را مهلت داد، ولی آنها به طغیان پرداختند، نسبت به آنها صبر کرد، ولی به ستم روی آوردند. پس گفت: پدرم رشید، از جدم مهدی، از پدرش منصور، و او از پدرش محمد بن علی، از علی بن عبدالله بن عباس، از پدرش روایت کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله به بنی فلان نگاه نمود که با نخوت راه می‌روند، پس چنان خشمگین شد که غضب در چهره‌اش آشکار گشت.

آنگاه این آیه را تلاوت کرد: **وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ**^۳، و آن درخت نفرین شده در قرآن. گفتند: این کدام درخت است، تا ما آن را از ریشه بیرون آوریم؟ فرمود: درخت گیاهی نیست، بلکه بنی فلان هستند که چون به حکومت رسند، ظلم کنند و چون امین شمرده شوند، خیانت کنند. سپس با دست بر کمر عباس زد و فرمود: ای عمو! خدا از پشت تو مردی را بیرون می‌آورد که هلاکت آنها بردستان اوست.^۴

۱. و نیز کنز العمال ۱۴/ ۲۷۱، تاریخ دمشق ۴/ ۱۷۸، ذخائر العقبی ۲۳۶/ مجمع الزوائد ۵/ ۱۸۷ و المعجم الاوسط ۱۰/ ۱۱۵

۲. سوره‌ی اسراء/ ۶۰

الفتن ۱/ ۱۲۱ و ۴۰۰ از کعب: «منصور و مهدی و سفاح، از فرزندان عباس اند.»
در عیون الاخبار ابن قتیبۀ ۱/ ۳۰۲ آمده است: «وقتی ابن عباس می شنید مردم می گویند: در این امت دوازده خلیفه خواهند بود، می گفت: چقدر سفیه هستید! پس از دوازده تن، سه نفر از ما خواهند بود؛ سفاح، منصور و مهدی که حکومت را به دجال تسلیم می کند.
ابو اسامه می گوید: نزد ما معنای این سخن آن است که فرزندان مهدی، پس از وی خواهند ماند، تا دجال خروج کند.»

حاکم در المستدرک ۴/ ۵۱۴ روایتی را از مجاهد نقل می کند و صحیح می شمارد، وی می گوید:
«عبدالله بن عباس به من گفت: اگر نبود آنکه تو مانند اهل بیت هستی برای این سخن را نمی گفتم. من گفتم: بگو که آن را به کسی که خوشایند تو نباشد نخواهم گفت. او گفت: از ما اهل بیت چهار نفر هستند؛ سفاح، منذر، منصور و مهدی.
گفتم: در مورد اینان توضیح بده. او هم گفت: اما سفاح، او ممکن است یارانش را بکشد و از دشمنش بگذرد. منذر ثروت بسیاری را می بخشد و برایش گران نخواهد بود، ولی اندکی از حق خود را به کسی نمی دهد. منصور به مقدار نیمی از نصرت رسول خدا ﷺ بر دشمنانش، نصرت می یابد، دشمن از آن حضرت به فاصله ی دو ماه می هراسید و از منصور به فاصله ی یک ماه. اما مهدی؛ او زمین را پراز عدالت می کند همان طوری که پراز جور شده است، چارپایان و درندگان در روزگار او در امنیت خواهند بود و زمین گنج هایش را که به صورت اسطوانه هایی از طلا و نقره است، بیرون خواهد داد.»

در مقدمه ی ابن خلدون / ۲۵۳ این گزارش را می آورد و می نویسد: «این روایت را اسماعیل بن ابراهیم بن مهاجر از پدرش نقل می کند. اسماعیل ضعیف است، و پدرش ابراهیم اگرچه مسلم از او نقل حدیث می کند، اما اکثر علماء وی را تضعیف کرده اند.»
حافظ ابن صدیق مغربی در رد ابن خلدون / ۵۴۳ می نویسد: «حاکم این حدیث را صحیح دانسته است، ولی ذهبی آن را تضعیف می کند به اینکه اجماع بر ضعف اسماعیل داریم، اما پدرش چنین نیست.»

بیهقی در دلائل النبوة ۶/ ۵۱۳ از سعید بن جبیر: «ما با خود می گفتیم: دوازده امیر خواهند

بود و بعد از آن امیری نخواهد بود، سپس دوازده امیر خواهند بود که بعد از آن قیامت است. عبدالله بن عباس که می‌شنید گفت: چقدر نادانید! از ما اهل بیت بعد از آنها منصور، سفاح و مهدی خواهند آمد که مهدی امارت را به عیسی بن مریم می‌سپارد.^۱ همودر/ ۵۱۴ از ضحاک از ابن عباس از رسول خدا ص: «سفاح، منصور و مهدی از ما هستند.»^۱

البدایة والنهاية ۶/ ۲۴۶ درباره‌ی این روایت می‌نویسد: «این سند ضعیف است و صحیح آن است که ضحاک هیچ روایتی از ابن عباس نشنیده است. لذا روایت منقطع می‌باشد.» تاریخ بغداد ۹/ ۳۹۹ از ابوسعید خدری روایت می‌کند: «از رسول خدا ص شنیدم: قائم، منصور، سفاح و مهدی از ما هستند. خلافت به قائم می‌رسد و به اندازه‌ی شاخ حجامت هم خونی ریخته نمی‌شود. پرچم منصور باز نمی‌گردد [و شکست نمی‌خورد]. سفاح هم مال می‌بخشد و خون ریزی می‌کند. و اما مهدی، زمین را پراز عدل می‌کند، چنان‌که از ستم آکنده شده است.»^۱

ذخائرالعقبی / ۲۰۵ به نقل ابن عباس از پدرش آورده است که پیامبر ص به او رو کرد و فرمود: «این عموم، پدر خلفاست. سخی‌ترین و خوش‌سیماترین قریش است. از نسل او سفاح و منصور و مهدی خواهند بود.

حافظ ابوالقاسم سهمی آن را روایت کرده است.»

جامع الاحادیث سیوطی ۵/ ۳۷۵ از ام سلمه از پیامبر ص نقل می‌کند: «پیوسته خلافت در میان فرزندان عموم - شبیه پدرم - عباس است، تا آن را تسلیم دجال کنند.» اسعاف الراغبین / ۱۵۱ می‌نگارد: «در سند آن وضاعی [دروغ‌پردازی] حضور دارد که روایت از آنها [راویان] نشنیده است.»

فیض‌القدیر ۶/ ۲۷۸ می‌نویسد: «ابن عدی گوید: ابن ولید حدیث جعل می‌کرد، آنها را به هم می‌پیوست، اسناد و متون روایات را می‌دزدید و دگرگون می‌کرد. ابن ابی معشر می‌گوید: او کذاب است. سمهودی نیز می‌نویسد: در سند این روایت محمد بن ولید وضاع وجود

۱. مشابه آن در تاریخ بغداد ۱/ ۶۲ و ۶۳ و ۳۹۱/۵

دارد. و اگر هم صحیح می بود آن را بر مهدی، سومین خلیفه ی عباسیان حمل می کردیم.»
حافظ مغربی در رد این خلدون / ۵۶۳ می گوید: «این روایت غریب و مورد انکار است. برخی توجیه کرده اند که مهدی از جهت مادر عباسی است و از جهت پدر حسنی، ولی اینچنین نبوده و حدیث اصلاً صحیح نیست.»

الاذاعة / ۱۳۵ از الافراد والجامع الصغیر آن را نقل می کند و می نویسد: «شوکانی در التوضیح گفته است: بین این سه حدیث و دیگر احادیث گذشته می توان چنین جمع کرد که مهدی از جهت مادر، از فرزندان عباس است. اگر این جمع را نپذیریم احادیثی که او را از فرزندان پیامبر ﷺ معرفی می کند، رجحان دارد.»

الصواعق ابن حجر / ۲۳۷ می نویسد: «سند آنها ضعیف است، ولی بر فرض صحّت، منافاتی با اینکه مهدی از نسل فاطمه است - و در احادیثی که هم بیشتر است و هم صحیح تر، آمده - ندارد، زیرا بنا بر این فرض در او هم شعبه ای از بنی عباس است و هم شعبه ای از نسل

حسین.»

نگارنده: بعد از آنکه خود گواهی می دهند که جاعل این احادیث محمد بن ولید غلام بنی عباس است و او را کذاب و مضاع و متروک الحدیث عنوان می کنند، دیگر جایی برای تلاش شوکانی و ابن حجر برای این توجیه - که مادر او عباسی است - وجود ندارد. پندار ذهبی نیز - که احادیث از دو مهدی مستقل سخن می گویند که اوصاف متحدی دارند و یکی عباسی است و دیگری از نسل حضرت فاطمه علیها السلام - چنین وضعیتی دارد.

روایات جعلی سنیان در تحریف حدیثی صحیح!

ظاهراً آن است که احادیث دروغین آنها در این باره که مهدی از فرزندان عباس است، برای سرپوش گذاردن بر این است که رسول خدا ﷺ به عباس خبر دادند که فرزندانش چه ها خواهند کرد!

غیبت نعمانی / ۲۴۷ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «روزی رسول خدا ﷺ در بقیع بودند که حضرت امیر علیه السلام آمد و سراغ ایشان را گرفت، گفتند در بقیع است. او نزد ایشان آمد و

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سلام کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بنشین، و او را سمت راست خود نشانند.

بعد جعفر بن ابی طالب آمد و سراغ آن حضرت را گرفت و گفتند در بقیع است. او هم نزد

ایشان آمد و سلام کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله او را سمت چپ خود نشانند.

آنگاه عباس آمد و سراغ ایشان را گرفت و گفتند در بقیع است. او نیز آمد و سلام کرد و

پیامبر صلی الله علیه و آله او را روبه روی خود نشانند.

سپس به امیرالمؤمنین علیه السلام رو کرده فرمودند: یا علی! آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر

ندهم؟ عرضه داشت: آری، یا رسول الله! فرمودند: هم اینک جبرئیل نزد من بود و خبرداد که

قائم - که در آخرالزمان قیام می‌کند و زمین را از عدل آکنده می‌سازد، همان سان که از ستم

و جور پر شده است - از نسل تواز فرزندان حسین است.

ایشان عرض کردند: یا رسول الله! هر خیری که از ناحیه‌ی خدا به ما می‌رسد، به واسطه‌ی

شماست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جعفر بن ابی طالب رو کردند و فرمودند: ای جعفر! آیا به تو مؤذنه ندهم؟

آیا تو را خبر ندهم؟ او گفت: آری، یا رسول الله! فرمودند: اکنون جبرئیل نزد من بود و خبرداد

آن کسی که پرچم را به قائم می‌سپارد از نسل توست، آیا او را می‌شناسی؟ جعفر در پاسخ

گفت: نه، ایشان فرمودند: آن کسی که صورتش مانند دینار است، دندان‌هایش چونان اژه

و شمشیرش پاره‌ی آتش. با خواری وارد سپاه می‌شود و با عزت بیرون می‌آید. و جبرئیل و

میکائیل او را در میان می‌گیرند.

سپس رو کردند به عباس و فرمودند: عموی پیامبر! آیا خبری را که جبرئیل برایم آورده

برایت بگویم؟ او هم گفت: آری، یا رسول الله! ایشان فرمودند: جبرئیل به من گفت: بدا به

حال ذریه‌ی تواز فرزندان عباس! او عرضه داشت: ای رسول خدا! آیا از زنان دوری گزینم؟

فرمودند: خداوند از آنچه واقع می‌شود فارغ شده است.»

همان ۲۴۸/ از عبدالله بن عباس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به پدرم فرمودند:

«ای عباس! بدا به حال ذریه‌ام از دست فرزندان تو و بدا به حال ذریه‌ی تواز فرزندان من.

عرض کرد: ای رسول خدا! از آمیزش با زنان دوری نکنم؟ - و یا گفت: آیا خودم را عقیم

نکنم؟ - آن حضرت فرمودند: علم خدا گذشته است و امور به دست اوست، و در فرزندان من همان خواهد شد.»

سلیم / ۴۲۷ با سند خود از پیامبر ﷺ روایت می‌کند: «خداوند آخرت را برای ما اهل بیت برگزید و دنیا را برایمان نپسندید. سپس به ابن عباس رو کردند و فرمودند: سرآغاز نابودی بنی امیه - و پس از آنکه ده نفر از آنها به حکومت می‌رسند - بردست فرزندان توست، پس آنان از خدا بترسند و مراقب عترت و فرزندان من باشند.

چرا که دنیا برای هیچ کسی پیش از ما و پس از ما بقا نداشته و نخواهد داشت. دولت ما آخرین دولت هاست. [در آن روزگار] هر روزی دوروز خواهد بود و هر سالی دوسال. آن کسی که زمین را همان گونه که از جور و ستم پر شده از عدل و داد می‌آکند، از ماست.»

منصور ادعا کرد پسرش مهدی موعود است!

عباسیان به این ادعا بسنده نکردند که پرچم‌های خراسان را - که برای یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه وعده داده شده - بیرق‌های انقلاب خود معرفی کنند، و نیز به احادیث دروغینی که جعل کردند و در آن چنین جلوه دادند که رسول گرامی صلی الله علیه و آله به عباس بشارت داده است که حکومت تا زمان خروج دجال در میان فرزندان اوست، اکتفا نکردند!

بلکه منصور پس از آنکه محمد بن عبدالله - که حسنین مدعی مهدویت او بودند - و برادرش ابراهیم را کشت، بر آن شد تا پسرش محمد بن عبدالله را مهدی موعود معرفی کند!

ذهبی در تاریخ الاسلام ۹/ ۴۹ نقشه‌ی منصور و اجبار برادرش عیسی را براینکه خود را از خلافت خلع کند، چنین وصف می‌کند: «سفاح به هنگام احتضار خلافت را به منصور و پس از وی به عیسی سپرد. منصور هم با ملاطفت و نرمی با برادرش سخن گفت تا او را به کناره گیری از قدرت وادارد. عیسی در پاسخ گفت: سوگندها و پیمان‌هایی را که برگردن من و مسلمین است چه کنم؟

وقتی منصور دید برادرش از کناره گیری امتناع می‌کند، از او روگردان شد. وی در مجالس مهدی را بر عیسی مقدم می‌داشت. آنگاه بر آن شد تا در خانه‌ی عیسی گودالی حفر کند که

وی در آن بیفتد و به هلاکت برسد. اما او مراقب بود. پس از مدتی بیمار شد، حتی می‌گویند: منصور او را مسموم کرد. عیسی برای رفتن به کوفه برای معالجه از برادر اجازه گرفت. کسی که او را بدین سفر ترغیب نمود، طبیب او بختیشوع بود. او گفت: به خدا سوگند جرأت مداوای تو را ندارم و بر جان خود ایمن نیستم. منصور به وی اجازه‌ی رفتن به کوفه را داد. بیماری عیسی تا آنجا پیش رفت که موی سرش ریخت. ولی پس از مدتی بهبودی یافت. پسرش موسی به علت خوف بر جان خود و پدرش تلاش کرد تا پدر را بر اطاعت منصور وادارد و در این راستا حيله‌ای اتخاذ کرد. موسی به منصور گفت: در حضور پدرم فرمان بده که اگر کناره‌گیری نکند، مرا خفه کنند! منصور هم کسی را برای انجام این کار فرستاد. عیسی چون این را دید فریاد زد و خود را از قدرت خلع نمود و گفت: این دست من است و با مهدی بیعت می‌کنم.^۱

و بدین ترتیب منصور به مقصود خویش نائل شد و برادرش از قدرت کناره‌گیری کرد. او در قصر رصافه که آن را مخصوص مهدی بنا کرده بود، مجلسی تشکیل داد و فقها و قضاة را حاضر کرد. آنان هم آمدند و با ولی عهد او مهدی منتظر (!) بیعت کردند.

ابن عساکر در ۹/ ۴۸ می‌نویسد: «منصور برای مردم سخنرانی کرد و ماجرای عیسی و رضایت او به مقدم داشتن مهدی در ولایت عهدی را بیان نمود. عیسی نیز سخن گفت و خلافت را تسلیم مهدی نمود. مردم هم با مهدی و بعد از مرگ او با عیسی بیعت کردند.»

الاغانی ۳۱۳/۱۳ از فضل بن ایاس هذلی کوفی: «منصور در صدد آن بود که برای مهدی بیعت بگیرد، ولی پسرش جعفر به این کار اعتراض داشت. منصور فرمان داد تا مردم اجتماع کنند و به دنبال آن سخنرانان به سخنرانی پرداختند. شاعران نیز در وصف مهدی و فضائل او سروده‌های خود را ارائه کردند و از جمله‌ی آنان مطیع بن ایاس بود. مطیع پس از سخنرانی و شعر خوانی به منصور رو کرد و گفت: یا امیرالمؤمنین! فلانی از فلانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که گفتند: مهدی که محمد بن عبدالله است از ماست و مادر او از غیر ما، او زمین را که پرازستم شده پراز عدالت خواهد کرد. و این عباس بن محمد برادرت نیز بر

۱. و نیز الآداب السلطانية ابن طلقی ۱۱۹/

این سخن گواهی می دهد. آنگاه به عباس رو کرد و گفت: تو را به خدا قسم می دهم، آیا این حدیث را شنیده ای؟ او هم از ترس منصور پاسخ مثبت داد!

سپس منصور مردم را به بیعت با مهدی امر کرد. وقتی مجلس به پایان رسید، عباس بن محمد که چنان شوکه بود که گویا در آنجا حضور نداشت گفت: آیا این زندیق را دیدید که بر خدای عزوجل و رسولش دروغ بست و مرا نیز به گواهی گرفت، من هم از ترس منصور شهادت دادم و همه ی کسانی که حضور داشتند مرا تکذیب کردند؟!

این خبر به جعفر پسر منصور رسید، او هم مطیع را - که خادم و بسیار نزدیک به او بود - از خود راند.

جعفر بسیار شوخ طبع بود، وقتی شنید مطیع چنین کاری کرده است، خشمگین شد و بیعت با محمد برایش گران آمد، پس عورت خود را بیرون آورد و سخن رکیکی گفت که از نقل آن خودداری می کنیم.^۱

ولیکن بعدها دیدند که این مهدی نه تنها قرار نیست ظلم و ستم را از زمین محو سازد، بلکه با فسق و فجوری که خود دارد آن را می گستراند! نه تنها بدون شمارش بخشش می کند، بلکه اموال مسلمین را مصادره کرده موجب فقر و بیچارگی آنان می شود! می نویسند: «او می گسار، نی نواز و خونریز بوده است و دختری آوازه خوان و موسیقی دان از خود به جا می گذارد که علّیه عباسی نام دارد».^۲

مهدی شیفته ی کبوتربازی بود، به همین خاطر راویان دربار به حدیث نبوی: «شرط بندی تنها در تیراندازی، شترسواری و اسب دوانی است»، قسم چهارمی که پرنده بازی باشد را افزودند و او هم به راوی آن کیسه ای طلا بخشید!^۳

وی زورگو و خونریز بود و مردی را به خاطر نقل حدیثی از اعمش به قتل رساند.^۴ او در خواب دید

۱. برای آگاهی بیشتر از زشت کرداری ها و تحریفات آنها رک به تاریخ طبری ۲۶۹/۶، تاریخ یعقوبی ۳۹۵/۲، المعارف ابن قتیبه ۳۷۹، البدایة و النهایة ۱۱۱/۱۰، سمط النجوم ۱۰۹۴، شذرات الذهب ۲۱۹/۱، العبر ذهبی ۲۰۷/۱، التحفة اللطيفة ۲۶/۲ و المنار المنيف ۱۴۹

۲. خزانة الادب ۱۱ / ۲۱۷

۳. مجموعة الرسائل صافی ۲ / ۴۲۴

۴. الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ ۸۸ / ۱

که چهره‌اش سیاه است، و در پی آن دختری برایش زاده شد، و در بیداری چنین شد!^۱
او به دنبال فرصتی بود تا عیسی پسر عموی پدر و ولی عهد خود را از بین برد، همو که خود را
از قدرت خلع کرده بود، در نتیجه او را به هلاکت رساند و پسرش موسی را ولی عهد خود کرد.^۲
او زمام امور دولت را به همسرش خیزران سپرد^۳، و در جبال ایران شهر سیروان را بنا کرد و در همان
جا مرد و مدفون شد.^۴

وی ده سال حکومت کرد و در سال ۱۶۹ در سن ۴۳ سالگی مرد.^۵

از این رو نواصب مجبور شدند اعتراف کنند به اینکه او مهدی موعود نبوده است!^۶

۱۱. هارون الرشید به دروغ پدر و جدش اعتراف می‌کند!

اعلام الوری / ۳۶۵ از سلیمان بن اسحاق بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس آورده است:
«پدرم برایم نقل کرد: روزی نزد رشید بودم که سخن از مهدی و عدالتش به میان آمد و در این
باره بسیار سخن گفته شد. او گفت: گمان می‌کنم شما می‌پندارید او پدر من مهدی است!
او از پدرش از پدر بزرگش از ابن عباس از عباس برایم روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او
فرمودند: ای عمو! از نسل من دوازده خلیفه خواهند بود، آنگاه اموری زشت، سخت و دشوار
جلوه خواهد کرد، سپس مهدی از فرزندان من قیام می‌کند و خداوند در یک شب امر او را
مهیا می‌سازد. او زمین را - همان سان که از ظلم آکنده شده - از عدالت پر خواهد نمود. و هر
آن مقدار که خدا بخواهد در زمین درنگ خواهد کرد، آنگاه دجال خروج می‌کند.»^۷

۱. الکنی و الألقاب / ۱ / ۳۱۹

۲. تهذیب المقال / ۲ / ۳۲۰

۳. تاریخ طبری / ۳ / ۴۶۶

۴. صبح الاعشی / ۴ / ۳۶۸

۵. الاخبار الطوال / ۳۸۶

۶. منهاج السنة / ۴ / ۹۸ و البدایة و النهایة / ۶ / ۲۷۷

۷. و نیز مناقب ابن شهر آشوب / ۱ / ۲۹۲ و العدد القویة / ۸۹

۱۲. اندکی پیش از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه، دوازده دروغ پرداز ادّاعای مهدویت می کنند

شیخ مفید رحمه الله در ارشاد / ۳۵۸ از ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام: «قائم خروج نمی کند، مگر آنکه پیش از او دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند که همگی مردم را به سوی خود می خوانند.»^۱
کافی / ۲۳۸/۱ و غیبت نعمانی / ۱۵۱ از آن حضرت چنین روایت می کنند: «دوازده پرچم مشتبّه برافراشته خواهند شد که از یکدیگر قابل تشخیص نیستند! مفضل گوید: من گریستم.
امام علیه السلام فرمودند: ای ابا عبدالله! چرا گریه می کنی؟ عرضه داشتم: چرا گریه نکنم و حال آنکه شما می فرمایید: دوازده پرچم که از یکدیگر قابل تمییز نیستند، برافراشته خواهند شد؟
[در چنین وضعیتی] ما چه کنیم؟

امام علیه السلام به [نور] خورشید که داخل اتاق شده بود نگریسته فرمودند: ای ابا عبدالله!
این خورشید را می بینی؟ گفتم: آری، فرمودند: به خدا سوگند امر [امامت و حقانیت] ما از
این خورشید روشن تر است.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

الفتن / ۲۹۱/۱ نقل می کند: «سپس مهدی به طرف عراق می رود. پیش از آن، دوازده پرچم در
کوفه برافراشته می شود که صاحبان آنها معروف هستند. مردی از فرزندان حسن یا حسین که
به پدرش دعوت می کند، در کوفه کشته می شود.»

۱۳. حذف نسب امام عصر عجل الله تعالی فرجه از کتاب الفتوحات المکیة!

از جمله تحریفاتی که رخ داده است، تحریف در الفتوحات المکیة ابن عربی است.
تعدادی از منابع تصریح وی را بر نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و اینکه ایشان فرزند امام
حسن عسکری علیه السلام و نیز از نسل امیرالمؤمنین و صدیقه ی طاهره علیها السلام است نقل کرده اند،
ولیکن نواصب آن را در چاپ های کتاب حذف کرده اند!

در الزام الناصب / ۱۹۲/۱ می نویسد: «محبی الدین بن عربی در باب سیصد و شصت و شش
فتوحات می گوید: بدانید که البته مهدی خروج خواهد کرد. اما خروج نمی کند مگر بعد از

۱. و نیز غیبت شیخ طوسی / ۲۶۷ و الخرائج و الجرائح / ۱۱۶۲/۳

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
 یاران
 ابدال
 یاری‌فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت‌گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

آنکه ظلم و جور در زمین فراگیر شود، پس او می‌آید و آن را از داد و عدل آکنده می‌سازد. اگر تنها یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خدا آن را چنان طولانی می‌گرداند تا او به خلافت رسد. او از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل فاطمه است. جدّ او حسین بن علی بن ابی طالب است و پدرش حسن عسکری پسر امام علی النقی پسر امام محمد تقی پسر امام علی الرضا پسر موسی الکاظم پسر امام جعفر صادق پسر امام محمد باقر پسر امام زین العابدین علی پسر امام حسین بن علی بن ابی طالب است و نامش مشابه نام رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

مسلمانان بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. او در هیئت و ظاهر شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله است ولی در اخلاق از ایشان پایین‌تر است، زیرا کسی در اخلاق مانند ایشان نخواهد بود، خداوند تعالی می‌گوید: **وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ**^۱، و راستی که تو اخلاقی والا داری.

پیشانی او بلند است و بینی‌اش برجستگی دارد. اهل کوفه بیشترین یاری را به او می‌رسانند. او مال را به تساوی قسمت می‌کند و در میان رعیت به عدالت رفتار خواهد نمود. خضر در مقابل او راه می‌رود. او پنج، هفت و یا نه سال زندگی خواهد کرد. شیوه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله را پیروی می‌کند و از آن تخطّی نمی‌نماید.

او فرشته‌ای دارد که به او کمک می‌کند، ولی آن را نمی‌بیند. روم را به همراه هفتاد هزار مسلمان با تکبیر فتح خواهد نمود. خدا اسلام را پس از آنکه به ذلّت دچار شده، به وسیله‌ی او عزّت خواهد بخشید و بعد از آنکه مرده است، زنده خواهد کرد.

او جزیه تعیین، و با شمشیر به خدا دعوت می‌کند. هر که ابا کند کشته می‌شود و هر که به نزاع بپردازد، تنها و بدون یاور می‌ماند. او به دینی به دور از آراء حکم می‌نماید.»

این در حالی است که در فتوحاتی که هم اکنون موجود است چنین آمده است، در ۳/۲۷ آمده است: «بدان - خداوند ما را تأیید کند - که خدا خلیفه‌ای دارد که وقتی زمین پر از ستم و جور شده، قیام می‌کند و آن را از عدل و داد مملو می‌سازد. اگر تنها یک روز از دنیا باقی مانده باشد، چنان آن را طولانی خواهد کرد تا این خلیفه که از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه است به حکومت رسد.

نام او شبیه نام پیامبر ﷺ است و جدّ او حسین بن علی بن ابی طالب. بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. او در ظاهر به پیامبر شبیه است، ولی در خلق و خواز ایشان پایین‌تر است، زیرا کسی در اخلاق مانند ایشان نخواهد بود، خداوند تعالی می‌گوید: **وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ**.

پیشانی‌اش بلند است و بینی‌اش برجستگی دارد. اهل کوفه بیشترین یاری را به او می‌رسانند. او مال را به تساوی قسمت می‌کند و در میان رعیت به عدالت رفتار خواهد نمود و اختلافات را فیصله خواهد داد.

مردی نزد او می‌آید و می‌گوید: به من مالی بده، او هم که اموال را مقابل خود دارد، آن مقداری که او می‌تواند با خود حمل کند، در لباسش می‌ریزد.

او در برهه‌ای قیام می‌کند که دین ضعیف شده است. خدا به دست او آنچه را که به وسیله‌ی قرآن اصلاح نکرده، اصلاح می‌کند. شخصی که جاهل، بخیل و ترسوست، توسط خدا در یک شب اصلاح می‌شود و به داناترین، سخی‌ترین و شجاع‌ترین مردم مبدّل می‌گردد.

نصرت در مقابل او راه می‌رود. پنج، هفت و یا نه سال زندگی خواهد کرد. شیوه‌ی رسول خدا ﷺ را پیروی می‌کند و از آن تخطی نمی‌نماید. او ناتوان را حمل می‌کند و ضعیف را در راه حق تقویت می‌کند. او از میهمان پذیرایی می‌کند و مصیبت دیدگانی را که در راه خدا مصیبت دیده‌اند، یاری می‌رساند. به سخن خود عمل می‌کند، آنچه را می‌داند می‌گوید، و آنچه را می‌بیند می‌داند.

روم را در کنار هفتاد هزار نفر از فرزندان اسحاق با تکبیر فتح خواهد نمود. حماسه‌ی بزرگ را که میهمانی خدا در عکا باشد، درک خواهد کرد.

ظلم و ظالم را از بین می‌برد، دین را برپا می‌دارد، در اسلام روح می‌دمد و آن را پس از ذلّت و مرگ، عزّت می‌بخشد و زنده می‌گرداند. جزیه تعیین می‌کند و با شمشیر به سوی خدا فرا می‌خواند. هر که ابا کند کشته می‌شود و هر که نزاع نماید، تنها و بدون یاور خواهد ماند. او حقائق دین را - آنچنان که اگر رسول خدا زنده بود، انجام می‌داد - آشکار خواهد نمود.

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
تحریر بشارت‌ها
 اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
 منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

مذاهب را از روی زمین بر خواهد چید، و تنها دین خالص باقی خواهد ماند. دشمنان او کسانی هستند که احکام او را مخالف احکام رهبران خود می‌بینند، ولی با ناخوشنودی و از ترس شمشیر و غضب او، و از سر طمع، به حکم او در می‌آیند. عموم مسلمانان بیش از خواص آنها از وجود او مسرورند. عارفان به خدا به جهت شناختی که خدا از او به آنان می‌دهد با او بیعت می‌کنند.

او مردانی الهی دارد که دعوت او را اقامه می‌کنند و او را یاری می‌رسانند. آنان وزیرانی هستند که بارهای مملکت را به دوش می‌کشند و او را در مأموریت الهی یاری می‌کنند. عیسی بن مریم برای او در کنار مناره‌ی سفیدی که در شرق دمشق است، در حالی که دو جامه‌ی زرد در بردارد و بر دو فرشته تکیه داده است، فرود می‌آید. از سر او مانند پیمانه‌ای که فرو می‌ریزد، آب می‌ریزد، گویا از حَمَام آمده است. مردم می‌خواهند نماز عصر را بخوانند که امام برای او از جای خود کنار می‌رود. پس او جلو آمده بر آنان به سنت محمد نماز می‌گزارد. او صلیب‌ها را در هم می‌شکند و خوک‌ها را می‌کشد. خداوند مهدی را پاک و مطهر قبض روح می‌کند.

در زمان او سفیانی در کنار درختی در غوطه‌ی دمشق^۱ کشته می‌شود، و لشکراو در بیابانی بین مدینه و مکه به زمین فرو می‌روند. چنان که تنها یک نفر از آنها باقی می‌ماند که از جهینه است. این لشکر سه روز مدینه را برای خود مباح کرده بودند و بعد از آن به سمت مکه می‌رفتند که به این بلاد چار می‌شوند. هر کسی که او را به همراهی با این لشکر مجبور کرده بودند، با همان نیت که داشته محشور می‌شود.

قرآن حاکم است و شمشیر نابودگر، لذا در روایتی وارد شده است: خداوند به وسیله‌ی سلطان آنچه را که به وسیله‌ی قرآن اصلاح نکرده اصلاح می‌نماید.

وَعَيْنُ إِمَامِ الْعَالَمِينَ فَقِيدٌ	أَلَا إِنَّ خَتَمَ الْأَوْلِيَاءِ شَهِيدٌ
هُوَ الصَّارِمُ الْهِنْدِيُّ حِينَ يَبِيدُ	هُوَ السَّيِّدُ الْمُهْدِيُّ مِنْ آلِ أَحْمَدَ
هُوَ الْوَابِلُ الْوَسْمِيُّ حِينَ يَجُودُ	هُوَ الشَّمْسُ يَجْلُوكُلُ غَمَ وَظَلْمَةِ

۱. منطقه‌ای پر آب و دارای درختان فراوان.

بدانید که آخرین اولیاء گواه است و امام جهانیان در میان نیست.
او آقا و مهدی از خاندان احمد و شمشیر هندی است، آن هنگام که نابود می‌سازد.
او خورشید است و هراندوه و ظلمتی را از میان می‌برد، او باران بهاری است هنگامی که
می‌بارد.»

فصل نهم

اوصاف امام عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

برخی اوصاف جسمی و معنوی امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

۱. پیشانی او بلند است. بینی اش برجستگی دارد و دندان هایش فاصله

سنن ابوداود ۴ / ۱۰۷ از ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مهدی از من است. پیشانی او بلند است و بینی اش برجستگی دارد. او زمین را همانسان که پراز ستم و جفا شده است، از عدل و داد آکنده می سازد، و هفت سال حکومت خواهد کرد.»^۲

مسند احمد ۳ / ۱۷ از ابوسعید از پیامبر صلی الله علیه و آله: «قیامت به پا نمی شود مگر پس از آنکه مردی از اهل بیت من به حکومت رسد. پیشانی او بلند است و بینی اش برجستگی دارد. او زمین را از عدالت مملومی سازد، همان گونه که پیش از آن از ستم پر شده است، و این هفت سال خواهد بود.»

مسند ابویعلی ۲ / ۳۶۷ از همو چنین نقل می کند: «از میان اهل بیتم کسی در این امت قیام خواهد کرد که پیشانی اش بلند است و بینی اش برجستگی دارد. او عدالت را در زمین می گسترده، چنان که از جفا و بیداد آکنده شده است.»

الدر المنثور ۶ / ۵۷ می نویسد: «احمد و ابوداود از ابوسعید از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کنند...»

سنن الدانی / ۹۴ از همو روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخرالزمان مردی جوان و خوش سیما که پیشانی اش بلند است و بینی اش برجستگی دارد، از عترت من قیام می کند. او زمین را که قبل از او از ستم و ظلم پر شده، از داد و عدل آکنده خواهد ساخت، و هفت سال حکومت خواهد کرد.»^۳

المستدرک ۴ / ۵۵۷ از ابوسعید خدری نقل می کند - و آن را بنا بر شرط مسلم صحیح می شمارد - که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از ما اهل بیت است. بینی اش برجستگی دارد و پیشانی اش بلند است. او به این مقدار زندگی می کند - و دست چپ خود را باز کردند و به همراه دو

۱. هم چنان که در ادامه در متن می آید، در مورد اوصافی که در روایات غیر شیعی برای حضرت مهدی علیه السلام آمده است،

می بایست احتیاط نمود و وسواس به خرج داد. م

۲. و نیز الفتن ۱ / ۳۶۹ و ۳۷۳ و المصنف عبدالرزاق ۱۱ / ۳۷۲

۳. و نیز السنن فی الفتن ۵ / ۱۰۳۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

انگشت مسبّحه [سبّابه] و ابهام نشان دادند [یعنی هفت سال] -»^۱

الفتن ۱ / ۳۷۳ از ابوسعید از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مهدی پیشانی‌اش بلند است و بینی‌اش برجستگی دارد.»^۲

الفردوس ۴ / ۲۲۱ از حدیفه از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مهدی مردی است از فرزندان من، چهره‌ی او مانند ماهِ درخشان است، رنگ او رنگ عربی^۳ است و اندام او اسرائیلی^۴. او زمین را پراز داد خواهد ساخت، همان‌طور که از ستم پر شده است. اهل آسمان و زمین و [حتی] پرنده در آسمان از خلافت او رضایت‌مند خواهند بود. او بیست سال حکومت خواهد داشت.»
در منابع ما شیعیان نیز طبری امامی روایاتی را که ابو یعلی و احمد از ابوسعید آورده‌اند، نقل می‌کند.^۵

۲. او مسن است. ولی جوان جلوه می‌کند و مرور روزگاران او را پیر نخواهد کرد

کمال الدین ۲ / ۶۵۲ از ابو الصلت هروی نقل می‌کند: «از امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره‌ی نشانه‌های قائم به هنگام قیام پرسیدم و ایشان فرمودند: علامت او این است که مسن است ولی جوان جلوه می‌کند، کسی که او را می‌نگرد چهل ساله و حوالی آن تخمین می‌زند. از علامات ظهور او آن است که با گذر روزها و شب‌ها پیر نمی‌شود، تا آنکه اجل فرارسد.»
غیبت نعمانی / ۱۸۸ و ۲۱۱ از علی بن ابی حمزه از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین نقل می‌کند: «چون قائم قیام کند، مردمان او را نخواهند پذیرفت، چون جوان و شاداب می‌آید. تنها کسانی که خدا در عالم دژ نخستین از آنها میثاق گرفته است بر اعتقاد به او خواهند بود.

۱. و نیز معالم السنن ۴ / ۳۴۴ و ...

۲. مشابه آن در المصنف عبدالرزاق ۱۱ / ۳۷۲

۳. یعنی گندمگون یا سفید است، و در اوصاف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده که رنگ ایشان رنگ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، یعنی سفید مایل به سرخ.

۴. بلند قامت و پُر، مانند بنی اسرائیل و فرزندان یعقوب نبی عجل الله تعالی فرجه الشریف. نسل حضرت ابراهیم عجل الله تعالی فرجه الشریف که از جمله‌ی آنها بنی اسرائیل‌اند، به درستی اندام و زیبارویی معروف بوده‌اند، لذا اوصاف حضرت ابراهیم عجل الله تعالی فرجه الشریف در امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بروز می‌کند.

۵. دلائل الامامة / ۲۵۱ و ۲۵۸ و البته این روایت نیز از طریق راویان شیعی نرسیده است. م

در روایتی دیگر ایشان فرمودند: بالاترین گرفتاری آن است که امامشان به صورت جوان می آید و حال آنکه او را پیرمرد می انگاشتند.^۱

۳. سفید مایل به سرخی

کمال الدین ۶۵۳/۲ روایت می کند که حضرت امیر علیه السلام بر منبر فرمودند: «در آخرالزمان مردی از فرزندان من قیام می کند. او سفید مایل به سرخی است، ... ران هایی ستبر دارد، استخوان های شانۀ اش بزرگ است، در پشت خود دو خال دارد که یکی به رنگ پوست اوست و دیگری مانند خال پیامبر صلی الله علیه و آله».

او دو نام دارد: یکی پنهان و دیگری آشکار. آنکه پنهان است احمد و آنکه آشکار است محمد. چون پرچمش را به اهتزاز درآرد، میان مشرق و مغرب را روشن می کند. او دستش را بر روی سربندگان می گذارد و به دنبال آن هیچ مؤمنی نخواهد بود مگر آنکه دلش از پاره ی آهن سخت تر می شود و خدا بدو نیروی چهل مرد می دهد. هیچ مرده ای نخواهد بود مگر آنکه سرور این امر به قبرش وارد می شود. آنان در قبرها با هم دیدار می کنند و به قیام قائم علیه السلام بشارت می دهند.^۲

۴. چشمان او گود، ابروانش برآمده و میان دوشانه اش عریض است

غیبت نعمانی / ۲۱۵ از حمران بن اعین نقل می کند: «به امام باقر علیه السلام گفتم: فدایتان کردم، من بر کمر خود کیسه ای که در آن هزار دینار بود بسته و وارد مدینه شدم، و با خدا عهد کرده بودم که دینار دینار آن را بر در خانه ی شما انفاق کنم، مگر آنکه سؤال را پاسخ دهید! امام علیه السلام فرمودند: پیرس و پاسخ بگیر، و دینارهایت را انفاق نکن. عرضه داشتم: شما را به خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله قسم می دهم، آیا صاحب الامر و قائم شما هستید؟ فرمودند: نه. گفتم: پدر و مادرم فدایت، او کیست؟ ایشان فرمودند: او به سرخی مایل،

۱. عقد الدرر / ۴۱ و منتخب الانوار / ۱۸۸ و نیز رک به غیبت شیخ طوسی / ۲۵۹

۲. و نیز اعلام الوری / ۴۳۴، الخرائج و الجرائح / ۳ / ۱۱۹، اثبات الهداة / ۳ / ۴۹۰ و بحار الانوار / ۵۱ / ۳۵

چشمانش گود، ابروانش برآمده، میان دو شانه‌اش عریض است...»

ایشان در ادامه روایتی دیگر را نقل می‌کند: «حمران گوید: از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم: شما قائم هستید؟ فرمودند: از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله هستیم، و خواهان [انتقام و] خون، و خداوند هر آنچه را بخواهد انجام می‌دهد. سؤال را تکرار کردم و ایشان فرمودند: می‌دانم مقصودت چیست، آنکه درباره‌اش می‌پرسی...»

۵. نام او نام من است و شمائل او شمائل من

کمال الدین ۲ / ۴۱۱ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمودند: «قائم از فرزندان من، همانم و کنیه‌ی من است. شمائل مرا دارد و سنت مرا به اجرا می‌گذارد. او مردمان را بر ملت و شریعت من وامی‌دارد و به کتاب خدای عزوجل دعوت می‌کند. هر که فرمان او برد، از من اطاعت کرده است، هر کس او را عصیان کند، مرا عصیان نموده است، هر که او را در غیبتش انکار کند، مرا انکار کرده است، هر کس او را تکذیب نماید، مرا تکذیب کرده و هر که تصدیق او کند، مرا تصدیق کرده است.

از کسانی که مرا درباره‌ی او تکذیب می‌کنند، سخن مرا درباره‌ی او منکر می‌شوند، و امتم را از راهش گمراه می‌کنند، به خدا شکایت می‌کنم وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه بر خواهند گشت.»

این دست احادیث و سایر روایات از شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رسول خدا صلی الله علیه و آله در ظاهر و خلق و خوی حکایت دارند، و نیز اینکه از سنت آن حضرت پیروی می‌کند و اسلام و قرآن را زنده می‌گرداند و نور آن را منتشر می‌سازد.

۶. سیره‌ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پوشاک

کافی ۱ / ۴۱۱ و ۶ / ۴۴۴ از حماد بن عثمان نقل می‌کند: «در حضور امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف بودم

۱. شاید مقصود خون امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. م

۲. سوره‌ی شعراء / ۲۲۷

که مردی خدمت ایشان عرض کرد: خداوند امور شما را سامان دهد، شما می گفتید که علی بن ابی طالب (علیه السلام) لباس خشن در بر می کرد، او جامه ای چهار درهمی - و یا حدود همین قیمت ها - را می پوشید، اما شما لباس جدید می پوشید؟!

امام (علیه السلام) فرمودند: همانا علی بن ابی طالب (علیه السلام) آن لباس را در زمانی می پوشید که براو خرده نمی گرفتند، و اگر امروز چنان لباسی را در بر می کرد، بدان مشهور [وانگشت نما] می شد. بهترین لباس در هر زمانی لباس اهل آن زمان است. جز آنکه هنگامی که قائم ما اهل بیت قیام کند، لباس امیرالمؤمنین (علیه السلام) را خواهد پوشید و به سیره ی ایشان رفتار خواهد کرد.»

تحف العقول / ۴۴۶ روایت می کند: «معمربن خلاد به امام رضا (علیه السلام) گفت: خداوند فرج شما را نزدیک گرداند. ایشان فرمودند: ای معمربن خلاد! آن فرج [که به دنبال آسایش و رفاه در آن هستی] فرج شما خواهد بود، اما من - به خدا قسم - توشه دانی که در آن یک کف دست آرد هست و مهر شده، خواهم داشت.»

این سخن بدان معناست که وقتی ما به حکومت برسیم، رفاه و تنعم برای شماست، اما ما با فقراء هم سان خواهیم زیست و طعام من بسان نادرترین مردم خواهد بود، چونان حضرت امیر (علیه السلام).

۷. این وصف: «بین دوران او فاصله است» برای آن حضرت ثابت نیست

شرح نهج البلاغة ۱/ ۲۸۱ از اسماعیل بن عباد از حضرت امیر (علیه السلام): «ایشان مهدی را یاد کردند، او را از نسل امام حسین (علیه السلام) معرفی نمودند و اوصافش را برشمردند: مردی است که پیشانی اش بلند است و بینی اش برجستگی دارد... بین دوران او فاصله است، دندان هایش فاصله و در ران راست او خالی قرار دارد.

وی در ادامه می گوید: همین حدیث را ابن قتیبه در غریب الحدیث آورده است.»^۱

غیبت نعمانی / ۲۱۴ از ابووائل نقل می کند: «امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امام حسین (علیه السلام) نگرست و فرمود: این پسر سید و آقا است، هم چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را نامید، و خداوند از نسل او مردی را خواهد آورد که به نام پیامبران است و در خلقت و اخلاق شبیه اوست.

۱. و نیز همان ۱۹/ ۱۳۰، غریب الحدیث ابن جوزی ۱/ ۴۴۹، النهایة ۲/ ۳۲۵ و الحاوی ۲/ ۸۵.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

او به هنگام غفلت مردم، مردن حق و آشکار شدن جور قیام می‌کند. به خدا سوگند اگر قیام نکند گردنش زده می‌شود. با خروج او اهل آسمان و ساکنان آن مسرور می‌شوند. او مردی است که پیشانی‌اش بلند است و بینی‌اش برجستگی دارد، ... بین دوران او فاصله است، در ران راست او خالی وجود دارد و دندان‌هایش از یکدیگر فاصله دارند. او زمین را از عدالت پرمی‌کند، همان سان که از ستم و بیداد آکنده شده است.^۱

نگارنده: این صفت از طریق اهل بیت علیهم‌السلام نرسیده است، و این روایت که از حضرت امیر علیه‌السلام منقول است، به روایانی غیر شیعی منتهی می‌شود. مادر بیان اوصافی که از معصومین علیهم‌السلام نرسیده، می‌بایستی احتیاط کنیم، زیرا ممکن است آن را برای انطباق بر شخصی که ادعای مهدویت کرده است، جعل کرده باشند. البته در کمال الدین ۲ / ۶۵۳ از امام باقر علیه‌السلام وارد شده است: «ران‌های او عریض است»، ولی عریض که به معنای درشتی است، چیزی غیر از فاصله دار بودن آنهاست و به شخصی که دچار آن باشد افحج گویند. این حالت حاکی از خللی در ران‌هاست که در راه رفتن و رکوع و سجود تأثیر می‌گذارد.

درباره‌ی عمر گفته‌اند که وی افحج بوده است. طبری در تفسیر خود ۲ / ۷۹۴ می‌نویسد: «عمر نماز می‌خواند و دو نفر یهودی پشت سر او بودند. هنگامی که وی می‌خواست رکوع کند، به طور طبیعی قادر به انجام آن نبود. یکی از آن دو به دیگری گفت: این همان است؟ وقتی عمر از نماز فارغ شد گفت: سخن شما را شنیدم. آن دو گفتند: ما در کتاب خود خوانده‌ایم که مردی آهنین خواهد آمد که قدرت برزنده کردن مردگان را - که حزقیل به اذن خدا داشت - به او می‌دهند.»

حال این حالت فاصله دار بودن یا همان فحج است^۲ که گذشت و یا چیزی شبیه به آن.^۳

از آنجا که این حالت عیب به حساب می‌آید، در معصوم علیه‌السلام نخواهد بود.

۱. و نیز رک به غیبت شیخ طوسی / ۱۱۵، العمدۃ / ۴۳۴ از الجمع بین الصحاح، الطرائف ۱ / ۱۷۷ از همان کتاب، الملاحم و الفتن / ۱۴۴ و اثبات الهداة ۳ / ۵۵۵

۲. الفائق ۱ / ۲۰۰

۳. لسان العرب ۱۱ / ۳۱۷

۱. رأی را تابع قرآن قرار می دهد. آن هنگام که قرآن را تابع رأی خود قرار می دهند

نهج البلاغة عبده ۲۱/۲ و ۳۶/۴: «او خواهش نفسانی را به هدایت بازمی گرداند، و آن هنگامی است که مردم هدایت را تابع هوی ساخته اند، و رأی [آنان] را پیرو قرآن خواهد کرد، و این زمانی است که قرآن را تابع رأی [خود] کرده اند. تا آنکه آتش جنگ میان شما افروخته شود، دندان هایش را بنمایاند، پستانهایش پراز شیر است، مکیدن آن شیرین است، اما پایان آن تلخ و زهرآگین.

آگاه باشید فردا - که آنچه را نمی شناسید با خود خواهد آورد - فرمانروایی که از این طایفه [امویان] نیست، عاملان حکومت را به جرم کردار زشتشان دستگیر کند. زمین گنجینه های خود را برایش بیرون آورد و کلیدهای خویش را تسلیم او سازد.

پس اوروش عادلانه را به شما بنماید و کتاب و سنت را که مرده اند زنده گرداند.»^۱

نهج البلاغة صبحی صالح ۲۰۸: «برای پیمودن راه های ضلالت، و واگذاردن راههای هدایت به چپ و راست رفتند. پس بدانچه خواهد بود و انتظار آن می رود، شتاب نیارید! و آن را که فردا خواهد آورد، دیرنشمارید. چه بسیار کسانی که به چیزی شتاب دارند که اگر بدان دست یابند، آرزو کنند بدان نرسیده بودند، و چه نزدیک است امروز، به فردایی که سپیده ی آن خواهد دمید. ای مردم وقت آن است که هروعه ای رخ نماید، و آنچه نمی شناسید نزدیک است جلوه کند. هر که از ما [اهل بیت] بدان رسد، با چراغی روشن در آن راه رود، و برجای پای صالحان گام نهد تا بند از گردنی بگشاید، بنده ای را آزاد نماید، جمع [گمراهان] را پراکنده گرداند، و پریشانی [مؤمنان] را به اتفاق مبدل سازد.

او از مردم پنهان است، اثرشناس اثر او را نمی بیند، هر چند پیایی نگاه کند. سپس در آن [نبردها] مردمی چنان خود را آماده کنند، که آهنگر تیغه ی شمشیر را تیز می کند،

دیده هایشان به تنزیل قرآن روشن می شود و در گوش هایشان تفسیر آن خواهد افتاد، و شامگاه و بامداد جام های حکمت نوشانده شوند.»^۱

۲. معدنی اصیل و شخصیتی ربانی

غیبت نعمانی / ۲۱۲ از امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت می کند: «شخصی نزد امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف آمد و گفت: به ما در مورد مهدیتان خبر دهید. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: هنگامی که بسیاری از میان روند [و قرون زیادی بگذرد]، مؤمنان کم شوند، و یاوران دین از بین روند، پس آن زمان است، آن زمان است.

او گفت: یا امیرالمؤمنین! او از کدام دودمان است؟ فرمودند: از بنی هاشم، قلّه ی عرب و دریای سرازیر آنها چون بر آن وارد شوند، پناهگاه آنان هنگامی که مورد هجوم قرار گیرند و معدن زلال آن چون کدر شود.

هنگامی که مرگ آزنند شود، او نهراسد، و چون نزدیک شود، ضعف و سستی از خود نشان ندهد، و هنگامی که پهلوانان درگیر شوند، به عقب نرود.

آستین همت بالا زده، قهار، ظفرمند، شیربیشه، دروکننده [ی ظالمان]، مرد افکن، شجاع، شمشیری از شمشیرهای خدا، بزرگ و سخی است. در اوج شرافت و آقایی رشد کرده و مجد استوار او در گرمای ترین ریشه هاست. پس چیزی - که به سوی فتنه ها بُرد و چون سخن گوید بدترین گوینده است و هنگامی که سکوت کند خباثت و فساد را در [درون] خود دارد - تو را از او باز ندارد.

آنگاه امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دوباره به وصف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته فرمودند: وسیع ترین پناهگاه شماس، بیشترین دانش را دارد و از همه ی شما به رجم بیشتر می رسد.

خدایا! برانگیختن او را رهایی از غم و اندوه قرار ده و به او پراکندگی امت را به اتفاق مبدّل ساز.

پس اگر خداوند برای تو خیر خواست، عزم خود را استوار کن، و اگر به [دیدار] او توفیق

۱. و نیز بحار الانوار / ۵۱ / ۱۱۶

یافتی از او روی مگردان، و چون به سویش رهنمون شدی، از او مگذر، آه - و با دست به سینه شان اشاره کردند که چقدر مشتاق دیدار او هستند ...»

۳. سپر حکمت را در بر دارد و آن را با تمام آداب فرا گرفته است

نهج البلاغه صبحی صالح / ۲۶۳ خطبه‌ی ۱۸۲: «او سپر حکمت را در بر دارد و آن را با تمام آداب - که روی آوردن بدان و شناخت آن و تنها بدان همت گماردن باشد - فرا گرفته است. حکمت گمشده‌ی اوست که به دنبال آن می‌باشد، و حاجتی است که آن را می‌جوید.^۱ چون اسلام غریب و مانند شتری شود که [از فرط خستگی] دم خود را به حرکت در آورد و گردش را به زمین بچسباند، او نیز غریب خواهد شد. او باقی مانده‌ای از حجت‌های باقی مانده‌ی خدا و جانشینی از جانشینان انبیاست.»

ابن ابی‌الحدید در شرح خود ۱۰ / ۹۵ می‌نویسد: «هر گروهی این سخن را بر حسب اعتقاد خود تفسیر می‌کند. شیعیان بر این پندارند که مقصود از آن مهدی منتظر نزد آنهاست. صوفیه گمان می‌کنند که مقصود ولی خدا در زمین است. بنابر اعتقاد صوفیان دنیا از ابدال که چهل نفرند، و اوتاد که هفت نفرند، و قطب که یک نفر است، خالی نخواهد شد. اگر قطب بمیرد، یکی از اوتاد جانشین او خواهد شد، و یکی از ابدال به جای او در اوتاد قرار می‌گیرد و یکی از اولیاء که برگزیده‌ی خداست، به جای او در میان ابدال قرار خواهد گرفت. اما ما خود بر این باوریم که خداوند تعالی امت را از جماعتی از مؤمنین آگاه به عدالت و توحید - که اجماع علماء به اعتبار وجود سخن آنها حجت است، اما از آنجا که آنها را نمی‌توانیم بشناسیم اجماع همه را حجت می‌دانیم - خالی نخواهد گذاشت. اصحاب ما می‌گویند: کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به این دسته از عالمان به این اعتبار که آنان گروه و جماعتی هستند نظر ندارد، بلکه به وصف یک یک آنان اشاره دارد.

۱. این عبارت استعاره‌ی مرشحه است که در آن وصف موافق مستعار منه را می‌آورند، نه مجزده که وصف مستعار له را ذکر می‌کنند، و طلب و جستاری که در این فرموده آمده وصف گمشده و حاجت است، نه وصف مربوط به امام مهدی (علیه السلام)، و مقصود از عبارت فرط شوق و محبت نسبت به حکمت است، رک به منهاج البراعة اثر شارح نهج البلاغه ملا حبیب الله هاشمی خوئی (رحمه الله) ۱۰ / ۳۵۴ م

اما فلاسفه می‌پندارند که مقصود آن حضرت عارف است، آنها در عرفان و اوصاف اهل آن سخنانی دارند که کسی که با اقوال آنها مأنوس باشد، از آن آگاه است.

اما در نظر من بعید نیست که منظور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان باشد، آن هنگامی که خدا او را می‌آفریند. اگرچه الآن موجود نیست، زیرا دلیلی بر وجود او نداریم (!) تمامی فرق مسلمانان اتفاق نظر دارند که دنیا و تکلیف تنها با اوست که به پایان می‌رسد.

اینکه امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: سپر حکمت را در بردارد، بدان معناست که نفس را از هواهای آن و محسوسات جدا ساخته است، چرا که با این کار می‌توان در مقابل تیرهای هوی و هوس آن را نگاهداشت، همان طوری که سپر شخص را از اصاب تیرها نگاه می‌دارد.»

۴. او قرآن را به اجرایی گذارد و همان گونه که نازل شد، به مردم می‌آموزد

کافی ۳۹۶/۸ نقل می‌کند: «مردی خدمت امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمد و گفت: شما اهل بیت رحمت هستید و خداوند شما را بدان اختصاص داده است. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: ما اینچنین هستیم والحمد لله، ما هیچ کس را در گمراهی داخل و از هدایت خارج نمی‌کنیم. دنیا سپری نمی‌شود تا آنکه خدای عزوجل مردی از ما اهل بیت را برانگیزد که به کتاب خدا عمل می‌کند و هیچ منکری را در میان شما نمی‌بیند، مگر آنکه از آن جلوگیری می‌کند.»

ارشاد ۳۶۵ از جابر از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف: «هنگامی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، خیمه‌هایی را برپا خواهد داشت که در آن قرآن را همان گونه که خداوند عزوجل نازل فرموده است، تعلیم خواهد نمود. و بر کسی که امروز آن را از حفظ دارد چه سخت خواهد بود، زیرا با تدوین [کنونی] مخالفت خواهد داشت.»^۱

بصائر الدرجات / ۱۹۳ از سالم بن ابی سلمه روایت می‌کند: «شخصی در حضور امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف قسمتی از قرآن را که مردم اینچنین نمی‌خواندند، قرائت کرد، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به او فرمود: بس است بس است، دست از این قرائت بردار، تا زمانی که قائم قیام کند همانند مردم بخوان. [اما] او چون قیام کند، کتاب خدا را آنچنان که هست، و مصحفی را

۱. و نیز اثبات الهداة ۳ / ۵۵۶

که امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته بودند خواهد آورد.

حضرت امیر علیه السلام هنگامی که از کتابت آن فارغ شد، آن را نزد مردم آورده فرمودند: این کتاب خداست، همان طور که بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد و من آن را در میان دولوح گرد آورده ام، لیکن آنها گفتند: مصحفی که همه ی قرآن در آن است نزد ماست، به آنچه تو آورده ای هیچ نیازی نداریم!

امیرالمؤمنین علیه السلام هم فرمودند: بدانید، به خدا سوگند پس از این روز هرگز آن را نخواهید دید. تنها چیزی که برعهده ی من بود آن بود که چون قرآن را جمع آوری کردم، شما را از آن بیاباگانم تا آن را بخوانید.^۱

غیبت نعمانی / ۳۱۷ از جبهی عنی نقل می کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: گویا می بینم شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه ها برپا کرده اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده است، تعلیم می دهند. بدانید که چون قائم ماقیام کند، آن مسجد را در هم خواهد شکست و قبله ی آن را راست خواهد نمود.»^۲

کافی ۸ / ۲۸۷ از عاصم بن حمید: «امام باقر علیه السلام درباره ی آیه ی: **وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَخُتِلِفَ فِيهِ^۳**، و به حقیقت ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم، پس در مورد آن اختلاف شد، فرمودند: آنان [قوم موسی] همان گونه که این امت درباره ی قرآن دچار اختلاف شدند، اختلاف کردند.

در مورد کتابی که قائم می آورد نیز اختلاف خواهند کرد، و چنان خواهد شد که مردمان بسیاری آن را انکار خواهند نمود، پس ایشان آنان را جلومی آورد و گردن هایشان را می زند.»
نگارنده: مقصود آن است که نسخه ی حضرت امیر علیه السلام از قرآن - که امامان علیهم السلام از یکدیگر ارث می بردند، و در ترتیب آیات با این قرآن تفاوت دارد - را تعلیم آنها خواهند نمود.

احتجاج ۱ / ۱۵۵ از ابوذر روایت می کند: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند، حضرت علی علیه السلام قرآن را جمع کردند و نزد مهاجرو انصار آورده بر آنان عرضه داشتند، و این براساس

۱. و نیز کافی ۲ / ۶۳۳ و اثبات الهداة ۳ / ۴۴۹

۲. و نیز بحار الانوار ۵۲ / ۳۶۴

۳. هود / ۱۱۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود... هنگامی که عمر به خلافت رسید از آن حضرت خواست تا آن قرآن را بیاورد و گفت: یا ابا الحسن! خوب است قرآنی را که نزد ابوبکر آوردی بیاوری تا بر آن گرد آییم.

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: هیئات، راهی بدان نیست، من آن را نزد ابوبکر آوردم تا حجت بر شما تمام شود و روز قیامت نگویید که ما از این غافل بودیم، یا نگویید: تو آن را برای ما نیاوردی. قرآنی که نزد من است را تنها مطهران و اوصیای پس از من لمس خواهند نمود. پس عمر گفت: آیا آشکار شدن آن زمانی مشخص دارد؟ امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: آری، چون قائم از فرزندان من قیام کند، آن را اظهار می‌کند و مردمان را بر آن واخواهد داشت، پس سنت بر اساس آن جریان خواهد یافت.

۵. آواره، رانده، تنها، یگانه و به دور از خانواده!

غیبت نعمانی / ۱۷۸ از عبد الاعلی بن حصین ثعلبی از پدرش نقل می‌کند: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در حج یا عمره دیدم و خدمت ایشان عرض کردم: سنّ من بالا رفته است و استخوانم سست شده، نمی‌دانم پس از این شرفیاب دیدار شما خواهم شد یا نه، پس با من عهده کنید و خبر دهید که فرج چه زمانی است؟ امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: آن آواره، رانده، تنها، یگانه و به دور از خانواده، که پدرش را کشته اند ولی خونخواهی نکرده است، و کنیه‌ی عمویش را دارد، صاحب پرچم‌هاست و همنام پیامبری است.

گفتم: دوباره بفرمایید، پس پوست یا کاغذی را خواستند و برای من در آن نوشتند. «در روایتی دیگر:» فرمودند: آیا به خاطر سپردی یا اینکه برایت بنویسم؟ گفتم: اگر بنویسید، ایشان پوست یا کاغذی خواستند و برای من در آن نوشتند و به من دادند. عبد الاعلی گوید: حصین پدرم آن را به ما نشان داد و برای ما خواند و گفت: این نوشته‌ی امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.»

همان / ۱۷۹ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف: «صاحب این امر، رانده و آواره است، پدرش را کشته اند ولی خونخواهی نکرده است، او هم کنیه‌ی عمویش و جدای از خانواده‌اش است، و همنام

پیامبری است.»

کمال الدین ۱/ ۳۰۳ از اصیغ بن نباته نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «صاحب این امر، آواره، رانده، تنها و یگانه است.»

۶. ابوبرق و موارث پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر انبیاء علیهم السلام را به همراه دارد

غیبت نعمانی / ۳۱۵ از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «قائم از گردنه‌ی ذی طوی در میان کسانی که به تعداد اهل بدر سیصد و سیزده مردند فرود می‌آید، به حجر الاسود تکیه می‌کند و پرچم غالب را به اهتزاز در می‌آورد. علی بن ابی حمزه می‌گوید: من این روایت را برای امام کاظم علیه السلام گفتم و ایشان فرمودند: صفحه‌ای گسترده.»

علامه‌ی مجلسی در بحار ۵۲ / ۳۷۰ پس از نقل این حدیث می‌فرماید: «معنای این جمله‌ی اخیر آن است که این مطلب در صفحه‌ای گسترده است، یا اینکه [امام زمان علیه السلام] با خود صفحه‌ای گسترده و منشور دارد، یا اینکه پرچم او صفحه‌ای گسترده است.»

غیبت نعمانی / ۳۰۷ از ابوبصیر: «امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به مصاف اهل بصره رفتند، پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را گسترده، پس گام‌های دشمنان به لرزه افتاد و هنوز عصر نشده بود که گفتند: ای پسر ابوطالب! امان می‌خواهیم. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اسیران را نکشید و کار مجروحان را یکسره نکنید، و کسی را که پا به فرار گذاشته دنبال نکنید. هر کس سلاح خود را ببندد و هر آنکه در خانه اش را ببندد ایمن است.

هنگامی که نبرد صفین فرا رسید، از ایشان خواستند پرچم را باز کند، اما حضرت ابا کردند. آنان امام حسن و امام حسین علیهما السلام و عمار را واسطه قرار دادند، امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمودند: پسر! این قوم زمانی [مهلت] دارند و بدان می‌رسند، و این پرچم را پس از من تنها قائم علیه السلام است که باز خواهد نمود.»

۷. موارث پیامبران ﷺ

ارشاد / ۲۷۴ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «دانش ما باقی، مکتوب، به صورت کوفتن در قلوب و گوش هاست. نزد ما جفرا حمر، جفرا بیض، مصحف فاطمه علیها السلام و جامعه - که در آن هر چیزی مردمان بدان نیاز دارند - هست.

از ایشان درباره‌ی تفسیر این کلام پرسش شد و فرمودند: باقی دانش نسبت به آن چیزهایی است که رخ خواهد داد، مکتوب دانش به گذشته است، کوفتن در قلب‌ها الهام، و در گوش‌ها سخن فرشتگان است، ما گفتار آنها را می‌شنویم، ولی خودشان را نمی‌بینیم. جفرا حمر ظرفی است که در آن سلاح رسول خدا ﷺ است، و آن را کسی بیرون نمی‌آورد تا قائم ما اهل بیت قیام کند.

جفرا بیض ظرفی است که در آن تورات موسی، انجیل عیسی، زبور داود و کتاب‌های نخستین خداست.

در مصحف فاطمه علیها السلام هم حوادث آینده و اسامی تمام حاکمان تا روز قیامت است. و اما جامعه کتابی است که طول آن هفتاد ذراع است، و رسول خدا ﷺ آن را املاء می‌کردند و علی بن ابی طالب علیه السلام می‌نوشتند. به خدا سوگند هر آن چیزی که تا روز قیامت مردمان بدان احتیاج دارند، حتی دیه‌ی خراش و [حدّ] یک تازیانه و نیم تازیانه در آن هست. بصائر الدرجات / ۱۸۸ از ابوبصیر: «خدمت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، می‌خواهم بر سینه‌ی شما دست بکشم، ایشان فرمودند: همین کار را بکن، من هم دست خود را بر سینه‌ی و شانه‌ی آن حضرت کشیدم.

فرمودند: ای ابا محمد! علت این کار چه بود؟ عرضه داشتم: فدایت شوم، از پدرت شنیدم که فرمودند: قائم سینه‌ای گشاده و شانه‌هایی درشت که بین آن دو عریض است دارد. امام علیه السلام فرمود: ای ابا محمد! پدرم زره رسول خدا ﷺ را در بر نمود و بر زمین کشیده می‌شد. من نیز آن را پوشیدم و تا حدّی اندازه بود، اما چون قائم آن را بپوشد، به مانند رسول خدا ﷺ که پایین آن را بالا می‌کشیدند و با دو حلقه، وسط آن را بالا می‌آوردند [یعنی مقداری برایشان کوچک بود] خواهد بود. صاحب این امر [در ظاهر] از چهل سال

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام فرعه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی

حکومت امام عجل الله تعالی

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تجاوز نمی‌کند.»^۱

اثبات الوصیة / ۲۲۳ می‌نویسد: «حسن بن علی راوی به امام صادق علیه السلام گفت: شما صاحب الامر هستید؟ ایشان فرمودند: من زره پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشیدم، ولی کشیده می‌شد، و نیزه‌نگام سوار شدن بر مرکب پای مرا می‌گیرد، اما صاحب شما زره را در بر می‌کند و اندازه‌اش خواهد بود و هنگام سوار شدن پایش را نمی‌گیرد.

آنگاه فرمودند: چگونه چنین باشد [و من او باشم] و حال آنکه آن پسری که مادر بزرگش او را بزرگ می‌کند به دنیا نیامده است.»

بصائر الدرجات / ۱۸۴ وارشاد / ۲۷۵ از عبد الاعلی بن اعین روایت می‌کنند: «شنیدم امام صادق علیه السلام فرمودند: سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد من است و کسی نمی‌تواند در آن با من نزاع کند. سپس فرمودند: از آن سلاح محافظت می‌شود. اگر نزد بدترین خلق خدا قرار گیرد، بهترین آنان خواهد بود.

و افزودند: این امر [امامت] به کسی می‌رسد که بر او دهان کجی می‌کنند. هنگامی که اراده‌ی خدا تعلق گیرد، او خروج می‌کند. پس مردم می‌گویند: این همان نبود! و خداوند به خاطر او، دست خود را بر سر رعیت خود قرار می‌دهد.»

یعنی کسی که امام علیه السلام را پیش از خروج می‌بیند، گمان می‌کند مؤمنی عادی است و حتی ممکن است ایشان را به سخره گرفته دهان کجی کند، اما چون حضرت خروج می‌کند و آن شخص مشاهده می‌کند که خداوند ایشان را به چه قدرتی مخصوص گردانیده می‌گوید: این همان نیست که من دیدم، و خداوند هیبت او را در قلوب مردم قرار می‌دهد.

کافی ۱ / ۲۸۴ از همونقل می‌کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که [به دروغ] ادعای امامت کند، چگونه او را پاسخ می‌دهند؟ ایشان فرمودند: از او درباره‌ی حلال و حرام می‌پرسند.

آنگاه افزودند: سه حجت و دلیل است که در هر کسی جمع شوند او صاحب این امر است؛ آنکه نزدیک‌ترین مردم نسبت به امام پیش از خود است، سلاح نزد اوست و وصیت

۱. و نیز الخرائج و الحرائج ۲ / ۶۹۱

به او آشکار و مشهور باشد، چنان که اگر وارد شهر [او] شوی و از مردم عادی و کودکان بپرسی که فلان امام به چه کسی وصیت کرد، بگویند: به فلان بن فلان.»

غیبت نعمانی / ۲۴۳ از یعقوب بن شعیب نقل می‌کند: «امام صادق عجله الله تعالی فرجه الشریف به من فرمودند: آیا جامه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را به تونشان ندهم؟ گفتم: آری، پس جامه دانی را خواستند و آن را گشودند و جامه‌ای از کرباس را بیرون آوردند، در آستین چپ آن مقداری خون بود.

ایشان فرمودند: این جامه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است که روزی که دندان‌های رباعیه‌ی ایشان را زدند و شکستند، برتن داشتند، و قائم همین جامه را برتن دارد و قیام می‌کند.

پس من آن خون را بوسیدم و برپیشانی‌ام نهادم. سپس حضرت آن را پیچیدند و بردند.»
بصائر الدرجات / ۱۶۲ از عبد الملك بن اعین: «امام باقر عجله الله تعالی فرجه الشریف بعضی از نوشته‌های حضرت امیر عجله الله تعالی فرجه الشریف را به من نشان دادند و فرمودند: ایشان برای چه اینها را نوشتند؟ عرضه داشتم: واضح است، فرمود: بگو، گفتم: امیرالمؤمنین عجله الله تعالی فرجه الشریف می‌دانستند قائم روزی قیام می‌کند، از این رو خواستند تا به آنچه در این نوشته‌هاست عمل کنند، امام باقر عجله الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: درست گفتم.»^۲

غیبت نعمانی / ۲۳۸ از عبدالله بن سنان: «امام صادق عجله الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: عصای موسی چوب درخت آس و از کاشته‌های بهشت بود. هنگامی که موسی به جانب مدین رهسپار شد جبرئیل آن را برایش آورد. این عصا و تابوت آدم در دریاچه‌ی طبریه هستند، هرگز نمی‌پوسند و تغییر نمی‌کنند تا آنکه قائم عجله الله تعالی فرجه الشریف به هنگام قیام آنها را بیرون آورد.»

بصائر الدرجات / ۱۸۳ از محمد بن فیض از امام باقر عجله الله تعالی فرجه الشریف: «عصای موسی از آن آدم بود که به شعیب رسید و پس از شعیب نصیب موسی شد. آن عصا نزد ماست و من اخیراً آن را مشاهده کرده‌ام، همانند روزی که آن را از درخت جدا ساختند سبز است، و هنگامی که آن را به نطق درآوردن سخن می‌گوید. آن عصا برای قائم ما کنار گذاشته شده است، تا با آن همان کاری را انجام دهد که موسی بن عمران انجام می‌داد. آن عصا می‌هراساند و می‌بلعد.

۱. و نیز اثبات الهداة ۳ / ۵۴۲

۲. و نیز اثبات الهداة ۳ / ۵۲۰

در ادامه فرمودند: زمانی که خدا خواست رسول گرامی صلی الله علیه و آله را قبض روح کند، علم، سلاح و هر آنچه بود را برای حضرت امیر علیه السلام به ارث گذارد، بعداً به امام حسن و امام حسین علیهما السلام منتقل شد. هنگام شهادت امام حسین علیه السلام به ودیعه در دست ام سلمه بود، و از او گرفته شد. من گفتم: سپس به امام علی بن الحسین علیهما السلام و بعد از ایشان به پدران و سپس به شما رسید؟ فرمودند: بله.»

کافی ۱ / ۲۳۱ مشابه این حدیث را نقل می‌کند و در آن چنین آمده است: «آن عصا هر کجا رو آورد، شعبده‌های ساحران را می‌بلعد، لبانش را باز می‌کند که یکی در زمین است و دیگری به سقف می‌رسد و فاصله‌ی آن دو چهل ذراع است، و همه‌ی شعبده‌هایشان را با زبانش می‌بلعد.»^۱

۸. اوپیمانی از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد

بحار الانوار ۵۲ / ۳۰۵ از کتاب سید علی بن عبد الحمید نیلی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «هنگامی که لشکر سفیانی به زمین فرورود... وقائم علیه السلام در آن روز در مکه و کنار کعبه - در حالی که بدان پناه آورده - است و می‌فرماید: من ولی خدایم... پس بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. او پیمانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله - که پدران او دست به دست آن را به او رسانده‌اند - با خود به همراه دارد. اگر چیزی از آن بر مردم مشتبه شود، ندای آسمانی که به نام او و پدرش خواهد بود، بر ایشان مشتبه نخواهد شد.»

۹. امام عصر عجل الله تعالی فرجه ساقی امت در محشر

مائة منقبة / ۲۴ از عبدالله بن عمر روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «یا علی! من هشدار دهنده‌ی امتم و توهدايت‌گران، حسن پیشوا و حسین کسی است که آنان را سوق می‌دهد، علی بن الحسین گرد آورنده‌ی آن و محمد بن علی عارف آن، جعفر

۱. و نیز رک به کمال الدین ۲ / ۶۷۳ و اثبات الهداة ۳ / ۴۳۹ و ۵۵۸

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

بن محمد کاتب و موسی بن جعفر شمارنده‌ی آن، علی بن موسی آگاهی بخش، رهایی بخش، طرد کننده‌ی دشمنان و نزدیک کننده‌ی مؤمنان، محمد بن علی پیشوا و سوق دهنده‌ی آن، علی بن محمد پوشاننده و عالم آن، حسن بن علی منادی و بخشنده‌ی آن و قائم خلف ساقی و سوگند دهنده‌ی آن هستند، **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ**^۱، به یقین در این برای هوشیاران عبرت‌هاست.^۲

نگارنده: از عبدالله بن عمر عجیب است که چنین روایتی را نقل کند.

۱۰. راه راست

تأویل الآیات ۱/ ۳۲۳ از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «از پدرم درباره‌ی سخن خدای عزوجل: **فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى**^۳، خواهید دانست که یاران راه راست کیانند، و چه کسی رهیافته است، سؤال کردم و ایشان فرمودند: راه راست قائم عَلَيْهِ السَّلَام است، و رهیافته کسی است که به اطاعت از او راه یافته است. نظیر این در کتاب خدای عزوجل این آیه است: **وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى**^۴، و به یقین من آمرزنده‌ی کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست رهسپار شود: [یعنی] به ولایت ما رهسپار شود.^۵

۱۱. صاحب لیلة القدر

تفسیر قمی ۲/ ۴۳۱: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم؛ فرمود: قرآن در بیت معمور در لیلة القدر یکباره و کامل فرود آمد، و در مدت بیست و سه سال بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نازل شد.

۱. سوره‌ی حجر/ ۷۵

۲. و نیز مناقب ابن شهر آشوب ۱/ ۲۹۲، اثبات الهداة ۱/ ۷۲۱ و بحار الانوار ۳۶/ ۲۷۰

۳. سوره‌ی طه/ ۱۳۵

۴. سوره‌ی طه/ ۸۲

۵. و نیز بحار الانوار ۲۴/ ۱۵۰

۶. سوره‌ی قدر/ ۱

وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ،^۱ و توجه می دانی شب قدر چیست؛ معنای لیلۃ القدر آن است که خداوند اجل ها، روزی ها، و هرامری که رخ می دهد - از مرگ، زندگی، فراوانی، قحطی، خیر و شر- را مقدر می نماید، همان گونه که می فرماید: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ،^۲ در آن [شب] هرکاری [به نحوی] استوار فیصله می یابد؛ که تا یک سال است.

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ،^۳ در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هرکاری [که مقرر شده است] فرود آیند؛ فرشتگان و روح القدس برامان زمان فرود می آیند و هرآنچه را که نوشته اند به او می سپارند.

همان ۲ / ۲۹۰ از امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام روایت می کند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ، ما آن را نازل کردیم؛ مقصود قرآن است.

فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ،^۴ در شبی فرخنده، [زیرا] که ما هشدار دهنده بودیم؛ و آن شب قدر است که خداوند قرآن را یکباره و کامل به بیت معمور فرو می فرستد. آنگاه از آنجا در طول بیست و سه سال بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل می گردد.

فِيهَا يُفْرَقُ، در آن [شب] فیصله می یابد؛ در شب قدر.

كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، هرکاری [به نحوی] استوار؛ یعنی خداوند هر امر حق یا باطلی را مقدر می کند، و نیز آنچه در آن سال خواهد بود، و برای او در آن بداء و مشیت است، هر آنچه از آجال، ارزاق، بلایا، تغیرات و مرض ها را که بخواهد مقدم می دارد و هرآنچه را بخواهد به تأخیر می اندازد، آن قدر که بخواهد در آنها می افزاید و می کاهد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام القاء می کنند، و آن حضرت آن را به ائمه علیهم السلام تا آنکه به صاحب الزمان علیه السلام منتهی شود، و برای او در آن بداء، مشیت، تقدیم و تأخیر شرط می شود.^۵

۱. سوره ی قدر / ۲

۲. سوره ی دخان / ۴

۳. سوره ی قدر / ۴

۴. سوره ی دخان / ۳

۵. و نیز المحجة / ۲۰۲، بحار الانوار / ۹۷ / ۱۲ و مجمع البیان به طور مختصر / ۵ / ۶۱، ایشان می نویسند: این مطلب از ابن عباس، قتاده و ابن زید روایت شده، و همان است که از امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده است.

۱۲. بقیت الله در زمین

کافی ۱/ ۴۱۱ از عمر بن زاهر روایت می‌کند: «شخصی از امام صادق (ع) درباره‌ی قائم پرسید که آیا به او با عنوان امیرالمؤمنین سلام می‌شود؟ حضرت فرمودند: نه، این نامی است که خداوند امیرالمؤمنین (ع) را بدان نام نهاد، هیچ کسی پیش و پس از ایشان بدان نامیده نشده و نمی‌شود، مگر آنکه کافر باشد.

گفتم: فدایت شوم، پس چگونه به ایشان سلام کنیم؟ فرمودند: السلام علیک یا بقیة الله، آنگاه تلاوت کردند: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۱، اگر ایمان آورده‌اید، آنچه خدا باقی می‌گذارد برایتان بهتر است.»^۲

احتجاج ۱/ ۲۴۰ روایت می‌کند: «زندیقی حضور امیرالمؤمنین (ع) رسید و گفت: اگر اختلافات و تناقض‌ها در قرآن نبود، به دینتان در می‌آمدم! حضرت در قسمتی از پاسخ سخن از امامان که صاحبان امر هستند، به میان آوردند.

او پرسید: این امر چیست؟ ایشان فرمودند: امری است که فرشتگان آن را فرود می‌آورند، در آن شبی که هرکاری [به نحوی] استوار فیصله می‌یابد، از خلق، رزق، اجل، عمل، عمر، زندگی، مرگ، دانش غیب آسمان‌ها و زمین و معجزاتی که تنها خدا، برگزیدگان و سفیران میان او و خلق شایسته‌ی آنند. آنان وجه خدایند که فرمود: فَأَيُّمَّا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ^۳، پس به هر سو رو کنید، آنجا وجه خداست.

آنان بقیة الله هستند - مقصود ایشان مهدی است - او به هنگام سپری شدن این مهلت می‌آید و زمین را همان گونه که از ستم و بیداد آکنده شده است، از داد و عدل مملو می‌سازد.»

۱. سوره‌ی هود / ۸۶

۲. و نیز تفسیر فرات / ۶۳ و تأویل الآیات / ۱۸۶

۳. سوره‌ی بقره / ۱۱۵

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام (ع)

منزلت امام (ع)
حکومت امام (ع)
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح (ع)

روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام (ع)
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام (ع) در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

۱۳. ستاره‌ی درخشان و نورالهی درآیه‌ی شریفه

المحکم و المتشابه ۱۱۲ / از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد اقسام نور روایت می‌کند: «نور قرآن است، نامی از نام‌های خدای تعالی است، نور نورانیت، نور ماه و پرتو مؤمن که در اثر پیروی [از حق، جامه‌ی] آن را در روز قیامت می‌پوشد.

نور در مواضعی از تورات و انجیل و قرآن حجت خدا بر بندگان است، که همان معصوم باشد...

خداوند می‌فرماید: ... وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُورِلْكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ،^۱ و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند؛ نور در اینجا قرآن است، و مانند آن سوره‌ی تغابن است که می‌فرماید: فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورَ الَّذِي أُنْزِلْنَا،^۲ پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید؛ خدای سبحان در اینجا قرآن و همه‌ی اوصیاء معصوم را - که حاملان، نگاهبانان و بیان کنندگان کتاب خدای تعالی هستند و آنان را در قرآن چنین وصف نموده: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا،^۳ تأویلش را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست - قصد نموده است، آناند که خدا سرزمین‌ها را به وسیله‌ی ایشان نورانی و بندگان را به دست آنها هدایت کرده است، خدا در سوره‌ی نور می‌فرماید: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِ شَكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورُ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ،^۴ خدا نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که درون آن چراغی باشد، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی ستاره‌ای درخشان است که از درخت خجسته‌ی زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می‌شود. نزدیک است که روغنش - هر چند بدان

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

۱. سوره‌ی اعراف / ۱۵۷

۲. سوره‌ی تغابن / ۸

۳. سوره‌ی آل عمران / ۷

۴. سوره‌ی نور / ۳۵

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
یاران
ابدال
یاری‌فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

آتش‌نری نرسیده باشد - روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند، و این مثلها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست؛ چراغدان رسول خدا صلی الله علیه و آله است، چراغ وصی [حضرت امیر] و اوصیاء علیهم السلام، شیشه فاطمه علیها السلام است و درخت خجسته پیامبر صلی الله علیه و آله، و ستاره‌ی درخشان قائم منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که زمین را از عدل آکنده می‌سازد.»

توحید صدوق / ۱۵۸ از عیسی بن راشد روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام درباره‌ی همین آیه فرمودند: «چراغدان نور دانش در سینه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله است.

المُصْبِحُ فِي زُجَاجَةٍ؛ شیشه، سینه‌ی حضرت امیر علیه السلام است که دانش پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان منتقل شد.

الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ؛ آن نور است.

لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ؛ نه یهودی است و نه نصرانی.

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضَيُّ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ؛ نزدیک است عالم از آل محمد علیهم السلام پیش از آنکه از او سؤال شود به دانش پاسخ دهد.

نُورٌ عَلَى نُورٍ؛ امامی که [از جانب خدا] با نور علم و حکمت پس از امام [پیشین] از آل محمد علیهم السلام تأیید شده است، که از زمان آدم چنین بوده و تا قیامت نیز چنین خواهد بود. اینان اوصیائی هستند که خداوند عزوجل آنان را جانشینان خود در زمین و حجج بر بندگانش قرار داده است، و هیچ دورانی از یکی از ایشان خالی نمی‌شود.»

۱۴. شمشیری از جدّش عبدالمطلب علیه السلام برای او ذخیره شده است

کافی ۴ / ۲۲۰ از حسن بن راشد از امام کاظم علیه السلام: «هنگامی که عبدالمطلب زمزم را حفر کرد و به قعر آن رسید، از گوشه‌ای از چاه بوی نامطبوعی به مشامش رسید که او را به ستوه آورد، اما حاضر نشد برگردد ولی پسرش حارث برگشت. او به حفر ادامه داد و بسیار کند، تا آنکه در قعر آن با چشمه‌ای روبرو شد که بوی مشک از آن متصاعد بود، سپس به اندازه‌ی یک ذراع حفر کرد که خواب او را در ربود.

در عالم رؤیا مردی بلند قامت با موهای زیبا، چهره و جامه ای نیکو و رایحه ای دلنواز را دید که می گفت: حفر کن تا به غنیمت دست یابی، سخی باش تا در سلامت به سربری و برای تقسیم کردن [وارث] باقی نگذار، شمشیرها از آن غیرتوست و چاه از آن تو، توبالاترین مقام را در عرب داری و پیامبر، ولی و اسباط - که نجیبان، صاحبان حکمت، عالمان و آگاهانند - از تو خواهند بود و شمشیرها برای آنهاست. آنان هنوز از توبه وجود نیامده اند و شمشیرها برای تو نیست. اما در نسل دوم تو خواهند بود. خدا به واسطه ی آنان زمین را روشن، و شیاطین را از نواحی آن بیرون خواهد کرد و پس از آنکه عزیز بودند لباس ذلّت و خواری بر تنشان خواهد نمود و بعد از آنکه نیرومند بودند، آنها را به هلاکت خواهد رساند. بت ها را ذلیل کرده و پرستندگان آنها را - هر کجا که باشند - خواهند کشت. پس از او [یعنی پیامبر ﷺ] کسی از نسل تو خواهد بود که برادر و وزیر اوست، در سنّ از او کوچکتر و بر [نابودی] بتان توانمند است، در هیچ سخنی از او نافرمانی نمی کند، هیچ چیزی را از او پوشیده نمی دارد و در هر امری که بر او رخ دهد با او مشورت خواهد کرد.

عبدالمطلب [از آنچه در خواب دیده بود] حیران شد. وی سیزده شمشیر در کنار خود یافت، آنها را برداشت و خواست [این خبر و یا شمشیرها را] پخش کند که گفت: چگونه چنین کنم و حال آنکه [هنوز] به آب نرسیده ام؟ آنگاه دوباره مشغول حفر شد، هنوز یک وجب نکنده بود که شاخ و [به دنبال آن] سر آهویی نمایان شد. آن را بیرون آورد و مشاهده کرد که بر آن نوشته شده: لا إله إلا الله محمد رسول الله علی ولی الله فلان خلیفة الله. [راوی گوید:] از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: این فلان [که در اینجا آمده] پیش از ایشان [رسول خدا یا حضرت امیر علیه السلام] بود یا پس از ایشان؟ فرمودند: او هنوز نه خود و نه علامتش نیامده اند...

عبدالمطلب خواست حکم به بطلان این رؤیا که در چاه دیده بود کند و شمشیرها را به صورت الواحی برای کعبه در آورد، که خدا او را - که در حجر بود - به خواب فرو برد. او همان مرد را دوباره دید که گفت: ای شیهة الحمد! شمشیرها را در جای خود قرار ده... این سیزده

۱. یکی از اسامی جناب عبدالمطلب علیه السلام

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت‌گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

شمشیر را به فرزندان زن مخزومی^۱ بسیار، و بیش از این برای تو آشکار نخواهد شد، یکی از این شمشیرها برای توست که از دستت سقوط می‌کند و دیگر اثری از آن نخواهی یافت، تنها [همین را بدان که] کوه کذا و کذا آن را در خود مخفی می‌کند و از علائم قائم آل محمد خواهد بود.

عبدالمطلب بیدار شد و در حالی که شمشیرها را برگردنش گذارده بود، به یکی از مناطق مکه رفت، که یکباره یکی از شمشیرها که نازکترین آنها بود گم شد، و از همانجا بیرون خواهد آمد...

ما [اهل بیت] می‌گوییم: شمشیری از شمشیرهای ما در دست غیر ما نمی‌افتد مگر آنکه ذغال شود، مگر کسی که به وسیله‌ی آن در کنار ما یاری رساند.

یکی از آن شمشیرها در ناحیه‌ای قرار دارد و هم چنان که ما را [از لانه] بیرون می‌آید، به اندازه‌ی یک ذراع و یا نزدیک به آن خارج می‌شود، و زمین چند بار برای آن روشن می‌گردد، آنگاه پنهان خواهد شد. چون شب فرا رسد، دوباره چنین خواهد شد، و همین طور خواهد بود تا آنکه صاحب آن بیاید. و اگر من بخواهم می‌توانم مکان آن را بگویم، اما بر شما می‌هراسم که بگویم آنجا کجاست، شما هم آن را بازگو کنید و مکان آن تغییر یابد.»

۱۵. نسل صدیقه‌ی طاهره علیها السلام از نقاط عالم به تأیید او گرد می‌آیند

در این رابطه روایتی صحیح السند وجود دارد که در فصل سفیانی خواهد آمد. آن روایت دلالت دارد که فرزندان امیرالمؤمنین و صدیقه‌ی طاهره علیها السلام با وجود اختلافات اعتقادی شان، از سرتاسر عالم برگرد امام مهدی علیه السلام اجتماع خواهند نمود و برتأیید و پیروی از ایشان اتفاق خواهند داشت و این مطلبی است که با وجود کثرت و پراکندگی اولاد امام حسن و امام حسین علیهم السلام سابقه نداشته است.

کافی ۸/ ۲۶۴ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «اگر کسی از ما به سراغ شما آمد، ببینید که برای چه قیام می‌کنید؟... تنها با کسی [قیام کنید] که بنی فاطمه براو گرد آمده‌اند که به

۱. همسر عبدالمطلب علیه السلام

خدا سوگند صاحب [و امام] شما فقط کسی است که آنان برگرد او جمع شوند.^۱

۱۶. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اجرای سنت، مبارزه و مأموریت جدش صلی الله علیه و آله را تکمیل می کند

الفتن ۱/ ۳۷۹ از عایشه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «او مردی است از عترت من، و همان گونه که من برای وحی جنگیدم، برای سنت من مبارزه خواهد کرد.»^۲
ابن عربی در فتوحات ۳/ ۳۳۲ می نویسد: «در حدیثی در صفت مهدی آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: او روش مرا دنبال می کند و از آن تجاوز نخواهد نمود.»

همو در ۳۳۵ می نویسد: «دانستیم که او تابع است، نه متبوع (!)، و او معصوم است، و کسی که در حکم معصوم باشد، خطا نخواهد کرد، زیرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی توان نسبت خطا داد، چون از سر هوی سخن نمی گوید، و تنها وحی است که بر او می رسد.»

در ۳۳۷ می گوید: «او رسول خدا صلی الله علیه و آله را دنبال می کند و تجاوز نخواهد کرد، فرشته ای با اوست که بدون آنکه او را ببیند یاری می رساند، او ناتوان را حمل و ضعیف را در حق تقویت می کند، از میهمان پذیرایی کرده و در مصیبت های به حق امداد می نماید. آنچه را می گوید انجام می دهد، آنچه را می داند می گوید و آنچه را می بیند می داند.»

نگارنده: سخنان ابن عربی در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر حسب ذوق اوست و مستندی علمی ندارد.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عج

۱۷. تقیه با ظهور ایشان به پایان می رسد

تفسیر عیاشی ۲/ ۳۵۱ از مفضل روایت می کند: «از امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه پرسیدم: فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ،^۳ و چون وعده ی پروردگارم فرا رسد، آن [سد] را درهم کوبد،

۱. و نیز علل الشرائع / ۵۷۷

۲. و نیز عقد الدرر / ۱۶، الحاوی / ۲ / ۷۴، الصواعق المحرقة / ۱۶۴ و القول المختصر / ۷ و ۱۲، در این کتاب چنین آمده است: «او مردم را می زند تا به حق باز گردند.»

۳. سوره ی کهف / ۹۸

ایشان فرمودند: هنگام ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تقیه برداشته می شود، و اواز دشمنان خدا انتقام خواهد گرفت.»

علامه‌ی مجلسی در بحار ۲۰۷/۱۲ همین روایت را نقل می‌کند و می‌فرماید: «این کلام تشبیه و تمثیل دارد، و بدان معناست که خداوند تا زمان قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و برداشته شدن تقیه، آن را سدی برای دفع ضرر مخالفان شیعه قرار داده است، چنان که ذوالقرنین آن سد را برای جلوگیری از فتنه‌ی یأجوج و مأجوج قرار داد، تا آن زمان که خدا اجازه برداشتن آن را دهد.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت‌گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

منزلت امام عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف

منزلت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيف نزد خداوند

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یکی از هفت سرور بهشتیان

کتاب سلیم بن قیس رضی الله عنه / ۲۴۵ از سلمان نقل می‌کند: «قریشیان هنگامی که در مجالس گرد می‌آمدند و کسی از اهل بیت را می‌دیدند سخن خود را قطع می‌کردند. یک روز آنها نشستند بودند که یکی از آنان گفت: مَثَل محمد در میان اهل بیت نخلی است که در زباله دان روییده باشد!

این خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پس خشمگین شدند و بر منبر رفتند، آن قدر نشستند تا مردم جمع شدند، آنگاه برخاسته حمد و ثنای الهی را به جای آوردند و در ضمن خطبه ای - که در بیان فضائل خود و اهل بیتشان ایراد کردند - فرمودند: بدانید که ما فرزندان عبدالمطلب سروران بهشتیانیم؛ من، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه و مهدی.

امالی صدوق / ۳۸۴ مشابه فقره ی اخیر را از انس از آن حضرت نقل می‌کند: «ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم؛ رسول خدا، حمزه سیدالشهداء، جعفر که دو بال دارد، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی.»^۱

دلائل الامامة / ۲۵۶ از اصبع بن نباته روایت می‌کند: «با امیرالمؤمنین علیه السلام در بصره بودیم و ایشان بر استر رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بودند، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نیز حضور داشتند. امام علیه السلام فرمودند: آیا به شما خبر ندهم که برترین مخلوقات نزد خدا در آن روزی که رسولان را گرد می‌آورد کیست؟

عرضه داشتیم: آری، یا امیرالمؤمنین! فرمودند: برترین رسولان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و پس از آنان برترین خلق اوصیاء هستند که برترین اوصیاء منم. افضل مردمان پس از رسل و اوصیاء اسباط هستند که برترین آنها دو سبط پیامبر شما یعنی حسن و حسین اند. برترین خلق بعد از آنان شهدائند که افضل آنان حمزه پسر عبدالمطلب است - این مطلب را رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند - و جعفر بن ابی طالب که دو بال دارد، این دو به کرامتی که خدای عزوجل پیامبرش را بدان اختصاص داده اختصاص یافته اند. و مهدی که در آخر الزمان

۱. و نیز رک به غیبت شیخ طوسی / ۱۱۳، العمدة / ۵۲ و ۴۳۰، الطرائف / ۱۷۶ / ۱ از ثعلبی، الدر النظیم / ۷۵۵ و ۷۹۸ و عوالم العلوم، کتاب النصوص / ۳۰۴

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خواهد بود از ماست، در هیچ امتی غیر از او مهدی مورد انتظاری نبوده است.»^۱

قرب الاسناد / ۱۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام: «در میان ما هفت تن هستند که خدای عزوجل مانند آنها را در زمین نیافریده است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله که سید اولین و آخرین و خاتم پیامبران است از ماست، وصی او بهترین اوصیا، دو سبط او حسن و حسین که بهترین اسباطند، سیدالشهداء حمزه عموی او، آنکه با فرشتگان پرواز می‌کند، و مهدی.»^۲

سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳۶۸ از انس: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم: ما فرزندان عبدالمطلب سروران بهشتیانیم؛ من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی.»^۳

المسند الجامع ۲ / ۵۴۹ از ابن سیرین: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین این امت پس از پیامبرشان شش نفرند، پرسیدند: یا رسول الله! آنان کیانند؟ فرمود: علی، حمزه، جعفر، حسن، حسین و مهدی.»

ابن صدیق مغربی در رد ابن خلدون ۲ / ۵۴۲ می‌نویسد: «شاهدی برای حدیث یافتیم؛ طبرانی در المعجم الصغیر می‌گوید: احمد بن محمد بن عباس مری قنطری... از ابویوب انصاری روایت می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود: پیامبرمان بهترین پیامبران است که پدر توست، شهید ما بهترین شهیدان است که عموی پدرت حمزه است، کسی که دو بال دارد و بدان هر کجای بهشت که بخواهد پرواز می‌کند پسر عموی پدرت جعفر است، دو سبط این امت حسن و حسین از ما هستند و دو پسر تو، و مهدی از ماست.»

۱. و نیز اثبات الهداة ۳ / ۵۷۴

۲. و نیز بحار الانوار ۲۲ / ۲۷۵

۳. و نیز المستدرک ۳ / ۱۱۲ - وی آن را بنا بر شرط مسلم صحیح می‌شمارد و ترتیب در آن چنین است: من، علی، حمزه، جعفر... - تاریخ بغداد ۹ / ۴۳۴، تلخیص المتشابه ۱ / ۱۹۷، الفردوس ۱ / ۵۳، مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی ۱ / ۱۰۸ از ابونعیم، البیان شافعی ۴۸۸ / ۱ - وی مانند ابن ماجه نقل می‌کند و می‌نویسد: این حدیث صحیح است و حافظ ابن ماجه آن را چنین نقل می‌کند و الحمد لله چه خوب به دست ما رسیده، طبرانی نیز آن را از جعفر بن عمر بن صباح از سعد بن حمید همین گونه روایت می‌کند، ابونعیم نیز در مناقب المهدی آن را با چند طریق می‌آورد...، ذخائر العقبی ۱۵ و ۸۹، عقد الدرر ۱۴۴، الفتن ابن کثیر ۱ / ۴۴ - وی نیز می‌نویسد: بخاری در تاریخ و ابن حاتم در الجرح والتعديل آن را نقل کرده‌اند...، المسند الجامع ۲ / ۴۴۶، جامع الاحادیث ۶ / ۷۲۳، زوائد ابن ماجه ۵۲۸، جامع المسانید ۲۱ / ۵۱، مصباح الزجاجة ۲ / ۳۱۴، اعتقاد اهل السنة ۸ / ۱۴۱، ارتقاء الغرف ۲۱۴ و ۲۵۳، الكشف و البیان ۸ / ۳۱۲، مسند شمس الاخبار ۲ / ۳۰۵، کفایة الطالب ۴۸۸ و العلل المنتاهیة ۱ / ۲۲۳

امام مهدی عجله الله تعالی فرجه برگزیده و مختار الهی

کافی ۹/۸ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله مسرور و خندان بیرون آمدند. مردم گفتند: خداوند دهان شما را بخنداند و بر سرورتان بیفزاید. ایشان فرمودند: در هر شب و روزی تحفه و هدیه‌ای از جانب خدا دارم، بدانید که در این روز خداوند هدیه‌ای به من عطا فرموده که به هیچ یک از پیشینیان نداده است؛ جبرئیل نزد من آمد سلام پروردگارم را به من رسانید و گفت: ای محمد! خدای عزوجل هفت تن از بنی هاشم را برگزیده است که مانند ایشان را در گذشتگان و آیندگان نیافریده و نخواهد آفرید؛ یا رسول الله! تو که سرور پیامبرانی، علی بن ابی طالب جانشینت که سرور اوصیاست، حسن و حسین دو نواده‌ات، که سروران اسباط [نواده‌ها] هستند، عمویت حمزه که سرور شهیدان است، جعفر پسر عمویت که در بهشت با فرشتگان هر کجا بخواهد پرواز می‌کند، و قائم که عیسی بن مریم - آنگاه که خدا او را به زمین فرو فرستد - پشت سرش نماز می‌گزارد، او از نسل علی و فاطمه و از فرزندان حسین است.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجله الله تعالی فرجه

المسترشد / ۱۵۰ از ابویوب انصاری روایت می‌کند: «پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: خدا به ما اهل بیت هفت ویژگی عطا فرموده که احدی از پیشینیان را عطا نکرده و هیچ یک از پسینیان نیز آن را نخواهند یافت؛ پیامبرمان بهترین پیامبران است که پدرتوست، وصی ما بهترین اوصیاست که همسرتوست، شهید ما بهترین شهدا عمویت حمزه است، کسی که دو بال دارد و به وسیله‌ی آن هر کجای بهشت بخواهد می‌پرد، جعفر بن ابی طالب پسر عموی توست، دو سبط و مهدی این امت نیز از ما هستند که فرزندان تواند.»

ارشاد / ۲۴ از ابن عباس نقل می‌کند: «ما اهل بیت پنج ویژگی داریم که هیچ یک در سایر مردم نیست؛ پیامبر از ماست، وصی او علی بن ابی طالب که بهترین این امت پس از اوست از ماست، حمزه شیر خدا و رسول و سید شهیدان از ماست، جعفر بن ابی طالب که با دو بال در هر کجای بهشت بخواهد پرواز می‌کند از ماست، دو سبط این امت و دو آقای جوانان اهل بهشت حسن و حسین از ما هستند، و قائم آل محمد که خدا به وسیله‌ی او پیامبرش را گرامی داشته از ماست، منصور نیز از ماست.»

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

علامه‌ی مجلسی در بحار الانوار ۳۷ / ۴۸ پس از نقل این روایت می‌نگارند: «شاید مقصود از منصور نیز حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الیه باشد، قرینه‌ی این مطلب آن است که هفت ویژگی [اهل بیت علیهم السلام] در روایت ابن عباس [با آن حضرت پایان می‌پذیرد. البته ممکن است مقصود امام حسین علیه السلام باشد، چرا که ایشان در رجعت نصرت می‌شود.».

نگارنده: در چند حدیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه به منصور وصف شده‌اند، از آن جمله در تفسیر آیه: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُضْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا^۱ و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند، زیرا او یاری شده است. البته این لفظ به عنوان نام یا لقب وزیرایشان یمانی نیز وارد شده است.

یکی دیگر از القابی که در وصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه آمده است سفاح [خونریز] می‌باشد. شاید وجه تسمیه این باشد که ایشان ظلم را خاتمه می‌دهند و خون دشمنان خدا را می‌ریزند. اسامی این موعودها ورد زبان مسلمانان بود و آنان براین باور بودند که آنها به زودی خواهند آمد. یمنی‌ها نیز به منصور موعود خود وزیر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه مباحثات می‌کردند. اما قریشیان متعصب مدعی بودند که منصور از میان آنهاست. معاویه عبدالله بن عمرو عاص را به خاطر نقل این مطلب - که منصور یمنی است - توییح کرد، او هم از این نظر برگشت و گفت: «پدر منصور قریشی است [نه یمنی]، و اگر بخواهم می‌توانم او را تا بالاترین جدش نام ببرم.^۲»

در این بین بنی عباس برخاستند و مدعی شدند این شخصیت‌های موعود یعنی منصور، سفاح و مهدی از آنهایند و لذا فرزندان‌شان را به این اسامی نامیدند! آنان خوب می‌دانستند که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله افترا می‌بندند و حقوق اهل بیت ایشان را برای خود قرار می‌دهند!

غیبت نعمانی / ۶۷ با دو سند از امام صادق از پدرانش علیهم السلام از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «خدای عزوجل از هر چیزی یکی را برگزید؛ از زمین مکه را برگزید، از مکه مسجد، و از مسجد موضعی را که کعبه بر آن قرار دارد. او از میان چارپایان ماده‌هایشان را انتخاب نمود و از میان گوسفندان میش را. از روزها جمعه را گزینش کرد، از ماه‌ها رمضان را و از شب‌ها شب قدر را.

۱. سوره‌ی اسراء / ۳۳

۲. الفتن ۱ / ۳۸۳ و ۱۲۰

او از میان مردم بنی هاشم را اختیار نمود، و از بنی هاشم من و علی را، از من و علی حسن و حسین را برگزید و از فرزندان حسین دیگر امامان را تا دوازده نفر، نهمین آن امامان [از نسل حسین] غائب آنهاست که ظهور می کند، و برترین و قائم آنان. اینان تحریف تحریف گران، نسبت های باطل گرایان و تأویلات جاهلان را می زدایند.»

اثبات الوصیة / ۲۲۵ از رسول خدا ﷺ: «خداوند عزیز و جلیل از میان ایام جمعه، از شب ها شب قدر و از ماه ها رمضان را برگزید. او از میان رسولان مرا، از من علی را، از علی حسن و حسین را و از آن دو نه نفر را اختیار نمود، که نهمین آنها قائم آنهاست، و او ظاهر [شونده] و غائب آنان است.»^۱

مقتضب الاثر / ۹ حدیث مشابهی را نقل می کند و در قسمتی از آن چنین آمده است:
«از حسین، حجت های جهانیان را برگزید، نهمین آنان قائم، اعلم و حکیم تر آنهاست.»
المسلک فی اصول الدین / ۲۷۳ از پیامبر ﷺ: «خداوند نگاهی به زمین کرد و مرا از آن برگزید. آنگاه دوباره نگاهی کرد و علی را که پدر دو سبط من حسن و حسین است اختیار کرد. خدا من و ایشان را حجت های خود بر بندگان قرار داد، و از نسل حسین امامانی قرار داد که امر مرا برپا می دارند. نهمین آنها قائم اهل بیت من، و مهدی امت من است.»

الهدایة الکبری / ۳۶۲ مشابه این حدیث را از امام صادق علیه السلام نقل می کند و در آن آمده است:
«خدای عزوجل از روزها جمعه، از شب ها شب قدر و از ماه ها رمضان را برگزید. او از میان رسولان جد من را اختیار کرد، از او علی را برگزید، از علی حسن و حسین، و از حسین نه امام را اختیار کرد. نهمین آنها ظاهر و غائب آنهاست که همانم و کنیه ی جد خویش است.»^۲
همان کتاب / ۳۷۴ از سیدالشهداء علیه السلام: «من و برادرم نزد جد رسول خدا ﷺ رفتیم، ایشان من را بر روی یک پا و برادرم را برپای دیگرشان نشانند و ما را بوسیده فرمودند: پدر و مادرم فدای شما دو امام پاک و صالح، خدای عزوجل شما را از [نسل] من و پدر و مادرتان برگزید، و از نسل تو - یا حسین! - نه امام را اختیار نمود که نهمین آنان قائم آنهاست، و شما هر دو در

۱. و نیز کمال الدین ۱/ ۲۸۱ و دلائل الامامة / ۲۴۰

۲. و نیز رک به غیبت شیخ طوسی / ۹۳

منزلت و مقام مساوی هستید.»

مرحوم ابو الصلاح حلبی در تقریب المعارف / ۱۸۲ می نویسد: «رسول خدا ﷺ بر اینکه امامان پس از ایشان دوازده تن هستند تصریح کرده اند، از آن جمله به امام حسین ﷺ فرمودند: تو امام، پسر امام، برادر امام و پدر امامان و حجت های نه گانه ای، نهمین آنها قائم، اعلم، حکیمتر و برتر آنان است.»^۱

همان کتاب / ۴۲۰ از سلمان: «دیدم پیامبر ﷺ امام حسین ﷺ را بران خود نشانده و با دقت در چهره اش می نگرد، آنگاه فرمودند: امام، پسر امام و پدر امامان و حجت های نه گانه، که نهمین آنان قائم، بر دبارترین و اعلم آنهاست.»^۲

امالی صدوق / ۵۰۴ از ابن عباس از رسول خدا ﷺ نقل می کند: «هنگامی که مرا به آسمان هفتم، و از آنجا به سدرة المنتهی، و از سدرة به پرده های نور بردند، پروردگار جل جلاله مرا ندا کرد: ای محمد! تو عبد منی و من پروردگار توام، پس تنها برای من خضوع کن، تنها مرا بپرست، فقط بر من توکل کن و به من اعتماد نما، زیرا من تورا به عنوان عبد، حبیب، رسول و نبی و برادرت علی را به عنوان خلیفه و باب پسندیدم. او حجت من بر بندگانم و پیشوای خلق من است، دوستان من به وسیله ی او از دشمنانم شناخته می شوند، و به اوست که حزب شیطان از حزب من تمیز داده می شود. به اوست که دینم اقامه می شود و حدود و احکامم حفظ و اجرا می گردد. من به واسطه ی تو، او و امامان از فرزندانم بر بندگانم رحم می کنم، و به قائم شما زمین را با تسبیح، تهلیل، تقدیس، تکبیر و تمجید خویش آباد می سازم. به او زمین را از دشمنانم پاک می سازم و آن را به دست دوستانم می دهم. من به وسیله ی او کلمه ی کسانی را که به من کفر ورزیدند پست تر و کلمه ی خود را بالاتر قرار خواهم داد. به اوست که بندگان و سرزمین هایم را با دانش خویش زنده می گردانم، گنج ها و ذخایر را به اراده ام از برای او آشکار می کنم و او را بر اسرار و امور پوشیده بر اساس اراده ام آگاه می سازم.

به وسیله ی فرشتگانم که برای یاری او می فرستم، او را برای اجرای فرمان و آشکار ساختن

۱. و نیز رک به / ۴۱۹

۲. و نیز رک به / ۴۲۵ از امام باقر ﷺ

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح ﷺ

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دینم امداد می‌کنم. او به حق ولی من و به راستی مهدی بندگان من است.»

خداوند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الدجیل میثاق گرفته است

بصائر الدرجات / ۷۰ از حرمان از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «خداوند تبارک و تعالی هنگامی که مخلوقات را آفرید، آبی گوارا و آبی شور و تلخ آفرید و آن دو با هم آمیختند. آنگاه گلی از زمین برداشت و به شدت آن را مالید. سپس به اصحاب یمین - که در آن گل به مانند مورچه‌هایی ریز جنبش داشتند - فرمود: با ایمنی به سوی بهشت می‌روید، و به اصحاب شمال که می‌جنبیدند فرمود: به سوی آتش می‌روید و باکی ندارم.

آنگاه صدا زد: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ، آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: چرا، گواهی دادیم، تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم.

سپس از پیامبران میثاق گرفت و فرمود: آیا پروردگارتان نیستیم؟ و این محمد رسول خدا و این علی امیرالمؤمنین؟ گفتند: آری، پس آنها به پیامبری رسیدند. در این هنگام از پیامبران اولوالعزم میثاق گرفت و فرمود: بدانید که من پروردگارتانم، محمد رسول من، علی امیرالمؤمنین، و جانشینان او پس از او و الیان امر من و خزانه داران دانش منند، و من به وسیله‌ی مهدی دینم را یاری می‌کنم، دولتم را آشکار می‌سازم، از دشمنانم انتقام می‌گیرم و پرستش می‌شوم - چه مردمان خوش داشته باشند چه نه -، آنان هم گفتند: اقرار می‌کنیم و گواهی می‌دهیم.

آدم انکار نکرد ولی [مانند اولوالعزم نیز] اقرار ننمود، از این رو این پنج تن صاحبان عزم درباره‌ی مهدی شدند، ولی آدم عزمی بر این اقرار نداشت، این همان سخن خدای عزوجل است که فرمود: وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَلَمْ يُجِدْ لَهُ عِزْمًا^۱، به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، و [لی آن را] فراموش کرد، و برای او عزمی [استوار] نیافتیم.

امام علیه السلام فرمود: مقصود آن است که آدم ترک آن نمود [نه آنکه فراموش کرد، زیرا انبیاء فراموشی ندارند].

۱. سوره‌ی اعراف / ۱۷۲

۲. سوره‌ی طه / ۱۱۵

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت
غیبت صغری

نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سپس به فرمان او آتشی افروختند، و به اصحاب شمال فرمود: داخل شوید، اما آنها ترسیدند. بعد به اصحاب یمین فرمود: داخل شوید، آنها هم داخل شدند و برایشان سرد و سالم شد. آنگاه اصحاب شمال گفتند: خدایا! پوزش می‌خواهیم، خداوند هم فرمود: پذیرفتم، بروید و داخل شوید، آنها باز هم هراسیدند، و آن هنگام بود که اطاعت، عصیان و ولایت به وجود آمد.^۱ نگارنده: اگر روایت صحیح باشد، معنای آن چنین است که این کار آدم پیش از نزول به دنیا به وقوع پیوسته است، زیرا خداوند او را برگزید و پیامبری معصوم قرار داد: ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى،^۲ سپس پروردگارش او را برگزید و توبه‌اش را پذیرفت و [وی را] هدایت کرد.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه یکی از چهار نفری است که خداوند پیامبرش را به دوستی او فرمان داد

کشف‌الیقین / ۳۲۸ از جابر روایت می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بهشت به دیدار چهار نفر از خاندان من - که خدا آنان را دوست می‌دارد و مرا به دوستی آنها فرمان داده است - اشتیاق دارد؛ علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی که عیسی بن مریم پشت سرو نماز می‌گزارد.» اگرچه حدیث اشتیاق دیگری نیز وجود دارد که شهرت بیشتری دارد، و منابع شیعی و سنی آن را نقل می‌کنند، هیشمی در مجمع الزوائد ۹ / ۳۰۷ با سندی موثق نقل می‌کند و می‌نویسد: «انس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بهشت به چهار نفر اشتیاق دارد؛ علی بن ابی طالب، عمار بن یاسر، سلمان فارسی و مقداد بن اسود. ترمذی آن را بدون نام مقداد روایت کرده است، طبرانی نیز آن را نقل می‌کند.»

البته میان این دو حدیث هیچ منافاتی نیست، بلکه یکدیگر را تأیید می‌کنند.

ابری که درون آن فرشته‌ای قرار دارد، با اوست و بر سرش سایه می‌افکند

البیان گنجی شافعی / ۵۱۱ از عبدالله بن عمرو: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی در حالی که ابری بر

۱. و نیز کافی ۲ / ۸، مختصر بصائر الدرجات / ۱۵۴، اثبات الهداة / ۱ / ۴۶۱ و بحار الانوار / ۲۶ / ۲۷۹

۲. سوره‌ی طه / ۱۲۲

بالای سردارد قیام می‌کند، درون آن منادی است و ندا می‌کند: این خلیفه‌ی خدا مهدی است، از او پیروی کنید.

وی در ادامه می‌گوید: این حدیثی حسن است، و تنها با این سند به ما رسیده، ابو نعیم آن را در مناقب المهدی علیه السلام آورده است.^۱

در برخی روایات به جای لفظ غمامه [ابر]، عمامه آمده که اشتباه است.

تلخیص المتشابه ۱/ ۱۷۴ چنین روایت می‌کند: «مهدی در حالی که فرشته‌ای بر فراز سراو ندا می‌کند: این مهدی است، از او تبعیت کنید، قیام می‌کند.»^۲

ظهور معجزات پیامبران علیهم السلام بردستان ایشان

اثبات الهداة ۳/ ۷۰۰ از اثبات الرجعة اثر فضل بن شاذان به دو سند از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی تمامی معجزات پیامبران و اوصیاء را بردست قائم ما جاری خواهد ساخت، تا حجت بردشمنان تمام شود.»

حق متعصبان سنی آن حضرت را برابر عمر برتری می‌دهند

المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۶۷۹ می‌نویسد: «محمد بن سیرین گفت: در این امت خلیفه‌ای خواهد بود که ابوبکر و عمر برتر از او نیستند.»^۳

الفتن ۱/ ۳۵۸ می‌نگارد: «از ابن سیرین پرسیدند: مهدی از ابوبکر و عمر بهتر است؟ او گفت: آری، و با پیامبری برابری می‌کند، آنگاه فتنه‌ای را یاد کرد و گفت: هنگامی که این فتنه رخ داد، در خانه هایتان بنشینید تا زمانی که خبر کسی را بشنوید که از ابوبکر و عمر بهتر است، گفتند: بهتر از ابوبکر و عمر؟ گفت: او از برخی انبیاء هم برتر است.»^۴

۱. و نیز عقد الدرر ۳۳۵، فرائد السمطين ۲/ ۳۱۶، الفصول المهمة - وی می‌نویسد: حافظان احادیث مانند ابو نعیم، طبرانی و دیگران آن را نقل می‌کنند -، تاریخ الخميس ۲/ ۲۸۸ و فرائد الفكر ۳۰

۲. و نیز البیان شافعی ۵۱۲، رد ابن خلدون، مغربی ۵۷۳ - وی آن را حدیثی حسن می‌شمارد - و مسند الشاميين ۷۱/ ۲

۳. و نیز سنن الدانی ۸۱/ و تاریخ الخميس ۲/ ۲۸۸

۴. و نیز الحاوی ۲/ ۷۷، القول المختصر ۱۰۹ و ۲۷، عقد الدرر ۱۴۸/ و تاریخ الخميس ۲/ ۲۸۹

روایت طاووس بهشتیان

فردوس الاخبار ۴ / ۲۲۲ از ابن عباس نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی طاووس بهشتیان است.»

الفتن ۱ / ۳۶۴ از کعب: «مهدی برای خداوند همان سان که شاهین با بال خود کرنش می‌کند خضوع می‌کند.»^۱

نگارنده: این‌ها سخنان تابعین است که می‌پندارند ابوبکر و عمر برترین مردم هستند (!)، نه احادیث نبوی. این اقوال مقام حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف را نزد پیروان ابوبکر و عمر نشان می‌دهد. در برتری ایشان همین کافی است که مهدی [ره‌نمون شده] نام دارد، زیرا این نام از مقام عصمت کامل حکایت می‌کند.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجله الله تعالی فرجه الشریف
منزلت امام عجله الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجله الله تعالی فرجه الشریف
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجله الله تعالی فرجه الشریف
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجله الله تعالی فرجه الشریف
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجله الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

۱. اینان خشوع امام عجله الله تعالی فرجه الشریف را به کرنش شاهین با بال هایش - که به هنگام راه رفتن یا پرواز بال هایش را پایین می‌گیرد - تشبیه کرده‌اند. در برخی عبارات نیز شبیه خضوع شیشه وصف کرده‌اند، یعنی روح ایشان مانند شیشه شفاف است.

حکومت امام عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ مدت حکومت حضرت مهدی
و رخدادهای پس از آن

اختلاف روایات درباره‌ی مدت حکومت ایشان

۱. در منابع سنیان مشهور آن است که ایشان هفت یا نه سال حکومت می‌کنند، و البته خود مخالف آن را نیز نقل کرده‌اند. ابن حماد در کتاب خود ۱/ ۳۷۶ فصلی در این رابطه عنوان کرده است و در آن روایاتی را از ابوسعید خدری و دیگران نقل می‌کند، از جمله آنکه: «مهدی پس از آنکه هفت، هشت و یا نه سال حکومت می‌کند. مهدی در اتم اگر حکومتش کوتاه باشد، هفت سال است، و گرنه هشت سال و الا نه سال... ابو زرعه از صباح نقل می‌کند: مهدی در بین شما سی و نه سال درنگ می‌کند، کودکان می‌گویند: ای کاش بزرگ بودیم و بزرگان می‌گویند: کاش کودک بودیم... ضمره بن حبیب گوید: مهدی سی سال زندگی می‌کند... صقر بن رستم از پدرش نقل می‌کند: مهدی هفت سال و دو ماه و چند روز حکومت خواهد نمود... از دینار بن دینار منقول است: مهدی چهل سال خواهد بود. در نقلی دیگر چهل سال و یا بیست و چهار سال... زهری گوید: مهدی چهارده سال زندگی می‌کند، سپس خواهد مرد... از علی (ع) نقل شده: مهدی سی یا چهل سال بر مردم حکومت خواهد کرد.»

روایتی که سخن از هفت سال می‌گوید، با این اشکال مواجه می‌شود که برنامه‌ی امام عصر (ع) به ثمر نشاندن تمامی تلاش‌های پیامبران (ع) و مخصوصاً حضرت محمد (ص) و اقامه‌ی دولت جهانی عدل الهی است، و این چند سال برای آن کافی نیست، و خواهد آمد که اشتباه از راوی است.

نه سال و ده سال هم در منابع ما - که طریق بعضی از آنها غیر شیعی است - آمده و هم در منابع سنیان، ابن حماد در الفتن ۲/ ۶۸۹ از پیامبر (ص) روایت می‌کند: «مهدی، هفت، هشت و یا نه سال حکومت می‌کند.»

فضل الکوفه / ۲۵ اثر محمد بن علی علوی از ابوسعید خدری: «پیامبر (ص) فرمودند: مهدی، نه یا ده سال حکومت خواهد کرد، و سعادت‌مندترین مردمان به وسیله‌ی او اهالی کوفه خواهند بود.»^۱

۲. منابع شیعی و سنی نوزده سال را نیز نقل می‌کنند. غیبت نعمانی / ۳۳۱، ۳۳۲ و ۳۵۳

۱. و نیز تنابیع المودة / ۴۴۹

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت‌گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

با چند سند از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل می‌کند: «قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.»^۱

مختصرالبصائر/ ۱۹۳ همین روایت را از نعمانی نقل می‌کند و در ادامه سخن از درنگ طولانی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران رجعت به میان می‌آورد و می‌نویسد: «این نوزده سال و چند ماه چه جایگاهی در دعا برای طول عمر و بهره‌وری طولانی ایشان در زمین دارد؟! آنچه ظاهر است و به ذهن می‌رسد آن است که دوران حکومت ایشان از دوران غیبت طولانی‌تر است. عمر شریف ایشان هم اکنون [در قرن هشتم] حدود پانصد و سی سال است. و این روایت که از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدند: کدام عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طولانی‌تر است؟ و ایشان فرمودند: عمر دوم دو برابر است، برمدّعی ما دلالت دارد و صریح در رجعت ایشان است.»

۳. الفتن ۱ / ۳۷۸ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف: «مهدی سی یا چهل سال بر مردم حکومت خواهد نمود.»^۲

۴. سنّ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهور، به سی سالگان می‌ماند. همچنین آمده که ایشان عمر ابراهیم خلیل عجل الله تعالی فرجه الشریف را خواهند داشت. از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که ایشان نود سال و یا چهل سال حکومت خواهند کرد.

غیبت نعمانی / ۱۸۹ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف: «... آنگاه غیبتی خواهد داشت. او در چهره‌ی جوانی رشیدی - سی و دو سال - ظاهر می‌شود.»

دلائل الامامة / ۲۵۸ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل می‌کند: «... او در حالی که [به ظاهر] سی سال دارد، در میان مردم قیام می‌کند و چهل سال درنگ خواهد نمود. او زمین را همان گونه که از ستم و بیداد آکنده شده از عدل و داد پر می‌سازد.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۵۹ از ایشان چنین روایت می‌کند: «... در چهره‌ی جوان رشیدی سی ساله ظاهر خواهد شد.»

۱. و نیز عقد الدرر / ۲۳۹، اثبات الهداة ۳ / ۵۴۷ و بحار الانوار ۵۲ / ۲۹۸

۲. و نیز البیان گنجی / ۴۹۵ - وی می‌نگارد: حافظ ابو نعیم آن را در مناقب المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طبرانی روایت و اسناد آن را جمع‌آوری کرده است - عقد الدرر / ۲۴۰، جمع الجوامع ۲ / ۱۰۴ و الحاوی ۲ / ۷۹

۵. در زمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه - بر طبق روایات شیعه و سنی - سال ها طولانی می شود، و هفت سال به اندازه ی هفتاد سال خواهد بود.

شیخ مفید رحمه الله در ارشاد ۳۸۵ / ۲ از ابو بصیر از امام باقر علیه السلام حدیث مفصّلی را نقل می کند که در پاره ای از آن آمده است: «چون قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، به سوی کوفه رفته چهار مسجد را در آن ویران خواهد ساخت. او در زمین هر مسجدی را که کنگره داشته باشد ویران و آن را صاف [بدون کنگره] خواهد نمود. طریق اعظم را گسترش می دهد. بالکن هایی را که در راه [مزاحم] است می شکند. فاضلاب ها و ناودان هایی که در راه است از بین خواهد برد. بر تمامی بدعت ها خطّ بطلان خواهد کشید. همه ی سنّت ها را برپا خواهد داشت. قسطنطنیه، چین و کوه های دیلم را فتح خواهد نمود، و بر این منوال هفت سال را سپری خواهد کرد که هریک سال معادل ده سال از سال های شماس است، و سپس خداوند هرکاری را بخواهد انجام می دهد.

ابو بصیر گوید: عرضه داشتم: فدایت شوم، چگونه سال ها امتداد می یابد؟ ایشان فرمودند: خدای تعالی به فلک فرمان درنگ، مکث و کاهش حرکت می دهد، اینچنین است که روزها و سال ها بلند می شود.

پرسیدم: مردمان بر این باورند که اگر فلک تغییر یابد، از بین می رود! امام علیه السلام فرمودند: این سخن زناده است، مسلمان چنین نمی گوید، خداوند متعال برای پیامبرش صلی الله علیه و آله ماه را دو نیم کرد، پیش از او برای یوشع بن نون خورشید را بازگرداند، و نیز خبر داده است که روز قیامت طولانی است و به هزار سال - به شمارش شما - می ماند.^۱

همان ۳۸۱ / ۲ از عبد الکریم خثعمی نقل می کند: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم: قائم عجل الله تعالی فرجه چند سال حکومت خواهد داشت؟ فرمودند: هفت سال، [اما] روزها و شب ها آنچنان طولانی می شود که یک سال آن معادل ده سال شما خواهد بود، لذا سال های حکومت او هفتاد سال به سال های شماس است.»^۲

۱. و نیز روضة الواعظین ۲ / ۲۶۴، اعلام الوری ۴۳۲ و کشف الغمة ۳ / ۲۵۶

۲. غیبت شیخ طوسی ۴۷۴ و نیز رک به الصراط المستقیم ۲ / ۲۵۱، المستجد ۲۶۲، بحار الانوار ۵۲ / ۲۹۱، عقد الدرر ۲۲۴ و اثبات الهداة ۳ / ۶۲۴

اثبات الهداة ۳/ ۵۵۷ این حدیث را از اختصاص روایت می‌کند و می‌نویسد: «روایتی که به ظاهر با این روایت تعارض دارد پیشتر گذشت، و شاید آن روایتی که کمتر از این مدت را بیان می‌کند ناظر به مدّت درنگ ایشان پس از استیلاء یافتن بر زمین باشد، لذا منافاتی با هم ندارند، و گذشت که هر سال به اندازه‌ی ده سال خواهد بود، و خدای تعالی داناست.»

۶. همه از امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام و نیز ابن عباس روایت می‌کنند که مدّت حکومت اهل بیت علیهم السلام چند برابر مدّت دولت بنی امیه خواهد بود. شرح الاخبار ۲/ ۲۸۹ از ابوسالم می‌آورد: «در کوفه محضر حضرت امیر علیه السلام بودیم که فرمودند: من یکی از اسباطم و براساس حق می‌جنگم تا به پا داشته شود، ولیکن مادامی که حکومت دست ایشان است برپا نخواهد شد. هنگامی که اینان بسیار شوند و [برای رسیدن به قدرت] با هم رقابت کنند خداوند عزیز و جلیل اقوامی را از مشرق می‌فرستد و آنان را گروه گروه به هلاکت می‌رساند و ریشه کن می‌نماید. به خدا سوگند اینان اگر یک سال حکومت کنند، ما دو سال حکومت می‌کنیم، و اگر دو سال حکومت کنند، ما چهار سال حکومت خواهیم داشت. اگر بخواهم می‌توانم نام رهبران و منادیان گروه‌هایی که تا روز قیامت قیام می‌کنند را بگویم.

ابوسالم گوید: به دوستانم گفتم: حال که به شما خبر داد که حکومت از آن‌ان [معاویه و شامیان] خواهد بود، چرا اینجا بمانیم؟ گفتند: بدون هیچ دلیلی. لذا از ایشان اجازه گرفتیم تا رهسپار مصر شویم، ایشان هم اجازه دادند و گروهی از ما کنار حضرت باقی ماندند.»^۱

همان ۳/ ۹۶ نقل می‌کند: «امام حسن علیه السلام از کنار حلقه‌ای از مردم که تنی چند از بنی امیه نیز میان آنها بودند عبور کرد، آنان با چشم به ایشان اشاره کردند، و این هنگامی بود که معاویه با ستم حکومت را به دست آورده بود. امام علیه السلام حرکت آنان را دیدند و پس از خواندن دو رکعت نماز به سراغ آنها آمدند. آنها تا ایشان را دیدند که به سمتشان می‌رود، جایشان را تغییر دادند، ایشان فرمودند: همان طوری که بودید بنشینید که من قصد نشستن ندارم، اما دیدم به من اشاره کردید، به خدا قسم اگر شما یک روز حکومت کنید، ما دو روز حکومت

۱. و نیز الفتن ۱/ ۱۹۳، الملاحم و الفتن ۳۱/ ۱۷۵ و ۳۳۹، کنز العمال ۱۱/ ۳۶۴، البدایة و النهایة ۶/ ۲۷۴ و تاریخ الخلفاء ۱۱/

خواهیم داشت، اگر شما یک ماه، ما دو ماه و اگر یک سال ما دو سال. ما در حکومت شما می خوریم، می آشامیم، می پوشیم، بر مرکب می نشینیم و ازدواج می کنیم، اما شما در حکومت ما نمی خورید، نمی آشامید، نمی پوشید و ازدواج نمی کنید.

یکی گفت: ابو محمد! چگونه ممکن است و حال آنکه شما سخی ترین و مهربانترین مردمید؟ شما در حکومت اینان در ایمنی به سربرید، لیکن اینان در حکومت شما چنین نباشند!

امام مجتبی علیه السلام فرمودند: زیرا اینان با مکر شیطان - که ضعیف و سست است - با ما دشمنی می کنند، ولی ما با مکر خداوند - که سخت و شدید است - با ایشان دشمنی می کنیم.^۱

پیش از این نیز سخن ابن عباس در جواب معاویه که خود را در مقابل اهل بیت علیهم السلام مهدی معرفی می کرد گذشت که گفت: «اما اینکه به حکومت ناپایداری که به باطل بدان دست یافتی مباهات می کنی؛ بدان که پیش از توفرعون نیز بدان دست یافته بود و خداوند او را هلاک کرد. شما بنی امیه اگر یک روز سلطنت کنید، ما پس از شما دوروز حکومت خواهیم کرد، اگر شما یک ماه، ما دو ماه، و اگر شما یک سال، ما دو سال.»^۲

۷. خواندن این دعا برای امانان معصوم علیهم السلام از جمله امام زمان معه السلام مستحب است: «اللهم کن لولیک (الحجة بن الحسن) فی هذه الساعة وفی کل ساعة ولیاً وحافظاً وقائداً وناصراً ودليلاً وعیناً حتی تسکنه أرضک طوعاً وتمتعه فیها طویلاً.»^۳

و این عبارت: وتمتعه فیها طویلاً، او را مدتی طولانی در زمین بهره مند ساز؛ با حکومتی کوتاه به مانند هفت سال متناسب نیست.

کافی ۴ / ۱۶۲: «محمد بن عیسی از صالحین علیهم السلام روایت می کند که فرمودند: در شب بیست و سوم ماه رمضان در حال سجود و قیام و جلوس و هر حالتی، و [بلکه] در تمامی این ماه، و هر نحو و زمانی که برایت میسر بود این دعا را تکرار کن؛ بعد از حمد و سپاس

۱. و نیز مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ۳ / ۱۷۵ و بحار الانوار ۴۴ / ۹۰

۲. و نیز الدر المنثور ۲ / ۱۷۳ از زبیر بن بکار و اخبار الدولة العباسیة ۵۲

۳. مصباح المتعجد ۶۳۰

خدای تبارک و تعالی و درود فرستادن بر رسول خدا ﷺ می‌گویی: اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا، وَقَائِدًا وَعَيْنًا، حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

۸. در روایات ما آمده است که آن حضرت سیصد و نه سال به تعداد سال‌های درنگ اهل کهف در کهف حکومت خواهد داشت.

دلائل الامامة / ۲۴۱ از ابوالجارود نقل می‌کند: «از امام باقر (ع) درباره‌ی زمان قیام قائم (ع) سؤال نمودم و ایشان فرمودند: ای ابوالجارود! آن زمان را نخواهی یافت. گفتیم: اهل آن دوران را چگونه؟ فرمودند: حتی آنان را نیز هرگز درک نخواهی کرد. قائم ما پس از نومیثی شیعیان قیام می‌کند. سه [روز] مردم را فرا می‌خواند ولی احدی پاسخش را نمی‌دهد، در روز چهارم دست در پرده‌های کعبه می‌آویزد و عرضه می‌دارد: پروردگار من! یاری ام کن، و درخواست آورد نمی‌شود. آنگاه خدای تبارک و تعالی فرشتگانی را که پیامبر ﷺ را در بدر یاری رسانده بودند، و هنوز زین‌هایشان را نیافکنده، و سلاح‌هایشان را بر زمین نهاده‌اند فرمان می‌دهد، آنها هم می‌آیند و با ایشان بیعت می‌کنند، سپس سیصد و سیزده مرد از مردم بیعت خواهند نمود.

آنگاه به مدینه می‌رود و هزار و پانصد قریشی که همه حرامزاده‌اند را به هلاکت می‌رساند... و قصر مدینه را ویران خواهد ساخت.

آنگاه رهسپار عراق می‌شود. شانزده هزار نفر از بتریه^۱ غرق در سلاح برایشان خروج می‌کنند، همه قاری قرآن و فقیه در دینند، پیشانی‌هایشان را [در اثر کثرت عبادت] مجروح کرده‌اند و دامن‌هایشان را بالا زده‌اند، و نفاق همه‌شان را در برگرفته است، آنان می‌گویند: ای پسر فاطمه! بازگرد که ما هیچ نیازی به تونداریم!

ایشان هم از عصر تا شام دوشنبه در پشت نجف آنان را می‌کشند - و سریع‌تر از کشتن یک

۱. بتریه در اصل گروهی از زیدیان بودند که ولایت و امامت حضرت امیر (ع) را با اعتقاد به خلافت ابوبکر و عمر آمیختند (المقالات والفرق / ۷۴-۷۳). آنان در اصول معتزلی و در فقه حنفی هستند (الملل والنحل / ۱۶۲-۱۶۱). لیکن در این روایت مقصود کسانی هستند که برائت و بی‌زاری جستن از دشمنان اهل بیت (ع) را برنتابیده‌اند. م

شتراین کار را انجام می دهد ـ کسی از آنان نجات نمی یابد، و احدی از یاران امام آسیبی نمی بیند. خون های ایشان موجب قرب به خداست.

سپس وارد عراق می شوند، و آنقدر از جنگجویان آن می کشد که خداوند رضایت دهد. ابوالجارود گوید: این قسمت فرمایش امام باقر علیه السلام را نفهمیدم، از این رو گفتم: فدایت شوم، از کجا آگاهی می یابد که خداوند رضایت داده است؟ فرمودند: ای ابوالجارود! خدا به مادر موسی وحی کرد، و او از مادر موسی بهتر است، خداوند به نحل وحی نمود و او از آن بهتر است، حال متوجه شدی؟ عرضه داشتیم: آری.

در ادامه فرمودند: قائم سیصد و نه سال حکومت خواهد نمود، همان قدر که اهل کهف در آن درنگ کردند، و زمین را آنسان که از ستم و بیداد آکنده شده، از داد و عدل آکنده خواهد ساخت، و خداوند برای اوشرق و غرب زمین را فتح خواهد نمود. او چنان می کشد که تنها دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله باقی ماند.

او به شیوهی سلیمان بن داود رفتار خواهد کرد، خورشید و ماه را ندا خواهد نمود و آن دو جواب خواهند داد، و زمین برای او در هم خواهد پیچید و خداوند به او وحی خواهد نمود، او هم به فرمان خدا عمل خواهد کرد.^۱

مؤید این روایت ـ که صریح در این مضمون است ـ روایتی دیگر است که سندی صحیح و متنی پیچیده دارد، منابعی از جمله تفسیر عیاشی ۲/ ۳۲۶ از جابر بن یزید روایت می کنند: «امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند مردی از ما اهل بیت پس از مرگ، سیصد و نه سال حکومت خواهد کرد.

عرضه داشتیم: چه زمانی؟ فرمودند: پس از آنکه قائم از دنیا رود. پرسیدم: قائم چند سال در عالم درنگ خواهد نمود؟ فرمودند: از روز قیام تا مرگ نوزده سال.

عرض کردم: پس از اوفتنه رخ خواهد نمود؟ فرمودند: آری، مدّت پنجاه سال، آنگاه منصور [منتصر] به دنیا باز می گردد و به خونخواهی خود و یارانش می پردازد، می کشد و اسیر می کند

۱. و نیز رک به غیبت شیخ طوسی ۲/ ۲۸۳، الصراط المستقیم ۲/ ۲۶۳ می نگارد: در کتاب علی بن حسان واسطی نقل می کند: قائم سیصد و نه سال حکومت خواهد نمود.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

چنانکه مردم گویند: اگر او از دودمان پیامبران بود، اینچنین مردم را نمی‌کشت. لذا همه [برای جنگ با او] جمع می‌شوند و او را مجبور می‌کنند که به حرم الهی پناه برد، و چون دایره‌ی بلا بر او تنگ شود از دنیا می‌رود. سپس سفاح به جهت انتقام‌گیری برای او به دنیا رجوع می‌کند، و تمامی دشمنان ستمکار ما را به هلاکت می‌رساند، و بر تمام زمین حاکم می‌شود، خداوند او را سامان می‌دهد، و او سیصد و نه سال خواهد زیست.

امام عجل الله تعالی فرجه در ادامه فرمودند: ای جابر! آیا می‌دانی منتصرو سفاح کیانند؟ منتصر امام حسین است و سفاح امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه.

نگارنده: در روایت پیشین سیصد و نه سال حکومت مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بود، ولی در این روایت به امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه. روایت پیچیده است و شاید دچار خلل باشد، زیرا متن آن مضطرب است و برخی فقرات آن با ترتیب مشهور وقایع پس از حکومت آن حضرت مخالفت دارد، و البته این اضطراب، قسمت‌های دیگر روایت - از جمله مدّت حکومت - را از درجه‌ی اعتبار ساقط نمی‌کند.

منظور از موت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در این روایت ظاهراً غیبت ایشان است، و اطلاق مجازی است، چنانکه از روایت غیبت شیخ طوسی / ۲۸۲ آشکار می‌شود: «ابوسعید خراسانی گوید: از امام صادق عجل الله تعالی فرجه پرسیدم: آیا مهدی و قائم یکی هستند؟ فرمودند: آری، عرضه داشتم: چرا مهدی نام دارد؟ فرمودند: زیرا به هرپنهانی راه می‌نماید، و قائم نام گرفته چون پس از آنکه می‌میرد، قیام می‌کند و امری سترگ را برپا می‌دارد.»

شیخ طوسی رحمه الله چند سطر بعد می‌فرماید: «در باره‌ی این چنین روایاتی باید گفت که مقصود از موت، از یاد رفتن و به فراموشی سپرده شدن است، و بیشتر مردمان می‌پندارند استخوان‌های آن حضرت پوسیده است، آنگاه خداوند او را آشکار می‌کند همان طور که عزیرا پس از مرگ حقیقی حیات داد، و چنین توجیهی در احادیث نیکوست.»

کمال الدین ۲ / ۳۷۸ نقل می‌کند: «از امام جواد عجل الله تعالی فرجه در مورد وجه تسمیه‌ی قائم پرسیدند و ایشان فرمودند: زیرا پس از مرگ یادش قیام می‌کند.»

همین مضمون در مختصر بصائر الدرجات / ۱۸ و ۱۰۶ آمده است: «بریده گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمودند: هنگامی که اتم از مهدی مأیوس شوند، و او یکباره همانند خورشید جلوه کند، و اهل آسمان و زمین بدو مسرور شوند چه خواهی کرد؟ عرض کردم: یا رسول الله! بعد از مرگ؟ فرمودند: به خدا قسم که پس از مرگ هدایت، ایمان و نور خواهد بود. گفتم: ای پیامبر خدا! کدامین دو عمر طولانی تر است؟ فرمودند: دومی دو چندان است.^۱

علامه‌ی مجلسی رحمه الله بر این باورند که سؤال بریده درباره‌ی ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف بعد از مرگ مردم است، نه پس از آنکه خود ایشان از دنیا روند، محقق مامقانی نیز در تنقیح المقال ۲/ ۲۶۴ آن را به از دنیا رفتن امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور و فتح عالم، و بازگشت دوباره به دنیا تفسیر می‌نماید، لیکن هراین دو تفسیر بعید است.

و به عنوان تأیید آنچه راجح دانستیم، روایت امام باقر عجله الله تعالی فرجه الشریف در دلائل الامامة که پیشتر گذشت، کافی است: «قائم سیصد و نه سال به تعداد سال‌های درنگ اصحاب کهف درون آن، حکومت خواهد نمود.»

شیخ حر عاملی رحمه الله نیز همین مطلب را احتمال می‌دهد، ایشان در الایقاظ / ۳۳۷ می‌نویسد: «احتمال آن می‌رود که مجموع سیصد و نه سال دوران حکومت امام عجله الله تعالی فرجه الشریف باشد.»

اصل اشکال از این عبارت ناشی شده است که: «عرضه داشتم: چه زمانی؟ فرمودند: پس از موت قائم عجله الله تعالی فرجه الشریف. پرسیدم: قائم چند سال در عالم درنگ خواهد نمود تا آنکه از دنیا رود؟ فرمودند: نوزده سال.» که شاید در آن افتادگی و اصل آن چنین باشد: پس از غیبت قائم عجله الله تعالی فرجه الشریف. سؤال دوم او نیز برای ما مفهوم نیست، از این رو متن آن را پیچیده خواندیم.

نکاتی چند

۱. منشأ احادیثی که مدت حکومت امام عجله الله تعالی فرجه الشریف را هفت سال بیان می‌دارد، آن است که از رسول گرامی صلی الله علیه و آله درباره‌ی آن پرسیدند و ایشان دو انگشت از یک دست را به انگشتان دست دیگر ضمیمه کردند و آن را نشان دادند، از این رو روایان آن را به هفت سال تفسیر نمودند، و در نوشتار عربی اشتباه شدن هفت [سبع] و نه [تسع] که بسیار به یکدیگر نزدیکند شایع است. لیکن چه

۱. و نیز دلائل الامامة / ۲۵۰

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیک
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیک

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیک

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیک

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیک

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیک در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بسا پیامبر صلی الله علیه و آله مثلاً هفت مرحله و یا هفتاد سال را قصد نموده اند ولی آنها چنین برداشت کرده اند. حاکم در المستدرک ۴ / ۵۷۷ از ابوسعید نقل می کند - و بنا بر شرط مسلم صحیح می شمارد - که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مهدی از ما اهل بیت است. بینی اش برجستگی دارد و پیشانی اش بلند است. او زمین را از عدل و داد خواهد آکند، همان سانی که از ستم و جفا مملو شده است. او این مقدار - و دست چپ را به همراه دو انگشت مسبحه و ابهام دست راست گشودند - خواهد زیست»^۱

المعجم الاوسط ۱۰ / ۲۰۹ از ابوسعید: «... و این مقدار - و ایشان دست راست خود را به همراه دو انگشت [از دست چپ] باز کردند - خواهد زیست»^۲

ابویعلی در مسند ۱۲ / ۱۹ از ابوهریره نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت به پا نمی شود مگر بعد از آنکه مردی از اهل بیتم خروج کند. او مردمان را می زند [و وامی دارد] تا به حق بازگردند. پرسیدم: چند سال؟ فرمودند: پنج و دو، گفتم: یعنی چه؟ گفتند: نمی دانم»^۳ نگارنده: این عمل آن حضرت به هفت برهه و مرحله اشاره دارد، گرچه منشأ توهم هفت سال شده است، البته احتمال آن نیز می رود که به جهت دگرگونی زندگی مردم، زمان در روزگار آن حضرت تغییر یابد، و این عمل بدان اشارت داشته باشد. در هر صورت روایتی که متضمن هفت سال می باشد با روایات بسیاری - که برخی از آنها تا سیصد و نه سال را بیان می دارد، و نزد ما رجحان دارد - معارض است.

۲. احتمال آن می رود که برخی راویان دچار اشتباه شده و میان پیمان آتش بسی که بین امام عجل الله تعالی فرجه الیک و رومیان بسته می شود و هفت سال به طول می انجامد، خلط کرده اند، از این رو مدت حکومت ایشان را هفت سال پنداشته اند!

المعجم الكبير ۸ / ۱۰۱ و ۱۲۰ از ابی امامه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «میان شما و رومیان چهار بار آتش بس به وقوع خواهد پیوست. چهارمین آنها به دست مردی از خاندان هرقل واقع می شود و هفت سال به طول خواهد انجامید. در این هنگام

۱. و نیز جمع الفوائد ۳ / ۱۸۱

۲. و نیز فرائد السمطين ۲ / ۳۳۰

۳. و نیز مجمع الزوائد ۷ / ۳۱۵، مغربی نیز در رد ابن خلدون / ۵۵۷ آن را موثق می شمارد.

مستورد بن خیلان که از عبد القیس بود عرضه داشت: یا رسول الله! آن روز چه کسی امام مسلمانان خواهد بود؟ ایشان فرمودند: مهدی از فرزندان من که [به ظاهر] چهل سال دارد، چهره‌ی او پسان ستاره‌ای درخشان است و در گونه‌ی راستش خالی سیاه وجود دارد، دوردای سفید در بردارد، و [در زیبایی و جمال] به مردان بنی اسرائیل می‌ماند. او بیست سال حکومت خواهد نمود و گنج‌ها را آشکار کرده، سرزمین‌های شرک را فتح خواهد نمود.^۱

الفتن ۱ / ۳۹۱ از محمد بن حنفیه: «از میان بنی هاشم کسی به خلافت می‌رسد و در بیت المقدس فرود خواهد آمد. او زمین را از عدالت آکنده خواهد ساخت، و بیت المقدس را به گونه‌ای بنا خواهد نمود که احدی چنان نکرده است، و چهل سال حکومت خواهد داشت. آتش پس باروم به دست او و در هفت سال پایانی دولت او خواهد بود.

پس از آن، آنان به او نیرنگ می‌زنند و در عمق [شام] برضد او تجمع می‌کنند. او هم از شدت اندوه از دنیا می‌رود. پس از او کسی [دیگر] از بنی هاشم به حکومت می‌رسد که آنها را شکست داده و قسطنطنیه، و در پی آن روم را فتح خواهد کرد. او گنج‌های آنجا و سفره‌ی سلیمان بن داود را آشکار می‌کند، و بعد از آن به بیت المقدس رفته در آن فرود خواهد آمد. دجال در دوران او خروج می‌کند. عیسی بن مریم نیز فرود آمده پشت سراو نماز می‌گذارد.»

نگارنده: روایت الفتی ابن حماد مردود و غیر قابل قبول است، زیرا ساخته و پرداخته‌ی ذهن راوی است و آن را به محمد بن حنفیه رضی الله عنه نسبت داده است.

عظمت حکومتی که خداوند به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عطا می‌کند

احادیثی که بیانگر حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مشارق و مغارب، و آکنده ساختن زمین از داد و عدل است، نزد همه متواتر می‌باشد، و امری است که نه در تاریخ پیامبران و نه در ادوار اوصیاء سابقه ندارد.

۱. مشابه آن در مسند الشامیین ۲ / ۴۱۰، عقد الدرر ۱۵ / از ابونعیم و نیز ۳۶ / الاصابة ۶ / ۷۱ و ۳ / ۴۰۷، اسد الغابة ۴ / ۳۵۳، الفصول المهمة ۲۹۸ / جمع الجوامع ۱ / ۵۴۵، الصواعق المحرقة ۹۸ / البیان ۵۱۴، فرائد السمطين ۲ / ۳۱۴، كشف الغمة ۳ / ۲۶۰، اثبات الهداة ۳ / ۵۹۳، بحار الانوار ۵۱ / ۸۰، مجمع الزوائد ۷ / ۳۱۹ و لسان المیزان ۴ / ۳۸۳ - البته این دو کتاب این روایت را رد و یا تضعیف کرده‌اند و لیکن تمام اسناد روایت را بررسی نکرده‌اند -.

دلائل الامامة: «خداوند شرق و غرب زمین را برای او فتح خواهد نمود... خورشید و ماه را فرامی خواند، و آن دو او را پاسخ می دهند. زمین برای او درنور دیده می شود، و خدا به او وحی می نماید، او هم به فرمان خدا عمل می کند.»

خصال / ۲۴۸ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می کند: «خداوند تبارک و تعالی از میان پیامبران تنها چهار نفر را در زمین پادشاهی داد؛ ذوالقرنین که عیاش نام دارد، داود، سلیمان و یوسف علیهم السلام. عیاش بر ما بین مشرق و مغرب حکومت کرد، داود و سلیمان از شامات تا اصفخر، و یوسف بر مصر و بیابان های آن حاکمیت داشت، و نه بیشتر.»

شیخ صدوق رحمه الله در ادامه می نگارد: «این روایت این گونه به ما رسیده است، لیکن صحیح و باور من آن است که ذوالقرنین پیامبر نبوده، بلکه بنده ای شایسته و خدا دوست بوده که خدا نیز او را دوست داشته است، او در راه خدا خیرخواهی می کرده، و خداوند نیز خیر او را خواسته است، امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه می فرماید: کسی مانند ذوالقرنین در میان شما نیز هست. ذوالقرنین پادشاهی بوده که خداوند او را فرستاده، نه پیامبر بوده و نه جانشین پیامبر، همانند طالوت، خداوند می فرماید: **وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا**، 'پیامبرشان به آنان گفت: همانا خداوند طالوت را به پادشاهی برای شما فرستاده است.

و جایز است نام کسی که پیامبر نیست در میان پیامبران ذکر شود، همان گونه که در زمره ی فرشتگان شیطان که فرشته نیست ذکر شد، خدا می فرماید: **وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ**، و آنگاه که به فرشتگان گفتیم بر آدم به سجده درآیید، آنها هم به سجده افتادند، مگر ابلیس که از جنیان بود.»

کمال الدین ۱ / ۲۸۲ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه نقل می کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امامان پس از من دوازده تن هستند. یا علی! نخستین آنان توهستی، و آخرین آنها قائم است که خدای عزوجل مشارق و مغارب زمین را بردستان او فتح خواهد نمود.»^۳

۱. سوره ی بقره / ۲۴۷

۲. سوره ی کهف / ۵۰

۳. و نیز عیون اخبار الرضا عجل الله تعالی فرجه / ۱، ۵۶، امالی صدوق / ۹۷ و ۵۲، روضة الواعظین / ۱۰۲، مناقب آل ابی طالب عجل الله تعالی فرجه / ۱، ۲۹۸، اثبات الهداة / ۱، ۶۱۶ و نوادر الاخبار / ۱۲۸

تفسیر قمی ۲ / ۸۷ از ابوالجارود روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی: **الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ** وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ،^۱ کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامدارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه‌ی کارها از آن خداست، فرمودند: این آیه درباره‌ی آل محمد علیهم السلام است. خداوند مشارق و مغارب زمین را به ملک مهدی و یارانش در خواهد آورد. او دین را آشکار خواهد ساخت، و خدا به دست او و اصحابش بدعت و باطل را خواهد میراند - هم چنان که نادانان حق را از بین بردند -، تا آنجا که اثری از ظلم باقی نماند.»^۲

تفسیر عیاشی ۱ / ۱۸۳ از رفاعه بن موسی روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه ی: **وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ**،^۳ هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سرب‌به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می‌شوند، فرمودند: چون قائم علیه السلام قیام کند هیچ زمینی نخواهد ماند مگر آنکه در آن گواهی لا اله الا الله و محمد رسول الله ندا می‌شود.»

همان ۱ / ۱۸۳ از ابن بکیر روایت می‌کند: «از امام کاظم علیه السلام درباره‌ی این آیه پرسیدم و ایشان فرمودند: در مورد قائم نازل شده است. چون قیام کند یهود، نصاری، صابئین، زندیقان، مرتدان و کفار را از شرق و غرب زمین احضار می‌کند و اسلام را بر آنها عرضه می‌دارد. پس هر کس را که با رغبت اسلام آورد، به نماز و زکات و دیگر اموری که بر او واجب است فرمان می‌دهد، و هر آنکه را از پذیرش اسلام ابا کند گردن می‌زند، تا آنکه در مشارق و مغارب تنها موخدان باشند.»

من گفتم: مردمان بیش از آنند [که بتوان آنان را وادار نمود]. امام علیه السلام فرمودند: هنگامی که خداوند امری را اراده کند بسیار را اندک و اندک را بسیار خواهد نمود.»^۴

۱. سوره ی حج / ۴۱

۲. و نیز تأویل الآیات / ۱، ۳۴۳، اثبات الهداة / ۳، ۵۶۳ و بحار الانوار / ۲۴، ۱۶۵

۳. سوره ی آل عمران / ۸۳

۴. و نیز اثبات الهداة / ۳، ۵۴۹ و بحار الانوار / ۵۲، ۳۴۰

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نگارنده: امام عجل الله تعالی فرجه برای مردم حق را آشکار می‌سازد و اتمام حجت می‌کند.

ارشاد / ۳۶۴ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند به عدالت حکم خواهد نمود. ستم در روزگار او رخت بر خواهد بست. راه‌ها ایمن خواهد شد. و زمین برکات خود را آشکار خواهد ساخت. او حق هر کسی را به او باز خواهد گردانید، و پیروان هیچ دینی نخواهند بود مگر آنکه اسلام آورند و به ایمان اعتراف نمایند، آیا نشنیده‌ای که خداوند سبحان می‌فرماید: وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.

او به حکم داود و حضرت محمد عجل الله تعالی فرجه میان مردم قضاوت خواهد نمود. در آن زمان است که زمین گنج‌ها و برکاتش را خواهد نمایاند، و کسی از شما جایی برای صدقه و انفاق نخواهد یافت، زیرا همه‌ی مؤمنان بی‌نیاز خواهند بود.

در ادامه فرمودند: حکومت ما آخرین حکومت هاست، و تمام خاندان‌هایی که به حکومت می‌رسند پیش از ما خواهند بود، تا مبادا وقتی روش حکمرانی ما را ببینند بگویند: اگر ما نیز حکومت می‌کردیم به مانند اینان رفتار می‌نمودیم، این همان فرموده‌ی خداوند است: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، 'و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است.'^۲

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۳ از ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایتی را نقل می‌کند که در پاره‌ای از آن آمده است: «آنگاه متوجه کابل شاه می‌شود و آن شهری است که احدی نتوانسته آن را فتح کند، و تنها اوست که آن را فتح خواهد نمود. پس از آن به سمت کوفه می‌آید و در آن منزل می‌گزیند، و هفتاد قبیله از قبائل عرب را از میان می‌برد.

در روایتی دیگر آمده است: او قسطنطنیه، روم و چین را فتح خواهد نمود.»^۳

ینابیع المودة / ۳ / ۲۳۸ از جابر بن عبدالله نقل می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مهدی از فرزندان من است. هموست که خداوند به دست او مشارق و مغارب زمین را فتح خواهد کرد، و اوست که از دوستانش غائب می‌شود، و تنها کسی که خداوند قلبش را برای ایمان

۱. سوره‌ی اعراف / ۱۲۸

۲. و نیز رک به روضة الواعظین / ۲ / ۲۶۵، اعلام الوری / ۴۳۲، کشف الغمة / ۳ / ۲۵۵، اثبات الهداة / ۳ / ۵۲۸ و بحار الانوار / ۵۲ / ۳۳۸

۳. و نیز منتخب الانوار / ۱۹۴ و بحار الانوار / ۵۲ / ۳۳۳

آزموده است بر اعتقاد به امامت او استوار خواهد ماند.»

در کتاب سلیم / ۱۵۲ و غیبت نعمانی / ۷۴ در قسمتی از حدیث مفصل شمعون بن حمون راهب - که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در بازگشت از صفین ملاقات نمود و کتبی را که به املاء حضرت عیسی (علیه السلام) بود با خود داشت - در بیان اوصاف پیامبر و امامان (علیهم السلام) است چنین آمده است: «تا آنکه خداوند مردی از عرب از نسل اسماعیل بن ابراهیم خلیل الله را از سرزمینی به نام تهامه و از منطقه ای که مکه نامیده می شود مبعوث دارد و او را احمد گویند. دیدگان او درشت و زیباست و ابروان او به هم پیوسته. او ناقه، الاغ، چوبدستی و تاج - یعنی عمامه - دارد، و برای او دوازده نام است.

آنگاه از مبعوث، مولد، هجرت، کسانی که با ایشان می جنگند، یاری کنندگان و دشمنان آن حضرت سخن به میان آورد، و نیز مدت زندگانی ایشان و آنچه امت بعد از ایشان با آن مواجه می شوند تا آنکه خداوند عیسی بن مریم را از آسمان فرو فرستد.

وی ادامه داد: در آن کتاب سخن از سیزده مرد از نسل اسماعیل بن ابراهیم خلیل الله به میان آمده که بهترین آفریدگان و محبوب ترین آنان نزد خدایند، و خداوند ولی کسانی است که ولایت آنان را دارند و دشمن دشمنان آنهاست، هر که اطاعت آنان کند هدایت یابد، و هر که نافرمانی کند گمراه گردد. فرمانبری از آنان فرمانبری از خداست و سرکشی از آنان سرکشی از او.

در آن کتاب اسامی و انساب و اوصاف ایشان و مدت زندگی شان نیز آمده است. هم چنین کدامیک از آنان اعتقاد خود را از قومش مخفی نگاه می دارد و کدامیک آن را آشکار می سازد، تا آنکه عیسی بن مریم نزد آخرین ایشان فرود آید. عیسی (علیه السلام) می گوید: شما امامانی هستید که برای هیچ کسی شایسته نیست بر شما مقدم شود و جلو بیفتد، لذا او [آخرین] پیش می آید و عیسی در صف نخست پشت سر او نماز می گزارد. نخستین آنان [امامان] افضل آنهاست، و آخرین آنها همانند پاداش آنان و نیز پاداش کسانی را دارد که از ایشان فرمان می برند و به هدایت و ارشاد ایشان رهنمون می شوند... اولین نفر از ایشان که ظاهر می شود تمام زمین های خدا را از عدل و داد آکنده می سازد، و ما بین مشرق و مغرب را

تحت فرمان و حکومت خویش در می آورد تا آنکه خداوند او را بر همه ی ادیان غالب سازد.»
در عنوان دگرگونی و پیشرفت علوم خواهد آمد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه سوار ابر می شوند،
و به راه های آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه می روند، که پنج تای آنها آباد است و
دو تا ویران.^۱

هم چنین خواهد آمد که زمین با دیگر سیارات ارتباط برقرار خواهد نمود.

و نیز در فصل آیات سخن از عظمت حکومت ایشان خواهد آمد، آیتی چون: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ
رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،^۲ او کسی است که پیامبرش
را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر تمامی ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش
نداشته باشند.

و نیز: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا
يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا،^۳ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده
است که حتماً آنان را در زمین جانشین [خود] قرار دهد - همان گونه که کسانی را که پیش از آنان
بودند جانشین [خود] قرار داد - و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند،
و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.
وَقَالُوا لَهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ،^۴ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد، و دین،
مخصوص خدا شود.

هم چنان که شایسته است به تفسیر اهل بیت علیهم السلام درباره ی ملک عظیم - در آیه ی:
أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ
مُلْكًا عَظِيمًا،^۵ بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند،

۱. رک به اختصاص ۱۹۹/

۲. توبه / ۳۳

۳. نور / ۵۵

۴. بقره / ۱۹۳

۵. نساء / ۵۴

در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم - اشاره کنیم و اینکه ملک عظیم حق اطاعت لازم و مفروضی است که پیامبر و خاندانش علیهم السلام دارند، و از هر آنچه خداوند به پیامبران دیگر علیهم السلام داده است بالاتر می باشد.^۱

آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف شهید می شوند و یا اینکه به طور طبیعی از دنیا می روند؟

پیشتر نسبت به عموم حدیث «ما منّا إِلَّا مقتول أو مسموم، هیچ یک از ما نیست مگر آنکه [با شمشیر] به قتل می رسد و یا مسموم می گردد» تردید داشتیم، لیکن اخیراً به صحت و شمول این حدیث نسبت به امامان دوازده گانه علیهم السلام اطمینان یافتیم.

بنابراین امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز با سم به شهادت می رسند، اما حکومت پس از ایشان نیز باقی و پایدار خواهد بود. و صحیح است که امام حسین علیه السلام عهده دار تجهیز و نماز بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف خواهند شد. سید الشهداء علیه السلام بعد از ایشان بلافاصله حکومت خواهند کرد، آنگاه دوازده مهدی از نسل امام حسین علیه السلام و یا از نسل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف حکمرانی خواهند داشت، و در ادامه رجعت و بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله و... خواهد بود.

پنج حدیث بر شهادت امام عجل الله تعالی فرجه الشريف دلالت دارد که در میان آنها صحیح السند نیز هست. کفایة الاثر / ۱۶۰ از هشام بن محمد از پدرش روایت می کند: «هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسیدند امام حسن علیه السلام بر فراز منبر رفتند، چون خواستند تکلم کنند گریه گلویشان را گرفت، آنگاه مدتی نشستند، و بعد برخاسته فرمودند: حمد خدایی را که در اولیت خود یگانه است...»

سپاس خداوندی را که با اعطاء خلافت بر ما اهل بیت احسان نمود. ما عزای خود در مصیبت بهترین پدران یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را - که مصیبت آن دامنگیر شرق و غرب شد - به حساب خدا می گذاریم [و از او پاداش خواهیم گرفت]، همانا جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند که دوازده امام از اهل بیت و برگزیدگان [خاندان] ایشان عهده

۱. بصائر الدرجات / ۵۵

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دار امامت خواهند بود، هیچ یک از ما نیست مگر آنکه [با شمشیر] به قتل می رسد و یا مسموم می گردد. »

همان / ۲۲۶ از جناده بن ابی امیه روایت می کند: « در آن بیماری که امام حسن بن علی علیه السلام در آن به شهادت رسید نزد ایشان رفتم. در حضور آن حضرت طشتی بود که خون در آن می ریخت، و جگرش پاره پاره در آن می افتاد. این به جهت سمی بود که معاویه لعنه الله [توسط جعه] به ایشان داده بود. عرضه داشتیم: مولای من! چرا خود را معالجه نمی کنی؟ فرمودند: ای بنده ی خدا! با چه چیزی مرگ را علاج کنم؟! من با شنیدن این مطلب گفتم: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.** »

سپس به من رو کردند و فرمودند: به خدا سوگند این عهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ماست که یازده^۱ امام از نسل حضرت علی و فاطمه علیهما السلام عهده داران امامت خواهند بود، و هیچ یک از ما نیست مگر آنکه [با شمشیر] به قتل می رسد و یا مسموم می گردد. آنگاه طشت را بردند و ایشان تکیه دادند.

من گفتم: یابن رسول الله! مرا موعظه کنید. ایشان پاسخ مثبت داده فرمودند: برای سfert آماده باش و توشه را پیش از فرارسیدن مرگ مهیا ساز، و بدان که تودر طلب دنیایی و مرگ به دنبال تو. آگاه باش که بیش از قوت خویش مالی را کسب نمی کنی مگر آنکه خزانه دار آن مال برای دیگران هستی. بدان که حلال دنیا مورد حساب و کتاب است، حرام آن عقوبت و مجازات در پی دارد، شبهات نیز عتاب و سرزنش را.

دنیا را بسان مرداری قرار ده و به مقدار کفایت خویش از آن بردار، که اگر حلال باشد در آن زهد ورزیده ای، و اگر حرام باشد موجب وزر و وبال نخواهد بود و گویا از مردار برداشته ای، و اگر [شبهه، و موجب] سرزنش باشد، آسان است... »

شیخ صدوق در امالی / ۱۲۰ و عیون اخبار الرضا علیه السلام / ۱ / ۲۸۷ از ابا صلت هروی نقل می کند: « از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: به خدا قسم هیچ کس از ما نیست مگر آنکه کشته

۱. در کفایه الاثر موجود دوازده امام آمده، ولی در نقل بهجة النظر علامه سید هاشم بحرانی رحمته الله / ۶۳ از کفایه، عبارت یازده که در متن ترجمه شد آمده است. م.

شده به شهادت می‌رسد. کسی پرسید: یابن رسول الله ﷺ! چه کسی شما را خواهد کشت؟ ایشان فرمودند: بدترین خلق خدا در زمان من، مرا با سم خواهد کشت و در خانه‌ای زیون و سرزمینی غریب به خاک خواهد سپرد.»

عیون اخبار الرضا ﷺ / ۲ / ۲۲۰ از آن حضرت چنین روایت می‌کند: «... و کسی از ما نیست مگر آنکه کشته می‌شود، و به خدا قسم من [نیز] با سم کشته می‌شوم، این امر را به وسیله‌ی عهد و پیمانی که از سوی پروردگار عزیز و جلیل جهانیان و به توسط جبرئیل به رسول خدا ﷺ و از جانب ایشان به من رسیده می‌دانم.

اما این فرموده‌ی خدای عزوجل: وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا^۱ و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است؛ بدان معناست که خداوند هیچگاه حجتی برای کافر بر زیان مؤمن قرار نخواهد داد. خداوند عزیز و جلیل به آنان خبر از کافرانی داده است که پیامبران را بدون هیچ حقی کشتند، و با وجود اینکه آنها را کشتند خداوند برای آنان هیچ راهی از طریق حجت بر زیان انبیائش قرار نداد.»

غیبت شیخ طوسی / ۳۸۸ از صفوانی نقل می‌کند: «حسین بن روح رضی الله عنه به من خبر داد که یحیی بن خالد امام موسی بن جعفر ﷺ را با بیست و یک دانه خرما مسموم کرد و بدین وسیله ایشان از دنیا رفتند، و نیز رسول خدا ﷺ و امامان ﷺ همه یا با شمشیر و یا با سم از دنیا رفتند. او هم چنین درباره‌ی امام رضا ﷺ گفت که ایشان و نیز فرزندان و نوادگان ایشان مسموم شدند.»

از این رو این باور که همه‌ی معصومین ﷺ یا با شمشیر و یا با سم به شهادت رسیده‌اند، باوری صحیح است. البته در این موضوع مباحثی است که مجال ارائه‌ی آن نیست.

پس از امام عصر ﷺ چه‌ها خواهد شد؟

زندگی در روزگار طلایی حضرت مهدی ﷺ وارد مرحله‌ای جدید و دیگرگونه می‌شود، و به عنوان نمونه‌های بارز آن می‌توان گشایش راه ارتباط با سایر عوالم و دیگر سیارات، زنده شدن

۱. سوره‌ی نساء / ۱۴۱

گروهی از اموات و نیز باز شدن درها به عالم آخرت را نام برد.

ارشاد ۲/ ۲۱۱ از عبد الکریم خثعمی روایت می‌کند: «به امام صادق علیه السلام گفتیم: قائم علیه السلام چند سال حکومت خواهد نمود؟ فرمودند: هفت سال؛ روزها و شب‌ها برای او چنان طولانی می‌شود که یک سال [حکومت] ایشان به مقدار ده سال از سال‌های شماست، از این رو حکومت آن حضرت هفتاد سال به سال‌های شماست. چون اوان قیام ایشان فرا رسد در ماه جمادی الآخرده روز از رجب بارانی خواهد بارید که خلائق همانند آن را ندیده‌اند، خداوند بدین وسیله گوشت‌ها و ابدان مؤمنان را در قبرها می‌رویاند. گویا می‌بینم آنها را که از سوی [قبیله‌ی] جهینه می‌آیند و خاک از موهایشان می‌روبند.»

استمرار حکومت اهل بیت علیهم السلام تا قیامت

غیبت طوسی / ۲۸۲ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «حکومت ما آخرین حکومت هاست، و تمام خاندان‌هایی که به حکومت می‌رسند پیش از ما خواهند بود، تا مبادا وقتی روش حکمرانی ما را ببینند بگویند: اگر ما نیز حکومت می‌کردیم به مانند اینان رفتار می‌نمودیم، این همان فرموده‌ی خداوند است: **وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ**، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است.»^۱

غیبت نعمانی / ۲۷۴ از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌نماید: «این امر [حکومت ما] نخواهد آمد مگر بعد از آنکه تمامی اصناف مردم [که قرار است حکومت کنند، پیشتر] به حکومت برسند، تا آنکه کسی نگوید اگر ما نیز به حکومت می‌رسیدیم به عدالت رفتار می‌نمودیم. پس از آن قائم به حق و عدل قیام می‌کند.»^۲

تفسیر عیاشی / ۱ / ۱۹۹ روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی: **وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ**،^۳ و ما این روزها را میان مردم به نوبت می‌گردانیم، فرمودند: از زمانی که خداوند آدم را آفرید دولتی برای خدا بوده و دولتی برای ابلیس، حال دولت خدا کجاست؟ بدانید آن

۱. و نیز زک به ارشاد / ۳۶۴، روضة الواعظین / ۲ / ۲۶۵، اعلام الوری / ۴۳۲، کشف الغمة / ۳ / ۲۵۵، اثبات الهداة / ۳ / ۵۲۸ و منتخب الانوار / ۱۹۴
۲. و نیز اثبات الهداة / ۳ / ۷۳۸ و بحار الانوار / ۵۲ / ۲۴۴
۳. آل عمران / ۱۴۰

[دولت خدا]، تنها قائمی واحد است.

کافی ۲۸۷/۸ روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام در مورد آیه ی: وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا،^۱ و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. باطل همواره نابودشدنی است، فرمودند: چون قائم قیام کند دولت باطل از میان می‌رود.»^۲

همان ۲۸۷/۸: «امام باقر علیه السلام درباره ی آیه ی: قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ. إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ،^۳ بگو: مزدی برای [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم [و به خدا نسبت دهم]، این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست، فرمودند: مقصود امیرالمؤمنین علیه السلام است [و اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خدا ایشان را وصی خود قرار دادند نه به رأی خویش].

و در مورد: وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُهُ بَعْدَ حِينٍ،^۴ و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست، فرمودند: هنگام خروج قائم عجل الله تعالی فرجه.

درباره ی: وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ،^۵ و به حقیقت ما به موسی کتاب دادیم، پس در مورد آن اختلاف شد، و اگر از جانب پروردگارت وعده‌ای پیشی نگرفته بود، قطعاً میان آنها داوری شده بود، و بی گمان، آنان درباره ی آن در شکی بهتان آمیزند، فرمودند: قوم موسی به اختلاف افتادند، همان سان که این امت در کتاب دچار اختلاف شدند، و هرآینه در مورد کتابی که قائم برایشان می‌آورد نیز اختلاف خواهند کرد، تا آنجا که بسیاری از مردم آن را انکار می‌کنند، لذا حضرت آنان را پیش می‌آورد و گردن هایشان را می‌زند.

در مورد سخن خدای عزیز و جلیل: أَمْرٌ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ،^۶ آیا برای آنان شریکانی است

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

۱. اسراء ۸۱/

۲. تأویل الآيات ۵۴۰/ ۲، اثبات الهداة ۴۵۱/ ۳، البرهان ۴۴۱/ ۲ و بحار الانوار ۶۲/ ۵۱ و ۲۴/ ۳۱۳

۳. سوره ی ص ۸۷ - ۸۶

۴. همان ۸۸/

۵. سوره ی هود ۱۱۰/

۶. سوره ی شوری ۲۱/

که در آنچه خدا بدان اجازه نداده، برایشان آیینی بنیاد نهاده‌اند؟ و اگر فرمان قاطع نبود مسلماً میانشان داوری می‌شد و برای ستمکاران شکنجه‌ای پردرد است، فرمودند: اگر آنچه پیشتر از جانب خداوند در مورد اینان گذشته است نبود، قائم عجل الله تعالی فرجه یک تن از آنها را باقی نمی‌گذارد. و درباره‌ی: **وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيِّمَ الدِّينِ**^۲ و کسانی که روز جزا را باور دارند، فرمودند: یعنی خروج قائم عجل الله تعالی فرجه [را باور دارند].

و نیز در مورد: **ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ**^۳، آنگاه عذرشان جز این نیست که می‌گویند: به خدا پروردگارمان سوگند که ما مشرک نبودیم، فرمودند: مقصود آنها آن است که به ولایت حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه مشرک نبودیم.

و درباره‌ی: **وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا**^۴ و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. باطل همواره نابودشدنی است، فرمودند: چون قائم قیام کند دولت باطل از میان می‌رود.^۵

شیخ صدوق در امالی / ۳۹۶ می‌نگارد: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه می‌فرمودند:

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْفُؤُونَهَا وَدَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ يَظْهَرُ

هر گروهی از مردم دولتی دارند که انتظار آن را می‌کشند، لیکن دولت ما در پایان روزگار جلوه خواهد کرد.^۶

پیشتر نیز گذشت که حکومت اهل بیت عجل الله تعالی فرجه استمرار می‌یابد، و نه دولتی بعد از آن خواهد بود و نه ظلمی.

۱. علامه‌ی مجلسی در توضیح این عبارت می‌نگارد: شاید مقصود از آنچه پیشتر گذشته، آن باشد که خداوند اراده نموده در قیامت آنان را عذاب نماید، و یا آنکه در نسل آنها مؤمنانی خواهند بود، و گرنه قائم عجل الله تعالی فرجه همه‌ی آنها را از میان می‌برد. م

۲. سوره‌ی معارج / ۲۶

۳. سوره‌ی انعام / ۲۳

۴. سوره‌ی اسراء / ۸۱

۵. و نیز تأویل الآیات / ۲ و ۵۱۰ و ۵۴۰، اثبات الهداة / ۳ و ۴۵۱، البرهان: ۲ / ۴۴۱ و بحار الانوار / ۲۴ و ۳۱۳ و ۶۹ و ۲۶۸

۶. و نیز روضة الواعظین / ۲ و ۲۶۷، اثبات الهداة / ۳ و ۵۵۹ و بحار الانوار / ۵۱ و ۱۴۳

چه کسانی بعد از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه حکومت خواهند نمود؟

دولت الهی که بردستان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شکل می گیرد صدها سال امتداد می یابد و در طول آن حیات دگرگون خواهد شد، پیامبر و امامان علیهم السلام به دنیا باز خواهند گشت و برخی از ایشان مدتی نیز حکومت خواهد نمود، هم چنان که خویشانی از نسل امام حسین و یا امام مهدی علیه السلام حکومت را به دست خواهند گرفت.

فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام هم در زمان آن حضرت خواهد بود. مسیح مدتی زندگی می کند و از دنیا می رود.

دجال در دوران حضرت مهدی علیه السلام خروج می کند و ایشان او را به هلاکت می رسانند. در احادیث آمده که حیات بر روی زمین با نشانه های قیامت - که شاید اولین آنها دابة الارض و آخرین آنها دمیدن در صور در آغاز قیامت باشد - پایان می پذیرد.

هم چنین صحیح است که امام حسین علیه السلام نخستین کسی است که رجعت می کند و به دنیا باز می گردد، «آنگاه قائم علیه السلام انگشتر را به امام حسین علیه السلام می دهد و ایشان است که غسل، کفن و حنوط امام مهدی علیه السلام را عهده دار می شوند، و در قبر می گذارند... پس آن قدر حکومت می کنند که در اثر سالمندی ابروانشان بر روی دیدگان می افتد.»^۱

روایاتی نیز در این باره وارد شده که پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه علاوه بر سیدالشهداء علیه السلام دوازده تن از نسل ایشان هم حکومت خواهند کرد، ولی در مورد زمان به حکومت رسیدن آنان و اینکه آیا پی در پی هستند یا نه، چیزی یافت نشد. البته این عبارت که از نسل امام حسین علیه السلام هستند اعم است از آنکه از فرزندان امام مهدی علیه السلام باشند و یا از دیگر فرزندان امام حسین علیه السلام.

مختصر بصائر الدرجات / ۱۸۲ از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند: «همانا پس از قائم علیه السلام دوازده مهدی از فرزندان امام حسین علیه السلام - که از میان ما هستند - خواهند بود.»
شرح الاخبار ۳/ ۴۰۰ از امام سجاد علیه السلام: «قائم ما قیام می کند، و بعد از او دوازده مهدی خواهند بود.»

در احادیث به صراحت بیان شده که اینان امام نیستند، بلکه حگامی هستند که مردمان را

۱. مختصر بصائر الدرجات / ۲۲، ۲۷ و ۴۸

به پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام دعوت می‌کنند، کمال الدین ۳۵۸/۲ از ابوبصیر نقل می‌کند: «خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر پیامبر! از پدرتان شنیدم که فرمودند: پس از قائم دوازده مهدی هستند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ایشان دوازده مهدی فرمودند، و نه دوازده امام، اینان گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به موالات و شناخت حقّ ما فرا می‌خوانند.^۱

در برخی روایات نیز تصریح شده که حجّت‌های الهی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تنها امامان دوازده گانه‌اند، و احدی جزایشان حائز این مقام نیست. احتجاج طبرسی ۸۱/۱ در ضمن خطبه‌ی غدیر رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل از امام محمد باقر علیه السلام می‌آورد: «ای گروه‌های مردمان! نور از سوی خدای عزوجل در من قرار دارد و پس از من در علی خواهد بود، و آنگاه در نسل او تا قائم مهدی، همو که حقّ خداوند و تمام حقوق ما را خواهد ستاند، زیرا خدای عزیز و جلیل ما را حجّت بر مقصّران، معاندان، مخالفان، خیانت کاران، گناهکاران و ظالمان تمامی جهانیان قرار داده است.

بدانید که آخرین امام از ما قائم مهدی است. او بر تمامی ادیان غالب خواهد شد. از ستمکاران انتقام خواهد گرفت. او دژها [ی گمراهی و کفر] را فتح و ویران خواهد نمود. تمامی قبائل اهل شرک را به هلاکت خواهد رساند. انتقام خون‌های اولیاء خدا را خواهد گرفت. او ناصر دین خدا، و کسی است که از دریایی ژرف و عمیق بر خواهد گرفت. آگاه باشید که او هر صاحب فضلی را به فضل او و هر نادانی را به جهل او علامت می‌گذارد.

او برگزیده و مختار خداوند، وارث و محیط به تمامی علوم، خبر دهنده‌ی از پروردگار عزوجل و آگاهی بخش درباره‌ی ایمان است.

بدانید که او راه یافته و استوار است، خداوند [امردین و دنیا را] به او واگذار نموده، و پیشینیان او به او بشارت داده‌اند.

او حجّتی است که بعد از او حجّتی دیگر نیست، و حقّی نیست مگر با او، و نوری مگر نزد او.

۱. و نیز مختصر بصائر الدرجات / ۲۱۱ و بحار الانوار ۵۳ / ۱۱۵ و ۱۴۵

آگاه باشید کسی براو غلبه نمی یابد، و هیچ کس در مقابل او یاری نمی گردد. همانا او ولی خداوند در زمین او، دادگر الهی در میان آفریدگان و امین او در نهان و آشکار است... بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که برایتان برشمارم و شما را از آنها بیگانهانم و در یک مجلس به حلال فرمان دهم و از حرام نهی نمایم.

من مأمورم تا به پذیرش و قبول آنچه از جانب خداوند عزیز و جلیل درباره ی علی امیرالمؤمنین و امامان پس از او - که از منند و من هم از ایشانم، همان کسانی که تا روز قیامت عهده داران منصب امامتند، و مهدی که به حق حکم می کند از آنهاست - آورده ام، از شما بیعت بستانم.^۱

در مقابل، روایتی با سندی ناتمام یافت می شود که دلالت می کند پس از امام مهدی علیه السلام دوازده تن از نسل او حکم می رانند و متنی مضطرب دارد. شخصی از اهالی بصره که احمد نام دارد با استناد به این حدیث خود را پسر، وصی و سفیر امام زمان علیه السلام معرفی می کند و می گوید نامش احمد، محمد و عبدالله است! و هم زمان مدعی می شود که یمانی نیز هست! ما در کتابی به نام دجال البصرة ابطال او را پاسخ دادیم و ردیه ای براو نگاشتیم، و گفتیم: مدعی وجه استدلال خود را بیان نکرده است، گرچه غرض او این قسمت از روایت است که سخن از سپردن وصیت از سوی حضرت مهدی علیه السلام در هنگام وفات، به پسرش اول المقربین - که سه یا چهار نام دارد و یکی از آنها احمد است، و احمد اسماعیل آن را بر خود منطبق می داند - به میان آورده است.

اما این سوء استفاده ی وی بدعتی رکیک و زشت می باشد، زیرا این روایت - اگر صحیح باشد - از این مطلب سخن می گوید که امام مهدی علیه السلام پس از ظهور و اقامه ی دولت عدل الهی، امامت را به پسرش می سپارد. از این روزمان آن ربطی به زمان کنونی ندارد! حال چگونه است که این شخص دروغ پرداز آن را در این زمان تصویر می کند، خود را ابن الامام می شمارد، و مدعی است که امامت را به هنگام احتضار آن حضرت دریافت خواهد کرد؟!

بنابراین نه زمان این امر بر زمان ما منطبق است، و نه شخصی که امام مهدی علیه السلام - حسب الفرض

۱. و نیز العدد القویة / ۱۷۶ و الصراط المستقیم ۱ / ۳۰۳ از کتاب الولاية ابو جعفر طبری

- وصیت را بدو می‌سپارد بر احمد اسماعیل قاطع، لیکن وی زمان‌ها و انساب را درمی‌نوردد!!!
 مطلب دیگری که بر فرض صحت حدیث می‌آید آن است که امام عجل الله تعالی فرجه حکومت را به پسرش یعنی فرزند بدون واسطه واگذار می‌کند، اما احمد اسماعیل خود اعتراف دارد که فرزند بلا واسطه نیست، بلکه از ذریه‌ی امام می‌باشد!

با تمام این مطالب باید گفت سند روایت بر اساس مبانی جرح و تعدیل دچار خلل است، شیخ حر عاملی رحمه الله در این باره می‌نویسد: «شیخ در کتاب غیبت در زمره‌ی احادیثی که از طرق سنیان آورده آن را نقل کرده است.»^۱

علت آن نیز این است که افرادی مجهول که مورد توثیق رجالیان قرار نگرفته‌اند در سند هستند، کسانی چون: علی بن سنان موصلی، احمد بن محمد بن خلیل و جعفر بن احمد بصری.
 علاوه بر آنکه با روایتی دیگر که نسل داشتن امام عصر عجل الله تعالی فرجه را انکار می‌نماید نیز در تعارض است، شیخ طوسی در غیبت / ۲۲۳ از حسن بن علی خزاز روایت می‌کند: «علی بن ابی حمزه^۲ نزد امام رضا عجل الله تعالی فرجه رفت و گفت: شما امامید؟ ایشان فرمودند: آری، ابن ابی حمزه گفت: من از جدّ جعفر بن محمد شنیدم که فرمود: هیچ امامی نیست مگر آنکه نسلی دارد.

امام رضا عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای شیخ! فراموش کرده‌ای یا خود را به فراموشی زده‌ای؟ امام صادق عجل الله تعالی فرجه چنین نفرمودند، بلکه فرمودند: هیچ امامی نیست مگر آنکه نسلی دارد، به جز امامی که امام حسین عجل الله تعالی فرجه در دوران او باز می‌گردد که آن امام نسلی ندارد، ابن ابی حمزه گفت: فدایت شوم، راست گفתי همین را از جدّ شنیدم.»

آن امامی که سیدالشهداء عجل الله تعالی فرجه در زمان او رجوع می‌نماید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.
 نتیجه: آنچه یقینی است آن است که امام حسین عجل الله تعالی فرجه بلافاصله پس از ایشان حکومت خواهد نمود. اما سخنی از ترتیب حکومت امامان عجل الله تعالی فرجه، یا مهدیانی که از نسل امام حسین عجل الله تعالی فرجه هستند، و شاید برخی از آنها هم از فرزندان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه باشند در روایات نیست.

۱. الايقاظ من الهجعة / ۳۶۲

۲. وی از بنیانگذاران فرقه‌ی گمراه واقفیه بود که منکر امامت امام رضا عجل الله تعالی فرجه بودند و ادعا داشتند که امام کاظم عجل الله تعالی فرجه غائب شده و باز خواهند گشت. م

سید مرتضی روایات حکومت مهدی های دوازده گانه پس از مهدی موعود علیه السلام را مورد مناقشه قرار داده، و بیاضی عاملی هم آن را رد کرده است. ایشان گرچه در انکار امامت و حجّت آنان پس از امامان علیهم السلام درست سخن گفته اند، لیکن انکار اصل وجود آنان - نه به عنوان امام و حجّت - وجهی ندارد، در الصراط المستقیم ۱۵۲/۲ می نگارد:

«در برخی روایات آمده است: [یا علی!] پس از من دوازده امام هستند که نخستین آنها تو هستی، آنگاه آنان را شمردند و فرمان دادند که هریک از ایشان امامت را به پسرش بسپارد، و در ادامه فرمودند: پس از ایشان دوازده مهدی خواهند آمد.

این روایت نادر و مخالف روایات صحیح، متواتر و مشهوری است که هرگونه دولتی را بعد از قائم علیه السلام نفی می کند، و دلالت دارد بر اینکه مهدی از دنیا نمی رود مگر چهل روز پیش از قیامت که در آن فتنه و آشوب رخ خواهد داد و نشانه های خروج اموات و قیامت خواهد بود. علاوه بر آنکه بعدیت در این روایت ملازمه ای با بعدیت زمانی ندارد، مانند آنکه خداوند می فرماید: *مَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ*، پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد نمود؟ لذا ممکن است آنان نایبان امام مهدی علیه السلام و در زمان ایشان باشند.

اگر کسی بگوید: اینکه در روایت آمده که چون وفات حضرت مهدی علیه السلام فرارسد حکومت را به پسرش می سپارد، این توجیه را بر نمی تابد، در پاسخش می گوئیم: این عبارت دلالتی بر استمرار امامت بعد از ایشان ندارد، بلکه ممکن است از باب وصیت باشد تا به مرگ جاهلی نگیرد [نه وصایت و امامت]. احتمال دیگر آن است که آن شخص پس از امام علیه السلام باقی بماند و مردمان را به امامت ایشان دعوت کند، و این دو احتمال منافاتی با انحصار امامت در امامان دوازده گانه علیهم السلام ندارد.

سید مرتضی می فرماید: ما یقین نداریم که با از دنیا رفتن امام مهدی علیه السلام تکلیف پایان می پذیرد، بلکه ممکن است پس از ایشان نیز امامانی باشند که عهده داران حفظ دین و مصالح مؤمنین هستند، و این مطلب تعارضی با عنوان اثنا عشریه [که دلالت دارد امامان دوازده تن هستند] ندارد، زیرا وظیفه و تکلیف ما آن بود که امامت ایشان را که محلّ خلاف

ما با سایر مذاهب است دریابیم، و همین کار را نیز کردیم و نیکویمان داشتیم، و چون دیگران این اعتقاد را نداشتند با این عنوان از آنها جدا شدیم.

مرحوم بیاضی در ادامه می‌نگارد: این روایت خبر واحد است و بیش از ظن را نمی‌رساند، و مسأله‌ی امامت با علم و یقین است که به اثبات می‌رسد.

از سویی دیگر اگر پیامبر ﷺ اسامی اینان [یعنی کسانی که بعد از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ش] خواهند آمد [و اوصافشان را بیان نکرده باشند] - و طبق فرض ما باید آنها را بشناسیم - باید ملتزم شویم که تأخیریان از وقت حاجت لازم آید.^۱

به علاوه آنکه این روایت شاذ و نادر است و با امر مسلم و مشهور نمی‌تواند معارضه داشته باشد.

اگر کسی بگوید: میان این دو مطلب [امامان دوازده نفرند با امکان افزایش آنان] تنافی نیست، زیرا نهایت امری که در روایات آمده آن است که دوازده خلیفه پس از من [پیامبر ﷺ] خواهند بود، امامان پس از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل اند و امثال این روایات.

در پاسخش گوئیم: اگر این امر [افزایش] ممکن باشد بیهوده گویی و کتمان حقیقت لازم آید. علاوه بر آنکه در اکثر روایات سخن از نه امام از نسل امام حسین عجل الله تعالی فرجه‌ش به میان آمده است که می‌بایست مبتدا را در خبر حصر کرد [و چنین نتیجه می‌دهد که پس از امام حسین عجل الله تعالی فرجه‌ش تنها نه امام خواهند بود].

دیگر آنکه اینان نه در تورات یاد شده‌اند و نه در اشعار قس و دیگر آثار [بر خلاف امامان دوازده گانه که در آنها یاد شده‌اند].

رسول خدا ﷺ خبر ندادند که در شب معراج اینان را دیده‌اند [در حالی که خبر از مشاهده‌ی امامان دوازده گانه داده‌اند].

هنگامی که آن حضرت امامان دوازده گانه را شمردند به امام حسن عجل الله تعالی فرمودند: زمین از ایشان خالی نخواهد شد و مقصود ایشان زمان تکلیف است، حال اگر پس از ایشان امامانی

۱. یعنی زمانی که مردم نیازمند شناخت آنها بوده‌اند بیان نشده و به دوران‌های پسین موکول گردیده است، و این از شأن آن حضرت به دور است. م

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

باشند زمین از ایشان خالی خواهد شد. و بعید است که بگوییم مقصود اولاد آنهاست، زیرا در این صورت مجاز بوده و نیازمند دلیل و قرینه است.»

با این حساب سید مرتضی مدّعی است تکلیف و امامت عامه بعد از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز استمرار دارد، و این مهدیان از اولاد آن حضرت و یا اولاد امام حسین علیه السلام هستند که آن را بر عهده خواهند گرفت، و منافاتی میان این مطلب و اینکه امامان تنها دوازده تن هستند، نیست، زیرا آنان اصل و اساس می باشند و این مهدیان فروع و امتداد آنان.

سخن سید سخن متینی است، لیکن بیاضی آن را با استبعاد رد کرده و در توجیه حدیث خود را به تکلف انداخته است!

حال به بررسی این موضوع در منابع اهل سنت می پردازیم. در روایات آنان سخن از حکومت دوازده نفر از نسل امام حسن و امام حسین علیه السلام بعد از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آمده است. ابن حجر در فتح الباری ۱۳ / ۱۸۴ می نویسد: «ابن منادی در نوشته اش درباره ی مهدی می نگارد: در این حدیث: دوازده خلیفه خواهند بود؛ احتمال آن می رود که این دوازده نفر بعد از مهدی که در آخر الزمان قیام می کند بیایند، زیرا من در کتاب دانیال خوانده ام: چون مهدی بمیرد پنج نفر از فرزندان نواده ی اکبر و پنج تن از فرزندان نواده ی اصغر به حکومت خواهند رسید. آخرین اینان مردی از نسل نواده ی اکبر را وصی خود قرار می دهد، و پس از او فرزندش این منصب را بر عهده خواهد گرفت. و بدین ترتیب دوازده حاکم که همه امام و هدایت یافته اند به حکومت خواهند رسید...»

در روایت ابو صالح از ابن عباس چنین آمده است: نام مهدی محمد بن عبدالله است. او مردی است میان بالا و مایل به سرخی که خداوند اندوه این امت را به او می زداید و با عدالت او بساط ستم را برمی چیند. پس از او دوازده مرد که شش تن از نسل حسن هستند و پنج تن از نسل حسین و آخرین آنها از دیگران است به حکومت خواهند رسید، و سپس فساد زمان را فرا می گیرد.»

فیض القدير ۲ / ۵۸۲ می نویسد: «برخی این حدیث را [که خلفای پس از من به تعداد نقبای بنی اسرائیل یعنی دوازده نفرند] بر کسانی که بعد از مهدی می آیند حمل کرده اند، و شاهد

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آن را روایتی گرفته‌اند که بیانگران است که بعد از مهدی دوازده نفر، شش تن از نسل حسن، پنج نفر از نسل حسین و یک نفر از سایر مردم به حکومت خواهند رسید، لیکن این روایت ضعیف است.»

عینی در عمدة القاری ۲۴ / ۲۸۲ می‌نویسد: «برخی چنین گفته‌اند: احتمال آن می‌رود که دوازده تن بعد از مهدی باشند که در آخر الزمان قیام می‌کند، بعضی هم گفته‌اند: در کتاب دانیال چنین یافت شده است که چون مهدی بمیرد پنج نفر از فرزندان نواده‌ی اکبر و پنج تن از فرزندان نواده‌ی اصغر به حکومت خواهند رسید. آخرین اینان مردی از نسل نواده‌ی اکبر را وصی خود قرار می‌دهد، و پس از او فرزندش این منصب را برعهده خواهد گرفت، و اینگونه دوازده حاکم که همه امام و هدایت یافته‌اند به حکومت خواهند رسید.

از کعب الاحبار نیز منقول است: دوازده مهدی خواهند بود و آنگاه روح الله فرود آمده دجال را به قتل خواهد رساند.

برخی دیگر هم گفته‌اند: مقصود از این دوازده خلیفه آن است که در جمیع مدّت اسلام تا قیامت این دوازده نفر پشت سر هم می‌آیند و به حق عمل می‌کنند. مؤید این سخن مطلبی است که مسدد در مسند کبیر خود به واسطه‌ی ابوبحر از ابو جلد نقل کرده که این ائمه پایان نمی‌پذیرد تا آنکه دوازده خلیفه - که همه بر اساس هدایت و دین حق عمل می‌کنند، و دو تن آنان از اهل بیت پیامبرند، که یکی چهل سال زندگی می‌کند و دیگری سی سال - به خلافت رسند.»

ابن حجر مکی نیز در الصواعق المحرقة ۲ / ۷۸ گوید: «این روایت: بعد از مهدی دوازده مرد - شش تن از نسل حسن، پنج نفر از نسل حسین و یکی از سایرین - به حکومت خواهند رسید، همان گونه که شیخ الاسلام ابن حجر گفته جداً ضعیف است، چون با احادیث صحیحی که زمان مهدی را آخر الزمان می‌داند، و بیانگران است که عیسی به او اقتدا می‌کند، تعارض دارد.

علاوه بر آنکه طبرانی [از پیامبر صلی الله علیه و آله] روایت می‌کند: پس از من خلفائی خواهند بود، بعد از آنان امیران، پس از آنها پادشاهان و آنگاه ستمگران، سپس مردی از اهل بیتم قیام می‌کند

که زمین را از عدالت می‌آکند، همان سان که از جور پرشده است، در ادامه قحطانی به حکومت خواهد رسید، و قسم به آنکه مرا به حق فرستاد او کمتر از مهدی نیست.»!

نکاتی چند

۱. نگارنده: اینکه سند روایت ابو صالح از ابن عباس را تضعیف کرده اند بی اساس است، زیرا این روایت صحیح السند است. لیکن اینان دروغ پردازی کعب الاحبار درباره‌ی بازگشت ظلم بعد از امام مهدی علیه السلام را ترجیح داده اند، و علت این بازگشت هم آن است که رومیان در فتح قسطنطنیه او را به قتل خواهند رساند!

البته اینکه به وجود دوازده مهدی پس از امام مهدی موعود علیه السلام اعتراف کرده اند از قبح تن دادن به دروغ کعب نمی‌کاهد!

۲. ممکن است کسی بگوید: اهل بیت علیهم السلام از سخن گفتن در مورد نام امام زمان علیه السلام و وقایعی که بعد از ایشان رخ خواهد داد امتناع می‌ورزیده اند، شیخ مفید در ارشاد ۲/ ۳۸۲ از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «عمر بن خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: نام مهدی چیست؟ ایشان فرمودند: حبیبم صلی الله علیه و آله با من عهد فرموده که تا زمانی که خداوند او را مبعوث نکرده سخنی از نامش نگویم، عمر گفت: از اوصافش بگو، ایشان فرمودند: او جوانی است میان بالا، با چهره و مویی زیبا که برشانه هایش فرو می‌ریزد، و نور صورتش سیاهی موهای سرو محاسنش را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پدرم فدای پسر برگزیده‌ی کنیزان.»

کمال الدین ۱/ ۷۷ نیز از عبدالله بن حارث روایت می‌کند: «خدمت حضرت امیر علیه السلام عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! درباره‌ی وقایعی که بعد از قائم شما رخ می‌دهد بفرمایید، ایشان فرمودند: ای پسر حارث! سخن از این مطلب به خود او واگذار شده است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله با من عهد کرده که در این باره تنها به حسن و حسین بگویم.»^۱

جواب این برداشت آن است که احتمال می‌رود امیرالمؤمنین علیه السلام به جهت شرائط موجود جواب عمر را به تفصیل نداده باشند، و یا اینکه مقصود از زمان مبعوث نمودن، میلاد ایشان باشد

۱. و نیز اثبات الهداة ۳/ ۴۵۹

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و این مطلب با تفصیلی که از امامان معصوم علیهم السلام در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است و خود، مصلحت را در بیان آن دیده‌اند، منافاتی ندارد.

۳. ممکن است گفته شود: خاتون آبادی در اربعین / ۲۰۳ از امام صادق از پدرانش از حضرت امیر علیه السلام چنین نقل می‌کند: «اسلام و سلطان عادل دو برادرند که هیچ یک از آنها جز با دیگری سامان نپذیرد. اسلام اساس است و سلطان عادل نگاهبان. آنچه اساس و پایه نداشته باشد منهدم می‌شود، و آنچه نگاهبان نداشته باشد تباه، لذا چون قائم ما برود اثری از اسلام باقی نمی‌ماند، و با از میان رفتن اسلام دنیا از بین می‌رود.»

جواب از این سؤال آن است که قائم در این حدیث به معنای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست، بلکه به معنای امام حاکمی است که از میان ذریه‌ی اهل بیت علیهم السلام حکومت را به دست می‌گیرد، از این رو منافاتی با امتداد دولت اهل بیت علیهم السلام تا قیامت ندارد.

جنایت کعب‌الاحبار و راویان سرسپرده‌ی دستگاه خلافت در تحریف چهره‌ی آینده

در فصل مربوط به دجال برخی اعمال دین ستیزانه‌ی وی و شاگردانش گذشت، و گذشت که آنان اکاذیب خود پیرامون دوران بعد از امام عصر علیه السلام را از تلمود و دیگر یافته‌هایشان در فرهنگ مسلمین تزریق کردند! آنان بدعت‌های یهود و تخیلاتشان را با بشارت نبوی به حضرت مهدی و مسیح علیه السلام در هم آمیختند!

از دیگر دروغ‌پردازی‌هایشان موضوعاتی چون دجال، فتح قسطنطنیه و علائم قیامت است! به عنوان نمونه مواردی ذکر می‌شود:

الفتن ۲ / ۴۵۷ از کعب: «منصور مهدی است و اهل آسمان و زمین و مرغان هوا براو درود می‌فرستند. او بیست سال درگیر جنگ‌هایی با رومیان و دیگران خواهد شد، و بعد در نبرد بزرگ به همراه دو هزار نفر از یارانش - که همه امیر و پرچمدارند - به شهادت خواهد رسید، مسلمانان پس از مصیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مصیبتی سخت‌تر از آن دچار نمی‌شوند.» همان ۱ / ۴۰۱ از عبدالله بن عمرو عاص: «جابر خواهد آمد، سپس مهدی، بعد از او منصور،

آنگاه سلام و پس از او امیر العصب، بعد از آن هر که توانست بمیرد، بمیرد.»
و در ۱ / ۳۸۷ از عبدالله بن عمر: «سه امیر صالح پی در پی خواهند آمد، و تمام زمین برایشان
فتح خواهد شد: جابر، مفرح و ذوالعصب، آنان چهل سال درنگ می کنند و در دنیای بعد
از آنها هیچ خیری نیست.»
این ها همه بافته های ذهن کعب و هم پیاله های اوست!

کعب و شاگردان مکتبش می پندارند که مخزومی، علاوه بریمانی بعد از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به حکومت خواهد رسید!

الفتن ۱ / ۳۷۹ از زهری: «مهدی از دنیا می رود و بعد از او مردم دچار فتنه خواهند شد. آنگاه
مردی از بنی مخزوم می آید و مردم با او بیعت می کنند. او پس از مدتی مانع ارتزاق مردم
می شود ولی آنان اعتراضی نمی کنند، بعد از مدتی عطایا را قطع می کند، باز هم اعتراضی
نمی کنند.

او - که در بیت المقدس سکنی می گزیند - ویارانش به گوساله می مانند، و زنانشان زیورآلاتی
طلایی و جامه هایی دربردارند که آنان را نمی پوشاند. او هنگامی که هیچ کسی را در مقابل خود
نمی بیند فرمان اخراج اهالی یمن، قبائل قضاعه، مذحج، همدان، حمیر و ازد را می دهد...»
همان مأخذ تحت عنوان: وقایعی که پس از مهدی رخ می دهد، از دینار بن دینار نقل می کند:
«به من خبر رسیده که چون مهدی از دنیا می رود، فتنه بین مردم در خواهد گرفت، و برخی
برخی دیگر را خواهند کشت. عجم ها به میدان می آیند، و جنگ های بسیاری در می گیرد،
و هیچ اتحاد و نظامی نخواهد بود تا آنکه دجال خروج کند...»

کعب نیز گوید: مهدی می میرد، و بعد از او مردی از اهل بیتش - که هم خوبی دارد و هم
بدی، ولی بدی هایش بیش از خوبی اوست - حکومت را به دست خواهد گرفت. او مردم را
به خشم می آورد، و بعد از اتحاد آنان را به افتراق دعوت می کند. او تنها مدتی اندک درنگ
می کند، و مردی از خاندانش بر او شوریده او را به هلاکت خواهد رساند. به دنبال آن نبردی
سخت میان مردم در می گیرد. او خود نیز اندک مدتی درنگ می کند و از دنیا می رود. آنگاه

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مردی از شرق از مُضر حکومت را در دست می‌گیرد. او مردمان را از دین خارج می‌کند و به وادی کفر می‌کشاند. در بین النهرین جنگ سختی با اهل یمن می‌کند، و خداوند او و یارانش را شکست می‌دهد.»

نگارنده: این عبارات و ده‌ها نمونه از این قبیل همه از بافته‌های کعب الاحبار که آنها را در راستای اهداف پلید خود در میان مسلمانان ترویج کرد، ناشی می‌شود. او وعده‌ها و تهدیدات خود را بر سر قبائل یمن فرو ریخت.

او با داستان سرایی هایش بشارت نبوی به برپایی دولت عدل الهی را به باد تمسخر گرفت، و از این رهگذر به تکذیب آنها پرداخت، و چنین تصویر کرد که خیلی زود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا می‌رود و ستم و جور بار دیگر رخ خواهد نمود!

یمانی کعب الاحبار بعد از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی می‌ماند و قریش را از میان می‌برد

الفتن ۱/ ۴۰۲ از ارطاة: «به من خبر رسیده که مهدی چهل سال زندگی می‌کند، آنگاه در بسترش می‌میرد. در ادامه مردی از قحطان که دو گوشش سوراخ است خروج می‌کند و چونان مهدی رفتار خواهد کرد. وی بیست سال درنگ می‌کند و بعد کشته می‌شود. سپس مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که راه یافته و نیکو سیرت است قیام و شهر قیصر را فتح می‌کند، و او آخرین امیر از امت پیامبر است. در زمان او دجال خروج می‌کند و مسیح فرود می‌آید.

همو گوید: بر دستان این خلیفه‌ی یمانی قسطنطنیه و روم فتح خواهد شد. در عصر او دجال خروج خواهد کرد و مسیح فرود خواهد آمد.»

همان ۴۰۵ از کعب: «در حکومت قحطانی قضاعه و حمیر در حمص با هم خواهند جنگید. علت این جنگ آن است که امیر حمص که مردی از کنده است به دست قضاعه کشته می‌شود و آنان سرش را بر درختی در مسجد می‌آویزند و این امر موجب خشم حمیر می‌شود. از این رو نبردی سخت میان آنان در می‌گیرد، چنانکه تمامی خانه‌های اطراف آن مسجد را ویران می‌کنند تا بتوانند در مقابل یکدیگر صف آرایی کنند.»

نگارنده: اگر از کعب بپرسیم که این امور غیبی را از کجا آورده‌ای؟ حتماً می‌گوید: از کتب الهی که نزد من است، یعنی تورات، تلمود و افسانه سرایی‌های خودش! افسانه‌هایی که یکی از مآخذ اصلی ابن حماد در الفتن است، و حتی بعضی از آنها در صحیح‌ترین کتب اهل سنت مانند المصنف عبدالرزاق، مسند احمد و صحیح بخاری و مسلم و... به احادیث نبوی تبدیل شده است، به طور مثال در بخاری ۷۳/۹ می‌بینیم: «قیامت برپا نمی‌شود مگر بعد از آنکه مردی از قحطان حکومت را به دست گیرد.»^۱

۱. و نیز رک به المصنف ۱۱/۳۸۸، الفتن ۱/۱۲۱، ۳۸۱، ۳۸۲، مسند احمد ۳/۴۱۷، مسلم ۴/۲۲۳۲، البدء و التاريخ ۲/۱۸۳، جامع الاصول ۱۱/۸۲ و ...

فصل دوازدھم

یاران

یاوران حضرت مہدی عجل اللہ تعالیٰ فرجه الشریف

۱. یاران خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت

کافی ۱/ ۳۴۰ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «به ناچار صاحب این امر [امامت] غیبتی خواهد داشت، که در آن عزلت می‌گزیند، مدینه نیکو منزلی است و در کنار سی نفر تنهایی و وحشتی نیست.»^۱

غیبت نعمانی / ۱۷۱ از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «صاحب این امر دوبار غیبت می‌کند، یکی چنان به درازا می‌انجامد که برخی می‌گویند او از دنیا رفته، بعضی دیگر می‌گویند او کشته شده و گروهی دیگر نیز می‌گویند رفته است [و باز نمی‌گردد]، و تنها گروهی اندک از یارانش بر اعتقاد به او استوار می‌مانند. هیچ کس - چه از اولیاء و چه از سایرین - از جایگاه او آگاه نیست، مگر خادم او.

نعمانی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: اگر در باب غیبت تنها همین روایت را داشتیم برای اهل درنگ و تأمل کافی بود.»^۲

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نگارنده: معنای غیبت تامه آن است که مردم از نعمت دیدار و حضور آن حضرت در بین خود - آنگونه که در زمان سایر معصومین علیهم السلام بهره مند بودند - محرومند، و این امر تا آن زمان که خداوند اذن ظهور دهد ادامه خواهد یافت.

افزون بر آن می‌رساند که خداوند متعال در دوران غیبت مأموریتی خاص برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تعیین نموده است، و یاران و اصحاب خاص نیز در حضورشان هستند، که از جمله‌ی آنها به خضر و شاید الیاس می‌توان اشاره کرد.

فرمایش امام باقر علیه السلام نیز بر همین دلالت دارد که غیبت آن حضرت مطابق مأموریت و برنامه است و افرادی نیز در خدمت ایشان هستند، نه آنکه صرفاً اختلافی از مردم باشد، ایشان می‌فرماید: «او به ناچار در دوران غیبتش عزلت می‌گزیند، و البته که در آن عزلت قوت و نیرویی دارد.»^۳

۱. و نیز غیبت نعمانی / ۱۸۸، تقریب المعارف / ۱۹۰ و غیبت طوسی / ۱۰۲ با اندکی اختلاف

۲. و نیز غیبت طوسی / ۱۰۲، منتخب الانوار / ۸۱ و عقد الدرر / ۱۳۴

۳. غیبت طوسی / ۱۰۲

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یارانی

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

قرائت و تأمل در آیات قرآن در جریان خضر و موسی علیه السلام نیز کمک می کند تا بتوانیم تصویری از عملکرد امام عصر علیه السلام در دوران غیبت داشته باشیم.

یارانی با مأموریت های خاص

اینکه در روایت گذشت که در کنار سی تن تنهایی و وحشتی نیست، بدان معناست که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در عصر غیبت حداقل با سی نفر ارتباط دارد. اینان ابدال نام دارند و جهت این نامگذاری آن است که چون یکی از آنها از دنیا رود امام علیه السلام کسی را جایگزین می کند. عمرشان نیز - برخلاف خود حضرت و جناب خضر علیه السلام - طبیعی است.

اما کیفیت انتخاب ابدال: امام عصر علیه السلام از جانب پروردگار در تمامی امور خود از جمله تعیین ابدال مهدی است و رهنمون می شود. افراد ثقه نقل می کنند که به یکی از خوبان اهل ایمان در تبریز خبر رسید که به عنوان بدل او را برگزیده اند، و قرارشان در فلان روز شد. یکی از آشنایان او که خبردار شده بود کمین کرد تا ببیند چگونه او را می برند، اما هنگامی که زمان بردن او فرا رسید او را در مقابل دیدگان خود گم کرد.

این سی نفر فرامین و مأموریت ها را از آن حضرت می ستانند، خدا هم به هریک قدرت و توانی داده که بتواند مقاصدش را پیش ببرد، و یکی از آن قدرت ها حرکت طی الارض است. شاید آنان نیاز به یارانی داشته باشند. کسی کرامتی از شخصی مشاهده نمود و پرسید: آیا تواز اصحاب امام علیه السلام هستی؟ او گفت: نه، لیکن استاد من گفته که میان او و کسی که به خدمت امام علیه السلام مشرف می شود چند واسطه هستند. ناگفته نماند که صوفیان از این حقیقت سوء استفاده و آن را بر بافته ها و تخیلات خود حمل کردند.

علامه‌ی مجلسی رحمه الله در بحار الانوار ۵۳ / ۳۰۱ می نگارند: «شیخ کفعمی رحمه الله در حاشیه‌ی جنة الامان در ذیل دعاء ام داود می نویسد: گفته شده: زمین از قطب، چهار تن اوتاد، چهل تن ابدال، هفتاد تن نجیب و سیصد و شصت صالح خالی نمی گردد. قطب مهدی عجل الله تعالی فرجه است. اوتاد از چهار نفر کمتر نمی شوند زیرا دنیا چون خیمه است و مهدی عمود آن و آن چهار نفر طناب های خیمه. البته اوتاد می توانند بیش از چهار نفر، ابدال بیش از چهل تن،

نجباء بیشتر از هفتاد نفر و صلحاء نیز بیش از سیصد و شصت تن باشند، و ظاهراً خضرو الیاس از جمله ی اوتاد باشند و ملازم قطب.

اوصاف اوتاد: آنان قومی هستند که دیده برهم زدنی از پروردگار غافل نمی شوند، و تنها به مقدار نیاز از دنیا توشه برمی دارند. شرّ و بدی از آنها صادر نمی گردد، اگرچه - برخلاف قطب - عصمت از اشتباه و نسیان و فعل قبیح برایشان لازم نیست.

رتبه ی ابدال در تقوا پایین تر از اوتاد است. اینان گاه غافل می شوند و با استغفار آن را جبران می کنند، و به عمد مرتکب گناه نمی شوند.

نجیبان هم مادون ابدالند.

اما صالحان افرادی با تقوا و عادلند، گاه است که گناهی از ایشان سرزند که با استغفار و پشیمانی آن را جبران می کنند، خداوند می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ**^۱، در حقیقت کسانی که تقوا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان به آنها رسد [خدا را] به یاد آرند و ناگهان بینا شوند.

خداوند ما را از این دسته ی اخیر قرار دهد، زیرا از دسته های دیگر که نیستیم، لیکن آنان را دوست می داریم و هرکه گروهی را دوست بدارد با آنها محشور شود.

برخی گفته اند: هنگامی که یکی از اوتاد چهارگانه کم شود یکی از ابدال جای او را می گیرد، چون یک نفر از ابدال کم شود یکی از هفتاد نجیب جایگزین می شود، با کم شدن یکی از نجیبان یکی از سیصد و شصت تن صالحین، و با کم شدن یکی از آنها یک نفر از سایر مردم جایگزین خواهند شد.

نگارنده: تصوّر ما درباره ی این نظام از لشکریان خدای متعال و توانایی هایشان مادامی که بر اساس علم استوار نگردد و امام معصوم علیه السلام از آن پرده بر ندارد، ظنّی و ذوقی خواهد ماند.

الخراج و الجراح ۲ / ۹۳۰ از امام محمد باقر علیه السلام روایت می کند: «ذوالقرنین عبد صالحی بود که با خدای سبحان اخلاص پیشه کرد، خداوند هم برای او خیرخواهی نمود، و ابر به تسخیر او درآمد، و زمین برایش درنور دیده شد، و نور چنان برایش امتداد یافت که شب به مانند

۱. سوره ی اعراف / ۲۰۱

روز می دید.

خداوند متعال ابرها را به تسخیر امامان حق نیز در آورده است، و آنها را برای مصالح مسلمین و از بین بردن اختلافات به مشرق و مغرب می برد، و مهدی نیز این چنین است، از این رو صاحب المرأى والمسمع نام دارد، او نوری دارد که اشیاء را از دور همانند نزدیک می بیند، و [صداها را] از دور مانند نزدیک می شنود.

او در تمام دنیا گاه بر روی ابرو گاه بر باد سیر می کند، زمین برایش در نور دیده می شود، و بلایا را در شرق و غرب از بندگان و بلاد دور می کند.»

کمال الدین ۲/ ۴۸۱ از عبدالله بن فضل هاشمی نقل می کند: «امام صادق علیه السلام فرمودند: صاحب این امر به ناچار غیبت می کند و اهل باطل در آن دچار تردید می شوند، عرضه داشتم: چرا؟ فرمودند: به خاطر امری که اجازه ی بیان آن را برای شما نداریم.

گفتم: حکمت غیبت او چیست؟ فرمودند: همان حکمتی که در غیبت حجت های پیشین است، و آن حکمت آشکار نخواهد شد مگر بعد از ظهور او، هم چنان که حکمت کارهایی که خضر نبی علیه السلام - یعنی سوراخ کردن کشتی، کشتن پسر و برپا کردن دیوار - انجام داد تا زمانی که از هم جدا شدند برای موسی علیه السلام معلوم نشد.

ای پسر فضل: این، امری از امور خدا، سری از اسرار، و غیبی از غیب اوست، و هنگامی که دانستیم خدای عزیز و جلیل حکیم است، تصدیق می کنیم که همه ی کارهایش حکیمانه است، اگرچه حکمت آن بر ما پوشیده باشد.»^۱

آیا کوه رضوی ارتباطی با امام عصر علیه السلام و یاران ایشان دارد؟

المحتضر/ ۲۰ از کتاب القائم فضل بن شاذان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند: «ارواح مؤمنین با آل محمد علیهم السلام در کوه های رضوی ملاقات می کنند، از طعام و نوشیدنی آنان می خورند و می آشامند، و در مجالسشان با آنان هم سخن می شوند، تا آنکه قائم ما

۱. و نیز علل الشرایع ۱/ ۲۴۵، الاحتجاج ۲/ ۳۷۶، الخرائج و الجرائح ۲/ ۹۵۶، الصراط المستقیم ۲/ ۲۳۷، منتخب الانوار ۸۱/، اثبات الهداة ۳/ ۴۸۸ و بحار الانوار ۹۱/۵۲

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

اهل بیت قیام کند. در آن هنگام خداوند متعال آنان را برمی انگیزد و گروه گروه لبیک گویند همراه او می آیند. پس اهل باطل دچار تردید می شوند، آنان که خود را به گزاف [به حق] منتسب می کنند از میان می روند، و مقربان نجات می یابند.

حسن بن سلیمان صاحب المحتضر در ادامه می نویسد: این حدیث دلالت دارد که روح بعد از خروج از بدن در قالبی قرار می گیرد، و خوردن و آشامیدن و تکلم که در این حدیث آمده است شاهد آن می باشد.»

غیبت شیخ طوسی / ۱۰۳ از عبد الاعلی آل سام: «با امام صادق علیه السلام هم مسیر شدم تا به رواء رسیدیم. ایشان بر کوهی که در آنجا بود مشرف شدند و فرمودند: این کوه را می بینی، این کوهی است که رضوی نامیده می شود و از جبال فارس بود، ما را دوست داشت لذا خداوند آن را نزد ما انتقال داد. در آن تمام درختانی است که میوه می دهد و دوبار فرمودند: چه خوب پناهی است برای هراسان. بدان! که صاحب این امر در آن دو غیبت دارد، یکی کوتاه است و دیگری طولانی.»^۱

بحار الانوار ۵۲ / ۳۰۶ از کتاب الغیبة اثر سید علی بن عبد الحمید از امام سجاد علیه السلام نقل می کند که در حدیثی طولانی در مورد خروج امام مهدی علیه السلام فرمودند: «آنگاه به کوه رضوی می آید. پس حضرت محمد و حضرت علی علیه السلام می آیند و برای او پیمان نامه ای می نویسند، تا آن را برای مردمان قرائت کند. سپس به مکه می رود و مردم در آنجا گرد می آیند.»^۲

معجم البلدان ۵۱ / ۳ درباره ی کوه رضوی می نویسد: «رضوی یک روز با ینبع و هفت مرحله با مدینه فاصله دارد... کوهی است بلند که درّه هایی دارد، من آن را از ینبع دیده ام و سبز به نظر می رسید. کسی که در درّه های آن گشته بود به من خبر داد که آب ها و درختان بسیاری دارد.

این کوهی است که کیسانیه می پندارند محمد بن حنفیه در آن اقامت دارد، زنده است و روزی می خورد.»

۱. و نیز اثبات الهداة ۳ / ۵۰۰

۲. و نیز اثبات الهداة ۳ / ۵۸۲

بلاذری در انساب الاشراف ۲/ ۲۰۲ و سمعانی در انساب ۱/ ۲۰۷ اشعار کثیر و سید حمیری را

که در آغاز به امامت محمد بن حنفیه اعتقاد داشتند نقل می کنند، کثیر سروده:

ألا إن الأئمة من قریش ولأه الحق أربعة سواء
عليّ والثلاثة من بنیة هم الأسباط ليس بهم خفاء
فسبط سبط إيمان وبرّ وسبط غيبته كربلاء
وسبط لا تراه العين حتى يقود الخيل يقدمها اللواء
تغيب لا يرى فيهم زماناً برضوى عنده غسل وماء

بدانید که امامان و صاحبان حق چهار نفرو از قریشند

علی و سه پسرش که اسباط هستند، و ابهامی در آن نیست

یک سبط [امام حسن عليه السلام] سبط ایمان و نیکی است، و سبط دیگر در کربلا مدفون شد

و سبط سوم را دیده ای نمی بیند، تا آنکه لشکری را که پرچی در پیش دارد رهبری کند

او غائب شده است و مدّتی ناپدید خواهد ماند، و در رضوی از غسل و آب روزی می خورد

سید حمیری نیز می سراید:

أيا شعب رضوى ما لن بك لا يرى ويهيج قلبي الصباية أولق
حتى متى وإلى متى وكم المدي؟ يا ابن الوصي وأنت حيّ ترزق

ای دره ی رضوی چرا کسی که در توس آسکار نمی شود که اشتیاق دیدار او دلم را به جنون

کشانده است

ای پسروی! تا چه زمانی و به چه مدّتی زنده ای و روزی می خوری؟

البته سید حمیری رحمه الله از مذهب کیسانیه عدول کرد و به مذهب حقّ اثنا عشری درآمد و سرود:

فلما رأيت الناس في الدين قد غووا تجعفت باسم الله فيمن تجعفروا
وناديت باسم الله والله أكبر وأيقنت أن الله يعفو ويغفر

هنگامی که دیدم مردمان از دین گمراه شده اند با نام خدا جعفری شدم

نام خدا را - که بزرگتر است - بر زبان آوردم و یقین کردم که او در می گذرد و می آمرزد...

کیسانیه به کیسان - که از وزرای مختار بود - منسوب است. آنان احادیث پیامبر اکرم

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عليه السلام

منزلت امام عليه السلام

حکومت امام عليه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عليه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عليه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عليه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و اهل بیت علیهم السلام درباره‌ی غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه را پس از وفات محمد بن حنفیه رضی الله عنه بر او تطبیق کردند. آنها کوه رضوی را محلّ غیبت او قرار دادند، و این هم به خاطر احادیثی بود که از معصومین علیهم السلام رسیده بود. مدلول این روایات آن است که کوه رضوی در عالم ارواح جایگاهی دارد، و گویا از اماکنی است که محلّ تلاقی و برخورد ارواح مردگان با یکدیگر است، و از جمله آن مواضع بیت المقدس، حضرموت یمن و وادی السلام نجف را نیز شمرده‌اند. آگاهی ما از حرکت ارواح در زمین، محلّ تلاقی آنها، صعود و نزول ملائکه، صعود اعمال و... محدود و اندک است. به نظر من می‌رسد که رضوی یکی از آن اماکن باشد.

فرمایش پیشین امام صادق علیه السلام: رضوی از جبال فارس بود و ما را دوست داشت، لذا خداوند آن را نزد ما انتقال داد، را نیز نباید انکار و استبعاد نمود، زیرا موارد مشابهی نیز دارد، مثل آنکه همه روایت کرده‌اند کوه طائف از جبال شام بوده است، و خداوند آن را به حجاز انتقال داد. لذا باید اقرار کنیم معلوماتمان از تکوین و ایجاد زمین، کوه‌ها و حرکات آنها اندک است. بخاری ۲ / ۱۳۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «احد کوهی است که ما را دوست دارد، و ما نیز آن را دوست داریم.» وی این حدیث را در هفت موضع از صحیح خود آورده است. و این یکی از دلائل آن است که جمادات به مانند نبات و حیوان، هریک به نوعی دارای شعور، احساس و تکلیف هستند، لذا در عالم هستی شیئی که به طور کلی و کامل بی جان و مرده باشد یافت نمی‌گردد، بلکه مرگ و زندگی نسبی است، خداوند متعال می‌فرماید: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا، آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را در نمی‌یابید، به راستی که او همواره بردبار آمرزنده است.»

بنابر آنچه گذشت مقصود از این عبارات دعای ندبه که می‌خوانیم: «لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النُّوَى، أَمْ أَىْ أَرْضٍ تَقْلُكُ أَمْ تَرَى، أَرْضُی أَمْ غَیْرَهَا أَمْ ذی طَوًی، عَزِیْزٌ عَلَیَّ أَنْ تَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا یُسْمَعُ لَكَ حَسِیسٌ وَلَا نَجْوًی، عَزِیْزٌ عَلَیَّ أَنْ تَحِیْطَ بِكَ الْأَعْدَاءُ، بِنَفْسِی أَنْتَ مِنْ مَغِیْبٍ مَا غَابَ عَنَّا،

بنفسی أنت من نازح مانزح عنا، ای کاش می دانستم خانه ات کجاست، یا اینکه کدامین زمین و خاک تورا در خود جای [و سکنی] داده است، آیا در کوه رضوایی، یا غیر آن و یا ذی طوی، بر من گران است که تو مردمان را ببینی لیکن خود دیده نشوی، و صدای آهسته و نجوایی از توبه گوش نرسد، بر من گران است که دشمنان تورا احاطه کنند، جانم فدای تو که آن پنهانی هستی که از ما غائب نیستی، جانم فدای تو که آن جدایی هستی که از ما جدا نیستی [و اگر چه حضور تورا احساس نمی کنیم لیکن حاضر و ناظر بر ما هستی].» پرس و جویی مشتاقانه از مکان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است، و حاکی از ارتباط امام با کوه رضوی - که یکی از مراکز نزول ارواح ابرار است - می باشد.

خضر از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

در این رابطه احادیث فراوانی - که سند برخی از آنها صحیح است - در منابع همگان وارد شده که در داستان های پیامبران علیهم السلام، و در تفسیر آیات مربوطه در سوره ی کهف یافت می شود.

خداوند متعال می فرماید: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿١٦﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿١٧﴾ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِقَتَاهُ إِنَّا غَدَاةْنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ﴿١٨﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَتُذَكِّرُهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿١٩﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَازْتَدَا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٢٠﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ﴿٢١﴾ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُسُلًا ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٢٣﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٢٤﴾ قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٢٦﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٢٧﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٢٨﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٢٩﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بِمَا رَكِبْتُ إِغْيَارَ نَفْسٍ

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٦﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٧﴾ قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ﴿٧٨﴾ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ عَمَلًا مَّا كُنْتَ تَعْمَلُ ﴿٧٩﴾ يُصِيفُوهُمَا فَوْجَدًا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿٨٠﴾ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨١﴾ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿٨٢﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَتْ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨٣﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨٤﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزُ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٥﴾

و [یاد کن] هنگامی را که موسی به جوان [همراه] خود گفت: دست بردار نیستم تا به محلّ برخورد دو دریا برسم، هر چند سال ها سیر کنم. پس چون به محلّ برخورد دو [دریا] رسیدند، ماهی خودشان را فراموش کردند، و ماهی در دریا راه خود را در پیش گرفت [و رفت]. و هنگامی که [از آنجا] گذشتند [موسی] به جوان خود گفت: غذایمان را بیاور که راستی ما از این سفر رنج بسیار دیدیم. گفت: دیدی وقتی به سوی آن صخره پناه جستیم، من ماهی را فراموش کردم، و جز شیطان، [کسی] آن را از یاد من نبرد، تا به یادش باشم، و به طور عجیبی راه خود را در دریا پیش گرفت؟ گفت: این همان بود که ما می جستیم. پس جستجوکنان رِ پای خود را گرفتند و برگشتند. تا بنده ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم. موسی به او گفت: آیا از تو - به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده ای به من یاد دهی - پیروی کنم؟ گفت: تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی. و چگونه می توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی؟ گفت: ان شاء الله مرا شکبیا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد. گفت: اگر از من پیروی می کنی، پس از چیزی سؤال مکن، تا [خود] از آن با تو سخن آغاز کنم. پس رهسپار گردیدند، تا وقتی که سوار کشتی شدند، [وی] آن را سوراخ کرد. [موسی] گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ واقعاً به کار ناروایی مبادرت ورزیدی. گفت: آیا نگفتم که تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی؟ [موسی]

گفت: مرا به سبب آنچه فراموش کردم، مؤاخذه مکن و در کارم بر من سخت مگیر. پس رفتند تا به نوجوانی برخوردند. [بنده‌ی ما] او را کشت. [موسی به او] گفت: آیا شخص بی‌گناهی را بدون اینکه کسی را به قتل رسانده باشد کشتی؟ واقعاً کار ناپسندی مرتکب شدی. گفت: آیا به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی؟ [موسی] گفت: اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من همراهی مکن [و] از جانب من قطعاً معذور خواهی بود. پس رفتند تا به اهل قریه‌ای رسیدند. از مردم آنجا خوراکی خواستند، و [لی آنها] از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند. پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد، و [بنده‌ی ما] آن را استوار کرد. [موسی] گفت: اگر می‌خواستی [می‌توانستی] برای آن مزدی بگیری. گفت: این [بار، دیگر وقت] جدایی میان من و توست. به زودی تو را از تأویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت: اما کشتی؛ از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند، خواستم آن را معیوب کنم، [چرا که] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت. و اما نوجوان؛ پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند، پس ترسیدیم [مبادا] آن دورا به طغیان و کفر بکشد. پس خواستیم که پروردگارشان آن دورا به پاک‌تر و مهربان‌تر از او عوض دهد. و اما دیوار؛ از آن دو پسر [بچه‌ی] یتیم در آن شهر بود، و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو بود، و پدرشان [مردی] نیکوکار بود، پس پروردگار تو خواست آن دو [یتیم] به حدّ رشد برسند و گنجینه‌ی خود را - که رحمتی از جانب پروردگار بود - بیرون آورند. و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم. این بود تأویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی.»

این آیات می‌رساند که جناب خضر علیه السلام از سربازان الهی و کسانی است که مأموریت‌های ویژه‌ای در زمین بر عهده دارند. در حدیث آمده است که وی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار می‌شد، و نیز به اهل بیت علیهم السلام در عزای آن حضرت تسلیت گفت، و برای ایشان نیز ظاهر می‌گشت. روایتی در باب اینکه وی در زمین سیر می‌کند، هر سال حج می‌گزارد، گاه در مسجد کوفه و سهله نماز می‌خواند، و در دوران غیبت در کنار حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، رسیده است.

کمال الدین ۲/ ۳۹۰ از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «خضر علیه السلام از آب حیات نوشید، از این روزنده است، و تا زمانی که در صور دمیده شود نمی‌میرد. او نزد ما می‌آید و سلام می‌کند، ما صدایش را می‌شنویم ولی او را نمی‌بینیم. هر زمان که یاد شود حضور می‌یابد،

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پس هر کسی از شما که او را یاد کرد بر او سلام کند. او هر سال در موسم حج حاضر می شود و همه ی مناسک را انجام می دهد. در عرفات می ایستد و بردعای مؤمنان آمین می گوید. خداوند او را مونس تنهایی و بی کسی قائم ما قرار خواهد داد.^۱

بحار الانوار ۱۳ / ۳۰۳ از کمال الدین نقل می کند: «گفته شده: [نام خضر خضرویه بن قایل بن آدم است و به او خضرون و خلعبا نیز گویند. بدین عنوان نام گرفت زیرا بر روی زمین سفیدی نشست و سبز شد. او طولانی ترین عمر را در میان بشر دارد. لکن صحیح آن است که نامش الیاس بن ملک بن عامر بن ارفخشذ بن سام بن نوح است.»

لیکن روایات انساب پیامبران علیهم السلام قابل استناد نیست، چون از اسرائیلیات متأثر می باشد.

شاید الیاس نبی علیه السلام نیز از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد

در مورد الیاس نبی علیه السلام و حیات وی احادیث و داستان هایی در منابع شیعه و سنی آمده است، اما به صحت و قوت روایات مربوط به جناب خضر علیه السلام نیست.

کمال الدین ۲ / ۵۴۵ داستان ابی الدنیا را نقل می کند، و اینکه او از کسانی است که عمری طولانی کرده اند. در جاهلیت خضر و الیاس را دید، و آن دو به واسطه ی او به امیرالمؤمنین علیه السلام سلام رساندند، و گفتند که چنان عمر می کند که حضرت مهدی و عیسی علیه السلام را ملاقات کند.

بحار الانوار ۱۳ / ۳۱۹ و مستدرک الوسائل ۵ / ۳۸۶ روایت می کنند: «خضر و الیاس علیه السلام در هر موسم حجی یکدیگر را ملاقات می کنند و با این عبارات از هم جدا می شوند: بسم الله، ما شاء الله، لا قوة إلا بالله، ما شاء الله، کل نعمة فمن الله، ما شاء الله، الخیر کله بید الله، ما شاء الله، لا یصرف السوء إلا الله.»

کافی ۱ / ۲۲۷ از مفضل بن عمر نقل می کند: «برامام صادق علیه السلام وارد شدم و ایشان دعایی را به زبان سریانی می خواندند و آن را دعای الیاس علیه السلام شمردند، فرمودند: الیاس در سجده اش می گفت: آیا مرا عذاب می کنی و حال آنکه برای تو در شدت گرما خود را تشنه نگاه داشتم [و روزه گرفتم]؟ آیا مرا عذاب می کنی و حال آنکه به خاطر تو صورتم را به خاک آغشتم؟

۱. و نیز اثبات الهداة ۳ / ۴۸۰، حلیة الابرار ۲ / ۶۸۳ و بحار الانوار ۵۲ / ۱۵۲

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آیا مرا عذاب می‌کنی در حالی که برای تواز گناهان اجتناب کردم؟ آیا مرا عذاب می‌کنی در حالی که شبم را به خاطر توبه بیداری گذراندم؟

خداوند به او وحی کرد: سرت را بلند کن، من تو را عذاب نمی‌کنم.

الیاس گفت: اگر گفתי عذابم نمی‌کنی ولی بعد عذابم کردی چه؟ آیا من بنده‌ی تونیستم و تو پروردگار من [یعنی تو مالک و صاحب اختیار من هستی]؟ خداوند وحی فرمود: سرت را بلند کن که من تو را عذاب نمی‌کنم، من هنگامی که وعده دادم بدان وفا می‌کنم.

محاسن ۵۱۵/۲ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «رسول خدا ص فرمودند: زیاد کرفس بخورید، زیرا غذای الیاس، الیسع و یوشع بن نون است.»^۱

بحار الانوار ۱۳/ ۳۹۳ داستان الیاس عجل الله تعالی فرجه را از وهب بن منبه و ابن عباس نقل می‌کند، خلاصه‌ی آن چنین است: «الیاس از پیامبران بنی اسرائیل بود. خداوند او را در بعلبک مبعوث نمود، و بعد از داود عجل الله تعالی فرجه تحت فرماندهی روم بود. همسر پادشاه آنان زنی رومی و بدکار بود، و رومیان بعل را می‌پرستیدند، همان گونه که در آیات قرآن آمده است: **وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ** (۲۳) **إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تُتَّقُونَ** (۲۴) **أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ** (۲۵) **اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ** (۲۶) **فَكَذَّبُوهُ فَأْتَهُمْ مَحْضُرُونَ** (۲۷) **إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ** (۲۸) **وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ** (۲۹) و به راستی الیاس از فرستادگان [ما] بود. چون به قوم خود گفت: آیا نمی‌هراسید؟ آیا بعل را می‌پرستید و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید؟! [یعنی] خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست؟! پس او را دروغگو شمردند، و قطعاً آنها احضار خواهند شد، مگر بندگان خالص شده‌ی خدا. و برای او در آیندگان [آوازه‌ی نیکی] به جای گذاشتیم.

آنان الیاس را تکذیب و توهین کردند، ترسانیدند، و برآن شدند تا وی را شکنجه دهند، لیکن او گریخت و به صعب العبورترین کوه پناه آورد، و هفت سال را تنها در آنجا سپری کرد. در این مدّت از گیاهان زمین و میوه‌ی درختان می‌خورد.

خداوند قوم او را به قحطی مبتلا کرد. از دیگر سو پسر پادشاه - که عزیزترین فرزندانش بود -

۱. و نیز کافی ۶/ ۳۶۶

۲. سوره‌ی صافات ۱۲۹/ ۱۲۳

به بیماری سختی دچار شد که از او قطع امید کردند. آنان به بت پرستان توسل جستند تا شاید نفعی برایشان داشته باشد، لیکن تأثیری نداشت، از این رو به دنبال الیاس فرستادند تا از کوه به زیرآید و شفیع آنان شود، او هم پذیرفت و پائین آمد، و به دعای او خداوند پسر پادشاه را شفا داد و باران فرستاد...

الیاس الیسع را وصی قرار داد، و خداوند برای الیاس بال رویاند و جامه‌ی نور به او پوشانید و به آسمان بالا برد، او ردایش را از آسمان برای الیسع انداخت، و خداوند الیسع را بر بنی اسرائیل پیامبری داد، و بدو وحی نمود و او را یاری رساند، بنی اسرائیل هم او را احترام می‌کردند و به وسیله‌ی او رهنمون می‌شدند.

علامه‌ی مجلسی رحمته‌الله در ادامه سخن طبرسی را که نقل قول برخی مفسرین است و با مطلب بالا تفاوت‌هایی دارد می‌آورد: «خداوند او را از میان مردم بالا برد، و لذت غذا و نوشیدنی را از او گرفت. به او بال داد، و او به بشری فرشته‌گونه و زمینی آسمانی تبدیل شد. بر آن پادشاه و قومش دشمنشان را مسلط گرداند که پادشاه و همسرش را کشتند. الیسع را نیز به رسالت بر آنان فرستاد، بنی اسرائیل هم به او ایمان آوردند، و او را احترام گذارده به دستوراتش عمل کردند.»

بحار الانوار ۱۳ / ۳۹۹ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «حاکم بنی اسرائیل عاشق زنی از قومی بت پرست از غیر بنی اسرائیل شد، و از او خواستگاری کرد، آن زن گفت: به شرط آنکه بتی را با خود به سرزمین شما بیاورم و آن را در آنجا بپرستم، او ابا کرد، ولی هم چنان اصرار به ازدواج داشت تا اینکه شرط آن زن را پذیرفت، و با بتش او را به شهر خود آورد، هشتصد مرد نیز که آن بت را عبادت می‌کردند با او آمدند...

پس قحطی آنان را فرا گرفت، و به الیاس توسل جستند، پادشاه توبه‌ای شایسته کرد تا آنجا که جامه‌ای موین در بر نمود، و خداوند باران و برکت را بر آنان فرو فرستاد.»

نگارنده: این روایات از جهت سندی دچار ضعف هستند و به اسرائیلیات می‌مانند. دیگر از مطالب سؤال برانگیز هدایت یافتن و ایمان آوردن بنی اسرائیل به الیاس و الیسع است، و اینکه یهودیان خود بر خود حکمرانی می‌کردند، در حالی که تحت حکومت روم بودند و قلعه‌ی بعلبک

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

ظهور
عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

معبود رومیان بت پرست بوده است. علاوه برآنکه سخن الیاس در قرآن: **أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ**، دلالت برآن دارد که وی بربت پرستان روم و اتباع یهودی آنان مبعوث شده بود.

مرحوم کلینی در کافی ۱/ ۲۴۲ از ابن حریش از امام جواد عجل الله تعالی فرجه‌ش نقل می‌کند که فرمودند: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه‌ش فرمودند: پدرم مشغول طواف بودند که مردی - که با قسمتی از عمامه نقاب بر صورت زده بود - آمد و طواف پدرم را قطع کرد و ایشان را با خود به منزلی در کنار کوه صفا برد. بعد به سراغ من نیز فرستاد، و سه نفر شدیم. او گفت: ای پسر رسول خدا! خوش آمدی، آنگاه دست بر سر من گذاشت و گفت: ای امین خداوند پس از پدرانش! خدا تو را مبارک قرار دهد. سپس [به پدرم] گفت: ای ابا جعفر! اگر می‌خواهی تو خود بگو، اگر هم می‌خواهی من بگویم، اگر می‌خواهی تو بپرس، و اگر می‌خواهی من سؤال کنم، اگر می‌خواهی تو مرا تصدیق کن، و اگر خواستی من تو را تصدیق نمایم.

پدرم فرمودند: همه را می‌خواهم. او گفت: مبدا در پاسخ سؤال من چیزی غیر از آنچه که در دل داری بگویی. پدرم فرمود: کسی این کار را می‌کند که درون خود دو دانش داشته باشد که با هم اختلاف دارند، لیکن اختلافی در دانش خدای عزیز و جلیل [که از آن به ما عطا نموده] نیست.

آن شخص گفت: سؤال من همین است که پاره‌ای از آن را بیان نمودی، این دانشی که دچار اختلاف نیست نزد چه کسی است؟ پدرم فرمودند: تمامی آن نزد پروردگار است - جلّ ذکوه -، و اما آنچه که بندگان بدان نیاز دارند نزد اوصیاست.

در این هنگام آن مرد نقابش را باز کرد، درست نشست و چهره‌اش درخشید، و ادامه داد: مقصودم همین بود، و بابت همین مطلب آمدم، گفتید که آن دانشی که اختلافی در آن نیست در نزد اوصیاست، چگونه آن را در اختیار دارند؟ پدرم فرمودند: همان سان که رسول خدا ص آگاهی داشت، با این تفاوت که ایشان آنچه را که پیامبر ص می‌دید نمی‌بینند، زیرا آن حضرت پیامبر بود و ایشان محدّث هستند [و فرشتگان با آنان سخن می‌گویند] و آن حضرت [در معراج] نزد خدای عزیز و جلیل می‌رفت و وحی را می‌شنید، لیکن ایشان نمی‌شنوند.

آن شخص گفت: ای پسر رسول خدا! درست فرمودی، اینک سؤالی سخت مطرح می‌کنم؛ بفرمایید که چرا این دانش آن گونه که توسط پیامبر ﷺ آشکار می‌شد، هم اکنون ظاهر نمی‌شود [و گاه تقیه می‌کنید]؟ ایشان خندیدند و فرمودند: خداوند عزوجل ابا نمود از اینکه کسی غیر از آنان که در ایمان به او امتحان شده‌اند بردانش او آگاهی یابند، همان گونه که حکم کرد رسول خدا ﷺ بر آزار قوم خود صبرپیشه کند، و تنها به فرمان او با آنان بجنگد، پس چه بسیار که ایشان تقیه نمود تا آنکه به او گفته شد: **فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ**، پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب.

قسم به خدا که اگر پیشتر نیز مأموریتش را آشکار می‌کرد در امان بود، ولیکن اطاعت فرمان خدا را اختیار نمود و از مخالفت با او هراسید، و لذا خودداری کرد.

دوست می‌داشتم که مهدی این امت را می‌دید که فرشتگان با شمشیرهای آل داود در میان آسمان و زمین قرار دارند و ارواح کافران مرده را عذاب می‌کنند، و ارواح زندگان آنان را نیز بدان‌ها ملحق می‌نمایند.

در ادامه آن مرد شمشیری را بیرون آورد و گفت: این یکی از آنهاست، پدرم فرمودند: آری، قسم به آنکه محمد را بر بشر برگزید.

در این هنگام آن شخص نقاب را دوباره بر چهره زد و گفت: من الیاسم، آنچه پرسیدم ناشی از ناآگاهی نبود، بلکه دوست داشتم این گفتار قوت [قلب] یارانت باشد... در آخر حدیث آمده است: پس آن مرد گفت: گواهی می‌دهم شما صاحبان حکمی هستید که هیچ اختلافی در آن نیست، آنگاه برخاست و رفت، و او را ندیدم.^۲

شاید بتوان گفت که این حدیث مهم‌ترین دلیل بر حیات الیاس علیه السلام است.

و اما در منابع سنیان: آنان اسرائیلیات بسیاری در این باره نقل نموده‌اند! الجامع الصغیر ۱/ ۶۳۶ می‌نویسد: «خضر در ریاست و الیاس در خشکی، آن دو هر شب در کنار سدی که ذوالقرنین میان مردم و یاجوج و ماجوج بنا کرد جمع می‌شوند، و هر سال حج و عمره به جا

۱. سوره ی حجر/ ۹۴

۲. و نیز بحار الانوار ۲۵/ ۷۴

می آورند و از زمزم چنان می نوشند که تا سال بعد برای آنها کافی باشد.»

الاصابة ۲/ ۲۵۱ همین گزارش را از انس نقل می کند و می نویسد: «عبد الرحیم و ابان [که در سند آن هستند] متروک الروایه اند.»

مناوی در فیض القدير ۳/ ۶۷۲ در شرح آن می نویسد: «مقصود آن است که اکثر مدّت اقامت آن دو در خشکی یا دریاست. الیاس به کسر همزه از آیس می آید که به معنای خدعه، نیرنگ و اختلال عقل است، یا اینکه از باب افعال باشد و به معنای شجاعی که فرار نمی کند، ابن انباری چنین گفته است.

سهیلی می گوید: صحیح آن است که الیاس مقابل امید است، والف و لام آن برای تعریف آمده و همزه ی آن همزه ی وصل است، گرچه برخی آن را قطع گرفته اند.»
نگارنده: سخنان اینان در مورد اسمی عبری که اصل آن سریانی است تکلف و تیر در تاریکی انداختن است.

مناوی در ادامه می نویسد: «آن دو هر شب در کنار سدّی که ذوالقرنین میان مردم و یأجوج و مأجوج بنا کرد جمع می شوند، و هر سال حج و عمره به جا می آورند، و از زمزم چنان می نوشند که تا سال بعد برای آنها کافی باشد، و تمام غذایشان همین است. گویا این قسمت آخر از قلم مصنف افتاده است. این حدیث ضعیف است، لیکن ضعف آن بدین وسیله که با الفاظی متفاوت و از چند طریق نقل شده است جبران و تقویت می شود، از جمله آنکه در المستدرک از انس بن مالک نقل می کند: در سفری با پیامبر ﷺ بودیم و در منزلی فرود آمدیم، ناگهان مردی را دیدم که ندا می کند: خدایا! مرا از امت محمد - که مرحوم و آمرزیده اند و توبه شان را پذیرفته ای - قرار ده، من نگاه کردم و دیدم مردی است که بیش از سیصد ذراع طول اوست، او گفت: تو کیستی؟ گفتم: انس خادم پیامبر، پرسید: او کجاست؟ گفتم: سخنت را می شنود. او گفت: براو سلام برسان و بگو برادرت الیاس سلامت می رساند.

من آمدم و خبر را به آن حضرت رساندم، ایشان هم آمدند و الیاس را در آغوش گرفتند، سپس نشستند و سخن آغاز کردند، او گفت: یا رسول الله! من در سال تنها یک بار غذا می خورم، و امروز آن روز است، پس بیا با هم غذا بخوریم. در این هنگام سفره ای از آسمان

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فرود آمد که بر آن نان، ماهی و کرفس بود، آن دو خوردند و نماز عصر را به جا آوردند، بعد با او وداع کردیم و دیدم که در میان ابرها به طرف آسمان می رود...

ذهبی این روایت را در احوال یزید بن یزید بلوی آورده و می گوید: خبری باطل است. بخاری نقل می کند: از ابن مسعود و ابن عباس روایت شده که الیاس همان ادریس است. ابن حجر گوید: عبد بن حمید و ابن حاتم روایت ابن مسعود در این رابطه را با سندی شایسته آورده اند، لیکن روایت ابن عباس توسط جویبر از ضحاک از وی نقل شده که سندش ضعیف می باشد، لذا بخاری نسبت به آن قاطعیتی ندارد. برخی دیگر هم گفته اند: الیاس از بنی اسرائیل بود.»

سیوطی در الدر المنثور ۴ / ۲۴۰ می نویسد: «حارث بن ابی اسامه در مسند خود با سندی ضعیف از انس نقل می کند [و همان روایت اجتماع خضر و الیاس در کنار سدّ ذوالقرنین را می آورد]...»

ابن عساکر از ابن ابی داود نقل می کند: الیاس و خضر رمضان را در بیت المقدس روزه می دارند. هر سال حج می گزارند، و از زمزم چنان می نوشند که تا سال آینده و همان موسم برایشان کافی باشد.

عقیلی، دارقطنی در الافراد و نیز ابن عساکر از ابن عباس روایت می کنند: پیامبر ﷺ فرمود: خضر و الیاس در هر موسمی جمع می شوند، و هریک سردیگری را می تراشد، و با این جملات از یکدیگر جدا می شوند...

ابن عباس گوید: هر کسی این جملات را صبح و شام سه بار بگوید خداوند او را از غرق شدن، سوختن، دزدی، شیاطین، سلطان، مار و عقرب نگاه می دارد.»

زمخشری در ربیع الابرار ۱ / ۳۳۰ از مقاتل نقل می کند: «چهارتن از پیامبران زنده اند؛ عیسی و ادریس در آسمان، الیاس و خضر در زمین، الیاس در خشکی است و خضر در دریا.»

فتح الباری ۷ / ۳۴۲ می نویسد: «ابن تین که گفته الیاس پیامبر نیست، سخنی عجیب بر زبان رانده است، او مبنای سخن خود را گفتار کسانی قرار داده که او را زنده می دانند، که مطلبی ضعیف است. اما اینکه او پیامبر نیست باطل است، زیرا قرآن عظیم می فرماید:

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، چگونه می‌شود کسی رسول باشد، لیکن نبی نباشد؟»

نگارنده: این تین و گزافه‌گویی وی مثالی است برای کسی که اسرائیلیات چنان او را سرگرم خود کرده که تصریح قرآن را فراموش می‌کند، و یا آنکه خود را به فراموشی می‌زند!

ما نمی‌توانیم براخبار پیرامون الیاس عجل الله تعالی فرجه - حتی آنها که در مصادر خودمان آمده است - اعتماد کنیم، زیرا تحت تأثیر اسرائیلیات است، البته این سخن مشروط به آن است که احادیثی از پیامبر و اهل بیت عجل الله تعالی فرجه در این باره نرسیده باشد.

اما احادیث مربوط به خضر عجل الله تعالی فرجه بسیار و برخی هم صحیح می‌باشد و بیانگر این مطلب است که ایشان زنده است، روزی می‌خورد، در زمره‌ی یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در دوران غیبت است، و به هنگام ظهور در کنار ایشان خواهد بود.

اصحاب کهف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه

خداوند متعال می‌فرماید:

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ۖ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ۝ فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ۝ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ۝ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۝ وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا ۝ هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝ وَإِذْ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا ۝

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرَعَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرُّضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ۝ وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقِلُّهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكُفُّهُمْ دَرَأَعِيهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِيتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ۝

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَيْسْتُمْ فَاذْعَبُوا أَحَدَكُمْ يَورِقْكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٠﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا ﴿١١﴾

وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ﴿١٢﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كُذِّبُوا وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كُذِّبُوا رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامُهُمْ كُذِّبُوا قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿١٣﴾

آیا پنداشته‌ای که اصحاب کهف و رقیم از نشانه‌های شگفت انگیز ما بوده‌اند؟ آنگاه که جوانان به سوی غار پناه جستند و گفتند: پروردگار ما! از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان رسان. پس در آن غار، سالیانی چند برگوش هایشان پرده زدیم. آنگاه آنان را بیدار کردیم، تا بدانیم کدام یک از آن دو دسته، مدت درنگشان را بهتر حساب کرده‌اند. ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدايتشان افزودیم. و دل هایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که [به قصد مخالفت با شرک] برخاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند، که در این صورت قطعاً ناصواب گفته‌ایم. این قوم ما جز او معبودانی اختیار کرده‌اند. چرا بر [حقانیت] آنها برهانی آشکار نمی‌آورند؟ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بزند؟ و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می‌پرستند کناره گرفتید، پس به غار پناه جویید، تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگسترانند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد.

و آفتاب را می‌بینی که چون طلوع می‌کند، از غارشان به سمت راست مایل است، و چون غروب می‌کند از سمت چپ دامن برمی‌چیند، در حالی که آنان در جایی فراخ از آن [غار قرار گرفته] اند. این از نشانه‌های خداست. خدا هر که را راهنمایی کند او راه یافته است، و هر که را بی‌راه گذارد، هرگز برای او یاری راهبر نخواهی یافت.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و می‌پنداری که ایشان بیدارند، در حالی که خفته‌اند و آنها را به پهلوی راست و چپ می‌گردانیم، و سگشان بر آستانه [ی غار] دو دست خود را دراز کرده است. اگر بر حال آنان اطلاع می‌یافتی، گریزان روی از آنها برمی‌تافتی و از [مشاهده‌ی] آنها آکنده از بیم می‌شدی.

و این چنین بیدارشان کردیم، تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند. گوینده‌ای از آنان گفت: چقدر مانده‌اید؟ گفتند: روزی یا پاره‌ای از روز را مانده‌ایم، گفتند: پروردگارتان به آنچه مانده‌اید داناتر است، اینک یکی از خودتان را با این پول خود به شهر بفرستید، تا ببیند کدام یک از غذاهای آن پاکیزه‌تر است و از آن، غذایی برایتان بیاورد، و باید زیرکی به خرج دهد و هیچ کس را از شما آگاه نگرداند. چرا که اگر آنان بر شما دست یابند، سنگسارتان می‌کنند یا شما را به کیش خود بازمی‌گردانند، و در آن صورت هرگز روی رستگاری نخواهید دید.

و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده‌ی خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست، هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند، پس گفتند: بر روی آنها ساختمانی بنا کنید، پروردگارشان به آنان داناتر است. کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: حتماً بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد. به زودی خواهند گفت: سه تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود، و می‌گویند: پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود. تیر در تاریکی می‌اندازند. و [عده‌ای] می‌گویند: هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود. بگو: پروردگارم به شماره‌ی آنها آگاه‌تر است، جز اندکی [کسی شماره‌ی] آنها را نمی‌داند. پس درباره‌ی ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جویا مشو.

مفسران در شأن نزول این آیات گفته‌اند: مشرکان قریش سه تن از قریش - عاص بن وائل سهمی، ابن ابی معیط اموی و ابن کلدۀ عبدی - را نزد خاخام‌های یهود فرستادند تا از آنان سؤالاتی دریافت کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از پاسخ آن عاجز باشد! برخی سؤالات آنها چنین بود: قیامت چه زمان خواهد بود؟ اصحاب کهف چه کسانی بودند؟ و ذوالقرنین کیست؟^۱

تفسیر قمی ۳۱/۲ می‌نویسد: «آنان جوانانی بودند که در دوره‌ی فترت میان عیسی بن مریم علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌زیستند. رقیم دولوح مسی است که ماجرای ایشان، اسلام

۱. رک به تفسیر قمی ۳۱/۲ و طبری ۲۸۵/۱۵

آوردنشان، درخواست دقیانوس از آنها و سایر احوالاتشان بر آن مرقوم بود.»
تفسیر عیاشی ۳۲۱/۲ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «پادشاه زمان، اسامی آنان، پدران و خانواده‌هایشان را در صفحاتی از سرب نگاشت.»

نفرای مالکی در الفواکه الدوانی ۷۰/۱ می‌نویسد: «اصحاب کهف با مهدی و از پیروان او خواهند بود. عیسی علیه السلام نماز صبح را پشت سر مهدی به جا می‌آورد، و البته این کار ضرری به نبوت او نمی‌رساند. مهدی در ادامه، حکومت را به عیسی می‌سپارد، دجال را می‌کشد و در بیت المقدس می‌میرد.

امر حاکمیت برای عیسی علیه السلام انتظام می‌گیرد، و از زمان فرود آمدن در زمین به مدت چهل سال حکمرانی خواهد کرد. آنگاه از دنیا می‌رود و مسلمین بر او نماز می‌خوانند. برخی گویند: او از زمان فرود آمدن هفت سال درنگ می‌کند، و [در آن مدت] هیچ دشمنی میان مردم نخواهد بود. سپس خدا بادی را می‌فرستد که ارواح مؤمنان را قبض می‌کند.»

نگارنده: سخن نفرای بازخوانی افکار کعب الاحبار است که آن را به مثابه احادیث نبوی و قطعی گرفته‌اند!

در الدر المنثور ۴/۲۱۵ می‌نویسد: «از ابن عباس منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اهل کهف از اصحاب مهدی علیه السلام هستند.

زجاجی در امالی خود از ابن عباس روایت می‌کند که درباره‌ی آیه: **أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ**، گفت: آن جوانان هنگامی که به جهت ترس بر دین از خویشان گریختند، خانواده‌هایشان پادشاه را با خبر کردند، و او فرمان داد تا بر لوحی از سرب اسامی آنان را بنویسند و آن را در خزانه انداخت، و گفت: به آنان رسیدگی خواهد شد.»

العطر الوردی ۷۰/۱ می‌نویسد: «راز تأخیر آنان تا این مدت آن است که آنان را به شرف اسلام و یاری رساندن خلیفه‌ی حق گرامی دارند.»

فتح الباری ۶/۳۶۵ درباره‌ی سخن ابن عباس که اصحاب کهف از یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند می‌نویسد: «سند آن ضعیف است، اگر هم ثابت باشد آن را حمل می‌کنیم بر آنکه آنان نمردند، بلکه خوابیده‌اند تا برای یاری مهدی مبعوث شوند.»

ماجرای بساط

منابع شیعی و سنی حدیثی را به این مضمون آورده‌اند: برخی از صحابه از رسول خدا ﷺ درخواست نمودند تا اهل کهف را به ایشان بنمایانند، ایشان هم فرمان دادند تا بر بساطی بنشینند و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به همراه آنها فرستادند. بساط آنان را بالا برد تا آنکه به اهل کهف رسیدند، و آنان را خفته یافتند. صحابه با آنان سخن گفتند ولی جواب ندادند، اما هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) تکلم کرد پاسخ ایشان را دادند، ابوبکر گفت: یا علی! چرا پاسخ تو را دادند، ولی ما نه؟ ایشان به اهل کهف حواله دادند و آنان گفتند: ما تنها پاسخ نبی یا وصی نبی را می‌دهیم.

در روایات نیز آمده که حضرت علی (علیه السلام) انس بن مالک را که در این جریان حضور داشت گواه گرفتند، اما او حاضر به گواهی دادن نشد، و با نفرین امیرالمؤمنین (علیه السلام) مواجه و به دنبال آن پیس و نابینا شد.^۱

نکاتی چند

۱. شیخ مفید (رحمه الله) در ارشاد ۱۱۷/۲ از زید بن ارقم روایت می‌کند: «در اتاقم بودم که سر

۱. رک به عقد الدرر / ۱۴۱ از تفسیر ثعلبی، البرهان متقی / ۸۷، مناقب ابن مغازلی / ۲۳۲، الخرائج و الجرائح / ۲۱۰/۱، فضائل شاذان بن جبرئیل / ۱۶۴، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام) / ۲/۳۳۷ و ۳۳۸، الثاقب فی المناقب / ۷۱، الیقین / ۱۳۳ از جابر بن عبدالله، ارشاد القلوب / ۲۶۸، خلاصة عقبات الانوار / ۳/۲۵۸ و نفحات الازهار / ۳/۲۴۱، سید بن طاووس در سعد السعود / ۱۱۲ می‌نویسد: فصلی در آنچه از کتاب تفسیر یک جلدی ابواسحاق ابراهیم بن احمد قزوینی می‌آوریم و آن یک حدیث است در تفسیر سوره ی کهف: ... با سند خود از محمد بن ابی یعقوب جوال دینوری، از جعفر بن نصر در حمص، از عبدالرزاق از معمر از ثابت از انس روایت می‌کند: از منطقه‌ای به نام بهندف بساطی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) هدیه آوردند... ما این حدیث را از چند طریق که ذکر شده است آوردیم، و سبب اینکه در اینجا نقل نمودیم آن است که مؤلف تفسیر از بزرگان سنیان است، و اینان در نقل کرامات حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) متهم نیستند [در حالی که اگر از شیعیان نقل می‌کردیم سنی‌ها ما را متهم می‌کردند!].

همو در الطرائف / ۸۴ این جریان را نقل می‌کند و می‌نویسد: حدیثی که ثعلبی در مورد بساط روایت می‌کند طولانی‌تر از حدیث ابن مغازلی است، ثعلبی می‌افزاید: «اهل کهف تا آخرالزمان به هنگام خروج مهدی در خواب رفتند، مهدی [چون ظهور کند] بر آنان سلام می‌کند، پس خداوند عزیز و جلیل ایشان را برای او زنده می‌کند، آنگاه به خواب فرو می‌روند و تا قیامت بر نمی‌خیزند.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام (علیه السلام)

منزلت امام (علیه السلام)

حکومت امام (علیه السلام)

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (علیه السلام)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (علیه السلام)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام (علیه السلام) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

امام حسین (علیه السلام) را بر فراز نیزه عبور دادند، وقتی که به مقابل اتاق من رسید این آیه را تلاوت فرمود: **أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا**، به خدا قسم مو بر بدنم ایستاد و صدا زد: ای پسر رسول خدا! به خدا سوگند که سرتو شگفت انگیزتر است.»

مناقب کوفی ۲/ ۲۶۷ از اعمش از منهال بن عمرو نقل می‌کند: «سرامام حسین (علیه السلام) را بر نیزه دیدم که این آیه را تلاوت می‌کرد: **أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا**، پس کسی از میان مردم صدا زد: ای پسر رسول خدا! سرتو شگفت انگیزتر است.»

۲. از آیات مربوط به اصحاب کهف استفاده می‌شود که خداوند آنها را برای حضرت صاحب الامر (علیه السلام) ذخیره کرده است، او معاصران آنان را بر آن داشت تا جریان آنها را بر لوح بنگارند، دری بر آن غار بنا کنند، و تعدادشان را مخفی داشت. مؤید این مطلب روایات اهل بیت معصومین (علیهم السلام) است.

الهدایة الكبرى / ۱۶۳ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت می‌کند: «خداوند بقایای قوم موسی را برای او خواهد آورد، و اصحاب کهف را از برای او زنده خواهد نمود.»

ارشاد / ۳۶۵ از مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: «قائم (علیه السلام) از پشت کوفه بیست و هفت مرد را خارج خواهد ساخت؛ پانزده تن از قوم موسی (علیه السلام) که به حق راهنمایی و داوری می‌کردند، هفت تن اهل کهف، یوشع بن نون، پس اینان انصار آن حضرت و حکام از سوی ایشانند.»

و لابد ایشان که خود رومی هستند در اتمام حجت بر رومیان، امام (علیه السلام) را یاری می‌رسانند. رومیانی که سپاهی نزدیک به یک میلیون نفر را به انطاکیه گسیل می‌دارند، و در مقابل، امام مهدی (علیه السلام) گروهی را به آنجا می‌فرستند که هدف اصلی شان آشکار ساختن اهل کهف است تا نشانه و اتمام حجتی بر روم باشند، و در ادامه به آن حضرت ملحق شوند.

کرمی حنبلی در فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر / ۱۰۳ از حذیفه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت می‌کند: «امت من محشور نمی‌شوند تا آنکه مهدی قیام کند... آنگاه در حالی که جبرئیل پیش قراول و میکائیل سمت چپ او هستند متوجه شام می‌شود. اهل کهف نیز یار و همراه اویند، و اهل آسمان و زمین از وجود آن حضرت شادمان خواهند شد.»

۳. انطاکیه ارتباط خاصی با اصحاب کهف در حرکت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دارد، و در عصر ظهور از مکانت خاصی برخوردار است، چرا که مرکز خواص یاران مسیح عجل الله تعالی فرجه و دعوت ایشان است، به علاوه آنکه گروهی که حضرت به انطاکیه می‌فرستد نسخه‌های اصلی تورات را از مکانی در آن سرزمین بیرون خواهند آورد، دلائل الامامة / ۲۴۹ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «مهدی از این بابت مهدی نام گرفته است که [از سوی خدا] به امری پنهان رهنمون می‌شود، او به آنچه در سینه‌های مردم است راهنمایی می‌کند. کسی را به سراغ مردی می‌فرستد و او را می‌کشد در حالی که علت آن [برای مردم] مشخص نیست.

او سه گروه اعزام خواهد کرد: یک گروه برده‌های مسلمانی را که نزد اهل ذمه هستند آزاد می‌کند، یک گروه در سرزمین عرب اظهار بیزاری از یغوث و یعوق خواهد نمود، و گروه دیگر تورات را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد. به او حکومت سلیمان عطا خواهد شد.»

غیبت نعمانی / ۲۳۷ از عمرو بن شمر از جابر جعفی روایت می‌کند: «شخصی حضور امام باقر عجل الله تعالی فرجه آمد و گفت: خداوند شما را حفظ کند، این پانصد درهم زکات اموال را بگیری. امام عجل الله تعالی فرجه فرمودند: آن را میان همسایگان مسلمان و برادران مسکین با ایمانت تقسیم کن. در ادامه فرمودند: هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند [اموال] را به تساوی تقسیم، و در میان رعیت به عدالت رفتار می‌کند، پس هرکس او را اطاعت کند از خداوند فرمان برده و هرکه از او سرپیچی کند خدا را عصیان نموده است.

مهدی از این بابت مهدی نامیده شده که به امری پنهان راهنمایی می‌کند، و تورات و دیگر کتب خدای عزوجل را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد. او میان اهل تورات با تورات، اهل انجیل با انجیل، اهل زبور با زبور و اهل قرآن با قرآن حکم خواهد نمود.

ثروت‌های دنیا از درون و روی زمین نزد او جمع می‌شود، پس به مردم می‌فرماید: بیایید به سراغ چیزی که به خاطر آن قطع رحم کردید، خون‌های حرام را ریختید و حرام خدای عزوجل را مرتکب شدید، و چنان بخشش می‌کند که احدی پیش از او نکرده است، و زمین را پراز عدل و داد و نور می‌کند، همان گونه که از ستم و جور و شرّ آکنده شده است.»^۱

۱. و نیز رک به علل الشرائع / ۱۶۱ و عقد الدرر / ۳۹

نگارنده: راوی بیان نکرده که چرا امام باقر علیه السلام زکات این شخص را نپذیرفتند، و به سخن از توزیع اموال توسط امام عصر علیه السلام پرداختند.

الفتن ۱ / ۳۵۵ از کعب: «مهدی به نبرد رومیان می رود. او فهم ده تن را خواهد داشت (!). او تابوت سکینه را - که توراتی که خداوند بر موسی علیه السلام فرستاد و انجیلی که بر عیسی علیه السلام نازل کرد را در خود دارد - از غاری در انطاکیه بیرون می آورد، و میان اهل تورات با تورات و میان اهل انجیل با آن حکم خواهد کرد.»

ثعلبی در العرائس / ۱۱۸ می نویسد: «تمیم داری گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم: یا رسول الله! از شهری در نزدیکی ساحل عبور کردم که اوصافی چنین و چنان داشت، ایشان فرمودند: شهری که می گویی انطاکیه است، در یکی از غارهای آن قطعه هایی از الواح موسی قرار دارد. هر ابیری از مشرق یا مغرب بر آن بگذرد برکاتش را بر آن فرو می ریزد. روزها و شب ها سپری نخواهند شد تا آنکه مردی از اهل بیتم در آن ساکن شود و آن را از داد و عدل مملو سازد، همان سان که از ظلم و ستم پر شده است.»

خطیب در تاریخ بغداد ۹ / ۴۷۱ از تمیم نقل می کند: «گفتم: یا رسول الله! در روم شهری مانند انطاکیه و پرباران تراز آن ندیده ام! ایشان گفتند: آری، این بدان سبب است که تورات، عصای موسی، قطعات الواح و سفره ی سلیمان بن داود در غاری از غارهای آن است. هیچ ابیری نیست که از یکی از جهات بر آنجا بگذرد مگر آنکه برکت خود را تماماً در آنجا فرو می ریزد. روزها و شب ها سپری نخواهند شد مگر بعد از آنکه مردی از عترتم که نام او نام من و نام پدرش نام پدر من است در آنجا سکنی گزیند، او در خلقت و اخلاق به من می ماند، و زمین را همان سان که از ستم و جور پر شده از داد و عدل مملو خواهد ساخت.»

نگارنده: سخنان و روایات کعب الاحبار و تمیم داری که مورد تکذیب اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته اند ارزشی ندارند، مخصوصاً آنکه برخی از روایات را ممکن است بعدها به این دو نسبت داده اند.

هفت عالم از مناطق مختلف در میان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

ابن حماد در الفتن ۱ / ۳۴۵ از ابن مسعود - بدون آنکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت دهد - نقل می‌کند: «وقتی که تجارت‌ها کساد و راه‌ها ناامن شوند و فتنه‌های بسیار رخ دهد، هفت عالم از مناطق مختلف - که با هریک سیصد و بیش از ده مرد بیعت می‌کنند - بدون قرار پیشین می‌آیند و در مکه با یکدیگر ملاقات می‌کنند. بعضی به بعضی دیگر می‌گویند: چرا آمده‌اید؟ آنان می‌گویند: به دنبال مردی آمده‌ایم که امید می‌رود بردست او این فتنه‌ها خاموش و قسطنطنیه فتح شود، ما او را به نام خود، پدر، مادر و اوصافش می‌شناسیم. چون همه برای این مطلب اتفاق نظر می‌کنند به دنبال او می‌روند و در همان مکه او را می‌یابند و می‌گویند: آیا توفلانی پسر فلانی هستی؟ می‌گوید: نه، بلکه من مردی از انصار هستم، و قصد او آن است تا از آنان بَرهد.

آنها اوصاف این شخص را برای اهل خبره و افراد شناس ذکر می‌کنند و آنان می‌گویند: او همان است که در پی‌اش هستید، و هم اکنون به مدینه رفته است. آنان در مدینه به دنبال او می‌روند، و او به مکه می‌رود. در مکه او را می‌یابند و می‌گویند: توفلانی پسر فلانی هستی و مادرت فلانه دختر فلان است و چنین و چنان نشانه داری، و یک بار از ما گریختی، دست را دراز کن تا با تو بیعت کنیم، او می‌گوید: من مقصود شما نیستم، بلکه فلان پسر فلان انصاری هستم، بیایید برویم آن را که می‌خواهید نشان‌تان دهم و از آنان می‌گریزد.

باز به دنبال او به مدینه می‌روند و او هم به مکه می‌رود. در کنار رکن او را می‌یابند و می‌گویند: اگر دستت را برای بیعت دراز نکنی گناه و خون ما برگردن توست، این لشکر سفیانی است که به فرماندهی مردی از جرم به دنبال ما آمده است. آنگاه بین رکن و مقام می‌نشینند و دستش را پیش می‌کشد و با او بیعت می‌کنند. خداوند محبت او را در دل‌های مردم قرار می‌دهد. او با گروهی که روزها چون شیران پیکار می‌کنند و شب‌ها مانند راهبان به عبادت می‌پردازند حرکت می‌کند.»

نگارنده: این داستان از فهم سنیان قرن سوم [عصر ابن حماد] درباره‌ی بشارت‌های نبوی پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه حکایت می‌کند. آنان این روایت را به ابن مسعود - که بشارت‌های

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نبوی پیرامون امامان دوازده گانه علیهم السلام را نقل می کرده است - نسبت داده اند، و تصوّرات خود را در مورد مهدی موعود، و نیز تفسیر این مطلب: «با مهدی بیعت می شود در حالی که خوش ندارد» بدان افزوده اند.

در این گزارش اصحاب سیصد و سیزده گانه ی امام مهدی علیه السلام یاد شده اند، همان کسانی که خداوند از سرزمین های مختلف آنان را گرد می آورد، و در این روایت برای هریک از این هفت عالم چنین شماری ذکر شده است! این حماد درباره ی این هفت تن گزارشات کوتاه و بلندی را نقل می کند، لیکن هیچ یک از پیامبر و ائمه علیهم السلام نیست.

نفس زکیه در نجف از علائم قیام حضرت مهدی علیه السلام

شیخ مفید در ارشاد ۳۶۸/۲ می فرماید: «در احادیث، علائم و حوادثی برای زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده است، از جمله: خروج سفیانی، قتل حسنی، اختلاف بنی عباس در پادشاهی، کسوف خورشید در نیمه ی ماه رمضان، خسوف ماه در آخر رمضان و بر خلاف عادت، فرو رفتن زمین در بیداء و نیز در مغرب و مشرق، ثابت ماندن خورشید از زوال تا نیمه های عصر، طلوع آن از مغرب، قتل نفس زکیه با هفتاد تن از صالحین در پشت کوفه [نجف]، ذبح شدن مردی هاشمی بین رکن و مقام و فرو ریختن دیوار مسجد کوفه.»

نگارنده: مقصود شیخ مفید رحمه الله ذکر علامات و لو بدون ترتیب است. شاهد ما از نقل این عبارت این قسمت است: «قتل حسنی... قتل نفس زکیه با هفتاد تن از صالحین در نجف، ذبح شدن مردی هاشمی بین رکن و مقام و فرو ریختن دیوار کوفه.»

در روایات وارد نشده که حسنی اهل کجاست. اما در مورد هاشمی یا آن حسنی که بین رکن و مقام ذبح می شود، روایات صریح داریم و خواهد آمد.

مقصود از انهدام دیوار کوفه، دیوار مسجد آن از سمت مقابل قبله می باشد که مدلول روایات است.

اما نفس زکیه که در میان هفتاد تن از صالحین در نجف کشته می شود، واضح ترین کسی که تا این زمان در نجف کشته شده و این مطلب بر او قابل انطباق است شهید سید محمد باقر

حکیم ﷺ است که در میان بیش از هفتاد تن به شهادت رسید، و معنای حدیث آن است که هفتاد نفر از کشتگان افرادی صالح هستند.

در مختصر بصائر الدرجات / ۱۹۹ خطبه ای به نام مخزون را از حضرت امیر علیه السلام نقل می کند که در قسمتی از آن آمده است: «ای مردم! از من سؤال کنید قبل از آنکه فتنه ای شرقی [بسان شتری چموش] پایش را بلند کند و در مهارش گذارد - و این [فتنه] پس از مرگ و زندگانی است -، یا آنکه آتشی با هیزم درشت در مغرب زمین شعله ور شود و فریاد به خونخواهی یا مانند آن کند. پس آن هنگام که فلک بگردد خواهید گفت: او مُرد، یا هلاک شد، در کدام وادی سیر می کند. پس در آن روز تأویل این آیه خواهد آمد: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا، پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می گردانیم. برای آن نشانه ها و علاماتی است؛ نخست آن که کوفه با لشکر و خندق محاصره شود، در سرکوجه های کوفه آتش روشن شود، چهل شب مساجد تعطیل شود، سه پرچم - که با [پرچم] هدایت مشتبّه می شوند - پیرامون مسجد اکبر آمد و شد کنند که قاتل و مقتول در آتش اند. کشتار بسیار، مرگ وسیع، قتل نفس زکیه در پشت کوفه در میان هفتاد نفر، آنکه میان رکن و مقام ذبح می شود، قتل صبر اسبغ مظفر در بیعت بتان و به همراه بسیاری از شیاطین انس...»

این روایت درباره ی حجاز و عراق است، و مسجد اکبر که پرچم ها حوالی آن آمد و شد و نزاع می کنند مسجد الحرام است.

این کشتار فجیع ممکن است هم در عراق باشد و هم در حجاز. اسبغ مظفر هم - که معلوم نیست اهل کجاست - شخصی است که او را در بند می کنند و به قتل می رسانند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر
سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نفس زکیه که در مدینه به شهادت می‌رسد از یاران حضرت مهدی علیه السلام است

کتاب سلیم / ۱۹۷ می‌نویسد: «از نامه‌های حضرت علی علیه السلام به معاویه: ای معاویه! رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داده اند که بنی امیه محاسن مرا از خون سرم رنگین می‌کنند و من به شهادت می‌رسم...»

مردی از نسل توشوم، ملعون، جلف، جفاکار، وارونه دل، خشن و سخت است و خداوند رأفت و رحمت را از دل او کنده. دایی‌هایش از کلب هستند و گویا او را می‌نگرم. اگر می‌خواستم نام و صفت او و نیز اینکه چند سال دارد را می‌گفتم. او لشکری به مدینه می‌فرستد که بدان وارد می‌شوند. کشتار و فحشاء بسیاری به راه می‌اندازند. مردی از فرزندان من - که پاک و منزه است و زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد، همان سان که از ستم و جفا پر شده - از آنان می‌گریزد. من نام، نشانه و سنّ او در آن روز را می‌دانم. او از فرزندان پسر حسین است که پسرت یزید او را می‌کشد. او خون خواه پدرش است. پس به سوی مکه فرار می‌کند. رئیس آن لشکر مردی پاک و بی‌گناه از فرزندان مرا در کنار احجار الزيت خواهد کشت...»

الفتن ۱ / ۳۲۴ از کعب: «مدینه مباح شمرده می‌شود [و هرکاری بخواهند در آن انجام می‌دهند]، و نفس زکیه به قتل می‌رسد.»

همان ۱ / ۳۲۹ از ابن مسعود: «لشکری روانه مدینه می‌شود که بین حماوین در زمین فرو می‌روند، و نیز نفس زکیه به قتل می‌رسد.»

کافی ۱ / ۳۳۷ از زراره روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام فرمودند: آن پسر پیش از آنکه قیام کند غیبتی خواهد داشت، عرضه داشتم: چرا؟ فرمودند: می‌هراسد - و با دست به شکم خود اشاره کردند [کنایه از کشته شدن] - در ادامه فرمودند: ای زراره! او منتظر است. و هموست که مردم در ولادتش شک می‌کنند، برخی می‌گویند: پدرش بدون آنکه فرزندی باقی گذارد از دنیا رفت، گروهی می‌گویند: پدرش از دنیا رفت و او در شکم مادر بود و برخی هم می‌گویند: او دوسال پیش از فوت پدر به دنیا آمد و همان منتظر است. خدای عزوجل دوست دارد

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شیعیان را بیازماید. ای زراره! آن هنگام [غیبت و امتداد آن] است که باطل گرایان دچار تردید می شوند.

عرض کردم: فدایت شوم اگر آن زمان را درک کردم چه کنم؟ فرمودند: ای زراره! اگر آن دوران را درک کردی این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ عَرَفَنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرَفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَفَنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرَفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَفَنِي حَجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.**

آنگاه فرمودند: ای زراره! به ناچار پسری را در مدینه خواهند کشت، گفتم: فدایت شوم لشکر سفیانی او را می کشند؟ فرمودند: نه، لشکر بنی فلان به مدینه می آیند، او را دستگیر کرده می کشند، و چون به ظلم و عدوان او را می کشند دیگر مهلت داده نمی شوند، پس در این هنگام انتظار فرج را داشته باشید ان شاء الله.»^۱

الفتن ۱ / ۳۲۳ از حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه نقل می کند: «سفیانی به کسی که با لشکرش به کوفه رفته و آن را همانند پوست ساییده، نامه ای می نویسد و فرمان می دهد به حجاز رود. او هم به مدینه می آید و شمشیرش را در میان قریش قرار می دهد و از آنان و انصار چهارصد مرد را می کشد، شکم ها را می درد و فرزندان را می کشد. او خواهر و برادری از قریش را که فاطمه و محمد نام دارند می کشد و بر در مسجد به دار می آویزد.»

نگارنده: آنچه در این گزارش آمده که لشکر سفیانی از عراق می آیند، قابل قبول نیست، چرا که آنها از شام می آیند.

همو از ابو رومان از آن حضرت: «سفیانی لشکری را به مدینه می فرستد که به هرکسی از آل محمد دست یابند او را دستگیر می کنند، و مردان و زنانی از بنی هاشم را می کشند. در این هنگام مهدی و منصور از مدینه به مکه می گریزند، او هم در پی آنان - که به حرم خدا و امن او رسیده اند - می فرستد.»

تفسیر عیاشی ۱ / ۶۵ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می کند: «سفیانی با یارانش ظاهر می شوند و تا

۱. و نیز رک به غیبت نعمانی / ۱۶۶ و ۱۷۷، کمال الدین ۲ / ۳۴۲، ۳۴۶ و ۴۸۱ با چند طریق، دلائل الامامة / ۲۹۳، غیبت طوسی / ۲۰۲ و ...

جایی پیش می روند که تنها مقصودشان آل محمد علیهم السلام و شیعیان آنها خواهد بود. او لشکری به کوفه می فرستد که از شیعیان آل محمد علیهم السلام می کشند و به دار می آویزند.

لشکری را نیز روانه ی مدینه می کند و آنان مردی را در آنجا می کشند و مهدی و منصور از آنجا می گریزند. آنها کوچک و بزرگ خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را دستگیر و اسیر می کنند. لشکر به دنبال آن دو [مهدی و منصور] از مدینه بیرون می رود، و مهدی به مانند موسی هراسان و نگران می رود تا آنکه وارد مکه می شود.»

نگارنده: البته این نفس زکیه غیر از آن نفس زکیه است که نزدیک ظهور امام زمان علیه السلام در مکه کشته می شود و خواهد آمد.

نفس زکیه که در مکه کشته می شود از یاران امام عصر علیه السلام است

غیبت نعمانی / ۲۵۷ روایت می کند: «از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند: آری، و نیز قتل نفس زکیه، قائم، فرورفتن زمین در بیداء، دستی که در آسمان آشکار می شود و ندای آسمانی از حتمیات هستند. پرسیدند: ندا چیست؟ فرمودند: منادی به نام قائم و پدرش ندا می کند.»

همان / ۲۵۸ نقل می کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا می خواهید برایتان از آخرین پادشاه بنی فلان بگویم؟ اصحاب گفتند: آری، یا امیرالمؤمنین! ایشان فرمودند: شخصی از قومی از قریش را که قتل او حرام است، در سرزمینی حرام می کشند و قسم به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید پس از آن تنها پانزده شب حکومت خواهند کرد.»

همان / ۲۶۴ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «خروج سفیانی، فرورفتن زمین در بیابان، قتل نفس زکیه و ندای آسمانی از حتمیاتی است که باید پیش از قیام قائم رخ دهند.»

همان / ۲۶۲ نقل می کند: «محمد بن صامت به امام صادق علیه السلام گفت: آیا این امر [ظهور] نشانه ای دارد؟ فرمودند: آری، عرض کردم: چه علامتی؟ فرمودند: هلاکت عباسی، خروج سفیانی، قتل نفس زکیه، فرورفتن زمین در بیابان و صدایی از آسمان.

عرضه داشتیم: فدایت شوم هراس آن دارم که آشکار شدن این علامات به طول انجامد،

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

ظهور
عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

فرمودند: نه، اینها به مانند یک رشته دانه ایست که پی در پی آیند.»

کمال الدین ۲/ ۶۴۹ از صالح مولى بنی عذراء نقل می‌کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه شنیدم

فرمودند: بین قیام قائم آل محمد و قتل نفس زکیه تنها پانزده شب است.»^۱

غیبت شیخ طوسی / ۶۳ از عمار بن یاسر روایت می‌کند: «دولت اهل بیت پیامبران در

آخرا الزمان خواهد بود و نشانه‌هایی دارد... هنگامی که دیدید اهل شام برگرد پسر ابوسفیان^۲

اجتماع کردند، به مکه بروید که در آن زمان نفس زکیه و برادرش را ظالمانه در آنجا خواهند

کشت. آنگاه منادی از آسمان ندا می‌کند: ای مردم! امیر شما فلانی است، و او همان مهدی

است که زمین را از داد و عدل پر می‌نماید، آن گونه که از ستم و بیداد پر شده است.»

همان از ابراهیم جریری نقل می‌کند: «نفس زکیه از آل محمد است و محمد بن حسن نام

دارد. او بدون جرم و گناه کشته می‌شود و چون او را بکشند کسی در آسمان عذری برای

آنان نخواهد آورد و در زمین یآوری برایشان باقی نخواهد ماند. در این هنگام خداوند قائم

آل محمد را با گروهی که در چشمان مردم از سرمه خردترند می‌فرستد. مردمان برایشان گریه

می‌کنند و براین باورند که آنان نیز از بین می‌روند، لیکن خداوند مشارق و مغارب را برای آنان

خواهد گشود. آنان مؤمنان حقیقی هستند. بدانید که بهترین جهاد در آخرا الزمان است.»

شهادت نفس زکیه در برخی منابع سنی نیز آمده است، المصنف ۸/ ۶۷۹ از مجاهد نقل می‌کند:

«یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: مهدی خروج نمی‌کند مگر بعد از آنکه نفس زکیه کشته

شود. با کشتن او اهل آسمان و زمین برکشندگان غضب می‌کنند، لذا مردم به سوی مهدی

می‌آیند و او را می‌آورند. او زمین را از دادگری و عدالت می‌آکند، زمین گیاهش را بیرون

می‌دهد، آسمان بارانش را فرو می‌فرستد، و امت در ولایت او غرقه در نعمتی می‌شوند که تا

آن زمان چنین نبوده است.»

با این حساب نفس زکیه شخصی ممدوح است که سخن از او در زمان صحابه نیز بر سر زبان‌ها

بوده است، و از همین رهگذر برخی در صدد تطبیق او بر محمد بن عبدالله بن حسن مثنی برآمدند

۱. و نیز ارشاد / ۳۶۰، غیبت طوسی / ۲۷۱ و اعلام الوری / ۴۲۷

۲. سفیانی که از نسل ابوسفیان است.

و او را نفس زکیه نام نهادند.

الفتن ۱/ ۳۳۹ از عماز: «هنگامی که نفس زکیه و برادرش را ظالمانه در مکه بکشند، منادی از آسمان ندا می‌کند: ای مردم! امیر شما فلانی است، و او همان مهدی است که زمین را از داد و عدل پر می‌نماید.»^۱

۲. سیصد و سیزده نفر یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقام و منزلت یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نهج البلاغة ۲/ ۱۲۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام: «بدانید، پدر و مادرم فدای آنان باد که نام هایشان در آسمان معروف است و در زمین مجهول. آگاه باشید و انتظار آن بکشید که امورتان پشت کند [و سامان نیابد]، پیوندتان گسسته شود و کودکانتان بر شما حکومت کنند. این زمانی خواهد بود که ضربه‌ی شمشیری برای مؤمن از کسب درهمی حلال آسانتر است، و عطا شونده پاداشش از عطا کننده بیشتر است. مست می‌شوید ولی نه از شراب، بلکه مست نعمت، بدون اضطراب سوگند یاد می‌کنید، و بی آنکه به حرج گرفتار باشید دروغ می‌گویید. بلا شما را به دندان می‌گیرد چنان که پالان دوش شتر را می‌گردد. این سختی چه طولانی است و این امید [ی که انتظار آمدنش را می‌کشند] چه دور.»^۲

کمال الدین ۲/ ۶۵۴ از عبدالله بن عجلان نقل می‌کند: «در حضور امام صادق علیه السلام سخن از خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آوردیم، من پرسیدم: از کجا بدانیم که ایشان خارج شده است؟ ایشان فرمودند: صبح می‌کنید و در زیر سرتان صحیفه‌ای می‌یابید که بر آن نوشته شده است: اطاعتی نیک و پسندیده.»^۳

همان ۲/ ۶۷۳ از جابر بن یزید نقل می‌کند: «امام باقر علیه السلام فرمودند: گویا یاران قائم را می‌بینم

۱. و نیز رک به عقد الدرر ۶۶، الدر المنثور ۶/ ۵۸، الحاوی ۲/ ۶۵ و ۷۶، رد ابن خلدون ۵۷۳، الملاحم و الفتن ۶۱/ ۱۷۹ و الفتن ۱/ ۱۹۳، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۳۰ و ۳۳۹

۲. و نیز شرح نهج البلاغة ابن میثم ۴/ ۱۸۲، منهاج البراعة ۱۱/ ۱۴۱، ابن ابی الحديد ۱۳/ ۹۵ و ینابيع المودة ۴۳۷/ ۳

۳. و نیز العدد القویة ۶۶ و بحار الانوار ۵۲/ ۳۰۵

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

که میان شرق و غرب را احاطه کرده‌اند. همه چیز حتی درندگان زمین و هوا از آنان فرمان می‌برند. در هر چیزی رضایت آنان دنبال می‌شود و چنان خواهد شد که زمینی برزمینی دیگر افتخار می‌کند که امروز مردی از اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه بر من گذشته است.»^۱

علل الشرائع ۱/ ۹۱ در حدیثی مفصل روایت می‌کند: «ابوبکر حضرمی به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفت: فدایت شوم، پاسخ دو سؤال [از این دو آیه] چیست؟ فرمودند: ای ابوبکر! سیرُوا فیها لَیَالِیَ وَایَّامًا آمِنِینَ،^۲ در این [راه] ها، شب‌ها و روزها با آرامش سیر کنید؛ مقصود آن است که با قائم ما اهل بیت [سیر کنید].

و این آیه: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا،^۳ و هر که بدان وارد شود ایمن خواهد بود؛ یعنی هر کسی با او بیعت کند و هر جایی که او وارد شود همراهش وارد شود، و [دست] بردست او بکشد و در سلک یارانش در آید ایمن خواهد بود.»

اختصاص / ۳۲۵ از ابوبصیر: «در محضر امام صادق عجل الله تعالی فرجه بودم و مردی خراسانی نیز آنجا بود، و با زبانی که برایم مفهوم نبود سخن می‌گفتند. بعد از مدتی به زبانی تکلم کردند که آن را می‌فهمیدم. شنیدم که امام عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید: با پایت بر زمین بزن، یکباره دیدم آن زمین دریایی شد که بردو کناره‌اش سوارانی قرار دارند که گردن هایشان را بر روی برآمدگی زین نهاده‌اند، حضرت فرمودند: ایشان یاران قائم عجل الله تعالی فرجه هستند.»^۴

پیشینیان گوی سبقت بر آنان را نبردند، پسینیان نیز بدان‌ها نخواهند رسید

حاکم در مستدرک ۴/ ۵۵۴ از محمد بن حنفیه روایت می‌کند و آن را بنابر شرط مسلم و بخاری صحیح می‌شمارد: «نزد حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه بودیم که شخصی درباره‌ی مهدی سؤال کرد، ایشان فرمودند: هیهات - و با دست عدد هفت را نشان دادند - و فرمودند: در آخر الزمان

۱. و نیز اثبات الهداة ۳/ ۴۹۴ و بحار الانوار ۵۲/ ۳۲۷

۲. سوره‌ی سبأ / ۱۸

۳. سوره‌ی آل عمران / ۹۷

۴. و نیز زک به دلائل الإمامة / ۲۴۵ و بحار الانوار ۴۷/ ۸۹

ظهور می‌کند، همان زمان که اگر کسی بگوید الله الله به قتل می‌رسد. پس خداوند تعالی قومی را که چونان ابرها پراکنده‌اند برای مهدی گرد هم می‌آورد و میان دل‌هایشان الفت ایجاد می‌کند. آنان از کسی نمی‌هراسند و اگر کسی در میانشان داخل شود [و تعدادشان افزون گردد] مسرور نمی‌گردند. ایشان به تعداد اصحاب بدر و یاران طالوت - که همراه او از نهر عبور کردند - هستند، پیشینیان گوی سبقت بر آنان را نربودند، پسینیان نیز بدان‌ها نخواهند رسید.

ابوطیفیل می‌گوید: محمد بن حنفیه به من گفت: آیا می‌خواهی بدانی او از کجا بیرون می‌آید، من پاسخ مثبت دادم، او گفت: از میان این دو کوه، من گفتم: به خدا قسم از این دو جدا نخواهم شد تا آنکه بمیرم و در مکه مرد.^۱

با وضوح بیشتری در بصائر الدرجات / ۱۰۴ از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «روزی رسول خدا (ص) در حضور جماعتی از صحابه دو بار فرمودند: خدایا! برادرانم را به من نشان بده، اصحاب گفتند: یا رسول الله! مگر ما برادران نیستیم؟ ایشان فرمودند: نه، شما اصحاب من هستید، برادران من گروهی هستند در آخرالزمان که مرا ندیده و به من ایمان آورده‌اند. خداوند پیش از آنکه آنها را از پشت پدران و رحم مادران بیرون آورد مرا از اسامی خود و پدرانشان آگاه کرده است. هریک از آنها در نگاهداری و حفظ دینش از دست کشیدن بر درختی تیغ دار در شبی تاریک، و یا به دست گرفتن شراره‌ی آتش سخت‌تر [و استوارتر] است، اینان چراغ‌های تاریکی هستند و خداوند از هرفتنه‌ی تاریکی آنان را نجات خواهد داد.»

مؤید این حدیث روایت مسلم ۱/ ۱۵۰ است: «رسول خدا (ص) فرمودند: دوست داشتم که برادرانمان را دیده بودیم، اصحاب گفتند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمودند: شما اصحاب من هستید، برادرانمان هنوز نیامده‌اند. پرسیدند: شما چگونه کسانی از امتتان را که هنوز نیامده‌اند می‌شناسید؟ فرمودند: اگر کسی در میان اسبان سیاه خود اسبانی با پیشانی و دست و پای سفید داشته باشد آیا آنها را نمی‌شناسد؟ گفتند: آری، ای رسول خدا! فرمود: آنان [در قیامت] با پیشانی و دست و پای سفید - بر اثر وضو - می‌آیند و

۱. و نیز عقد الدرر / ۵۹ و عقیده اهل السنة و الاثر / ۳۰

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

من پیشتاز آنان به حوض هستم.

بدانید مردانی را از حوض من دور می‌کنند همان گونه که شتر گمشده رانده می‌شود، من آنان را صدا می‌زنم که بیایید، لیکن گفته می‌شود: اینان بعد از شما [دین را] دگرگون کردند، من هم می‌گویم: دور شوید، دور شوید.»

نگارنده: اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را برادران خود خوانده بر مقامی عظیم دلالت دارد و می‌رساند که آنها از تمام صحابه‌ی ایشان - به جز اهل بیت معصومی که در میان صحابه بودند - بالاترند، بلکه در این حدیث کنایه‌ای نسبت به صحابه‌ی خودشان نیز هست، به خصوص آنکه ایشان حدیث خود را با سخن از آن دسته از صحابه که - چون شتران گمشده - از حوض منع و به فرمان الهی رهسپار دوزخ می‌شوند به پایان رساندند!

عبارت: برادرانم، هنگامی که به عبارت: نه پیشینیان گوی سبقت را بر آنان ربودند، و نه پسینیان به آنها خواهند رسید، ضمیمه شود، دلالت می‌کند آنها از صحابه برترند.

خداوند آنها را در یک شب از اقصی نقاط زمین گرد هم می‌آورد

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۴ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه می‌فرمودند: مردمان [مؤمن] همواره کاهش می‌یابند تا آنکه دیگر کسی الله را بر زبان نیاورد، لیکن بزرگ دین برحق استوار می‌ماند. آنگاه خداوند گروهی را از نقاط مختلف زمین به مانند پاره‌های ابرپاییزی [که پراکنده‌اند] گرد می‌آورد.

به خدا سوگند من آنان را می‌شناسم و از اسامی شان، قبائل و نام امیرشان نیز آگاهم. آنها گروهی هستند که خداوند هرگونه که بخواهد آنان را می‌گزیند، از قبیله‌ای یک مرد، دو مرد و حتی تا نه نفر را برمی‌گزیند، و از آفاق [مختلف] سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر جمع خواهند شد، و این فرمایش خداست: **أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**؛ هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [گرد] می‌آورد، در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست.

و چنان است که یکی از آنها جامه را بر خود می‌پيچد و آن را نمی‌گشاید تا آنکه خدا او را

به آنان برساند.»

تفسیر عیاشی ۱ / ۶۶ از ابوسمینه از خادم امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند: «از ایشان درباره‌ی این آیه پرسیدم: **أَيَّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً**، ایشان فرمودند: به خدا قسم هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان ما را از تمام سرزمین‌ها برای او گرد هم می‌آورد.»

کمال الدین ۲ / ۶۷۲ از مفضل بن عمر نقل می‌کند: «امام صادق علیه السلام فرمودند: این آیه در شأن مفقودین از اصحاب قائم علیه السلام نازل شد: **أَيَّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً**، آنان شب هنگام از بسترهایشان ناپدید می‌شوند و صبح در مکه خواهند بود و برخی از آنها در میان ابرسیر می‌کند و ما اسم او، پدرش، اوصاف و نسبش را می‌دانیم.

گفتم: فدایت شوم، ایمان کدامیک بالاتر است؟ فرمودند: آنکه روز در میان ابر حرکت می‌کند.^۱
تفسیر عیاشی ۱ / ۶۷ از مفضل از ایشان: «هنگامی که به امام شکرت الله له اذن [ظهور] داده شود، خدا را با نام عبرانی اکبر می‌خواند، پس سیصد و سیزده یار ایشان - که به مانند پاره‌های ابر پاییزی [پراکنده] بودند و اصحاب ولایت^۲ هستند - حاضر می‌شوند.

برخی از آنها شب هنگام از بسترش ناپدید می‌شود و در مکه صبح می‌کند، برخی هم روز و در میان ابر مشاهده می‌شود که سیر می‌کند، و نام او، پدر و حسب و نسبش [نزد ما] معلوم است. گفتم: فدایت شوم، ایمان کدامیک بالاتر است؟ فرمودند: آنکه روز و در میان ابر حرکت می‌کند، آنان مفقودان هستند و این آیه در مورد آنها نازل شده: **أَيَّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً**.
غیبت شیخ طوسی / ۱۱۰ از ابن عباس: «مقصود از آیه‌ی: **وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ**. **فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ**،^۳ و روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همان گونه که خود شما سخن می‌گویید؛ قیام قائم علیه السلام است [یعنی قیام آن حضرت حق است].

و نیز درباره‌ی آیه‌ی: **أَيَّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً**، گفت: اینان یاران قائم علیه السلام هستند

۱. و نیز رک به غیبت نعمانی / ۲۴۱، اثبات الهداة / ۳ / ۴۹۳ و البرهان / ۱ / ۱۶۲

۲. در نقل مرحوم عیاشی اصحاب الولایة آمده و چنین بازگردان شد، اما بعید نیست - همان گونه که مرحوم نعمانی در غیبت آورده - اصحاب الاولیة و به معنای پرچمداران باشد. م

۳. سوره‌ی ذاریات / ۲۳ - ۲۲

که خداوند در یک روز همه را گرد می آورد.»

غیبت نعمانی / ۳۱۶ از سلیمان بن هارون عجلی از امام صادق علیه السلام: «یاران صاحب امر امامت محفوظند و اگر همه ی مردم [از بین] روند خداوند آنها را برای او خواهد آورد. آنها ایند که خدای عزوجل درباره شان فرموده: **فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ**،^۱ و اگر اینان بدان کفر ورزند، بی گمان گروهی را بر آن می گماریم که بدان کافر نباشند. و نیز در مورد ایشان است که می فرماید: **فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ**،^۲ پس خدا گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست می دارند. [اینان] با مؤمنان فروتن، [و] بر کافران سرفرازند.»

همان / ۳۱۵ از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «یاران قائم سیصد و سیزده مرد از اولاد عجم هستند. برخی روز در ابر حرکت می کند و نام او، پدر و حسب و نسبش [برای ما] معلوم است. بعضی هم بر بستر خوابیده است که بدون قرار پیشین در مکه به حضور آن حضرت می رسد.»

کمال الدین ۲ / ۳۷۷ از عبد العظیم حسنی روایت می کند: «به امام جواد علیه السلام گفتم: امید آن دارم که شما قائم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله باشید، همو که زمین را همان سان که از ستم و ظلم آکنده شده از عدل و داد پر خواهد ساخت، ایشان فرمودند: ای ابوالقاسم! هریک از ما فرمان خداوند عزیز و جلیل را برپا می دارد و به دین او راهنمایی می کند، لیکن آن قائمی که خداوند عزوجل به دست او زمین را از اهل کفر و انکار پاک و از داد و عدل خواهد آکند، کسی است که ولادتش بر مردم مخفی خواهد بود و خود نیز غیبت خواهد نمود و بردن نام وی بر آنان حرام است. او همنام و کنیه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، زمین برایش درنور دیده، و هرسختی آسان می شود. به تعداد اهل بدر - یعنی سیصد و سیزده نفر - از یاران او از اقصای نقاط زمین گرد می آیند و این سخن خدای عزیز و جلیل است: **أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**، چون این تعداد از اهل اخلاص جمع شوند خداوند امر او را آشکار خواهد ساخت، و آن هنگام که ده هزار مرد، کامل شوند به اذن خدای عزوجل قیام

۱. سوره ی انعام / ۸۹

۲. سوره ی مائده / ۵۴

می‌کند و دشمنان خدا را چنان می‌کشد تا او راضی شود.

عبد العظیم گفت: آقای من! چگونه می‌داند که خدا راضی شد؟ فرمودند: رحمت را در قلب او می‌افکند. او وقتی وارد مدینه شود لات و عزی را بیرون و به آتش خواهد کشید.

مختصر تاریخ دمشق ۱/ ۱۱۴ از حضرت علی علیه السلام: «چون قائم آل محمد قیام کند، خداوند برای او [یارانش از] اهل مشرق و مغرب را گرد خواهد آورد و آنان بسان پاره‌های [پراکنده‌ی] ابر پاییزی گرد خواهند آمد، اما رفیقان از اهالی کوفه اند و ابدال از اهل شام.»^۱

الفتن ۱/ ۳۹۰ از تیمی از آن حضرت: «دین چنان متروک می‌شود که کسی لا إله إلا الله نگوید، - برخی راویان گویند که حضرت فرمود: چنان که کسی نام خدا را بر زبان نبرد، - لیکن بزرگ دین بر حق استوار می‌ماند، و آن هنگام خدا قومی را که به مانند پاره‌های ابر پاییزی [پراکنده] بودند - و من نام امیر و محل توقف مرکب هایشان را می‌دانم - برمی‌انگیزد.»^۲

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغة ۱۹/ ۱۰۴ پس از نقل روایتی مشابه از حضرت امیر علیه السلام می‌نویسد: «این خبر از پیشگویی‌های امام علیه السلام است، و در آن از مهدی که به اعتقاد ما در آخرالزمان به وجود می‌آید سخن گفته‌اند...

اگر کسی بگوید: این روایت باور امامیه را - به اینکه مهدی هراسان و مخفی است و در زمین سیر می‌کند، و در آخرالزمان ظهور می‌نماید و حکومتی پایدار خواهد داشت - تقویت می‌کند، در پاسخش می‌گوییم: به اعتقاد ما بعید نیست دولت امام مهدی که در آخرالزمان ظاهر می‌شود به خاطر مصلحتی که خدا می‌داند در ابتدا مضطرب و نابسامان باشد، و بعداً انتظام یابد و استوار گردد.»

یاران امام مهدی علیه السلام امت شمرده شده در قرآن

تفسیر قمی ۱/ ۳۲۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ

۱. الصواعق ۱۶۵ و رد ابن خلدون مغربی ۵۷۲ که آن را صحیح می‌شمارد.

۲. و نیز رک به المصنف ابن ابی شیهه ۱۵/ ۲۳، غریب الحديث هروی ۱/ ۱۱۵، تهذیب اللغة از هری ۱/ ۱۸۵، غریب الحديث ابن جوزی ۲/ ۲۴۱، لسان العرب ۸/ ۲۷۱، غیبت شیخ طوسی ۲۸۴، شرح نهج البلاغة ابن میثم ۵/ ۳۷۰ و بحار الانوار ۵۱/ ۱۱۳

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

ظهور
عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم

ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

لَيَقُولُنَّ مَا يَحْسِبُهُ، و اگر عذابشان را تا اَمّتی شمرده شده به تأخیر اندازیم می‌گویند: چه چیز مانع آن شده است؛ اَمّت شمرده شده یاران قائم سیصد و بیش از ده نفر هستند.»

تفسیر عیاشی ۲/ ۵۷ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه: «به خدا قسم که سیصد و بیش از ده مرد یار قائم عجل الله تعالی فرجه اَمّت شمرده شده‌اند که خداوند می‌فرماید: وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمّةٍ مَّعْدُودَةٍ، آنان که به مانند پاره‌های ابرپاییزی بودند طی یک زمان برای آن حضرت گرد هم می‌آیند.»

تفسیر قمی ۲/ ۲۰۵ از آن حضرت در تفسیر همین آیه روایت می‌کند: «به خدا سوگند آنان اصحاب قائم هستند که در یک زمان برای او گرد می‌آیند. پس چون به بیداء آید لشکر سفیانی برای مقابله می‌آید و خداوند زمین را فرمان می‌دهد که گام‌های آنان را بگیرد، و این سخن خداست: وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا فَلَاقَتْ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ،^۱ و ای کاش می‌دیدى هنگامی را که آنان وحشت زده‌اند، پس گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند؛ یعنی به وسیله‌ی قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه [گرفتار و هلاک شده‌اند].

وَإِنِّي لَهُمُ التَّنَاوُسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ..... وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ، و چگونه از جایی دور، دست یافتن [به ایمان] برای آنان میسر است؟... و میان آنان و آنچه می‌خواستند حایل قرار می‌گیرد؛ [آنچه می‌خواستند آن است] که عذاب نشوند.

كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ، همان گونه که از پیشتر با امثال ایشان چنین شد؛ مقصود تکذیب کنندگانی هستند که پیش از اینان بودند و هلاک شدند.

إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ، آنها [نیز] در شکی سخت بودند.»

غیبت نعمانی / ۲۴۱ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمّةٍ مَّعْدُودَةٍ؛ عذاب خروج قائم عجل الله تعالی فرجه است و اَمّت شمرده شده به تعداد اهل بدرند.»^۳

۱. سوره‌ی هود / ۸

۲. سوره‌ی سبأ / ۵۴-۵۱

۳. و نیز رک به تفسیر عیاشی ۲/ ۱۴۰ و ۱۴۱، تأویل الآیات ۱/ ۲۲۳، اثبات الهداة ۳/ ۵۴۱، المحجة / ۱۰۲ و البرهان فی تفسیر القرآن ۲/ ۲۰۸

آنان شیعیان کسانی هستند که خداوند به آنان وعده‌ی خلافت و استقرار در زمین را داده است

کافی ۱/ ۱۹۳ از عبدالله بن سنان می‌آورد: «از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردم: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد، ایشان در پاسخ فرمودند: آنان ائمه‌اند.»

تأویل الآيات ۱/ ۳۶۸ از آن حضرت چنین نقل می‌کند: «این آیه در مورد علی بن ابی طالب و امامان از نسل او نازل شد، و مقصود از آن ظهور قائم علیه السلام است.»

کفایة الاثر/ ۵۶ از جابر بن عبدالله روایت می‌کند: «جندب بن جناده‌ی یهودی از خیر آمد و به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: ای محمد! بگو خدا چه چیزی ندارد؟ چه چیزی نزد او نیست؟ و چه چیزی را نمی‌داند؟ ایشان فرمودند: آنچه که خدا ندارد شریک است، آنچه نزد او نیست ظلم بر بندگان است، و آنچه او نمی‌داند اعتقاد شما یهودیان است که عزیر را پسر خدا می‌دانید و حال آنکه او برای خود فرزندی نمی‌داند.

در این هنگام جندب گفت: شهادت می‌دهم که خدایی غیر از الله نیست و شما به حق رسول او هستید. دیشب در خواب موسی بن عمران علیه السلام را دیدم که به من فرمود: ای جندب! بردست محمد اسلام آرو به جانشینان پس از او متمسک باش. اسلام را خداوند روزی من کرد، حال درباره‌ی جانشینان خود بگوئید تا به آنان تمسک جویم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جندب! جانشینان من پس از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل هستند. جندب گفت: یا رسول الله! در تورات آمده که آنان دوازده تن بودند. ایشان فرمودند: آری، امامان بعد از من نیز دوازده نفرند، او عرضه داشت: ای رسول خدا! آیا همه در یک زمانند؟ فرمودند: نه، بلکه یکی پس از دیگری، و توتنها سه تن از آنان را درک خواهی نمود. جندب گفت: آنان را برایم نام ببرید، حضرت فرمودند: تو پس از من سرور اوصیاء، وارث

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پیامبران و پدرامان علی بن ابی طالب، بعد از او پسرش حسن و پس از او هم حسین را درک خواهی کرد، پس بعد از من به آنها متمسک باش و نادانی جاهلان تو را فریب ندهد. هنگامی که ولادت پسر حسین، علی بن الحسین فرارسد خداوند تو را از دنیا خواهد برد، و آخرین توشه‌ی تو از دنیا مقداری شیراست.

جندب عرض کرد: ای پیامبر خدا! در تورات چنین دیده‌ام: الیا یقظوا شبرا و شبیرا، ولی اسامی آنان را نمی‌دانم، جانشینان پس از حسین چند نفرند و نامشان چیست؟ فرمودند: نه تن از نسل حسین که مهدی از آنهاست، هنگامی که مدّت [امامت] حسین به پایان رسد، پسرش علی که زین العابدین لقب اوست عهده‌دار آن خواهد شد، با سپری شدن مدّت او پسرش محمد که باقر خوانده می‌شود آن را بر عهده خواهد گرفت، با اتمام دوران او پسرش جعفر که صادق نامیده می‌شود، بعد از او پسرش موسی که او را کاظم گویند، چون مدّت او به پایان رسد، پسرش علی که رضا خوانده می‌شود، سپس پسرش محمد که زکی نامیده می‌شود، آنگاه پسرا که علی نام دارد و نقی گفته می‌شود، بعد پسرش حسن که امین نامیده می‌شود آن را عهده‌دار خواهند شد، پس از آن امام آنها غائب خواهد شد.

جندب گفت: یا رسول الله! حسن است که غیبت می‌کند؟ ایشان فرمودند: نه، بلکه پسر او حجت. گفت: نام او چیست؟ فرمودند: نامش برده نشود تا آنکه خدا او را آشکار سازد. عرضه داشت: سخن از ایشان در تورات آمده است و موسی بن عمران ما را به شما و جانشینانی که پس از شما و از نسل شما هستند بشارت داده است.

آنگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این آیه را تلاوت فرمودند: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا، خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند.

جندب گفت: ای رسول خدا! بیم ایشان از چیست؟ فرمودند: ای جندب! در زمان هریک

از ایشان سلطانی است که بر آنان غالب می شود و آنها را می آزارد، هنگامی که خداوند خروج قائم ما را سرعت بخشد او زمین را همان سان که از ظلم و ستم پر شده از داد و عدل خواهد آکند.

در ادامه فرمودند: خوشا به حال شکیبایان در غیبت او، خوشا به حال پرهیزکارانی که در راه آنان هستند، خدا آنان را در کتابش چنین وصف کرده است: **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ**^۱ کسانی که به غیب ایمان می آورند.

و نیز فرموده: **أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**^۲، اینانند حزب خدا، آری، حزب خداست که رستگارانند.^۳

احادیث دیگری نیز در فصل آیات خواهد آمد.

صالحانی که خداوند وعده داده زمین را به ارث خواهند برد

تأویل الآيات ۱ / ۳۳۲: «امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی: **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ**، و در حقیقت، در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ی ما به ارث خواهند برد، فرمودند: تمام کتاب ها ذکر هستند و [اینکه خدا فرموده:] زمین را بندگان شایسته ی ما به ارث خواهند برد، مقصود قائم علیه السلام و اصحاب اوست.^۴

تفسیر قمی ۲ / ۱۲۶: «در تفسیر آیه ی: **وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدُ**^۵، و به راستی داود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم، [و گفتیم:] ای کوه ها، با او همصدا شوید، و ای پرندگان [هماهنگی کنید]، و آهن را برای او نرم گردانیدیم، آمده است: داود و سلیمان [از جانب خدا] آیاتی عطا شدند که به هیچ یک از پیامبران داده نشد؛ خداوند سخن پرندگان را به آنها آموخت، آهن و مس را برایشان بدون آتش نرم کرد، کوه ها با داود

۱. سوره ی بقره / ۳

۲. سوره ی مجادله / ۲۲

۳. و نیز اثبات الهداة / ۱ / ۵۷۷، البرهان / ۳ / ۱۴۶، غایة المرام / ۳۷۶، المحجة / ۱۴۹ و بحار الانوار / ۳۶ / ۳۰۴

۴. سوره ی انبیاء علیهم السلام / ۱۵۵

۵. و نیز تفسیر قمی ۲ / ۷۷ و اثبات الهداة / ۳ / ۵۲۵

۶. سوره ی سبأ / ۱۰

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری

منزلت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری
حکومت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تسبیح می‌گفتند، و زبور را براو فرو فرستاد، که توحید، تمجید، دعا، اخبار رسول خدا و امیرالمؤمنین عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری، امامان از نسل ایشان عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری، اخبار رجعت و قائم عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری در آن بود، و دلیل آن سخن خداوند است: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.»

آیه‌ی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ... بشارتی برای آنهاست

تفسیر عیاشی ۱/ ۳۲۶ از سلیمان بن هارون نقل می‌کند: «به امام باقر عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری گفتم: برخی از عجلیه^۱ بر این باورند که شمشیر رسول خدا ص نزد عبدالله بن حسن است، ایشان فرمودند: به خدا قسم نه او و نه پدرش آن را [حتی] با یک چشمشان ندیده‌اند، مگر آنکه پدرش آن را در حضور امام حسین عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبری دیده باشد. آن شمشیر برای صاحب امر [امامت] محفوظ است و ذخیره شده، پس دیگر به این سو و آن سونرو، زیرا به خدا سوگند حق واضح است.

به خدا قسم اگر اهل آسمان و زمین گرد هم آمده بر آن شوند که این امر را از جایگاهی که خدا در آن قرار داده برگردانند، نخواهند توانست، و اگر همه‌ی مردم به کفر در آیند و احدی [برایمان] باقی نماند، خداوند برای این منصب کسی را خواهد آورد که شایستگی آن را داشته باشد.

در ادامه فرمودند: آیا سخن خدا را نمی‌شنوی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، پس خدا گروهی [دیگر] را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان او را دوست می‌دارند. [اینان] با مؤمنان فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.

۱. عجلیه در این حدیث به پیروان مغیره بن سعید عجلی - که محمد بن عبدالله بن الحسن را قائم می‌انگاشتند -

اشارت دارد. م

۲. سوره‌ی مائده / ۵۴

در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ، 'و اگر اینان بدان کفر ورزند، بی گمان گروهی را بر آن می‌گماریم که بدان کافر نباشند.

[امام علی‌علیه السلام فرمودند:] اهل این دو آیه یکی هستند.»^۲

تفسیر علی بن ابراهیم رحمه الله ۱/ ۱۷۰: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ؛ خطاب با آن دسته از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است که حق خاندان ایشان را غصب کردند و از دین خدا بازگشتند.

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ؛ در شأن قائم علیه السلام و یارانش نازل شد، [همان کسانی که] يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ.»

آنان، تکیه گاه استوار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

تفسیر عیاشی ۲/ ۱۵۶ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «در مورد آیه‌ی: قَالَ لَوَأْتُ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ،^۳ [لوط] گفت: کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم، فرمودند: مقصود از قدرت، قائم علیه السلام است و تکیه گاه استوار سیصد و سیزده یار ایشان.»^۴

کمال الدین ۲/ ۶۷۳ از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «این سخن جناب لوط با قومش: لَوَأْتُ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، تنها، تمنا و آرزوی آن است که کاش توان قائم علیه السلام را داشت، و تنها صولت و اقتدار یاران آن حضرت را یاد نمود که هریک از آنان توان چهل مرد، و قلبی سخت تراز پاره‌های آهن خواهد داشت. آنها اگر از کنار کوه‌های آهنین عبور کنند آن را از بیخ می‌کنند، و شمشیرهایشان را تا زمانی که خداوند عزوجل رضایت دهد در نیام نخواهند کرد.»^۵

۱. سوره‌ی انعام / ۸۹

۲. ونیز رک به بصائر الدرجات / ۱۷۴ و ۱۷۷، ارشاد / ۲۷۴، اعلام الوری / ۲۷۸، احتجاج / ۳۷۱، کشف الغمّة / ۳۸۲، البرهان / ۴۷۹، کافی / ۲۳۲، اثبات الهداة / ۳ / ۴۴۰ و بحار الانوار / ۲۶ / ۲۰۱

۳. سوره‌ی هود / ۸۰

۴. ونیز تفسیر قمی / ۱ / ۳۳۵، اثبات الهداة / ۳ / ۵۵۱ و بحار الانوار / ۱۲ / ۱۵۸ و ۱۷۰

۵. ونیز اثبات الهداة / ۳ / ۴۹۴

مظلومانی که خداوند اذن نبرد به آنان داده

غیبت نعمانی / ۲۴۱ از امام صادق علیه السلام: «ایشان درباره‌ی آیه‌ی: **أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِهِمْ ظُلُمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ**^۱ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست، فرمودند: این آیه در مورد قائم علیه السلام و یاران اوست.»^۲

وعده داده شدگان به نصر

تفسیر قمی ۱۴/۲: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ»^۳ اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید، و اگر بدی کنید به خود [بد نموده‌اید]، و چون تهدید آخر فرا رسد؛ مقصود قائم علیه السلام و یاران اوست.»^۴

کافی ۲۵۵/۸: «امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه: **وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُشْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا**^۵ و هرکس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند، زیرا او یاری شده است، فرمودند: این، در مورد حسین علیه السلام فرود آمد. اگر ولیّ او در ازای [خون] او اهل زمین را بکشد، زیاده روی نکرده است.»

آنان کسانی هستند که پس از مظلوم واقع شدن انتقام می‌گیرند

تفسیر فرات / ۱۵۰ از امام باقر علیه السلام: «ایشان درباره‌ی این آیه: **وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ**^۶ کسانی که پس از ستمی که بر آنها رفته باشد انتقام می‌گیرند، فرمودند: قائم و یارانش.

خداوند می‌فرماید: **فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ**، راه [سرزنشی] بر آنان نیست؛ زمانی که قائم قیام کند و از بنی‌امیه، تکذیب‌کنندگان و نواصب انتقام بگیرد، و این همان فرموده‌ی

۱. سوره‌ی حج / ۳۹

۲. و نیز بحار الانوار / ۵۱ / ۵۸، تأویل الآیات / ۱ / ۳۳۸، اثبات الهداة / ۳ / ۵۶۳ و المحجة / ۱۴۲

۳. سوره‌ی اسراء / ۷ و ظاهر آیه خطاب به بنی اسرائیل است.

۴. و نیز البرهان / ۲ / ۴۰۹ و بحار الانوار / ۵۱ / ۴۵

۵. سوره‌ی اسراء / ۳۳

۶. سوره‌ی شوری / ۴۲ - ۴۱

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خداست: إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ، [راه] ملامت تنها بر کسانی است که به مردم ستم و به ناحق در روی زمین سرکشی می کنند.^۱

تیزبینان

مناقب ابن شهر آشوب ۲۸۴/۴: «امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد آیه ی: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ، وَإِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ^۲، به یقین، در این [کیفر قوم لوط] برای تیزبینان عبرتهاست. و [آثار] آن [شهر هنوز] بر سرراهی برجاست، فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله تیزبین بود، امامان از نسل من تا روز قیامت نیز تیزبینانند. وَإِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ؛ این راه وصی بعد از پیامبر است.»

ارشاد / ۳۶۵ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، مانند داود علیه السلام و بدون شاهد طلبیدن میان مردم حکم خواهد کرد، بدان صورت که خداوند متعال به او الهام کرده و او به علم خود حکم می نماید و هر قومی را از آنچه مخفی داشته اند آگاه خواهد ساخت. او دوست را از دشمن با تیزبینی می شناسد، خدای سبحان می فرماید: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ. وَإِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ.»^۳

کمال الدین ۶۷۱/۲ از امام صادق علیه السلام: «چون قائم قیام نماید هریک از بندگان خدا را که در مقابل او بایستد خواهد شناخت که صالح است یا بدکار، زیرا در او نشانه ای برای هوشیاران است که در راهی برجاست.»

منتخب الانوار / ۱۹۵ از امام باقر علیه السلام: «گویا قائم علیه السلام و یارانش را در نجف می بینم که گویا بر روی سرهایشان پرنده نشسته است، توشه هایشان به پایان رسیده، لباس هایشان مندرس شده و کمان هایشان را بر شانه ها انداخته اند، و سجده بر پیشانی شان اثر گذارده است. آنان شیران روز و راهبان شب هستند. قلب هایشان گویا پاره های آهن است. هر مرد از آنان نیروی چهل مرد را خواهد داشت و امامشان تیزبینی به آنان عطا خواهد کرد. آنان تنها کافران و

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

۱. و نیز تفسیر قمی ۲/ ۲۷۸، تأویل الآیات ۲/ ۵۴۹ و اثبات الهداة ۳/ ۵۵۳ و ۵۶۵

۲. سوره ی حجر / ۷۶ - ۷۵

۳. و نیز ر.ک به روضة الواعظین / ۲۶۶، اعلام الوری / ۴۳۳، کشف الغمة ۳/ ۲۵۶، البرهان ۲/ ۳۵۱ و بحار الانوار

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌السلام

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌السلام
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌السلام

یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر
سرزمین شام

حجاز
ظهور

عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌السلام
روم

ترکان
دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌السلام
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه‌السلام در قرآن

سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

منافقان را می‌کشند، زیرا خداوند در کتابش آنان را چنین وصف فرموده است: **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّينَ**»

بصائر الدرجات / ۳۵۶ از معاویه رضی الله عنه دهنی: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه‌السلام درباره‌ی این آیه: **يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ**،^۱ تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و از پیشانی و پایشان بگیرند، فرمودند: ای معاویه! اینان [سنیان] در مورد این آیه چه می‌گویند؟ گفتم: می‌پندارند خداوند روز قیامت تبهکاران را از سیمایشان می‌شناسد، و فرمان می‌دهد آنان را از پیشانی و پایشان بگیرند و در آتش بیافکنند.

امام عجل الله تعالی فرجه‌السلام فرمودند: چگونه می‌شود که جبار تبارک و تعالی محتاج شناخت خلقی باشد که آنان را ایجاد کرده است؟ من عرض کردم: فدایت شوم، پس مقصود چیست؟ فرمودند: هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند به او سیما خواهد داد، پس فرمان می‌دهد تا کافرا از پیشانی و پا بگیرند و آنگاه با شمشیر به سختی بر او کوفته می‌شود.»

ابدال شام و نجیبان مصر و عراق در میان آنان

امالی شیخ مفید / ۳۰ از محمد بن سدید اشعری نقل می‌کند: «من و فطر بن خلیفه نزد امام صادق عجل الله تعالی فرجه‌السلام رفتیم و ایشان برای ما خرما آوردند و از آن خوردیم، خود نیز دانه‌هایی تناول کردند، آنگاه به فطر فرمودند: حدیثی را که از ابوطیفیل در مورد ابدال برایم نقل نمودی بازگو. فطر گفت: از ابوطیفیل شنیدم که گفت: از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه‌السلام شنیدم: ابدال از اهالی شام، و نجیبان از اهالی کوفه اند و خداوند آنان را در بدترین روزی که در انتظار دشمنان ماست گرد می‌آورد.

پس امام جعفر صادق عجل الله تعالی فرجه‌السلام فرمودند: خدا شما را رحمت کند، بلاتنها از آغاز می‌شود، آنگاه به سراغ شما می‌آید، و آرامش نیز چنین است، خدا رحمت کند کسی را که ما را نزد مردم محبوب کند و کراحت آنان را برای ما جلب ننماید.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۴ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه‌السلام روایت می‌کند: «سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر

۱. سوره‌ی الرحمن / ۴۱

بین رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند؛ نجیبان که اهل مصرند، ابدال که اهل شام هستند و اختیار که اهل عراقند در میان آنها هستند. پس ایشان آن مقدار که خداوند بخواهد خواهد ماند.»^۱

تهذیب ابن عساکر ۱/ ۶۲ از حضرت علی علیه السلام روایت می‌کنند: «قبة الاسلام در کوفه است، [محل] هجرت مدینه، نجیبان در مصرند، و ابدال که اندک هستند در شام.»
تهذیب تاریخ دمشق ۱/ ۶۳ می‌نویسد: «ابدال از شام، نجیبان از مصر و اختیار از اهالی عراق هستند. ابو طفیل گوید: حضرت امیر علیه السلام خطبه خواندند و از خوارج سخن به میان آوردند، مردی برخاست و اهل شام را لعنت کرد، ایشان فرمود: وای بر تو نفرین عمومی نکن، اگر لعن می‌کنی فلانی و پیروانش را لعنت کن، زیرا ابدال و نجیبان اهل شام هستند.»

پنجاه زن در میان اصحاب آن حضرت

درباره‌ی حضور برخی زنان در میان یاران ایشان دو روایت داریم، یکی در دلائل الامامة / ۲۵۹ از مفضل بن عمر: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که سیزده زن همراه قائم علیه السلام خواهند بود، گفتم: کارشان چیست؟ فرمودند: مجروحان را مداوا و به بیماران رسیدگی می‌کنند، همان گونه که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند.»

عرض کردم: آنان را نام برید، فرمودند: قنواء بنت رشید، ام ایمن، حبابه‌ی والبیّه، سمیه مادر عمار بن یاسر، زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صبانه‌ی ماشطه و ام خالد جهنیه.^۲
این روایت نه زن را یاد می‌کند که زنده می‌شوند و از قبرها بیرون می‌آیند تا به مداوای مجروحان بپردازند، البته در آن نیامده که اینان وزیران امام مهدی علیه السلام هستند.

تفسیر عیاشی ۱/ ۶۵ از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایتی مفصل و با اهمیت می‌آورد و در آن تصریح شده که پنجاه زن از خواص یاران آن حضرت هستند، این حدیث سخن از حرکت امام علیه السلام از مدینه تا به مکه، آغاز ظهور مقدّس، سخنرانی در مسجد الحرام و حرکت به مدینه و

۱. و نیز اثبات الهداة ۳/ ۵۱۷ و بحار الانوار ۵۲/ ۳۳۴

۲. و نیز اثبات الهداة ۳/ ۵۷۵

شام و عراق را در خود گنجانده است:

«ای جابر! در خانه ات بنشین و هیچ تحرّکی از خود نشان نده تا زمانی که نشانه‌هایی که برایت می‌گویم در طول یک سال ببینی، و بنگری منادی در دمشق ندا می‌کند، زمین در یکی از مناطق آن فرو می‌رود و قطعه‌ای از مسجد آن سقوط می‌کند.

هنگامی که دیدی ترکان از آن عبور کردند و در جزیره فرود آمدند، رومیان آمدند و در رمله وارد شدند، آن سال، سال اختلاف در تمامی سرزمین‌های اعراب است. اهل شام در آن زمان اختلاف می‌کنند و به سه پرچم [و گروه] تقسیم می‌شوند؛ اصبه^۱، ابقع^۲ و سفیانی.

مُضر همراه بنی ذنب الحمار خواهند بود، و [بنی] کلب که دایی‌های سفیانی هستند با او و همراهانش بر بنی ذنب الحمار غالب شده آنان را به طوری که سابقه نداشته خواهند کشت. مردی از بنی ذنب الحمار به دمشق می‌آید و خود و همراهانش به طوری بی سابقه به قتل خواهند رسید. این آیه ایست که خداوند می‌فرماید: **فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ**^۳ گروه‌ها با هم اختلاف کردند، پس وای بر کافران به هنگام حضور در آن روز بزرگ.

سفیانی و همراهانش می‌آیند و تنها مقصودشان خاندان پیامبر ﷺ و شیعیان آنهاست. او لشکری به کوفه می‌فرستد و مردمانی از شیعیان آل محمد را می‌کشد و به دار می‌آویزد. پرچمی از خراسان رو می‌کند و بر ساحل دجله فرود می‌آید. مردی ضعیف از موالی با پیروانش خروج می‌کند و در پشت کوفه به هلاکت می‌رسند. سفیانی لشکری را به مدینه گسیل می‌دارد و آنان مردی را در آنجا می‌کشند، و مهدی و منصور از آنجا می‌گریزند. آنها کوچک و بزرگ خاندان پیامبر ﷺ را می‌گیرند و اسیر می‌کنند. لشکر به دنبال آن دو [مهدی و منصور، از مدینه] بیرون می‌رود، و مهدی به مانند موسی هراسان و نگران می‌رود تا آنکه وارد مکه می‌شود.

لشکر سفیانی می‌آیند تا به بیداء می‌رسند، آنها که لشکر همالات هستند در زمین

۱. نامی از نام‌های شیراست و بر زرد رو نیز اطلاق می‌شود.

۲. کسی که صورتش لکه دارد.

۳. سوره ی مریم / ۳۷

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عیسیٰ

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فرو می روند و تنها خبررسان آنها جان سالم به در می برد.

قائم بین رکن و مقام می ایستد، نماز می گزارد و برمی گردد - در حالی که وزیرش به همراه اوست - و می فرماید: ای مردم! ما بر [مقابله با] کسانی که به ما ستم نمودند و حق ما را ربودند از خداوند یاری می طلبیم.

هرکسی که درباره ی خدا با ما گفتگو کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به خدا هستم. هرکه در مورد آدم با ما بحث کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به آدم هستم. هرآنکه در مورد نوح با ما به احتجاج پردازد، [بداند که] من نزدیکترین کس به نوحم. هرکسی درباره ی ابراهیم با ما به گفتگو پردازد، [بداند که] من نزدیکترین فرد به ابراهیم هستم. هرکه در مورد حضرت محمد ﷺ با ما بحث نماید، [بداند که] من نزدیکترین کس به ایشانم.

هرآن کس که درباره ی پیامبران با ما به احتجاج پردازد، [بداند که] من نزدیکترین کس به آنها هستم.

و هرکسی درباره ی کتاب خدا با ما گفتگو کند، [بداند که] من نزدیکترین شخص به کتاب خدا هستم.

ما و هر مسلمانی که امروز هست گواهی می دهیم که بر ما ستم و تعدی شد و طرد شدیم، از دیار، اموال و خانواده هایمان بیرون رانده و مقهور شدیم، بدانید ما امروز از خداوند و هر مسلمانی یاری می طلبیم.

به خدا قسم سیصد و بیش از ده مرد که پنجاه زن در میان آنها پیدا حاضر می شوند. آنان به مانند پاره های ابر پاییزی یکی پس از دیگری و بدون قرار قبلی در مکه حضور یافته گرد

۱. برخی می گویند: برحسب روایات عدیده در کافی ۳۱۳/ ۸، بصائر الدرجات ۳۱۱/، غیبت نعمانی ۲۸۲/ و ۳۱۵، عیون اخبار الرضا ﷺ ۶۳/ ۱، کمال الدین ۳۳۱/ ۱ و ۳۷۸/ ۲، ۶۵۴ و ۶۷۲، کفایة الاثر ۲۶۷/، ارشاد ۳۸۳/ ۲، امالی مفید ۴۵/ و دلائل الامامة ۴۵۵/ ۴۷۲ یاران خاص امام ﷺ سیصد و سیزده رجل عنوان شده اند. وصفی هم که در بعضی روایات برای آنان ذکر شده بر مردان منطبق است، رک به روایت بصائر الدرجات، فقره ی مذکور نیز، در غیبت نعمانی نیامده، علاوه بر پاره ای از احکام شرع مانند عدم تولی زنان مرمنصب قضاوت را، وسائل الشیعة ۲۷/ ۱۶، و نیز ارتفاع جهاد از آنان، همان ۲۳/ ۱۵، و گرچه ممکن است در دلالت برخی موارد فوق خدشه شود، لکن با نظریه مجموع آنها، نمی توان جزم پیدا کرد که این پنجاه نفر در زمره ی سیصد و سیزده نفر باشند. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌آیند، و این همان آیه است که خداوند فرموده: **أَيْنَمَا تَكُونُوا يُاتِيَكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**.

آنگاه مردی از آل محمد عجل الله تعالی فرجه می‌گوید: از اینجا بیرون رو که این شهری است که مردمش ستمکارند. سپس آن حضرت و سیصد و بیش از ده تنی که بین رکن و مقام با ایشان بیعت کرده بودند، از مکه خارج می‌شوند.

ایشان پیمان، پرچم و سلاح پیامبر عجل الله تعالی فرجه را به همراه دارد و وزیرشان نیز با ایشان است. منادی در مکه به نام او - که نام پیامبری است - و فرمان آسمانی او ندا می‌کند چنان که همه‌ی اهل زمین می‌شنوند. هر شبهه‌ای که برایتان پیش آید، نسبت به پیمان پیامبر عجل الله تعالی فرجه و پرچم و سلاح ایشان و انسان پاکی که از نسل حسین عجل الله تعالی فرجه است دچار شبهه نخواهید شد. اگر در این هم شبهه برایتان پیش آید، ندای آسمانی به نام او و فرمان [آسمانی] او برایتان مشتبه نخواهد بود.

از کسانی که از میان خاندان محمد عجل الله تعالی فرجه خروج می‌کنند پرهیز، چرا که آل محمد و علی عجل الله تعالی فرجه پرچمی دارند و دیگران پرچم‌هایی، پس در خانه بنشین و به دنبال هیچ مردی از آنان به راه نیفت، تا زمانی که مردی از فرزندان امام حسین عجل الله تعالی فرجه را ببینی که پیمان، پرچم و سلاح پیامبر عجل الله تعالی فرجه را به همراه دارد، زیرا پیمان آن حضرت [بعد از امام حسین عجل الله تعالی فرجه] به حضرت علی بن الحسین رسید، سپس به حضرت محمد بن علی و خداوند آنچه را که بخواهد انجام می‌دهد، پس تا همیشه ملازم ایشان باش، و از کسانی که برایت گفتم دوری گزین. هنگامی که یکی از آنان [خاندان پیامبر عجل الله تعالی فرجه] که سیصد و بیش از ده مرد به همراه دارد و پرچم رسول خدا عجل الله تعالی فرجه با اوست، آهنگ مدینه و از بیداء عبور کند و بگوید: اینجا مکان گروهی است که در زمین فرو رفتند، و این همان آیه است که خداوند می‌فرماید: **أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَحْسَفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ. أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ**، آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند، ایمن شدند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو ببرد، یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید. یا در حال رفت و آمدشان

آنان را بگیرد، و کاری از دست آنان برنیاید؟

او چون وارد مدینه شود محمد بن شجرى را به شیوه‌ی یوسف اخراج کند. آنگاه به کوفه می‌آید و مدّتی طولانی که خدا می‌خواهد در آن درنگ می‌کند تا بر آن غالب آید. سپس به همراه یارانش به عذرأ^۱ می‌آید و این در حالی است که مردم بسیاری به او پیوسته‌اند. سفیانی در آن زمان در رمله به سر می‌برد. دولشکر در روز ابدال با یکدیگر برخورد می‌کنند. مردمی از شیعیان آل محمد که با سفیانی بوده‌اند [از لشکراو] بیرون می‌آیند، و گروهی از پیروان سفیانی که با خاندان پیامبر بودند به سفیانی ملحق می‌گردند، و هرکسی به پرچم خود می‌پیوندد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: آن روز سفیانی و یارانش کشته می‌شوند به طوری که حتّی خبرسانی از آنها باقی نمی‌ماند^۲، و زیانکار کسی است که از غنیمت [بنی] کلب بهره‌ای نبرد. آنگاه به کوفه می‌آید و در آن منزل می‌گزیند. تمام برده‌های مسلمان را خریداری و آزاد می‌کند، دین تمام بدهکاران را ادا می‌نماید، حقّ همه‌ی حق داران را می‌ستاند، هیچ عبدی را نمی‌کشد مگر آنکه قیمت آن را به عنوان دیه به صاحبان آن می‌پردازد، و کسی کشته نمی‌شود مگر آنکه دینش را ادا می‌کند و خانواده‌اش را در عطایا [به دیگران] ملحق می‌کند، و تا آنجا پیش می‌رود که زمین را از عدل و داد پرمی‌کند، همان گونه که از ستم و جور و عدوان آکنده شده است.

او و خانواده‌اش در رحبه [ی کوفه] که منزل نوح علیه السلام بوده و مکانی پاک است سکنی می‌گزینند، مردان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله تنها در مناطقی پاک ساکن می‌شوند و یا به شهادت می‌رسند، اینان جانشینانی پاکند.^۳

۱. منطقه‌ای در شام یا نزدیکی آن

۲. چند سطر پیش گذشت که تنها خبرسان آنان باقی می‌ماند، لکن آن عبارت به فرو رفتن لشکریان سفیانی در بیداء مربوط می‌شد، و آنچه در اینجا آمده به نبرد با خود سفیانی مربوط می‌شود. م

۳. رک به تفسیر عیاشی ۱/ ۲۴۴ و ۲/ ۲۶۱، غیبت نعمانی ۲۷۹/ ۲ - با چند سند -، اختصاص ۲۵۵/ ۲۵۹، ارشاد ۳۵۹/ ۳، غیبت شیخ طوسی ۲۶۹/ ۴۲۷، اعلام الوری ۴۲۷/ ۳، الخرائج و الجرائح ۱۱۵۶/ ۳، عقد الدرر ۴۹/ ۳، منتخب الانوار ۳۳/ ۳، اثبات الهداة ۳/ ۵۴۸ و بحار الانوار ۵۱/ ۵۶ و ۵۲/ ۲۱۲

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه

منزلت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه

حکومت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله‌الله تعالی فرجه‌ه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله‌الله تعالی فرجه‌ه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

این حدیث شریف از تفصیلی مهم از اختلاف در سرزمین‌های عربی، نزاع اصهب، ابقع و سفیانی بر سرسلطه در دمشق، سیطره‌ی سفیانی بر سوریه، ارسال لشکر به عراق و حجاز، ظهور و حرکت امام مهدی عجله‌الله تعالی فرجه‌ه از مکه به عراق و درگیری ایشان در دمشق حکایت می‌کند. علاوه برآنکه تصریح دارد که پنجاه زن در میان وزرای آن حضرت حضور دارند.

بنی ذنب الحمار و مضریاران سفیانی اند، ولی دچار اختلاف می‌شوند. اینان کنایه از قریش و هم پیمانان آنها از قبائل مضر هستند، همان کسانی که از اهل بیت عجله‌الله تعالی فرجه‌ه منحرفند.

تنها ایرادی که به این حدیث تصوّر می‌شود آن است که سند آن در تفسیر عیاشی مرسل است، لیکن پاسخ می‌دهیم که این ضعف به وسیله‌ی طرق دیگر روایت - از جمله غیبت نعمانی / ۲۷۹ - که برخی هم صحیح است جبران می‌شود.

و اما اینکه در روایت نعمانی سخن از پنجاه زن به میان نیامده است را با تعویض سند و اطمینان به صدور می‌توان حل کرد.

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود: آیا زن می‌تواند حاکم شود؟ جواب آن است که عموم فقهای مذاهب فتوی به عدم جواز آن می‌دهند و به نصوص شرعی استدلال می‌کنند، و علتی که برای آن ذکر می‌کنند آن است که زن زود تحت تأثیر قرار می‌گیرد و منصب قضاوت و وزارت نیازمند توانی بالاتر است.

لیکن با این فتاوی نمی‌توان امام زمان عجله‌الله تعالی فرجه‌ه را که از سوی پروردگار راهنمایی می‌شود الزام نمود.

حضور زنان با ایمان در میان وزرای آن حضرت می‌فهماند که زن نیز توانایی آن را دارد که از یاران خاص ایشان باشد و در زمان ایشان حکمران شود.

و این امری است که هیچ زنی در تاریخ مجتمعات و نظام‌های حکومتی بدان دست نیافته است، لذا این حضرت مهدی عجله‌الله تعالی فرجه‌ه است که ستم بر زنان را پایان می‌دهد و گوهر انسانیت وی را آشکار می‌سازد.

آنان در مسجد الحرام تجمع می کنند

غیبت نعمانی / ۳۱۳ و ۳۱۴ از ابان بن تغلب: «در مسجد مکه همراه امام صادق علیه السلام بودم و ایشان دست مرا گرفته بودند، پس فرمودند: ای ابان! خداوند سیصد و سیزده مرد را در این مسجد حاضر خواهد نمود که اهل مکه می دانند هنوز پدران و اجدادشان به وجود نیامده اند.^۱ آنها شمشیرهایی دارند که بر هریک نام شخص، پدر و اوصاف و نسبش نوشته شده است. آنگاه منادی را فرمان می دهد و ندا می کند: این مهدی است که به مانند داود و سلیمان حکم می کند و شاهی نمی طلبد.»

همان / ۳۱۶ از علی بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام: «جوانان شیعه بر پشت بام هایشان خفته اند که یکباره و در یک شب بدون وعده ی قبلی نزد صاحب خود می آیند و صبح در مکه خواهند بود.»

بصائر الدرجات / ۳۱۱ از ابان بن تغلب: «امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: از این مسجدتان - یعنی مکه - سیصد و سیزده تن خواهند آمد که اهل مکه می دانند پدران و اجدادشان آنها را به دنیا نیاورده اند. آنان شمشیرهایی دارند که بر هریک کلمه ای نوشته شده که هزار کلمه [دیگر] را آشکار می کند.

باد فرستاده می شود و در تمام سرزمین ها ندا می کند: این مهدی است، این مهدی است، به مانند آل داود حکم می کند و شاهد نمی طلبد.»

همان / ۲۴۴ از آن حضرت روایت می کند: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام نماید، شمشیرهای جنگ فرود می آید و بر روی هریک نام شخص و پدرش نگاشته شده است.»

نگارنده: فرود آمدن شمشیر ممکن است کنایه ای رمزی برای یاران امام علیه السلام و به معنای توان و اذن الهی برای نبرد باشد، همان گونه که ممکن است حقیقتاً آزاری جنگی باشد.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

۱. علامه ی مجلسی می فرماید: شاید کنایه از این باشد که اهل مکه به هیچ وجه آنها را نمی شناسند، بحار الانوار

بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند

تفسیر عیاشی ۵۶/۲ از عبد الاعلیٰ حلبی از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «صاحب این امر در برخی از این نواحی - و به ناحیه ی ذی طوی [که از نواحی مکه است] اشاره کردند - غائب خواهد شد. دو شب پیش از خروج، خادمی که در حضور ایشان است بعضی از یاران آن حضرت را ملاقات می کند و می گوید: شما در اینجا چند نفرید؟ آنان گویند: نزدیک به چهل نفر، او می گوید: اگر صاحبان را ببینید چه می کنید؟ می گویند: به خدا قسم اگر کوه ها ما را پناه دهند او را با خود پناه خواهیم داد.

شب بعد هم می آید و می گوید: ده تن از بزرگسالان و خوبانان را نشان دهید، آنان نشان می دهند و او آنان را نزد صاحبشان می برد. ایشان هم شب بعد را موعد قرار می دهد. در این هنگام امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند گویا او را می بینم که به حجر تکیه داده و خدا را به حق خود سوگند می دهد، و بعد می گوید: ای مردم! هرکسی که درباره ی خدا با من گفتگو کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به خدا هستم.

هرکه در مورد آدم با من بحث کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به آدم هستم. ای مردم! هرآنکه در مورد نوح با من به احتجاج پردازد، [بداند که] من نزدیکترین کس به نوحم.

ای مردم! هرکسی درباره ی ابراهیم با من به گفتگو پردازد، [بداند که] من نزدیکترین فرد به ابراهیم هستم.

ای مردم! هرکه در مورد موسی با من احتجاج کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به اویم.

ای مردم! هرآنکه درباره ی عیسی با من گفتگو کند، [بداند که] من نزدیکترین شخص به عیسیام.

ای مردم! هرکه در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله با من بحث نماید، [بداند که] من نزدیکترین کس به ایشانم.

ای مردم! هرکسی درباره ی کتاب خدا با من گفتگو کند، [بداند که] من نزدیکترین شخص

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به کتاب خدا هستم. آنگاه به مقام می‌رود و دو رکعت نماز گزارده خداوند را به حق خود سوگند می‌دهد.

به خدا قسم او مضطر در کتاب خداست آنجا که می‌فرماید: **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ**، 'یا [کیست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند، و گرفتاری را برطرف می‌گرداند، و شما را جانشینان زمین قرار می‌دهد؟

جبرئیل در کنار ناودان به صورت پرنده‌ای سفید، اولین مخلوقی است که با وی بیعت می‌کند، و [بعد] آن سیصد و بیش از ده مرد بیعت می‌کنند.

هریک در راه باشد همان وقت می‌رسد، و هرکسی که در راه نباشد از بسترش ناپدید می‌گردد، و به خدا سوگند این همان سخن علی بن ابی طالب علیه السلام است: ناپدید شدگان از بسترهایشان، و همان فرموده‌ی خداوند است: **فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا**،^۱ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید، هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را می‌آورد؛ [اینان] سیصد و بیش از ده مرد اصحاب قائم هستند.

و در ادامه فرمودند: به خدا سوگند آنان اَمَّت شمرده شده‌اند که خدا در کتابش فرموده: **وَلَيْتَ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ**،^۲ و اگر عذابشان را تا امتی شمرده شده به تأخیر اندازیم؛ آنان در یک ساعت به مانند پاره‌های ابر پاییزی گرد هم می‌آیند.

آن حضرت صبح در مکه مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله دعوت می‌کند و افراد کمی اجابت می‌کنند. آنگاه خود می‌رود و کسی را در مکه می‌گمارد، ولی خبر می‌رسد که او را کشته‌اند.

پس خود به آنجا باز می‌گردد و جنگجویان را می‌کشد، و نه بیشتر - یعنی کسی را به اسارت نمی‌گیرد -.

سپس می‌آید و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و بیزاری جستن از دشمنان او - بدون آنکه نام کسی را ببرد - فرامی‌خواند.

۱. سوره‌ی نمل / ۶۲

۲. سوره‌ی بقره / ۱۴۸

۳. سوره‌ی هود / ۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به بیداء که می‌رسد لشکر سفیانی به مقابله می‌آید. پس خداوند زمین را فرمان می‌دهد و از زیر قدم هایشان آنها را می‌گیرد و این همان سخن خداست: **وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ**^۱ وای کاش می‌دیدید هنگامی را که آنان وحشت زده‌اند، پس گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند، **وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ، وَكَفَرُوا بِهِ،** و گفتند: به او ایمان آوردیم؛ مقصود آن است که به قائم آل محمد ایمان آورند، **وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ،** و حال آنکه به او کافر شده بودند؛ یعنی به قائم آل محمد، تا آخر سوره.

از آنها تنها دو نفر باقی می‌مانند که از [قبیله‌ی] مرادند و تتر و تیر نامیده می‌شوند. صورتشان به پشت برگشته و به عقب عقب راه می‌روند و آنچه را که بر سر رقیقانشان آمده است به مردم می‌گویند.

سپس آن حضرت به مدینه می‌روند. قریشیان خود را از ایشان مخفی می‌کنند، و این همان فرموده‌ی علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام است: به خدا قسم قریش آرزو می‌کند که ای کاش تمام دارائی خود و هر آنچه خورشید بر آن تابیده و غروب کرده را می‌داد و من به اندازه‌ی زمان کشتن شتری نزد آنها بودم.

آنگاه کاری انجام می‌دهد که قریشیان می‌گویند: ما را به نبرد این طاغوت ببرید، به خدا قسم اگر محمدی بود چنین کاری نمی‌کرد، اگر علوی بود چنین نمی‌کرد، اگر فاطمی بود این کار را انجام نمی‌داد. پس خداوند کتف‌های آنها را در اختیار او قرار می‌دهد [و او را بر آنها مسلط می‌گرداند]، و جنگجویان را کشته فرزندان را اسیر خواهد کرد.

سپس می‌رود و در شقره^۲ فرود می‌آید. پس خبر می‌رسد که عامل آن حضرت را به قتل رسانده‌اند و ایشان می‌آید و چنان می‌کشد که کشتار حرّه در مقابل آن چیزی نیست.

سپس می‌آید و مردم را به کتاب خدا، سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ولایت حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام و بیزاری جستن از دشمنانش دعوت می‌کند. چون به ثعلبیه^۳ می‌رسد، مردی از نسل پدرش [از بنی هاشم] که پس از آن حضرت یکی از نیرومندترین ترین و قوی دلت‌ترین مردم است صدا

۱. سوره‌ی سبأ / ۵۳-۵۱

۲. بیرون مدینه به سمت عراق

۳. میان عراق و حجاز

می‌زند: ای فلان! چه می‌کنی؟ به خدا که تو مردم را به مانند چارپایان از خود می‌رانی! آیا این پیمانی از رسول خداست یا چیز دیگری؟

پس شخصی که بیعت حضرت را از مردم می‌گیرد می‌گوید: به خدا سوگند یا ساکت می‌شوی، یا آنچه را که دیدگانت در آن است می‌زنم.

قائم علیه السلام می‌فرماید: ای فلان! سکوت اختیار کن، آری به خدا سوگند عهده‌ی از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارم. ای فلان! آن محفظه را بیاور، او هم می‌آورد و حضرت عهد پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌خواند، آن مرد می‌گوید: خدا مرا فدایت کند، سرت را بیاور تا بوسه زنم، ایشان هم چنین می‌کند و او میان دو دیده‌ی امام علیه السلام را بوسه می‌دهد، آنگاه می‌گوید: بیعت ما را دوباره بگیر، و ایشان چنین می‌کند.

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمودند: گویا آنها را می‌بینم که سیصد و بیش از ده مردند و از نجف کوفه بالا می‌روند. گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است. جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ حضرت هستند. رعب یک ماه جلو و یک ماه پشت سر ایشان حرکت می‌کند. خداوند با پنج هزار فرشته‌ی نشانه‌دار او را یاری می‌رساند. وقتی که از نجف بالا می‌رود به یارانش می‌فرماید: امشب را به عبادت بگذرانید، و آنان شب را سپری می‌کنند در حالی که برخی در رکوع و برخی در سجده‌اند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند. چون صبح می‌شود می‌فرماید: از راه نخيله برویم. [امام باقر علیه السلام در ادامه فرمودند:] و بر کوفه خندقی خواهد بود. گفتم: خندق؟ فرمودند: آری به خدا. تا آنکه به مسجد ابراهیم علیه السلام در نخيله می‌رسد و دو رکعت نماز در آنجا می‌گزارد. سپس مرجئه و غیر آنان از لشکریان سفیانی که در کوفه هستند به مصاف ایشان می‌آیند. ایشان به اصحاب می‌فرماید: وانمود به فرار کنید، و بعد می‌فرماید: برایشان حمله برید.

امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند هیچ خبررسانی از آنها از خندق عبور نمی‌کند. سپس حضرت وارد کوفه می‌شود و هیچ مؤمنی نمی‌ماند مگر آنکه آنجا خواهد بود و یا اشتیاق آنجا را خواهد داشت، و این همان سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است. در ادامه به اصحاب می‌فرماید: به سوی این طغیان پیشه [سفیانی] بروید، و او را به

کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ دعوت می‌کند، او هم تسلیم می‌شود و بیعت می‌کند. [بنی]
 کلب که دایی‌های او هستند به او می‌گویند: ای فلان! چه کردی؟ به خدا قسم ما هرگز با تو
 براین امر بیعت نمی‌کنیم، سفیانی می‌گوید: چه کنم؟ می‌گویند: بیعت را پس بگیر، او هم
 چنین می‌کند، قائم عَلَيْهِ السَّلَام به او می‌فرماید: مراقب باش که من حجت را بر تو تمام نمودم و با تو
 خواهم جنگید. صبح که می‌شود با آنها می‌جنگد، و خداوند کتف‌های آنان را در اختیار او
 قرار می‌دهد. او سفیانی را اسیر می‌کند و می‌برد و با دست خود ذبح می‌کند.

سپس لشکری اسب سوار را به روم اعزام می‌کند تا ما بقی بنی امیه را حاضر کنند. آنها
 به روم که می‌رسند می‌گویند: اهل ملت و دین ما را به ما بسپارید، ولی آنان ابا می‌کنند و
 می‌گویند: به خدا چنین نخواهیم کرد. آن گروه می‌گویند: به خدا اگر امام فرمان دهد با شما
 نبرد خواهیم نمود. پس رومیان نزد حاکمشان رفته جریان را می‌گویند. او می‌گوید: بروید و
 آنها را در اختیار اینان قرار دهید که قدرت عظیمی دارند، و این سخن خداست: **فَلَمَّا أَحَسُّوا
 بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ. لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ**، پس
 چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. مگریزید، و به سوی آنچه در آن منتعم
 بودید و سراهایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید، حضرت فرمودند: مقصود
 گنج‌هایی است که ذخیره می‌کردید.

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ. فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِئِينَ، گفتند:
 ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم. سخنشان پیوسته همین بود، تا آنان را درو شده‌ی بی‌جان
 گردانیدیم؛ [یعنی حتی] خبرسانی هم از آنان باقی نمی‌ماند.

آنگاه به کوفه می‌آید و سیصد و بیس از ده مرد را به تمام سرزمین‌ها می‌فرستد. میان
 کتف و سینه‌های آنها را دست می‌کشد [و آنان را مورد عنایت خود قرار خواهد داد]، پس
 در دادگری به عجز نمی‌افتند، و زمینی نخواهد ماند مگر آنکه در آن شهادت به یگانگی و
 بی‌شریک بودن خداوند و رسالت حضرت محمد ﷺ می‌دهند، و این فرموده‌ی خداست:

وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ، هرکه در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند.

رسول خدا ﷺ جزیه می پذیرفت، ولی صاحب این امر قبول نمی کند و این سخن خداست: وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ،^۱ و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد.

امام باقر (ع) در ادامه فرمودند: به خدا می جنگند تا آنکه به یگانگی خداوند اقرار کنند و ذره ای شرک نورزند.

پیرزنی ضعیف از مشرق به مقصد مغرب می رود و احدی او را نهی نمی کند. خدا بذرا از زمین بیرون می آورد و از آسمان باران فرو می فرستد. مردم خراج خود را بر روی گردن هایشان [نهاده و] نزد آن حضرت می آورند، و خداوند بر شیعیان ما گشایش می دهد، و اگر سعادت می که آنان را در می یابد نبود، به ستم می پرداختند.

در حالی که صاحب این امر برخی از احکام را صادر کرده و برخی از سنت ها را بیان نموده، گروهی از مسجد به قصد شورش برایشان خارج می شوند، ایشان به اصحابش می فرماید: بروید که در محله ی خرما فروشان به آنها می رسید. پس آنان را اسیر کرده نزد امام می آورند و به فرمان آن حضرت آنها را ذبح می کنند. این ها آخرین کسانی هستند که بر قائم آل محمد (ع) خروج می کنند.^۲

امام باقر (ع) در روز حج اکبر، عالمیان را به امامت خویش دعوت می کند

تفسیر عیاشی ۷۶/۲ از جابر نقل می کند: «امام باقر (ع) درباره ی آیه ی: وَأَذَاتُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ،^۳ و اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر، فرمودند: [مقصود] خروج قائم است، و اعلام، دعوت مردم به خویش است.»

۱. سوره ی آل عمران / ۸۳

۲. سوره ی انفال / ۳۹

۳. و نیز رک به تفسیر عیاشی ۱۴۰/ ۲ و کافی ۸ / ۳۱۳

۴. سوره ی توبه / ۳

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

تاویل الآیات ۲/ ۷۸ از ابو خالد کابلی از آن حضرت روایت می‌کند: «قائم خروج می‌کند و می‌رود تا آنکه به [منطقه‌ی] مَرَمی رسد. به ایشان خبر می‌دهند که کارگزارشان به قتل رسیده است. ایشان هم می‌آید و تنها پیکار جویان را به هلاکت می‌رساند. آنگاه می‌آید و مردم را دعوت می‌کند تا آنکه به بیداء می‌رسد. در این هنگام دولشکرازسوی سفیانی به مصاف حضرت می‌آید، و خداوند عزوجل زمین را فرمان می‌دهد تا گام‌های آنان را بگیرد و این همان فرمایش اوست: وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ، و ای کاش می‌دیدى هنگامی را که آنان وحشت زده‌اند، پس گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند. و گفتند: به او ایمان آوردیم؛ یعنی به قیام قائم، وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ، و پیشتر بدان کافر شده بودند؛ مقصود آن است که به قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام کافر شده بودند.

وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ. وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَلَلٍ مُرِيبٍ،^۱ و از جایی دور، نادیده تهمت می‌زدند. و میان آنان و میان آنچه [به آرزو] می‌خواستند حایلی قرار می‌گیرد همان گونه که از دیرباز با امثال ایشان چنین شد، زیرا آنها [نیز] در تردیدی سخت بودند.»

امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام یارانش را بر سراسر عالم حکومت می‌دهد

دلائل الامامة / ۲۴۹ از ابان بن تغلب از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «چون قائم ما قیام کند در سرتاسر زمین در هر اقلیمی مردی را می‌فرستد و می‌فرماید: پیمان تو در کف دست توست، به آنچه [در آن] می‌بینی عمل نما.»

غیبت نعمانی / ۳۱۹ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «هنگامی که قائم قیام کند در سرتاسر زمین در هر اقلیمی مردی را می‌فرستد و می‌فرماید: پیمان تو در کف دست توست، پس اگر مطلبی برایت پیش آمد که برایت مفهوم نبود و حکم آن را نمی‌دانستی، بدان نظر کن و به آنچه در آن است عمل نما.

ایشان لشکری را به قسطنطنیه اعزام می‌کند و چون به خلیج می‌رسند چیزی بر

۱. سوره‌ی سبأ / ۵۴ - ۵۳

قدم هایشان می نویسند و برآب راه می روند. رومیان وقتی که آنها را می بینند می گویند: اینان که اصحاب او هستند بر روی آب راه می روند، پس خود او چگونه است؟ لذا درهای شهر را بر روی آنها می گشایند و آنان هر آنچه بخواهند انجام دهند.»

نگارنده: اگر این حدیث صحیح باشد مقصود از قسطنطنیه در آن، یکی از شهرهای اروپاست و این واقعه پس از نزول مسیح علیه السلام رخ می دهد.

۳. یارانی که از مکه همراه خود می آورد

تعداد آنان ده هزار نفر و در برخی روایات پانزده هزار نفر

کمال الدین ۲/ ۶۵۴ از ابو بصیر روایت می کند: «شخصی کوفی از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر به همراه قائم علیه السلام خارج می شوند - زیرا مردم می گویند: آنها به تعداد اهل بدر سیصد و سیزده مردند -؟ حضرت فرمودند: او خروج نمی کند مگر در میان نیرومندان، و نیرومندان کمتر از ده هزار تن نخواهند بود.»

تفسیر عیاشی ۱/ ۱۳۴ از حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «قائم در کمتر از فئه خروج نمی کند و فئه کمتر از ده هزار نفر نیست.»

خصال ۴۲۴/ از آن حضرت روایت می کند: «قائم علیه السلام در میان چهل و پنج تن از نه قبیله می آید: از یک قبیله یک مرد، از یک قبیله دو تن، از قبیله ای سه نفر، از قبیله ای چهار تن، از یک قبیله پنج نفر، از قبیله ای شش تن، از قبیله ای هفت نفر، از یک قبیله هشت تن و از قبیله ای نه تن تا تعداد تکمیل شود.»

کافی ۵/ ۳۵۲ از ابوریع شامی می آورد که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: «از سیاه پوستان احدی را نخر، اگر چاره ای جز خریدن [از آنان] نداری از نویمان خریداری کن، زیرا آنها از کسانی هستند که خداوند عزیز و جلیل می فرماید: وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ،^۱ و از کسانی که گفتند: ما نصرانی هستیم، از ایشان پیمان گرفتیم، و [لی]

۱. سوره ی مائده / ۱۴

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند. بدان که آنان آن بخش [به فراموشی سپرده شده] را به یاد خواهند آورد، و گروهی از ایشان با قائم عجل الله تعالی فرجه خروج خواهند کرد.»
نگارنده: ممکن است علت نهی امام عجل الله تعالی فرجه از خرید بردگان سیاه بابت آن باشد که بعدها آزاد می‌شوند. نوبه نیز منطقه‌ای است نزدیک سودان و در کنار نیل.

حرکت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از عراق

بصائر الدرجات / ۱۸۸ از امام صادق از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «زمانی که قائم در مکه قیام و اراده‌ی عراق کند، منادی ایشان ندا می‌کند: بدانید که هیچ یک از شما غذا و نوشیدنی برندارد. او سنگ موسی بن عمران را که بار شتری است برمی‌دارد، و در هیچ منزلی فرود نمی‌آید مگر آنکه چشمه‌ای از آن بجوشد. پس هرکسی گرسنه باشد سیرو هرکه تشنه باشد سیراب گردد، این توشه‌ی آنان است تا آنکه وارد نجف در پشت کوفه شوند.»^۱
الخرائج و الجرائح ۲ / ۶۹۰ این مضمون را با اندکی تفاوت نقل می‌کند: «... سنگ موسی بن عمران را که از آن دوازده چشمه جوشیدن گرفت با خود برمی‌دارد. در هیچ منزلی فرود نمی‌آید مگر آنکه آن را قرار می‌دهد و چشمه‌ها از آن جوشیدن می‌گیرد. آب و شیردائماً از آن می‌جوشد. هرکس گرسنه باشد سیرو هرکه تشنه باشد سیراب گردد.»
نگارنده: ظاهراً امام عجل الله تعالی فرجه از میان یارانش کسی را به عنوان فرمانده به همراه نیروها به عراق اعزام می‌کند، و خود برنامه‌ی دیگری دارد و به صورت هوایی با هفت گنبد نورانی که معلوم نیست در کدام حضور دارد وارد عراق می‌گردد.

تفسیر عیاشی ۱ / ۱۰۳ از جابر روایت می‌کند: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه در تفسیر آیه‌ی: هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ^۲ مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان، در سایبان‌هایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار یکسره شود؟ فرمودند: او [قائم] در میان هفت گنبد از نور که معلوم نیست در کدام است در پشت کوفه [نجف] فرود می‌آید.

۱. و نیز کافی ۱ / ۲۳۱ و نعمانی ۲۳۸ /

۲. سوره‌ی بقره / ۲۱۰

در روایتی دیگر فرمودند: هنگامی که در پشت کوفه بر [منطقه ی] فاروق فرود می آید در گنبدهایی از نور قرار دارد.»

نگارنده: این احادیث علاوه بر آنکه معجزه ای از معجزات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان می کند، از اوضاع امنیتی آن منطقه که موجب می شود ایشان با این احتیاط وارد عراق شوند نیز حکایت دارد و می رساند اوضاع عالم بر ضد ایشان است و هنوز عراق هم به طور کامل پاک و آرام نشده است. مطلب دیگری که این روایات بر آن دلالت دارند آن است که ایشان در نجف فرود می آیند و لشکری که از مدینه آمده به ایشان ملحق می شود.

اما در مورد حدیثی که می گوید امام عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگامی که متوجه عراق می شوند در شقره و بعد در ثعلبیه - که دو منطقه میان حجاز و عراق هستند - فرود می آیند، رجحان با آن است که مقصود لشکرایشان باشد و نه شخص ایشان، یا آنکه پیش از وصول ایشان به عراق باشد.

جریان سنت خدا در یاران طالوت، در یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

غیبت نعمانی / ۳۱۶ از ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف: «یاران طالوت به وسیله ی نهری - که خداوند متعال فرموده: قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ، گفت: خداوند شما را به وسیله ی رودخانه ای خواهد آزمود - آزمایش شدند، و اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همان سان آزموده خواهند شد.»^۲

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاران را می آزماید

کافی ۸ / ۱۶۷ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت می کند: «گویا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینم که بر فراز منبر کوفه ردایی در بردارد و از داخل آن نوشته ای را که با مهری طلائی مهر شده بیرون آورده می گشاید و آن را بر مردم می خواند، آنان هم به مانند گوسفند از گرد آن حضرت پراکنده می شوند، و تنها نقیبان می مانند.

سپس سخنی می گوید که آنها [هم پراکنده می شوند ولی] به هیچ پناهگاهی دست

۱. سوره ی بقره / ۲۴۹

۲. و نیز غیبت شیخ طوسی / ۲۸۲ و اثبات الهداة ۳ / ۵۱۶

نمی یابند تا آنکه نزد خود امام باز گردند. من از سخن ایشان آگاهم.»

کمال الدین ۲ / ۶۷۲ از مفضل بن عمر از آن حضرت روایت می نماید: «گویا قائم را می بینم که بر منبر کوفه قرار دارد و برگرد ایشان سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل بدر - که پرچمداران و حاکمان خدا بر خلق او در زمین هستند - حضور دارند. ایشان نوشته ای از ردای خود بیرون می آورند که با مهری طلائی مهر شده و پیمانی از رسول خدا ﷺ است. پس مردم به مانند چارپایان گنگ از گرد ایشان پراکنده می شوند، و فقط وزیر و یازده نقیب باقی می ماند همان گونه که با موسی بن عمران ؑ باقی ماندند. آنان در زمین می گردند ولی جای دیگری را نمی یابند و لذا نزد آن حضرت باز می گردند. به خدا سوگند که من آن سخنی را که به آنها می گوید و آنها آن را انکار می کنند می دانم.»

بحار الانوار ۵۲ / ۳۸۹ از ابو بصیر از امام باقر ؑ: «قائم ؑ احکامی صادر می کند که برخی یاران - که در حضور آن حضرت شمشیر زده اند - آن را نادرست می شمارند، و حکم ایشان همان حکم آدم ؑ است. پس آنها را جلو آورده گردن می زند.

آنگاه دوباره و به حکم داود ؑ حکم می کند و گروهی دیگر - که در حضور ایشان شمشیر زده اند - منکر می شوند. آنان را نیز جلو آورده گردن می زند.

سپس برای بار سوم و به حکم ابراهیم ؑ حکم کرده و با انکار گروهی دیگر - که در حضورش شمشیر زده اند - مواجه می شود. آنان را نیز جلو آورده گردن می زند.

آنگاه برای چهارمین بار و به حکم حضرت محمد ﷺ حکم می کند، و هیچ کسی آن را نادرست نمی شمارد.»

نگارنده: اگر این روایت صحیح باشد، این امر برای آزمودن میزان یقین و فرمانبرداری یاران است تا بدین وسیله کسی که ایشان را مهدی و رهنمون شده ای از جانب پروردگار می داند و معتقد است ایشان چونان جدّش رسول خدا ﷺ از روی هوی سخن نمی گوید، شناخته شود. این رخداد در عراق و در مرحله ی دوم یا سوم حرکت امام ؑ در آنجا خواهد بود.

معنای اینکه ایشان به مانند داود حکم می کند آن است که بر اساس حقیقت - و واقعی که داود ؑ از خداوند خواست تا به او بنمایاند و خدا هم نمونه ای از آن را به او نشان داد ولی فرمان داد

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام ؑ

منزلت امام ؑ

حکومت امام ؑ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح ؑ

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ؑ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام ؑ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بنابر همان ظاهر حکم کند، هم چنان که پیامبر ما صلی الله علیه و آله را فرمان داد بر اساس شاهد و قسم قضاوت کند - حکم می نماید. امام مهدی علیه السلام به فرمان و راهنمایی الهی بر طبق واقع حکم می کنند ولی برخی یاران یارای پذیرش آن را ندارند. لذا این برخورد با یاران برای آماده سازی مردم بر پذیرش حکم و قضاوت ایشان بر حسب واقع است.

۴. یارانی که از قبرها زنده می شوند و برمی خیزند

برخی مؤمنان در قبر از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه آگاه خواهند شد

دلائل الامامة / ۲۵۷ از سیف بن عمیره از امام باقر علیه السلام: «چون قائم قیام کند، مؤمن در قبرش [از ظهور] آگاه می شود، پس به او گفته می شود: صاحب [و امام] توقیام نمود، اگر دوست می داری به او پیونددی چنین کن، و اگر می خواهی در کرامت خدا بمانی بمان.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۶ از مفضل بن عمر نقل می کند: «از قائم علیه السلام و شیعیانی که در انتظار ایشان مردند سخن رانندیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: چون ایشان قیام کند در قبر مؤمن سراغ وی می آیند و می گویند: ای فلان! صاحب توظهور کرد، اگر خواستی بدو ملحق شوی چنین کن، و اگر می خواهی در کرامت پروردگارت بمانی بمان.»

دلائل الامامة / ۲۴۸ از مفضل نقل می کند که امام صادق علیه السلام به من فرمودند: «ای مفضل! تو و چهل و چهار مرد [دیگر] در کنار قائم زنده خواهید شد. تو در طرف راست او امر و نهی می کنی و مردمان در آن زمان از امروز نسبت به تو فرمانبردارترند.»

رجال کشی / ۴۰۲ روایت می کند: «امام صادق علیه السلام به داود رقی که پشت کرده بود و می رفت نگریسته فرمودند: هرکسی از دیدن مردی از یاران قائم علیه السلام مسرور می شود، او را نگاه کند.

و یک بار هم فرمودند: او را بین خود به مانند مقداد رضی الله عنه به حساب آورید.»^۱

همان / ۲۱۷ از امام باقر علیه السلام: «گویا عبدالله بن شریک عامری را می بینم که عمامه ای سیاه بر

۱. و نیز خلاصة الاقوال / ۶۷، در التحریر الطاووسی / ۹۸ می نویسد: در مدح او حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده که او را به منزله ی مقداد نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله به حساب می آورد، و نیز حدیثی که او را از یاران قائم علیه السلام معرفی می کند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سردارد، موهایش بین دو شانه‌اش ریخته و در حضور قائم ما اهل بیت در میان چهار هزار تن که هجوم می‌برند و تکبیر می‌گویند، از پایین کوه بالا می‌رود.»

مختصر بصائر الدرجات / ۲۵ از عبدالله بن بکیر از حضرت صادق عجل الله تعالی فرجه: «گویا حمran بن اعین و میسر بن عبد العزیز را می‌بینم که بین صفا و مروه مردم را با شمشیرهایشان می‌زنند.»

بیست و هفت نفری که برای یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به دنیا بازمی‌گردند

تفسیر عیاشی ۲ / ۳۲ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «هنگامی که قائم آل محمد قیام کند از پشت کعبه بیست و هفت مرد - پانزده تن از قوم موسی که به حق حکم و داوری می‌کردند، هفت تن اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه‌ی انصاری و مالک اشتر - را بیرون خواهد آورد.»

دلائل الإمامة / ۲۴۷ از آن حضرت: «چون قائم از پشت این خانه ظهور کند، خداوند بیست و هفت مرد را با او خواهد فرستاد؛ چهارده مرد از قوم موسی که خداوند درباره‌شان فرموده: وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ^۱، و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند، اصحاب کهف هشت [هفت] تن، مقداد، جابر انصاری، مؤمن آل فرعون و یوشع بن نون وصی موسی.»

ارشاد / ۳۶۵ از ایشان: «به همراه قائم عجل الله تعالی فرجه از پشت کوفه [کعبه] بیست و هفت مرد - پانزده تن از قوم موسی عجل الله تعالی فرجه که به حق هدایت و داوری می‌کردند، هفت تن از اهل کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر - خارج می‌شوند و یاران ایشان و حاکمان خواهند بود.»

سلمان فارسی از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

علاوه بر آنچه گذشت دلائل الإمامة / ۲۳۷ از سلمان روایت می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: خداوند تعالی هیچ نبی و رسولی را نفرستاد مگر آنکه برای او دوازده نقیب قرار

۱. سوره‌ی اعراف / ۱۵۹

داد. عرض کردم: یا رسول الله! این مطلب را از پیروان تورات و انجیل دانسته‌ام، فرمودند: آیا می‌دانی نقیبان دوازده گانه‌ی من که خداوند آنها را پس از من برای امت برگزیده‌اند؟ گفتم: خدا و رسولش داناترند.

فرمودند: ای سلمان! خدا مرا از برگزیده‌ی نور خویش آفرید و فراخواند، من هم اطاعت کردم. از نور من علی را خلق کرد و او را فراخواند، او هم اطاعت نمود. از نور او فاطمه را آفرید و فراخواند، او هم اطاعت کرد. از من و علی و فاطمه، حسن را خلق کرد و فراخواند، او هم فرمانبرداری کرد، و از من و علی و فاطمه، حسین را آفرید و خواند، او هم اطاعت نمود. آنگاه ما را به پنج نام از نام‌های خود نامید؛ خداوند محمود است و من محمد، او علی است و این علی، او فاطراست و این فاطمه، او صاحب احسان است و این حسن، و او محسن است و این حسین.

سپس از ما و نور حسین نه امام را آفرید و فراخواند، آنان هم اطاعت کردند، و این پیش از آن بود که آسمانی بنا شده، زمینی گسترده، فرشته و بشری را بیافریند، و ما نوری بودیم که تسبیح خدا می‌کردیم، و از او شنیده فرمان می‌بردیم.

عرضه داشتم: یا رسول الله! پدر و مادرم فدایت، کسی که اینان را بشناسد چه پاداشی دارد؟ فرمودند: هر که آنان را آن گونه که شایسته‌ی آنهاست بشناسد، به آنها اقتدا نماید، دوستانشان را دوست بدارد و با دشمنانشان دشمنی کند به خدا قسم که از ماست و هر جا که ما وارد شویم وارد می‌شود و هر آنجا که سکنی گزینیم وی نیز ساکن می‌گردد.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! آیا بدون شناخت اسامی و نسب‌های آنان می‌توان به آنان ایمان آورد؟ فرمودند: نه، گفتم: من به آنها ایمان دارم و تا حسین را شناخته‌ام.

ایشان فرمودند: سپس سید العابدین علی بن الحسین است، آنگاه پسرش محمد بن علی که شکافنده‌ی دانش اولین و آخرین از پیامبران و رسولان است، بعد پسر او جعفر بن محمد که زبان راست گفتار خداست، سپس پسرش موسی بن جعفر که خشم خود را بابت صبر در [راه] خدا فرو می‌برد، آنگاه پسر وی علی بن موسی که به فرمان خدا خشنود است، بعد پسر او محمد بن علی که برای امر خدا برگزیده شده، آنگاه پسرش علی بن محمد که به سوی

خدا راهنمایی می نماید، سپس پسرا و حسن بن علی که صامت و امین سرّ خداست، و بعد از او هم پسرش محمد بن حسن مهدی که فرمان خدا را به پا می دارد.

در ادامه فرمودند: ای سلمان! تو و کسی که مانند تو باشد و آنکه او را به معرفت حقیقی ولیّ خود قرار دهد، او را درک خواهید نمود.

پس شکر خدا را به جا آوردم و گفتم: آیا تا دوران او زنده خواهیم ماند؟ ایشان فرمودند: ای سلمان! بخوان: **فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا. ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا،** پس آنگاه که وعده‌ی [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد، بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم، تا میان خانه‌ها به جستجو درآیند، و این تهدید تحقق یافتنی است. پس [از چندی] دوباره شما را باز گردانده بر آنان چیره می کنیم، و شما را با اموال و پسران یاری می دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می گردانیم.

در این هنگام اشتیاقم بیشتر شد، اشکم شدّت گرفت و گفتم: ای پیامبر خدا! آیا شما هم حضور خواهید داشت؟ فرمودند: آری، سوگند به خدایی که مرا به حق فرستاد، من و علی و فاطمه و حسن و حسین و آن نه تن حضور داریم، و نیز هرکسی که از ما و با ماست و به خاطر ما ستم دیده است، و به خدا قسم ابلیس و لشکریانش حاضر می شوند، هرکه ایمان و یا کفرش خالص است نیز حضور می یابد تا قصاص‌ها و خون‌ها ادا شود و پروردگارت به هیچ کسی ستم نمی کند، و این تأویل این آیه است: **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَنُكِنِّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ،**^۱ و خواستیم بر کسانی که در آن زمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم، و ایشان را وارثان قرار دهیم. و در زمین قدرتشان دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم.

در این هنگام برخاستم و باکی نداشتم که من به سراغ مرگ روم و یا او به سراغ من آید.»

۱. سوره‌ی اسراء / ۶-۵

۲. سوره‌ی قصص / ۶-۵

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

اببدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

رجعت مؤمنانی که شایستگی نصرت امام عصر علیه السلام را دارند

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۷۶ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «هرکه سوره ی بنی اسرائیل را در هر شب جمعه قرائت کند، نمی‌میرد تا آنکه قائم را درک کند و از یاران او باشد.»^۱

مختصر البصائر / ۳۲ از ابو حمزه ی ثمالی از امام باقر علیه السلام: «امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: عجباً! و چگونه تعجب نکنم از مردگانی که خدا آنها را زنده می‌گرداند، و گروه گروه اجابت می‌کنند و می‌گویند: لبیک لبیک ای کسی که به سوی خدا دعوت می‌کنی.

آنان در کوچه‌های کوفه‌اند و شمشیرهایشان را آخته بر شانه‌هایشان گذارده‌اند و با آن سرهای کافران، جبّاران و پیروانشان - از جبّاران اولین و آخرین - را می‌زنند تا خداوند عزوجل وعده‌ای را که به آنها داده عملی سازد: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا^۲، خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند؛ یعنی مرا در ایمنی بپرستند و از احدی از بندگانم نهراسند و هیچ تقیّه نکنند.

همانا من کَرَّت پس از کَرَّت و رجعت بعد از رجعت دارم، من صاحب رجعت‌ها و بازگشت‌هایم، من کسی هستم که حملات، انتقام‌ها و دولت‌های شگفت دارد، من پناهگاهی آهنینم، من بنده‌ی خدا و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم.»

حسین بن سعید در الزهد / ۸۱ نقل می‌کند: «عمار بن مروان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: به خدا قسم [اعمال]، تنها از شما پذیرفته می‌شود و خداوند تنها از شماست که

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

۱. و نیز ثواب الاعمال / ۱۳۳، مجمع البیان / ۶ / ۳۹۳، اثبات الهداة / ۳ / ۴۹۷ و بحار الانوار / ۹۲ / ۲۸۱

۲. سوره ی نور / ۵۵

۳. برخی محققان معاصر فرق بین رجعت و کَرَّت را در این عنوان می‌کند که کَرَّت رجعتی است که در آن نبرد و درگیری باشد، از این رو رجعت اعم از کَرَّت خواهد بود. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در می‌گذرد. فاصله‌ی میان شما و اینکه به شما غبطه‌خورد و خود شادمان شده دیدگانتان روشن شود، تنها آن مقدار است که جان به اینجا برسد و با دست به گلو اشاره کردند.

آنگاه فرمودند: وقتی چنین شود و به احتضار بیفتد، رسول خدا ص، امامان، حضرت علی، جبرئیل و ملک الموت ع همه حضور می‌یابند، جبرئیل به او نزدیک شده به پیامبر ص می‌گوید: این شخص شما اهل بیت را دوست می‌داشت پس او را دوست بدانید، ایشان به او می‌فرمایند: ای جبرئیل! این شخص خدا، رسول و خاندان او را دوست می‌داشت پس او را دوست بدان و با او مدارا کن، جبرئیل هم به ملک الموت می‌گوید: این شخص خدا، رسول و اهل بیت رسولش را دوست می‌داشت پس او را دوست بدان و با او مدارا نما.

آنگاه ملک الموت بدو نزدیک شده می‌گوید: ای بنده‌ی خدا! آیا در زندگی دنیا آزادی و امان نامه‌ات از آتش را دریافت کردی و به بالاترین دستاویز تمسک نمودی؟ خداوند عزوجل آن شخص را قدرت داده و او می‌گوید: آری، ملک الموت می‌گوید: آن چیز چیست؟ او می‌گوید: ولایت علی بن ابی طالب، فرشته‌ی مرگ می‌گوید: راست گفتی، بدان خداوند تو را از آنچه واهمه داشتی امان داد، و بدانچه امید داشتی دست یافتی، تو را بشارت باد به پیشینیان صالح، همنشینی رسول خدا، امیرالمؤمنین، فاطمه و امامان از فرزندان او ع. آنگاه جان او را به آرامی می‌گیرد و کفن و حنوطش را - که به مانند مشک خوشبوست - از بهشت فرود می‌آورد، و با آن کفن و حنوط می‌شود. سپس جامه‌ای زرد از جامه‌های بهشتی بر او می‌پوشانند.

چون در قبر قرار داده می‌شود خداوند دری از درهای بهشت را بر او می‌گشاید و از نسیم و بوهای خوش آن بر او داخل می‌گردد. آنگاه از جلو، طرف راست و چپ او به اندازه‌ی مسیر یک ماه گشاده می‌شود و ندا می‌گردد: به مانند خواب عروس بر بستر بیارام و شادمان باش به روح و ریحان و بهشت نعیم و پروردگاری که [برتو] خشمگین نیست.

پس از آن خاندان پیامبر را در جنان رضوی زیارت می‌کند و با آنها از غذایشان می‌خورد، از نوشیدنیشان می‌آشامد، و در مجالسشان هم صحبت می‌شود تا آنکه قائم ما اهل بیت قیام کند. چون اوقیام کرد خداوند آنها را برمی‌انگیزد و گروه گروه

می آیند و لبیک می گویند. در این هنگام است که اهل باطل به تردید می افتند و نیرنگ بازان - که اندکند - نابود می شوند، شتاب کنندگان هلاک و مقربان [که اهل تسلیم و انقیادند] رستگار می گردند. از این روست که رسول خدا ﷺ به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: تو برادر من هستی و وعده گاه من و تو وادی السلام است. هنگامی که مرگ به سراغ کافر آید، پیامبر، امیرالمؤمنین، امامان، جبرئیل و ملک الموت (علیهم السلام) حاضر می شوند، جبرئیل به او نزدیک می شود و می گوید: یا رسول الله! این شخص بغض شما اهل بیت را می داشته پس او را دشمن بدارید، آن حضرت می فرمایند: ای جبرئیل! این شخص خدا، رسول و اهل بیت او را دشمن می داشته پس او را دشمن بدار و براو سخت بگیر.

جبرئیل هم به ملک الموت می گوید: ای فرشته ی مرگ! این فرد خدا، رسول و اهل بیت ایشان را دشمن می داشته پس او را دشمن بدار و براو سخت بگیر. ملک الموت به او نزدیک شده می گوید: ای بنده ی خدا! آیا در زندگی دنیا آزادی و امان نامه ات از آتش را دریافت کردی و به بالاترین دستاویز تمسک نمودی؟ او پاسخ می دهد: نه، فرشته می گوید: ای دشمن خدا! تورا بشارت باد به غضب خدای عزوجل، عذاب او و دوزخ، بدان آنچه امید داشتی از دست رفت، و آنچه می هراسیدی بر تو وارد شد، آنگاه به سختی جانش را می گیرد. پس سیصد شیطان به روح او موکل می شوند که در صورتش آب دهان می اندازند و روحش را می آزارند، و چون در قبرش قرار داده شود دری از درهای آتش براو گشوده شده و از فوران و شعله های آن براو داخل می شود.^۱

تمام شگفتی بین دو ماه جمادی و رجب

ینابیع المودة / ۱۲۵ از کتاب صفین مدائنی روایت می کند: «حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از جنگ نهروان سخنرانی و برخی از اموری که بعدها رخ می دهد را بیان کردند و فرمودند: این امر خداست و پس از زمانی طولانی رخ می دهد، پس ای پسر بهترین کنیزان! تا کی انتظار

۱. همچنین کافی ۳ / ۱۳۱، الايقاظ من الهجعة / ۲۹۰ و ۳۱۹ و بحار الانوار ۶ / ۱۹۷ و نیز رک به المحتضر / ۵

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌کشی؟ تورا به نصرتی قریب از پروردگاری مهربان بشارت باد، پدر و مادرم فدای تعدادی محدود که اسامی آنها در زمین مجهول است، و ظهور آنان نزدیک شده است.

شگفتی، تمام شگفتی بین جمادی و رجب است، پراکنده‌ها جمع می‌شوند و گیاهان درو، و صداهایی بعد از صداهایی [به گوش خواهد رسید]، حکم و قضا [ی الهی] سبقت [و تعلق] گرفته است.

مردی از اهل بصره به مردی کوفی که در کنارش بود گفت: گواهی می‌دهم که او دروغ‌گوست! مرد کوفی گوید: به خدا قسم امام عجل الله تعالی فرجه از منبر پایین نیامد که مرد بصری فلج شد و همان شب مرد.

شرح ابن ابی الحدید ۶/ ۱۳۴ و نهج السعادة ۳/ ۴۴۹: «مدائنی در کتاب صفین می‌نویسد: حضرت علی عجل الله تعالی فرجه پس از نهروان خطبه خواند و برخی از وقایعی که بعدها رخ می‌دهد را چنین بیان فرمود: هنگامی که در میان شما مردمان گوناگون بسیار و انباط [مردمی غیر عرب] مستولی شوند، ویرانی عراق نزدیک است، و این زمانی است که شهری دارای درخت و نهرها بنا شود. چون در آن قیمت‌ها بالا رود، بناها مستحکم گردد و فاسقان به حکومت رسند، بلاشدت گیرد و فرومایگان تفاخر کنند، فرو رفتن‌ها در بیابان نزدیک شود و گریز و آوارگی خوشایند گردد.

پیش از آوارگی اموری رخ خواهد نمود که خردسالان در اثر آن پیر، بزرگان هلاک، فصیحان گنگ و خردمندان مبهوت می‌شوند! [چنان می‌شود که] با شمشیر بران پیشدستی می‌کنند و حال آنکه پیشتر در خوشی و خرمی بوده‌اند.

چه مصیبتی است که بلای عقیم، گریه‌ی طولانی، وای و ناله، فریاد بلند و فنای گسترده را با خود دارد، این امر خداست و به وقوع خواهد پیوست.

ای پسر بهترین کنیزان! تا کی انتظار می‌کشی؟ تورا به نصرتی قریب از پروردگاری مهربان بشارت باد.

بدانید! وای بر متکبران هنگام درو کردن درو کنندگان و قتل فاسقان که سرکشان [فرمان خداوند] صاحب عرش عظیم هستند.

پدر و مادرم فدای عده‌ای اندک که اسامی آنان در آسمان معروف و در زمین مجهول است و ظهورشان نزدیک شده است. اگر می‌خواستم شما را از آنچه واقع می‌شود آگاه می‌ساختم، از حوادث روزگارتان، مصیبت‌های زمانتان، بلایای اَمّت‌ها و رخدادهای ساعادتان، لیکن آن را [تنها] به کسانی می‌سپارم، زیرا برای شما می‌هراسم و [این کتمان] به خاطر شماست. من از آنچه رخ می‌دهد و بلای فراگیری که با آن مواجه خواهید شد آگاهم.

این‌ها به هنگام تَمَرّد اشرار و فرمان بردن از زیانکاران است، زمان مرگ و نابودی که امور شما پشت می‌کند، اصل شما گسسته گشته و خود متفرّق می‌شوید. هنگام بروز معصیت و انتشار فسوق، همان زمانی که ضربه‌ی شمشیر برای مؤمن از کسب دره‌می حلال آسانتر است، معیشت تنها با سرکشی خدا در آسمان دست یافتنی می‌شود، آن هنگامی که بدون شراب مست شده، بدون اضطراب سوگند می‌خورید، بی‌آنکه نفعی در کار باشد ستم کرده و بدون سختی و گرفتاری دروغ می‌گویید، به فسوق دچار شده و به معصیت مبادرت می‌ورزید!

گفتارتان بهتان، سختتان دروغ، و کردارتان فریب است!

در آن هنگام از شب ایمنی ندارید، چه شبی است و چه تاریک است، و چه فریادگری که صدایی هراس آور دارد، آن شبی است که فرا رسیدن صبح آن را آرزو نمی‌کنند! آن زمان کشته می‌شوید، به انواع بلا دچار و با شمشیردرو می‌گردید، به سوی آتش می‌روید، و بلا- همان سان که پالان، شانه را می‌گزد - شما را می‌گزد.

شگفتی، تمام شگفتی بین جمادی و رجب است، پراکنده‌ها جمع می‌شوند و گیاهان درو، و صداهایی بعد از صداهایی [به گوش خواهد رسید]، حکم و قضا [ی الهی] سبقت [و تعلّق] گرفته است، حکم و قضا [ی الهی] سبقت [و تعلّق] گرفته است.^۱

۵. یاران امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى از دیگر سیّارات

بصائر الدرجات / ۹۰؛ از هشام جوالمقی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «خداوند در پشت دریا شهری دارد که وسعت آن مسافت چهل روز است. در آن قومی هستند که هرگز عصیان

۱. و نیز شرح نهج البلاغة ۲/ ۴۹

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

او را نکرده‌اند. آنان نه ابلیس را می‌شناسند و نه از خلقت او آگاهی دارند. ما هماره آنان را می‌بینیم و آنها درباره‌ی آنچه بدان نیازمندند از ما می‌پرسند. آنها از ما دعا می‌خواهند و ما ایشان را می‌آموزیم. [دیگرانکه] آنان از ما درباره‌ی قائم ما می‌پرسند تا آنکه ظهور کند.

آنان عبادت و تلاش بسیاری دارند. شهرآنان درهائی دارد که از یک مصراع تا مصراع دیگریکصد فرسخ است. تقدیس آنان [نسبت به خداوند] و عبادتشان بسیار است، [بدان سان که] اگر آنها را مشاهده می‌کردید عمل خود را اندک می‌شمردید. مردی از آنها یک ماه نماز می‌خواند و سراز سجده بر نمی‌دارد. خوراکشان تسبیح و جامه‌شان برگ است و چهره‌هایشان از نور می‌درخشد.

چون یکی از ما را ببینند برگرد او حلقه می‌زنند و از گرد [پای] او از زمین برداشته بدان تبرک می‌جویند. هنگامی که نماز گزارند صدایی شدیدتر از صدای باد توفنده دارند. میان آنها گروهی هستند که سلاح خود را [بر زمین] نگذاشته‌اند و در انتظار قائم ما به سر می‌برند. آنان - که هریک هزار سال عمر دارد - دعا می‌کنند که خداوند او را به ایشان بنمایاند. چون آنان را بنگری خشوع و فروتنی را خواهی دید، و خواهی دید که به دنبال چیزی هستند که آنها را به خدا نزدیک گرداند.

وقتی نزد آنان نرویم می‌پندارند بابت خشم است. آنها مراقب زمانی که نزدشان می‌رویم هستند، ملول نمی‌شوند و سستی نمی‌کنند. کتاب خدا را همان گونه که ما به آنان آموختیم تلاوت می‌کنند. در میان آنچه ما به ایشان می‌آموزیم چیزی است که اگر بر مردمان تلاوت شود بدان کفرورزیده انکار می‌کنند! از ما درباره‌ی چیزی از قرآن که به آنان رسیده ولی در نمی‌یابند می‌پرسند، و چون ایشان را از آن بی‌گانه‌انیم سینه‌هایشان گشاده می‌گردد [و می‌پذیرند]. آنان از خداوند می‌خواهند بقا طولانی شود و ما را از دست ندهند.

ایشان آگاهند که - آنچه ما بدان‌ها می‌آموزیم - مَنّت بزرگی از ناحیه‌ی خداوند بر آنان است.

چون امام قیام کند آنان با او خروج خواهند نمود. صاحبان سلاح آنان سبقت می‌گیرند و

۱. همان گونه که مقصود ممکن است طول بقای امامان باشد، می‌تواند طول بقای خودشان نیز باشد. م

از خدا می خواهند آنان را از کسانی قرار دهد که دینش را یاری می کنند. در میان ایشان پیران و جوانان هستند. چون جوانی از ایشان پیری را ببیند در مقابل او چونان عبد می نشیند و تنها به فرمان اوست که برمی خیزد.

آنان راهی بدانجا که امام می خواهد دارند که از خلق بدان آگاه ترند. چون امام به آنان فرمانی دهد، تا خود فرمان دیگری صادر نکنند بر آن خواهند بود. اگر بر خلیق مشرق تا مغرب وارد شوند در یک زمان همه را به هلاکت می رسانند. آهن در آنها تأثیری نمی گذارد و شمشیرهایشان از آهنی غیر از این آهن است. اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوهی بزند، آن را پاره پاره می کند.

امام با آنان با هند، دیلم، کرک، ترک، روم، بربر و میان جابرسا تا جابلقا - که دو شهر هستند، یکی در مشرق و دیگری در مغرب - به نبرد خواهد پرداخت. آنها به اهل هر دینی که برسند آنها را به خدا، اسلام و اقرار به حضرت محمد ﷺ فرا می خوانند، و هر که را اسلام نیاورد به قتل می رسانند...»^۱

نگارنده: این مؤمنان در سیاره ای دیگر هستند، چرا که امام علیا فرمودند: « خداوند در پشت دریا شهری دارد که وسعت آن مسافت چهل روز است... آنان نه ابلیس را می شناسند و نه از خلقت او آگاهی دارند» و بر این دلالت دارد که اینان از نسل آدم نیستند، اگرچه شبیه آنها باشند. این فرمایش: « آهن در آنها تأثیری نمی گذارد و شمشیرهایشان از آهنی غیر از این آهن است. اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوهی بزند آن را پاره پاره می کند» نیز می رساند که ساختار و جنس بدن آنان با ما متفاوت است.

نقد این نگرش که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه انتظار وجود یاران را می کشد

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه امری حتمی از ناحیه ی خدا، و مرحله ای بزرگ از برنامه ی الهی در زندگی بنی آدم بر زمین است که زمان و شرائط آن بر اساس تقدیر خدای متعال در برنامه ی هستی می باشد. خداوند هم صفات، علامت ها، اینکه ظهورش مانند قیامت ناگهانی

۱. و نیز المحاضر / ۱۰۳، اثبات الهداة ۳ / ۵۲۲، مختصر البصائر / ۱۰ و تبصرة الولی / ۲۶۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

است و نیز اینکه خود برای او یارانی خاص مقدر نموده که از اقصی نقاط زمین به اعجاز و در یک شب همه به حضور او می‌رسند و وزیران و حواریان او هستند را برای ما بیان نموده است. ولکن این بدان معنا نیست که خداوند ظهور امام عجل الله تعالی فرجه‌ه را بر آنان متوقف کرده و حضرت باید انتظار بکشد و دعا کند تا آنان به دنیا بیایند و موجود شوند، یعنی او بدون آنان نمی‌تواند ظهور کند و لذا اگر آنان قرن‌ها پیش می‌بودند آن حضرت آشکار شده بود. در این صورت آنان محور خواهند بود!

بلکه ظهور امام عجل الله تعالی فرجه‌ه زمانی دارد که شتاب شتاب‌زدگان و کراحت کاره‌هان آن را جلو و عقب نمی‌اندازد و یاران ایشان طبق تقدیر الهی در عصر ایشان خواهند بود.

و شاید اصل این شبهه از برخی احادیث متشابه ناشی شود، در غیبت نعمانی / ۲۰۳ روایت می‌کند: «برخی از یاران امام صادق عجل الله تعالی فرجه‌ه نزد ایشان آمد و گفت: فدایت شوم، به خدا سوگند که من شما و دوستان‌انتان را دوست می‌دارم. آقای من! شیعیان شما چه بسیارند! امام عجل الله تعالی فرجه‌ه فرمودند: بشمار، او گفت: بسیارند، ایشان فرمودند: می‌شماری؟ گفت: فراتر از آنند.

حضرت فرمودند: بدان! اگر تعداد موصوف سیصد و بیش از ده تن کامل شود آنچه می‌خواهید رخ می‌دهد، لیکن شیعه‌ی ما کسی است که صدایش از گوشش و کینه‌اش از جسمش تجاوز نمی‌کند، در مدح ما غلو نکرده و با پیرو ما مخاصمه نمی‌کند، با کسی که بر ما عیب می‌گیرد هم نشین نمی‌شود، با آنکه بر ما خرده می‌گیرد سخن نمی‌گوید، دشمن ما را دوست نمی‌دارد و دوست ما را دشمن نمی‌دارد.

عرضه داشتم: پس با این کسان گوناگون که خود را شیعه می‌نامند چگونه رفتار کنم؟ حضرت فرمودند: اینان تمییز داده می‌شوند، مورد آزمون قرار می‌گیرند و [از حالی به حالی دیگر] تبدیل می‌گردند. خشکسالی به سراغ آنان می‌آید و هلاکشان می‌کند، شمشیر آنها را می‌کشد و اختلاف پاره پاره‌شان می‌سازد!

شیعه‌ی ما تنها کسی است که چون سگ زوزه نمی‌کشد، همانند کلاغ طمع نمی‌ورزد، و از مردم تکدی نمی‌کند گرچه از گرسنگی بمیرد.

گفتم: اینان که چنین اوصافی را دارند کجا بیابم؟ فرمودند: در اطراف زمین آنان را بجوی،

زندگی آنان سبک است و خانه شان به حالت انتقال^۱.

آنان کسانی هستند که اگر حضور داشته باشند شناخته نشوند، و اگر غائب باشند سراغشان را نگیرند. هنگامی که مریض شوند به عیادتشان نروند. چون خواستگاری کنند همسرشان ندهند و چون بمیرند کسی بر [جنازه ی] آنان حضور نیابد. آنان کسانی هستند که در اموال خود مواسات می کنند، در قبرهایشان با یکدیگر ملاقات می نمایند و خواسته هایشان - اگرچه سرزمین هایشان مختلف باشد - مختلف نیست.»

مشابه آن را در / ۲۰۴ آورده است، در آن روایت چنین آمده: «اگر مؤمنی را ببینند اکرام کنند و چون منافقی را بنگرند دوری گزینند. به هنگام مرگ بی تابی ننمایند، و در قبرهایشان یکدیگر را ملاقات کنند.»

امام علیه السلام با این عبارات: «بدان! اگر تعداد موصوف سیصد و بیش از ده تن کامل شود آنچه می خواهید رخ می دهد، ولیکن شیعه ی ما کسی است که صدایش از گوشش تجاوز نمی کند...» برآند تا به این شخصی که می خواهد حضرت را بر قیام و خروج تحریک کند بفهمانند که این مطلب نیازمند گروهی مؤمنین خاص است، آنگاه اوصافی را برای آنان بیان می کنند که بر یاران امام مهدی علیه السلام منطبق است، پس میان آنان و ظهور ارتباطی هست ولیکن نه به این نحو که آنان سبب ظهور باشند، بلکه این ارتباط عملی است و خداوند تعالی مقدر نموده که اینان در وقتی که برای ظهور ولی خود علیه السلام قرار داده حضور یابند. به بیانی دیگر مقصود امام صادق علیه السلام آن نیست که حضور اصحاب سبب ظهور امام علیه السلام باشد. ایشان شیعیان را تشویق می کنند که سطح ایمان خود را ارتقا دهند، و بیان می دارند که یارانی که حضرت در میان آنها ظهور می کند در بالاترین درجه در میان معاصرین حضرت - و کسانی که ادعای آمادگی برای یاری او را دارند - قرار دارند.

ظاهراً این شبهه در اذهان مخالفین بوده است، و آنها چنین می پنداشته اند که شیعیان و امامشان انتظار سیصد و سیزده نفر مؤمن با ایمان کامل را می کشند تا ظهور رخ دهد!

۱. علامه ی مجلسی رحمه الله می فرماید: این به جهت فرار از شرار مردمان و یا بابت طلب علم است، رک به مرآة العقول

در رسائل فی الغیبه شیخ مفید / ۱۱۳ آمده است: «شیخ مفید رحمته الله می فرماید: در مجلس یکی از رؤساء حضور یافتیم و سخن در باب امامت و در ادامه در غیبت به میان آمد، صاحب مجلس گفت: آیا شیعیان از جعفر بن محمد چنین نقل نمی کنند: اگر به تعداد اهل بدر سیصد و بیش از ده مرد برای امام جمع شوند، قیام با شمشیر بر او واجب است؟ من گفتم: این حدیث روایت شده است.

او گفت: آیا ما یقین نداریم که شیعیان در این زمان چندین برابر اهل بدر هستند، پس چگونه با وجود این روایت، غیبت بر امام جایز است؟ گفتم: شیعیان اگرچه در این زمان بسیارند و چندین برابر اهل بدر، لکن آن جماعتی که به تعداد اهل بدر هستند و چون جمع شوند تقیه بر امام نبوده و ظهور برایش واجب خواهد بود با آن اوصاف و شرائطی که دارند، هنوز گرد نیامده اند. شجاعت، شکیبایی بر جنگ، اخلاص در جهاد، ترجیح آخرت بر دنیا، پاکیزگی درون از عیوب، عقل سالم، عدم سستی در نبرد و نیز وجود مصلحت در قیام آنان به شمشیر می بایست جمع شود، و حال آنکه تمامی شیعیان حائز چنین اوصافی نیستند.

اگر خداوند تعالی می دانست که در میان شیعه این تعداد با این اوصاف وجود دارند البته امام بدون تردید ظهور می کرد و دیده بر هم نهادنی بعد از گرد هم آمدن ایشان غیبت نمی نمود. لکن معلوم است که چنین چیزی هنوز رخ نداده است، از این رو هم چنان غیبت بر امام عجل الله جایز است.

او گفت: از کجا بدانیم که اینان می بایست چنین اوصافی داشته باشند، و بر فرض اینکه چنین باشد از کجا بدانیم شما درست می گوئید [و امام در فرض گرد آمدن آنان می بایست قیام کند]؟

در پاسخ گفتم: وقتی وجوب امامت و صحت غیبت به اثبات رسید، حکم به صحت این روایت، راهی جز آنچه گفتیم ندارد، و ما از همین راستا که دلائل بر امامت و عصمت و صحت این خبر قائم شد چنین حکم کردیم.

آنگاه ادامه داد: مثال این امر که همه از آن آگاهیم جهاد رسول خدا صلی الله علیه و آله با اهل بدر با آن

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله

منزلت امام عجل الله

حکومت امام عجل الله

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تعداد اندک است که همراه ایشان بودند و بیشتر آنها بی سلاح و پیاده بودند، ولی در سال حدیبیه با وجود آنکه اصحابی چندین برابر جنگ بدر داشتند نجنگیدند، و ما می دانیم که ایشان علیهم السلام در هر دو مورد بر اساس حق رفتار کردند، و اگر یاران آن حضرت همان گونه که در بدر بودند در حدیبیه نیز می بودند، ترک جنگ و آتش بس برایشان نبود، و هرآینه جهاد - به مانند قبل - واجب بود، و اگر واجب می بود آن حضرت آن را ترک نمی کردند، و دلیل این مطلب را گفتیم و توضیح دادیم که رفتار بر اساس حق و عصمت ایشان معلوم است.

او گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می شد و بدین وسیله فرجام امور را می دانست، و از صحت و خطای تدبیر به واسطه ی علم به آینده آگاهی داشت، لیکن چه کسی درباره ی علم امام چنین چیزی را گفته است، و او از کجا آگاهی می یابد؟

در جواب گفتم: امام به عقیده ی ما عهدی معهود دارد و نسبت به آینده آگاه است. نشانه هایی برای او وجود دارد که او را به فرجام تدبیرها و صلاح در کارها راهنمایی می کند و این عهد از ناحیه ی پیامبر صلی الله علیه و آله - که به او وحی می شد و از علم آسمان مطلع بود - به او رسیده است. حتی اگر این را هم نگوییم و تنها به این مقدار بسنده کنیم که او به ظن غالب خود و مصلحتی که می بیند رفتار می کند کافی است، و بدون شک جایگزین علم می شود. مخصوصاً بر اساس اعتقاد ستیان در باب اجتهاد، و باور آنها درباره ی نظر پیامبر صلی الله علیه و آله، گرچه نظر صحیح همان است که پیشتر گذشت.

او گفت: چرا امام آشکار نمی شود هر چند به قیمت کشته شدنش تمام شود، زیرا در این صورت برهان و دلیل بر امامتش وضوح بیشتری داشته و هر گونه تردیدی نسبت به وجود او از میان خواهد رفت؟

گفتم: این امر بر او واجب نیست، همان گونه که بر خداوند واجب نیست در انتقام از عاصیان شتاب کند و در هر زمانی و پی در پی نشانه هایی آشکار سازد، گرچه می دانیم اگر چنین کند برهان بر قدرت وی وضوحی بیشتر و نهی او تأکیدی بیشتر خواهد داشت و قبح مخالفت با او روشن تر خواهد بود، و بدین سان مردمان از نافرمانی او بیشتر دست خواهند شست، گرچه این کار بر او واجب نبوده و در حکمت و تدبیرش نیست، چرا که از مصلحت

در این امر به تفصیل آگاه است، این اشکال نیز چنین پاسخ داده می شود.

علاوه بر آنکه ظهور در زمانی که می داند موجب فساد است و منجر به صلاح نمی گردد معنا ندارد. ظهور تنها هنگامی حکیمانه و صواب است که به صلاح بیانجامد. اگر امام علیه السلام بداند که در ظهور او صلاح در دین است - حال چه با بقای خود در عالم، و چه با از میان رفتن خود و تمامی شیعیان و انصارش - دیده بر هم نهاده نمی کند و به رضایت خداوند جلیل شتاب می ورزد، ولیکن دلیل بر عصمت بیانگران است که ایشان آگاه است که اگر این زمان ظهور نماید چنین مقصودی رخ نخواهد داد و اوضاع باز خواهد گشت، و این آگاهی بر اساس عهد نبوی و راهنمایی هایی است که ایشان با خود دارند.

او گفت: قسم به جانم که این پاسخ ها بر اساس اصول امامیه صحیح است و کسی که این اصول را قبول دارد [باید این پاسخ ها را بپذیرد، زیرا] با نزاع در آن نتیجه ای نخواهد گرفت.»

نگارنده: شاید جواب شیخ مفید رحمه الله در راستای مبانی آن شخص بوده است و مقصودشان این نیست که امام علیه السلام زمان ظهورشان را مشخص می کند و در انتظار یارانش به سر می برد، زیرا خدای متعال است که هنگام ظهور را تعیین می کند و احادیث بسیاری در این مطلب صراحت دارد و در آنها آمده است که به ایشان اذن داده می شود، آنگاه دعا می کند و ظهورش را می آغازد.

از این رو جواب صحیح تر آن است که شیخ صدوق رحمه الله روایت می کند، ایشان در امالی / ۵۳۹ جریانی را نقل می کند که خلاصه اش چنین است: «شخصی محزون نزد امام زین العابدین علیه السلام آمد و از تنگدستی و بدهکاری که بر او گران آمده گله کرد. امام علیه السلام مالی در اختیار نداشتند، زیرا ولید اموالشان را مصادره کرده بود. لذا دو قرص نانی که قوت روزشان بود به او دادند، و فرمان دادند که به بازار رود و با آن دو چیزی بخرد. او هم رفت و دو ماهی نامرغوب خرید و دو گوهر ثمین درون آنها یافت. او آن دو گوهر را به مال بسیاری فروخت و دین خود را ادا کرد، و بعد از آن حالش نیکو شد.

برخی مخالفین گفتند: چقدر دوگانگی، علی بن الحسین نمی تواند فقرا را از خود دور کند ولی این شخص را بدین سان بی نیاز می کند! چگونه چنین می شود؟!

یاران

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

امام علیه السلام فرمودند: قریش نیز درباره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله همین گونه می گفتند که چگونه شخصی که نمی تواند از مکه تا مدینه - به هنگام هجرت - جز در دوازده روز برسد، در یک شب از مکه به بیت المقدس می رود و آثار پیامبران علیهم السلام را در آنجا می بیند و باز می گردد؟

امام سجاد علیه السلام در ادامه فرمودند: به خدا سوگند امر خداوند و امر اولیای او را با او [ارتباط آنان با خدا] ندانستند. مراتب رفیع تنها با تسلیم بودن به درگاه خداوند - جل ثناؤه - و دوری از پیشنهاد دادن بر او و رضایت به آنچه برایشان تدبیر می کند به دست می آید. اولیای خدا بر محنت ها و ناخوشی ها چنان بردباری می کنند که دیگران با آنان مساوی نیستند، از این رو خدای عزیز و جلیل در قبال آن، پاداش ایشان را این قرار داد که تمامی خواسته هایشان به اجابت برسد. با این وجود آنان از خداوند تنها آن را می خواهند که او برایشان می خواهد.»

بنابراین معصوم علیه السلام قدرت ولایت خود را بدون اراده ی خدا به کار نمی گیرد و بر او پیشنهادی نمی دهد، بلکه انتظار اذن و فرمان او را به واسطه ی هاتف و یا الهام می کشد. اصل نزد او آن است که بر اساس اسباب عادی رفتار و زندگی کند، مگر آن هنگام که خدا راهی جز آن را برای او برگزیند و این معنای تفوق و برتری پیامبر و امامان علیهم السلام بر دیگران است، زیرا آنان هرگز بر پروردگارشان پیشنهاد نمی دهند.

لذا امام مهدی علیه السلام ظهور خود را به خداوند پیشنهاد نمی کند، و تنها پس از فرمان خداست که برای تعجیل آن دست به دعا می برد. در روایات هم وارد شده که خدای متعال او را فرمان می دهد سه شب در کنار کعبه نماز گزارد و دعای مضطرب بخواند، آنگاه یاران او را از اقصی نقاط زمین در یک شب برای او گرد می آورد.

بررسی این شبهه که ظهور ایشان بر فراگیر شدن ستم توقف دارد

ممکن است توهم شود که ظهور امام عصر علیه السلام پس از آن خواهد بود که زمین را ستم و بیداد فرا گیرد و عدالت به طور کامل از گستره ی آن رخت بر بندد و هیچ خیری در آن نماند!

و لکن این شبهه نادرست است، زیرا این فراگیری امری است عرفی که پیش از زمان ما نیز واقع شده است، خداوند می فرماید: *ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ*

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدما
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ،^۱ به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند، باشد که بازگردند.

در زمان امام صادق عجل الله تعالی فرجه‌ش نیز این امر به وقوع پیوسته است، کافی ۳/ ۳۶۶ از برید بن معاویه نقل می‌کند: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه‌ش فرمودند: ای برید! نه به خدا سوگند، حرمتی از حرمت‌های خدا باقی نمانده مگر آنکه هتک شده است. در این عالم به کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله عمل نمی‌شود. از زمانی که خداوند امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه‌ش را قبض [روح] کرد در میان این خلق حدی اقامه نشده و تا به امروز به هیچ چیزی از حق عمل نشده است.

در ادامه فرمودند: بدان، به خدا قسم روزها و شب‌ها سپری نمی‌شود تا آنکه خدا مردگان را زنده گرداند، زندگان را بمیراند، حق را به اهل آن بازگرداند و دینش را - که برای خود و پیامبرش برگزیده - به پا دارد. شما را بشارت باد، پس شما را بشارت باد، پس شما را بشارت باد که به خدا سوگند حق تنها در دست شماست.»^۲

اما در روزگار ما حتی دریا و جو نیز از ظلم و ستم آکنده گشته است!

نادرستی این سخن که یاران امام عجل الله تعالی فرجه‌ش از غیر اعراب هستند

منابع شیعه و سنی روایت کرده‌اند که اکثر یاران امام عجل الله تعالی فرجه‌ش را جوانان تشکیل می‌دهند، ابن منادی در الملاحم / ۶۴ از حضرت علی عجل الله تعالی فرجه‌ش می‌آورد: «اگر نبود آنکه نسبت به امر مقدر در صدد شتاب و نیز تأخیر هستید - بابت آنچه پیشتر در بشر گذشته است -، برای شما از جوانانی از غیر عرب، پسران عرب و اندکی از پیران که بسان نمک در توشه‌ی سفرند - و کمترین توشه نمک است - می‌گفتم.»

غیبت نعمانی / ۳۱۵ از ابویحیی حکیم بن سعد نقل می‌کند: «شنیدم امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه‌ش فرمودند: همانا یاران مهدی قائم جوانانی هستند و پیری میان آنان نیست، مگر چونان سرمه در چشم یا نمک در توشه، و کمترین توشه نمک است.»^۳

۱. سوره‌ی روم / ۴۱

۲. و تهذیب الاحکام ۴ / ۹۷

۳. و نیز غیبت طوسی / ۲۸۴ و اثبات الهداة ۳ / ۵۱۷

تاج الموالید / ۱۱۵ روایت می‌کند: «سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر از نجیبان، ابدال و اخیار که همه جوانند و پیری میانشان نیست در بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.»
برخی سنیان می‌گویند که تمام یاران امام مهدی علیه السلام غیر عربند و هیچ عربی میان آنان نیست! ابن عربی در فتوحات ۳/ ۳۲۸ می‌نویسد: «آنان پا جای پای مردانی از صحابه می‌گذارند. در آنچه با خدا عهد کرده‌اند راستین هستند. آنان از عجمانند و هیچ عربی میانشان نیست و لکن تنها با لغت عربی تکلم می‌کنند.»

ابن ماجه ۲/ ۱۳۶۹ از ابوهریره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «هنگامی که نبردها رخ دهند، خداوند گروهی از عجمان را که بهترین اسبان عربی را دارند و در میان آنان بهترین سلاح را دارند می‌فرستد و دین را به وسیله شان تأیید می‌کند.»

حاکم در المستدرک ۴/ ۵۴۸ از ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند و بنابر شرط بخاری صحیح می‌شمارد: «چون نبردها رخ دهند، گروهی از عجمان که بهترین اسبان عربی را دارند از دمشق خارج شوند. خدا دین را به آنان تأیید می‌نماید.»

در برخی از روایات عرب مذمت شده است، المستدرک ۴/ ۸۲ از ابوهریره نقل می‌کند: «وای بر عرب از شری که نزدیک شده است. در سر [سال] شصت امانت به غنیمت تبدیل می‌شود و صدقه غرامت تلقی می‌گردد، گواهی بر اساس شناخت [و نه مشاهده] خواهد بود و حکم بر طبق هوی.»

این حدیث بنابر شرط مسلم و بخاری صحیح است ولی با این اضافات آن را نقل نکرده‌اند.»

در منابع ما نیز غیبت شیخ طوسی / ۲۸۴ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «از عرب پرهیز، چرا که برای آنان خبری ناخوشایند است، بدان! یک نفر از آنها با قائم خروج نمی‌کند.»
و لکن اینها با احادیث صحیحی که صراحت در آن دارند که یاران خاص حضرت ابدال شام، نجیبان مصر، اخیار عراق و گروه‌هایی از عراق هستند تعارض دارد. البته اینان نسبت به تعداد بسیار اعراب قلیل هستند، کافی ۱/ ۳۷۰ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «وای بر سرکشان عرب از امری که نزدیک شده است، ابن ابی یعفور گوید: عرضه داشتم:

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فدایت شوم، چه تعداد عرب همراه قائم‌نند؟ فرمودند: تعدادی اندک، گفتم: به خدا قسم کسانی از آنان که به امامت معتقدند بسیارند، ایشان فرمودند: می‌بایست مردم آزموده شوند، تمیز داده شوند، غربال گردند و خلق بسیاری از غربال بیرون آیند.»

احادیثی با اسنادی ناتمام که یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

وشهرهایشان را نام می‌برد

چهار روایت یافت می‌شود که یاران امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و مناطق آنان را نام می‌برد که سه مورد آن در کتاب دلائل الامامة طبری امامی / ۵۵۴ به بعد است، و مورد چهارم هم در الملاحم و الفتن سید بن طاووس / ۱۴۵ از کتاب الفتن سلیمی.

ابدال

ابدال در منابع پیروان دستگاه خلافت

راویان دستگاه خلافت معنای ابدال را تحریف می کنند

ابدال در روایات اهل بیت علیهم السلام نامی است در وصف و مدح یاران امام زمان علیه السلام که سی تن یا بیشترند و در دوران غیبت با آنان ارتباط دارد. گاه نیز ممکن است سیصد و سیزده یار خاص ایشان که به هنگام ظهور بیعت می کنند بدان متّصف شوند.

اما کعب الاحبار و دیگر وابستگان به دستگاه خلافت بدان دست درازی کردند و آن را برای مدح معاویه و شام صادره نموده پنداشتند اینان ابدال گماشته ی خداوند بر زمین هستند! در ادامه صوفیان نیز از این قافله عقب نماندند و آن را برای بزرگان خود به کار بستند و مشایخ خود را اولیای خدا و ابدال پنداشتند! و به این ترتیب بود که روایات بسیاری در رابطه با ابدال و منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله که آنان را به گزاف از شام می داند وارد مصادر مسلمین شد. البته بعداً کمی از این ادّعا دست کشیدند و گفتند که اکثر آنها از شام هستند نه همه شان، لذا بهره ای - هرچند کوچک - برای دیگر مناطق قرار دادند! اینان تعداد ابدال را در ابتدا سی تن در هر عصری برشمردند، سپس به چهل، در ادامه شصت، و نهایتاً به پانصد نفر ارتقا دادند!

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عج

دیگر آنکه منزلت ابراهیم خلیل علیه السلام را به آنان بخشیدند و اینان را همانند او قرار دادند، با این ادّعا که قلوب اینان چون ابراهیم علیه السلام سلیم است! ابوهریره گوید: «زمین از سی تن چونان ابراهیم خلیل الرحمن خالی نخواهد بود، شما به خاطر آنان یاری می شوید، روزی داده می شوید و باران برایتان می بارد.»^۱

اینان در این راستا از هیچ کوششی دریغ نورزیدند و برای صحیح جلوه دادن دروغ پردازی هایشان به حضرت امیر علیه السلام نسبت دادند که به ستایش شامیان پرداخته و آنان را ابدال دانسته است! عبادة بن صامت - که دشمنی او با عثمان و معاویه معروف است - نیز از این اتّهامات به دور نمانده است!

تاریخ دمشق ۱/ ۲۹۶ از حضرت علی علیه السلام روایت می کند: «ابدال در شامند، و آنها اندکند.»
المستدرک ۴/ ۵۵۳ از ایشان: «به اهل شام ناسزا نگوئید، ظالمان آنان را بدگویی کنید، چرا

۱. الجامع الصغير ۲/ ۴۲۲

که ابدال در میان آنها هستند.»

احمد در مسند ۵ / ۳۲۲ از عبادۀ از رسول خدا ﷺ: «ابدال در این امت سی تن هستند و به مانند ابراهیم خلیل الرحمن. هرگاه یکی بمیرد خداوند تبارک و تعالی دیگری را جایگزین او می کند.»^۱

در ادامه بهترینان امت را به چهل، هشتاد و پانصد تن افزایش دادند!

مسند احمد ۱ / ۱۱۲ از امیرالمؤمنین علیؑ: «به آن حضرت گفتند: یا امیرالمؤمنین! براهل شام لعنت فرست، فرمود: نه، از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: ابدال در شام اند. آنان چهل مرد هستند، هرگاه یکی بمیرد خداوند مردی دیگر را جایگزین او می کند. به خاطر آنان باران می بارد، بردشمنان پیروزی حاصل می شود و عذاب از اهل شام دفع می شود.»

فردوس ۱ / ۱۱۹ از انس: «ابدال چهل مرد و چهل زن هستند. هرگاه مردی از آنان بمیرد، خداوند مردی را جایگزین او می کند، و چون زنی بمیرد زنی را.»

المعجم الكبير ۱۰ / ۲۲۴ و کرامات الاولیاء / ۴۴ از ابن مسعود از رسول خدا ﷺ: «هماره چهل مرد از امت من که دل هایی چون ابراهیم دارند خواهند بود. خداوند به سبب آنان [بلارا] از اهل زمین دفع می کند. آنان را ابدال گویند.»^۲

كشف الخفاء / ۲۵ و ۲۶ از ابو سعید خدری از رسول اکرم ﷺ: «ابدال امت من به واسطه ی اعمالشان داخل بهشت نشدند، بلکه به سبب رحمت خدای تعالی، سخاوت نفس، سینه ی بی کینه و ترحم بر جمیع مسلمین داخل شدند.»

فضائل الشام / ۴۲ از حضرت علیؑ: «از رسول خدا ﷺ درباره ی ابدال پرسیدم و ایشان فرمود: آنان شصت مردند.»

نوادراصول ترمذی / ۶۹ از انس: «بدلاء چهل مرد هستند؛ بیست و دو نفر در شام و هیجده تن در عراق. چون یکی بمیرد دیگری جایگزین شود، و آن هنگام که قیامت فرارسد همه شان می میرند.»

۱. و نیز مجمع الزوائد ۱۰ / ۶۲ - وی آن را توثیق می کند -، نوادر الاصول / ۶۹، التهذیب ابن عساکر ۱ / ۶۱ و ۶۲، المقاصد الحسنة / ۸، الجامع الصغیر ۱ / ۴۷۰ - وی آن را صحیح می شمارد -، جمع الجوامع ۱ / ۶۶۱، فیض القدیر ۳ / ۱۶۸، كشف الخفاء / ۱، ۲۴، کرامات الاولیاء / ۳۲، مسند شاشی ۳ / ۲۱۵، جامع المسانید ۷ / ۱۳۵ و المسند الجامع ۸ / ۱۱۲. ۲. و نیز زک به التهذیب ابن عساکر ۱ / ۶۳، مجمع الزوائد ۱۰ / ۶۳ و الجامع الصغیر ۱ / ۴۷۱ و ۴۲۲ / ۲ - وی آن را حسن می شمارد -.

المعجم الكبير ۱۸ / ۶۵ از عوف بن مالک: «به اهل شام ناسزا نگویند، زیرا از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: ابدال در میان آنها هستند، و شما به خاطر آنها یاری می‌شوید و روزی می‌خورید.»
الجامع الصغير ۱ / ۴۷۰: «ابدال چهل مرد و در شامند. هرگاه مردی بمیرد، خدا مردی دیگر را جایگزین او کند. به سبب آنهاست که باران می‌بارد، بردشمنان پیروزی حاصل می‌شود و عذاب از اهل شام دفع می‌گردد. ابدال چهل مرد و چهل زنند. هرگاه مردی بمیرد، خداوند مردی را جایگزین او می‌کند، و چون زنی بمیرد زنی را.»

ابن عربی هم درباره‌ی تعداد آنان سخن می‌گوید و طبیعی است که خود را رئیس آنان قرار دهد! وی در فتوحات ۱۳ / ۲ می‌نویسد: «آنان نزد کسی که چهل نفر معتقد است چهل نفرند، ولی برخی آنان را هفت تن می‌داند. علت این اختلاف آن است که خداوند آنان را معرفی نکرده است.»
حلیة الاولیاء ۸ / ۱ از پسر عمر نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین امت من در هر قرنی پانصد تن هستند. ابدال نیز چهل نفرند. نه آن پانصد تن کاهش می‌یابند و نه این چهل نفر. هرگاه یکی بمیرد، خداوند عزوجل یکی را جایگزین او می‌کند.

گفتند: یا رسول الله! کردار آنان چگونه است؟ فرمود: از کسانی که به آنها ستم می‌کنند می‌گذرند. به آنانی که به ایشان بدی می‌کنند نیکی می‌کنند و [با دیگران] در آنچه خدای عزوجل به آنان عطا کرده مواسات می‌نمایند.»^۱

هر کجا می‌روم ردّ پایی از روباه است!^۲

در هر تحریفی باید سراغ از کعب الاحبار گرفت و این مطلبی است خالی از اغراق. پیش از این نیز بافته‌های او درباره‌ی دجال، مدح معاویه و شام و مذمت حجاز و مصر گذشت.

این ضرب المثل را شیخ محمود ابوریة در الاضواء / ۱۳۴ در مورد کعب به کار برده است، در باب

۱. و نیز حلیة الاولیاء ۳ / ۱۷۲، القول المسدد ۱۰۸ و کشف الخفاء / ۲۵ و در آن این عبارت نیز آمده است: آنان در تمامی زمین هستند. و نیز رک به روایات بسیاری که در تفسیر آیه‌ی: وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ يَعْصِيَهُمْ يَبْغِضُ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ، و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله‌ی دیگری دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید، نقل و تصحیح کرده‌اند، از جمله الدر المنثور ۱ / ۳۲۰

۲. عنوان مؤلف محترم چنین بود: فی کل وادٍ أثر من ثعلبة و در ترجمه گذشت. حکایت این ضرب المثل آن است که ثعلبی در میان قوم خود امری ناخوشایند دید و لذا به قومی دیگر روی آورد، ولیکن آنان هم همان عیب را داشتند. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مداخله‌ی کعب در حدیث ابدالی که ابن عساکر در تاریخ خود ۱/ ۲۹۶ نقل می‌کند.

کعب الاحبار صاحب نفوذ و قداست بود، علاوه برآنکه برراویان دستگاه خلافت، بلکه فراتر بر خلیفه نیز سایه انداخته بود. به عنوان گواه بر این مطلب کافی است بدانیم او به عمر بن خطاب و جماعت وی دروغ شاخدار خود را - که عبارت بود از اینکه ملخ از بینی نهنگ متولد می‌شود - قبولاند و فتوی داد به اینکه صید ملخ برای محرم حلال است، چرا که صید دریایی است نه خشکی! پس این نهنگ است که هر شش ماه یک بار عطسه و ملخ از بینی خود پراکنده می‌کند، و کعب نام آن را نثره الحوت گذاشت! مصنف عبدالرزاق ۴/ ۴۳۵ چنین نقل می‌کند: «کعب الاحبار با گروهی در راه مکه بودند که به قطعه ملخی برخوردند. کعب دستور داد آن را بردارند و بخورند. آنها وقتی بر عمر وارد شدند ماجرا را گفتند. او دلیل این فتوی را از کعب خواست و کعب گفت: این صید دریایی بود، عمر گفت: تواز کجا می‌دانی؟ او پاسخ داد: ای امیرالمؤمنین! قسم به کسی که جانم در دست اوست او چیزی جز آب بینی نهنگ نیست که سالی دوبار آن را بیرون می‌ریزد.»^۱

علمای حکومت نیز به طور خودجوش دروغ آشکار وی را به فتوایی دینی بلکه فراتر حدیثی نبوی تبدیل کردند!

ابوداود و ابن ماجه ۲/ ۱۰۷۴ به گمان خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: «ملخ آب بینی نهنگ در دریاست.»

راوی دروغگو هم به این داستان افزوده که خود نهنگ را مشاهده کرده که عطسه می‌کند و ملخ می‌پراکند! زیاد که از راویان این جریان است می‌گوید: «کسی که دیده است نهنگ ملخ پراکنده می‌کند این را برایم گفت.»!

بعدها شافعی و احمد بن حنبل به این مطلب فتوی دادند!^۲

این یکی از بدعت‌های رسوا و مخالف محسوسات کعب است که هم چنان بر صحت آن اصرار دارند و آن را حدیثی نبوی می‌انگارند!

۱. و نیز موطأ مالک ۱/ ۳۵۲

۲. رک به المغنی ابن قدامه ۳/ ۵۳۴

اما اهل بیت علیهم السلام در مقابل این تحریف یهودی ایستادند، کافی ۴ / ۳۹۳ از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام بر قومی گذشتند که ملخ می‌خوردند، فرمودند: سبحان الله! و این در حالی است که شما محرمید؟! آنها گفتند: صید دریایی است، حضرت فرمودند: اگر چنین است آن را در آب بیاندازید!»

راویان وابسته گفتند: ابدال جانشینان انبیاء هستند و هیچ عربی میان آنان نیست!

تفسیر قرطبی ۳ / ۲۵۹ می‌نویسد: «علماء درباره‌ی مردمانی که فساد به واسطه‌ی آنها دفع می‌شود^۱ اختلاف دارند، برخی گفته‌اند: آنان ابدال و چهل نفرند که چون یکی بمیرد خدا دیگری را جایگزین می‌کند و به هنگام قیامت همه‌شان می‌میرند. آنان بیست و دو نفر در شام هستند و هیجده تن در عراق. ترمذی در نوادر الاصول از ابوالدرداء روایت می‌کند: انبیاء قوام زمین بودند و چون نبوت به پایان رسید خداوند قومی از امت محمد صلی الله علیه و آله را که ابدال نام دارند به جای آنها قرار داد. آنان جانشینان پیامبران و گروهی هستند که خدا برای خود برگزیده و با علم خویش برای خود خالص گردانیده است. ایشان چهل صدیق هستند که سی تن آنها یقینی مانند ابراهیم خلیل الرحمن دارند... کسی از آنان نمی‌میرد مگر بعد از آنکه خداوند جانشین او را آفریده باشد.»

سخن قرطبی درباره‌ی مردمانی که فساد به سبب وجود آنها دفع می‌شود، به این مطلب برمی‌گردد؛ عالمان سنی بر این نظر اتفاق دارند که جماعتی وجود دارند که خدا فساد مجتمع بشری و اختلال نظام طبیعت را به سبب آنان دفع می‌کند، ولی سخن سرشناخت آنان است. اینان این باور را از اعتقاد ما درباره‌ی امامان از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله - که خداوند فساد را به سبب آنان دفع می‌کند، زمین خالی از آنان نخواهد بود و اگر خالی شود اهلش را فرو می‌برد - برگرفته‌اند. می‌بینیم که چگونه امت وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد عترت را زیر پا گذاشته، بر خصائص خداداد آنان هجوم آوردند و آن را برای مردمانی عادی مصادره کردند!

۱. وی ناظر به آیه‌ای است که پیش از این در پاورقی گذشت.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ظاهراً تحریف گران این مطلب غیر عرب بوده‌اند که ابدال را تنها از عجم دانسته‌اند!

در سنن ابوداود ۳۰ / ۲ در وصف عنبسة بن عبد الواحد قرشی اموی چنین آمده است:

«ما قبل از آنکه بشنویم ابدال از غیر عرب هستند، او را از ابدال می‌دانستیم.»

در سؤالات‌الآجری ۱ / ۲۰۴ پس از آنکه از ابوداود در مورد عنبسة بن عبد الواحد قرشی می‌پرسند

ووی در پاسخ سخنی با همان مضمون بالا را از محمد بن عیسی نقل می‌کند، روایتی از عطاء از

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آورد: «ابدال از غیر عرب هستند و تنها منافق با غیر عرب دشمنی می‌کند.»^۱

محمد بن عیسی که نزد اینان ثقة است^۲ بر نمی‌تابد عنبسة‌ی اموی از ابدال باشد، چون عرب

است و ابدال همه از غیر عرب!

البته جای شگفتی نیست، چرا که بسیاری از راویان دستگاه خلافت، پیشوایان مذاهب

سنّی و مؤلفین مصادر آنان غیر عرب هستند! لذا عجیب نیست چنین روایتی را جعل کنند.

بعضی از اهل سنّت^۳ تلاش کرده است تا موالی و غیر عرب را به معنای شریفان بگیرد تا بنی امیه

را در آنان داخل کند و لیکن این تلاش با شکست مواجه است.

مناوی در فیض‌القدیر ۳ / ۲۲۰ می‌نویسد: «ظاهراً این روایت که ابدال از غیر عرب هستند آن

است که این حدیثی کامل است، و حال آنکه ادامه دارد و حاکم که آن را نقل کرده است در

ادامه چنین می‌آورد: و غیر عرب را تنها منافق دشمن می‌دارد.

در برخی روایات در بیان نشانه‌های ابدال آمده که آنان فرزند دار نمی‌شوند و چیزی را لعن

نمی‌کنند! غزالی گوید: ابدال به خاطر این از دیدگان مردم و عموم مخفی هستند که نمی‌توانند

به عالمان زمان نگاه کنند چون عالمان نزد ابدال جاهلان به خدا هستند، و نزد خود و

جاهلان عالمانند!

خاتمه: ابن عربی گوید: اوتاد که خداوند به سبب آنان عالم را حفظ می‌کند تنها چهار

نفرند و اخصّ از ابدال، دو امام اخصّ از این چهار تن و قطب اخصّ از همه. ابدال لفظی

است مشترک که بر کسی که اوصاف مذمومش به پسندیده مبدل شده، و نیز تعدادی خاص

۱. و نیز تاریخ بغداد ۱۲ / ۲۷۹، تهذیب‌الکمال ۲۲ / ۴۲۱ و اکمال‌الکمال ۴ / ۳۲

۲. سؤالات‌الآجری ۲ / ۲۰۰

۳. شرح ابوداود ۸ / ۱۵۱

که چهل نفرند - و برخی سی تن و برخی دیگر هفتاد تن می دانند - اطلاق می شود.
هریک از او تاد چهارگانه نیز یکی از ارکان کعبه را دارد. رکن یمانی بر قلب عیسا است، رکن شامی بر قلب آدم، عراقی بر قلب ابراهیم و رکن حجر الاسود بر قلب محمد است که بحمد الله برای ماست. «
می بینیم که او چگونه این درجات - که چون درجات پیامبران علیهم السلام و فراتر است - را به خود می بخشد!

مناوی در ادامه انتقاد سیوطی بر ابن تیمیه - نسبت به انکار احادیث ابدال - را تأیید کرده می نویسد: «سیوطی با نقل تمامی طرق روایات این باب عادت خود را کنار گذاشته است، و غرض او اشاره به بطلان پندار ابن تیمیه است که مدعی است لفظ ابدال در هیچ خبر صحیح یا ضعیفی نیامده است و تنها در یک خبر با سندی منقطع آمده. این ادعای وی از تهوّر و نیز گزافه گویی او پرده برمی دارد و کاش می گفت که چنین روایتی را ندیده است، نه اینکه وجود چنین روایتی را انکار کند.

حتی اگر فرض کنیم همه ی این اخبار ضعیف هستند، لکن نمی توان انکار نمود که حدیث ضعیف با کثرت طرق و تعدّد کسانی که آن را در کتب خود آورده اند تقویت می شود و تنها جاهل به بحث حدیث و معاند متعصّب این مطلب را انکار می کند.»

و گفتند که علامت آنان عقیمر بودن است

ابن حجر در لسان المیزان ۵۰۶/۲ می نویسد: «امام احمد گوید: از نشانه های ابدال آن است که فرزند دار نمی شوند، و حمّاد بن سلمه از ابدال بود و فرزند دار نشد.»
تهذیب الکمال ۲۶۴/۷: «شهاب بن معمر بلخی گوید: حمّاد بن سلمه از ابدال به حساب می آمد. علامت آنان آن است که فرزند دار نمی شوند. حمّاد با هفتاد زن ازدواج کرد ولی فرزندی به دست نیاورد.»^۱

آنان گام فراتر نهاده و این نشانه را به حضرت امیر علیه السلام نسبت دادند! مغنی المحتاج ۱/۱۱ می نویسد: «حضرت علی علیه السلام: ابدال در شامند، نجیبان در مصر و عصاب - یعنی زهاد - در

۱. و نیز میزان الاعتدال ۵۹۱/۱، الانساب سمعانی ۳۵۶/۲ و عون المعبود ۸/۱۵۱

عراق. نشانه‌ی آنها این است که فرزند دار نمی‌شوند.»

این سخن اینان برگرفته از یهودیان و مسیحیان است.

امامان را انکار کردند، اما ابدال را پذیرفتند!

سَنِّیان از اعتقاد امامت ربّانی امامان گریختند، لیکن چنین باوری را در مورد ابدال پذیرفتند! آنان ابدال را گروهی مختار می‌دانند که در هر عصری حضور دارند و هرگاه یکی از آنان بمیرد، خداوند کسی دیگر را جایگزین می‌کند. دیگر آنکه آنها را سبب نزول رزق، باران و نصر الهی می‌دانند! آنان با این اعتقاد، گماردن منظومه‌ای از پیشوایانی که خدا نگمارده است را بر او واجب کرده، آنان را جانشینان پیامبر ﷺ و واسطه‌های رحمت قرار داده‌اند! و بر خدا لازم دانسته‌اند مقام آنان را به هرکسی بدهد، البته مشروط به اینکه عرب نباشد!

آنان گمان می‌کنند هرکس هرروز بگوید: اللَّهُمَّ ارْحَمْ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، از ابدال و خلیفه‌ی پیامبر ﷺ خواهد بود و اَمّت به خاطر او روزی خورده، یاری و احیاء می‌گردد!

عجلونی در کشف الخفاء ۲۸/۱ می‌نویسد: «فائده: ابدال نشانه‌هایی دارند، از جمله در حدیث مرفوعی آمده است: سه خصلت در هرکسی باشد از ابدال است؛ رضایت به قضا، صبر در مقابل محرمات و خشم به خاطر خدا. دیگر آنکه از معروف کرخی نقل شده است که هرکسی هرروز بگوید: اللَّهُمَّ ارْحَمْ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، خدا او را در زمره‌ی ابدال بنویسد. ابونعیم این سخن را در حلیة الاولیاء اینگونه نقل می‌کند: هرکس روزی ده بار بگوید: اللَّهُمَّ أَصْلَحْ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ ارْحَمْ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، نامش در ابدال ثبت شود. دیگر آنکه از برخی نقل شده است که علامت ابدال آن است که فرزند دار نمی‌شوند.»

شگفت آنکه اهل سنت منظومه‌ی امامان ربّانی از عترت پاک پیامبر ﷺ را که احادیث پیرامون آنان صحیح و متواتر است نپذیرفتند، ولی به ابدال و اولیاء که احادیث در رابطه‌ی با آنها بسیار محدود است اعتقاد آوردند!

ابن تیمیه متوجّه لوازم اعتقاد به ابدال شده و لذا به انکار آن پرداخته است، همان سان که دریافته حدیث شریف أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيُّ بَابُهَا، محلّ دریافت دین را در امیرالمؤمنین علیه السلام

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

منحصر می‌کند و لذا وجود چنین حدیثی را منکر شده است!

گرچه دچار تناقضی دیگر شده است؛ او مقام ائمه علیهم‌السلام و ابدال را به ساحران و شیاطین جن عطا کرده و پنداشته اینها قادر بر ارائه‌ی معجزاتند، و معجزاتی از آنها نقل نموده که از رسول خدا و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام نمی‌پذیرد! بالاتر آنکه می‌پندارد جنی نزد او هست که به صورت او ظاهر شده و کارهای خیر انجام می‌دهد!

ترمذی در نوادر الاصول ۱/ ۲۶۳ از حذیفه نقل می‌کند: «ابدال سی مرد، در شام و بر منهای ابراهیم علیه‌السلام هستند. هرگاه یکی بمیرد، خداوند دیگری را جایگزین می‌کند. عَصَب در عراق و چهل نفر هستند و هرگاه یکی بمیرد، خدا دیگری را جای او قرار می‌دهد. بیست تن از آنان تلاشی مانند عیسی بن مریم دارند و به بیست تن از آنها مزامیر آل داود را داده‌اند، عصب مردانی شبیه ابدالند... در خبر آمده است: زمین از رفتن پیامبران و پایان یافتن دوران نبوت به خدای متعال شکایت کرد و خدا به او گفت: بر پشت تو چهل صدیق را قرار خواهم داد و آرام شد.»

قیصری در شرح فصوص / ۱۲۹ می‌نویسد: «و به هنگام پایان یافتن نبوت تشریع به جهت ختم دایره‌ی آن و آشکار شدن ولایت از باطن، مقام قطبیت به اولیاء منتقل شد، و پیوسته در این مرتبه یکی از آنها خواهد بود تا این ترتیب و نظام حفظ شود.»

اینان اینگونه به ظن و خیال تمسک کردند و حدیث یقینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را که آنان را به امام ابدال در تمامی اعصار راهنمایی می‌کند رها کردند، آنجا که فرمودند: «من در میان شما دوشیء گران می‌گذارم؛ کتاب خدا و عترتم... لطیف خیبر به من خبر داده است که این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا آنکه در کنار حوض بر من وارد شوند، پس بنگرید چگونه پس از من با آنها رفتار می‌کنید.»^۲

سپاس مخصوص خداوند است که ما را به ولایت عترت پاک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هدایت کرد، و از ولایت کسانی که احبار یهود آنان را گماردند و خلفا زمینه را برای آنها فراهم کردند رهایی بخشید.

۱. به معنای گروه و پیشتر گذشت که آن را به معنای زهاد گرفته‌اند.

۲. مسند احمد ۳/ ۱۷، ۱۴، ۲۶ و ۵۹ و ده‌ها منبع دیگر

یاری فرشتگان

خداوند امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ را
با فرشتگان یاری می کند

جبرئیل به نام امام مهدی و پدرش علیه السلام ندا می دهد

تمامی منابع احادیث مربوط به ندای آسمانی را نقل کرده اند، از جمله روایات: «منادی از آسمان به نام قائم ندا می کند و هرآنچه در میان مشرق و مغرب قرار دارد آن را می شنود. پس هیچ خوابی نمی ماند جز آنکه بر می خیزد، ایستاده ای نخواهد بود مگر آنکه می نشیند، نشسته ای نمی ماند جز آنکه بر روی پاهایش می ایستد و این به خاطر آن صداست که صدای جبرئیل روح الامین است.»^۱

نخستین کسی که بیعت می کند جبرئیل علیه السلام است، لشکرهای ملائکه نیز می آیند

ارشاد / ۳۶۳ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «هنگامی که خداوند تعالی به قائم اذن خروج دهد، بر فراز منبر رفته مردمان را به خود دعوت می نماید. ایشان آنان را به خدا قسم داده و به حق خود و اینکه در میان آنان بر اساس سنت و کردار رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار نماید، فرا می خواند. پس خداوند جل جلاله جبرئیل علیه السلام را می فرستد تا آنکه نزد او رسیده بر حطیم فرود می آید و می گوید: به چه چیزی دعوت می کنی؟ قائم علیه السلام نیز به او خبر می دهد، پس جبرئیل می گوید: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می کند، دست بگشا، و دست امام را مسح می کند. سیصد و بیش از ده مرد هم آمده و بیعت می کنند. ایشان در مکه می ماند تا آنکه ده هزار تن یاران کامل شوند و آنگاه رهسپار مدینه می شود.»

تفسیر عیاشی ۲ / ۲۵۴ از آن حضرت روایت می کند: «همانا نخستین کسی که با قائم علیه السلام بیعت می کند جبرئیل است که به صورت پرنده ای سفید نزد او فرود آمده بیعت می کند. آنگاه یک پا را بر بیت الحرام و دیگری را بر بیت المقدس گذاشته با صدایی رسا که همه ی خلائق آن را می شنوند ندا می دهد: **أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْعَ جُلُوهُ**،^۲ امر خدا فرا رسید پس در آن شتاب نکنید.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

۱. غیبت شیخ طوسی / ۲۷۴، اعلام الوری / ۴۲۸ و اثبات الهداة ۳ / ۵۴۰

۲. سوره ی نحل / ۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

غیبت نعمانی / ۳۱۴ از محمد بن مسلم از امام باقر عجل الله تعالی فرجه: «در مورد آیه‌ی: **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ**،^۱ یا [کیست] آن کس که در مانده را - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند، فرمودند: این آیه درباره‌ی قائم عجل الله تعالی فرجه نازل شد. جبرئیل عجل الله تعالی فرجه برناودان در صورت پرنده‌ی سفیدی خواهد بود و نخستین کس از خلق خداست که با ایشان بیعت می‌کند. سیصد و سیزده نفر نیز با ایشان بیعت می‌کنند. هریک در راه باشد همان زمان می‌رسد و هرکسی که در راه نباشد از بسترش ناپدید می‌گردد، و این همان سخن امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه است: ناپدید شدگان از بسترهایشان، و همان سخن خداوند عزوجل است: **فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**،^۲ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی بگیرید، هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را می‌آورد، خداوند بر هر چیزی تواناست.

و فرمودند: خیرات ولایت ما اهل بیت است.

دلائل الامامة / ۲۵۲ همین روایت را با قدری تفاوت نقل می‌کند که در ادامه‌ی آن آمده است: «پس قائم عجل الله تعالی فرجه می‌آید و در کنار مقام ابراهیم عجل الله تعالی فرجه دو رکعت نماز می‌گزارد. آنگاه در حالی که یارانش - که سیصد و سیزده مرد هستند و در میان آنها کسی است که شبانه از بسترش رهسپار می‌شود - پیرامون او حضور دارند باز می‌گردد. پس خروج می‌کند و سنگ^۳ به همراه اوست. آن را می‌اندازد و گیاهان زمین می‌روید.»

غیبت نعمانی / ۲۰۴ و مشابه آن / ۲۵۱ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «**أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ**؛ این امر امر ماست، خداوند عزوجل فرمان داده است که نسبت به آن شتاب نورزند، تا آنکه خداوند او را به سه سپاه یاری رساند؛ ملائکه، مؤمنین و رعب.

خروج ایشان به مانند خروج رسول خدا صلى الله عليه وآله است، و این همان فرمایش خداست: **كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ**،^۴ همان گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق بیرون آورد.»

کافی ۴ / ۱۸۴ از بکیر بن اعین روایت می‌کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه پرسیدم: چرا حجر الاسود

۱. سوره‌ی نمل / ۶۲

۲. سوره‌ی بقره / ۱۴۸

۳. از جمله اموری که امام عصر عجل الله تعالی فرجه به همراه دارند، سنگ حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه است. م

۴. سوره‌ی انفال / ۵

را در این رکنی که هم اکنون در آن است قرار دادند و نه جای دیگری؟ علت بوسیدن آن چیست؟ چرا از بهشت بیرون آورده شد؟ به چه سبب میثاق و عهد در آن جای گرفت و نه جای دیگر؟ خداوند مرا فدایت گرداند، به من خبر دهید که سخت در آن به فکر فرو رفته‌ام. حضرت فرمودند: از مسئله‌ای مهم و جنبه‌های آن پرسیدی پس پاسخ آن را دریاب، دلت را خالی [و آماده] کن و نیک گوش کن که اگر خدا بخواهد تورا آگاهی می‌دهم؛ خداوند تبارک و تعالی حجر الاسود را - که گوهری است که از بهشت برای آدم علیه السلام خارج شد و سپس در آن رکن قرار گرفت - به خاطر میثاق آنجا قرار داد. آن هنگام که خدا از پشت فرزندان آدم ذریه‌ی آنان را برگرفت، در آن زمانی که در آن مکان بر آنان میثاق گرفت، و از همانجاست که پرنده نزد قائم علیه السلام فرود آمده و نخستین کسی خواهد بود که با او بیعت می‌کند و به خدا سوگند او جبرئیل علیه السلام است.

قائم به همان مقام پشت خود را تکیه می‌دهد و آن [حجر] حجت و دلیل بر قائم علیه السلام است و گواه کسی است که در آن مکان نزد او بیاید و نیز شاهد بر آن کس که عهد و میثاقی که خدای عزوجل بر بندگان گرفته است را بدان برساند.^۱

الهدایة الکبری / ۳۱ از مدلیج بن هارون بن سعید روایت می‌کند: «شنیدم که امیرالمؤمنین به عمر می‌فرمود: ... و منادی از آسمان به نام مردی از فرزندان من ندا می‌کند. نشانه‌ها بسیار می‌شوند چنان که زندگان به خاطر هول و هراس‌هایی که با آن مواجه می‌شوند آرزوی مرگ می‌کنند. هر کس هلاک گردد راحت می‌شود، و هر آن کس که نزد خدا خیری داشته باشد نجات می‌یابد.

آنگاه مردی از فرزندان من آشکار شده زمین را همان سان که مملو از ستم و جور شده از عدل و داد می‌آکند. خداوند بقایای قوم موسی علیه السلام را برای او می‌آورد. اصحاب کهف می‌آیند. خدا او را با ملائکه، جن و شیعیان مخلص ما یاری می‌رساند. از آسمان باران فرو می‌ریزد و زمین گیاهش را بیرون می‌دهد.»

۱. و نیز رک به علل الشرایع / ۴۹۲، مختصر البصائر / ۲۲۰ و اثبات الهداة / ۳ / ۴۴۸

بیرق رسول خدا ﷺ و فرشتگان مربوط به آن همراه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه

غیبت نعمانی / ۳۰۷ از ابو بصیر روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام فرمودند: قائم علیه السلام خارج نمی‌شود تا آنکه حلقه کامل گردد. پرسیدم: حلقه چه تعداد است؟ فرمودند: ده هزار. جبرئیل سمت راست او و میکائیل در سمت چپ حضور دارند. آنگاه پرچم را تکان داده آن را [با خود] می‌برد، پس احدی در مشرق و مغرب نخواهد ماند مگر آنکه آن را لعنت کند. آن، پرچم رسول خدا ﷺ است که جبرئیل روز بدر آورد.

در ادامه فرمودند: ای ابا محمد! به خدا سوگند که پنبه، کتان، ابریشم و حریر نیست، عرض کردم: پس از چیست؟ فرمودند: از برگ بهشت. رسول خدا ﷺ روز بدر آن را گسترده، آنگاه پیچیده به حضرت علی علیه السلام سپردند و نزد ایشان بود تا آنکه روز بصره [جنگ جمل] فرا رسید. ایشان آن را گسترده و خداوند فتح و ظفر را برایشان آورد، سپس آن را درهم پیچیدند.

آن بیرق نزد ما در آنجاست، کسی آن را باز نمی‌کند تا آنکه قائم قیام کند. پس چون قیام کند آن را می‌گسترده و کسی در مشرق و مغرب نخواهد ماند جز آنکه آن را لعن کند. رعب یک ماه جلو، یک ماه پشت سر، یک ماه در طرف راست و یک ماه در طرف چپ آن حرکت خواهد نمود.

آنگاه فرمود: ای ابا محمد! او طالب خون، خشمگین و اندوهگین خروج می‌کند، و این بابت خشم خدا بر این خلق است. پیراهنی که رسول خدا ﷺ روز احد در برداشتند را در بر دارد. عمامه‌ی سحاب، زره سابغه و شمشیرایشان ذو الفقار را دارد.

شمشیر آخته را هیجده ماه بر شانه می‌گذارد و می‌کشد. اولین کاری که می‌کند آن است که به سراغ بنی شیبه رفته دست هایشان را قطع کرده و در کعبه می‌آویزد و منادی ایشان ندا می‌کند: اینان سارقان بیت الله هستند. در ادامه به سراغ قریش و تنها با شمشیر به مواجهه‌ی آنان می‌رود. قائم خارج نمی‌شود تا آنکه دو نامه یکی در بصره و دیگری در کوفه در بیزاری جستن از حضرت امیر علیه السلام خوانده شود.»

شاید عبارت اخیر اشاره به بت‌ریه و خوارج باشد.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بحار الانوار ۵۲ / ۳۶۷ مشابه آن را از نعمانی روایت می‌کند، در قسمتی از آن آمده است: «آنان بسان پاره ابرهای پاییزی گرد هم می‌آیند. از قبائل، یکی، دوتا، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه و ده تن خواهند بود.»

جبرئیل پیش قراول، و اسرافیل در دنباله‌ی لشکر است

اختصاص ۲۰۸ / از حذیفه نقل می‌کند: «شنیدم رسول خدا ﷺ فرمودند: هنگام خروج قائم منادی از آسمان ندا کند: ای مردم! زمان جباران بر شما پایان یافت و بهترین امت محمد ﷺ به حکومت رسید، پس به مکه بروید. پس نجیبان از مصر، ابدال از شام و عصاب [گروه‌های] عراق که راهبان شب و شیران روزند و گویا قلب‌هایشان پاره‌های آهن است خارج می‌شوند و میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.

عمران بن حصین گفت: ای رسول خدا! این مرد را برای ما معرفی کنید، آن حضرت فرمودند: مردی است از نسل حسین، و بدان می‌ماند که از مردان شنوءه^۱ باشد. او دو عبای سفید در بردارد و همنام من است. در آن هنگام است که مرغان در آشیانه‌هایشان و ماهی‌ها در دریا‌هایشان شادمان می‌شوند. نه‌رها کشیده می‌شود و چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دوبرابر خوراکش رامی‌رویند.

آنگاه رهسپار می‌شود در حالی که پیش قراول او جبرئیل و به دنباله‌ی لشکر اسرافیل است، پس زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ستم و بیداد آکنده شده است.»

اهل سنت نیز مشابه آن را آورده‌اند، الفتن ۱ / ۳۵۶ از کعب نقل می‌کند: «مهدی بهترین مردم است. یاران و بیعت‌کنندگان با او از عراق و یمن و ابدال شام هستند. پیش قراولش جبرئیل و به دنباله‌ی لشکرش اسرافیل است. در میان خلائق محبوب است. خداوند متعال به دست او فتنه‌ی کور را خاموش می‌کند و زمین ایمن می‌گردد، تا آنجا که زنی در میان پنج زن در حالی که هیچ مردی با آنها نیست حج می‌گزارد و جز خدا از چیزی نمی‌هراسد. زمین

۱. قبیله‌ای در یمن که گویا به بلندی قامت شهره بوده‌اند.

زکات و آسمان برکت خود را می دهد.»

همان ۱/ ۳۶۶ از حضرت علی علیه السلام: «محاسنش پرو چشمانش سیاه است، دندان هایش می درخشد، در چهره خال، و بینی اش برجستگی دارد، پیشانی اش بلند است، در کتفش نشانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله را دارد. با بیرق پیامبر صلی الله علیه و آله - که از مخمل سیاه و مربع است و سنگی در آن است، و از زمانی که آن حضرت از دنیا رفتند باز نشده و باز نمی شود تا آنکه مهدی خروج کند - خارج می گردد. خدا او را با سه هزار فرشته یاری می رساند. آنان بر صورت و پشت کسانی که مخالفت کنند می زنند. او در حالی که سی تا چهل سال دارد، برانگیخته می شود.»

قرطبی در تذکرة ۲/ ۷۰۰ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند: «اگر تنها یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن را طولانی کند تا آنکه مردی از اهل بیت که فرشتگان در حضور او هستند و اسلام را پیروز می گرداند بیاید.»^۱

خداوند او را با انواعی از ملائکه یاری می رساند

غیبت نعمانی / ۱۹۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که بر فراز منبر فرمودند: «هنگامی که خاطب^۲ هلاک شود و صاحب عصر [از دیدگان] روی گرداند، و دل هایی دیگرگون باقی ماند که یا در نعمت است و یا با خشکسالی مواجه شده [یا بر مسیر حق و هدایت استوار مانده و یا اینکه به گمراهی دچار شده است]، آرزومندان هلاک شوند، نابود شوندگان از بین روند و مؤمنان - که اندکند، سیصد نفر یا بیشتر - باقی مانند. گروهی که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله روز بدر جنگیده بودند و نه کشته شدند و نه مردند در کنار ایشان بجنگند.»

نعمانی رحمه الله خود در ادامه می نویسد: «مقصود امیرالمؤمنین علیه السلام صاحب این زمان است که به جهت تدبیر واقع خدا از دیدگان این خلق غائب شده است... و معنای این فرمایش حضرت: گروهی که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله روز بدر جنگیده بودند و نه کشته شدند و نه

۱. و نیز ترمذی بنابر آنچه در تحفة الاشراف ۹/ ۴۲۸ آمده است.

۲. علامه ی مجلسی رحمه الله می نگارند: شاید مقصود از خاطب کسی باشد که در طلب خلافت است و یا خطیبی که بدون حق [به سخن] می ایستد، رک به بحار الانوار ۵۲/ ۱۳۸ م

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مردند در کنار ایشان بجنگند، آن است که خدای عزوجل سیصد و اندی نفر یاران خالص قائم علیه السلام را با ملائکه ی بدر که به همان تعدادند یاری می کند.»

مختصر بصائر الدرجات / ۲۱۲ از ابو حمزه ی ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «چون قائم خارج شود، خداوند او را با فرشتگان نشاندار، فرشتگانی که پی در پی هستند، منزلین^۱ و کروبیین یاری می کند. جبرئیل پیشاپیش ایشان، میکائیل طرف راست، اسرافیل در سمت چپ و رعب به مسافت یک ماه جلو، پشت و راست و چپ اوست و فرشتگان مقرب روبروی اویند.

نخستین کس [از آدمیان] که با او بیعت می کند، محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت امیر علیه السلام هستند.

او شمشیری آخته دارد. خداوند برایش روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل شاه و خزر را فتح خواهد نمود.

ای ابو حمزه! قائم قیام نمی کند مگر زمانی که ترسی شدید، زلزله ها، فتنه، بلایی که به مردم اصابت می کند و پیش از آن طاعون، جلوه کرده باشد. شمشیری بر آن میان عرب، اختلاف شدید بین مردم، پراکندگی آنان در دین و دگرگونی حال آنها حاصل شده باشد، تا جایی که آرزومند، از شدت هجوم مردم بر یکدیگر که مشاهده می کند، صبح و شام آرزوی مرگ کند.

خروج ایشان به هنگام نومیدی و یأس خواهد بود. خوشا به حال آنکه او را درک کند و از یارانش باشد و افسوس و تمام افسوس بر آن کس که با او عداوت ورزد، با امر او مخالفت نماید و از دشمنانش باشد.

در ادامه فرمودند: ایشان امری جدید، کتابی جدید، سنتی جدید و قضاوتی جدید را به پا می دارد. بر عرب سختگیر است. کارش تنها قتل است. از کسی طلب توبه نمی کند و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری بر او اثر نخواهد گذاشت.»

۱. احتمال دارد به آیه ی ۱۲۴ سوره ی آل عمران که خداوند در آن گروهی از فرشتگان را به همین وصف یاد کرده است، اشاره داشته باشد. م

کامل الزیارات / ۸۴ از امام صادق (ع): «خداوند تعالی هفتاد هزار فرشته را بر امام حسین (ع) موکل گردانید که هر روز بر او درود می فرستند. آنان پریشان و غبار آلود هستند. این از روزی است که ایشان به شهادت رسید و تا زمانی که خدا بخواهد - یعنی قیام قائم - ادامه دارد.»

عیون اخبار الرضا (ع) / ۱ / ۲۳۳ از ریان بن شبيب روایت می کند: «روز نخست محرم حضور امام رضا (ع) رسیدم... از جمله آنکه فرمودند: چهار هزار فرشته برای یاری او بر زمین فرود آمدند، ولی اجازه [ی نبرد] به آنها داده نشد. پس آنها پریشان و غبار آلود در کنار قبر او هستند تا آنکه قائم (ع) قیام کند و از یارانش باشند و شعارشان یا لثارات الحسین است.»

کامل الزیارات / ۱۱۹ از ابان بن تغلب روایت می کند: «امام صادق (ع) فرمودند: گویا قائم را می بینم که در نجف کوفه است و زره رسول خدا (ص) را در بر کرده. پس خود را با آن تکانی می دهد تا کامل او را فرا گیرد و آن را با پارچه ای سبزی می پوشاند. او براسبی سیاه که میان دو چشمش عمودی نورانی است سوار می شود و با آن چنان تکانی می خورد که اهالی تمام سرزمین ها چنین می بینند که او در کنار آنها و در سرزمین آنهاست.

او بیرق رسول خدا (ص) را که عمود آن از عمود عرش و دیگر قسمت های آن از نصر خداست می گشاید. آن را به سوی چیزی فرود نمی آورد مگر آنکه خداوند آن را از هم می درد. چون آن را تکان دهد هیچ مؤمنی نمی ماند مگر آنکه دلش چونان پاره ی آهن شود و به مؤمن نیروی چهل مرد را دهند. این شادمانی در قبر تمامی مؤمنان وارد شود و هنگامی خواهد بود که در قبرهایشان با یکدیگر دیدار می کنند و به قیام قائم بشارت می دهند. آنگاه سیزده هزار و سیصد و سیزده فرشته بر او فرود می آیند.

عرضه داشتم: تمامی این فرشتگان [با او هستند]؟ فرمود: آری، آنان که با نوح (ع) در کشتی بودند. آنان که در آن هنگام که ابراهیم (ع) در آتش افکنده شد همراه او بودند. آنها که همراه موسی (ع) بودند آن هنگام که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت. آنان که با عیسی (ع) بودند زمانی که خداوند او را به سوی خود بالا برد. چهار هزار فرشته ی نشاندار که با پیامبر (ص) بودند و هزار فرشته ی پیایی. سیصد و سیزده فرشته ی بدری و چهار هزار فرشته ای که برای نبرد در کنار امام حسین (ع) فرود آمدند، ولی اجازه ی نبرد به ایشان داده

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام (ع)

منزلت امام (ع)

حکومت امام (ع)

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (ع)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (ع)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام (ع) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نشد. پس آنان پریشان و غبار آلود در کنار قبر او هستند و تا روز قیامت بر او گریه می کنند و رئیس آنها فرشته ای است که منصور نام دارد. کسی به زیارت او نمی رود مگر آنکه آنان به استقبال او می روند. کسی با او وداع نمی کند جز آنکه او را بدرقه کنند. کسی بیمار نمی گردد مگر آنکه به عیادتش می روند و کسی نمی میرد مگر آنکه بر جنازه اش نماز گزارده برایش استغفار می کنند. اینان همه در زمین هستند و تا زمان خروج قائم علیه السلام انتظار ایشان را می کشند.»

غیبت نعمانی / ۲۴۴ از علی بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام: «چون قائم علیه السلام قیام کند، فرشتگان بدر که پنج هزار تن بودند فرود آیند؛ یک سوم بر اسبانی سفید که قدری سیاهی دارند، یک سوم بر اسبانی سیاه و سفید و یک سوم بر اسبانی خو خواهند بود.

عرضه داشتیم: حو چیست؟ فرمودند: سرخ.»^۱

تفسیر عیاشی ۱ / ۱۹۷ از ضریس از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «فرشتگانی که روز بدر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را یاری رساندند در زمینند، و هنوز بالا نرفته اند و نخواهند رفت تا آنکه صاحب این امر را یاری کنند. آنان پنج هزار نفرند.»

نگارنده: ممکن است سؤال شود که امام صادق علیه السلام چگونه خبر ملائکه را می داند، و آیا به ایشان وحی می شود؟ پاسخ آن است که امامان علیهم السلام علمی دارند که جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آنها نگاشته است. علاوه بر آنکه آن وحیی که با از دنیا رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله به پایان رسید وحی نبوت است نه وحی امامت، و خداوند به مادر موسی و نحل وحی کرده است. منابع علوم امامان علیهم السلام متعدد است ولی مجال ذکر آن نیست. یکی از بهترین آثار در این موضوع کتاب ینابیع المعاجز تألیف علامه سید هاشم بحرانی رحمه الله است.

۱. و نیز اعلام البوری / ۴۳۱، اثبات الهداة / ۳ / ۵۲۷ و بحار / ۵۲ / ۳۵۶

فضیلت استواری

فضیلت استواری و انتظار در دوران غیبت

هان ای شتابزدگان! خداوند با شتاب بندگان شتاب نمی کند

برنامه‌ی پایان دادن به ظلم بر زمین و اقامه‌ی دولت عدل الهی برنامه‌ایست عظیم که قسمت اساسی برنامه‌ی خدا در حیات انسان را تشکیل می‌دهد، لیکن فراگیری آن نیازمند ارتقای فکری بشرو رسوخ ایمان است. از این روست که عموم مردم در این باره شتاب دارند، حال آنکه خدای عزوجل بر اساس قوانین و حکمت‌هایی که خود داند رفتار می‌کند. لذا رسول خدا و امامان معصوم علیهم‌السلام اهتمام داشتند افق عقل و آگاهی مردم را بالا برند و انتظار را به آنان بیاموزند.

کافی ۱ / ۳۶۹ از مهزم روایت می‌کند: «در حضور امام صادق علیه‌السلام از ملوک آل فلان [بنی عباس] یاد کردیم، ایشان فرمودند: مردمان به جهت شتاب ورزیدن در این امر [غلبه‌ی حق و از میان رفتن باطل] هلاک شدند. خداوند عزوجل با شتاب بندگان شتاب نمی‌کند. این امر نهایی دارد که بدان منتهی می‌شود و اگر بدان برسند نه می‌توانند لحظه‌ای آن را پیش اندازند و نه لحظه‌ای تأخیر دهند.»

سنن نیز مشابه این مضمون را آورده‌اند، سنن ترمذی ۵ / ۵۶۵ از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت می‌کند: «از خدا از فضلش بخواهید، زیرا خدای عزوجل دوست دارد از او بخواهند، و بالاترین عبادت انتظار فرج است.»^۱

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: پس از من دوران صبری می‌آید

المعجم الكبير ۱۰ / ۲۲۵ از ابن مسعود نقل می‌کند: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: وراى شما زمان صبرى است که برای کسی که [دینش را] محکم گیرد پاداش پنجاه شهید است. عمر صدا زد: ای رسول خدا! [پنجاه شهید] از ما یا از خودشان؟ ایشان فرمودند: از شما.»^۲

۱. و نیز المعجم الكبير ۱۰ / ۱۲۴، مسند الشهاب ۱ / ۶۲ و ۶۳، تاریخ بغداد ۲ / ۱۵۴، تلخیص المتشابه ۱ / ۲۲۸، مصابیح بغوی ۲ / ۱۴۰، جامع الاصول ۵ / ۱۹، الترغیب ۲ / ۴۸۲، الجامع الصغیر ۱ / ۴۱۶، جمع الجوامع ۱ / ۵۴۷، المنهاج فی شعب الایمان ۳ / ۳۷۶، فیض القدیر ۳ / ۵۱ و ۵۲ و ۴ / ۱۰۸، المسند الجامع ۱۲ / ۷۴، کشف الخفاء ۱ / ۵۵۸، تفسیر ماوردی ۱ / ۴۷۸، جمع الفوائد ۳ / ۳۴۱، المعجم الاوسط ۶ / ۷۹، جامع الاحادیث ۱۸۵ / الوسيط ۲ / ۴۴ و الکشف و البیان ۳ / ۳۰۰ با نقل‌های مختلف
۲. و نیز رک به مسند الشامیین ۱ / ۳، مجمع الزوائد ۷ / ۲۸۲، جمع الجوامع ۱ / ۲۷۶، مسند بزار ۵ / ۱۷۸، سنن ابوداود ۴ / ۱۲۳، سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳۳۰، ترمذی ۵ / ۲۵۷ و کشف الخفاء ۲ / ۵۳۵

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت
غیبت صغری

نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در منابع ما، غیبت شیخ طوسی / ۲۷۰ از عبدالله بن سنان از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: گروهی پس از شما خواهند آمد که یک مرد از آنها پاداش پنجاه تن از شما را دارد، گفتند: یا رسول الله! ما با شما در بدر واحد و حنین بودیم و قرآن در میان ما نازل شد! ایشان فرمودند: اگر شما را به آنچه ایشان را بدان و خواهند داشت وادارند، چون آنان صبر نخواهید داشت.»

کمال الدین ۱ / ۳۲۳ از عمرو بن ثابت از امام زین العابدین عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «کسی که در غیبت قائم ما برموالات ما استوار ماند، خداوند عزوجل پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا فرماید.»

همان ۱ / ۲۸۸ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی طولانی فرمودند: یا علی! بدان که شگفت‌ترین مردم در ایمان و بالاترین آنان در یقین گروهی هستند که در آخرالزمان خواهند بود. آنان پیامبر را ندیده‌اند و حجت [خدا] از آنها پوشیده است و به سیاهی بر روی سفیدی ایمان می‌آورند.»^۱

یعنی آنان پیامبرشان را درک نمی‌کنند و امامشان نیز غائب می‌باشد، ولی به قرآن و سنتی که به طور مکتوب به آنها رسیده است ایمان می‌آورند.

همان ۱ / ۲۸۷ از امام باقر، از پدرش سید العابدین علی بن الحسین، از پدرش سیدالشهداء حسین بن علی از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بالاترین عبادت انتظار فرج است.»^۲

کافی ۴ / ۲۶۰ و ۵ / ۲۲ نقل می‌کند: «محمد بن عبدالله گوید: خدمت امام رضا عجل الله تعالی فرجه عرضه داشتم: فدایت گردم، پدرم روایت کرده که به برخی پدران شما گفتند: در سرزمین ما قلعه‌ایست که قزوین نام دارد، و دشمنی که دیلم گویند، آیا باید جهاد کرد یا دژبانی؟ و ایشان در پاسخ فرمودند: به سمت این خانه بیایید و حج به جای آورید، و آن شخص این سؤال را سه بار تکرار کرد و ایشان در هر بار می‌فرمودند: به سمت این خانه بیایید و حج به

۱. و نیز من لا یحضره الفقیه ۴ / ۳۶۶ و جامع الاخبار ۱۸۰/

۲. و نیز همان ۲ / ۶۴۴

جای آورید، و در بار سوم فرمودند: آیا کسی از شما خوش ندارد که در خانه اش باشد و بر خانواده اش انفاق کند و در انتظار امر ما به سربرد، حال اگر بدان رسد چونان کسی باشد که با رسول خدا ﷺ بدر را درک کرده است و اگر نرسد مانند کسی باشد که با قائم ما در خیمه ی ایشان این چنین باشد - و دو انگشت سبابه ی خود را کنار هم قرار دادند - در این هنگام امام رضا علیه السلام فرمودند: راست گفته، همین گونه است که او گفته است.

امالی شیخ طوسی ۱۹/۲ از امام سجاد علیه السلام نقل می کند: «پیامبر خدا ﷺ فرمودند: کسی که از خدا به رزق کم رضایت دهد، خدا از او به عمل کم رضایت خواهد داد، و انتظار فرج عبادت است.»
تحف العقول ۴۰۳ / ۴ در حدیثی طولانی از امام کاظم علیه السلام نقل می کند: «بعد از معرفت، برترین عبادت انتظار فرج است.»

غیبت شیخ طوسی ۲۷۶/۱ از حسن بن جهم نقل می کند: «از امام کاظم علیه السلام درباره ی مطلبی مربوط به فرج سؤال کردم، فرمودند: آیا نمی دانی که انتظار فرج از فرج است؟ پاسخ دادم: نمی دانم، مگر آنکه شما مرا آگاه گردانید، ایشان فرمودند: آری، انتظار فرج از فرج است.»
مناقب آل ابی طالب علیه السلام ۴/۲۵۰ می نگارد: «از جمله اموری که امام حسن عسکری علیه السلام به ابوالحسن علی بن حسین بن بابویه قمی [پدر شیخ صدوق علیه السلام] نوشته است این است: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين والجنة للموحدین والنار للملحدین، ولا عدوان إلا على الظالمین، ولا إله إلا الله أحسن الخالقین، والصلاة على خير خلقه محمد وعترته الطاهرين.

[امام علیه السلام وصایایی می فرمایند] از جمله: بر توباد به صبر و انتظار فرج، پیامبر ﷺ فرمودند: برترین اعمال امت من انتظار فرج است.

شیعیان ما همواره در اندوه به سربرند تا آنکه فرزندی که رسول خدا ﷺ به او بشارت داده اند و زمین را همان طوری که از ستم و ظلم پر شده از عدل و داد آکنده می سازد ظهور کند. پس ای شیخ من ابا الحسن علی! صبر کن و تمامی شیعیانم را بدان فرمان ده، چرا که زمین از آن خداست، آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می دهد، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است، والسلام علیک و علی جمیع شیعتنا ورحمة الله وبرکاته.

رجال کشی / ۱۳۸ از عبدالله پسر زرارہ روایت می کند که امام صادق علیه السلام به او فرمودند: «پدرت را سلام برسان و به او بگو: من بر تو تنها بابت دفاع از تو عیب می گیرم، چرا که مردم و دشمن به سوی هر کسی که ما او را به خود نزدیک می کنیم یا منزلت او را می ستاییم می شتابند، تا کسانی را که ما دوست می داریم و به خود نزدیک می گردانیم و آنها آنان را به خاطر محبت ما و نزدیکی به ما متهم می کنند، بیازارند، و آزار و قتل را شایسته ی آنها می بینند، [و از سویی] هر که را عیب کنیم می ستایند...

اگر به ما اذن داده شود، خواهید دانست حق در آن است که ما شما را بدان فرمان می دهیم، پس این امر را به ما رد کنید، تسلیم ما باشید، بر احکام ما صبر کنید و بدان راضی باشید.

آن کسی که میان شما فاصله انداخته است، پیشوای شماست که خداوند سرپرستی خلق خود را بدو سپرده است و او به مصلحت رعیت خود در [صلاح و] فساد امر آنان آشناتر است. پس اگر خواست میان آنان فاصله می اندازد تا آنان به سلامت مانند، سپس آنان را انسان که خداوند اذن دهد با هم جمع می کند تا از فساد، و نیز بیم دشمن در امان بمانند، و ایمنی را از جایگاه آن و فرج را از نزد خویش برای آنان می آورد.

تسلیم باشید، [امورتان را] به ما رد کنید، انتظار امر ما و امر خود، و فرج ما و فرج خود را بکشید. اگر قائم ما قیام کند و سخنگوی ما سخن گوید و آنگاه تعلیم قرآن، شرایع دین، احکام و فرائض را همان گونه که خدا بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است، بر شما از سر گیرد، صاحبان بصیرت میان شما، در آن روز به شدت انکار خواهند کرد، و تنها زیر لبه ی شمشیری که بر فراز گردن هایتان است بردین و راه خدا خواهید ماند.

همانا خداوند مردم را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همان سبب کسانی که پیش از شما بودند قرار داد، پس آنان تغییر دادند، تبدیل کردند، تحریف نمودند، بردین خدا افزودند و از آن کاستند. پس هیچ چیزی از آنچه امروز مردم بر آنند نیست مگر آنکه از آنچه وحی از نزد خدا آورده منحرف شده است. پس - خدایت رحمت کند - هنگامی که فراخوانده می شوی اجابت کن، تا آن کسی که دین خدا را برایتان از سر گیرد بیاید.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

روح انتظار و آرزو، خود از فرج است

تفسیر عیاشی ۲۰ / ۲ از احمد بن محمد نقل می‌کند: «امام رضا علیه السلام فرمودند: صبر و انتظار فرج چه نیکوست، آیا سخن عبد صالح را نشنیده‌ای: **فَانْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظَرِينَ**،^۱ پس منتظر باشید که من [هم] باشم از منتظرانم.»

کمال الدین ۶۴۵ / ۲ از محمد بن فضیل روایت می‌کند: «از امام رضا علیه السلام درباره‌ی مطلبی پیرامون فرج سؤال کردم، ایشان فرمودند: آیا نمی‌دانی انتظار فرج از فرج است؟ خداوند می‌فرماید: **فَانْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظَرِينَ**، پس منتظر باشید که من [هم] باشم از منتظرانم.» کافی ۳۷۱ / ۱ از ابوبصیر نقل می‌کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، فرج چه زمانی است؟ فرمودند: ای ابوبصیر! آیا تواز دنیا خواهان هستی؟ هر کسی که این امر را بشناسد، با انتظاری که می‌کشد فرج برای او حاصل است.»

تفسیر قمی ۳۸۴ / ۱: «سخن خدا: **هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ بَلَك**،^۲ آیا جز اینکه فرشتگان [جان‌ستان] به سوبیشان آیند، یا فرمان پروردگارت در رسد، انتظاری می‌برند؟ [فرمان پروردگارت] از عذاب، مرگ و خروج قائم.

كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ، کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] این گونه رفتار کردند، و خدا به ایشان ستم نکرد، بلکه آنان به خود ستم می‌کردند.

و این فرموده: **فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ**،^۳ پس [کیفر] بدی‌هایی که کردند به آنان رسید، و آنچه مسخره‌اش می‌کردند آنان را فرا گرفت؛ یعنی عذاب در رجعت.»

خطای در امید ضرری نمی‌زند، ولی یأس خطاست

کافی ۳۶۹ / ۱ از علی بن یقطين روایت می‌کند: «امام کاظم علیه السلام به من فرمودند: دویست سال

۱. سوره‌ی اعراف / ۷۱

۲. سوره‌ی نحل / ۳۳

۳. همان / ۳۴

است که شیعه با آرزوها تربیت می شود.

حسین بن علی بن یقطین گوید: یقطین [که از شیعیان بنی عباس بود] به پسرش علی [که از شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) بود] گفت: چرا به ما گفتند [که بنی عباس به قدرت خواهند رسید] و واقع شد، ولی به شما گفتند [که امام قائم ظهور می کند] و واقع نشد؟ علی به پدرش گفت: آنچه به ما و شما گفتند از یک جا صادر شد، جز آنکه امر شما [خلافت فرزندان عباس] فرا رسید و شما را از آن به طور واضح و خالص [با تعیین وقت و بدون ابهام] خبر دادند، پس همان گونه شد که به شما گفته شد. ولی امر ما فرا نرسید لذا به آرزوها مشغول شدیم. پس اگر به ما گفته می شد که این امر تا دویست یا سیصد سال دیگر رخ نمی دهد دل ها سخت می شد و عموم مردم از اسلام باز می گشتند، لیکن گفتند: چه سریع و نزدیک است، تا دل های مردم الفت یابد و فرج را نزدیک شمارند.»

فضل مؤمنان منتظر

کمال الدین ۱/ ۳۳۸ از مفضل نقل می کند: «از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: هر کسی با انتظار این امر بمیرد، همانند کسی است که با قائم در خیمه ی ایشان باشد، بلکه چونان کسی است که در حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شمشیر بزند.»

محاسن برقی ۱۷۳/ از عبد الحمید واسطی روایت می کند: «به امام باقر (علیه السلام) گفتم: خداوند امور شما را سامان دهد، به خدا قسم بازارهایمان را به خاطر انتظار این امرها کردیم، تا آنجا که نزدیک است نیاز، برخی از ما را به درخواست وادارد.

ایشان فرمودند: ای عبد الحمید! آیا چنین باور داری که خداوند برای کسی که خود را وقف او کرده است، راه رهایی قرار نمی دهد؟ چرا، به خدا سوگند برای او راه رهایی قرار می دهد. خداوند بنده ای را که خود را وقف ما کرده است رحمت کند. خداوند بنده ای را که امر ما را احیاء کند رحمت کند.

عرضه داشتم: اگر پیش از آنکه قائم را دریابم از دنیا رفتم چه؟ فرمودند: کسی از شما که بگوید: اگر قائم آل محمد را درک کنم او را یاری خواهم رساند، مانند کسی است که با

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام (علیه السلام)

منزلت امام (علیه السلام)

حکومت امام (علیه السلام)

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (علیه السلام)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (علیه السلام)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام (علیه السلام) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شمشیرش در کنار او نبرد کرده باشد، و کسی که در رکاب او شهید شود دو شهادت دارد.^۱ کمال الدین ۳۵۷/۲ از ابوبصیر روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه: **يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا**،^۲ روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که پیشتر ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد، فرمودند: مقصود خروج قائم منتظر ماست، آنگاه ادامه دادند: ای ابوبصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که در غیبتش انتظار ظهورش را می‌کشند و در ظهورش از او اطاعت می‌کنند، آنان اولیاء خدا هستند که نه بیمی بر آنان می‌رود و نه اندوهگین می‌شوند.»

همان ۶۵۶/۲ از مفضل روایت می‌کند: «از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردم: **وَالْعَصْرِ**،^۳ سوگند به عصر، فرمودند: عصر، دوران خروج قائم است.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛^۴ که واقعاً انسان دستخوش زیان است؛ مقصود دشمنان ماست.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا،^۵ مگر کسانی که ایمان آورده؛ یعنی به نشانه‌های ما ایمان آورده‌اند.

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، و کارهای شایسته کرده؛ یعنی با مواسات با برادران.

وَتَوَّاصَوْا بِالْحَقِّ، و همدیگر را به حق سفارش نموده؛ یعنی به امامت.

وَتَوَّاصَوْا بِالصَّبْرِ، و به شکیبایی توصیه کرده‌اند؛ یعنی در دوران فترت [و غیبت امامشان]،

تاویل آیات ۵۸۵/۲ از محمد حلبی نقل می‌کند: «امام صادق علیه السلام این آیه روا تلاوت کردند:

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ،^۶ پس آیا امید بستید که چون [از

خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید]، در زمین فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را از هم

بگسلید؟ سپس فرمودند: این آیه در مورد عموزادگان ما بنی عباس و بنی امیه نازل شد.

۱. احتمال می‌رود آرزوی درک حضور امام عصر علیه السلام پاداش یک شهادت داشته باشد و با شهادت در رکاب ایشان

پاداش دو شهادت داده شود، رک به مرآة العقول ۴۵/ ۱۸۴. م

۲. سوره‌ی انعام ۱۵۸/

۳. سوره‌ی عصر ۱/

۴. همان ۲/

۵. همان ۳/

۶. سوره‌ی محمد صلی الله علیه و آله ۲۲/

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آنگاه خواندند: **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ**، اینان همان کسانی که خدا آنان را لعنت نمود و ناشنواشان کرده؛ نسبت به دین [ناشنواشان کرده]، **وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ**، و چشم‌هایشان را نابینا کرده است؛ از وصی.

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ، بی‌گمان کسانی که [به حقیقت] پشت کردند؛ پس از ولایت حضرت علی عجل الله تعالی فرجه، **مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ**،^۲ پس از آنکه [راه] هدایت برآنان روشن شد، شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت. **وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا**، و آنان که هدایت شدند؛ به ولایت حضرت علی عجل الله تعالی فرجه، **زَادَهُمْ هُدًى**، آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید؛ چرا که امامان پس از او و قائم عجل الله تعالی فرجه را به آنها شناساند، **وَأَتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ**،^۳ و پرهیزگارشان [و یا محافظتشان] داد؛ امان از آتش.»

امامان عجل الله تعالی فرجه شتاب شیعیان را می‌کاهند و انتظار فرج را به ایشان می‌آموزند

امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه: از رحمت خدا نومید نباشید

خصال ۲ / ۶۱۰ از ابوبصیر و محمد بن مسلم از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «پدرم از جدّم از پدرانم عجل الله تعالی فرجه برایم روایت کرد که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه در یک مجلس چهارصد باب که به صلاح دین و دنیای مسلمان است را به یارانش آموخت... در آن آمده است: منتظر فرج باشید و از رحمت خدا نومید نگردید، چرا که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عزوجل انتظار فرج است تا زمانی که بنده‌ی مؤمن برآن استوار ماند...»

کسی که منتظر امر ما باشد همسان کسی است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد.»

۱. همان / ۲۳

۲. همان / ۲۵

۳. همان / ۱۷

سنت الهی در غربال مؤمنان

غیبت نعمانی / ۲۰۹ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «به سان زنبور در میان پرندگان باشید. تمامی پرندگان آن را ضعیف می‌شمارند، و اگر می‌دانستند چه برکتی در درون خود دارد چنین نمی‌کردند. با مردم با زبان‌ها و بدن‌هایشان معاشرت کنید و با قلوب و اعمالشان دوری گزینید. قسم به کسی که جانم به دست اوست آنچه را که دوست دارید نخواهید دید مگر پس از آنکه برخی از شما در چهره‌ی برخی دیگر آب دهان بیاندازند و برخی از شما برخی را کذاب بنامند، و از شما - و یا فرمودند: از شیعیان من - تنها به مانند سرمه‌ی درون چشم و نمک در غذا باقی مانند.

برایتان مثالی می‌زنم؛ مردی غذایی داشت و آن را پاک و خوشبو کرد. سپس درون اتاقی قرار داد و آن مقدار که خدا بخواهد آن را رها کرد. آنگاه بازگشت و مشاهده کرد کرم افتاده است. پس آن را پاک و خوشبو کرد و به آن اتاق بازگرداند و آن مقدار که خدا بخواهد آن را رها کرد. آنگاه بازگشت و مشاهده نمود که گروهی از کرم‌ها بر آن افتاده‌اند. پس آن را بیرون آورد، پاکیزه و خوشبو ساخت و بازگرداند، و همین حالت ادامه یافت تا آنکه از آن تنها به مقدار اندکی که کرم بدان هیچ آسیبی نرساند باقی ماند.

شما نیز اینچنین هستید و جداسازی می‌شوید تا آنکه از شما تنها گروهی باقی بمانند که فتنه بدان هیچ آسیبی نرساند.»

الفتن ۱ / ۳۳۳ از حضرت علی علیه السلام روایت می‌کند: «مهدی خارج نمی‌شود تا آنکه برخی از شما در چهره‌ی برخی آب دهان اندازند.»^۱

غیبت نعمانی / ۲۰۵ از عمیره بنت نفیل روایت می‌کند: «از امام حسین علیه السلام شنیدم که فرمودند: آن امری که انتظارش می‌رود واقع نخواهد شد مگر پس از آنکه بعضی از شما از بعضی دیگر بیزار می‌جویند، برخی از شما در چهره‌ی برخی دیگر آب دهان اندازند، بعضی‌تان گواهی به کفر بعضی دیگر دهند و بعضی از شما برخی دیگر را لعنت فرستند! من عرض کردم: در آن زمان هیچ خیری نیست، ایشان فرمودند: تمام خیر در آن زمان

۱. و نیز جمع الجوامع ۲ / ۱۰۳، الحاوی ۲ / ۶۸، کنز العمال ۱۴ / ۵۸۷ و رد ابن خلدون، مغربی ۵۷۸ /

است، قائم ما قیام می‌کند و همه‌ی این‌ها را کنار می‌زند.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۰۷ از عبا‌یه‌ی اسدی از حضرت امیر علیه السلام: «شما چگونه خواهید بود آن زمانی که بدون پیشوای هدایت و علامتی آشکار بمانید و بعضی از شما از بعضی دیگر بی‌زاری جویند؟»^۱

کمال الدین ۱ / ۳۰۳ از امام حسین از حضرت امیر علیه السلام: «قائم ما غیبتی طولانی مدّت دارد. گویا شیعیان را می‌نگرم که در غیبت او به مانند چارپایان می‌گردند و در پی چراگاه هستند، ولی نمی‌یابند.

بدانید! کسی از آنان که بردینش استوار بماند و دلش به جهت طول مدّت غیبت امامش سخت نگردد، روز قیامت با من در درجه‌ی من خواهد بود.»

غیبت نعمانی / ۱۹۲ از عبدالله بن عقبه از حضرت امیر علیه السلام نقل می‌کند: «ای گروه شیعه! گویا شما را می‌بینم که مانند شتر می‌گردید و چراگاه می‌جویید، ولی نمی‌یابید.»

امام باقر علیه السلام: کسی که برای رضای خدا انتظار بکشد، چونان کسی است که در کنار امام علیه السلام جهاد کند

مجمع البیان ۹ / ۲۳۸ از عیاشی از حارث بن مغیره چنین نقل می‌کند: «در حضور امام باقر علیه السلام بودیم که فرمودند: کسی از شما که این امر را بشناسد، انتظار آن را بکشد و این را برای رضای خدا انجام دهد، به خدا قسم مانند کسی است که با شمشیر خود همراه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله جهاد کرده باشد.

آنگاه فرمودند: بلکه سوگند به خدا چون کسی است که با شمشیرش در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نبرد کرده است، و ادامه دادند: بلکه به خدا قسم همسان کسی باشد که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در خیمه‌ی ایشان به شهادت رسیده است.

آیه‌ای از کتاب خدا در مورد شماست. گفتم: فدایت شوم، کدام؟ فرمودند: سخن

۱. و نیز الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۵۳

خدای عزوجل: **وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ، وَكَسَانِي** که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان راستینان و گواهان نزد پروردگارشان هستند.

سپس فرمودند: به خدا سوگند شما راستینان و گواهان نزد پروردگارتان شدید.»
کافی ۲ / ۲۱ از ابوالجارود نقل می‌کند: «به امام باقر علیه السلام گفتم: ای پسر پیامبر! آیا دوستی و موالات مرا نسبت به خود می‌دانید و می‌دانید از همه بریده و تنها شما را برگزیده‌ام؟ ایشان فرمودند: آری، عرضه داشتیم: پس سؤالی می‌پرسم، پاسخ آن را بدهید که من نابینایم و کم راه می‌روم، همه وقت هم توان آن ندارم تا به دیدار شما بیایم.

امام علیه السلام فرمودند: حاجتت را بگو، گفتم: مرا از اعتقادی که خود و اهل بیتتان دارید و آن را به درگاه خدای عزیز و جلیل می‌برید بی‌اگاهانید، تا من نیز چنین اعتقادی داشته باشم.
امام علیه السلام فرمودند: اگر چه سخت کوتاه، لکن سؤالت عظیم بود، به خدا سوگند اعتقاد خود و پدرانم را که به درگاه خداوند عزوجل می‌بریم برای می‌گویم؛ گواهی به لا اله الا الله و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، اقرار به آنچه که آن حضرت از نزد خدا آورده است، ولایت ولی ما، دشمنی با دشمن ما، تسلیم بودن در برابر امر ما، انتظار قائم ما و تلاش و ورع.»

دعوات راوندی / ۱۳۵ آن را چنین نقل می‌کند: «به امام باقر علیه السلام گفتم: من مردی نابینا و مسرّ هستم و مسافت میان من با شما بسیار است، به دنبال اعتقادی هستم که آن را به درگاه خدا برم، بدان تمسک کرده و آن را به کسانی که از خود به جای می‌گذارم برسانم.

گفتم: خوشایند امام علیه السلام واقع شد. پس راست نشستند و فرمودند: ای ابوالجارود! چه گفتی؟ دوباره تکرار کن، من نیز چنین کردم، ایشان فرمودند: آری، ای ابوالجارود! گواهی به لا اله الا الله وحده لا شریک له و بندگی و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، برپاداشتن نماز، پرداخت زکات، روزه‌ی ماه رمضان، حج بیت، ولایت ولی ما، عداوت دشمن ما، تسلیم بودن در برابر امر ما، انتظار قائم ما و تلاش و ورع.»

کافی ۸ / ۸۰ مشابیه آن را نقل می‌کند و در آن آمده است: «عرضه داشتیم: خداوند امورت را

سامان دهد، این مرجئه^۱ می‌گویند: چه اشکالی دارد که ما بر همین اعتقاد باشیم و زمانی که آنچه شما اعتقاد دارید فرا رسید ما و شما [در اعتقاد] با هم مساوی باشیم؟ ایشان فرمودند: ای عبد الحمید! راست گفته‌اند، کسی که توبه کند خدا توبه‌اش را می‌پذیرد و آنکه نفاق [خود] را مخفی دارد البته خدا خوارش گرداند، و کسی که امر ما را اظهار کند^۲ خداوند خونس را بریزد، خداوند آنان را بر اسلام ذبح می‌کند، همان گونه که قصاب گوسفندش را ذبح می‌کند.

عرضه داشتیم: یعنی آن روز ما با آنان مساوی هستیم؟ فرمودند: نه، شما آن روز عزتمندان و حاکمان زمین هستید، و جز این [که شما را برتر دانیم] در دین بر ما جایز نیست.

عرضه داشتیم: اگر پیش از آنکه قائم عجل الله تعالی فرجه را دریابیم از دنیا رفته چه؟ فرمودند: هر کس از شما بگوید: اگر قائم آل محمد را درک کنم او را یاری خواهم رساند، مانند کسی است که با شمشیرش در کنار او نبرد کرده باشد و شهادت در رکاب او دو شهادت است.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۰۶ از جابر جعفری روایت می‌کند: «به امام باقر عجل الله تعالی فرجه گفتم: فرج شما چه زمان خواهد بود؟ فرمودند: هیهات، هیهات، فرج ما واقع نمی‌شود مگر بعد از آنکه غربال شوید، آنگاه [دوباره] غربال شوید، سپس [دیگر باره] غربال گردید - و سه بار این را فرمودند - تا خداوند تعالی تیرگی را ببرد و خالص آن را باقی گذارد.»

غیبت نعمانی / ۲۰۵ از ابوبصیر از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «به خدا سوگند جداسازی شوید، به خدا قسم مورد آزمون قرار گیرید، و به خدا سوگند همان گونه که زؤان^۳ را از گندم غربال کنند شما نیز غربال خواهید شد.»

۱. مرجئه بر چند گروه اطلاق می‌شود؛ الف. گروهی که می‌گویند: هیچ گناهی با وجود ایمان ضرر نمی‌زند و هیچ طاعتی با وجود کفر فایده نمی‌رساند، ب. گروهی که می‌گویند: در دنیا حکم به ایمان و کفر هیچ کس نمی‌توان نمود و ج. تمامی کسانی که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه را چهارمین خلیفه می‌دانند و از منصب حقیقی و خلافت بلا فصل پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تأخیر می‌اندازند، رک به بیست و پنج رساله‌ی فارسی علامه‌ی مجلسی / ۳۷۴ م.
۲. و تقیه را در این زمان ترک کرده نزد مخالفین اظهار تشیع کند، رک به مرآة العقول / ۲۵ / ۱۸۴ م.
۳. گیاهی است خواب آور که میان گندم می‌روید.

کسی که با اخلاص در ولایت انتظار کشد، اهل بهشت است

کافی ۷۶/۸ از حکم بن عتیبه نقل می‌کند: «با امام باقر علیه السلام بودیم و خانه از اهلش موج می‌زد که پیرمردی عصا زنان آمد. برادر خانه ایستاد و گفت: السلام علیک یا بن رسول الله و رحمة الله و برکاته و سکوت کرد. امام باقر علیه السلام فرمودند: و علیک السلام و رحمة الله و برکاته. پیرمرد به اهل خانه رو کرد و سلام گفت و همه جواب دادند. او در ادامه به امام علیه السلام رو کرد و عرضه داشت: ای پسر رسول خدا! خدا مرا فدایت گرداند، مرا به خود نزدیک گردان که به خدا سوگند دوستتان دارم و نیز دوستدار دوستدارانتان هستم و به خدا قسم شما و دوستدارانتان را به خاطر طمع در دنیا دوست نمی‌دارم. قسم به خدا دشمنتان را دشمن می‌دارم و از او بیزاری می‌جویم و این به خاطر طلب خونی که میان من و او باشد نیست. قسم به خداوند من حلال شما را حلال و حرام شما را حرام می‌شمارم و انتظار امر شما را می‌کشم، خدا مرا فدایت گرداند، آیا نسبت به من [و فرجامی نیک برای من] امیدوارید؟

امام باقر علیه السلام فرمودند: نزدیک من بیا، نزدیک من بیا و او را در کنار خود نشانند. سپس فرمودند: ای پیرمرد! مردی نزد پدرم علی بن الحسین علیه السلام آمد و از ایشان همان سؤالی را که تواز من کردی پرسید، پدرم فرمودند: اگر بمیری نزد رسول خدا، امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین و علی بن الحسین علیه السلام وارد خواهی شد، دلت آرام، سینه‌ات مسرور و دیده‌ات روشن خواهد شد و با آسایش و راحتی به همراه [فرشتگان] بزرگوار نویسنده از تو استقبال خواهد شد، آن هنگام که جانت به اینجا برسد - و با دست به حلق خود اشاره فرمودند - و اگر زنده بمانی چیزی را می‌بینی که خداوند بدان دیده‌ات را روشن خواهد ساخت و [در آخرت] در اعلی درجات بهشت با ما همراه خواهی بود.

پیرمرد پرسید: ای ابا جعفر! چه فرمودید؟ امام علیه السلام سخن را تکرار کردند، آن پیرمرد صدا زد: الله اکبر، ای ابا جعفر! اگر بمیرم نزد رسول خدا، امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین و علی بن الحسین علیه السلام وارد خواهم شد، دیده‌ام روشن می‌شود، دلم آرام و سینه‌ام مسرور خواهد شد و با آسایش و راحتی به همراه [فرشتگان] بزرگوار نویسنده از من استقبال خواهند نمود، آن هنگام که جانم به اینجا برسد، و اگر زنده بمانم چیزی را می‌بینم که خداوند چشمم را

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بدان روشن می‌کند، و [در آخرت] در اعلی درجات بهشت با شما همراه خواهم بود!

سپس با صدای بلند‌های‌های شروع به گریه کرد تا آنکه از هوش رفت. اهل خانه هم با مشاهده‌ی حالت او به گریه افتادند، و امام عجل الله تعالی فرجه با انگشت اشک‌ها را از میانه‌ی پلک‌های او پاک کردند.

آنگاه پیرمرد به هوش آمد و گفت: ای پسر رسول خدا! خدا مرا فدایت گرداند، دست را بده، ایشان هم چنین کردند و او بردست حضرت بوسه داد و آن را بردیده و گونه‌ی خود نهاد. جامه از شکم و سینه‌ی خود کنار زد و دست امام عجل الله تعالی فرجه را بر آنها گذاشت، سپس برخاست و گفت: السلام علیکم.

امام باقر عجل الله تعالی فرجه او را که پشت کرده بود و می‌رفت نگریستند، سپس به اهل خانه رو کردند و فرمودند: هر که دوست می‌دارد به مردی از اهل بهشت بنگرد او را نگاه کند.

حکم بن عتیه گوید: محفل ماتمی مانند آن هرگز ندیدم.

مؤمن حتی اگر در بستر بمیرد شهید است

امالی شیخ طوسی ۲/ ۲۸۸ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «هر مؤمنی شهید است، و اگر بر بسترش [هم] بمیرد شهید است، و مانند کسی است که در لشکر قائم عجل الله تعالی فرجه بمیرد. آیا او خود را برای خدا محصور می‌کند، آنگاه او را داخل بهشت نمی‌نمایند؟»

اعلام الدین / ۴۵۹ نقل می‌کند: «ابو بصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی آیه‌ی: وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا^۱ و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است، سؤال کرد که مقصود چیست؟ ایشان فرمودند: شناخت امام و اجتناب از کبائر، کسی که بمیرد و بیعت با امامی در گردنش نباشد به مرگ جاهلیت مرده است. مردمان معذور نیستند، تا آن زمان که امامشان را بشناسند، پس هر آن کس بمیرد و امامش را بشناسد پیش افتادن یا تأخیر یافتن این امر [ظهور] زبانی به او نخواهد رسانید، و به کسی ماند که با قائم عجل الله تعالی فرجه در خیمه‌اش باشد.

۱. سوره‌ی بقره / ۲۶۹

سپس اندکی مکث کرده فرمودند: نه، بلکه چون کسی است که در کنار ایشان جنگیده است، در ادامه فرمودند: نه، به خدا سوگند چون کسی است که در کنار رسول خدا ﷺ به شهادت رسیده است.»

محاسن / ۱۷۳ از علاء بن سیابه: «امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی از شما که برامر [امامت] ما بمیرد، به منزله کسی است که خیمه اش را در آستانه ی [خیمه ی] قائم علیه السلام زده باشد، بلکه چون کسی است که با شمشیرش در کنار ایشان ضربه می زند، بلکه همسان کسی باشد که در کنار ایشان به شهادت رسیده است، بلکه به منزله ی کسی است که در کنار پیامبر خدا ﷺ شهید شده است.»^۱

کافی ۱ / ۳۷۱ و مشابه آن / ۳۷۲ نقل می کند: «فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه سؤال کردم: يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ^۲، روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم، فرمودند: ای فضیل! امام خود را بشناس که چون او را شناختی پیش افتادن یا تأخیر این امر به توزیانی نخواهد رساند. کسی که امامش را بشناسد سپس پیش از آنکه صاحب این امر قیام کند بمیرد، به منزله ی کسی است که در لشکرایشان نشسته باشد. نه، بلکه مانند کسی که زیر بیرق ایشان نشسته باشد.

برخی از اصحاب این گونه روایت می کنند: به مانند کسی است که در کنار رسول خدا ﷺ به شهادت رسیده است.»

امام صادق علیه السلام: طوبی برای کسی که در دوران غیبت قائم ما به امر ما متمسک باشد

کمال الدین ۲ / ۳۵۸ از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «طوبی برای کسی که در دوران غیبت قائم ما به امر [ولایت] ما متمسک بوده، قلبش بعد از هدایت انحراف نیابد، عرض کردم: فدایت شوم، طوبی چیست؟ فرمودند: درختی است در بهشت که تنه ی آن

۱. مشابه آن در همان کتاب / ۱۷۲ و ۱۵۰، غیبت نعمانی / ۲۰۰، کمال الدین ۲ / ۳۳۸ و ۶۴۴ و اثبات الهداة ۳ / ۴۷۱،

۴۸۹ و ۵۱۹

۲. سوره ی اسراء / ۷۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در خانه‌ی علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام است و در خانه‌ی هر مؤمنی شاخه‌ای از شاخه‌های آن است، و این فرموده‌ی خداوند عزوجل است: **طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ، طُوبَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا** و خوش سرانجامی دارند.»

برتری ایمان در دولت باطل از دولت حق

کافی ۱/ ۳۳۳ از عمار ساباطی نقل می‌کند: «به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم: کدامیک برتر است، عبادت مخفیانه در دولت باطل با امامی از شما که مخفی است [و در تقیه به سر می‌برد]، یا عبادت در دوران ظهور حق و دولت آن با امامی آشکار از شما؟

حضرت فرمودند: ای عمار! به خدا صدقه‌ی مخفیانه افضل از صدقه‌ی آشکار است و به خدا قسم عبادت مخفیانه‌ی شما با امام مخفی تان در دولت باطل که شما از دشمنان می‌هراسید و حال آتش بس است، برتر از [عبادت] کسی است که خداوند را - که عزیز و ذکرش جلیل است - در ظهور حق، دولت حق و با امام آشکار حق، عبادت می‌کند، و عبادت توأم با هراس در دولت باطل همانند عبادت و ایمنی در دولت حق نیست.

بدانید، کسی از شما که امروز نماز واجب را در وقت آن، مخفی از دشمن و به جماعت بخواند و آن را تمام کند، خداوند برای او پنجاه نماز واجب به جماعت می‌نویسد، و آن کس از شما که نماز واجب را در وقت آن، مخفی از دشمن و فردی بخواند و آن را تمام کند خدای عزوجل در قبال آن برای او بیست و پنج نماز واجب فردی می‌نویسد، و آنکه نماز نافله‌ای را در وقت آن بخواند و به پایان رساند خدای عزیز و جلیل در برابر آن برای او ده نافله می‌نگارد. کسی از شما که کار نیکی کند خداوند عزوجل در مقابل، بیست کار نیک برای او می‌نویسد. خداوند عزوجل نیکی‌های مؤمن شما را - که اعمالش را نیکوگرداند، برای دین خود، امام خود و جان خود به تقیه عمل کند و زبانش را نگاه دارد - چند برابر می‌کند، همانا خدای عزیز و جلیل کریم است.

عرض نمودم: فدایت گردم، به خدا سوگند مرا به عمل ترغیب و تشویق کردید، لیکن

دوست دارم بدانم چگونه امروز، اعمال ما از اعمال یاران امام ظاهر از شما در دولت حق افضل است، حال آنکه هر دو بربیک اعتقادیم؟

امام علیه السلام فرمودند: شما در ورود به دین خدای عزوجل به وسیله ی نماز، روزه و حج و نیز ورود به هر خیر و دانشی بر آنان سبقت جستید، و نیز در عبادت خداوند که ذکر او عزیز است، مخفی از دشمنان و با امام مخفی تان - در حالی که مطیع او هستید، همراه او بردباری می کنید، انتظار دولت حق را می کشید، بر امامتان و خودتان از پادشاهان ستمکار می هراسید، حق امامتان و حقوق خود را در دستان ظالمان می بینید، آنان شما را از آن منع کرده اند و به متاع دنیا و طلب معاش واداشته اند، ولی شما بر دین، عبادت، اطاعت امام، و بیم از دشمنان صبر پیشه کرده اید - سبقت گرفته اید. لذا خداوند عزوجل اعمال شما را مضاعف گردانید، پس گوارایتان باد.

گفتم: فدایت شوم، حال که چنین است چرا آرزوی آن داشته باشیم که از یاران قائم علیه السلام باشیم و حق ظاهر شود، در حالی که امروز در امامت و اطاعت از شما اعمال ما برتر از اعمال اهل دولت حق و عدالت است؟

ایشان در پاسخ فرمودند: سبحان الله! آیا خوش ندارید خدای تبارک و تعالی حق و عدل را در بلاد آشکار سازد، همه را بر حق جمع نماید، میان دل های مختلف الفت برقرار سازد، خدای عزوجل را در زمین عصیان نکنند، حدود او در میان خلقتش اقامه شود و خداوند حق را به اهل آن باز گرداند، پس او چنان فائق آید که هیچ چیز از حق را بابت ترس از احدی از خلق مخفی ندارد؟

ای عمار! بدان، به خدا قسم کسی از شما بر این حالی که دارید نمی میرد، مگر آنکه نزد خدا برتر از بسیاری از شهیدان بدر و احد است، پس مسرور باشید.»

اختصاص / ۲۰ از امیه بن علی از مردی چنین روایت می کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: کدامیک برترند، ما یا اصحاب قائم علیه السلام؟ ایشان فرمودند: شما از آنها برترید، زیرا شما شب می کنید و صبح می کنید در حالی که بر امامتان و خودتان از پیشوایان ستم هراسانید. اگر نماز به جای آورید در تقیه است. اگر روزه بدارید در تقیه است. اگر حج گزارید در تقیه

است. اگر شهادت دهید پذیرفته نشود و اموری چنین بر شمردند.

عرضه داشتم: اگر چنین است چرا [ظهور] قائم عجله را آرزو کنیم؟ ایشان فرمودند: سبحان الله! آیا دوست نداری عدل آشکار گردد، راه‌ها امن شوند و با مظلوم به انصاف رفتار شود.»

ثواب الاعمال / ۲۳۳ از امام صادق عجله: «یک فرزند که مرد آن را مقدم دارد، برتر از هفتاد فرزندی است که پس از او باقی بمانند و قائم را درک کنند.»

غیبت نعمانی / ۲۰۷ از مهزم بن ابی بردی اسدی و نیز غیر او از امام صادق عجله نقل می‌کند: «به خدا قسم بسان شیشه خواهید شکست، ولی شیشه به همان حالت که [پیش از شکستن] داشته باز خواهد گشت. به خدا قسم همانند سفال خواهید شکست، اما سفال می‌شکند و به حالت سابق باز نمی‌گردد. به خدا قسم غریب می‌شوید، به خدا سوگند جداسازی می‌شوید، به خدا قسم آزموده می‌شوید تا آنکه از شما تنها اقل باقی بمانند و دست خود را [شاید به نشانه‌ی ناخشنودی] تکان دادند.»^۱

همان / ۱۵۹ از عبد الکریم روایت می‌کند: «در حضور امام صادق عجله سخن از قائم عجله به میان آمد، ایشان فرمودند: چگونه [ظهور] رخ خواهد داد و حال آنکه فلک به گردش در نیامده است تا گفته شود: او مرده، یا هلاک شده، در کدامین وادی سیر می‌کند؟ عرض کردم: چرخش فلک به چه معناست؟ فرمودند: اختلاف میان شیعیان.»

همان / ۲۰۶ از آن حضرت روایت می‌کند: «آن امر واقع نخواهد شد مگر پس از آنکه برخی از شما در چهره‌ی بعضی دیگر آب دهان اندازند، بعضی از شما بعضی دیگر را لعنت کنند و برخی برخی دیگر را کذاب بنامند.»

کمال الدین ۲ / ۳۴۷ از عبد الرحمن بن سیابه از آن حضرت: «شما چگونه خواهید بود آن هنگام که بدون پیشوای هدایت و نشانی آشکار بمانید و برخی از شما از برخی دیگر بیزاری

۱. مرحوم نعمانی پس از نقل این حدیث، خود به شرح آن می‌پردازد که خلاصه‌اش این است: این دو مثال برای شیعیان است؛ برخی از آنان در اثر فتنه از این مذهب عدول می‌کنند، ولی باز توفیق یافته توبه می‌کنند و بدان باز می‌گردند، بسان شیشه‌ای که می‌شکند ولی بازسازی می‌شود، اما برخی دیگر از این مذهب عدول می‌کنند، لکن باز نمی‌گردند و بر شقاوت می‌میرند، چونان سفالی که قابلیت بازسازی ندارد. م

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجله

منزلت امام عجله

حکومت امام عجله

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

جویند؟ آن زمان است که جداسازی، آزموده و غربال می شوید و آن هنگام است که در ابتدای روز دو شمشیر درگیر می شوند و حکومتی به هم می رسد، ولی در آخر روز قتل و خلع واقع می شود.»

غیبت نعمانی / ۲۰۸ از ابراهیم بن هلال: «به امام کاظم علیه السلام گفتم: فدایت شوم، پدرم بر اعتقاد به امامت از دنیا رفت، من نیز به سنی رسیده ام که خود مشاهده می کنید، حال آیا می میرم و مرا خبر نمی دهید؟!

ایشان فرمودند: ای ابواسحاق! توشتاب می کنی، عرض کردم: آری، به خدا شتاب می کنم، چرا شتاب نکنم در حالی که - همان سان که می بینید - ستم بالا رفته است؟ حضرت فرمودند: ای ابواسحاق! بدان، به خدا سوگند آن امرواق نخواهد شد تا آنکه جداسازی و آزموده شوید و تنها اقل از شما باقی مانند و دست خود را تکان دادند.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۰۴ از ابن ابی نصر نقل می کند: «امام کاظم علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند آنچه دیدگانتان را به سوی آن دوخته اید [و انتظارش را می کشید] واقع نخواهد شد تا آنکه جداسازی و امتحان شوید، تا بدانجا که تنها اقل از شما باقی مانند، آنگاه این آیه را تلاوت کردند: **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ...** ^۱ **وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ**، ^۲ آیا پنداشته اید که به خود واگذار می شوید و خداوند کسانی را که از میان شما جهاد کرده اند، معلوم نمی دارد... و شکیبایان را معلوم بدارد.»

تفسیر عیاشی / ۲ / ۲۱۵ از ایوب بن نوح نقل می کند: «در مدینه در حضور امام هادی علیه السلام ایستاده بودم که ایشان بدون آنکه سؤالی بپرسم خود ابتدا به سخن کرده فرمودند: ای ایوب! خداوند هیچ پیامبری را به پیامبری نگرفت مگر بعد از آنکه در سه مطلب از او [اقرار] بگیرد؛ گواهی به لا اله الا الله، کنار گذاردن همانندانی که در برابر خدا قرار می دهند و اینکه خداوند مشیت دارد و هر آنچه را بخواهد مقدم می دارد و هر آنچه را بخواهد تأخیر می اندازد. بدان، هنگامی که میان آنان اختلاف افتاد پیوسته ادامه خواهد داشت، تا آنکه صاحب

۱. سوره ی توبه / ۱۶

۲. سوره ی آل عمران / ۱۴۲

این امر قیام کند.»

کافی ۱ / ۳۷۰ از منصور صیقل: «من و حارث بن مغیره و گروهی از اصحاب خود نشسته بودیم و امام صادق علیه السلام کلام ما را می شنید. ایشان فرمودند: به چه مشغول هستید؟ هیهات، هیهات، نه به خدا قسم آنچه دیده بدان دوخته اید واقع نخواهد شد، تا آنکه غربال شوید. نه به خدا سوگند آنچه بدان دیده دوخته اید به وقوع نخواهد پیوست، تا آنکه امتحان شوید. نه به خدا قسم آنچه بدان دیده دوخته اید واقع نمی شود، مگر بعد از آنکه جداسازی شوید. نه به خدا قسم آنچه دیده بدان دارید رخ نخواهد داد، مگر پس از نوبیدی. نه به خدا قسم آنچه دیده بدان دوخته اید واقع نخواهد گشت، مگر پس از آنکه تیره بخت تیره بخت شود و سعید سعید.»^۱

برای مؤمن فرقی نمی کند پیش از ظهور بمیرد یا پس از آن

کافی ۱ / ۳۷۱ روایت می کند: «ابوبصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: آیا شما چنین می بینید که من قائم علیه السلام را درک خواهم کرد؟ ایشان فرمودند: ای ابوبصیر! آیا امامت را نمی شناسی؟ گفتیم: آری، به خدا قسم، امام من شما یید و دست حضرت را گرفت. ایشان فرمودند: ای ابوبصیر! به خدا سوگند چه باکی داری که در جهاد در کنار قائم علیه السلام با شمشیری که آن را در آغوش گرفته ای حضور نداشته باشی؟»

همان ۱۴۶/۸ از مالک جهنی نقل می کند: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای مالک! آیا نمی پسندید که نماز را برپا دارید، زکات را بپردازید و [زبان خود، یادستان خود را از معاصی] نگاه دارید و داخل بهشت شوید؟ ای مالک! هیچ قومی نیست که در دنیا اعتقاد به پیشوایی داشته باشند، جز آنکه روز قیامت در حالی می آیند که او آنان را لعنت کند و آنها هم او را، مگر شما و کسانی که مانند شما یند. ای مالک! سوگند به خدا کسی از شما که بر [اعتقاد به] این امر [امامت] بمیرد شهید است و به منزله ی کسی است که با شمشیرش در راه خدا ضربه زند.»

۱. همان منبع حدیث دیگری را که مشابه این حدیث است از منصور روایت می کند.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همان ۱/ ۳۷۲ از علی بن هاشم از پدرش از امام باقر علیه السلام: «به کسی که با انتظار امر ما بمیرد زبانی نمی‌رساند که در وسط خیمه‌ی حضرت مهدی علیه السلام و لشکری نمی‌رد.»

تأویل الآیات ۲/ ۶۶۵ از حسین بن ابی حمزه از پدرش روایت می‌کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: سنّ من بالا رفته، استخوانم سست و اجلم نزدیک شده و بیم آن دارم که پیش از این امر [ظهور] بمیرم. ایشان فرمودند: ای ابا حمزه! آیا اعتقاد داری شهید تنها آن کس است که کشته شود؟ عرضه داشتم: آری، فدایت شوم، فرمودند: ای ابا حمزه! کسی که به ما ایمان آورد، گفتار ما را تصدیق کند و انتظار امر ما را بکشد، همسان کسی است که در زیر پرچم قائم علیه السلام کشته شود، بلکه به خدا سوگند زیر پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله.»

غیبت نعمانی / ۲۰۰ از ابوبصیر روایت می‌کند: «روزی امام صادق علیه السلام فرمودند: آیا شما را از آنچه خداوند عزوجل هیچ عملی را از بندگان جز بدان نمی‌پذیرد آگاه نسازم؟ گفتم: آری، فرمودند: گواهی به لا اله الا الله و بندگی و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، اقرار به آنچه خدا فرمان داده است، ولایت ما، بیزاری جستن از دشمنان ما - مقصود ایشان خصوص امامان است [که ولایت آنان را داشته باشید و از دشمنانشان بیزاری جوئید] -، تسلیم بودن در مقابل آنان، ورع، تلاش، طمأنینه و انتظار قائم علیه السلام .

در ادامه فرمودند: ما دولتی داریم که خداوند هرگاه بخواهد آن را می‌آورد. هر کس بدان مسرور می‌شود که از یاران قائم باشد، پس منتظر باشد و در حال انتظار به ورع و محاسن اخلاق بپردازد. حال اگر بمیرد و قائم بعد از او قیام کند، پاداشش مانند پاداش کسی است که ایشان را درک کرده باشد، پس بکوشید و انتظار بکشید، گوارایتان باد ای گروه مرحوم.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۷ از عبدالله بن عجلان از امام صادق علیه السلام: «هر کسی این امر را بشناسد و پیش از آنکه قائم قیام کند بمیرد، پاداشی مانند کسی دارد که در کنار ایشان کشته شده باشد.»

نفس کشیدن کسی که به خاطر ما اندوهگین است تسبیح است

کافی ۲/ ۲۲۶ از عیسی بن ابی منصور روایت می‌کند: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: نفس کشیدن کسی که به خاطر ما اندوهگین و بابت مظلومیت ما محزون است تسبیح و اهتمام او به امر ما عبادت است و کتمان سرّ ما جهاد در راه خدا. راوی گوید: محمد بن سعید به من گفت: این حدیث را با آب طلا بنویس که چیزی نیکوتر از آن نخواهی نوشت.»

کمی شمار مؤمنان در زمان غیبت

دلائل الامامة / ۲۹۲ از یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «مردم، به سمت هیچ یک از فرزندان عبدالمطلب گردن دراز [و اشاره] نمی‌کنند، جز آنکه از بین می‌رود، تا آنجا که فرزندان عبدالمطلب یکسان شوند و هیچ یک را از دیگری نشناسند [و ندانند کدام شایستگی امامت دارد]. پس سال‌هایی از روزگارشان را چنین سپری می‌کنند تا صاحب این امر به سوی آنان برانگیخته شود.»

رسائل مفید / ۴۰۰ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «چگونه خواهید بود آن هنگامی که به طرف راست رو کنید و احدی را [که شایستگی امامت داشته باشد] نبینید، به طرف چپ رو کنید و هیچ کس را نبینید و فرزندان عبدالمطلب همه مساوی باشند، و بسیاری از معتقدان به این امر از آن برگردند، برخی از شما شب می‌کند در حالی که مؤمن است ولی صبح کافر شده؟ پس نسبت به دین هایتان تقوای خدا پیشه کنید و مراقب باشید. آن هنگام در انتظار فرج باشید.»

کمال الدین ۲ / ۴۰۹ از موسی بن جعفر بن وهب بغدادی چنین نقل می‌کند: «از امام عسکری علیه السلام شنیدم که فرمودند: گویا شما را می‌بینم که پس از من در مورد جانشینم به اختلاف افتاده‌اید. بدانید کسی که به امامان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله اقرار کند و منکر فرزند من باشد، همانند کسی است که به تمامی انبیاء و رسولان خدا اقرار، و نبوّت رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار نماید و منکر رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند کسی است که تمامی پیامبران علیهم السلام را منکر

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

باشد، زیرا اطاعت آخرین ما مانند اطاعت اولین ماست و منکر آخرین ما همچون منکر اولین ماست.

بدانید برای فرزند من غیبتی است که مردم در آن دچار تردید می‌گردند، مگر کسی که خدای عزوجل او را نگاه دارد.»

همان ۴۰۸/۲ از ابو غانم نقل می‌کند: «از امام عسکری علیه السلام شنیدم که فرمودند: در سال دویست و شصت شیعیان من پراکنده می‌شوند.

شیخ صدوق رحمه الله می‌گوید: در آن سال بود که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفتند و شیعیان و یاران ایشان پاره پاره شدند. برخی به جعفر معتقد شدند، برخی به گمراهی افتادند، برخی دچار تردید شدند، برخی بر حیرتشان باقی ماندند و برخی هم با توفیق خدای عزوجل بردین خود استوار ماندند.»

همان ۵۲۴/۲ از حسن بن محمد بن صالح بزاز نقل می‌کند: «از امام عسکری علیه السلام شنیدم که فرمودند: پسر من همان قائم پس از من است. هموست که سنت‌های پیامبران علیهم السلام در عمر طولانی و غیبت در او به وقوع خواهد پیوست، تا آنکه قلب‌ها به جهت طولانی شدن مدت سخت گردد. پس بر اعتقاد به او تنها کسی استوار خواهد ماند که خداوند عزیز و جلیل ایمان را در قلب او نوشته باشد و او را به روحی از جانب خود تأیید نماید.»

زمین، از افراد با ایمان و کاملی که همانند یاران امام علیه السلام هستند خالی نخواهد بود

الاصول الستة عشر/ ۶ از زید زراد نقل می‌کند: «خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: بیم آن داریم که مؤمن نباشیم! ایشان فرمودند: چرا؟ گفتم: زیرا در میان خود کسی را نمی‌یابیم که برادرش نزد او بر درهم و دینارش ترجیح داشته باشد، و دینار و درهم را بر برادری که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ما را گرد هم آورده [و در آن اتفاق داریم] ترجیح می‌دهیم.

ایشان فرمودند: هرگز، شما مؤمن هستید، اما ایمان‌تان را کامل نمی‌کنید تا آنکه قائم ما خارج شود. آن هنگام است که خداوند خردهای شما را گرد خواهد آورد و مؤمنانی کامل

خواهید بود.

و اگر مؤمنانی کامل در زمین نباشند، خدا ما را به سوی خود بالا خواهد برد و زمین و آسمان شما را نخواهند شناخت.

آری، قسم به کسی که جانم به دست اوست، در اطراف زمین مؤمنانی هستند که تمامی دنیا نزد آنان با بال پشه ای برابری نمی کند.»

در آینده نیز خواهد آمد که مؤمنان در عصر ظهور، فرشتگان را می بینند و با آنها سخن می گویند، و مؤمن پرنده را از آسمان پایین می آورد و مردگان را به اذن خدا زنده می گرداند.

اهمیت آمادگی - گرچه نمادین - برای یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه

غیبت نعمانی / ۳۲۰ از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «هر یک از شما برای خروج قائم علیه السلام اگرچه یک تیر، آماده کند، چرا که خدای تعالی اگر از نیت او این را بداند [که راستین است]، امید آن دارم که عمر او را طولانی گرداند تا آنکه ایشان را درک کند و از یاران و انصار ایشان باشد.»

نگارنده: این حدیث آموزش امیدواری و یقین به وعده ی خداوند است. مقصود از تمدید و طولانی کردن عمر نیز ممکن است آن باشد که خداوند شخص را می میراند و پس از مرگ و به هنگام ظهور او را زنده می گرداند تا عمر باقی مانده را بگذراند.

نحوه ی دیگر ایجاد آمادگی خواندن دعا هایی است که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است، مانند آنچه فلاح السائل / ۱۹۹ از یحیی بن فضل نوفلی روایت می کند، وی گوید: «در بغداد خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم و هنگامی بود که ایشان از نماز عصر فارغ شدند. پس دیدم دست ها را به سمت آسمان بالا گرفتند و خواندند: [خدایا!] از توبه حق آن نام مکنون مخزون حی قیوم - که هر کسی از توبدان نام مسئلت کند نومید نگردد - می خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و فرج آنکه برای تواز دشمنانت انتقام می گیرد را شتاب بخشی، و آنچه را به او وعده دادی عملی ساز، ای ذو الجلال و الاکرام.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدا ل

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

وجوب تقیّه تا زمان ظهور امام عجله الله تعالی فرجه

کفایة الاثر / ۲۷۴ از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «کسی که پیش از خروج قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نیست.»

الهدایة / ۴۷ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «ریا با منافق در خانه‌ی او عبادت، ولی با مؤمن شرک است. و تقیه واجب است و ترک آن تا زمان خروج قائم جایز نیست. پس هرکه آن را ترک کند مرتکب نهی خدا، رسولش صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام شده است.»

کافی / ۲ / ۲۲۰ از آن حضرت نقل می‌کند: «هرچه این امر [ظهور] نزدیک شود، برای تقیه سخت‌تر است.»

همان ۲ / ۲۱۹ از امام باقر علیه السلام می‌آورد: «تقیه در هر ضرورتی است، و کسی که بدان نیازمند است خود بهتر از آن آگاه است.»

شیخ انصاری رحمه الله در رسالة التقیه / ۴۵ می‌نگارد: «متبادر از تقیه، تقیه از مذهب مخالفین است، لذا نمی‌توان آن را در برخورد با کفار یا ظالمان شیعه به کار برد. لکن از روایت مسعدة بن صدقه - که خواهد آمد - ظاهر می‌شود که این حکم شامل غیر مخالفین هم می‌شود، علاوه بر آنکه ادله‌ی عامه‌ی تقیه - پس از ملاحظه‌ی این نکته که تقیه در لسان امامان علیهم السلام اختصاصی به مخالفین نداشته است، هم چنان که با تتبع در روایات تقیه آشکار می‌گردد - نیز کفایت می‌کند.»

بلاد عرب

وضعیت بلاد عرب در عصر ظهور

مذمت عرب در منابع حدیثی

منابع سنی و شیعی احادیثی را نقل می‌کند که عرب و سرزمین‌های آنان را می‌ستاید و نیز روایاتی که آنان را مذمت می‌کند. می‌بایست نسبت به روایاتی که در مدح و ذم بلاد و اقوام رسیده دقت و بررسی نمود، چرا که به جهت وجود درگیری‌های تاریخی میان اقوام و اقالیم، دروغ پردازی در آنها کثرت یافته است. از این رو بررسی سندی و نیز تحقیق پیرامون شرائط و قرائن عبارات ضرور است. در منابع سنیان حدیثی است که عرب را مذمت می‌کند و شهرت یافته است، مسند احمد ۳۹۰ / ۲: «وای بر عرب به جهت شرّی که نزدیک شده است؛ فتنه‌هایی به مانند پاره‌های شب تاریک که شخص صبح هنگام مؤمن است، ولی شب کافر، گروهی دین خود را در قبال متاع اندکی از دنیا می‌فروشند. کسی که آن روز دینش را محکم گیرد مانند کسی است که آتش - و یا فرمودند: خار - را [با دست] گرفته باشد.»

روایت دیگری نیز از ام حبیبه دختر ابوسفیان مشهور است، وی گوید: «پیامبر ﷺ از خواب بیدار شد در حالی که چهره‌اش سرخ بود و می‌گفت: لا إله إلا الله، وای بر عرب از شرّی که نزدیک شده است؛ امروز سَدّ یاجوج و مأجوج بدین اندازه باز شد - و سفیان [که راوی حدیث است] با انگشتان خود حلقه‌ای ایجاد کرد - به ایشان گفتند: آیا در حالی که خوبان در میان ما هستند، هلاک می‌شویم؟ فرمود: زمانی که خباثت زیاد گردد، آری.»^۱ به نظر من اینها یا از اساس روایاتی دروغین است، یا در مقام تطبیق، چرا که خود از رسول خدا ﷺ چنین نقل می‌کنند: وای بر عرب از نوجوانان بنی امیه. اما امویان این روایات را بعد از کشته شدن عثمان به دست صحابه مطرح و وانمود کردند قتل او همان بدبختی عرب است! و اگر آن روز سَدّ یاجوج و مأجوج باز شده یا قسمتی از آن ریخته بود، این ویرانی می‌بایست در قرن اوّل کامل می‌شد و آنان خارج می‌شدند!

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

۱. مسند احمد ۶ / ۴۲۸ و ۴۲۹، صحیح بخاری ۴ / ۱۰۹ و ۱۷۶ و ۸ / ۸۸ و ۱۰۴، مسلم ۸ / ۱۶۶ و ...

وای بر عرب از بنی امیه و بنی عباس

اصل این روایت آن است که پیامبر ﷺ از بنی امیه و شرّ آنان بر حذر داشتند، لکن مورد دستبرد امویان قرار گرفت و آن را بر قتل عثمان تطبیق کردند!

المصنف ابن ابی شیبہ ۸/ ۶۱۱ می نویسد: «وای بر عرب از شرّی که نزدیک شده است؛ حکومت کودکان که اگر از آنان اطاعت کنند آنها را وارد دوزخ خواهند کرد، و اگر نافرمانی نمایند گردن هایشان را خواهند زد.»

ابوهریره بر خلاف ام حبیبه گواهی می دهد و می گوید: بدبختی عرب و خطر برای امت از سوی بنی امیه است، بخاری ۸/ ۸۸ از عمرو بن یحیی نوهی سعید بن عمرو روایت می کند: «در مسجد پیامبر ﷺ با ابوهریره و مروان نشسته بودم، ابوهریره گفت: از راستگوی تصدیق شده [توسط خدا] شنیدم که فرمود: هلاک امت من بردستان پسرانی از قریش است. مروان گفت: لعنت خدا بر آن پسران باد! ابوهریره گفت: اگر می خواستم می گفتم آنان بنی فلان و بنی فلان هستند.»

عمرو بن یحیی گوید: زمانی که بنی مروان در شام به حکومت رسیدند با پدر بزرگم نزد آنان می رفتم. او چون آنان را که جوانانی بودند مشاهده می کرد می گفت: شاید اینان از آنها باشند، من هم می گفتم: شما داناترید.»

حاکم در المستدرک ۱/ ۱۰۸ روایت می کند و بنا بر شرط بخاری و مسلم صحیح می شمارد: «ابوهریره روز جمعه در کنار منبر می ایستاد و می گفت: ابوالقاسم محمد رسول خدا و راستگوی تصدیق شده فرمود: وای بر عرب از شرّی که نزدیک شده است. و هنگامی که صدای در محراب را که از ورود امام جمعه حکایت می کرد می شنید می نشست.»

المصنف عبدالرزاق ۱۱/ ۳۷۳ از وی چنین می نگارد: «وای بر عرب از شرّی که نزدیک شده است؛ در سر شصتمین سال امانت به غنیمت و صدقه به غرامت تبدیل خواهد شد، گواهی بر اساس شناخت خواهد بود [یعنی بدون آنکه ماجرایی را دیده و در آن حضور داشته باشند، تنها به جهت شناخت نسبت به افراد گواهی می دهند] و بر اساس هوی و میل حکم خواهند داد.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عیسیٰ

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

الفتن ۱/ ۲۰۴ از همو: «وای بر عرب پس از صد و بیست و پنج، وای بر آنان از آشوبی بزرگ؛ کنگره‌ها [ی قصرها که برای اعراب آن روز جدید و عجیب بود به طوری که آن را از نشانه‌های قیامت و یا نشانه‌های هلاکت عرب به حساب می‌آوردند] و کنگره چیست؟ بدبختی در میان آنهاست. بادهایی که دیگر نمی‌وزد، بادهایی که در شرف وزیدن است و بادهایی که به آرامی می‌وزد.

بدانید، وای بر آنان از مرگ سریع، گرسنگی سخت و قتل سریع. خداوند بلا را به جهت گناهان بر آنها مسلط می‌کند، پس سینه‌هایشان کافر می‌شود، پرده‌هایشان دریده و شادیشان دگرگون می‌گردد. آگاه باشید که به خاطر گناهان کوه‌های زمین کنده، ریسمان‌های آن پاره و بادهای آن تیره می‌شود!

وای بر قریش از زندیق آن که کارهایی انجام می‌دهد که دین آنان را تیره می‌گرداند، پرده‌هایشان را می‌درد و لشکرهای آنها را در مقابلشان قرار می‌دهد!

آنگاه زنانی گریان خواهند بود؛ برخی بردنیایشان می‌گیرند، بعضی بر خواری شان، گروهی برای آنکه عورتشان را حلال شمرده‌اند، برخی به خاطر فرزندان که در شکم دارند، عده‌ای به جهت گرسنگی فرزندان‌شان، بعضی برای ذلت پس از عزت، گروهی بر مردانشان، عده‌ای از بیم لشکریان و بعضی هم به جهت میل و اشتیاق به قبرهایشان.»

پنداشتند که اعراب از بین می‌روند و کعبه منهدم می‌گردد!

پیروان دستگاه خلافت خط سیر اسلام را خطی نزولی و رو به زوال می‌دانستند و این نگرشی بود که کعب الاحبار به آنان داده بود و به آنها قبولانده بود که صحابه بهترین امت و عصر آنان برترین اعصار است، و پس از آنان امت، عرب و کعبه‌شان همه از بین می‌روند! آنها هم وی را تصدیق کردند و این مطلب را در معتبرترین کتب خود آوردند!

در جلد نخست ألف سؤال و إشکال، درباره‌ی نگاه اینان به آینده‌ی اسلام بحث کردیم و سخن عمر را آوردیم که: «اسلام مانند شتری پنج ساله آغاز شد. بعد چون شتری شش ساله می‌شود. آنگاه هفت ساله، در ادامه هشت ساله و آنگاه نه ساله [که قوی‌ترین اقسام شتر است]

خواهد شد، و پس از آن تنها به سمت نقصان خواهد رفت.^۱

عمر می‌انگارد اسلام شتری است که بایست پیرشود و از دنیا برود! وی می‌گفته است: «اهل مکه از آن خارج می‌شوند. بعد از آن تنها افراد کمی از آن عبور می‌کنند. پس از مدتی مملو از افراد، و از نو ساخته می‌شود. سپس از آن خارج می‌شوند و هرگز بدان باز نخواهند گشت.»^۲ بخاری در صحیح خود ۱۵۹/۲ فصلی با عنوان «انهدام کعبه» منعقد کرده و در آن از عایشه نقل می‌کند: «پیامبر ﷺ گفتند: لشکری به کعبه هجوم می‌آورد ولی در زمین فرو می‌روند.

ابن عباس گوید: گویا سیاه پوستی گشاده ران را می‌بینم که سنگ سنگ آن را می‌کند.

ابوهریره گوید: پیامبر ﷺ فرمود: ذو السویقتین از حبشه، کعبه را ویران می‌کند.»

اینان این مطلب را حتی به حضرت امیر المؤمنین نسبت دادند! حاکم در المستدرک از حارث بن سوید از ایشان نقل می‌کند - ولی صحیح نمی‌شمارد: «حج بگذارید، پیش از آنکه نتوانید حج بگذارید. گویا حبشی گوش کوچک افدع^۳ را می‌بینم که تیشه‌ای در دست دارد و کعبه را سنگ سنگ برمی‌کند.

گفتم: آیا این را خود می‌گویید یا از رسول خدا ﷺ شنیده‌اید؟ فرمود: نه، قسم به آنکه دانه را شکافت و انسان را آفرید. بلکه از پیامبرتان ﷺ شنیدم.»

لکن اهل بیت علیهم السلام در قبال این پندار باطل جبهه گرفتند و از تحریف این احادیث پرده برداشتند، اقبال الاعمال ۵۸۲/ از ابان بن محمد معروف به سندی چنین می‌نگارد: «امام صادق علیه السلام در زیرناودان کعبه مشغول دعا بودند و عبدالله بن حسن طرف راست، حسن بن حسن طرف چپ و جعفر بن حسن پشت سرایشان بودند. پس از مدتی عباد بن کثیر بصری آمد و گفت: ای ابا عبدالله! و سه بار این را تکرار کرد، بار دیگر گفت: ای جعفر! ایشان فرمودند: ای ابو کثیر! هرچه می‌خواهی بگو.

وی گفت: من در کتابی که در آن دانشی دارم چنین یافته‌ام که مردی این بنا را سنگ

۱. مسند احمد ۴۶۳/۳

۲. مسند احمد ۲۳/۱ و مجمع الزوائد ۲۹۸/۳ که آن را حدیثی حسن دانسته است

۳. کسی که در میچ دست و یا پای او کجی باشد.

سنگ در هم می شکند.

حضرت فرمودند: ای ابو کثیر! کتاب تودروغ گفته است، ولی به خدا قسم گویا زرد پا، باریک ساق، شکم درشت، باریک گردن و بزرگ سر را در کنار این رکن می بینم - و با دست به رکن یمانی اشاره کردند - که مردم را از طواف منع می کند تا آنکه از او بهراسند. آنگاه خداوند مردی از من را برمی انگیزد - و با دست به سینه اشاره کردند - که او را بسان کشتن عاد، ثمود و فرعون ذوالاوتاد به قتل رساند.

در این هنگام عبدالله بن حسن گفت: به خدا سوگند ابو عبدالله راست گفت، و همه ی آنها ایشان را تصدیق کردند.»

پس این ماجرا به دوران ظهور امام علیه السلام مربوط می باشد و رخدادی است که در حرم و توسط شخصی سیاه پوست که فرمان دستگاه حاکم را اجراء می کند و مردم را از طواف باز می دارد واقع می شود. لکن راویان سرسپرده قسمتی از آن را گرفتند و تحریف نمودند، و آن را به انهدام و زوال کعبه تغییر دادند!

اهل بیت علیهم السلام روایت پیرشدن اسلام به مانند شتر را نیز مردود اعلام داشتند و بشارت نبوی - در رابطه ی با آینده ی اسلام و اینکه چونان بستانی است که شاید گروه پسین میوه هایشان رسیده تر باشد - را نشر دادند.

خصال / ۴۵ و کمال الدین ۱ / ۲۶۹ از امام صادق، از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: شاد باشید، شاد باشید، شاد باشید که مثل امت من مثل بارانی است که نمی دانند اول آن بهتر است یا آخر آن. مثل امت من مثل بستانی است که گروهی یک سال از آن اطعام می شوند و سپس گروهی [دیگر] یک سال، و شاید آنچه نصیب آخرین گروه شود، وسیعتر، پربارتر و چیدنی هایش بهتر باشد.

امتی که من ابتدای آن هستم، دوازده تن از سعیدان و صاحبان خرد پس از من هستند و مسیح عیسی بن مریم در انتهای آن، چسان هلاک شود؟ ولی در این بین فتنه جویان به هلاکت می رسد، نه آنان از من هستند و نه من از آنان.»

روایاتی که شام و یمن را می ستاید و عراق و نجد را مذمت می کند!

مسند احمد ۲/ ۱۱۸ از عبدالله بن عمر: «رسول خدا ﷺ فرمودند: خدایا! به ما در شام ما برکت ده، خدایا! به ما در یمن ما برکت ده، اطرافیان گفتند: در نجد ما، ایشان گفتند: خدایا! به ما در شام ما برکت ده، خدایا! به ما در یمن ما برکت ده، اطرافیان باز گفتند: در نجد ما، ایشان گفتند: در آنجا زلزله ها و فتنه هاست، از آنجا - و یا گفتند: در آنجا - شاخ شیطان بیرون می آید.» همان ۲/ ۹۰ از همو: «پیامبر ﷺ دو بار گفتند: خدایا! به ما در شام و یمنمان برکت ده، شخصی گفت: یا رسول الله! و در مشرق ما؟ ایشان فرمودند: شاخ شیطان از آنجا بیرون می آید، نه دهم شر آنجاست.»^۱

المعجم الصغير ۲/ ۳۶ از همو: «پیامبر ﷺ به مشرق رو کرد و فرمود: شاخ شیطان از اینجا بیرون می آید، زلزله ها، فتنه ها، آنان که صدا بلند می کنند و نیز سنگ دلی از اینجا است.»
المعجم الكبير ۱۲/ ۳۸۴ روایت می کند: «پیامبر ﷺ فرمودند: خدایا! به ما در شام ما برکت ده، خدایا! به ما در یمن ما برکت ده - و این عبارت را سه یا چهار بار تکرار کردند - در مرتبه ی سوم یا چهارم گفته شد: ای رسول خدا! و در عراق ما، ایشان گفتند: در آنجا زلزله ها و فتنه هاست، و شاخ شیطان بیرون می آید.»

تهذیب ابن عساکر ۱/ ۳۴ از ابن عمر چنین روایت می کند: «خدایا! به ما در مکه ی ما برکت ده، به ما در مدینه مان برکت ده، به ما در شام ما برکت ده، به ما در یمن ما برکت ده، به ما در صاع ما برکت ده، به ما در مُدَّ^۲ ما برکت ده.

مردی گفت: ای رسول خدا! و در عراق ما، ایشان از او روگردانند، و او سه بار این سخن را تکرار کرد و هر بار با روگردانی ایشان مواجه می شد. [نهایتاً] گفتند: در آنجا زلزله ها و فتنه ها رخ می دهد و شاخ شیطان بیرون می آید....

حاکم آن را اینگونه روایت می کند: مردی گفت: ای پیامبر خدا! و نیز عراق و مصر، ایشان فرمودند: آنجا شاخ شیطان می روید و زلزله ها و فتنه ها رخ می دهد...

۱. و نیز رک به همان ۲/ ۴۰، ۵۰ و ۱۲۱، الموطأ ۲/ ۹۷۵، المصنف عبدالرزاق ۱۱/ ۴۶۳، بخاری ۹/ ۶۷، مسلم ۴/ ۲۲۲۸، ترمذی ۴/ ۵۳۰، المعجم الاوسط ۱/ ۲۴۷ و حلیه الاولیاء ۶/ ۳۴۸
۲. صاع و مُدَّ دو واحد اندازه گیری

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدیمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همین را از معاذ بن جبل چنین می‌نگارد: رسول خدا ﷺ فرمودند: خدایا به ما در صاع، مدّ، شام، یمن و حجازمان برکت ده، در این هنگام مردی برخاست و گفت: یا رسول الله! و در عراقمان، ولی ایشان چیزی نگفتند.

حضرت روز دوم نیز سخنان روز اول را گفتند و آن مرد برخاست و همان جمله را تکرار کرد، و با سکوت ایشان مواجه شد. پس گریه کنان پشت کرد تا برود که حضرت او را صدا زدند و فرمودند: آیا تو اهل عراق هستی؟ او پاسخ مثبت داد، ایشان فرمودند: پدرم ابراهیم علیه السلام خواست تا آنان را نفرین کند، ولی خدا به او وحی کرد: چنین نکن، زیرا من خزائن دانش خود را در میان آنان قرار دادم، و مهربانی را در قلوب آنان نهادم.»

نگارنده: واضح است که این روایت را در راستای خدمت به شام، معاویه و اهل کتاب به کار گرفته‌اند، علاوه بر آنکه تهافت عبارات و فضای موجود در آن بر تردید انسان می‌افزاید. به نظر من راجح آن است که بگوییم این حدیث هیچ ربطی به رسول خدا ﷺ ندارد.

برتری لشکر شام بر دیگران!

مسند احمد ۴/ ۱۱۰ از ابن حواله روایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمودند: چنان خواهد شد که لشکریایی گرد خواهند آمد؛ لشکری در شام، لشکری در یمن و لشکری در عراق. من گفتم: ای رسول خدا! شما برای من انتخاب کنید تا اگر آن دوران را درک کردم در آن باشم، ایشان فرمودند: با شام باش که زمین برگزیده‌ی خداست و بندگان برگزیده‌اش را بدان سو می‌برد.

اگر نپذیرفتید، به یمنتان بروید و از رودخانه تان آب بردارید. خداوند عزوجل برای من شام و اهالی آن را ضمانت کرده است.»^۱

در جامع الاحادیث القدسیة ۳/ ۲۹۲ ابن حواله مدح شام را به حدیثی قدسی تبدیل می‌کند! وی از رسول خدا ﷺ چنین نقل می‌کند: «ایشان سه بار فرمودند: به شام برو، و چون کراحت من نسبت به شام را دیدند گفتند: آیا می‌دانید خدای عزوجل درباره‌ی شام چه می‌گوید؟

۱. مشابه آن در همان ۵/ ۳۳ و ۲۹۹، سنن بیهقی ۹/ ۱۷۹، التاریخ الکبیر بخاری ۵/ ۳۳ و حلیة الاولیاء ۲/ ۳.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌گوید: ای شام! ای شام! دست من برتوست. ای شام! تو برگزیده‌ی من از سرزمین‌های هستی. بندگان مختار خود را در تو داخل می‌کنم. تو شمشیر انتقام و تازیانه‌ی عذاب منی، تو هشدار دهنده‌ای و محشر به سوی توست!

در آن شب که مرا به معراج بردند، ستونی سفید را - که گویی مروریدی بود و ملائکه حمل می‌کردند - مشاهده کردم، گفتم: چه چیزی را حمل می‌کنید؟ گفتند: ستون اسلام، و ما موریم آن را در شام قرار دهیم. من خواب بودم که دیدم کتابی از زیر مژگای من ریوند. پس پنداشتم که خداوند اهل زمین را رها کرده است. از این رو بدان دیده دوختم و دیدم نوری درخشان در مقابل من است، تا آنکه در شام قرار داده شد.

من گفتم: ای رسول خدا! برای من انتخاب نمایید، ایشان گفتند: برو به شام، هر که از این ابا دارد به یمنش برود و از رودخانه اش آب بگیرد. خدا برای من شام و اهل آن را ضمانت نموده است.»

ابن قدامه در الشرح الكبير ۳۷۶/۱۰ می‌نویسد: «در حدیثی با صراحت آمده است: پیوسته گروهی از امت در راه حق چیره می‌شوند و اگر کسی یاریشان نکند، زبانی به آنها نخواهد رسانید، تا آنکه امر خداوند فرارسد. آنان در شام اند.

در حدیث مالک بن یخامراز معاذ چنین آمده: و آنان در شام اند، بخاری آن را نقل می‌کند، و در تاریخ خود از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله اینگونه روایت می‌کند: همواره گروهی از امت در دمشق پیروزند.

در مورد شام روایات بسیاری نقل شده است، از جمله حدیث عبدالله بن حوالة ازادی از رسول خدا صلی الله علیه و آله: ... چرا که خداوند برای من شام و اهل آن را ضمانت کرده است. ابوداود این مضمون را روایت کرده است. ابودریس هنگامی که این روایت را می‌خواند می‌گفت: و کسی که خدا او را ضمانت کند هرگز تباه نگردد.»

در منابع ما آمده که مصرواهالی آن بر شام و اهالی آن برتری دارند، نهج البلاغة ۲۷/۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام: «ای محمد بن ابی بکر! بدان که من تو را بر بالاترین لشکرها نزد خود - که اهل مصرند - گماردم...»

ثقفی که از طبری اقدم است و بیشتر می‌توان بدو اعتماد نمود، در الغارات ۱/ ۲۸۸ از جندب بن عبدالله روایت می‌کند: «به خدا قسم در حضور حضرت علی علیه السلام نشسته بودم که عبدالله بن قعین جدّ کعب فریاد کنان از نزد محمد بن ابی بکر- که آن روز امیر مصر بود- آمد. حضرت برخاستند و در میان مردم ندا کردند و آنان را گرد آوردند. آنگاه بر فراز منبر رفته حمد و ثنای الهی را به جای آوردند، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود فرستادند و فرمودند: اما بعد، این فریاد کننده [و فرستاده‌ی] محمد بن ابی بکر و برادرانتان از اهل مصر است. [عمرو عاص] پسر نابغه که دشمن خدا و شماست به سراغ آنها رفته است. پس مبادا اتفاق و اجتماع اهل ضلالت و میل به راه طاغوت، بر باطلشان، بیش از اتفاق و اجتماع شما بر حَقّتان باشد. گویا شما با آنان روبرو شده‌اید و آنان جنگ با شما و برادرانتان را آغازیده‌اند. پس با مواسات و نصرت به سوی آنان بشتابید.

بندگان خدا! خیر مصر و اهالی آن از شما و اهل آن بالاتر است. پس مبادا بر آن مغلوب شوید.»
المستدرک ۴/ ۴۸۸ از عمرو بن حمق از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «فتنه‌ای رخ خواهد داد که ایمن‌ترین مردم در آن- و شاید فرمودند: بهترین مردم در آن- لشکر غربی [مصر] هستند. [عمرو بن حمق در ادامه گوید: از این رو من به مصر آمدم.

این حدیثی صحیح السند است، ولی بخاری و مسلم نیاورده‌اند.

سیوطی در الدیباچ علی مسلم ۴/ ۵۱۴ می‌نویسد: «طبرانی و حاکم از عمرو بن حمق نقل می‌کنند- و حاکم صحیح می‌شمارد- که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فتنه‌ای رخ خواهد داد که ایمن‌ترین مردم در آن لشکر غربی هستند.

ابن حمق گوید: از این رو من نزد شما به مصر آمدم. محمد بن ربیع چیزی نیز آن را در مسند الصحابة الذین دخلوا مصر نقل می‌کند و می‌افزاید: و شما آن لشکر غربی هستید. این منقبتی است برای اهل مصر در آغاز اسلام، و در طول دوران نیز تنها با فتنه‌های کمی روبرو شده و محفوظ مانده، و آنچه بر سر دیگر مناطق آمده بدان اصابت نکرده است، و همواره معدن علم و دین بوده است. آخر الامر نیز پایگاه خلافت و محلّی شده که بدان بسیار سفر می‌کنند. هم اکنون در دیگر مناطق [اسلامی]، پس از مکه و مدینه آن شعائر دینی که در مصر اظهار

می شود در جای دیگری اظهار نمی شود.»

نگارنده: اینکه عمرو بن حمق لشکر غربی را به مصر تفسیر می کند حجت است، زیرا تفسیر صحابی موثوق و معاصر زمان صدور روایت است.

حقیق به معنای کم ریش است. وی از صحابه بوده و در جلالت قدر به او پس قرنی می ماند. پیامبر ﷺ - پیش از آنکه او اسلام آورد - درباره اش به مسلمانان خبر دادند، و برای او پیام سلام و دعوت به اسلام را فرستادند. او هم نزد ایشان آمد و اسلام آورد.

احادیثی در وصف دگرگونی بلاد عرب در عصر ظهور

احادیث متعددی درباره ی دگرگون شدن بلاد عرب توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در این کتاب آورده ایم، از آن جمله: ابن شعبه حرانی رحمه الله در تحف العقول / ۱۱۵ از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «خدای عزوجل تنها به ما آغاز کرده و به پایان می برد. او فقط به ما آنچه را بخواهد، محومی کند، و تنها به ماست که زمانه ی سخت را برطرف می کند و باران را فرو می فرستد. مبدا فریبکار شما را درباره ی خدا بفریبد. اگر قائم ماقیام کند، آسمان بارانش را فرو می فرستد، زمین گیاهش را بیرون می دهد و کینه از دل بندگان رخت برمی بندد. درندگان و چارپایان با یکدیگر آشتی می کنند. چنان می شود که زنی میان عراق و شام راه می رود و گام خود را تنها بر گیاهان می گذارد، زنبیل خود را برسر دارد و هیچ درنده ای در صدد او بر نمی آید، و او نمی هراسد.»

ستیان نیز مشابه آن را نقل کرده اند، مسند احمد ۲ / ۳۷۰ از ابوهریره از آن حضرت: «قیامت به پا نمی شود مگر پس از آنکه سرزمین عرب را دشت و نهر فرا گیرد. سواره ای میان عراق و مکه سیر کند و از گم کردن راه نهر اسد. و نیز هرج فراوان شود. گفتند: یا رسول الله! هرج چیست؟ فرمودند: قتل.»

همو گوید: «قیامت به پا نمی شود تا آنکه مال فراوان شود، تا جایی که مردی زکات مالش را ببرد، ولی کسی را نیابد که آن را قبول کند. و سرزمین عرب را دشت و نهر فرا گیرد.»^۱

۱. رک به صحیح مسلم ۷۰۱/۲، المستدرک ۴/۴۷۷ - قسمت نخست را نقل می کند و صحیح می شمارد، مصابیح بغوی ۳/۴۸۸ - وی نیز صحیح می شمارد -، مجمع الزوائد ۷/۳۳۱ - صحیح می داند -، الدر المنثور ۶/۵۱۲ و المسند الجامع ۱۸/۴۱۳

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مصر و امام

وضعیت مصر در عصر ظهور

همگان، توصیه‌ی پیامبر ﷺ به مصرو اهالی آن را روایت کرده‌اند

شیخ حرعاملی رحمه الله در وسائل الشیعة ۱۱/ ۱۰۱ از ام سلمه روایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ هنگام وفات وصیت کردند که یهود و نصاری را از جزیره العرب بیرون کنند، و فرمودند: در مورد مصریان خدا را در نظر بگیرید، چرا که شما بر آنان پیروز خواهید شد و آنان یاران شما در راه خدا خواهند بود.»^۱

روایات مربوط به مصر در عصر ظهور

درباره‌ی مصر در عصر ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) احادیثی چند رسیده است. برخی، اهل مصر و نجیبان آن را که از یاران خاص امام (ع) هستند می‌ستاید و بعضی بیانگر آن است که ایشان مصر را مرکز اعلام جهانی اسلام قرار می‌دهند.

روایاتی نیز در مورد حرکت فاطمیین و ورود آنان به مصر و شام رسیده است که راویان آن را با روایات مربوط به سفیانی و ظهور خلط نموده‌اند.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

نجیبان مصر، وزیران حضرت مهدی (عج)

حدیث نجیبان مصر در منابع شیعی و سنی آمده است، شیخ طوسی در غیبت / ۲۸۴ از جابر بن یزید جعفی روایت می‌کند: «امام باقر (ع) فرمودند: در میان رکن و مقام سیصد و اندی نفر به تعداد اهل بدر با قائم بیعت می‌کنند که نجیبان از اهالی مصر، ابدال از اهالی شام و اختیار از اهل عراق در میان آنهایند. پس آن مقدار که خدا بخواهد درنگ می‌کند.»

دلائل الإمامة / ۲۴۸ از مقاتل از امیر المؤمنین (ع) روایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمودند: یا علی! ده رخداد پیش از روز قیامت خواهد بود، آیا در این باره از من نمی‌پرسی؟ عرضه داشتم: آری، ای رسول خدا! فرمودند: اختلاف و کشتار اهل حرمین، پرچم‌های سیاه، خروج سفیانی، فتح کوفه، فرو رفتن زمین در بیابان، مردی از ما اهل بیت که بین زمزم و

۱. و نیز امالی شیخ طوسی / ۴۰۴ و مناقب آل ابی طالب (ع) ۱ / ۹۵، نظیر آن در کتب اهل سنت مسند احمد / ۵ / ۱۷۴، صحیح مسلم / ۷ / ۱۹۰ و المستدرک / ۲ / ۵۵۳ - وی آن را بنابر شرط بخاری و مسلم صحیح می‌شمارد -.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مقام با او بیعت می‌کنند و عصائب [و گروه‌های] اهل عراق، ابدال شام، نجیبان مصر و اهل یمن به سوی او می‌روند. تعداد آنان تعداد اهل بدر است...»

اختصاص / ۲۰۸ از طارق بن شهاب از حذیفه از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند: «هنگام خروج قائم، منادی از آسمان ندا می‌کند: ای مردم! زمان جبّاران بر شما به پایان رسید و بهترین اُمّت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حکومت رسید، پس به مکه بروید. آنگاه نجیبان از مصر، ابدال از شام و عصائب عراق که راهبان شب و شیران روزند و گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است خارج می‌شوند و میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.

عمران بن حصین گفت: ای رسول خدا! این مرد را برای ما معرفی کنید، آن حضرت فرمودند: مردی است از نسل حسین، و بدان می‌ماند که از مردان شنوءه باشد. او دو عبای سفید در بردارد و همانم من است. در آن هنگام است که مرغان در آشیانه‌هایشان و ماهی‌ها در دریا‌هایشان شادمان می‌شوند. نهرها کشیده می‌شود و چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دو برابر خوراکش را می‌رویاند.

آنگاه رهسپار می‌شود در حالی که پیش قراول او جبرئیل و به دنباله‌ی لشکر اسرافیل است، پس زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ستم و بیداد آکنده شده است.»

و اما در کتب سنی‌ها: سنن الدانی / ۱۰۴ از ربیع بن خراش از حذیفه مشابه حدیث اختصاص را نقل می‌کند، در آن آمده است: «... پس عمران بن حصین خزاعی برخاست و گفت: ای رسول خدا! ما چگونه می‌توانیم او را بشناسیم؟ ایشان فرمودند: او مردی است از نسل من و گویا از مردان بنی اسرائیل است. دو عبای سفید در بردارد. رنگ چهره‌اش بسان ستاره‌ی درخشان است. برگونه‌ی راست خالی سیاه دارد. [در ظاهر] چهل ساله است. پس ابدال شام و شبیهان آنان، نجیبان از مصر و عصائب اهل مشرق و شبیهان آنها خارج می‌شوند تا آنکه به مکه آیند. میان زمزم و مقام با او بیعت می‌شود...»^۱

نگارنده: این فضیلتی بزرگ برای مصر و اهالی آن است، زیرا یاران خاصّ امام عصر عجل الله تعالی فرجه مقامی

۱. و نیز رک به فردوس الاخبار / ۵، ۵۲۳، تفسیر طبری / ۱۵ / ۱۷، الفائق / ۱ / ۸۷ و تهذیب ابن عساکر / ۶۲، ۶۳ و ۹۶

والا دارند. آنان بر زبان رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام ستایش شده‌اند و در دولت عدل الهی حاکمان عالم خواهند بود.

هیئت مصری، حاملان پیام بیعت با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در منابع ما وارد شده هنگامی که امام مهدی علیه السلام به شام می‌رسند، پرچم‌های مصریان نزد ایشان می‌آیند و بیعت می‌کنند. و این بعد از پیروزی امام در نبرد قدس و با پیش از آن خواهد بود. ارشاد / ۳۶۰ از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «گویا پرچم‌هایی سبزرنگ را می‌بینم که از مصر می‌آیند تا آنکه به شامات برسند و به پسر صاحب وصیت‌ها [بیعت را] اهداء کنند». این هیئت غیر از نجیبان هستند که هنگام ظهور در مکه حضور می‌رسند. آنان به نیابت از اهل مصر با امام علیه السلام بیعت می‌کنند. حدیث اشاره به تشکیل حکومتی در مصر دارد، که ولایت آن حضرت را پذیرفته است.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امیرامیران مصر در سال ظهور

غیبت نعمانی / ۲۸۳ از عبیدالله بن علاء از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی اموری که پس از خود تا قیام قائم واقع می‌شود مطالبی فرمودند، امام حسین علیه السلام عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! چه زمانی خدا زمین را از ستمگران پاک خواهد ساخت؟ ایشان فرمودند: خداوند زمین را از ظالمان پاک نمی‌کند تا آنکه خون حرام ریخته شود. آنگاه جریان بنی امیه و بنی عباس را در سخنی طولانی ذکر کردند، سپس فرمودند: آن هنگام که قیام کننده [ای] در خراسان قیام کند و برکوفان و ملتان^۱ غالب شود و از جزیره‌ی بنی کاوان^۲ بگذرد، و قائمی از ما در گیلان قیام نماید و آبر^۳ و دیلمان^۴ او را اجابت کنند، پرچم‌های ترک به طور پراکنده در نواحی و اطراف برای فرزندم آشکار شوند، و در میان

۱. منطقه‌ای در نزدیکی غزنه - معجم البلدان ۵ / ۱۸۹ - که اکنون در پاکستان است.

۲. جزیره‌ای در بحر بصره.

۳. منطقه‌ای در سیستان، معجم البلدان ۱ / ۴۹

۴. منسوب به دیلم و یا جمع آن به زبان فارسی است، یا آنکه نام یکی از مناطق اصفهان است، همان ۲ / ۵۴۴

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مشکلات باشند، زمانی که بصره ویران شود و امیرامیران در مصر قیام کند.»

نگارنده: این حدیث از سرنوشت امت و حکومت بنی امیه و بنی عباس سخن می‌راند، ولی شاهد از آن عبارت اخیر است که سخن از قیام امیرامیران مصری در تأیید امام عجل الله تعالی فرجه رانده، یعنی او فرمانده‌ای در لشکر مصر است.

قیام او از نشانه‌های ظهور امام عجل الله تعالی فرجه و همزمان با آن شمرده شده است. مؤید این امر نیز آن است که قائم خراسان و گیلان و بیرق‌های ترک در آذربایجان، در سال ظهور خواهند بود.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه وارد مصر می‌شود و آن را مرکز اعلام جهانی خویش قرار می‌دهد

منابع ما از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کنند که فرمودند: «در مصر منبری بنا خواهم کرد. سنگ سنگ دمشق را ویران خواهم ساخت. یهود را از تمام مناطق عرب بیرون خواهم نمود و با این عصای خود عرب را خواهم راند.

در این هنگام راوی که عبا‌یه‌ی اسدی است گفت: یا امیرالمؤمنین! گویا خبر از آن می‌دهید که بعد از مرگ زنده خواهید شد، ایشان فرمودند: هیهات، ای عبا‌یه! مطلب را درنیافتی، مردی از من این کارها را انجام می‌دهد، یعنی مهدی عجل الله تعالی فرجه.»^۱

این کلام به نبرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در دمشق با سفیانی - که پشت سر او یهود هستند - اشاره دارد، و اینکه امام بر آنان پیروز و وارد قدس می‌گردد - همان گونه که روایات بر آن تصریح می‌کند و پس از آن یهود را از بلاد عرب بیرون کرده و مصر را مرکز اعلام جهانی خویش قرار می‌دهد. حسن بن سلیمان حلی در مختصر بصائر الدرجات / ۱۹۵ خطبه‌ای را از حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند که مخزون نام دارد و در آن سخن از حرکت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، جنگ‌های ایشان و نیز ورود ایشان به مصر به میان آمده است، در آن خطبه آمده: «همانا هر چیزی زمانی دارد که بدان می‌رسد. خداوند نسبت به هیچ چیزی شتاب نمی‌ورزد تا آنکه زمان و پایان خود را دریابد. پس به بشارتی که بدان بشارت داده شده‌اید شاد باشید و به نزدیک بودن آنچه برایتان

۱. معانی الاخبار / ۴۰۶، الايقاظ من الهجرة / ۳۸۵ و بحار / ۵۳ / ۶۰

نزدیک شمرده شده است اعتراف کنید، و انجام آنچه را که خداوند به شما وعده داده درخواست نمایید.

همانا دعوتی خالص از جانب ما خواهد بود که خداوند حجت کامل خود را بدان آشکار و نعمت گسترده‌ی خود را تمام خواهد ساخت ...
شگفتی، تمام شگفتی بین جمادی و رجب است ...

ای مردم! از من سؤال کنید قبل از آنکه فتنه‌ای شرقی پایش را بلند کند و در مهارش گذارد - و این پس از مرگ و زندگانی است -، یا آنکه آتشی را با هیزم درشت در مغرب زمین شعله‌ور کند و دامن خود را بردارد و صدا بلند کند که ای وای خون خواهی کنید و انتقام گیرید. پس آن هنگام که فلک بگردد گویی: مرد، یا هلاک شد، در کدام وادی سیر می‌کند، تأویل این آیه آن روز است: **ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا**^۱ پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم ...

آنگاه رهسپار مصر می‌شود. بر فراز منبر آن می‌رود و برای مردم سخنرانی می‌کند. پس زمین به عدالت بشارت می‌دهد. آسمان باران خود و درخت میوه‌اش را عطا می‌کند. زمین گیاهش را می‌بخشد و برای اهلش زینت می‌کند. حیوانات وحشی آرام می‌شوند چنان که در راه‌های زمین مانند چارپایان می‌چرند. دانش در قلب‌های مؤمنان می‌افتد، پس هیچ مؤمنی نیازمند دانش برادرش نخواهد بود ...

تأویل این آیه آن روز خواهد بود: **أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ. وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ. فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَانْتَظَرِ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ**^۲ آیا ننگریسته‌اند که ما باران را به سوی زمین بایر می‌رانیم، و به وسیله آن کشته‌ای را برمی‌آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند؟ مگر نمی‌بینند؟ و می‌پرسند: اگر راست می‌گویید،

۱. سوره‌ی اسراء / ۶

۲. سوره‌ی سجده / ۳۰ - ۲۷

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

این پیروزی [شما] چه وقت است؟ بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند. پس، از ایشان روی برتاب و منتظر باش که آنها نیز در انتظارند. او میان خروج تا روز مرگ سیصد و اندی سال درنگ می‌کند، و تعداد یارانش سیصد و سیزده نفر است.»

گزارشی نیز وجود دارد که بیانگر آن است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه گنج‌ها و ذخایری از علوم در دو هرم مصدر دارد، شیخ صدوق در کمال الدین ۵۶۴/۲ از احمد بن محمد شعرانی - که از نسل عمار بن یاسر است - از محمد بن قاسم مصری نقل می‌کند: «پسر احمد بن طولون هزار کارگر را به مدّت یک سال برای یافتن در هرم به خدمت گرفت. آنان صخره‌ای مرمرین یافتند و در پشت آن بنایی بود که نتوانستند آن را بشکنند. اسقفی از حبشه آن صخره را که از زبان یکی از فراعنه بود خواند: اهرام و ساختمان بیرونی را بنا کردم، و دو هرم ساختم و گنج‌ها و ذخایرم را در آن دو به ودیعه نهادم.

ابن طولون گوید: [ما قادر به کشف بیش از این نیستیم و] تنها کسی که می‌تواند بدان دست یابد قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه است. و آن سنگ را به مکانش بازگردانند.» در این گزارش نقاط ضعفی وجود دارد، اما توان تأیید مطلب را داراست.

ابقع، و یاری او توسط مصریان

روایات مربوط به خروج سفیانی بیان می‌کند که پیش از او ابقع برضدّ اصهب حاکم شام خروج می‌کند و میان آن دو نزاع واقع می‌شود. در ادامه سفیانی از سمت حوران [درعا] می‌آید و با هردو می‌جنگد و پیروز می‌شود و حکومت سوریه را به دست می‌گیرد.

حال، ابقع یا خود اصالة مصری است یا اینکه یارانش مصری هستند، الفتن / ۷۷ از حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «سه پرچم در شام خارج می‌شود؛ اصهب، ابقع و سفیانی، سفیانی از شام خروج می‌کند و ابقع از مصر و سفیانی بر آنان پیروز می‌شود.»

همان ۱ / ۲۸۵ از اوطاة: «چون ترک و روم اجتماع کنند، و منطقه‌ای در دمشق به زمین فرورود و قسمتی از سمت غرب مسجد آن فروریزد، سه بیرق در شام برافراشته شود؛ ابقع، اصهب و

سفیانی. در دمشق مردی را اسیر کنند و با همراهانش به قتل رسانند. دوتن از نسل ابوسفیان خروج کنند که پیروزی با دومی آنهاست. پس چون یاران ابقع از مصر بیایند، سفیانی با سپاه خود بر آنان فائق آید. ترک و روم هم در قرقیسیا کشته شوند، چنان که درندگان زمین از گوشت آنان سیر شوند.»

نگارنده: صحیح آن است که حرکت ابقع در شام و مصر پشتیبان آن است.

مصریانی که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام به جستجوی امام بعدی آمدند

کافی ۱ / ۲۳۵ از ابو محمد حسن بن عیسیٰ عریضی روایت می‌کند: «پس از آنکه امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفتند، مردی از اهل مصر مالی را برای امام به مکه آورد ولی با اختلاف میان مردم مواجه شد. برخی گفتند: امام عسکری علیه السلام بدون آنکه کسی را جانشین تعیین کند از دنیا رفت، و جانشین جعفر است. بعضی هم گفتند: او جانشین تعیین نمود. مرد مصری شخصی به نام ابوطالب را با نامه‌ای به عسکر [سامرا] فرستاد. او به آنجا آمد و نزد جعفر رفت و از او برهان و دلیل بر امامت خود خواست. وی گفت: اکنون مجال آن نیست. ابوطالب نزد وکیل امام آمد و نامه را به دست اصحاب ما [شیعیان خاص] داد. پاسخ او اینگونه آمد: خداوند به تودر رابطه با صاحب پاداش دهد که از دنیا رفت، و درباره‌ی آن مالی که وی با خود داشت سفارش کرد که آن را به فردی مطمئن بدهد تا در آن به وظیفه‌ی خود عمل کند، و نامه‌اش پاسخ داده شد.»

کمال الدین ۲ / ۴۹۱ از اعلم مصری از ابورجاء مصری روایت می‌کند: «پس از آنکه امام عسکری علیه السلام از دنیا رفتند، مدت دو سال به جستجوی جانشین ایشان [پرداختم ولی چیزی به دست نیاوردم. در سومین سال در مدینه و در [منطقه‌ی] صریاء در پی همان مقصود بودم که ابو غانم از من درخواست نمود تا شام را میهمان او باشم.

من نشسته و با خود در اندیشه بودم و می‌گفتم: اگر خبری بود پس از سه سال معلوم می‌شد، که یکبار هنادی هاتفی که او را نمی‌دیدم را شنیدم که گفت: ای نصر بن عبد ربه!

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به اهل مصر بگو: آیا به رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشاهده‌ی ایشان ایمان آوردید؟

نصر [که نام همان ابورجاء است] گوید: من نام پدرم را نمی‌دانستم، زیرا در مدائن به دنیا آمدم، و نوفلی مرا - که پدرم فوت کرده بود - به مصر برد و در آنجا بزرگ شدم. چون آن ندا را شنیدم، به سرعت برخاستم و نزد ابو غانم هم رفتم، و رهسپار مصر گشتم.

[دیگر آنکه] دو تن از اهل مصر درباره‌ی دو فرزندشان نامه نوشتند، چنین پاسخ آمد: تو ای فلان! خداوند به تو پاداش دهد [و تسلیت گفتند] و برای دیگری دعا کردند، و پسر آن شخصی که او را تسلیت گفتند از دنیا رفت.

همان / ۵۰۵ جریان علی بن احمد عقیقی را که وارد بغداد می‌شود و به خاطر زمینی که داشته نزد وزیر می‌رود ولی دست رد بر سینه‌اش می‌زند، چنین نقل می‌کند: «پس من بازگشتم که فرستاده‌ی حسین بن روح - که خدا از او خشنود باشد و او را خشنود گرداند - سراغ من آمد. من هم نزد او شکوه کردم و او آن را به ایشان رسانید. پس با یکصد درهم، دستمال، مقداری حنوط و چند کفن آمد و گفت: مولایت سلام رسانده می‌فرماید: هنگامی که امری مهم برایت پیش آمد یا اندوهی تو را فرا گرفت، با این دستمال صورتت را مسح کن که از آن مولای توست. این درهم‌ها، حنوط و کفن‌ها را نیز بستان و بدان که حاجتت امشب برآورده می‌گردد. چون به مصر رسیدی محمد بن اسماعیل ده روز پیش از تو می‌میرد، و تو پس از او خواهی مرد و این کفن، حنوط و تجهیزات باشد...»

سپس به مصر رفت و آن زمین را گرفت. محمد بن اسماعیل ده روز پیش از او از دنیا رفت و او هم بعد از او، و در همان کفن‌ها کفن شد.»

دشمنی کعب الاحبار با مصر و دروغ‌پردازی‌های وی درباره‌ی آن

کعب الاحبار فعالیت خود را در نشر دادن مدح شام، و مذمت حجاز و مصر و عراق متمرکز کرد و سخنان او به دست شاگردانش به روایاتی نبوی مبدل شد!

از آن جمله روایت عبدالله بن عمر است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «ابلیس وارد عراق شد و نیاز خود را از آن برآورده ساخت. سپس به شام رفت ولی او را راندند. آنگاه به

مصر آمد، آنجا تخم گذارد و بیچه دار شد و بساط خود را گسترده [و استقرار یافت].^۱

المعجم الاوسط ۲۸۶/۶، المعجم الكبير ۲۶۲/۱۲ و تاریخ دمشق ۹۹/۱ از ایاس بن معاویه از رسول خدا ﷺ نقل می‌کنند: «خدای تعالی برای من شام و اهل آن را ضمانت کرده است. ابلیس به عراق آمد، در آن تخم گذاشت و بیچه دار شد. و به مصر آمد و بساط خود را گسترده و تکیه کرد! و نیز: کوه شام کوه پیامبران است.»

تاریخ دمشق ۳۱۷/۱ و ۳۱۸ چنین روایت می‌کند: «آنگاه داخل شام شد، ولی او را راندند تا آنکه به بساق رسید.»^۲

دروغ کعب الاحبار: دجال از مصر است

ابن حجر در فتح الباری ۲۷۷/۱۳ می‌نویسد: «ابونعیم هم از طریق کعب الاحبار روایت کرده است که مادر دجال او را در قوص در سرزمین مصر به دنیا می‌آورد، و گفته: فاصله‌ی بین تولد تا خروج اوسی سال است.»

کعب با این گفتار دروغین خود در صدد آن است که بگوید دجال - که در اعتقاد آنها پادشاه یهودیان است - پسران موسی علیهما السلام در مصر به دنیا می‌آید و رهبری بنی اسرائیل را برعهده می‌گیرد! ولی در روایات ما آمده که وی یهودی است و از بلخ خارج می‌شود، سنیان نیز آورده‌اند که او یهودی است و از اصفهان خروج می‌کند، مسند احمد ۲۲۴/۳ و صحیح مسلم ۲۰۷/۸ نقل می‌کنند: «پیامبر ﷺ فرمود: دجال از منطقه‌ی یهودی نشین اصفهان قیام می‌کند و هفتاد هزار تن از یهودیان که بر سر تاج دارند، همراه او خواهند بود.»

با این وجود، کعب دجال را عرب جلوه داده و یارانش را از اعراب می‌داند! در المصنف ابن ابی شیبیه ۶۷۱/۸ از کعب آمده است: «گویا می‌بینم که در صف مقدم لشکر دجال یک چشم، ششصد هزار نفر از اعراب هستند که جامه‌هایی سبز و گشاد دربردارند که تمام بدن را می‌پوشاند.»

۱. گذشته‌ای در مسیر مصر

۲. مجمع الزوائد ۶۰/۱۰ آن را توثیق می‌کند، ولی ابن جوزی در الموضوعات ۵۷/۲ به تضعیف آن می‌پردازد.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
یاران
ابدال
یاری‌فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر

سرزمین شام
حجاز
ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

درالکنی بخاری / ۶۵ از ابن عمر- که آن را از کعب فراگرفته - آمده است: «چهل هزار تن از اعراب اصیل از دجال پیروی می‌کنند.»

کعب در میدانی دیگر، دجال را اهل عراق نشان داد، زیرا عراق خوشایند وی نبود و علت آن بود که عراقیان و به خصوص قبائل یمنی او را خوش نداشتند. عبدالرزاق در المصنف ۱۱ / ۳۹۶ از کعب می‌آورد: «دجال از عراق قیام می‌کند.»

همودر / ۲۵۱ نقل می‌کند: «عمر بر آن شد که در عراق سکونت کند، ولی کعب بدو گفت: این کار را نکن چرا که دجال، جنیان عصیانگر، نه قسمت از ده قسمت سحر و هردرد سختی که از پای در می‌آورد - مقصود او هواها و هوس‌هاست - در آنجاست.»

رؤیاهای کعب درباره‌ی ویران شدن مصر و بلاد عرب!

کعب الاحبار به نشر این مطلب پرداخت که چون مسلمانان قسطنطنیه را فتح کنند، دجال خارج خواهد شد و مکه، مدینه، مصر و بلاد مسلمین ویران می‌شود! المستدرک ۴ / ۴۶۲ از وی چنین نقل می‌کند: «جزیره ایمن از خرابی است تا آنکه ارمینیه [ارمنستان] ویران شود. مصر ایمن از ویرانی است تا آنکه جزیره خراب گردد. عراق نیز ایمن است تا آنکه مصر ویران گردد. و جنگ واقع نخواهد شد تا زمانی که عراق خراب شود. و شهر کفر پیش از جنگ فتح نمی‌شود و دجال هم پیش از فتح آن قیام نخواهد کرد.»

علمای سنی حدیث لشکر مصر را صحیح می‌شمارند،

ولی علمای بنی‌امیه رد می‌کنند!

در جواهر التاریخ ۲ / ۳۹۰ گفتیم که راویان وابسته به دستگاه خلافت به جهت تعصبی که بر بنی‌امیه داشتند، حدیث عمرو بن حمق خزاعی صحابی در مدح مصر را نپذیرفتند، و این با وجود آن است که علمای سنی آن را صحیح شمرده‌اند!

المستدرک ۴ / ۴۸ از وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «فتنه‌ای رخ خواهد داد که ایمن‌ترین مردم در آن - و شاید فرمودند: بهترین مردم در آن - لشکر غربی هستند.

[عمرو بن حمق در ادامه گوید:] از این رومن به مصر آمدم.^۱

سیوطی در **الدیاج علی مسلم ۴/ ۵۱۴ می نویسد:** «طبرانی و حاکم از عمرو بن حمق نقل می کنند - و حاکم صحیح می شمارد - که رسول خدا ﷺ فرمودند: فتنه ای رخ خواهد داد که ایمن ترین مردم در آن لشکر غربی هستند. ابن حمق گوید: از این رومن نزد شما به مصر آمدم. محمد بن ربیع چیزی نیز آن را در مسند الصحابة الذین دخلوا مصر نقل می کند و می افزاید: شما آن لشکر غربی هستید. این منقبتی است برای اهل مصر در آغاز اسلام، و در طول دوران نیز تنها با فتنه های کمی روبرو شده و محفوظ مانده، و آنچه بر سر دیگر مناطق آمده بدان اصابت نکرده است. و همواره معدن علم و دین بوده است. آخر الامر نیز پایگاه خلافت و محلّی شده که بدان بسیار سفر می کنند. هم اکنون در دیگر مناطق [اسلامی]، پس از مکه و مدینه آن شعائر دینی که در مصر اظهار می شود در جای دیگری اظهار نمی شود.»

ورود لشکر مغرب به مصر

ابن حماد در الفتن، گزارشاتی می آورد که از ارتباط مصر با وقائع خروج سفیانی سخن می راند، و سخن از ورود مغربیان به مصر و شام می گوید. این اخبار عمده بدون سند است و حتی اگر صحیح باشد، بر ورود لشکر مغربی فاطمی به مصر و شام انطباق دارد.

الفتن ۱/ ۲۲۲ از عمار بن یاسر نقل می کند: «نشانه ی مهدی آن است که ترکان بر سر شما فروریزند. خلیفه ی شما که اموال را جمع می کند از دنیا رود و شخصی ضعیف پس از او به خلافت رسد که بعد از دو سال از بیعت با او خلع شود. در سمت غربی مسجد دمشق زمین فرورود. سه نفر در شام خروج کنند. اهل مغرب به مصر روند، و این نشانه ی سفیانی است.» همان ۱/ ۲۸۵ از **ارطاة می آورد:** «آن هنگام که ترک و روم گرد آیند، و منطقه ای در دمشق به زمین فرورود و قسمتی از سمت غرب مسجد آن فروریزد، سه پرچم در شام بالا رود؛ ابقع، اصبه و سفیانی. مردی در آنجا اسیر شود و با همراهانش کشته شوند. دوتن از فرزندان

۱. و نیز المعجم الاوسط ۸/ ۳۱۵ و التاریخ الکبیر ۶/ ۳۱۳ و ...

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ابوسفیان خروج کنند و دومی پیروز شود. زمانی که یاران ابقع از مصر آمدند، سفیانی با لشکرش بر آنان پیروز می‌شود. ترک و روم هم در قرقیسیا کشته می‌شوند و چنان می‌شود که دزدگان از گوشت آنان سیر گردند.»

شیخ طوسی مشابه آن را در غیبت / ۲۷۸ با همان سند ابن حماد از عمار بن یاسر روایت می‌کند: «دولت اهل بیت پیامبران در آخرالزمان خواهد بود و نشانه‌هایی دارد. پس بنشینید و دست نگه دارید تا آنها آشکار شوند. آن هنگامی که روم و ترک بر شما بشورند... و ترک و روم دچار اختلاف شوند، جنگ در زمین بسیار شود، منادی از دیوار دمشق ندا کند: وای بر زمینیان از شتری که نزدیک شده است، قسمت غربی مسجد آن به زمین فرو رود و دیوار آن فرو ریزد، سه نفر در شام برای دستیابی به حکومت خروج کنند؛ مردی ابقع، مردی اصبه و مردی از خاندان ابوسفیان که در میان قبیله‌ی کلب خروج و مردم را در دمشق محاصره می‌کند، اهل مغرب رهسپار مصر شوند و چون بدان وارد گردند، نشانه‌ی سفیانی خواهد بود.»

انطباق این گزارش بر نهضت فاطمین واضح است، سایر روایات نیز چنین است، لکن برخی از روایان آن را با روایت سفیانی اشتباه و خلط کرده‌اند، لذا نمی‌توان تنها با استناد به آن، به وجود ارتباط میان سفیانی و مصر دست یافت.

روایات دیگری در بین است که به مصر، ولی اعصار گذشته‌ی آن می‌پردازد، مانند بحران اقتصادی در حجاز که سبب آن امتناع مصر از ارسال مواد غذایی است و به قرون پیشین مربوط می‌شود و آن هنگامی که مواد غذایی از مصر به حجاز صادر می‌شد. لکن روایان آن را با جریان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خلط کردند! از جمله: مسند احمد ۲ / ۲۶۲ از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله: «عراق قفیز^۱ و درهم خود را منع می‌کند. شام مدّ و دینار خود، و مصر اردب و دینار خود را منع می‌کنند، و شما از همان جا که آمده اید باز خواهید گشت - و این جمله‌ی اخیر را سه مرتبه فرمودند! - گوشت و خون ابوهریره بدان گواهی می‌دهد.»

و شاید از این دست، روایتی باشد که سخن از حاکمی در مصر می‌راند که رومیان را بدانجا می‌آورد، ملاحم ابن منادی / ۳۳ از ابوذر رضی الله عنه نقل می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مردی از

۱. قفیز، مد و اردب اسامی چند پیمان‌ه است.

بنی امیه در مصر به قدرت خواهد رسید، ولی پس از مدّتی مغلوب می شود - یا حکومت را از او می ستانند - . آنگاه به روم گریخته و آنان را به سوی مسلمین می آورد، و این اولین نبردهاست.»

نگارنده: علاوه بر اشکال سندی، ممکن است این واقعه در گذشته اتفاق افتاده باشد، و البته با اینکه اولین نبردها باشد منافاتی ندارد، چرا که این لفظ هم چنان که در مورد رخداد‌های مربوط به ظهور امام علیّه به کار می رود، در موارد دیگری نیز استعمال می گردد.

سرزمین شام

وضعیت بلاد شام در عصر ظهور

شام و حرکت سفیانی

بلاد شام و شامات بر سوریه و لبنان فعلی - که کوه لبنان و بیرون شام نام دارد - اطلاق می شود، هم چنان که سوریه، اردن و شاید فلسطین را هم شامل شود. همان گونه که شام نام دمشق پایتخت سوریه نیز می باشد.

روایات در رابطه با شام، حوادث و شخصیت های آن در عصر ظهور بسیار است، و محور اساسی آنها جریان سفیانی است که پس از سیطره بر بلاد شام، نیروهایش را با شتاب به سوی عراق ارسال می کند. او در دیگر سونرویی را نیز به حجاز می فرستد تا حکومت آنجا را در برقراری امنیت مدینه و پایان دادن به نهضت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاری رساند. معجزه ی موعود در مورد لشکر سفیانی در آنجاست که رخ می نماید و آنان در حالی که در مسیر مکه هستند، به زمین فرو می روند.

بزرگترین نبرد سفیانی، با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، و این زمانی خواهد بود که امام علیه السلام برای فتح فلسطین رهسپار شام می شوند، و یهود و روم نیز پشتیبان سفیانی هستند. این جنگ با شکست سفیانی و پیروزی امام علیه السلام و فتح فلسطین و ورود ایشان به قدس پایان می یابد.

خروج سفیانی در سال ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

غیبت نعمانی / ۲۶۷ از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «سفیانی و قائم در یک سال خواهند بود.»

ارشاد / ۳۶۰ از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «خروج سه نفر؛ خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز خواهد بود، و در میان آنها، پرچمی هدایت محورتر از یمانی نیست، زیرا به حق دعوت می کند.»

آغاز حرکت سفیانی، بعد از خروج ابقع بر اصب و رخداد زلزله

غیبت نعمانی / ۳۰۵ از مغیره بن سعید از امام باقر از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می کند: «هنگامی که دو نيزه در شام درگیر شوند، این [درگیری] به پایان نمی رسد جز آنکه نشانه ای از نشانه های خداوند به وقوع می پیوندد.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

گفته شد: یا امیرالمؤمنین! کدام نشانه؟ فرمودند: زلزله‌ای در شام که در آن بیش از صد هزار نفر به هلاکت رسند، خداوند آن را رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران قرار می‌دهد. هنگامی که رخ داد، به صاحبان اسبان ابلق [که گوش یا دم آنها] بریده [یا کوتاه است] و پرچم‌های زردی که از مغرب می‌آیند تا آنکه وارد شام شوند، نظر کنید. این زمانی است که جنج اکبر و مرگ سرخ رخ دهد. هنگامی که چنین شد، بنگرید به منطقه‌ای از دمشق به نام حرستا که در زمین فرو می‌رود. آن هنگام پسرزن خورنده‌ی جگرها [سفیانی] از وادی یابس^۲ خارج می‌شود و بر منبر دمشق می‌نشیند. زمانی که این امر رخ داد منتظر خروج مهدی باشید.^۳

البدء والتاریخ ۱۷۷/۲ می‌نویسد: «از جمله اخباری که از حضرت علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی فتنه‌های شام رسیده این است: در پی آن واقعه، پسرزن خورنده‌ی جگرها خروج می‌کند تا بر منبر دمشق مستولی شود. در آن هنگام منتظر خروج مهدی باشید.

برخی از مردم [در تفسیر این سخن] گویند: این مطلب واقع شده و همان خروج زیاد بن عبدالله بن خالد بن یزید بن معاویه بن ابی سفیان در حلب است. آنان جامه‌های سفید پوشیدند، بیرق‌هایشان سفید بود و ادعای خلافت داشتند. پس ابوالعباس عبدالله [بن محمد] بن علی بن عبدالله بن عباس، ابو جعفر [منصور دوانیقی] را به سوی آنها فرستاد که آنان را از دم به هلاکت رساند. برخی دیگر می‌پندارند این موعودی که در بالا ذکر شد، صفتی دارد که در زیاد بن عبدالله موجود نبود، آنان گویند: این شخص از نسل یزید بن معاویه و آبله روست و در چشمش نقطه‌ی سفیدی دارد. او در دمشق خروج می‌کند و سوارگان و پاره لشکرهایش در بیابان و دریا می‌روند، شکم‌های زنان باردار را می‌شکافند، مردم را با آتّه تکه تکه می‌کنند و در دیگ‌ها می‌پزند. اولشکری را به مدینه گسیل می‌دارد. آنان هم می‌کشند، به اسارت می‌گیرند و به آتش می‌کشند، قبر رسول خدا ص و حضرت فاطمه عجل الله تعالی فرجه را نبش می‌کنند،

۱. این عبارت وصفی برای وسائل سواری اهل مغرب یا غریبان است.

۲. از حوران تا اردن و ناپلس در فلسطین

۳. نظیر آن غیبت شیخ طوسی / ۲۷۷، العدد القویة / ۷۶، منتخب الانوار / ۲۹، اثبات الهداة / ۳ / ۷۳۰ و بحار

و هر آنکه را محمد یا فاطمه نام دارد می‌کشند و بر در مسجد به دار می‌آویزند، در این هنگام است که خشم خدا بر آنان شدّت می‌گیرد و آنان را در زمین فرو می‌برد، و این سخن خداست: وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ،^۱ وای کاش می‌دیدید هنگامی را که [کافران] وحشت‌زده‌اند [آنجا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند؛ یعنی از زیر گام‌هایشان گرفتار شده‌اند.»

در فصل یازارن امام عصر عجل الله تعالی فرجه روایتی مهم از غیبت نعمانی / ۲۷۹ و تفسیر عیاشی / ۱ / ۶۵ و دیگر منابع گذشت که امام باقر علیه السلام در آن سلسله‌ی وقایع مربوط به سفیانی را بیان می‌فرماید، از جمله آنکه: «ای جابر! در خانه بنشین و هیچ تحرّکی از خود نشان نده تا زمانی که نشانه‌هایی را که برایت می‌گویم در طول یک سال ببینی، و بنگری منادی در دمشق ندا می‌کند، زمین در یکی از مناطق آن فرو می‌رود و قطعه‌ای از مسجد آن سقوط می‌کند...

اهل شام در آن زمان اختلاف می‌کنند و به سه پرچم [و گروه] تقسیم می‌شوند؛ اصهب، ابقع و سفیانی. مُضربا بنی ذنب الحمار خواهند بود، و [بنی] کلب که دایی‌های سفیانی هستند با او. او و همراهانش بر بنی ذنب الحمار غالب شده آنان را به طوری که سابقه نداشته خواهند کشت. مردی از بنی ذنب الحمار به دمشق می‌آید و خود و همراهانش به طوری بی سابقه به قتل خواهند رسید. این آیه ایست که خداوند می‌فرماید: فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ،^۲ گروه‌ها با هم اختلاف کردند، پس وای بر کافران به هنگام حضور در آن روز بزرگ.

سفیانی و لشکریانش می‌آیند و تنها مقصودشان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان آنهاست...» مقصود از بنی ذنب الحمار بنی عباس هستند و این تعبیر کنایه از حکومتی است که در خطّ عباسیان و دشمن اهل بیت علیهم السلام باشد.

۱. سوره ی سبأ / ۵۱

۲. سوره ی مریم / ۳۷

چهره‌ای هراس آور، سری بزرگ، سرخ رو با چشمانی آبی رنگ

کمال الدین ۶۵۱/۲ از عمر بن اذینه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «پدرم فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پسرزن خورنده‌ی جگرها از وادی یابس خروج می‌کند. او مردی است میانه قامت، با چهره‌ای هراس آور و سری بزرگ. در صورتش نشان آبله است. چون او را مشاهده کنی یک چشم پنداری. نامش عثمان و نام پدرش عنبسه است و از نسل ابوسفیان می‌باشد. او می‌آید تا به زمینی که زیستگاه و دارای آب زلال است برسد و بر منبر آن بالا رود.»

غیبت نعمانی / ۳۰۶ از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «سفیانی به سرخی می‌زند، بور است و چشمانی آبی دارد. هرگز خدا را عبادت نکرده و مکه و مدینه را ندیده است. او می‌گوید: خدای من! انتقام را می‌گیرم و داخل آتش می‌شوم، خدای من! انتقام را می‌گیرم و داخل آتش می‌شوم.»

کمال الدین ۶۵۱/۲ مشابه آن را نقل می‌کند، در آن نقل آمده است: «اگر سفیانی را ببینی خبیث ترین مردم را دیده‌ای. او بور است، به سرخی می‌زند و چشمانی آبی دارد. می‌گوید: خدای من! انتقام را بگیرم، انتقام را بگیرم، پس از آن وارد آتش می‌شوم. خبثت او تا بدانجا رسیده که کنیزی را که از آن فرزند دارد زنده دفن می‌کند تا مبادا او را معرفی کند.»

ارشاد / ۳۵۹ از امام باقر علیه السلام: «منطقه‌ای در شام که جاییه نام دارد به زمین فرو رود. ترک در جزیره و روم در رمله فرود آیند. در آن زمان اختلاف بسیاری در همه جای زمین رخ دهد تا آنکه شام خراب شود. سبب ویرانی آن، آن است که سه بیرق در آن گرد آیند؛ بیرق اصبه، ابع و سفیانی.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۸ از بشر بن غالب: «سفیانی از بلاد روم در زئی مسیحیان و با صلیبی در گردن می‌آید. او رئیسی است.»

یعنی وی در صدد نزدیک کردن خود به مسیحیان است.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سفیانی از نسل معاویه

کتاب سلیم / ۱۹۷ می نویسد: «از نامه های حضرت علی علیه السلام به معاویه: ای معاویه! رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داده اند که بنی امیه محاسن مرا از خون سرم رنگین می کنند و من به شهادت می رسم، پس از من تو بر این ائت به حکومت خواهی رسید، تو پسر من حسن را با نیرنگ مسموم خواهی کرد، و پسرت یزید پسر من حسین را خواهد کشت و پسر زنی زناکار از سوی او عهده دار این کار خواهد شد و بعد از توهفت تن از فرزندان ابوالعاص و مروان بن حکم - تا آن دوازده تن پیشوا [ی ضلالت] که رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده بود به مانند بوزینگان بر منبرش می جهند و ائت او را از دین خدا به پشت سرهایشان [و جاهلیت] باز می گردانند و سخت ترین عذاب را در روز قیامت در میان مردم دارند، کامل شوند - زمام ائت را به دست خواهند گرفت. و خداوند به وسیله ی پرچم های سیاهی که از سمت مشرق می آید، خلافت را از آنها خارج خواهد کرد، به دست آنان اینان را به ذلت نشانده و زیر هر سنگی به قتل خواهد رساند.

و اینکه مردی از نسل توشوم، ملعون، جلف، جفاکار، وارونه دل، خشن و سخت است و خداوند رأفت و رحمت را از دل او کنده. دایی هایش از کلب هستند و گویا او را می نگریم. اگر می خواستم نام و صفت او و نیز اینکه چند سال دارد را می گفتم. او لشکری به مدینه می فرستد که بدان وارد می شوند. کشتار و فحشاء بسیاری به راه می اندازند. مردی از فرزندان من - که پاک و منزّه است و زمین را از عدل و داد آکنده می سازد، همان سان که از ستم و جفا پر شده - از آنان می گریزد. من نام، نشانه و سنّ او در آن روز را می دانم. او از فرزندان پسر من حسین است که پسرت یزید او را می کشد. او خون خواه پدرش است. پس به سوی مکه فرار می کند. رئیس آن لشکر مردی پاک و بی گناه از فرزندان مرا در کنار احجار الزیت خواهد کشت.

آنگاه آن لشکر به سمت مکه می روند. من نام فرماندهی آنها، اسامی آنان و نشانه های اسبانشان را نیک می دانم. چون به بیابان رسند و بر آن قرار گیرند، خداوند آنها را به زمین فرو خواهد برد، خداوند عزوجل می فرماید: **وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ،**

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

وای کاش می‌دیدى هنگامى را که [کافران] وحشت‌زده‌اند [آنجا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند؛ یعنی از زیرگام‌هایشان. از آن لشکرتنها مردی باقی می‌ماند که خدا صورتش را به پشت برگردانده است.

و اینکه خداوند برای مهدی اقوامی را برمی‌انگیزد که به مانند پاره‌های ابرپاییزی [پراکنده بودند، ولی] گرد می‌آیند. به خدا قسم من اسامی آنان و نام امیرشان و محلّ توقف مرکب‌هایشان را می‌دانم. سپس مهدی داخل کعبه می‌شود، می‌گرید و به تضرّع می‌پردازد...»

سفیانی، حتمی و ناگزیر

کافی ۸/ ۳۱۰ از عمر بن حنظله نقل می‌کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه شنیدم که فرمودند: پنج نشانه قبل از قیام قائم خواهد بود؛ فریاد، سفیانی، فرو رفتن زمین، کشته شدن نفس زکیه و یمانی، عرضه داشتیم: فدایت گردم، اگر کسی از اهل بیت شما پیش از رخداد این نشانه‌ها خروج کرد، آیا با او خروج کنیم؟ فرمودند: نه.

روز بعد این آیه را تلاوت کردم: **إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**^۱، اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد، و گفتیم: آیا این همان فریاد است؟ فرمودند: بدان، چون آن واقع شود، گردن‌های دشمنان خداوند عزیز و جلیل خاضع گردد.^۲»

کمال الدین ۲/ ۶۵۲ از ابو حمزه‌ی ثمالی نقل می‌نماید: «به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفتم: امام باقر عجل الله تعالی فرجه می‌فرمودند: خروج سفیانی از امور حتمی است. ایشان فرمودند: آری، و نیز اختلاف فرزندان عباس حتمی است، قتل نفس زکیه حتمی است، و خروج قائم حتمی است.

۱. سوره‌ی شعراء / ۴

۲. در روایت، این عبارت آمده: أما لو كانت، خضعت أعناق أعداء الله عزوجل، و ضمیر مستتر موجود در کانت - که به لفظ: آن ترجمه شد - همان گونه که ممکن است به صیحه و فریاد رجوع کند، ممکن است به کلمه‌ی آیه که در آیه‌ی شریفه آمده بازگردد. م

۳. مشابه آن غیبت نعمانی ۲۵۲/

عرض کردم: ندا چگونه است؟ فرمودند: منادی ابتدای روز از آسمان ندا می‌کند: بدانید، حق با علی و شیعه‌ی اوست، آنگاه در آخر روز ابلیس - که خدایش لعنت کند - ندا می‌کند: حق با سفیانی و پیروان اوست، پس باطل گرایان دچار تردید می‌شوند.^۱

غیبت نعمانی / ۲۵۲ از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام: «ندا از حتمیات است، سفیانی از حتمیات است، یمانی حتمی است، کشته شدن نفس زکیه از حتمیات است، و دستی که از آسمان ظاهر می‌شود حتمی است، و فرمودند: فریادی در ماه رمضان که خواب را بیدار می‌کند، بیدار را می‌ترساند، و دختر را از پرده بیرون می‌آورد.»

معانی الاخبار / ۳۴۶ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «ما و آل ابی سفیان دو خاندانی هستیم که برای خدا با یکدیگر به دشمنی پرداختیم، ما گفتیم: خداوند راست گفته است، آنان گفتند: خدا دروغ گفته است، ابوسفیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگید و معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام، یزید بن معاویه با امام حسین علیه السلام نبرد کرد، و سفیانی با قائم علیه السلام خواهد جنگید.»

قرب الاسناد / ۱۶۴ از ابن اسباط از امام کاظم علیه السلام روایت می‌کند: «امر قائم از سوی خدا حتمی است، و امر سفیانی از سوی خدا حتمی است، و قائم نخواهد بود مگر با سفیانی. عرضه داشتیم: فدایت گردم، آیا در این سال خواهد بود؟ فرمودند: هر آنچه خدا بخواهد، گفتیم: سال آینده؟ فرمودند: خدا هر آنچه خواهد انجام دهد.»

بحار الانوار / ۵۲ / ۲۴۹ از غیبت نعمانی^۲ از حمران بن اعین روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی: **ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ**^۳، آنگاه مدتی را مقرر داشت، و اجل حتمی نزد اوست، فرمودند: آنها، دو اجل هستند؛ اجل حتمی و اجل موقوف.

حمران گفت: حتمی چیست؟ فرمودند: آنچه غیر از آن نشود، گفت: موقوف چیست؟ فرمودند: آنچه خداوند در آن مشیت دارد [و ممکن است آن را تغییر دهد]. عرضه داشت: امیدوارم سفیانی از قسم موقوف باشد، ایشان فرمودند: نه، به خدا قسم از محتوم است.»

۱. و نیز غیبت شیخ طوسی / ۲۷۴ و با اندکی تفاوت ۲۶۶، الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۶۱ و اثبات الهداة ۳ / ۴۵۱

۲. روایت غیبت نعمانی / ۳۰۱ افتادگی دارد که در نسخه‌ی علامه‌ی مجلسی از آن کتاب، آمده است. م

۳. سوره‌ی انعام / ۲

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

غیبت نعمانی / ۳۰۱ از عبد الملک بن اعین می‌آورد: «در حضور امام باقر عجل الله تعالی فرجه بودم که سخن از قائم عجل الله تعالی فرجه به میان آمد، من عرض کردم: امید آن دارم که همین نزدیکی‌ها و بدون سفیانی رخ دهد، ایشان فرمودند: نه، به خدا سوگند آن امری حتمی و ناگزیر است.

فضیل بن یسار از آن حضرت روایت می‌کند: برخی از امور موقوف و برخی دیگر محتوم است، و سفیانی از محتومی است که گزیری از آن نیست».

همان / ۳۰۲ از ابو هاشم نقل می‌نماید: «نزد امام جواد عجل الله تعالی فرجه بودیم که سخن از سفیانی و اینکه در روایت آمده: او حتمی است به میان آمد، من عرضه داشتم: آیا برای خداوند نسبت به امر حتمی بدا حاصل می‌شود؟ ایشان پاسخ مثبت دادند، گفتم: بیم آن داریم که برای خداوند نسبت به [قیام] قائم نیز بدا حاصل شود [و ایشان ظهور نکنند]! امام عجل الله تعالی فرجه فرمودند: قائم وعده‌ی خداست، و خداوند خلف وعده نمی‌کند.»

نگارنده: بدا در حتمی رخ نمی‌دهد، لذا باید گفت بدا در این حدیث به یک معنای دیگر غیر از معنای معروف است، بدایی از نوع: يَمَحُورُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنَبِّئُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ^۱، خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند، و اصل کتاب نزد اوست، و از نوع: لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ^۲، کار در گذشته و آینده از آن خداست.

یعنی قدرت خداوند متعال حتی شامل امر حتمی نیز می‌شود و می‌بایست تسلیم او بود. کمال الدین ۵۱۶/۲ توقیع امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به سفیر چهارم جناب علی بن محمد سمیری رحمه الله را نقل می‌کند، در قسمتی از آن آمده است: «کسانی نزد شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده می‌کنند، بدانید، هر کس پیش از خروج سفیانی و فریاد، ادعای مشاهده کند، کذاب و افترا زن است.»

دوران سفیانی یک سال و چند ماه

غیبت نعمانی / ۲۹۹ از عیسی بن اعین از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «سفیانی حتمی

۱. سوره‌ی رعد / ۳۹

۲. سوره‌ی روم / ۴

و خروجش در رجب است. از ابتدای خروج تا انتهای آن پانزده ماه است. در مدت شش ماه می جنگد، و هنگامی که بر مناطق پنجگانه سیطره یافت نه ماه حکومت خواهد کرد، حتی یک روز هم بیشتر نخواهد بود.»

همان / ۳۰۴ از هشام بن سالم از آن حضرت: «هنگامی که سفیانی بر مناطق پنجگانه سلطه یافت، نه ماه برایش حساب کنید.

هشام بر این باور است که مناطق پنجگانه دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب است.» همان / ۳۰۰ از معلى بن خنيس از امام صادق عليه السلام: «... خروج سفیانی در رجب، از محتوم است.» همان / ۳۰۲ از خلاد صائغ از آن حضرت: «سفیانی ناگزیر خواهد بود، و خروج نمی کند مگر در رجب. مردی عرض کرد: یا ابا عبدالله! هنگام خروج وی، ما چه کار کنیم؟ فرمودند: آن هنگام به سوی ما بیایید.»

کمال الدین ۲ / ۶۵۱ از عبدالله بن ابی منصور بجلی روایت می کند: «از امام صادق عليه السلام درباره ی نام سفیانی پرسیدم، ایشان فرمودند: با نام او چه کار داری؟ زمانی که مناطق پنجگانه ی شام - دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین - را تحت سیطره در آورد، آن هنگام منتظر فرج باشید، عرضه داشتم: آیا نه ماه حکومت می کند؟ فرمودند: نه، ولی هشت ماه حکومت خواهد داشت، و نه یک روز بیشتر.»^۱

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۸ از عمار دهنی روایت می کند: «امام باقر عليه السلام فرمودند: درنگ سفیانی را در میان خود چه مقدار می دانید؟ گفتم: نه ماه، مدت بارداری یک زن، ایشان فرمودند: شما ای اهل کوفه! چقدر آگاهید.»

همان / ۲۷۳ از محمد بن مسلم از امام صادق عليه السلام نقل می نماید: «سفیانی پس از آنکه بر مناطق پنجگانه سلطه یابد، به مدت بارداری یک زن حکمرانی خواهد کرد، در ادامه فرمودند: اَسْتَغْفِرُ اللهَ، بارداری یک جمل [شتر]، او امری حتمی و ناگزیر است.»

نگارنده: شیخ حر عاملی رحمته الله صاحب اثبات الهداة به تردید موجود در این روایت اشکال کرده است، و حق با ایشان است، زیرا تردیدی است واضح و چنین چیزی از معصوم عليه السلام صادر

۱. و نیز اعلام البوری / ۴۲۸، منتخب الانوار / ۱۷۷ و اثبات الهداة ۳ / ۷۲۱

نمی‌شود. علاوه بر آنکه جمل در لغت تنها بر شتر نر اطلاق می‌شود. لذا اگر روایت صحیح باشد باید گفت این تردید از راوی آن است.

نجات یافتگان از متابعت سفیانی در بلاد شام

غیبت نعمانی / ۳۰۴ از امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف امام مهدی علیه السلام نقل می‌کند: «... مجعّد است، و برگونه خالی دارد. آغاز او از مشرق خواهد بود. چون چنین شود، سفیانی خروج کرده به اندازه‌ی مدّت حمل یک زن - نه ماه - حکومت می‌کند. او در شام خروج می‌کند و اهل شام - مگر گروه‌هایی که بر حق استوارند و خدا آنان را از خروج با او مصون می‌دارد - تسلیم او می‌شوند.

او لشکری انبوه به سمت مدینه می‌فرستد. به بیابان مدینه که می‌رسند خداوند آن را در زمین فرو می‌برد، و این سخن خدای عزیز و جلیل است: **وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ**، و ای کاش می‌دید هنگامی را که آنان وحشت زده‌اند، پس گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند.»

هجوم وی بر شیعیان در شام، در ماه رمضان یعنی دو ماه پس از حرکتش می‌آغازد. همان / ۳۰۰ از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام: «... چه می‌خواهید؟ آیا نمی‌بینید که دشمنانتان در نافرمانی خدا با یکدیگر می‌جنگند و برخی از آنها برخی دیگر - و نه شما - را بر سر دنیا می‌کشند، و شما در خانه‌هایتان ایمن و از آنان به دورید؟ سفیانی برای انتقام‌گیری شما از دشمنانتان کافی است و او یکی از نشانه‌ها برای شماست. آن فاسق چون خروج کند، شما یک یا دو ماه بعد از خروج وی درنگ می‌کنید و [در آن برهه] زبانی از جانب او بر شما وارد نمی‌شود تا آنکه او مردمان بسیاری از غیر شما را بکشد.

برخی از یاران امام علیه السلام عرض کرد: آن هنگام [و بعد از آن یک یا دو ماه،] با خانواده‌هایمان چه کنیم؟ حضرت فرمودند: مردان شما از او پنهان شوند، چرا که بیم و غضب او تنها بر شیعیان ماست. اما زنان - اگر خداوند تعالی بخواهد - زبانی به آنان نخواهد رسید. پرسیدند: مردان به کجا بگریزند؟ فرمودند: هر که خواست جایی برود، به مدینه، مکه و یا

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مناطق دیگری برود، آنگاه افزودند: با مدینه چه کار دارید، و حال آنکه لشکر آن فاسق آهنگ آن را خواهند کرد؟ لکن به مکه بروید که محلّ اجتماع شماست. فتنه‌ی او تنها به مدّت بارداری زن - نه ماه - است، و اگر خداوند بخواهد از آن تجاوز نخواهد نمود.»

چون سفیانی خروج کرد، به سمت ما بیاید

کافی ۸/ ۲۷۴ از فضل کاتب نقل می‌کند: «در حضور امام صادق علیه السلام بودم که نامه‌ی ابومسلم خراسانی رسید، ایشان [به قاصد] فرمودند: نامه‌ات جوابی ندارد، از نزد ما بیرون رو. ما با یکدیگر آرام آرام صحبت می‌کردیم،^۱ ایشان فرمودند: درباره‌ی چه با هم آرام آرام سخن می‌گویید؟ ای فضل! خداوند که ذکر او عزیز است به خاطر شتاب بندگان شتاب نمی‌کند، و البته که برکندن یک کوه از موضعش، آسانتر از میان بردن حکومتی است که مدّت آن پایان نیافته است.

سپس فرمودند: فلان بن فلان - تا آنکه به هفتمین شخص از فرزندان فلان رسیدند - [پیش از قائم ما حکومت خواهند داشت].^۲

من گفتم: فدایت شوم، نشانه‌ی میان ما و شما [برای ظهور] چه خواهد بود؟ ایشان فرمودند: ای فضل! حرکتی از خود نشان نده تا آنکه سفیانی خروج کند، پس چون خروج کرد ما را اجابت کنید - و این را سه بار فرمودند -، و او حتمی است.»

اثبات الوصیة / ۲۲۶ از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام: «آنچه بدان امید دارید واقع نخواهد شد، تا آنکه سفیانی بر چوب‌های آن^۳ سخنرانی کند. پس چون چنین امری رخ داد، قائم آل محمد علیه السلام از سمت حجاز به سوی شما بیاید.»

کافی ۸/ ۲۶۴ از عیص بن قاسم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «تقوای خداوند - که یگانه است و هیچ شریکی ندارد - را پیشه کنید و بر خود مراقب باشید، زیرا به خدا سوگند [ممکن است] مردی باشد که گله‌ای گوسفند دارد و بر آن چوپانی گمارده باشد، حال اگر او مردی

۱. ظاهراً در این باره صحبت می‌کردند که چرا امام علیه السلام حاضر نشدند حتی نامه‌ی او را بخوانند.

۲. سخن در رابطه با بنی عباس است و اینکه حکومت اینان قبل از خروج قائم ماست.

۳. ظاهراً مقصود دمشق است.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

را یافت که از این چوپان به گوسفندانش آگاه‌تر باشد، این را اخراج می‌کند و آن مرد داناتر را می‌آورد. به خدا قسم اگر شما دو جان داشتید که با یکی می‌جنگیدید و تجربه حاصل می‌کردید، و دومی باقی می‌ماند و آن گونه که برایتان [راه صحیح] روشن می‌شد رفتار [و زندگی] می‌کردید [خوب بود]، ولی یک جان بیشتر نیست که اگر از دست رود به خدا دیگر توان توبه نیز از دست رفته است، پس شما شایسته‌ترید که برای خود بگزینید.

اگر کسی از ما به سراغتان آمد، بنگرید برای چه خروج می‌کنید؟ نگویید زید خروج کرد، زید دانا و صدوق بود و شما را به خود نمی‌خواند، بلکه تنها به رضا از آل محمد عجل الله تعالی فرجه دعوت کرد، و اگر پیروز می‌شد، به آنچه شما را بدان دعوت کرده بود وفا می‌کرد. او به سوی حکومتی مجتمع خارج شد تا آن را در هم شکند، ولی آن کس از ما که امروز خروج کند شما را به چه چیزی دعوت می‌کند؟ به رضا از آل محمد عجل الله تعالی فرجه؟ ما شما را شاهد می‌گیریم که بدان راضی نیستیم. او امروز - که هیچ کسی همراهش نیست - از ما نافرمانی می‌کند، و آن زمان که پرچم‌ها و بیرق‌ها در میان باشد، سزاوارتر است که از ما نشنود [و نافرمانی کند]، مگر آن کسی که بنی فاطمه با او همراهی کنند. به خدا قسم صاحب شما تنها آن کس است که آنان برگرد او جمع شوند.

چون رجب فرا رسید، به نام خدای عزوجل بیایید، و اگر خوش داشتید تا شعبان تأخیر بیاندازید اشکالی ندارد، و اگر خواستید در میان خانواده‌هایتان [رمضان را] روزه بدارید و شاید این کار موجب توانایی بیشتر شما شود [ایرادی ندارد]. به عنوان نشانه، سفیانی برایتان کافی است.»

کافی ۸/ ۲۶۶ از سدیدنقل می‌کند: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای سدید! ملازم خانه، و فرشی از فرش‌های آن باش. مادامی که شب و روز آرام است، آرام باش. پس آن هنگام که به تو خبر خروج سفیانی رسید، به نزد ما بیا اگر چه پیاده باشی.»^۱

بحار الانوار ۵۲ / ۲۷۰ همین روایت را نقل می‌کند و در ادامه‌ی آن آمده است: «عرضه داشتم: فدایت شوم، آیا پیش از آن [که سفیانی خروج کند] امری رخ خواهد داد؟ فرمودند: آری

۱. و نیز وسائل الشیعة ۱۱ / ۳۶ و بحار ۵۲ / ۳۰۳ و ۲۷۰

و با سه انگشت به سمت شام اشاره کردند و فرمودند: سه بیرق؛ بیرق حسنی، اموی و قیسی. آنان حضور دارند که یکباره سفیانی خروج کرده و بسان زرع آنها را درو می کند و چون آن را ندیده ای.»

نگارنده: در این حدیث، تفصیل حرکت آنها نیامده است. ممکن است مقصود حکومت حسنیان، بنی امیه و یمنی ها باشد. بیرق حسنی از زمان بنی امیه مطرح بوده است، العقد الفرید ۵ / ۷۲ می نویسد: «علت قتل سدید به دست منصور عباسی ایباتی ابهام برانگیز بود که وی سرود و برای او فرستاد:

أسرفت فی قتل الرعیة ظالماً فاکفف یدیک أظللها مهدیها

فلتأتیتک رایة حسنیة جرارة یقتادها حسنیها

در کشتار رعیت زیاده روی نمودی، دست نگه دار، آمدن مهدی نزدیک است به حتم [لشکرو] بیرقی حسنی به سراغت خواهد آمد که انبوه است و حسنی آن را رهبری می کند»

تلاش های برای اجبار امام صادق و امام رضا علیه السلام بر قیام

غیبت نعمانی / ۲۵۳ روایت می کند: «امام رضا علیه السلام فرمودند: پیش از این امر [ظهور]، سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهند بود، پس این چرا چنین ادعا می کند؟»^۱ نگارنده: مروانی کسی است که پیش از سفیانی در شام ظاهر می شود. شعیب بن صالح هم فرمانده لشکر خراسانیان است.

کافی ۸ / ۳۳۱ از معلی بن خنیس روایت می کند: «نامه ی عبد السلام بن نعیم و سدیرو افرادی دیگر را برای امام صادق علیه السلام بردم و این زمانی بود که سیاه جامگان ظهور کرده بودند و هنوز بنی عباس به قدرت نرسیده بودند. مفاد نامه ها این بود که ما توان بازگرداندن خلافت

۱. و نیز اثبات الهداة ۳ / ۷۳۵. ابوالسرایا سرّی بن منصور شیبانی در سال ۱۹۹ و در دوران خلافت مأمون در کوفه خروج کرد و مردم را به بیعت با محمد بن ابراهیم بن اسماعیل طباطبای فرزند ابراهیم بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام دعوت کرد و نهضتی به راه انداخت، و نهایتاً کشته شد، رک به تئمة المنتهی / ۳۳۴، محمد بن ابراهیم خود را قائم نامیده بود و ممکن است این روایت ردّی براو باشد. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجله تعالی فرجه‌ش

منزلت امام عجله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به شما را داریم، نظر شما چیست؟ ایشان نامه‌ها را بر زمین زدند و فرمودند: اف، اف، من امام اینان نیستم، آیا ندانستند تنها او [قائم] سفیانی را می‌کشد؟»

رجال کشی / ۳۵۳ مشابه همین جریان را نقل می‌کند و حضرت طبق آن نقل می‌فرماید: «من امام اینان نیستم، آیا ندانستند صاحبشان سفیانی است؟»

نگارنده: می‌بایست به فشارهایی که امامان عجله تعالی فرجه‌ش - از ناحیه‌ی شیعیان و نیز کسانی که در حکومت طمع داشتند - با آن مواجه بودند توجه داشت، یعنی همان کسانی که به دنبال اجازه‌ی ائمه عجله تعالی فرجه‌ش بودند تا به نام ایشان به صحنه‌ی سیاست پا گذارند و قیام کنند، با این بهانه که پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به حضرت مهدی عجله تعالی فرجه‌ش و دولت ایشان بشارت داده‌اند!

امامان عجله تعالی فرجه‌ش نیز دست رد بر سینه‌ی اینان می‌زدند و بیان می‌داشتند که یکی از شروط ظهور امام مهدی عجله تعالی فرجه‌ش خروج سفیانی قبل از ایشان است.

تأثیر روایات مربوط به سفیانی بر پیروان بنی امیه

طبیعی است که امویان و اتباع آنان پس از سقوط و زوال حکومت خود، روایات سفیانی را برای خود به کار گیرند، با این بهانه که پیامبر صلی الله علیه و آله از ظهور چنین حاکم قدرتمندی خبر داده است، و صد البته که ملعون و متجاوز بودن سفیانی برای آنان اهمیتی ندارد!

از این رو می‌بینیم تعدادی از شخصیت‌های بنی امیه و دیگران به این ادعا که سفیانی موعود هستند برخاستند و بر ضد عباسیان قیام کردند، برخی از آنها هم، پیروان و جنگجویانی داشتند! کتاب خطط الشام ۱ / ۱۵۴ قیام‌هایی را به نام سفیانی ذکر می‌کند، از جمله: قیام علی بن عبدالله بن خالد بن یزید بن معاویه بن ابی سفیان که او را ابوعمیطر می‌گفتند و به سال ۱۹۵ و در خلافت امین، در شام خروج کرد. دیگری قیام سعید بن خالد اموی پس از ابوعمیطر است. دیگر نهضت مبرقع به سال ۲۲۷ و در شام، در دوران خلافت معتصم.

همو در ۲ / ۱۸۵ قیام عثمان بن ثقاله را نام می‌برد که در عجلون اردن و به سال ۸۱۶ خروج کرد و مدعی شد سفیانی موعود است.

۱. ادات بیان اندوه و خستگی

و در ۱/ ۱۶۱ سخنی را از مأمون عباسی می آورد، وی گوید: بزرگان قضاعه در انتظار سفیانی و خروج او هستند تا از پیروان او باشند! و دیگر ادعاهای مشابه.

نقد دیگر ما به روایات منابع سنی پیرامون سفیانی، آن است که درباره ی او مبالغه کرده اند، تا آنجا که بعضی از آنها بر این باورند که سفیانی اوصافی غیبی دارد، گویا از سوی خدا مبعوث می شود! الفتن ۱/ ۱۸۰، ۲۷۹ و ۲۸۳ و ۲/ ۶۹۹ از حضرت علی علیه السلام نقل می کند: «سفیانی از نسل خالد بن یزید بن ابی سفیان است. او مردی است با سری بزرگ. در صورت نشان آبله و در چشم نقطه ای سفید دارد. از منطقه ای در دمشق از وادی که وادی یابس گویند در میان هفت نفر خروج می کند. یکی از آنان پرچمی پیچیده دارد که در آن نصرت را می شناسند. هراس و رعب در مقابل او تاسی میل می رود. کسی که قصد آن پرچم کند، آن را نمی بیند مگر آنکه شکست می خورد.

خالد بن معدان گوید: سفیانی با دست خود سه نی برمی دارد. آن را بر کسی نمی گوید مگر آنکه می میرد.

در خواب نزد او می آیند و می گویند: برخیز و قیام کن، او نیز برمی خیزد ولی کسی را نمی یابد. دوباره همان خواب را می بیند و همان طور می شود. بار سوم به او می گویند: برخیز، برو و بین چه کسی پشت در خانه ی توست. او هم همین کار را انجام می دهد و هفت یا نه نفر که پرچمی با خود دارند را مشاهده می کند. آنان می گویند: ما یاران توهستیم. او به همراه آنان قیام می کند و مردمانی از روستاهای وادی یابس هم از او پیروی می کنند. حاکم دمشق که در آن روز کارگزار بنی عباس است، برای مواجهه و نبرد با او خارج می شود، ولی چون پرچم او را مشاهده می کند، شکست می خورد.»

برخی از اهل خبره گفته است که وادی یابس از درعا در سوریه تا نزدیک نابلس در فلسطین امتداد دارد.

نقد دیگر آنکه اکثر روایات آنان پیرامون سفیانی بدون سند و از اقوال تابعین است. علاوه بر آنکه در غالب موارد، نتیجه ی تحریف احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم السلام توأم با افزودن اموری خیالی به آنهاست!

نبرد قرقیسیا

قرقیسیا شهری است در مصب دریاچه‌ی خابور به نهر فرات، آثاری در نزدیکی دیرالزور سوریه، در مرز سوریه و عراق که به ترکیه هم نسبتاً نزدیک است.

معجم البلدان ۴/ ۳۲۸ از حمزه‌ی اصفهانی نقل می‌کند: «قرقیسیا معرب کرکیسیاست که از کرکیس اشتقاق یافته است. کرکیس عنوانی است برای میدان مسابقه‌ی اسبان.»

در روایات متعدد آمده است که در کنار قرقیسیا نبردی سخت در می‌گیرد. برخی از روایات نیز آن را به سفیانی که در زمان حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود مرتبط دانسته است. در بعضی نیز علت آن گنجی ذکر شده که در مجرای فرات آشکار می‌گردد و سفیانی و ترکان بر سر آن درگیر می‌شوند.

برخی روایات: کافی ۸/ ۲۹۵ روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام به میسر فرمودند: میان شما و قرقیسیا چه مقدار فاصله است؟ او گفت: قرقیسیا در نزدیکی فرات است، ایشان فرمودند:

در آنجا رخدادی به وقوع می‌پیوندد که از زمانی که خداوند تبارک و تعالی آسمان‌ها و زمین را آفریده است مانند آن رخ نداده است، و تا زمانی که آسمان‌ها و زمین باشند رخ نخواهد داد، میهمانی پرنندگان خواهد بود، درندگان زمین و مرغان آسمان از آن سیر خواهند شد، قیس^۱ در آن به هلاکت می‌رسند و و دیگر کسی از آنان بر نمی‌خیزد.

این روایت را چند نفر نقل کرده و در ادامه می‌افزایند: و منادی ندا می‌کند: به سوی گوشت جباران بیایید.»

غیبت نعمانی ۲۷۸/ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «خداوند سفره‌ای - و در روایتی دیگر میهمانی - در قرقیسیا دارد. فرشته‌ای از آسمان نگاه کرده و ندا در می‌دهد: ای پرنندگان آسمان و ای درندگان زمین! بیایید و از گوشت جباران سیر شوید.»

همان ۳۰۳/ از ابن ابی یعفور روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام به من فرمودند: فرزندان عباس و مروانی نبردی در قرقیسیا خواهند داشت که موی پسر قوی در آن سفید می‌شود. خداوند نصرت را از آنان برمی‌دارد و به پرنندگان آسمان و درندگان زمین وحی می‌کند: از گوشت جباران سیر شوید. سپس سفیانی خروج می‌کند.»

۱. قبیله‌ی بنی قیس که شاخه‌ای از بنی اسدند.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شیخ مفید رحمه الله در اختصاص / ۲۵۵ از جابر جعفی روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام به من فرمودند: ای جابر! در خانه ات بنشین و هیچ تحرّکی از خود نشان نده تا زمانی که نشانه‌هایی را که برایت می‌گویم مشاهده نمایی، البته اگر دریابی؛ نخست اختلاف فرزندان فلان، و نمی‌بینم که آن را درک کنی، ولی بعد از من این را [برای مردم] بگو، منادی از آسمان ندا می‌کند، صدایی که از ناحیه‌ی دمشق به فتح و پیروزی خواهد آمد، منطقه‌ای از مناطق شام که جاییه نام دارد در زمین فرو رود، قسمتی از مسجد راست دمشق سقوط کند، گروهی از ناحیه‌ی ترک خروج کنند و به دنبال آن فتنه‌ی روم رخ دهد، برادران ترک خواهند آمد تا آنکه در جزیره فرود آیند، گروهی از روم خروج کنند تا آنکه در رمله فرود آیند، ای جابر! در آن سال اختلاف بسیاری در تمامی مناطق مغرب خواهد بود. نخستین زمینی که ویران می‌شود شام است. در آن هنگام به سه پرچم [و گروه] تقسیم می‌شوند؛ بیرق‌های اصبه، ابقع و سفیانی، سفیانی با ابقع مواجه می‌شود و با یکدیگر می‌جنگند، و سفیانی ابقع و یارانش و نیز اصبه را به هلاکت می‌رساند. آنگاه اندیشه‌ای جز عراق ندارد. لشکر او از کنار قرقیسیا عبور می‌کنند و در آنجا صد هزار تن از طاغیان را به قتل می‌رسانند.

سفیانی لشکری هفتاد هزار نفری را به سوی عراق گسیل می‌دارد. آنان هم می‌کشند، به دار می‌آویزند و اسیر می‌کنند. در این هنگام است که پرچم‌هایی از سوی خراسان می‌آیند و منازل را به سرعت طی می‌کنند و تنی چند از یاران قائم همراه آنها هستند. مردی از موالی اهل کوفه خروج می‌کند که فرمانده لشکر سفیانی او را بین حیره و کوفه به قتل خواهد رساند. سفیانی لشکری را هم به مدینه می‌فرستد. پس مهدی از آنجا به مکه می‌رود. به فرمانده لشکر سفیانی خبر می‌رسد که مهدی از مدینه خارج شده است. او هم لشکری را به دنبال ایشان می‌فرستد، ولی حضرت را در نمی‌یابند و امام هراسان و منتظر به مانند موسی بن عمران علیه السلام وارد مکه می‌شود.

امیر لشکر سفیانی در بیابان فرود می‌آید. پس منادی از آسمان ندا می‌کند: ای بیابان! این قوم را نابود کن، آن بیابان هم آنان را به زمین فرو می‌برد و تنها سه تن از آنان نجات می‌یابند که خداوند صورت‌هایشان را به پشت سرهایشان برگردانده است و از [قبیله‌ی]

کلب هستند و این آیه درباره‌ی آنها فرود آمده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَرَدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا...**، ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق‌کننده‌ی همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره‌هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم تا آخر آیه.

قائم آن روز در مکه است، پشت خود را به بیت الحرام تکیه داده و بدان پناه آورده است و ندا می‌دهد: ای مردم! ما از خدا و مردمانی که ما را اجابت کنند یاری می‌جوییم، چرا که ما اهل بیت پیامبرتان و نزدیک‌ترین مردم به خدا و حضرت محمد ﷺ هستیم...

الفتن ۱ / ۲۸۵ سخنی را از ارطاة نقل می‌کند که در آن نبرد قریسیا با سفیانی مرتبط است و ترک و روم نیز در آن نقش آفرینی می‌کنند، لکن کلامی بی‌سند و بریده است.

روایاتی دیگر نیز آن را به گنجی که بر سر آن اختلاف واقع می‌شود ربط داده است، از جمله: **الفتن ۱ / ۲۳۹**، مشابه آن / ۳۳۵ و ۲ / ۶۱۱ از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «فرات کوهی از طلا و نقره را نمایان می‌کند که برای رسیدن به آن، از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شوند. اگر آن را درک کردید، بدان نزدیک نشوید... فتنه چهارم، هیجده سال امتداد می‌یابد و در حالی تمام می‌شود که فرات، کوهی از طلا را نمایان کرده است. امت بر آن هجوم می‌برند و از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شوند.»

همان ۱ / ۸۲ از حضرت امیر عليه السلام: «سفیانی بر شام غلبه می‌یابد، سپس بین آنان در قریسیا نبردی رخ می‌دهد و چنان می‌شود که پرنندگان آسمان و درندگان زمین از لاشه‌های آنان سیر می‌شوند. آنگاه در مرکزشان مشکلی به وجود می‌آید. لذا گروهی از آنها می‌آیند تا آنکه وارد سرزمین خراسان شوند. لشکر سفیانی در طلب اهل خراسان می‌آیند و شیعیان آل محمد را در کوفه می‌کشند. سپس اهل خراسان در طلب مهدی خارج می‌شوند.»^۲

اگر روایات جنگ بر سر این گنج صحیح باشد، احتمال آن می‌رود که این گنج نفت و یا معدن طلا باشد که دولت‌ها بر سر تصاحب آن با هم درگیر می‌شوند. طرف مقابل سفیانی در آن نبرد

۱. سوره‌ی نساء / ۴۷

۲. و نیز المستدرک ۴ / ۵۰۱ و عقد الدرر / ۸۷

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عليه السلام
منزلت امام عليه السلام
حکومت امام عليه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عليه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عليه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عليه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ترکان خواهند بود که ممکن است همین ترکیه‌ی فعلی باشد، چرا که نزاع در کنار مرزهای سوریه و ترکیه خواهد بود. ولی طرف مقابل مشخص نیست و ممکن است کردها نیز یکی از اطراف درگیری باشند.

حجاز

وضعیت حجاز در عصر ظهور

وقایع حجاز پیش از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریک

احادیث و آثاری پیرامون رخداد‌های حجاز پیش از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریک، هنگام و پس از آن رسیده است. منابع سنّی در رابطه با حوادث موسم حج در نزدیکی ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریک مبالغه کرده‌اند. ما در ابتدا احادیثی را ذکر می‌کنیم که در منابعمان یافت می‌شود و بعد از آن سراغ روایات دیگران می‌رویم.

قرب الاسناد / ۱۶۴ از احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریک روایت می‌کند: «پیش از این امر نشانه‌هایی است؛ [از جمله:] حادثه‌ای که بین دو حرم رخ می‌دهد، گفتم: آن چیست؟ فرمودند: جنگی قبیله‌ای خواهد بود، و فلانی از آل فلان پانزده تن را خواهد کشت.»
ارشاد / ۳۶۰ از امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریک نقل می‌کند: «آنچه بدان امید دارید واقع نخواهد شد تا آنکه جداسازی و امتحان شوید و از شما تنها اندکی باقی مانند، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: أَلَمْ أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتَرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ^۱، آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟

آنگاه فرمودند: همانا یکی از نشانه‌های فرج رخدادی بین دو مسجد است، و فلانی از فرزندان فلان پانزده تن از بزرگان عرب را خواهد کشت.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۱: «حکومت بنی فلان پایان نخواهد یافت تا آنکه شمشیرهای بنی فلان درگیر شوند. آن هنگام است که حکومت آنان رو به زوال می‌رود.»

غیبت نعمانی / ۱۵۹ از ابان بن تغلب از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریک روایت می‌کند: «بر مردم زمانی فرا خواهد رسید که در آن، سبطه [و سکون] به سراغشان خواهد آمد، و دانش بسان ماری که در سوراخ جمع می‌شود، رخت برمی‌بندد. آنان در چنین وضعیتی به سر می‌برند که ستاره‌شان طلوع می‌کند.

گفتم: سبطه چیست؟ فرمودند: فترت [و غیبت امام]، عرضه داشتیم: آن زمان چه کنیم؟ فرمودند: بر همان [اعتقاد] که اکنون هستید باقی بمانید تا آنکه خدا ستاره‌تان را آشکار سازد.»

۱. سوره‌ی عنکبوت ۲/ ۱-۲

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

کافی ۱ / ۳۴۰ از ابان بن تغلب: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه فرمودند: تو چسان خواهی بود آن هنگام که بین دو مسجد حادثه‌ای رخ دهد، پس دانش رخت بریندد، همان گونه که مار در سوراخش جمع می‌شود، شیعیان اختلاف کنند و برخی از آنها بعضی را کذاب بنامند، و بعضی‌شان در چهره‌ی برخی آب دهان اندازند؟ عرض کردم: فدایت شوم، خیری در آن زمان نیست، فرمودند: تمام خیر آن هنگام است و سه بار این جمله را تکرار کردند.»

غیبت نعمانی / ۱۷۲ از ابوبصیر روایت می‌کند: «به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفتیم: امام باقر عجل الله تعالی فرجه می‌فرمودند: قائم آل محمد دو غیبت دارد که یکی طولانی‌تر از دیگری است. فرمودند: آری، و آن [ظهور] واقع نخواهد شد تا آنکه شمشیرهای بنی فلان درگیر شوند، حلقه تنگ شود، سفیانی ظاهر گردد، بلا شدت گیرد و مرگ و قتلی مردم را فراگیرد که از آن به حرم خدا و رسولش صلی الله علیه و آله پناه آرند.»

همان / ۲۶۷ از عبدالله بن سنان از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «مرگ و قتلی مردم را فرامی‌گیرد که به حرم پناه می‌جویند. به دنبال شدت جنگ، منادی راستینی ندا می‌کند: این کشتار و جنگ برای چیست؟ صاحبان فلان است.»

مختصر بصائر الدرجات / ۱۹۹ از حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه در خطبه‌ی مخزون: «ای مردم! از من سؤال کنید قبل از آنکه فتنه‌ای شرقی [بسان شتری چموش] پایش را بلند کند و در مهارش گذارد - و این [فتنه] پس از مرگ و زندگانی است -، یا آنکه آتشی با هیزم درشت در مغرب زمین شعله‌ور شود و فریاد به خونخواهی یا مانند آن کند. پس آن هنگام که فلک بگردد خواهید گفت: او مُرد، یا هلاک شد، در کدام وادی سیر می‌کند. پس در آن روز تأویل این آیه خواهد آمد: **ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا**، پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم.

برای آن نشانه‌ها و علاماتی است؛ نخست آن که کوفه بالشکرو خندق محاصره شود، در سرکوچه‌های کوفه آتش روشن شود، چهل شب مساجد تعطیل شود، سه پرچم - که با

[پرچم] هدایت مشتبه می شوند - پیرامون مسجد اکبر آمد و شد کنند که قاتل و مقتول در آتش اند. کشتار بسیار، مرگ وسیع، قتل نفس زکیه در پشت کوفه در میان هفتاد نفر، آنکه میان رکن و مقام ذبح می شود، قتل صبر اسبغ مظفر در بیعت بتان و به همراه بسیاری از شیاطین انس، خروج سفیانی با پرچمی سبز و صلیبی از طلا که فرماندهی آن پرچم مردی است از کلب و با دوازده هزار اسب آهنگ مکه و مدینه می کنند، امیر آن از بنی امیه است و خزیمه نام دارد، چشم چپ ندارد، در چشمش لگه ای خون است، دنیا به کامش خواهد بود و بیرق او شکست نخواهد خورد تا آنکه در مدینه فرود آید. پس مردان و زنانی از آل محمد را جمع می کند و در خانه ای که خانه ی ابوالحسن اموی گویند زندانی می کند.»

نگارنده: این احادیث می رساند که آل فلان حکومتی نیرومند خواهند داشت، لکن به سبب رخداد اختلاف میان آنان رو به ضعف می روند. پس از آن خلیفه شان می میرد که با مرگ آن فرج و گشایشی رخ می نماید. در ادامه سفیانی خروج می کند و یمانی ظاهر می شود. به دنبال آن اتفاقی در میان دو حرم مکه و مدینه رخ می دهد و درگیری و نبرد بین سه بیرق در حجاز شدت می گیرد و همه اهل آتش اند.

بعد از آن امام علیه السلام ظاهر می شوند و لشکر سفیانی می آیند تا حرکت ایشان را در نطفه خفه کند، لکن معجزه ی موعود رخ می دهد و آنان طعمه ی زمین می شوند. امام علیه السلام رهسپار عراق می شوند. از آنجا به دمشق می روند و جنگی با سفیانی به وقوع می پیوندد که به شکست سفیانی و قتل وی توسط آن حضرت منتهی می شوند و در ادامه ایشان بر بلاد حکمرانی خواهند داشت.

حکمرانی می میرد و مرگ او فرج تمامی مردم است

غیبت نعمانی / ۲۶۷ از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «مردم در عرفاتند که شخصی سوار بر شتری سریع می آید و خبر از مرگ خلیفه ای می دهد که با مرگ او فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و نیز فرج تمامی مردم خواهد بود.»

همان / ۲۵۷ از ابن ابی یعفور چنین نقل می کند: «امام صادق علیه السلام به من فرمودند: با دست بشمار؛ هلاکت فلانی - نام مردی از بنی عباس -، خروج سفیانی، قتل نفس، لشکری که به

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

زمین فرو می‌رود و ندا، عرض کردم: ندا چیست؟ آیا منادی است؟ فرمودند: آری، و صاحب این امر بدین وسیله شناخته می‌شود.

در ادامه فرمودند: تمامی فرج در هلاکت فلانی است.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۱ از ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «کسی که برای من مرگ عبدالله را ضمانت کند [و از آن خبر آورد]، برای او [قیام] قائم را تضمین خواهم کرد. آنگاه فرمودند: هنگامی که عبدالله بمیرد، پس از او مردم برهیچ کس گرد نیایند، و این امر بدون صاحب شما به پایان نخواهد رسید - ان شاء الله -.

حکومت سالیانه به پایان می‌رسد و جای خود را به حکومت ماهیانه و روزانه خواهد داد. عرض کردم: آیا این به طول می‌انجامد؟ فرمودند: هرگز.»

آتش عظیم در شرق حجاز

غیبت نعمانی / ۲۵۳ از ابوبصیر از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «هنگامی که آتش زرد و عظیم را از سمت مشرق دیدید که سه یا هفت روز شعله وراست، منتظر فرج آل محمد عجل الله تعالی فرجه باشید - ان شاء الله عزوجل -، همانا خداوند عزیز حکیم است.»

همان / ۲۶۷ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «آن زمانی که نشانه‌ای در آسمان دیدید - [یعنی] آتش عظیم از سمت مشرق که چند شب شعله وراست - فرج مردم خواهد بود، و اندکی پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه است.»

الفتن ۱ / ۲۳۲ از ابن معدان نقل می‌کند: «وقتی در ماه رمضان، ستونی از آتش را از سمت مشرق، و در آسمان دیدید، تا می‌توانید غذا ذخیره نمایید، زیرا سال گرسنگی خواهد بود.»
نگارنده: احتمال می‌رود این آتش، یک آتش فشان طبیعی و یا آتش سوزی بزرگ نفتی باشد.

الصراف المستقیم ۲ / ۲۵۸ از عجائب البلدان و بدون سند از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «هنگامی که آتش در حجازتان رخ نمود و آب در نجفستان جریان یافت، منتظر ظهور قائمتان باشید.»

این آتش غیر از آتشی است که در روایت آمده در عدن ظاهر می شود و از نشانه های قیامت است، از جمله مسند طیالسی / ۱۴۳ از حذیفه بن اسید: «... آتشی از آخر عدن ظاهر می شود و مردم را به سوی محشر می راند.»^۱

لشکر سفیانی در حجاز

حدیث لشکری که به زمین فرو می رود هم در منابع ما و هم در منابع سنیان آمده است، و نیز اینکه این امر نشانه ای است موعود و هنگامی رخ می دهد که لشکر سفیانی راهی مکه می شوند و خداوند در بیابان مدینه آنان را به زمین فرو می برد. ارائه ی طرق روایات مربوط به آن، و نیز صحّه گذاردن عالمان بر آن بالغ بر یکصد صفحه خواهد بود.

بخاری در صحیح خود ۲ / ۱۵۹ و ۳ / ۱۹ آن را مبهم گذاشته و تحت عنوان «باب هدم الکعبة: باب ویرانی کعبه» آورده است، وی از عایشه نقل می کند: «رسول خدا ﷺ فرمودند: لشکری به کعبه هجوم می آورد و در زمین فرو می رود.»

او سخن از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از آن حذف و وانمود کرده این روایت به ذو السویقه ی حبشی - که می پندارند کعبه را ویران می کند - مرتبط است!

البته حاکم نیشابوری در المستدرک ۴ / ۵۲۰ آنچه را که دیگران حذف کرده اند نقل می کند و بنابر شرط بخاری صحیح می شمارد، وی از ابوهریره روایت می کند: «رسول خدا ﷺ فرمودند: مردی که او را سفیانی گویند در عمق دمشق خروج می کند و عموم کسانی که از او تبعیت می کنند از کلب هستند. او چنان کشتاری به راه می اندازد که شکم زنان را پاره کرده و کودکان را به قتل می رساند. قیس برای مقابله با او گرد هم می آیند و سفیانی آنان را هم به هلاکت می رساند و نمی توانند هیچ دفاعی از خود به عمل آورند.

مردی از اهل بیتم در حره خروج می کند. زمانی که خبر آن به سفیانی می رسد، لشکری از لشکرهاش را به سوی او گسیل می دارد. او آنان را شکست می دهد. پس سفیانی خود با همراهانش به سوی او می آیند. هنگامی که به بیابانی می رسند زمین آنها را فرو می برد و از

۱. مشابه آن مسند احمد ۴ / ۶ و صحیح مسلم ۴ / ۲۲۲۵ و در منابع ما خصال ۲ / ۴۴۶ و غیبت شیخ طوسی / ۲۶۷

آنها تنها کسی که خبر رساند باقی می ماند.»

مسلم بیش از بخاری امانتداری کرده است، او در صحیح خود ۸/۱۶۶ از عبیدالله بن قبطیه نقل می‌کند: «من، حارث بن ابی ربیع و عبدالله بن صفوان نزد ام المؤمنین ام سلمه رفتم. آن دوازده‌باری لشکری که در زمین فرو می‌رود سؤال کردند و این، درایامی بود که ابن زبیر قیام کرده بود، ام سلمه گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی به خانه [ی خدا] پناهنده می‌شود و لشکری به سمت او می‌فرستند و زمانی که آنان در بیابانی قرار می‌گیرند به زمین فرو می‌روند، من گفتم: ای رسول خدا! کسی از این لشکر که کار خود را خوش ندارد چه [و آیا او هم رهسپار دوزخ می‌شود]؟ فرمودند: او نیز به زمین فرو می‌رود، ولی روز قیامت بر اساس نیتش مبعوث می‌گردد.»

از امام باقر نیز روایت می‌کند که آن بیابان، بیابان مدینه است. آنگاه مشابه این را از حفصه می‌آورد.

مسلم در ادامه روایت دیگری را از عایشه از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «موجب شگفتی است که مردمانی از اَمّت من، در پی مردی از قریش که به خانه [ی خدا] پناه بسته رهسپار آن دیار می‌شوند و چون به بیابان برسند در زمین فرو می‌روند.

گفتیم: ای پیامبر خدا! در راه مردمانی [گوناگون و بانیت‌های مختلف] گرد می‌آیند و هم مسیر می‌شوند، ایشان فرمودند: آری، در میان آنان به مختار، مجبور و مسافر است، همه یکباره هلاک می‌شوند، ولی گوناگون مبعوث می‌شوند، خداوند آنان را بر اساس نیت‌هایشان برمی‌انگیزد.»

این روایت بر آن دلالت می‌کند که صحابه از این رخداد آگاهی داشته‌اند و آن کسی که به خانه‌ی خدا پناهنده می‌شود، محور اساسی آن است.

بخاری و مسلم این جریان را با اختصار بسیاری آورده اند که در دیگر آثار یافت می شود.^۱

۱. ر.ک به الجمع بین الصحيحین ۴/ ۲۳۸ و ۲۴۵، المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵/ ۴۳، مسند احمد ۶/ ۳۱۶، سنن ابوداود ۴/ ۱۰۷، تهذیب ابن عساکر ۳/ ۴۵۰، جامع الاصول ۱۰/ ۱۷۹، جمع الفوائد ۱/ ۵۵، المسند الجامع ۲۰/ ۷۹۵، التاريخ الكبير ۵/ ۱۱۸، سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۵۰، سنن نسائي ۵/ ۲۰۷، المعجم الكبير ۲۳/ ۲۰۲ و ۲۴/ ۷۵، المستدرک ۴/ ۴۲۹ - آن را بنابر شرط شيخین صحيح شمرده است - و المصنف عبدالرزاق ۱۱/ ۳۷۱

المصنف عبدالرزاق ۱۱ / ۳۷۱: «به هنگام مرگ خلیفه‌ای، اختلافی در خواهد گرفت. پس مردی از مدینه بیرون آمده به مکه می‌رود. مردم او را در حالی که ناخشنود است از خانه بیرون می‌آورند و بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. لشکری از شام به سوی او ارسال می‌شود که چون به بیابان می‌رسند در زمین فرو می‌روند. گروه‌های عراق و ابدال شام نزد او می‌آیند و بیعت می‌کنند. او گنج‌ها را بیرون می‌آورد، اموال را قسمت می‌کند و اسلام را در زمین حکمفرما می‌کند.»

مسند احمد ۶ / ۳۱۶ و ۲۸۵ روایاتی در این موضوع می‌آورد، وی از ام سلمه نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ إنا لله وإنا إليه راجعون گویان از خواب برخاستند، من گفتم: ای رسول خدا! چه شده است؟ فرمودند: گروهی از امتم به زمین فرو می‌روند. آنان به سمت مردی ارسال می‌شوند و او به مکه می‌آید. خداوند آنان را از دستیابی به او منع می‌کند و آنان را در زمین فرو می‌برد. همه در یک جا از بین می‌روند، لکن متفاوت برانگیخته خواهند شد.

هنگامی که از علت این مطلب پرسیدم فرمودند: زیرا برخی از آنها را مجبور کرده‌اند و با ناخوشایندی می‌آید.»

المعجم الاوسط ۶ / ۲۲۲ از ام سلمه: «شخصی به حرم پناه می‌برد و مردمان بسان پرندگان پراکنده برگرد او جمع می‌شوند تا آنکه سیصد و سیزده نفر که زنانی در میان آنها پند گرد آیند. او بر هر جبار و جبارزاده‌ای فائق می‌آید و چنان عدل را آشکار می‌سازد که زندگان آرزوی حیات مردگان را خواهند داشت.»

البدء والتاریخ ۲ / ۱۷۸ می‌نگارد: «در روایت است که رسول خدا ﷺ فرمودند: مدینه را در بهترین وضع رها می‌کنید تا آنکه سگ بیاید و یک پای خود را بر ستون مسجد بالا گیرد تا ادرار کند، اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا! آن روز میوه‌ها از آن کیست؟ فرمودند: درندگان و پرندگان روزی طلب.

در گزارشی آمده است: لشکر سفیانی به قصد مکه می‌آیند. آنان به جایی که بیداء نام دارد می‌رسند. پس منادی از آسمان ندا می‌کند: ای آسمان! اینان را نابود کن، و آنان در زمین فرو می‌روند و تنها دو نفر از قبیله‌ی کلب که صورت هایشان به پشت برگشته نجات می‌یابند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آن دو به پشت می‌روند تا به سفیانی می‌رسند و این خبر را به او می‌رسانند.

از سویی دیگر بشیر نزد مهدی که در مکه حضور دارد می‌آید و ایشان با دوازده هزار نفر که ابدال و اعلام هستند خروج می‌کند. او می‌آید تا به محلی که سفیانی در آن است می‌رسد و او را به اسارت می‌گیرد. او بر کلب حمله می‌کند، زیرا آنان پیروان سفیانی بودند و زنان آنان را به اسارت می‌گیرد، گویند: زیانکار کسی است که آن روز از غنائم کلب برنگیرد.»

الفتن ۱ / ۳۲۷ از عبدالله بن عمرو: «نشانه‌ی خروج مهدی آن است که لشکری در بیابان به زمین فرو می‌رود.»

ابن حماد در الفتن مضامینی از روایات اهل بیت علیهم السلام را در این باره می‌آورد، لکن اسرائیلیات یا بافته‌های خود را نیز بدان می‌افزاید، البته برخی روایات وی معقول است، مانند آنچه در ۱ / ۳۲۵ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «به اهل مدینه خبر می‌رسد که لشکری به سمت آنان خارج شده است. پس هر کس از آل محمد علیهم السلام که آنجا است به سمت مکه می‌گریزد. توانا ناتوان را حمل می‌کند و بزرگ کوچک را. لشکریان به شخصی از آل محمد دست می‌یابند و او را در کنار احجار الزیت سر می‌برند.»

همان ۹۰ / روایاتی را از امام باقر علیه السلام می‌آورد، از جمله: «کسی به مکه پناه خواهد آورد. هفتاد هزار نفر را - که مردی از قیس فرماندهی آنان است - به سراغ او می‌فرستند. زمانی که آنان به گردنه برسند، آخرین نفر آنها وارد می‌شود و اولین نفر آنها هنوز خارج نشده است که جبرئیل ندا می‌دهد: ای بیابان! ای بیابان! - و مشارق و مغارب زمین آن را می‌شنوند - آنان را بگیر که خیری در آنها نیست. تنها کسی که از نابودی آنان آگاه می‌شود چوپانی در آن کوه است و می‌بیند که در زمین فرو می‌روند. هنگامی که آن پناهنده خبر اینان را می‌شنود، خروج می‌کند.»

جریان این لشکر در منابع ما بدون تحریف آمده است

اختصاص ۲۵۵ / و غیبت شیخ طوسی / ۲۶۹ از امام باقر علیه السلام روایت می‌کنند: «سفیانی لشکری را به مدینه می‌فرستد. مهدی از آنجا به مکه می‌رود. به فرمانده لشکر سفیانی خبر

می‌رسد که مهدی از مدینه خارج شده است. او هم لشکری را به دنبال ایشان می‌فرستد ولی حضرت را در نمی‌یابند. امام هراسان و منتظر به مانند موسی بن عمران علیه السلام وارد مکه می‌شود.

امیر لشکر سفیانی در بیابان فرود می‌آید. پس منادی از آسمان ندا می‌کند: ای بیابان! این قوم را نابود کن، آن بیابان هم آنان را به زمین فرو می‌برد و تنها سه تن از آنان نجات می‌یابند که خداوند صورت هایشان را به پشت سرهایشان برگردانده است و از کلب هستند و این آیه درباره‌ی آنها فرود آمده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَرَرَدِّهَا عَلَىٰ أَذْبَارِهَا...**^۱ ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق‌کننده‌ی همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره‌هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم .. تا آخر آیه.

قائم آن روز در مکه است. پشت خود را به بیت الحرام تکیه داده و بدان پناه آورده است و ندا می‌دهد: ای مردم! ما از خدا و مردمانی که ما را اجابت کنند یاری می‌جوییم، چرا که ما اهل بیت پیامبرتان و نزدیکترین مردم به خدا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستیم.

هرکه در مورد آدم با من احتجاج کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به آدم هستم. هرآنکه در مورد نوح با من به احتجاج بپردازد، [بداند که] من نزدیکترین کس به نوحم. هرکسی درباره‌ی ابراهیم با من به گفتگو بپردازد، [بداند که] من نزدیکترین فرد به ابراهیم هستم.

هرکه در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله با من بحث کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به ایشانم. هرآن کس که درباره‌ی پیامبران با من به احتجاج بپردازد، [بداند که] من نزدیکترین کس به آنها هستم.

آیا خداوند در کتاب رصین خود نمی‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**^۲، به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان

۱. سوره‌ی نساء / ۴۷

۲. سوره‌ی آل عمران / ۳۴ - ۳۳

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برگزیده [و برتری داده] است. فرزندان او که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست.

من باقی گذارده‌ای از آدم، ذخیره‌ای از نوح، برگزیده‌ای از ابراهیم و گزیده‌ای از محمد صلی الله علیه و آله هستم.

بدانید! هر کس با من درباره‌ی کتاب خدا احتجاج کند، من نزدیکترین مردم به کتاب خدا هستم.

بدانید! هرآنکه با من در مورد سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتگو کند، من نزدیکترین مردم به سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستم.

کسی را که امروز سخن مرا می‌شنود به خدا سوگند می‌دهم که حاضران را به غائب برساند، و شما را به حق خدا، رسول او صلی الله علیه و آله و حق خود قسم می‌دهم - زیرا من بر شما حق خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله را دارم - که ما را یاری رسانید و کسانی را که بر ما ستم می‌کنند از ما بازدارید، ما را ترسانیدند، بر ما ستم کردند، از دیار و [فرزند]انمان آواره نمودند، به حق ما تجاوز کردند و ما را از آن بازداشتند و اهل باطل بر ما افترا بستند. پس درباره‌ی ما خدا را در نظر بگیرید و مراقب باشید، ما را وا نگذارید و یاریمان کنید تا خدای تعالی یاریمان کند. پس خداوند سیصد و سیزده مرد یاور ایشان را بدون قرار قبلی و در حالی که [پیش از آن] مانند ابرهای پاییزی [پراکنده] بودند، برای او گرد می‌آورد. وای جابر! این نشانه‌ایست که خدا در کتاب خود ذکر فرموده: **أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**؛ هر کجا که باشید خداوند همگی شما را می‌آورد؛ در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست.

آنان بین رکن و مقام با ایشان بیعت می‌کنند.

همراه ایشان عهدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که پسران از پدران آن را به ارث برده‌اند.

ای جابر! قائم مردی است از نسل حسین علیه السلام که خداوند امر او را در یک شب برای او سامان می‌دهد، و هر چه بر مردم مشتبه شود، در ولادت یافتن ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ارث بردن از عالمان [امامان علیهم السلام] یکی پس از دیگری، دچار اشتباه نخواهند شد، و اگر همه‌ی اینها برایشان

مشتبه شود، در ندای آسمانی که به نام او و پدر و مادرش خواهد بود شبهه نخواهند کرد.»

تعداد لشکر سفیانی و مکان فرورفتن زمین

روایات منابع سنی بیان می‌کند که لشکر سفیانی از دو مسیر عراق و شام وارد مدینه می‌شوند، و با انصار امام مهدی و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام که آنجا هستند، با بی‌رحمی و وحشی‌گری برخورد می‌کنند.

الفتن ۱ / ۳۲۳ از ابن شهاب روایت می‌کند: «سفیانی به کسی که [به عنوان فرماندهی لشکراو] با لشکرش داخل کوفه شده و آن را به مانند پوست می‌ساید، نامه می‌نویسد و فرمان می‌دهد روانه‌ی حجاز شود. او هم به مدینه می‌آید و شمشیر میان قریش می‌کشد. از قریش و انصار چهارصد مرد را به قتل می‌رساند. شکم‌ها پاره می‌کند. فرزندان را می‌کشد و خواهر و برادری از قریش را که محمد و فاطمه نام دارند، به قتل رسانده بر در مسجد مدینه به دار می‌آویزد.»

المستدرک ۴ / ۴۴۲ و دیگران نقل می‌کنند که اهل مدینه به هنگام هجوم سفیانی آن را ترک می‌کنند.

در روایات غیر از این مناطق جای دیگری ذکر نشده که لشکر سفیانی بدان وارد شوند.

الفتن ۱ / ۳۲۸ لشکراو را دوازده هزار نفر نقل می‌کند.

در عقد الدرر ۷۶ تعداد آنها هفتاد هزار تن آمده است.

کشاف ۳ / ۴۶۷ آنان را هشتاد هزار نفر می‌داند.

ظاهر آن است که این لشکر برهه‌ای کوتاه در مدینه می‌مانند، آنگاه رهسپار مکه می‌شوند که نشانه‌ی موعود رخ می‌دهد و آنان در بیابان طعمه‌ی زمین می‌شوند.

بحار ۵۲ / ۱۸۱ نقل می‌کند: «حنان بن سدید از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی فرورفتن زمین در بیابان سؤال کرد و ایشان فرمودند: [منطقه‌ی] اما صهرا^۱ در کنار پستخانه، با فاصله‌ی

۱. برای آگاهی از اختلاف نسخ در ضبط این واژه رک به پاورقی قرب الاسناد / ۱۲۳ تحقیق مؤسسه‌ی آل البیت علیهم‌السلام م.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دوازده میلی از پستخانه‌ای که در ذات الجیش است.»

بیداء مدینه منتهای کوه‌های آن، و در ابتدای زمینی هموار برای کسانی است که از مدینه به مکه می‌روند، می‌نویسند: «ارتفاعاتی که در مسیر مکه و در جلو ذوالحلیفه قرار دارد و ذات الجیش در فاصله‌ی چهار فرسخی مدینه است.»^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در مسیر نبرد بدر، راه کوهستانی مدینه را در پیش گرفتند، سپس به عقیق رسیدند، و در ادامه به ذوالحلیفه و بعد از آن به ذات الجیش رسیدند.^۲

در فقه اهل بیت علیهم السلام نماز در مواضعی چند از جمله بیداء - به جهت آنکه زمین در آن فرو می‌رود و محلّ فرود آمدن غضب الهی است - مکروه است، شیخ صدوق رحمه الله در من لایحضره الفقیه ۴ / ۳۶۶ روایت می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت امیر علیه السلام فرمودند: یا علی! در پوست آنچه شیرش را نمی‌نوشی نماز نخوان و گوشتش را نخور، و نیز در ذات الجیش، ذات الصلاصل و ضجنان نماز نگزار.»

محاسن برقی ۲ / ۳۶۵ از ابن ابی نصر نقل می‌کند: «از امام کاظم علیه السلام در مورد نماز در بیداء پرسیدم، فرمودند: در بیداء نماز خوانده نمی‌شود، عرض کردم: محدوده‌ی بیداء کجاست؟ فرمودند: آیا آن بلندی و پستی را مشاهده نکرده‌ای؟ گفتم: اینکه می‌فرمایید بسیار طولانی است، محدوده‌ی آن را بفرمایید، فرمودند: امام باقر علیه السلام هنگامی که به ذات الجیش می‌رسید، در سیر خود سرعت می‌گرفت و نماز نمی‌خواند تا به محلّی برسد که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن فرود آمده‌اند. عرضه داشتیم: ذات الجیش کجاست؟ فرمودند: سه میل قبل از زمین گود [ی که مسجد شجره در آن است].»^۳

آیاتی که درباره‌ی این معجزه نازل شد

الدرالمنثور ۵ / ۲۴۰ می‌نویسد: «ابن جریر، ابن منذر و ابن ابی حاتم از ابن عباس روایت

۱. شرح سیوطی بر سنن نسائی ۱ / ۱۶۲ و معجم بکری ۲ / ۴۰۹

۲. سیره‌ی ابن هشام ۳ / ۱۶۰

۳. و نیز کافی ۳ / ۳۸۹، تهذیب الاحکام ۲ / ۳۷۵ و الحقائق الناضرة ۷ / ۲۱۳

می‌کنند که در مورد آیه ی: **وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ**،^۱ وای کاش می‌دیدید هنگامی را که آنان وحشت زده‌اند، پس گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند، گفت: این مربوط به لشکر سفیانی است. و هنگامی که از وی پرسیدند: آنان از کجا گرفتار می‌شوند؟ پاسخ داد: از زیر پاهایشان.»

تفسیر طبری ۷۲/۲۲ از حدیث نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فتنه‌ی بین اهل مشرق و مغرب را یاد کردند و فرمودند: آنان در این حال به سر می‌برند که سفیانی از وادی یابس برآنان خروج می‌کند و در دمشق فرود می‌آید. دو لشکر یکی به مشرق و یکی به مدینه ارسال می‌کند. آنان در زمین بابل در شهر نفرین شده و مکان خبیث فرود می‌آیند و بیش از سه هزار نفر را به قتل می‌رسانند. شکم بیش از صد زن را می‌درند و سیصد تن از بزرگان بنی عباس را می‌کشند. سپس روانه‌ی کوفه می‌شوند و اطراف آن را خراب می‌کنند. آنگاه رهسپار شام می‌شوند. پرچمی که در مسیر هدایت است از کوفه خارج می‌شود و پس از دو شب به آن لشکر می‌رسند. آنان را چنان می‌کشند که حتی خبررسان آنان نجات نمی‌یابد، و تمامی اسیران و غنائمی که با آنان بوده را باز می‌ستانند.

لشکر دوم او به مدینه می‌پردازد. آنان سه روز و شب آن را غارت می‌کنند. سپس روانه‌ی مکه می‌شوند. پس چون به بیداء می‌رسند، خداوند سبحان جبرئیل را می‌فرستد و می‌فرماید: ای جبرئیل! برو و نابودشان کن، او هم با پا بر آن زمین ضربه می‌زند و خداوند آنان را به زمین فرو می‌برد. این سخن خدای عزوجل در سوره‌ی سبأ است: **وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ**.

تنها دو نفر از آنان - یکی بشیر و دیگری نذیر - که از جهینه هستند نجات می‌یابند، و این سخن از اینجاست ناشی می‌شود: خبر یقینی نزد جهینه است.»^۲

الفتن ۳۲۹/۱ از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند: «هنگامی که لشکر در طلب کسانی که به سوی مکه رفته‌اند در بیابان فرود آیند، به زمین فرو رفته هلاک خواهند شد، و این سخن

۱. سوره‌ی سبأ ۵۱/

۲. و نیز کشاف ۳/ ۴۶۷، تذکره‌ی قرطبی ۲/ ۶۹۳، تفسیر قرطبی ۱۴/ ۳۱۴، عقد الدرر ۷۴، نوادر الاخبار ۲۵۷، الاستیعاب ۳/ ۹۲۸، تفسیر ابوالفتح ۹/ ۲۲۶ و مجمع البیان ۴/ ۳۹۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری‌فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خدای عزوجل است: وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۖ از زیر گام هایشان.»

سلمی در عقد الدرر/ ۷۶ از ابوبکر محمد بن حسن نقاش مقری نقل می‌کند که در تفسیر خود چنین می‌آورد: «این آیه در مورد سفیانی نازل شده است. ماجرا از این قرار است که او به همراه دایی‌هایش که از کلب هستند از وادی یابس خروج می‌کند. آنان بر فراز منبرهای شام سخنرانی می‌کنند. هنگامی که به عین التمر^۱ برسند، خداوند تعالی ایمان را از دل هایشان محو می‌کند. آنان می‌روند تا به کوه طلا برسند. در آنجا نبرد سختی در می‌گیرد و سفیانی هفتاد هزار نفر را - که شمشیرهای آراسته به زیور و کمر بندهایی که با نقره تزیین شده دارند - به هلاکت می‌رساند.

سپس داخل کوفه می‌شود. اهالی آن به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ گروهی که بدترین خلق خداوند به او می‌پیوندند، گروهی که شهیدان نزد خداوند با او به نبرد می‌پردازند و گروهی که معصیت کارانند به اعراب ملحق می‌شوند...

آنگاه جنایات سفیانی در عراق و بصره و نیز ورود لشکر او به مدینه را ذکر می‌کند و می‌نویسد: او مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله - که محمد یا علی نام دارد - و نیز زنی - که فاطمه نام دارد - را به قتل می‌رساند و برهنه به دار می‌آویزد!

در این هنگام خشم خدای متعال بر آنان شدت می‌گیرد و خبر به ولی الله می‌رسد. او از منطقه‌ای از مناطق جرش و در میان سی نفر خروج می‌کند. خبر خروج وی به مؤمنان می‌رسد. آنان هم مشتاقانه - همان سان که بچه شتر به مادرش اشتیاق دارد - از تمامی نقاط نزد او می‌آیند. او می‌آید و داخل مکه می‌شود. نماز به پا می‌شود، مردم می‌گویند: ای ولی خدا! جلو برو، او می‌گوید: چنین نمی‌کنم...» **خلط و اضافات در نقل وی واضح است.**

اما در منابع ما؛ روایات مربوط به آن بسیار است، تفسیر عیاشی ۲/ ۲۶۱ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن الحسین عجل الله تعالی فرجه رسید. سپس به محمد بن علی و در ادامه خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد، پس همواره با اینان باش. مردی از اینان به همراه سیصد مرد خارج می‌شود. بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله با اوست و آهنگ مدینه دارد. به بیداء

۱. منطقه‌ای نزدیک کربلا

که می‌رسد، می‌فرماید: این مکان گروهی است که خداوند آنان را در زمین فرو برده است، و این آیه ایست که خداوند می‌فرماید: أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ. أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ، آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند، ایمن شدند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو ببرد، یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید؟ یا در حال رفت و آمدشان آنان را بگیرد، و کاری از دستشان برنیاید؟» تفسیر قمی ۲/ ۲۰۵ روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام درباره ی آیه ی: وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا، فرمودند: از صدا، و آن صدا از آسمان است.

وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ؛ از زیر گام هایشان به زمین فرو می‌روند.»

غیبت نعمانی / ۳۰۴ از امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «... مجعّد است، و برگونه خالی دارد. آغاز او از مشرق خواهد بود. چون چنین شود، سفیانی خروج کرده به اندازه ی مدّت حمل یک زن - نه ماه - حکومت می‌کند. او در شام خروج می‌کند و اهل شام - مگر گروه‌هایی که برحق استوارند و خدا آنان را از خروج با او مصون می‌دارد - تسلیم او می‌شوند.

او لشکری انبوه به سمت مدینه می‌فرستد. به بیابان مدینه که می‌رسند خداوند آن را در زمین فرو می‌برد، و این سخن خدای عزیز و جلیل است: وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ.»

کافی ۱/ ۱۶۶ از طیار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «درباره ی آیه ی: سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنََّّهُ الْحَقُّ،^۲ به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها [ی گوناگون] و در دل هایشان به آنان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است، فرمودند: [آن نشانه‌ها] فرو رفتن در زمین، مسخ و پرتاب است، عرضه داشتیم: حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ؟ فرمودند: آن را رها کن، آن قیام قائم است.»

۱. سوره ی نحل / ۴۶ - ۴۵

۲. سوره ی فصلت / ۵۳

نفس زکيه که در مدینه کشته می شود

روایات در این رابطه در فصل یاران امام زمان علیه السلام گذشت. اما در برخی گزارشات آمده که او و خواهرش عموزادگان نفس زکيه هستند، و امام علیه السلام او را به مکه می فرستد و نزدیکی های ظهور و در مسجد الحرام او را می کشند. این خواهر و برادر در فرار از سفیانی از عراق می روند، ولی جاسوسی از عراق همراه آنان است که خبر آنها را می رساند.

لکن صحیح آن است که آنکه در مکه کشته می شود سیدی دیگر است، و در گزارشی آمده که وی از بنی حسن و کم سن است.

ندای آسمانی در منابع اهل سنت

بعضی روایات ندای آسمانی در منابع همگان آمده است، ولی برخی دیگر دستخوش مبالغات و خیال پردازی راویان شده است.

الفتن ۱ / ۳۳۷ از سعید بن مسیب نقل می کند: «فتنه ای رخ خواهد داد که آغاز آن بسان بازی کودکان است. هرگاه یک جانب آن آرام شود از سویی دیگر رو می نماید. آن فتنه پایان نمی یابد تا آنکه منادی از آسمان ندا دهد: بدانید! امیر، فلانی است.

راوی گوید: ابن مسیب دستانش را برهم زد و گفت: او به حق امیر شماست و این را سه بار تکرار کرد...

جابر از ابو جعفر علیه السلام [امام باقر علیه السلام] نقل می کند: منادی از آسمان ندا می کند: بدانید! حق در آل محمد است، و منادی از زمین صدا می زند: بدانید! حق در آل عیسی یا آل عباس است - راوی می گوید: تردید از جانب من است - و صدای پایینی [زمینی] از شیطان است تا مردم را در شک بیاندازد.»

همان ۱ / ۳۳۹ از حضرت امیر علیه السلام روایت می کند: «پس از فرورفتن زمین، منادی در آغاز روز و از آسمان ندا می کند: همانا حق در آل محمد است، سپس در آخر روز منادی ندا می دهد: حق در فرزندان عیسی است و این از شیطان است...

سعید بن یزید تنوخی از زهری نقل می کند: چون سفیانی و مهدی برای نبرد با یکدیگر

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مواجه شوند، در آن روز صدایی از آسمان به گوش می‌رسد: بدانید! اولیای خدا یاران فلان - یعنی مهدی - هستند. زهری از اسماء بنت عمیس چنین روایت می‌کند: نشانه‌ی آن روز آن است که دستی از آسمان پایین می‌آید به طوری که مردم آن را نظاره می‌کنند.»

نکته: این روایت اشاره دارد به اینکه آل عیسی کسانی هستند که ندای زمینی دروغین را در آخر روز منتشر می‌کنند تا تأثیر ندای آسمانی نخست در اول روز را خنثی سازند و شاید عهده‌دار این تزویر غریبان باشند. و از غیبت نعمانی / ۲۶۴ خواهد آمد که امام صادق علیه السلام فرمودند: «شیطان آنان را رها نخواهد ساخت تا ندایشان کند، همان گونه که روز عقبه [مشرکین را] در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله ندا کرد [و هشدار داد].»^۱

الفتن ۱ / ۲۲۸ از ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «هنگامی که در رمضان فریادی به گوش رسد، در شوال فتنه‌ای رخ می‌دهد. قبائل در ذی القعدة از هم جدا می‌شوند. خون‌ها در ذی الحجة می‌ریزد. محرم، و محرم چیست؟ - و این را سه بار فرمودند -، هیئات، هیئات، مردمان در آن به قتل می‌رسند.

گفتم: ای رسول خدا! فریاد چیست؟ فرمودند: فریادی در نیمه‌ی رمضان در شب جمعه، خواب را بیدار می‌کند، کسی را که ایستاده می‌نشانند و دختران را از پرده‌هایشان به در می‌آورد. و این در سالی است که زلزله‌های بسیاری رخ می‌دهد.

پس چون نماز صبح روز جمعه را به جا آوردید، داخل خانه‌هایتان شوید، درها و پنجره‌هایتان را ببندید، خود را بپوشانید و گوش‌هایتان را ببندید. چون فریاد را احساس کردید، برای خدا به سجده بیفتید و بگویید: سبحان القدّوس، سبحان القدّوس، ربّنا القدّوس، زیرا هر که چنین کند نجات یابد، و هر کس این کار را نکند هلاک شود.

ابن حوشب از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: در محرم منادی از آسمان ندا می‌کند: بدانید! همانا برگزیده‌ی خداوند از میان خلق فلانی است، پس از او بشنوید و اطاعت کنید، و این در سال فریاد و فتنه است.»

۱. شیخ طوسی رحمته الله در امالی / ۱۷۶ از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که شیطان در روز عقبه ندا کرد: محمد و مسلمانان در نزدیکی عقبه هستند، به سراغشان بروید... م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

البدء والتاریخ ۱۷۲/۲ از فیروز دیلمی رحمته الله: «فریادی در ماه رمضان به گوش خواهد رسید که خواب را بیدار می‌کند و کسی را که بیدار است به هراس می‌اندازد - این بنا بر روایت قتاده است -.

اما بنا بر روایت اوزاعی: فریادی در نیمه‌ی رمضان به گوش خواهد رسید که هفتاد هزار نفر در اثر آن از هوش می‌روند، هفتاد هزار تن کور، هفتاد هزار نفر کور و هفتاد هزار تن گنگ می‌شوند، هفتاد هزار باکره نیز بکارت خود را از دست خواهند داد!

آنگاه صدای دیگری به دنبال آن خواهد آمد. صدای نخست از آن جبرئیل است و دومی ابلیس - که لعنت خدا بر او باد -.

ندا در رمضان و فتنه در شوال خواهد بود. قبائل در ذی القعدة از هم جدا می‌گردند. در ذی الحجة بر حاجیان هجوم می‌آورند، و ابتدای محرم بلا و انتهای آن گشایش خواهد بود. پرسیدند: ای رسول خدا! چه کسی ایمن خواهد ماند؟ فرمودند: کسی که در خانه بنشیند و به سجده پناه جوید.^۱

عقد الدرر / ۱۰۵ از ملاحم ابن منادی از شهر بن حوشب نقل می‌کند: «گفته می‌شد: در ماه رمضان صدایی [بلند] شنیده می‌شود و در شوال صدایی آرام. در ذی القعدة قبائل جدا می‌شوند. در ذی الحجة خون‌ها می‌ریزند و در محرم اموال حجاج را چپاول می‌کنند.

گفته شد: آن صدا چیست؟ پاسخ دادند: [صدای] هدایتگری از آسمان که خواب را بیدار می‌کند، بیدار را به هراس می‌اندازد، دختران را از پرده بیرون می‌آورد، و تمامی مردم آن را می‌شنوند. کسی از منطقه‌ای از مناطق نمی‌آید، جز آنکه خبر از شنیدن آن می‌دهد.»

الاحاد والمثنائی ۱۴۳/۵ از فیروز دیلمی: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در ماه رمضان صدایی به گوش خواهد رسید. گفتند: ای پیامبر خدا! ابتدا، وسط یا انتهای آن؟ فرمودند: نه، بلکه نیمه‌ی رمضان. وقتی شب نیمه که شب جمعه است فرارسد، صدایی از آسمان شنیده می‌شود که هفتاد هزار نفر در اثر آن بیهوش می‌شوند، هفتاد هزار نفر گنگ و هفتاد هزار تن نابینا خواهند شد، هفتاد هزار نفر بیدار می‌شوند، و همین مقدار کر خواهند شد.

۱. و نیز عقد الدرر / ۱۰۱

گفتند: ای رسول خدا! چه کسی از امت شما ایمن می ماند؟ فرمود: آنکه در خانه بنشیند، به سجده پناه آرد و با صدای بلند تکبیر خدای عزوجل گوید.

در ادامه صدایی دیگر به دنبال آن خواهد بود. نخستین بانگ از آن جبرئیل علیه السلام است و دومی صدای شیطان.

صدا در ماه رمضان خواهد بود، فتنه در شوال و جدایی قبائل در ذی القعدة. در ذی الحجة بر حاجیان هجوم آورند. در محرم، و محرم چیست؟ ابتدای آن بلا بر اتمم و در انتهای آن گشایشی برای آنان.»

الفتن ۱/ ۳۴۵ از ابو جعفر [امام باقر علیه السلام] نقل می کند: «آنگاه [پس از ندا] مهدی در مکه و شب هنگام ظاهر می شود. بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیراهن و شمشیر ایشان و نیز نشانه ها و نور و بیان را با خود دارد. چون نماز عشاء را به جا آورد، با بلندترین صدا ندا می کند: ای مردم! خدا و جایگاه شما نزد پروردگارتان را به یادتان می آورم، زیرا او اتمام حجت کرده، پیامبران را فرستاده و کتاب نازل کرده است. به شما فرمان داده به او هیچ شرک نرورزید، بر اطاعت از خود و رسولش محافظت داشته باشید، هر آنچه را که قرآن زنده داشته زنده دارید و هر آنچه را که او میرانده از بین برید، و یاوران مسیر هدایت و پناهگاه تقوی باشید، چرا که فنا و زوال دنیا نزدیک شده و خبر از جدایی می دهد. من شما را به خدا، رسولش صلی الله علیه و آله، عمل به کتابش، از میان بردن باطل و زنده نگه داشتن سنت او فرا می خوانم.

او در میان سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل بدر که [پیشتر] بسان پاره های ابرپاییزی [پراکنده] بودند و بدون وعده ی قبلی، ظاهر می شود. آنان راهبان شب و شیران روزند. پس خداوند برای مهدی حجاز را فتح می کند. او هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سر می برد رها می سازد.

پرچم های سیاه در کوفه فرود می آیند و بیعت خود را برای آن حضرت ارسال می کنند. مهدی لشکریان خود را به سایر مناطق میفرستد. او ستم و اهل آن را می میراند و سرزمین ها برایش سامان می گیرد، و خداوند قسطنطنیه را بردستان او فتح می نماید.^۱

۱. و نیز عقد الدرر / ۱۴۵، الحاوی ۲ / ۷۱، البرهان هندی / ۱۴۱ و لوائح سفارینی ۲ / ۱۱.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همان ۱/ ۳۴۴ از ابورومان از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه: «هنگامی که منادی از آسمان ندا کند که حق در آل محمد است، نام مهدی بر سر زبان مردم می‌افتد، محبت او با دل‌هایشان عجین می‌شود و سخنی غیر از او ندارند.»^۱

ندا، نشانه‌ای که گردن‌های مردم در برابر آن فرود می‌آید

غیبت نعمانی ۱/ ۲۵۱ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه در مورد سخن خداوند تعالی: **فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ**،^۲ اما دسته‌ها [ی‌گوناگون] از میان آنها به اختلاف پرداختند، سؤال شد و ایشان فرمودند: با رخداد سه امر منتظر فرج باشید، پرسیدند: یا امیرالمؤمنین! آن چیست؟ فرمودند: اختلاف میان اهل شام، پرچم‌های سیاه از خراسان و فریاد در ماه رمضان.

گفته شد: این یک چیست؟ فرمودند: آیا فرموده‌ی خداوند عزوجل در قرآن را نشنیده‌اید: **إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**،^۳ اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد؛ آن نشانه ایست که دختر را از پرده بیرون می‌کشد، خواب را بیدار می‌کند و بیدار را می‌هراساند.»^۴

تأویل الآيات ۱/ ۳۸۶ از حنان بن سدید روایت می‌کند: «از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی این آیه: **إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**، سؤال کردم و ایشان فرمودند: این آیه در مورد قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه نازل شده است، نام او از آسمان ندا می‌شود.»

غیبت نعمانی ۱/ ۲۶۰ با دو سند از عبدالله بن سنان نقل می‌کند: «در محضر امام صادق عجل الله تعالی فرجه بودم. شنیدم مردی از همدان می‌گوید: این ستیان ما را سرزنش کرده می‌گویند: شما برای این پندارید که منادی از آسمان نام صاحب این امر را ندا می‌کند؟ امام عجل الله تعالی فرجه - که تکیه داده بودند -

۱. و نیز البیان گنجی شافعی ۵۱۲، عقد الدرر ۵۲/ ۱۰۶ و ۱۳۶ از طبرانی و ابونعیم در مناقب المهدی، الحاوی

۲. ۶۸/ ۲ و جمع الجوامع ۱۰۳/ ۲

۳. سوره‌ی مریم ۳۷

۴. سوره‌ی شعراء ۴

۴. و نیز عقد الدرر ۱۰۴، تأویل الآيات ۱/ ۳۸۷، حلیة الابرار ۲/ ۶۱۱، البرهان ۳/ ۱۷۹، المحجة ۱۶۰ و بحار ۵۲/ ۲۲۹

به غضب آمده نشستند و فرمودند: این مطلب را از من نقل نکن، از پدرم نقل کن که هیچ اعتراضی متوجه شما نخواهد بود؛ گواهی می‌دهم که از پدرم چنین شنیدم: به خدا سوگند این امر [ندای آسمانی] در کتاب خدای عزوجل آشکار است، آنجا که می‌فرماید: **إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**؛ آن روز هیچ کسی در زمین نخواهد بود، مگر آنکه در مقابل آن خضوع می‌کند و به ذلت می‌افتد. با شنیدن آن ندا از آسمان که: بدانید! حق با علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست، اهل زمین ایمان می‌آورند.

فردای آن روز ابلیس به هوا بالا می‌رود تا از اهل زمین پنهان شود، آنگاه صدا می‌زند: بدانید! حق با عثمان بن عفان و پیروان اوست، زیرا او مظلومانه کشته شده، پس خونخواهی او کنید.

پس خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، با سخن استوار بر حق - که ندای نخست است - ثابت می‌گرداند، و آن روز کسانی که در دل هایشان مرض است دچار شک می‌شوند، و به خدا قسم مرض دشمنی ماست. آن هنگام است که از ما بیزاری می‌جویند و بدگویی می‌کنند و می‌گویند: منادی نخست سحری از سحرهای اهل بیت است.

آنگاه امام صادق علیه السلام این سخن خدای عزیز و جلیل را تلاوت کردند: **وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ**، او هرگاه نشانه‌ای ببینند روی گردانند و گویند: سحری دائم است.»

همان / ۲۵۳ از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام حدیثی طولانی که بسیاری از حوادث و نشانه‌ها در آن آمده است را نقل می‌کند، در پاره‌ای از آن آمده است: «هنگامی که آتشی زرد و عظیم را از سمت مشرق دیدید که سه روز یا هفت روز شعله وراست، منتظر فرج آل محمد علیهم السلام باشید، ان شاء الله عزوجل، همانا خداوند عزیز حکیم است.

سپس فرمودند: آن فریاد نخواهد بود مگر در ماه رمضان، زیرا رمضان ماه خداست، و فریاد در آن فریاد جبرئیل برای خلق.

منادی از آسمان به نام قائم ندا می‌کند و هر که در مشرق و مغرب است آن را می‌شنود. هر که خواب باشد بیدار می‌شود. هر که ایستاده می‌نشیند و هر کس نشسته بردو پا

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می ایستد، و این بابت ترسی است که از آن صدا برآنان عارض می‌شود. پس خداوند کسی را که از آن صدا عبرت گیرد و اجابت کند رحمت نماید، زیرا صدای نخست از آن جبرئیل روح الامین است.

این ندا در ماه رمضان و در شب جمعه شب بیست و سوم است. پس در آن شک نکنید و بشنوید و اطاعت نمایید.

آخر روز صدای ابلیس ملعون خواهد آمد، او صدا می‌زند: بدانید! فلانی مظلومانه به قتل رسید، او می‌خواهد مردم را به تردید اندازد و به فتنه دچار کند. آن روز چه بسیار مردّدان حیران که به آتش سقوط می‌کنند.

چون در ماه رمضان آن ندا به گوش‌تان رسید، تردید به خود راه ندهید که ندای جبرئیل است. نشانه‌ی آن این است که او نام قائم و پدرش را ندا می‌کند چنانکه دوشیزه‌ی در پرده نیز بشنود و پدر و برادرش را بر خروج تحریک کند.

ناگزیر این دو صوت پیش از خروج قائم عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود؛ ندایی از آسمان که ندای جبرئیل به نام صاحب این امر و پدر اوست، و صدای دوم که از زمین است و از آن ابلیس لعین و ندا می‌دهد: فلانی مظلوم کشته شد و با این کار در صدد فتنه‌انگیزی است. پس، از صدای نخست پیروی کنید، و از دیگری پرهیزید که مبادا با آن به فتنه در افتید.»

تفسیر قمی ۱۱۸/۲ از هشام روایت می‌کند: «امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه‌ی: **إِنْ تَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْيُنُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**، فرمودند: گردن‌های آنان - یعنی بنی امیه - فرود می‌آید، و آن [نشانه] فریاد از آسمان به نام صاحب این امر خواهد بود.»

غیبت نعمانی ۲۶۳/۱ از فضیل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «ندای آسمانی به نام قائم در کتاب خدا آشکار است. عرضه داشتیم: خداوند امور شما را سامان دهد، کجای آن؟ فرمودند: در طسم. **تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ**،^۱ فرمایش خداوند: **إِنْ تَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْيُنُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**.

هنگامی که آن صدا را بشنوند صبح می‌کنند و گویا بر سرهایشان پرنده قرار دارد.»

۱. سوره‌ی شعراء ۲-۱

غیبت شیخ طوسی / ۱۱۰ از حسن بن زیاد صیقل روایت می‌کند: «از امام صادق علیه السلام شنیدم: قائم قیام نمی‌کند تا آنکه منادی از آسمان ندا در دهد و آن را به گوش دختر در پرده و اهل مشرق و مغرب برساند، و در این باره نازل شده است: **إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**».

مجمع البیان ۴/ ۱۸۴ می‌نویسد: «ابو حمزه ی ثمالی درباره ی این آیه گوید: آن ندایی است که در نیمه ی ماه رمضان از آسمان به گوش می‌رسد، و در پی آن دخترکان از خانه ها خارج می‌شوند.»

منصور دوانیقی حدیث ندای آسمانی را نقل می‌کند!

کافی ۸/ ۲۰۹ از اسماعیل بن صباح روایت می‌کند: «از پیرمردی از سیف بن عمیره چنین شنیدم: من نزد ابوالدوانیق بودم، او خود ابتدا به سخن کرد و گفت: ای سیف بن عمیره! ناگزیر منادی نام مردی از فرزندان ابوطالب را ندا می‌کند. گفتم: آیا کسی از مردم آن را روایت کرده است؟ گفت: قسم به کسی که جانم به دست اوست، گوشم از او [امام باقر علیه السلام] شنید که فرمود: ناگزیر منادی نام مردی را ندا می‌کند.

من گفتم: ای امیرالمؤمنین! این حدیثی است که تا حال مانند آن را نشنیده‌ام! او گفت: ای سیف! وقتی این واقعه رخ دهد، ما نخستین کسانی هستیم که او را اجابت خواهیم کرد، او یکی از عموزادگان ماست! گفتم: کدامین عموزادگان؟ گفت: مردی از نسل فاطمه علیها السلام.

در ادامه گفت: ای سیف! اگر از ابو جعفر محمد بن علی این را نشنیده بودم، و اهل زمین آن را برابیم می‌گفتند نمی‌پذیرفتم، لکن او محمد بن علی است.»^۱

نگارنده: علّت یقین منصور به سخن امام باقر علیه السلام آن است که او صحّت خبرهای امام علیه السلام از آینده را لمس کرده است. ایشان به بنی حسن و بنی عباس خبر داده بودند که بر بنی امیه پیروز می‌شوند ولی در آینده دچار اختلاف خواهند شد، و آنکه سفاح و سپس منصور به حکومت خواهند رسید.

۱. و نیز ارشاد ۳۵۸/، غیبت شیخ طوسی ۲۶۵/، الخرائج و الجرائح ۳/ ۱۱۵۷ و اثبات الهداة ۳/ ۷۲۵

ندا امری الهی و حتمی است، و همه‌ی مردم علی رغم اختلاف زبان هایشان آن را می شنوند

ارشاد / ۳۵۸ از ابو حمزه‌ی ثمالی روایت می‌کند: «به امام باقر علیه السلام گفتم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند: آری، و ندا حتمی است، طلوع خورشید از مغرب آن حتمی است، اختلاف بنی عباس در حکومت حتمی است، قتل نفس زکیه محتوم است و خروج قائم از آل محمد حتمی است.

عرض کردم: ندا چگونه است؟ فرمودند: منادی در ابتدای روز از آسمان ندا می‌کند: بدانید! حق با علی و شیعه‌ی اوست. آنگاه ابلیس در آخر روز و از زمین صدا می‌زند: بدانید! حق با عثمان و پیروان اوست، در این هنگام است که باطل گرایان دچار تردید می‌شوند.»
غیبت شیخ طوسی / ۲۶۶ از ابو حمزه: «خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: امام باقر علیه السلام می‌فرمودند: خروج سفیانی حتمی است، ندا محتوم است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است و نیز اموری دیگر را حتمی عنوان کردند.

امام صادق علیه السلام افزودند: اختلاف بنی فلان حتمی است، قتل نفس زکیه محتوم است، و خروج قائم حتمی است.

عرض کردم: ندا چسان خواهد بود؟ فرمودند: در ابتدای روز منادی از آسمان ندا می‌کند و هر قومی آن را به زبان خود می‌شنوند: بدانید! حق در علی و شیعیان اوست. ابلیس هم در آخر روز از زمین صدا می‌زند: حق در عثمان و پیروان اوست. آنگاه است که باطل گرایان به تردید می‌افتند.»

غیبت نعمانی / ۲۵۷ از شرحبیل روایت می‌کند: «از امام باقر علیه السلام در مورد قائم علیه السلام پرسیدم، فرمودند: او نخواهد آمد تا آنکه منادی از آسمان ندا کند و اهل شرق و غرب آن را بشنوند، حتی دختر در پرده نیز آن را می‌شنود.»

همان / ۲۷۴ از زراره نقل می‌کند: «خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: آیا ندا حق است؟

۱. در مورد عثمان در این احادیث دو احتمال می‌رود؛ عثمان بن عفان و سفیانی که عثمان بن عنبسه نام دارد، رک. به بحار الانوار / ۵۲ / ۲۹۲ و ۲۰۶ م

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فرمودند: آری به خدا، چنان که هر قومی به زبان خود آن را بشنوند.»

ندا، فریاد به حق

تفسیر قمی ۳۲۷/۲ می نویسد: «فرمایش خداوند: **وَاسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ**^۱، و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی دهد، به گوش باش؛ فرمود: منادی به نام قائم و پدرش **عَلِيٌّ** ندا می کند.

این آیه: **يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ**^۲، روزی که فریاد به حق را می شنوند، آن [روز] روز بیرون آمدن است؛ فرمود: فریاد [به نام] قائم از آسمان. **ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ**؛ فرمود: آن رجعت است.»

ندا در حالی رخ می دهد که مسلمین، مخصوصاً شیعیان در اوضاعی سخت به سر می برند

غیبت نعمانی / ۱۸۱ از داود رقی نقل می کند: «به امام صادق **ع** گفتم: فدایت شوم، این امر به درازا انجامیده و چنان شده که دل های ما به تنگ آمده و از غصه می میریم، ایشان فرمودند: این امر در مأیوسانه ترین و غمبارترین حالت رخ می دهد [و] منادی از آسمان نام قائم و پدرش را ندا می کند.

گفتم: فدایت شوم، نام او چیست؟ فرمودند: نام او نام پیامبری است، و نام پدرش نام وصیی است.»

همان / ۱۴۲ از عمرو بن سعد نقل می کند که روزی امیرالمؤمنین **ع** - در حدیثی طولانی - به حذیفه فرمودند: «چون آن کس از فرزندانم که غائب می شود از دیدگان مردم غائب گردد، و مردم به ناپدید شدن، قتل یا فوت او به اضطراب افتند، فتنه رومی آورد، بلا فرود می آید و تعصب بالا گیرد. مردم در دین خود افراط می کنند. براین نظر اتفاق می کنند که حجّت

۱. سوره ی ق ۴۱/

۲. همان ۴۲/

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

از بین رفته و امامت باطل است. حاجیان از شیعیان علی و ناصبیان برای دستیابی و جستجوی^۱ جانشین جانشین در آن سال حج گزارند، ولی نه اثری از او دیده شود و نه خبری، و جانشینی هم برای او نیابند.

آن هنگام است که شیعیان علی را دشنام دهند. دشمنان آنها آنان را دشنام می دهند و اشرار و فاسقان با احتجاج هایشان برآنان فائق می آیند.^۲ تا آن زمان که امت حیران ماند، هوش از سرش به در رود، و این سخن را زیاد گوید که حجت از میان رفته و امامت باطل است.

پس قسم به پروردگار علی که حجت پایدار است، در راه‌ها راه می رود، در خانه‌ها و قصرها وارد می شود، در شرق و غرب این زمین سیر می کند، سخن را می شنود، بر مردم سلام می کند، می بیند ولی دیده نمی شود، تا آن وقت [معلوم] و میعاد و ندای منادی از آسمان. بدانید! آن روز روز شادی فرزندان و شیعیان علی است.»

ندا، به دنبال جنگی در حجاز

غیبت نعمانی / ۲۶۶ از عبدالله بن سنان: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه چنین شنیدم: منادی از آسمان نام صاحب این امر را ندا می کند: آگاه باشید! همانا این امر [امامت] برای فلان بن فلان است، پس این نبرد برای چیست؟

هموازشان عجل الله تعالی فرجه نقل می کند: این امر [ظهور] که بدان امید دارید واقع نخواهد شد، تا آنکه منادی از آسمان ندا در دهد: بدانید! فلانی صاحب امر است، پس این جنگ برای چیست؟»

نگارنده: این حدیث دلالت دارد که ندای آسمانی در پی جنگی خواهد بود، و احادیثی که بیانگر آن است که در حجاز خلأ سیاسی و درگیری خونین رخ می دهد نیز می تواند مؤید آن باشد.

۱. به طریق لَف و نشر غیر مرتب، دستیابی به ناصبیان باز می گردد و بررسی به شیعیان. م

۲. علامه‌ی مجلسی می فرماید: مقصود آن است که از دید شیعیان ساده اندیش، مخالفان بر شیعه فائق می آیند، مخالفان می گویند: شما شیعیان مدّعی هستید که خداوند زمان را از حجت خالی نخواهد گذارد، حال آنکه در این زمان حجت را نمی شناسید، و لذا شیعیان را به دروغ و افترا متهم می کنند، بحار الانوار ۲۸ / ۷۳. م

ندا، در شب بیست و سوم ماه رمضان

کمال الدین ۲ / ۶۵۰ و ۶۵۲ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «آن فریادی که در ماه رمضان است، در شب جمعه که بیست و سه شب از ماه رمضان گذشته خواهد بود.»

غیبت نعمانی / ۲۸۹ از ابوبصیر روایت می‌کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، خروج قائم علیه السلام کی خواهد بود؟ فرمودند: ای ابا محمد! ما اهل بیتی هستیم که وقت تعیین نمی‌کنیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: وقت گذاران دروغ گفتند.

ای ابا محمد! پیش از این امر پنج علامت خواهد بود؛ نخستین آنها ندا در ماه رمضان، خروج سفیانی، خروج خراسانی، قتل نفس زکیه و فرو رفتن زمین در بیداء.

در ادامه فرمودند: ای ابا محمد! ناگزیر پیش از این امر دو طاعون دامنگیر خواهد شد؛ طاعون سفید و طاعون سرخ، عرضه داشتم: فدایت شوم، این دو چه هستند؟ فرمودند: طاعون سفید مرگ سریع است و طاعون سرخ شمشیر.

قائم خارج نخواهد شد تا آنکه از درون آسمان در شب بیست و سوم که شب جمعه است نام او را ندا کنند، گفتم: چه ندا می‌کنند؟ فرمودند: به نام او و نام پدرش که بدانید! فلان بن فلان قائم آل محمد است، پس شنوا و مطیع او باشید.

پس هرآنچه خدا روح در آن آفریده است آن فریاد را می‌شنود. آن فریاد خواب را بیدار می‌کند و او به حیاط خانه‌اش بیرون می‌رود، و دوشیزه را از پرده به در می‌آورد. قائم هم با شنیدن آن - که فریاد جبرئیل علیه السلام است - خارج می‌شود.»

وقوع این امر در شب بیست و سوم رمضان، از نیمه‌ی رمضان - که پیشتر گذشت - قوی‌تر است.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

نشانه‌هایی دیگر در کنار ندای آسمانی

ارشاد / ۳۵۹ از ابوبصیر روایت می‌کند: «از امام باقر علیه السلام شنیدم که درباره‌ی این آیه: **إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**، فرمودند: خداوند این نشانه را نشان آنها خواهد داد، گفتم: کیان؟ فرمودند: بنی امیه و پیروانشان.

عرض کردم: آن نشانه چیست؟ فرمودند: ثابت ماندن خورشید از زوال تا هنگام عصر،

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و ظهور سینه و چهره‌ی مردی - که به حسب و نسب معروف است - در چشمه‌ی خورشید.

این در زمان سفیانی خواهد بود و آن هنگام است که هلاکت خود و قومش فرا می‌رسد.»

غیبت نعمانی / ۲۷۹ از همواز امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه: «نام قائم را ندا می‌کنند: ای فلان بن فلان!

برخیز.»

نگارنده: این ندا و هاتف مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه و غیر از ندای عمومی است.

از نشانه‌های ظهور: چراغی که خاموش می‌شود و به جای آن، نور حضرت جلوه می‌کند

اثبات الوصیة / ۲۲۶ از ابونصر از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الیه روایت می‌کند: «صاحب این امر خانه‌ای دارد

که آن را بیت الحمد گویند. در آن چراغی است که از زمان ولادت تا وقتی که به شمشیر قیام

کند می‌درخشد.»^۱

غیبت نعمانی / ۲۳۹ از مفضل از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه: «صاحب این امر خانه‌ای دارد که بدان

بیت الحمد گویند. در آنجا چراغی است که از روز ولادت ایشان تا روزی که به شمشیر قیام

کند می‌درخشد و خاموش نمی‌شود.»

نشانه‌ای در ماه رجب و پیش از ندا

غیبت نعمانی / ۲۵۲ از داود بن سرحان از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه نقل می‌کند: «پیش از سالی که فریاد

در آن خواهد بود، در رجب نشانه‌ای رخ می‌نماید، گفتم: کدام؟ فرمودند: صورتی که در ماه

جلوه می‌کند و دستی آشکار.»

معنای این روایت: با امام عجل الله تعالی فرجه الیه در حالی بیعت می‌کنند که خوش ندارد

غیبت نعمانی / ۲۶۳ از عبید بن زراره از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه روایت می‌کند: «نام قائم عجل الله تعالی فرجه الیه ندا

می‌شود. او پشت مقام [ابراهیم عجل الله تعالی فرجه الیه] است که می‌آیند و می‌گویند: نام شما ندا شد، پس

۱. و نیز عیون المعجزات / ۱۴۵، غیبت شیخ طوسی / ۲۸۰، اعلام الوری / ۴۳۱ و اثبات الهداة / ۳ / ۵۱۵

منتظر چه هستید؟ آنگاه دست او را گرفته بیعت می‌کنند.

زراره به من گفت: الحمد لله، ما می‌شنیدیم که با قائم علیه السلام در حالتی بیعت می‌کنند که خوش ندارد، و جهت کراهت آن را نمی‌دانستیم، حال فهمیدیم کراهتی است بدون گناه.»

ندای شیطان پس از ندای جبرئیل علیه السلام

غیبت نعمانی / ۲۶۵ از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «دو فریاد خواهد بود، یکی ابتدای شب و دیگری در انتهای شب دوم، عرضه داشتیم: چگونه؟ فرمودند: یکی از آسمان است و یکی از ابلیس، گفتیم: چسان آنها را از یکدیگر تشخیص دهیم؟ فرمودند: هر که آن را بشنود، پیش از آن، آن را شناخته است.»

کمال الدین ۲ / ۶۵۰ از زراره روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام فرمودند: منادی نام قائم را ندا می‌کند، گفتیم: [شنیدن آن] مخصوص بعضی است یا نه، بلکه فراگیر است؟ فرمودند: فراگیر است و هر قومی با زبان خود آن را می‌شنوند.

عرض کردم: حال که نام او را ندا می‌کنند، دیگر چه کسی با ایشان مخالفت خواهد کرد؟ فرمودند: ابلیس آنان را رها نمی‌کند، تا آنکه ندا کند و مردم را به تردید اندازد.»

همان از میمون البان روایت می‌کند: «در حضور امام باقر علیه السلام در خیمه‌ی ایشان بودم که گوشه‌ای از آن را بالا بردند و فرمودند: امر ما هنگامی که فرارسد، از این خورشید آشکارتر خواهد بود. آنگاه افزودند: منادی از آسمان ندا می‌کند فلان بن فلان امام است و نام او را می‌برد.

ابلیس - که لعنت خدا بر او باد - نیز از زمین صدا می‌زند، همان گونه که شب عقبه [مشرکین را] در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله ندا کرد [و هشدار داد].

همان ۲ / ۶۵۲ از امام صادق علیه السلام: «صوت جبرئیل از آسمان است و صدای ابلیس از زمین. پس، از صدای نخست پیروی کنید و از دیگری بپرهیزید که مبادا با آن به فتنه درافتد.»

غیبت نعمانی / ۲۶۴ از زراره نقل می‌کند: «از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: منادی از آسمان ندا می‌دهد: فلانی امیر است. منادی ندا می‌کند: علی و شیعیان اورستگارانند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

عرض کردم: با این وجود چه کسی با مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌جنگد؟ فرمودند: شیطان صدا می‌زند: فلان و پیروانش رستگارانند - و نام مردی از بنی امیه را می‌برد - عرض کردم: چه کسی راست را از دروغ تشخیص می‌دهد؟ فرمودند: کسانی که حدیث ما را روایت می‌کنند، و پیش از آنکه رخ دهد می‌گویند واقع می‌شود، و می‌دانند خود بر حق و صدق هستند.»

غیبت نعمانی / ۲۶۴ از ناجیه‌ی قطان از امام باقر عجل الله تعالی فرجه: «منادی ندا می‌کند: مهدی از آل محمد فلان بن فلان است - و نام او و پدرش را می‌برد - پس شیطان صدا می‌زند: فلانی و پیروانش بر حق هستند، و مقصود او مردی از بنی امیه است.»

همان / ۲۶۵ از هشام بن سالم روایت می‌کند: «به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفتم: جریری برادر اسحاق به ما می‌گوید: شما بر این باورید که دونداه خواهد بود، حال کدام صادق و کدام کاذب است؟ امام عجل الله تعالی فرجه فرمودند: به او بگویید: آن کسی که ما را بدان خبر داده است، و تو منکر وقوع آن هستی، صادق است.»

کافی ۲۰۸/۸ از ابن مسلم‌ی جریری نقل می‌کند: «به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفتم: اینان ما را توییخ می‌کنند و دروغگومی‌دانند، زیرا ما می‌گوییم: دوفریاد خواهد بود، آنها می‌گویند: حق از باطل آن دورا چگونه تمیز می‌دهید؟

امام عجل الله تعالی فرجه فرمودند: شما چه پاسخی به آنها می‌دهید؟ عرضه داشتم: هیچ، فرمودند: بگویید: وقتی رخ دهد کسی آن را تصدیق می‌کند، که پیشتر بدان ایمان داشته است، خداوند عزوجل می‌فرماید: **أَقْمَنُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ**، 'پس، آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟'

همان ۲۰۹/۸ از داود بن فرقد: «شخصی از عجلیه^۲ این حدیث را شنید: منادی ابتدای روز ندا می‌کند: به هوش باشید! فلان بن فلان و شیعیان او رستگارانند، و پایان روز ندا می‌کند: بدانید! عثمان و پیروان او رستگارانند. امام عجل الله تعالی فرجه فرمودند: منادی پایان روز در ابتدای

۱. سوره‌ی یونس / ۳۵

۲. به نظر می‌رسد مقصود از عجلیه در این روایت، عنوانی کنایی و غیر از عنوانی باشد که در فصل دوازدهم توضیح داده شد، علامه‌ی مجلسی بیان دقیقی دارند که شایسته است بدان مراجعه شود، *مرآة العقول* ۲۶ / ۱۲۷ م

روز ندا می‌کند.^۱

آن مرد گفت: ما از کجا بدانیم کدام صادق و کدام کاذب است؟ ایشان فرمودند: کسی که پیش از ندا بدان ایمان داشته آن را صادق می‌شمارد [و تشخیص می‌دهد]، خداوند عزوجل می‌فرماید: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى.

این ندا غیر از صدایی است که از شام آید

غیبت نعمانی / ۲۷۹ از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «در انتظار صدا باشید که به ناگاه و از ناحیه‌ی دمشق به گوش شما می‌رسد، در آن فرجی عظیم برای شماست.» نگارنده: این فریاد ندای آسمانی نیست، و ممکن است کنایه از حادثه‌ای باشد که در شام رخ می‌دهد، چیزی به مانند رانش زمین. البته احتمال ضعیفی نیز در بین است که این هم ندا باشد و چنان به گوش می‌رسد که گویا از سوی شام است.

نکاتی چند

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

روایات منابع اهل سنت در مورد ندا و جَوّ ظهور چند برابر روایاتی است که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، و آنچه که گذشت مقداری اندک از آن بود.

سنّیان بسیاری از مضامینی را که ما از اهل بیت علیهم السلام و مخصوصاً امیرالمؤمنین و امام باقر علیه السلام نقل می‌کنیم روایت می‌کنند، تفاوتی که وجود دارد آن است که آنها عصمت و الهی بودن آنان را کنار گذاشته‌اند!

روایات اهل تسنّن روی درگیری و قتل در پایان موسم حج تمرکز می‌کند، امری که در احادیث اهل بیت علیهم السلام کمتر مشاهده می‌شود.

علی‌رغم آنکه عنصر اعجاز در روایات طرفین به چشم می‌خورد، اما منابع آنها افسانه‌سرایی‌ها را نیز بدان افزوده که در نتیجه بی‌شباهت به اسرائیلیات نخواهد بود، و آنچه از نظر گذشت کم‌مبالغه‌ترین‌ها بود. ما همین اسلوب را می‌توانیم درباره‌ی مرگ حاکم

۱. برای آگاهی از احتمالات موجود در این عبارت رک به مرآة العقول ۲۶ / ۱۲۷ م

حجاز و نزاع قبائل پس از او بر حکومت و سایر رخدادها در احادیث آنها بیابیم.

روایات آنها چنین جلوه می دهد که گویا ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه امری تصادفی است، و مسلمانان بعد از مرگ حاکم حجاز و درگیری قبائل، با شتاب می آیند و امام عجل الله تعالی فرجه را مجبور می کنند تا به بیعت آنان تن در دهد، آنگاه رهبری امت را در حجاز بر عهده می گیرد، سپس رهسپار عراق و سوریه و قدس می شود و خداوند آنها را برای او فتح خواهد کرد!

این در حالی است که روایات اهل بیت علیهم السلام بالصراحه بیانگران است که تمامی این امور برنامه ای است الهی که با دقت آماده سازی می گردد، و مهم ترین نقش آن را امام مهدی عجل الله تعالی فرجه - که ولی خدا و خاتم اوصیاء معصوم علیه السلام است، برای میراندن ظلم تا ابد ذخیره شده، توسط پروردگارش رهنمون می شود، حرکت او موعود و به ارشاد خداوند متعال است، شخصیتی یگانه در راهبری دارد، و خدا توانایی هایی خاص و سرنوشت ساز به او عطا کرده است - خواهد داشت.

در ادامه یارانی که خدا آنان را ذخیره کرده است می آیند و از اقصی نقاط جهان حضور می رسند. آنگاه نوبت به شرائطی می رسد که برای ظهور ایشان مهیا شده است، چه شرائط مربوط به عالم عرب، و چه سایر نقاط، و از جمله ای آنها سقوط حکومت حجاز، وضع مثبت در عراق و وجود دو دولت دوستدار اهل بیت علیهم السلام یعنی ایران و یمن.

بحار الانوار ۵۲ / ۳۸۹ از ابوالجارود روایت می کند: «به امام باقر عجل الله تعالی فرجه گفتم: فدایت گردم، درباره ای صاحب الامر برایم بفرمایید، ایشان فرمودند: شب هنگام از هراسان ترین مردم است و صبح می کند در حالی که از ایمن ترین آنهاست، و شب و روز این امر [و آنچه باید انجام دهد] بدو وحی می شود.

عرض کردم: ای ابا جعفر! آیا به او وحی می گردد؟ فرمودند: ای ابو جارود! آن، وحی نبوت نخواهد بود، بلکه به او وحی می کند، آنسان که به مریم دختر عمران، مادر موسی و نحل وحی کرده است. ای ابا جارود! قائم آل محمد نزد خداوند از مریم دختر عمران، مادر موسی و نحل گرامی تراست.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نیرو قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ظهور

نمایه‌ای از ظهور

شانزده ماه نخست

احادیث شریفه بر آن دلالت می‌کند که نهضت مقدّس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شانزده ماه به اتمام خواهد رسید. شش ماه نخست در حال هراس و انتظار به سر می‌برد، و وقایع را مخفیانه و به واسطه‌ی یاران راهبری می‌کند، سپس به مدّت دو ماه در مکه خواهد بود. آنگاه متوجّه مدینه می‌شود و مدّتی محدود در آن به سر خواهد برد. بعد از آن عراق، بعد شام و قدس.

روایات تصریح دارد که جنگ‌های ایشان با دشمنان، هشت ماه به طول می‌انجامد و پیروزی‌هایی عظیم به همراه خواهد داشت. پس از آن، عالم اسلام تحت فرمان ایشان، به عالمی موّحد تبدیل می‌شود. در ادامه با یاری حضرت مسیح عیسی علیه السلام آتش بسی با غربیان برقرار خواهد شد.

حدوداً شش ماه پیش از آغاز نهضت، دو رخداد خواهد بود که اشاره به ظهور است؛

نخست: انقلابی در شام و به رهبری سفیانی، عثمان بن عنبسه، واقع می‌شود. از قرائن عدیده آشکار می‌شود که یهود و غرب پشتیبان اویند و حرکت او را دستاوردی مهم در سلطه بر مناطق پیرامون فلسطین می‌دانند که به دست فرماندهی قدرتمند و همسوی با اهداف آنها انجام می‌پذیرد.

لکن کسانی که از روایات پیرامون سفیانی آگاهند و می‌دانند خروج او مقدّمه‌ی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، می‌گویند: خدا و رسولش راست گفته‌اند، پروردگاران منزه است، همانا وعده‌ی او محقّق می‌گردد، و خود را برای نصرت امام آماده می‌کنند.

دوم: ندایی آسمانی به سراسر نقاط عالم که همه آن را - با وجود اختلاف لغات - می‌شنوند و گویا از فراز کعبه است. در اثر آن هر خوابی بیدار می‌شود، نشسته می‌ایستد، و مردمان از خانه‌ها بیرون می‌آیند تا ببینند چه روی داده است؟

این ندا پیام آور آن است که دوران ستم و خونریزی سرآمده و فرمان می‌دهد از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروی کنند، و نام ایشان و پدر بزرگوارشان را می‌برد.

آن هنگام است که تأویل فرمایش خداوند محقّق می‌شود، آنجا که می‌فرماید: **إِنَّا نُنْزِلُ**

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ^۱، اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا گردن هایشان در برابر آن خاضع گردد. و بشر در برابر این نشانه‌ی ربّانی سرفرو می‌آورد، و همه این سؤال را خواهند داشت: مهدی کیست و اکنون کجاست؟

لیکن پیروان شیطان مردم را با ندایی شیطانی به تردید می‌اندازند، و در صدد کشتن امام عجل الله تعالی فرجه برمی‌آیند! این در حالی است که ایمان مؤمنان به اینکه این ندا، ندای حق و موعود است و بشارت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه را می‌دهد افزون می‌گردد، و آنها برای یاری ایشان گروه‌گروه می‌آیند.

و این هنگام است که امام عجل الله تعالی فرجه ظهور تدریجی خویش را می‌آغازد، همان گونه که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه فرموده‌اند: «به طوری ابهام آمیز ظاهر می‌شود، پس سخن درباره‌ی او اوج می‌گیرد و امرش آشکار می‌گردد»^۲.

یعنی برای اینکه امر ظهور ایشان برای مردم واضح و آشکار شود، یا اینکه مردمان را در پذیرش آن بیازماید.

غیبت نعمانی / ۲۷۷ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «قائم قیام نمی‌کند تا آنکه دوازده مرد برخیزند و همه به اتفاق بگویند ایشان را دیده‌اند، ولی مردمان آنان را تکذیب می‌کنند.»
اینان در ادعای خود راستین هستند، اما مردم در ابتدای امر آن را نمی‌پذیرند. امام عجل الله تعالی فرجه در این برهه، ممهّدان و آماده‌سازان یمنی و ایرانی را مأمور انجام دستورات می‌کند و با یارانش در سرزمین‌های مختلف اسلامی ارتباط دارد.

در همین زمان نگاه‌ها همه متوجّه حجاز است و همه در جستجوی مهدی عجل الله تعالی فرجه، زیرا او اهل مدینه است و نهضتش از مکه آغاز می‌گردد.

لشکر سفیانی بسیاری از بنی هاشم را در مدینه دستگیر می‌کند، با این امید که امام عجل الله تعالی فرجه در میان آنان باشند.

همزمان در مناطق اسلامی سخن از مهدی عجل الله تعالی فرجه و ندای جبرئیل عجل الله تعالی فرجه است، که خود در مقدمه

۱. سوره‌ی شعراء / ۴

۲. بحار / ۵۳ / ۳

چینی برای ظهور نقش مهمی دارد. لکن برای مدعیان مهدویت نیز عرصه برای گمراه نمودن مردم فراهم است. در روایت آمده که بسیاری از جمله دوازده نفر از آل ابی طالب علیهم السلام پیش از ظهور ادعای مهدویت می‌کنند، آنها همه پرچمداران ضلالت و گمراهی بوده و در صدد سوء استفاده از جوی هستند که از توجّه عالم به ظهور امام علیه السلام حاصل شده است.

مرحوم نعمانی در غیبت / ۱۵۱ از مفضل بن عمر نقل می‌کند: «امام صادق علیه السلام فرمودند: بیرهزید از آنکه نام او [قائم علیه السلام] را ببرید. بدانید! به خدا قسم امامتان برهه ای غائب خواهد شد، و شما آزمایش می‌شوید تا آنکه گفته شود: او مرد، یا هلاک شد، در کدامین وادی سیر می‌کند؟ دیدگان مؤمنان براو خواهد گریست، و شما بسان کشتی‌ها که امواج دریا آنها را واژگون می‌کنند واژگون خواهید شد، پس تنها کسی نجات خواهد یافت که خدا از او پیمان گرفته، در دل او ایمان را نوشته و او را با روحی از جانب خود تأیید نموده باشد، و دوازده پرچم مشتبه - که از یکدیگر قابل شناخت نیستند - نیز بالا می‌رود.

مفضل گوید: من گریستم، ایشان فرمودند: ای ابا عبدالله! چرا گریه می‌کنی؟ عرضه داشتم: چسان نگریم، حال آنکه شما می‌فرمایید دوازده پرچم که از یکدیگر قابل شناسایی نیستند بالا می‌رود، پس ما آن وقت چه کنیم؟

امام علیه السلام به آفتابی که وارد اتاق شده بود نگرسته فرمودند: ای ابا عبدالله! این خورشید را می‌نگری؟ پاسخ مثبت دادم، ایشان فرمودند: به خدا قسم امر ما از این خورشید آشکارتر است.^۱ این فرمایش بدان معناست که امر ظهور امام زمان علیه السلام به جهت نشانه‌ها و علائمی که دارد واضح، آشکار و متمایز است، لذا هرگز مشتبه نشده، از خورشید آشکارتر خواهد بود.

بیعت با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پس از مرگ حاکم و درگیری قبائل

المصنف عبدالرزاق ۱۱ / ۳۷۱ از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «هنگام مرگ خلیفه ای اختلاف رخ می‌دهد. پس مردی از مدینه بیرون آمده به مکه می‌رود. مردم او را در حالی که خوش ندارد، برای بیعت از خانه بیرون می‌آورند و میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. لشکری

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکامل

منزلت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکامل
حکومت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکامل

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله‌الله تعالی فرجه‌الکامل

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکامل

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکامل در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

از شام به سوی او می‌آید. وقتی به بیابان می‌رسند به زمین فرو می‌روند. آنگاه عصاب [و گروه‌های کم‌تعداد] عراق و ابدال شام نزد او می‌آیند و بیعت می‌کنند. او گنج‌ها را بیرون می‌آورد، اموال را قسمت می‌کند، و اسلام را در زمین اقتدار می‌بخشد. او هفت سال - و یا فرمودند: نه سال - خواهد زیست.»

المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵ / ۴۵ از ام سلمه از آن حضرت: «افرادی به تعداد اهل بدر با مردی در بین رکن و مقام بیعت می‌کنند. عصاب عراق و ابدال شام نزد او می‌آیند. لشکری از اهل شام برای نبرد با آنها می‌آیند، اما چون به بیابان رسند در زمین فروروند. آنگاه مردی از قریش - که دایی‌هایش کلب هستند - برای جنگ با او می‌آید. آنان با یکدیگر مواجه می‌شوند و خداوند اینها را شکست می‌دهد. گفته می‌شود: زیانکار کسی است که از غنیمت کلب بی‌نصیب ماند.»

مسند احمد ۶ / ۳۱۶ این روایت را چنین می‌آورد: «از مدینه به مکه می‌گریزد. مردمی از اهل مکه به سراغ او می‌آیند، و او را در حالی که کراحت دارد بیرون آورده، با او بیعت می‌کنند. لشکری از شام به سوی آنان ارسال می‌شود که در بیداء به زمین فرو می‌روند. مردم چون این را ببینند، ابدال شام و گروه‌های عراق بیایند و بیعت کنند.

آنگاه مردی از قریش - که دایی‌هایش کلب هستند - می‌آید. آنکه در مکه است گروهی را به سوی آن می‌فرستد که بر لشکر کلب پیروز می‌شوند. زیانکار کسی است که در غنیمت کلب حضور ندارد.

او اموال را تقسیم می‌کند، و در میان مردم به سنت پیامبرشان رفتار می‌کند، و نه سال درنگ خواهد نمود.»^۱

۱. و نیز رک به سنن ابوداود ۴ / ۱۰۷ و ۱۰۸، مسند ابویعلی ۱ / ۳۲۲، الملاحم ابن منادی ۴۱ /، المعجم الکبیر ۲۳ / ۲۹۵ و ۳۸۹، المستدرک ۴ / ۴۳۱، مصابیح بغوی ۳ / ۴۹۳ - وی آن را حدیثی حسن می‌شمارد، تهذیب ابن عساکر ۱ / ۶۲، المنار المنیف ۱۴۴ /، مجمع الزوائد ۷ / ۳۱۴ می‌نویسد: طبرانی آن را در المعجم الاوسط نقل می‌کند و راویان آن راویان صحیح‌اند. حافظ ابن صدیق مغربی در رد بر ابن خلدون ۵۰۴ می‌نویسد: او با اقرار به اینکه رجال حدیث رجال صحیحین بخاری و مسلم هستند و هیچ نقد و ایرادی متوجه آنان نیست، ما را از ارائه‌ی سخنان اهل نقد و نیز پرداختن به دلیل صحت حدیث بی‌نیاز کرده است، زیرا بالاترین حدیث صحیح آن است که مسلم و بخاری روایت کرده باشند، یا آنکه بنا بر شرط آنان باشد اگرچه - مانند این حدیث - آن را در کتاب‌های خود نیاورده‌اند.

الفتن ۱ / ۳۴۰ از اراطه روایت می‌کند: «زمانی که مردم در منی و عرفات هستند، منادی پس از گروه گروه شدن قبائل ندا می‌کند: بدانید! امیرتان فلانی است. به دنبال آن صدایی دیگر می‌گوید: بدانید! او دروغ گفت. صدای دیگری نیز در پی آن خواهد آمد: او راست گفت. پس نبرد سختی در می‌گیرد و این در حالی است که اسلحه‌ی آنان اندک است. در آن هنگام دستی نشاندار در آسمان می‌بینید. جنگ شدت می‌گیرد، تا آنجا که از یاران حق تنها به تعداد اهل بدر باقی مانند، و آنان می‌روند تا با صاحب خود بیعت کنند.»

ابن حماد در ادامه بابی را با عنوان «اجتماع مردم در مکه و بیعت آنان با مهدی، درگیری و جنگی که در آن سال در مکه رخ می‌دهد، و اینکه آنان پس از جنگ به دنبال مهدی می‌گردند و با او بیعت می‌کنند» می‌آورد و در آن از پیامبر ﷺ روایت می‌کند: «در ذی القعدة قبائل گروه گروه می‌شوند. آن سال حاجیان را چپاول می‌کنند. پس نبردی در منی در می‌گیرد که کشتگان آن بسیار بوده و خون بسیاری ریخته می‌شود، چنانکه خون بر فراز گردنه‌ی جمره خواهد رسید. صاحب آنان می‌گریزد، ولی او را میان رکن و مقام می‌آورند و با او بیعت می‌کنند و این در حالی است که این کار خوشایند او نیست. به او می‌گویند: اگر با کنی گردنت را می‌زنیم. پس به تعداد اهل بدر با او بیعت می‌کنند. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می‌شوند...»

عبدالله بن عمرو گوید: مردم با هم حج به جای می‌آورند. با هم به عرفات می‌روند ولی امامی ندارند. آنها در منی هستند که به مرضی مانند هاری مبتلا می‌شوند، پس قبائل بر یکدیگر هجوم آورده چنان می‌جنگند که خون از گردنه بالا می‌رود. آنان به سراغ بهترین خود می‌روند. در حالی به حضور او می‌رسند که صورت خود را به کعبه چسبانیده گریه می‌کند، گویا او و اشک هایش را می‌بینم. آنها به او می‌گویند: بیا با تو بیعت کنیم، او گوید: وای بر شما، چه بسیار پیمانی که شکستید، و چه خون‌ها که ریختید، و با او در حالی که کراهت دارد بیعت می‌کنند. اگر او را درک کردید با او بیعت کنید، زیرا او مهدی در زمین و آسمان است... و دیگر روایات مشابه ابن حماد از عبدالله، سعید ابن مسیب، ابن عباس، ابن حوشب و دیگران.

ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «نشانه‌ای در ماه رمضان خواهد بود. گروهی در سؤال

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر
سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نیروی قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ظاهر می‌شوند. در ذی القعدة نبردی در می‌گیرد. حاجیان در ذی الحجة غارت می‌شوند. پرده‌ی محرمات در محرم دریده می‌شود. در صفر صدایی خواهد آمد. در دوماه ربیع قبائل درگیر نزاع می‌کنند. آنگاه شگفتی، تمام شگفتی بین جمادی و رجب است. سپس [اوضاع چنان می‌شود که] شتری با جهاز، از مزرعه‌ای که صد هزار غله دارد بهتر خواهد بود [و ناامنی چنان فراگیر می‌شود که وسیله‌ای مجهز که با آن بتوان فرار کرد از اموال ثابتی چون مزرعه‌ای اینچنین بهتر خواهد بود].^۱

عقد الدرر / ۱۳ از حذیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند در آن روز مردی را که همانم من است و اخلاق مرا دارد و کنیه اش ابو عبدالله است می‌فرستد. مردم میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. خداوند دین را به وسیله‌ی او باز می‌گرداند و برای او فتح‌هایی رخ می‌دهد. پس بر زمین تنها کسانی که لا اله الا الله می‌گویند، باقی خواهند ماند.

در این هنگام سلمان برخاست و گفت: یا رسول الله! از کدام فرزند شما؟ ایشان فرمودند: از این فرزندم، و با دست بر حسین عجل الله تعالی فرجه زدند.»

روایت مرگ حاکم حجاز از منابع ما، پیش از این در فتنه‌های متصل به ظهور و احادیث ندای آسمانی گذشت، مانند غیبت نعمانی / ۲۶۷ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «مردم در عرفاتند که شخصی سوار بر شتری سریع می‌آید و خبر از مرگ خلیفه‌ای می‌دهد که با مرگ او فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و نیز فرج تمامی مردم خواهد بود.»^۲

و ظاهر آن است که تأثیر این خبر بر پیروان حاکم گران می‌آید، و در روایتی آمده است که آنان کسی را که این خبر را در عرفات منتشر می‌کند، به قتل می‌رسانند.

همان / ۲۶۲ از ابوبصیر از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «هنگامی که بنی امیه اختلاف کنند و حکومتشان از دست رود، پسران عباس به حکومت رسند. آنان همواره در غرور حکومت و رفاه و عیش خواهند بود تا آنکه میانشان اختلاف درگیرد. با وقوع اختلاف، حکومت آنان

۱. و نیز رک به المعجم الاوسط / ۱ / ۳۱۳ و المستدرک ۴ / ۵۱۷

۲. و نیز عقد الدرر / ۱۰۶، اثبات الهداة / ۳ / ۷۳۷ و بحار / ۵۲ / ۲۴۰

می‌رود و اهل مشرق و مغرب به اختلاف می‌افتند. آری، و اهل قبله.

مردم به علت ترسی که بر آنان سایه می‌افکند، با سختی و شدت مواجه می‌شوند. آنان پیوسته در این حالت خواهند بود تا آنکه منادیی از آسمان ندا کند. پس چون ندا کرد بروید، بروید که به خدا قسم گویا او را بین رکن و مقام می‌بینم، او با مردم برامری جدید، کتابی جدید و حاکمیت جدیدی از آسمان، بیعت می‌کند.
بدانید! هرگز پرچم او ردّ نخواهد شد تا از دنیا رود.»

در برخی روایات آمده است که سبب قتل وی مسأله‌ای اخلاقی است، و قاتل او یکی از خادمان اوست که پس از کشتن او می‌گریزد! کمال الدین ۲/ ۶۵۵ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «سبب مرگ او آن است که با اخته‌ای نزدیکی می‌کند. غلام هم برمی‌خیزد و او را ذبح و چهل روز مرگ او را کتمان می‌کند. هنگامی که در طلب غلام روند، نخستین کسی که خارج می‌شود باز نمی‌گردد، مگر پس از آنکه حکومت آنان از دست رود.»^۱

مختصر البصائر / ۱۹۹ از امیرالمؤمنین علیه السلام: «برای آن نشانه‌ها و علامات است؛ نخست آنکه کوفه بالشکر و خندق محاصره شود، ... سه پرچم - که با [پرچم] هدایت مشتبّه می‌شوند - پیرامون مسجد اکبر آمد و شد کنند که قاتل و مقتول در آتش اند.»

این پرچم‌ها، پیرامون مسجد الحرام در حجاز با هم درگیر می‌شوند، و هیچ یک در مسیر هدایت نیست.

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۱ از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «کسی که برای من مرگ عبدالله را ضمانت کند، برای او [قیام] قائم را تضمین خواهم کرد. آنگاه فرمودند: هنگامی که عبدالله بمیرد، پس از او مردم بر هیچ کس گرد نیایند، و این امر بدون صاحب شما به پایان نخواهد رسید - ان شاء الله -.

حکومت سالیانه به پایان می‌رسد و جای خود را به حکومت ماهیانه و روزانه خواهد داد. عرض کردم: آیا این به طول می‌انجامد؟ فرمودند: هرگز.»

۱. و الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۶۰

خداوند امر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در یک شب سامان می دهد

المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵ / ۱۹۷ با دو سند از حضرت علی ع از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند: «مهدی از ما اهل بیت است. خداوند او را در یک شب سامان می دهد.»^۱
در منابع ما: دلائل الامامة / ۲۴۷ نظیر روایت المصنف را نقل می کند.

کمال الدین ۱ / ۱۵۲ از حضرت امیر ع از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند: «مهدی از ما اهل بیت است. خداوند امر او را به یک شب سامان می دهد.
در روایتی دیگر: خدا او را در یک شب سامان می دهد.

از امام صادق ع روایت است که به برخی یاران فرمودند: به آنچه امید نداری امیدوارتر باش تا آنچه امید داری، زیرا موسی بن عمران ع خارج شد تا برای خانواده اش آتشی برگیرد، و در حالی نزد آنها بازگشت که رسول و نبی بود. پس خدای تبارک و تعالی امر بنده و پیامبرش موسی ع را در یک شب سامان داد. و همین گونه خداوند تبارک و تعالی درباره ی قائم، دوازدهمین از ائمه ع رفتار خواهد نمود. امر او را به یک شب سامان می بخشد، همانسان که امر پیامبرش موسی را سامان داد، و او را از حیرت و غیبت به نور فرج و ظهور بیرون خواهد آورد.»

نگارنده: سامان بخشیدن به معنای آن است که خداوند اسباب نصرت و لوازمی را که برای انجام مأموریتی اینچنین سترگ می باید، برای امام عجل الله تعالی فرجه فراهم خواهد آورد، که شامل آماده سازی اوضاع امت و عالم از یک سو، و نیز عنایت الهی مناسب با برنامه و مقام حضرت عجل الله تعالی فرجه از سویی دیگر می شود.

لکن این معنا برای برخی سنیان اشتباه شده و لذا پنداشته اند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پیش از آن

۱. و نیز زک به مسند احمد ۱ / ۸۴، الفتن ۱ / ۳۶۲، التاریخ الکبیر ۱ / ۳۱۷، سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳۶۷، مسند ابویعلی ۱ / ۳۵۹، حلیة الاولیاء ۳ / ۱۷۷، اخبار اصبهان ۱ / ۱۷۰، البیان گنجی ۴۸۷ / - وی می نویسد: انضمام این اسناد به یکدیگر و نقل آن توسط حافظان احادیث در کتب، موجب یقین به صحت حدیث می شود. ابن کثیر در الفتن ۱ / ۳۸ مایل به توثیق آن شده است، الدر المنثور ۶ / ۵۸ می نویسد: ابن ابی شیبہ، احمد و ابن ماجه آن را نقل کرده اند، الجامع الصغیر ۲ / ۶۷۲ آن را حسن می شمارد، مرقاة المفاتیح ۵ / ۱۸۰ می نویسد: در یک شب و یا یک ساعت از شب امر او را سامان می دهد و قدر او را بالا می برد، چرا که اهل حل و عقد بر خلافت او اتفاق می کنند (!)، مغربی نیز در رد ابن خلدون ۵۳۳ آن را حدیثی حسن می شمارد.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شب شایستگی لازم را ندارد، و توبه می‌کند و خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد! این ساده بینی و سطحی نگری است، چرا که مسلمانان اجماع دارند بر اینکه رسول گرامی ﷺ او را مهدی نامیده‌اند که دلالت بر عصمت کامل و شامل و عظمت شخصیت ایشان دارد.

روز مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه یکی از روزهای سه گانه‌ی خداوند

تفسیر قمی ۱ / ۳۶۷: «در مورد سخن خداوند متعال: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ، و در حقیقت موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، فرمود: روزهای خدا سه مورد است؛ روز قائم، روز موت و روز قیامت.^۱»
مختصر البصائر / ۱۸ از موسی الحنط از امام صادق علیه السلام: «روزهای خدا سه تاست؛ روز قیام قائم علیه السلام، روز رجعت و روز قیامت.»

برسی در مشارق انوار الیقین / ۲۵۳: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ،^۲ آنان که به غیب ایمان می‌آورند؛ غیب، روز رجعت، روز قیامت و روز قائم است.
و این سخن خدا: وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ بدان اشارت دارد. پس رجعت، روز قیامت و روز قائم برای آنهاست، و حکم آن به دست ایشان است، و تکیه‌گاه مؤمنانند.»

دیدار امام عجله الله تعالی فرجه الیه با یاران ابرار

روایاتی متواتر داریم مبنی بر اینکه خدای متعال یاران حضرت را که پیشتر بسان ابرهای پاییزی پراکنده بودند، از اقصای نقاط عالم به مکه می‌آورد، تفسیر عیاشی ۲ / ۵۶ از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «صاحب این امر در برخی از این نواحی - و به ناحیه‌ی ذی طوی [که از نواحی مکه است] اشاره کردند - غائب خواهد شد. دو شب پیش از خروج، خادمی که در حضور ایشان است با بعضی از یاران آن حضرت ملاقات کرده می‌گوید: شما در اینجا

۱. سوره‌ی ابراهیم علیه السلام / ۵

۲. و خصال / ۱۰۸، معانی الاخبار / ۳۶۵ و روضة الواعظین / ۳۹۲

۳. سوره‌ی بقره / ۳

چند نفرید؟ آنان گویند: نزدیک به چهل نفر، او می گوید: اگر صاحبان را ببینید چه می کنید؟ آنها می گویند: به خدا قسم اگر کوه ها ما را پناه دهند، او را با خود پناه خواهیم داد.

شب بعد هم می آید و می گوید: ده تن از کهنسالان و خوبانتان را نشان دهید، آنان نشان می دهند. او آنها را خدمت امامشان می آورد. ایشان به آنها برای شب بعد وعده می دهد.

غیبت نعمانی / ۳۱۶ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «صاحب این امریاری محفوظ دارد. اگر همه ی مردم [از بین] روند، خدا یاران او را خواهد آورد. آنان همان کسانی هستند که خداوند عزوجل درباره شان فرموده: فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ^۱، و اگر اینان بدان کفر ورزند، بی گمان گروهی را بر آن می گماریم که بدان کافر نباشند.

و آنان کسانی هستند که در موردشان می فرماید: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ^۲، خدا گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست می دارند. [اینان] با مؤمنان فروتن، [و] بر کافران سرفرازند.

همان / ۳۱۲ از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «برخی از آنها شب هنگام از بسترش ناپدید می شود و در مکه صبح می کند. برخی نیز در حالی دیده می شود که روز در ابر سیر می کند. نام او، پدر و حسب و نسبش [نزد ما] معلوم است. مفضل که راویست گوید: گفتم: فدایت شوم، ایمان کدامیک بالاتر است؟ فرمودند: آنکه روز با ابر حرکت می کند.»

نگراننده: سیر با ابر در روز کرامت و اعجازی است که خدا در حق آنان نشان می دهد و آنها را با ابر به مکه منتقل می گرداند.

دلائل الامامة / ۳۰۷ از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «خداوند آنان را در یک شب - که شب جمعه است - در مکه گرد می آورد. همه صبح هنگام در مسجد الحرام حضور خواهند داشت و حتی یک مرد هم جا نخواهد ماند.»

این سخن با مطلبی که پیش از این گذشت که خداوند امرایشان را به یک شب سامان می دهد، و اینکه ظهور ایشان عصر جمعه تاسوعاست، همسو می باشد.

۱. سوره ی انعام / ۸۹

۲. سوره ی مائده / ۵۴

شهادت نفس زکیه، امتحان است

نیروهایی که هنگام ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، در مکه فعالیت دارند، آن گونه که از روایات فهمیده می شود از این قرار است؛ حکومت حجاز که علی رغم ضعفی که بر آن عارض شده، قوای خود را برای مواجهه با ظهور امام عجل الله تعالی فرجه که مسلمانان از مکه بدان دیده دوخته اند، و در موسم حج و بلکه سراسر عالم به بحث پیرامون آن می پردازند، جمع کرده است.

دیگری نیروی اطلاعاتی سفیانی که در پی گریختگان از مدینه است، و اوضاع را برای ورود به مکه برای واکنش در قبال هر حرکتی از آن زیر نظر دارد. سومین نیرو، سازمان های اطلاعاتی دیگر دولت هاست که در جهت کمک رسانی به حکومت حجاز و سفیانی فعالیت می کند، و به خصوص مکه را تحت نظر دارند. البته یمنیان را نیز می بایست تأثیرگذار دانست، چرا که حکومت آنان هم مرز حجاز است و رهبرشان از پیروان امام عجل الله تعالی فرجه.

در چنین جوّی که سراسر دشمنی و عناد با امام عجل الله تعالی فرجه است، ایشان نهضت خود را از حرم الهی می آغازد و بر مکه مسلط می گردد. طبیعی است که در روایات، غیر از اموری که در به ثمر نشستن نهضت مقدّس مؤثر است یا لا اقل ضرری نمی رساند، تفصیل دیگر حرکت ایشان نیاید. بارزترین مطلبی که در روایات آمده آن است که امام عجل الله تعالی فرجه جوانی از یاران و نزدیکان خویش را در بیست و سوم یا بیست و چهارم ذی الحجة یعنی پانزده شب پیش از ظهور ارسال می کند تا پیام ایشان را در مسجد الحرام بخواند. آن جوان پس از نماز می ایستد و نامه ی امام عجل الله تعالی فرجه یا قسمت هایی از آن را قرائت می کند ولی بلافاصله بر سر او می ریزند و با وحشی گری او را بین رکن و مقام به قتل می رسانند. شهادت دردناک وی در زمین و آسمان تأثیر می گذارد و آزمونی خواهد بود که فوائد متعدّدی بر آن مترتب است.

این شهادت از توخّش بقایای دستگاه حاکم پرده برمی دارد، و تمهیدیست برای حرکت امام عجل الله تعالی فرجه که بیش از دو هفته از آن تاریخ تأخیر نخواهد داشت، و شاید دستگاه سلطه را نیز مختل کند. روایات شهادت این جوان پاک در منابع طرفین بسیار است. بعضی احادیث او را غلام می نامد، در برخی نفس زکیه، و در بعضی هم محمد بن الحسن نام دارد، و در فصل اصحاب

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه گذشت.

علامه‌ی مجلسی رحمه الله در بحار الانوار ۵۲ / ۳۰۷ از ابوبصیر از امام باقر عجله الله تعالی فرجه الیه روایت می‌کند: «قائم عجله الله تعالی فرجه الیه به یاران می‌فرماید: ای قوم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند، لیکن من کسی را به سوی آنان می‌فرستم تا به آنچه از چون منی برای اتمام حجت بر آنان می‌شاید، اتمام حجت کنم. او مردی از یارانش را فرامی‌خواند و بدو می‌فرماید: نزد اهل مکه برو و بگو: ای اهالی مکه! من فرستاده‌ی فلانی به سوی شما هستم، او می‌گوید: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافتیم، ما دودمان محمد و سلاله‌ی پیامبران هستیم، بر ما ظلم کردند، ستم روا داشتند و مقهور نمودند، از زمانی که پیامبران از دنیا رفت تا امروز حق ما را ربوده‌اند، ما از شما یاری می‌طلبیم، پس یاریمان کنید.

چون آن جوان این مطالب را می‌گوید به سراغش می‌آیند و بین رکن و مقام او را سر می‌برند، و او همان نفس زکیه است.

وقتی این خبر به امام می‌رسد به اصحاب خود می‌فرماید: آیا به شما نگفتم اهل مکه ما را نمی‌خواهند؟ آنها او را رها نمی‌کنند تا خروج کند. او هم از گردنه‌ی طوی' در میان سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل بدر فرود می‌آید. به مسجد الحرام می‌آید و در کنار مقام ابراهیم عجله الله تعالی فرجه الیه چهار رکعت نماز می‌گزارد و پشت خود را به حجر الاسود می‌دهد. سپس حمد و ثنای الهی به جای آورده، پیامبر را یاد می‌کند، بر ایشان درود می‌فرستد، و سخنی می‌گوید که احدی از مردم نگفته است.»

ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه در سالی فرد

غیبت نعمانی / ۲۶۲ از ابوبصیر از امام باقر عجله الله تعالی فرجه الیه نقل می‌کند: «قائم عجله الله تعالی فرجه الیه در سالی فرد قیام می‌کند؛ نه، یک، سه و پنج.»

ارشاد / ۳۶۱ از همواز امام صادق عجله الله تعالی فرجه الیه: «قائم عجله الله تعالی فرجه الیه تنها در سالی فرد خروج خواهد کرد؛ سال یک، یا سه، پنج، هفت و یا نه.»

۱. یکی از راه‌های ورود به مکه

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجله الله تعالی فرجه الیه

منزلت امام عجله الله تعالی فرجه الیه
حکومت امام عجله الله تعالی فرجه الیه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله الله تعالی فرجه الیه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله الله تعالی فرجه الیه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله الله تعالی فرجه الیه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

غیبت شیخ طوسی / ۳۷۴ از آن حضرت: «قائم تنها در سالی فرد خروج می‌کند؛ نه، سه، پنج یا یک.»^۱

آغاز ظهور، جمعه نهم محرم

خصال ۲ / ۳۹۴ از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند: «شنبه برای ماست، یکشنبه برای شیعیان ما، دوشنبه برای دشمنان ما، سه شنبه برای بنی امیه، چهارشنبه روز نوشیدن دوا، پنجشنبه روزی است که حاجات در آن برآورده می‌شود، و جمعه روز نظافت و عطرزدن، عید مسلمین و برتر از فطر و قربان است، و روز غدیر برترین اعیاد است که هیجدهم ذی الحجة می‌باشد و روز جمعه بوده. قائم ما اهل بیت نیز روز جمعه خروج می‌کند. قیامت هم روز جمعه برپا می‌شود. و روز جمعه عملی افضل از صلوات بر محمد و آل ایشان نیست.»

چند سطر پیش گذشت: «او هم از گردنه‌ی طوی در میان سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل بدر فرود می‌آید. به مسجد الحرام می‌آید... آن سیصد تن و شماری اندک از اهالی مکه با او بیعت می‌کنند. آنگاه از مکه بیرون می‌آید تا آنکه در مانند حلقه باشد.

گفتم: حلقه چیست؟ فرمود: ده هزار مرد. جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ اویند.»

ظهور، شنبه و روز عاشورا

کمال الدین ۲ / ۶۵۳ از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «قائم علیه السلام روز شنبه روز عاشورا خروج می‌کند، همان روزی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید.»

ارشاد ۳۶۱ / ۳۶۱ از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام: «نام قائم علیه السلام را در شب بیست و سوم ندا می‌کنند، و در روز عاشورا قیام می‌کند، و آن روزی است که امام حسین بن علی علیه السلام در آن به شهادت رسید.

۱. و نیز روضة الواعظین ۲ / ۲۶۳، اعلام الوری ۴۲۹، الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۶۱، منتخب الانوار ۳۵، العدد القویة ۷۶ / ۱۱۸ و اثبات الهداة ۳ / ۵۱۴

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهر

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

گویا او را می‌بینم که روز شنبه دهم محرم بین رکن و مقام ایستاده است، جبرئیل عجل الله تعالی فرجه سمت راست ایشان حضور دارد و ندا می‌کند: بیعت به امر خداست. پس شیعیان ایشان از اطراف زمین نزد ایشان می‌آیند، زمین برای آنان درنور دیده می‌شود تا آنکه می‌آیند و بیعت می‌کنند، و خداوند به دست او زمین را از عدالت می‌آکند، همان گونه که از جور و ستم پر شده است.»

الفصول المهمة / ۳۰۲ آن را با مختصر تفاوتی می‌آورد، در ادامه‌ی آن آمده است: «شخصی ایستاده و ندا می‌کند: بیعت، بیعت... آنگاه از مکه به کوفه می‌رود... در نجف فرود می‌آید، و از آنجا لشکرها را به مناطق می‌فرستد.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۴ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه: «گویا قائم را می‌بینم که روز شنبه عاشورا در میان رکن و مقام ایستاده است، جبرئیل در حضور ایشان ندا می‌کند: بیعت به امر خداست. پس او زمین را از داد آکنده می‌سازد، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.»^۱

روایت: عاشورا با نوروز مصادف است

المهذب البارع / ۱ / ۱۹۴ از معلی بن خنیس از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایتی را درباره‌ی نوروز نقل می‌کند، در قسمتی از آن آمده است: «آن، روزی است که قائم ما اهل بیت و والیان امر در آن ظهور می‌کنند، و خداوند متعال او را بر دجال پیروز می‌گرداند. ایشان هم او را برزبانه دان کوفه به دار می‌آویزد. هیچ نوروزی نیست مگر آنکه ما در آن انتظار فرج را داریم، چرا که از ایام ماست. فارسان آن را حفظ کردند و شما تباه ساختید.»

لکن باید گفت که مشهور از اهل بیت عجل الله تعالی فرجه آن است که روز ظهور روز عاشورا است، در برخی روایات نیز روز شنبه عنوان شده است، از غیبت نعمانی / ۳۳۰ نیز به دست می‌آید که در تابستان خواهد بود، لذا با نوروز که در ماه آذار می‌باشد تلاقی نخواهد داشت.

۱. و نیز رکن به غیبت نعمانی / ۲۸۲، تهذیب الاحکام / ۴ / ۳۳۳، روضة الواعظین / ۲۶۳، اعلام الوری / ۴۳۰، الملاحم و الفتن / ۱۹۴، کشف الغمة / ۳ / ۲۵۲ و ۳۲۴، العدد القویة / ۶۵ و بحار / ۵۲ / ۲۸۵ و ۲۹۰

سخنرانی نخست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خطاب به اهل مکه

فقراتی از سخنرانی یا گفتار نخست حضرت خطاب به اهل مکه که شام جمعه خواهد بود، و نیز گفتار دوم که صبح روز بعد و خطاب به مسلمانان و جهانیان است، در روایات آمده است. الفتن ۱ / ۳۴۵ از جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «آنگاه مهدی در مکه و شب هنگام ظاهر می‌شود. بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیراهن و شمشیر ایشان و نیز نشانه‌ها و نور و بیان را با خود دارد. چون نماز عشاء را به جای آورد با بلندترین صداندا می‌کند: ای مردم! خدا و ایستادنتان [در روز قیامت] نزد پروردگارتان را به یادتان می‌آورم، زیرا او اتمام حجت کرده، پیامبران را فرستاده و کتاب نازل کرده است، به شما فرمان داده به او ذره‌ای شرک نرورزید، بر اطاعت از خود و رسولش محافظت داشته باشید، هر آنچه را که قرآن زنده داشته زنده دارید، و هر آنچه را که او میرانده از بین برید، و در مسیر هدایت و تقوی یار و یاور باشید، چرا که فنا و زوال دنیا نزدیک شده و خبر از جدایی می‌دهد. من شما را به خدا، رسولش صلی الله علیه و آله، عمل به کتابش، از میان بردن باطل و زنده نگه داشتن سنت او فرا می‌خوانم.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

او در میان سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل بدر که [پیشتر] بسان پاره‌های ابرپاییزی [پراکنده] بودند، ظاهر می‌شود. آنان راهبان شب و شیران روزند. پس خداوند برای مهدی حجاز را فتح می‌کند. او هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سر می‌برد، رها می‌سازد. پرچم‌های سیاه در عراق فرود می‌آیند و بیعت خود را برای آن حضرت ارسال می‌کنند. مهدی لشکریان خود را به سایر مناطق می‌فرستد. او ستم و اهل آن را می‌میراند و سرزمین‌ها برای او سامان می‌گیرد، و خداوند قسطنطنیه را بر دستان او فتح می‌نماید.»

تشبیه تجمع یاران امام علیه السلام به ابرهای پاییزی در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه خطبه‌ی ۱۶۶ نیز آمده است. احتمال می‌رود ظهور امام علیه السلام و تجمع یاران ایشان هم در پاییز یا آخر تابستان باشد.

در برخی روایات وارد شده است که یکی از یاران امام عجل الله تعالی فرجه در مسجد الحرام می‌ایستد و حضرت را برای مردم معرفی می‌کند و آنان را به سوی ایشان فرا می‌خواند، آنگاه خود ایشان می‌آیند و سخنرانی می‌کنند، بحار الانوار ۵۲ / ۳۰۵ می‌نویسد: «سید علی بن عبد الحمید با سند خود

از ابن محبوب و به طور مرفوع از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: هنگامی که لشکر سفیانی در زمین فرو روند... قائم آن روز در مکه و کنار کعبه است، بدان پناه آورده می‌فرماید: من ولیّ خدایم، من نزدیکترین کس به خدا و محمد ص هستم.

پس هرکه در مورد آدم با من بحث کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به آدم هستم. هرآنکه در مورد نوح با من به احتجاج بپردازد، [بداند که] من نزدیکترین کس به نوحم. هرکسی درباره‌ی ابراهیم با من به گفتگو بپردازد، [بداند که] من نزدیکترین فرد به ابراهیم هستم.

هرکه در مورد حضرت محمد ص با من بحث نماید، [بداند که] من نزدیکترین کس به ایشانم. هرآن کس که درباره‌ی پیامبران با من به احتجاج بپردازد، [بداند که] من نزدیکترین کس به آنها هستم.

خداوند تعالی می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**^۱، به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست.

من باقی گذارده‌ی آدم، مختار نوح، برگزیده‌ی ابراهیم و گزیده‌ی محمد هستم. بدانید! هرکس با من درباره‌ی کتاب خدا احتجاج کند، من نزدیکترین مردم به کتاب خدا هستم.

بدانید! هرآنکه با من در مورد سنت رسول خدا ص گفتگو کند، من نزدیکترین مردم به سنت و سیره‌ی پیامبر خدا ص هستم.

کسی را که سخن مرا می‌شنود به خدا سوگند می‌دهم که حاضران را به غائب برساند. پس خداوند یاران او را که سیصد و سیزده مردند، بدون قرار قبلی و در حالی که [پیش از آن] مانند ابرهای پاییزی [پراکنده] بودند، برای او گرد می‌آورد، آنگاه این آیه را تلاوت کردند: **أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا**^۲، هرکجا که باشید خداوند همگی شما را می‌آورد. و آنان بین

۱. سوره‌ی آل عمران / ۳۴ - ۳۳

۲. سوره‌ی بقره / ۱۴۸

رکن و مقام با ایشان بیعت می‌کنند.

همراه او عهدی از رسول خدا ﷺ است که پدران او یکی پس از دیگری آن را با خود آورده‌اند.

اگر چیزی از این امور بر مردم مشتبه شود، ندای آسمانی مشتبه نمی‌شود، آن هنگام که نام او و پدرش را ندا کنند.»

همان ۳۰۶/۵۲ از امام زین العابدین علیه السلام حدیثی طولانی نقل می‌کند که در پاره‌ای از آن آمده است: «امام علیه السلام زیر درختی خاردار می‌نشیند. جبرئیل علیه السلام در چهره‌ی مردی از [قبیله‌ی] کلب نزد ایشان می‌آید و می‌گوید: ای بنده‌ی خدا! چرا اینجا نشسته‌ای؟ ایشان می‌فرماید: ای بنده‌ی خدا! منتظر آنم که شب فرا رسد و به سوی مکه بروم، خوش ندارم در این گرما خارج شوم. پس جبرئیل می‌خندد. چون می‌خندد امام در می‌یابد که او جبرئیل است. جبرئیل دست ایشان را می‌گیرد، دست می‌دهد، سلام می‌کند و می‌گوید: برخیز، واسبی براق نام برای ایشان می‌آورد. حضرت بر آن سوار می‌شوند تا آنکه به کوه رضوی برسند.

آنگاه محمد و علی می‌آیند و پیمانی می‌نویسند تا ایشان برای مردم بخواند. سپس به مکه می‌رود. مردم آنجا جمع شده‌اند. پس مردی از [خاندان] او می‌ایستد و صدا می‌زند: ای مردم! این همان خواست شماست، نزد شما آمده و شما را به همان چیزی دعوت می‌کند که رسول خدا ﷺ دعوت کردند. مردم هم برمی‌خیزند. ایشان نیز برمی‌خیزد و می‌فرماید: ای مردم! من فلان بن فلانم، من پسر پیامبر خدا هستم، شما را به همان چیزی دعوت می‌کنم که پیامبر خدا فراخواند.

آنان در صدد قتل ایشان برمی‌آیند. ولی آن تعداد که بیش از سیصد تن هستند برخاسته از او محافظت می‌کنند. پنجاه نفر آنان اهل عراق هستند و سایرین از سایرین. برخی از آنان برخی دیگر را نمی‌شناسند. آنان بدون وعده‌ی قبلی گرد آمده‌اند.»

علت ایستادن مردم یا آن است که بتوانند امام را مشاهده کنند، و یا آنکه بابت ترس از دستگاه حاکم پا به فرار می‌گذارند. آن کسانی هم که در صدد ترور ایشان برمی‌آیند، گماشتگان حکومت حجازند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

غیبت نعمانی / ۳۱۵ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه‌ه روایت می‌کند: «قائم از گردنه‌ی ذی طوی در میان کسانی که به تعداد اهل بدر سیصد و سیزده مردند فرود می‌آید، به حجرالاسود تکیه می‌کند و پرچم غالب را به اهتزاز در می‌آورد. علی بن ابی حمزه می‌گوید: من این روایت را برای امام کاظم عجل الله تعالی فرجه‌ه گفتم و ایشان فرمودند: صفحه‌ای گسترده.»^۱

در این گزارشات می‌بینیم که مسلمین چقدر مشتاق امام عجل الله تعالی فرجه‌ه هستند و درباره‌ی ایشان جستجو می‌کنند، و از دشمنان ایشان می‌هراسند، دشمنانی که فرستاده‌ی حضرت را به طرزی وحشیانه به قتل می‌رسانند، چون سخنانی از او رسیده است. در چنین جوّی، امام عجل الله تعالی فرجه‌ه در کنار امدادهای غیبی، بر حسب اسباب طبیعی و عادی نیز نیروهای خود را آماده کرده‌اند، و یاران یمنی ایشان بر حرم شریف و مکه سیطره یافته‌اند، زیرا آنان نیرویی موالی هستند که می‌بایست زمام حکومت در مکه را به دست گیرند.

در روایات سخنی از رخداد نبرد یا قتلی در مسجد الحرام و مکه نیست. من از برخی عالمان شنیده بودم که یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه آن شب امام جماعت مسجد الحرام را می‌کشند، اما نهایت چیزی که یافتیم عبارتی بود که صاحب الزام الناصب رحمه الله ۱۶۶/۲ از برخی علماء نقل کرده است: «روز دهم محرم حجت خارج شده و وارد مسجد الحرام می‌شود. هشت بزاغرا در جلو خود سوق می‌دهد و سخنران آنها را می‌کشد. پس از کشتن او، در کعبه از مردم مخفی می‌شود. چون تاریکی شب - که شب شنبه است - فراگیر می‌شود بر فراز کعبه رفته و سیصد و سیزده یار خود را ندا می‌کند. آنها هم از مشرق و مغرب زمین گرد می‌آیند، و امام صبح شنبه مردم را به بیعت دعوت می‌کند.»

لکن این عبارت سخن برخی علماست و متنی ضعیف دارد. از این رو ترجیح می‌دهیم که شیوه‌ی امام عجل الله تعالی فرجه‌ه برای سیطره‌ی بر مکه بدون خون ریزی باشد، و این امر به خاطر هراسی باشد که در دل دشمن پدید آمده و نیز بر اساس نقشه‌ای متقن و دقیق. البته به جهت حفظ حرمت و تقدّس

۱. علامه‌ی مجلسی در بحار ۵۲/ ۳۷۰ پس از نقل این حدیث می‌نگارد: معنای این جمله‌ی اخیر آن است که این مطلب در صفحه‌ای گسترده است، یا اینکه [امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌ه] با خود صفحه‌ای گسترده و منشور دارد، یا اینکه پرچم او صفحه‌ای گسترده است. م

مسجد الحرام، همین است که انتظار می‌رود.

مگه آن شب است که نفس راحتی می‌کشد، پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بر آن به اهتزاز در می‌آید، و انوار ایشان در سرتاسر عالم درخشیدن می‌گیرد.

دشمنان و رسانه‌های آنان نیز تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا این نهضت مقدس را خنثی سازند. آنان پس از انتشار خبر نهضت امام عجل الله تعالی فرجه، چنین جلوه می‌دهند که این حرکت، حرکت یکی از مدعیان مهدویت است که بیشتر تعدادی از آنها در مگه و دیگر مناطق به قتل رسیده‌اند. آنان توان خود را برای مقابله با این نهضت به کار می‌گیرند و در همین راستا سفیانی را تحریک می‌کنند تا لشکری روانه‌ی مگه کند.

در روز دوم ظهور که شنبه و روز عاشورا است، ایشان وارد مسجد الحرام می‌شوند تا جهانیان را - علی‌رغم زبان‌های مختلفی که دارند - مخاطب قرار دهند، و از آنها در قبال کافران و ظالمان یاری طلبند.

سخنرانی جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در روز عاشورا

منابع شیعی و سنی فقراتی از خطبه و بیان نخست امام عجل الله تعالی فرجه خطاب به جهانیان را نقل می‌کنند که پیشتر گذشت، تفسیر عیاشی ۵۶/۲ از عبد الاعلی حلبی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «به خدا قسم گویا او را می‌بینم که به حجر تکیه داده و خدا را به حق خود سوگند می‌دهد، و بعد می‌گوید: ای مردم! هرکسی که درباره‌ی خدا با من گفتگو کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به خدا هستم.

هرکه در مورد آدم با من بحث کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به آدم هستم.
ای مردم! هرآنکه در مورد نوح با من به احتجاج بپردازد، [بداند که] من نزدیکترین کس به نوحم.

ای مردم! هرکسی درباره‌ی ابراهیم با من به گفتگو بپردازد، [بداند که] من نزدیکترین فرد به ابراهیم هستم.

ای مردم! هرکه در مورد موسی با من احتجاج کند، [بداند که] من نزدیکترین کس به اویم.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

ظهور

عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ای مردم! هرآنکه درباره ی عیسی با من گفتگو کند، [بداند که] من نزدیکترین شخص به عیسايم.

ای مردم! هرکه در مورد حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با من بحث نماید، [بداند که] من نزدیکترین کس به ایشانم.

ای مردم! هرکسی درباره ی کتاب خدا با من گفتگو کند، [بداند که] من نزدیکترین شخص به کتاب خدا هستم. آنگاه به مقام می رود و دو رکعت نماز گزارده خداوند را به حق خود سوگند می دهد.

به خدا قسم او مضطر در کتاب خداست آنجا که می فرماید: **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ،** 'یا [کیست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می کند، و گرفتاری را برطرف می گرداند، و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟

جبرئیل برناودان به صورت پرنده ای سفید، اولین مخلوقی است که با وی بیعت می کند، و [بعد،] آن سیصد و بیش از ده مرد بیعت می کنند.

هریک در راه باشد همان لحظه می رسد، و هرکسی که در راه نباشد از بسترش ناپدید می گردد، و به خدا سوگند این همان سخن علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام است: ناپدید شدگان از بسترهایشان، و همان سخن خداوند است: **فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا،**^۱ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید، هرکجا که باشید، خداوند همگی شما را می آورد. [اینان] سیصد و بیش از ده مرد اصحاب قائم هستند.

و در ادامه فرمودند: به خدا سوگند آنان اَمّت شمرده شده اند که خدا در کتابش فرموده: **وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ،**^۲ و اگر عذابشان را تا اَمّتی شمرده شده به تأخیر اندازیم.

آنان در یک ساعت به مانند پاره های ابر پاییزی، گرد هم می آیند.

آن حضرت صبح در مکه مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعوت می کند

۱. سوره ی نمل / ۶۲

۲. سوره ی بقره / ۱۴۸

۳. سوره ی هود / ۸

و افرادی اندک اجابت می‌کند. آنگاه خود می‌رود و کسی را در مکه می‌گمارد، ولی خبر می‌رسد که او را کشته‌اند...»

پیشتر نیز روایت اختصاص / ۲۵۵ و غیبت شیخ طوسی / ۲۶۹ گذشت و در قسمتی از آن آمده بود: «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید: ای مردم! ما از خدا و مردمانی که ما را اجابت کنند یاری می‌جوییم، چرا که ما اهل بیت پیامبرتان و نزدیک‌ترین مردم به خدا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستیم.

من باقی‌گذارده‌ای از آدم، ذخیره‌ای از نوح، برگزیده‌ای از ابراهیم و گزیده‌ای از محمد صلی الله علیه و آله هستم.

بدانید! هر آنکه با من در مورد سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتگو کند، من نزدیک‌ترین مردم به سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستم.

پس خداوند سیصد و سیزده یار ایشان را بدون وعده‌ی قبلی گرد هم می‌آورد، و آنان بین رکن و مقام با ایشان بیعت می‌کنند.

همراه ایشان عهدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که پسران از پدران آن را به ارث برده‌اند.»

می‌توان تصوّر کرد که عالم چگونه با این رخداد عظیم و ناگهانی به لرزه در می‌آید، و چسان مناطق ستمدیده‌ی اسلامی سرور می‌شوند، آنان شادی خود را با راهپیمایی‌های میلیونی نشان می‌دهند و برای یاری ایشان اعلام آمادگی می‌کنند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه مدّتی طولانی در مکه درنگ می‌کند.

سپس راهی مدینه می‌شود

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۴ روایت می‌کند: «امام عجل الله تعالی فرجه آن مقداری که خدا بخواهد در مکه می‌ماند.»^۱

همان ۳۰۸/۵۲: «به مدینه می‌رود و آن مقداری که بخواهد در آن می‌ماند، آنگاه رهسپار عراق می‌شود.»

۱. و بحار الانوار ۵۲/ ۳۳۴

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

روایات، پیرامون مدّت درنگ امام عَلَيْهِ السَّلَام در مکه و نحوه‌ی عملکرد ایشان در آنجا اندک است. شاید بتوان گفت که از اولین کارهای ایشان سخنرانی برای عالم اسلام، و سرتاسر عالم و نیز بیان برنامه‌ی جهانی است.

در یکی از روایات وارد شده که ایشان بر سارقان کعبه حد جاری می‌کند، و ممکن است مقصود حاکمان سارق باشد.

ایشان برهه‌ای در مکه می‌ماند و منتظر معجزه‌ایست که جدّش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن را وعده داده‌اند، و آن همان فرو رفتن لشکری که به دنبال ایشان می‌آید در زمین است.

زمانی که این نشانه و اعجاز واقع شود و لشکر سفیانی خوراک زمین شوند، ایشان از مکه بیرون می‌آیند و در راه از آن مکان عبور و در آن توقف می‌کنند.

تفسیر عیاشی ۲ / ۲۶۱ از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «...همواره با اینان باش. مردی از اینان به همراه سیصد مرد خارج می‌شود، بیرق رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با اوست و آهنگ مدینه دارد، به بیداء که می‌رسد می‌فرماید: این مکان گروهی است که خداوند آنان را در زمین فرو برده است، و این نشانه‌ایست که خداوند می‌فرماید: أَفَآمِنَ الَّذِينَ مَكْرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَحْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ. أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ، آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند، ایمن شدند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو ببرد، یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید؟ یا در حال رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد، و کاری از دستشان برنیاید؟»

در برخی احادیث آمده که لشکر سفیانی در ماه رمضان وارد مدینه می‌شوند، و امام عَلَيْهِ السَّلَام در محرم ظهور می‌کند، بنابراین ممکن است حرکت سفیانی به مکه، در ماه‌های ربیع الاول و یا ربیع الثانی باشد، که خداوند آنها را پیش از دستیابی به حضرت در زمین فرو می‌برد، و حرکت امام به مدینه چند روز بعد از آن خواهد بود. و شاید هم در اوائل ربیع الاول - که آغاز امامت ایشان است و روز نهم آن به روز فرحة الزهراء عَلَيْهَا السَّلَام معروف می‌باشد - واقع شود.

در روایات آمده که ایشان شخصی را به عنوان والی بر مکه می‌گمارند، و خود با ده یا پانزده

هزار نفر رهسپار مدینه می شوند، ارشاد / ۳۶۳ از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «در مکه می ماند تا یارانش که ده هزار نفر هستند تکمیل شوند، سپس به مدینه می رود.»

کمال الدین ۲ / ۶۵۴ از ایشان روایت می کند: «او خروج نمی کند مگر در میان نیرومندان، و نیرومندان کمتر از ده هزار تن نخواهند بود.»^۱

تهذیب ابن عساکر ۴ / ۵۳۸ از حضرت علی علیه السلام نقل می کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نزدیک است که عذابی از آسمان بر اهل شام فرود آید و آنان را غرق کند، تا جایی که اگر روبهان هم با آنها بجنگند پیروز شوند. آن هنگام، کسی از اهل بیت من در میان سه بیرق خارج می شود. کسی که زیاد گوید، آنان را پانزده هزار نفر می داند، و آنکه کم گوید، گوید: دوازده هزار تن. نشانه‌ی آنها این [شعار] است: بمیران، بمیران.

هفت پرچم به مصاف آنها می آیند که زیر پرچم مردی است در پی حکومت، و خداوند همه را می کشد، و به مسلمین الفت، نعمت و دور و نزدیک آنان را باز می گرداند.»

ترجیح در شمار یاران، با روایت ارشاد و کمال الدین است.

در احادیث آمده که پس از آنکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به مدینه می روند، اهل مکه برضد ایشان می شورند و کارگزار ایشان را به قتل می رسانند که در پی آن امام علیه السلام بدان باز می گردد.

بحار الانوار ۵۲ / ۳۰۸ از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «قائم در مکه، بر اساس کتاب خدا و سنت رسولش صلی الله علیه و آله بیعت می پذیرد، و شخصی را بر آن می گمارد و خود متوجه مدینه می شود. به ایشان خبر می رسد که کارگزارش کشته شده، پس باز می گردد و جنگجویان را می کشد، و بیش از این کاری انجام نمی دهد.»

همان ۵۳ / ۱۱ از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «آنان [اهل مکه] را با حکمت و موعظه‌ای نیکو دعوت می کند. آنها هم اطاعت می کنند. او مردی از اهل بیتش را بر آنان می گمارد و به قصد مدینه خارج می شود. از مکه که می رود، بر آن کارگزار هجوم می آورند.^۲ پس حضرت باز می گردد. آنها با چشمانی خیره و سرهایی بالا گرفته، گریان و خاضع آمده می گویند: ای مهدی

۱. و نیز العدد القویة / ۶۵ و اثبات الهداة ۳ / ۴۹۱

۲. حال یا او را خلع می کنند و یا به قتل می رسانند و خواهد آمد که اهل مدینه نیز چنین می کنند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
اببدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آل محمد! توبه، توبه. ایشان هم آنها را موعظه می‌کند، هشدار می‌دهد و بر حذر می‌دارد، و کسی را از میان خودشان برآنان به عنوان جانشین قرار می‌دهد و می‌رود.»

مرحوم کلینی روایتی را نقل می‌کند که بیانگر آن است که امام عجل الله تعالی فرجه پیش از ورود به مدینه لشکری می‌فرستند. و شاید این امر بلافاصله پس از فرورفتن لشکریان سفیانی در زمین باشد، کافی ۲۲۴/۸ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «آن روز هر کس از فرزندان حضرت علی عجل الله تعالی فرجه که در مدینه است به سمت مکه می‌گریزد. آنها خود را به صاحب این امر می‌رسانند. او رهسپار عراق می‌گردد و لشکری به مدینه گسیل می‌دارد. پس اهل مدینه ایمنی می‌یابند و بدان باز می‌گردند.»

عملکرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در مدینه

بنابر آنچه در روایات آمده است، امام عجل الله تعالی فرجه در مدینه - به عکس مکه - دو نبرد خواهند داشت، تفسیر عیاشی ۵۶/۲ در حدیثی طولانی از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «آن حضرت به مدینه می‌روند و قریشیان خود را از ایشان مخفی می‌کنند. این همان فرموده‌ی علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه است: به خدا قسم قریش آرزو می‌کند که ای کاش تمام دارائی خود، و هر آنچه خورشید بر آن تابیده و غروب کرده را می‌داد و من به اندازه‌ی زمان کشتن شتری نزد آنها بودم.

آنگاه کاری انجام می‌دهد که قریشیان می‌گویند: ما را به نبرد این طاغوت ببرید، به خدا قسم اگر محمدی بود چنین کاری نمی‌کرد، اگر علوی بود چنین نمی‌کرد، اگر فاطمی بود این کار را انجام نمی‌داد. پس خداوند کتف‌های آنها را در اختیار او قرار می‌دهد [و او را مسلط می‌کند]. او جنگجویان را کشته فرزندان را اسیر می‌کند.

سپس می‌رود و در شقره^۱ فرود می‌آید. پس خبر می‌رسد که عامل آن حضرت را به قتل رسانده‌اند و ایشان می‌آید و چنان می‌کشد که کشتار حَرّه در مقابل آن چیزی نیست. آنگاه می‌رود و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله فرا می‌خواند.»

۱. بیرون مدینه به سمت عراق

در این حدیث دو نبرد در مدینه ذکر می شود؛ اولی بعد از کاری که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه انجام می دهند و قریشیان موضع می گیرند، و ظاهراً با منهدم ساختن مسجد النبی صلی الله علیه و آله و قبر شریف، و از نو ساختن آن مرتبط است. دشمنان حضرت این عمل را بهانه ای برای شوراندن مردم برضد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و جنگ با ایشان قرار می دهند. ایشان هم با آنان می جنگد و آن گونه که در برخی روایات آمده صدها تن از آنها را به هلاکت می رساند.

آن هنگام است که قریشیان یعنی پیروان خلافت قرشی آرزو می کنند که ای کاش امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی به مقدار کشتن شتری حضور داشتند، و مانع انتقام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شدند، زیرا شیوهی حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان قریش، صبر و بردباری بود.

نبرد دوم پس از آن است که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف کنترل مدینه را به دست گرفته و شخصی را به عنوان حاکم بر آن قرار می دهند و به سمت عراق می روند، و خود یا فرمانده لشکرشان در شقره فرود می آیند. اهل مدینه عامل امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را خلع می کنند و می کشند. حضرت بدانجا باز می گردند و بیش از آن مقداری که لشکر اموی در واقعه ی مشهور حرّه کشت، به قتل می رسانند، و مدینه دوباره در مقابل حضرت سرخضوع فرود می آورد.

کشته شدگان حرّه در قیامی که بعد از شهادت امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف برضدّ یزید کردند، آن گونه که در برخی منابع آمده بیش از ده هزار نفر بوده است، و تشبیه این دو مقوله تنها از جهت مقدار کشته هاست.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه جریان ابوبکر و عمر را مطرح می کند

روایات اهل بیت علیهم السلام دلالت می کند بر اینکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه موقف خود نسبت به ابوبکر و عمر را اعلان می دارد، و برای مسلمانان بیان می کند که آن دو نفر به همراه طلقاء اتفاق کردند تا با وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی حضرت امیر و عترت علیهم السلام مخالفت کنند، در سقیفه خلافت را از آنان ستانند و آنها را مجبور به بیعت کردند.

آنان با این کار امت را در ورطه ای خطرناک - یعنی نزاع بر سر سلطنت که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را از آن بر حذر داشته بودند - انداختند. آنان امت را از رهبری اهل بیت علیهم السلام که برنامه ای الهی و بی نظیر

داشتند، محروم ساختند.

امام علیه السلام موضوع دفن آن دو در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز مطرح می‌کند، مسجد شریف نبوی را از نومی سازند و قبر آن دو را دور می‌کنند...

طبیعی است که این اعلان موقف، خشم بسیاری از پیروان آن دو را - که در سرتاسر عالم اسلام با ظهور امام علیه السلام مسرور شده بودند، و به راهپیمایی‌های میلیونی در تأیید ایشان و اعلام آمادگی برای یاری پرداخته بودند - برانگیزد.

لکن امام مهدی علیه السلام به تأیید مؤیدان و خشم دشمنان اعتنایی نمی‌کند، و رضایت و خشم غیر خدا برایش اهمیتی ندارد، زیرا تقیّه با ظهور مقدّس پایان می‌پذیرد و دیگر مجالی نخواهد داشت.

همچنین طبیعی است که این موضوع، مدّتی عالم را به خود مشغول می‌کند، و در هفته‌های نخست سرفصل همه‌ی خبرها خواهد بود، و امام علیه السلام شیوه‌هایی را - چه به نحو علمی و چه به نحو اعجاز - برای متقاعد کردن مردم به کار می‌گیرد، و شاید تصاویری از تاریخ و سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز به مردم بنمایاند.

پیش از این روایتی صحیح از تفسیر عیاشی ۵۶/۲ و دیگر کتب گذشت که امام باقر علیه السلام فرمودند: «امام علیه السلام صبح در مکه مردم را به کتاب خدا و سنّت پیامبرش صلی الله علیه و آله دعوت می‌کند و افرادی اندک اجابت می‌کنند. ایشان شخصی را بر مکه می‌گمارد و خود می‌رود. خبر می‌رسد که کارگزارش به قتل رسیده است. پس نزد آنان برمی‌گردد و جنگجویان را به قتل می‌رساند، و بیش از این کاری انجام نمی‌دهد، یعنی کسی را اسیر نمی‌کند.

سپس می‌آید و مردم را به کتاب خدا، سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و بیزاری جستن از دشمنان او - بدون آنکه نام کسی را ببرد - فرامی‌خواند...

سپس آن حضرت به مدینه می‌روند و قریشیان خود را از ایشان مخفی می‌کنند و این همان فرموده‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام است: به خدا قسم قریش آرزو می‌کند که ای کاش تمام دارائی خود و هر آنچه خورشید بر آن تابیده و غروب کرده را می‌داد، و من به اندازه‌ی زمان کشتن شتری نزد آنها بودم.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آنگاه کاری انجام می دهد که قریشیان می گویند: ما را به نبرد این طاغوت ببرید، به خدا قسم اگر محمدی بود چنین کاری نمی کرد، اگر علوی بود چنین نمی کرد، اگر فاطمی بود این کار را انجام نمی داد. پس خداوند کتف های آنها را در اختیار او قرار می دهد [و او را مسلط می کند]. او جنگجویان را کشته فرزندان را اسیر خواهد کرد.

سپس می رود و در شقره فرود می آید. پس خبر می رسد که عامل آن حضرت را به قتل رسانده اند. ایشان می آید و چنان می کشد که کشتار حَرّه در مقابل آن چیزی نیست.

سپس می آید و مردم را به کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ، ولایت حضرت امیر ﷺ و بیزاری جستن از دشمنانش دعوت می کند. چون به ثعلبیه^۱ می رسد مردی از نسل پدرش [از بنی هاشم] که پس از آن حضرت یکی از نیرومندترین و قوی دلتین مردم است صدا می زند: ای فلان! چه می کنی؟ به خدا که تو مردم را به مانند چارپایان از خود می رانی! آیا این پیمانی از رسول خداست یا چیز دیگری؟

شخصی که بیعت حضرت را از مردم می گیرد می گوید: به خدا سوگند یا ساکت می شوی یا آنچه را که دیدگانت در آن است می زنم. قائم ﷺ می فرماید: ای فلان! سکوت اختیار کن. آری به خدا سوگند عهده از رسول خدا ﷺ دارم. ای فلان! آن محفظه را بیاور. او هم می آورد و حضرت عهد پیامبر ﷺ را می خواند. آن مرد می گوید: خدا مرا فدایت کند، سرت را بیاور تا بوسه بزنم، ایشان هم چنین می کند و او میان دو دیده ی امام ﷺ را بوسه می دهد، آنگاه می گوید: بیعت ما را دوباره بگیر، و ایشان چنین می کند.»

این حدیث و امثال آن دلالت می کند که عمل امام ﷺ، مقدّسات بسیاری را کنار می زند، از سویی دیگر بیدار باشی است برای مؤمنان. شخصی که در انتهای حدیث اعتراض می کند، ممکن است از یاران خاص باشد که در دل تردید می کند، و یا حتی ممکن است این سؤال را به عمد پرسیده تا امام ﷺ پیمان نبوی خود را بیرون آورد و به مردم بنمایاند، پیمانی که در آن فرمان داده شده که موقف خود را نسبت به ابوبکر و عمر اعلان دارد.

کمال الدین ۲ / ۳۷۷ از عبد العظیم حسنی از امام جواد ﷺ نقل می کند: «یاران او به تعداد

۱. میان عراق و حجاز

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

اهل بدر، سیصد و سیزده مرد از اقصای نقاط زمین، نزد ایشان گرد می‌آیند، و این فرمایش خداوند عزوجل است: **أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**، هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را می‌آورد؛ در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست.

پس آن هنگام که این تعداد از اهل اخلاص برای ایشان گرد آیند، خداوند امرایشان را آشکار خواهد ساخت، و چون عقد - که ده هزار مرد است - کامل شود، به اذن خداوند عزیز و جلیل خروج می‌کند. او پیوسته دشمنان خدا را می‌کشد تا خداوند عزوجل راضی شود. عرضه داشتم: آقای من! چگونه از رضایت خداوند آگاهی می‌یابد؟ فرمودند: خداوند رحمت را در قلب او قرار می‌دهد. پس هنگامی که وارد مدینه شود، لات و عزی را بیرون می‌آورد و به آتش می‌کشد.»

اگر این حدیث صحیح باشد، معنای به آتش کشیدن لات و عزی آن است که توحید خالص را آشکار می‌سازد، و از اطاعت مسلمین از اشخاصی که به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ظلم کرده و در مکان آنان نشستند، منع می‌کند، همانسان که خود فرموده: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ**^۱، و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند، و آنها را چون دوستی خدا، دوست می‌دارند؛ ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند. کسانی که [با برگزیدن بتها، به خود] ستم نموده‌اند، اگر می‌دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیرو [ها] از آن خداست، و خدا سخت‌کیفر است.

مسلم ۸/ ۱۸۲ از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آورد: «روز و شب به پایان نمی‌رسد تا آنکه لات و عزی پرستش شوند.»

واکنش ناصبیان و بت‌ریه در قبال عمل امام زمان عجل الله تعالی فرجه

بت‌ریه حرکتی است در عراق که ادعای محبت اهل بیت علیهم السلام و ظالمین در حق آنان را با هم دارد.

۱. سوره‌ی بقره ۱۴۸/

۲. سوره‌ی بقره ۱۶۵/

آنان در قبال عملکرد امام علیه السلام در مدینه - یعنی اعلان بیزاری از ابوبکرو عمر - جبهه می گیرند، و تلاش می کنند مانع ورود ایشان به عراق شوند، ولیکن فضای عمومی عراق همراه حضرت خواهد بود.

دلائل الامامة / ۲۴۱ از ابوالجارود از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «... سپس سیصد و سیزده مرد از مردم با امام بیعت خواهند نمود. سپس آن حضرت به مدینه می روند و هزار و پانصد قریشی را که همه حرامزاده اند به هلاکت می رسانند...

آنگاه رهسپار عراق می شود. شانزده هزار نفر از بتریه غرق در سلاح برایشان خروج می کنند. همه قاری قرآن و فقیه در دینند، پیشانی هایشان را [در اثر کثرت عبادت] مجروح کرده اند و دامن هایشان را بالا زده اند، اما نفاق همه شان را در برگرفته است، آنان می گویند: ای پسر فاطمه! بازگرد که ما هیچ نیازی به تو نداریم! ایشان هم از عصر تا شام دوشنبه در پشت نجف آنان را می کشد - و سریعتر از کشتن یک شتر این کار را انجام می دهد -. کسی از آنان نجات نمی یابد، و احدی از یاران امام آسیبی نمی بیند. خون های ایشان موجب قرب به خداست. سپس وارد عراق می شوند، و آنقدر از جنگجویان آن می کشند که خداوند رضایت دهد.

ابوالجارود گوید: این قسمت فرمایش امام باقر علیه السلام را نفهمیدم، از این رو گفتم: فدایت شوم، از کجا آگاهی می یابد که خداوند رضایت داده است؟ فرمودند: ای ابوالجارود! خدا به مادر موسی وحی کرد، و او از مادر موسی بهتر است، خداوند به نحل وحی نمود و او از آن بهتر است، حال متوجه شدی؟ عرضه داشتم: آری.»

به این ترتیب حزب بتریه نخستین حزبی است که در عراق بر امام علیه السلام خروج می کنند. نخستین کسی که آنان را بدین نام نامید زید بن علی رضی الله عنه بود، من لا یحضره الفقیه ۴ / ۵۴۴ روایت می کند: «جماعتی از جمله سلمة بن کهیل، ثابت حداد و کثیر النواء گفتند: ... ما ابوبکرو عمر را دوست داشته، از دشمنان شان بیزاری می جوئیم. پس زید بن علی گفت: آیا از فاطمه علیها السلام بیزاری می جوئید؟ امر ما را گسستید، خداوند شما را از هم بگسلد.»

مقصود زید این است که تشیع نیازمند ولایت و برائت هردوست.

عراق

وضعیت عراق در عصر ظهور

عراق، پایتخت دولت عدل الهی

احادیث حول عراق در علامات ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ظهور و دوران پس از آن بسیار است، و این بابت آن است که خداوند تقدیر نموده عراق پایتخت دولت جهانی عدل الهی که آن حضرت آن را برپا می‌دارد، باشد.

روایات سخن از حاکمان جوری می‌گوید که پیش از ظهور بر عراق سیطره می‌یابند. برخی قسمت‌های آن را مدح می‌کند و برخی دیگر را مذمت می‌گویند. در برخی سخن از کمبود میوه‌های آن است و یا هراسی که اهالی آن را فرا می‌گیرد و به دنبال آن آرامش برقرار نخواهد شد...

شیخ مفید رحمه الله مجموعه‌ای از علائم ظهور و رخداد های عراق و دیگر مناطق را نقل می‌کند، ایشان در ارشاد ۳۶۸/۲ می‌نویسد: «در احادیث علائم و حوادثی برای زمان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ذکر شده است، از جمله؛ خروج سفیانی، قتل حسنی، اختلاف بنی عباس در پادشاهی، کسوف خورشید در نیمه‌ی ماه رمضان، خسوف ماه در آخر رمضان و برخلاف عادت، فرو رفتن زمین در بیداء و نیز در مغرب و مشرق، ثابت ماندن خورشید از زوال تا نیمه‌های عصر، طلوع آن از مغرب، قتل نفس زکیّه با هفتاد تن از صالحین در نجف، ذبح مردی هاشمی بین رکن و مقام، فرو ریختن دیوار مسجد کوفه، روی آوردن پرچم‌هایی سیاه از خراسان، خروج یمانی، ظهور مغربی در مصر و حاکمیت او بر شامات، فرود آمدن ترکان در جزیره و رومیان در رمله، طلوع ستاره‌ای در مشرق که بسان ماه نور افشانی می‌کند، آنگاه چنان خم می‌شود که نزدیک است دو طرف آن با هم برخورد کنند، سرخی‌ای که در آسمان ظاهر می‌شود و آفاق را در بر می‌گیرد، آتشی در مشرق در می‌گیرد و سه یا هفت روز در فضا باقی می‌ماند، اعراب با حاکمان بستیزند و بر بلاد حکومت یابند و از سلطنت عجم خارج شوند، مصریان امیرشان را بکشند، شام ویران شود و سه گروه در آن اختلاف کنند، پرچم‌های قیس و عرب وارد مصر گردد، بیرق‌های کنده در خراسان فرود آید، لشکر غرب بیایند و در نزدیکی حیره بسته شوند، بیرق‌هایی سیاه از سمت مشرق بدان سو آیند، در سدّ فرات شکافی به وجود آید و آب داخل کوچه‌های کوفه شود، شصت دروغ پرداز که ادّعای پیامبری دارند جلوه‌گر شوند،

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دوازده تن از خاندان ابوطالب که همه مدّعی امامت هستند خارج شوند، بزرگی از بنی عباس بین جلّولاء و خانقین سوزانده شود، در بغداد و در نزدیکی کرخ پلی تعبیه کنند، بادی سیاه در ابتدای روز در بغداد وزیدن گیرد، زلزله‌ای رخ دهد که قسمت بزرگی از آن به زمین فرو رود، هراسی که اهل عراق و بغداد را فرا گیرد، مرگ ناگهانی در آن رخ نماید، اموال، اشخاص و محصولات با نقصان روبرو شوند، ملخ هم در فصل خود و هم در غیر فصل ظاهر شود و به زراعت و غلات آسیب زند، کاشته‌هایشان سودی اندک برایشان داشته باشد، دو گروه از عجم درگیر شوند و خون بسیاری میان آنها ریخته شود، بردگان از اطاعت سروران خارج شوند و موالی خود را بکشند، قومی از اهل بدعت مسخ و به بوزینه و خوک تبدیل شوند، بردگان بر سرزمین‌های سروران غلبه پیدا کنند، ندایی از آسمان بلند شود که اهل زمین و هر قومی به زبان خود آن را بشنوند، صورت و سینه‌ای در آفتاب برای مردم آشکار شوند، مردگانی از قبرهایشان برخیزند و به دنیا بازگردند، یکدیگر را بشناسند و دیدار کنند.

این وقایع با بیست و چهار باران پیاپی - که زمین پس از مرگ، بدان حیات می‌یابد و برکات آن رو می‌نماید - پایان می‌پذیرد. بعد از آن، هرگونه ناراحتی از معتقدان به حق که شیعیان مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه هستند، رخت برمی‌بندد.

آن هنگام است که از ظهور ایشان در مکه آگاه می‌شوند، و برای یاری بدان سو می‌روند، همان گونه که در روایات آمده است.

برخی از این وقایع حتمی و برخی دیگر مشروط است، و خداوند به آنچه خواهد بود داناتر است، آنچه ما آوردیم بر اساس اصول و در روایات گنجانده شده است.»

نگارنده: آنچه ایشان فرمودند شمارش بسیاری از نشانه‌های دور و نزدیک ظهور است، و مقصود ایشان این نیست که اینها سلسله وار واقع می‌شوند، زیرا برخی چنان نزدیک به ظهور است که تنها دو هفته با آن فاصله دارد، مانند قتل نفس زکیّه بین رکن و مقام. بلکه این مورد در حقیقت، جزئی از حرکت ظهور است، چون او فرستاده‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه می‌باشد. برخی دیگر نیز قرن‌ها با ظهور فاصله دارد، به مانند اختلاف درونی بنی عباس، و ظهور مغربی در مصر و تحت سلطه در آوردن شامات در نهضت فاطمیین.

مقصود از حتمی و مشروط نیز آن است که برخی از این موارد به هرترتیب واقع می شود، مانند سفیانی، یمانی، قتل نفس زکیّه، ندای آسمانی و فرو رفتن لشکریان سفیانی در زمین، ولی برخی بنابر تقدیر الهی مشروط به رخدادهایی دیگر است.

ضعف گزارش خشکی فرات

المصنف عبدالرزاق ۱۱ / ۳۷۳ از قاسم بن عبدالرحمن نقل می کند: «به ابن مسعود از فزونی فرات گله کردند، گفتند: بیم آن داریم که بر ما طغیان کند، اگر کسی را بفروستی که سدّی تعبیه کند. او گفت: سدّی قرار نمی دهیم، به خدا قسم زمانی برای مردم خواهد آمد که اگر طشتی پر آب را طلب کنید نخواهید یافت، و هر آبی به منبع خود باز خواهد گشت، آن زمان آب و مسلمین در شام خواهند بود.»^۱

اما اهل بیت علیهم السلام برای پندار خط بطلان کشیدند و فرمودند سال ظهور، سالی پر آب و پر باران خواهد بود، چنان که میوه ها فاسد شوند و فرات در شهر کوفه جاری شود. ارشاد / ۳۶۱ از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «در سال فتح، فرات لبریز می شود، آنسان که در کوچه های کوفه داخل گردد.»

همان از ایشان نقل می کند: «پیش از قائم علیه السلام سالی پر آب خواهد بود، میوه ها و نیز خرما بر نخل فاسد می شود، پس در آن تردید نکنید.»^۲

ضعف گزارشات ویرانی بغداد

در منابع سنی روایاتی درباره ی خرابی بغداد آمده است، ملاحم ابن منادی ۴۳ / از جریر بن عبد الله بجلی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: «شهری بین دجله و دجل و صرّاء و قطربل بنا می شود که گنج های زمین در آن گرد می آید. آن شهر به زمین فرو می رود، و سرعت فرو

۱. و نیز الملاحم ابن منادی ۶۳ / و المستدرک ۴ / ۵۰۴ وی آن را صحیح می شمارد.

۲. غیبت شیخ طوسی / ۲۷۲ و ۲۷۳، اعلام الوری / ۴۲۸ و ۴۲۹، الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۶۴ و اثبات الهداة ۳ / ۷۲۸ و ۷۳۳

رفتن آن در زمین، از آهن گداخته در زمین سست بیستراست.^۱

تاریخ بغداد ۱/ ۳۸ از ابوالاسود دؤلی از امیرالمؤمنین علیه السلام: «از محبوبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم: عموزادگان من شهری در مشرق و بین دجله و دجلیل و قطربل و صراة خواهند داشت. با چوب و آجرو گچ و طلا بنا می شود. شرار خلق خدا و جبّاران اَمّت من در آن سکنی می گزینند. بدانید! نابودی آن بردست سفیانی خواهد بود. به خدا قسم گویا آن را می بینم که فرو افتاده است.»

در کتاب الامام الکاظم علیه السلام سید بغداد، فصلی را به بررسی روایات مربوط به خرابی، به زمین رفتن و نابودی بغداد اختصاص دادیم، و ثابت کردیم اینها توسط پیروان بنی امیه ساخته و پرداخته شده است. سبب آن هم آن است که حضرت امیر علیه السلام خبر از ویرانی شام بردستان فرزندشان امام مهدی علیه السلام دادند، و امویان انتقام خود را از عراق و بغداد و کوفه گرفتند! از این روست که نمی توان بدان اعتماد نمود، به خصوص آنکه نابودی بغداد را بردست سفیانی می داند!

البته حدیث صحیحی در بین است که در بردارنده ی خبر دادن امیرالمؤمنین علیه السلام از بنای بغداد و مذمت جبّاران آن است، از جمله کشف الیقین علامه ی حلی رحمه الله / ۸۰: «فصلی در خبرهای غیبی امیرالمؤمنین علیه السلام: یکی از آنها آن است که حضرت امیر علیه السلام خبر از ساخت بغداد و حکومت بنی عباس داده، احوال آنها و نیز اینکه مغولان حکومت را از آنها می ستانند را ذکر فرموده اند. پدرم علیه السلام آن را روایت کرده است، و همین روایت سبب ایمن ماندن اهالی حله، کوفه و دو مشهد شریف [نجف و کربلا] از قتل بوده است.»

ایشان در ادامه، ماجرای پدر و اینکه به بغداد رفت تا با هلاکو خان سخن گوید، و از او برای حلّه و مشهدین امان گیرد. آن روایت این است: «زوراء [بغداد]، و توچه می دانی زوراء چیست! زمینی با درخت گز که بناهای محکم در آن می سازند و ساکنان آن بسیار خواهند بود. آنجا متصدیان و خزانه داران خواهند بود. فرزندان عباس آن را وطن و محلّ دارایی خود قرار دهند. مرکز لهو و خوشگذرانی آنان خواهد بود. ستم و هراس بر آنجا حکمفرماست.

۱. التذکره قرطبی ۲/ ۶۸۱ و ۶۹۷ و جامع سیوطی ۴/ ۷۷۲

رهبران فاجر، قاریان فاسق و وزیران خائن به هم خواهند رسید. پسران فارس و روم آنان را خدمت می‌کنند. آنان به هیچ معرفی - وقتی بشناسند - گردن نمی‌نهند، و از هیچ منکری - هنگامی که آن رازش بشمارند - اجتناب نمی‌کنند، مردان آنان به مردان اکتفا می‌کنند، و زنان به زنان!

آن هنگام اندوه بسیار، گریه‌ی طولانی و وای و فریاد نصیب اهل زوراء می‌شود، و این در اثر هجوم سخت ترک خواهد بود. و آنان [در حقیقت] ترک نیستند. گروهی هستند با حدقه‌های کوچک. صورت‌های آنان به سپرهایی می‌ماند که آهنگر بر آن ضربه می‌زند. جامه‌شان آهن است و بی‌موبند. پادشاهی پیشگام آنهاست که از سرزمین حکمرانی‌شان می‌آید. صدایی رسا دارد. نیرومند و بلند همت است. از منطقه‌ای عبور نمی‌کند، جز آنکه آن را فتح خواهد کرد، و پرچمی در برابر او بالا نمی‌رود، مگر آنکه آن را واژگون می‌کند. وای، وای بر آنکه با او عداوت ورزد. او پیوسته در این حالت خواهد بود، تا آنکه پیروز گردد.»

کفایة الاثر/ ۲۱۳ مشابه آن را نقل می‌کند: «علقمة بن قیس گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر کوفه برای ما خطبه‌ی لؤلؤه را خواندند، در آخر آن فرمودند: بدانید! من نزدیک است کوچ کنم و به غیبگاه [قبر] روان شوم. پس منتظر فتنه‌ی اموی و حکومت کسری، می‌راندن آنچه خداوند احیاء کرده و احیاء آنچه او میرانده، باشید. عبادتگاه‌هایتان را در خانه‌هایتان قرار دهید، و بر مانند آتش افروخته بر درخت غضادندان گیرید. پس خدا را فراوان یاد کنید که یاد او بالاتر است، اگر می‌دانستید.

در ادامه فرمودند: شهری که زوراء نام دارد، بین دجله و دجیله و فرات بنا می‌شود. اگر آن را می‌دیدید، با گنج و آجر محکم شده، با طلا، نقره، لاجورد خالص، مرمر، درب‌های عاج و آبنوس، خیمه، گنبد و اسباب مجلل آراسته‌اند. با ساج، عرعر، صنوبر و چوب افراشته‌اند. با کاخ‌ها بالا برده‌اند. پادشاهان بنی‌شیصبان^۲ - بیست و چهار پادشاه به تعداد سال‌های کدید -

۱. درختی که چوب بسیار سختی دارد و زمان درازی می‌کشد تا خاموش شود.

۲. شیصبان نام شیطان است و کنایه از حاکمان بنی‌عباس می‌باشد. آنها سی و هفت تن بودند و علت اینکه در این روایت سخن از بیست و چهار تن به میان آمده، می‌تواند آن باشد که حضرت آن حکامی را که حکومت مستقر داشتند قصد کرده‌اند، نه همه‌ی آنها را. کدید هم ممکن است کنایه از معتز عباسی باشد که بیست و چهار سال عمر کرد، و یا مقتدر که بیست و چهار سال خلافت داشت، رک به بحار الانوار ۳۶/ ۳۵۶. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت‌گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

یکی پس از دیگری برآن مستولی خواهند شد. در میان آنها سقّاح، مقلّاص، جموع، خدوع، مظفّر، مؤثّث، نظار، کبش، مهتور، عشار، مصطلم، مستصعب، علام، رهبانی، خلیع، سیار، مسرف، کدید، اکتب، مترف، اکلب، وشیم، ظلام و عیوق هستند. گنبدی کبود و با رشته‌ای سرخ [در آن] تعبیه می‌شود.

به دنبال آن، برپادارنده‌ی حق در اقالیم پرده از چهره برمی‌کشد، چونان ماه تابان در میان ستارگان درخشان.

آگاه باشید! خروج او ده نشانه دارد؛ اول طلوع ستاره‌ای دنباله‌دار... در آن فتنه و آشوب و شرافروزی خواهد بود و اینها علائم برکت و فزونی است. از هر نشانه‌ای به نشانه‌ی دیگر شگفتی است. پس چون نشانه‌های ده گانه پایان یابد، آن هنگام است که ماه درخشان از ما آشکار می‌گردد، و کلمه‌ی اخلاص خداوند بر توحید کامل می‌شود.^۱

ظاهر آن است که راویان اموی، مذمت بنی عباس را که امتداد خط خود می‌دانستند، و نیز سخن از مغول را، از روایات پیامبر و حضرت امیر علیه السلام حذف نموده، و نابودی بغداد بردست سفیانی را بدان افزوده‌اند!

مهمترین روایات منابع سنی پیرامون بصره

سنن ابو داود ۴ / ۱۱۳ از صالح بن درهم نقل می‌کند: «ما به حج رفتیم که مردی از ما پرسید: آیا در کنار منطقه‌ی شما منطقه‌ای به نام ابله^۲ وجود دارد؟ گفتیم: آری، گفت: کدامیک از شما قبول می‌کند در مسجد عشار آن دو یا چهار رکعت نماز برای من بخواند و این مطلب را به ابوهریره برساند؟ من از خلیل خود ابو القاسم رضی الله عنه شنیدم: روز قیامت خداوند از مسجد عشار شهیدانی را مبعوث می‌کند، و کسی جز آنان با شهدای بدر برنخیزند.

ابو داود گوید: این مسجد در کنار نهر است.^۳

۱. و نیز الملاحم والفتن / ۱۳۶، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ۲ / ۲۷۳، مشارق انوار الیقین / ۱۶۴ و اثبات الهداة ۵۹۸ / ۲ و ۴۴۲ / ۱

۲. منطقه‌ای بوده در نزدیکی بصره و اکنون جزئی از آن است.

۳. و نیز الملاحم ابن منادی / ۴۰، مصابیح بغوی ۳ / ۴۸۶ - وی آن را حدیثی حسن می‌داند - و جامع الاصول ۱۰ / ۲۱۹

همان از انس از رسول خدا ﷺ: «ای انس! مردم شهرهایی بنا می‌کنند. یکی از آنها بصره یا بصیره نام دارد. اگر از آن عبور کردی یا وارد شدی از شوره زار، چراگاه، بازار و درگاه حاکمان آن دوری کن، و بر اطراف آن فرود آی، زیرا در آنجا زمین فرو می‌رود، پرتاب و زمین لرزه خواهد بود، و قومی شب را سپری می‌کنند ولی صبح هنگام به بوزینه و خوک تبدیل شده‌اند.»^۱

ابن منادی در ملاحم / ۳۸ از ابوبکره برادر زیاد بن ابیه از پیامبر ﷺ: «مردمانی از امت من در منطقه‌ای به نام بصره که در کنار آن نهری به نام دجله قرار دارد، فرود می‌آیند. آنجا از شهرهای مهاجرین خواهد بود. در آخر الزمان بنی قنطورا که گروهی با صورت‌های پهن و چشمان کوچک هستند، می‌آیند و در کنار نهر منزل می‌کنند.

اهالی بصره [برای مقابله با آنان] سه دسته می‌شوند؛ دسته‌ای دم‌های شتران را می‌گیرند و به سمت بیابان می‌روند [و خود را از صحنه دور می‌کنند] که هلاک می‌گردند...»

المعجم الاوسط ۷ / ۵۶۱ از انس از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «مسلمانان پس از من شهرهایی بنا می‌کنند که از جمله‌ی آنها بصیره است. اگر داخل آن شدی از بازار و درگاه سلطان آن اجتناب کن، زیرا آنجا فرو رفتن زمین، مسخ و پرتاب خواهد بود. نشانه‌ی فرارسیدن آن زمان، این است که عدل می‌میرد، ستم می‌گسترده، زنا بسیار می‌گردد و گواهی دروغ گسترش می‌یابد.»

نگارنده: بر این گزارشات نمی‌توان اعتماد کرد، چرا که اهل بیت علیهم‌السلام گواهی به عدم وثاقت انس داده‌اند، و نیز ابوبکره برادر زیاد بن ابیه. علاوه بر آنکه بغوی و ابن جوزی حدیث اخیر را دروغین می‌شمارند، گرچه ابن حجر به دفاع از آن پرداخته است.^۲ لذا شایسته است در آن توقف نمود، چرا که انگیزه‌ی وضع در آن قوی است.

۱. و نیز رک به جمع القوائد ۳ / ۳۱۷

۲. حاشیه‌ی مصابیح بغوی ۳ / ۴۸۶

امیرالمؤمنین (علیه السلام) از قیام صاحب زنج' در بصره خبر می دهند

در فصل دجّال خطبه ای منسوب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از شرح نهج البلاغه ی ابن میثم بحرانی ۲۸۹/۱ که روایتی مرسل بود و در آن بصره مورد نکوهش قرار گرفته بود، و سخن از حوادثی که در آن رخ می دهد به میان آمده بود آوردیم، در آن آمده است: «گویی شهر شما را می بینم که آب تمام آن را فرا گرفته و همانند سینه پرنده ای بر روی دریا، از شهرتان چیزی بجز کنگره های مسجد دیده نمی شود.

در اینجا احنف بن قیس برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! این اتفاق چه زمانی رخ می دهد؟ حضرت فرمود: ای ابا بحر! بین تو و آن زمان قرن ها فاصله است و تو هرگز آن هنگام را در نخواهی یافت. اما حاضران به غائبان برسانند که به برادرانشان خبر دهند هنگامی که دیدند کلبه های بصره به خانه تبدیل شد و نیزارهایش به کاخ، پس فرار کنید در حالی که بصیرت و آگاهی ندارید! سپس به سمت راست رو کرده، فرمودند: فاصله شما با منطقه ابله چقدر است؟ منذر بن جارود گفت: پدر و مادرم فدای شما، چهار فرسخ. فرمودند: درست گفتی، سوگند به خدایی که محمد (صلی الله علیه و آله) را برانگیخت و با نبوت گرامی داشت، به رسالت اختصاص داد و روحش را به بهشت برد، هم چنان که از من می شنوید، از او شنیدم که فرمود: یا علی! آیا می دانی مسافت بین منطقه ای به نام بصره تا جایی که ابله نامیده می شود، چهار فرسخ است؟ سرزمین ابله محلّ مالیات بگیران خواهد بود و هفتاد هزار نفر از امت در آن محل شهید می شوند که مقام شهدای بدر را خواهند داشت.

منذر عرضه داشت: ای امیرمؤمنان! پدر و مادرم فدای شما، چه کسی آنها را می کشد؟ فرمود: برادران جن. آنان گروهی همچون شیاطین اند، سیاه پوست، بد بو و بسیار شرور

۱. صاحب زنج علی بن محمد بن احمد بن عیسی از اهالی روستای ورزنین از توابع ری بود. وی در سؤال سال ۲۵۷ قیام کرد و داخل بصره شد. چنان از مرد و زن و پیرو جوان کشت که برخی کشته های به دست او را قابل شمارش نمی دانند. نقل شده در یک واقعه در بصره سیصد هزار نفر را کشت. اوضاع چنان بر مردم سخت بوده و در تنگنا قرار داشتند که می نویسند: روزها پنهان می شدند و شب ها بیرون می آمدند و سگ ها و گربه ها را می خوردند. فراتر از آن می نویسند: مردم از فرط گرسنگی جنازه های خود را نیز تقسیم و تناول می کردند. او چندین سال بر بصره حکومت کرد و نهایتاً در صفر سال ۲۶۷ توسط موفّق عباسی به هلاکت رسید. لشکر او زنجیان طائفه ای از اهالی سودان بودند، رک به مروج الذهب ۴/ ۱۰۸ و تتمه المنتهی ۴۳۰ و ۴۳۶ م

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام (علیه السلام)

منزلت امام (علیه السلام)

حکومت امام (علیه السلام)

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (علیه السلام)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (علیه السلام)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام (علیه السلام) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

هستند و غنیمت شان اندک است [چرا که اهتمام آنان به کشتن است نه کسب غنیمت]. خوشا به حال کسی که آنان را بکشد و یا به دست آنان کشته شود.

در آن زمان، قومی برای جهاد با آنها قیام می‌کنند که در چشم متکبران آن روزگار خوار و در زمین گمنامند، ولی در آسمان مشهور. آسمان و اهل آن و زمین و اهل آن برایشان می‌گریند. در این هنگام دیدگان حضرت پراز اشک شد و فرمود: ای بصره! بدا به حال تو، از لشکری که نه گرد و غباری دارد، و نه سروصدایی.

منذر پرسید: ای امیرمؤمنان! از آنچه فرمودید، چه بر سراهایی بصره بر اثر غرق شدن خواهد آمد؟ و ویح و ویل یعنی چه؟ فرمود: اینها دو در هستند، ویح در رحمت و ویل در عذاب.

ای پسر جارود! فتنه‌های بزرگی به وقوع خواهد پیوست. یکی از آنها آن است که گروهی خواهند بود که یکدیگر را می‌کشند. و نیز فتنه‌ای که در پی آن خانه‌ها ویران شده، اموال به غارت می‌رود، مرده‌ها کشته می‌شوند و زنان اسیر شده، ذبح می‌گردند. وای که تا چه اندازه سرگذشت آن زنان عجیب است.^۱

گفتیم که این خطبه مرسل و بدون سند است، از این رو نمی‌توان اعتماد کرد، به جز این قسمت: «همانند سینه‌ی پرنده‌ای بر روی دریا، از شهرتان چیزی بجز کنگره‌های مسجد دیده نمی‌شود» که عبارتی است مشهور و محدّثین و مؤرخین آن را نقل کرده‌اند، و سخن امام علیه السلام درباره‌ی صاحب زنج مؤید آن است. راویان و تاریخ نگاران گواهی می‌دهند که امام امیرالمؤمنین علیه السلام سه قرن پیش از این رخداد به توصیف آن پرداخته‌اند، از جمله در نهج البلاغه‌ی صبحی صالح / ۱۴۸ آمده است: «فتنه‌هایی چونان پاره‌های شب تاریک، نه کسی می‌تواند در مقابل آن بایستد، و نه بیرق آنان شکست می‌خورد. به طور کامل به سراغ شما می‌آید. رهبران، آن را هل می‌دهد و سواره‌ی آن، آن را به زحمت می‌اندازد. اهالی آن گروهی هستند که شرشان سخت و غنیمتشان اندک است [چون در صدد کشتن هستند و نه غنیمت بردن]. در راه خدا گروهی به نبرد با آنان می‌پردازند که نزد متکبران ذلیل، در زمین گمنام و در آسمان معروفند.

۱. قسمت‌هایی از آن در احتجاج ۱/ ۲۵۰

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پس ای بصره! در آن زمان وای بر تواز لشکری از انتقام خدا که نه غباری دارند و نه صدایی.
اهالی توبه مرگ سرخ و گرسنگی کیود مبتلا خواهند شد.^۱

شریف رضی عجل الله تعالی فرجه می‌نویسد: امام عجل الله تعالی فرجه به صاحب زنج نظر دارند.

امام عجل الله تعالی فرجه در ادامه فرمودند: «بدا به حال راه‌های آباد و خانه‌های آراسته‌ی شما که بالکن‌هایی مانند بال‌های کرکس، و ناودان‌هایی چون خرطوم فیل دارند. [بدا بر آنها] از کسانی که کسی بر کشته‌شان نمی‌گرید، و کسی در جستجوی آن کس که غائب است بر نمی‌آید.»
این اوصاف بر رهبر قرمطی نهضت زنج انطباق دارد، نهضتی که واکنشی بود در قبال ظلم و ستمی که بر بردگان می‌شد. عموم لشکروی از زنجیان بودند و اسبی هم نداشتند. صاحب زنج خود را علوی معرفی می‌کرد، لیکن نسب شناسان ادّعی او را مردود دانستند.

روایات غرق شدن بصره

امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه در خطبه‌ی سیزدهم می‌فرماید: «شما لشکریان آن زن و پیروان آن حیوان [ستر] بودید. بانگ زد و اجابت کردید، و پی شد و گریختید. اخلاقتان پست، پیمانتان گسسته، دینتان نفاق و آبتان شور است. کسی که در میان شما باشد، به خاطر گناه اوست، و آن کس که بیرون رود، رحمت پروردگارش او را دریافته است.»
گویا مسجدتان را می‌بینم که به مانند جلوی کشتی است، و خداوند از پایین و بالا بر آن عذاب فرستاده، و هر که در آن است غرق شده است.»

این وقایع بر غرق بصره در گذشته منطبق می‌باشد، شرح نهج البلاغه ۱/ ۲۵۳ می‌نگارد: «خبر دادن امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه از غرق شدن بصره به جز مسجد جامع آن:

من کسی را دیدم که می‌گفت: کتب پیش بینی بر آن دلالت می‌کند که بصره با آبی سیاه که از زمین آن می‌جوشد نابود می‌گردد، تمامی آن غرق می‌شود و تنها مسجد آن باقی می‌ماند.

صحیح آن است که این جریان رخ داده است، زیرا بصره دوبار غرق شده، یک بار در

۱. شرح ابن ابی الحدید ۷/ ۱۰۲

دوران القادر بالله، و بار دوم در ایام القائم بامر الله که تمامی آن غرق شد، و تنها قسمتی از مسجد جامع به مانند سینه‌ی پرنده بیرون ماند، همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام خبر دادند. آب از دریای فارس از جانب جزیره‌ی فرس و کوه سنام بدان سو آمد، خانه‌های آن را ویران ساخت، و هرچه در آن بود غرق نمود، و بسیاری از اهالی آن از بین رفتند. یکی از این دو غرقه، نزد اهل بصره معروف است و نسل به نسل آن را نقل می‌کنند.»

روایات خرابی بصره

روایات مربوط به خرابی بصره سه گروه است؛ خرابی به جهت غرق شدن، قیام صاحب زنج و فرو رفتن در زمین. دو مورد نخست در زمان عباسیان واقع شد.

اما ویرانی که آن را از علائم ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه بر شمرده‌اند، عمده روایات آن دو مورد است؛ ارشاد / ۳۶۱ از امام صادق علیه السلام نقل می‌نماید: «مردم پیش از قیام قائم علیه السلام - به وسیله‌ی آتشی که در آسمان آشکار می‌گردد و نیز سرخی که آسمان را می‌پوشاند، فرو رفتن زمین در بغداد، فرو رفتن زمین در بصره، خون‌هایی که در آن ریخته می‌شود، خانه‌هایش ویران می‌شود، هلاکتی به سراغ اهالی آن می‌آید، و هراسی اهل عراق را فرا خواهد گرفت که با وجود آن آرام و قراری نخواهند داشت - از گناهانشان بازداشته می‌شوند.»^۱

اثبات الهداة ۳/ ۷۴۲ این حدیث را با اندکی تفاوت روایت می‌کند، در نقل ایشان سخن از آن است که مناره‌ی بصره به زمین فرو می‌رود، که دلالت می‌کند این امر در قسمتی محدود از آن واقع می‌گردد و غیر از واژگونی است.

روایت دوم: بصره از زمین‌هایی است که در قرآن به واژگونی از آن یاد شده است، یعنی زمین‌هایی که با اهل خود گرفتار عذاب الهی شده‌اند و در زمین فرو رفته‌اند، بصره سه بار واژگون شده و بار چهارم هنوز مانده است، بحار الانوار ۶۰ / ۲۲۴ و دیگر مصادر از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کنند: «ای منذر! برای بصره سه نام دیگر در زُبرِ اوّل آمده است که کسی جز عالمان از آن آگاه نیست؛ خریبه، تدمرو مؤتفکه...»

۱. و نیز اعلام البوری / ۴۲۹ و اثبات الهداة ۳ / ۷۳۳

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ای اهل بصره! خداوند برای هیچ یک از سرزمین‌های مسلمین شرف و کرامتی قرار نداد، مگر آنکه برتر از آن را در شما قرار داده است، و از فضل و به‌مت خود بر شما چیزی را افزوده که آنان ندارند.

قبله‌ی شما دقیقترین قبله است. قبله‌تان به سمت مقام است آنجا که امام در مکه می‌ایستد، قاری شما بهترین قاری در بین مردم است، زاهدتان زاهدترین و عابدتان عابدترین آنان است، تاجر شما تاجرترین و راستگوترین مردم در تجارت، صدقه‌دهنده‌ی شما کریمترین صدقه‌پرداز است، دارای شما بیشترین بخشش و تواضع را دارد، شریف‌تان گرامی‌ترین اخلاق را داراست، و شما بیشترین هم‌جواری را دارید، و از همه کمتر خود را در امور نامربوط به زحمت می‌اندازید، و آزمندترین مردم بر نماز جماعت هستید، میوه‌ها و اموالتان بیشترین است، کودکان شما زرنگترین فرزندان هستند، و زنان شما منیع‌ترین و فرمانبردارترین زنانند.

آب صبح و شام برای صلاح معاش در اختیار شماست، و دریا برای فزونی اموالتان، پس اگر صبرپیشه کنید و استقامت ورزید درخت طوبی استراحتگاه نیمروز و سایه بان شماست، جز آنکه حکم خداوند جاری و قضای او نافذ است و چیزی حکم او را تغییر نمی‌دهد و اوست سریع الحساب، می‌فرماید: **وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا**، و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را پیش از روز رستاخیز، به هلاکت می‌رسانیم یا آن را سخت عذاب می‌کنیم. این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است.

تا آنجا که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به من - در حالی که کس دیگری همراهشان نبود - فرمودند: جبرئیل روح الامین مرا بر شانه‌ی راست خود برداشت و زمین و هر که بر آن است را به من نمایاند، و کلیدهای آن را به من عطا کرد. او آنچه در آن بود و آنچه پیشتر بر آن بوده و نیز آنچه تا روز قیامت خواهد بود را به من آموخت، و این برای من سنگین نیامد، هم چنان که برای پدرم آدم گران نیامد، تمامی نام‌ها را بدو آموخت، ولی فرشتگان مقرب از آن آگاهی نداشتند.

برکنار دریا شهری را مشاهده کردم که بصره نام دارد. آن زمین، دورترین زمین از آسمان و نزدیکترین زمین به آب بود. آنجا سریعترین زمین در ویرانی است. خشنترین خاک و سختترین عذاب را دارد. در قرون گذشته چند بار به زمین فرو رفته است.

ای اهالی بصره! زمانی بر آن خواهد آمد که شما و مناطق اطرافتان، در اثر آب، به بلایی سخت مبتلا شوید، و من محل انفجار آب در شهرتان را می دانم.

پیش از آن نیز حوادثی عظیم شما را فرا خواهد گرفت، حوادثی که از شما مخفی است ولی ما از آن آگاهیم. پس هر کس آن هنگام که آنجا در آستانه ی غرق است از آن خارج شود، رحمت خداست که بر او سبقت جسته، و آنکه در آن باقی ماند ولی نه بابت مرزبانی، به خاطر گناه اوست، و خداوند هیچگاه به بندگان ظلم نمی کند.»

کافی ۱۷۹/۸ روایت می کند: «ابو بصیر از امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه پرسید: **وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى**،^۱ و شهرها را فرو افکند، ایشان فرمودند: آنان اهل بصره اند، و بصره شهر واژگون شده است.

در مورد این آیه نیز سؤال کردم: **وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَنْتَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ**،^۲ و شهرهای زیرو رو شده، پیامبران شان دلایل آشکار برایشان آوردند، فرمودند: آنان قوم لوط هستند، که زیرو رو شدند.»
در منابع ستیان نیز روایات زیرو رو شدن بصره آمده است، ابن عساکر در **الربعین البلدانیه** ۴۳۶/۱ و حموی در **معجم البلدان** ۴۳۶/۱ نقل می کنند: «چون امیر المؤمنین علیه السلام بعد از جنگ جمل وارد بصره شد، بر فراز منبر رفت، حمد و ثنای خدا را به جا آورد و فرمود: ای اهل بصره! ای باقی ماندگان ثمود! ای پیروان حیوان! ای لشکریان آن زن! بانگ زد و اجابت کردید، و پی شد و شکست خوردید.

من آنچه را که می گویم بابت رغبت یا هراس از شما نیست، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: زمینی که آن را بصره گویند فتح می شود، دقیقترین قبله را در زمین خدا دارد، قاری آن بهترین قاری، عابد آن عابدترین مردم، عالم آن داناترین آنان و صدقه پرداز آن برترین

۱. سوره ی نجم / ۵۳

۲. سوره ی توبه / ۷۰

مردم در پرداخت صدقه هستند.

از بصره تا منطقه ای که ابله گویند، چهار فرسخ فاصله است. در کنار مسجد جامع و موضع اخذ مالیات آن هشتاد هزار تن شهید می شوند. شهید آن روز مانند شهید بدر در کنار من است. و این خبر بیشتر با مدح می خواند.

در روایتی دیگر آمده است: بر فراز منبر رفت و فرمود: ای اهاالی بصره! وای بقایای ثمود! ای پیروان حیوان! وای لشکریان آن زن! بانگ زد و تبعیت کردید، و پی شد و شکست خوردید. دینتان نفاق، خردهایتان خُرد و اندک و آبتان شور است. ای اهل بصره و بصیره و سببخه و خربیه! زمینتان دورترین زمین خدا از آسمان، نزدیکترین آنها به آب، و شتابانترین در ویرانی و غرق است.

بدانید! از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند: آیا ندانستی جبرئیل تمام زمین را بر شانه ای راست خود برداشت و نزد من آورد؟ بدان! من بصره را دورترین سرزمین های خدا از آسمان، نزدیکترین آنها به آب، دارای بدترین خاک و شتابانترین آنها در ویرانی یافتم. روزی بر آن فرامی رسد که تنها کنگره های مسجد جامع آن دیده شود بسان جلوی کشتی در لجه ی آب. آنگاه فرمود: ای بصره! بدا بر تو از لشکری که هیچ گرد و غباری ندارد. گفته شد: یا امیر المؤمنین! و یح و ویل چیستند؟ فرمودند: دو در هستند، و یح در رحمت و ویل در عذاب.

در روایتی دیگر: حضرت علی علیه السلام هنگامی که از جنگ جمل فارغ شد وارد بصره شد، به مسجد جامع آمد، مردمان گرد آمدند، ایشان بر منبر رفت، ستایش و ثنای خدا را به جای آورد، درود بر پیامبر ﷺ فرستاد و فرمود: اما بعد، خداوند دارای رحمتی گسترده است، پس ای اهاالی بصره! ای اهل سببخه! ای اهل شهر زیر و رو شده که سه بار زیر و رو شده و مرتبه ی چهارم بر خداست، شما چه می پندارید؟

ای لشکریان آن زن!... به خانه هایتان روید، و خدا و حاکمتان را فرمان برید.

حضرت بیرون آمد تا به مرید [آغل چارپایان] رسید، و رو کرد و فرمود: حمد شایسته ی خدایی است که مرا از بدترین خاک و سریعترین آنها در ویرانی خارج نمود.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نووی در شرح صحیح مسلم ۱/ ۱۵۳ می نویسد: «صاحب مطالع گوید: بصره را تدمر گویند، و نیز زیرو رو شده، چرا که در ابتدای روزگار با اهالی خود زیرو رو شده است.»
الفائق ۳/ ۲۶۰ از انس نقل می کند: «بصره یکی از شهرهای زیرو رو شده است، پس در اطراف آن فرود آی، و از درون آن اجتناب کن.»

الاربعةین البلدانیة ۵/ ۲۱۹ می نویسد: «در گفتار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نکوهش اهل بصره...»^۱
تفسیر قمی ۲/ ۳۳۹ می نگارد: «شهر زیرو رو شده بصره است. شاهد آن سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) است: ای اهل بصره! ای اهالی شهر زیرو رو شده! ای لشکریان آن زن و پیروان حیوان! فریاد زد و اجابت کردید، و پی شد و گریختید. آبتان شور و خرد هایتان خُرد و اندک است، و منتهای نفاق در میان شماست، و بر زبان هفتاد پیامبر نفرین شده اید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمودند که جبرئیل ایشان را خبر داده که زمین برایش درنوردیده شد و بصره را در حالی مشاهده نمود که نزدیکترین زمین ها به آب است، و دورترین از آسمان، نه قسمت از ده قسمت شر در آنجاست، و نیز درد سخت. کسی که در آن اقامت کند گناهکار است، و آنکه از آن بیرون رود رحمت است که شاملش شده. آنجا دوبار با اهل خود زیرو رو شده و برخداست که سومین بار را نیز به انجام رساند، و انجام سومین بار در رجعت خواهد بود.»
درنگ و تأمل در این روایات موجب می شود انسان اطمینان یابد که چنین مضمونی از حضرت امیرالشیع (علیه السلام) صادر شده، و در گذشته دو بار و یا بیشتر زیرو رو شده است و دیگر بار نیز چنین خواهد شد. لکن در هیچ یک از این احادیث نیامده که این امرا نشانه های ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است، زمان آن را نیز تعیین نکرده است، مگر روایت تفسیر قمی که هم اکنون گذشت و آن را در رجعت می داند، و رجعت هم ممکن است با فاصله ی زیادی از ظهور رخ دهد.

مؤید این مطلب هم آن است که در برخی روایات گذشت که این، همان فرورفتن در زمین است که خدا در این آیه ذکر فرموده: وَإِنَّ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا^۲ و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را پیش از روز رستاخیز،

۱. مشابه آن البدء و التاريخ / ۴۳۶

۲. سوره ی اسراء / ۵۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به هلاکت می‌رسانیم یا آن را سخت عذاب می‌کنیم. این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است. و آنچه در این آیه آمده امری عام است و اختصاصی به بصره ندارد، و ممکن است در رجعت و پیش از قیامت باشد.

شیصبانی، طاغوت عراق پیش از سفیانی

غیبت نعمانی / ۳۰۲ از جابر جعفری روایت می‌کند: «از امام باقر عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی سفیانی پرسیدم، فرمودند: شما سفیانی را درک نخواهید کرد تا آنکه پیش از او شیصبانی خروج کند. او از عراق خروج می‌کند. همانسانی که آب می‌جوشد او نیز می‌جوشد [و به طور ناگهانی قدرت را به دست می‌گیرد] و بزرگان شما را - که بر او وارد می‌شوند - می‌کشد. پس از آن منتظر سفیانی و خروج قائم عجل الله تعالی فرجه باشید.»

این اوصاف ظاهراً بر صدام منطبق است. حال اگر در این عصر یا نزدیک به آن، و پس از او سفیانی در شام ظاهر شود، این نتیجه به دست می‌آید که صدام همان شیصبانی عراق بوده است.

حسنی موعود

سخن از حسنی در احادیثی چند آمده است. برخی حسنی نفس زکیه را نام می‌برد، و گذشت که نفس زکیه عنوانی است برای سه نفر؛ یکی در پشت کوفه [نجف]، یکی مدینه و دیگری در مکه.

بعضی روایات سخن از حسنی‌ای می‌راند که کشته می‌شود، و ممکن است همان حسنی باشد که در پشت کوفه به قتل می‌رسد، و در برخی حسنی مکه و مدینه ذکر می‌شود.

در روایات منابع اهل سنت حسنی نام خراسانی است، و اوست که وارد عراق می‌شود، با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بیعت کرده و پرچم ایران را تسلیم ایشان می‌کند.

شیخ مفید رحمه الله در ارشاد ۳۶۸/۲ می‌نویسد: «از جمله علائم، خروج سفیانی و قتل حسنی است.» این سخن دلالت بر قتل بزرگی حسنی دارد، ولی منطقه‌ی او را تعیین نمی‌کند، و ممکن است عراقی باشد.

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۰ از امام باقر علیه السلام حدیث مفصّلی را نقل می‌کند، و در آن سخن از خروج حسنی از حجاز همزمان با حرکت امام مهدی علیه السلام به عراق است، و اینکه او ادعای مهدویت می‌کند، ولی بعد به مهدویت امام علیه السلام اقرار می‌کند و با ایشان هم مسیری می‌گردد، در پاره‌ای آمده است: «مهدی وارد عراق می‌شود... سخنرانی می‌کند، ولی به جهت گریه مردم نمی‌فهمند ایشان چه می‌فرماید، و این همان فرموده‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است: گویا حسنی و حسینی را می‌بینم که لشکرها را رهبری می‌کنند. پس حسنی آن را تسلیم حسینی [امام مهدی علیه السلام] می‌کند و با او بیعت می‌کنند. چون دومین جمعه فرا رسد مردم گویند: ای پسر رسول خدا! نماز پشت سر شما به نماز پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌ماند، و مسجد گنجایش همه‌ی ما را ندارد...»

ابن طاووس رحمه الله در ملاحم / ۱۴۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «... حسنی با دوازده هزار نفر خود را به ایشان می‌رساند. ایشان می‌گوید: من نسبت به این امر از تو شایسته‌ترم. حسنی گوید: علامت و نشانه‌ای بیاور. مهدی به پرنده اشاره می‌کند و برکتش می‌افتد، شاخه‌ای را که در دست دارد می‌کارد و سبزی می‌شود. آنگاه حسنی لشکر را تسلیم او می‌کند و خود پیش قراول لشکرایشان خواهد بود. فریادی در دمشق بلند می‌شود که: اعراب حجاز برای [نبرد] شما گرد آمده‌اند.»

مشابه آن روایتی مرسل در عقد الدرر / ۹۰ است: «لشکرها به آرامی می‌آیند تا به وادی القری برسند. آنجا پسر عمویش حسنی در میان دوازده هزار اسب سوار خود را بدو می‌رساند و می‌گوید: پسرعم! من از شما به این لشکر سزاوارترم، من پسر حسن هستم، من مهدی هستم. حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: بلکه من مهدی هستم. حسنی گوید: آیا نشانه‌ای برای این داری تا با تو بیعت کنیم؟ او به پرنده‌ای اشاره می‌کند و بردستش می‌افتد، شاخه‌ای را در قسمتی از زمین می‌کارد که سبزی می‌شود و برگ می‌دهد. حسنی در این هنگام می‌گوید: پسرعم! این [لشکر] برای شماست و لشکرش را تسلیم ایشان می‌کند و خود بر مقدمه‌ی آن خواهد بود. او همنام ایشان است.»

الزام الناصب ۲ / ۱۷۸ در خطبة البیان نظیر آن را می‌آورد: «آنگاه با لشکریان می‌رود تا به عراق

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌رسد. مردم هم پشت سرو جلوی او هستند. پیش قراول لشکراو مردی عقیل نام است، و بردنباله‌ی آن مردی است به نام حارث. مردی از فرزندان حسن با دوازده هزار اسب سوار خود را به ایشان می‌رساند و می‌گوید: ای عموزاده! من از شما به این امر سزاوارترم، زیرا از فرزندان حسن هستم که از حسین بزرگتر است. مهدی می‌فرماید: من مهدی‌ام.

او گوید: آیا نشانه، معجزه یا علامتی داری؟ مهدی به پرنده‌ای در هوا می‌نگرد و بدان اشاره می‌کند، آن پرنده برکف او می‌افتد و به قدرت خداوند تعالی به سخن آمده به امامت ایشان شهادت می‌دهد. ایشان سپس شاخه‌ای خشک را در قسمتی از زمین که هیچ آبی در آن نیست می‌کارند که سبزی شود و برگ در می‌آورد. پاره سنگی از زمین برمی‌گیرد و با دست می‌مالد و آن را بسان شمع خمیر می‌کند. در این هنگام حسنی می‌گوید: این امر از آن شماست، و خود تسلیم می‌شود و لشکریانش را نیز تسلیم می‌کند.

این تمام مطالبی بود که درباره‌ی حسنی وارد شده است. برخی، مطالب پیرامون او را شاخ و برگ داده‌اند، فراتر آنکه بعضی در عراق مدّعی شده است که خود حسنی و وزیر امام عجل الله تعالی فرجه است! و اگر او حسنی باشد، شخصی مخالف امام عجل الله تعالی فرجه خواهد بود!

خروج عوف سلمی پیش از سفیانی

روایتی مرسل درباره‌ی وی رسیده است، شیخ طوسی رحمه الله در غیبت / ۲۷۰ از حذلم بن بشیر روایت می‌کند: «به امام علی بن الحسین عجل الله تعالی فرجه گفتم: برای من در مورد خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و نشانه‌ها و علامات آن بفرمایید، ایشان فرمودند: پیش از آنکه ایشان خارج شود، مردی که او را عوف سلمی گویند در جزیره خارج خواهد شد. مأوای او تکریت است و در مسجد دمشق به قتل خواهد رسید. سپس شعیب بن صالح از سمرقند خروج می‌کند. در ادامه سفیانی ملعون که از نسل عتبه بن ابی سفیان است از وادی یابس خارج می‌شود. با ظهور او مهدی مخفی می‌گردد، بعد از آن خارج می‌شود.»

نگارنده: عوف سلمی ممکن است بر حکومت سوریه خروج کند. و این روایت اگر صحیح باشد، خروج او، مدّتی نه چندان زیاد پیش از سفیانی خواهد بود.

جزیره که مرکز حرکت اوست، نام منطقه‌ای در مرزهای عراق با سوریه است. وقتی در کتب تاریخ و حدیث جزیره بدون اضافه می‌آید، این منطقه از آن فهمیده می‌شود که نام‌های دیگر آن جزیره‌ی ربیع و دیار بکراست، و در صورتی به معنای جزیره‌ی العرب خواهد بود که با اضافه بیاید. ظاهراً عبارت که مأوای او تکریت است، آن است که وی بدان می‌گریزد. مؤید این مطلب آنکه تکریت به مرکز حرکت وی یعنی جزیره نزدیک است.

در بحار الانوار و غیبت شیخ طوسی لفظ تکریت آمده است، لذا آنچه در برخی نسخ کریت و یا کویت آمده تصحیف تکریت می‌باشد.

این حدیث صریح در آن است که عوف پس از راه اندازی حرکت خویش، در مسجد دمشق به قتل می‌رسد، لذا خروج او از رخدادهای بلاد شام است که ارتباطی با عراق نیز دارد.

بحران گرسنگی، هراس و مرگ در نزدیکی‌های ظهور

مسند احمد ۲/ ۲۶۲ از ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «عراق قفیز و درهم خود را منع می‌کند. شام مد و دینار خود را، و مصر اردب و دینار خود را منع می‌کنند، و شما از همان جا که آمده‌اید باز خواهید گشت، این جمله‌ی اخیر را سه مرتبه فرمود! گوشت و خون ابوهریره بدان گواهی می‌دهد.»^۱

الجمع بین الصحیحین ۲/ ۳۸۶ از ابو نضره: «نزد جابر بن عبد الله بودیم که گفت: نزدیک است قفیز و درهمی برای عراق جمع نشود، گفتیم: از کجا؟ گفت: عجم از آن منع کنند، سپس ادامه داد: نزدیک است دینار و مدی برای شام جمع نشود، باز پرسیدیم: از کجا؟ و او گفت: از روم.»

آنچه در این گزارش دوم آمده نادرست است.

یعنی اعراب با بحرانی اقتصادی روبرو می‌شوند و وصول مواد غذایی از عراق و شام و مصر به حجاز ممنوع می‌شود، و مسلمین به فقر پیش از اسلام باز می‌گردند. اگر این گزارش صحیح باشد، سخن از منابع تأمین حجاز در آن دوران می‌راند.

۱. مشابه آن صحیح مسلم ۸/ ۱۷۵، سنن ابو داود ۳/ ۱۶۶، السنن فی الفتن ۶/ ۱۱۱۸ و سنن بیهقی ۹/ ۱۳۷.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شاید جهت اینکه این مطلب را به امام عصر عجل الله تعالی فرجه ارتباط داده‌اند، آن باشد که در روایت مسلم و احمد، جابر پس از این سخن، سخن از آن حضرت به میان آورده است، مسند احمد ۳/۳۱۶ و مسلم ۸/۱۵۸ پس از آنکه همان روایتی که از الجمع بین الصحیحین گذشت را نقل می‌کنند می‌نویسند: «آنگاه جابر مدّتی سکوت کرد، سپس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در آخر امت من، خلیفه‌ای خواهد بود که اموال را با مشت می‌دهد و نمی‌شمارد.

جریری گوید: به ابونضره و ابوالعلاء گفتم: آیا او را عمر بن عبد العزیز می‌دانید، گفتند: نه.»

لکن دلیلی نداریم که این بحران با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ارتباطی داشته باشد، به خصوص آنکه راوی گوید: آنگاه جابر مدّتی سکوت کرد، و لذا عبارت بعدی وی مطلبی جدید است.

این بحران در منابع ما به شکلی دیگر آمده است، تفسیر عیاشی ۱/ ۶۸ از ابو حمزه‌ی ثمالی نقل می‌کند: «از امام باقر عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی این آیه سؤال کردم: وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ،^۱ و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی می‌آزماییم، فرمودند: آن [گرسنگی]، گرسنگی خاص و گرسنگی فراگیر است. در شام فراگیر است، اما خاص در عراق است که همه را شامل نمی‌شود، تنها دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله را در بر می‌گیرد که خداوند آنان را با گرسنگی به هلاکت می‌رساند.

اما ترس، در شام عام و فراگیر است و هنگامی خواهد بود که قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند. و اما گرسنگی قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه است، و این فرموده‌ی خداست: وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ. غیبت نعمانی ۲۵۱/ با اندکی تفاوت نسبت به روایت مرحوم عیاشی، از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند، در قسمتی از آن آمده است: «و اما هراس، بعد از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه است.»

ارشاد ۳۶۱/ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌نماید: «مردم پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه - به وسیله‌ی آتشی که در آسمان آشکار می‌گردد و نیز سرخیی که آسمان را می‌پوشاند، فرو رفتن زمین در بغداد، فرو رفتن زمین در بصره، خون‌هایی که در آن ریخته می‌شود، خانه‌هایش ویران می‌شود،

۱. سوره‌ی بقره / ۱۵۵

هلاکتی به سراغ اهالی آن می آید، و هراسی اهل عراق را فرا خواهد گرفت که با وجود آن آرام و قراری نخواهند داشت - از گناهانشان بازداشته می شوند.»

معنای اینکه بحران گرسنگی در عراق، تنها دشمنان اهل بیت علیهم السلام را فرا می گیرد، آن است که این بحران در برخی مناطق عراق ظاهر می شود.

کمال الدین ۶۴۹/۲ از محمد بن مسلم روایت می کند: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: پیش از قائم نشانه هایی از سوی خدای عزوجل برای مؤمنان خواهد بود، عرض کردم: خدا مرا فدایت گرداند، آن چیست؟ فرمودند: سخن خدای عزوجل: وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ و قطعاً شما را می آزماییم؛ مقصود، مؤمنین پیش از خروج قائم علیه السلام است.

بَشْيٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ، به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان ها و محصولات، و مزده ده صابران را. امام علیه السلام فرمودند: آنان را با هراسی از شاهان بنی فلان در آخر حکومتشان می آزماید، و نیز گرسنگی؛ با بالا رفتن قیمت ها، کاهش در اموال؛ با کساد تجارت ها و کمی سود، کم شدن جان ها؛ با مرگی سریع، کاستی محصولات؛ با کمی منفعت در کشت، و صابران را به تعجیل خروج قائم علیه السلام مژده بده.

آنگاه فرمودند: ای محمد! تأویل آن اینجا [و در نزد ما] است، خداوند تعالی می فرماید: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، با آنکه تأویلش را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی داند.^۱

غیبت نعمانی / ۲۵۰ از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «ناگزیر پیش از قیام قائم سالی خواهد بود که مردم در آن گرسنه اند، هراسی شدید از قتل به آنان دست می دهد، و نیز کاستی اموال، جان ها و محصولاتشان، این مطلب در کتاب خدا آشکار است، سپس این آیه را تلاوت کردند: وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِبَشْيٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ.»

پیش از این نیز در نشانه هایی که شیخ مفید رحمته الله ذکر کردند گذشت: «هراسی که اهل عراق و

۱. و نیز غیبت نعمانی / ۲۵۰، دلائل الامامة / ۲۵۹ و ارشاد / ۳۶۱

بغداد را فرا می‌گیرد، مرگ سریع شتابان در آن، کاستی اموال، جان‌ها و محصولات.»

نگارنده: امواج گرسنگی و هراس بر اهالی عراق و دیگر مناطق گذشته است، هراسی عظیم و مرگی سریع و سخت نیز آن را در نور دیده که آثار آن تا به امروز قابل مشاهده است. اما آنچه در این روایات سخن از آن به میان رفته، ترس و گرسنگی است که در نزدیکی‌های ظهور، یا پیش از آن به مدت یک سال و مانند آن رخ می‌دهد.

ورود نیروهای روم غربی به عراق

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۸ از عمار بن یاسر روایت می‌کند: «دولت اهل بیت پیامبران در آخر الزمان خواهد بود و نشانه‌هایی دارد. پس بنشینید و دست نگه دارید تا آنها آشکار شوند. آن هنگامی که روم و ترک بر شما بشورند و لشکرها آماده کنند، خلیفه‌تان که ثروت‌ها جمع‌آوری می‌کند بمیرد، پس از او مردی درستکار به خلافت رسد ولی چند سال بعد از بیعتش خلع شود، و حکومتشان از همان جا که آمده نابود گردد، ترک و روم دچار اختلاف شوند، جنگ در زمین بسیار شود، منادی از دیوار دمشق ندا کند: وای بر زمینیان از شری که نزدیک شده است، قسمت غربی مسجد آن به زمین فرو رود و دیوار آن فرو ریزد، سه نفر در شام برای دستیابی به حکومت خروج کنند؛ مردی ابقع، مردی اصهب و مردی از خاندان ابوسفیان که در میان قبیله‌ی کلب خروج و مردم را در دمشق محاصره می‌کند، اهل مغرب به سوی مصر خروج می‌کنند، به مصر که وارد شوند نشانه‌ی سفیانی خواهد بود، قبل از آن هم شخصی خروج و به آل محمد علیهم‌السلام دعوت می‌کند.

ترکان در حیره و رومیان در فلسطین فرود می‌آیند، عبد الله بر عبد الله سبقت می‌گیرد تا آنکه لشکر یانشان در قرقیسیا بر کنار رودخانه روبرو می‌شوند و جنگی عظیم رخ خواهد داد. رئیس مغربیان می‌آید و مردان را کشته زنان را به اسارت می‌گیرد، سپس به یمن باز می‌گردد تا آنکه سفیانی در جزیره فرود آید و بریمانی سبقت گیرد. سفیانی هر آنچه را که آنان جمع کرده بودند تحت اختیار در می‌آورد.

او در ادامه به عراق می‌آید و یاران آل محمد علیهم‌السلام را به قتل می‌رساند و مردی از همانمان

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکامل

منزلت امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکامل

حکومت امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکامل

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه‌السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکامل

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکامل در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آنان را می‌کشد.

آنگاه مهدی خروج می‌کند و پرچمدار وی شعیب بن صالح خواهد بود.

هنگامی که دیدید اهل شام برگرد پسر ابوسفیان اجتماع کردند، به مکه بروید که در آن زمان نفس زکّیه و برادرش را ظالمانه در آنجا خواهند کشت. آنگاه منادی از آسمان ندا می‌کند: ای مردم! امیر شما فلانی است، و او همان مهدی است که زمین را از داد و عدل پر می‌نماید، آن گونه که از ستم و بیداد پر شده است.»

نگارنده: روایت عمار رضی الله عنه به پیامبر صلی الله علیه و آله منتهی نمی‌شود، علاوه بر آنکه سند تا به عمار هم مورد اشکال است. لکن مضامینی که در آن آمده در روایاتی دیگر نیز آمده است. این سخن می‌رساند که روم و ترک در سال ظهور لشکرکشی می‌کنند.

مقصود از اختلاف ترک و روم آن است که آنان پس از آنکه هم پیمان بودند، بر سر قدرت و سلطه دچار اختلاف می‌شوند. کثرت جنگ‌ها هم که در عصر ما هم پیش از آن مشهود بوده و هست، و کمتر قاره‌ای است که جنگی در آن نیست، و علت آن هم دست اندازی غرب و تحریک و جنگ افروزی یهودیان است. رئیس مغربیان و یمانی نیز شاید فرماندهان گروه‌های مسلحی باشند که در نبرد فرقیسیا شرکت دارند.

ارشاد ۳۶۸ / ۲ یکی از نشانه‌های ظهور را آن شمرده که لشکر غرب به نزدیکی حیره بیایند، یعنی نزدیکی کوفه و نجف. این عبارت می‌تواند اشاره به نیروهای غربی پیش از سفیانی باشد. اما پرچم‌های مشرق همان بیرق‌های خراسانی هستند که در سال ظهور و بعد از ظهور، به همراه قوای یمانی برای نصرت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه می‌آیند.

شکستن سدّ فرات و جاری شدن آب در کوفه هم گذشت که در سال ظهور می‌باشد.

فروریختن دیوار مسجد کوفه

شیخ مفید چنانکه گذشت آن را از نشانه‌های ظهور عنوان می‌کند.

غیبت نعمانی / ۲۷۶ از خالد قلانسی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «هنگامی که دیوار مسجد کوفه از قسمتی که به طرف خانه ی ابن مسعود [و برعکس قبله] است فرو ریخت،

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

حکومت بنی فلان زائل می‌شود. بدان! آنکه آن را منهدم می‌کند، آن را نخواهد ساخت.»^۱

ارشاد / ۳۶۰ همین را روایت می‌کند و در آن، این عبارت نیز آمده است: «هنگام زوال آن حکومت، قائم عجل الله تعالی فرجه‌ه خروج می‌کند.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۳ از اصبع بن نباته روایت می‌کند: «امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه‌ه به مسجد کوفه رسیدند، و بنای آن با سفال، گچ و گل بود. ایشان فرمودند: وای بر آنکه تورا منهدم کند، وای بر کسی که به ویران ساختن تو کمک کند، وای بر آنکه تورا با پخته بنا کند که قبله‌ی نوح را تغییر می‌دهد، خوشا به حال آنکه انهدام تورا در کنار قائم اهل بیت من شاهد باشد، آنان خوبان امت در کنار ابرار عترت هستند.»

نگارنده: این نشانه واضح، و روایت صریح در آن است که به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه اتصال دارد.

نیروهای سفیانی و یا سوریه در عراق

یکی از اموری که در روایات ظهور به وضوح به چشم می‌خورد، خلأ امنیتی و درگیری‌های داخلی در عراق و حجاز است، و می‌فهماند که سستی نظام حکومتی در این دو منطقه شرطی از شرائط ظهور می‌باشد.

در روایات آمده که عراق، پیش از ورود امام عجل الله تعالی فرجه‌ه به سه گروه تقسیم می‌شود، در روایت ارشاد / ۳۶۲ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه‌ه آمده است: «مهدی وارد کوفه می‌شود. آنجا سه پرچم خواهند بود که با یکدیگر اختلاف دارند. کوفه برای ایشان آرام می‌گردد. ایشان می‌آید و بر فراز منبر قرار می‌گیرد، از شدت گریه مردم نمی‌فهمند چه می‌فرماید...»

مقصود از کوفه در این حدیث و امثال آن عراق است.

سفیانی حاکم سوریه است. از او درخواست می‌کنند قوای خود را به عراق و حجاز بفرستد و در طرف مقابل امام عجل الله تعالی فرجه‌ه باشد.

با این حساب، لشکر سفیانی در احادیث دوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه، لشکر سوری است که برای

۱. و نیز غیبت شیخ طوسی / ۲۷۱

حفظ امنیت رهسپار عراق و حجاز می شود.

روایات سخن از کسی که از آنان دعوت می کند بدانجا روند به میان نمی آورد، و ممکن است دولت های بزرگ باشند!

احادیث حول این دو لشکر در منابع شیعه و سنی بسیار است، که به تفصیل به بررسی فعالیت های آنان و حوادث مربوط می پردازد.

در بررسی نبرد شام و فتح قدس، سخن از قیام سفیانی در شام و نقش وی در عراق و حجاز، و در ادامه جنگ با امام عجل الله تعالی فرجه خواهد آمد.

زمان ورود لشکریان وی به عراق در احادیث آمده، و آن بلافاصله بعد از آن است که وی بر سوریه سلطه یابد، سلطه ای که در ماه رجب آغاز می شود.

بنابر احادیث، لشکر سفیانی در عراق، تنها در صدد از بین بردن شیعیان حضرت مهدی عجل الله تعالی است.

از جمله روایات مربوط به سفیانی در عراق: غیبت نعمانی / ۳۰۶ از یونس بن ابی یعفور روایت می کند: «از حضرت صادق عجل الله تعالی شنیدم که فرمودند: هنگامی که سفیانی خروج کند، لشکری به سمت ما و لشکری به سمت شما می فرستد. چون چنین شد، برهر [مركب] سرکش و رami به سوی ما بیایید.»

البته این بدان معنا نیست که وی بر عراق حکومت خواهد نمود.

الفتن ۲ / ۷۰۰ از حضرت علی عجل الله تعالی نقل می کند: «سفیانی بر لشکری که عازم عراق می کند، مردی از بنی حارثه را به عنوان فرمانده قرار می دهد. او دو دسته موی بلند بر سر دارد. نام او نمر - یا قمر - بن عباد است و مردی است درشت هیکل. بر مقدمه ی لشکر او مرد کوتاه قامتی از قوم اوست. موهای جلوسرش ریخته و دو شانه اش عریض است. هر که از اهل مشرق در شام است با او می جنگد و این در منطقه ای به نام ثنیه خواهد بود.

وی در ادامه به توصیف جنگ بین سفیانی و اهل مشرق یعنی خراسانیان و اهل حمص - که شاید گروه ابقع باشند - می پردازد.»

نگارنده: افسانه سرایی و تعصب ورزی برای شام، در این گزارشات ابن حماد به وضوح دیده

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌شود، علاوه بر آنکه اسنادی ضعیف دارد.

از دیگر گزارشات ضعیف ابن حماد ۳۰۴ / ۱ که به امام باقر عجل الله تعالی فرجه نسبت می‌دهد! یکی آن است که سخن از پیروزی سفیانی بر ابرق، منصور، کندی، ترک و روم می‌گوید و اینکه در پی آن رهسپار عراق می‌شود.

این گزارش سخن از اشغال عراق توسط بنی امیه می‌راند، همان آرزوی دیرینه‌ی آنان! همان ۲۹۱ / ۱ گزارشی دیگر از ایشان می‌آورد و در آن سخن از پیروزی سفیانی بر ابرق به میان رفته است. در ادامه منصور یمانی از صنعاء می‌آید ولی از سفیانی شکست می‌خورد. آنگاه سخن از روم و کندی می‌رود. دوازده بیرق در عراق برافراشته می‌شود. مردی از نسل حسن یا حسین در آن به قتل می‌رسد...

نگارنده: از این نقل‌ها واضح می‌شود که اینان بر روایات اهل بیت عجل الله تعالی فرجه افزوده و نیز از آن کاسته‌اند.

آیا زرقاوی رفیق سفیانی است؟

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۳ از عمر بن ابان کلبی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «گویا سفیانی یا رفیق او را می‌بینم که در رجب‌ی کوفه تان بساط خود را افکنده است، منادی او ندا می‌کند: هرکسی سرشیه‌ی علی را بیاورد هزار درهم پاداش دارد. پس همسایه بر همسایه می‌پرد و می‌گوید: این از آنهاست، و گردنش را می‌زنند و او هزار درهم می‌ستاند! بدانید! حکمرانی بر شما در آن روز، تنها از آن فرزندان زنان زناکار است.

گویا من صاحب برقع را می‌بینم. گفتم: صاحب برقع کیست؟ فرمودند: مردی از شما که [به ظاهر] همان اعتقاد شما را دارد، برقع می‌پوشد، شما را احاطه می‌کند و می‌شناسد، ولی شما او را نمی‌شناسید، او از شما یکی یکی سخن چینی می‌کند. بدانید! او نیست مگر پسر زنی زناکار.»

نگارنده: مقصود از رفیق سفیانی کسی است که در رفتار و دشمنی با پیروان اهل بیت عجل الله تعالی فرجه

۱. رجب‌ی کوفه سکویی در مسجد کوفه، که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه بر آن می‌نشستند و موعظه می‌فرمودند.

پیشگام سفیانی است، و البته لازم نیست زمان او متصل به زمان خروج سفیانی باشد، و ممکن است پیشتر ظهور کند.

از این رو انطباق رفیق سفیانی را برزرقاوی ترجیح دادیم، زیرا تا کنون تنها شخصی بوده که برای آوردن سرشیه، یک هزار دلار می پرداخته است! روایت صحیحی که سخن از خروج شخصی مصری و یمانی پیش از سفیانی و در خط او می راند - که ترجیح با آن است که الظواهری مصری و بن لادن یمانی باشند - نیز می تواند آن را تأیید کند.

البته برخی هم احتمال داده اند که شخص منظور، همان سفیانی باشد و نه شخصی دیگر.^۱

ضعف گزارشی که می گوید سفیانی وارد ایران می شود

الفتن ۱/ ۳۰۸ از اراطة نقل می کند: «سفیانی وارد عراق می شود. سه روز در آن اسیر می گیرد و شصت هزار نفر از اهالی آن را به قتل می رساند. او هجده شب در آن درنگ می کند و به تقسیم اموال آن می پردازد. وی پس از جنگ با روم و ترک در قرقیسیا وارد مکه می شود. سپس در مرکز شان رخدادی واقع می شود. از این رو گروهی از آنان راهی خراسان می شوند. لشکریان سفیانی می آیند و دژها را فرو ریخته وارد کوفه می شوند و اهل خراسان را طلب می کنند.

در خراسان گروهی آشکار می شوند که به سمت مهدی فرا می خوانند.

سفیانی لشکری به مدینه گسیل می کند، و گروهی از خاندان پیامبر ﷺ را دستگیر و به کوفه می آورد.

در ادامه مهدی و منصور از عراق می گریزند، و سفیانی در جستجوی آنان می فرستد. چون آن دو به مکه می رسند، لشکر سفیانی در بیداء فرود آمده و زمین آنان را فرو می بلعد. مهدی هم به مدینه می آید و کسانی را که از بنی هاشم در آنجا در بند هستند، نجات می دهد. پرچم های سیاه هم بر آب فرود می آیند. چون خبر آنان به یاران سفیانی که در عراقند

۱. سبب این احتمال آن است که راوی یعنی عمر بن ابان، تردید دارد که کدامیک در سخن امام ﷺ آمده است، سفیانی یا رفیق وی. م

می‌رسد، پا به فرار می‌گذارند. آنگاه او وارد کوفه شده کسانی را که از بنی هاشم در بندند، آزاد می‌سازد.

گروهی که آنان را عصب گویند، از روستاهای عراق خروج می‌کنند. آنان سلاح اندکی به همراه دارند، و تنی چند از اهالی بصره نیز در میان آنهایند. آنان خود را به اصحاب سفیانی می‌رسانند و اسیران عراقی را که همراه آنها هستند، رها می‌سازند.

پرچم‌های سیاه نیز بیعتشان را برای مهدی ارسال می‌کنند.^۱

همان ۱/ ۳۲۱ از شریح بن عبید، راشد بن سعد و ضمره بن حبیب و اساتید آنان نقل می‌کند: «سفیانی، لشکرهای خود را می‌فرستد. آنان به مشرق - خراسان و فارس - می‌رسند. مشرقیان بر آنان می‌شورند و در چند موضع با آنان می‌جنگند. چون جنگ به درازا انجامد، با مردی از بنی هاشم بیعت می‌کنند. آن روز او در آخر مشرق است. او با اهل خراسان قیام می‌کند. وقتی خبر قیام آن مرد هاشمی به مردی از بنی تمیم که غلام مشرقیان، زرد پوست و کم ریش است می‌رسد، با پنج هزار تن خروج، و با هاشمی بیعت می‌کند، او هم آن مرد را پیش قراول لشکرش قرار می‌دهد. اگر کوه‌های استوار به استقبال او آیند، همه را در هم می‌کوبد. آنان با لشکر سفیانی روبرو می‌شوند و آنها را شکست می‌دهند و بسیاری از آنها را به هلاکت می‌رسانند. در ادامه پیروزی از آن سفیانی بوده، هاشمی می‌گریزد. شعیب بن صالح هم مخفیانه به بیت المقدس رفته و هنگامی که بدو خبر می‌رسد مهدی به سمت شام رفته، خانه‌ی او را آماده‌ی ورود می‌سازد.»

این عبارات - که بیانگر آرزوهای اتباع بنی امیه مبنی بر اشغال خراسان و عراق است - همان گونه که مشاهده می‌شود، سخنان افرادی عادی است، که تهافت و چند گونه‌گویی نیز در آن دیده می‌شود، لذا قابلیت اعتماد ندارد.

ضعف گزارش نبرد اصطرخر در نزدیکی اهواز، و نیز روایت نبرد روحاء و نجف

الفتن ۱/ ۳۰۲ از ابورومان از حضرت امیر علیه السلام نقل می‌کند: «هنگامی که لشکر سفیانی به

۱. و نیز الحاوی سیوطی ۲/ ۶۷

عراق رود، در جستجوی اهل خراسان می فرستد. اهل خراسان هم در طلب مهدی می روند. مهدی، با هاشمی که پرچم های سیاه را به همراه دارد و بر مقدمه ی لشکرش شعیب بن صالح است، مواجه می شود. آنان و یاران سفیانی بردروازه ی اصطخر با هم روبرو می شوند، و میان آنها جنگی سخت در می گیرد. پرچم های سیاه غالب می شوند و لشکر سفیانی می گیرند. آن زمان است که مردم آرزوی مهدی داشته به جستجوی او می روند.»

همان / ۸۸ می نویسد: «سفیانی و پرچم های سیاه با یکدیگر روبرو می شوند. در میان آنها جوانی از بنی هاشم است که در کف دست چپ خالی دارد. پیش قراول آن مردی از بنی تمیم است که او را شعیب بن صالح گویند. این مواجهه بردروازه ی اصطخر خواهد بود و نبردی میان آنان در خواهد گرفت.»^۱

نگارنده: ابن حماد درباره ی لشکر سفیانی، گزارشات و اقوال بدون سند بسیاری نقل می کند. در این گزارش ها

مختصر البصائر / ۱۹۹ از امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه ی مخزون نقل می کند: «سفیانی صد و سی هزار نفر را به عراق اعزام می کند. آنان در روهاء، فاروق و موضع مریم و عیسی علیهم السلام در قادسیه فرود می آیند، هشتاد هزار نفرشان هم در کوفه موضع قبر هود علیه السلام در نخیله. در روز زینت بر آن هجوم می برند. حاکم مردم جباری متجاوز است که او را کاهن ساحر گویند. از شهری که زوراء نام دارد در میان پنج هزار کاهن خروج می کند، و بر روی پل آن هفتاد هزار نفر را به قتل می رساند. چنان می شود که مردم به جهت خون ها و بوی بد اجساد، سه روز از فرات استفاده نمی کنند. او دوشیزگانی را در کوفه به اسارت می گیرد... آنگاه صد هزار نفر که یا مشرکند و یا منافق از عراق خروج می کنند تا آنکه به دمشق - که همان ارم ذات العمداد است - برسند و هیچ کس مانعشان نشود.

پرچم های شرق زمین که نه از پنبه است، نه کتان و نه ابریشم، می آید. سرچوبه ی آنها با مهرسید اکبر مهر شده است. مردی از آل محمد علیهم السلام آنها را سوق می دهد. روزی که در مشرق باز شود، بوی آن در مغرب بسان مشک می پیچد. هراس یک ماه جلوتر از آن سیر می کند.

۱. و نیز رک به عقد الدرر / ۱۲۷، الحاوی / ۲ / ۶۹، جمع الجوامع / ۲ / ۱۰۳ و الفتاوی الحدیثیه / ۲۹.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پسران سعد سقاء - که پسران فاسقانند - در کوفه می مانند و خون خواهی پدرانشان می کنند تا آنکه لشکر حسین بر آنان هجوم می آورند...»

نگارنده: گرچه بسیاری از مضامین این خطبه‌ی منسوب در روایات دیگر آمده است، لکن اشکالاتی برسند و متن آن وارد است. از جمله آنکه لشکر سفیانی که عازم عراق می شوند را صد و سی هزار نفر می داند، و اینکه هفتاد هزار نفر را می کشند، امری که یکی از آرزوهای امویان بوده است.

دیگر آنکه عراقیان در مقابل سفیانی مقاومت نمی کنند، بلکه لشکری صد هزار نفری - از مشرک و منافق - از آنها به شام می روند و آن را اشغال می کنند.

از این روایت فهمیده می شود که لشکری از شام به عراق می آید و نیز لشکری از عراق به شام، امری که در سال ظهور رخ می دهد.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه عراق را فتح می کند، و آن را پایتخت قرار می دهد

در این باب احادیث بسیاری در منابع شیعه و سنی رسیده است. ایشان عراق را از بقایای قوای سفیانی و خوارج آزاد ساخته، آن را پایتخت دولت خود قرار می دهند. زمان دقیقی برای ورود ایشان به عراق نیافتم، ولی می توان گفت چند ماه بعد از ظهور مقدس در مکه و آزاد سازی حجاز خواهد بود.

در برخی روایات سخن از ورود هوایی ایشان به میان آمده، با وسائلی هوانورد، تفسیر عیاشی ۱۰۳/۱ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می کند: «در میان هفت قبه از نور که معلوم نیست در کدام است، در پشت کوفه فرود می آید.»

همان در حدیثی دیگر نقل می کند: «او هنگامی که در پشت کوفه برفاروق فرود می آید، در گنبدهایی از نور فرود می آید.»

در فصل مربوط به یاران حضرت عجل الله تعالی فرجه گذشت که لشکریان ایشان به طور زمینی وارد عراق می شوند، بصائر الدرجات / ۱۸۸ از امام صادق از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می کند: «زمانی که قائم در مکه قیام کند و اراده‌ی توجه به عراق نماید، منادی ایشان ندا می کند: بدانید! هیچ یک از

شما غذا و نوشیدنی بر ندارد. او سنگ موسی بن عمران را که بار شتری است برمی دارد، و در هیچ منزلی فرود نمی آید مگر آنکه چشمه ای از آن بجوشد. پس هرکسی گرسنه باشد سیرو هرکه تشنه باشد سیراب گردد. این توشه ی آنان است تا آنکه وارد نجف شوند.»^۱

الخراج و الجرائح ۶۹۰ / ۲ این مضمون را با اندکی تفاوت نقل می کند: «سنگ موسی بن عمران را که از آن دوازده چشمه جوشیدن گرفت با خود برمی دارد. پس در هیچ منزلی فرود نمی آید مگر آنکه آن را قرار می دهد و چشمه ها از آن جوشیدن می گیرد... همواره آب و شیر از آن جوشش می کند، هرکس گرسنه باشد سیرو هرکه تشنه باشد سیراب گردد.»^۲

نگارنده: جمع بین روایات آن است که امام علیه السلام یکی از یاران را به عنوان فرمانده لشکر از راه زمین به عراق می فرستند، و سنگ حضرت موسی علیه السلام با آنهاست، و خود در هفت گنبد نور به طور هوایی وارد عراق خواهند شد.

بحار الانوار ۵۲ / ۳۸۷ از امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند: «قائم علیه السلام از اهل مدینه می کشد تا به اجفر^۳ برسد. گرسنگی شدیدی به آنان دست می دهد. آنها صبح می کنند در حالی که برایشان میوه روییده و از آن می خورند و توشه برمی دارند، و این سخن خداست - تعالی شأنه: **وَأَيُّهُمُ الْأَرْضَ الْمَيْتَةَ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ**، و زمین مرده، برهانی است برای ایشان، که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می خورند.

آنگاه می رود تا به قادسیه می رسد. این در حالی است که مردم در کوفه جمع شده و با سفیانی بیعت کرده اند.»

نگارنده: نمی توان این روایت را پذیرفت، و رجحان با آن است که امام علیه السلام به صورت هوایی وارد عراق می شوند، و سنگ موسی علیه السلام با لشکر ایشان است.

۱. و نیز کافی ۱ / ۲۳۱، نعمانی ۲۳۸ / ۲ و کمال الدین ۶۷۰ / ۲

۲. و نیز رک به منتخب الانوار / ۱۹۹

۳. موضعی بین مدینه و عراق

۴. سوره ی یس / ۳۳

امام علیه السلام وارد عراق می شوند، و سه گروه در آن اختلاف کرده اند

بنابر روایات، ایشان در حالی وارد عراق می شوند که سه گروه در آن وجود دارد؛ یکی مؤید ایشان، دیگری با سقیانی و سومی هم شاید علناً رویکرد غرب گرایی دارد.

ارشاد / ۳۶۲ از عمرو بن شمر از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «مهدی داخل عراق می شود. آنجا سه پرچم خواهند بود که با یکدیگر اختلاف دارند. عراق برای ایشان آرام می گردد. ایشان می آید و بر فراز منبر قرار می گیرد. از شدت گریه مردم نمی فهمند چه می فرماید. دومین جمعه که فرا می رسد مردم از ایشان درخواست می کنند روز جمعه بر آنان نماز گزارد. حضرت هم فرمان می دهند در جهت نجف مسجدی بنا کنند و آنجا با ایشان نماز می خوانند. آنگاه به کسی دستور می دهند که از پشت مشهد امام حسین علیه السلام نهری بکند که به غریین جاری شود، تا آب به نجف برسد، و بردهانه ی آن پل ها و آسیاب ها بسازد. گویا پیرزنی را می بینم که سبیدی از گندم بر سردارد و به سوی آسیاب ها می آید و بدون پرداخت کرایه آن را آرد می کند.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۰ از ثابت از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «مهدی وارد کوفه می شود... سخنرانی می کند ولی به جهت شدت گریه مردم نمی فهمند ایشان چه می فرماید، و این همان فرموده ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است: گویا حسنی و حسینی را می بینم که لشکرها را رهبری می کنند. پس حسنی آن را تسلیم حسینی [امام مهدی علیه السلام] می کند و با او بیعت می کنند. چون دومین جمعه فرا رسد مردم گویند: ای پسر رسول خدا! نماز پشت سر شما به نماز پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله می ماند، و مسجد گنجایش همه ی ما را ندارد، ایشان می فرماید: من مطلوب شمایم، آنگاه به غری می رود و مسجدی محکم بنا می کند که هزار در دارد و مردم را در خود می گنجاند. ایشان کسی را می فرستد که پشت قبر امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند که تا غریین جریان یابد و در نجف بریزد، و بردهانه ی آن پل ها و در مسیر آن آسیاب ها بنا کند. گویا پیرزنی را می بینم که سبیدی گندم بر روی سردارد و آن را بدون پرداخت کرایه آرد می کند.»^۱

۱. و نیز روضة الواعظین / ۲، ۲۶۳، اعلام الوری / ۴۳۰، کشف الغمة / ۳، ۲۵۳، المستجد / ۵۵۴ و بحار / ۵۲، ۳۳۰ و ۱۰۰ / ۳۸۵.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همان از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام: «در پشت کوفه مسجدی با هزار در بنا می‌کند. خانه‌های کوفه به دو نهر کربلا و حیره متصل می‌شود. [چنان شود] که مردی براستری تیزرو به قصد نماز جمعه می‌آید، ولی بدان نمی‌رسد.»

نگارنده: این عبارت «گویا پیرزنی...» برای آن است که مقصود را در ذهن معاصرین و محیط آن روز نزدیک کند.

علّت اینکه این شخص هم به نماز نمی‌رسد، آن است که جای خالی برای نماز پیدا نمی‌کند. امالی صدوق / ۱۸۹ از اصبع بن نباته روایت می‌کند: «روزی در مسجد کوفه پیرامون حضرت امیر علیه السلام بودیم که فرمودند: ای اهل کوفه! خداوند عزوجل به شما چیزی عطا کرده که به احدی نداده است؛ نمازخانه‌تان را که خانه‌ی آدم، نوح و ادریس و نمازخانه‌ی ابراهیم خلیل، برادر من خضر و من است، برتری داده است.

مسجدتان یکی از چهار مسجدی است که خداوند عزیز و جلیل آن را برای اهل کوفه برگزیده است، و گویا روز قیامت آن را می‌بینم که در دو جامه‌ی سفید بسان محرم است و برای اهل خود و هرآنکه در آن نماز گزارده شفاعت می‌کند، و شفاعتش رد نمی‌گردد.

روزها به پایان نخواهد رسید تا آنکه حجر الاسود در آن نصب شود.^۱

به طور حتم زمانی بر آن فرا می‌رسد که نمازخانه‌ی مهدی از فرزندانم و نیز هر مؤمنی باشد، و در زمین مؤمنی نخواهد بود جز آنکه یا آنجاست و یا دلش اشتیاق آن را دارد. پس از آن دوری مگزینید و با نماز در آن به خدای عزوجل نزدیک شوید، و در برآورده شدن حاجاتتان بدان روی آورید، پس اگر مردمان می‌دانستند چه برکتی در آن است، از نواحی زمین بدان سو می‌آمدند، گرچه چهار دست و پا بر روی برف باشد.»^۲

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود ۱۰ / ۱۳ می‌نویسد: «از امور شگفتی که بر آن واقف

۱. در سال ۳۱۷ قرامطه به رهبری ابوطاهر قمرطی به حج رفتند. آنان اموال حاجیان را غارت کردند، مردم را در مسجد الحرام کشتند و کشته‌ها را در چاه زمزم ریختند. از جمله کارهای آنان کندن حجر الاسود و انتقال آن به مسجد کوفه بود. حجر الاسود در آنجا بود تا آنکه سرانجام قمرطیان، خود آن را به مسجد الحرام بازگردانند، و طبق نقل مرحوم ابن قولویه، امام زمان علیه السلام آن را سرجایش قرار دادند، رک به بحار الانوار ۱۰۰ / ۳۹۰ و تتمه المنتهی ۴۵۲ / ۱ و ماجرای ابن قولویه رحمه الله در فصل سی و چهارم همین کتاب خواهد آمد. م

۲. و من لا یحضره الفقیه ۱ / ۲۳۱، روضة الواعظین ۲ / ۳۳۷، وسائل الشیعة ۳ / ۵۲۶ و اثبات الهداة ۳ / ۴۵۲

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت
غیبت صغری

نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شدم، فرمایش حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه در خطبه‌ایست که در آن پیشگویی می‌کند، با اشاره به قرامطه می‌فرماید: آنها ادّعای محبت و دوستی ما را دارند، ولی بغض و دشمنی ما را مخفی می‌کنند. نشانه‌ی آن این است که وارثان ما را می‌کشند و جوانان ما را رها می‌کنند. آنچه امام عجل الله تعالی فرجه از آن خبر داده‌اند واقع شده است، و قرامطیان بسیاری از آل ابوطالب عجل الله تعالی فرجه را کشتند.

در همین سخنرانی، ایشان به اسطوانه‌ای در مسجد کوفه که بدان تکیه می‌دادند اشاره کردند و فرمودند: گویا حجر الاسود را می‌بینم که در اینجا نصب شده است، وای بر آنان، فضیلت حجر به خودی خود نیست، بلکه به خاطر موضع و پایه‌ایست که در آن قرار دارد. مدّتی در اینجا و برهه‌ای در آنجا می‌ماند - و به بحرین اشاره کردند -، سپس به مأوی و جایگاه خود برمی‌گردد.

و همان گونه که ایشان فرمودند بر سر حجر الاسود آمد.»

امام عجل الله تعالی فرجه ابتدا در نجف نزول اجلال می‌کند

در احادیث آمده که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه وقتی وارد عراق می‌شود، به نجف می‌رود، و بعد آهنگ مسجد سهله می‌کند. در فصل دوازدهم حدیث کامل الزیارات / ۱۱۹ و نیز تفسیر عیاشی / ۵۶/۲ در رابطه با نصرت امام عجل الله تعالی فرجه توسط فرشتگان را آوردیم.

بحار ۳۰۸/۵۲ از کابلی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «قائم در مکه بر اساس کتاب خدا و سنت رسولش صلی الله علیه و آله بیعت می‌پذیرد، و شخصی را بر آن می‌گمارد و خود متوجه مدینه می‌شود. به ایشان خبر می‌رسد که کارگزارش کشته شده، پس باز می‌گردد و جنگجویان را می‌کشد، و بیش از این کاری انجام نمی‌دهد. آنگاه می‌رود و بین دو مسجد مردم را به کتاب خدا، سنت رسولش صلی الله علیه و آله، ولایت علی بن ابی طالب و ییاری از دشمنان او فرا می‌خواند. به بیداء که می‌رسد، لشکر سفیانی به سوی آنان می‌آید، ولی خداوند آنان را به زمین فرو می‌برد.»

دلائل الامامة / ۲۴۳ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «گویا او را می‌بینم که سوار براسبی -

که در پاهایش سفیدی است و در پیشانی اش عمودی نورانی دارد - از وادی السلام عبور می کند و به مسجد سهله می رود. دعا می کند و در دعایش می گوید: لا إله إلا الله حقاً حقاً، لا إله إلا الله إيماناً و صدقاً، لا إله إلا الله تعبداً و رقاً، خداوند! ای یاور هر مؤمن تنها، وای خوار کننده ی هر جبار متجاوز، تو پناه منی، آن هنگام که راه ها مرا به ستوه آورد و زمین با گستردگی اش بر من تنگ گردد. خدایا تو مرا آفریدی در حالی که از آفریدن من بی نیاز بودی، و اگر یاری تو نبود از شکست خوردگان بودم. ای گسترنده ی رحمت از مواضع آن، و به درآرنده ی برکات از معادن آن! ای آنکه خود را به بلندای رفعت اختصاص داده است، پس اولیایش به عزّت او عزیز می شوند، ای کسی که شاهان در برابر او یوغ مذلت برگردن نهاده و از سطوت او هراسانند، از تومی خواهم به آن نامت که آفریدگانت را از آن بازداشتی، پس همه در برابر تو خاضع هستند، از تومی خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی، امر مرا به سرانجام رسانی، فرجم را شتاب بخشی، مرا کفایت و محافظت کنی، و حاجاتم را برآوری، در همین ساعت، در همین شب، که تو بر همه چیز توانایی.»

تفسیر عیاشی ۱/ ۱۰۳ و غیبت نعمانی ۳۰۸/ ۱ از ابو حمزه از امام باقر (ع) نقل می کنند:
«ای ابو حمزه! گویا قائم اهل بیت را می بینم که بر فراز نجفستان برآمده است. هنگامی که بر فراز آن قرار گیرد، پرچم رسول خدا (ص) را می گشاید. با گشودن آن فرشتگان بدر بر او فرود می آیند.

عرضه داشتم: پرچم پیامبر (ص) چیست؟ فرمودند: عمود آن از عمودهای عرش و رحمت خداست، و بقیه ی آن از نصر خداست. آن را بر چیزی فرود نمی آورد مگر آنکه خدا آن را نابود می سازد.

گفتم: آیا نزد شما پنهان است تا آن زمان که قائم (ع) قیام نماید، یا اینکه آن را برای او می آورند؟ فرمودند: نه، بلکه آن را برای او می آورند، عرض کردم: چه کسی آن را می آورد؟ فرمودند: جبرئیل (ع).

شیخ مفید (رحمه الله) در امالی ۴۵/ ۱ از ابو خالد کابلی آورده است: «امام سجاد (ع) به من فرمودند: ای ابو خالد! قطعاً فتنه هایی پسان پاره های شب تاریک رخ خواهد داد که تنها کسانی که

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خداوند میثاقشان را گرفته است از آن نجات می‌یابند، آنان چراغ‌های هدایت و چشمه‌های دانش هستند که خدا از هرفتنه‌ی تاریکی‌هایشان می‌بخشد.

گویا صاحب‌شمارا می‌بینم که بر فراز شهر نجفستان پشت کوفه، در میان سیصد و بیش از ده مرد برآمده است. جبرئیل در سمت راست او، میکائیل سمت چپ و اسرافیل جلوی او هستند. [گویا می‌بینم که] او پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را به همراه دارد و آن را گشوده است. آن را بر هیچ گروهی فرود نمی‌آورد، مگر آنکه خداوند آنان را هلاک می‌گرداند.»

ارشاد / ۳۶۲ از ابوبکر حضرمی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «گویا قائم را می‌بینم که در نجف کوفه حضور دارد. از مگه با پنج هزار فرشته بدانجا آمده است. جبرئیل سمت راست، میکائیل سمت چپ و مؤمنان در حضور ایشان هستند، و ایشان لشکریان را در بلاد تقسیم می‌کند.»
غیبت شیخ طوسی / ۲۷۵ از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «زمانی که قائم وارد کوفه شود، مؤمنی نخواهد بود مگر آنکه آنجاست یا بدانجا می‌آید [طبق آنچه در برخی نسخ آمده، اشتیاق آنجا را دارد] - و این همان فرموده‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام است -، ایشان به یارانشان می‌فرمایند: ما را به مصاف این طاغوت [ظاهراً سفیانی] ببرید، و به سوی او می‌رود.»

نکاتی چند

نخست: امام مهدی علیه السلام در هفت گنبد از نور و به طور هوایی وارد عراق می‌شود، و لشکر پیاده‌ی خود را که سنگ حضرت موسی علیه السلام را به همراه دارند اعزام می‌کند، و بدین وسیله معجزه‌ای را به منصه‌ی ظهور می‌گذارند.

دوم: ایشان وارد نجف، و با وسائلی جدید و معجزات بر عالمیان ظاهر می‌شوند، ابن قولویه رحمه الله در کامل‌الزیارات / ۱۱۹ حدیثی صحیح از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «گویا قائم را می‌بینم که در نجف کوفه است و زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را در بر کرده. پس خود را با آن تکانی می‌دهد تا کامل او را فرا گیرد و آن را با پارچه‌ای سبز می‌پوشاند. او براسبی سیاه که میان دو چشمش عمودی نورانی است سوار می‌شود و با آن چنان تکانی می‌خورد که اهالی تمام سرزمین‌ها چنین می‌بینند که او در کنار آنها و در سرزمین آنهاست.

او بیرق رسول خدا ﷺ را که عمود آن از عمود عرش و دیگر قسمت های آن از نصر خداست می گشاید. آن را به سوی چیزی فرود نمی آورد مگر آنکه خداوند آن را می درد. چون آن را تکان دهد هیچ مؤمنی نمی ماند مگر آنکه دلش چونان پاره ی آهن شود.»

پیش از این گذشت که بیرق رسول خدا ﷺ برای آخرین بار در نبرد جمل در بصره باز شد، و خدای متعال چنین مشیت نموده که بعد از آن، در کنار قبر حضرت مولی الموحدين امیر المؤمنین علیه السلام، و بردستان فرزندش امام مهدی علیه السلام گشوده شود، بیرقی که فرشتگانی مخصوص آن را همراهی می کنند و اسبابی الهی و توان افزا با خود دارد.

برخی روایات بیانگر آن است که امام علیه السلام اسلحه و تجهیزاتی را از زمین نجف و کوفه بیرون می آورند، یا آنکه برای ایشان در آنجا خواهند آورد، ابن منادی در الملاحم / ۶۴ از حضرت امیر علیه السلام نقل می کند: «من نیک می دانم که زمین آنچه در آن به امانت سپرده اند برای که بیرون خواهد آورد، و خزائن خود را تسلیم چه کسی خواهد نمود، و اگر می خواستم با پایم [بر زمین] می زدم و می گفتم: از اینجا کلاهخود و زره بیرون آرید.»

اختصاص / ۳۳۴ از عبد الرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «قائم چون قیام کند به رجه ی کوفه می آید و اینگونه با پا اشاره می کند - و با دست خود به موضعی اشاره فرمودند - و می گوید: اینجا را بکنید، آنان می کنند و دوازده هزار زره، دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاهخود که هریک دو رو دارد بیرون می آورند. سپس دوازده هزار مرد از عجم را فرا می خواند و آنها را به آنان می پوشانند، آنگاه می فرماید: هرکسی که مانند آنچه برتن شماست را ندارد، بکشید.»

در بحث پیرامون خوارج بتریه از ارشاد القلوب ۲ / ۲۸۴ خواهد آمد: «امیر المؤمنین علیه السلام به در دار الاماره ی کوفه رسیدند. پای خود را بر زمین زدند و زمین لرزید، آنگاه فرمودند: بدانید! به خدا سوگند از آنچه در اینجا است آگاهم، به خدا قسم چون قائم ماقیام کند، از این موضع دوازده هزار زره و دوازده هزار کلاهخود که هریک دو رو دارد خارج می سازد. او آنها را به دوازده هزار مرد از فرزندان عجم می پوشاند، سپس فرمان می دهد هرکسی را که برخلاف آن هیئت که آنان دارند هست، بکشند. من آن را می دانم و می بینم، همان گونه که امروز را می دانم.»

امام علیه السلام این دوازده هزار نفر را به شهری که خوارج آنجا هستند اعزام می کند و می فرماید: هر کسی را که مانند شما نبوشیده بود، به قتل رسانید.

این اسلحه و تجهیزات کرامتی الهی است، و ممکن است امام علیه السلام مراکزی داشته باشند که در آن سلاح تولید می شود.

سوم: در احادیث سخن از آتشی است که هنگام ظهور در کوفه شعله ور می گردد، که ممکن است آتش حقیقی باشد، و نیز احتمال آن دارد که نیروی خاصی باشد که دشمنان ایشان را هدف قرار می دهد، در غیبت نعمانی / ۲۷۲ از صالح بن سهل نقل می کند: «امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: سَأَلَّ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ^۱ پرسشگری از عذاب واقع شونده ای پرسید، فرمودند: تأویل آن در آینده است؛ عذابی که در ثویّه^۲ واقع می شود، یعنی آتش، تا به [منطقه ی] کناسه ی بنی اسد می رسد و بر ثقیف عبور می کند. کسی که خونی از آل محمد برگردن دارد را رها نمی کند مگر آنکه می سوزاند، و این پیش از خروج قائم علیه السلام است.»^۳

تفسیر رقمی ۳۸۵ / ۲ روایت می کند: «از امام باقر علیه السلام درباره ی این آیه پرسیدند، ایشان فرمودند: آتشی است که از مغرب بیرون می آید، و پادشاهی از پشت آن را سوق می دهد تا به خانه ی بنی سعد بن همام در کنار مسجدشان برسد، آن آتش خانه ای که به بنی امیه تعلق داشته باشد را رها نمی کند جز آنکه آن را با اهل آن می سوزاند، و نیز خانه ای را که در آن خونی متعلق به آل محمد باشد و نمی گذارد مگر آنکه آن را به آتش می کشد، و آن مهدی علیه السلام است.»^۴

نگارنده: اگر این روایات صحیح باشد نظر راجح نزد من آن است که این آتش ورخداهای مربوط به آن، نزدیکی ظهور دشمنان امام علیه السلام را در عراق هدف قرار می دهد.

خانه ی سعد بن همام هم محله ای در کوفه است، تاریخ الکوفه / ۵۴ و الفوائد الرجالیه ۱ / ۲۲۹ می نویسند: «تمام کسانی که از آل اعین نقل روایت کرده اند شصت نفر بودند،

۱. سوره ی معارج / ۱

۲. موضعی در کوفه

۳. و نیز الممجة / ۲۳۳، البرهان / ۴ / ۳۸۲ و بحار / ۵۲ / ۲۴۳

۴. اثبات الهداة / ۳ / ۵۵۳ و بحار / ۵۲ / ۱۸۸

ابو جعفر احمد بن محمد بن لاحق از اساتید خود برایم نقل کرد: فرزندان اعین در مدت چهل سال چهل تن بودند که کسی از آنها نمی‌مرد مگر آنکه پسری در آنان زاده می‌شد، آنان خانه‌های بنی شیبان در منطقه‌ی بنی سعد بن همام را در اختیار داشتند، آنها مسجدی دارند که در آن نماز می‌گزارند و آقای ما جعفر بن محمد علیه السلام نیز بدان وارد شده و در آن نماز گزارده‌اند.»

با این حساب خانه‌ی سعد بن همام منطقه‌ایست در کوفه. سعد خود از کسانی است که از ابوهریره روایت می‌کنند.^۱

مقصود از اینان دشمنان حضرت مهدی علیه السلام در دوران ظهور و یا نزدیک به آن است، زیرا آنها ضرب المثل بدی و فسادند، بغدادی در خزانه‌ی الادب ۷/ ۴۱۵ درباره‌ی آنها می‌نویسد: «آنان ام سیار، سمیر، عبد الله و عمرو هستند که فرزندان سعد بن همام بن مرة بن ذهل بن شیبان می‌باشند، آنها وارد هیچ امری نمی‌شوند مگر آن را به تباهی و فساد منجر می‌کنند».

امام عصر علیه السلام و انتقام خون امام حسین علیه السلام

کامل الزیارات / ۳۳۶ از حلبی روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام به من فرمودند: هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید خانواده‌ی ما [مقصود اجداد ایشان و سایر اهل بیت علیهم السلام] هستند، چرا که امام صادق علیه السلام هنگام شهادت امام حسین علیه السلام به دنیا نیامده بودند] در مدینه گوینده‌ای را شنیدند که می‌گفت: امروز بلا براین امت فرود آمد، پس شما گشایشی نخواهید دید تا قائمتان قیام کند و سینه‌هایتان را شفا بخشد و دشمنتان را بکشد، و به عوض این خون، خون‌ها به پا کند.»^۲

همان / ۶۳ از محمد بن سنان از مردی از روایت می‌کند: «از امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه سؤال کردم: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا، و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده روی

۱. التحقيق فی احادیث الخلاف ابن جوزی ۱/ ۴۲۵

۲. واثبات الهداة ۳/ ۵۳۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

اببدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

کند، زیرا او منصور و یاری شده است، ایشان فرمودند: آن [سرپرست منصور]، قائم آل محمد است، او خروج می‌کند و در عوض خون امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌کشد، پس اگر اهل زمین را به قتل رساند زیاده روی نکرده است، و فرموده‌ی خداوند: لَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ، او کاری نمی‌کند که زیاده روی باشد.

در ادامه فرمودند: به خدا قسم، او فرزندان قاتلان حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به کرده‌ی پدرانشان خواهد کشت.^۱

غیبت شیخ طوسی / ۱۱۵ از فضیل بن زبیر نقل می‌کند: «از زید بن علی چنین شنیدم: این کس که انتظارش را می‌کشند از نسل و ذریه‌ی حسین عَلَيْهِ السَّلَام است، او همان مظلومی است که خداوند تعالی می‌فرماید: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ، ولی او مردی از نسل و ذریه‌ی اوست و این آیه را تلاوت کرد: وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ، و آن را سخنی جاودان در نسل خود قرار داد.

سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ، قدرت او برهان او بر همه‌ی مخلوقات خداست، تا او بر مردم برهان و حجت داشته باشد، و احدی حجتی بر خلاف او نداشته باشد.»^۲

تفسیر قمی ۲ / ۸۴ از ابن مسکان روایت می‌کند: «امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد این آیه: اِنَّ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَاَنَّهُمْ ظُلُومًا، به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، فرمودند: سنی‌ها می‌گویند: این آیه درباره‌ی رسول خدا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ نازل شده است، به هنگامی که قریشیان ایشان را از مکه بیرون کردند، [این سخن باطل است بلکه] در مورد قائم عَلَيْهِ السَّلَام است، چون خروج نماید خون حسین عَلَيْهِ السَّلَام را طلب می‌کند، و این سخن اوست: ما اولیای دم و طالبان دیه‌ایم.»

مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام ۴ / ۸۵ در ماجرای قتل یحیی بن زکریا عَلَيْهِ السَّلَام به دست پادشاه روم، و اینکه چگونه خداوند کسی را بر آنان مسلط نمود که هفتاد هزار نفر را به خاطر خون یحیی عَلَيْهِ السَّلَام

۱. در حدیثی از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام علت این امر، رضایت فرزندان به کرده‌ی پدران و افتخار به آن عنوان شده است، رک به علل الشرائع ۱ / ۲۲۹ م.

۲. و اثبات الهداة ۳ / ۵۳۰ و بحار ۴۵ / ۲۹۸

۳. و اثبات الهداة ۳ / ۵۰۴

به قتل رساند، از امام سجاد علیه السلام روایت می‌کند: «امام حسین علیه السلام به من فرمودند: پسر من ای علی! به خدا خون من آرام نخواهد شد تا آنکه خداوند مهدی را برانگیزد، پس او به خاطر خون من هفتاد هزار تن از منافقین کافر فاسق را به قتل رساند.»

تفسیر عیاشی ۲ / ۲۹۰ از سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که درباره‌ی آیه‌ی مزبور فرمودند: «او حسین بن علی علیه السلام است که مظلومانه به شهادت رسید، و ما اولیای او هستیم، قائم از ما چون قیام نماید در پی انتقام خون امام حسین علیه السلام خواهد بود، او چنان می‌کشد که بگویند: در کشتن زیاد روی کرده است.

ایشان ادامه دادند: کشته شده، حسین علیه السلام است و ولی او قائم، زیاد روی در قتل به معنای کشتن غیر قاتل است.

إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا؛ او از دنیا نمی‌رود تا آنکه به دست مردی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله که زمین را از عدل و داد می‌آکند، همانسان که از ظلم و جفا پر شده، انتقام گیرد.^۱

کافی ۴ / ۱۷۰ از رزین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «زمانی که حسین بن علی علیه السلام را با شمشیر زدند و سقوط کرد، و برای جدا کردن سرش مبادرت ورزیدند، منادی از وسط عرش ندا کرد: ای امت حیرت زده و راه گم کرده بعد از پیامبرش! خدا شما را برای درک قربان و فطر موفق نکند.

حضرت این گونه ادامه دادند: به خدا سوگند بی‌تردید توفیق نیافته و نخواهند یافت، تا آنکه منتقم حسین علیه السلام به انتقام بیاید.^۲

تفسیر فرات ۱۲۲ / از امام باقر علیه السلام در تفسیر همین آیه نقل می‌کند: «خداوند مهدی را منصور نامید، همان گونه که احمد را محمد و عیسی را مسیح نام نهاد.»^۳

۱. واثبات الهداة ۳ / ۵۵۲

۲. و من لا يحضره الفقيه ۲ / ۸۹ و امالی صدوق / ۱۴۲

۳. و بحار ۵۱ / ۳۰

کسانی که بر امام زمان علیه السلام خروج می کنند

بنابر روایات حرکت های برضد امام علیه السلام هم از سوی جماعت سفیانی خواهد بود و هم از ناحیه ی دیگران، و ایشان در راستای عمل به پیمان نبوی، با شدت و قاطعیت با آنها برخورد می کنند.

غیبت نعمانی / ۲۳۱ از زراره روایت می کند: «به امام محمد باقر علیه السلام گفتم: نام صالحی از صالحان را برایم بگویید - و مقصودم قائم علیه السلام بود -، ایشان فرمودند: نام او نام من است، عرضه داشتم: آیا بر اساس سیره ی پیامبر صلی الله علیه و آله مشی خواهد کرد؟ فرمود: ای زراره! هیئات، هیئات، به سیره ی ایشان رفتار نمی کند، گفتم: فدایت گردم: چرا؟ فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در امت خود با بزرگواری رفتار نمود و با مردم مدارا می کرد، ولی قائم سیره اش قتل است، و در مکتوبی که به همراه دارد فرمان داده شده که به قتل سیر کند و از کسی توبه نطلبد، وای بر کسی که با او دشمنی کند.»^۱

همان / ۲۹۹ از یعقوب سراج از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «سیزده شهر و گروه با قائم نبرد می کنند و او با آنان می جنگد: اهل مکه، اهالی مدینه، اهل شام، بنی امیه، اهل بصره، اهالی دشت میسان، کردها، اعراب، ضبه، غنی، باهله، ازد و اهل ری.»^۲

شاید مقصود آن باشد که کسانی همچون اهالی این مناطق در عصر امام صادق علیه السلام، دشمنان امام مهدی علیه السلام باشند.

همان / ۱۶۹ از عبد الله بن عطاء: «به امام باقر علیه السلام گفتم: درباره ی قائم علیه السلام بفرمایید، فرمودند: به خدا من او نیستم، و نه آن کس هستم که گردن هایتان را به سوی او می کشید [و در انتظارش به سر می برید]. ولادت او معلوم نشود. گفتم: چسان رفتار خواهد نمود؟ فرمودند: آنسان که رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار نمودند، بر آنچه پیشتر بود خط بطلان کشیده، از نو آغازیدند.»

۱. و نیز عقد الدرر / ۲۲۶، اثبات الهداة / ۳ / ۵۳۹ و بحار / ۵۲ / ۳۵۳

۲. اثبات الهداة / ۳ / ۵۴۴ و بحار / ۵۲ / ۳۶۳

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بتریه، نخستین خواجه بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

نخستین گروهی که در عراق برضد امام عجل الله تعالی فرجه خروج می کنند بتریه هستند، آنان کسانی هستند که می پندارند اهل بیت علیهم السلام و نیز ظالمین نسبت به حقوق آنان را دوست می دارند!

دلائل الامامة / ۲۴۱ از ابوالجارود نقل می کند: «از امام باقر عجل الله تعالی فرجه درباره ی زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه سؤال نمودم و ایشان فرمودند: ای ابوالجارود! آن زمان را نخواهید یافت. گفتم: اهل آن دوران را چطور؟ فرمودند: و حتی آنان را نیز هرگز درک نخواهی کرد. قائم ما پس از نومیدی شیعیان قیام می کند، سه روز مردم را فرا می خواند ولی پاسخش را نمی دهند، در روز چهارم دست در پرده های کعبه می آویزد و عرضه می دارد: پروردگار من! یاری ام کن و درخواست آورد نمی شود، آنگاه خدای تبارک و تعالی فرشتگانی را که پیامبر صلی الله علیه و آله را در بدر یاری رسانده بودند، و هنوز زین هایشان را نیافکنده، و سلاح هایشان را بر زمین نهاده اند فرمان می دهد، آنها هم می آیند و با ایشان بیعت می کنند، سپس سیصد و سیزده نفر از مردم بیعت خواهند نمود. آن حضرت به مدینه می روند...

آنگاه رهسپار عراق می شوند. شانزده هزار نفر از بتریه غرق در سلاح برایشان خروج می کنند، همه قاری قرآن و فقیه در دینند، پیشانی هایشان را [در اثر کثرت عبادت] مجروح کرده اند و دامن هایشان را بالا زده اند، اما اتفاق همه شان را در برگرفته است، آنان می گویند: ای پسر فاطمه! بازگرد که ما هیچ نیازی به تونداریم! ایشان هم از عصر تا شام دوشنبه در پشت نجف آنان را می کشد - و سریعتر از کشتن یک شتر این کار را انجام می دهد -، کسی از آنان نجات نمی یابد، و احدی از یاران امام آسیبی نمی بیند، خون های ایشان موجب قرب به خداست. سپس وارد عراق می شوند، و آنقدر از جنگجویان آن می کشد که خداوند رضایت دهد.

ابوالجارود گوید: این قسمت فرمایش امام باقر عجل الله تعالی فرجه را نفهمیدم، از این رو گفتم: فدایت شوم، از کجا آگاهی می یابد که خداوند رضایت داده است؟ فرمودند: ای ابوالجارود! خدا به مادر موسی وحی کرد، و او از مادر موسی بهتراست، خداوند به نحل وحی نمود و او از آن بهتراست، حال متوجه شدی؟ عرضه داشتم: آری.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ارشاد / ۳۶۴ می‌نگارد: «ابوالجارود در روایتی طولانی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: چون قائم قیام کند راهی کوفه می‌شود. بیش از ده هزار نفر مسلح که بتریه خوانده می‌شوند خارج می‌شوند و می‌گویند: از همان جا که آمده‌ای بازگرد که ما هیچ نیازی به بنی فاطمه نداریم، ایشان هم شمشیر میان آنان می‌گذارد و تا آخرین آنها را به قتل می‌رساند.

آنگاه وارد کوفه شده و همه‌ی منافقان مردّد را می‌کشد، قصرهای آن را مهندم می‌سازد، و جنگجویان آن را به قتل می‌رساند تا خداوند عزّو علا رضایت دهد.^۱

بحار الانوار ۵۲ / ۳۸۷ از کتاب فضل بن شاذان از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «قائم عجل الله تعالی فرجه می‌آید تا به نجف می‌رسد. لشکر سفیانی و یاران او و مردم از کوفه خارج می‌شوند و این در چهارشنبه است، ایشان آنان را [به حق] دعوت می‌کند و قسم می‌دهد، و خبر می‌دهد که مظلوم و مقهور است و می‌فرماید: هر کسی درباره‌ی خدا با من احتجاج کند [بداند] من نزدیکترین مردم به خدا هستم - تا آخر عباراتی از این قبیل که گذشت -، آنها گویند: از همان جا که آمده‌ای برگرد که ما هیچ نیازی به تونداریم، ما [در این باره] به شما خبر داده‌ایم و شما را آزموده‌ایم، و بدون جنگ متفرّق می‌شوند.

ایشان روز جمعه باز می‌گردند، تیری می‌آید و با اصابت به مردی از مسلمین او را به هلاکت می‌رساند، [به امام عجل الله تعالی فرجه] خبر می‌دهند که فلانی کشته شد، در این هنگام بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌گسترد، با باز شدن آن فرشتگان بدر برایشان فرود می‌آیند، با زوال خورشید باد می‌وزد، آنگاه ایشان با یاران بر آنها حمله می‌کنند. خداوند کتف‌های آنها را در اختیار آنان قرار می‌دهد [و چیره‌شان می‌سازد]. آنها پا به فرار می‌گذارند. آنان را می‌کشد تا وارد خانه‌های کوفه‌شان کند، منادی ایشان هم ندا در می‌دهد: بدانید! کسی را که پشت کرده دنبال نکنید و کار هیچ مجروحی را تمام نسازید، و به روش حضرت علی عجل الله تعالی فرجه در اهل بصره با آنها رفتار خواهد نمود.»

نگارنده: شاید اکثر بتریه در اصل شیعه باشند، لکن اعلان موقف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نسبت به ابوبکرو عمر خوشایند آنان قرار نگرفته و لذا این کار را اشتباه می‌دانند، و معتقدند این عمل

۱. و روضة الواعظین ۲ / ۲۶۵، اعلام الوری ۴۳۱ و كشف الغمة ۳ / ۲۵۵

حضرت زیانبار است و موجب پراکندگی بسیاری از گرد حضرت می شود.

این حدیث دلالت می کند که بتریه نه تنها شیعه، بلکه مسلمان هم نیستند، غیبت شیخ طوسی / ۲۷۳ از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند: «البتة خداوند این امر را به وسیله ی کسی که هیچ بهره ای ندارد، یاری می کند، و چون امر ما فرارسد کسی که امروز بت ها را می پرستد از آن بدر می رود.»^۱

طبق احادیث و به طور طبیعی در آن برهه برخی به امام علیه السلام روی می آورند، و در مقابل برخی نیز رویگردان می شوند، غیبت نعمانی / ۳۱۷ از ابراهیم بن عبد الحمید نقل می کند: «کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده برایم گفت: هنگامی که قائم خروج کند کسی که خود را اهل این امر می دانسته، از آن بیرون می رود، و کسی که به عابدان خورشید و ماه می ماند وارد آن می گردد.»

آخرین گروهی که بر امام علیه السلام خروج می کنند از مقدادیه در عقوبه هستند

در روایات آمده که آخرین و خطرناکترین خوارج بر امام علیه السلام، خوارج مقدادیه [رمیلة الدسكرة] هستند و فرمانده آنان فرعون، شیطان و غیر عرب است، مروج الذهب ۲ / ۴۱۸ می نویسد: «بخش ذکر جنگ حضرت امیر علیه السلام با اهل نهروان: سپس سوار بر مرکب شد و از کنار آنان [خوارج] که بر زمین افتاده بودند عبور کرد و فرمود: کسی که شما را فریب داد بر زمین افکند، گفتند: که آنان را فریب داد؟ فرمود: شیطان و نفس اماره، اصحاب گفتند: خدا ریشه ی آنها را برای همیشه قطع کرد، ایشان فرمودند: نه، قسم به آنکه جانم در دست اوست آنها در کمرهای مردان و ارحام زنانند، هیچ گروهی خارج نشود مگر آنکه همانند آن بعد از آن خروج کند، تا آنکه بین فرات و دجله گروهی با مردی که او را اشمط گویند خارج شود، مردی از ما اهل بیت به مصاف آورفته او را به قتل می رساند، و پس از آن تا روز قیامت هیچ گروهی خروج نخواهد کرد.»

المصنف ابن ابی شیبہ ۸ / ۶۷۳ از عبید الله بن بشیر بن جریر بجلی از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می کند: «آخرین گروهی که در اسلام خروج می کند در میله ی دسکره خواهد بود، مردم

۱. علامه ی مجلسی رحمته الله درباره ی فقره ی اخیر روایت، احتمالی را مطرح می کنند که شایسته است بدان مراجعه شود، بحار الانوار ۵۲ / ۳۳۰

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به مصاف آنان رفته، یک سوم آنها را می‌کشند، یک سوم توبه می‌کنند، و یک سوم هم - که اشمط در میان آنهاست - در دیر مرمار تحصن می‌کنند، مردم آنها را محاصره کرده بیرون می‌آورند و به قتل می‌رسانند، اینان آخرین گروه خوارجی هستند که در اسلام به هم می‌رسند.^۱

بصائر الدرجات / ۳۳۶ از یونس بن ظبیان از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «اولین گروهی که خروج کرد بر موسی بن عمران در مرج دابق در شام بود، [دیگری] بر مسیح بود و در حران خروج کرد، و در نهروان بر امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه، و در روستای ملک بر قائم خارج خواهد شد. آنگاه به من فرمودند: کیف مالح دیربین ماکی مالح - به زبان نبطی است - یعنی نزدیک روستای تو، چون یونس از روستای دیربین ما بود.»

نگارنده: شاید این حدیث افتادگی داشته باشد، و در اصل این وصف که آنها آخرین گروه خوارج هستند نیز آمده باشد.

روستای ملک در استان بعقوبه و نزدیکی مقدادیه در عراق است، بلکه ظاهر آن است که همان مقدادیه است.

سمعانی در الانساب ۲/ ۴۷۶ می‌نویسد: «دسکری ملک روستایی بزرگ است که قافله‌ها در آن فرود می‌آیند، من در رفت و برگشت وارد آن شدم و دوشب را در آن سپری کردم.» یاقوت حموی در معجم البلدان ۲/ ۴۵۵ می‌نگارد: «روستایی است در راه خراسان و نزدیک به شهرابان که دسکری ملک نام دارد، هرمزبن سابور بن اردشیربن بابک در آن زیاد اقامت می‌کرد از این رو چنین نام گرفت.»

شیخ طوسی در غیبت / ۲۸۳ از فضل بن شاذان از ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «چون قائم قیام کند وارد کوفه شده فرمان می‌دهد مساجد چهارگانه‌ی آن را از اساس ویران سازند و آن را سایه بانی بسان سایه بان حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه قرار خواهد داد، تمامی مساجد صاف و بدون ایوان خواهد بود همان گونه که در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، راه اعظم را وسعت می‌دهد که شصت ذراع خواهد شد، هر مسجدی که بر سر راه باشد را خراب می‌کند،

۱. و کنز العمال ۱۱/ ۲۶۰

هر پنجره، تراس، توالت و ناودانی که به راه است را می بندد.

خدا در زمان او فلک را امر می کند، آن هم دور خود را کند می کند، چنان می شود که در ایام او یک روز بسان ده روز از روزهای شما باشد، ماه چنان ده ماه و سال همانند ده سال از سال های شما، آنگاه تنها مدتی اندک درنگ می کند که خوارج غیر عرب که ده هزار نفرند و شعارشان یا عثمان یا عثمان است، در رمیله ی دسکره بر او خروج کنند. ایشان هم مردی از غیر عرب را فرا می خواند و بند شمشیر خود را برگردن او می گذارد، او هم به مصاف آنان می رود و چنان می کشد که احدی از آنان باقی نماند.

آنگاه متوجه کابل شاه می شود و آن شهری است که احدی نتوانسته آن را فتح کند، و تنها اوست که آن را فتح خواهد نمود، پس از آن به سمت کوفه می آید و در آن منزل می گزیند، و هفتاد قبیله از قبائل عرب را از میان می برد.^۱

اینان یا همه از غیر عربند، یا آنکه فرمانده شان غیر عرب است

در روایتی وارد شده که آخرین خوارج در کوفه به هم خواهند رسید، تفسیر عیاشی ۵۶/۲ در ضمن حدیسی طولانی از عبد الاعلی حلبی از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «به خدا قسم گویا او را می بینم که به حجر تکیه داده و خدا را به حق خود سوگند می دهد، و بعد می گوید: ای مردم! هر کسی که درباره ی خدا با من گفتگو کند [بداند که] من نزدیکترین کس به خدا هستم. هر که در مورد آدم با من بحث کند [بداند که] من نزدیکترین کس به آدم هستم. ای مردم! هر آنکه در مورد نوح با من به احتجاج بپردازد [بداند که] من نزدیکترین کس به نوحم. ای مردم! هر کسی درباره ی ابراهیم با من به گفتگو بپردازد [بداند که] من نزدیکترین فرد به ابراهیم هستم.

ای مردم! هر که در مورد موسی با من احتجاج کند [بداند که] من نزدیکترین کس به اویم. ای مردم! هر آنکه درباره ی عیسی با من گفتگو کند [بداند که] من نزدیکترین شخص به عیسا یم. ای مردم! هر که در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله با من بحث نماید [بداند که] من

۱. و نیز منتخب الانوار / ۱۹۴ و بحار الانوار ۵۲ / ۳۳۳

نزدیکترین کس به ایشانم.

ای مردم! هرکسی درباره‌ی کتاب خدا با من گفتگو کند [بداند که] من نزدیکترین شخص به کتاب خدا هستم. آنگاه به مقام می‌رود...

به خدا می‌جنگند تا آنکه به یگانگی خداوند اقرار کنند و ذره‌ای شرک نورزند. پیرزنی ضعیف از شرق به مقصد غرب می‌رود و احدی او را نهی نمی‌کند. خداوند بذرا از زمین بیرون می‌آورد و از آسمان باران فرو می‌فرستد...

در حالی که صاحب این امر برخی از احکام را صادر کرده و برخی از سنت‌ها را بیان نموده گروهی از مسجد براو خروج می‌کنند، ایشان به اصحابش می‌فرماید: بروید که در تمارین به آنها می‌رسید، آنان را اسیر کرده نزد امام علیه السلام می‌آورند و به فرمان آن حضرت آنها را ذبح می‌کنند، و این‌ها آخرین کسانی هستند که بر قائم آل محمد علیه السلام خروج می‌کنند.

احتمال آن می‌رود که اینان قسمتی از همان خوارج یعقوبه باشند که در کوفه از بین می‌روند.

پاکسازی عراق از دشمنان

با درهم پیچیدن طومار آخرین خوارج در تاریخ، عراق در سایه‌ی حاکمیت امام مهدی علیه السلام نفس راحتی می‌کشد، و با حیاتی دیگرگون روبرو خواهد شد، دیگر اکنون پایتخت امام علیه السلام است و تمامی نگاه‌ها را به خود می‌دوزد.

کوفه، سهله، حیره، نجف و کربلا همه مناطقی از یک شهر هستند، و در همه جای دنیا سخن از آنهاست. شب‌های جمعه از اقصی نقاط بدان سوره می‌سپارند تا نماز جمعه را با اقتدا به حضرت و در مسجد جهانی ایشان که هزار در دارد بگزارند، لکن چه بسا شود که جای خالی برای نماز یافت نشود.

احادیث در باب پیشرفت مادی و معنوی پایتخت ایشان بسیار است، ولی مجال آن نیست. با پاکسازی عراق و انضمام آن به حکومت امام، دولت ایشان یمن، حجاز، ایران، عراق و بلاد خلیج را شامل می‌گردد.

در این برهه است که خراسانی و فرمانده لشکرش شعیب بن صالح می‌آیند، بیعت می‌کنند و

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بیرق ایران را تسلیم می نمایند.

ظاهراً مسلمانان ترکیه نیز در راستای تأیید قیام امام مهدی علیه السلام با برپایی نظاهرات، حکومت را و می دارند تا از ایشان درخواست کند نماینده ای بدان سامان بفرستد تا اختلافات را برطرف کند. ایشان هم یکی از یاران را اعزام می نماید، و در نتیجه بر حکومتی همسو و موافق با امام علیه السلام توافق می کنند.

بدین ترتیب عرصه به مقابله با دشمنان خارجی اختصاص می یابد، لذا ایشان خود به عنوان فرمانده لشکر راهی شام می شوند و در عذراء در نزدیکی دمشق فرود می آیند، تا برای نبرد با سفیانی و پشتیبانان وی - یهود و روم - و پیکار عظیم فتح قدس آماده شوند.

پایتخت کوفه است، و کربلا مکانی عظیم دارد

بحار الانوار ۵۳ / ۱۱ روایت می کند: «مفضل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آقای من! خانه ی حضرت مهدی علیه السلام و محل اجتماع مؤمنان کجا خواهد بود؟ فرمودند: مرکز حکومت کوفه، مجلس قضاوت مسجد جامع آن، بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمین مسجد سهله و خلوتگاه ایشان تل های سفید غریبن [نجف] است.

عرض کردم: مولای من! مؤمنان همه در کوفه خواهند بود؟ فرمودند: آری، به خدا مؤمنی نخواهد بود مگر آنکه در کوفه یا حوالی آن^۱ است، و جولانگاه اسبی در آن به دو هزار درهم خواهد رسید. بیشتر مردم آرزو می کنند کاش یک وجب از زمین سبع^۲ را به یک وجب طلا خریداری می کردند. کوفه پنجاه و چهار میل^۳ و قصرهای آن مجاور کربلا خواهد شد. و قطعاً خداوند کربلا را پناهگاه و مکانی قرار خواهد داد که ملائکه و مؤمنان بدان آمد و شد کنند، و شأنی عظیم خواهد داشت. برکات در آن چنان خواهد بود که اگر مؤمنی بایستد و یک بار پروردگارش را بخواند، خداوند بابت آن یک دعا هزار بار مثل ملک دنیا را

۱. عبارت روایت چنین است: لا یبقی مؤمن إلا کان بها أو حوالیها، و چنین ترجمه شد، لکن احتمال می رود که اصل آن، أو حنّ إليها بوده باشد، یعنی بدان سواشتیاق دارد. م

۲. قسمتی از منطقه ی بنی همدان

۳. حدود هشتاد کیلومتر

به او خواهد بخشید.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۳ از عبد الله بن هذیل: «قیامت برپا نمی شود مگر بعد از آنکه همه ی مؤمنان در کوفه گرد آیند.»

الطبقات الکبری ۱۰ / ۶ از عبد الله بن عمرو نقل می کند: «به واسطه ی مهدی سعادتمندترین مردم اهل کوفه هستند.»^۱

تهذیب الاحکام ۲۵۳ / ۳ از حبه ی عرنی نقل می کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام به حیره رفتند و فرمودند: اینجا به اینجا متصل خواهد شد - و به کوفه و حیره اشاره کردند -. چنان می شود که یک ذراع بین این دو به چند سکه ی طلا فروخته شود. در حیره مسجدی بنا می شود که پانصد در دارد و جانشین قائم [در نماز]، در آن نماز می گزارد، زیرا مسجد کوفه گنجایش آنان را نخواهد داشت، و در آن دوازده امام عادل نماز خواهند خواند.

عرضه داشتم: یا امیرالمؤمنین! آیا مسجد کوفه ی آن روز ظرفیت این مردم را دارد؟ ایشان فرمودند: چهار مسجد بنا می شود که مسجد کوفه کوچکترین آنهاست، و این مسجد [مسجد حیره] و دو مسجد در دو طرف کوفه از این سمت و از این سمت و با دست به سمت محله ی بصریین و غریین اشاره فرمود.»

کامل الزیارات / ۳۰ از ابوبکر حضرمی نقل می کند: «از حضرت صادق و یا امام باقر علیه السلام پرسیدم: پس از حرم خدای عزوجل و رسولش صلی الله علیه و آله کدام موضع در زمین افضل است؟ فرمود: ای ابا بکر! کوفه، که پاکیزه و طاهر است، قبور پیامبران رسول و غیر رسول و اوصیای راستین در آن است.

در آن مسجد سهیل است که خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر در آن نماز گزارده است، عدل خدا از آنجا آشکار می شود، و قائم او و قائمان بعد از او در آن خواهند بود، و منازل پیامبران، اوصیاء و صالحان در آن است.»

کافی ۴۹۵ / ۳ از صالح بن ابی الاسود نقل می کند: «امام صادق علیه السلام درباره ی مسجد سهله فرمودند: بدان! آن، منزل صاحب ماست، هنگامی که با اهل خود آید.»

۱. مشابه آن المصنف ابن ابی شیبہ ۱۸۸ / ۱۲

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همان ۴ / ۷۱ از ابان بن تغلب: «همراه امام صادق علیه السلام بودم، ایشان بر پشت کوفه گذشتند و فرود آمده دو رکعت نماز به جا آوردند. اندکی جلورفتند و دو رکعت دیگر گزاردند. باز هم قدری جلورفتند و دو رکعت خواندند، سپس فرمودند: اینجا قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است، عرض کردم: فدایت شوم، آن دو جای دیگر که نماز به جا آوردید چه؟ فرمودند: محل سر امام حسین علیه السلام و منزل قائم.»

تهذیب الاحکام ۶ / ۳۴ از مبارک خباز نقل می‌کند: «امام صادق علیه السلام هنگامی که در حیره بودند به من فرمودند: استرو الاغ را زین کنید، پس ایشان خود سوار شدند، من نیز سوار شدم، ایشان وارد گودی شدند، فرود آمدند و دو رکعت نماز گزاردند، اندکی جلوتر رفته دو رکعت دیگر خواندند، قدری پیشتر رفتند و دو رکعت دیگر به جا آوردند، آنگاه سوار شده بازگشتند، از ایشان درباره‌ی این سه دو رکعت سؤال کردم و فرمودند: دو رکعت نخست در موضع قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بود، دو رکعت دوم موضع سر حسین علیه السلام و دو رکعت سوم محلّ منبر قائم علیه السلام.»

دلائل الامامة / ۲۴۴ از فرات بن احنف نقل می‌کند: «با امام صادق علیه السلام بودم و می‌خواستیم به زیارت قبر حضرت امیر علیه السلام برویم. به ثویه که رسیدیم ایشان فرود آمدند و دو رکعت نماز گزاردند، عرض کردم: آقای من! این چه نمازی بود؟ فرمودند: اینجا محلّ منبر قائم است، دوست داشتم خدا را در این موضع شکر گویم.

سپس رفتند و من هم با ایشان رفتم تا به ستونی که بر راه است رسیدند و فرود آمده دو رکعت نماز خواندند، باز پرسیدم: این نماز چه بود؟ فرمودند: گروهی که سر امام حسین علیه السلام را با خود در صندوقی داشتند اینجا فرود آمدند، پس خداوند عزیز و جلیل پرنده‌ای را فرستاد و آن صندوق را با آنچه در آن بود برداشت. شتربانی از کنار آنها گذشت و آنان سر او را جدا کردند و در صندوق گذاشتند و با خود بردند، لذا اینجا فرود آمد و نماز به جا آوردم.

در ادامه رفتیم تا به محلّی رسیدیم. ایشان برای بار سوم فرود آمدند و دو رکعت نماز خواندند، و فرمودند: اینجا قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است. بدان! روزها به پایان نخواهد رسید تا آنکه خداوند مردی را که خود را برای کشتن آزموده، بفرستد و بر آن قلعه‌ای که هفتاد ایوان

دارد بنا کند.

حبیب بن حسین که از راویان این حدیث است گوید: این حدیث را قبل از آنی که بنایی بر آن بسازند شنیدم، بعد از آن محمد بن زید کسی را فرستاد و بر آن بنایی ساختند، و روزها نگذشت که محمد کشته شد.»

خانه‌ی شخصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم در منطقه‌ی مسجد سهله

قطب الدین راوندی رحمه الله در قصص الانبیاء عجل الله تعالی فرجه الکریم / ۸۰ از ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الکریم نقل می‌کند: «ای ابا محمد! گویا می‌بینم که قائم با اهل و عیال خود در مسجد سهله فرود آمده است، من گفتم: آنجا منزل ایشان خواهد بود؟ فرمودند: آری، آنجا منزل ادريس است و خداوند پیامبری را مبعوث ننموده مگر در آن نماز گزارده است. کسی که در آن اقامت کند بسان کسی است که در خیمه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله مقیم باشد. هیچ مرد و زن با ایمانی نیست مگر دلش اشتیاق آن را دارد. روز و شبی نیست جز آنکه فرشتگان به این مسجد می‌آیند و خدا را در آن عبادت می‌کنند.

ای ابا محمد! بدان! اگر من نزدیک شما بودم نمازی نمی‌گزاردم مگر در آنجا. هنگامی که قائم ما قیام کند، خدا برای رسولش و ما همه انتقام خواهد گرفت.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الکریم

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الکریم

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الکریم

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الکریم

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الکریم

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الکریم در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

قساوت دشمنان

قساوت دشمنان امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ،
و برخورد شدید امام با آنان

غدد سرطانی باید ریشه کن شود

در نگاه نخست چنین می نماید که پاکسازی زمین از ظلم و ظالمان امری است ناممکن، چرا که اینان ریشه دوانیده اند و زمین و زمینیان به وجود آنان، و نیز ناله ی مظلومان عادت کرده است، از این رو آنان جزء لا ینفک زمین هستند.

اما حقیقت آن است که خداوند علیم حکیم برای هر چیزی از جمله ظلم، حد و نهایی قرار داده است. غیبت نعمانی / ۱۲۷ روایت می کند: «امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی: **يُعَرِّفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِمَاهُمْ**^۱، تبهکاران از سیمایشان شناخته می شوند، فرمودند: خدا آنان را می شناسد، ولی این آیه در مورد قائم نازل شده است. ایشان آنها را به سیمایشان می شناسد، پس خود و یاران با شمشیر بر آنان سخت ضربه می زنند.»

برخی گمان می کنند کشتار ظالمان توسط حضرت مهدی علیه السلام سخت دلی و زیاده روی است، لکن حق آن است که برخورد ایشان عمل جراحی ضروری و به غرض پاکسازی جوامع از لوث اینهاست، و اگر با آنان به نرمی و عفو رفتار کند آنها دست از جنایات خود بر نخواهند داشت. از این روست که پیامبر صلی الله علیه و آله در پیمان خود، فرزندش مهدی علیه السلام را به برخورد شدید با آنها فرمان داده اند.

البته بیم آن نمی رود که کسانی که امید هدایت و صلاحشان می رود توسط ایشان از بین روند، زیرا امام علیه السلام از ناحیه ی پروردگارش راهنمایی می شود و با نور خدا می نگرد، او بسان خضراست که خدا درباره اش فرموده: **آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا**^۲، از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم، بلکه خضر علیه السلام وزیر و ایشان امیراوست.

غیبت نعمانی / ۲۸۴ از مفضل بن عمر نقل می کند: «امام صادق علیه السلام قائم را یاد کردند، من عرض کردم: امیدوارم امر ظهور ایشان به سهولت انجام پذیرد، حضرت فرمودند: آن امر واقع نخواهد شد تا آنکه با خون غلیظ و عرق مواجه شوید»^۳.

همان / ۲۸۵ مشابه آن را از معمر بن خلاد از امام رضا علیه السلام نقل می کند، در آن آمده است: «شما

۱. سوره ی الرحمن / ۴۱

۲. سوره ی کهف / ۶۵

۳. کنایه از شدائد و سختی هایی که موجب جراحات خونبار و سیلان عرق است، رک به بحار / ۵۲ / ۳۵۸ . م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

اببدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

امروز در آرامش بیشتری به سر می‌برید نسبت به آن روز [دوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه]...»

بحار ۵۲ / ۳۵۸ از بشیرنبال روایت می‌کند: «به امام باقر عجل الله تعالی فرجه گفتیم: اینان گویند: چون مهدی قیام کند امور خود به خود سامان می‌گیرد و به اندازه‌ی خون حجامت هم خونی نمی‌ریزد، ایشان فرمودند: هرگز، اگر برای کسی امور خود به خود سامان می‌یافت، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سامان می‌گرفت، آن هنگام که دندان‌های رباعی ایشان به خون آغشته و صورتشان زخم شد، هرگز، قسم به آنکه جانم به دست اوست [سامان نمی‌یابد] تا آنکه ما و شما با عرق و خون غلیظ مواجه شویم، آنگاه برپیشانی خود دست کشیدند.»

غیبت نعمانی / ۲۹۷ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «قائم عجل الله تعالی فرجه در جنگ خود با چیزی مواجه می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن مواجه نشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به سراغ آنان آمد در حالی که سنگ کنده کاری شده و چوب‌های تراشیده را می‌پرستیدند، ولی آنها بر قائم عجل الله تعالی فرجه خارج می‌شوند و کتاب خدا را بر ضد او تأویل می‌کنند و براساس آن با ایشان می‌جنگند.»

همان / ۲۹۶ مشابه آن را از فضیل بن یسار از ایشان نقل می‌کند و در ادامه‌ی آن آمده است: «بدان! به خدا سوگند عدالت او، اندرون خانه‌هایشان وارد می‌شود، همان گونه که گرما و سرما داخل می‌شود.»

امام عجل الله تعالی فرجه در برابر این تکذیب و عناد ناگزیر است که فاسدان را ریشه کن سازد.

برخورد شدید با ستمگران

غیبت نعمانی / ۲۳۱ از ابو خدیجه از حضرت صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «حضرت علی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: من حق داشتم پشت کننده [از جنگ] را بکشم و کار مجروح را تمام سازم، ولی این کار را به خاطر فرجام یارانم واگذاردم، که اگر مجروح شدند کارشان را تمام نسازند، و قائم حق آن دارد پشت کرده را بکشد و کار مجروح را تمام سازد.»

کافی ۸ / ۲۳۳ از معاویه بن عمار از آن حضرت روایت می‌کند: «اگر کسی از شما قائم را آرزو کرد، آن را در حال عافیت آرزو کند، زیرا خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای رحمت فرستاد، ولی قائم را برای انتقام می‌فرستد.»

غیبت شیخ طوسی / ۱۱۵ از یحیی بن علاء رازی از امام صادق علیه السلام: «خداوند تعالی در این اَمّت مردی را که از من است و من از اویم خواهد آورد، خدای تعالی به واسطه ی او برکات آسمان ها و زمین را سرازیر می کند، پس آسمان بارانش را فرو می فرستد و زمین بذر خود را بیرون می دهد، حیوانات وحشی و درندگان آرام می شوند، و زمین را پراز داد و عدل خواهد کرد همان گونه که از ستم و جور پر شده است، او چنان می کشد که نادان می گوید: اگر این از فرزندان محمد بود رحم می کرد.»

ابن ابی الحدید در شرح خود ۵۸/۷ می نویسد: «جماعتی از اصحاب این خطبه را نقل کرده اند، خطبه ای است که به حد استفاضه رسیده است، حضرت امیر علیه السلام آن را پس از پایان یافتن جنگ نهروان ایراد کردند، عباراتی دارد که رضی الله بآورد است، از جمله: اهل بیت پیامبرتان را بنگرید، اگر درنگ و اقامت کردند شما نیز چنین کنید، و اگر از شما یاری طلبیدند یاری کنید، به طور قطع خداوند فتنه را به دست مردی از ما اهل بیت برطرف خواهد نمود، پدرم فدای پسر برگزیده ی کنیزان، تنها با شمشیر به سراغ آنان می رود، هشت ماه شمشیر را برشانه اش می نهد، تا جایی که قریش گوید: اگر این از فرزندان فاطمه بود بر ما رحم می کرد، خدا او را بر بنی امیه مسلط می کند تا خرد کرده و درهم بشکند، **مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخْذُوا وَقْتِلُوا تَقْتِيلًا، سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا**، از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. درباره ی کسانی که پیشتر بوده اند [همین] سُنّت خدا [جاری بوده] است؛ و در سُنّت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت.»

الفتن ۱/ ۳۵۰ از حضرت علی علیه السلام نقل می کند: «خداوند فتنه ها را به دست مردی از ما بر طرف خواهد ساخت، او آنان را به ذلت می کشاند و جز با شمشیر به استقبالشان نخواهد رفت. هشت ماه شمشیر را برشانه می گذارد و به جنگ می پردازد، تا آنجا که گویند: به خدا قسم این از نسل فاطمه نیست، اگر از فرزندان او بود بر ما رحم می کرد. خداوند او را بر بنی عباس و بنی امیه مسلط خواهد نمود.»^۲

۱. سوره ی احزاب / ۶۲ - ۶۱

۲. الحاوی ۲ / ۷۳، کنز العمال ۱۴ / ۵۸۹ و الملاحم و الفتن / ۶۶

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر
سرزمین شام

حجاز
نمایه‌ای از ظهور

عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
روم

ترکان
دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت
امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

کافی ۱/ ۳۱: از ابو بصیر روایت می‌کند: «امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی آیه‌ی: حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا،^۱ تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می‌شود؛ یا عذاب، یا ساعه را ببینند؛ پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است، فرمودند: مَا يُوعَدُونَ؛ خروج قائم عَلَيْهِ السَّلَام است که همان ساعه است.

فَسَيَعْلَمُونَ؛ در آن روز و عذاب خدا که بردستان قائم او بر آنان فرود می‌آید، این همان سخن خداست: مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا؛ یعنی نزد قائم، وَأَضْعَفُ جُندًا.

عرض کردم: این آیه: وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى،^۲ و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید، فرمودند: آن روز هدایتی بر هدایت آنان می‌افزاید که به جهت پیروی آنان از قائم است، که او را انکار نمی‌کنند.

غیبت نعمانی / ۲۳۳ از محمد بن مسلم از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «اگر مردم می‌دانستند قائم چون خروج کند چه می‌کند، بیشتر آنان دوست می‌داشتند او را نبینند، به خاطر مردمانی که می‌کشد.

او تنها از قریش شروع می‌کند و فقط با شمشیر با آنان مواجه می‌شود، تا جایی که بسیاری از مردم گویند: این از آل محمد نیست، اگر از آنان بود رحم می‌کرد.»

همان / ۲۸۳ از بشیر بن ابی اراکه‌ی نبال نقل می‌کند: «وارد مدینه شدم و به خانه‌ی امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام رسیدم. استرایشان در کنار درزین شده بود. مقابل خانه نشستم تا بیرون آمدند و سلام کردم. ایشان که سوار بر استر شده بودند، پایین و به سوی من آمده فرمودند: مرد اهل کجاست؟ گفتم: عراق، فرمودند: کجای آن؟ عرضه داشتم: از اهالی کوفه، فرمودند: چه کسی در این راه تورا همراهی کرد؟ گفتم: گروهی از محدثه، فرمود: آنها کیانند؟ عرض کردم: مرجئه، فرمود: وای بر این مرجئه، فردا که قائم ما قیام کند اینان به که پناه می‌برند؟ گفتم: اینان می‌گویند: آن زمان ما و شما مساوی خواهیم بود، ایشان فرمودند: کسی که توبه

۱. سوره‌ی مریم / ۷۵

۲. سوره‌ی مریم / ۷۶

کند خدا توبه اش را می پذیرد و آنکه نفاق پنهان کند خدا جز او را دور نخواهد ساخت، و آن کس که امری را آشکار سازد خدا خونس را خواهد ریخت.

در ادامه فرمودند: قسم به کسی که جانم در دست اوست آنان را ذبح می کند، همانسان که قصاب گوسفندش را ذبح می کند و با دست به حلق خود اشاره کردند. گفتم: اینان می گویند: هنگامی که ظهور واقع شود امور برای او سامان می یابد و به اندازه ی خون حجامت خونی نمی ریزد، فرمود: هرگز، قسم به آنکه جانم به دست اوست [سامان نمی یابد] تا آنکه ما و شما عرق و خون غلیظ را مسح کنیم، و با دست به پیشانی خود اشاره کردند. کافی ۱/ ۴۳۲ در حدیثی از محمد بن فضیل نقل می کند: «امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه: حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا، فرمودند: مقصود از آن قائم و یاران اوست.»

حلیة الابرار ۲/ ۵۹۷ می نگارد: «محمد بن حسن شیبانی در کشف البیان می نویسد: در احادیث ما از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که این آیه [قصص، ۵] به صاحب الامر- که در آخر الزمان ظهور می کند، جباران و فراعنه را از میان می برد، شرق و غرب زمین را تحت حکومت خود در می آورد و آن را از عدالت پر می کند همان گونه که از ستم آکنده شده است - اختصاص دارد.»

امام مهدی علیه السلام ابتدا کذابان شیعه را به هلاکت می رساند

رجال کشی / ۲۹۹ از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «چون قائم ما قیام کند، از کذابان شیعه شروع می کند و آنان را به قتل می رساند.»

الایضاح / ۲۰۸ از امام باقر علیه السلام: «هنگامی که قائم ما قیام کند، از کسانی که ادّعیای [دروغین] محبّت ما را دارند شروع می کند و گردن هایشان را می زند.»

غیبت نعمانی / ۲۰۶ از مالک بن ضمره نقل می کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمودند: ای مالک بن ضمره! چگونه خواهی بود آن هنگام که شیعیان اینچنین دچار اختلاف شوند - و انگشتان را در یکدیگر فرو بردند - ؟ عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! آن زمان هیچ خیری

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نیست، فرمودند: تمام خیر آن زمان است. ای مالک! آن هنگام است که قائم ما قیام می‌کند، و هفتاد مرد که برخدا و رسولش صلی الله علیه و آله دروغ می‌بندند را جلو آورده به قتل می‌رساند، سپس خدا آنها را برامری واحد گرد می‌آورد.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۳ از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند: «البته خداوند این امر را به وسیله‌ی کسی که هیچ بهره‌ای ندارد یاری می‌کند، و چون امر ما فرا رسد کسی که امروز بت‌ها را می‌پرستد از آن بدر می‌رود.»

نگارنده: ظاهراً اینان اصل فتنه و اختلاف در میان شیعه هستند، و شاید از عالمان سوء گمراه کننده و سیاسیون منحرف باشند. عدد هفتاد نیز هم می‌تواند عددی حقیقی باشد و هم تقریبی.

هیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و بیم دشمنان

غیبت نعمانی / ۲۳۹ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «در حالی که مردی در حضور قائم است و امر و نهی می‌کند که صدا می‌زنند: او را بچرخانید، آنها هم او را مقابل حضرت می‌آورند و ایشان فرمان می‌دهند گردش را بزنند، پس چیزی در شرق و غرب نماند جز آنکه از ایشان بهراسد.»

معنای حدیث آن است که امام علیه السلام منافقین پنهان را هم عقوبت می‌کنند، کسانی که شاید برخی از آنان به ایشان نزدیک هم باشند ولی خیانت می‌کنند. امام علیه السلام با نوری که در قلب دارد او را شناخته و حکم خدا را درباره‌ی او به اجرا می‌گذارد.

بحار الانوار ۵۲ / ۳۵۴ از امام محمد باقر علیه السلام: «قائم امر و قضاوتی جدید را به پا می‌دارد. او بر عرب شدید است. کار او تنها شمشیر است. از کسی خواستار توبه نمی‌شود، و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری بر او تأثیر نمی‌گذارد.»

امر جدید، اسلامی است که مسلمانان از آن فاصله گرفته‌اند، ایشان آن را احیا می‌کند که این امر بر کسانی که حلقه به گوش حکام هستند و در این راستا با آن حضرت می‌جنگند، گران خواهد آمد.

غیبت نعمانی / ۲۳۶ از سدید صیرفی روایت می‌کند: «مردی از اهالی جزیره کنیزش را نذر

کعبه کرده آن را به مکه آورده بود. او خود ماجرا را برایم تعریف کرد؛ پرده داران کعبه را دیدم، برای هریک از آنان که جریان را می‌گفتم به من می‌گفت: آن کنیز را برای من بیاور که خداوند نذر تو را قبول کرد.

هراس و بیم شدیدی مرا فرا گرفت. با یکی از رفیقان که اهل مکه است مطلب را در میان گذاشتم، او گفت: آیا سخن مرا می‌پذیری؟ پاسخ مثبت دادم، او گفت: آن مردی را که در مقابل حجر الاسود نشسته و مردم پیرامون او هستند نگاه کن - و او ابو جعفر محمد بن علی بن حسین علیه السلام بود - نزد او برو و جریانت را بگو، و به هرچه می‌گوید عمل کن.

من هم حضور ایشان رسیدم و گفتم: خدایت رحمت کند، مردی از اهالی جزیره هستم و کنیزی به همراه دارم که نذر بیت الله کرده‌ام، حال او را آورده‌ام. این مطلب را به پرده داران گفتم ولی آنان همه گفتند: او را برای من بیاور که خدا نذرت را پذیرفت، و این امر موجب هراس شدیدی من شد.

ایشان فرمودند: ای بنده‌ی خدا! خانه نمی‌خورد و نمی‌آشامد، پس کنیزت را بفروش و بررسی کن و به آن کس از هم منطقه‌ای هایت که حج این خانه را به جا آورده و از هزینه عاجز شده عطا کن تا توان بازگشت به مناطقتان را داشته باشند. من همین کار را کردم.

هریک از پرده داران را که می‌دیدم درباره‌ی کنیز سؤال می‌کرد و من فرمان امام باقر علیه السلام را در پاسخ می‌گفتم، آنان هم به حضرت توهین می‌کردند. سخن آنها را به امام علیه السلام رساندم، ایشان فرمودند: به من رساندی، حال آیا از من نیز می‌رسانی؟ عرض کردم: آری، فرمودند: به آنها بگو: چگونه خواهید بود آن زمانی که دست‌ها و پاها‌ی شما قطع و در کعبه آویزان شود، آنگاه به شما بگویند: ندا در دهید که ما سارقان کعبه هستیم؟

من همین که خواستم از حضور ایشان برخاسته مرخص شوم فرمودند: من کسی نیستم که این کار را انجام می‌دهد، مردی از من آن را انجام خواهد داد.»

بحار الانوار ۵۲ / ۳۸۷ از امام صادق علیه السلام: «قائم علیه السلام می‌کشد تا به بازار^۱ برسد. پس مردی از فرزندان پدرش [بنی هاشم] گوید: تو مردم را به مانند چارپایان از خود می‌رانی، آیا این بر

۱. بازار مدینه یا مکانی بدین نام

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

اساس پیمانی از رسول خدا ص است، یا چه چیزی؟ - و در میان مردم کسی شجاع‌تر از او نیست -.

پس مردی از عجمان به سوی او می‌رود و می‌گوید: یا ساکت می‌شوی یا گردنت را می‌زنم.
در این هنگام است که قائم عجل الله تعالی فرجه پیمان رسول خدا ص را بیرون می‌آورد.»

در روایتی دیگر آمده مردی که در برابر این معترض می‌ایستد، شخصی است که برای حضرت از مردم بیعت می‌گیرد، بحار الانوار ۵۲ / ۳۴۳ از عبد الاعلی حلبی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «چون به ثعلبیه^۱ می‌رسد مردی از نسل پدرش که پس از آن حضرت محکم‌ترین بدن و شجاع‌ترین قلب را دارد صدا می‌زند: ای فلان! چه می‌کنی؟ به خدا که تو مردم را به مانند چارپایان از خود می‌رانی! آیا این پیمانی از رسول خدا ص است یا چیز دیگری؟

غلامی که عهده‌دار [اخذ] بیعت است می‌گوید: به خدا سوگند یا ساکت می‌شوی یا آنچه را که دیدگانت در آن است می‌زنم.

قائم عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید: ای فلان! سکوت اختیار کن، آری به خدا سوگند عهده‌ای از رسول خدا ص دارم. ای فلان! آن محفظه را بیاور، او هم می‌آورد و حضرت عهد پیامبر ص را می‌خواند، آن مرد می‌گوید: خدا مرا فدایت کند، سرت را بیاور تا بوسه زنم، ایشان هم چنین می‌کند و او میان دودیده‌ی امام عجل الله تعالی فرجه را بوسه می‌دهد، آنگاه می‌گوید: بیعت ما را دوباره بگیر، و ایشان چنین می‌کند.»

این روایت چون سخن از ثعلبیه دارد، دلالت می‌کند این حادثه در ابتدای ورود به عراق رخ می‌دهد.

بصائر الدرجات / ۷۸ از ابو حمزه نقل می‌کند: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه در تفسیر آیاتی چند از جمله: حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ^۲ تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند؛ ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم، و یکباره نومید شدند، فرمودند: مقصود قیام قائم است.»

۱. مکانی در عراق از سمت حجاز

۲. سوره‌ی انعام / ۴۴

تفسیر قمی ۱/ ۲۰۰ ذیل همین آیه روایت می‌کند: «مقصود از آن قیام قائم است، چنان شود که گویا آنان هیچگاه قدرتی نداشته اند.»

خواری دشمنان حضرت مهدی

تفسیر تبیان ۱/ ۴۲۰: «سدی در تفسیر فرمایش خداوند: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱ و کیست بیدادگتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود، و درویرانی آنها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن [مسجد]ها درآیند. در این دنیا ایشان را خواری، و در آخرت عذابی بزرگ است، گوید: خواری آنان در دنیا آن است که چون مهدی قیام کند و قسطنطنیه فتح گردد، آنها را به هلاکت می‌رساند.»^۲

مختصر بصائر الدرجات / ۲۰۰ روایت می‌کند برخی دشمنان حضرت مهدی علیه السلام که از

بنی الاشهب هستند، به سمت سبطری می‌گریزند.

تفسیر قمی ۲/ ۶۸: «تفسیر سخن خداوند: فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ. لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ»^۳ پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. مگریزید، و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و [به سوی] سراهاپتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید؛ مقصود گنج‌هایی است که ذخیره می‌کردید. قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ. فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ»^۴ گفتند: ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم. سخنشان پیوسته همین بود، تا آنان را دروشده‌ی بی‌جان گردانیدیم؛ هیچ خبررسانی از آنها باقی نمی‌ماند... چشمی که برهم خورد از آنها نخواهد ماند.»

کافی ۸/ ۲۲۷ از سلام بن مستنیر نقل می‌کند: «از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمودند: قائم چون قیام کند، ایمان را بر تمام ناصبیان عرضه دارد، پس اگر به حقیقت داخل ایمان شد

۱. سوره ی بقره / ۱۱۴

۲. و نیز خریده العجائب / ۲۶۰ و الملاحم و الفتن / ۱۴۳ با اندکی تفاوت

۳. سوره ی انبیاء علیهم السلام / ۱۳ - ۱۲

۴. همان / ۱۵ - ۱۴

[که شد]، و گرنه گردنش را می‌زند یا آنکه همان گونه که اهل ذمه امروز جزیه می‌پردازند او نیز جزیه دهد.^۱ بر میان ناصب همیان^۲ می‌بندد و از شهرها به روستاها بیرون می‌راند.»

مختصر بصائر الدرجات / ۲۱۲ از ابو حمزه ی ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «چون قائم آل محمد علیه السلام خارج شود، خداوند او را با فرشتگان نشاندار، فرشتگانی که پی در پی هستند، منزّلین و کروبیین یاری می‌کند. جبرئیل پیشاپیش ایشان، میکائیل طرف راست، اسرافیل در سمت چپ و رعب به مسافت یک ماه جلو، پشت و راست و چپ اوست و فرشتگان مقرب روبروی اویند.

نخستین کس [از آدمیان] که با او بیعت می‌کند، محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد و حضرت امیر علیه السلام دومی است.

او شمشیری آخته دارد. خداوند برایش روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل شاه و خزر را فتح خواهد نمود.

ای ابو حمزه! قائم قیام نمی‌کند مگر زمانی که ترسی شدید، زلزله‌ها، فتنه، بلایی که به مردم اصابت می‌کند و پیش از آن طاعون، جلوه کرده باشد. شمشیری برّان میان عرب، اختلاف شدید بین مردم، پراکندگی آنان در دین و دگرگونی حال آنها حاصل شده باشد، تا جایی که آرزومند، از شدّت هجوم مردم بر یکدیگر که مشاهده می‌کند، صبح و شام آرزوی مرگ کند.

خروج ایشان به هنگام نومیدی و یأس خواهد بود. خوشا به حال آنکه او را درک کند و از یارانش باشد و افسوس و تمام افسوس بر آن کس که با او عداوت ورزد، با امر او مخالفت نماید و از دشمنانش باشد.

در ادامه فرمودند: ایشان امری جدید، کتابی جدید، سنتی جدید و قضاوتی جدید را به پا می‌دارد. بر عرب سختگیر است. کارش تنها قتل است. از کسی طلب توبه نمی‌کند و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری بر او اثر نخواهد گذاشت.»

۱. شاید قبول جزیه در ابتدای حکومت امام علیه السلام باشد، زیرا ظاهر روایات آن است که یا ایمان می‌آورند و یا به قتل می‌رسند، مرآة العقول ۲۶ / ۱۶۰ م

۲. به معنای بند، کمربند و کیسه می‌آید، برخی هم احتمال داده‌اند کنایه از زنار باشد، رک به مرآة العقول ۲۶ / ۱۶۰ م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تأویل الآيات ۲/ ۵۵۰ از جابر بن یزید روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام در مورد فرمایش خداوند: وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ^۱، و آنان را می‌بینی که [چون] بر آن [آتش] عرضه می‌شوند، از [شدت] زبونی، فروتن شده‌اند: زیرچشمی می‌نگرند؛ یعنی به قائم علیه السلام».

همان ۲/ ۷۲۶ روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدا: خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذُلٌّ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ^۲، دیدگان‌شان فرو افتاده، [غبار] مذلت آنان را فرو گرفته است. این است همان روزی که به ایشان وعده داده می‌شد، فرمودند: مقصود روز خروج قائم علیه السلام است.»

تفسیر فرات / ۱۹۴ نقل می‌کند: «امام صادق علیه السلام در مورد فرمایش خداوند: وَكُنَّا نُكَذِّبُ بَيَّوْمَ الْيَاقِينِ^۳، و بوم الدین را دروغ می‌شمردیم، فرمودند: آن، روز قائم است که بوم الدین می‌باشد. حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ، تا یقین به سراغ ما آمد؛ ایام قائم علیه السلام».

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ، و شفاعت شفاعتگران آنان را سودی نرساند؛ پس شفاعت هیچ مخلوقی فایده‌ای برای آنها ندارد، و روز قیامت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق آنان شفاعت نکنند.»

استمرار خط بنی‌امیه و بنی‌عباس تا ظهور

باید توجه داشت که مقصود تمامی احادیثی که از پیکار حضرت مهدی علیه السلام با بنی‌امیه یا بنی‌عباس سخن می‌گوید، پیروان و خط مشی آنان در ظلم به اهل بیت علیهم السلام است، و قرائن لفظی و معنوی بسیاری براین مطلب یافت می‌شود، غیبت نعمانی / ۳۰۲ از علی بن ابی حمزه نقل می‌کند: «بین مکه و مدینه با امام کاظم علیه السلام همراه بودم و ایشان فرمودند: یا علی! اگر اهل آسمان‌ها و زمین بر بنی‌عباس خروج کنند، زمین با خون‌هایشان آبیاری خواهد شد تا آنکه سفیانی خروج کند، عرض کردم: آیا سفیانی حتمی است؟ فرمودند: آری، سپس مدتی سر

۱. سوره‌ی شوری / ۴۵

۲. سوره‌ی معارج / ۴۴

۳. سوره‌ی مدثر / ۴۸ - ۴۶

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به زیر انداختند، آنگاه بالا آورده فرمودند: حکومت بنی عباس مکرو خدعه است، از بین می‌رود تا آنجا که گفته شود: هیچ اثری از آن نماند، و باز می‌گردد تا آنجا که گفته شود: هیچ مشکلی برای آن پیش نیامده است.»

همان / ۳۰۳ از حسن بن جهم صریح‌تر از آن را نقل می‌کند: «به امام رضا عجل الله تعالی فرجه گفتیم: خداوند امورتان را سامان دهد، اینان می‌گویند: سفیانی در حالی قیام می‌کند که حکومت بنی عباس از بین رفته است، فرمودند: دروغ می‌گویند، او در حالی قیام خواهد کرد که حکومت اینان پا برجاست.»

ارشاد / ۳۶۴ از عبد الله بن مغیره از حضرت صادق عجل الله تعالی فرجه: «هنگامی که قائم از آل محمد عجل الله تعالی فرجه قیام کند، پانصد تن از قریش را گردن می‌زند، سپس پانصد نفر [دیگر] را گردن می‌زند، آنگاه پانصد تن دیگر را و این کار را شش بار انجام خواهد داد، گفتیم: آیا اینان [بنی عباس] به این تعداد خواهند رسید؟ فرمودند: آری، از اینان و غلامانشان.»

غیبت شیخ طوسی / ۱۱۶ از عبید الله بن شریک نقل می‌کند: «امام حسین عجل الله تعالی فرجه بر حلقه‌ای از بنی امیه که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند گذشتند و فرمودند: بدانید! به خدا سوگند دنیا به پایان نمی‌رسد تا آنکه خداوند مردی از من را برانگیزد که از شما هزار نفر، و با آن هزار نفر هزار تن [دیگر] و با آن هم هزار نفر را بکشد.

گفتم: فدایت شوم، اینان - اولاد فلانی و فلانی - به این تعداد نمی‌رسند! فرمودند: وای بر تو، در آن زمان از صلب مردی کذا و کذا مرد خواهد بود و غلامشان نیز در میانشان به همین سرنوشت دچار خواهد شد.»

این احادیث صراحت دارد که حکومت این دو سلسله تا زمان ظهور ادامه دارد، با وجود آنکه امامان عجل الله تعالی فرجه از پایان یافتن حکومت بنی امیه خبر داده‌اند، لذا می‌بایست گفت که مقصود از اینان، خط دشمنی با اهل بیت عجل الله تعالی فرجه است که تا ظهور امتداد دارد.

علاوه بر این قرینه‌ی معنوی، قرائن لفظی نیز در دست است که سخن از حکومت آل فلان قبل از ظهور دارد، قرب الاسناد / ۱۶۴ از احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «پیش از این امر نشانه‌هایی است؛ [از جمله:] حادثه‌ای که بین دو حرم رخ می‌دهد،

گفتم: آن چیست؟ فرمودند: جنگی قبیله ای خواهد بود، و فلانی از آل فلان پانزده تن را خواهد کشت.»

غیبت نعمانی / ۲۵۸ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می‌کند: «آیا به شما از انتهای حکومت بنی فلان خبر ندهم؟ پاسخ مثبت دادیم و ایشان فرمودند: قتل ناروای شخصی از تیره ای از قریش در روز حرام و بلد حرام. قسم به آنکه دانه را شکافت و انسان را آفرید، آنان بعد از آن، تنها پانزده شب حکومت خواهند کرد.»

کافی ۱ / ۳۳۷ حدیثی طولانی از زراره از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند، در پاره ای آمده است: «همانا آن پسرپیش از آنکه قیام کند غیبتی خواهد داشت... ای زراره! ناگزیر پسری در مدینه به قتل خواهد رسید، عرض کردم: فدایت گردم، مگر نه اینکه لشکرسفیانی او را به قتل می‌رسانند؟ فرمودند: نه، لشکر آل بنی فلان او را می‌کشند، آنان می‌آیند و داخل مدینه می‌شوند، او را دستگیر کرده و می‌کشند، و چون او را به ستم و عدوان بکشند، [دیگر] مهلت داده نشوند، پس در آن هنگام فرج انتظار می‌رود.»

امام (علیه السلام) حدّ الهی را بر بسیاری از منافقین به اجرا می‌گذارد

تهذیب الاحکام ۶ / ۱۷۲ از ابو حمزه از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند: «... چون قائم (علیه السلام) قیام کند نیاز به پرسش از شما ندارد، و بر بسیاری از شما که منافقند، حدّ خدا را جاری می‌سازد.»

معنای این حدیث آن است که ایشان بر منافقینی که سرپیچی می‌کنند اقامه ی حد می‌کند، و نه هر گناهکاری.

ایرانیان

ایرانیان در عصر ظهور

کثرت روایات سنیان در ستایش ایرانیان

منابع اهل سنت مملو است از احادیثی در مدح ایرانیان، تا آنجا که می توان تنها براساس روایات صحیح - نزد آنها - در منقبت آنان و برتری بر عرب یک جلد کتاب نگاشت، در حالی که ما در منابع خود با حجم زیادی مواجه نیستیم. سبب این امر را باید در این مطلب جستجو کرد که برخی ایرانیان در آن روزگار با دستگاه حاکم بودند و در مقابل مذهب اهل بیت (علیهم السلام) برای آنان مذهبی تأسیس کردند، و کتاب ها برایشان نوشتند.

یکی از مشهورترین روایات اهل سنت در ستایش ایرانیان، حدیث گوسفندان سیاه و سفید است، حافظ ابونعیم اصفهانی در ذکر اخبار اصبهان ۱/ ۹ از ابوهریره، نعمان بن بشیر، مطعم بن جبیر، ابوبکر، ابن ابی لیلی و حذیفه - که حدیث طبق عبارت اوست - از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کند: «من دیشب دیدم گویا گوسفندانی سیاه به دنبال من می آیند، سپس گوسفندانی سفید اضافه شدند تا آنجا که سیاهان را دیگر ندیدم.

ابوبکر گفت: گوسفندان سیاه عرب هستند که از شما پیروی می کنند، و سفیدان عجمانند که از شما تبعیت می کنند و چنان زیاد می شوند که عربی در میان آنها نمی بینی. پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم گفتند: فرشته هم این گونه تعبیر کرد.»!

روایت دیگر: همان ۱/ ۱۲ از ابوهریره نقل می کند: «در حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن از عجمان به میان آمد که ایشان گفتند: به خدا قسم من به آنان از شما - و یا از برخی از شما - اعتماد بیشتری دارم.»

عبارت از برخی از شما، افزوده ی راوی است تا آبروی عرب را حفظ کند.

دیگر: المصنف عبدالرزاق ۱۱/ ۶۶ از ابوهریره از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): «اگر دین در ثریا باشد، مردی - و یا گفتند: مردانی - از پسران فارس بدانجا می روند تا آن را به دست آرند.»^۱

مسند احمد ۲/ ۱۷۴ از ابوهریره می آورد: «نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم که سوره ی جمعه نازل شد، ایشان این آیه را خواندند: **وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ**^۲ و دیگران از ایشان که هنوز به آنها

۱. مشابه آن المصنف ابن ابی شیبه ۱۲/ ۲۰۶ و مسند احمد ۲/ ۲۹۶ و ۳۰۸

۲. سوره ی جمعه ۳/

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نیپیوسته‌اند. شخصی پرسید: ای رسول خدا! اینان کیانند؟ حضرت جواب او را ندادند تا آنکه دویا سه بار پرسید. و این در حالی بود که سلمان فارسی در میان ما بود. پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر سلمان گذاشتند و فرمودند: اگر ایمان در ثریا باشد، مردانی از اینان بدان دست خواهند یافت.^۱

سنن ترمذی ۳۸۴/۵ می‌نویسد: «برخی از صحابه گفتند: یا رسول الله! اینان که خداوند فرموده اگر ما پشت کنیم، جایگزین ما می‌کند و مانند ما نخواهند بود، کیانند؟ - و سلمان در کنار آن حضرت حضور داشت - پس پیامبر صلی الله علیه و آله بران او زدند و فرمودند: این و یارانش، قسم به آنکه جانم به دست اوست، اگر ایمان به ثریا آویخته باشد، مردانی از فارس بدان دست می‌یابند.»

المصنف عبدالرزاق ۳۸۵/۱۱ از حسن بصری از آن حضرت نقل می‌کند: «دستان شما از عجم پر خواهد شد [و بسیاری از آنان اسیر خواهید کرد]، سپس آنان به شیرانی تبدیل می‌شوند که فرار نمی‌کنند، آنگاه گردن‌هایتان را می‌زنند و خراج شما را می‌خورند.»^۲
نگارنده: عجم عنوانی است برای تمامی اقوام غیر عرب، لکن برای ایرانیان غلبه یافته است.

مسند احمد ۳۳۸/۵ از سهل بن سعد ساعدی روایت می‌کند: «همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در خندق بودم، ایشان خود تیشه به دست گرفتند و مشغول حفر شدند، در اثنای حفاری با سنگی مواجه شدند و خندیدند، کسی پرسید: ای پیامبر خدا! چرا می‌خندید؟ فرمود: خنده‌ام از مردمانی گرفت که آنان را از سمت مشرق در میان بند می‌آورند، و به سمت بهشت سوق داده می‌شوند.»^۳

ذکر اخبار اصبهان ۱۱/۱ از ابن عباس نقل می‌کند: «در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله سخن از فارس به میان آمد، ایشان فرمودند: فارس گروه ما اهل بیت هستند.»

۱. رک به همان ۴۲۵، ۴۲۲ و ۴۶۹، بخاری ۱۸۸/۶، مسلم ۱۹۷۲/۴ و ...

۲. و نیز مسند احمد ۵/۱۱، ۱۷ و ۲۱، رویانی ۱۱۲/۱۵۴، المعجم الکبیر ۷/۲۶۸، المستدرک ۴/۵۱۲ و حلیه الاولیاء ۲۴/۳

۳. رویانی ۲۰۲/۲، المعجم الکبیر ۶/۱۵۷، مجمع الزوائد ۵/۳۳۳ - وی آن را توثیق می‌کند -، الجامع الصغیر ۲/۱۲۳ و جمع الجوامع ۱/۵۶۵

مقصود از اهل بیت در این گزارش ساختگی عباسیانند، زیرا نهضت عباسیان توسط ایرانیان شکل گرفت. اما اهل بیت در مذهب ما اصطلاح خاص نبوی است که رسول خدا ﷺ در حدیث متواتر کساء آنان را معرفی کردند و به درگاه خدا عرضه داشتند: خدایا! اینان اهل بیت منند، یعنی امیرالمؤمنین، صدیقه ی طاهره، امام حسن و امام حسین و نه تن از فرزندان امام حسین که آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام است.

شرح نهج البلاغه ۲۰/ ۲۸۴ می نگارد: «اشعث نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، صف ها را شکافت و به حضرت نزدیک شد و گفت: یا امیرالمؤمنین! این سرخان - یعنی عجم - در نزدیک شدن به شما بر ما غلبه کرده اند، امام علیه السلام با پا بر منبر زدند.

صعصعة بن صوحان گفت: اشعث با ما چه کار دارد؟ [او باعث می شود] امیرالمؤمنین علیه السلام امروز سخنی درباره ی عرب گوید که همواره یاد شود.

حضرت فرمودند: کیست برای من در مقابل این درشتان بی فایده عذر آورد، اینان به مانند حمار بر بستر می غلطند و به خاطریاد شدن یک گروه، آنان را ترک می گویند! آیا مرا امر می کنی آنان را برانم؟ من آنها را نخواهم راند تا از جاهلان باشم، قسم به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، آنها شما را برای بازگشت به دین خواهند زد، همانسان که شما آنان را برای پذیرش آن زدید.»

این کلام متواتر است و تعدادی از عالمان آنان مهر صحت بر آن زده اند.

اما ایرانیان در حرکت حضرت مهدی علیه السلام؛ روایاتی در منابع طرفین پیرامون آنان تحت هفت عنوان رسیده؛ قوم سلمان، اهل مشرق، اهل خراسان، اصحاب بیرق های سیاه، فارس، اهل قم و اهالی طالقان، و مقصود از همه ایرانی ها هستند، مگر آنکه قرینه ای برخلاف بیاید.

ایرانیان، نخستین گروه از سه گروه زمینه ساز

منابع اتفاق نظر دارند که نهضتی زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام از سوی اهل مشرق شکل می گیرد، آنان صاحبان پرچم های سیاه و نخستین زمینه سازان حکومت ایشان هستند.

در منابع ما دو گروه زمینه ساز دیگر نیز به چشم می خورد: یمانی ها و حرکتی برضد یهود که پیش

از ظهور است - و خواهد آمد - و یا در عراق رخ می دهد و در تفسیر آیه ی: **بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَابٍ شَدِيدٍ**^۱، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم، آمده است، و اینکه «آنان گروهی هستند که خداوند پیش از خروج قائم ارسال می کند و کسی را که جنایتی بر آل محمد کرده و انمی گذارند مگر آنکه به قتل می رسانند.»^۲

کافی ۲۰۶/۸: «امام صادق علیه السلام در مورد آیه ی: **وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ**،^۳ و در کتاب آسمانی به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که: قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد، فرمودند: [این دو بار] قتل حضرت علی بن ابی طالب و وارد کردن جراحت بر امام حسن علیه السلام است.

وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا، و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست؛ کشتن امام حسین علیه السلام. **فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا**، پس آنگاه که وعده ی [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد؛ زمانی که نصرت خون حسین فرا رسد.

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَابٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم، تا میان خانه ها به جستجو درآیند؛ گروهی هستند که خداوند پیش از خروج قائم می فرستد و کسی را که جنایتی بر آل محمد کرده و انمی گذارند مگر آنکه می کشند.

وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا، و این تهدید تحقق یافتنی است؛ خروج قائم علیه السلام.

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ، پس [از چندی] دوباره شما را باز گردانده بر آنان چیره می کنیم؛ خروج امام حسین علیه السلام در میان هفتاد تن از یارانش، کلاهخودهایی با آب طلا که هر کدام دو رو دارد بر سر دارند و به مردم خبر می دهند امام حسین خارج شده تا مؤمنان در آن تردید نکنند و [بدانند] او دجال یا شیطان نیست، و حجت قائم در میان آنان است.

پس چون در دل های مؤمنین استوار گردد که او امام حسین است، مرگ به سراغ حجت می آید و امام حسین کسی است که عهده دار غسل، کفن، حنوط و در قبر قرار دادن ایشان

۱. سوره ی اسراء / ۵

۲. کافی ۲۰۶/۸

۳. سوره ی اسراء / ۶ - ۴

ایرانیان

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

می شود، و تنها وصی است که عهده دار وصی می گردد.^۱

غیبت نعمانی / ۲۹۸ از ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «هنگامی که بیرق حق ظاهر شود، اهل مشرق و مغرب آن را لعنت می کنند، آیا می دانی برای چه؟ عرضه داشتم: نه، فرمودند: به خاطر آنچه مردم، از اهل بیت ایشان پیش از خروجشان می بینند.» همان / ۲۹۹ نظیر آن را از منصور بن حازم از ایشان روایت می کند و به جای جمله ی آخرین عبارت آمده است: «به خاطر آنچه از بنی هاشم می بینند.»

معنای این احادیث آن است که برخی از بنی هاشم پیش از ایشان نهضتی به راه می اندازد. بنابراین احادیث زمینه سازان سه دسته هستند؛ احادیث دولت پرچم های سیاه که نزد شیعه و سنی مورد اتفاق است، دولت یمانی که در منابع ماست و روایاتی که دلالت می کند پیش از ظهور زمینه سازانی خواهند بود ولی آنان را مشخص نمی کند، ولی بر کسانی که با یهود می جنگند انطباق دارد، زیرا در تفسیر آیه ی مذکور است.

طبق روایات قیام دولت یمنی ها، در سال ظهور امام مهدی علیه السلام و مقارن با خروج سفیانی در شام می باشد.

دولت زمینه سازان ایرانی پیش از آن است و آنان نخستین زمینه سازانند، لکن قیام آنها در راستای یاری ایشان در سال ظهور خواهد بود، و راجح آن است که مردی از قم آغازگر این حرکت باشد.

از امام کاظم علیه السلام روایت شده: «مردی از قم مردم را به حق دعوت می کند، گروهی با او همراه می شوند که دل هایشان به مانند پاره های آهن است، بادهای سخت آنان را به لرزه نمی اندازد، از نبرد ملول نمی شوند، نمی هراسند، و بر خدا توکل می کنند، و فرجام از آن متقین است.»^۲

مناسبتی که این روایت در آن بیان شده و نیز زمان این مرد معلوم نیست، علاوه بر آنکه سند

۱. و نیز تفسیر عیاشی / ۲ / ۲۸۱، کامل الزیارات / ۶۲ و ۶۲، مختصر البصائر / ۴۸، تأویل الآیات / ۱ / ۲۷۷، الايقاظ من الهمجة / ۳۰۹، اثبات الهداة / ۳ / ۵۵۲ و بحار / ۴۵ / ۲۹۷

۲. بحار / ۵۷ / ۲۱۵

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

ندارد، ولی امری که آن را تقویت می‌کند آن است که از تاریخ قم اشعری است که در سال ۳۷۸ آن را تألیف کرده است.

از حدیث صحیح امام باقر عجل الله تعالی فرجه در مورد نهضت اهل مشرق، فهمیده می‌شود که این حرکت پنج مرحله دارد و آخرین آنها قیام آنان برای نصرت امام عجل الله تعالی فرجه در سال ظهور است.

در احادیث شیعه و سنی سخن از دو شخصیت ایرانی است: خراسانی و فرماندهی قوای او شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب. در منابع ما نیامده که فاصله‌ی این دو با ظهور امام عجل الله تعالی فرجه چه مدت است، ولی در منابع سنیان شش سال پیش از ظهور عنوان شده است، الفتن ۱/ ۲۷۸ و ۳۱۰ از محمد بن حنفیه نقل می‌کند: «پرچمی سیاه برای بنی عباس خارج می‌شود. سپس پرچم سیاه دیگری از خراسان بیرون می‌آید. کلاه‌های آنان سیاه و لباس‌هایشان سفید است. پیش قراول آنها مردی است به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب از بنی تمیم. آنان یاران سفیانی را شکست می‌دهند تا آنکه در بیت المقدس فرود آیند. آنها زمینه را برای قدرت یافتن مهدی آماده می‌کنند. سیصد نفر از شام به او می‌پیوندند. بین خروج او و واگذاری امر به مهدی هفتاد و دو ماه است.»

همان ۱/ ۳۱۰ از همروایت می‌کند: «بین خروج بیرق سیاه از خراسان و شعیب بن صالح و خروج مهدی تا واگذاری امر به مهدی هفتاد و دو ماه است.»^۱

در نقل القول المختصر/ ۳۴ این عبارت نیز آمده است: «بیرق‌های سیاه از خراسان خارج می‌شود و در کنار مهدی به بیت المقدس می‌آید.»

المسند الجامع ۱۸/ ۳۸۹ از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «پرچم‌هایی سیاه از خراسان خارج می‌شود. هیچ چیزی آنها را بر نمی‌گرداند تا آنکه در الباء نصب شوند.»^۲

غیبت نعمانی/ ۲۵۳ از ابن ابی نصر از امام رضا عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «پیش از این امر [ظهور]، سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهند بود، پس این چرا چنین ادعا می‌کند؟» در احادیث صحیح منابع ما آمده که حرکت خراسانی و شعیب که پرچم را تسلیم امام عجل الله تعالی فرجه

۱. و ملاحم ابن منادی/ ۴۷، سنن دانی/ ۹۸، عقد الدرر/ ۱۲۶ و الحاوی/ ۲/ ۶۷ و ۶۸

۲. السنن فی الفتن ۵/ ۱۰۵۵

می‌کنند، مقارن ظهور یمانی و سفیانی است، غیبت نعمانی / ۲۵۳ از امام باقر علیه السلام حدیثی طولانی نقل می‌کند که در آن تعدادی از حوادث و نشانه‌ها ذکر شده است، در قسمتی از آن آمده است: «خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز بسان رشته‌ای مهره پیایی خواهد بود. لذا از هر سو جنگ رخ خواهد داد. وای بر کسی که با آنان دشمنی کند. در میان این بیرق‌ها بیرقی هدایت‌گرتراز بیرق یمانی نیست، آن پرچم هدایت است زیرا به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند.»

حدیث: آغاز امر امام علیه السلام از ایران است

شیعه و سنی روایت می‌کنند که آغاز امر حضرت مهدی علیه السلام از مشرق خواهد بود، غیبت نعمانی / ۳۰۴ از حارث همدانی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «... مجّعد است، و برگونه خالی دارد. آغاز او از مشرق خواهد بود. چون چنین شود سفیانی خروج کرده به اندازه‌ی مدت حمل یک زن - نه ماه - حکومت می‌کند. او در شام خروج می‌کند و اهل شام - مگر گروه‌هایی که برحق استوارند و خدا آنان را از خروج با او مصون می‌دارد - تسلیم او می‌شوند.» از آنجا که به طور قطع ظهور امام علیه السلام از مکه خواهد بود، گفتیم که آغاز امر ایشان از مشرق است، یعنی یاران ایشان از سوی مشرق خواهند آمد.

وهابیت می‌پندارند حضرت مهدی علیه السلام خود از سمت مشرق می‌آید، لذا قائل به مهدویت شخصی نجدی از غیربنی هاشم شدند و او را نزد ابن باز بردند، و خوشایند او واقع شد، سپس او را به افغانستان و چین بردند تا صدق کند که از ناحیه‌ی مشرق خواهد آمد!

حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رساند که این امر قبل از خروج سفیانی است، و مدتی نه کوتاه و نه چندان بلند با آن فاصله دارد، زیرا عطف بین این دو مقوله را با حرف واو - و نه فاء یا ثم - آورده است. بلکه اشاره بدان دارد که خروج سفیانی مسبب از حرکت زمینه ساز ایران، و گویا عکس‌العملی در قبال آن می‌باشد.

حدیث: اصحاب بیرق‌های سیاه و اهل مشرق

این حدیث که به حدیث «پرچم‌های سیاه»، حدیث «اهل مشرق» و حدیث «آنچه اهل بیت علیهم‌السلام با آن مواجه می‌شوند» معروف است، در منابع ما و به وفور در منابع سنیان آمده است.

ابن مسعود و تعدادی از صحابه آن را نقل می‌کنند و گروهی از علمای سنی آن را صحیح شمرده‌اند.

یکی از قدیمی‌ترین مآخذ آن الفتن است، ابن حماد در ۱/ ۳۱۰ از عبد الله بن مسعود نقل می‌کند: «نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودیم که جوانانی از بنی هاشم آمدند و رنگ چهره‌ی حضرت تغییر کرد. گفتند: ای رسول خدا! همواره در چهره‌ی شما حالتی می‌بینیم که خوش نداریم، ایشان فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که خدا برایمان آخرت را بر دنیا اختیار کرده است. اهل بیت من پس از من با بلا و رانده و آواره شدن مواجه می‌شوند، تا آنکه قومی از اینجا از سوی مشرق، که اصحاب بیرق‌های سیاه هستند بیایند. آنان حق را می‌خواهند ولی به آنان داده نمی‌شود - دو یا سه بار این کار را می‌کنند -، پس می‌جنگند و یاری می‌شوند و آنچه را خواسته بودند به آنها می‌دهند ولی نمی‌پذیرند، تا آن را به مردی از اهل بیت من که زمین را پراز عدالت می‌کند، همان گونه که از ستم پر شده است، بدهند. هریک از شما آن را درک کرد به سوی آنها برود اگر چه چهار دست و پا بر روی برف باشد، زیرا او مهدی است.»^۱

المستدرک ۴/ ۶۴ چنین نقل می‌کند: «حضور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیدیم، ایشان با چهره‌ای مسرور بیرون آمدند. از هر چه سؤال می‌کردیم پاسخ می‌دادند، و هرگاه سکوت می‌کردیم خود سخن می‌آغازیدند، تا اینکه جوانانی از بنی هاشم که حسن و حسین در میان آنها بودند عبور کردند. چون آنان را مشاهده کرد، به خود چسبانید و اشک از چشمانش جاری شد، ما گفتیم: پیوسته در صورت شما حالتی می‌بینیم که خوشایندمان نیست. ایشان فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزیده است، و اهل بیت من پس از من با رانده و آواره شدن در بلاد مواجه خواهند شد، تا آنکه بیرق‌هایی سیاه از جانب

۱. المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵/ ۲۳۵، سنن ابن ماجه ۲/ ۱۳۶۶، مسند الصحابه ابن کلبه ۴۱/ ۴۱ و ملاحم ابن منادی ۴۴/

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل‌الله‌فرجه‌الاول

منزلت امام عجل‌الله‌فرجه‌الثانی

حکومت امام عجل‌الله‌فرجه‌الثانی

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل‌الله‌فرجه‌الاول

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل‌الله‌فرجه‌الاول

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل‌الله‌فرجه‌الثانی در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مشرق بالا رود.

آنان حق را می خواهند ولی به آنها نمی دهند، آنگاه [دیگر بار] آن را می خواهند ولی نمی دهند، سپس [برای بار سوم] آن را خواستار می شوند ولی به ایشان نمی دهند. پس پیکار می کنند و مورد نصرت قرار می گیرند. هر کسی از شما یا نسلتان آن را درک کرد نزد امام اهل بیتم برود اگر چه چهار دست و پا بر روی برف، زیرا آنها بیرق های هدایت هستند و آنها را به مردی از اهل بیتم می سپارند...»^۱

این روایت در منابع ما نیز آمده است، دقیق ترین نقل، روایت غیبت نعمانی / ۲۷۳ از ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام است: «گویا قومی را می بینم که در مشرق خروج کرده اند و حق را می طلبند ولی به آنان داده نمی شود. سپس [دیگر بار] آن را طلب می کنند ولی به آنها نمی دهند. چون چنین بینند شمشیرهایشان را بر شانه ها بگذارند، پس آنچه را خواسته بودند به آنها بدهند ولی نپذیرند تا آنکه قیام کنند، و آن را جز به صاحبان ندهند، کشته های آنها شهیدند.

بدان! اگر من آن [دوران] را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر نگاه می داشتم.»^۲
چند نکته:

اول: این حدیث تواتر معنوی دارد زیرا به طرق متعدد و از چند تن از صحابه نقل شده است، لذا به صدور آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله اطمینان می یابیم، و اینکه ایشان خبر از مظلومیت اهل بیتشان علیهم السلام، و استمرار این ظلم تا زمان ظهور ایشان که از مشرق برمی خیزند، و عرصه را برای حضرت مهدی علیه السلام - که مدتی پس از قیام دولت آنان ظاهر می شود و آنها بیرقشان را تسلیم می کنند - فراهم می کنند، داده اند.

دوم: مقصود از این دو عنوان ایرانیان هستند و این نزد صحابه ی راوی این حدیث، و تابعین و پسینیان آنان در طول روزگار مورد اتفاق است، چرا که آنان حتی به طور نادر هم ادعا نکرده اند اینان مثلاً اهالی ترکیه ی فعلی، افغانستان، هند یا جایی دیگرند. بلکه برخی از بزرگان محدثین

۱. مسند بزار ۴ / ۳۱۰ و ۳۵۴، سنن دانی / ۹۲، جامع سیوطی ۳ / ۱۰۱، زوائد ابن ماجه / ۵۲۷، السنن فی الفتن ۵ / ۱۰۲۹ و المعجم الأوسط ۶ / ۳۲۷

۲. و نیز دلائل الامامه / ۲۳۳ و ۲۳۵، مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام محمد بن سلیمان ۲ / ۱۱۰، الملاحم و الفتن / ۵۲ و ۱۶۱، کشف الغمة ۳ / ۲۶۲ و ۲۶۸، العدد القویة / ۹۰، اثبات الهداة ۳ / ۵۹۵ و بحار ۵۱ / ۸۲ و ۸۳

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل‌الله‌فرجه

منزلت امام عجل‌الله‌فرجه
حکومت امام عجل‌الله‌فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل‌الله‌فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل‌الله‌فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل‌الله‌فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و مؤلفین آنها تصریح کرده‌اند اینان فارس هستند. و در برخی روایات هم عنوان خراسانیان بر آنان

اطلاق شده است تا جایی که به حدیث بیرق‌های خراسان شهرت یافته، بنابراین اینکه وهابیان

آن را به اهل افغانستان و طالبان و چپن تفسیر کرده‌اند به دور از فهم تمامی مسلمین است!

سوم: حرکت آنان با واکنش و جنگی عالمی روبروست. آنان در ابتدای حرکت بر حاکم خود

خروج می‌کنند. آنگاه نزدیک ظهور برای نصرت امام و سپردن بیرق خود به ایشان قیام می‌نمایند.

چهارم: این عبارت از فرمایش امام باقر عجل‌الله‌فرجه: پس آنچه را خواسته بودند به آنها بدهند ولی نپذیرند

تا آنکه قیام کنند، و آن را جز به صاحبان ندهند، می‌رساند که آنها در سال ظهور سر تسلیم پرچم

سرزمین خود به امام عجل‌الله‌فرجه، دچار اختلاف می‌شوند، و پیروزی از آن موافقان این کار خواهد بود.

الملاحم والفتن / ۱۳۶ روایت می‌کند: «هنگامی که بیرق‌های سیاه - که شعیب بن صالح

در آن است - لشکر سفیانی را شکست دهند، مردم مهدی را آرزو کرده در طلب او بر می‌آیند.

او که پرچم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را با خود همراه دارد از مکه خارج می‌شود. بعد از آنکه مردم به

جهت به درازا انجامیدن بلا، از خروج او نومید می‌شوند، دو رکعت نماز گزارده و چون از

آن فارغ می‌شود صدا می‌زند: ای مردم! بلا برامت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خصوص اهل بیت ایشان

پافشاری کرده است، مقهور شدیم و بر ما ستم شده است.»

پنجم: حدیث بیرق‌های سیاه از اخبار غیبی است و بر نبوت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلالت می‌کند،

چرا که می‌بینیم هم چنان که ایشان خبر دادند، ظلم، جنایت و آوارگی در حق اهل بیت عجل‌الله‌فرجه

در طول قرن‌ها وارد شده است تا جایی که به چهار جهت دنیا رسیده‌اند. ما هیچ خاندانی را در

شرق تا غرب این کروی خاکی نمی‌یابیم که اینچنین با آنها معامله کرده باشند.

ششم: عبارت امام باقر عجل‌الله‌فرجه: گویا قومی را می‌بینم که در مشرق خروج کرده‌اند، توصیف دقیقی

است و دلالت می‌کند این امر وعده‌ی حتمی الهی است. و پیامبر و امامان عجل‌الله‌فرجه چنین تعبیری را

زمانی به کار می‌بردند که امر حتمی الوقوع باشد آنچنان که گویا بدان می‌نگرند. بلکه می‌رساند

آنان با بصیرتی که خداوند آنان را بدان مخصوص کرده آن را می‌بینند.

علاوه بر آنکه بیانگر مراحل حرکت آنان تا عصر ظهور، و منتهی شدن به قیام برای نصرت

حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه است.

هفتم: این عبارت: اگر من آن [دوران] را درک می کردم جانم را برای صاحب این امرنگاه می داشتم، می فهماند قیام نهایی آنان بیش از مدت عمر یک انسان تا ظهور فاصله ندارد.

روایاتی که احتمال می رود اجزائی از روایت بیرق های سیاه باشد

به نظر می رسد روایتی که احمد، ابن ماجه در سنن خود ۲/ ۱۳۶۸ و دیگران می آورند، قسمتی از آن باشد: «مردمی از مشرق آشکار می شوند که قدرت را برای مهدی آماده می کنند.»^۱
المعجم الكبير ۴/ ۲۲۹ از خالد بن عرفطه نقل می کند که روز شهادت امام حسین علیه السلام گفت: «این همان است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: شما پس از من در اهل بیتم [و نحوه ی رفتار با آنان] امتحان می شوید.»^۲

الفتن ۱/ ۳۱۳ از حسن بصری: «رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن از بلایی آوردند که اهل بیتشان با آن روبرو می شوند، تا آنکه خدا بیرقی سیاه از مشرق بفرستد. هر که آن را یاری دهد خدا او را یاری نماید، و هر که واگذارند خدایش واگذارد. تا آنکه نزد مردی همانام من آیند و امر خود را بدو سپارند. و خدا او را تأیید و نصرت کند.»^۳

و نیز حدیث بیرق های خراسان به سمت قدس که سنن ترمذی ۳/ ۳۶۲، مسند احمد، ابن کثیر در نهاییه، بیهقی در دلائل و دیگران آورده اند.

ابن صدیق مغربی در ردّ بر این خلدون آن را صحیح می شمارد، روایت می کند: «پرچم هایی سیاه از خراسان خارج می شوند. چیزی آنها را باز نمی گرداند تا آنکه در ایلیم نصب شوند.»
در منابع ما، ابن طاووس در الملاحم ۳/ ۴۳ و ۵۸ آن را از سنیان نقل کرده است. این روایت سخن از حرکت لشکری از ایران به سمت قدس دارد که همان حرکت امام مهدی علیه السلام است.

مجمع البحرين می نویسد: «ایل بیت المقدس است، و گفته شده به معنی بیت الله است،

۱. و نیز رک به المعجم الاوسط ۱/ ۲۰۰، البیان شافعی ۴۹۰ - وی آن را حدیثی حسن و صحیح می شمارد که افراد ثقه و استوار نقل کرده اند - عقد الدرر ۱۲۵، التذکره ی قرطبی ۶۹۹، فرائد السمطين ۲/ ۳۳۳، خریده العجائب ۲۵۷، تحفة الاشراف ۴/ ۳۰۷، المنار المنیف ۱۴۵، فتن ابن کثیر ۱/ ۴۱ و مغربی ۵۵۵ و وی نیز آن را صحیح شمرده است.
۲. کشف الاستار هیشمی ۳/ ۲۳۳ و مجمع الزوائد ۹/ ۱۴۹ وی می نویسد: آن را طبرانی و بزار نقل کرده اند و راویان نقل بزار رجال صحیح هستند، مگر عماره که ابن حبان او را ثقه شمره است.

۳. عقد الدرر ۱۳۰، الملاحم و الفتن ۵۴/ ۵۸ و الحاوی ۲/ ۶۸

زیرا این در زبان عبرانی الله است.»

از آنجا که فرماندهی این پرچم ها شعیب بن صالح، فرماندهی لشکر امام علیه السلام است، مقصود از این روایت حمله ی حضرت برای آزاد سازی شام و قدس است.

و نیز حدیث گنج های طالقان که در منابع سنیان از حضرت علی علیه السلام نقل شده است، الحاوی ۸۲ / ۲ و کنز العمال ۲۶۲ / ۷ روایت می کنند: «بِهْ بِهْ به طالقان، زیرا خداوند عزوجل در آن گنج هایی دارد که از طلا و نقره نیست، بلکه مردانی هستند که خدا را به خوبی شناخته اند و یاران مهدی در آخر الزمان خواهند بود.»^۱

در منابع ما: بحار الانوار ۵۲ / ۳۰۷ از کتاب سرور اهل الایمان اثر علی بن عبد الحمید نیلی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «او گنجی در طالقان دارد که نه طلاست و نه نقره، و بیرقی که از زمانی که پیچیده شده باز نشده است، و مردانی که دل هایشان گویا پاره های آهن است. در راه خدا تردیدی در آنها راه نیابد. از آتش سخت ترند. اگر بر کوه ها هجوم آرند آنها را از جای بردارند. با پرچم هایشان منطقه ای را قصد نکنند مگر آن را ویران سازند. گویا بر اسبانشان عقاب است. به قصد برکت برزین اسب امام دست می کشند. او را در میان می گیرند و با جان هایشان در جنگ ها از او محافظه می کنند. شب را مشغول عبادتند، و بر روی اسبانشان صبح می کنند. راهبان شب و شیران روزند. فرمانبری آنها بیش از کنیز نسبت به مولای خویش است. بسان چراغند، گویا در دل هایشان چراغ است. از بیم او ترسانند. خواهان شهادتند و کشته شدن در راه خدا را تمنا دارند. شعارشان یا لثارات الحسین است. چون طی مسیر می کنند رعب پیش از آنان و به فاصله ی یک ماه خواهد رفت. گروه گروه نزد مولی می آیند، و خدا امام حق را با آنان یاری خواهد کرد.»

نگارنده: راوی اینان را بر اساس عصر خود توصیف می کند و مقصود آن است که اینان شجاعند و به واسطه ی ایمانشان از دیگران متمایز.

من پیشتر تصور می کردم مراد از طالقان در این روایات منطقه ایست که در صد کیلومتری شمال غرب تهران، در سلسله جبال البرز قرار دارد، منطقه ای که الآن شهر و چند روستا دارد و طالقان نام

۱. و نیز منابع المودة / ۴۴۹

دارد و اهالی آن از قدیم به تقوی و قرائت قرآن و تعلیم آن شهرت دارند.

ولی بعد از دقت در روایات این نظر بر این رجحان یافت که مقصود ایرانیان هستند و نه خصوص اهالی طالقان، و اینکه ائمه علیهم السلام آنها را اهل طالقان نامیدند از آن جهت است که سرزمینشان جبال طالقان نامیده می شد، همان گونه که خراسان و مشرق نامیده می شد.

روایت دیگری که احتمال می رود از اجزاء حدیث بیرق های سیاه باشد: تفسیر فرات / ۱۶۴ از انس: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و دست در دست علی بن ابی طالب علیه السلام داشتند، مردی به ایشان برخورد کرد. ایشان فرمودند: ای فلان! به علی ناسزا نگویند، زیرا هر که او را ناسزا گوید به من ناسزا گفته است، و هر آنکه به من ناسزا گوید خدا را ناسزا گفته است.

ای فلان! به خدا قسم، تنها فرشته ی مقرب یا بنده ای که خدا دلش را برای ایمان آزموده است، به آنچه از علی در آخر الزمان بروز می کند ایمان می آورد.

ای فلان! بلایی سخت، محرومیت، قتل و آوارگی فرزندان عبد المطلب را در می رسد، پس ای فلان! در مورد اصحاب، فرزندان و عهد من، خدا را در نظر بگیر و تقوای الهی پیشه کن، چرا که خداوند روزی دارد که در آن برای مظلوم از ظالم انتقام خواهد گرفت.»

خراسانی حاکم ایران و شعیب فرماندهی لشکر

در احادیث چنین تصویر شده که خراسانی حاکم ایران و شعیب بن صالح، به عراق می آیند تا با امام مهدی علیه السلام بیعت کنند و بیرق کشورشان را به ایشان بسپارند.

در روایات سخن از ارسال قوا از ایران به حجاز برای یاری امام علیه السلام نیست. در برخی وارد شده که قوای آنان پیش از ظهور به سمت عراق حرکت می کنند، الفتن ۱/ ۳۱۳ از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«پرچم های سیاه که از خراسان خارج می شود در کوفه فرود می آید. پس چون مهدی ظاهر شود، بیعت خود را برای ایشان می فرستند.»^۱

خراسانی و شعیب پس از آنکه امام علیه السلام وارد عراق شوند بیعت می کنند، آنگاه ایشان شعیب را فرماندهی لشکر قرار می دهند، و قوای خراسانیان در فتح قدس و فلسطین همراه ایشان

۱. عقد الدرر/ ۱۲۹، والحاوی ۲/ ۶۹، والخراج و الجرائح ۳/ ۱۱۵۸ و الملاحم و الفتن ۵۵/

خواهند بود. البته بعید نیست امام علیه السلام به قوای ایرانی فرمان دهند که قبل از خود وارد عراق شوند تا با لشکر سفیانی روبرو شده بتوانند دست تجاوز آنها بر شیعیان را کوتاه کنند.

علاوه بر گزارش ابن حماد، روایت الملاحم و الفتن که پیشتر گذشت نیز بر این مطلب دلالت دارد: «هنگامی که بیرق های سیاه - که شعیب بن صالح در آن است - لشکر سفیانی را شکست دهند، مردم مهدی را آرزو کرده در طلب او بر می آیند. او که پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را با خود همراه دارد از مکه خارج می شود.»

ابن حماد گزارشات متعددی با این مضمون نقل می کند که قوای خراسانی پیش از ظهور و برای مقابله با هجمه ی سفیانی وارد عراق می شوند، ۱ / ۳۱۴ از حضرت امیر علیه السلام: «پرچم های سیاه خارج می شوند و با سفیانی می جنگند. جوانی از بنی هاشم - که در کتف چپ خالی دارد، و پیش قراولش مردی از بنی تمیم است که او را شعیب بن صالح گویند - در میان آنهاست، و یاران سفیانی را شکست می دهد.»

همواز عمار بن یاسر روایت می کند: «هنگامی که سفیانی به عراق برسد و یاران آل محمد را بکشد، مهدی که شعیب بن صالح پرچمدار اوست خروج می کند.»

وی از امام باقر علیه السلام نیز نقل می کند: «جوانی از بنی هاشم که در کف دست راستش خالی دارد، با بیرق هایی سیاه از خراسان خارج می شود، و شعیب بن صالح در پیش او قرار دارد. او با اصحاب سفیانی پیکار می کند و آنان را شکست می دهد.»

همواز حسن بصری: «در ری مردی گندمگون، کوسه و باقامتی معتدل از غلامان بنی تمیم - که شعیب بن صالح نام دارد - به همراه چهار هزار تن خروج می کند. جامه هایشان سفید و بیرق هایشان سیاه است. او پیش قراول لشکر مهدی خواهد بود. کسی به مصاف او نمی رود مگر آنکه شکست می خورد.»

سفیان کعبی گوید: «پرچمدار مهدی پسری است با سن کم، ریش اندک و زرد پوست. اگر با کوه ها بجنگد آنها را منهدم می سازد تا آنکه در ایلیا فرود آید.»

همان ۱ / ۳۷۲ از عبد الله بن عمر: «مردی از فرزندان حسین از سمت مشرق خروج می کند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

اگر کوه‌ها به مصاف او آیند آنها را فرو ریخته در آنها راهسازی خواهد کرد.^۱

مجمع الزوائد ۷/ ۳۱۷ از عبد الله بن عمر: «پیامبر ﷺ در میان تعدادی از مهاجرین و انصار نشسته بودند، علی بن ابی طالب علیه السلام سمت چپ و عباس طرف راست ایشان حضور داشتند. عباس و مردی از انصار با هم نزاع کردند و انصاری با عباس تند شد. پیامبر ﷺ دست عباس و حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: از صلب این، جوانی خارج می‌شود که زمین را از ستم و ظلم می‌آکند، و از صلب این، جوانی خارج می‌گردد که زمین را از عدل و داد پر می‌کند. وقتی آن را دیدید، به سوی جوان تمیمی که از سمت مشرق می‌آید و پرچمدار مهدی است بروید.»^۲

الفتن / ۸۶ از ابو جعفر: «سفیانی پس از ورود به کوفه و بغداد لشکریانش را در آفاق پراکنده می‌سازد. به او خبر می‌رسد که حرکتی از وراء النهر از جانب اهل خراسان شکل گرفته است. اهل مشرق آنان را شکست می‌دهند. هنگامی که این خبر به سفیانی می‌رسد، لشکری عظیم را به فرماندهی مردی از بنی امیه به اصطخر اعزام می‌کند. در قومس^۳، دولا ب ری و مرزهای زرنج^۴ جنگ در می‌گیرد. آن هنگام است که سفیانی دستور به کشتار اهالی کوفه و مدینه می‌دهد. پس بیرق‌های سیاه از خراسان می‌آیند. فرماندهی همه‌ی مردم را جوانی از بنی هاشم که در کف دست راست او خالی است بر عهده دارد. خداوند امر و راه او را آسان خواهد کرد. او نبردی در مرزهای خراسان خواهد داشت. هاشمی در طریق ری می‌رود و مردی از عجمان را که شعیب بن صالح گویند به اصطخر به مصاف اموی می‌فرستد. او و مهدی و هاشمی در بیضاء اصطخر با هم مواجه می‌شوند. نبردی سخت میان آن دو گروه رخ می‌دهد تا جایی که اسبان تا میچ پا در خون پا می‌گذارند.

در ادامه نبردهای دیگری را نیز ذکر می‌کند.^۵

۱. و نیز تلخیص المتشابه ۱/ ۴۰۷، البیان ۵۱۳، عقد الدرر ۱۲۷، القول المختصر ۱۵، الملاحم و الفتن ۸۵ و

اثبات الهداة ۳/ ۶۱۴

۲. المعجم الأوسط ۵/ ۷۹، جامع سیوطی ۸/ ۷۵۹، الحاوی ۲/ ۶۲، الفتاوی الحدیثیة ۲۷ و مغربی ۵۵۹

۳. منطقه‌ای وسیع در ذیل جبال طبرستان

۴. سیستان

۵. الحاوی ۲/ ۶۹

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت
غیبت صغری

نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

این‌ها همه عباراتی بدون سند و بریده بریده است، و آثار جعل بر آنها پدیدار می‌باشد، و هدف، آن است که حدیث بیرق‌های سیاه را بر قیام ابومسلم خراسانی و ورود لشکریان وی به عراق تطبیق کند.

ضعف گزارش ورود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به ایران پیش از عراق

آنچه مورد اتفاق است آن است که آغاز حرکت امام عجل الله تعالی فرجه از مکه است و هدف آن سرزمین قدس، و در این میان ایشان به بررسی و آماده سازی حکومتی جدید در حجاز و عراق، و نیز فرستادن لشکری به سمت قدس می‌پردازد.

تنها در یک یا دو روایت و آن هم از فتن ابن حماد آمده که ایشان ابتدا به جنوب ایران می‌آید، چرا که ایرانیان، حاکم آنان خراسانی و فرماندهی لشکر شعیب بیعت خود را اعلام می‌کنند. سپس به همراه آنها وارد نبرد با سفیانی در بصره می‌شود و بعد وارد عراق می‌گردد.

الفتن / ۸۶ از حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه: «هنگامی که لشکر سفیانی به عراق رود، به دنبال اهل خراسان می‌فرستد. اهل خراسان هم در طلب مهدی می‌روند. مهدی، با هاشمی که پرچم‌های سیاه را به همراه دارد و بر مقدمه‌ی لشکرش شعیب بن صالح است مواجه می‌شود. آنان و یاران سفیانی بردروازه‌ی اصطخر با هم روبرو می‌شوند، و میان آنها جنگی سخت در می‌گیرد. پرچم‌های سیاه غالب می‌شوند و لشکر سفیانی می‌گریزند. آن زمان است که مردم آرزوی مهدی داشته به جستجوی او می‌روند.»

اصطخر شهری در جنوب ایران است. این روایت ضعیف بوده و و تعارض با روایاتی دیگر دارد. البته احتمال آن وجود دارد که امام عجل الله تعالی فرجه به قوای ایرانی فرمان دهند که قبل از خود وارد عراق شوند تا با لشکر سفیانی روبرو شوند، لکن دلیلی بر ورود ایشان به ایران در دست نیست.

احادیث منابع شیعی درباره‌ی خراسانیان و اصحاب بیرق‌های سیاه

برخی از این احادیث قبلاً گذشت. از جمله عیون اخبار الرضا عجل الله تعالی فرجه ۲ / ۵۹: «امام حسین از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه از رسول خدا ص نقل می‌کند که فرمودند: قیامت برپا نخواهد شد تا آنکه

قائمی از ما برای حق قیام کند، و این، زمانی است که خدای عزوجل به او اذن دهد. هرکس از او پیروی کند نجات یابد و هرکه سرپیچی نماید هلاک شود.

ای بندگان خدا! خدا را در نظر گیرید، خدا را در نظر گیرید و گرچه چهار دست و پا بر روی برف، به نزد او بروید که خلیفه‌ی خداوند عزوجل است.^۱

این روایت به ایرانیان نظر دارد، زیرا سرزمینشان برفی است، احتمال دیگر آن است که این تعبیر کنایی و به معنای تحمل مشقت و سختی باشد.^۲

برخی روایات پیرامون قم

درباره‌ی فضیلت و آینده‌ی قم احادیثی از اهل بیت علیهم‌السلام رسیده است. از بررسی آنها ظاهر می‌شود که قم طرحی است که امامان علیهم‌السلام آن را در وسط ایران و بردستان یاران امام زین العابدین علیه‌السلام در سال ۷۳ تأسیس کرده‌اند. پس از آن هم ایشان آن را به طور خاص مورد عنایت داشته و خبر داده‌اند که آن دیار در آینده مکانتی عظیم و والا خواهد داشت، و اهالی آن یاران حضرت مهدی علیه‌السلام خواهند بود.

در برخی احادیث آمده که قم به جهت مناسبت با نام قائم علیه‌السلام و اینکه اهل آن برای نصرت ایشان قیام می‌کنند قم نامیده شد، بحار الانوار ۵۷ / ۲۱۵ از عفان بصری از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند: «آیا می‌دانی چرا قم، قم نامیده شد؟ عرض کردم: خدا و رسولش داناترند، فرمودند: قم نامیده شد، زیرا اهالی آن با قائم آل محمد علیه‌السلام اجتماع و قیام می‌کنند، بر او استوار مانده و یاری می‌دهند.»

اهل بیت علیهم‌السلام برای قم مفهومی وسیع‌تر از یک شهر قائل هستند، ایشان آن را به معنای خط و منهج ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و قیام با حضرت مهدی علیه‌السلام نیز استعمال کرده‌اند، بحار الانوار ۵۷ / ۲۱۷ نقل می‌کند: «جماعتی از اهل ری بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدند و گفتند: ما از اهالی ری هستیم، ایشان فرمودند: خوش آمدند برادران ما از اهل قم، آنان گفتند:

۱. و نیز رک به کفایة الاثر / ۱۰۶، دلائل الامامة / ۲۳۹، الصراط المستقیم / ۲ / ۱۱۶ و اثبات الهداة / ۳ / ۵۲۳ و ۵۷۲

۲. برخی گویند: همین احتمال دوم در روایت مقصود است و تعبیر مزبور، کنایه از تحمل سختی هاست، از این رو، اختصاصی به ایرانیان ندارد، برای آشنایی بیشتر با این تعبیر رک به من لا یحضره الفقیه / ۱ / ۲۳۱ حدیث ۶۹۶ م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ما اهل ری هستیم، و ایشان باز فرمودند: خوش آمدند برادران ما از اهل قم، و آنان برای سومین بار سخن خود را تکرار کردند و همان عبارت را شنیدند، و این گفتار و پاسخ چند بار تکرار شد.

آنگاه فرمودند: خداوند حرمی دارد که مکه است، رسولش حرمی دارد که مدینه است، امیرالمؤمنین دارای حرمی است که کوفه باشد، و ما حرمی داریم و آن شهر قم است، در آن زنی از فرزندان من مدفون می‌شود که فاطمه نام دارد، هر کس او را زیارت نماید بهشت برایش واجب گردد.

راوی گوید: این فرمایش پیش از آن بود که امام کاظم عجل الله تعالی فرجه به دنیا آیند.

این حدیث بدان معناست که قم حرم امامان اهل بیت عجل الله تعالی فرجه تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است، و اهل ری و غیر آن از اهالی قم به حساب می‌آیند، و این بابت آن است که در منهج اهل قم سیر می‌کنند.

از این رو گفتیم مقصود از قم در روایات ممکن است گاه شهر قم باشد، و گاه تمام ایرانیانی که بر خط و منهج آنهایند.

سخن راوی نیز بدان معناست که امام صادق عجل الله تعالی فرجه از به دنیا آمدن نواده‌ی خود حضرت فاطمه دختر امام کاظم عجل الله تعالی فرجه خبر داده‌اند پیش از آنکه امام موسی بن جعفر عجل الله تعالی فرجه به دنیا آیند، یعنی پیش از سال ۱۲۸، و نیز خبر داده‌اند که او در آنجا دفن می‌شود و با گذشت بیش از هفتاد سال از آن تاریخ این امر نیز محقق شد.

جالب است که امامان معصوم عجل الله تعالی فرجه از ابتدای تأسیس قم، در صدد آماده‌سازی اهل آن برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بوده‌اند، این مطلب از آنجا به دست می‌آید که محبت قمیین نسبت به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پیش از ولادت آن حضرت معروف بوده است، بحار الانوار ۵۷/ ۲۱۸ از صفوان بن یحیی نقل می‌کند: «حضور امام رضا عجل الله تعالی فرجه بودم که سخن از اهل قم و اشتیاق آنان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به میان آمد، ایشان بر آنها رحمت فرستاده و فرمودند: خدا از آنان راضی باشد، و در ادامه افزودند: بهشت هشت در دارد که یکی از آنها برای اهل قم است، آنها بهترین شیعیان ما از بین سرزمین‌ها هستند، خداوند تعالی ولایت ما را در طینت آنان عجین کرده است.»

و شاید این در، در صدّیقین و مؤمنین به غیب باشد. اهل قم این محبت را تا به این عصر محفوظ داشته اند.

دو روایت در دست هست که از آینده‌ی قم، و نقشی که در قرب ظهور حضرت مهدی علیه السلام تا زمان ظهور دارد سخن می‌گوید، بحار الانوار ۵۷ / ۲۱۳ از تاریخ قم اشعری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «خداوند به کوفه بردیگر بلاد، و به مؤمنان آن بردیگران از اهالی سایر مناطق احتجاج نمود. او به شهر قم بر سایر بلاد، و به اهالی آن بر تمامی اهل مشرق و مغرب از جن و انس احتجاج کرد. او قم و اهالی آن را ناتوان رها نکرد، بلکه آنان را توفیق داد و تأیید نمود. دین و اهل آن در قم ذلیلند، اگر چنین نمی‌بود مردم بدان سوستاب می‌کردند و قم ویران می‌شد و اهل آن از بین می‌رفتند، و دیگر حجت بر سایر بلاد نبود. و اگر این امر رخ می‌داد آسمان و زمین استقرار نمی‌یافتند و مردم دیده برهم زدن مهلت داده نمی‌شدند. بلایا از قم و اهل آن دفع می‌شود. زمانی خواهد رسید که قم و اهالش حجت بر خلائی باشند. این در زمان غیبت قائم ما تا ظهور اوست، و اگر اینسان نمی‌بود زمین اهالش را فرو می‌برد.

فرشتگان بلایا را از قم و اهالش دفع می‌کنند. هیچ جباری آن را به بدی قصد ننموده مگر آنکه در هم شکننده‌ی جباران او را در هم شکسته و به اندوه، مصیبت یا دشمنی مشغول کرده است. خدا ذکر قم و اهل آن را از یاد جباران در حکومتشان می‌برد، همان گونه که یاد خدا را به فراموشی سپردند.»

در روایت دوم آمده است: «کوفه از مؤمنان خالی خواهد شد، و علم به مانند ماری که در سوراخش جمع می‌شود، از آنجا بار خواهد بست. سپس در منطقه‌ای که قم گفته می‌شود آشکار می‌شود و آنجا به معدن علم و فضل تبدیل خواهد شد تا آنجا که در زمین مستضعف در دین باقی نماند، حتی دختران در پرده.

این امر در نزدیکی ظهور قائم ما خواهد بود، و خداوند قم و اهل آن را قائم مقامان حجت قرار خواهد داد، و اگر چنین نباشد زمین اهالش را فرو می‌برد و حجتی در زمین نخواهد بود. دانش از آنجاست که به سایر بلاد شرق و غرب می‌رود و حجت خدا بر خلق اتمام می‌شود

تا جایی که کسی نماند که دین و دانش بدو نرسیده باشد.

سپس قائم علیه السلام ظاهر شده و سبب انتقام خدا از بندگان و خشم او برایشان خواهد بود، زیرا خدا تنها پس از آنکه بندگان حجت را انکار کنند از آنها انتقام می گیرد.»

بحار الانوار ۶۰/ ۲۱۸ از تاریخ قم از ابومسلم عبدی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «خاک قم مقدّس است. اهالی آن از ما هستند و ما از آنها ایم. هیچ طغیانگری به سوء آنها را قصد نمی کند جز آنکه عقوبتش تعجیل می یابد و این مادامی است که آنها به برادرانشان خیانت نکرده باشند. اما چون خیانت کنند، خدا طغیانگران فاسد را بر آنان مسلّط گرداند.

بدان! آنها یاران قائم ما و دعوتگران به حقّ ما هستند. آنگاه سرشان را به سمت آسمان بالا برده عرضه داشتند: خدایا! آنان را از هر فتنه ای نگاه دار، و از هر هلاکتی برهان.»

اختصاص / ۱۰۱ از امام هادی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چون مرا به آسمان چهارم بالا بردند، گنبدی از لؤلؤ که چهار رکن و چهار در داشت و همه از ابریشم سبز بود را دیدم، گفتم: ای جبرئیل! این گنبد که در آسمان چهارم زیباتر از آن را ندیدم چیست؟ پاسخ داد: حبیب من محمد! این تصویر شهری به نام قم است، بندگان مؤمن خدا در آن جمع می شوند و انتظار محمد و شفاعت او در قیامت و حساب را می کشند، و غم، اندوه، حزن ها و امور ناخوشایند بر آنان می گذرد.

راوی گوید: از امام هادی علیه السلام پرسیدم: چه زمانی منتظر فرج خواهند بود؟ فرمودند: وقتی که آب بر زمین جاری شود.»

مقصود از این عبارت آخر جریان آب بر زمین قم است، و یاد در سطح زمین به گونه ای که نشانه ای برای ظهور باشد.

حدیث: خداوند مردی از ما اهل بیت را برای امت محمد صلی الله علیه و آله آماده ساخته

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «ای ابا محمد! امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، تا زمانی که فرزندان بنی فلان حکومتی دارند، با فرجی مواجه نخواهند شد، تا آنکه حکومت آنها منقضی شود. چون پایان یابد، خداوند مردی از ما اهل بیت را که بر اساس تقوی سلوک،

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و به هدایت عمل می‌کند، و در حکم رشوه نمی‌ستاند، برای امت محمد ﷺ می‌فرستد، به خدا قسم من او را به نام خود و پدرش می‌شناسم.

سپس آنکه درشت گردن است، و خال و دو شامه^۱ دارد، به سراغ ما می‌آید، رهبر عادل و حافظ آنچه نزد او به ودیعه نهاده‌اند، زمین را از عدل و داد می‌آکند، همانسان که فاجران از ستم و جور آکنده‌اند.»

این، حدیثی است جالب توجه ولی ناقص، علامه‌ی مجلسی رحمته‌الله آن را از اقبال الاعمال سید بن طاووس رحمته‌الله نقل می‌کند. ایشان خود در اقبال / ۵۹۹ می‌نویسد که در سال ششصد و شصت و دو از کتاب الملاحم بطائنی نقل می‌کند، ولی ناقص نقل می‌کند.

بطائنی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام است. کتاب ملاحم وی مفقود می‌باشد. حدیث او دلالت بر این دارد که شخصی از ذریه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام پیش از ظهور به حکومت می‌رسد و عرصه را برای امام مهدی علیه‌السلام فراهم می‌سازد.

بنی فلان در این حدیث، لزوماً بنی عباس نیستند - آنگونه که ابن طاووس فهمیده است -، به مانند طائفه‌ای دیگر از روایات که عبارت بنی فلان یا آل فلان را در بردارد، چرا که هم می‌تواند اشاره به بنی عباس باشد و هم حکومت‌های پیش از ظهور.

بنابراین روایاتی که از اختلاف بین آل فلان از حکام حجاز سخن می‌راند، و نیز اختلافی که میان قبائل حجاز در نزدیکی ظهور رخ می‌دهد، آخرین طائفه از حاکمان حجاز قبل از ظهور را نشانه رفته است.

از همین قبیل است روایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بحار الانوار ۵۲ / ۲۳۴: «آیا به شما از انتهای حکومت بنی فلان خبر ندهم؟ پاسخ مثبت دادیم و ایشان فرمودند: قتل ناروای شخصی از تیره‌ای از قریش در روز حرام و بلد حرام. قسم به آنکه دانه را شکافت و انسان را آفرید، آنان بعد از آن، تنها پانزده شب حکومت خواهند کرد.»

همچنین است روایات اختلاف بنی فلان، و هلاک آخرین حاکم آنان پیش از ظهور، که باید به

۱. در کتب لغت شامه به معنای خال آمده است، لکن در اینجا چنین نیست و خال و شامه هر کدام در یک معنا به کار رفته‌اند. ممکن است بگوییم دو گونه خال هستند. م

غیر بنی عباس تفسیر شود، زیرا این امور به ظهور اتصال دارد.

فرا تر آنکه در برخی از روایاتی که تصریح به بنی عباس شده است، ممکن است در واقع امام علیه السلام بنی فلان یا آل فلان فرموده باشند، ولی راوی چون تصور می کرده مقصود فرزندان عباس است، در روایت لفظ بنی عباس را آورده است.

البته بیان دیگری نیز هست، و آن اینکه بگوییم مراد خط و سیره ی بنی عباس در دشمنی با اهل بیت علیهم السلام است - که پیش از این نیز گذشت -، نه اشخاص آنها، چرا که تمامی دشمنی های با اهل بیت علیهم السلام پس از منصور عباسی بدو که مؤسس است رجوع می کند.

الفنوح ۲ / ۷۸ روایتی را از حضرت امیر علیه السلام نقل می کند که در آن خراسان ستوده و فتح آن بر دستان حضرت مهدی علیه السلام عنوان شده است. اموری نیز پیرامون بخارا، خوارزم، چچن، بلخ، طالقان، ترمذ، اشجریه، سرخس، یاسوج، گرگان، قومس، سمنان، طبرستان و دیگر مناطق ذکر شده است، علاوه بر آنکه ستایش برخی از این مناطق و ذم بعضی دیگر را نیز در بردارد.^۱ لکن آثار وضع بر آن ظاهر می باشد. علاوه بر آنکه نمی توان آن را بر حرکت ظهور امام علیه السلام تطبیق نمود، زیرا ممکن است در مورد اموری باشد که پیشتر رخ داده است.

درگیری داخلی ایران در سال ظهور

در احادیث آمده که در سال ظهور نزاعی داخلی در ایران، و میان یاران امام علیه السلام و کسانی که خوش ندارند دیار خود را تسلیم کنند، در می گیرد.

روایات صحیح سخن از قیام انصار امام علیه السلام در ایران دارند، قیامی گسترده که به نهضتی می ماند، و اینکه اینان بر مخالفان خود غالب می شوند.

غیبت نعمانی / ۲۷۳ از ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام: «گویا قومی را می بینم که در مشرق خروج کرده اند و حق را می طلبند ولی به آنان داده نمی شود. سپس [دیگر بار] آن را طلب می کنند ولی به آنها نمی دهند. چون چنین بینند شمشیرهایشان را بر شانه ها بگذارند، پس آنچه را خواسته بودند به آنها بدهند ولی نپذیرند تا آنکه قیام کنند، و آن را جز به

۱. و نیز رک به البیان گنجی / ۴۹۱، عقد الدرر / ۱۲۲، جمع الجوامع / ۲ / ۱۰۴، اثبات الهداة / ۳ / ۵۹۹ و بحار الانوار / ۵۱ / ۸۷

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

صاحب‌تان ندهند، کشته‌های آنها شهیدند.

بدان! اگر من آن [دوران] را درک می‌کردم، جانم را برای صاحب این امرنگاه می‌داشتم.»
در برخی دیگر آمده که افرادی از یاران ایشان در آذربایجان، خراسان و دیگر مناطق خروج می‌کنند، همان / ۱۹۴ و ۲۶۳ از ابوبصیر از امام صادق از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «ناگزیر رخدادی در آذربایجان به وقوع می‌پیوندد که چیزی جلودار آن نیست. چون رخ داد فرش‌های خانه‌هایتان باشید و تا زمانی که ما حرکتی نکرده‌ایم حرکتی نکنید. هنگامی که حرکت کننده‌ی ما حرکت کرد، اگرچه چهار دست و پا به سویش بشتابید. به خدا قسم گویا او را بین رکن و مقام می‌بینم که با مردم بنابر کتاب جدید بیعت می‌کند، بر عرب سختگیر است. در ادامه فرمودند: وای بر تجاوزگران عرب از شری که نزدیک شده است.»

این حدیث بر حرکتی عظیم در آذربایجان در سال ظهور دلالت دارد، و به دنبال آن کسی به امر امام علیه السلام و یا خود ایشان به پا خواهد خواست که در فصل ترکان خواهد آمد.

علاوه بر این شخص، فردی در خراسان و نیز فردی از اهل بیت علیهم السلام در گیلان قیام خواهند کرد، غیبت نعمانی / ۲۷۴ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی اموری که پس از خود تا قیام قائم واقع می‌شود مطالبی فرمودند، امام حسین علیه السلام عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! چه زمانی خدا زمین را از ستمگران پاک خواهد ساخت؟ ایشان فرمودند: خداوند زمین را از ظالمان پاک نمی‌کند تا آنکه خون حرام ریخته شود. آنگاه جریان بنی امیه و بنی عباس را در سخنی طولانی ذکر کردند، سپس فرمودند: آن هنگام که قیام کننده [ای] در خراسان قیام کند و بر کوفان و ملتان غالب شود و از جزیره‌ی بنی کاوان بگذرد، و قائمی از ما در گیلان قیام نماید و آبر و دیلمان^۱ او را اجابت کنند...»

این سه نفر که یکی در آذربایجان، یکی در خراسان و سومی در گیلان به پا می‌خیزند به هم مرتبط می‌باشند، مردم را برای یاری امام علیه السلام فرا می‌خوانند، عمل آنها توسط وزیر ایشان یمانی رهبری می‌شود، البته ممکن است مستقیماً از خود امام خط بگیرند، زیرا ایشان در آن برهه ظهور کرده ولی هنوز مخفی می‌باشد.

۱. در فصل هفدهم، توضیحی درباره‌ی مناطق عنوان شده در این روایت، در پاورقی گذشت.

فصل بیست و چهارم

یمنی‌ها

یمنی‌ها و ظهور حضرت مهدی
عجل الله تعالی فرجه الشریف

ستایش یمنی ها در منابع مسلمین

همگان مدح یمنی ها بر زبان پیامبر ﷺ و در روایات صحیح را نقل کرده اند، یکی از مشهورترین آنها این است: صحیح مسلم ۱۰۰۵/۲ و مسند احمد ۴۵۷/۲ از ابوهریره از رسول خدا ﷺ روایت می کنند: «ایمان یمنی است، کفر از سمت مشرق می آید، آرامش در میان گوسفندداران است، ریا و فخر فروشی در کسانی است که در میان چارپایان و زمین هایشان فریاد می زنند، صاحبان شتر و اسب.»

کافی ۶۹/۸ از امام باقر علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل می کند که در ضمن حدیثی فرمودند: «بلکه مردان اهل یمن برترند، ایمان و حکمت یمنی هستند، و اگر هجرت نمی کردم مردی از اهل یمن می بودم. جفا و سخت دلی در میان کسانی است که در میان چارپایان و زمین هایشان فریاد می زنند، صاحبان شتر.»

کمال الدین ۵۴۱/۲ از حضرت علی از رسول خدا ﷺ نقل می کند: «کسی که اهل یمن را دوست دارد، مرا دوست داشته، و هر که آنان را دشمن دارد، مرا دشمن داشته است.»

غیبت نعمانی ۳۹/ از جابر روایت می کند: «اهل یمن با رویی گشاده حضور رسول خدا ﷺ رسیدند، چون وارد شدند، حضرت فرمودند: گروهی با دل های نرم و ایمانی راسخ، منصور که با هفتاد هزار تن خروج می کند از آنهاست، او جانشین من و جانشین وصی مرا یاری خواهد کرد، بند شمشیرشان از لیف است.»

آنچه به بحث ما مربوط می شود نقش آنان در دوران ظهور است. در منابع ما روایاتی وارد شده که به یمانی که ناصر و وزیر امام علیه السلام است بشارت می دهد، و بیان می کند که وی در صنعاء ظاهر می گردد.

اما در منابع اهل سنت حدیثی در نکوهش وی آمده است، و ده ها سخن معارض با یکدیگر، از جمله آنکه در برخی سخن از ظهور یمانی پیش از امام علیه السلام است و در بعضی دیگر پس از ایشان! این امر دلالت می کند که قریشیان بر روایات و منابع آنان سیطره و احاطه داشته اند. آنان از نقل هر روایتی که سخن از رهبری قحطانی^۱ به میان آرد منع می کردند، چرا که سیادت قریش بر عرب را

۱. قحطان نام جد یمنی هاست.

در مخاطره قرار می دهد!

بخاری هم نقل می کند که چگونه معاویه بر عبد الله بن عمرو عاص غضب و او را بر منبر توبیخ کرد، به علت آنکه از پیامبر ﷺ نقل کرد که رهبری قحطانی [و غیر قرشی] به حکومت خواهد رسید! البته این گزارش از بی دقتی و بی غیرتی پسر عمرو عاص نسبت به قریش نیز پرده برمی دارد! وی در صحیح خود ۴/ ۱۵۵ و ۸/ ۱۰۵ می نویسد: «محمد بن جبیر بن مطعم می گفت: به معاویه - در حالی که گروهی از قریش مهمان او بودند - خبر رسید که عبد الله بن عمرو عاص سخن از به قدرت رسیدن حاکمی قحطانی در آینده می راند، وی با شنیدن این مطلب غضب کرد و برخاسته سخنرانی کرد، خدا را به آنچه شایسته است ثنا گفت و افزود: به من خبر رسیده که مردانی از شما سخنانی می گویند که نه در کتاب خداست و نه از پیامبر به جای مانده است، آنها نادانان شمایند!

از آرزوهایی که آرزومندان را به گمراهی می کشاند، اجتناب کنید، زیرا من از پیامبر ﷺ شنیدم: این امر در میان قریش خواهد بود، احدی با آنان دشمنی نخواهد کرد مگر آنکه خداوند او را بر صورت خواهد افکند، تا زمانی که آنان دین را به پا دارند.»

با این حساب علت فقدان احادیث یمانی را درمی یابیم، چنانکه در کتب سنیان اثری از آن یافت نمی شود!

اما به نظر می رسد این روایات در قرن اول نزد مسلمانان به طور شفاهی معروف بوده است، و نیز اینکه نام یمانی سه حرفی است، مسعودی در التنبیه و الاشراف / ۲۷۲ درباره ی قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث نقل می کند: «وقتی پیروان او زیاد شدند و بسیاری از اهل عراق، رؤساء، قاریان و عابدان آن هنگامی که وی به نزدیکی آن رسید، بدو ملحق شدند، بیعت عبد الملک بن مروان را از گردن خود گسست - و این امر در اصطخر فارس رخ داد -، مردم نیز همین کار را کردند، و او خود را ناصر المؤمنین نامید.

به او گفتند قحطانی که یمنی ها انتظارش را می کشند، و پادشاهی را به میان آنان باز خواهد گرداند توهستی، کسی از او پرسید: نام قحطانی سه حرفی است، او در پاسخ گفت: نام من عبد است، و رحمن در نام من نیست.»!

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عیسی

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

احتمال می‌رود که نام معروف یمانی نزد آنها حسن بوده است، چنانکه گزارش شده است. یگانه حدیث آنها پیرامون یمانی آن است که بخاری آورده، وی در صحیح خود ۴/ ۱۵۹ از ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «قیامت به پا نخواهد شد تا آنکه مردی از قحطان خروج کند که با عصای خود مردم را سوق می‌دهد.»

بنابراین در پنداران، وی باید مردی خشن باشد که مردمان را با عصا می‌راند، و ظهورش تا نزدیکی‌های قیامت به تأخیر می‌افتد!

لذاست که می‌بینیم مسلم و احمد بن حنبل آن را پس از حبشی که کعبه و مکه را خراب می‌کند می‌آورند، مسند احمد ۲/ ۴۱۷ از ابوهریره از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «ذوالسویقتین از حبشه، خانه‌ی خدای عزوجل را ویران می‌کند. قیامت برپا نخواهد شد تا آنکه مردی از قحطان خروج کند که با عصای خود مردم را سوق می‌دهد.»!

ابن حجر در فتح الباری ۶/ ۳۹۷ به شرح این عبارت می‌پردازد: «نام قحطانی برایم معلوم نشد. قرطبی احتمال داده نام او جهجاه باشد که در صحیح مسلم در طریقی دیگر از ابوهریره آمده است...»

این سخن: او مردم را با عصایش سوق می‌دهد، کنایه از پادشاه است و در این گفتار به چوپان و مردم به گوسفندان تشبیه شده‌اند...

نعیم بن حماد در الفتن از طریق ارطاة بن منذر شامی تابعی روایت کرده است: قحطانی بعد از مهدی خروج، و بسان او رفتار خواهد کرد.

هموبه نحو مرفوع روایت می‌کند: پس از مهدی قحطانی خواهد آمد، قسم به آنکه مرا به حق مبعوث کرد او چیزی از مهدی کم ندارد... اگر این سخن درست باشد، او در زمان عیسی بن مریم است...

در اینجا اشکالی پیش می‌آید: اگر او در زمان عیسی باشد، چگونه مردم را با عصای خود می‌راند، و حال آنکه عیسی خود رهبری را بر عهده خواهد داشت؟

و جواب این است که ممکن است عیسی او را در امور مهم نائب خود قرار دهد.»

همان ۱۳ / ۶۷ می‌گوید: «مقصود از عصا، عصای حقیقی نیست، ولی [هرچه باشد] به خشونت و ستم او بر مردم اشاره دارد.

قاضی عیاض گوید: برخی گفته‌اند: او به طور حقیقی با عصا آنان را می‌راند، همان گونه که شترو چارپا را می‌راند، و این کار به جهت سختگیری و تجاوزکاری اوست... مسلم حدیث قحطانی را بعد از حدیث تخریب کعبه توسط ذوالسویقتین آورده است و شاید به همین شدت او اشاره دارد!

ابن بطلال از مهلب نقل می‌کند: قحطانی که قیام کند - در حالی که نه از خاندان نبوت است، و نه از قریش که خداوند خلافت را در آنان قرار داده است - این از بزرگترین دگرگونی‌های زمان و تغییر یافتن احکام خواهد بود، که شخصی در دین اطاعت شود که اهلیت آن را ندارد.»

همان ۱۳ / ۱۰۲ می‌نویسد: «این سخن: پادشاهی از قحطان خواهد آمد، من عین عبارت حدیث عبد الله بن عمرو عاص را نیافتم... او آن را در باب «تغییر یافتن زمان تا جایی که بت‌ها عبادت شوند» آورده است، و این اشاره دارد به اینکه این پادشاه در آخرالزمان و به هنگام از میان رفتن اهل ایمان، و بازگشت بسیاری به عبادت بتان خواهد بود. اینانند که شرار مردم، و کسانی که قیامت بر آنها به پا می‌شود تعبیر می‌شوند...

حال اگر حدیث عبد الله بن عمرو مرفوع و موافق حدیث ابوهریره بوده است، معنا ندارد معاویه آن را انکار کند، اما اگر مرفوع نبوده و عبارتی زائد در آن وجود داشته که چنین می‌فهمانده که قحطانی در اوائل اسلام خروج می‌کند، معاویه در این انکار معذور است.!»
می‌بینیم که چگونه شارحان دچار خبط شده‌اند، علت آن هم این است که قحطانی - همان که رسول خدا ﷺ بدو بشارت داده بودند - خوشایند قریش نبوده، لذا احادیث پیرامون آن را مخفی داشته‌اند. بلکه او را نکوهش کرده و به آخر دنیا مربوط دانستند. فراتر آنکه ابن حجر او را ظالمی طغیانگر معرفی می‌کند، البته ظلم او را برگردن حضرت عیسیٰ ﷺ می‌اندازد، زیرا او را کارگزار ایشان معرفی می‌کند!

همان گونه که فراموش کرده حضرت مهدی ﷺ زمین را از عدل آکنده می‌سازد، پس چگونه

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ظالمی او را همراهی خواهد نمود!

در منابع اهل سنت با انواع زیاده گویی و مذمت نسبت به یمانی و عذر آوری برای معاویه مواجه می شویم. آنان توبه ی پسر عمرو عاص از نقل بشارت نبوی را نیز نقل کرده اند، توبه ای که وی در آن یمانی را قریشی می انگارد: «ای گروه یمن! شما بر این باورید که منصور از شماست، قسم به کسی که جانم در دست اوست پدر او قریشی است، و اگر بخواهم نام او را تا بالاترین جدش خواهم گفتم.»^۱

کعب الاحبار نیز وارد میدان شد و بر حضرت علی علیه السلام دروغ بست، الفتن ۱/ ۳۸۲ و ۲/ ۵۰۴ از تبیع از کعب نقل می کند: «حضرت علی علیه السلام فرمود: بردستان یمانی نبرد کوچک عکارخ خواهد داد، این زمانی است که پنجمین تن از خاندان هرقل به حکومت رسد... کعب گوید: پس یمانی ظاهر می شود و قریشیان را در بیت المقدس به قتل می رساند، و بر دست اوست که جنگ ها واقع می گردد.»

ابن حماد گزارشات متعددی از کعب نقل می کند، روایاتی که بیانگر آن است که یمانی پس از مهدی است. برخی او را می ستایند و می گوید: او طبق روش برادرش مهدی سلوک می کند و بر دستانش روم فتح می شود. بعضی دیگر سخن از درگیری میان قیسیان و یمنی ها، و بر سر کار آمدن والیانی غیر صالح می گوید، و در آخر آن آمده است: مردی از مضر عهده دار حکومت می شود. او صالحان را به هلاکت می رساند. شوم است و ملعون. آنگاه عمانی قحطانی به حکومت می رسد و به سیره ی برادرش مهدی رفتار می کند، روم نیز بر دست او فتح می گردد.

در برخی دیگر هم آمده که وی پس از مهدی به عنوان خلیفه ای از اهالی یمن از قحطان ظاهر می شود، در دین برادر مهدی است، بر طبق رفتار او سیر می کند، و اوست که روم را فتح می کند و غنائم آن را به دست می آورد.^۲

البته کعب الاحبار نیز به مانند پسر عمرو عاص توبه کرد، الفتن ۱۰۳ و ۱۰۹ از او روایت می کند: «مهدی تنها از قریش است، و خلافت فقط در آنهاست، جز آنکه وی اصل و نسبی در

۱. الفتن ۱/ ۱۲۵ و الحاوی ۲/ ۷۹

۲. این عبارات در کتاب هایی چون الحاوی، کنز العمال، البدء و التاریخ، خریده العجائب، فتح الباری و العطر الوردی آمده است.

یمن دارد.»!

گفتار را در بیان اقوال دروغ اینان پیرامون قحطانی، و اینکه او را پادشاهی فاسد پس از مهدی عجل الله تعالی فرجه له قرار داده و پس از هجوم حبشه به مکه و ویران ساختن کعبه عنوان کرده اند، طول نمی دهیم. خرافات کعب فصلی کامل از فتن ابن حماد را به خود اختصاص داده است، و قسمتی از آن در فصل آنچه بعد از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له واقع خواهد شد، آوردیم.

مشکل این نویسندگان آن است که بدعت ها و افسانه سرایی های یهود را می پذیرند، در حالی که خوب می دانند وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً^۱، و ایشان در این باره معرفتی ندارند، جز گمان را پیروی نمی کنند، و همانا گمان هرگز از حقیقت بی نیاز نمی کند.

یمانی در احادیث اهل بیت علیهم السلام

درباره ی یمانی موعود که زمینه ساز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له است، احادیثی چند - که برخی هم صحیح السند است - از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رسیده است. این احادیث بر حتمی بودن ظهور وی تأکید می کند و بیرق او را بیرق هدایت - بلکه هدایتگرترین بیرق - که به سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له فرا خوانده ایشان را یاری می نماید قلمداد می کند، و از لزوم یاری او سخن گفته زمان آن را در رجب می داند، یعنی چند ماه پیش از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه له.

پیشتر گذشت که سفیانی و یمانی از وعده های حتمی خداوند هستند، کافی ۸ / ۳۱۰ از عمر بن حنظله نقل می کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه له شنیدم که فرمودند: پنج نشانه قبل از قیام قائم خواهد بود؛ فریاد، سفیانی، فرو رفتن زمین، کشته شدن نفس زکیه و یمانی.»

غیبت نعمانی / ۲۵۲ از عبد الله بن سنان از امام صادق عجل الله تعالی فرجه له: «ندا از حتمیات است، سفیانی از حتمیات است، یمانی حتمی است، کشته شدن نفس زکیه از حتمیات است، و دستی که از آسمان ظاهر می شود حتمی است، و فرمودند: فریادی در ماه رمضان که خواب را بیدار می کند، بیدار را می ترساند، و دختر را از پرده بیرون می آورد.»

ارشاد ۲ / ۳۶۸ ذکر علائم قیام حضرت می نویسد: «آمدن بیرق هایی سیاه از سمت

۱. سوره ی نجم / ۲۸

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه له

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه له

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه له

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمانی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه له

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه له

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه له در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خراسان و خروج یمانی.»

غیبت نعمانی / ۳۰۵ از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «یمانی و سفیانی بسان دو اسب مسابقه‌اند.»

در احادیث ما تصریح شده که پرچم یمانی راستکارترین پرچم‌هاست، و در رجب خروج می‌کند، و همزمان با سفیانی است، غیبت نعمانی / ۲۵۳ با سند صحیح از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز بسان رشته‌ای مهره‌پیاپی خواهد بود، لذا از هر سو جنگ رخ خواهد داد. وای بر کسی که با آنان دشمنی کند. در میان این بیرق‌ها بیرقی هدایت‌گرتراز بیرق یمانی نیست، آن پرچم هدایت است زیرا به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند.»^۱

شیخ طوسی در امالی / ۶۶۱ روایت می‌کند: «زمانی که طالب الحق خروج کرد، به امام صادق علیه السلام گفتند: امیدواریم این یمانی باشد، ایشان فرمودند: نه، یمانی دوستدار حضرت علی علیه السلام است، ولی این، از آن حضرت بیزاری می‌جوید.»

طالب الحق لقب عبد الله بن یحیی‌کندی است که از خوارج اباضی بوده است. او در سال ۱۲۸ بر صنعاء و قسمت‌های دیگری از یمن سیطره یافت، و بر مکه و مدینه حمله کرد. سرانجام لشکر مروان حمار آخرین حاکم اموی در سال ۱۲۹ او را به هلاکت رساندند.^۲

ظاهر آن است که یمانی در ظهور حضرت مهدی علیه السلام نقش اساسی و مهمی دارد. این امر طبیعی است، زیرا او حاکم یمن، نماینده‌ی امام علیه السلام و سخنگوی رسمی به نام ایشان است، و بعد از آن در مقدمه‌ی ظهور، مکه را تحت سلطه در می‌آورد.

بعید به نظر نمی‌رسد که امام علیه السلام او را حاکم بر حجاز و خلیج گرداند، و لشکر نخست امام از یمنی‌ها و حجازیان تشکیل شود، و لذا نقشی اساسی در خلیج داشته باشند.

همان‌طور که احتمال می‌رود یمانی در عراق، شام و قدس نیز در کنار آن حضرت و خراسانیان و عراقیان به ایفای نقش بپردازد، اگرچه گزارش این موضوع خالی از اشکال نیست.

۱. ارشاد / ۳۶۰، غیبت شیخ طوسی / ۲۷۱ و الخرائج و الجرائع / ۳ / ۱۱۶۳

۲. تاریخ یعقوبی / ۲ / ۳۳۹، تاریخ طبری / ۶ / ۴۱ و التنبيه والاشراف / ۲۸۲

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ابن حماد درباره‌ی نقش آفرینی یمنیان در ایران و عراق و شام عبارتی می‌آورد، اما یا سخنان افرادی عادی است و یا گزارشاتی مرسل، و در هر صورت قابل اعتماد نخواهد بود، و ظاهراً بر طبق خیالات او و مطابق با فضای دوران اوست.

سؤالی در اینجا پیش می‌آید: چرا امام باقر عجل الله تعالی فرجه بیرق یمانی را هدایت‌گرتترین پرچم عنوان می‌کنند، حال آنکه بیرق خراسانی نیز به بیرق هدایت وصف شده است، و در آن شعیب بن صالح وجود دارد، همو که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه منصب فرماندهی لشکرا به او عطا می‌فرمایند، علاوه بر آنکه فضیلت سبقت در زمینه سازی برای آن حضرت را نیز حایزند و امر امام عجل الله تعالی فرجه با آنان آغاز می‌شود؟ پاسخ آن است که نهضت یمانی با خط دهی مستقیم امام عجل الله تعالی فرجه خواهد بود، یعنی او معتمد خاص ایشان است، امام باقر عجل الله تعالی فرجه می‌فرمایند: «در میان این بیرق‌ها بیرقی هدایت‌گرتراز بیرق یمانی نیست، آن پرچم هدایت است زیرا به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند. پس چون یمانی خروج کرد فروختن سلاح بر مردم و هر مسلمانی حرام می‌شود. هنگامی که یمانی خروج نمود به سوی او بشتاب که پرچم او پرچم هدایت است، و بر هیچ مسلمانی جایز نیست از آن روی برتابد. هرکه چنین کند از اهل آتش است، زیرا او به حق و راهی مستقیم دعوت می‌کند.»^۱

بنابر روایت عمار بن یاسر، یمانی در جنگ قرقیسیا نیز شرکت می‌کند، غیبت شیخ طوسی / ۲۷۸ از وی نقل می‌کند: «دولت اهل بیت پیامبرتان در آخرالزمان خواهد بود و نشانه‌هایی دارد، پس بنشینید و دست نگه دارید تا آنها آشکار شوند. آن هنگامی که روم و ترک بر شما بشورند و لشکرها آماده کنند...

اهل مغرب به سوی مصر خروج می‌کنند. به مصر که وارد شوند نشانه‌ی سفیانی خواهد بود. قبل از آن شخصی خروج و به آل محمد عجل الله تعالی فرجه دعوت می‌کند. ترکان در حیره و رومیان در فلسطین فرود می‌آیند. عبد الله بر عبد الله سبقت می‌گیرد تا آنکه لشکریان‌شان در قرقیسیا بر کنار رودخانه روبرو می‌شوند و جنگی عظیم رخ خواهد داد.

رئیس مغربیان می‌آید و مردان را کشته زنان را به اسارت می‌گیرد، سپس به یمن باز می‌گردد

۱. غیبت نعمانی / ۲۶۴

تا آنکه سفیانی در جزیره فرود آید و بریمانی سبقت گیرد. سفیانی هرآنچه را که آنان جمع کرده بودند تحت اختیار در می آورد.

او در ادامه به کوفه می آید و یاران آل محمد (علیهم السلام) را به قتل می رساند و مردی از همانان آنان را می کشد. آنگاه مهدی خروج می کند و پرچمدار وی شعیب بن صالح خواهد بود.»

الفتن / ۷۸ از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که قوای یمانی از صنعاء می آیند و در وقایع شام پیش از خروج سفیانی مشارکت می کنند: «چون ابقع با اقوامی درشت هیکل ظاهر شود، میان آنان نبردی سخت در می گیرد. سپس اخوص سفیانی ملعون آشکار می شود و با هر دو می جنگد و فائق می آید. منصور یمانی با لشکرهای خود از صنعاء به سوی آنان می آید و بسیار خشمگین است. او با اخوص مواجه می شود و بیرق هایشان زرد و جامه هایشان رنگین است، و جنگ سختی میانشان واقع می شود، و در نتیجه اخوص سفیانی بر او غالب می گردد.»

و نیز / ۵۹ از آن حضرت: «هنگامی که سفیانی بر ابقع و منصور یمانی غالب شود، ترک و روم خروج می کنند و سفیانی بر آنان نیز فائق می آید.»

لکن بر مرسلات ابن حماد و سخنان راویان وی نمی توان اعتماد نمود، اگر چه برخی را به اهل بیت (علیهم السلام) نسبت دهد، به جهت آنکه امور زائد و تصورات عصر خود را بر حرکت حضرت مهدی (علیه السلام) تطبیق داده اند.

قدر متیقن روایات آن است که یمانی در یمن و حجاز و خلیج نقش خواهد داشت.

شخصی مصری و یمنی همسو با سفیانی خروج می کنند

ظهور یمانی و سفیانی طبق احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، چند ماه قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) خواهد بود. روایتی با سند صحیح تصریح می کند که دو نفر که در خط و منهج سفیانی هستند، پیش از او خروج خواهند کرد، غیبت شیخ طوسی / ۲۷۱ از محمد بن مسلم روایت می کند: «قبل از سفیانی شخصی مصری و یمنی خروج خواهند کرد.»

البته زمان و مکان خروج این دو مشخص نیست، ولی مدت کمی قبل از سفیانی خواهند بود، و ممکن است بر ظواهری و بن لادن منطبق شود.

خمار چشم در صنعاء

غیبت نعمانی / ۲۷۷ از عبید بن زراره روایت می‌کند: «در حضور امام صادق علیه السلام سخن از سفیانی به میان آمد، ایشان فرمودند: چگونه او خارج شود، و حال آنکه خمار چشم در صنعاء خروج نکرده است؟»

این شخص اهل یمن است و برای دستیابی به قدرت خروج می‌کند، ولی نتیجه‌ای از پیش نمی‌برد.

به نظر می‌رسد این وصف رمزی باشد که معنایش به هنگام ظهور این شخص واضح می‌گردد.

گفته شده که نام یمانی، حسن یا حسین است

در سخنی بدون سند وارد شده که نام یمانی حسن یا حسین است و از نسل زید بن علی علیه السلام می‌باشد، در مشارق انوار الیقین / ۱۹۶ و در چاپی دیگر / ۲۴۶ آمده است: «سپس پادشاهی بسان پنبه سفید، از یمن از صنعاء و عدن خروج می‌کند. او حسین یا حسن نام دارد. با خروج او دریای فتنه از بین می‌رود. پس او که سیدی علوی است مبارک، پاک، هدایت‌گرو هدایت شده ظاهر می‌شود. مردم از منت خداوند - که آنان را هدایت نموده - که برای آنان آورده است مسرور می‌گردند. با نور خود ظلمت را برطرف می‌کند، و حق پس از مخفی بودن، به دست او آشکار می‌شود. او ثروت‌ها را به طور مساوی میان مردم تقسیم می‌کند. شمشیر را درون غلاف می‌کند، پس دیگر خونی ریخته نمی‌شود. مردم در شادمانی و آرامش زندگی خواهند کرد. با آب عدل خویش چشمه‌ی روزگار را از آلودگی پاک می‌سازد، و حق را به اهالی سرزمین‌ها باز می‌گرداند.»

این عبارت همان گونه که مشاهده می‌شود سخنی مسجّع است از قائل‌ی مجهول، البته ممکن است گوینده آن را از روایتی برگرفته باشد!

در روایات ابن حماد و دیگران نیز مشابه آن یافت می‌شود.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

روایت: مهدی از کرعه ویمانی از یکتا خارج می شوند

گنجی شافعی در البیان / ۵۱۰ از عبد الله بن عمر روایت می کند: «رسول خدا ﷺ فرمودند: مهدی از منطقه ای در یمن که کرعه گفته می شود خروج می کند.

وی می افزاید: این حدیث حسن، و به گونه ای نیکو به دست ما رسیده است. ابوالشیخ اصفهانی در عوالی آن را - همانسان که نقل کردیم - آورده و ابونعیم نیز در مناقب المهدی ذکر کرده است.»^۱

کفایة الاثر / ۱۴۷ به سه طریق از اصبح بن نباته، شریح بن هانی بن شریح و عبدالرحمن بن ابی لیلی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کند: «نزد پیامبر ﷺ در خانه ی ام سلمه بودم که جماعتی از اصحاب ایشان، از جمله سلمان، ابوذر، مقداد و عبدالرحمن بن عوف آمدند، سلمان گفت: یا رسول الله! هر پیامبری وصی و دو سبط دارد، وصی و دو سبط شما کیانند؟ ایشان مدتی سربه زیر انداختند، بعد فرمودند...

پیامبر ﷺ در ادامه امامان از اهل بیت خود را معرفی کرده فرمودند: آنگاه آن مقدار که خدا بخواهد، امامشان از آنان غائب می شود. برای او دو غیبت خواهد بود، که یکی طولانی تر از دیگری است. پس به ما رو کردند و با صدایی بلند فرمودند: بر حذر باشید از زمانی که پنجمین فرزند از فرزندان هفتمین فرزند من مفقود شود! حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: عرض کردم: ای رسول خدا! حال او در زمان غیبت، چگونه است؟ فرمود: صبر می کند تا آنکه خدا به او اجازه ی خروج بدهد. آنگاه از منطقه ای به نام اکرعه در یمن خروج می کند، و این در حالی است که ابری بر سرش سایه انداخته، زره مرا پوشیده و شمشیرم ذوالفقار را حمایل کرده است و منادی ندا می کند: این مهدی خلیفه ی خداست، از او پیروی کنید. او زمین را پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ستم و بیداد پر شده است.

این زمانی خواهد بود که دنیا گرفتار فتنه و آشوب شده مردم به غارت یکدیگر می پردازند. نه بزرگ به کوچک رحم می کند و نه قوی بر ضعیف، در این هنگام است که خدا به او اجازه ی قیام می دهد.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

۱. و نیز معجم البلدان ۴ / ۴۵۲، الاربعون البلدانیة ۴ / ۴۵۲ و الفصول المهمة ۲۹۵ / ۱.

الفتن ۱ / ۳۸۱ درباره‌ی یمنی می‌نویسد: «او از منطقه‌ای به نام یکلا که یک مرحله از صنعاء فاصله دارد خروج می‌کند. پدرش قریشی است و مادرش یمنی.»

امری مسلم است که حضرت مهدی علیه السلام از مکه و مسجد الحرام خروج می‌کنند، لذا روایت کرعه یا یکلا قابل قبول نیست، مگر آنکه مقصود حرکت یمنی وزیر از آنجا باشد، مثل روایتی که بیان می‌کند و گذشت که امر حضرت مهدی علیه السلام از مشرق آغاز می‌گردد.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نبرد قدس

فلسطین و نبرد قدس در عصر ظهور

اوصاف آخرین فتنه پیش از ظهور

بیشتر گذشت که ظهور امام علیه السلام در پی فتنه‌ای خواهد بود، المعجم الاوسط ۳۳۸/ ۵ از طلحه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «فتنه‌ای به وقوع خواهد پیوست که یک طرف آن آرام نمی‌شود مگر جانب دیگر آن به جوش می‌آید، تا آنکه منادی از آسمان ندا در دهد: امیرتان فالانی است.»

المستدرک ۴/ ۵۵۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند و صحیح می‌شمارد: «فتنه‌ای رخ خواهد نمود که مردم - آنچنان که طلادر معدن به دست می‌آید - از آن جان سالم به در می‌برند، پس اهل شام را ناسزا نگوئید، ظالمان آنان را ناسزا گوئید، زیرا ابدال در میان آنهایند. خداوند بر آنان بارانی از آسمان خواهد فرستاد که آنها را پراکنده خواهد کرد، تا جایی که اگر رویاهان با آنان پیکار کنند پیروز می‌شوند. در آن هنگام خدا مردی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را در میان دوازده هزار نفر می‌فرستد. پیروان هفت پرچم با آنها به جنگ می‌پردازند. هیچ صاحب پرچمی نیست جز آنکه طمع در حکومت دارد. آنها می‌جنگند و شکست می‌خورند. سپس هاشمی ظاهر می‌شود و خداوند الفت و نعمت مردم را به آنان باز خواهد گرداند. آنان در این حالت به سر می‌برند تا دجال خروج کند.»^۱

الفتن ۱/ ۵۷ از ابوسعید خدری آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پس از من فتنه‌هایی که یکی از آنها احلاس است، رخ می‌دهد که در آن می‌گیرزند و خانواده و مال خود را از دست می‌دهند. سپس، فتنه‌هایی سخت تر از آن به وقوع می‌پیوندد. آنگاه فتنه‌ای رخ می‌دهد که هرگاه بگویند به پایان رسید، امتداد می‌یابد و چنان پیش می‌رود که خانه‌ای نمی‌ماند مگر در آن وارد می‌شود، و مسلمانی نمی‌ماند مگر آنکه براو سیلی می‌زند، تا آنکه مردی از عترت من قیام نماید.»

عبدالرزاق در المصنف ۱۱/ ۳۶۱ روایت می‌کند: «فتنه‌ای در شام رخ می‌نماید که ابتدای آن گویا بازی کودکان است، از یک سو روی می‌آورد و از سوی آرام می‌گردد. پایان نمی‌یابد تا آنکه منادی ندا کند: امیر فالانی است.»

۱. المعجم الاوسط ۱/ ۲۵۳، تهذیب ابن عساکر ۱/ ۷۲ و مجمع الزوائد ۷/ ۳۱۷.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

الفتن ۱/ ۵۶ و ۲۳۸ از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله: «پس از من چهار فتنه به سراغ شما می‌آید؛ در اولی خون‌ها حلال شمرده می‌شود، در دومی خون‌ها و اموال را حلال می‌شمزند، در سومی خون‌ها، اموال و فروج حلال شمرده می‌گردد، چهارمین فتنه، رمیده و سخت و فراگیر است و همچون موج دریا، به تلاطم در می‌آید، به گونه‌ای که هیچ یک از مردم، پناهگاهی در مقابل آن نمی‌یابد.

آن فتنه، برگرد شام می‌گردد، عراق را در بر می‌گیرد و جزیره را با دست و پایش، در هم می‌کوبد، و امت در آن، در بلا به مانند پوست ساییده می‌شوند. آنگاه هیچ یک از مردم نمی‌تواند بگوید بس است، بس است. آن را از هیچ نقطه‌ای محو نمی‌کنند مگر آنکه از ناحیه‌ای دیگر سرباز می‌کند... شخص در آن صبح مؤمن است ولی شب کافر، تنها کسی از آن نجات می‌یابد که دعای غرقه در دریا را بخواند. دوازده سال ادامه می‌یابد. هنگامی که از میان می‌رود، فرات از کوهی از طلا پرده بر می‌دارد. آنان بر سر آن می‌جنگند تا آنکه از هر نه تن، هفت نفر کشته شوند.»

همان ۱/ ۲۳۸: «هنگامی که فتنه‌ی فلسطین رخ دهد، بسان آب در مشک در شام می‌گردد. آنگاه در حالی که شما اندک و پشیمانید، از بین می‌رود.»

نگارنده: اگر این گزارش‌ها صحیح باشد، ممکن است از فتنه‌هایی سخن گوید که در گذشته رخ داده است. مطلب مهم آن است که بر استمرار این فتنه‌ها تا ظهور دلالت دارد.

سفیانی فلسطین و مناطق پنجگانه را تحت سیطره در می‌آورد

غیبت نعمانی / ۳۰۴ از هشام بن سالم از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «هنگامی که سفیانی بر مناطق پنجگانه سلطه یافت نه ماه برایش حساب کنید.

هشام بر این باور است که مناطق پنجگانه، دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب است.» در روایت کمال الدین ۲/ ۶۵۱ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه این مناطق پنجگانه توسط خود امام عجل الله تعالی فرجه تفسیر شده است، عبد الله بن ابی منصور بجلی روایت می‌کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی نام سفیانی پرسیدم، ایشان فرمودند: با نام او چه کار داری؟ زمانی که مناطق پنجگانه‌ی

شام - دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین - را تحت سیطره در آورد، آن هنگام منتظر فرج باشید، عرضه داشتیم: آیا نه ماه حکومت می کند؟ فرمودند: نه، ولی هشت ماه حکومت خواهد داشت، و نه یک روز بیشتر.»

این احادیث دلالت دارد که حکومت سفیانی شامل سوریه، اردن و فلسطین و یا قسمت هایی از آن می شود.

سلطه بر اردن ممکن است از راه قیام ناصبیان پیرو سفیانی باشد. فلسطین هم از سوی یهودیان بدو سپرده می شود تا اهالی آن را ساکت کند.

گزارش: بیرق های خراسان به سوی قدس

المعجم الاوسط ۴ / ۳۲۳ از ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل می کند: «پرچم هایی سیاه از خراسان خارج می شوند، چیزی آنها را باز نمی گرداند تا آنکه در ایلایاء نصب شوند.»

سنن ترمذی ۳ / ۳۶۲، مسند احمد، ابن کثیر در نهایه، بیهقی در دلائل و دیگران آورده اند، ابن صدیق مغربی نیز در ردّ بر ابن خلدون آن را صحیح می شمارد.

الفتن ۱ / ۳۱۲ روایت می کند: «پرچمدار مهدی پسری است با سنّ کم، ریش اندک و زرد پوست، اگر با کوه ها بجنگد آنها را منهدم می سازد، تا آنکه در ایلایا فرود آید.»

در مصادر ما مشابه آن در الملاحم و الفتن ۴۳ / ۵۸ و ۱۲۱ نقل شده که احتمال می رود قسمتی از روایت پیشین باشد، زیرا از لشکری سخن می راند که از ایران به ایلایا یعنی قدس می آید.

برخی احتمال می دهند این حمله پیش از ظهور باشد، ولی صحیح نیست، زیرا فرماندهی آن شعیب بن صالح، فرماندهی لشکر حضرت در حمله ی آزاد سازی شام و فلسطین است.

علاوه بر آنکه این گزارش به گزارشاتی که حول نهضت ابومسلم خراسانی است می ماند، لذا نمی توان بدان اعتماد کرد.

ورود روم به عراق و فلسطین

غیبت شیخ طوسی ۳۷۸ / از عمار نقل می کند که ترکان در عراق فرود می آیند و رومیان در رمله:

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

«ترک در حیره فرود می آید و روم در فلسطین، عبد الله بر عبد الله سبقت می گیرد تا آنکه لشکریانشان در قرقیسیا در کنار نهر با هم مواجه شوند و نبردی سخت رخ دهد.»

سخن در این روایت از جنگ قرقیسیاست که در سال ظهور به وقوع می پیوندد، ولی به جزئیاتی که در آن آمده نمی توان اعتماد نمود، زیرا سند آن تمام نیست.

نبرد موعود دمشق و قدس

این، بعد از جنگ های کوچک در عراق و حجاز، بزرگترین معرکه در مرحله ی نخست ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است. طرف مقابل آن هم سفیانی حاکم سوریه و ثقل نبرد در دمشق است، و محور آن دمشق، طبریه^۱ و قدس هستند.

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سفیانی فائق آمده و با فتح و پیروزی وارد سرزمین قدس می شوند.

سفیانی گویا خط دفاع یهودیان است، لذا پیروزی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بروی، پیروزی بر یهود خواهد بود.

در روایت آمده که ویرانی در دمشق بسیار خواهد بود، معانی الاخبار / ۴۰۶ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت می کند: «در مصر منبری بنا خواهم کرد، سنگ سنگ دمشق را ویران خواهم ساخت، یهود را از تمام مناطق عرب بیرون خواهم نمود و با این عصای خود عرب را می رانم.

در این هنگام راوی که عبایه ی اسدی است گفت: یا امیرالمؤمنین! گویا خبر از آن می دهید که بعد از مرگ زنده خواهید شد، ایشان فرمودند: هیهات، ای عبایه! اشتباه فهمیدی، مردی از من این کارها را انجام می دهد، یعنی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».

جنگ بعدی که بزرگترین نبرد است با روم خواهد بود، و هفت سال پس از جنگ قبلی است. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از نبرد قدس، پیمان صلحی ده ساله با روم می بندند، ولی رومیان بعد از هفت سال آن را نقض کرده، لشکرهايشان را در منطقه گرد می آورند و این جنگ عظیم به وقوع می پیوندد، نبردی گسترده که به جنگی جهانی می ماند.

سنن الدانی / ۱۰۰ از ابو سعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند: «مردی از اتمم خروج می کند

۱. منطقه ای بین دمشق و قدس

که به سَنَتَم عمل می نماید. خدا از آسمان برایش برکت را فرو می فرستد و زمین برکاتش را برای وی بیرون می دهد. او زمین را پراز عدالت می کند، چنان که از ستم آکنده شده است. هفت سال بر این امت حکومت، و در بیت المقدس سکونت می کند.^۱

باید این هفت سال را بر مدت آتش بس با روم پیش از نقض آن حمل نمود.

العطر الوردی / ۶۴ از حدیفه: «در میان رکن و مقام با مهدی بیعت می کنند. او روانه ی شام می شود، در حالی که جبرئیل پیش قراول و میکائیل بردنباله ی لشکر است. اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات وحشی و ماهیان دریا بدو خرسند می شوند.»

الفتن ۱ / ۳۴۹ از حضرت علی علیه السلام: «مهدی می رود تا آنکه در بیت المقدس فرود آید. خرائن به نزد او منتقل می شود، و عرب، عجم، اهل حرب، روم و دیگران بدون نبرد تحت فرمان او در می آیند.»

نگارنده: مقصود پس از پیروزی در نبرد قدس است.

همو ۱ / ۳۴۷ حدود بیست گزارش تحت عنوان «خروج مهدی از مکه به بیت المقدس» نقل می کند.

در مصادر حدیثی ما احادیثی در این باره رسیده است، ابن وزیر غافقی از حضرت علی علیه السلام نقل می کند: «او در میان دوازده هزار تن - اگر کم باشند - و پانزده هزار نفر - اگر زیاد باشند - خروج می کند. هراس پیشاپیش او می رود. با هر دشمنی که روبرو شود، به اذن خدا او را شکست می دهد. شعارشان بمیران، بمیران است. در راه خدا به سرزنش هیچ سرزنشگری اعتنا نمی کنند. هفت بیرق از شام به مصاف آنها می روند، ولی همه را شکست داده قدرت را در دست می گیرد. پس از آن محبت و نعمت میان مسلمین باز می گردد و فاصله و بزاره باز می گردند و پس از آن تنها دجال خواهد بود.

گفتیم: فاصله و بزاره چیست؟ فرمود: او قدرت را به دست می گیرد و شخص می تواند بدون آنکه از چیزی بهراسد، سخن راند.»^۲

۱. المعجم الاوسط ۲ / ۱۵، عقد الدرر ۲۰ و ۱۵۶، المنار المنیف ۱۵۱، مجمع الزوائد ۷ / ۳۱۷ و الحاوی ۲ / ۶۲، مغربی ۵۲۴ نیز راویان آن را ثقة می داند.

۲. الملاحم و الفتن ۱۳۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

الملاحم و الفتن / ۲۹۶ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه در وصف این نبرد روایت می‌کند: «پس خداوند بر سفیانی غضب می‌کند، و خلق خدا به خاطر غضب او خشمگین می‌شوند. پرنده‌گان با بال‌ها، کوه‌ها با صخره‌ها و ملائکه با فریادشان آنان را می‌زنند.

ساعتی نخواهد گذشت مگر آنکه خدا تمام یاران سفیانی را هلاک کند، و در زمین تنها او باقی ماند. آنگاه مهدی او را می‌گیرد و زیر درختی که شاخه‌هایش آویخته، در کنار دریاچه‌ی طبریه ذبح خواهد کرد.»

در برخی روایات سخن از امداد غیبی مسلمین به میان آمده است: «آن روز صدایی از آسمان به گوش می‌رسد، منادی ندا می‌کند: اولیای خدا یاران فلان - مقصود مهدی است - هستند. آنگاه یاران سفیانی مغلوب و همه کشته می‌شوند، جز آنکه رانده شده است.»

ممکن است بعضی اشکال کنند که در منابع سنیان روایات در این باره بسیار است ولی با حرکت بنی عباس خلط شده، از این رو نمی‌توان اعتماد نمود، لکن این امر ضرری به اصل مطلب که روایات امامان عجل الله تعالی فرجه آن را تأیید می‌کند، و با حرکت امام عجل الله تعالی فرجه از مکه به عراق و بعد از آن به دمشق و قدس منسجم است، نمی‌رساند.

امام عجل الله تعالی فرجه در درّهی عذراء در نزدیکی دمشق اردو می‌زند

در حدیث طولانی جابر از امام باقر عجل الله تعالی فرجه پیشتر گذشت: «آنگاه به کوفه می‌آید و مدتی طولانی که خدا می‌خواهد در آن درنگ می‌کند تا بر آن غالب آید. سپس به همراه یارانش به عذراء می‌آید و این در حالی است که مردم بسیاری به او پیوسته‌اند. سفیانی در آن زمان در وادی رمله به سر می‌برد. دولشکر در روز ابدال با یکدیگر برخورد می‌کنند. مردمی از شیعیان آل محمد عجل الله تعالی فرجه که با سفیانی بوده‌اند، [از لشکراو] بیرون می‌آیند، و گروهی که با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند به سفیانی ملحق می‌گردند، و هرکسی به پرچم خود می‌پیوندد.

امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه می‌فرمایند: آن روز سفیانی و یارانش کشته می‌شوند به طوری که حتی خبررسانی از آنها باقی نمی‌ماند، و آن روز زیانکار کسی است که از غنیمت [بنی] کلب بهره‌ای نبرد.»

این روایت بر تأیید امام علیه السلام از سوی مردم دلالت دارد، زیرا بیان می‌کند که لشکرایشان بدون مقاومت مردم، وارد سوریه می‌شود.

خداوند سفیانی و نیز روم را بردستان امام علیه السلام شکست می‌دهد

الفتن ۱/ ۳۵۲ از عبد الله بن مسعود نقل می‌کند: «هفت تن از عالمان با مهدی بیعت می‌کنند. آنان از مناطق مختلف و بدون وعده‌ی قبلی به مکه می‌آیند. با هریک از آنها سیصد و بیست ازنه مرد بیعت کرده است. پس به مکه می‌آیند و بیعت می‌کنند، و خداوند محبت او را در سینه‌های مردم می‌افکند.

او با آنان به سوی کسانی که با لشکریان سفیانی بیعت کرده‌اند و مردی از جزم فرماندهی آنهاست می‌آید. از مکه خارج می‌شود و یارانش را آنجا می‌گذارد، و با ردایی در بر می‌آید و خود را به جرمی می‌رساند. او هم با مهدی بیعت می‌کند.

قبیله‌ی کلب او را بر این کار سرزنش می‌کنند. او نیز می‌آید و بیعتش را پس می‌گیرد. آنگاه برای جنگ با ایشان لشکرکشی می‌کند. مهدی آنها را شکست می‌دهد، و خدا روم را بردستان او شکست خواهد داد و فتنه‌ها را برطرف خواهد ساخت. او در شام فرود می‌آید.» همان ۱/ ۳۴۹ از حضرت علی علیه السلام: «وقتی سفیانی لشکری به سوی مهدی فرستد و در بیداء به زمین فرورود، و این خبر به اهل شام برسد، به خلیفه‌شان گویند: مهدی خروج کرده، با او بیعت کن و تحت فرمانش درآ، و گرنه تورا می‌کشیم!

او هم بیعت خود را ارسال می‌کند. مهدی می‌آید تا در بیت المقدس وارد شود. خزائن بدو منتقل شوند و عرب، عجم، اهل حرب، روم و دیگران بدون جنگ تحت فرمانش درآیند، تا آنکه در قسطنطنیه و جوار آن مساجد بنا شود.

پیش از او مردی از اهل بیتش با اهل مشرق خروج می‌کند. هشت ماه شمشیر را بر شانه بر می‌دارد، می‌کشد و مثله می‌کند، آنگاه متوجه بیت المقدس می‌شود، ولی بدان نمی‌رسد که می‌میرد.»^۱

۱. و عقد الدرر / ۱۲۹، الحاوی / ۷۰ و ۷۳، جمع الجوامع / ۲ / ۱۰۳، مغربی / ۵۷۹ و الملاحم و الفتن / ۶۵

مضمون این روایت صحیح است، زیرا همسو با پیروزی حتمی امام علیه السلام است، پیروزی با رعب و جنگ.

البته در قبال این روایات، روایاتی متأثر از کعب الاحبار نیز یافت می شود که از شکست امام علیه السلام سخن می گوید، مطلبی غیر قابل قبول که با وعده ی محتوم الهی، و احادیث صحیح متضمن پیروزی قاطع ایشان در نبرد عظیم دمشق و فتح قدس، در تعارض است، و اینکه ایشان عدل و داد را در گستره ی زمین می پراکند، و - برخلاف روایات امویان - پیش از آن از دنیا نخواهد رفت. الفتن ۱ / ۳۹۹ از محمد بن حنفیه: «خلیفه ای از بنی هاشم در بیت المقدس وارد می شود. او زمین را پراز دادگری خواهد نمود. بیت المقدس را چنان بنا کند که به خود ندیده است. چهل سال حکومت خواهد کرد. آتش بس با رومیان بردستان او و در هفت سال باقی مانده ی خلافتش خواهد بود. رومیان بعدها به او خیانت و در عمق برضد او تجمع می کنند. او هم از شدت اندوه از دنیا می رود.

پس از او کسی [دیگر] از بنی هاشم به حکومت می رسد که آنها را شکست داده و قسطنطنیه، و در پی آن روم را فتح خواهد کرد. او گنج های آنجا و سفره ی سلیمان بن داود را آشکار می کند. بعد از آن به بیت المقدس رفته در آن فرود خواهد آمد. دجال در دوران او خروج می کند. عیسی بن مریم نیز فرود آمده پشت سر او نماز می گذارد.» دروغ پردازان خود را مضطرب دیده اند که دو مهدی تصویر کنند که یکی شکست می خورد و دیگری پیروز می شود!

فشار منطقه ای بر سفیانی برای بیعت با حضرت مهدی علیه السلام

این مطلب در کتب اهل سنت و برخی منابع ما آمده است، و فضای موجود در روایت که از ضعف سفیانی و افت اقتدار منطقه ای او حتی بین اهل شام حکایت می کند، صحیح است. الفتن ۹۷ / از حضرت امیر علیه السلام نقل می کند: «او با دوازده هزار نفر - اگر کم باشند - و یا پانزده هزار تن - اگر زیاد باشند - می رود، شعارشان، بمیران بمیران است، تا آنکه با سفیانی روبرو شود. او گوید: عموزاده ام را بیاورید تا با او سخن گویم. او هم به سوی وی می رود و با او تکلم

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌کند. سفیانی امر را به ایشان می‌سپارد و بیعت می‌کند. چون به نزد یارانش باز گردد کلب به سرزنش او می‌پردازند. او هم باز می‌گردد و بیعتش را پس می‌گیرد. ایشان هم خواسته‌ی او را اجابت می‌نمایند.

آنگاه او با لشکر سفیانی که هفت پرچم همراه اویند - و هریک امارت را برای خود می‌خواهد - پیکار می‌کنند، و مهدی همه را شکست می‌دهد.

ابوهریره گوید: کسی محروم است که از غنیمت کلب بی بهره ماند.^۱

راوی، شرائط و جوّ موجود در عصر خود را بر این روایت پیاده کرده است!

همان / ۹۵ از امام باقر علیه السلام: «هنگامی که پناهنده‌ای که در مکه است از فرورفتن زمین خبر دار شود، با دوازده هزار نفر از جمله ابدال بیاید تا در ایلیا فرود آیند... سفیانی اطاعت خود را اعلام می‌کند. سپس می‌رود و با کلب که دایی‌های او هستند، دیدار می‌کند. آنها او را بر این کار نکوهش کرده می‌گویند: خدا به تو جامه‌ای پوشاند ولی تو آن را در آوردی! او هم می‌گوید: نظر شما چیست، آیا بیعت را باز ستانم؟ آنان گویند: آری.

او نزد ایشان به ایلیا می‌آید و می‌گوید: [بیعت مرا] فسخ کن، ایشان هم گویند: من چنین نمی‌کنم، او می‌گوید: چرا...

آنگاه می‌گوید: این مردی است که از فرمان من به درآمده است، پس فرمان می‌دهد و او را بر روی تخته سنگی در ایلیا ذبح می‌کنند.

سپس سراغ کلب رفته آنان را غارت می‌کند، زیانکار کسی است که روز چپاول کلب زیان کند.»

در این عبارت اوضاع شام و فلسطین هنگام ظهور به تصویر کشیده شده است و با پیاده سازی جوّ عصر راوی بر روایت توأم است. البته اصل حرکت ایشان به سمت قدس مسلّم و مورد اتفاق است.

در منابع حدیثی ما شیعیان، مشابه و البته اقوی از آن یافت می‌شود، تفسیر عیاشی ۲/ ۵۹ از

۱. و نیز رک به مسند احمد ۲/ ۳۵۶، عقد الدرر ۸۴، مجمع الزوائد ۷/ ۳۱۵، الدر المنثور ۵/ ۲۴۱، الحاوی ۲/ ۷۲ و المستدرک ۴/ ۴۳۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری‌فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

عبد‌الاعلیٰ حلبی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «گویا آنها را می‌بینم که سیصد و بیش از ده مردند و از نجف کوفه بالا می‌روند. گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است. جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ حضرت هستند. رعب یک ماه جلو و یک ماه پشت سر ایشان حرکت می‌کند. خداوند با پنج هزار فرشته‌ی نشانه‌دار او را یاری می‌رساند. وقتی که از نجف بالا می‌رود به یارانش می‌فرماید: امشب را به عبادت بگذرانید، و آنان شب را سپری می‌کنند در حالی که برخی در رکوع و برخی در سجده‌اند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند. چون صبح می‌شود می‌فرماید: از راه نخيله برویم. [امام باقر عجل الله تعالی فرجه در ادامه فرمودند:] و بر کوفه خندقی خواهد بود.

گفتم: خندق؟ فرمودند: آری به خدا. تا آنکه به مسجد ابراهیم عجل الله تعالی فرجه در نخيله می‌رسد و دو رکعت نماز در آنجا می‌گزارد. سپس مرجئه و غیر آنان از لشکریان سفیانی که در کوفه هستند به مصاف ایشان می‌آیند. ایشان به اصحاب می‌فرماید: وانمود به فرار کنید، و بعد می‌فرماید: برایشان حمله برید.

امام باقر عجل الله تعالی فرجه فرمودند: به خدا سوگند هیچ خبررسانی از آنها از خندق عبور نمی‌کند. سپس حضرت وارد کوفه می‌شود و هیچ مؤمنی نمی‌ماند مگر آنکه آنجا خواهد بود و یا اشتیاق آنجا را خواهد داشت، و این همان سخن امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه است.

در ادامه به اصحاب می‌فرماید: به سوی این طغیان‌پیشه [سفیانی] بروید، و او را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می‌کند، او هم تسلیم می‌شود و بیعت می‌کند. [بنی] کلب که دایی‌های او هستند به او می‌گویند: ای فلان! چه کردی؟ به خدا قسم ما هرگز با تو بر این امر بیعت نمی‌کنیم، سفیانی می‌گوید: چه کنم؟ می‌گویند: بیعتت را پس بگیر، او هم چنین می‌کند، قائم عجل الله تعالی فرجه به او می‌فرماید: مراقب باش که من حجت را بر تو تمام نمودم و با تو خواهم جنگید. صبح که می‌شود با آنها می‌جنگد، و خداوند کتف‌های آنان را در اختیار او قرار می‌دهد. او سفیانی را اسیر می‌کند و می‌برد و با دست خود ذبح می‌کند.

سپس لشکری اسب‌سوار را به روم اعزام می‌کند تا ما بقی بنی امیه را حاضر کنند. آنها به روم که می‌رسند می‌گویند: اهل ملت و دین ما را به ما بسپارید، ولی آنان ابا می‌کنند

و می‌گویند: به خدا چنین نخواهیم کرد. آن گروه می‌گویند: به خدا اگر امام فرمان دهد با شما نبرد خواهیم نمود. پس رومیان نزد حاکمشان رفته جریان را می‌گویند. او می‌گوید: بروید و آنها را در اختیار اینان قرار دهید که قدرت عظیمی دارند، و این سخن خداست: فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ. لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ، پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. مگریزید، و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و سراهایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید، حضرت فرمودند: مقصود گنج‌هایی است که ذخیره می‌کردید.

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ. فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاَهُمْ حَصِيداً خَامِدِينَ، گفتند: ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم. سخنشان پیوسته همین بود، تا آنان را درو شده‌ی بی‌جان گردانیدیم؛ [یعنی حتی] خبرسانی هم از آنان باقی نمی‌ماند.

این روایت از سرعت پیروزی امام علیه السلام در عراق بر خوارج سخن می‌گوید، و به دنبال آن از حرکت ایشان به شام و قدس. لکن برخی عبارات آن عوامانه است و بر عصر راوی تطبیق شده است.

بحار الانوار ۵۲ / ۳۸۸ از جابر بن یزید از آن حضرت حدیثی می‌آورد که سرعت شکست سفیانی و یهود به دست امام علیه السلام را وصف می‌کند: «آنگاه خداوند تعالی آنان را تحت اختیار قائم و یارانش در می‌آورد، و تمام آنان را می‌کشند. حتی مردی پشت درخت و سنگ پنهان می‌شود، و درخت و سنگ صدا می‌زند: ای مؤمن! این مردی کافراست، او را بکش، او هم چنین می‌کند. درندگان و پرندگان از گوشت آنها سیر می‌شوند و قائم آن مقدار که خدا بخواهد در آنجا می‌ماند.

سپس در آنجا سه بیرق را روانه می‌کند؛ یکی به قسطنطنیه که خدا برایش فتح خواهد کرد، یکی به چین و فتح خواهد نمود، و یکی به کوه‌های دیلم و آن نیز چنین خواهد شد.» این حدیث شبیه حدیث متواتر پیرامون نبرد مسلمانان با یهود است و آن را تأیید می‌کند.

روایت نزول حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در بیت المقدس

الفتن ۲ / ۳۵۴ از اراطة: «آنگاه مهدی برای مدت سه سال به مکه باز می‌گردد. مردی از کلب خروج، و هر کسی را که در سرزمین ارم است به اجبار با خود همراه می‌کند. او در میان دوازده هزار تن به سوی مهدی و بیت المقدس می‌رود. مهدی هم سفیانی را می‌گیرد و بردروازه‌ی جیرون می‌کشد.»

همان ۱ / ۳۸۷ از کعب: «کسی که اهل یمن را تبعید می‌کند مردی است از بنی هاشم. منزل او در بیت المقدس است و دوازده هزار نفر نگهبان او هستند. او اهل یمن را تا جایی تبعید می‌کند که به منتهای زمین برسند.»

نگارنده: اصل حرکت امام عجل الله تعالی فرجه به سمت قدس صحیح است، ولی این تفصیل برگرفته از تصورات راویان است. آنهایند که می‌پندارند حضرت با یمنی‌ها دشمنی و آنها را از بلاد شام تبعید می‌کند!

روایت: جباری از قریش که به بیت المقدس وارد می‌شود

راویان وابسته به دربار حاکمان، روایات بسیاری پیرامون ورود امام عجل الله تعالی فرجه به سرزمین قدس نقل کرده و البته بدان افزوده‌اند.

الفتن ۱ / ۴۰۳ از کعب نقل می‌کند: «مردی از قریش که از بدترین خلق است به خلافت رسیده در بیت المقدس فرود می‌آید. خزینه‌ها بدو منتقل می‌شود. اشراف مردم هم با او همراه می‌شوند و به ستم می‌پردازند. پرده داران او بسیار می‌شوند و اموال فزونی می‌یابد تا جایی که مردی از آنها به میزان یک ماه و دیگری به میزان دو یا سه ماه اطعام می‌کند. لاغر آنها مانند فربه دیگر مردم است. آنان بسان گوساله‌هایی که در آخورها بزرگ می‌شوند رشد می‌کنند. خلیفه سنن نیک آنها را از بین می‌برد و بدعت می‌گذارد. فساد، زنا و باده گساری علنی ظاهر می‌شود. عالمان می‌هراسند تا بدانجا که اگر کسی سوار بر مرکبی شهرها را بگردد عالمی نمی‌یابد تا از او حدیثی بیاموزد. مسخ و فرو رفتن در زمین رخ می‌دهد. اسلام به غربت می‌افتد همان گونه که با غربت آغاز شد. دیندار به کسی می‌ماند که پاره آتشی در

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دست گرفته و یا کسی که در شبی تاریک بر درختی خاردار دست بکشد. فساد او به جایی می‌رسد که دخترش را به بازار می‌فرستد و او به همراه مأموران و در حالی که زیورآلاتی طلایی و لباسی که او را نمی‌پوشاند دارد، در آن رفت و آمد می‌کند.

اگر کسی تنها در یک جمله بر او خرده گیرد گردنش را بزنند. او روزی مردم را قطع می‌کند و به دنبال آن آنها را از عطایای خود محروم می‌نماید. سپس فرمان می‌دهد مردم یمن را از شام اخراج کنند. مأموران هم چنین کرده آنان را از شام و اطراف آن بیرون می‌کنند، آنان هم می‌آیند تا به بصری برسند، و این در اواخر عمر او خواهد بود.

اهل یمن نامه‌ها میان خود می‌نویسند و گرد هم می‌آیند، گروه گروه شده می‌گویند: کجا می‌روید و سرزمین و هجرتگاهتان را و می‌گذارید! و تصمیم می‌گیرند با یکی از میان خود بیعت کنند. آنها مشغول بررسی گزینه‌ها هستند که صدایی که نه از جن است و نه از انس را می‌شنوند که می‌گوید: با فلانی بیعت کنید و نام او را می‌گوید. آنها هم به او - که در میان گزینه‌هایشان نبود - رضایت می‌دهند. در پی آن گروهی را به نزد جبار قریش می‌فرستند و او همه‌ی آنها را به قتل می‌رساند و تنها یک نفر را زنده می‌گذارد تا خبر دهد.

اهل یمن به قصد او - که بیست هزار مأمور دارد - می‌روند. قبایل لخم، جذام، عامله و جدس نیز به آنها می‌پیوندند و همانسان که یوسف پناهگاه برادرانش در مصر بود، یمنیان را یاری خواهند کرد.

سوگند به کسی که جان کعب در دست اوست، لخم و جذام و عامله و جدس از اهالی یمن هستند. ای اهل یمن! اگر اینها نزد شما آمدند و نسبت خود را جویا شدند، آنان را کمک کنید که از شما آیند.

آنها می‌روند تا به بیت المقدس می‌رسند. جبار قریش به همراه لشکریانش به مصاف آنها می‌آید ولی شکست می‌خورد.»

همان ۲/ ۲۲۲ می‌نویسد: «در زمان هاشمی که پس از مهدی در بیت المقدس خواهد بود و به ستمگری خواهد پرداخت، چنان می‌شود که او دختری با لباسی که او را نمی‌پوشاند را [برای انجام کارهایش] می‌فرستد. در آن زمان زمین لرزه، مسخ و فرو رفتن زمین خواهد بود.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همان ۱ / ۳۸۷ از کعب می‌آورد: «مردی از بنی هاشم وارد بیت المقدس می‌شود. او دوازده هزار نگهبان دارد... کعب در روایتی دیگر گوید: او سی و شش هزار نگهبان دارد. بر هر مسیری که به بیت المقدس منتهی می‌شود دوازده هزار نفر.

ارطاة گوید: عمر او دراز خواهد بود. او به ستم می‌پردازد و در اواخر عمر پرده دارانش بسیار خواهند شد. ثروت او و نزدیکی‌اش چنان فراوان می‌شود که لاغر آنها به فربه سایر مسلمین می‌ماند...»

وی در ادامه جریان جبار قریش را ذکر می‌کند، و نیز رخدادهایی غریب در آینده که قریشیان در آن ظالمانند و یمنی‌ها مظلومان، و عجیب است که شخصیت امام عجل الله تعالی فرجه را غیر اصلی معرفی می‌کند!

بررسی روایات نبرد دمشق و قدس

۱. هم چنان که می‌بینیم این روایات دستخوش خیالات راویان شده است، مخصوصاً روایات ابن حماد که مهمترین منبع سنیان در روایات ملاحم و پیشگویی است. عموم آن را هم بافته‌های کعب الاحبار و هم پیالگانش تشکیل می‌دهد، کسانی که از پیش خود سخن می‌گویند، و گاه آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهند!

کلام اینان نزاع قبائل عرب را به تصویر می‌کشد، امری که پس از مرگ یزید شدت یافت. ۲. واضح است که راویان احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را بردوران خود پیاده کرده‌اند! آنها نشانه‌ها و معجزات امام عجل الله تعالی فرجه از جمله ندای آسمانی، و اوصاف یاران ایشان را برای یمنی‌ها جلوه داده‌اند!

۳. برخی از این گزارشات با مسلمّات روایات شیعه و سنی تعارض دارد، مثل آنکه می‌گوید امام عجل الله تعالی فرجه می‌میرد، و پس از ایشان جباری قریشی به حکومت می‌رسد، یمنی‌ها با قریشیان می‌جنگند و همه‌ی آنان را از بین می‌برند، تا جایی که کفش قریشی تحفه خواهد شد!

و دیگر عناصر خیالی موجود در آنها پیرامون روم، قسطنطنیه، عیسی عجل الله تعالی فرجه، دجال و وقایع بعد از حضرت، و پیش از این نیز گذشت که آنان چسان احادیث مربوط به شام و دجال را

تحریف کردند.

۴. در میان این اقوال، عباراتی اندک نیز یافت می شود که مضامینی صحیح دارد، و قاعده آن است که تنها آن مقداری را که احادیث اهل بیت علیهم السلام تأیید می کند بپذیریم، مانند احادیث پیرامون نبرد امام علیه السلام با سفیانی در فتح قدس که از جنگ شام آغاز می شود، و بعد از آن امام علیه السلام به راحتی وارد قدس می شوند.

ذبح سفیانی توسط امام علیه السلام و کنار دریاچه ی طبریه از نظر ما بعید است، و راجح آن است که وی در شام به هلاکت می رسد، همان گونه که در روایتی آمده است.

تأثیر پیروزی قاطع امام علیه السلام و ورود به قدس

طبیعی به نظر می رسد که پیروزی امام علیه السلام و ورود به سرزمین قدس، تأثیر بسیاری بر غربی ها بگذارد، و شکست یهودیان موجب شود جنون آنان شدت گیرد! از این رو با وجود بیم از ایشان - به جهت در اختیار داشتن امام علیه السلام اسلحه ای همسنگ با آنها یا فراتر - اعلان نبرد کنند. در چنین وقت حساسی است که مسیح علیه السلام فرود می آید و غرب و تمامی عالم را دچار بهت می کند، و صلح بین امام مهدی علیه السلام و غربیان را برنامه ریزی خواهد کرد. همان که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را آخرین آتش پس میان روم و مسلمانان دانستند و امیر آن روز را مهدی از فرزندان خویش عنوان کردند، و خواهد آمد.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

هشت ماه جنگ

کمال الدین ۱/ ۳۱۸ از عیسی خشاب روایت می کند: «به امام حسین علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب این امر [ظهور] هستید؟ فرمودند: نه، صاحب امر، رانده و آواره است و پدرش را کشته اند ولی خونخواهی نکرده است، او هم کنیه ی عمویش است، و هشت ماه شمشیرش را بر شانه می گذارد.»

یهود

یهود و نبرد با آنان در عصر ظهور

آیات قرآن در مورد نقش یهود در عصر ظهور

در کتاب عصر ظهور گفتیم که آیات قرآن تصریح می‌کند که یهود در زمین جنگ افروزی می‌کنند، و خدا خود ضامن خاموش کردن آن است!

او می‌فرماید: وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا، وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ^۱، و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌های خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می‌بخشد. و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود. و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمین برای فساد می‌کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد.

این وعده‌ای الهی است به خاموش نمودن هر جنگی که آنان افروزند، حال چه خودشان یک طرف جنگ باشند، و چه دیگران را تحریک نمایند.

جنگ افروزی آنان بر مسلمین در قرن حاضر مضاعف شده است و شرق و غرب را برضد آنها تحریک می‌کنند، آنان فلسطین را غصب کردند و دولت خود را در آن برقرار ساختند.

لذاست که وعده‌ی الهی محقق خواهد شد. یکی از راه‌های خاموش شدن آتش فتنه‌ی آنها، درگیری‌های داخلی است، یکی دیگر هم مسلط شدن دیگران بر آنهاست، خداوند می‌فرماید: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ^۲، و [بیاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان [یهودیان] کسانی را خواهد گماشت که بدیشان عذاب سخت بچشانند. آری، پروردگار تو زود کیفر است و همو آمرزنده‌ی بسیار مهربان است.

۱. سوره‌ی مائده / ۶۴

۲. سوره‌ی اعراف / ۱۶۷

یعنی خدای متعال چنین حکم کرده که تا روز قیامت کسی را برآنان - که برخی صالحند و برخی نه - مسلط گرداند که آنها را عقاب و عذاب کند، در زمین بپراکند، و به خوبی و بدی بیازماید، شاید توبه کنند و به مسیر هدایت بازگردند.

پیش از این ملوک بابل، مصر، یونان، فارس، روم و دیگران را برآنان مسلط گردانید. البته این در غیر ادوار حکومت پیامبران علیهم السلام و نیز دوران فعلی علوانان است که پیش از انتقام قرار دارد.

آیات آغازین سوره‌ی اسراء این وعده را باز می‌کند، می‌فرماید: **سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا . ذُرِّيَّةً مِّن حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا . وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا . فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَاتَ وَعْدًا مَّفْعُولًا . ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا . إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْوِعُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا . عَسَى رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا**^۱ منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد، تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست. کتاب آسمانی را به موسی دادیم و آن را برای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانیدیم که: زنهار، غیر از من کارسازی مگیرید، [ای] فرزندانِ کسانی که [آنان را در کشتی] با نوح برداشتیم. راستی که او بنده‌ای سپاسگزار بود. در کتاب آسمانی به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که: قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست. پس آنگاه که وعده‌ی [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم، تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند، و این تهدید تحقق یافتنی است. پس [از چندی] دوباره شما را برآنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم. اگر نیکی کنید، به خود

۱. سوره‌ی اسراء ۸/ ۱-

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نیکی کرده‌اید، و اگر بدی کنید، به خود [بد نموده‌اید]. و چون تهدید آخر فرا رسد [بیایند] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنانکه بار اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر چه دست یافتند یکسره [آن را] نابود کنند. امید است که پروردگارتان شما را رحمت کند، و [لی] اگر [به گناه] بازگردید [ما نیز به کیفر شما] باز می‌گردیم، و دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم.

به عبارتی دیگر: در تورات برای بنی اسرائیل چنین مقدر کرده‌ایم که به انحراف رفته و در مجتمع بشری دوباره به فساد خواهید پرداخت، بر مردمان استکبار ورزیده و سرکشی بسیاری خواهید داشت. هنگامی که زمان عقوبت شما بابت فساد نخستین فرا رسد، بندگان از خود را که نیرومند و جنگاورند به سراغ شما می‌فرستیم و آنها در میان خانه‌ها در پی شما می‌گردند... و این کنایه از سهولت فتح نخست فلسطین بر دستان مسلمین است، مسلمانان در آن فتح، در میان خانه‌های یهودیان به جستجوی پیکارجویان برآمدند.

آنگاه دوباره شما را بر آنان چیره ساخته و اموال و اولاد و یارانی در عالم به شما خواهیم داد. مدتی در این وضعیتی به سر می‌برید، پس اگر توبه کنید و به خیر رو آورید برای خودتان بهتر است، اما اگر به فساد و طغیان پردازید، باز به زیان خودتان خواهد بود.

سپس همان بندگان را بر شما تسلط می‌دهیم، آنان هم شما را اندوهگین کنند، و فاتحانه - بسان بار نخست - وارد معبدتان شوند و شما را در هم کوبند.

شاید خدا بعد از این عقوبت دوم شما را رحم کند، ولی اگر باز به فساد همت گمارید عقاب او دیگر بار شما را فرا گیرد، و در آخرت نیز جهنم را زندان شما قرار دهد.

خلاصه آنکه یهودیان پس از حضرت موسی علیه السلام به فساد نخست دامن زدند، سپس به دست مسلمانان عقوبت شدند. پس از مدتی بر آنان غلبه یافتند و یارانشان در عالم فزونی یافت، و این قدرت یافتن نخست آنها بود، و در ادامه عقوبت دوم آنها بردست مسلمین خواهد بود.

پس عقاب نخست آنان در صدر اسلام و توسط مسلمین بود. بعدها خداوند آنان را چیره ساخت و برای بار دوم به فساد پرداختند و در زمین قدرت یافتند، و عقوبت دوم آنها نیز بردستان مسلمانان خواهد بود.

این همان چیزی است که احادیث شریفه‌ی حضرات معصومین علیهم السلام بیان فرموده است،

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و گروهی را که خداوند برای دومین عقوبت به سراغ یهود می‌فرستد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و اصحابش عنوان می‌کند، و اینکه آنها اهل قم اند، گروهی هستند که خداوند پیش از خروج قائم عجل الله تعالی فرجه آنان را می‌فرستد و کسی را که جنایتی بر آل محمد عجل الله تعالی فرجه وارد آورده رها نمی‌سازند، مگر آنکه می‌کشند.^۱

بحار الانوار ۶۰/ ۲۱۶: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه آیه‌ی: فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا را تلاوت کردند، عرضه داشتیم: فدایت گردیم، اینان کیانند؟ سه مرتبه فرمودند: به خدا قسم اینان اهل قم هستند.»

تفسیر عیاشی ۲/ ۱۴۱ و ۲۸۱ روایت می‌کند: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه نیز درباره‌ی این آیه فرمودند: آن، قائم و یارانش هستند که نیرومنداند.»

مقصود از این سه حدیث یکی است، زیرا اهل قم یعنی یاران امام عجل الله تعالی فرجه، که اهل کوفه نیز چنین‌اند.

ظاهراً پایداری مسلمانان در برابر یهود، تا زمان ظهور چند مرحله را سپری می‌کند، و پیچیدن طومار آنان به دست امام عجل الله تعالی فرجه است.

برخی درباره‌ی عقوبت دوم یهود، براین باورند که بردست غیرمسلمانان خواهد بود. این پندار بعید به نظر می‌رسد، زیرا هر دو عقوبت به دست یک طائفه است و اوصافشان تنها بر مسلمین انطباق دارد!

حتی اگر هم صحیح باشد که ملوک مصر، بابل، یونان، فارس، روم و دیگر کسانی که بر یهودیان غلبه یافتند را «عباداً لنا: بندگان ما» توصیف کرد، باز مشکل حل نمی‌شود، زیرا یهودیان با گروهی جز مسلمانان دشمنی نکردند و پیروزی نیافتند و بر ضد هیچ طایفه‌ای چونان مسلمین آتش افروزی و تحریک ننمودند. هم چنان‌که برتری و تفوق آنان بر مناطق و دولت‌ها تنها در عصر ما واقع شده است.

آیات دیگر در رابطه‌ی با یهود، آن است که سخن از حشر و اخراج نخست و دوم آنان دارد. اخراج نخست آنان بعد از جنگ احزاب صورت گرفت.

۱. رک به تفسیر عیاشی ۲/ ۲۸۱، کافی ۸/ ۲۰۶، کامل الزیارات ۶۲/ ۶۴ و مختصر البصائر ۴۸/

خداوند می فرماید: سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ. وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ، آنچه در آسمان ها و در زمین است تسبیح خدا می گوید، و اوست عزیز حکیم. اوست کسی که، کافران اهل کتاب را در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد. گمان نمی کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود، و [لی] خدا از آنجا که تصوّر نمی کردند به سراغشان آمد و در دل هایشان بیم افکند، [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه های خود را خراب می کردند. پس ای صاحبان دیده! عبرت بگیرید. و اگر خدا این جلای وطن را بر آنان مقرر نکرده بود، قطعاً آنها را در دنیا عذاب می کرد، و در آخرت [هم] عذاب آتش دارند. این برای آن بود که آنها با خدا و پیامبرش در افتادند و هر کس با خدا در افتد [بداند که] خدا سخت کیفر است.

در جای دیگری می فرماید: وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا. وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِبِهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا. وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا،^۱ و خداوند آنان را که کفرورزیده اند، بی آنکه به مالی رسیده باشند، به غیظ [و حسرت] برگرداند، و خدا [زحمت] جنگ را از مؤمنان برداشت، و خدا همواره نیرومند شکست ناپذیر است. و کسانی از اهل کتاب را که با [مشرکان] هم پُشتی کرده بودند، از دژهایشان به زیر آورد و در دل هایشان هراس افکند: گروهی را می کشتید و گروهی را اسیر می کردید. و زمینشان و خانه ها و اموالشان و سرزمینی را که در آن پانهاده بودید به شما میراث داد، و خدا بر هر چیزی تواناست. اجتماع دوم آنان هم در فلسطین و پیش از آن بود که عقوبت آنان را در رسد، خدا می فرماید: وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا،^۲ و پس از او به

۱. سوره ی حشر / ۴ - ۱

۲. سوره ی احزاب / ۲۷ - ۲۵

۳. سوره ی اسراء / ۱۰۴

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فرزندان اسرائیل گفتیم: در این سرزمین ساکن شوید، پس چون وعده‌ی واپسین فرا رسد، شما را همه با هم محشور می‌کنیم.

البته مجال آن نیست که به بیان اشتباه کسانی که این آیات را به حشر روز قیامت تفسیر کرده‌اند بپردازیم.

نبرد موعود یهود و مسلمین

در منابع مسلمین وارد شده که پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده‌اند امت در آخرالزمان در فلسطین با یهود خواهند جنگید. مضامین و تعابیر مربوط به آن شبیه روایاتی است که در تفسیر آیه‌ی: **بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ، آمده است، که اینان، مهدی و یاران اویند.**

المصنف عبدالرزاق ۳۹۹/۱۱، الفتن ۵۷۴/۲ و ابن ابی شیبہ در المصنف ۱۵/۱۴۴ از عبد الله بن عمر از آن حضرت نقل می‌کنند: «یهود با شما می‌جنگند و شما بر آنان مسلط می‌شوید، تا جایی که سنگ بگویند: ای مسلمان! این یهودی پشت سر من است، او را بکش.»

در روایتی دیگر آمده: «عیسی بن مریم فرود می‌آید. پس چون دجال او را ببیند بسان چربی ذوب می‌شود. او دجال را می‌کشد و یهودیان از گرد او پراکنده می‌شوند، تا آنجا که سنگ ندا کند: ای بنده‌ی مسلم خدا! این یهودی است، بیا و او را به قتل رسان.»

مسند احمد ۴۱۷/۲ از ابوهریره از ایشان: «قیامت برپا نخواهد شد تا آنکه مسلمانان یهود را بکشند. آنها چنان یهود را بکشند که یهودی پشت سنگ و درخت پنهان شود و سنگ و درخت صدا بزنند: ای مسلم! ای بنده‌ی خدا! این یهودی است در پشت من، بیا و او را به قتل رسان، مگر [درخت] غرقد، زیرا درخت یهودیان است.»

صحیح بخاری ۳/۲۳۲ و ۴/۵۱ از ابن عمر از آن حضرت: «شما با یهودیان می‌جنگید، تا آنجا که یکی از آنان پشت سنگ مخفی شود و سنگ صدا زند: ای بنده‌ی خدا! این یهودی پشت من است، او را بکش.»

در روایتی دیگر از ابوهریره: قیامت برپا نخواهد شد تا آنکه شما با یهود پیکار کنید، تا آنجا که سنگی که در پشت آن یهودی است ندا کند: ای مسلمان! این یهودی پشت من است،

او را به قتل رسان.»^۱

مجمع الزوائد ۷/ ۳۴۸ از آن حضرت: «شما با مشرکین می جنگید، و باقی ماندگانتان در کنار نهر اردن با دجال بجنگند. شما شرقی هستید و آنان غربی. نمی دانم آن روز اردن کجاست (!)».

هیثمی در ادامه می نویسد: طبرانی و بزار آن را نقل کرده اند و راویان بزار ثقة اند.^۲
الفتن ۲/ ۵۶۸ در گزارشی طولانی که در آن مبالغاتی در مورد دجال نیز هست، از حذیفه از رسول خدا ﷺ نقل می کند: «شما در این حال به سرمی برید که عیسی بن مریم در ایلیا - که جماعتی از مسلمین و خلیفه ی آنان در آن حضور دارند - فرود می آید... یهودیان زیر هر درخت و سنگی مخفی می شوند، تا جایی که سنگ صدا می زند: ای بنده ی خدا! ای مسلمان! این یهودی پشت من است، او را بکش، درخت نیز چنین می کند، مگر درخت غرقده که درخت یهودیان است، کسی از آنان را رها نکنید که در کنار غرقده باشد.»

همان ۲/ ۵۷۰ از عبد الله بن عمرو عاص: «عیسی بن مریم در مقابل آنان ظاهر می شود. امامشان کنار می رود تا عیسی به امامت آنها نماز گزارد. ولی عیسی از اینکه کسی غیر از امام آنها نماز را به جا آرد ابا می کند، و این بابت گرامیداشت آنان است. سپس به سراغ دجال که در آخرین رمق هاست می رود و با ضربه ای او را هلاک می کند. آن هنگام است که زمین فریاد می کند و سنگ، درخت و دیگر اشیاء صدا می زنند: ای مسلمان! این یهودی پشت من است، او را بکش، مگر درخت غرقده که یهودی است.»
این نبرد موعود با یهودیان، جز به دست امام مهدی علیه السلام واقع نخواهد شد.

برخی روایات پیرامون این موضوع در فصل فلسطین و قدس گذشت.
در احادیث پیکار حضرت عیسی علیه السلام با دجال هم آمده که یهودیان با دجال خواهند بود، و اکثر پیروان او را تشکیل می دهند، مسند احمد ۳/ ۳۶۷ از جابر بن عبد الله از رسول خدا صلی الله علیه و آله در گزارشی که در آن به توصیف قتل دجال می پردازند، نقل می کند: «تا آنجا که درخت و سنگ

۱. مشابه آن صحیح مسلم ۸/ ۱۸۸، بیهقی ۹/ ۱۷۵، مسند احمد ۲/ ۴۱۷ و الجامع للاصول ۵/ ۳۵۶

۲. مشابه آن در الأحاد و المثانی ۴/ ۴۰۹، تاریخ دمشق ۶۲/ ۳۲۳ و اصابه ۶/ ۳۷۶

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ندا کند: ای روح الله! این یهودی است، او احدی از پیروان دجال را رها نمی کند تا آنکه به قتل رساند.»^۱

المصنف عبدالرزاق ۱۱ / ۳۹۷ روایتی طولانی که افسانه هایی درباره ی دجال در آن است را نقل می کند، درباره ای آمده است: «پسر مریم فرود می آید و در مقابل آنان ظاهر می شود. آنان در مقابل خود مردی را می بینند که زره در بردارد، می گویند: ای بنده ی خدا! کیستی؟ می گوید: من بنده ی خدا، رسول، روح و کلمه ی او عیسی بن مریم ام. یکی از این سه امر را انتخاب کنید؛ خداوند عذابی از آسمان بر دجال و لشکریانش فرستد، آنان را به زمین فرو برد، و یا اینکه سلاح شما را بر آنان کارگر سازد ولی سلاح آنان را بر شما کارگر نگرداند. آنها پاسخ می دهند: ای پیامبر خدا! این [سومی] بیشتر سینه و جان ما را آرام می کند.

در آن روز یهودی درشت هیکل، قد بلند، پر خور و زیاد نوش را می بینی که از لرزه ای که بر اندام دارد نمی تواند شمشیرش را در دست بگیرد، و آنان بر یهود مسلط می شوند.»^۲

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بلاد عرب را از یهود پاکسازی می کند

معانی الاخبار/ ۴۰۶ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه روایت می کند: «در مصر منبری بنا خواهم کرد، سنگ سنگ دمشق را ویران خواهم ساخت، یهود را از تمام مناطق عرب بیرون خواهم نمود، و با این عصای خود عرب را خواهم راند.

در این هنگام راوی که عبا به ی اسدی است گفت: یا امیرالمؤمنین! گویا خبر از آن می دهید که بعد از مرگ زنده خواهید شد، ایشان فرمودند: هیهات، ای عبا به! اشتباه فهمیدی، مردی از من این کارها را انجام می دهد، یعنی مهدی عجل الله تعالی فرجه».^۳

یعنی آنان را از فلسطین نیز خارج می کند و حکومتشان را پایان می دهد.

۱. و نیز المستدرک ۴ / ۵۳۰ مشابه آن را نقل کرده صحیح می شمارد، عقد الدرر / ۲۳۲، مجمع الزوائد ۷ / ۳۴۳ - وی یکی از دو سند احمد بن حنبل را صحیح می داند، الدر المنثور ۲ / ۲۴۲، جمع الجوامع ۱ / ۹۵۵ و ...

۲. و نیز رک به الفتن ۲ / ۵۵۲، تهذیب ابن عساکر ۱ / ۱۹۴ و الدر المنثور ۲ / ۲۴۳

۳. و نیز الايقاظ من الهجعة / ۳۸۵ و بحار ۵۳ / ۶۰

یهودیانی که بردست امام علیه السلام اسلام می آورند

در فصل باران امام علیه السلام گذشت که ایشان نسخه ی تورات و انجیل را از غاری در انطاکیه، کوهی در شام، کوه فلسطین و دریاچه ی طبریه بیرون می آورد و بدین وسیله با یهود به احتجاج می پردازد. الفتن ۱/ ۳۵۵ از کعب نقل می کند: «او تابوت سکینه را - که توراتی که خداوند بر موسی علیه السلام فرستاد و انجیلی که بر عیسی علیه السلام نازل کرد را در خود دارد - از غاری در انطاکیه بیرون می آورد، و میان اهل تورات با تورات و میان اهل انجیل با آن حکم خواهد کرد.» همان ۱/ ۳۵۷ از همو: «مهدی را مهدی نامیدند، زیرا به جزوه هایی از تورات راهنمایی می کند. او آنها را از کوه های شام خارج می کند. یهودیان را بدان فرا می خواند، و جماعت بسیاری بدان اسلام می آورند، و جماعتی حدود سی هزار نفر را یاد کرد.»^۱

نگارنده: کعب الاحبار نامگذاری حضرت مهدی علیه السلام را از این باب می داند که به جزوه های از میان رفته ی تورات راهنمایی می کند به گونه ای که گویا در خدمت تورات است، و گمان می کند سی هزار نفر بدان سبب مسلمان می شوند!

البته شاگردان کعب از او خوش بین ترند، آنان براین باورند که اکثر یهود توسط امام علیه السلام به اسلام می گروند.

الفتن ۱/ ۳۵۵ و ۳۶۰ از سلیمان بن عیسی نقل می کند: «به من خبر داده اند که تابوت سکینه به دست مهدی از دریاچه ی طبریه خارج، و در بیت المقدس مقابل ایشان قرار داده می شود. یهود چون آن را ببینند، غیر از اندکی همه مسلمان شوند.»^۲

سنن بیهقی ۹/ ۱۸۰: «مجاهد در تفسیر این آیه ی: حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا،^۳ تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود، گوید: مقصود آن است که تا زمانی که عیسی بن مریم فرود می آید و تمام یهود و نصاری و دیگر ادیان مسلمان شوند. گوسفند در کنار گرگ ایمن باشد. هیچ موشی مشکی را پاره نکنند، و عداوت از همه چیز رخت بر بندد، و این تفوق اسلام بر تمامی ادیان است.»

۱. عبدالرزاق ۱۱/ ۳۷۲

۲. القول المختصر ۱۰۰/ ۱۰۴

۳. سوره ی محمد صلی الله علیه و آله ۴/

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

الدر المنثور ۳ / ۲۳۱ می‌نویسد: «سعید بن منصور، ابن منذر و بیهقی در سنن از جابر نقل می‌کنند که درباره‌ی آیه‌ی: لَيُظْهَرُ عَلَى الدِّينِ كُفْلُهُ، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، گفت: این مطلب واقع نخواهد شد تا آنکه نه دیگر کسی یهودی باشد، نه مسیحی و نه صاحب کیشی دیگر، و تنها اسلام باشد که باقی مانده است.»

نگارنده: برخی یهودیان اسلام می‌آورند، ولی بسیاری نه، زیرا امام عجل الله تعالی فرجه دولت آنان را به پایان می‌رساند و از جزیره‌ی العرب اخراجشان می‌کند. علاوه بر آنکه دجال از آنهاست و آنان اکثریت پیروان او را تشکیل می‌دهند.

تابوت سکینه

تابوت سکینه صندوقی است که موارث پیامبران عجل الله تعالی فرجه را در خود جای داده است، و خداوند آن را نشانه‌ای برای بنی اسرائیل قرار داد تا بتوانند به امامت کسی که نزد او قرار می‌گیرد رهنمون شوند. فرشتگان آن را در میان بنی اسرائیل آوردند و نزد طالوت قرار دادند. سپس طالوت آن را به داود سپرد، از داود به سلیمان، و از او به وصیش آصف بن برخیا عجل الله تعالی فرجه منتقل شد. فرزندان اسرائیل، وصی سلیمان عجل الله تعالی فرجه را رها کرده با دیگری بیعت نمودند، و بعد از آن تابوت از میان آنها ناپدید شد.

خداوند می‌فرماید: وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۱ و پیامبرشان به آنان گفت: در حقیقت خداوند، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد، با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم، و به او از حیث مال، گشایشی داده نشده است؟ پیامبرشان گفت: در حقیقت خدا او را بر شما برتری داده، و او را در دانش و [نیروی] بدن بر شما برتری بخشیده است، و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.

۱. سوره‌ی توبه / ۳۳

۲. سوره‌ی بقره / ۲۴۷

عقیده‌ی ما درباره‌ی تابوت سکینه و تمامی موارث پیامبران علیهم‌السلام آن است که خدا آنها را نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گرد آورد و از ایشان به جانشینان علیهم‌السلام انتقال یافت، و هم اکنون نزد حضرت بقیة الله الاعظم عجل‌الله‌فرجه‌وآمنه‌وآل‌ه‌وسلم می باشد.

درباره‌ی وجه تسمیه‌ی ایشان هم از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است: «مهدی از این بابت مهدی نام گرفته که به امری پنهان راهنمایی می کند، او به آنچه مردمان در سینه دارند راهنمایی می کند [و از آن خبر می دهد].»^۱

آشکار ساختن هیکل

در شمار علامات ظهور از آشکار ساختن هیکل سخن به میان آمده است، در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام منقول است: «برای آن نشانه‌ها و علاماتی است؛ نخست آنکه کوفه بالشکر و خندق محاصره شود، در سرکوچه‌های کوفه آتش روشن گردد، چهل شب مساجد تعطیل شوند، هیکل آشکار گردد، پرچم‌هایی پیرامون مسجد اکبر آمد و شد کنند که قاتل و مقتول در آتش اند.»^۲

ظاهراً مراد از آن، هیکل سلیمان علیه‌السلام است، البته احتمال می رود اثر تاریخی دیگری باشد، چون به طور مطلق آمده و قید نخورده است. البته سخن از کسی که آن را آشکار می کند نیامده است.

بیرق‌های خراسان متوجّه قدس

در فصل ایرانیان بسان حدیثی مستفیض گذشت که بیرق‌هایی سیاه از خراسان بیرون می آید، چیزی آنها را باز نمی گرداند تا آنکه در ایلپاء نصب شود. راجح آن است که اینان اصحاب امام علیه‌السلام هستند.

۱. دلائل الامامة / ۲۴۹

۲. بحار / ۵۲ / ۲۷۳ و تاریخ الکوفة براقی / ۱۱۰

فصل بیست و هفتم

حضرت مسیح علیه السلام

فروود حضرت مسیح علیه السلام از آسمان

و یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

آیات نزول حضرت مسیح علیه السلام

یکی از عقائد تمامی مسلمانان نزول عیسی علیه السلام از آسمان به زمین است، خداوند متعال می‌فرماید: **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا**^۱، و از اهل کتاب کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.

و نیز: **وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ**^۲، و همانا آن، نشانه‌ای برای رستاخیز است، پس زنهارد در آن تردید مکن، و از من پیروی کنید؛ این است راه راست.

معنای آیات آن است که مسیح علیه السلام نشانه‌ای از نشانه‌های قیامت است، و احدی از اهل کتاب - یهود و نصاری - نخواهد ماند، جز آنکه هنگام نزول به دنیا به ایشان ایمان می‌آورد، و با او معجزاتش روبرو می‌شود.

البته این خود معجزه‌ایست، زیرا یهودیان تا به امروز به او ایمان نیاورده و مادرش علیه السلام را متهم

می‌کنند!

بحار الانوار ۱۴ / ۳۵۰ از شهر بن حوشب از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «او پیش از روز قیامت به دنیا فرود می‌آید. پس هیچ یهودی و مسیحی نخواهد ماند مگر آنکه پیش از مرگش به او ایمان می‌آورد، و او پشت سرمهدی نماز خواهد گزارد.»

حکمت بالا بردن مسیح علیه السلام به آسمان، آن است که خدا ایشان را برای مأموریتی عظیم در برهه‌ای حساس ذخیره کرده است، دورانی که پیروان و پرستش‌گزارانش بزرگترین قدرت را در عالم دارند، و بزرگترین مانع گسترش هدایت و برپا داشتن دولت عدل الهی هستند.

از این رو طبیعی می‌نماید که نزول ایشان در عالم مسیحی باشد و شادمانی و راهپیمایی‌هایی منطقه‌ای به دنبال داشته باشد، و مسیحیان این امر را نصرتی برای خود در مقابل مهدی مسلمانان تلقی کنند!

و طبیعی است که امام مهدی علیه السلام به مردم خبر دهند که ایشان چه زمانی فرود می‌آید، و

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

۱. سوره نساء / ۱۵۹

۲. سوره زخرف / ۶۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

میلیون‌ها نفر انتظار فرا رسیدن آن را بکشند و شاهد آن باشند. و نیز آنکه خداوند معجزاتی گونه

گون بردستان حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه آشکار کند، و بدین وسیله اسباب هدایت بسیاری فراهم آید.

نخستین ثمره‌ی نزول ایشان، کاهش دشمنی غریبان با اسلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، و نیز انعقاد پیمان صلح میان ایشان و دول غربی است، صلحی که در روایت ده سال عنوان شده است.

بعید نیست نماز مسیح پشت سر امام عجل الله تعالی فرجه چند سالی بعد از نزول از آسمان باشد، یعنی هنگامی که آنان معاهده‌ی صلح را نقض، و برای نبرد با امام عجل الله تعالی فرجه لشکرکشی می‌کنند. از این رو حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه به شرق می‌آید و با اقتدا به ایشان، موقف صریح خود را اعلام می‌کند.

در هم شکستن صلیب و کشتن خوک هم که در روایات سنیان فراوان آمده است، پس از شکست غریبان در نبرد با امام عجل الله تعالی فرجه و ورود ایشان به همراه مسیح عجل الله تعالی فرجه به مناطق آنان و استقبال مردمان آن مناطق است.

حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه را در میان‌سالی بالا بردند و در همان میان‌سالی است که به زمین فرود خواهد آمد. در تفسیر آیه‌ی: **وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ**^۱، و در گهواره و در میان‌سالی با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است، آمده که ایشان هنگام ولادت در گهواره با مردم سخن گفت، و در میان‌سالی چون از آسمان فرود آید سخن خواهد گفت.

ابن عباس گوید: او در سی سالگی بالا برده شد.^۲

مجمع البیان ۲/ ۲۹۵ می‌نگارد: «سخن گفتن در میان‌سالی، پس از آن است که از آسمان فرود آید تا دجال را بکشد. ایشان سی و سه ساله بود که به آسمان بالا برده شد، و این پیش از میان‌سالی است.»^۳

تفسیر بغوی ۱/ ۳۰۸ می‌نویسد: «به حسین بن فضل گفتند: آیا نزول عیسی در قرآن آمده است؟ او گفت: آری، این آیه: **وَكَهْلًا**، او در دنیا به میان‌سالی نرسید، و این امر پس از فرود آمدن از آسمان تحقق خواهد یافت.»

نگارنده: حتی اگر آن گونه که بیضاوی ۲/ ۴۰، زرکشی ۳/ ۶۷ و الدر المنثور ۲/ ۲۴ می‌گویند که

۱. سوره‌ی آل عمران ۴۶/

۲. تفسیر بغوی ۲/ ۷۷

۳. تفسیر طبری ۳/ ۳۷۱، ثعلبی ۳/ ۶۹ و رازی ۸/ ۵۵

او پیش از بالا رفتن به آسمان در میانسالی با مردم سخن گفته باشد، پس از فرود آمدن نیز تکلم خواهد نمود.

تفسیر طبری ۱۴/۶ می نویسد: «ابن زید در تفسیر: وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ، گوید: ابن عباس، ابن زید، ابومالک و حسن بصری گویند: چون عیسی بن مریم فرود آید و دجال را بکشد، هیچ یهودی در زمین باقی نمی ماند جز آنکه به او ایمان آورد، او افزود: این هنگامی است که ایمان به آنان نفعی نرساند.»^۱

البته جمله‌ی اخیری مردود است، چون هنوز عرصه‌ی تکلیف باقی است.
بیهقی ۱۸۰/۹ می نویسد: «مجاهد در تفسیر آیه‌ی: حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا،^۲ تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود، گوید: مقصود آن است که تا زمانی که عیسی بن مریم فرود می آید.»^۳

نزول مسیح عَلَيْهِ السَّلَام در منابع اهل سنت

صحیح بخاری ۴/۲۰۵ روایت می کند: «شما چگونه خواهید بود زمانی که پسر مریم در میان شما فرود آید و امامتان از شما باشد؟»^۴

مسند طیلانی ۳۳۵/۱ از ابوهریره از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند: «پیامبران، برادرانی از یک پدر هستند و مادرانی متفاوت دارند، و دین آنان یکی است. من نزدیکترین مردم به عیسی بن مریم هستم، زیرا بین من و او پیامبری نبود، پس چون او را دیدید بشناسید که مردی است با قامتی متوسط، رنگ او به سرخی و سفیدی می زند، دو جامه‌ی راه راه بر تن دارد، گویا سرش [قطرات آب] می چکد ولی هیچ رطوبتی به او اصابت نکرده است.

او صلیب را در هم می شکنند، خوک را می کشد و ثروت می پراکند. خدا در زمان او تمامی

۱. التبیان ۳/ ۳۸۶ و الدر المنثور ۲/ ۲۴۱

۲. سوره‌ی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ / ۴

۳. الجامع لاحکام القرآن ۱۶/ ۲۲۸ و الدر المنثور ۶/ ۴۷

۴. صحیح مسلم ۱/ ۱۳۶ و ۱۳۷، ابو عوانه ۱/ ۱۰۶، الملاحم ابن منادی ۵۷/، ابن حبان ۸/ ۲۸۳ و ۲۸۴، الاسماء بیهقی ۵۳۵/، بغوی ۳/ ۵۱۶ و ...

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ادیان غیراسلام را از میان خواهد برد. خدا در دوران او مسیح گمراهی، یک چشم کذاب را از بین می‌برد، و امنیت در زمین برقرار می‌شود، تا جایی که شیر با شتر می‌چرد، پلنگ با گاو و گرگ با گوسفند. کودکان با مارها بازی می‌کنند، و دیگر همدیگر را گاز نمی‌گیرند. سپس چهل سال در زمین می‌ماند، بعد می‌میرد و مسلمانان بر او نماز گزارده به خاک می‌سپارند.^۱ مسند احمد ۱۱/۲ از همو از ایشان نقل می‌کند: «نزدیک است آن کس از شما که زنده ماند، عیسی بن مریم را ببیند، در حالی که او امامی هدایت یافته و حاکمی عادل است. پس صلیب را می‌شکند و خوک را به قتل می‌رساند، جزیه را کنار می‌زند، و جنگ [در زمان او] پایان می‌یابد.»

کنار زدن جزیه به معنای آن است که حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه دو گزینه‌ی اسلام و جنگ را بر اهل کتاب عرضه می‌کند.

جامع الاحادیث سیوطی ۹/ ۴۴۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «پس اگر [عیسی] بر قبر من بایستد و صدا زند: ای محمد! هرآینه او را پاسخ خواهم داد.»

مسند الشامیین ۱/ ۳۱۷: «... و در حلال خواهد افزود. ابوالاشعث گفت: ای ابوهریره! به خدا گمان نمی‌کنم در چیزی از حلال بیفزاید، مگر زنان. ابوهریره به من نگاه کرد، تبسم نمود و گفت: درست است.»

نگارنده: مقصود ابوهریره آن است که حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه برخی زنان را بر مسلمین حلال می‌کند، و البته دروغ می‌گوید، چرا که مسیح تابع شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود، نه قانونگذار.

البیان گنجی / ۵۰۰ از ابو سعید از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «از ما کسی است که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌خواند... حافظ ابو نعیم در مناقب المهدی عجل الله تعالی فرجه آن را نقل می‌کند.»^۲

همان / ۹۷ از حذیفه از آن حضرت نقل می‌کند: «مهدی صورت خود را بر می‌گرداند، و عیسی نازل شده است و گویا از موهایش آب می‌چکد، مهدی می‌گوید: جلو بایست و به مردم نماز گزار، عیسی گوید: نماز تنها برای شما به پا شده است، و عیسی پشت سر مردی

۱. عبدالرزاق ۱۱/ ۴۰۱، الفتن ۱۶۳ و ۱۶۴، المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵/ ۱۵۸، مسند احمد ۲/ ۴۰۶ و ۴۳۷، سنن ابوداود ۴/ ۱۱۷ و ۱۱۸ و المسند الجامع ۱۸/ ۴۳۴

۲. الجامع الصغیر ۲/ ۵۴۶، فیض القدیر ۶/ ۱۷، المنار المنیف ۱۴۷/ و الحاوی ۲/ ۶۴

از فرزندان من نماز به جا می آورد.

بعد از نماز عیسی برمی خیزد، در مقام نشسته و با او بیعت می کند. او چهل سال درنگ خواهد نمود. ابو نعیم این را در مناقب المهدی علیه السلام آورده است.^۱

القول المختصر / ۸: «امام آنان و امام عیسی، به آنان نماز خواهد گزارد.»

ارتقاء الغرف / ۲۵۳ از حذیفه: «او پشت سر مردی از فرزندانم نماز می خواند.»

بدائع الزهور / ۱۸۹ از اويس ثقفی از پیامبر صلی الله علیه و آله: «عیسی بن مریم در نزدیکی های قیامت نزول می کند. او بر مناره ی سفیدی که در شرق مسجد جامع دمشق است فرود می آید. قامتی معتدل، موهایی سیاه و رنگ پوستی سفید دارد. هنگامی که فرود آید وارد مسجد می شود و بر منبر می نشیند. مردم از این خبر آگاه می شوند و مسلمان و یهودی و مسیحی حضور او می آیند. آنان چنان ازدحام می کنند که برخی سر برخی دیگر را لگد می کنند. اذان گوی مسلمین می آید و نماز صبح به پا داشته می شود. پس عیسی مأوم بوده به مهدی اقتدا خواهد نمود.»

المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵ / ۱۳۶ از عثمان بن ابی العاص: «عیسی بن مریم هنگام نماز صبح فرود می آید. امیر مردم می گوید: ای روح الله! پیش رو و به ما نماز گزار، او می گوید: ای امت! برخی از شما امیر بر دیگران است، تو خود جلو برو و به ما نماز بگزار. پس امیر جلو رفته نماز را به جا می آورد. چون تمام شود، عیسی دشنه اش را برداشته به سمت دجال می رود. دجال با دیدن او بسان سرب ذوب می شود. عیسی دشنه را میان دو پستان او می گذارد و به هلاکت می رساند، و پس از آن یارانش طعم شکست را می چشند.»^۲

عقد الدرر / ۲۷۴ از امیر المؤمنین علی علیه السلام در جریان دجال نقل می کند: «مهدی داخل بیت المقدس می شود و به عنوان امام بر مردم نماز می گزارد. چون روز جمعه و هنگام نماز فرا رسد، عیسی بن مریم در حالی که دو جامه ی روشن سرخ در بردارد و گویا از سرش روغن می چکد، فرود می آید. او مردی است با موهای تا حدی مجعد و چهره ای روشن، و شبیه

۱. و عقد الدرر / ۱۷ و ۲۲۹ و الحاوی / ۲ / ۸۱

۲. مسند احمد / ۴ / ۲۱۶ و ۲۱۷، المعجم الكبير / ۹ / ۵۱ و المستدرک / ۴ / ۴۷۸ وی آن را بنابر شرط مسلم صحیح می داند.

ترین خلق خدای عزوجل به پدرتان ابراهیم خلیل الرحمن عليه السلام.

مهدی رو می گرداند و او را نظاره کرده گوید: ای پسر بتول! بر مردم نماز به جا آور. عیسی پاسخ می دهد: این نماز برای شماست که برپا شده، پس مهدی جلو می رود و بر مردم نماز می گزارد، و عیسی پشت سر او نماز می خواند و با او بیعت می کند.

عیسی بیرون آمده و با دجال روبرو می شود. ضربه ای بر او می زند و دجال بسان سرب ذوب می گردد. زمین [دیگر] احدی از آنان [پیروان دجال] را بر خود نخواهد پذیرفت، و سنگ و درخت صدا خواهند زد: ای مؤمن! [پشت یا] زیر من کافر است، او را به قتل رسان. آنگاه عیسی عليه السلام با زنی از غسان ازدواج می کند و برایش فرزندی به دنیا می آید. او به قصد حج می رود، ولی خداوند تعالی روح او را پیش از رسیدن به مکه قبض خواهد نمود.

سنن الدانی / ۱۴۳ از جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله: «هماره طائفه ای از امت من در دفاع از حق می جنگند، تا آنکه عیسی بن مریم به هنگام طلوع فجر در بیت المقدس نزد مهدی فرود آید. به او گفته شود: ای نبی خدا! جلو برو و بر ما نماز گزار، او می گوید: برخی از این امت بر برخی دیگر امیرند، و این بابت گرامیداشت خدای عزوجل نسبت به آنهاست.»

مسند احمد ۲ / ۲۹۰ از ابوهریره از آن حضرت روایت می کند: «عیسی بن مریم فرود می آید. خوک را می کشد و صلیب را محومی نماید. برای نماز جمعه ای او گرد می آیند. اموال را می بخشد تا جایی که دیگر پذیرفته نشود. مالیات را برمی دارد. او در روحاء سکنی می گزیند و از آنجا به حج یا عمره و یا هر دو می رود.

ابوهریره در ادامه این آیه را خواند: **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا**.^۱

نگارنده: باید این احادیث را به خاطر داشت، احادیثی که اهل تسنن آنها را نقل کرده اند، و بر برخی مهر صحت زده اند، و صراحت دارد در اینکه حضرت مسیح عليه السلام به امام زمان عليه السلام اقتدا می کند. باید آنها را به خاطر داشت، پیش از آنکه شارحان از خواب غفلت بیدار شوند و آنها را از کتب حذف کنند!

۱. و المستدرک ۲ / ۵۹۵ - وی آن را صحیح می شمارد -، جامع الاحادیث سیوطی ۵ / ۴۷۶ و علل الحدیث ۲ / ۴۱۳

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عليه السلام

منزلت امام عليه السلام

حکومت امام عليه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عليه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عليه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عليه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

الفتن / ۱۶۱ از عبد الله از رسول خدا ﷺ: «وقتی دجال به گردنه‌ی افیق برسد، سایه‌اش بر مسلمانان می‌افتد. آنان برای نبرد با او زه کمان هایشان را می‌بندند، پس این ندا را می‌شنوند: ای مردم! فریاد رس به نزد شما آمد. مردم که از گرسنگی ضعیف شده‌اند می‌گویند: این سخن مردی سیراست، [ولی] سه بار آن ندا را می‌شنوند. زمین به نور آن روشن می‌شود و قسم به پروردگار کعبه عیسی بن مریم فرود می‌آید و ندا در می‌دهد: ای گروه مسلمانان! ستایش پروردگارتان را به جای آرید، او را تسبیح و تهلیل کنید و تکبیر گویند، آنان هم چنین می‌کنند. آنان [دجال و پیروانش] به سرعت بگریزند، ولی خداوند زمین را بر آنها تنگ می‌کند، و در نیم ساعت به دروازه‌ی لد می‌رسند، و با نزول عیسی در کنار آن مواجه می‌شوند.

او به عیسی نگاه می‌کند و می‌گوید: نماز را به پا دار، عیسی گوید: ای دشمن خدا! برای توبه پا داشته شده، پیش رو و نماز گزار. وقتی که او جلو رود عیسی گوید: ای دشمن خدا! پنداشتی که پروردگار جهانیا، پس چرا نماز می‌خوانی؟ و با پاره آهنی که با خود دارد بر او ضربه‌ای وارد کرده او را به هلاکت می‌رساند. آنگاه احدی از انصار او زیرو یا پشت چیزی نخواهند بود، مگر آنکه آن چیز صدا زند: ای مؤمن! این دجالی است، او را بکش.»

تأثیرگذاری کعب الاحبار در این سخن به وضوح به چشم می‌خورد، و این عبارت و امثال آن را می‌آوریم تا اینان بهتر شناخته شوند.

احادیث نزول حضرت عیسی علیه السلام در منابع ما شیعیان

تفسیر قمی ۱/ ۱۵۸ از شهر بن حوشب نقل می‌کند: «حجاج به من گفت: آیه‌ای در کتاب خداست که مرا به عجز در آورده است! گفتم: ای امیر! کدام؟ گفت: **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ**، و از اهل کتاب کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد؛ به خدا من فرمان می‌دهم و گردن یهودی و مسیحی را می‌زنند، و با چشم او را زیر نظر می‌گیرم ولی تا دم مرگش نمی‌بینم لب از لب بگشاید.

من گفتم: خدا امور امیر را سامان دهد، آن گونه نیست، گفت: پس تأویلش چیست؟ گفتم: پیش از روز قیامت عیسی به دنیا فرود می‌آید. پس هیچ یهودی و مسیحی باقی

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نمی‌ماند، جز آنکه پیش از مرگش بدو ایمان می‌آورد، و او پشت سر مهدی نماز می‌گزارد.

حجاج گفت: وای بر تو، این مطلب را از کجا به دست آورده‌ای؟ گفتیم: محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب برایم گفت، حجاج گفت: به خدا قسم از چشمه‌ای صاف آن را برگرفته‌ای.»

امالی صدوق / ۱۸۱ از معمر بن راشد از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «یک یهودی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و ایستاد و به ایشان خیره شد، حضرت فرمودند: ای یهودی! چه حاجتی داری؟ او گفت: شما برترید یا موسی بن عمران، پیامبری که خدا با او سخن گفت، و تورات و عصا را برایش فرو فرستاد، دریا را برایش شکافت و با بر او سایه گسترد؟ ایشان فرمودند: بر بنده خوب نیست خود را نیکو شمارد، لکن گویم: آدم عجل الله تعالی فرجه هنگامی که خطا کرد، توبه‌اش این بود که گفت: خدایا! از توبه محمد و آل محمد می‌خواهم که برایم ببخشی، و خدا ببخشد.

نوح چون سوار کشتی شد و از غرق شدن هراسید، صدا زد: خدایا! از توبه محمد و آل محمد می‌خواهم که مرا از غرق شدن برهانی، و خدا او را نجات داد.

ابراهیم چون در آتش افکنده شد، عرضه داشت: خدایا! از تومی‌خواهم که به محمد و آل محمد من را از آن نجات ببخشی، پس خدا آن را برای او خنک و به سلامت قرارداد.

موسی چون عصا را بیفکند و در درون هراسید، گفت: خدایا! به محمد و آل محمد از تو مسئلت دارم که مرا ایمن گردانی، پس خداوند جل جلاله فرمود: نه‌راس، تو خود [فائق و] برتری.

ای یهودی! اگر موسی مرا درک می‌کرد و به من و نبوتم ایمان نمی‌آورد، ایمان و نبوتش هیچ سودی برایش نمی‌داشت.

ای یهودی! مهدی از فرزندان من است. چون خروج کند، عیسی بن مریم برای نصرتش فرود آید. او را پیش دارد و پشت سرش نماز گزارد.»^۱

۱. و نیز احتجاج ۱/ ۴۷ و ۴۸، روضة الواعظین ۲/ ۲۷۲، جامع الاخبار ۸/، تأویل الآیات ۱/ ۴۸ و اثبات الهداة ۳/ ۴۹۵، ۵۲۴ و ۵۶۶

کمال الدین ۱ / ۳۳۱ از ابویوب مخزومی روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام سیره‌ی امامان دوازده گانه علیهم السلام را یاد کردند، به آخرین ایشان که رسیدند فرمودند: دوازدهمین، کسی است که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌گزارد.»

تفسیر فرات / ۴۴ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «ای خثیمه! زمانی براین مردم فرا خواهد رسید که خدا را نمی‌شناسند و نمی‌دانند توحید چیست، تا آنکه خروج دجال فرارسد و عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و خداوند دجال را به دست او بکشد، و مردی از ما اهل بیت به آنان نماز بگزارد. آیا نمی‌بینی که عیسی با این که پیامبر است، پشت سر نماز می‌خواند؟ بدان که ما از او برتریم.»

کراجکی رحمه الله در التفضیل / ۲۴ می‌نگارد: «یکی از روایاتی که شیعیان و برخی حدیث نگاران سنی نقل می‌کنند این است: چون حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند، خداوند تعالی مسیح علیه السلام را فرو می‌فرستد، و آن دو گرد می‌آیند. هنگامی که وقت نماز واجب فرارسد، مهدی به مسیح گوید: ای روح الله! جلو برو. و مقصود او آن است که پیش رود و امامت نماز را عهده دار شود. مسیح در جواب گوید: شما خاندانی هستید که احدی بر شما پیشی نگیرد، پس مهدی علیه السلام پیش می‌رود و مسیح پشت سرش نماز می‌خواند.»

علت تحریف گزارشات نزول مسیح علیه السلام توسط سلطه

احادیث فرود آمدن مسیح علیه السلام و اقتدای ایشان به حضرت مهدی وَعَلَيْهِ السَّلَام، برای پیروان خلافت قریش گران است، زیرا بر افضلیت حضرت مهدی علیه السلام بر عیسی علیه السلام دلالت دارد، و نیز یاران مسیح علیه السلام را بر صحابه - ای که آنها افضل امت می‌انگارند - برتری می‌دهد.

استدراک ذهبی ۲ / ۱۱۲۱ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند: «دجال با قومی مانند شما و یا بهتر مواجه می‌شود - و این را سه بار تکرار کردند - و خداوند امتی را که من در ابتدای آن و عیسی بن مریم در انتهای آن است هرگز خوار نگرداند.»

همان ۲ / ۷۷۴: «مسیح با اقوامی از این امت که مانند شما و یا بهترند، روبرو می‌شود - و سه بار تکرار کردند - و خدا امتی را که من ابتدای آن هستم و مسیح در منتهای آن است،

هرگز خوار نکند.»

قرطبی در التذکره ۲/ ۷۶۲: «مسیح بن مریم با مردانی از امت من که مانند شما و یا برتر از شمایند، مواجه خواهد شد.»

دیلمی در فردوس ۵/ ۵۱۵: از ابوهریره از پیامبر ﷺ: «عیسی بن مریم نزد هشتصد مرد و چهارصد زن فرود می‌آید. آنان بهترین کسان بر زمین و شایسته‌ترین کسان گذشته‌اند.»^۱

المستدرک ۳/ ۴۱: از آن حضرت نقل می‌کند: «دجال با قومی مانند شما و یا بهتر مواجه می‌شود - و این را سه بار تکرار کردند - و خداوند امتی را که من در ابتدای آن و عیسی بن مریم در انتهای آن است هرگز خوار نگرداند.»

و می‌افزاید: این حدیث بنا بر شرط شیخین صحیح است، ولی آن دو آن را نقل کرده‌اند.^۲

ترمذی در نوادر الاصول ۱۵۶: از ابن سمره روایت می‌کند: «چون پیامبر ﷺ صدای گریه‌ی مسلمین بر شهدای تبوک را شنید فرمود: علت این گریه چیست؟ گفتند: چرا گریه نکنیم در حالی که بهترینان، اشراف و اهل فضل ما کشته شده‌اند!

فرمودند: نگرید، زیرا مثل امت من مثل بوستانی است که صاحب آن بر آن نظارت دارد، زوائد آن را می‌کند و خانه‌های آن را آماده می‌کند. آن بوستان یک سال گروهی را اطعام می‌کند و یک سال گروهی دیگر را، و شاید آخرین گروهی که از آن اطعام می‌شوند، بهترین چیدن و طولانی‌ترین شاخه نصیبشان شود. قسم به کسی که مرا به حق به پیامبری مبعوث داشت، پسر مریم در امت من جانشینانی از حواریان خود خواهد یافت.»^۳

اما حدیثی که امامان عترت علیهم السلام را نیز ذکر می‌کند: البیان گنجی ۵۰۸/ از آن حضرت: «خدا چگونه امتی را که من در ابتدای آن هستم، عیسی در انتهای آن، و مهدی از اهل بیتم در وسط آن قرار دارند، هلاک گرداند.

وی در ادامه می‌نگارد: این حدیثی است حسن، حافظ ابو نعیم آن را در عوالی و احمد بن حنبل در مسند نقل کرده‌اند.»

۱. جمع الجوامع ۱/ ۱۵۱۷، التصریح کشمیری ۲۵۴ و جامع الاحادیث سیوطی ۸/ ۱۸۱

۲. العرائس ثعلبی ۲۲۷ و مناقب ابن مغازلی ۳۹۵

۳. الدر المنثور ۲/ ۲۴۵، کنز العمال ۱۲/ ۱۸۱ و التصریح ۲۱۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سلمی در عقد الدرر/ ۱۴۶ می نویسد: «امام احمد بن حنبل در مسند و حافظ ابو نعیم در عوالی آن را آورده اند.» در حاشیه ی این کتاب آمده است: این حدیث در مسند احمد یافت نشد.

نگارنده: ما نیز آن را نیافتیم و به دست دزدان تحریف شده است.

این حدیث در مصادر حدیثی ما به طور کامل آمده است، شیخ صدوق رحمه الله در عیون اخبار الرضا علیه السلام ۱/ ۵۲ از امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول گرامی صلی الله علیه و آله روایت می کند: «شاد باشید، شاد باشید، شاد باشید که مثل امت من مثل بارانی است که نمی دانند اول آن بهتر است یا آخر آن. مثل امت من مثل بستانی است که گروهی یک سال از آن اطعام می شوند و سپس گروهی [دیگر] یک سال، و شاید آنچه نصیب آخرین گروه شود، وسیعتر، پربارتر و چیدنی هایش بهتر باشد. امتی که من ابتدای آن هستم، دوازده تن از سعیدان و صاحبان خرد پس از من هستند و مسیح عیسی بن مریم در انتهای آن، چسان هلاک شود؟ ولی در این بین فتنه جویان به هلاکت می رسد، نه آنان از من هستند و نه من از آنان.»^۱

همان ۱/ ۵۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند: «امتی که من و علی و یازده تن از فرزندانم که صاحبان خرد هستند، در ابتدای آن هستیم، و مسیح بن مریم در پایان آن، چسان هلاک شود؟ لکن در این بین کسانی که نه از من هستند و نه من از آنها هستم به هلاکت می رسند.» غیبت شیخ طوسی / ۱۱۴ از عبد الله بن عمرو عاص از ایشان روایت می کند: «... آن هنگام است که مهدی خارج خواهد شد. او مردی از نسل این است - و به حضرت امیر علیه السلام اشاره فرمودند -. خداوند به واسطه ی او دروغ را از بین می برد و زمان دشوار را پایان می دهد، و به اوست که ذلت بردگی را از گردن هایتان بدر می برد.

در ادامه فرمودند: من ابتدای این امت هستم، مهدی وسط و عیسی در انتهای آن خواهند بود، و در این میان کژانی خواهند رسید.»

نگارنده: مشابه این حدیث در منابع اتباع خلافت نیز آمده است، نوادر الاصول / ۱۵۶ از

۱. و نیز کمال الدین ۱/ ۲۶۹، خصال ۲/ ۴۷۵، کفایة الاثر ۱/ ۲۳۰، العمدة ۲/ ۴۳۲، الایضاظ من الهجعة / ۳۷۴، اثبات الهداة ۳/ ۶۱۷ و غایة المرام / ۷۱۰

ابن عباس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند: «خداوند، امتی را که من در آغاز آن، عیسی در انتها و مهدی از اهل بیتم در وسط آن قرار دارند، چسان هلاک گرداند؟»^۱

همه اتفاق دارند که امام مهدی عجل‌الله‌فرجه در آخرامت است، لذا ترجیح می‌دهیم اصل روایت آن باشد که در اخبار الدول / ۷۶ آورده، وی از ابن عباس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند: «امتی که من در ابتدای آنم، عیسی بن مریم در آخر و شهدای از اهل بیتم در وسط آنند، چگونه هلاک شود؟»

نوادر المعجزات / ۱۹۷ از همواز آن حضرت: «امتی که من در ابتدای آنم، مهدی از اهل بیتم در وسط و عیسی بن مریم در آخر آنند، چسان از بین رود؟»^۲

مسند طرابلسی / ۲۷۰ از انس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «مثل امت من، مثل باران است که معلوم نیست ابتدای آن بهتر است یا انتهای آن.»^۳

سنن ترمذی / ۵ / ۱۵۲ روایت می‌کند: «شما را بشارت باد، بر شما بشارت باد که مثل امتم، مثل بارانی است که معلوم نیست آخر آن بهتر است یا اولش، و یا بوستانی که گروهی یک سال و گروهی دیگری یک سال از آن اطعام شوند.»

امتی که من در آغاز آن، مهدی در وسط و مسیح در انتهایش باشد چسان هلاک گردد؟ ولی در این بین کژانی خواهند بود که نه از منند و نه من از ایشان هستم.

ترمذی در ادامه می‌نویسد: در این باب از عمار و عبد الله بن عمرو و نیز عبد الله بن عمر روایت آمده است. این حدیث حسن و غریب است.»^۴

نتیجه: احادیث اقتدای حضرت عیسی عجل‌الله‌فرجه به امام مهدی عجل‌الله‌فرجه صحیح است، لذا ایشان از او که رسولی از اولی‌العزم است افضل می‌باشد. یاران مسیح و مهدی عجل‌الله‌فرجه از اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برترند، و ضمانت عدم هلاکت امت، امامان از عترت، حضرت مهدی و مسیح عجل‌الله‌فرجه هستند.

۱. تفسیر ثعلبی ۳ / ۸۲، طبری ۳ / ۲۰۳ و تاریخ دمشق ۵ / ۳۹۴ و ۴۷ / ۵۲۲

۲. مشابه آن الکشف و البیان ۳ / ۸۲، جامع سیوطی ۵ / ۱۲۶ و ۳۶۷ و نیل الاوطار ۸ / ۳۱۳

۳. و نیز مسند احمد ۳ / ۱۳۰ و ۱۴۳ و ۴ / ۳۱۹ و تأویل مختلف الحدیث / ۱۱۵

۴. و نوادر الاصول / ۱۵۶، مسند ابویعلی / ۱ / ۱۶۵، ابن حبان / ۹ / ۱۷۶، بغوی / ۴ / ۲۳۳، مسند الشهاب / ۲ / ۲۷۶

و مجمع الزوائد / ۱۰ / ۶۸

در روایات اهل سنت، مسیح عَلَيْهِ السَّلَام قاتل دجال است، ولی در روایات ما امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

در سخنان یهود، مسیحیان و پیروان خلافت آمده که کشنده‌ی دجال مسیح عَلَيْهِ السَّلَام است، لکن در روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، این حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است که او را به هلاکت می‌رساند. مؤید این مطلب آن است که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام وزیر خواهد بود و نه امیر. طرابلسی در مسند خود / ۱۷۰ از مجمع بن جاریه از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند: «پسر مریم دجال را برکنار دروازه‌ی لد به قتل می‌رساند.»

البته ممکن است این گفتاری از کعب الاحبار باشد که به حضرت نسبت داده‌اند! الفتن / ۱۵۸: «عمر به مردی یهودی گفت: من تورا صادق یافته‌ام، در مورد دجال برایم بگو، او گفت: قسم به خدای یهود، پسر مریم او را در آستانه‌ی [دروازه‌ی] لد به قتل خواهد رساند. کعب گوید: چون دجال از نزول عیسی بن مریم مطلع شود فرار کند. عیسی به دنبال او می‌رود و در کنار دروازه‌ی لد به او رسیده به قتل می‌رساند. آنگاه همه چیز به سمت یاران دجال راهنمایی می‌کند و صدا می‌زند: ای مؤمن! این کافراست.»

این سخن تحریف گفتار نبوی است که درخت و سنگ صدا می‌زند: ای مسلمان! این یهودی پشت من است، او را بکش. کعب الاحبار و به تبع او شاگردانی مثل عبد الله بن عمرو عاص دست به چنین تحریفاتی زده‌اند! در برخی روایات ما نیز آمده که حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام او را به قتل می‌رساند که به امر امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود.

ابوهریره امید آن داشت که مسیح عَلَيْهِ السَّلَام را درک کند

المصنف عبدالرزاق ۴۰۲ / ۱۱ از یزید بن اصم از ابوهریره نقل می‌کند: «شما مرا می‌بینید که به سنّ پیری رسیده‌ام، و نزدیک است در اثر کهولت سن دو ترقوه‌ام با هم برخورد کنند، به خدا سوگند امید آن دارم که عیسی را درک کرده و برایش درباره‌ی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سخن گویم، او هم مرا تصدیق کند.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

الفتن / ۱۶۱ در ادامه می‌افزاید: «سپس به من رو کرد و دید از کم سال ترین اهل مجلس هستم، و گفت: ای پسر برادرم! اگر او را دیدی سلام مرا برسان.»^۱

آرزوهای ابوهریره ارزشی ندارد، و متأسفانه وی این سخن را به پیامبر ﷺ نسبت داده است، مسند احمد ۲/ ۲۹۸ از ابوهریره از آن حضرت نقل می‌کند: «من امیدوارم که اگر عمرم طولانی شود، عیسی بن مریم عليه السلام را ببینم، پس اگر مرگ زودتر به سراغم آمد، هرکه او را دید از من سلام برساند.»^۲

منابع سنی می‌پندارند مسیح عليه السلام با رسول خدا صلى الله عليه وآله دفن می‌شود

وفاء الوفاء ۲/ ۸۱۴ از عبد الله بن عمرو از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «عیسی بن مریم به زمین فرود می‌آید. ازدواج می‌کند و برایش فرزند زاده می‌شود. او چهل و پنج سال درنگ می‌کند، سپس می‌میرد و با من در قبرم دفن می‌گردد، و من و عیسی بن مریم از یک قبر و بین ابوبکر و عمر برخوایم خواست.»

المسیح ابن کثیر / ۱۴۹ از عایشه به طور مرفوع: «او با پیامبر و ابوبکر و عمر در حجره نبوی دفن خواهد شد.»

الفتن ۲/ ۵۸۰ از عبد الله بن سلام از پدرش: «در تورات یافته‌ایم که عیسی بن مریم با محمد دفن خواهد شد.»

ابو مودود گوید: در خانه [ی پیامبر] موضع قبر عیسی بن مریم باقی مانده است.»

التاریخ الکبیر بخاری ۱/ ۲۶۳: «عیسی بن مریم با پیامبر صلى الله عليه وآله در خانه‌ی ایشان دفن خواهد شد.»

سنن ترمذی ۵/ ۵۸۸: «در تورات اوصاف محمد و اوصاف عیسی که با او دفن خواهد شد، نوشته است.»

البته ابن کثیر در البدائة و النهایة ۲/ ۱۱۸ درباره‌ی حدیث ترمذی گوید: «سند آن صحیح نیست.»

۱. مشابه آن المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵/ ۱۴۵

۲. المعجم الصغیر ۱/ ۲۵۶، المستدرک ۴/ ۵۴۵ و مجمع الزوائد ۸/ ۵ وی می‌نویسد: احمد با دو سند آن را نقل می‌کند، یکی مرفوع است که همین است و دیگری موقوف، و رجال هر دو رجال صحیح است.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عليه السلام
منزلت امام عليه السلام
حکومت امام عليه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عليه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عليه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عليه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

خط مقریزی ۱/ ۱۸۸ می نویسد: «در روایت است که پیامبر ﷺ به گروه جذام گفتند: مرحبا به قوم شعیب و خانواده‌ی همسر موسی، قیامت به پانمی شود تا آنکه مسیح از میان شما همسری بگیرد و برایش فرزند به دنیا آید.»

چهار مطلب پیرامون نزول حضرت عیسیٰ علیہ السلام

نخست: مسیح علیہ السلام کجا فرود می‌آید؟

در روایات اهل بیت علیهم السلام در این باره چیزی نرسیده است، لذا احتمال نزول ایشان در غرب و یکی از پایتخت‌های مسیحیان پیش می‌آید همان گونه که در نظر ما رجحان دارد. اما در منابع اهل سنت روایت شده که او در دمشق فرود می‌آید، قدیمی‌ترین عبارت در این رابطه الفتن ۲/ ۵۶۷ از کعب الاحبار: «مسیح عیسی بن مریم علیهما السلام کنار پل سفید بر در شرقی دمشق به سمت درخت فرود می‌آید.»

صحیح مسلم ۴/ ۲۲۵۰ از نواس بن سمان: «یک روز صبح رسول خدا ﷺ دجال را یاد نموده و شأن او را حقیر و دوران او را نزدیک دانستند، چنانکه ما پنداشتیم او در جانب نخل هاست... دجال از کنار ویرانه‌ای می‌گذرد و بدان می‌گوید: گنج‌هایت را بیرون آر، پس گنج‌ها مانند ملکه‌های زنبور عسل در پی او خواهند آمد. سپس جوانی را فرا خوانده، او را با شمشیر چنان ضربه‌ای می‌زند که دو نیم می‌کند، و تنها به اندازه‌ی پرتاب تیری به سمت هدف در میان دو قسمت بدن او فاصله می‌ماند. سپس آن جوان را می‌خواند و او در حالی که خندان است و چهره اش می‌درخشد به سوی او می‌آید!

در این هنگام خداوند مسیح را مبعوث می‌کند و او کنار مناره‌ی سفیدی که در شرق دمشق قرار دارد در حالی که دو جامه زرد رنگ در بردارد، و دو کف دستش را بر بال دو فرشته گذاشته فرود می‌آید. هنگامی که سرش را پایین می‌برد قطرات عرق و وقتی سرش را بالا می‌گیرد، دانه‌هایی چون گوهر فرو می‌ریزد. هر کسی رایحه‌ی نفس او را استشمام نماید خواهد مرد.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر
سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

عبارت اخیر، سخنی سست است که شارحان مسلم را به حیرت انداخته است، یعنی کافر چون رایحه‌ی نفس مسیح را استشمام کند خواهد مرد!

سومین روایت: بدائع الزهور / ۱۸۹ از اوئیس ثقفی از پیامبر صلی الله علیه و آله: «او برمناره‌ی سفیدی که در شرق مسجد جامع دمشق است فرود می‌آید.»

چهارمین: سنن الدانی / ۱۴۳ از جابر از آن حضرت: «هماره طائفه‌ای از امت من در دفاع از حق می‌جنگند، تا آنکه عیسی بن مریم به هنگام طلوع فجر در بیت المقدس نزد مهدی فرود آید. به او گفته شود: ای نبی خدا! جلو برو و بر ما نماز گزار، او می‌گوید: برخی از این امت بر برخی دیگر امیرند، و این بابت گرامیداشت خدای عزوجل نسبت به آنهاست.»
نگارنده: این گزارشات قابل اعتماد نیستند، علاوه بر آنکه اشکال سندی هم دارند.

دوم: تلاش برای انکار اقتدای مسیح به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

حدیث اقتدا حتی نزد اهل سنت هم صحیح است، از این رو گریزی از آن نیست، گرچه برای آنان سنگین است، زیرا مهدی از عترت صلی الله علیه و آله را از پیامبری از اولوا العزم علیهم السلام برتری می‌داند.
بخاری ۴ / ۲۰۵ از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «شما چگونه خواهید بود زمانی که پسر مریم در میان شما فرود آید و امامتان از شما باشد؟»^۱

صحیح مسلم ۱ / ۱۳۷ و مسند احمد ۳ / ۳۴۵ از جابر از ایشان نقل می‌کنند: «عیسی بن مریم فرود می‌آید، امیر مردم می‌گوید: بیا به ما نماز گزار، او گوید: نه، برخی از شما امیر برخی دیگر است، تا خداوند این امت را گرامی بدارد.»^۲

سلمی در عقد الدرر فی اخبار المنتظر / ۱۰۶ باب دهم کتاب را چنین عنوان می‌کند: «باب دهم در اینکه عیسی بن مریم پشت سرایشان نماز می‌خواند، بیعت می‌کند و به خاطریاری ایشان فرود می‌آید.» وی در این باب نه حدیث و دو سخن را نقل می‌کند: حدیث بخاری و مسلم،

۱. صحیح مسلم ۱ / ۱۳۶ و ۱۳۷، ابو عوانه ۱ / ۱۰۶، الملاحم ابن منادی / ۵۷، ابن حبان ۸ / ۲۸۳ و ۲۸۴، الاسماء بیهقی / ۵۳۵، بغوی ۳ / ۵۱۶ و ...

۲. سنن بیهقی ۹ / ۳۹ و ۱۸۰، مسند ابویعلی ۴ / ۵۹، مسند ابو عوانه ۱ / ۱۰۶، ابن حبان ۸ / ۲۸۹، سنن الدانی / ۱۴۳، المحلی ۱ / ۹ و ۳۹۱ / ۷ و عمدة القاری ۱۶ / ۴۰

ابو نعیم از حذیفه، ابن حماد از عبد الله بن عمرو، جابر از سنن الدانی، هشام بن محمد از کتاب ابن حماد، ابی امامه از حلیه و ابن حماد، و حدیث حذیفه از سنن الدانی و حدیث جابر از مسند احمد، به علاوه ی گفتار کعب الاحبار و سدی از کتاب ابن حماد.

ابن حجر در فتح الباری ۶ / ۳۵۸ می نویسد: «نماز عیسی علیه السلام پشت سر مردی از این امت در آخر الزمان و نزدیکی های قیامت، بر قول صحیح - که عبارتست از اینکه همواره در زمین کسی خواهد بود که حجت الهی را به پا دارد - دلالت می کند.»

همان گونه که در ارشاد الساری گفته و تصریح کرده که این مرد مهدی است و عیسی به او اقتدا می کند، و همچنین است در عمدة القاری.

در فیض الباری هم روایتی را از ابن ماجه نقل می کند که تفسیری برای حدیث بخاری قلمداد می شود و می افزاید: این حدیث صریح در آن است که امام در احادیث [که مسیح بدو اقتدا می کند] امام مهدی است...

البته جریان اقتدای مسیح علیه السلام به امام مهدی رویه الشریع برای برخی از علمای آنها گران آمده، لذا اینگونه توجیه می کند که عیسی علیه السلام یک بار به ایشان اقتدا می کند، و بعد از آن دیگر امامت را خود بر عهده خواهد داشت، و اقتدای عیسی به امام مهدی علیه السلام گرامیداشت شخص امام علیه السلام نیست، بلکه به خاطر امت است!

اینان آنچه را که خداوند متعال به آل محمد علیهم السلام عطا کرده زیاد می شمردند، لکن اگر این فضائل و کمالات را به آل ابوبکر و آل عمر یا بنی امیه داده بود فریاد شادی بر می آوردند و علم آن را همه جا بر می افراشتند!

بعضی از اینان معنای این سخن: امامتان از شما باشد، را چنین گرفته اند: یعنی او بر اساس کتابتان بر شما امامت خواهد کرد! و لکن گنجی شافعی در البیان ۹۶ / ۴ این سخن را رد کرده و آن را تأویلی باطل می شمارد.

منای در فیض القدر ۶ / ۱۷ می نویسد: «عیسی هنگام نماز صبح بر مناره ی سفید در شرق دمشق فرود می آید. او می بیند امام مهدی آماده ی نماز است. مهدی چون از حضور او آگاه می شود عقب می رود. ولی عیسی علیه السلام او را جلوانداخته پشت سر مهدی نماز می گزارد.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور

عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

این چه فضل و شرافت عظیمی برای این امت است، البته با آنچه در برخی احادیث آمده که عیسی امام است، و سعد تفتازانی هم بدان قطع پیدا کرده و علت آن را افضلیت مسیح دانسته، منافاتی ندارد، زیرا بین این دو امر اینسان می‌توان جمع کرد که عیسی در ابتدا به مهدی اقتدا می‌کند تا بفهماند به عنوان پیرو و تابع پیامبر ما و شریعت او فرود آمده است، ولی بعداً بنا بر قاعده‌ی اقتدای مفضول به فاضل مهدی بدو اقتدا نماید.»!

مع الاسف اینان به اعتقاد خود این فضیلت و شرف را از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سلب، و به امت اهدا می‌کنند!

در میان آنان کسی که شهادت داشته باشد و بگوید که عیسی به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اقتدا می‌کند و این مطلب بر افضلیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دلالت دارد، کم پیدا می‌شود.

آقای میلانی سخن تفتازانی: اینکه گویند عیسی به مهدی اقتدا می‌کند اساسی ندارد، لذا نمی‌توان بر آن اعتماد نمود. آری، عیسی اگر چه از اتباع پیامبر صلی الله علیه و آله است، لکن خود نیز نبی است، لذا برتر از امام می‌باشد، زیرا نهایت چیزی که درباره‌ی عالمان امت می‌توان گفت آن است که شبیه انبیای بنی اسرائیل هستند - را نقل می‌کند، آنگاه پاسخ و ردّ سیوطی را بر او از کتاب الحاوی للفتاوی می‌آورد، سیوطی می‌نگارد: این سخن بسیار شگفت است، نماز خواندن عیسی پشت سر مهدی در چند حدیث صحیح آمده، و از خبرهای پیامبر صلی الله علیه و آله که راست گفتاری است که از ناحیه‌ی خدا تصدیق شده، می‌باشد، پیامبری که خبر او خلاف واقع نخواهد بود.

ایشان در ادامه سخن ابن حجر در الصواعق را می‌آورند که وی مدّعی تواتر روایات نماز حضرت عیسی پشت سر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

نگارنده: مشکل اتباع دستگاه خلافت، آن است که اینان مشروعیت خلافت امرایشان را بر روایتی بی‌اساس بنا نهاده‌اند، آنان می‌پندارند پیامبر صلی الله علیه و آله در بیماری منجر به وفات، به ابوبکر امر کردند بر مردم نماز به جای آورد، لذا گفتند او برتر از حضرت علی عجل الله تعالی فرجه است!

از این رو اگر بپذیرند که حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه به نواده‌ی امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه اقتدا می‌کند، چنین معنا دارد که فرع حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه از پیامبری از اولوا العزم برتر است، پس خود امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه چگونه خواهد بود؟

البته مشکل آنها لا ینحل است، بلکه با مانعی سخت تر روبرو هستند، آنها با سند صحیح روایت می کنند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دوستان امیرالمؤمنین، صدیقه ی طاهره و حسنین علیهما السلام را با خود و در درجه ی بهشتی خود همراه دانسته اند. این حدیث بدان معناست که درجه ی بهشتی گنجایش افراد بسیاری را دارد و محبان اهل بیت علیهم السلام افضل و برتر از همگانند، حتی از صحابه! مسند احمد ۱/ ۷۷ از جعفر بن محمد از پدرش از جدش روایت می کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفته فرمودند: هرآنکه من، این دو، پدر و مادرشان را دوست بدارد، روز قیامت با من و در درجه ام خواهد بود.»^۱

تهذیب الکمال ۲۹/ ۳۶۰ پس از نقل آن می نویسد: «عبد الله بن احمد گوید: هنگامی که نصر بن علی این حدیث را خواند، متوکل فرمان داد او را هزار تازیانه بزنند! جعفر بن عبد الواحد با متوکل صحبت کرد و گفت: این مردی سنی است، تا آنکه او را رها کرد.» شمس الدین ذهبی که در قرن هشتم بوده در صدد حلّ مشکلشان برآمده و در سیرالاعلام ۳/ ۲۵۴ گفته: سند آن ضعیف است و متن آن غیر قابل قبول.

بعد از او هم البانی در قرن پانزدهم آمد و در ضعیف سنن الترمذی / ۵۰۴ به تضعیف آن پرداخت. این دو بدون هرگونه دلیلی دست به این تضعیفات زده اند، علاوه برآنکه قرن ها با کسانی که این حدیث را صحیح شمرده اند فاصله دارند. تنها دلیل آنها بر تضعیف متن، آن است که فضائل پیامبر و اهل بیت ایشان علیهم السلام را بر نمی تابند و در صدد انکار آن هستند.

سوم: تأثیر گذاری حضرت مسیح علیه السلام در نواحی مسیحی نشین

طبیعی است که ایشان در بیداری مناطق جهان، و به خصوص غرب، و نیز تغییر اوضاع سیاسی نقش بسزایی خواهند داشت. در حدیثی هم آمده که ایشان به واسطه ی امام مهدی علیه السلام بر رومیان احتجاج می کند، غیبت نعمانی / ۱۴۶ از عبد الله بن ضمره از کعب الاحبار نقل می کند: «قائم مهدی که زمین را دیگرگون خواهد ساخت، از نسل علی است. عیسی بن مریم به او بر

۱. در منابع اهل سنت سنن ترمذی ۵/ ۳۵۵، المعجم الكبير ۳/ ۵۰، المعجم الصغير ۲/ ۷۰، اکمال خطیب / ۱۷۳، تاریخ دمشق ۱۳/ ۱۹۶ و اسد الغابة ۴/ ۲۹

در منابع شیعی کامل الزیارات / ۱۱۷، امالی صدوق / ۲۹۹ و بحار / ۲۳ / ۱۱۶

مسیحیان روم و چین احتجاج خواهد نمود.»

یعنی نشانه‌هایی که خداوند بردستان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه آشکار می‌سازد، در سطحی است که پیامبران اولوالعزم علیهم السلام می‌توانند به آنها استدلال کنند.

چهارم: مدت بقای حضرت مسیح علیه السلام در زمین

در این رابطه روایاتی پیشتر گذشت و در این اتفاق داشت که ایشان مدتی درنگ می‌کند و در حیات امام مهدی علیه السلام از دنیا خواهد رفت. در برخی سخن از سی سال بود و در برخی سخن از چهل سال.

در روایتی مرسل در الزام الناصب ۲ / ۱۸۲ آمده که امام مهدی علیه السلام در دوران حیات مسیح علیه السلام از دنیا می‌روند که شاید تصحیف و اشتباه راوی باشد، ایشان در نسخه‌ای مرسل از خطبه البیان نقل می‌کند: «پس از آن مهدی از دنیا می‌رود و عیسی بن مریم در مدینه و قرب قبر جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به خاک می‌سپارد. فرشته روح ایشان را بین دو حرم قبض می‌کند. عیسی و ابو محمد خضرهم می‌میرند. تمام یاران و وزیران مهدی نیز از دنیا خواهند رفت، و دنیا به همان جهالات و ضلالتی که داشتند باز خواهد گشت، و مردمان به کفر باز خواهند گشت. در این هنگام خداوند ویران‌سازی شهرها و بلاد را می‌آغازد.»

لکن قبول آن ممکن نیست، زیرا با غرض از وجود امام مهدی علیه السلام یعنی آکنده ساختن زمین از عدالت و دادگری، و اینکه دولت اهل بیت علیهم السلام آخرین دولت‌هاست و هیچ ظلمی بعد از آن نخواهد بود، تنافی دارد.

علاوه بر آنکه وارد شده که عیسی علیه السلام در کنار مسلمانان با یهود و روم و دجال خواهد جنگید، همه ساله به حج خواهد رفت، ازدواج خواهد کرد و برایش فرزند به دنیا خواهد آمد، آنگاه خدا او را از دنیا می‌برد و مسلمین دفن می‌کنند. و همین درباره‌ی ایشان معقول است. در برخی منابع که اکنون در دسترس نیست، اینچنین دیده بودم که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در حضور مردم عهده دار دفن مسیح علیه السلام می‌شود، تا مبادا آنچه را مسیحیان درباره‌اش گفتند تکرار کنند، و با جامه‌ای که توسط مادرش مریم بافته شده او را کفن کرده و در قدس در قبر مریم علیها السلام به خاک خواهند سپرد.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فصل بیست و هشتم

روم

وضعیت روم در عصر ظهور و پس از آن

روم و نقش آنها در عصر ظهور

مقصود از روم در احادیث آخرالزمان، اروپای شرقی و غربی تا آمریکاست، اینان رومیان و وارثان آن امپراطوری تاریخی هستند. ممکن است توهم شود رومی که در قرآن آمده غیر از اینهاست، بلکه کسانی مقصودند که پیامبر ﷺ و مسلمین با آنان جنگیدند، همان بیزانسی‌هایی که پایتخت آنها رم در ایتالیا بود، بعدها به قسطنطنیه تبدیل شد تا آنکه مسلمانان آن را فتح کردند و اسلام بول نامیدند، همان که استامبول گویند.

اما این توهم نادرست است، روم در قرآن اهالی امپراطوری روم یا بیزانس یعنی همان غربیان فعلی هستند. اینان همان دودمان و خط امتداد سیاسی و فرهنگی آنهایند، و فرانسه، انگلستان، آلمان و دیگر مناطق اجزائی از امپراطوری روم، و در فرهنگ، سیاست و دین تابع آن بوده‌اند. امپراطوران روم بیزانس در رم و قسطنطنیه در طی دو هزار سال، از ریشه‌ها و اصول متعدد اروپایی بودند و شاید اکثر آنان هم آلمانی بودند. یونان نیز به قسمتی از امپراطوری روم تبدیل شد. ولذاست که با ضعف این امپراطوری، برخی از پادشاهان آلمان و دیگر مناطق، قیصر نامیده می‌شوند. با این حساب روایاتی که سخن از روم و بنی الاصفی می‌راند، تمامی قبائل و مناطق اروپا را شامل می‌شود، همان کسانی که مسلمانان آنها را فرنگیان نامیدند.

کثرت دروغ پردازی پیرامون روم

تصفیه‌ی روایات مربوط به امام مهدی ﷺ و روم و تمییز صحیح آن، امری دشوار می‌نماید، و این به جهت کثرت دروغ پردازی راویان خلافت قرشی است. شاید بتوان گفت پیشوا و پرچمدار آنان ابن حماد درگذشته به سال ۲۲۷ می‌باشد. وی از بزرگان اهل سنت و اساتید بخاری است و ده‌ها صفحه از کتاب خود الفتن را به بحث روم و رخدادهای موعود آن اختصاص داده است، و انسک روایاتی می‌توان یافت که بتوان به رسول خدا ﷺ نسبت داد، و یا عبارتی معقول از صحابه و تابعین!

تصویری که الفتن از آینده‌ی جهان ارائه می‌دهد، چنان است که گویی پس از چند سال

۱. عنوانی است که عرب به رومیان داده است، زیرا برخی اجداد آنان زرد پوست بوده‌اند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

اببدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پایان می‌یابد! چنین جلوه می‌دهد که با فتح قسطنطنیه توسط مسلمانین دجال خروج می‌کند، در پی آن عیسی و مهدی علیه السلام ظاهر می‌شوند، در ادامه یأجوج و مأجوج و دابة الارض خواهند آمد، آنگاه آتشی از عدن می‌آید و مردم را به سوی محشر می‌راند، سپس باد خوشی وزیدن می‌گیرد که ارواح مؤمنان را قبض می‌کند، دیگران هم پس از چهل روز خواهند مرد!

و براین باور است که این امور، همه در مدتی کوتاه حدود پنجاه سال رخ خواهد نمود!

در روایات اهل سنت، تهیه کنندگان این فیلم، کعب الاحبار و شاگردان او از صحابه و تابعین هستند! آنان توده‌ای از خیالات خود را که اوضاع عصرشان را نیز بر آن پیاده نموده‌اند، عرضه کردند. از جمله فتح قسطنطنیه که مدت نه قرن برای مسلمانان به آرزویی تبدیل شده بود و جنگ‌هایشان یکی پس از دیگری با شکست مواجه می‌شد، تا آنکه محمد فاتح در سال ۸۷۵ هجری توانست آن را فتح کند.

حال ببینیم ابن حماد چه می‌گوید: الفتن ۲/ ۴۷۵، ۵۴۸ و ۶۷۹ از عبد الله بن عمرو می‌آورد: «نبردهای مردم پنج مورد است، دو مورد واقع شده، و سه تای آن هم در این امت است؛ نبرد با ترک، روم و دجال، پس از نبرد با دجال دیگر جنگی نخواهد بود.»

همان ۲/ ۵۱۹ و ۵۹۷ از وهب بن منبه: «نخستین نشانه روم است، دومی دجال، سومی یأجوج و چهارمین آنها عیسی بن مریم.»

۲/ ۵۲۳ از کعب: «دجال خارج نمی‌شود تا آنکه مدینه فتح شود... بشیر بن عبد الله بن یسار گوید: عبد الله بن بسر مازنی صحابی پیامبر گوش مرا گرفت و گفت: پسر برادر! شاید تو شاهد فتح قسطنطنیه باشی، اگر چنین شد مبادا غنیمت را از آن واگذاری، زیرا بین فتح آن و خروج دجال هفت سال فاصله است.»

۲/ ۶۹۲ از عبد الله بن عمرو: «دجال پس از فتح قسطنطنیه و پیش از نزول عیسی بن مریم در بیت المقدس، خارج می‌گردد.»

۲/ ۵۲۴ از معاذ بن جبل از پیامبر صلی الله علیه و آله: «بالاترین نبرد، فتح قسطنطنیه و خروج دجال در هفت ماه است.

صفوان از ابوالیمان از کعب نیز مشابه همین را نقل کرد... ضمره بن حبیب برایم گفت:

عبد الملک بن مروان به ابوبحریه نوشت: به من خبر داده اند که تواز معاذ دربارہ ی نبرد، قسطنطنیہ و خروج دجال نقل می کنی، ابوبحریه در جواب نوشت: از معاذ شنیده است: بالاترین نبرد، فتح قسطنطنیہ و خروج دجال در ہفت ماہ است...

ابن محیریز گوید: «بزرگترین جنگ، ویرانی قسطنطنیہ و خروج دجال بہ مدت بارداری یک زن خواہد بود... عبد اللہ بن بسر از پیامبر ﷺ روایت می کند: میان نبرد و فتح قسطنطنیہ شش سال است، و دجال در سال ہفتم خارج می شود...»

کعب گوید: «دجال در سال ہشتاد خروج می کند و خدا آگاہتر است...

ہمو از پیامبر ﷺ: «خداوند ہیچگاہ بین شمشیر دجال و شمشیر جنگ براین امت جمع نخواہد کرد.»

۵۲۷/۲: «بہ من خبر رسیدہ کہ دجال پس از فتح قسطنطنیہ خروج خواہد کرد، و بعد از آنکہ مسلمانان سہ سال و چہار ماہ و دہ روز در آن اقامت کنند.»

۵۳۰/۲ **از کعب:** «پس از آنکہ قسطنطنیہ را فتح می کنند خبر می رسد کہ دجال خروج کردہ است. آنها ہم ہرچہ غنیمت برداشتہ اند رها می کنند و می آیند ولی متوجہ دروغ بودن خبر می شوند! دجال پس از آن است کہ خارج می گردد. ماری او را بہ ساحل می آورد.»

۴۸۳/۲ **از عمیر بن مالک:** «نزد عبد اللہ بن عمرو عاص در اسکندریہ بودیم کہ سخن از فتح قسطنطنیہ و روم بہ میان آوردند، برخی گفتند: قسطنطنیہ پیش از روم فتح خواہد شد، بعضی ہم گفتند: روم پیش از قسطنطنیہ، عبد اللہ درخواست کرد صندوقی را کہ در آن کتابی داشت بیاورند و گفت: قسطنطنیہ پیش از روم فتح می شود. پس از آن است کہ شما با روم می جنگید و فتح می کنید، و در غیراین صورت من از دروغگویانم - و این جملہ را سہ بار تکرار کرد -»

۴۹۹/۲ **از عبد اللہ بن عمرو:** «نزدیک است کہ حمل گوسفند خروج کند - و سہ بار این جملہ را گفت -، گفتم: این چیست؟ پاسخ داد: مردی کہ یکی از والدین او شیطان است، حکومت روم را بہ دست خواہد گرفت و با یک میلیون و پانصد ہزار نفر در خشکی و پانصد ہزار تن در دریا می آید تا بہ زمینی بہ نام عمق برسد. آنگاہ بہ یارانش گوید: من با کشتی های

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شما کاری دارم، و چون پایین آیند فرمان می‌دهد همه‌ی کشتی‌ها را بسوزانند. سپس می‌گوید: شما نه راهی به قسطنطنیه دارید و نه روم، پس هرکه خواست بماند!

مسلمانان هم از یکدیگریاری می‌طلبند... تا آنکه شما قسطنطنیه‌ی زانیه را فتح نمایید، من آن را در کتاب خدا با این نام یافته‌ام.»

۱/ ۳۹۹ از محمد بن حنفیه: «خليفة اى از بنی هاشم در بیت المقدس فرود می‌آید. او زمین را از عدالت می‌آکند. بیت المقدس را چنان بنا می‌کند که سابقه نداشته... آنگاه در عمق بر ضدّ او تجمع می‌کنند، او هم از شدت اندوه از دنیا می‌رود.»

۲/ ۴۶۶ از شریح بن عبید از کعب: «قسطنطنیه شنید که بیت المقدس خراب می‌شود و از این خبر خوشحال شد و تکبر کرد، از این رو مستکبره نامیده شد. او گفت: اگر عرش پروردگارم بر آب بنا شده من نیز بر آب بنا شده‌ام، پس خداوند به او وعده داد که قبل از قیامت عذاب کند و گفت: زینت، ابریشم و نان تو را خواهم ستاند، و تو را چنان رها خواهم کرد که خروسی در تو صدا نکند، و جز روباهان آبادگرو جز سنگ و ینبوت گیاهی برای قرار ندهم، و سه آتش بر تو فرو فرستم؛ یکی از قیر، یکی از گوگرد و سومی از نفت.

من تو را بی‌درخت و برهنه رها خواهم ساخت، انسان که میان تو و آسمان چیزی حائل نگردد، و در حالی که من در آسمانم صدای تو و دودت به من برسد، چرا که مدت زمان بسیاری است در آن به خداوند شرک می‌ورزند و جز او را می‌پرستند.

در آن دیار دخترکانی به هم رسند که از زیبایی و جمال نزدیک است خورشید را ننگند. آن کس از شما که به آنجا رسید از کاخ پادشاه دریغ نکند، زیرا در آن گنج دوازده تن از شاهان را خواهید یافت، گنج‌هایی که همه بر آن افزوده و هیچ برنداشته‌اند، گنج‌هایی مسی به صورت گاو و اسب، آنها به وزن در میان سپرها تقسیم، و با تیشه تکه تکه می‌گردند. شما در این حالت هستید تا آنکه خداوند آتشی را که به آن وعده داده بفرستد، آن هنگام شما هر آن گنجی که می‌توانید برمی‌دارید که شخصی از سمت شام می‌آید و خبر از خروج دجال می‌دهد! شما هم همه را و می‌گذارید و چون به شام می‌رسید می‌فهمید دروغ بوده است.»

۱. گیاهی محکم و خاردار

کعب الاحبار به چه قیمتی بافته‌هایش را در معرض فروش قرار می‌داد؟

سخن را در این باره با گزارشی که ابن حماد خود از آثار کعب الاحبار نقل می‌کند، به پایان

می‌بریم.

الفتن ۲ / ۴۹۲: «سعید بن جابر گوید: مردی از خاندان معاویه به من گفت: چرا نامه‌ای از نامه‌های برادرت کعب را نمی‌خوانی؟ او صحیفه‌ای نزد من انداخت و در آن آمده بود: به روم که اسامی بسیاری دارد بگو: به خاطر سرکشی از فرمان من و استکباری که ورزیدی، و اینکه جبروت خود را با جبروت من، و خود را با عرش من سنجیدی، بندگان درس ناخوانده‌ام و نیز فرزندان سبأ اهل یمن را به سراغت خواهم فرستاد، همان کسانی که بسان پرنندگان گرسنه که به سراغ گوشت می‌روند و همانند گوسفندان تشنه که وارد آب می‌شوند، ذکر را دوست دارند. دل‌های اهلت را می‌کنم.

صدای آنان را در جنگ همچون صدای شیری که از بیشه بیرون آمده می‌گردانم، چوپانان براو فریاد می‌زنند ولی اثری در او نخواهد داشت، جز آنکه جرأت و توان او را می‌افزاید. سم اسبان‌شان را بسان آهن بر روی صخره قرار می‌دهم. زه کمان‌هایشان را محکم می‌سازم، و تو را بدون حائل در برابر خورشید قرار خواهم داد.

ساکنان تنها پرنندگان و حیوانات وحشی خواهند بود. تمامی سنگ‌های را گوگرد خواهم کرد. دودهای تورا از مرغان آسمان نخواهد پوشاند، و صدایت را به جزائر بحر خواهم رساند. تهدیدهای بسیاری که همه را به خاطر نداشت.

این عبارت دلالت می‌کند که کعب با معاویه و امرای بنی‌امیه انس و الفت داشته و بافته‌هایش را بدین وسیله میان مسلمین منتشر می‌کرده است. او بر این باور است که این سخنان وحی الهی است، که یا در تورات آمده و یا مستقیم بر خود او نازل شده است!

کعب الاحبار این نکته را هم فراموش نکرد که یمنی‌ها را در فتح قسطنطنیه بی‌نصیب نگذارد، لکن خدا او را رسوا کرد و فتح آن را هشت قرن بعد بردستان ترکان قرار داد، و نه تنها یمنیان بلکه جمیع اعراب را بی‌نصیب گذاشت!

کعب گاه در لشکرکشی‌ها هم شرکت می‌جسته است، و صد البته که به مناطق امن، و خبرهای

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

غیبی خود را برای سربازان می‌گفته است! عمر بن شبه در تاریخ المدینه ۳/ ۱۱۱۷ نقل می‌کند که جوان شیبی محمد بن ابی حذیفه‌ی اموی که از فرماندهان فتح مصر است کعب را مسخره می‌کرده است!

«محمد بن سیرین گوید: کعب الاحبار و محمد بن ابی حذیفه در زمان عثمان و در جنگ مسلمانان، سوار بر کشتی بودند و به سمت شام می‌رفتند که محمد به کعب گفت: اوصاف این کشتی را در تورات چگونه می‌بینی، آیا فردا در این دریا سیر خواهد کرد؟ کعب گفت: ای محمد! تورات را مسخره نکن، زیرا کتاب خداست. محمد هم سه بار آن عبارت را گفت.»

می‌بینیم کعب مسخره کردن کلام و بافته‌های خود را توهین به تورات می‌انگارد! لکن محمد بن ابی حذیفه رضی الله عنه باز هم با حالت استهزاء سخن خود را تکرار می‌کند.

قوی ترین روایات پیرامون روم در عصر امام مهدی علیه السلام

هجوم رومیان بر مسلمین

ارشاد / ۳۵۹ از امام باقر علیه السلام حدیث صحیحی در علامات ظهور نقل می‌کند، در قسمتی آمده است: «منطقه‌ای در شام که جاییه نام دارد به زمین فرو رود. ترک در جزیره و روم در رمله فرود آیند. در آن زمان اختلاف بسیاری در همه جای زمین رخ دهد تا آنکه شام خراب شود. سبب ویرانی آن، آن است که سه بیرق در آن گرد آیند؛ بیرق اصبه، ابقع و سفیانی.»

الاصول الستة عشر / ۷۹ از جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «گونه‌ات را بر زمین بگذار و تکان نخور تا آنکه رومیان در رمیله و ترکان در جزیره فرود آیند، و منادی از دمشق ندا کند.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۷۸ از عمار بن یاسر: «دولت اهل بیت پیامبران در آخرالزمان خواهد بود و نشانه‌هایی دارد، پس بنشینید و دست نگه دارید تا آنها آشکار شوند؛ آن هنگامی که روم و ترک بر شما بشورند... ترک و روم دچار اختلاف شوند، جنگ در زمین بسیار شود، منادی از دیوار دمشق ندا کند: وای بر زمینیان از شری که نزدیک شده است، قسمت غربی

مسجد آن به زمین فرو رود و دیوار آن فرو ریزد، سه نفر در شام برای دستیابی به حکومت خروج کنند؛ مردی ابقع، مردی اصهب و مردی از خاندان ابوسفیان که در میان قبیله‌ی کلب خروج و مردم را در دمشق محاصره می‌کند، اهل مغرب به سوی مصر خروج می‌کنند، به مصر که وارد شوند نشانه‌ی سفیانی خواهد بود.»

رومیان به سواحل می آیند و اهل کھف خارج می شوند

مختصر البصائر / ۲۰۱ خطبه‌ی مخزون را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند، در پاره‌ای از آن آمده است: «منادی در ماه رمضان از سمت مشرق و به هنگام طلوع خورشید ندا می‌کند: ای اهل هدایت! گرد آید، و از سمت غرب پس از غروب شمس منادی ندا کند: ای اهل ضلالت! گرد آید. فردای آن و به هنگام ظهر نور خورشید از آن گرفته شود و سیاه و تاریک گردد. در روز سوم با خروج دابة الارض، میان حق و باطل فاصله افتد. رومیان به سمت منطقه‌ای در ساحل دریا کنار غار آن جوانان بیایند. خداوند آنان را از غارشان به سوی آنها بفرستد. مردی از آنان تملیخا نام دارد و یکی هم مکسلینا، این دو گواهان و کسانی هستند که تسلیم قائم می‌باشند. یکی از آن جوانان به سمت روم فرستاده شود ولی دست خالی باز گردد. دیگری را می‌فرستد که با فتح رجوع می‌کند، آن روز تأویل این آیه واقع خواهد شد: وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا، هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه در برابر او تسلیم هستند.»

ندیدیم کسی سند خطبه را تصحیح کرده باشد، ولی بسیاری از مضامین آن با روایات دیگر تأیید می‌گردد.

فرار برخی دشمنان حضرت مهدی علیه السلام به بلاد روم

کافی ۵۱ / ۸ از بدر بن خلیل اسدی نقل می‌کند: «امام باقر علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِكُمْ لَعَلَّكُمْ

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران
ابدال

یاری‌فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تُسَالُّونَ،^۱ پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. مگریزید، و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و سراهایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید، فرمودند: چون قائم قیام کند و به سراغ بنی‌امیه در شام فرستد به روم بگریزند. رومیان به آنها گویند: شما را راه نمی‌دهیم مگر پس از آنکه به کیش مسیح در آید. آنان هم صلیب‌ها در گردن آویزند، آنگاه آنها را داخل کنند.

هنگامی که اصحاب قائم بدانجا رسند، آنان [رومیان] خواستار امان و صلح شوند، یاران قائم گویند: این کار را نخواهیم کرد مگر پس از آنکه کسانی را که از ما نزد شمایند در اختیار ما گذارید.

آنها هم چنین کنند و این سخن خداست: لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسَالُّونَ؛ از آنان درباره‌ی گنج‌ها پرسش می‌کند در حالی که خود داناتراست.

می‌گویند: يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ. فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِئِينَ،^۲ ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم. سخانشان پیوسته همین بود، تا آنان را دروشده‌ی بی‌جان گردانیدیم؛ با شمشیر...»

یعنی یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام برای مواجهه با روم لشکرکشی می‌کنند و آنها را مورد تهدید قرار می‌دهند. مقصود از بنی‌امیه هم اصحاب سفیانی هستند که در روایتی دیگر آمده است.

ظاهر آن است که اینان از بعد سیاسی دارای اهمیت هستند، از این رو امام عَلَيْهِ السَّلَام و یاران، رومیان را در صورت تسلیم نکردن آنها به جنگ تهدید می‌کنند، و در تفسیر این آیه خواهد آمد: حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا،^۳ تا آنگاه که زمین پیرایه‌ی خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند...

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۳۵ از جمیل بن دراج روایت می‌کند: «امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد آیه‌ی: وَإِنْ كَانَتْ مَكْرُهُمْ لِنَزُولِ مِنْهُ الْحَبَالُ،^۴ هر چند از مکرشان کوه‌ها از جای کنده می‌شد، فرمودند: و اگر

۱. سوره‌ی انبیاء عَلَيْهِ السَّلَام / ۱۳ - ۱۲

۲. همان / ۱۵ - ۱۴

۳. سوره‌ی یونس / ۲۴

۴. سوره‌ی ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام / ۴۶

چه از مکر بنی عباس با قائم، دل های مردان از جا کنده شود.»
نگارنده: در تفسیر قمی ۱/ ۳۷۲ بنی فلان آمده است. در برخی احادیث هم بنی اعیس و بنی شیصبان نامیده می شوند. منظور آن است که حکومت هایی که با امام علیه السلام عداوت دارند، نیرومند و مکرپیشه هستند، بسانی که دل های مردان را به لرزه می اندازد، لکن خداوند ولی خود را یاری می کند.

روایات صلح میان امام علیه السلام و روم

المعجم الكبير ۸/ ۱۰۱ و ۱۲۰ از ابوامامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: «میان شما و رومیان چهار بار آتش بس به وقوع خواهد پیوست. چهارمین آنها به دست مردی از خاندان هرقل واقع می شود و هفت سال به طول خواهد انجامید. در این هنگام مستورد بن غیلان که از عبد القیس بود گفت: یا رسول الله! آن روز چه کسی امام مسلمانان خواهد بود؟ ایشان فرمودند: مهدی از فرزندان من که [به ظاهراً] چهل سال دارد. چهره ی او بسان ستاره ی درخشان است و در گونه ی راستش خالی سیاه وجود دارد. دوردای سفید در بردارد، [و در زیبایی و جمال] به مردان بنی اسرائیل می ماند. او بیست سال حکومت خواهد نمود و گنج ها را آشکار کرده، سرزمین های شرک را فتح خواهد نمود.»
در روایات آمده که مدت صلح ده سال است، ولی رومیان پس از هفت سال آن را نقض می کنند و با لشکری عظیم به جنگ مسلمانان می آیند.

الفتن ۲/ ۴۷۰ در این باره چند روایت نقل می کند، از جمله از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «روم با هشتاد پرچم که زیر هر یک دوازده هزار نفر است، خروج می کند.»^۱
مؤید این مطلب خطبه ی امیرالمؤمنین علیه السلام در مختصر البصائر/ ۲۰۱ و نیز برخی دیگر گزارشات است که امام مهدی علیه السلام پیش از نبرد، با رومیان اتمام حجت می کند، و برخی یاران خاص را می فرستد که اصحاب کهف و نسخ تورات را بیرون می آورند و بدان احتجاج می کنند.

۱. و مسند الشامیین ۱/ ۱۳۳

تحریف حدیث صلح و افزودن بر آن

برخی راویان جریان صلح را بر عصر خود پیاده کرده‌اند و امور مربوط به نبرد آن روز با رومیان را بدان افزوده‌اند!

سنن ابن ماجه ۱۳۶۹/۲ آن را بر عصر خود منطبق می‌داند، وی می‌نویسد: «جبیر گفت: ما را نزد ذی مخمر ببر. وی از صحابه‌ی پیامبر ﷺ بود. او از ذی مخمر در مورد آتش بس پرسید و او گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم: شما با رومیان صلح خواهید کرد...»^۱

بعدها خیالات راویان هم بدان افزوده شد و لذا در الفتن ۳۹۷/۱ می‌بینیم: «میان مهدی و روم آتش بس برقرار خواهد شد. پس از آن مهدی از دنیا می‌رود و مردی از اهل بیتش عهده دار امور می‌شود. او مدتی اندک به عدالت رفتار می‌کند، آنگاه شمشیرش را بر اهل فلسطین می‌کشد، آنها هم براو می‌شورند. او به اهالی اردن پناه می‌برد و دو ماه در میان آنها به عدالت رفتار می‌کند، بعد از آن بر روی آنها هم شمشیر می‌کشد و آنان نیز می‌شورند و او به دمشق فرار می‌کند.

آیا آستانه‌ی در جاییه را دیده‌ای، همان جا که تابوت‌ها را قرار می‌دهند؟ سنگی گرد در فاصله‌ی پنج ذراعی آن است، او بر روی آن ذبح می‌شود.

سخن از خون او بر زبان‌ها خواهد بود که گفته می‌شود: رومیان بین صور و عکا گرد آمده‌اند.»

البته افسانه سرایی به اینجا ختم نشد، بلکه سخن از شام و دجال هم بدان افزوده شد، الفتن ۷/ از عوف از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «ای عوف! پیش از قیامت شش امر را بشمار؛ نخست مرگ من، عوف گوید: چنان گریستم که ایشان خود مرا آرام کردند، آنگاه فرمودند: بگو یک. دوم: فتح بیت المقدس، بگو: دو. سوم: بیماری بسان مرض گوسفند در میان امت به هم خواهد رسید، بگو: سه. چهارم: فتنه‌ای که در امت رخ می‌دهد - و آن را عظیم شمرند -، بگو: چهار. پنجم: ثروت‌ها در میان شما پخش شود تا جایی که مردی را صد دینار بدهند ولی آن را کم شمرند، بگو: پنج، و ششم آنکه میان شما و بنی اصفراش بسی واقع شود، سپس آنها به سوی

۱. سنن ابوداود ۱۰۹/۴، المعجم الکبیر ۲۷۸/۴، المستدرک ۴۲۱/۴ و سنن بیهقی ۲۲۳/۹

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شما بیایند و با شما پیکار کنند. مسلمانان آن روز در زمینی به نام غوطه در شهری به نام دمشق خواهند بود.»

نگارنده: سخن از دمشق و دجال از اضافات کعب و شاگردان اوست، هیچ سخنی از آن در روایات نویسندگان قدیمی مانند ابن ابی شیبہ در المصنف ۱۵ / ۱۰۴ که از عوف بن مالک و معاذ بن جبل روایت می‌کند، و نیز مسند احمد ۵ / ۲۲۸ و ۶ / ۲۲ و ۲۷ که از عوف نقل می‌کند، نیست. این یعنی اینان عناصری اینچنین را به اصل روایت افزودند، عصر خود و نبرد خود با روم را بر آن پیاده نمودند و به بیراهه کشاندند!^۱

سخن ابن حجر در فتح الباری ۶ / ۱۹۹ نیز این مطلب را تأکید می‌کند. وی در جریان نبرد موعود که پس از صلح با روم خواهد بود می‌نویسد: «ابن منیر گوید: ماجرای روم تا به امروز رخ نداده است، و خبری نرسیده که آنان با این تعداد لشکر از راه زمینی هجوم آرند. این امر هم بشارتی در خود دارد و هم هشدار. توضیح آنکه این خبر دلالت می‌کند که با وجود لشکری چنان انبوه، فرجام نیک از آن مؤمنان است و اشاره دارد به اینکه لشکریان اسلام چند برابر آنچه امروز هستند خواهند بود.

حاکم از طریق شعبی از عوف بن مالک همین روایت را چنین می‌آورد که عوف در جریان طاعون عمواس به معاذ گفت: رسول خدا ﷺ به من فرمود: پیش از قیامت شش امر را بشمار، سه مورد آن رخ داده است، یعنی فوت ایشان، فتح بیت المقدس و طاعون، و سه تای دیگر مانده است. معاذ گفت: افراد خاصی قابلیت شنیدن این را دارند.

در الفتن نعیم بن حماد آمده است که این جریان در زمان مهدی و توسّط یکی از خاندان هرقل واقع می‌شود.»

خلاصه‌ی جریان از مجموع گزارشات، این است که آتش بس نهایی با روم بردست حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه و با حضور مسیح عليه السلام واقع می‌شود، و رومیان پس از چند سال آن را نقض می‌کنند و با لشکری حدود یک میلیون نفر به جنگ می‌آیند. بین دو گروه نبردی رخ می‌دهد و امام عليه السلام پیروز

۱. و نیز مراجعه و مقایسه کنید: صحیح بخاری ۴ / ۱۲۳، سنن ابوداود ۴ / ۳۰۰، ابن ماجه ۲ / ۱۳۴۱، رویانی ۱۲۳ / المعجم الاوسط ۱ / ۶۷، المعجم الكبير ۱۸ / ۴۰ و مسند الشاميين ۱ / ۳۹۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر
سرزمین شام

حجاز
نمایه‌ای از ظهور

عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

قاطع میدان خواهد بود، و بدین ترتیب زمینه‌ی ورود به غرب، با مساعدت حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه فراهم خواهد آمد.

معنای فتح روم توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با تکبیر

العلل المتناهية ۲ / ۸۵۵ از عبد الله مزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «قیامت به پا نخواهد شد تا آنکه خداوند قسطنطنیه و روم را با تسبیح و تکبیر برای مسلمانان فتح کند.»
این مطلب خوشایند کعب الاحبار واقع شده است، لذا می‌بینیم آن را بر قسطنطنیه در عصر خود منطبق می‌داند! عقد الدرر / ۱۸۰ از قصص الانبیاء کسانی از کعب نقل می‌کند: «مهدی با لشکری صد هزار نفری به بلاد روم می‌رود و پادشاه آن را به ایمان فرا می‌خواند، ولی او نمی‌پذیرد.

پس دوماه جنگ می‌کنند و سرانجام خداوند مهدی را بر او پیروز می‌گرداند و بسیاری از یاران او را به قتل می‌رساند. و پادشاه شکست خورده به قسطنطنیه فرار می‌کند.

مهدی کنار دروازه‌ی آن که هفت دیوار دارد می‌آید و هفت تکبیر می‌گوید. به دنبال آن هر هفت دیوار فرو می‌ریزد و آن هنگام است که مهدی بر آن سلطه می‌یابد. مردمان بسیاری از آن را به هلاکت می‌رساند و بسیاری هم بردست او اسلام می‌آورند.»

الفتن ۲ / ۴۷۵ از بکربن سواده از پیرمردی از حمیر نقل می‌کند: «روزی برایتان خواهد آمد که دشمنانتان رومیان در ساحل آفریقا با هشتصد کشتی بیایند و با شما بجنگند. پس خداوند آنان را شکست می‌دهد و شما کشتی‌هایشان را تصاحب می‌کنید و بدان وسیله راهی روم می‌شوید. چون به آنجا برسید سه بار تکبیر می‌گویید. با تکبیر شما آن دژ به لرزه در می‌آید و با سومین تکبیر به مقدار یک میل منهدم می‌شود. پس خداوند ابری می‌فرستد که آنان را می‌پوشاند و به آنان مهلت نمی‌دهد تا داخل شوند. آن غبار کنار نمی‌رود تا آنکه شما بر روی بسترهای آنها باشید.»

عقد الدرر / ۱۳۹ از امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «آنگاه او و مسلمانان همراهش می‌روند. آنان از کنار هر دژی در روم بگذرند لا إله إلا الله گویند که در پی آن دیوارهایش فرو می‌ریزد.

در ادامه وارد قسطنطنیه می شوند. چند بار تکبیر می گویند که در اثر آن خلیج آن خشک می شود و دیوارش سقوط می کند.

سپس به روم رفته و چون فرود آیند مسلمین سه مرتبه تکبیر گویند که به دنبال آن فرو می ریزد.»

القول المختصر / ۱۴: «روم با چهار تکبیر فتح می شود و ششصد هزار نفر در آن کشته می شوند. زینت های بیت المقدس، تابوتی که سکینه در آن است، سفره ی بنی اسرائیل، پاره های الواح، لباس آدم، عصای موسی، منبر سلیمان و دو پیمان از مٹی که خداوند عزوجل بر بنی اسرائیل فرو فرستاد و از شیر سفید تراست از آنجا بیرون آورده می شود.

آنگاه به شهری که قاطع گویند - و طول آن هزار و عرض آن پانصد میل است، و سیصد و شصت در دارد - می آید. از هر دری از آن صد هزار جنگجوی بیرون می آید. آنان [مسلمانان] چهار تکبیر می گویند و دیوار آن سقوط می کند. پس هر چه در آن است را به غنیمت می برند و هفت سال در آنجا می مانند. از آنجا رهسپار بیت المقدس می شوند که خبر می رسد دجال به همراه یهودیان اصفهان خروج کرده است.»

همانگونه که می بینیم ذهنیت راویان درباره ی قسطنطنیه و دجال به این گزارش افزوده شده و کلام کعب به حدیثی نبوی تبدیل شده است!

صحیح آن است که فتح شهرهای روم پس از پیروزی امام علیه السلام بر رومیان است، و سبب این پیکار نقض پیمان صلح و اعلان نبرد توسط رومی هاست. آن هنگام است که مسیح علیه السلام موقف خود را با نماز پشت سر امام علیه السلام اعلان می کند، و این امر موجب شکل گیری موجی عظیم در مغرب زمین، در اعتراض به جنگ با امام علیه السلام خواهد بود. بعد از پیروزی امام علیه السلام جانب حضرت مسیح علیه السلام و پیروان مؤمن وی رجحان می یابد و به همراه حضرت مهدی علیه السلام وارد پایتخت های غریبان می شود، و آنها با تکبیر به استقبال ایشان می آیند.

حضرت مسیح علیه السلام با امام زمان علیه السلام بر رومیان احتجاج می کند

غیبت نعمانی / ۱۴۶ از عبد الله بن ضمیره از کعب الاحبار روایت می کند: «قائم مهدی که زمین

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت‌گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

را دیگرگون خواهد ساخت، از نسل علی است. عیسی بن مریم به او بر مسیحیان روم و چین احتجاج خواهد نمود. قائم مهدی از نسل علی، در خلق، خُلق، ظاهر و هیبت شبیه‌ترین مردم به عیسی بن مریم است. خدای عزوجل آنچه را که به پیامبران عطا کرده بدو می‌بخشد و می‌افزاید و او را برتری می‌دهد.

قائم از فرزندان علی عجل الله تعالی فرجه الیه غیبتی چون یوسف و بازگشتی چون عیسی دارد. او پس از غیبت با طلوع ستاره‌ی سرخ، ویرانی زوراء که همان ری است، فرو رفتن مزوره که بغداد است، خروج سفیانی و نبرد فرزندان عباس با جوانان ارمنستان و آذربایجان - که در آن هزاران نفر به قتل می‌رسند، کسانی که هریک شمشیری آذین بسته در دست گرفته است، و بیرق‌های سیاه در آن به اهتزاز درآمده است، جنگی که مرگ سرخ و طاعون کبود نیز در آن رخ می‌نماید - آشکار می‌شود.^۱ موجب شگفتی است که کعب الاحبار با وجود انحراف از اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الیه، و قربی که نزد حکومت‌ها داشته است، چنین فضیلتی را برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه نقل کند.

اما مهم است بدانیم کعب الاحبار کسی بوده که حق و باطل و سخن استوار و بی‌پایه را با هم می‌آمیخته، و از هر دری وارد می‌شده، و با اسلوب خود آن را برای حاکمان و مردمان ارائه می‌کرده است، از این رو گاه است که از او سخن حقی نیز می‌شنویم.

البته وی در این حدیث نیز باطل خود را داخل نموده است، زیرا مسلمین روایت می‌کنند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه به جدّ بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله شباهت دارد، ولی کعب ایشان را به مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه شبیه می‌داند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه برای نبرد با رومیان می‌آید

الفن / ۱۹۲ از تنی چند از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله: «روم وارد بزرگترین نبرد می‌شود، و ترک و برجان^۲ و صقالبه^۳ همراه او خواهند بود.»

۱. و نوادر الاخبار / ۲۶۸

۲. گروهی که در جنگ‌های مسلمانان با بیزانس نقش آفرین بوده‌اند.

۳. اهالی جزیره‌ای در ایتالیا که حکومتی داشت و در جنگ‌های صلیبی نقش آفرینی کرد. البته این لفظ در صدر اسلام، بر ساکنان برخی مناطق ترک نشین آسیا اطلاق می‌شد.

همان ۱/ ۳۵۵ از کعب می‌آورد: «مهدی به نبرد رومیان می‌رود. او فهم ده تن را دارد (!) تابوت سکینه را - که توراتی که خداوند بر موسی علیه السلام فرستاد و انجیلی که بر عیسی علیه السلام نازل کرد را در خود دارد - از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد، و میان اهل تورات با تورات و میان اهل انجیل با آن حکم خواهد کرد.»

سخت ترین مردم نسبت به شما رومیان هستند

مسند احمد ۴/ ۲۳۰ از مستورد می‌آورد: «نزد عمرو عاص بودم، بدو گفتم: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم: سخت ترین مردم نسبت به شما رومیان هستند، و تنها با [رخداد] قیامت است که نابود می‌شوند.

عمرو گفت: آیا تورا از چنین سخنانی نهی نکرده بودم.»^۱

الفتن ۱۳۴: «خبر به عمرو عاص رسید، او گفت: این چه روایاتی است که از تواز پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند؟ مستورد هم گفت: آنچه را از ایشان شنیدم گفتم، عمرو عاص گفت: حال که چنین می‌گویی بگذار من هم بگویم، رومیان به هنگام فتنه بدبارترین مردم، و در اوان مصیبت شکباترین آنان هستند، و نسبت به ضعیفان و مساکین خود مهربان‌ترینند.»^۲

نگارنده: اگر این سخن از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده باشد، بدان معناست که روم قویترین دشمن اسلام هستند. البته احترامی که اسلام برای آنها قائل است بیش از دیگران است. اسلام با دین آنان ساخت و زندگی با آنان را مشروعیت بخشید، گرچه اسلام را نپذیرند، و امامان علیهم السلام نیز آنان را بر ناصیبان ترجیح دادند.^۳

۱. مجمع الزوائد ۶/ ۲۱۲ - وی این حدیث را حسن می‌شمارد، الجامع الصغیر ۱/ ۱۶۰ و فیض القدیر ۱/ ۵۱۲

۲. مشابه آن مسند احمد ۴/ ۲۳۰، التاریخ الکبیر ۸/ ۱۶ و مسلم ۴/ ۲۲۲۲

۳. ابوبکر حضرمی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اهل شام بدترند یا اهل روم؟ فرمودند: رومیان کافر شدند ولی با ما دشمنی نکردند، اما شامیان کافر شدند و با ما دشمنی کردند، رک کافی ۲/ ۴۱۰

در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز سخن از سخت‌ترین مردم و معرفی آنان به میان آمده است، رک به کافی ۸/ ۱۴۱. م

خواری روم پس از نبرد سخت

تفسیر طبری ۱ / ۳۹۹: «سدی در تفسیر فرمایش خداوند: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱ و کیست بیدادگرترا از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود، و در ویرانی آنها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن [مسجد] ها در آیند. در این دنیا ایشان را خواری، و در آخرت عذابی بزرگ است، گوید: خواری آنان در دنیا آن است که چون مهدی قیام کند و قسطنطنیه فتح گردد، آنها را به هلاکت می رساند.»^۲

دلائل الامامة / ۲۴۸ از امام صادق (ع) نقل می کند که در تفسیر همین آیه فرمودند: «[شادمانی آنان] در قبرهایشان با قیام قائم (ع) است.»

این روایت شادمانی اموات را در بردارد، و البته که بر سرور زندگان نیز دلالت می کند. تأویل الآیات ۱ / ۲۴؛ از امام صادق (ع) روایت می کند که روم را به بنی امیه تفسیر کردند، و شادمانی مؤمنان در اثر پیروزی امام مهدی (ع) بر آنان است.

کافی ۸ / ۲۶۹ از امام باقر (ع) روایت می کند که فرمایش خداوند: وَيَوْمَئِذٍ يَقَرُّحُ الْمُؤْمِنُونَ. بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ،^۳ و در آن روز است که مؤمنان از باری خدا شاد می گردند. هر که را بخواهد یاری می کند، و اوست شکست ناپذیر مهربان، را بدان تفسیر کردند که آنان با غلبه بر فارس در همان صدر اسلام شادمان شدند.

نگارنده: وعده ی الهی در سوره ی روم به سرور مؤمنان به جهت شکست فارس و پیروزی روم، محدود به چند سال است، لکن امامان (ع) آن را به فرح مؤمنین در آینده و در پی پیروزی بر روم و بنی امیه تفسیر فرموده اند.

زندگی مسالمت آمیز در کنار مسیحیان و پذیرش جزیه

مزار ابن مشهدی / ۱۳۵ و فضل الكوفة و مساجدها / ۴۳ از ابو بصیر روایت می کند: «امام

۱. سوره ی بقره / ۱۱۴

۲. التبیان ۱ / ۴۲۰ و الدر المنثور ۱ / ۱۰۸

۳. سوره ی روم / ۵ - ۴

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام (ع)

منزلت امام (ع)

حکومت امام (ع)

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (ع)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (ع)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام (ع) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

صادق علیه السلام به من فرمودند: ای ابا محمد! گویا می بینم قائم با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود آمده است، عرضه داشتم: آیا منزل ایشان خواهد بود؟ فرمودند: آری، منزل ادريس و ابراهيم در آن بوده است، و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آنکه در آن نماز گزارده است، مسکن خضر نیز آنجا است.

کسی که در آن اقامت کند، بسان کسی است که در خیمه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله مقیم باشد. هیچ مرد و زن با ایمانی نیست جز آنکه در دل اشتیاق بدان دارد. درون آن صخره ایست که تصویر تمامی پیامبران در آن است. هرکسی در آن نماز به جا آورد و نسبت به آنچه می هراسد از خدا درخواست کند، او را اجابت خواهد کرد.

عرض کردم: حقاً که این فضیلت است، فرمودند: برایت بیفزایم؟ گفتم: آری، فرمودند: آن از اماکنی است که خدا دوست دارد در آن خوانده شود، و در هر روز و شب فرشتگان این مسجد را زیارت و خدا را در آن عبادت می کنند. بدان! اگر من در نزدیکی شما بودم، همه ی نمازهایم را در آن به جا می آوردم.

ای ابا محمد! اگر تنها همین فضیلت بود که فرشتگان و پیامبران در آن فرود می آیند، هر آینه بسیار بود، حال چگونه خواهد بود با این فضیلت [بسیار که گفتم] و آنچه که نگفتم بیشتر است.

گفتم: فدایت شوم، قائم همواره و تا ابد آنجا به سر خواهد برد؟ فرمودند: آری، گفتم: پس از ایشان چه؟ فرمودند: پس از او تا پایان خلق نیز چنین خواهد بود.

عرضه داشتم: ایشان با اهل ذمه چه خواهد کرد؟ فرمودند: بسان رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها مصالحه خواهد نمود، و آنان با خضوع جزیه خواهند پرداخت.^۱

گفتم: کسانی که با شما دشمنی می کنند چگونه؟ فرمودند: نه، ای ابا محمد! آنکه با ما مخالفت کند در دولت ما نصیبی ندارد، خداوند خون آنان را به هنگام قیام قائممان، برای ما حلال می شمرد، اما امروز بر ما و شما حرام است، پس کسی تو را نفریبد.»

۱. احتمال می رود پذیرش جزیه تنها به اوائل حکومت امام علیه السلام اختصاص داشته باشد، رک به خصال ۵۷۹/۲، تفسیر عیاشی ۶۰/۲ و مرآة العقول ۲۶/۱۶۰ م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نگارنده: ظاهرآن است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برنامه‌ی انتشار اسلام را در عالم، به وسیله‌ی منطق و قوه‌ی اقتناع پیاده می‌کند، و طبق شرائطی به اهل کتاب آزادی می‌بخشد، لذا اسلام در میان آنان نشر می‌یابد.

از دیگر سو حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه پس از برقراری پیمان سازش، هفت سال در غرب به فعالیت می‌پردازد، از این رو موج گرایش به اسلام در تأیید امام عجل الله تعالی فرجه در غرب شتاب و وسعت می‌گیرد.

کعب الاحبار حدیث نبرد سخت را تحریف می‌کند

در موضوع ملاحم - که در علم الحدیث اصطلاحی است برای خبرهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد جنگ‌ها و تغییراتی که در آینده رخ می‌دهد می‌دهند - کتب بسیاری نوشته شده است، روایات فراوانی گرد آمده و البته دروغگویان بسیاری هم به میدان آمده‌اند، تا جایی که مکذوب بیش از صحیح است! یکی از سردمداران دروغ پردازی در این میدان که تأثیرات فراوانی گذارده است کعب الاحبار می‌باشد. او استاد علمای دستگاه خلافت در موضوع ملاحم و فتن است، و عمر او را مشاور مبسوط الید خود قرار داد. پس از او هم نزد خلفا مقرب بود، از این رو توانست افسانه‌ها و بافته‌های خود را در میان فرهنگ و آثار مسلمانان نشر دهد!

راویان اتفاق نظر دارند که آخرین ملاحم، جنگ امام عجل الله تعالی فرجه با رومیان است، و آن را بزرگترین نبرد نامیدند، ولی کعب پیکار قسطنطنیه را جایگزین آن کرد و خروج دجال را نیز به دنبال آن قرار داد. اما پس از قرن‌ها قسطنطنیه فتح شد، ولی هنوز دجال رخ ننموده است!

الفتن ۲ / ۴۹۹ از کعب: «سخت‌ترین جنگ، خرابی قسطنطنیه و خروج دجال در هفت ماه خواهد بود.»

البته سخن وی در کلام صحابیانی چون عبد الله بن بسرو سعد بن ابی وقاص و دیگران به حدیثی نبوی تبدیل شد!

صحیح مسلم ۴ / ۲۲۲۱ از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «قیامت به پا نخواهد شد تا

۱. مسند احمد ۱ / ۱۷۸، ۴ / ۱۸۹ و ۵ / ۲۳۴، بخاری ۸ / ۴۳۱، سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳۷۰ و ...

آنکه لشکریان روم در اعماق یا دابق^۱ فرود آیند. در پی آن لشکری از مدینه که در آن روزگار از بهترین های اهل زمین هستند، به مصاف آنان می روند. پس چون صف می کشند، رومیان گویند: ما را با کسانی که برخی از ما را اسیر کردند، رها بگذارید تا با آنها بجنگیم. مسلمانان در پاسخ می گویند: نه، به خدا سوگند شما را با برادرانمان رها نخواهیم کرد. پس میان آنان جنگی در می گیرد و یک سوم مسلمانان پا به فرار می گذارند که خداوند تا ابد توبه ی آنها را نخواهد پذیرفت. یک سوم هم کشته می شوند که برترین شهیدان نزد خداوند، و یک سوم آخر فاتح اند و تا ابد فتنه و اختلافی در میان آنها در نخواهد گرفت. آنان قسطنطنیه را فتح می کنند و زمانی که مشغول تقسیم غنائم هستند و شمشیرهایشان را بر درختان زیتون آویخته اند، شیطان در میان آنها فریاد می کند که مسیح [دجال] به سراغ خانواده هایتان رفته است. [به دنبال این فریاد] آنها از آن سرزمین خارج می شوند و حال آن که این خبر دروغ است. وقتی به شام می رسند در حالی که خود را آماده جنگ می کنند و مشغول صف آرایی هستند، او خروج می کند. یکباره نماز به پا می شود و عیسی بن مریم علیه السلام فرود آمده، امامت نماز را بر عهده می گیرد.

زمانی که دشمن خدا او را می بیند، هم چنان که نمک در آب ذوب می شود، ذوب می گردد. اگر رهایش کند، آن قدر ذوب می شود که هلاک گردد، ولیکن خدا او را به دست عیسی به قتل خواهد رساند و خونس را بردشنه ی وی به مردم نشان خواهد داد.^۲

اتفاق بر آن است که مسیح علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام نماز می گزارد.

می بینیم که کعب چسان بر آنان تأثیر گذاشته است، و بدین وسیله خوش خدمتی خود را به روم اعلام می کند!

گمان کردند نبرد با روم، پایان بخش امت اسلام است

کعب الاحبار بر این باور است که فتح قدس، پایان بخش امت و ویرانگر پایتخت آن مدینه ی

۱. دو منطقه در شام و در نزدیکی حلب

۲. ابن حبان در صحیح ۸ / ۲۸۶، حاکم در المستدرک ۴ / ۴۸۲ و ۴۷۶ - وی می نویسد: روایت صحیح آن است که فتح آن همزمان با قیامت است! - و بغوی در مصابیح السنة ۳ / ۴۸۰

منوره است. او خلیفه را نیز به این مطلب قانع کرد، همانگونه که در صحیحترین کتب آنان مشاهده می‌کنیم!

المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵ / ۱۳۵ از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند: «آبادانی بیت المقدس ویرانی مدینه را در پی دارد و ویرانی مدینه بروز جنگ را. با بروز آن جنگ، قسطنطنیه فتح می‌شود و فتح آن قیام دجال را به دنبال دارد! سپس با دست بران یا شانه‌ی کسی که این مطلب را برایش گفتند زدند و گفتند: این مطلب حق است هم چنان که تو اینجا هستی - و یا هم چنان که تو اینجا نشسته ای -، و مقصود ایشان معاذ است.»!

زمان و مکان بزرگترین جنگ، در بافته‌های کعب و شاگردان!

کعب، بزرگترین نبرد با روم را نزدیک می‌پندارد، الفتن ۲ / ۸۰ از وی نقل می‌کند: «ملاحم بر دستان مرد چهارم یا پنجم از خاندان هرقل که او را طباره گویند واقع می‌شود! آن روز امیر مردم مردی از بنی هاشم است. هفتاد هزار نفر از یمن که بند شمشیرشان از لیف است، به کمک او می‌آیند.»

البته این سخن کعب نیز به حدیثی نبوی مبدل شد! مهاجرین حبیب از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «بردست پنجمین نفر از خاندان هرقل ملاحم واقع می‌شود. ارطاة گوید: چهار تن از آنان به قدرت رسیده‌اند، اصحاب پیامبر ﷺ می‌گویند: پنجمی مانده است.»^۲

همان ۲ / ۷۰ از مهاجرین حبیب از آن حضرت: «بردست پنجمین نفر از خاندان هرقل ملاحم واقع می‌شود. هرقل به قدرت می‌رسد، پس از او پسرش قسطه، آنگاه پسر او قسطنطین، و در پی او اصطفان پسرش. سپس پادشاه روم از خاندان هرقل به مصاف لیون می‌رود، و پسرانش پس از او، و پادشاهی به پنجمین کس از آل هرقل که ملاحم بردستانش واقع می‌شود، بازگشت می‌کند.»

۱. مسند احمد ۵ / ۲۳۲ و ۲۴۵ و سنن ابی داود ۴ / ۱۱۰ و نیز رک به المستدرک ۴ / ۴۲۰ و الدر المنثور ۶ / ۶۰

۲. الفتن ۲ / ۵۰۰

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام ﷺ
منزلت امام ﷺ
حکومت امام ﷺ
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عیسی

روم

ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام ﷺ
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام ﷺ در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

بعدها کعب الاحبار بهتر دید زن امپراطوری را به جای طباره‌ی امپراطور قرار دهد، و به این باور رسید که نبرد در عهد آن زن رخ می‌دهد! الفتن ۲/ ۵۰۰ از کعب می‌آورد: «زنی به حکومت روم می‌رسد، او می‌گوید: هزار کشتی از بهترین الواحی که در زمین یافت می‌شود برای من بسازید، آنگاه به مصاف اینان که مردان ما را کشتند و زنان و فرزندانمان را به اسارت گرفتند بروید. چون از ساخت آنها فارغ شوند گوید: سوار شوید، چه خدا بخواهد و چه نخواهد! پس خدا بادی می‌فرستد و آنها را - به خاطراینکه گفت: چه نخواهد - در هم می‌شکند. دوباره هزار کشتی می‌سازند، او هم دوباره همان سخن را تکرار می‌کند، خدا هم بادی می‌فرستد و آنها را در هم می‌شکند!

برای بار سوم می‌سازند، ولی این بار می‌گوید: سوار شوید، اگر خدا بخواهد. آنگاه می‌روند و به عکا می‌رسند.»

دو تن از شاگردان کعب یعنی ابوالزاهریه و ضمیره نیز سخن او را تأیید کرده گفتند: «رومیان از روم تا ارمنستان برای نبرد با شما لشکر جمع می‌کنند. آنان با ده هزار کشتی در ساحل شما فرود می‌آیند و در ساحل فلسطین ساکن می‌شوند. مرکز قدرتشان در عکا فرود می‌آید. اهل شام عقب نشینی می‌کنند. از یمنیان کمک می‌خواهند و آنان با چهل هزار نفر به یاری شان به عکا می‌آیند و خداوند فتح را نصیبشان می‌کند.»^۱

بزرگ راوی اسلام - در پندار اهل سنت - ابوهریره نیز به این دو تن ملحق شده به تأیید کعب می‌پردازد، الفتن ۲/ ۴۸۷: «روم را فتح می‌کنید و پسران مهاجرین شمشیرهایشان را در آن می‌آویزند. کسی که از قسطنطنیه باز می‌گردد، متوجه می‌شود که عجله کرده است.»

رفیق او عبد الله بن عمرو عاص نیز به صف مؤیدان می‌پیوندد، مجمع الزوائد ۷/ ۳۱۹ از او نقل و توثیق (!) می‌کند: «مردی که یکی از والدین او شیطان است حکومت روم را به دست خواهد گرفت و با یک میلیون نفر - پانصد هزار نفر در خشکی و پانصد هزار تن در دریا - می‌آید تا به زمینی به نام عمق برسد. آنگاه به یارانش گوید: من با کشتی‌های شما کاری دارم، و چون پایین آیند فرمان می‌دهد همه‌ی کشتی‌ها را بسوزانند. سپس می‌گوید: شما نه راهی به

۱. الفتن ۲/ ۴۸۷

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

قسطنطنیه دارید و نه روم، پس هر که خواست فرار کند!

مسلمانان هم از یکدیگریاری می‌طلبند، و اهل عدن ابین به یاری آنان می‌آیند. مسلمانان گویند: به سراغ اینان بروید و سلاح واحد باشید. آنها یک ماه می‌جنگند تا جایی که سم مرکب‌ها در خون فرورود. مؤمن در آن روز فلان مقدار پاداش بیش از پیشینیان دارد. مگر از صحابه (!) ـ. روز آخر آن ماه خدا می‌گوید: امروز شمشیرم را بیرون می‌کشم، دینم را یاری کرده، از دشمنم انتقام می‌گیرم، خدا آنان را شکست می‌دهد و قسطنطنیه فتح می‌گردد. امیرشان گوید: امروز دیگر محدودیتی نیست و با سپرهایشان طلا و نقره‌ی غنیمت را تقسیم می‌کنند، ولی ناگهان ندا می‌شود: دجال وارد خانه‌هایتان شده است.»

ببینیم چگونه کعب و شاگردانش به دروغ‌پردازی و افسانه‌سرایی پرداخته‌اند، و حدیث نبوی درباره‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و روم را دگرگون ساخته‌اند!

کعب می‌پندارد مرکز مسلمین دمشق است

مسند الشامیین ۱ / ۳۳۵ از ابوالدرداء از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «روز جنگ، خیمه‌گاه مسلمانان در کنار شهری به نام دمشق است، آن شهریکی از بهترین شهرهای شام است.» همان ۲ / ۲۶۶: «روز بزرگترین نبرد، در منطقه‌ی غوطه شهری است به نام دمشق، آن شهر بهترین منزلگاه مردمان آن روز است.»

المستدرک ۴ / ۴۸۶ نقل می‌کند و صحیح می‌شمارد: «روز نبرد سخت، خیمه‌گاه مسلمین زمینی به نام غوطه است.»!

جامع المسانید ۱۵ / ۳۹: «دمشق در ملاحم، یکی از بهترین منزلگاه‌های مسلمانان است.»^۱

کعب همچنان می‌پندارد و می‌بافد، و دروغ‌هایش حدیث نبوی می‌شود!

او معتقد است یهودیان بنی اسحاق ـ و نه مسلمین ـ قسطنطنیه را فتح می‌کنند، و این امر به حدیثی نبوی مبذل می‌گردد! صحیح مسلم ۴ / ۲۲۳۸ از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «آیا

۱. رک به سنن ابوداود ۴ / ۱۱۱، الملاحم ابن منادی ۳۷ / و ...

نام شهری را شنیده اید که یک سوی آن در خشکی و یک سوی دیگر آن در دریا باشد؟ پاسخ دادند: آری، ای رسول خدا! گفتند: قیامت به پا نخواهد شد تا آنکه هفتاد هزار تن از بنی اسحاق برای جنگ بدان سوبشتابند. وقتی بدانجا می‌رسند، فرود می‌آیند ولی نه با سلاحی به جنگ می‌پردازند و نه تیری پرتاب می‌کنند، بلکه می‌گویند: لا إله إلا الله والله اکبر، و یکی از دو طرف آن سرزمین سقوط می‌کند...»

این مطلب از جسارت و بی‌پردگی کعب و پس از او ابوهریره حکایت می‌کند، امری که نظیر آن کم یافت می‌شود!

کعب می‌گوید: یک سوم مسلمانان پابه فراری می‌گذارند، و این سخن حدیثی نبوی می‌شود!

الفتن ۲/ ۶۷ از وی روایت می‌کند: «هنگامی که نبرد سخت که نبرد باروم است رخ دهد، جماعتی از شما بگریزند و به دشمن ملحق شوند. گروهی دیگر نیز بر آن شوند که شما را تسلیم کنند ولی خداوند برخی از آنها را به زمین فرو خواهد برد، و برخی دیگر پرنده‌گانی را خواهد فرستاد که چشمان آنان را در ربایند، و یک طائفه باقی ماند.

ای بندگان خدا! هریک از شما آن وقایع را دید و بر ترس خود غلبه کرد، زیرپالان [مربک] رود و یا ستون خیمه‌اش را بگیرد و بردبار باشد، زیرا خداوند یاور گروه باقی است. این در زمانی خواهد بود که رومیان شما را ضعیف شمارند و در شما طمع کنند. امیر آنان به لشکریانش گوید: صبح هنگام بر این مرکب‌ها سوار شوید و آنان را به یکباره از میان برید تا آنکه در زمین تا ابد نامی از این دین یعنی اسلام نیاید...»^۱

سخنی را به حذیفه نسبت می‌دهند که آن را نگفته است!

سنن الدانی / ۱۰۴ در روایتی طولانی از حذیفه از رسول خدا ﷺ می‌آورد: «مهدی با مسلمانان همراه به دمشق می‌آید. خداوند روم را - که حاکم آن پنجمین نفر از خاندان هرقل به نام طباره

۱. در روایات پیرامون دجال نیز مشابه آن یافت می‌شود، رک به صحیح مسلم ۴/ ۲۲۲۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

است و ملاحم بردستان او واقع خواهد شد - می‌فرستد. شما هفت سال با آنها مصالحه خواهید کرد، تا آن زمان که شما و آنان با دشمنی که پشت آنان است بجنگید، غنیمت بگیرید و شما و آنان جان به سلامت برید.

شما در دره‌ای که تپه‌ها دارد فرود می‌آیید. در چنین اوضاعی مردی از روم می‌آید و می‌گوید: صلیب پیروز شد. پس مردی از مسلمین برخاسته صلیب را در هم می‌شکند و می‌گوید: خداوند پیروز است.

آن هنگام است که آنها به شما نیزنگ می‌زنند، و همه‌ی آن گروه [مسلمانان] به شهادت می‌رسند.

آنان به مدت بارداری یک زن برای مقابله با شما به جمع‌آوری لشکر می‌پردازند. آنگاه با هشتاد بیرق که زیر هر یک دوازده هزار نفر است می‌آیند و در عمق انطاکیه وارد می‌شوند. به دنبال آن در حیره و شام تمامی مسیحیان صلیب‌ها را بالا می‌آورند و می‌گویند: هرکه در زمین مسیحی است اینان را یاری رساند.

امام شما و مسلمانان همراه از دمشق می‌آیند و وارد عمق انطاکیه می‌شوند. او از شامیان کمک می‌طلبد. از سویی هم به اهل مشرق خبر می‌دهد که دشمنی از خراسان بر ساحل فرات آمده است. چهل روز با آن دشمن به سختی می‌جنگند. سپس خدا نصرت را بر اهل مشرق فرو می‌فرستد، و نهصد و نود و نه هزار نفر از آنان را می‌کشد و بقیه پا به فرار می‌گذارند. پس منادی از مشرق ندا می‌کند: ای مردم! وارد شام شوید که پناهگاه مسلمین است و امامتان آنجاست.

حذیفه گوید: آن روز بهترین اندوخته‌ی مسلمین مرکبی است که سوار بر آن به شام رود و خرهایی که بر آن به دمشق رسد. امام آنها برای یمنی‌ها پیام می‌فرستد و کمک می‌خواهد. هفتاد هزار نفر از آنان که بند شمشیرشان از لیف است، سوار بر شتران عدن می‌آیند و می‌گویند: ما به حق بندگان خدا ایم، بخشش و رزقی نمی‌خواهیم. آنان در عمق انطاکیه خود را به مهدی می‌رسانند. آن روز رومیان و مسلمانان نبردی سخت خواهند داشت و سی هزار تن از مسلمین به شهادت خواهند رسید، و هفتاد فرمانده که نورشان به آسمان می‌رسد.

حذیفه گوید: پیامبر ﷺ فرمود: برترین شهدای امت من، شهدای اعماق و شهدای [نبرد با] دجالند. آهن محکم می شود تا آنجا که مردی مسلمان کافری را با سیخی آهنی می زند و او را در حالی که زره برتن دارد، دو پاره می کند. چنان آنها را می کشند که اسبان در خون پا گذارند. آن هنگام خدای تبارک و تعالی بر آنان غضب می کند...

آن روز شما بهترین بندگان خدایید، نه زانی در میان شما خواهد بود، نه غالی و نه دزد... در سرزمین روم از کنار دژی عبور نمی کنید و تکبیر نمی گوید، مگر دیوار آن فرو می ریزد و پیکار جویان آن را به قتل می رسانید. تا آنکه وارد شهر کفر قسطنطنیه شوید. چهار تکبیر می گوئید و دیوار آن سقوط می کند.

حذیفه گوید: پیامبر ﷺ گفتند: خدای عزوجل قسطنطنیه و روم را شکست می دهد و وارد آن می شوید. چهار صد هزار نفر را می کشید و گنج های بسیاری از طلا و جواهر را بیرون می آورید و در دار بلاط مقیم می شوید. گفتند: دار بلاط چیست؟ پاسخ دادند: خانه ی پادشاه، یک سال در آن مقیم خواهید بود.^۱

این ها همه بافته های کعب و شاگردان اوست که به حذیفه نسبت داده اند و آن را تا قیامت کشانده اند!

چنین جلوه می دهند که امام مهدی علیه السلام گویا مأمور یهودیان است!

در کتب سنیان روایات بسیاری پیرامون این مطلب آمده که حضرت از کلیسای روم گنج ها و زینت های بیت المقدس را که رومیان به سرقت بردند، بیرون آورده و آنها را با صد و یا هزار و هفتصد کشتی به بیت المقدس باز می گرداند!

تفسیر طبری ۲۹/۱۵ از حذیفه - به گمان آنان - از پیامبر ﷺ نقل می کند: «بنی اسرائیل چون به تجاوزگری، استکبار و قتل پیامبران پرداختند، خداوند بُخت نصّر حاکم فارس را به سراغ آنان فرستاد. حاکمی که خدا هفتصد سال او را پادشاهی داده بود. او هم به سراغ آنها

۱. قسمت هایی از آن در تفسیر طبری ۱۵/ ۱۷ و ۲۲/ ۷۲، الفردوس ۵/ ۵۲۳، تهذیب ابن عساکر ۱/ ۱۹۶، تذکرة قرطبی ۲/ ۶۹۳ و ۷۰۴، تفسیر قرطبی ۱۴/ ۳۱۴ و عقد الدرر ۷۴/ ۱۳۶ و ۱۴۹ و...

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آمد، بیت المقدس را محاصره و فتح کرد. به خاطر خون یحیی بن زکریا هفتاد هزار نفر را به هلاکت رساند. اهالی آن و پسران انبیاء علیهم السلام را به اسارت برد، زینت‌های بیت المقدس را به غنیمت گرفت، و هفتاد هزار نفر و صد هزار بارکش زینت با خود به بابل آورد!

گفتم: یا رسول الله! آیا بیت المقدس نزد خدا مقامی رفیع دارد؟ فرمود: آری، سلیمان بن داود آن را از طلا و درّ و یاقوت و زبرجد بنا کرد، خشت‌های آن یکی از طلا بود و یکی از نقره، و ستون‌های آن طلا بود. خداوند این را به او عطا کرده بود، شیاطین را نیز مسخر او گردانیده بود و آنها این اشیاء را در دیده برهم زدنی برای او می‌آوردند، و بخت نصر همه‌ی این‌ها را به بابل آورد.

بنی اسرائیل صد سال نزد او بودند، مجوس و فرزندانشان آنان را - که پیامبران و فرزندانشان در میانشان بودند! - شکنجه می‌دادند!

پس از مدتی خدا به آنان رحم کرد و به پادشاهی از پادشاهان فارس که کورس نام داشت و مؤمن بود، وحی کرد: سراغ بقایای بنی اسرائیل برو و آنان را رهایی بخش. او هم بنی اسرائیل و زینت‌های بیت المقدس را بدان باز گرداند.

فرزندان اسرائیل یکصد سال در اطاعت خدا به سر بردند، ولی بعد به معاصی بازگشتند. لذا خداوند ابطیانیحوس را بر آنان مسلط گرداند. او هم با پسران کسانی که در کنار بخت نصر جنگیده بودند، به نبرد بنی اسرائیل به بیت المقدس آمد. اهالی آن را به اسارت گرفت و بیت المقدس را به آتش کشید.

او به آنان گفت: ای فرزندان اسرائیل! اگر باز به معاصی باز گردید، دیگر بار شما را به اسارت خواهیم برد. آنان باز به عصیان پرداختند و خداوند آنان را برای سومین بار توسط پادشاهی رومی به نام قاقس بن اسبایوس به اسارات مبتلانمود. او از دریا و خشکی بر آنان حمله برد، اسیرشان کرد، زینت‌های بیت المقدس را نیز با خود برد و آنجا را به آتش کشید. پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرمودند: زینت‌های بیت المقدس چنین ماجرای داشت، و مهدی آنها را بدان باز خواهد گرداند. آنها هزار و هفتصد کشتی است که در یافا لنگر می‌اندازد تا به بیت المقدس منتقل شود، و خداوند اولین و آخرین را در آنجا گرد خواهد آورد.»

الفتن ۲/ ۸۵: «لشکری از شما به روم می رود و آن را فتح می کند. آنان - که تحت امر جوانی هستند - زینت های بیت المقدس، تابوت سکینه، سفره، عصا و جامه ی آدم را می گیرند و به بیت المقدس ارجاع می دهند.»

سلمی در عقد الدرر/ ۹۳ می نویسد: «فصل دوم: فتح شهر قاطع و اطراف آن و بازگشت زینت های بیت المقدس بدان ... حذیفه در مورد مهدی و فتح روم توسط او از رسول خدا ﷺ نقل می کند: آنگاه چهار تکبیر می گویند که دیوار آن سقوط می کند. آن را روم گویند چون در کثرت خلق در آن، به رمان [انار] ماند.»

ششصد هزار نفر را می کشند. زینت های بیت المقدس، تابوتی که سکینه در آن است، سفره ی بنی اسرائیل، پاره های الواح، عصای موسی، منبر سلیمان و دو پیمان از منی که خداوند بر بنی اسرائیل فرو فرستاد و از شیر سفید تر است را از آنجا بیرون می آورند.»

همو در ادامه می گوید: «از امیر المؤمنین (علیه السلام) منقول است: او متوجه مناطق مختلف می شود. به هر شهری که ذوالقرنین پناهاده است وارد می شود و آن را سامان می دهد. جباری نمی ماند جز آنکه به دست او به هلاکت می رسد. خدای عزوجل قلوب مسلمین را شفا می بخشد. او زینت های بیت المقدس را برصد مرکب حمل می کند، آنها را در غزه و عکا فرود می آورد و به بیت المقدس برده می شود.»

ینابیع المودة ۳/ ۲۶۷ می نویسد: «پسر اسمانوس به بیت المقدس آمد، با فرزندان اسرائیل جنگید، زینت های بیت المقدس را برگرفت و قسمتی از آن را به آتش کشید. او هزار و هفتصد کشتی خالی را از آن پر کرد، لکن چون خواست آنها را وارد روم کند، غرق شدند. این مطلب از حذیفه رسیده است.»

او در همین سخن از پیامبر ﷺ نقل می کند: مهدی آنها را از دریا بیرون خواهد آورد و به بیت المقدس باز خواهد گرداند. آنگاه با همراهان به بحر محیط می رود.»

نگارنده: شاید بخت نصر یا رومیا طلا یا جواهری در بیت المقدس یافتند و برگرفتند که یهودیان آن را ظلمی عظیم چونان هولوکاست قرار دادند! اما چون نتوانستند اثبات کنند آنها در روم است، گفتند: کشتی ها غرق شد!

آنها در ادامه پنداشتند که امام مهدی علیه السلام آنها را باز خواهد گرداند! آنها به ایشان مأموریت دادند تا مسروقات بخت نصر یا غنائم رومیان را به آنان باز گرداند!

نقش یمنیان و خراسانیان در نبرد امام علیه السلام با روم

طبیعی است که یمنیان در جنگ های امام مهدی علیه السلام سهیم باشند، زیرا حاکم یمن منصور یمنی وزیر و معتمد ایشان است، و نیز ایرانیان، چون فرمانده عام قوای امام علیه السلام شعیب بن صالح ایرانی است، و بقیه ی لشکر امام از عراق و دیگر بلاد عربی به آنها ملحق می شوند.

البته کعب الاحبار این نبرد را بین روم و یمنیان عصر خود می داند! الفتن ۲ / ۶۹؛ از او می آورد: «خداوند، آن هنگام که رومیان به نبرد با اهل شام بیایند، اهل شام را با دولشکر یاری می دهد؛ یکی هفتاد هزار و دیگری هشتاد هزار از اهل یمن که بند شمشیرشان از لیف است.»

همان ۲ / ۸۱ از همو: «رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن از آن نبرد و تعداد افراد آنان گفتند، حال من آن را برایتان تفسیر می کنم؛ دوازده پادشاه در آن حضور می یابند که پادشاه روم کوچکترین آنهاست و کمترین جنگجویان را دارد. با این حال آنهایند که این جنگ را به راه می اندازند و امت ها را بدان فرا می خوانند.

آن روز هر کسی که برگردن خود حقّی از اسلام می بیند حرام است که اسلام را یاری نکند. آن روز یاران کمکی مسلمین تا صنعاء جَنَد می رسند. و حرام است بر کسی که حقّی از نصرانیت بر خود می بیند آن را یاری نکند. آن روز جزیره با سی هزار نصرانی آنان را یاری خواهد رساند. شخص گاو خود را رها می کند و می گوید: می روم و نصرانیت را یاری می کنم... تا آخر افسانه سرایی.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ترکان

ترکان در عصر ظهور

مقصود از ترک در احادیث عصر ظهور

بیشتر ترجیح می‌دادم مقصود از آنها ترک‌های ترکیه، روس و مناطق شرقی اروپاست، زیرا در منابع اسلامی از اینان به امم ترک تعبیر می‌گردد. ولی اکنون بر این باورم که باید در تمامی احادیث مربوط به آنان قرائن را بررسی کرد و دید آیا مقصود ترکان ترکیه هستند یا عموم ترک‌ها.

ترکان مغول

در روایات رسول خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام سخن از اینان آمده است، ابن حماد نیز برخی از آنها را نقل می‌کند، الفتن ۱ / ۲۲۰ از مکحول از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آورد: «ترکان دو خروج دارند؛ در یکی آذربایجان را ویران می‌کنند، و در دیگری اسب‌هایشان را در کنار فرات می‌بندند، و پس از آن هیچ ترکی نخواهد بود...»

ارطاة گوید: سفیانی با ترک‌ها می‌جنگد، آنگاه بردستان مهدی ریشه کن می‌شوند. این اولین پرچمی است که مهدی آن را می‌بندد و به سمت ترکان می‌فرستد...
عبد الله بن عمرو گوید: تنها یکی از ملاحم باقی مانده است، سرآغاز آن هجوم ترک به جزیره است.^۱

ابن حماد در ادامه روایاتی را نقل می‌کند که بر هجوم مغول بر بلاد مسلمین منطبق است، لکن او ظهور حضرت مهدی علیه السلام را به دنبال آن می‌داند. او امام علیه السلام را یک طرف نبرد فرقیسیا با سفیانی معرفی می‌کند و حال آنکه چنین نیست.

الفتن ۱ / ۲۲۲ از ابن مسعود: «چون ترک و خزر به جزیره و آذربایجان، و روم هم به عمق و اطراف آن آیند، مردی از قیس از اهالی قنسرین با رومیان می‌جنگد و سفیانی در عراق با اهل مشرق، و هر قسمتی به دفع دشمن مشغول است...»

حذیفه گوید: چون گروه نخست ترکان را در جزیره دیدید، با آنها بجنگید تا شکستشان دهید، یا آنکه خداوند آنان را از شما دفع کند، زیرا آنان حرم را رسوا می‌کنند، و این علامت خروج اهل مغرب و شکست پادشاهی آنان است.^۱ و دیگر عباراتی چنین.

۱. همان ۱ / ۲۷۳ و ۲ / ۶۷۷ و ۶۸۳ و الملاحم و الفتن ۹۹ / ۹۱ و ۳۷۰

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در ادامه از عمار بن یاسر نقل می‌کند: «اهل بیت پیامبرتان نشانه‌هایی دارند، پس از جایتان حرکت نکنید تا ترک با مردی ضعیف که با گذشت دو سال از بیعتش خلع شود پیمان بندند. آنها با رومیان اختلاف کنند. قسمت غربی مسجد دمشق به زمین فرو رود. سه نفر در شام خروج کنند و از همان جا که آمده‌اند حکومت از دستشان رود. ترکان به جزیره آیند و روم به فلسطین. عبد الله در پی عبد الله بیاید تا آنکه لشکریانشان در قرقیسیا مواجه شوند.» نگارنده: راویان تحت اشراق کعب، گاه است که روایات خود را به ابن مسعود و حذیفه نسبت می‌دهند!

البته حدیث عمار در منابع ما نیز آمده و قابل تصدیق است، ولی ممکن است دست تحریف آنان به آن هم رسیده باشد. غیبت شیخ طوسی / ۲۶۸ از وی روایت می‌کند: «فراخوان اهل بیت پیامبرتان در آخرالزمان است، پس از جایتان حرکت نکنید و دست نگه دارید تا آنکه رهبران آن را ببینید. چون ترک با روم اختلاف کنند و در زمین جنگ‌های بسیاری رخ دهد، منادی از دیوار دمشق ندا می‌کند: وای براهل زمین از شری که نزدیک شده است، و دیوار مسجد آن ویران می‌گردد.»

الفتن / ۷۶ این سخن را به ارطاة نسبت می‌دهد: «چون ترک و روم اجتماع کنند، منطقه‌ای در دمشق به زمین فرو رود، و قسمتی از غرب مسجد آن فرو ریزد، سه بیرق در شام برافراشته خواهد شد.»

عبدالرزاق روایتی مشابه آن را از ابن مسعود می‌آورد، المصنف ۱۱ / ۳۸۰: «گویا می‌بینم که ترک‌ها براسبانی گوش بریده به سراغ شما آمده‌اند و در کنار فرات آنها را می‌بندند.»^۱ البته جدای از اینکه مقطوع است، ربطی به ظهور ندارد.

از همین دست روایت ابن طاووس در الملاحم و الفتن / ۱۲۴ از فتن سلیلی است، وی از حضرت امیر علیه السلام روایت می‌کند که به ابن عباس فرمودند: «ای پسر عباس! امور مختلفی را شنیده‌ای، پس بگو- خدایت رضا باشد-؛ نخستین فتنه بعد از دویست حکمرانی کودکان است، تجارتات بسیار و نفع کم، آنگاه مرگ عالمان و صالحان، پس از آن قحطی شدید، بعد ستم و

۱. المعجم الكبير ۹ / ۱۹۲، المستدرک ۴ / ۴۷۵ و مجمع الزوائد ۷ / ۳۱۲

کشتار اهل بیت من در زوراء در حالی که تشنه اند، دشمنی، و نفاق پادشاهان و سلطان عجم. چون ترکان بر شما به حکومت رسند به اطراف بلاد و سواحل دریاها بروید و بگریزید، در سال دویست و پنجاه و پنج سه فتنه در سرزمین ها رخ خواهد نمود؛ فتنه ای در مصر، وای بر مصر، دومی در کوفه و سومی در بصره. نابودی بصره به دست مردی است که والی آن است و هیچ اصل و فرعی ندارد. پس مردم دو گروه می شوند: فرقه ای با او و دیگری در مقابل او. او چند سال بر آنان حکومت می کند. پس از خود شخصی خشن و سخت را خلیفه قرار می دهد که در آسمان قتال [بسیار کشنده] و در زمین جبار نامیده می شود، خون ها می ریزد و آن را با آب مخلوط می کند ولی نمی تواند آن را بنوشد. اعراب بر او هجوم می آورند، در پی آن او به قتل می رسد و جور و فجور میان مردم می گسترند. پرچم هایی پی در پی نزد شما می آیند. آنها بسان رشته ای هستند که جدا شده بودند ولی به یکدیگر پیوسته اند.

چون خلیفه تان به قتل رسد منتظر خروج آل ابی سفیان باشید. حکومت او با نابودی مصر است، و آن هنگام است که برخی نواحی بصره به زمین فرو می رود. دو جای دیگر آن نیز به زمین فرو می رود: بازار و مسجد. پس از آن سیلی خواهد آمد. هر کس از شمشیر نجات یافته از آب رهایی نمی یابد، مگر آنان که در اطراف آن سکونت داشته درون آن را رها کرده اند.

سه بار در مصر زمین فرو خواهد رفت، شش زلزله خواهد بود، و از آسمان [چیزهایی] پرتاب خواهد شد. بعد از آن هم نوبت کوفه می رسد. سفیانی در شام است. چون لشکرش به کوفه برسد، انتظار بهترین آل محمد ﷺ را در کنار کعبه داشته باش. آنگاه است که زندگان آرزو می کنند کاش مردگان شان زنده بودند. او زمین را پراز عدل می سازد، همان گونه که از ستم پر شده است.»

این گزارش از شخصی مجهول است، به علاوه آنکه معلوم است که از روایات ما شیعیان آن را برگرفته و بریده اند و بدان افزوده اند.

اصل صحیح آن، فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی هجوم ترکان مغول بر بلاد مسلمین است، در نهج البلاغه خطبه ی ۱۲۸ می فرماید: «گویا قومی را می بینم که صورت هایشان بسان سپرهایی است که آهنگر بر آن ضربه می زند. آنان ابریشم و دیباج می پوشند، اسبان نجیب

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

را نگاه می‌دارند، کشتاری سخت خواهد بود، تا جایی که مجروحان بر روی کشتگان راه روند و نجات یافتگان از اسیران کمتر باشند.

برخی از یاران گفتند: یا امیرالمؤمنین! شما را علم غیب داده‌اند، ایشان خندیدند و به او که از طائفه‌ی کلب بود فرمودند: ای برادر کلب! این علم غیب نیست، بلکه فراگیری از صاحب دانشی است. علم غیب آگاهی از قیامت است و آنچه خداوند سبحان با این سخن شمرده است: **إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ**^۱ در حقیقت خداست که علم [به] قیامت نزد اوست، و باران را فرو می‌فرستد، و آنچه را که در رحم‌هاست می‌داند، و کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد. در حقیقت خداست [که] دانای آگاه است.

خداوند سبحان است آنچه را در احرام است از مذکرو مؤنث، زشت و زیبا، سخی و بخیل، شقی و سعید و آنکه در آتش، هیزم و یا در بهشت، همنشین پیامبران است، می‌داند. این دانش غیبی است که جز خدا کسی آن را نمی‌داند، اما غیر آن، دانشی است که خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله آموخته و او نیز مرا آموخته است، و برای من دعا کرده که سینه‌ام آن را حفظ کند و وجودم آن را در برگیرد.»

المستدرک ۴ / ۷۴ مشابه این معنا را نقل می‌کند و صحیح می‌شمارد، وی از بریده‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «قومی با دیدگان کوچک و چهره‌های پهن خواهند آمد. چهره‌هایشان گویا سپر است. آنان در سرزمین عرب به مسلمین می‌رسند. گویا آنها را می‌بینم که اسبان‌شان را به ستون‌های مسجد بسته‌اند.

گفتند: یا رسول الله! آنان کیانند؟ فرمود: ترک.»

این روایات، خبر از هجوم مغولان بر بلاد اسلام می‌دهد، و می‌توان آن را از علائمی شمرد که از ظهور فاصله‌ی زیادی دارد، نه علائم نزدیک.

۱. سوره‌ی لقمان / ۳۴

ترک‌ها در نبرد قرقیسیا

از رخدادهایی که ترکان در آن نقش آفرین هستند جنگ در قرقیسیاست، و آنها در سال ظهور ویا اندکی قبل از آن با سفیانی پیکار خواهند کرد، پیش از این نیز برخی روایات آن در فصل بلاد شام گذشت.

قرقیسیا معرّب کرکیسیاست و این کلمه ممکن است در اصل رومی باشد. این شهر در مرز سوریه، عراق و ترکیه قرار دارد، و بقایای شهری که بدین نام شناخته می‌شود در کنار مصب دریاچه‌ی خابور، در نزدیکی دیرالزور سوریه یافت می‌گردد.^۱ این منطقه در نزدیکی تل ابیض و رأس العین قرار دارد و چاه‌های نفت سوریه در قرب آن است.

روایات شیعه و سنی آن نبرد را نبردی سخت معرفی می‌کند، و در نام بردن اطراف درگیری اختلاف دارد. ترک، روم، سفیانی، بنی عباس، بنی امیه، قیسیه و مروانی ذکر شده‌اند.

البته نبرد عباسیان و مروانی قبلاً رخداد و کشتگان بسیاری داشت. ولی نبرد موعود قرقیسیا نزدیکی‌های ظهور خواهد بود.

در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام سخنی از اینکه امام علیه‌السلام و شیعیان از اطراف درگیری باشند، به میان نیامده است.

علت این جنگ در برخی روایات گنجی است که در مجرای فرات آشکار می‌شود، و سفیانی و ترک و روم بر سر تصاحب آن اختلاف می‌کنند.

در برخی دیگر از روایات آمده که سفیانی پس از رخداد آن جنگ ظاهر می‌شود و در اواخر آن متوجه عراق شده یکی از اطراف درگیر خواهد بود. این امر مؤکد ارتباط این جنگ با ظهور است.

برخی از احادیث مربوط به آن: کافی ۲۹۵/۸ روایت می‌کند که امام باقر علیه‌السلام به میسر فرمودند:

«ای میسر! میان شما و قرقیسیا چه مقدار فاصله است؟ گفتم: قرقیسیا در نزدیکی فرات است، ایشان فرمودند: در آنجا رخدادی به وقوع می‌پیوندد که از زمانی که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفریده مانند آن رخ نداده است، و تا زمانی که آسمان‌ها و زمین باشند رخ نخواهد داد. میهمانی پرندگان خواهد بود، درندگان زمین و مرغان آسمان از آن سیر خواهند شد.

۱. معجم البلدان ۴ / ۳۲۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

قیس^۱ در آن به هلاکت می‌رسند، و دیگر کسی از آنان بر نمی‌خیزد.

این روایت را چند نفر نقل کرده و در ادامه می‌افزایند: و منادی ندا می‌کند: به سوی گوشت جباران بیایید.»

غیبت نعمانی / ۲۷۸ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «خداوند سفره‌ای - و در روایتی دیگر میهمانی - در قرقیسیاء دارد. فرشته‌ای از آسمان نگاه کرده و ندا در می‌دهد: ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین! بیایید و از گوشت جباران سیر شوید.»

همان / ۳۰۳ از ابن ابی یعفور روایت می‌کند: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه به من فرمودند: فرزندان عباس و مروانی نبردی در قرقیسیاء خواهند داشت که موی پسر قوی در آن سفید می‌شود. خداوند نصرت را از آنان برمی‌دارد و به پرندگان آسمان و درندگان زمین وحی می‌کند: از گوشت جباران سیر شوید، سپس سفیانی خروج می‌کند.»

شیخ مفید رحمه الله در اختصاص / ۲۵۵ از جابر جعفی روایت می‌کند: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه به من فرمودند: ای جابر! در خانه‌ات بنشین و هیچ تحرکی از خود نشان نده تا زمانی که نشانه‌هایی را که برایت می‌گویم ببینی، [البته] اگر [آن دوران را] درک کنی؛ نخست اختلاف فرزندان فلان، و چنین نمی‌بینم که آن را درک کنی، ولی بعد از من این را [برای مردم] بگو...

نخستین زمینی که ویران می‌شود شام است. در آن هنگام به سه پرچم [و گروه] تقسیم می‌شوند؛ بیرق‌های اصبه، ابقع و سفیانی. سفیانی با ابقع مواجه می‌شود و با یکدیگر می‌جنگند، و سفیانی ابقع و یارانش و نیز اصبه را به هلاکت می‌رساند، آنگاه اندیشه‌ای جز عراق ندارد. لشکرا و از قرقیسیا عبور می‌کنند و در آنجا صد هزار تن از جباران را به قتل می‌رسانند.»

ظاهراً ترک‌های این جنگ، اهالی ترکیه باشند.

در برخی روایات آمده که اینان پیش از خروج سفیانی، در جزیره یعنی جزیره ربیع یا دیار بکر که نزدیک قرقیسیا قرار دارد فرود می‌آیند، و رومیان در رمله یعنی رمله‌ی مصر یا فلسطین وارد می‌شوند.

۱. قبیله‌ی بنی قیس که شاخه‌ای از بنی اسدند.

در روایت نعمانی دو طرف این جنگ مروانی و فرزندان عباس عنوان شدند که مقصود عباسیان و مروانیان، و یا دو گروه مخالف اهل بیت علیهم السلام هستند. در ادامه ی همان حدیث آمد: سپس سفیانی خارج می شود، یعنی او در اثنای این جنگ خروج می کند و در آن شرکت می جوید.

در یک گزارش آمده که خراسانیان یک طرف درگیری هستند، الفتن ۱ / ۸۲ از حضرت علی علیه السلام روایت می کند: «سفیانی بر شام غلبه می یابد. آنگاه در قریسیا نبردی بین آنان در می گیرد. چنان می شود که پرندگان آسمان و درندگان زمین از لاشه های آنان سیر می شوند. آنگاه در مرکزشان مشکلی به وجود می آید. لذا گروهی از آنها می آیند تا آنکه وارد سرزمین خراسان شوند. لشکر سفیانی در طلب اهل خراسان می آیند و شیعیان آل محمد را در کوفه می کشند. سپس اهل خراسان در طلب مهدی خارج می شوند.»^۱

همان ۱ / ۳۰۲ از عمار بن یاسر می آورد: «عبد الله در پی عبد الله می آید. لشکریانشان در قریسیا و در کنار نهر نبردی سخت خواهند داشت. فرمانده لشکر مغرب می آید و مردان را کشته زنان را به اسارت می برد. آنگاه به قیس بر می گردد تا آنکه سفیانی در جزیره فرود آید. یمانی به دنبال آنان می آید و قیسیان را در اریحا می کشد. سفیانی هم آنچه را که جمع کرده بودند مالک می شود.

آنگاه به کوفه می رود و اعوان آل محمد را به قتل می رساند. پس از آن در شام بر سه بیرق غلبه می یابد. بعد از قریسیا نبردی سخت خواهند داشت. آنگاه در مرکزشان مشکلی به وجود می آید. گروهی از آنها می آیند تا وارد خراسان شوند. لشکریان سفیانی به مانند شب و سیل می آیند. از هر کس یا هر چیزی عبور کنند بکشند و ویران سازند، تا وارد کوفه شوند و شیعیان آل محمد را به قتل رسانند. بعد از آن از هر سوبه دنبال اهل خراسان بر آیند. اهل خراسان هم به طلب مهدی بپردازند، به سوی او فرا خوانند و یاری اش نمایند.»

نگارنده: راوی این روایت، چند روایت را در هم آمیخته است، و صحیح آن است که خراسانیان ارتباطی با نبرد قریسیا ندارند.

هم چنان که گذشت در برخی گزارشات هم سخن از آن آمده که این جنگ بر سر گنجی خواهد

۱. و نیز المستدرک ۴ / ۵۰۱ و عقد الدرر ۸۷ /

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبریه

منزلت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبریه

حکومت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبریه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبریه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبریه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبریه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بود، از جمله روایات ابن حماد در الفتن ۲۳۹/۱، ۲۳۵ و ۶۱۱ از پیامبر صلی‌الله علیه و آله: «فراش کوهی از طلا و نقره را نمایان می‌کند که برای رسیدن به آن، از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شوند. اگر آن را درک کردید، بدان نزدیک نشوید...»

... فتنه‌ی چهارم، هیجده سال امتداد می‌یابد و در حالی تمام می‌شود که فراش، کوهی از طلا را نمایان کرده است. امت به آنجا هجوم می‌آورند و از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شوند.»

نگارنده: اگر گزارشات مربوط به این گنج صحیح باشد، ممکن است این گنج منبع نفت و یا طلایی باشد که کشف می‌گردد، و در نتیجه میان سه دولت یا آنها و گروه‌هایی دیگر اختلاف در می‌گیرد.

ظاهر آن است که ترک‌ها که در این جنگ در مقابل سفیانی قرار دارند، اهالی ترکیه‌ی فعلی هستند، زیرا نزاع بر سر این گنج در مرزهای سوریه و ترکیه است.

روایتی منسوب به پسر مهزیار

کمال الدین ۲/ ۴۶۵ روایتی مفصل درباره‌ی ملاقات ابن مهزیار با امام مهدی عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبریه، در دوران غیبت در مکانی در نزدیکی طائف را نقل می‌کند، امام عجله‌الله تعالی فرجه‌الکبریه در آن خبر از علامات ظهور می‌دهند، عبارتی در آن آمده که به ترکان مربوط می‌شود، ایشان می‌فرماید: «ای پسر مهزیار! برادرانت را در عراق چگونه ترک کردی؟ عرضه داشتم: در سختی و تنگنا به سر می‌برند، شمشیرهای بنی شعیب [عباس] پیایی بر سر آنها فرود می‌آید. ایشان فرمودند: خدا آنان را بکشد، تا کجا انحراف یافته‌اند، گویا آنها را می‌بینم که در خانه‌هایشان به قتل رسیده‌اند، و عذاب پروردگارشان شب و روز آنان را در گرفته است.

گفتم: ای پسر رسول خدا! این چه زمان خواهد بود؟ فرمودند: هنگامی که میان شما و راه کعبه اقوامی که هیچ بهره‌ای [از دین] ندارند و خدا و رسول از آنان بیزارند، حائل شوند. سه روز سرخی در آسمان ظاهر شود، در آن ستون‌هایی است چون ستون‌های نقره که می‌درخشند، شروسی از ارمنستان و آذربایجان، و به قصد ماورای ری کوه سیاهی که به کوه سرخ چسبیده

خروج می‌کند، کوهی که به کوه طالقان چسبیده است. بین او و مروزی نبردی شدید در خواهد گرفت که کوچک در آن سفید موی و بزرگ سالخورده می‌شود. میان آن دو کشتار واقع می‌شود. در آن هنگام منتظر خروج او به سمت زوراء باشید. در آن درنگ نمی‌کند تا آنکه به باهات برسد. پس از آن به واسط عراق می‌آید و یک سال و یا کمتر در آن می‌ماند. آنگاه راهی کوفان می‌شود و از نجف تا حیره تا غری جنگی میانشان در می‌گیرد، جنگی که عقل‌ها از آن سرگردان می‌شوند. در آن هنگام است که هر دو گروه از میان می‌روند و خدا باقی ماندگان را از بین خواهد برد. در ادامه این آیه را تلاوت کردند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَتَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنَّ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ،^۱ به نام خداوند رحمتگر مهربان. شبی یا روزی فرمان ما آمد و آن را چنان درویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است.»

این روایت در غیبت شیخ طوسی / ۱۵۹ چنین آمده است: «ایشان درباره‌ی اهل عراق از من سؤال کردند، عرض کردم: آقای من! جامه‌ی ذلت در بر کرده‌اند و میان اینان [بنی عباس] ذلیلند! فرمودند: ای پسرمازیار! همانسان که آنان بر شما حکومت دارند، شما نیز بر آنها حکومت خواهید داشت و آن روز اینانند که به ذلت خواهند افتاد.

گفتم: آقای من! جای شما دور است و دیرزمانی است در طلب شما به سر می‌بریم، فرمودند: ای پسرمازیار! پدرم ابومحمد بر من عهد کرد با گروهی که خداوند بر آنان خشم گرفته، لعنت فرستاده و در دنیا و آخرت خواری دارند و به عذابی دردناک گرفتار می‌شوند، مجاورت نکنم. ایشان به من فرمان داد در کوه‌ها سکنی نگزینم مگر در کوه‌های سخت، و در بلاد مگر آنکه بایر باشد. به خدا سوگند امامتان تقیه کرد و آن را به من سپرد، و من تا روزی که اذن داده شوم و خروج کنم، در تقیه خواهم بود.

عرضه داشتم: مولای من! این امر چه زمانی رخ می‌نماید؟ فرمودند: چون میان شما و راه کعبه حائل شوند، خورشید و ماه اجتماع کنند و کواکب و ستاره‌ها آن دورا احاطه کنند. گفتم: ای پسر رسول خدا! این چه زمانی خواهد بود؟ فرمودند: در سال کذا و کذا دابة الارض از بین صفا و مروه خروج می‌کند، او عصای موسی و انگشتر سلیمان را به همراه دارد

۱. سوره‌ی یونس / ۲۴

و مردمان را به محشر سوق می دهد.»

دلائل الامامة / ۲۹۶ چنین نقل می کند: «سپس فرمودند: ای پسر مهزیار! - و دست خود را دراز کرد - آیا تو را خبر ندهم؟ چون کودک بنشیند، مغربی حرکت کند، عمانی سیر کند و با سفیانی بیعت شود، به ولی خدا اذن داده می شود. پس من بین صفا و مروه با سیصد و سیزده مرد خروج می کنم. به کوفه می آیم و مسجد آن را ویران ساخته به همان بنای اول بنا می کنم. بنای جباران پیرامون آن را منهدم می سازم. با مردم حجة الاسلام می گزارم، به مدینه می آیم... آن روز بر زمین تنها مؤمنی که دل را برای ایمان خالص گردانیده، خواهد ماند.

عرض کردم: آقای من! بعد از آن چه خواهد بود؟ فرمودند: بازگشت، بازگشت، رجعت، رجعت، و این آیه را تلاوت نمودند: **ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا**^۱، پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می گردانیم.»

نگارنده: سند این روایت تمام نیست، زیرا ابن مهزیاری که توثیق شده علی بن مهزیار رضی الله عنه است که پیش از دوران غیبت از دنیا رفته است، پس این روایت باید از یکی از فرزندان او یا برادر زادگانش باشد که توثیق او محل بحث است.

آیت الله خوئی رحمه الله در معجم رجال الحديث ۱۳ / ۲۱۲ می نویسد: «عجیب است که برخی توهم کرده اند علی بن مهزیار تا زمان غیبت زنده مانده است. آنان پنداشته اند علی بن مهزیار، همان علی بن ابراهیم بن مهزیاری است که خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه مشرف شد.

این توهم نادرست است، زیرا گذشت که جریان تشرف وی ثابت نیست، بر فرض ثبوت هم این پسراوست نه خودش، شیخ صدوق هم در مشیخه و نجاشی و شیخ در طریق خود تصریح کرده اند او ابراهیم بن مهزیار برادر علی بن مهزیار است.»

این سخن در سقوط روایت و یا حداقل توقف در قبال آن کافی است، علاوه بر آنکه عبارات روایت با هم اختلاف دارد و از علائم ظهور بعید است. البته ممکن است روایت را توثیق کنیم چرا

۱. سوره ی اسراء / ۶

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدا ل

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

که تعدادی از بزرگان علماء آن را پذیرفته اند.

در روایت غیبت، فقره‌ای در مورد علائم ظهور آمده که مجمل است، و از دیگر سودابه الارض را از نشانه های ظهور دانسته است، و این برخلاف دیگر روایات اهل بیت علیهم السلام است که آن را از نشانه های قیامت می داند.

سؤال در روایت کمال الدین از هلاک عباسیان است، و پاسخی که دریافت می شود رخدادهایی را نشان رفته که به عباسیان و عصر آنها مربوط می شود، و ربطی به علامات ظهور ندارد. البته در ادامه نشانه های معروفی که در دیگر احادیث آمده در آن نیز آمده است. عبارتی که به ترکان ارتباط دارد آن است: شروسی از ارمنستان و آذربایجان، و به قصد ماورای ری کوه سیاهی که به کوه سرخ چسبیده خروج می کند، کوهی که به کوه طالقان چسبیده است. این عبارت وصف حرکت لشکری از ارمنستان و باکوست که به سمت تهران و بغداد می آید، و اگر صحیح باشد به عصر ظهور ارتباط دارد.

بیرق های ترک در تأیید امام عصر عجل الله تعالی فرجه

غیبت نعمانی / ۲۷۴ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی اموری که پس از خود تا قیام قائم واقع می شود مطالبی فرمودند، امام حسین علیه السلام عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! چه زمانی خدا زمین را از ستمگران پاک خواهد ساخت؟ ایشان فرمودند: خداوند زمین را از ظالمان پاک نمی کند تا آنکه خون حرام ریخته شود. آنگاه جریان بنی امیه و بنی عباس را در سخنی طولانی ذکر کردند، سپس فرمودند: آن هنگام که قیام کننده [ای] در خراسان قیام کند و برکوفان و ملتان غالب شود و از جزیره ی بنی کاوان بگذرد، و قائمی از ما در گیلان قیام نماید، و آبرو دیلمان او را اجابت کنند، پرچم های ترک به طور پراکنده در نواحی و اطراف برای فرزندم آشکار شوند، و در میان مشکلات باشند، زمانی که بصره ویران شود و امیرامیران در مصر قیام کند.

هنگامی که هزاران نفر تجهیز شوند، صف ها کشیده شود، و گوسفندی گوسفندی را بکشد، آخرین قیام می کند، منتقم می شود و کافربه هلاکت می رسد. سپس قائم آرزو شده

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و امام ناشناخته که شرافت و فضل دارد و از نسل توسست - یاحسین! - و پسری بسان او نخواهد بود، قیام می‌کند، بین رکن و مقام در دو جامه‌ی مندرس ظاهر می‌شود و برجن و انس فائق می‌آید و در زمین دَمین [دو خون] را رها نخواهد کرد. خوشا به حال آنکه زمان او را درک نماید و بدان رسد و روزگار او را ببیند.»

نگارنده: قیام‌کننده‌ی در خراسان ممکن است خراسانی باشد که قرب ظهور قیام می‌کند. ممکن است این عبارت: در زمین دَمین را رها نخواهد کرد، تصحیف دینین [دودین] باشد، و یا آنکه به معنایی باشد که در روایت محاسن / ۸۷ آمده، برقی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «دو خون در اسلام حلال است، ولی احدی درباره‌ی آن دو براساس حکم خدا حکم نخواهد نمود تا آنکه قائم ما قیام کند؛ زانی همسردار را رجم می‌کند و گردن زکات ناپرداز را می‌زند.» سخن از آبرو و سیستان به معنای آن است که این مناطق، دعوتگر به اهل بیت عجل الله تعالی فرجه در گیلان را اجابت می‌کنند.

عبارت بیرق‌های ترک دلالت بر این دارد که جماعتی از ترکان در مناطقی چند، برای یاری امام عجل الله تعالی فرجه اظهار آمادگی می‌کنند، و ظاهراً بعد از ندای آسمانی و اعلان ظهور باشد، که در دیگر روایات آمده است. و نقش ترکان فشار بر مخالفان امام عجل الله تعالی فرجه در ایران است.

حرکت زمینه ساز ترک‌ها در آذربایجان

قوی‌ترین روایت در مورد مهم‌ترین حرکت ترکان در غیبت نعمانی / ۱۹۴ و ۲۶۳ از ابو بصیر از امام صادق از امام باقر عجل الله تعالی فرجه وارد شده است، و دلالت بر این دارد که ترکان آذربایجان ایران در سال ظهور به پا می‌خیزند: «ناگزیر رخدادی در آذربایجان به وقوع می‌پیوندد که چیزی جلودار آن نیست. چون رخ داد فرش‌های خانه‌هایتان باشید و تا زمانی که ما حرکتی نکرده‌ایم حرکتی نکنید. هنگامی که حرکت‌کننده‌ی ما حرکت کرد، اگر چه چهار دست و پا به سویش بشتابید. به خدا قسم گویا او را بین رکن و مقام می‌بینم که با مردم بنابر کتاب جدید بیعت می‌کند، بر عرب سختگیر است.

در ادامه فرمودند: وای بر تجاوزگران عرب از شری که نزدیک شده است.»

نگارنده: در برخی مصادر آمده «لا بد لنا من آذربایجان» که سخن از آتش دارد، و ابن طاووس رحمه الله چنین تصور کرده است.^۱

لکن صحیح آن است که «لا بد لنا من آذربایجان» و بر حرکتی زمینه ساز ظهور دلالت دارد. علاوه بر آنکه سیاق آن در علامات ظهور است. این همان قیام موعود ایرانیان در سال ظهور است که در حدیث امام باقر علیه السلام آمده است، غیبت نعمانی / ۲۷۳: «گویا قومی را می بینم که در مشرق خروج کرده اند و حق را می طلبند ولی به آنان داده نمی شود. سپس [دیگر] را آن را طلب می کنند ولی به آنها نمی دهند. چون چنین بینند شمشیرهایشان را بر شانه ها بگذارند، پس آنچه را خواسته بودند به آنها بدهند ولی نپذیرند تا آنکه قیام کنند، و آن را جز به صاحبان ندهند، کشته های آنها شهیدند.

بدان، اگر من آن [دوران] را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امرنگاه می داشتم.» امام صادق علیه السلام این حدیث را از پدرشان امام باقر علیه السلام - که خبر از وقایع عیدیه ای داده اند که رخ داده است - نقل می کنند. ایشان با نقل این خبر از پدرشان در صدد بیان این مطلب هستند که حرکت آذربایجان برای ظهور مقدس حتمی است، چرا که مرحله ی نهایی حرکت اهل مشرق و در سال ظهور است.

این روایت اشاره دارد به اینکه برخی از شخصیت های این حرکت از سوی امام علیه السلام گماشته شده اند، مثل قائم خراسان و گیلان، و اینکه گیلانی سیدی هاشمی است، زیرا به قائمی از ما تعبیر شده است.

روایت غیبت نعمانی / ۲۷۴ هم که در صفحاتی پیش گذشت دلالت می کند بیریق های ترک برای یاری امام مهدی علیه السلام بالا می روند، در آن آمده بود: «قائمی از ما در گیلان قیام نماید، و آبر و دیلمان او را اجابت کنند، بیریق های ترک برای فرزندم در نواحی آشکار و متفرق شوند.» در فصل نقش ایرانیان هم گفتیم که در ایران، بین مؤیدان امام علیه السلام و مخالفان آنان درگیری واقع می شود، و ترکان آذربایجان عامل پیروزی حرکت مؤیدان حضرت، و تسلیم ایران به ایشان خواهند بود.

۱. الملاحم و الفتن / ۳۷۰

ترکان برای تأیید امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام می کنند

طبیعی است که ترکیه از نخستین مناطقی باشد که تحت تأثیر ظهور قرار می گیرد. اهالی آن به تظاهرات بپردازند، و خواهان حکومتی موافق با ایشان باشند، و این تأثیر به هنگام وصول امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به عراق و پایتخت قرار دادن آن، شدت گیرد.

به دنبال این تأیید منطقه ای ترکان، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در اوضاع داخلی آن نقش آفرین خواهد بود، حال روایت ارطاة بن منذر بن اسود سکونی را متوجه خواهیم شد، الفتن / ۱۲۸ و الملاحم و الفتن / ۱۵۲: «نخستین بیرق [ولشکری] که مهدی آن را ارسال می کند، به سوی ترکان است و آنان را شکست می دهد، و اسیران و اموالی را که به همراه دارند از آنان می گیرد، سپس راهی شام شده آن را فتح می کند.»

ارطاة نزد دستگاه حاکم مکانتی داشت و به سال ۱۶۳ از دنیا رفته و بخاری، ابو داود، نسائی و ابن ماجه از او نقل کرده اند.^۱

البته دواشکال وجود دارد: یکی آنکه این نقل بدون سند است، و دوم آنکه چنین تصویری کند که گویا ترکان لشکری هستند که بر مسلمانان هجوم می برند و از آنان اسیر می گیرند. البته ممکن است این عبارت افزوده ی راوی باشد، زیرا در برخی منابع تنها قسمت نخست آن آمده است. لذا احتمال آن می رود که حضرت یکی از یاران را به ترکیه ارسال کند تا مشکل آنان را با حاکمیت حل کند، و شاید نیروی سمبلی هم به همراه داشته باشد. او در این مأموریت پیروز می شود و حکومتی موافق در ترکیه تشکیل می گردد، و این پیش از نبرد با سفیانی است.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دولت عدل

نشانه های دولت عدل الهی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

گونه‌ی جدید زندگی بشر، بردست حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف

زندگی بردستان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به معنای واقعی کلمه وارد گونه‌ای جدید خواهد شد، و این امر جوانب مختلف را در برمی‌گیرد، بُعد هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، دانش‌های بشری و ... همین مقدار کافی است که بدانیم امام عَلَيْهِ السَّلَام بردانش‌های عصر خویش، بیست و پنج برابر آن را خواهد افزود، تا از یک پرش عظیم در پیشروی علوم و حیات انسانی برزمین آگاه شویم.

الخرائج و الجرائح ۲ / ۸۴۱ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «علم، بیست و هفت قسمت است. هر آنچه رسولان آوردند دو قسمت است. مردم تا به امروز غیر از آن دو جزء را نشناخته‌اند. پس چون قائم قیام کند، آن بیست و پنج جزء را بیرون می‌آورد و در میان مردم می‌گسترده. آن دو جزء را هم بدان ضمیمه کرده بیست و هفت جزء را نشر خواهد داد.»

این حدیث اگرچه به علوم پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام - اعم از علم به خدا، رسالت خویش و آخرت - نظر دارد، لکن علوم طبیعی - که در روایات آمده انبیاء اصول آن را به مردم آموختند و درهائش را بر آنان گشودند - را نیز شامل می‌شود. ادریس عَلَيْهِ السَّلَام خیاطی را به آنها آموخت، نوح عَلَيْهِ السَّلَام نجاری و کشتی سازی، داود و سلیمان عَلَيْهِمُ السَّلَام ساخت زره و ... لذا مقصود اعم از علوم طبیعی و علوم دینی است، و آنچه در دست مردم است تنها دو قسمت از بیست و هفت قسمت می‌باشد.

خوب است تصور کنیم و ببینیم هنگامی که دانش پزشکی، رسانه و فضا چنان ارتقا یابد که بیست و پنج جزء بدان افزوده شود، حیات چگونه خواهد بود؟

کمال الدین ۲ / ۶۷۴ از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «هنگامی که امور به صاحب این امر منتهی شود، خداوند تبارک و تعالی هرزمین گودی را برایش بالا می‌آورد و هر بلندی را پایین، تا آنجا که دنیا نزد او بسان کف دستش باشد.

کدامیک از شماست که اگر یک مویی در کف دستش باشد آن را نبیند؟»

بحار الانوار ۵۲ / ۳۹۱ از ایشان نقل می‌کند: «مؤمن در زمان قائم در مشرق است و برادرش را که در مغرب حضور دارد می‌بیند، و نیز آنکه در مغرب است برادرش را که در مشرق حضور دارد مشاهده می‌کند.»

و نیز وارد شده که زیر اهرام مصر دانش‌هایی برای حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ذخیره شده و احدی پیش

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

از ایشان بدان دسترسی نخواهد داشت.^۱

کمال الدین ۲ / ۶۷۳ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌آورد: «گویا اصحاب قائم را می‌بینم که برآنچه بین مشرق و مغرب است احاطه یافته‌اند. همه چیز مطیع آنان است، حتی درندگان زمین و پرندگان درنده و همه چیز رضایت آنها را می‌جویند. زمینی به زمینی افتخار می‌کند و می‌گوید: امروز مردی از یاران قائم بر من گذشت.»

کافی ۸ / ۲۴۱ از ایشان نقل می‌کند: «قائم ما چون قیام کند، خداوند گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند تا جایی که میان آنان و او پیکی نباشد. او با آنها سخن گوید و آنان بشنوند، و او را در مکانش بنگرند.»

پیش از این نیز از دلائل الإمامة / ۲۴۹ گذشت: «چون قائم ما قیام کند، در سرتاسر زمین در هر نقطه‌ای مردی را می‌فرستند و می‌فرماید: پیمان تودر کف دست توست، به آنچه [در آن] می‌بینی عمل نما.»

و این می‌تواند نوعی اعجاز باشد، همان گونه که ممکن است با وسائلی مدرن باشد.

خداوند دانش‌ها را به امام عجل الله تعالی فرجه الهام می‌کند

کمال الدین ۲ / ۶۵۳ از جابر از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «علم به کتاب خداوند عزیز و جلیل و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله، به مانند بهترین وضع رویش زرع، در دل مهدی ما می‌روید. پس هر کس از شما باقی ماند و او را دید به هنگام دیدن بگوید: السلام علیکم یا اهل بیت الرحمة و النبوة، و معدن العلم، و موضع الرسالة.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۲ از همو از ایشان روایت می‌کند: «هرآنکه از شما قائم ما را درک کرد، به هنگام دیدن بگوید: السلام علیکم یا اهل بیت النبوة، و معدن العلم، و موضع الرسالة.»

نوع انرژی و روشنایی در عصر ظهور دگرگون می‌شود

احادیث بر آن دلالت دارد که نوع نور و انرژی و منبع آن در عصر امام عجل الله تعالی فرجه دگرگون خواهد شد،

۱. کمال الدین / ۵۶۵

البته بعید نیست باراه‌های جدید علمی باشد. تفسیر قمی ۲/ ۲۵۳ از مفضل روایت می‌کند: «از امام صادق (ع) شنیدم درباره‌ی فرمایش خداوند: وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، و زمین به نور پروردگارش روشن گردد، فرمودند: مقصود از پروردگار زمین امام زمین است. عرضه داشتیم: چون خروج کند چه خواهد شد؟ فرمودند: مردم از نور خورشید و ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام اکتفا می‌کنند.»

دلائل الإمامة / ۲۴۱ و ۲۶۰ از مفضل از امام صادق (ع) روایت می‌کند: «قائم ما چون قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن گردد، و بندگان از نور خورشید مستغنی شوند، شب و روز یکی شود و ظلمت از میان رود. مردی در زمان او هزار سال زندگی می‌کند و در هر سالی برایش یک پسر به دنیا می‌آید و دختری به دنیا نمی‌آید، او را جامه‌ای می‌پوشاند که هرچه پسر قد بکشد آن هم قد کشد، و به هر رنگی بخواهد در آید.»

نگارنده: اگر این حدیث صحیح باشد، بدان معناست که خداوند راه‌های جدیدی برای روشنایی و انرژی به آن حضرت تعلیم می‌کند، یا اینکه شخصیت حضرت را گونه‌ای قرار می‌دهد که موجب روشنگری شود. میانگین عمر بالا می‌رود و والدین جنس فرزند را تعیین می‌کنند، و کسی که پسر را بر دختر ترجیح می‌دهد صاحب هزار پسر می‌گردد.

اهل زمین به دیگر سیارات متصل می‌شوند

بصائر الدرجات / ۴۲۹ از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «ذوالقرنین بین دو ابر مخیر شد و آن را که آرام بود برگزید، و آنکه سخت بود برای صاحب شما ذخیره شده است. درباره‌ی آن پرسیدم و ایشان فرمودند: هر ابیری که در آن رعد و برق است صاحب شما بر آن سوار می‌شود. بدان! او بر آبر سوار می‌گردد و در راه‌های آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه - که پنج تای آن آباد و دو تا ویران است - بالا می‌رود.»

همان / ۴۰۹ از امام صادق (ع): «خدا ذوالقرنین را بین دو ابر - آرام و سخت - مخیر گرداند و او آرام را - که برق و رعدی در آن نیست - برگزید. اما اگر سخت را برمی‌گزید در اختیارش قرار

نمی‌گرفت، زیرا خدا آن را برای قائم ذخیره نموده است.»

نگارنده: این فرمایش که پنج تای زمین ها آباد است، بدان اشارت دارد که مجتمعات با یکدیگر ارتباط می‌یابند. بلکه آیه‌ی: **يَا مَعْشَرَ الْجَنِّ وَالْإِنسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ**^۱، ای گروه جنیان و انسیان! اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی‌کنید، بر آن دلالت دارد که انسان می‌تواند از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین به خارج آن در دیگر آفاق هستی برود. و این یعنی زندگی وارد دور جدیدی می‌شود که اوج آن رهیافت به عالم آخرت و بهشت است، و عالم ما بدان سورهسپار.

در فصل یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از امام باقر عجل الله تعالی فرجه آمد: «ذوالقرنین عبد صالحی بود که با خدای سبحان اخلاص پیشه کرد، خداوند هم برای او خیرخواهی نمود، و ابریه تسخیر او در آمد، و زمین برایش درنور دیده شد، و نور چنان برایش امتداد یافت که شب به مانند روز می‌دید. خداوند متعال ابرها را به تسخیر امامان حق نیز در آورده است، و آنها را برای مصالح مسلمین و از بین بردن اختلافات به مشرق و مغرب می‌برد، و مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز اینچنین است.»^۲ اینگونه می‌توان رجعت و بازگشت تعدادی از انبیاء و امامان عجل الله تعالی فرجه، و نزول ایشان به زمین، حال برای مشاهده و یا برای حکومت پس از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را فهمید.

و اینک نمونه‌هایی از آن: بحار الانوار ۵۳ / ۵۶ روایت می‌کند: «امام زین العابدین عجل الله تعالی فرجه در مورد آیه‌ی: **إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ**^۳، در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده‌گاه بازمی‌گرداند، فرمودند: پیامبرتان صلی الله علیه و آله نزد شما باز خواهد گشت.» همان ۵۳ / ۴۰ نقل می‌کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی آیه‌ی: **وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ**^۴، و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم، پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم بپیوندند،

۱. سوره‌ی الرحمن / ۳۳

۲. الخرائج و الجرائح / ۲ / ۹۳۰

۳. سوره‌ی قصص / ۸۵

۴. سوره‌ی نمل / ۸۳

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سؤال شد و ایشان فرمودند: مردم در این باره چه می گویند؟ گفتم: آن را در قیامت می دانند، ایشان فرمودند: خدا در قیامت از هرامتی گروهی را محسور و بقیه را رها می کند؟! این تنها در رجعت است، آیه ی قیامت این است: **وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا**^۱، و آنان را گرد می آوریم و هیچ يك را فرو گذار نمی کنیم... تا آنجا که فرماید: **موعداً**،»

بصائر الدرجات / ۲۵ از ابو بصیر نقل می کند: «امام باقر علیه السلام فرمودند: آیا اهل عراق رجعت را انکار می کنند؟ گفتم: آری، فرمودند: مگر قرآن نمی خوانند؟»

بحار الانوار ۵۳ / ۴۰ از زراره روایت می کند: «از امام صادق علیه السلام درباره ی امور مهمی چونان رجعت و اشباه آن سؤال کردم، فرمودند: زمان آنچه درباره اش سؤال می کنید فرا نرسیده است، **بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ**^۲، بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است.»

در روایتی دیگر در بحار الانوار ۵۳ / ۳۶ آمده است: «رجعت عام نیست بلکه خاص است، تنها کسانی که ایمانشان خالص و یا شرکشان خالص است، رجعت می کنند.»
و احادیث دیگری هم خواهد آمد.

رجعت برخی مؤمنان به دنیا

تفسیر عیاشی ۲ / ۱۱۲ از ابو بصیر نقل می کند: «از امام باقر علیه السلام از این آیه پرسیدم: **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ**^۳، در حقیقت خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است. همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کُشند و کشته می شوند. [این] به عنوان وعده ی حقّی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده ی اوست، ایشان فرمودند: مقصود [خریداری] در میثاق است.

۱. سوره ی کهف / ۴۸ - ۴۷

۲. سوره ی یونس / ۳۹

۳. سوره ی توبه / ۱۱۱

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

من ادامه دادم: **التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ**^۱، توبه‌کنندگان، پرستندگان، ایشان فرمودند: نه، التَّائِبِينَ

العابدين بخوان.^۲ و فرمودند: هنگامی که اینان را دیدی، آن زمان [خواهی دانست که]

اینانند که جان و مالشان را خریده است، یعنی در رجعت [اینان را دیدی].»

همان ۱۱۳/۲ در ادامه‌ی همین روایت نقل می‌کند: «هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه یک

مرگ و یک قتل دارد؛ هر که بمیرد زنده می‌شود تا آنکه کشته شود، و هر که کشته شود زنده

می‌گردد تا بمیرد.»

همان ۱۱۲/۲ از زراره روایت می‌کند: «خوش نداشتم از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در مورد رجعت بپرسم،

از این رو سؤالی دقیق آماده کردم تا به وسیله‌ی آن به مطلوبم برسم، عرضه داشتم: فدایت

گرم، بفرمایید آیا کسی که کشته می‌شود، می‌میرد؟ ایشان فرمودند: نه، مرگ مرگ است و

قتل قتل، گفتم: هرکس کشته شود می‌میرد.

ایشان فرمودند: ای زراره! سخن خداوند از گفتار تو راست تر است، در قرآن میان این دو

فرق گذارده است، می‌فرماید: **أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ**^۳، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، ونیز: **وَلَئِنْ مُتُّ أَوْ**

قُتِلْتُ لِيَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ^۴؛ و اگر بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به سوی خدا گردآورده خواهید شد.

ای زراره! آنسان که تو گفتی نیست، مرگ مرگ است و قتل قتل، خدا می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ**

اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ الْآيَةَ.

من عرضه داشتم: خداوند می‌فرماید: **كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ**^۵، هر جانداري چشنده‌ی مرگ

است، آیا شما بر این باورید کسی که کشته شده مرگ را نچشیده است؟ حضرت در پاسخ

فرمودند: کسی که با شمشیر کشته شده همانند کسی نیست که بر بسترش مرده است، کسی

که کشته شده ناگزیر است به دنیا باز گردد تا مرگ را بچشد.»

۱. همان ۱۱۲/۱

۲. در روایتی دیگر علت این نحو قرائت، چنین بیان شده که این الفاظ اوصاف المؤمنین هستند که مجرور است، کافی ۸/ ۳۷۸. مجمع البیان ۵/ ۱۲۸ نیز قرائت جرراً، قرائت افراد متعددی عنوان می‌کند. م

۳. سوره‌ی آل عمران ۱۴۴

۴. همان ۱۵۸/

۵. همان ۱۸۵/

بازگشت برخی شهدا به دنیا

مختصر بصائر الدرجات / ۱۷ از جابر بن یزید از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند: «هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه قتلی و مرگی دارد؛ آنکه کشته شده زنده می‌شود تا بمیرد، و کسی که مرده زنده می‌گردد تا کشته شود.

من برای حضرت این آیه را تلاوت کردم: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ، ایشان فرمودند: ومنشوره، و زنده می‌گردد، گفتم: این چیست؟ فرمودند: جبرئیل علیه السلام اینگونه برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرود آورد: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ومنشوره. احدی در این امت نیست چه نیکوکار و چه بدکار مگر آنکه زنده می‌شود. مؤمنان زنده می‌شوند تا دیدگان‌شان روشن شود، و فاجران برای آنکه خدا خوارشان گرداند، آیا نشنیده‌ای که خداوند تعالی می‌فرماید: وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ^۱ و قطعاً از عذاب نزدیک و کمتر، پیش از عذاب بزرگتر به آنان می‌چشانیم. و نیز: يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ^۲ ای جامه بر سر کشیده، برخیز و بترسان؛ مقصود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و قیام ایشان در رجعت است که بیم می‌دهد.

و نیز: إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبَرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ^۳ آن از پدیده‌های بزرگ است، هشدار دهنده‌ی بشر است؛ مقصود حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که در رجعت، هشدار دهنده‌ی بشر است. و نیز: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۴؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند، امام علیه السلام فرمودند: خداوند عزوجل آن را در رجعت پیروز می‌گرداند.

و نیز: حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ^۵ تا وقتی که دری از عذاب دردناک بر آنان گشودیم؛ آن علی بن ابی طالب علیه السلام است، آن هنگام که در رجعت باز گردد.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

۱. سوره‌ی سجده / ۲۱

۲. سوره‌ی مدثر / ۲ - ۱

۳. همان / ۳۶ - ۳۵

۴. سوره‌ی توبه / ۳۳

۵. سوره‌ی مؤمنون / ۷۷

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

جابر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی فرمایش خدای عزوجل: **يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوُكَاؤُا مُسْلِمِينَ**^۱، چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند، فرمودند: این منم [و به من ارتباط دارد]؛ آن هنگام که من و شیعیانم خارج شویم و عثمان بن عفان و پیروانش خارج شوند و ما بنی امیه را بکشیم، آن هنگام است که کسانی که کافر شدند آرزو کنند کاش مسلمان بودند.»

همان / ۱۹ از صفوان بن یحیی نقل می‌کند: «از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که درباره‌ی رجعت فرمودند: کسی از مؤمنین که مرده باشد کشته می‌شود، و آن کس از ایشان که کشته شده می‌میرد.»

نگارنده: این از احادیث شگفت است که می‌فرماید مؤمن می‌بایست در راه خداوند متعال شهید شود، و اگر در زندگی نخست به شهادت نرسد، در دوران رجعت باز خواهد گشت تا به شهادت برسد.

مؤید این مطلب سخن خداست: **وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ. سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ. وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَافًا لَهُمْ**^۲، و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند. به زودی آنان را راه می‌نماید و حالشان را نیکو می‌گرداند. و در بهشتی که برای آنان وصف کرده، آنان را درمی‌آورد.

زیرا کسی که کشته شده شهید و رهیافته است، پس اینکه خدا وعده می‌دهد آنان را رهنمون کند و حالشان را پیش از بهشت نیکو گرداند، تفسیری جز رجعت ندارد.

در عصر امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام حیات دگرگون می‌شود و مؤمنان فرشتگان را می‌بینند

دلائل الامامة / ۲۴۱ از محمد بن فضیل از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌آورد: «هنگامی که قائم قیام کند، خداوند ملائکه را فرمان دهد بر مؤمنین سلام کنند، و با آنان در مجالسشان بنشینند.

۱. سوره‌ی حجر / ۲

۲. سوره‌ی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ / ۶ - ۴

پس اگر کسی نیازی داشت، قائم برخی فرشتگان را بفرستد تا او را برآورد. آن فرشته هم او را برمی دارد و نزد قائم می آورد. ایشان هم حاجت او را برآورده ساخته باز می گرداند. برخی مؤمنان در ابر سیرکنند، برخی با ملائکه به پرواز در آیند، بعضی با آنها راه روند، و برخی، از آنان سبقت گیرند، و بعضی از آنان هستند که فرشتگان نزد او به دادخواهی روند، و مؤمن نزد خدا از فرشتگان گرامی تر است. قائم بعضی از آنها را میان صد هزار فرشته قاضی قرار دهد.»

در آن روزگار، مؤمن به اذن خدا مرده را زنده می کند

دلائل الامامة / ۲۴۱ از مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «هنگامی که قائم قیام کند، مؤمن پرنده را از آسمان پایین آورد، ذبح کند، بپزد و بدون آنکه استخوانش را بشکند گوشتش را تناول کند، آنگاه بدان گوید: به اذن خدا زنده شو، آن هم زنده شده به پرواز در آید، و همچنین است آهوی صحرا.

ایشان علیه السلام خود نور و پرتو بلاد خواهد بود، و دیگر به خورشید و ماه نیازی نخواهند داشت. در سطح زمین دیگر امرآزار دهنده، شر، سم و فساد نخواهد بود، زیرا دعوت آسمانی است نه زمینی، و شیطان در آن هیچ وسوسه و نقشی نداشته و توان حسادت و فساد نخواهد داشت. زمین و درخت دیگر خار نخواهند داشت، زمین چنان پایدار شود که هرچه از آن بردارند، همان وقت بروید و به حالت سابق باز گردد.

مردی به پسرش جامه ای می پوشاند که هرچقدر او قد بکشد آن هم بلند شود، و به هر رنگی بخواهد و دوست داشته باشد، در آید.

اگر مرد کافری وارد سوراخ سوسماری شود، یا پشت سنگ و درخت پنهان گردد، خداوند آن را به زبان آورده گوید: ای مؤمن! پشت من کافری است، او را بگیر، و دستگیر شده به قتل رسد.

ابلیس هیکلی که در آن ساکن شود نخواهد داشت، و هیکل بدن است. مؤمنان با ملائکه دست می دهند، به آنان وحی می شود، و به اذن خدا مردگان را زنده می سازند.»

مرحله ی نخست، پیش از دوران آسایش و راحتی

روایات دلالت می کند که اوائل دوران ظهور برهه ای خواهد گذشت که با فشار اقتصادی توأم خواهد بود، و این پیش از آن است که خداوند گنج های زمین را برای امام علیه السلام آشکار سازد و ایشان آن را میان مردم تقسیم کنند. این وضع هشت ماه که مدت نبرد امام علیه السلام تا زمان سیطره یافتن بر بلاد عرب و مسلمین است، امتداد خواهد یافت، زیرا در روایت آمده که ایشان برای جنگ هایشان به طور طبیعی هزینه می کنند.

تفسیر عیاشی ۲ / ۸۷ از معاذ بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «شیعیان ما آزادند که از آنچه دارند در راه صحیح انفاق کنند، پس چون قائم ما قیام کند، بر هر صاحب گنجی گنجش حرام می شود [و حق ندارد در آن تصرف نماید]، تا آن را بیاورد و ایشان از آن بر ضدّ دشمن خود استفاده کند، و این فرمایش خدای عزوجل است: وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ^۱ و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده.»^۲

اهل سنت گزارش می کنند که عمر بن خطاب می خواست خزائن کعبه را برگیرد، ولی امیرالمؤمنین علیه السلام او را نهی کردند و فرمودند: صاحب آن مهدی است، و اوست که آنها را بیرون آورده در راه خدا انفاق می کند.

الفتن / ۱۰۰ از طاووس نقل می کند: «عمر بن خطاب با کعبه وداع کرد و گفت: به خدا قسم نمی دانم که خزائن بیت و مال و سلاح درون آن را وا گذارم یا آنکه در راه خدا تقسیم کنم. علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: برو که تو کسی نیستی که این کار را انجام می دهد، آنکه چنین می کند از ماست، جوانی است از قریش که در آخرالزمان آن را در راه خدا قسمت می کند.» ازرقی در اخبار مکه ۱ / ۲۴۶: «حسین بن علی گوید: عمر به علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: تصمیم گرفته ام این مال - یعنی مال کعبه - را تقسیم کنم، علی بن ابی طالب بدو فرمود: اگر توانستی!

۱. سوره ی توبه / ۳۴

۲. مشابیه آن کافی ۴ / ۶۱

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

عمر گفت: چرانتوانم، مگرتو مرا کمک نمی کنی؟ ایشان فرمود: اگرتوانستی؟ و عمر سه بار سخنش را تکرار کرد، حضرت علی به او فرمود: این کار تونیست، عمر هم تصدیق کرد. محمد بن یحیی واقدی از اساتید خود از ابن عباس نقل می کند: عمر گفت: چرا من این مال را در کعبه رها کنم و آن را در راه خدا و راه خیر تقسیم نکنم؟ حضرت علی (ع) هم می شنید، عمر گفت: ای پسر ابوطالب! نظرتو چیست؟ به خدا اگر مرا ترغیب کنی این کار را خواهم کرد.

ایشان فرمودند: آیا آن را غنیمت قرار می دهی؟ مردی عهده دار آن می شود که در آخرالزمان می آید، مردی کامل است، گندمگون و بلند قامت.

روایت می کنند که رسول خدا (ص) در چاه کعبه، هفتاد هزار اوقیه طلا که به کعبه اهدا شده بود یافتند، و علی بن ابی طالب به ایشان گفتند: یا رسول الله! اگر از این مال در جنگ استفاده کنید، ولی پیامبر (ص) آن را حرکت ندادند. بعدها همین مطلب به ابوبکر گفته شد، و او دست به آن نزد.^۲

گنج های زمین را گرد می آورد و در میان مردم سخنرانی می کند

غیبت نعمانی / ۲۳۷ از امام باقر (ع) نقل می کند: «ثروت های دنیا از درون و برون زمین نزد او گرد می آید، ایشان به مردم می فرماید: به سوی آنچه به خاطر آن رحم ها قطع کردید، خون های حرام ریختید و به آنچه خدای عزوجل حرام کرده بود پرداختید، بیایید. ایشان چنان عطا می کند که احدی پیشتر چنین نکرده است. زمین را از عدل و داد و نور می آکند، انسان که از ظلم و جور و شرّ پر شده بود.»

صحیح مسلم ۷۰۱ / ۲ از ابوهریره از پیامبر (ص): «زمین، پاره های جگرش را به مانند اسطوانه ی طلا و نقره بیرون می دهد، قاتل می آید و می گوید: به خاطر این کشتم، قاطع [رحم] می آید و می گوید: به خاطر این قطع رحم کردم، سارق می آید و می گوید: بدین خاطر دستم بریده شد،

۱. واحد وزن

۲. و نیز عقد الدرر / ۱۵۴، الحاوی ۷۸ / ۲، جمع الجوامع ۱۰۴ / ۲ و ارشاد ۲۶۳

آنگاه آن را وا می‌گذارند و چیزی بر نمی‌دارند.^۱

المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵ / ۸۶ از عبد الله از پیامبر ﷺ: «مردم در این حالت به سر می‌برند که زمین پاره‌های جگرش را که از طلا و نقره است بیرون اندازد، ولی هیچ یک دیگر نفعی نرساند، نه طلا و نه نقره.»^۲

مختصر البصائر / ۲۰۱ از امیر المؤمنین علیه السلام در وصف آن روزگار نقل می‌کند: «زمین گنج هایش را برای آنان بیرون می‌دهد، و قائم می‌گوید: كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ»^۳، بخورید و بنوشید، گواراتان باد، به [پادشاه] آنچه در روزهای گذشته انجام دادید. پس مسلمانان آن روز برای دین، راستکارانند، به آنان اجازۀ سخن داده می‌شود. پس آن روز تأویل این آیه خواهد بود: وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا،^۴ و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها] صف در صف آیند.»

کمال الدین ۲ / ۳۶۸ از محمد بن زیاد از دی نقل می‌کند: «از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره‌ی این آیه پرسیدم: وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً،^۵ و نعمتهای ظاهرو باطن خود را بر شما تمام کرده است، ایشان فرمودند: نعمت ظاهر امام ظاهر است، و نعمت باطن امام غائب.

عرض کردم: آیا در میان امامان کسی خواهد بود که غیبت کند؟ فرمودند: آری، شخص او از دیدگان مردمان غائب می‌شود، ولی یاد او از دل مؤمنان نه. او دوازدهمی ماست. خداوند هر سخت و دشواری را برایش آسان و رام می‌گرداند. گنج‌های زمین را برای او آشکار، و هر دوری را نزدیک می‌گرداند. به دست او هر جبار عنیدی را به هلاکت می‌رساند، و هر شیطان سرکشی را از میان می‌برد.

او پسر بانوی کنیزان است و ولادتش از مردم پوشیده خواهد بود، و بر آنان جایز نیست نام او را برند تا آنکه خدای عزوجل او را آشکار کند، پس زمین را از عدل و داد بیاکند، آنسان که از ستم و بیداد پرشده است.»

۱. سنن ترمذی ۴ / ۴۹۳ - وی آن را حسن شمرده است - و الجمع بین الصحيحین ۳ / ۲۹۸ و نهاییه ی ابن اثیر ۱ / ۵۰
۲. و نیز المستدرک ۴ / ۵۵۵ - وی آن را بنا بر شرط مسلم و بخاری صحیح شمرده است -، جمع الجوامع ۲ / ۵۳۴ و الدر المنثور ۶ / ۵۹
۳. سوره ی حاقه ۴ / ۲۴
۴. سوره ی فجر ۲۲ / ۲۲
۵. سوره ی لقمان ۲۰ / ۲۰

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مختصر اثبات الرجعة در تراثنا ۲۱۶/۱۵ از محمد بن حرمان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «قائم از ما به وسیله ی رعب یاری، و با نصرت [الهی] تأیید می‌شود. زمین برای او درنور دیده شده و تمامی گنج‌ها آشکار می‌گردد، و خداوند تعالی توسط او دین خود را بر تمام ادیان غالب خواهد گرداند، اگرچه مشرکان ناخوش دارند. حکومت او به مشرق و مغرب برسد، و در زمین هر چه ویرانی باشد، آباد شود...»

خداوند به وسیله ی او زمین را پس از مرگ، زنده می‌کند

غیبت نعمانی / ۳۲ روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام در تفسیر فرمایش خداوند: **اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ**^۱ بدانید! خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد که بیندیشید، فرمودند: مقصود آن است که خدا آن را به وسیله ی عدل قائم و به هنگام ظهورش زنده می‌کند، بعد از آنکه به ستم پیشوایان گمراهی مرده است.»

بیست و چهار باران در سال ظهور

غیبت شیخ طوسی / ۴۴۳ از اسماعیل اسدی از سعید بن جبیر روایت می‌کند: «سالی که مهدی در آن قیام می‌کند، بیست و چهار باران خواهد بارید، که اثر و برکت آن مشهود خواهد بود.»

شیخ مفید رحمه الله در ارشاد ۳۶۹/۲ در سیر علامات ظهور می‌نویسد: «این وقایع با بیست و چهار باران پیایی - که زمین پس از مرگ بدان حیات می‌یابد و برکات آن رومی نمایند - پایان می‌پذیرد. بعد از آن هرگونه ناراحتی از معتقدان به حق که شیعیان مهدی علیه السلام هستند، از بین می‌رود.

آن هنگام است که از ظهور ایشان در مکه آگاه می‌شوند، و برای یاری بدان سومی روند.» همان / ۳۸۱ از عبد‌الکریم خثعمی از امام صادق علیه السلام: «چون قیام قائم فرارسد، در جمادی الآخرة

۱. سوره ی حدید / ۱۷

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت‌گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

وده روز از رجب بارانی بر مردم خواهد بارید که خلائق مانند آن را ندیده‌اند. خداوند بدان گوشت‌ها و ابدان مؤمنان را در قبرها می‌رویاند. گویا می‌بینم آنها را که از سوی جهنمه می‌آیند و خاک از موهایشان می‌رویند.»

بدون شمارش عطا می‌کند

الفتن / ۹۸ از ابوسعید از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند: «در آخر الزمان خلیفه‌ای خروج می‌کند که بدون شمارش اموال را عطا می‌کند.»

همان / ۱۰۰ از جابر از آن حضرت: «در امت من خلیفه‌ای خواهد آمد که ثروت را مشت مشت می‌دهد، و نمی‌شمارد.»^۱

مسند احمد ۳ / ۹۶ از ابوسعید خدری از ایشان: «خدای عزوجل در این امت خلیفه‌ای را خواهد فرستاد که ثروت را مشت مشت دهد، و نمی‌شمارد.»

همان ۳ / ۹۸ از ابوالوداک از ابوسعید خدری مشابه آن را می‌آورد، در قسمتی از آن آمده است: «برخی از امیران شما مال را مشت مشت دهد و نشمارد، مردی نزد او می‌آید و درخواست می‌کند، او هم می‌گوید: بگیر، آن مرد لباس خود را باز می‌کند و در آن می‌ریزد - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روپوش زبری را که بر خود داشتند گسترده و کیفیت آن را نشان دادند، و بعد اطراف آن را جمع کردند - و فرمودند: آن را می‌گیرد و می‌رود.»

البیان گنجی / ۵۱۵ از عبدالرحمن بن عوف از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خداوند تعالی مردی از عترت مرا بر خواهد انگيخت، دندان‌های باز دارد، پیشانی‌اش بلند است، زمین را از عدل و داد مملو می‌سازد، و ثروت را می‌پراکند.»^۲

المصنف عبدالرزاق / ۱۱ / ۳۷۲: «امامی بر مردم خواهد آمد که درهم‌ها را نمی‌شمارد، بلکه مشت مشت می‌دهد.»

امالی شیخ طوسی / ۲ / ۱۲۶ از خمر بن نوف ابوداک نقل می‌کند: «به ابوسعید خدری گفتم: به

۱. و نیز المصنف ابن ابی شیبہ کوفی / ۱۵ / ۱۹۶، مسند احمد ۳ / ۵، ۳۸، ۴۸، ۶۰، صحیح مسلم ۴ / ۲۲۳۴ و ۲۲۳۵، ابن حبان ۸ / ۲۴۰، المستدرک ۴ / ۴۵۴ و آن را بنابر شرط مسلم صحیح می‌شمارد.

۲. عقد الدرر / ۱۶، المنار المنیف / ۱۴۶ و اثبات الهداة ۳ / ۵۹۳

خدا سالی نمی آید، جز آنکه از سال قبل بدتر است، و امیری نمی آید مگر بدتر از پیشینیان، ابوسعید گفت: اگر سخنی را از رسول خدا ﷺ نشنیده بودم سخن تو را می گفتم، اما من از ایشان شنیدم که فرمودند: شما پیوسته در این حالت به سر خواهید برد تا آنکه در میان فتنه و ستم کسی به دنیا آید که جز آن را نشناسد، تا جایی که جور زمین را فراگیرد و کسی نتواند بگوید الله.

سپس خداوند عزیز و جلیل مردی از من و عترتم را می فرستد که زمین را از عدالت آکنده می سازد همان گونه که کسانی که قبل از او بودند از ستم آکنده، زمین پاره های جگرش را برای او بیرون می دهد، و او ثروت را مشّت مشّت دهد و بشمارد، و این زمانی خواهد بود که اسلام مستقر شود.»

همه ی مردم غنی شوند و دیگر احدی صدقه قبول نکند

ارشاد / ۳۶۳ از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «زمین گنج هایش را آشکار سازد چنانکه مردم آن را بر روی زمین ببینند. مردی از شما به دنبال کسی گردد که از مال خود به او ببخشد و او زکات مالش را دریافت کند، ولی هیچ کس را نمی یابد که از او بپذیرد، و مردم به آنچه خداوند از فضل خود روزی آنها کرده مستغنی خواهند شد.»

غیبت نعمانی / ۱۵۰ از کاهلی از امام صادق علیه السلام: «با یکدیگر بیپوندید و نیکی و مهربانی کنید، قسم به آنکه دانه را شکافت و انسان را آفرید، زمانی بر شما فرا خواهد رسید که برای دینار و درهمتان موضعی [مطمئن] نیابید.

گفتم: چه زمانی؟ فرمودند: هنگامی که به فقدان امامتان دچار شوید، شما پیوسته در این وضع خواهید بود تا آنکه بسان خورشید بر شما طلوع کند، و در مأیوسانه ترین حالت باشید. مبادا شک و تردید به خود راه دهید، شک ها را از جان بزدایید. من شما را هشدار دادم پس بر حذر باشید. از خدا می خواهم شما را موفق و ارشاد کند.»

المصنف ابن ابی شیبہ ۱۱۱/۳ از حارثه بن وهب خزاعی از پیامبر ﷺ: «صدقه دهید، زیرا

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نزدیک است مردی صدقه‌اش را بیاورد، ولی کسی که آن را قبول کند نیابد.»

صحیح بخاری ۱۳۵/۲ مشابه آن را نقل می‌کند، و در روایتی دیگر آمده است: «قیامت برپا نخواهد شد تا آنکه ثروت در میان شما فراوان شود. صاحب مال در پی کسی می‌گردد که صدقه‌ی او را بپذیرد و آن را عرضه می‌کند، ولی آن شخص می‌گوید: من نیازی ندارم. در روایتی دیگر آمده: زمانی براین مردم می‌رسد که مرد صدقه‌اش را که از طلاست می‌گرداند، ولی کسی را نمی‌یابد که آن را بگیرد. یک مرد چهل زن به دنبال دارد که همه بدو پناه آورده‌اند، و این بابت کمی مردان و بسیاری زنان است.»^۱

نگارنده: استغناء مردم و عدم قبول صدقه از مختصات عصر ظهور است، امری که در احادیث آمده و تا امروز محقق نشده است.

البته روایت بخاری که سخن از کمی مردان و بسیاری زنان دارد، اضافه‌ی راوی است.

مردم در آن دوران چنان غرق در نعمت شوند، که زندگان آرزوی حضور مردگان را داشته باشند

المصنف عبدالرزاق ۱۱/۳۷۱ از ابوسعید خدری: «پیامبر صلی الله علیه و آله سخن از بلایی که دامنگیر امت می‌شود به میان آوردند، بلایی که تا جایی ادامه می‌یابد که کسی پناهگاهی در مقابل ظلم نیابد. پس خداوند مردی از عترت من از اهل بیت من را برانگیزد، و بدو زمین را پراز عدل کند، همانگونه که از ستم و جور پر شده است. ساکن آسمان و زمین از او خشنود باشند. آسمان هرچه باران دارد فرو ریزد، و زمین هرچه آب در درون دارد بیرون دهد، تا آنجا که زندگان آرزوی حضور اموات را داشته باشند.»

الفتن ۱/۳۶۰ از همو از ایشان نقل می‌کند: «امت من در زمان مهدی چنان متنعم شوند که بی‌سابقه باشد؛ آسمان بر آنان فراوان می‌بارد، و زمین هرچه گیاه دارد بیرون می‌دهد، ثروت هم انباشته باشد. مردی برمی‌خیزد و می‌گوید: ای مهدی! به من عطا کن، و او گوید: بگیر.»^۲

۱. نظیر آن مسند احمد ۴/۳۰۶، صحیح مسلم ۲/۷۰۰، سنن نسائی ۵/۷۷ و ...

۲. البیان ۵۱۹، عقد الدرر ۱۴۴/۱۶۹ و جامع سیوطی ۸/۷۷

مسند احمد ۳/ ۲۱ از همو: «ما بیم آن داشتیم که پس از پیامبر ﷺ رخدادی واقع شود، از آن حضرت سؤال کردیم و ایشان فرمودند: مهدی در امت من خروج و پنج، هفت و یانه - تردید از زید است [که از راویان این روایت است] - زندگی می کند، من گفتم: این چیست؟ فرمود: سال.

و افزود: آسمان بر آنسان فراوان می بارد، و زمین چیزی از گیاهان خود را ذخیره نمی کند، ثروت هم انبوه خواهد بود. مردی می آید و می گوید: ای مهدی! به من عطا کن، و او آن مقداری که آن مرد توان حمل داشته باشد، در لباسش می ریزد.^۱

ینابیع المودة / ۶۷ می نویسد: «برخی از اهل الله اصحاب کشف و شهود و عالمان به علم حروف گوید: من از امام علی نقل می کنم: خداوند گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنها هم دوستدار او هستند، کسی که در میان آنها غریب است به حکومت می رسد. اوست مهدی که سرخ رو بوده و در میان موهایش سرخی دارد. زمین را به راحتی پراز عدالت می کند. او در کودکی از مادر و پدرش دور می شود، و در بزرگی عزیز خواهد بود.

او با امان بلاد مسلمین را تحت حکومت در می آورد. زمان برای او آرام می شود. پیران و جوانان سخن او را می شنوند و اطاعت می کنند. زمین را آنگونه که از جور آکنده شده از عدالت مملومی سازد. آن هنگام است که امامت او کامل و خلافتش مستقر شود. خداوند کسانی را که در قبرها هستند برانگیزد، زمین آباد شود، صفا گیرد، و با مهدی روشن گردد. نهرها به او جریان گیرند، فتنه و غارت نیز رخت بربندد، و خیر و برکت افزون شود.»

نگارنده: این مطلب که توسط همه ی مسلمین نقل شده است، نیازی به کشف و شهود صوفیه

ندارد!

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه زمین ها را از نو قسمت می کند

تهذیب الاحکام ۴ / ۱۴۵ از عمر بن یزید روایت می کند: «شنیدم مردی از اهالی جبل از امام صادق ع درباره ی مردی سؤال کرد که زمین مواتی - که اهل آن، آن را رها کرده اند -

۱. سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳۶۶، سنن ترمذی ۴ / ۵۰۶ - وی آن را حدیثی حسن می شمارد - والمستدرک ۴ / ۵۵۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

را تصاحب کرده، آباد ساخته، نه‌ره‌هایش را جاری کرده، خانه‌ها در آن بنا نموده و نخل و درخت کاشته است.

امام عجل الله تعالی فرجه فرمود: امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه می‌فرمودند: هر که از مؤمنین زمینی را احیا کند برای اوست، ولی باید مالیات آن را در حال هدنه و صلح به امام بپردازد، و در هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه ظهور کند آماده‌ی آن باشد که از او گرفته شود.»

کافی ۵/ ۲۸۳ از سنن روایت می‌کند: «به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفتم: زمین خراجی دارم، و بر من سخت شده است، امام عجل الله تعالی فرجه مدتی سکوت کردند، سپس فرمودند: قائم ما چون قیام کند، نصیب تواز زمین بیش از این خواهد بود. هنگام قیام او استان^۱ از زمین‌های واگذاری اینان [خلفا] بهتر خواهد بود.»

سنن که پدر عبد الله بن سنن است، از کمی منفعت زمین به امام عجل الله تعالی فرجه گله کرد، و ایشان سخن از فراوانی آن در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به میان آوردند، و اینکه سهم تو آن روز بهتر از امروز خواهد بود.

قرب الاسناد ۳۹/ ۱ از ایشان روایت می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان دادند سه روز نزد اهل ذمه فرود آیند، و در ادامه خود فرمودند: قائم ما چون قیام کند زمین‌های واگذاری از میان می‌رود و دیگر چنین چیزی نخواهد بود.»

کافی ۱/ ۴۰۸ از عمر بن یزید نقل می‌کند: «در مدینه مسمع را دیدم که مالی نزد امام صادق عجل الله تعالی فرجه می‌برد، ولی امام عجل الله تعالی فرجه او را رد کردند، وقتی علت را جویا شدم گفت: من خدمت حضرت عرض کردم: من در بحرین به غواصی و استخراج جواهرات اشتغال داشتم و چهار صد هزار درهم از آن بدست آوردم، حال خمس آن یعنی هشتاد هزار درهم را نزد شما آوردم و خوش نداشتم آن را از شما دریغ کنم، و این حقی است که خدا برای شما در اموال ما قرار داده است.

امام عجل الله تعالی فرجه به من فرمودند: ای ابا سیار! آیا نصیب ما از زمین و آنچه خدا از آن بیرون می‌آورد، تنها خمس است؟ تمام زمین برای ماست، پس هر چه خدا از آن بیرون آورد از آن ما

۱. نام چهار منطقه در بغداد

خواهد بود.

عرضه داشتم: آیا تمام مال را برایتان بیاورم؟ ایشان فرمودند: ای ابا سیار! ما آن را برای تو گوارا قرار دادیم و تو را از آن حلال کردیم، پس مال خود را بردار، هر زمینی که در دستان شیعیان ماست بر آنان حلال است، تا آنکه قائم ماقیام کند و مالیات آن را از ایشان بستانند، و زمین را [همچنان] در اختیار ایشان بگذارد.

اما آنچه در اختیار دیگران است، کسب آنان از زمین حرام است تا آنکه قائم ماقیام کند و زمین را از آنان بستانند و آنها را با خواری بیرون کند.

عمر بن یزید گوید: ابوسیار به من گفت: غیر از خود هیچ یک از صاحبان زمین و کارگزاران را نمی بینم که مال حلالی بخورد، مگر کسی که اهل بیت علیهم السلام برایش حلال شمرده باشند.^۱ و شیعه در زمان امام مهدی علیه السلام فزون تر خواهند شد.

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۵ از ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام می آورد: «در کتاب حضرت علی علیه السلام چنین یافتیم: زمین از آن خداست، آن را به هر کس از بندگانیش که بخواهد می دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است. و من و اهل بیتم کسانی هستیم که خدا زمین را به ما داده است، ما پرهیزکارانیم و تمام زمین از آن ماست، پس هر مسلمانی زمینی را احیا و آباد کرد، مالیات آن را به امام از اهل بیت من بپردازد، و هر آنچه خود مصرف کند برای اوست. اگر آن را رها و پس از آنکه آباد کرده بود ویران کرد، و مردی از مسلمین آن را گرفت، و آباد و احیا کرد، او خود از آنکه ترک کرده، بدان شایسته تراست، پس مالیات آن را به امام از اهل بیت من بپردازد و هر چه از آن مصرف کند برای اوست.

تا آنکه قائم از اهل بیتم با شمشیر ظاهر شود، آن را در اختیار آورد، از آن باز دارد و آنان را اخراج کند، همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را گرفت و از آن منع نمود، مگر آنچه در دست شیعیان ما باشد، ایشان بر آنها مالیات تعیین، و زمین را در دست آنان رها می کند.^۲

همان از عمار ساباطی از امام صادق علیه السلام: «زمین برای خداست، آن را به هر کسی از بندگانیش

۱. رک به تهذیب ۴/ ۱۴۴

۲. مشابه آن کافی ۱/ ۴۰۷ و استبصار ۳/ ۱۰۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران

ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

بخواهد می‌دهد، پس هرآنچه برای خداست برای رسول اوست، و هرچه برای رسول خداست برای امام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.»

فراگیری عدالت و آرامش نسبت به خوبان و بدان

محاسن برقی / ۶۱ از بشرین غالب اسدی از امام حسین عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند که فرمودند: «ای بشرین غالب! کسی که ما را تنها برای خدا دوست داشته باشد، ما و او [روز قیامت] بسان این دو خواهیم آمد - و دو انگشت سبابه‌ی خود را کنار هم گرفتند - و آنکه تنها به خاطر دنیا دوست بدارد، [بداند که] چون قائم عدل قیام کند، عدالتش خوب کردار و بد کردار را فرا می‌گیرد.»

الفتن ۱ / ۳۵۵ از جعفر بن سیار شامی: «مهدی چنان حقوق را برمی‌گرداند که اگر زیردندان کسی چیزی باشد آن را می‌کند و باز می‌گرداند.»^۱

یعنی حقوق غصب شده‌ی مردم را از غاصبان باز پس می‌گیرد، حتی اگر زیردندان غاصب مخفی باشد.

با مسکینان مهربان، و نسبت به مسؤولان سخت

مناقب امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه محمد بن سلیمان کوفی ۲ / ۱۶۰ از حضرت علی عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم: مهدی از اهل بیت من، بخشنده‌ی مال و مهربان با مساکین است.»
الفتن ۱ / ۳۵۵ از طاووس: «نشانه‌ی مهدی آن است که بر کارگزاران سختگیر است، بخشنده‌ی مال است و با مساکین مهربان... مهدی چنان است که گویا به مساکین کره می‌خوراند.»

همان ۱ / ۳۵۶ از همو: «چون مهدی بیاید، احسان نیکوکار فزون می‌شود و توبه‌ی بدکار پذیرفته، او بذل ثروت می‌کند، بر کارگزاران سختگیر است و با مسکینان مهربان.»^۲

۱. الملاحم والفتن ۶۸ / ۸۳، الحاوی ۲ / ۸۳ و القول المختصر ۲۵ / ۲۸

۲. مشابه آن المصنف ابن ابی شیبہ ۱۵ / ۱۹۹، سنن الدانی ۱۰۱ / ۱۵۱ و الحاوی ۲ / ۷۸

امنیت اجتماعی و اقتصادی و نیز فراگیری فرهنگ

غیبت نعمانی / ۲۳۸ از حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «گویا دینتان را می‌بینم که پیوسته دور می‌شود و در خونش می‌غلطد، سپس تنها مردی از ما اهل بیت است که آن را برایتان باز می‌گرداند.

او در سال دو بار بخشش می‌کند و ماهی دو بار بر شما رزق می‌دهد، در زمان او به شما حکمت داده می‌شود، تا جایی که زن در خانه‌اش بر اساس کتاب خدای متعال و سنت رسول او صلی الله علیه و آله حکم خواهد نمود.»

محبوبیت مردمی امام علیه السلام

بشارة الاسلام / ۱۸۵: «مهدی در میان خلائق محبوب است، و خدا فتنه‌ی کر [و شدید] را به دست او خاموش خواهد نمود.»

الفتن ۱ / ۳۵۸ از ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله: «امت به او رو می‌آورند، همانگونه که زنبور به ملکه رو می‌آورد. او زمین را پراز عدالت می‌کند چنانکه پراز ستم شده است، تا جایی که مردم به همان حال نخستین^۱ بازگردند. او هیچ خوابی را بیدار نمی‌کند و هیچ خونی [به نا حق] نمی‌ریزد.»^۲

اثبات الهداة ۳ / ۶۱۵ از حضرت علی علیه السلام: «زبانزد مردم می‌شود و محبت او در دلشان می‌نشیند.»

امالی شیخ مفید / ۳۰ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «خدا رحمتتان کند، بلاز ما آغاز می‌شود و سپس سراغ شما می‌آید، آسایش از ما آغاز می‌گردد و بعد از آن به سراغ شما می‌آید، خداوند رحمت کند آن کسی را که ما را نزد مردم محبوب کند، و ناخوشایند آنان نگرداند.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عج

۱. صفای دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و یا عهد آدم علیه السلام

۲. الحاوی ۲ / ۷۷، البرهان ۷۸ و الملاحم و الفتن ۷۰

آبادانی بلاد عرب و ما بین مکه و مدینه

در فصل بلاد عرب در عصر ظهور احادیثی با این مفهوم گذشت که صحرای خشک عرب در دوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مراتع و انهار تبدیل می شود.

تفسیر قمی ۲/ ۳۴۶ از یونس بن ظبیان روایت می کند: «امام صادق ع در تفسیر این آیه: مُدْهَامَتَانِ،^۱ که از [شَدَّت] سبزی سیه گون می نماید، فرمودند: ما بین مکه و مدینه با نخل به هم می پیوندند.»

مسجد جامع جهانی بین کوفه و کربلا

ارشاد ۳۶۲/ ۳۶۳ از مفضل بن عمر از امام صادق ع روایت می کند: «چون قائم آل محمد ع قیام کند، در پشت کوفه مسجدی با هزار در بنا می کند و خانه های اهل کوفه به دو نهر کربلا متصل می شود...»

مرد در حکومت ایشان چنان عمر می کند که هزار پسر برایش زاده شود و در آنان دختری نباشد. زمین گنج هایش را آشکار سازد چنانکه مردم آن را بر روی زمین ببینند. مردی از شما به دنبال کسی گردد که از مال خود به او ببخشد و او زکات مالش را دریافت کند، ولی هیچ کس را نمی یابد که از او بپذیرد، و مردم به آنچه خداوند از فضل خود روزی آنها کرده مستغنی خواهند شد.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۰ مشابه آن را روایت می کند: «در پشت کوفه مسجدی با هزار در بنا می کند. خانه های کوفه به دو نهر کربلا و حیره متصل می شود. [چنان شود] که مردی بر استری تیزرو به قصد نماز جمعه می آید ولی بدان نمی رسد.»

نگارنده: این مسجد جامع جهانی است، و لابد به فرودگاه و توقفگاه وسائل نقلیه، یا وسائل نقلیه عصر خود مجهز است. مکان آن هم پشت کوفه است و تا کربلا و یا صحرای نجف در مسیر حجاز امتداد می یابد.

۱. سوره ی الرحمن / ۶۴

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح ع

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ارتقای بهداشت جسمی و روحی

حلیة الاولیاء ۳/ ۱۸۴ از جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «خداوند تعالی در دل‌های شیعیان ما رعب را قرار می‌دهد. [ولی] چون قائم ما قیام کند و مهدی ما ظاهر گردد، مرد [ی از آنان]، از شیر قویدل ترواز سرنیزه برنده تر خواهد بود.»^۱

غیبت نعمانی ۳۱۷/ از امام سجاد علیه السلام: «چون قائم قیام کند، خداوند بیماری هر مؤمنی را بر طرف کند و توان او را باز گرداند.»

خصال ۲/ ۵۴۱ از ایشان روایت می‌کند: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل بیماری شیعیان ما را برطرف کند، و دل‌هایشان را چونان پاره‌های آهن قرار دهد.

او به هر مردی توان چهل نفر را می‌دهد، و آنان حاکمان و بزرگان زمین خواهند بود.»
اختصاص ۸/ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «شیعیان ما در دولت قائم، بزرگان زمین و حاکمان آنند. به هر مرد از آنان توان چهل مرد عطا کنند.»

بصائر الدرجات ۲۴/ از سعد از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «حدیث ما سخت و دشوار است، تنها فرشته‌ی مقرب، نبی مرسل، مؤمن آزموده و شهر^۲ مستحکم اند که توان حمل آن را دارند. چون امر ما فرا رسد و مهدی ما آید، یک مرد از شیعیان ما با دل و جرأت تراز شیر و برنده تر از سرنیزه خواهد بود. با پاهایش دشمن ما را لگد می‌کند و با کف دستان بر او می‌زند. این، هنگامی است که رحمت خدا و فرج او بر بندگان فرود آید.»

دلائل الامامة ۳۲۰/ از یونس بن ظبیان روایت می‌کند: «در حضور امام صادق علیه السلام بودم که سخن از یاران قائم به میان آمد، ایشان فرمودند: سیصد و سیزده نفرند، و هر یک در خود توان مقابله با سیصد نفر می‌بیند.»

۱. ینابیع المودة ۴۴۸ و ۴۸۹ و اختصاص ۲۶/

۲. شیخ صدوق رحمه الله در چند کتاب از جمله معانی الاخبار ۱۸۹/ روایتی مشابه همین روایت را از شعیب حداد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند. شعیب در انتهای حدیث درباره‌ی شهر مستحکم سؤال می‌کند و امام علیه السلام آن را به القلب المجتمع تفسیر می‌فرمایند.

علامه‌ی مجلسی رحمه الله در توضیح این عبارت می‌نگارند: دل مجتمع دلی است که شکوک آن را [متزلزل و] پراکنده نمی‌سازد و اوهام باطل و شبهات گمراه کننده در آن راه ندارد... بحار الانوار ۲/ ۱۸۳. م

تقسیم عالم به سیصد و سیزده ایالت

دلائل الامامة / ۲۴۹ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «چون قائم ما قیام کند، در سرتاسر زمین در هراقلمی مردی را می‌فرستد و می‌فرماید: پیمان تو در کف دست توست، به آنچه [در آن] می‌بینی عمل نما.»

و ظاهر آن است که این امر به گونه‌ی اعجاز است، و ممکن است دستگاهی پیشرفته باشد. غیبت نعمانی / ۳۱۹ آن را به نحوی مبسوط نقل می‌کند، در ادامه‌ی عبارت بالا آمده است: «پس چون مسئله‌ای نامفهوم برایت پیش آمد و حکم آن را ندانستی، به کف دست نگاه کن و به آنچه در آن است رفتار نما.»

او لشکری را به قسطنطنیه اعزام می‌کند. چون به خلیج برسند چیزی بر قدم هایشان بنویسند و بر آب راه روند. چون رومیان آنها را در این حال ببینند، می‌گویند: اینان یاران اویند و بر آب راه می‌روند، او خود چگونه است؟ آن هنگام است که درهای شهر را بر روی آنها می‌گشایند، آنان هم وارد شده آن مقدار که بخواهند حکومت می‌کنند.»

قسطنطنیه فتح شده و ساکنان آن مسلمانند، و ممکن است مقصود پایتخت روم باشد. کمال الدین ۲ / ۶۷۳ از امام باقر علیه السلام: «گویا یاران قائم را می‌بینم که میان شرق و غرب را احاطه کرده‌اند. همه چیز حتی درندگان زمین و هوا فرمان آنان می‌برند. در هر چیزی رضایت آنان دنبال می‌شود. چنان خواهد شد که زمینی بر زمینی دیگر افتخار می‌کند که امروز مردی از اصحاب قائم بر من گذشت.»

یاران حضرت با علم ربانی و بدون شاهد قضاوت می‌کنند

بصائر الدرجات / ۲۵۸ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «دنیا به پایان نمی‌رسد تا آنکه مردی از [نسل] من که بسان آل داود حکم راند، خروج کند. او گواهی نمی‌طلبد و برای هر کسی به حکم مربوط به او حکم خواهد نمود.»

ارشاد / ۳۶۵ از عبد الله بن عجلان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، میان مردم بسان داود علیه السلام حکم خواهد کرد، و به شاهی نیاز

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نخواهد داشت. خداوند تعالی به او الهام می‌کند، آنگاه او براساس علمش حکم می‌راند. او به هر قومی خبر می‌دهد که چه چیزی را مخفی داشته‌اند، و دوست را از دشمن با فراست می‌شناسد.»

کافی ۵۰۹/۱ از حسن بن ظریف روایت می‌کند: «در سینه‌ام دو مسئله خلیجان می‌کرد و بر آن شدم تا به امام حسن عسکری علیه السلام در این باره نامه‌ای بنویسم. نامه‌ای نگاشتم و در آن پیرامون قائم علیه السلام سؤال کردم که چون قیام کند چسان قضاوت می‌نماید، و مجلس قضاوت ایشان کجا خواهد بود؟ من می‌خواستم از ایشان درباره‌ی تب ربع^۱ سؤال کنم ولی فراموش کردم. جواب نامه‌ام چنین آمد: درباره‌ی قائم پرسیدی، او چون قیام کند بسان داود علیه السلام، میان مردم به علم خود حکم می‌راند و گواهی نمی‌طلبد.

و می‌خواستی درباره‌ی تب ربع سؤال کنی ولی فراموش کردی، در یک برگه بنویس و برتبدار بیاویز که به اذن خدا و اگر خدا بخواهد بهبودی می‌یابد: **يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا** **عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ**.^۲

ما همین دستور را انجام دادیم و و بر بیمار آویختیم، و بهبودی یافت.»

نگارنده: مقصود از حکم بسان داود، قضیه‌ی جوانی است که انگوری را به سرقت برد و خداوند حقیقت را به داود نمایاند، و گرنه تمامی پیامبران علیهم السلام مأمور بودند براساس ظواهر، و شاهد و قسم حکم کنند.

البته در تفسیر حکم آل داود در بصائر الدرجات / ۲۵۹ از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «سلیمان از مردم شاهد نمی‌طلبید.»

غیبت نعمانی / ۳۱۹ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «هنگامی که قائم قیام کند در سرتاسر زمین در هر اقلیمی مردی را می‌فرستد و می‌فرماید: پیمان تو در کف دست توست، پس اگر مطلبی برای پیش آمد که برای مفهوم نبود و حکم آن را نمی‌دانستی، بدان نظر کن و به آنچه در آن است عمل نما.»

۱. تبی که یک روز شخص بدان مبتلا می‌شود، ولی دو روز از او دور خواهد شد، و در روز چهارم باز خواهد گشت، رک به مرآة العقول ۶ / ۱۵۸ م.

۲. سوره‌ی انبیاء علیهم السلام / ۶۹

پنجاه زن در میان حاکمان ایالات

در فصل یاران امام علیه السلام گذشت که پنجاه زن در میان اصحاب هستند: «به خدا قسم سیصد و بیش از ده مرد که پنجاه زن در میان آنها هستند حاضر می شوند. آنان به مانند پاره های ابرپاییزی یکی پس از دیگری در مکه و بدون وعده ی قبلی حضور یافته گرد می آیند، و این همان آیه است که خداوند می فرماید: **أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**»^۱ هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [گرد] می آورد، در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست.»^۲

شاید اداره ی حکومت ها بر اساس انتخابات باشد

روایات دلالت می کند که قضاوت به امام مهدی علیه السلام و یاران اختصاص دارد، زیرا نیازمند دانش الهی به واقع است. اما اداره ی سایر امور بعید نیست که با مشارکت مردم و اموری مانند انتخابات باشد، به خصوص آنکه سطح آگاهی مردم در آن دوران ارتقاء و تکامل می یابد. کافی ۱/ ۲۵ از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست بر سربندگان می گذارد، پس بدان خردهای آنان را گرد آورده و عقل هایشان کامل می شود.»

وشاید عالم به جامعه ای بی نیاز از ارز و پول تبدیل گردد

اختصاص ۲۴ از برید عجلی روایت می کند: «به امام باقر علیه السلام گفتند: شیعیان در کوفه بسیارند، اگر آنان را فرمانی دهید اطاعت و تبعیت کنند، امام علیه السلام فرمودند: آیا [در میان آنان چنین سخاوتی هست که] کسی از آنان به سراغ کیسه ی برادرش برود و به قدر نیازش برگیرد؟ عرض کرد: نه، حضرت فرمودند: پس آنان نسبت به خون هایشان بخل بیشتری دارند. در ادامه فرمودند: مردم در صلح به سر می برند، با آنان ازدواج می کنیم، از آنها ارث می بریم، به اقامه ی حدود بر آنان می پردازیم و اماناتشان را باز می گردانیم، تا آن زمان که قائم قیام کند

۱. سوره ی بقره ۱۴۸/

۲. در فصل مزبور در پاورقی توضیحی در این رابطه گذشت. م

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دوستی و رفاقت حاصل شود، مردی به سراغ کیسه‌ی برادرش می‌آید و نیازش را برمی‌گیرد و او هم منع نمی‌کند.»

مصادقة الاخوان شیخ صدوق / ۲۰ از اسحاق بن عمار: «خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سخن از مواسات با برادران و حق واجب آنان به میان آوردند، این مطلب برای من گران آمد و ایشان از چهره‌ام متوجه شدند، و فرمودند: این زمانی است که قائم قیام کند که برآنان واجب خواهد بود برادرانشان را آماده و نیرومند سازند.»

تفسیر عیاشی ۲ / ۸۷ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «مؤمن اگر چیزی داشته باشد آن قدر که بخواهد بر خانواده‌اش انفاق کند، آنگاه چون قائم قیام کند آنچه نزد خود دارد و باقی مانده را برای ایشان ببرد تا در امر خود از آن استفاده کند، [پس چون چنین کند،] آنچه بر خود واجب بوده را به انجام رسانده است.»

نگارنده: این احادیث حالت اصحاب امام علیه السلام در آغاز ظهور را وصف می‌کند، حالتی که به هنگام فراگیری آسایش در تمام عالم عمومی خواهد شد. طبیعی است چنین مجتمعی از پول مستغنی شود، و همگان در راستای قرب خدا فعالیت کنند و نیازشان را بدون پرداخت ثمن برآورند.

و شاید این روایت اصل سخنی باشد که مردم درباره‌ی زمانی و جامعه‌ای می‌گویند: مردم بدون اجرت و برای خدا کار می‌کنند و نیازهایشان را با درود فرستادن بر پیامبر و خاندان ایشان علیهم السلام برآورده می‌سازند.

تصحیح مهندسی مساجد و مشاهد

اثبات الوصیة / ۲۱۰ از ابوهاشم جعفری نقل می‌کند: «نزد امام عسکری علیه السلام بودم که فرمودند: چون قائم قیام کند، فرمان به انهدام منابر مساجد خواهد داد. با خود گفتم: برای چه؟ ایشان فرمودند: این بدان معناست که آنها بدعت است و هیچ پیامبر و حجتی آنها را نساخته است.»

غیبت شیخ طوسی / ۴۷۲ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «قائم، مسجد الحرام را ویران

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌کند و آن را به حالت سابق باز می‌گرداند. مسجد الرسول صلی الله علیه و آله را نیز به حالت سابق باز می‌گرداند. خانه را نیز به موضع آن، و به حالت سابق باز خواهد گرداند.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۸۳ از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام: «چون قائم قیام کند وارد کوفه شده فرمان می‌دهد مساجد چهارگانه‌ی آن را از اساس ویران سازند و آن را سایه بانی بسان سایه بان حضرت موسی علیه السلام قرار خواهد داد، تمامی مساجد صاف و بدون ایوان خواهد بود همان گونه که در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، راه اعظم را وسعت می‌دهد که شصت ذراع خواهد شد، هر مسجدی که بر سر راه باشد را خراب می‌کند...»

تنظیم موسم حج و قوانین سیر

کافی ۴ / ۲۷ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «نخستین عدالتی که قائم آشکار می‌کند، آن است که منادی او ندا می‌دهد: کسی که عمل مستحب انجام می‌دهد، حجر الاسود و طواف را به کسی بسپارد که واجب انجام می‌دهد.»

تهذیب الاحکام ۱۰ / ۳۱۴ از امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند: «هنگامی که قائم قیام کند صدا می‌زند: ای سواران! در وسط راه سیر کنید، ای پیادگان! در دو طرف راه سیر کنید. پس هر سواره‌ای به دو طرف مسیر رود و عیبی به کسی وارد آید او را ملزم به پرداخت دیه می‌کنیم، و هر پیاده‌ای در میانه راه رود و عیبی به او وارد شود دیه‌ای ندارد.»

تطبیق احکام شرعی بر اساس پیمانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله

من لا یحضره الفقیه ۴ / ۳۵۲ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «خداوند عزیز و جلیل در [عالم] اظله میان ارواح برادری ایجاد کرد و این دو هزار سال قبل از آن بود که ابدان را بیافریند. پس چون قائم ما اهل بیت قیام کند، به برادر، از برادری که در اظله میانشان برادری ایجاد نموده ارث دهد، اما به برادری که از جهت ولادت برادر اوست ارث ندهد.»

دلائل الامامة / ۲۶۰ از جهم بن ابی جهمه از امام کاظم علیه السلام: «خدای تبارک و تعالی دو هزار سال پیش از خلق ابدان، ارواح را آفرید، و بعد از آن بود که بدن‌ها را خلق کرد. پس آنان که در

آسمان یکدیگر را شناختند در زمین نیز بشناسند، و آنان که در آسمان همدیگر را شناختند در زمین نیز نشناسند.

چون قائم قیام کند برادر در دین را ارث دهد، ولی برادر در ولادت را نه، و این فرموده‌ی خداوند است: **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ**^۲، به راستی که مؤمنان رستگار شدند... پس آنگاه که در صور دمیده شود، [دیگر] آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از یکدیگر نمی پرسند.»

خصال ۱/ ۱۶۹ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «چون قائم قیام کند به سه امر حکم خواهد کرد که احدی پیشتر حکم ننموده است: پیرمرد زناکار را می کشد، کسی را که زکات پرداخت نکند به قتل می رساند، و به برادر از برادر در اظله ارث می دهد.»

کافی ۵/ ۱۳۲ از حسین شیبانی روایت می کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی از دوستان اران شما مال و خون بنی امیه را حلال می شمارد، و امانتی از آنان نزد اوست، امام علیه السلام فرمودند: امانت ها را به صاحبان آن بدهید، اگرچه مجوسی باشند، زیرا این امر نخواهد بود تا آنکه قائم ما علیه السلام قیام کند و حلال شمارد و حرام شمارد.»

تحریم سود بردن مؤمن از برادر مؤمن خود

من لا یحضره الفقیه ۳/ ۳۱۳ از سالم نقل می کند: «از امام صادق علیه السلام در مورد روایتی پرسیدم که می گوید: کسی که به گرواطمینان بیشتری داشته باشد تا برادر مؤمن خویش، من از او بیزارم، امام علیه السلام فرمودند: این زمانی است که حق ظاهر شود و قائم ما اهل بیت قیام کند. عرض کردم: روایت دیگری که می گوید: سود بردن مؤمن از مؤمن ریاست؟ فرمودند: این زمانی است که حق ظاهر شود و قائم ما اهل بیت قیام کند. اما امروز عیبی ندارد به برادر مؤمن بفروشد و بر او سود کند.»

۱. سوره ی مؤمنون / ۱

۲. همان / ۱۰۱

سختگیری بر عاصیان، زیرا به حرام نیازی ندارند

محاسن / ۸۷ از امام صادق علیه السلام: «دو خون در اسلام حلال است، ولی هیچ کس درباره ی آن دوبه حکم خدا حکم نمی کند تا آنکه قائم ما قیام کند: زناکار همسر دار را سنگسار می کند و گردن کسی را که زکات نمی پردازد می زند.»

درندگان و موزیان آشتی می کنند و بی آزاری شوند

المستدرک ۴ / ۵۱۴ از مجاهد از ابن عباس نقل می کند و صحیح می شمارد: «مهدی زمین را همان طوری که از ستم پر شده از داد می آکند، چارپایان و درندگان آرام می شوند، و زمین پاره های جگرش را بیرون می دهد.

گفتم: پاره های جگر زمین چیست؟ گفت: چیزهایی مانند اسطوانه از طلا و نقره.»

احتجاج ۲ / ۲۹۰ از زید بن وهب جهنی نقل می کند: «هنگامی که در مدائن امام حسن علیه السلام را مجروح کردند نزد ایشان که دردمند بودند آمدم، عرض کردم: ای پسر پیامبر! مردم سرگردانند، رأی شما چیست؟ فرمودند: به خدا قسم چنین می بینم که معاویه برای من بهتر از این کسانی است که خود را شیعیان من می پندارند، اینان در صدد قتل من بودند، بار و بنه ی مرا غارت کردند و اموال را گرفتند...»

عرضه داشتم: ای پسر رسول خدا! آیا شیعیان خود را بسان گوسفندان بدون چوپان رها می کنید؟ فرمودند: ای برادر جهینه! چه کنم، به خدا از مطلبی که معتمدین برایم آورده اند آگاهم. امیرالمؤمنین علیه السلام روزی مرا شادمان دیدند و فرمودند: ای حسن! آیا شادمانی؟ چگونه خواهی بود آن زمان که پدرت را کشته بینی؟ چسان خواهی بود آن هنگام که بنی امیه و امیر بزرگ مری و گشاد معده ی آنان عهده دار این امر شوند؟ همو که می خورد و سیر نمی شود، و در حالی می میرد که نه در آسمان یاوری دارد و نه در زمین عذر پذیر. او بر غرب و شرق مستولی می شود، بندگان فرمانبردار او می شوند، حکومتش طولانی می گردد، به روش اهل بدعت و گمراهی رفتار می کند، حق و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله را می میراند، اموال را در میان موالیان خود تقسیم و از کسانی که بدان شایسته ترند منع می کند، در حکومت خود مؤمن را

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ذلیل و فاسق را نیرومند می‌سازد، ثروت را میان یاران خود می‌گرداند، و بندگان خدا را بردگان [خود] قرار می‌دهد.

در حکومت او حق کهنه و باطل آشکار شود. او کسی را که برای حق با او دشمنی کند می‌کشد، و کسی که در باطل از او پیروی کند را در دینش رها می‌گذارد.

چنین خواهد بود تا آنکه خداوند در آخرالزمان و به هنگام سختی روزگار و جهل مردم، مردی را مبعوث کند، با فرشتگانش او را یاری دهد، یاران او را مصون دارد، با نشانه‌هایش او را نصرت دهد، او را بر اهل زمین پیروز گرداند تا آنکه به رغبت و یا کراهت همه به دین در آیند، زمین را از عدل، داد، نور و برهان بیاکند، عرض و طول سرزمین‌ها مطیع او باشند، کافری نماند مگر آنکه بدو ایمان آرد و فاسدی نباشد جز آنکه صالح گردد. در حکومت او درندگان آرام شوند، زمین گیاهش را بیرون دهد، آسمان برکت خویش را فرو فرستد، گنج‌ها برای او ظاهر گردد، و او چهل سال بر مشرق تا به مغرب حکم راند. خوشا به حال آنکه روزگار او را دریابد و سخن او را بشنود.»

بساط ظلم برای همیشه برچیده خواهد شد

حکومت اهل بیت علیهم‌السلام تا قیامت امتداد می‌یابد، و زمین از حجت خالی نمی‌شود مگر چهل روز پیش از قیامت، و آن زمانی است که اشاری که قیامت بر آنان به پا می‌شود به ریاست برسند. کافی ۱/ ۳۲۹ از عبد الله بن جعفر حمیری روایت می‌کند: «من و ابو عمرو رضی‌الله‌عنهما نزد احمد بن اسحاق بودیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از ایشان درباره‌ی جانشین سؤال کنم، من هم گفتم: ای ابا عمرو! می‌خواهم از شما در مورد مطلبی پرسش کنم، و البته که هیچ شکی در این رابطه ندارم؛ اعتقاد من این است که زمین از حجت خالی نمی‌شود، مگر چهل روز پیش از قیامت، آن هنگام است که حجت از میان برداشته، و در توبه بسته می‌شود، پس لم یك یَنْفَعْ نَفْساً اِیْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبَتْ فِي اِیْمَانِهَا خَيْراً^۲،

۱. عثمان بن سعید سفیر نخست امام عصر رضی‌الله‌عنه

۲. سوره‌ی انعام / ۱۵۸

کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد. اینان شرار خلق خداوند عزوجل هستند، و قیامت بر اینان برپا می شود...»
و جناب عمری رضی الله عنه آن را تأیید نمود و تأیید ایشان حجت است.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
روم
ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

آماده سازی برای غیبت

چگونگی آماده سازی امت برای غیبت

رسول خدا ﷺ امت را برای تحمل غیبت آماده می کند

هنگامی که رسول خدا ﷺ امت را به قرآن و عترت توصیه کردند، به آنان فرمودند که خداوند خبر داده است این دو تا روز قیامت قرین و مستمرند، و هیچ گاه از هم جدا نخواهند شد.

مسند احمد ۳/ ۱۷، ۱۴، ۲۶ و ۵۹ از رسول گرامی ﷺ روایت می کند: «نزدیک است من فراخوانده شوم و اجابت کنم، همانا من در میان شما دوشیء گران می گذارم؛ کتاب خدای عزوجل و عترتم، کتاب خدا ریسمانی است که از آسمان تا زمین کشیده شده و عترتم اهل بیت منند. لطیف خبیره من خبر داده است که این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا آنکه در کنار حوض بر من وارد شوند، پس بنگرید چگونه پس از من با آن دو رفتار می کنید.»

این حدیث نزد همه متواتر است، در منابع ما چنین آمده: «من دو امر را میان شما گذاردم، مادامی که بدان تمسک کرده اید هرگز دچار گمراهی نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم اهل بیتم، لطیف خبیر مرا خبر داده که این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا آنکه در کنار حوض نزد من آیند، بدان این دو - و دو انگشت مسبحه [یا همان سبابه] را کنار هم آورند -، نه مانند این دو - و مسبحه و انگشت وسط را کنار هم گذارند - تا یکی از دیگری پیش افتد، پس به این دو متمسک باشید تا نلغزید و گمراه نشوید، و از آنان پیش نیفتید که به گمراهی در افتید.»^۱

طبق تصریحات پی در پی رسول خدا ﷺ، تعداد امامان علیهم السلام دوازده نفر می باشد، و خط امامت تا روز قیامت امتداد خواهد داشت و هرگز از قرآن جدا نخواهند شد، بدین ترتیب که دوازدهمین آنان، چونان خضر نبی علیها السلام و از سوی خدا، عمری طولانی خواهد داشت، و دورانی دراز از امت غائب خواهد شد. و چون باز می گردد، مسیح علیها السلام برای یاری او در راستای اقامه ی حکومت عدل الهی در عالم، فرود خواهد آمد.

او برنامه ی جدید خود را برای زمین و اهالی آن به اجرا می گذارد، و زندگانی را وارد مرحله ای نوین خواهد نمود. پس از او نیز تا قیامت امامت عترت ادامه خواهد یافت.

رسول خدا ﷺ نیز امت را برای تحمل این مرحله ی طولانی آماده می سازند. ایشان بر امت اتمام

۱. کافی ۲/ ۴۱۵

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

حجت می‌کنند و خبر از ظلم‌ها و ستم‌هایی که بر سر اهل بیت و عترت می‌آید می‌دهند. از مؤمنان می‌خواهند در مقابل ستم‌های حکومت‌ها نسبت به اهل بیت و شیعیان بردبار باشند، آنان را برای پذیرش غیبت دوازدهمین امامشان عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا می‌کنند و به ظهور امید می‌دهند، هر چند زمان غیبت به درازا انجامد. در راستای همین غیبت، احادیث متعددی از آن حضرت و امامان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسان ذوالقرنین، پس از غیبت ظهور می‌کند

کمال الدین ۲ / ۳۹۴ از جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت می‌کند: «ذوالقرنین بنده‌ی صالحی بود که خداوند عزوجل او را حجت بر بندگان خویش قرار داد. او قوم خود را به خدا دعوت کرد و به تقوای الهی فرمان داد. آنان بر [یک طرف] سر او کوفتند و او مدت زمانی ناپدید شد، چنانکه گفتند: مرد، هلاک شد، [اگر زنده است]، در کدام وادی سیر می‌کند؟ پس از مدتی نزد قومش بازگشت، و آنان بر طرف دیگر سر او زدند. و در میان شما کسی است که بر سنت اوست^۱.

خداوند عزوجل به ذوالقرنین در زمین قدرت داد، و از هر چیزی سببی برای او قرار داد، و او به مغرب و مشرق رسید. خداوند تبارک و تعالی همان سنت را در قائم از فرزندان من جاری خواهد ساخت، و او را به شرق و غرب زمین خواهد رساند، تا آنجا که چشمه یا موضعی در زمینی هموار و کوه نباشد که ذوالقرنین در آن گام نهاده جز آنکه او نیز در آن گام نهد.

خدای عزیز و جلیل گنج‌ها و معادن زمین را برای او آشکار خواهد ساخت، و با رعب یاری خواهد نمود، پس به واسطه‌ی او زمین را از عدل و داد مملومی سازد، آنسان که از ستم و جور پر شده است.»

الخرائج والجرائح ۲ / ۹۳۰ از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت می‌کند که فرمودند: «ذوالقرنین

۱. ممکن است مقصود از این عبارت حضرت امیر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، چرا که ایشان نیز از دو ناحیه‌ی سرمورد اصابت قرار گرفتند، یکی در نبرد خندق توسط عمرو بن عبدود و دیگری به دست ابن ملجم لعنه الله، رک به مناقب آل ابی طالب عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳ / ۸۷ م.

عبد صالحی بود که با خدای سبحان اخلاص پیشه کرد، خداوند هم برای او خیرخواهی نمود، و ابر به تسخیر او در آمد، و زمین برایش درنور دیده شد، و نور چنان برایش امتداد یافت که شب به مانند روز می دید.

خداوند متعال ابرها را به تسخیر امامان حق نیز در آورده است، و آنها را برای مصالح مسلمین و از بین بردن اختلافات به مشرق و مغرب می برد، و مهدی نیز اینچنین است، از این رو صاحب المرای والمسمع^۱ نام دارد. او نوری دارد که اشیاء را از دور همانند نزدیک می بیند، و [صداها را] از دور مانند نزدیک می شنود. او در تمام دنیا گاه بر روی ابرو گاه بر باد سیر می کند، زمین برایش درنور دیده می شود، و بلایا را در شرق و غرب از بندگان و بلاد دور می کند.»

نگارنده: این حدیث از عظمت آنچه خداوند در اختیار ذوالقرنین قرار داده بود، و نیز زندگانی امامان علیهم السلام و اینکه آنان به قدرت خدا، برای مصالح مسلمین و اصلاح امور آنها به شرق و غرب می روند، پرده بر می دارد.

غیبتی چون غیبت حضرت موسی علیه السلام

کمال الدین ۱/ ۱۴۵ از امیرالمؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند: «زمانی که وفات حضرت یوسف علیه السلام فرا رسید، شیعیان و اهل بیت خود را جمع نمود، حمد و ثنای خدا را به جای آورد، و در ادامه از اوضاع سختی که آنان را فرا خواهد گرفت سخن راند، مردان در آن کشته می شوند، شکم زنان باردار دریده و کودکان ذبح می شوند، تا آنکه خداوند به قائم از نسل لاوی بن یعقوب حق را آشکار کند. او مردی است گندمگون و بلند قامت - و دیگر اوصاف او را یاد کرد -، پس به او تمسک کنید.

غیبت رخ داد و اوضاع سخت برای بنی اسرائیل پیش آمد. آنان چهارصد سال در انتظار قیام کننده به سربردند. زمانی که بشارت ولادت او را به آنان دادند و نشانه های ظهور او را مشاهده نمودند، بلا شدت یافت و با چوب و سنگ بر آنها هجوم آوردند. آنها در طلب

۱. یعنی کسی که چنان احاطه دارد که هم نیک می بیند و هم نیک می شنود.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فقیه‌ی که با سخنانش آرام می‌شدند رفتند، ولی او خود را مخفی نمود. کسی را به نزد او فرستاده گفتند: ما به سخنان شما بود که در سختی آرامش می‌یافتیم.

او هم آنان را به صحرایی برد و نشست و برایشان درباره‌ی قیام کننده و وصف او گفت و ظهور او را نزدیک دانست، و این در شبی مهتابی بود.

آنان در این حال بودند که موسی عجل الله تعالی فرجه با ستنی کم آمد. او برای تفریح از خانه‌ی فرعون خارج شده بود. او از همراهان فاصله گرفت و نزد اینان آمد. سوار بر استری بود و ردایی ابریشمی در برداشت. چون نگاه آن فقیه به او افتاد با اوصاف او را شناخت. برخاست و برگام‌های موسی افتاد، آنها را بوسه داد و گفت: سپاس خدایی را که مرا نمی‌راند تا آنکه تورا به من نمایاند. هنگامی که پیروان این صحنه را دیدند، دانستند او مقصود آنهاست و به شکرانه‌ی خدای عزوجل بر زمین افتادند. تنها مطلبی که گفت این بود: امید آن دارم که خدا در فرج شما شتاب بخشد، و غائب شد.

او به شهر مدین رفت و مدتی نزد شعیب ماند. غیبت دوم بر آنها سخت تراز نخستین بود و پنجاه و چند سال به طول انجامید.

بلا شدت گرفت و آن فقیه پنهان شد. بنی اسرائیل برای او پیغام فرستادند: ما صبری بر خفای تون داریم. پس او به صحرا رفت و آنان را فرخواند، دل‌هایشان را آرام کرد، و خبر داد که خدای عزوجل بدو وحی کرده است: فرج آنها بعد از چهل سال خواهد بود. آنان یک صدا گفتند: الحمد لله، خداوند عزیز و جلیل وحی نمود: بگو: به خاطر این الحمد لله، آن را سی سال قرار دادم، آنان صدا زدند: هر نعمتی از سوی خداست، خدا وحی کرد: به آنان بگو: بیست سال قرار دادم، گفتند: تنها آورنده‌ی خیر خداست، وحی فرمود: بگو: ده سال، آنها صدا زدند: تنها خداست که بدی را دفع می‌کند، خداوند بدو وحی نمود: به آنها بگو: بمانید که اذن فرجتان را دادم.

آنان در این حال بودند که موسی عجل الله تعالی فرجه سوار بر الاغی آمد. فقیه خواست راه شناخت موسی را به آنان بفهماند، موسی آمد و نزد آنها توقف کرد و بر آنها سلام نمود، فقیه گفت: نامت چیست؟ فرمود: موسی، او گفت: پسر که؟ فرمود: پسر عمران، گفت: او پسر کیست؟ فرمود:

پسرهاقت بن لاوی بن یعقوب، گفت: چه آورده ای؟ فرمود: رسالت از جانب خدای عزوجل. در این هنگام فقیه برخاست و دست موسی را بوسید و او در میان آنها نشست، دل هایشان را آرام کرد، فرمان خود را گفت و جدا شد. فاصله ی بین آن وقت و فرج و گشایش آنان با غرق شدن، فرعون چهل سال بود.»

نگارنده: برخی با استناد به این حدیث، براین باورند که دعای مؤمنان، استقامت و سطح ایمان آنان، ممکن است زمان ظهور را پیش اندازد.

لکن در پاسخ این باور می گوییم: ظهور حضرت موسی علیه السلام در ظاهر و در دید منتظران او بود که پیش افتاد، ولی در حقیقت و در علم خدا چنان است که در آیه ی شریفه آمده است: وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^۱، و برای هر امتی اجلی است، پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.

حتی اگر هم بپذیریم که مردم در شتاب بخشیدن به ظهور حضرت موسی علیه السلام نقش داشته اند، باز نمی توان آن را با قیام امام مهدی عجله الله تعالی فرجه مقایسه نمود، چرا که این وعده ای است که خداوند زمان آن را از ازل رقم زده است، همان که به فرشتگان فرمود: إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ^۲، من چیزی می دانم که شما نمی دانید.

یعنی به انسان اجازه می دهم که در زمین حکومت کند، اگرچه به فساد و خونریزی بپردازد، لکن تا زمانی محدود که پس از آن عدالت گسترده و ستم برچیده می شود.

دیگر آنکه فایده ی دعا برای تعجیل فرج - که بدان فرمان داده شده ایم - به خود ما بازمی گردد، چنانکه در توقیع صحیح اسحاق بن یعقوب آمده است که حضرت فرمودند: و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که آن فرج شماست.^۳

با این حساب این اعتقاد که دعا برای تعجیل فرج، موعد ظهور را سال ها و حتی لحظاتی شتاب می بخشد، مشکل خواهد بود. لذا می شاید که در این رابطه توقف نمود.^۴

۱. سوره ی اعراف / ۳۴

۲. سوره ی بقره / ۳۰

۳. غیبت شیخ طوسی / ۲۹۳

۴. البته شایسته است در این رابطه به روایت تفسیر عیاشی / ۲ / ۱۵۴ مراجعه نمود. م

غیبت و شباهت به عزیر نبی ﷺ

غیبت شیخ طوسی / ۲۶۰ از مؤذن مسجد احمر نقل می‌کند: «از امام صادق ﷺ پرسیدم: آیا در کتاب خدا مثالی برای قائم ﷺ آمده است؟ فرمودند: آری، آیه‌ی صاحب الاغ که خدا او را صد سال میراند، سپس زنده نمود.»
همان از امام باقر ﷺ نقل می‌کند: «مَثَل امر [ظهور] ما در کتاب خدا مثل صاحب الاغ است، خدا او را یکصد سال میراند، سپس زنده نمود.»^۱

اهل بیت من بسان ستارگان آسمانند، هر ستاره‌ای از دیده رود، دیگری طلوع می‌کند

غیبت نعمانی / ۱۶ و ۱۵۵ از امام صادق از پدرانش ﷺ از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «مَثَل اهل بیت من مَثَل ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره‌ای غائب شود، ستاره‌ای آشکار گردد، تا آنکه ستاره‌ای از آنها طلوع کند و شما دیده به او دوزید و با انگشتان بدو اشارت کنید، و ملک الموت به سراغ او بیاید و او را ببرد.
آنگاه شما مدتی درنگ خواهید کرد، و پسران عبد المطلب یکسان شوند [و نتوانید امامتان را تشخیص دهید] و هیچ یک از دیگری شناخته نشود. آن هنگام است که ستاره‌تان جلوه می‌کند، پس حمد خدا را به جا آورید و او را بپذیرید.»

جامع المسانید و السنن ۵ / ۴۴۰: «ستارگان امان آسمانند، و اهل بیت امان امت من.»
مسند شمس الاخبار ۱ / ۱۳۳ از ابو شعبه از پیامبر ﷺ: «مثل اهل بیت من در اتمم مثل ستارگان است، هرگاه ستاره‌ای ناپدید شود ستاره‌ای طلوع می‌کند.»
البرهان ۴۰ / ۴۰ از ابن عباس از آن حضرت: «یا علی! من شهردانشم و تودر آنی... مثل تو و امامان از فرزندان پس از من مثل کشتی نوح است، هرکه بر آن سوار شد نجات یافت و هرکه سربلندی کرد غرق شد. مثل شما مثل ستارگان است که تا روز قیامت چون ستاره‌ای غائب شود، ستاره‌ای طلوع نماید.»

۱. تشبیه در اصل مسئله‌ی غیبت است. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح ﷺ

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تیسیر المطالب / ۱۲۹ از نصر بن حماد می آورد: «هنگامی که ابراهیم بن عبد الله بن حسن بن حسن علیه السلام ظهور کرد شعبه گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: مثال اهل بیت من در امتم مثال ستارگان است، هرگاه یکی ناپدید گردد، ستاره ای آشکار شود.»

نگارنده: عالمان حدیث روایت اصحابی کالنجوم [یاران من مانند ستارگانند] را دروغ و جعلی می شمارند، زیرا رسول خدا ﷺ این مطلب را در مورد اهل بیت ﷺ فرمودند، ولی برخی راویان آن را برای صحابه ساختند.

حضرت مهدی علیه السلام و غیبت، عهدی الهی به پیامبر ﷺ

کمال الدین ۱ / ۵۱ از امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند: «سوگند به آنکه مرا به حق به بشارت فرستاد، قائم از فرزندان من براساس عهدی از جانب او [خدا] به من غائب خواهد شد، تا آنجا که اکثر مردم گویند: خدا هیچ نیازی به آل محمد ندارد، و دیگران در ولادت او شک کنند. پس هرکه آن زمان را یافت، دینش را نگاه دارد، و برای نفوذ شیطان به وسیله ی تردید راهی در خود قرار ندهد که او را از روش من دور و از دینم بیرون کند، زیرا او پیشتر پدر و مادران را از بهشت بیرون برد، و خداوند عزوجل شیاطین را اولیای کسانی قرار داده است که ایمان نمی آورند.»

همان ۱ / ۲۰۳ از جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند: «هنگامی که خدا این آیه را نازل کرد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید، من گفتم: یا رسول الله! خدا و رسولش را شناختیم، اولیای امر که خداوند اطاعت آنها را قرین اطاعت شما قرار داده کیانند؟

فرمودند: ای جابر! آنان جانشینان من و امامان مسلمین بعد از من هستند، نخستین آنها علی بن ابی طالب است، سپس حسن و حسین، بعد علی بن الحسین و آنگاه محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو - ای جابر! - او را درک خواهی کرد، قرار دارند،

پس چون او را دیدی سلام مرا برسان.

سپس صادق جعفر بن محمد است، آنگاه موسی بن جعفر، بعد علی بن موسی، در ادامه محمد بن علی، سپس علی بن محمد، و آنگاه حسن بن علی قرار دارند. در ادامه همنام و هم کنیه‌ی من حجت خدا در زمین و باقی گذارده‌ی او در بندگان پسر حسن بن علی خواهد بود، همو که خداوند - تعالی ذکره - بردستان او مشارق و مغارب زمین را فتح خواهد کرد. اوست که از شیعیان و اولیایش غائب می‌شود، غیبتی که در آن تنها کسی که خدا دلش را برای ایمان آزموده است، بر اعتقاد به امامت او استوار خواهد ماند.

عرضه داشتم: ای فرستاده‌ی خدا! آیا او در دوران غیبت برای شیعیانش نفعی خواهد داشت؟ فرمودند: آری، قسم به آنکه مرا به نبوت مبعوث نمود، در غیبت از نور او روشنائی می‌گیرند و از ولایتش نفع می‌برند، مانند بهره‌وری مردم از خورشید اگرچه ابرآن را پوشانده باشد.

ای جابر! این از سرّ مکنون و دانش مخزون خداست، آن را از ناشایستان کتمان کن.» همان ۲۰۷/۱ از سلیمان بن مهران اعمش از امام صادق از پدر از جدّشان امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند: «ما امامان مسلمین، حجت‌های خدا بر عالمین، آقایان مؤمنین، پیشوایان روی و دست و پا سفیدان [اعضای وضو]^۱ و سروران مؤمنین هستیم. ما امان اهل زمین هستیم، همانگونه که ستارگان امان اهل آسمانند. ما کسانی هستیم که خداوند آسمان را به وسیله‌ی ما نگاه داشته تا بر زمین نیفتد مگر به اذن او، و به ما زمین را نگاه داشته که اهلش را تکان ندهد.

تنها به ماست که باران می‌بارد، رحمت می‌گسترند و برکات زمین خارج می‌شود. اگر کسی از ما در زمین نبود، اهل خود را فرو می‌برد.

از زمانی که خدا آدم را آفرید، زمین از حجت خدا که ظاهر و مشهور باشد و یا غائب و پنهان، خالی نبوده است، و تا روز قیامت هم از حجت خالی نخواهد شد، و اگر چنین نبود خدا پرستش نمی‌شد.

۱. عبارت روایت چنین است: قادة الغر المحجلین، برای توضیح بیشتر معنای رک به مجمع البحرین ماده‌ی حجل. م

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سلیمان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم چگونه از حجت غائب پنهان بهره می برند؟ فرمودند: همانسان که از خورشید زمانی که ابر آن را بپوشاند، بهره می برند.»

غیبت امام علیه السلام به سبب ظلم اهل زمین

غیبت نعمانی / ۱۴۱ از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «یک روایت که آن را بفهمی، بهتر از نقل ده روایت است. برای هر حقیقی حقیقتی است و هر [اعتقاد] درستی نوری دارد. آنگاه فرمودند: به خدا سوگند ما کسی از شیعیانمان را فقیه به حساب نمی آوریم، مگر پس از آنکه برای او سخنی با رمز و کنایه گفته شود و او آن را بفهمد.

امیرالمؤمنین علیه السلام بر منبر کوفه فرمودند: در پشت سر شما فتنه هایی تاریک و کور خواهد بود که تنها نومه از آن نجات یابند، گفته شد: یا امیرالمؤمنین علیه السلام نومه چیست؟ فرمودند: کسی است که مردم را می شناسد، ولی مردم او را نمی شناسند.

و بدانید زمین از حجت خدای عزوجل خالی نخواهد بود، ولی خدا خلق خود را از او نابینا می کند، و این بابت ظلم و جور آنان و زیاده روی آنان بر خودشان است، و اگر زمین یک لحظه از حجت خدا خالی شود، اهلش را فرو می برد.

حجت خدا مردم را می شناسد ولی آنها او را نمی شناسند، همانگونه که یوسف مردم را می شناخت ولی آنان او را نمی شناختند، سپس این آیه را تلاوت کردند: **يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ**^۱، دریغا برای این بندگان! هیچ فرستاده ای بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند می کردند.»

یکی از علل اساسی طولانی شدن غیبت

تفسیر قمی ۳۱۶/۲ روایت می کند: «مردی به امام صادق علیه السلام گفت: آیا حضرت علی علیه السلام بدنی قوی نداشت و در فرمان خدا محکم نبود؟ حضرت فرمودند: آری، او گفت: پس چرا دشمنان را از خود دفع نکرد؟ ایشان فرمودند: حال که پرسیدی جواب را دریاب، آیه ای در

۱. سوره یس ۳۰/

کتاب خدا او را بازداشت.

آن شخص درباره‌ی آن آیه پرسید و امام علیه السلام فرمودند: **لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا**^۱ اگر [کافرو مؤمن] از هم متمایز می‌شدند، قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می‌داشتیم.

خداوند در اصلاّب گروهی کافرو منافق، ودیعت‌هایی با ایمان داشت، لذا حضرت علی علیه السلام پدران را نکشت تا ودایع خارج شوند، پس چون آنها خارج شدند، پیروز شد و آنها [دشمنان] را کشت. قائم ما اهل بیت نیز چنین است، او ظهور نمی‌کند تا آنکه ودیعت‌های خدا خارج شوند. پس چون خارج شوند، پیروز شده آنها [دشمنان] را خواهد کشت.^۲

نهمین نفر از صلب امام حسین علیه السلام غائب می‌شود

کفایة الاثر / ۱۲۰ از عمار بن یاسر روایت می‌کند: «در برخی غزوه‌ها همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم. امیرالمؤمنین علیه السلام پرچمداران را کشته و جمعیت دشمن را پراکنده بود، از جمله آنکه عمرو بن عبد الله جمحی و شیبۀ بن نافع را به هلاکت رسانده بود. من حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و عرضه داشتم: یا رسول الله! دروهای خدا بر شما باد، علی در راه خدا جهاد کرده و حق آن را به جا آورده است. ایشان در گفتاری طولانی که به فضل امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص داشت فرمودند: ای عمار! خداوند تبارک و تعالی با من عهد کرده است که از صلب حسین نه تن خواهند آمد و نهمین فرزند او از مردم غائب شود، و این فرموده‌ی خدای عزوجل است: **قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ**^۳ بگو: به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟

او غیبتی دراز مدت خواهد داشت که قومی در اثر آن [از حق] باز می‌گردند و [گروهی] دیگر باقی می‌مانند.

در آخرالزمان او خروج می‌کند و دنیا را از عدل و داد پر می‌سازد، و در راستای تأویل

۱. سوره‌ی فتح / ۲۵

۲. و نیز علل الشرائع / ۱۴۷، کمال الدین ۲ / ۶۴۱ و اثبات الهداة ۳ / ۴۸۹ و ۵۵۳

۳. سوره‌ی ملک / ۳۰

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

قرآن پیکار می‌کند، آنگونه که من برای تنزیل آن جنگیدم، او همانم و شبیه‌ترین مردم به من است.

ای عمار! پس از من فتنه‌ای به وقوع خواهد پیوست، آن هنگام از علی و حزب او پیروی کن.»

کمال الدین ۱ / ۲۸۷ از ابن عباس: «رسول خدا ﷺ فرمودند: همانا علی بن ابی طالب امام امت من و خلیفه‌ی پس از من بر آنان است، و قائم منتظر که خدا بدو زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد همانگونه که از ستم و بیداد مملو شده است، از فرزندان اوست. سوگند به آنکه مرا به حق به بشارت فرستاد کسانی که در دوران غیبت او بر اعتقاد به او استوار مانند، از کبریت احمر^۱ کمیاب‌ترند.

در این هنگام جابر بن عبد الله انصاری برخاست و عرضه داشت: ای فرستاده‌ی خدا! آیا قائم از فرزندان شما غیبتی خواهد داشت؟ فرمودند: قسم به پروردگارم آری، وَلِيْمَجِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ^۲ و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را نابود سازد.

ای جابر! این امری از امر خدا و سَرِّی از سَرِّاوست که از بندگان او پوشیده شده، پس مبادا در آن تردید کنی، چرا که شک در امر خدای عزوجل کفر است.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سخن درباره‌ی ستاره‌ی غائب

در فصل فتنه‌های متصل به ظهور روایت اصبع بن نباته گذشت: «حضور حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیدم و ایشان را دیدم که متفکرانه با چوبی بر زمین می‌زند، عرضه داشتم: یا امیرالمؤمنین! چه شده که شما را چنین می‌بینم، با حالت تفکر بر زمین می‌زنید؟ آیا به خلافت رغبت دارید؟ فرمودند: نه، به خدا سوگند که هیچ روزی نه در خلافت و نه در دنیا رغبت نداشتم، ولی در مولودی اندیشیدم که از نسل من و یازدهمین فرزندم خواهد بود. او همان مهدی

۱. برای کبریت احمر معانی مختلفی ذکر شده است: یاقوت سرخ، طلای سرخ و اکسیری که اصحاب کیمیا به دنبال آنند. م

۲. سوره‌ی آل عمران ۱۴۱

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

است که زمین را از عدل و داد می‌آکند، هم چنان که از ستم و جور پر شده است.

برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که گروه‌هایی در آن گمراه شده و گروه‌هایی دیگر رهنمون می‌شوند، گفتیم: یا امیرالمؤمنین! این حیرت و غیبت چقدر به طول می‌انجامد؟ فرمودند: مدّتی. گفتیم: آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، همانسان [و با همان قاطعیّت] که تو آفریده شده‌ای، و چگونه تو - ای اصبح! - آن را درک کنی؟ آنان بهترین‌های این امتند که با ابرار این عترت خواهند بود.

پرسیدم: پس از آن چه خواهد بود؟ ایشان فرمودند: آنگاه خداوند هرآنچه را بخواهد انجام خواهد داد، چرا که او بدهاء‌ها، اراده‌ها، غایات و نهاییاتی دارد.^۱

کمال الدین ۳۰۲/۱ از آن حضرت نقل می‌کند که برفراز منبر کوفه فرمودند: «خدایا! زمینت ناگزیر است که حجتی از تو بر خلقت داشته باشد که آنان را به دینت رهنمون کند و دانشت را به آنان بیاموزد، تا حجت تواز بین نرود و پیروان اولیایت - پس از آنکه بدو هدایتشان کردی - گمراه نگردند.

او هم یا آشکار است و اطاعت نمی‌شود، یا آنکه پنهان و منتظر است. اگر شخص او در حال هدایت مردم از آنها غائب شود،^۲ دانش و آداب او در دل‌های مؤمنان استوار است، و بدان عمل می‌کنند.»

دلائل الامامة / ۲۵۱ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام: «مردی نزد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام آمد و از به درازا انجامیدن دوران حکومت ستم‌گله کرد، ایشان بدو فرمودند: به خدا آنچه بدان امید دارید رخ نخواهد داد تا آنکه اهل باطل هلاک شوند، جاهلان از میان روند و پرهیزکاران ایمن گردند، مدتی کوتاه می‌گذرد تا آنکه [در تنگنا قرار گیرید و] برای یکی از شما به اندازه‌ی موضع قدمش جا نباشد، و نزد مردم از مرداری نزد صاحبش بی‌ارزشترباشید. شما در این حال خواهید بود که یاری خدا و فتح بیاید، و این همان فرمایش خداست: **حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا**،^۳ تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان

۱. کافی ۳۳۸/۱

۲. در کافی ۳۳۹/۱ چنین آمده: **إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُمْ فِي حَالِ هَدْنَتِهِمْ**. م

۳. سوره‌ی یوسف عَلَيْهِ السَّلَام ۱۱۰/

واقعاً دروغ گفته شده، یاری ما به آنان رسید.»

غیبت نعمانی / ۱۴۰ از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «در روزگار امیرالمؤمنین (ع) فرات فزون و لبریز شد، از این رو خود و دو پسرشان حسن و حسین (ع) آمدند و از کنار ثقیف عبور کردند، آنها گفتند: علی آمده تا [فزونی] آب را بازگرداند.

ایشان فرمودند: بدانید! به خدا قسم من و این دو پسر من به قتل خواهیم رسید، و به طور حتم خدا مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان خواهد فرستاد که خونخواهی ما کند. او برای تمییز اهل ضلالت غائب خواهد شد، تا جایی که نادان گوید: خدا هیچ نیازی به آل محمد ندارد.»

نهج البلاغه / ۱۴۵ خطبه ی ۱۰۰: «سپاس خدایی را که فضل خود را در میان خلق گسترد، و دست او به سخاوت باز است، ما او را در تمامی امورش حمد می‌گوییم و برای رعایت حقوقش از او یاری می‌جوییم. گواهی می‌دهیم به اینکه الهی جز او نیست و محمد (ص) بنده و رسول اوست. او را فرستاد تا فرمانش را اظهار نماید و سخن به یاد او گوید. ایشان هم به امانت آن را به انجام رساند و راستکار [از میان] رفت و بیرق حق را در میان ما گذارد. هر که از آن پیش افتد [از دین] خارج شود، و آنکه از آن سرپیچد نابود گردد، و هر کس بدان ملتزم باشد [به حق] ملحق شود.

راهنمای آن بیرق سخن بی‌درنگ نمی‌گوید، با شتاب نمی‌ایستند، و چون ایستاد سریع است. پس چون شما فرمانبردار او باشید و با انگشت هایتان بدو اشاره کنید [و او را بزرگ دارید]، مرگ او را در رسد و ببرد. پس از او آن مقدار که خدا بخواهد درنگ کنید تا آنکه خدا کسی را برایتان بفرستد که شما را گرد آورد و پراکندگی تان را به انضمام مبدل سازد. پس در آنکه [شایستگی دارد، ولی به جهت نبود شرائط لازم] نیامده [برای امارت] طمع نکنید [و اصرار ننمایید]، و از آنکه پشت کرده نومید نشوید، زیرا آنکه پشت کرده شاید یکی از دو پایش بلغزد [و برخی شرائط لازم حاصل نباشد]، ولی دیگری استوار ماند [و برخی شرائط حاصل باشد]، آنگاه هر دو باز گردند و استوار شوند.

بدانید! مثل خاندان محمد (ص) مثل ستارگان آسمان است، اگر ستاره‌ای فرود آید و پنهان

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شود دیگری طلوع می‌کند، پس گویا نیکی‌های خدا در میان شما کامل شده، و آنچه را امید دارید به شما نمایانده است.»

ابن میثم بحرانی در شرح نهج البلاغة ۶/۳ خطبه‌ی ۹۷۱ می‌نویسد: «این فصل دربردارنده‌ی مطالبی چند است: آگاهی دادن از امامان پسین علیهم‌السلام، تعلیم نحوه‌ی رفتار مردم با آنان، امید بخشیدن به مردم با ظهور امامانی از آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم یکی پس از دیگری، وعده‌ی تکامل احسان الهی به وسیله‌ی ظهور امام منتظر که آنان آرزومند اویند...

[وی در شرح جمله‌ی آخری نگارد:] این سخن به لطف و امتنانی که خدا با ظهور امام منتظر در حق آنان می‌کند، و به وجود ایشان احوال آنها را سامان می‌دهد، اشاره دارد.

در اثنای برخی خطبه‌های امام علیه‌السلام به مطالبی پیرامون جریاناتی که پس از ایشان رخ می‌دهد برخوردیم، مطالبی که به شرحی برای این خطبه می‌ماند، و آن این است:

ای قوم! به یقین بدانید جاهلیت شما که قائم ما با آن مواجه می‌شود، کمتر از آن جاهلیت شما که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم با آن روبرو شد نیست، زیرا آن روز تمامی امت درگیر جاهلیت بودند، مگر کسی که خدا بر او رحم کرد، پس شتاب ننمایید که هراس شتابان به سراغتان آید، و بدانید مدارا مبارک است و در درنگ بقا و راحتی است، و امام نسبت به آنچه انکار می‌کند داناتر است.

قسم به جانم او قاضیان بد را از شما بر خواهد کند، ریاکاران را بر خواهد گرفت، امیران ستمکار را کنار خواهد زد، زمین را از هر فریبکاری پاک خواهد گرداند، در میان شما به عدل رفتار خواهد نمود، و ترازوی مستقیم را در میان شما به پا خواهد داشت.

زندگان شما آرزوی بازگشت مردگانتان را خواهند نمود...

شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید ۷/۹۴ ذیل این فقره از سخنرانی امام علیه‌السلام: خدا کسی را برایتان بفرستد که شما را گرد آورد و پراکندگی‌تان را به انضمام مبدل سازد، می‌نویسد: «مقصود کسی از اهل بیت علیهم‌السلام است. این سخن اشاره به مهدی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند. اصحاب ما [معتزله] بر این باورند که او امروز موجود نیست و بعدها به وجود خواهد آمد، ولی

۱. مقصود همین خطبه‌ای است که هم اکنون گذشت و در شرح ابن میثم با این شماره آمده است.

شیعیان معتقدند او هم اکنون موجود است.»

احتجاج ۱ / ۲۵۱ روایت می‌کند: «زندیقی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: اگر اختلاف و تناقض در قرآن نبود، هرآینه به دین شما درمی‌آمدم، حضرت در فرمایشی مفصل فرمودند: بدان! زمانی براین مردم فرا خواهد رسید که حق پوشیده باشد و باطل ظاهر و مشهور، و این هنگامی است که نزدیکترین مردم به آنها دشمن‌ترین آنان نسبت به حق باشد، وعده‌ی حق نزدیک شود، الحاد بالا گیرد و فساد آشکار گردد، **هَذَا لِكَ ابْتِلَى الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزَلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا**^۱ آنجا [بود که] مؤمنان در آزمایش قرار گرفتند و سخت تکان خوردند. و کافران اسامی اشرار را بر آنان نهند، پس تلاش مؤمن در آن خواهد بود که خونس را از نزدیکترین مردم به خود حفظ کند. آنگاه است که خداوند فرج اولیایش را فرو می‌فرستد و صاحب الامر بر دشمنانش غالب می‌گردد.»

غیبت نعمانی / ۱۵۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «صاحب این امر از فرزندان من است، هموست که گفته می‌شود: مرد یا هلاک شد، نه، بلکه در کدامین وادی سیر می‌کند.»

امام حسن مجتبی علیه السلام: خداوند عمر او را در غیبت طولانی می‌گرداند. آنگاه به قدرت خود او را آشکار می‌سازد

کمال الدین ۱ / ۳۱۵ از ابوسعید عقیصا نقل می‌کند: «هنگامی که امام حسن علیه السلام با معاویه صلح کرد، مردم نزد ایشان آمدند و برخی نیز زبان به ملامت گشودند، ایشان فرمودند: افسوس بر شما، نمی‌دانید چه کردم، به خدا سوگند کار من برای شیعیانم از هر آنچه خورشید بر آن طلوع کرده یا غروب نموده بهتراست.

آیا نمی‌دانید من به تصریح رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام واجب اطاعه‌ی شما و یکی از دو آقای جوانان اهل بهشتم؟ گفتند: آری، فرمودند: آیا ندانستید که خضروقتی کشتی را سوراخ کرد، دیوار را به پا داشت، و آن پسر را کشت، این امور خشم موسی بن عمران را به همراه داشت، زیرا وجه حکمت آن برایش پوشیده بود، در حالی که نزد خداوند - تعالی ذکره - حکمت

۱. سوره‌ی احزاب / ۱۱

و صواب بود؟

آیا ندانستید که هیچ یک از ما نیست مگر آنکه بیعت طاغوت زمانش را برگردن دارد، مگر قائم که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می گزارد؟ خدای عزوجل ولادت او را مخفی و شخص او را غائب می نماید، تا وقتی که خروج می کند، بیعت هیچ کسی برگردنش نباشد. او نهمین تن از فرزندان برادرم حسین می باشد و فرزند بانوی کنیزان. خدا عمر او را در غیبتش طولانی می گرداند، سپس به قدرت خود او را در چهره جوانی کمتر از چهل سال آشکار می نماید. این برای آن است که بدانند خداوند بر همه چیز تواناست.»

امام حسین علیه السلام: میراث آنکه غائب می شود را تقسیم می کند، در حالی که زنده است!

پیشتر حادثه‌ای گذشت از جمله: کمال الدین ۱/ ۳۱۷ از امام حسین علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «قائم این امت، نهمین تن از فرزندان من است. اوست که غیبت می کند و هموست که زنده است و میراثش تقسیم می شود.»

امام زین العابدین علیه السلام: قائم ما دو غیبت دارد

کمال الدین ۱/ ۳۲۳ از امام سجاده علیه السلام روایت می کند: «این آیه درباره‌ی ما نازل شد: **وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ**،^۱ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند. و در مورد ما فرود آمده است: **وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ**،^۲ و آن را در فرزندان خود گفتاری جاودان کرد. و امامت تا روز قیامت در نسل حسین بن علی بن ابی طالب است.

قائم ما دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی تر است... زمان دیگری چنان به درازا می کشد که اکثر معتقدان این امر از آن بازگردند. پس تنها کسی که یقینش محکم و معرفتش

۱. سوره‌ی انفال / ۷۵

۲. سوره‌ی زخرف / ۲۸

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابداً

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

صحیح باشد، در درون خود ایرادی بر حکم ما نگیرد و تسلیم ما اهل بیت باشد، بر آن استوار خواهد ماند.»

امام باقر (علیه السلام): چگونه خواهید بود آن هنگام که خداوند ستاره تان را ناپدید کند؟

کافی ۱ / ۳۳۸ از معروف بن خربوذ از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند: «ما همانند ستارگان آسمان هستیم که هرگاه ستاره ای ناپدید گردد، ستاره ای آشکار شود، تا آن زمان که با انگشتان تان اشاره کنید و گردن هایتان را بالا بگیرید، خداوند ستاره تان را پنهان خواهد ساخت. آنگاه پسران عبدالمطلب یکسان شوند و هیچ یک از دیگری شناخته نشود. پس آن زمان که ستاره تان طلوع کرد، پروردگارتان را سپاس گزارید.»

کمال الدین ۱ / ۳۲۹ مشابه آن را نقل می کند و در آن آمده است: «به امام باقر (علیه السلام) گفتم: مرا از خود بیگانه کنید، فرمودند: ... چون پسران عبدالمطلب یکسان شوند و هیچ یک از دیگری شناخته نشود، خداوند عزوجل امامتان را آشکار سازد، پس حمد خدای عزوجل را به جای آورید. او میان دو امر سخت و آرام مخیر می شود، من گفتم: فدایت شوم، کدامیک را بر می گزیند؟ فرمودند: سخت را بر آرام اختیار می کند.»

همان ۱ / ۳۳۰ از جابر جعفی از ایشان نقل می کند: «زمانی برای من مردم فرا می رسد که امامشان غائب شود. پس خوشا به حال کسانی که در آن زمان بر امر ما استوار مانند. کمترین پاداش آنها آن است که خداوند جل جلاله ندایشان می کند: مردان و زنان بنده ی من! به سرّ من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق نمودید، پس به پاداش نیک شادمان باشید. شما به حق بندگان منید، تنها از شما می پذیرم، و شما را مورد عفو و غفران خویش قرار می دهم، به خاطر شما بر بندگانم باران می بارم و بلا را از آنان باز می دارم، و اگر شما نبودید عذابم را بر آنان فرو می فرستادم.»

جابر گوید: عرضه داشتم: ای پسر رسول خدا! بهترین عمل مؤمن در آن زمان چیست؟ فرمودند: نگاهداری زبان و نشستن در خانه.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

غیبت نعمانی / ۱۵۴ از ابو الجارود از ایشان نقل می‌کند: «ای ابو الجارود! چون فلک به گردش در آید و بگویند: او مرد یا هلاک شد، [اگر زنده است]، در کدام وادی سیر می‌کند، و کسی که خواهان اوست گوید: چسان او ظاهر می‌شود در حالی که استخوان‌هایش پوسیده است، در آن هنگام امید او را داشته باشید، پس چون خبر او را شنیدید، اگرچه چهار دست و پا و بر روی برف به سراغش بروید.»

همان / ۱۷۱ از ابراهیم بن عمریمانی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «صاحب این امر دو غیبت خواهد داشت.

و نیز شنیدم فرمودند: قائم قیام نمی‌کند، در حالی که بیعت احدی برگردنش باشد.»

همان / ۱۷۳ از محمد بن مسلم از آن حضرت: «قائم دو غیبت دارد، در یکی از آن دو گویند: از بین رفت، و معلوم نیست در کدامین وادی سیر می‌کند.»

همان / ۱۷۶ از زراره از ایشان: «قائم غیبتی خواهد داشت و خانواده‌اش^۱ او را انکار خواهند نمود! عرض کردم: چرا غیبت می‌کند؟ فرمودند: می‌هراسد - و به شکم خود اشاره کردند^۲ -»
همان / ۱۷۷ از ایشان روایت می‌کند: «آن پسر پیش از قیام غیبتی خواهد داشت، و اوست که به دنبال میراثش هستند.»

کفایة الاثر / ۲۴۸ روایت می‌کند: «کمیت بن ابی مستهل گوید: نزد امام باقر عجل الله تعالی فرجه رسیدم و عرضه داشتم: ای پسر پیامبر! در مورد شما چند بیتي سروده‌ام، آیا رخصت می‌دهید آن را بخوانم؟ فرمودند: در ایام البیض هستیم، عرض کردم: اشعارم فقط در مورد شماست، و رخصت دادند، من هم شروع کردم به خواندن:

أضحكى الدهر وأبكاني والدهر ذو صرف وألوان

لتسعة بالطف قد غودروا صاروا جميعاً رهن أكفان

روزگار مرا خندان و گریانده، و روزگار چهره‌ها و رنگ‌های مختلفی دارد

این به خاطرنه تنی بود که کشته و در کربلاها شدند

۱. شاید به جعفر عموی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اشاره داشته باشد. م

۲. کنایه از کشته شدن

هم امام باقروهم امام صادق (علیه السلام) گریستند و صدای گریه‌ی دختری را از پشت پرده شنیدم، به اینجا که رسیدم:

و سته لا یتجاری بهم بنوعیل خیرفتیان
ثم علی الخیر مولاکم ذکرهم هیج احزانی

و شش تن که همانندی ندارند، پسران عقیل که بهترین جوانان بودند سپس علی الخیر امامتان، یاد آنان غم‌های مرا تهییج کرد ایشان گریستند و فرمودند: هر کسی که ما را یاد کند یا در حضور او یاد شویم، و از چشمانش - گرچه - به قدر بال پشه‌ای اشک بیرون آید، خداوند خانه‌ای در بهشت برایش بنا خواهد کرد، و آن اشک را حائل میان او و آتش قرار خواهد داد. وقتی به این ابیات رسیدم:

من کان مسروراً بما مسکم أو شامتاً یوماً من الآن
فقد ذلتم بعد عزّفا أذفع ضیماً حین یغشانی

آنکه از آنچه بر سر شما آمده، مسرور و خرسند شود - چرا که شما پس از عزتندی به ذلت دچار شدید - از این رو چون ستمی بر من وارد آید، آن را دفع نخواهم کرد امام (علیه السلام) دست مرا گرفته صدا زدند: خدایا! گناهان پیشین و پسین کمیت را بیامرز. وقتی به این بیت رسیدم:

متی يقوم الحقّ فیکم متی يقوم مهدیکم الثانی

چه زمان حق در میان شما قیام می‌کند، چه زمانی دومین مهدی شما قیام می‌نماید؟ ایشان فرمودند: سریعاً، اگر خدا بخواهد، سریعاً. آنگاه افزودند: ای ابا مستهل! قائم ما نهمین تن از فرزندان حسین است، امامان بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دوازده نفر هستند، و او قائم است.

عرضه داشتم: آقای من! این دوازده تن کیانند؟ فرمود: نخستین آنان علی بن ابی طالب است، پس از ایشان حسن و حسین، بعد از حسین علی بن الحسین و من هستیم، و پس از

۱. شاید مقصود از مهدی نخست، رسول خدا یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران
ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

من این است - و دست خود را بر شانه‌ی جعفر گذاشتند -

گفتم: پس از او چه کسانی خواهند بود؟ فرمودند: پسرش موسی، پس از او هم پسرش علی، بعد از علی پسر او محمد، بعد از او پسرش علی و بعد از علی پسرش حسن - که پدر قائمی است که خروج می‌کند و دنیا را از عدل و داد می‌آکند، و سینه‌های شیعیان ما را شفا می‌بخشد - خواهند بود.

عرض کردم: ای پسر پیامبر! چه زمان خروج خواهد کرد؟ فرمودند: همین سؤال را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند و ایشان فرمودند: او مانند قیامت است که تنها ناگهانی به سراغتان می‌آید.

امام صادق علیه السلام: چرا انکار می‌کنند که خداوند عمر مهدی را طولانی گرداند؟!

غیبت نعمانی / ۱۷۲ از حازم بن حبیب نقل می‌کند: «نزد امام صادق علیه السلام رفتیم و عرضه داشتیم: خداوند شما را سامان دهد، پدر و مادرم از دنیا رفتند و حج به جا نیاوردند، و خداوند به من روزی خوبی داده است، نظر شما درباره‌ی حج به نیابت از آنها چیست؟ فرمودند: این کار را انجام ده که به آنان می‌رسد، در ادامه فرمودند: ای حازم! صاحب این امر دوبار غائب خواهد شد که در بار دوم ظهور می‌کند، پس هر که نزد تو آمد و گفت دست خود را از خاک قبر ایشان تکانده است، تصدیق نکن.»

همان / ۲۴۵ از خلاد بن صفار: «از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا قائم به دنیا آمده است؟ فرمودند: نه، و اگر او را درک کنم، ایام زندگی خود را به خدمت او خواهم گذرانم.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۵۹: «نزد امام صادق علیه السلام از شگفتی و استبعاد سنیان در مورد غیبت امام مهدی علیه السلام و طول عمر ایشان سخن به میان آمد، فرمودند: چرا انکار می‌کنند که خداوند عمر صاحب این امر را طولانی کند، همانگونه که عمر نوح علیه السلام را طولانی کرد؟! «دلائل الامامة / ۲۹۰ از زراره از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «قائم دو غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است.»

کافی ۱ / ۳۴۰ از مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند: «صاحب این امر دو غیبت خواهد داشت. در یکی از آن دو نزد اهلش باز می‌گردد، و در دیگری گفته می‌شود: هلاک شده است، [یا اگر زنده است]، در کدام وادی سیر می‌کند؟ عرض کردم: آن هنگام [اگر کسی خروج کرد و مدعی مهدویت شد] چه کنیم؟ فرمودند: اگر کسی ادعای این امر را کرد، از او درباره‌ی اموری که کسی چون قائم [می‌تواند] پاسخ دهد، سؤال کنید.»

همان از ایشان روایت می‌کند: «قائم دو غیبت دارد: یکی کوتاه و دیگری بلند. در اولی تنها شیعیان خاص او از مکانش اطلاع دارند، ولی در آن دیگری تنها خادمان خاص ایشان.» همان ۱ / ۳۳۸ از مفضل بن عمر روایت می‌کند: «در حضور امام صادق علیه السلام بودم و در خانه کسان دیگری هم بودند. من پنداشتم امام علیه السلام غیر مرا خطاب کردند، ایشان فرمودند: به خدا قسم صاحب این امر، از شما غائب و پنهان می‌شود تا آنکه گفته شود: او مرد، هلاک شد، در کدام وادی سیر می‌کند؟ شما بسان کشتی‌ها که امواج دریا آنها را واژگون می‌کنند، واژگون خواهید شد، پس تنها کسی نجات خواهد یافت که خدا از او پیمان گرفته، ایمان را در دل او نوشته و او را با روحی از جانب خود تأیید نموده باشد.

دوازده پرچم مشتبه - که از یکدیگر قابل شناخت نیستند - نیز بالا می‌رود. مفضل گوید: من گریستم، ایشان فرمودند: ای ابا عبد الله! چرا گریه می‌کنی؟ عرضه داشتم: چسان نگریم، حال آنکه شما می‌فرمایید دوازده پرچم مشتبه که از یکدیگر قابل شناسایی نیستند بالا می‌رود؟

امام علیه السلام به آفتابی که در اتاق وارد شده بود نگریستند و فرمودند: ای ابا عبد الله! این خورشید آشکار است؟ پاسخ مثبت دادم، ایشان فرمودند: امر ما از این خورشید آشکارتر است.^۱

کافی ۱ / ۳۳۵ از یمان تمار نقل می‌کند: «نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که فرمودند: صاحب این امر غیبتی خواهد داشت، کسی که در آن دوران دین خود را نگاه دارد، بسان

۱. مشابه آن غیبت نعمانی ۱۵۱/

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه‌ش

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه‌ش

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه‌ش در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

کسی است که بردرختی خاردار دست بکشد - وبا دست نشان دادند - ، کدامیک از شماست که خار قتاد^۱ را با دست بگیرد؟ آنگاه مدتی سربه زیر انداختند، بعد فرمودند: برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود، پس بنده تقوای خدا پیشه کند و دینش را نگاه دارد.^۲

کمال الدین ۲ / ۳۳۳ از صفوان بن مهران از آن حضرت روایت می‌کند: «کسی که به تمامی امامان اقرار کند ولی منکر مهدی باشد، چونان کسی است که تمامی پیامبران را بپذیرد ولی نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند.

پرسیدند: ای پسر پیامبر! مهدی از فرزندان شما کیست؟ فرمودند: پنجمین نفر از فرزندان هفتم، او از شما غائب می‌شود و بردن نامش بر شما حلال نخواهد بود.

کافی ۱ / ۳۳۸ از محمد بن مسلم از ایشان نقل می‌کند: «اگر به شما خبر غیبت صاحب این امر رسید، انکار نکنید.»

کمال الدین ۲ / ۳۴۱ از صفوان بن مهران جمال می‌آورد: «امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم مهدی شما از شما پنهان شود تا جایی که جاهل‌تان گوید: خدا هیچ نیازی به آل محمد ندارد. آنگاه بسان ستاره‌ی درخشان بیاید و زمین را همانگونه که از جور و ستم پر شده، از عدل و داد بیاکند.»

غیبت نعمانی / ۱۵۴ و ۱۵۵ از حماد جلاب: «در حضور امام صادق علیه السلام سخن از قائم آمد، ایشان فرمودند: چون او قیام کند مردم گویند: چگونه چنین چیزی ممکن است و حال آنکه استخوان‌های او از زمان کذا و کذا پوسیده است.»

همان / ۱۵۸ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «هنگامی که مردم امام را نیابند، روزگاری درنگ می‌کنند و کسی را از دیگری نمی‌شناسند، سپس خداوند عزوجل صاحب آنان را برایشان ظاهر خواهد ساخت.»

کمال الدین ۲ / ۳۵۰ از زراره از آن حضرت: «زمانی برای این مردم فرا می‌رسد که امامشان غائب می‌شود، عرضه داشتیم: مردم در آن زمان چه کنند؟ فرمودند: به همان امر [ولایت ما] که هم

۱. درختی خاردار

۲. نظیر آن غیبت نعمانی / ۱۶۹، اثبات الوصیه / ۲۲۶ و کمال الدین ۲ / ۳۴۳

اکنون برآند، متمسک بمانند، تا آنکه برایشان آشکار گردد.»

کافی ۱ / ۳۳۷ از عبید بن زراره از ایشان نقل می‌کند: «مردم امامشان را نمی‌یابند، او در موسم حضور می‌یابد و مردم را ببینند، لکن آنان ایشان را نمی‌بینند.»

همان ۱ / ۳۳۹ از ایشان: «قائم دو غیبت خواهد داشت، در یکی از آن دو در موسم‌ها حضور می‌یابد، و مردم را می‌بیند، اما آنها ایشان را نمی‌بینند.»

دلائل الامامة / ۲۶۱ از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «سالی که صاحب این امر در موسم حضور نیابد، [حج] از مردم قبول نشود.»

کافی ۱ / ۳۳۳ از آن حضرت نقل می‌کند: «نزدیکترین حالتی که بندگان به خداوند - جلّ ذکره - دارند، و بیشترین رضایت خداوند از آنان، زمانی است که حجت خدای عزوجل را نیابند و او بر آنان ظاهر نشود، و از مکان او آگاه نباشند، آنان می‌دانند حجت و میثاق خداوند - جلّ ذکره - از میان نرفته است، پس آن هنگام صبح و شام منتظر فرج باشید.

و شدیدترین غضب خدا بردشمنانش آن هنگام است که حجت را نیابند و بر آنان ظاهر نشود، و او [خداوند] می‌داند اولیایش به تردید نمی‌افتند، و اگر می‌دانست آنان دچار تردید می‌شوند، دیده برهم زدن حجت خود را پنهان نمی‌کرد، و این امر [ظهور] تنها بر سرشار مردمان [و پس از آکنده شدن زمین از فساد آنان] خواهد بود.»

غیبت نعمانی / ۱۵۹ از عبد الله بن سنان نقل می‌کند: «من و پدرم نزد امام صادق (ع) رفتیم، ایشان فرمودند: چگونه خواهید بود آن زمانی که در حالتی به سربرید که امام هدایت و پرچمی آشکار را نبینید؟ تنها کسی از آن حیرت نجات یابد، که دعای غریق را بخواند.

پدرم عرضه داشت: به خدا قسم، این بلاست، فدایت گردم، آن هنگام چه کنیم؟ فرمودند: چون آن زمان فرارسید - و تو هرگز آن را در نخواهی یافت -، به آنچه در دست دارید [ولایت ما] متمسک باشید، تا آنکه امر برایتان آشکار گردد.»

اثبات الوصية / ۲۲۶ از حارث بن مغیره از ایشان نقل می‌کند: «قائم امام و پسر امام است، و پیش از قیام او [معرفت به] حلال و حرامشان را از او می‌گیرند، عرض کردم: خداوند شما را سامان دهد، هنگامی که مردم امامشان را نیابند، از چه کسی بگیرند؟ فرمودند: وقتی آن

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

زمان فرا رسید، هرآنکه را دوست می‌داشتی دوست بدار و منتظر فرج باش، که چه زود به سراغت خواهد آمد.»

دیگراز اموری که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام رسیده، حرمت بردن نام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است.

کافی ۱ / ۳۳۳ از علی بن رئاب از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «جز کافر، کسی نام صاحب این امر را نمی‌برد.»

بیشتر فقهای ما اینگونه روایات را مربوط به غیبت صغری می‌دانند، زمانی که سلطه به دنبال ایشان بود، البته برخی آن را تا زمان ظهور تعمیم داده‌اند.

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام: نعمت باطن، امام غائب

کمال الدین ۲ / ۳۶۰ از عباس بن عامر قصبانی از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «صاحب این امر کسی است که مردم گویند: هنوز به دنیا نیامده است.»

همان ۲ / ۳۶۸ از محمد بن زیاد ازدی نقل می‌کند: «از امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی این آیه پرسیدم: وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً^۱ و نعمتهای ظاهرو باطن خود را بر شما تمام کرده است، ایشان فرمودند: نعمت ظاهر امام ظاهر است، و نعمت باطن امام غائب.

عرض کردم: آیا در میان امامان کسی خواهد بود که غیبت کند؟ فرمودند: آری، شخص اواز دیدگان مردمان غائب می‌شود، ولی یاد او از دل مؤمنان نه، و او دوازدهمی ماست...»

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام: ولادت او مخفی است، ولی نسبش نه

کافی ۱ / ۳۴۱ از ایوب بن نوح روایت می‌کند: «به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام گفتم: امیدوارم شما صاحب این امر باشید، و خدا آن را بدون شمشیر به شما بسپارد، زیرا با شما بیعت شده و درهم‌ها به نامتان زده‌اند، ایشان فرمودند: هرکسی از ما که نامه‌ها برایش آید، با انگشتان بدو اشاره کنند، در مورد مسائل از او پرسند و اموال را به سویش حمل کنند، یا ترور می‌شود و یا بر بستر می‌میرد، تا آنکه خداوند برای این امر پسری از ما را برانگیزد که ولادت و محل نشو و نمای او

۱. سوره‌ی لقمان ۲۰/

مخفی است، ولی نسبش نه.»

کمال الدین ۲/ ۳۷۲ از عبد السلام بن صالح هروی نقل می‌کند: «از دعبل بن علی خزاعی شنیدم: آن قصیده‌ام را که ابتدایش چنین است برای مولایم امام رضا علیه السلام خواندم:

مدارس آیات خلت من تلاوة و منزل وحی مقفر العرصات
خانه‌هایی که مدارس آیه‌های قرآن و فرودگاه وحی بود، ولی اکنون عرصه‌های آن خالی و ویران است.

وقتی به این ابیات رسیدم:

خروج امام لا محالة خارج يقوم على اسم الله و البركات
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ باطل و يَجْزِي على النعماء و النقمات

[آنچه بدان امید دارم] خروج امامی است که البته خارج خواهد شد، و به نام خدا و برکات او قیام می‌کند.

در میان ما هر حق و باطلی را از هم تمییز داده و به نعمت و عقوبت جزا می‌دهد.

امام علیه السلام گریه‌ی شدیدی کردند، آنگاه سر بر آورده فرمودند: ای خزاعی! روح القدس بر زبانت به این دوییت سخن گفت، آیا می‌دانی این امام کیست، و چه زمانی قیام می‌کند؟ چه زمان، خبر از وقت است و پدرم از پدرش از پدرانش علیهم السلام برایم نقل کرد که به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله! قائم از فرزندان شما چه زمانی خروج می‌کند؟ ایشان فرمودند: مثل او مثل قیامت است لا يَجْلِيهَا لَوْفَتُهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً^۱ جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند. [این حادثه] بر آسمان‌ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی‌رسد.»

همان ۲/ ۴۸۰ از فضال از ایشان روایت می‌آورد: «گویا شیعیان را به هنگام فقدان سومین فرزندم^۲ می‌نگرم که بسان گوسفندان در پی چراگاهند ولی نمی‌یابند، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! علّت چیست؟ فرمودند: زیرا امامشان غائب می‌گردد، از علّت غیبت نیز سؤال

۱. سوره‌ی اعراف / ۱۸۷

۲. مقصود امام عسکری علیه السلام است که با شهادت ایشان دوران غیبت امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشريف و حیرت شیعیان آغاز شد.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

کردم و فرمودند: تا آن هنگام که به شمشیر قیام می‌کند، بیعت با احدی در گردش نباشد.»

غیبت نعمانی / ۱۸۰ از محمد بن ابی یعقوب بلخی از آن حضرت نقل می‌کند: «شما به آنچه

شدیدتر و بزرگتر است آزموده خواهید شد،^۱ به جنین در شکم مادر و شیرخوار، تا جایی که

گفته شود: ناپدید شد و مرد، و گویند: امامی در کار نیست، و حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله

غائب شد و غائب شد و غائب شد^۲، و من خواهم مرد.»

الهدایة الکبری / ۳۶۴ از ریان بن صلت: «از امام رضا عجل الله تعالی فرجه شنیدم: قائم مهدی، پسر حسن

است، کسی پس از غیبت او را نمی‌بیند و نامش را نمی‌برد، تا آنکه [ظهور کند و] او را ببیند

و نامش را اعلان کند و تمام خلق بشنوند.

گفتیم: ای آقای ما! آیا می‌توانیم بگوییم صاحب غیبت، صاحب الزمان و مهدی؟

فرمودند: این‌ها همه جایز است، شما را از تصریح به نام او نهی نمودم تا آن نام از دشمنان

ما مخفی باشد، و نشناسند.»

کافی ۱ / ۳۳۳ از ریان نقل می‌کند: «از امام رضا عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی قائم سؤال شد و ایشان فرمودند:

او دیده نشود و نامش را نبرند.»

رجال کشی / ۴۷۵ از حسن بن قیاما صیرفی: «در سال ۱۹۳ حج گزاردم و به امام رضا عجل الله تعالی فرجه

گفتم: فدایت گردم، پدرتان چه شد؟^۳ فرمودند: بسان پدرانش از دنیا رفت.

عرض کردم: با حدیثی که یعقوب بن شعیب از ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه برایم نقل کرد:

اگر کسی نزد شما آمد و خبر داد این پسر از دنیا رفته، او را کفن کرده‌اند، به خاک سپرده‌اند

و دستانشان را از خاک قبر او تکانده‌اند، تصدیق نکنید - چه کنم؟

امام رضا عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ابوبصیر دروغ گفته است، ایشان اینگونه نفرموده‌اند، بلکه فرمودند:

۱. احتمال می‌رود پیش از این عبارت، امام رضا عجل الله تعالی فرجه سخن از امامت پسرشان امام جواد عجل الله تعالی فرجه در خردسالی به میان

آورده باشند و اینکه این امر برای بسیاری گران خواهد آمد، و بعد از آن سخن از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و گران تربودن آن بر مردم

رانده باشند. م

۲. ممکن است اشاره به غیبت‌های متعدد پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا، شعب ابی طالب عجل الله تعالی فرجه و غاری که به هنگام

هجرت بدان رفتند باشد، و اینکه اینان که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را به خاطر غیبت منکر می‌شوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را با وجود

غیبت‌های متعدد، انکار نکردند، رک به بحار الانوار ۵۱ / ۱۵۵ م

۳. وی تحت تأثیر فتنه‌ی واقفیه که می‌گفتند امام کاظم عجل الله تعالی فرجه از دنیا نرفته، قرار داشته است. م

اگر درباره‌ی صاحب الامر [چنین خبری] به شما رسید.»
نگارنده: البته این مطلب را آنها به ابو بصیر نسبت داده‌اند و گرنه او چنین نگفته است،
و تکذیب وی توسط امام رضا علیه السلام بابت آن است که پرسشگر این مطلب را از ابو بصیر می‌داند.

امام جواد علیه السلام: سومین فرزند من مهدی است که در غیبت انتظارش را می‌کشد

کمال الدین ۲ / ۳۷۷ از عبد العظیم حسنی روایت می‌کند: «بر مولایم محمد بن علی بن موسی
بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم و قصد آن
داشتم که از ایشان در مورد قائم پیروم که آیا خود ایشان است یا دیگری، امام علیه السلام خود ابتدا
به سخن کردند و فرمودند: ای ابوالقاسم! قائم از ما مهدی است که واجب است در غیبت
منتظر او بود و در ظهور از او اطاعت نمود، و او سومین تن از فرزندان من است.

قسم به آنکه محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت فرستاد و ما را مخصوص به امامت گردانید، اگر از دنیا
تنها یک روز باقی مانده باشد، خدا آن را طولانی می‌گرداند تا او در آن روز خروج کند و زمین
را از عدل و داد بیاکند، همانسان که از ستم و جور پر شده است.

خدای تبارک و تعالی امر او را در یک شب برایش سامان می‌دهد، همانگونه که امر هم
سخنش موسی علیه السلام را سامان داد، آن هنگامی که رفت تا برای خانواده اش آتشی برگیرد، ولی
بازگشت در حالی که رسول نبی بود.

آنگاه فرمودند: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.»

همان ۲ / ۳۷۸ از صقر بن ابی دلف روایت می‌کند: «از امام جواد علیه السلام پرسیدم: چرا او منتظر
نام گرفت؟ فرمودند: زیرا غیبتی دارد که روزهایش به طول می‌انجامد و دورانش امتداد
می‌یابد، مخلصان انتظار خروج وی را می‌کشند، و آنان که دچار تردیدند انکارش خواهند
کرد، منکران یاد او را به استهزاء خواهند گرفت، وقت گزاران دروغ خواهند گفت، شتاب
کنندگان هلاک می‌شوند و آنان که تسلیمند نجات می‌یابند.»

غیبت نعمانی ۱۸۶ / از عبد العظیم حسنی از ایشان نقل می‌کند: «هنگامی که پسر من علی از

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دنیا رود، چراغی جلوه کند سپس پنهان شود، پس وای بر آنکه دچار تردید شود، و خوشا به حال غریبی که با دین خود بگریزد. پس از آن رخدادهایی خواهد بود که موهای سر را سفید کند و [کوه‌های] کرو سخت را به لرزه درآورد.»

همان / ۱۸۵ از امیه بن علی قیسی: «به امام جواد عجل الله تعالی فرجه گفتم: جانشین شما کیست؟ فرمودند: پسر من علی، و دو پسر او [پسر و نوه‌ی او]، آنگاه مدتی سربه زیر انداخت، بعد سر برآورد و فرمود: حیرتی خواهد بود، عرض کردم: آن هنگام به کجا باید رفت؟ ایشان ساکت شدند، بعد فرمودند: جایی نیست - و سه بار این را فرمودند -، من دوباره سؤال را تکرار کردم، ایشان فرمودند: به مدینه، گفتم: کدام شهر؟ فرمودند: همین مدینه، آیا مدینه‌ای جز این هست؟»
اثبات الوصیه / ۱۹۳ از محمد بن عثمان کوفی: «به امام محمد تقی عجل الله تعالی فرجه گفتم: اگر رخدادی برایتان پیش آید - و از این به خدا پناه می‌برم -، به که رجوع کنیم؟ فرمودند: به پسر من همین - یعنی ابوالحسن امام هادی عجل الله تعالی فرجه -.

در ادامه فرمودند: فتره‌ای^۱ خواهد بود، عرض کردم: به کجا روم؟ فرمودند: به مدینه، گفتم: کدام؟ فرمود: اینجا مدینه الرسول صلی الله علیه و آله، آیا مدینه‌ای جز این هست؟»

امام هادی عجل الله تعالی فرجه: چگونه شما به جانشین پس از جانشین دست یابید؟!

کمال الدین ۲ / ۳۸۲ از علی بن عبد الغفار نقل می‌کند: «چون امام جواد عجل الله تعالی فرجه از دنیا رفتند، شیعیان به امام هادی عجل الله تعالی فرجه نامه نوشتند و درباره‌ی امر امامت پرسیدند، ایشان در پاسخ نگاشتند: تا زمانی که من زنده‌ام این امر به من تعلق دارد، پس چون مقدرات خدای عزیز و جلیل در رابطه با من فرود آید، خداوند جانشین از [نسل] من را برایتان می‌آورد، ولی چگونه شما به جانشین پس از جانشین دست یابید؟!»

الامامة والتبصرة / ۹۳ از علی بن مهزیار نقل می‌کند: «به امام هادی عجل الله تعالی فرجه نامه نوشتم و درباره‌ی فرج سؤال کردم، پاسخ آمد: هنگامی که صاحب‌تان از سلطه‌ی ظالمین غائب شد، منتظر فرج باشید.»^۲

۱. دورانی که امامی ظاهر نباشد، رک به مرآة العقول ۴ / ۵۴. م

۲. اثبات الوصیه / ۲۲۸، کمال الدین ۲ / ۳۸۰ و الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۷۲

کافی ۱/ ۳۴۱ از ایوب بن نوح از ایشان: «چون بیرق [هدایت] تان از میان شما برداشته شد، از زیرگام هایتان منتظر فرج باشید [و آن را نزدیک بدانید، مانند چیزی که در زیرگام هایتان باشد، که با برداشتن آنها یافت می شود].»

همان ۱/ ۳۲۸ و ۳۳۲ از داود بن قاسم از ایشان نقل می کند: «جانشین پس از من حسن است، ولی چگونه به جانشین بعد از جانشین دست یابید؟! عرض کردم: خدا مرا فدایت گرداند، چرا؟ فرمودند: شما او را نمی بینید و یاد کردن او به نام بر شما حلال نخواهد بود، گفتیم: پس چگونه ایشان را یاد کنیم؟ فرمودند: بگویید: حجت از آل محمد (علیهم السلام)».

امام حسن عسکری (علیه السلام): او غیبتی دارد که نادانان در آن سرگردان می شوند

کمال الدین ۲/ ۴۰۹ از ابوعلی بن همام نقل می کند: «از محمد بن عثمان عَمری^۱ شنیدم که گفت: از پدرم^۲ شنیدم: نزد امام حسن عسکری (علیه السلام) بودم که از ایشان درباره ی روایتی که از پدرانش نقل شده سؤال شد: زمین تا روز قیامت از حجت خدا بر خلق خالی نخواهد شد، و هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است؟ ایشان فرمودند: این سخن حق است، همانسان که روز حق است.

پرسید: ای پسر رسول خدا! امام و حجت پس از شما کیست؟ فرمودند: پسر من محمد امام و حجت بعد از من است، هر آنکه بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. بدان! او غیبتی دارد که جاهلان در آن سرگردان، و اهل باطل هلاک می شوند، و وقت گزاران دروغ می گویند، سپس خارج می شود و گویا بیرق های سفید را می بینم که بر فراز سر او در نجف کوفه تکان می خورد.»

روایتی از خاخام بزرگ، وهب بن منبه درباره ی غیبت

عجیب است که برخی روایات مربوط به ائمه ی دوازده گانه (علیهم السلام) از کعب الاحبار و وهب بن

۱. سفیر دوم امام عصر (علیه السلام)

۲. عثمان بن سعید سفیر نخست

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

منبه رسیده است، و این علی رغم آن است که این دو در ضدیت با اهل بیت علیهم السلام با دستگاه حاکم همسو بوده‌اند. توجیه این مطلب آن است که اینان از کتب یهود مثل تورات و تلمود نقل می‌کردند، و در تورات بشارت الهی به ابراهیم را خوانده بودند، بشارت به اینکه دوازده امام از نسل اسماعیل علیه السلام خواهند آمد.

ابن کثیر در البدایة و النهایة ۶ / ۲۸۰ می‌نویسد: «در توراتی که نزد اهل کتاب است عبارتی با این معنا وجود دارد: خداوند متعال ابراهیم را بشارت داد که اسماعیل از او به هم رسد، او را رشد دهد و نسل بسیاری از او به وجود آورد، و در میان نسل او دوازده بزرگ قرار دهد.»

تورات کنونی عهد قدیم و جدید ۱ / ۲۵ چاپ مجمع‌الکنائس الشرفیة، سفر تکوین، اصحاب هفدهم: «۱۸ / ابراهیم به خدا گفت: کاش اسماعیل در حضور تو زندگی کند. ۱۹ / خدا گفت: ساره همسرتو برایت پسری به دنیا می‌آورد که اسحاق نام دارد. من پیمان ابدی خود را با او برای نسل پس از او به پا خواهم داشت. ۲۰ / اما در مورد اسماعیل، او را مبارک قرار می‌دهم، به ثمر می‌نشانم، و نسلش را فراوان قرار خواهم داد، دوازده رئیس از او به دنیا خواهند آمد، و او را امتی بزرگ خواهم گرداند. ۲۱ / لکن عهد خود را با اسحاق که ساره در سال بعد و همین وقت به دنیا می‌آورد، برپا خواهم داشت.»

کعب، آن را قیّم ترجمه می‌کند، و حال آنکه امام صحیح است. بعید نیست که کعب الاحبار و وهب نیز هرازگاهی به بیان حق پردازند، مانند این حدیث: مقتضب الاثر / ۱ / ۴ از وهب بن منبه نقل می‌کند: «موسی در شب خطاب الهی به هر درختی که در طور بود، و هر سنگ و گیاهی نگاه کرد، دید به ذکر محمد صلی الله علیه و آله و دوازده وصی پس از او سخن می‌گویند، عرضه داشت: خدای من! هر چه می‌نگرم سخن به یاد محمد صلی الله علیه و آله و جانشینان او می‌گوید، ایشان چه مکانتی نزد تو دارند؟ فرمود: ای پسر عمران! من پیش از انوار، آنها را آفریدم، و در خزانه‌ی قدس خود قرار دادم، آنان در خرّمگاه مشیّت من سیر، و روح جبروت مرا استشمام می‌کنند، و نواحی ملکوت مرا مشاهده می‌نمایند، تا آن هنگام که اراده کنم، قضا و قدر خود را به اجرا گذارم. ای پور عمران! من آنان را بر سبقت گیران سبقت دادم تا بهشت‌هایم را بدیشان زینت بخشم.

ای پسر عمران! هماره به یاد آنان باش که خازنان دانش، صندوق حکمت و معدن نور منند.

حسین بن علوان گوید: این مطلب را برای امام صادق علیه السلام گفتم، ایشان فرمودند: حق است، آنان دوازده تن از خاندان محمد صلی الله علیه و آله هستند: علی، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی و هر که خدا بخواهد.

عرضه داشتم: فدایت گردم، تنها از این بابت سؤال می‌کنم که حق را برایم بیان فرمایید [پس امامان بعدی را نیز بیان دارید]، فرمودند: من، همین پسرم - و به موسی علیه السلام اشاره کردند - و پنجمین تن از فرزندان او غیبت می‌کند و جایز نیست با نام یاد شود.»

وقت گزاران دروغگو

وقت گزاران دروغگو و شتاب زدگان نادان

امامان علیهم السلام، و مهار شتاب زدگان

محاضیر (شتاب زدگان)، عنوانی است که اهل بیت علیهم السلام ابتکار کرده و آن را در مورد شیعیان شتاب زده - یعنی کسانی که در اثر ستمدیدی و نیز جنگ دوستی، خواهان پیوستن به هر نهضت و دعوتگری بودند - به کار گرفتند. و محضار نام اسبی است که بسیار می دود، نه اسب سریع.

حضرات معصومین علیهم السلام آنها را آرام می کردند و توضیح می دادند که جریان امام مهدی رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى برنامه ای است الهی و دراز مدت، لذا می باید صبر پیشه کنند و شتاب نورزند.

توضیح می دادند که حرکت آنان به سمت پرچم ها و نهضت هایی که از ناحیه ی امام علیهم السلام امضا نشده اشتباه است، و آنها را از نتایج شتاب و کوتاهی شان بر حذر می داشتند، و اطمینان می دادند دشمنان هرچقدر هم بتوانند آنان را تحت ظلم و فشار قرار دهند، لکن توان استیصال و ریشه کن کردن آنها را نخواهند داشت، زیرا خداوند بقای آنان را ضمانت کرده است.

غیبت نعمانی / ۲۰۳ از ابو مرهف از امام صادق علیهم السلام نقل می کند: «محاضیر هلاک شدند، گفتم: محاضیر کیانند؟ فرمود: شتاب زدگان. آنان که به قرب آن امید دارند نجات یافتند، و دژ بر روی پایه هایش استوار ماند [حکومت مخالفان تا آن زمان که خدا بخواهد استوار ماند]. پس فرش خانه هایتان باشید، زیرا غبار به کسی باز می گردد که آن را بلند کرده است. آنان هرگاه قصد شما را داشته باشند، خداوند به امری مشغولشان خواهد ساخت.»

تاریخ الکوفه / ۱۵۱ نقل می کند: «امیر المؤمنین علیهم السلام خطاب به کوفه فرمودند: ای کوفه! وای بر تو و خوارت بصره، گویا شما را می بینم که بسان پوست کشیده و مانند سایش بازار عکاظ ساییده می شوید. جز آنکه من به آنچه خدای عزوجل به من آموخته می دانم هیچ جباری به سوء قصد شما نکند، مگر آنکه خداوند او را به امری مشغول دارد.»^۱

رجال کشی / ۴۵۹ از علی بن جعفر علیهم السلام روایت می کند: «مردی نزد برادر من آمد و گفت: فدایت شوم، صاحب این امر کیست؟ فرمودند: اینان پس از مرگ من به فتنه دچار می شوند و می گویند: او [امام کاظم علیهم السلام] قائم است، در حالی که قائم سال ها پس از من خواهد بود.» غیبت نعمانی / ۱۹۸ از صالح بن میثم و یحیی بن سابق از امام باقر علیهم السلام نقل می کند: «اصحاب

۱. البلدان ابن فقیه ۲۰۰، ربیع الابرار / ۹۴، شرح احقاق الحق ۸ / ۱۷۳ از البلدان یعقوبی / ۱۶۴

محاضرین هلاک شدند، آنان که به قرب آن امید دارند نجات یافتند و دژ بر روی پایه هایش استوار ماند. همانا پس از اندوه، فتحی شگفت خواهد بود.»

در فصل سفیانی نیز گذشت که کافی ۸/ ۲۶۴ از عیص بن قاسم از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «تقوای خداوند - که یگانه است و هیچ شریکی ندارد - را پیشه کنید و بر خود مراقب باشید، زیرا به خدا سوگند [ممکن است] مردی باشد که گله‌ای گوسفند دارد و بر آن چوپانی گمارده باشد، حال اگر او مردی را یافت که از این چوپان به گوسفندانش آگاه‌تر باشد، این را اخراج می‌کند و آن مرد داناتر را می‌آورد. به خدا قسم اگر شما دو جان داشتید که با یکی می‌جنگیدید و تجربه حاصل می‌کردید، و دومی باقی می‌ماند و آن گونه که برایتان [راه صحیح] روشن می‌شد رفتار [و زندگی] می‌کردید [خوب بود]، ولی یک جان بیشتر نیست که اگر از دست رود، به خدا دیگر توان توبه نیز از دست رفته است، پس شما شایسته‌ترید که برای خود بگزینید.

اگر کسی از ما به سراغتان آمد، بنگرید برای چه خروج می‌کنید؟ نگوئید زید خروج کرد، زید دانا و صدوق بود و شما را به خود نمی‌خواند، بلکه تنها به رضا از آل محمد عجل الله تعالی فرجه دعوت کرد، و اگر پیروز می‌شد، به آنچه شما را بدان دعوت کرده بود وفا می‌کرد. او به سوی حکومتی مجتمع خارج شد تا آن را در هم شکند، ولی آن کس از ما که امروز خروج کند شما را به چه چیزی دعوت می‌کند؟ به رضا از آل محمد عجل الله تعالی فرجه؟ ما شما را شاهد می‌گیریم که بدان راضی نیستیم. او امروز - که هیچ کسی همراهش نیست - از ما نافرمانی می‌کند، و آن زمان که پرچم‌ها و بیرق‌ها در میان باشد، سزاوارتر است که از ما نشنود [و نافرمانی کند]، مگر آن کسی که بنی فاطمه با او همراهی کنند. به خدا قسم صاحب شما تنها آن کس است که آنان برگرد او جمع شوند.»^۱

همان ۸/ ۲۹۵ از ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «هر بزرگی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، صاحبش طاغوت است و به جای خدا عبادت می‌شود.»

غیبت نعمانی ۱۹۴/ و پاره‌ای ۱۹۵/ از ابوالجارود روایت می‌آورد: «خدمت امام باقر عجل الله تعالی فرجه عرضه

۱. و نیز رک به: علل الشرائع / ۵۷۷

داشتیم: مرا سفارش کنید، فرمودند: تو را به تقوای خدا و خانه نشینی سفارش می‌کنم و اینکه در اجتماع این مردم دست نگاه داری، از کسانی که از ما هستند و خروج می‌کنند اجتناب کن که آنان نه بر حق هستند و نه به سوی حق ره می‌سپزند.

بدان! بنی‌امیه حکومتی دارند که مردم توان بازداشتن آنها را نخواهند داشت. و پیروان حق را دولتی خواهد بود که چون بیاید، خداوند هریک از ما اهل بیت را بخواهد عهده‌دار آن گرداند. پس هرکسی از شما آن دولت را درک کرد، نزد ما در بلندترین درجه خواهد بود، ولی اگر خدا پیش از آن او را بمیراند، برای او خیرخواهی کرده است.

بدان! هرگروهی که برای دفع ظلم و عزّت بخشیدن به دین قیام کند، مرگ و بلا آنان را به زمین خواهد افکند، تا آنکه گروهی قیام کنند که در بدر در کنار رسول خدا ﷺ حضور داشتند، و کشته‌شان دفن نمی‌گردد، زمین خورده‌شان را بلند نکنند و مجروح‌شان مداوا نشود.^۱ عرض کردم: آنها کیانند؟ فرمودند: فرشتگان.

کافی ۲/ ۲۳ از اسماعیل جعفی نقل می‌کند: «مردی نزد امام باقر ﷺ آمد و نامه‌ای با خود به همراه داشت، حضرت بدو فرمودند: این نامه‌ی کسی است که به پرسش [از حق] آمده است، و از اعتقادی که عمل با آن پذیرفته می‌شود سؤال دارد، آن مرد گفت: خدا شما را رحمت کند، مقصودم همین است.

امام ﷺ فرمودند: گواهی به لا اله الا الله وحده لا شریک له، و اینکه محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست، اقرار به هر آنچه ایشان از نزد خدا آورده است، ولایت ما اهل بیت، بیزاری جستن از دشمن ما، تسلیم بودن در برابر فرمان ما، ورع، تواضع و انتظار قائم ما، چرا که ما دولتی داریم که چون خدا خواهد، آن را آورد.»

البرهان متقی هندی / ۱۷۴ از مسند محاملی از امام باقر ﷺ نقل می‌کند: «می‌پندارند من مهدی هستم، و حال آنکه من به مرگ نزدیکترم تا آنچه برایم ادّعا می‌کنند.»

غیبت نعمانی / ۸۷ از داود بن کثیر رقی نقل می‌کند: «حضور امام صادق ﷺ در مدینه

۱. یا بدان معناست که فرشتگان کشته نمی‌شوند تا آنکه دفن شوند و...، یا آنکه کسانی که فرشتگان به قتل می‌رسانند، یا زخمی می‌کنند، کسی توان دفن آنها و... را نخواهد داشت. م

رسیدم، ایشان فرمودند: ای داود! چه چیزی تو را از [آمدن نزد] ما تأخیر انداخت؟ عرضه داشتم: در کوفه کاری پیش آمد، فرمودند: آنجا چه می‌گذشت؟ عرض کردم: فدایت گردم، عمویان زید با شمشیری حمایل سوار بر اسب با صدایی بلند می‌گفت: از من سؤال کنید، از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا از دست دهید، زیرا در میان، دانشی انبوه دارم، ناسخ را از منسوخ، مثنای و قرآن عظیم را می‌شناسم، و نشانه [و واسطه‌ی] میان خدا و شما هستم. امام علیه السلام فرمودند: ای داود! راه‌ها تو را برده‌اند، آنگاه ندا کردند: ای سماعة بن مهران! سبد رطب را بیاور، او هم آورد، ایشان رطبی برداشته تناول کردند، هسته‌ی آن را از دهان بیرون آورده در زمین کاشتند، آن هم باز شد، سربرآورد، روید و محصول داد. ایشان با دست بر خرمایی از شاخه‌ای زدند، آن را دونیم کردند و صفحه‌ای سفید از آن خارج کرده [مُهر] آن را شکستند، به من دادند و فرمودند: بخوان، من هم آن را خواندم، دو سطر بود: سطر نخست: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، محمد رسول الله، و سطر دوم: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ^۱ در حقیقت شماره‌ی ماه‌ها نزد خدا، از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، در کتاب خدا، دوازده ماه است، از این [دوازده ماه]، چهار ماه، [ماه] حرام است، این است آیین استوار، [این دوازده تن]، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و خلف حجت [هستند].

در ادامه فرمودند: ای داود! آیا می‌دانی چه زمانی این مطلب درون این نوشته شده است؟ گفتم: خدا، رسولش و شما داناترید، فرمودند: دو هزار سال پیش از آنکه خداوند آدم را بیافریند.»

امامان معصوم علیهم السلام با شتاب شتاب زدگان مقابله کرده‌اند و وقت گزاران را نیز تکذیب نموده‌اند، همانان که به گزاف و گمان و یا به قصد گمراهی مردم بدین امر همت می‌گمارند.

کافی ۱/ ۳۶۸ از فضیل بن یسار روایت می‌کند: «به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا برای این امر

۱. سوره‌ی توبه / ۳۶

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

[ظهور] وقتی مشخص است؟ فرمودند: وقت گزاران دروغ گویند، وقت گزاران دروغ گویند، وقت گزاران دروغ گویند.

موسی علیه السلام به نزد پروردگارش رفت و با مردم سی روز وعده کرد، پس چون خداوند ده روز بر آن افزود، قوم او گفتند: موسی با ما خلف وعده کرده است، و آن کار را انجام دادند. پس هنگامی که ما با شما سخن می‌گوییم و همانگونه واقع می‌شود، بگویید: خدا راست گفت، و اگر سخنی گفتیم ولی [تصور کردید] خلاف آن واقع شد، بگویید: خدا راست گفت، تا دو پاداش دریافت کنید.»

الامامة والتبصرة / ۹۴ از ابو عبیده‌ی حذاء روایت می‌کند: «از امام باقر علیه السلام درباره‌ی این امر [ظهور] سؤال کردم که چه وقت خواهد بود؟ ایشان فرمودند: اگر شما امید دارید از جانبی سراغتان بیاید، ولی از جانبی [دیگر] آمد، آن را انکار نکنید.»

غیبت نعمانی / ۲۸۹ از محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام: «ای محمد! هرکسی به تو خبر رساند که ما وقت گزارده‌ایم، نه‌راس و او را تکذیب کن، زیرا ما برای هیچ کس زمانی معین نمی‌کنیم.»

غیبت شیخ طوسی / ۲۶۲: «هرکس از مردم برای وقت تعیین نمود، نترس و او را تکذیب نما...»

در روایتی دیگر: ما در گذشته وقتی تعیین نکردیم، در آینده نیز تعیین نخواهیم کرد.» کافی ۱ / ۳۶۸ از ابوبصیر: «از امام صادق علیه السلام در مورد قائم علیه السلام پرسیدم، ایشان فرمودند: وقت گزاران دروغ گفتند، ما اهل بیت، وقت تعیین نمی‌کنیم.

حدیثی دیگر: خداوند ابا کرده مگر آنکه با وقت گزاران مخالفت کند.» همان از عبدالرحمن بن کثیر: «در حضور امام صادق علیه السلام بودم که مهزم وارد شد و گفت: فدایت شوم، این امری که انتظارش را می‌کشیم، چه زمانی به وقوع خواهد پیوست؟ فرمودند: ای مهزم! وقت گزاران دروغ گفتند، شتاب زدگان هلاک شدند، و آنان که تسلیمند نجات یافتند.»

همان از ابو حمزه‌ی ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «ای ثابت! خداوند تبارک و تعالی

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

زمان این امر را در [سال] هفتادم قرار داده بود، پس چون امام حسین عجل الله تعالی فرجه به شهادت رسید، غضب خدای متعال بر اهل زمین شدت گرفت و تا صد و چهل آن را به تأخیر انداخت. پس ما با شما سخن گفتیم و شما آن را منتشر کردید و پرده را کنار زدید، و خدا دیگر وقتی [برای خبر دادن به شما]^۱ درباره‌ی آن نزد ما قرار نداد، خداوند هر آنچه را بخواهد محومی کند و یا ثابت قرار می دهد و ام الکتاب نزد اوست.

من این حدیث را بر امام صادق عجل الله تعالی فرجه عرضه کردم و ایشان تصدیق نمودند.

غیبت شیخ طوسی / ۲۶۳ و تفسیر عیاشی ۲ / ۲۱۸ از همونقل می کنند: «به امام باقر عجل الله تعالی فرجه گفت: امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه می فرمودند: تا سال هفتاد بلا خواهد بود، و بعد از بلا آسایش. حال هفتاد گذشته ولی آسایشی ندیدیم، و ایشان همان مضمون حدیث قبل را فرمودند.»
اثبات الوصیة / ۱۳۱ می نویسد: «از عالم عجل الله تعالی فرجه روایت شده: معنای این سخن که تا سال هفتاد بلا خواهد بود، این است که خداوند عزوجل زمان فرج را در سال هفتاد قرار داده بود، پس چون امام حسین عجل الله تعالی فرجه به شهادت رسید، بر اهل آن زمان غضب کرد و تا زمانی تأخیر انداخت.»

تحف العقول / ۳۱۰ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می کند: «ای پسر نعمان! عالم [امام] نمی تواند هر آنچه را می داند به تو بگوید، زیرا آن سرّ خداست که خدا آن را با جبرئیل عجل الله تعالی فرجه گفت، جبرئیل عجل الله تعالی فرجه به محمد صلی الله علیه و آله، محمد صلی الله علیه و آله با علی عجل الله تعالی فرجه، علی عجل الله تعالی فرجه با حسن عجل الله تعالی فرجه، حسن عجل الله تعالی فرجه با حسین عجل الله تعالی فرجه، حسین عجل الله تعالی فرجه با علی عجل الله تعالی فرجه، علی عجل الله تعالی فرجه با محمد عجل الله تعالی فرجه و محمد عجل الله تعالی فرجه با کسی که با او در میان نهاد. پس شتاب نکنید، به خدا سوگند این امر سه بار نزدیک شده است، لکن شما آن را افشا کردید، لذا خدا تأخیر انداخت.

به خدا قسم شما رازی ندارید، مگر آنکه دشمنان از شما بدان آگاهتر است.»

کافی ۸ / ۳۶۲ از زراره روایت می کند: «حمران به امام باقر عجل الله تعالی فرجه گفت: خدا مرا فدایتان گرداند، کاش برایمان بفرمایید این امر چه زمانی خواهد بود تا بدان مسرور شویم! ایشان فرمودند:

۱. ظهور حق و غلبه‌ی آن بر باطل به دست یکی از امامان عجل الله تعالی فرجه، رک به مرآة العقول ۴ / ۱۷۰ م

۲. رک به مرآة العقول ۴ / ۱۷۲ م

ای حمران! تو برادران و دوستانی داری.^۱

در گذشته مردی از عالمان بود و پسری داشت که رغبتی به دانش پدر نداشت و دربارهی هیچ چیزی از او نمی پرسید. آن مرد همسایه ای داشت که نزد او می آمد، می پرسید و فرا می گرفت.

مرگ او فرا رسید، پسرش را فراخواند و گفت: پسر! تواز آن [دانشی] که نزد من است روی گردان و کم رغبت بودی، و در مورد هیچ چیز سؤال نمی کردی، ولی من همسایه ای دارم که نزد من می آمد، می پرسید، فرا می گرفت و به خاطر می سپرد، پس اگر به چیزی نیاز پیدا کردی نزد او برو- و همسایه را به او معرفی نمود -.

آن مرد از دنیا رفت و پسرش باقی ماند. پادشاه آن زمان رؤیایی دید و سراغ آن مرد را گرفت، خبر فوت او را دادند، گفت: آیا فرزندی از خود به جای گذاشته است؟ گفتند: آری، پسری به جای گذاشته است، گفت: او را نزد من بیاورید، و برایش پیغام دادند حضور شاه برسد. پسر [با خود] گفت: به خدا نمی دانم چرا پادشاه مرا فراخوانده است، و دانشی هم ندارم، و اگر دربارهی چیزی از من سؤال کند رسوا می شوم، او سفارش پدر را به یاد آورد و به سراغ آن مردی که از پدرش دانش برمی گرفت آمد و گفت: پادشاه سراغ من فرستاده و نمی دانم علت آن چیست، و پدرم فرمان داده بود اگر به چیزی نیاز داشتم نزد شما بیایم.

آن مرد گفت: اما من می دانم برای چه سراغ تو فرستاده است، پس اگر تورا آگاه ساختم هر آنچه خداوند نصیبت کرد، بین من و تو قسمت شود. آن پسر هم پاسخ مثبت داد. مرد او را قسم داد و تأکید گرفت که وفا کند.

او گفت: پادشاه می خواهد از تو دربارهی رؤیایی پرسد که چه زمانی است؟ بگو: این زمان گرگ است. پسر هم نزد شاه آمد، او گفت: آیا می دانی چرا به سراغ تو فرستادم؟ پسر گفت: فرستادی تا در مورد رؤیایی که دیده ای سؤال کنی که چه زمانی است؟ پادشاه گفت: درست گفتی، حال بگو چه زمانی است؟ پسر گفت: زمان گرگ، و شاه فرمان داد جایزه ای به او بدهند. او هم آن را گرفت و به خانه آمد، و ابا کرد با آن مرد وفا کند. او [با خود] گفت:

۱. توضیح این جمله پس از روایت خواهد آمد.

شاید من این مال را تمام و مصرف نکنم تا از دنیا روم، و ممکن است نیازمند نشوم و [دیگر] درباره‌ی چیزی ـ مانند اینکه از من پرسیدند ـ از من سؤال نکنند. و آن مقدار که خدا بخواهد درنگ کرد.

بعد پادشاه رؤیایی [دیگر] دید و او را فراخواند، او هم از کار خود [با آن مرد] پشیمان شد و گفت: به خدا قسم دانشی که نزد شاه برم ندارم، و نمی‌دانم با رفیقم چه کنم، من پیمان شکنی و بی‌وفایی کردم، آنگاه گفت: در هر حال نزد او رفته عذرخواهی می‌کنم و برایش سوگند یاد می‌کنم، شاید به من خبر دهد.

لذا نزد او آمد و گفت: من چنان کردم و به آنچه میان خود و تو بود وفا ننمودم و آنچه در دست داشتم پراکنده شد [و از بین رفت]، و به تو احتیاج دارم، تو را به خدا قسم می‌دهم مرا وانگذاری، به تو اطمینان می‌دهم چیزی به دستم نیاید مگر آنکه میان ما باشد. پادشاه فرستاده و نمی‌دانم در مورد چه مطلبی قصد پرسش دارد. آن مرد گفت: می‌خواهد درباره‌ی رؤیایی که مشاهده نموده از تو سؤال کند که چه زمانی است؟ تو هم بگو: زمان گوسفند است. او هم نزد شاه آمد، او گفت: چرا به سراغت فرستادم؟ پاسخ داد: برای آنکه رؤیایی دیده‌ای و می‌خواهی در مورد زمان آن از من سؤال کنی، شاه گفت: درست گفתי، حال بگو چه زمان است؟ وی گفت: زمان گوسفند، و او فرمان داد صله‌ای به او بدهند. پسر آن را گرفت و به خانه برگشت. پیرامون اینکه آیا با او وفا کند یا نه اندیشه کرد، یک بار بر آن شد تا انجام دهد و بار دیگر منصرف گشت، سپس گفت: شاید دیگر تا ابد نیازی به او پیدا نکنم و مصمم شد تا پیمان شکنی و بی‌وفایی کند، و آن مقدار که خداوند بخواهد درنگ کرد.

پادشاه [دیگر بار] رؤیایی دید و سراغ او فرستاد، او هم از کرده‌ی خویش پشیمان شد و گفت: پس از دو بار پیمان شکنی چون کنم؟ دانشی [هم] ندارم، ولی تصمیم گرفت نزد او بیاید. آمد و او را به خدای تبارک و تعالی سوگند داد تا به او بیاموزد، و گفت که این بار وفاداری می‌کند و اطمینان داد، گفت: در این حال مرا وانگذار که دیگر پیمان شکنی و بی‌وفایی نخواهم کرد. آن مرد از او تأکید گرفت و گفت: تو را فراخوانده تا از رؤیایی پرسش کند، پس چون سؤال کرد بگو: زمان میزان است.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

چنین شد و شاه فرمان صله داد. او هم گرفت و نزد مرد آمد، در مقابل او قرار داد و گفت: هرآنچه به دست آوردم را آورده‌ام، سهم مرا بده، مرد عالم گفت: زمان نخست زمان گرگ بود و تواز گرگان بودی، زمان دوم زمان گوسفند بود که می‌خواهد [انجام دهد] ولی انجام نمی‌دهد، تو هم چنین بودی می‌خواستی ولی وفا نکردی، و هم اینک زمان میزان است و تو وفادار بودی، پس مالت را بگیر که من هیچ نیازی بدان ندارم و آن را بدو باز گرداند.»

علامه‌ی مجلسی رحمه الله در بحار الانوار ۱۴ / ۴۹۷ می‌نگارند: «تو دوستان و برادرانی داری: شاید مقصود از بیان این حکایت، توضیح آن باشد که این زمان زمان وفای به عهد نیست، و اگر زمان ظهور را به تو بگویم، تو آن را به آنها می‌گویی و خبر میان مردم منتشر می‌شود و منجر به فساد خواهد شد، پیمان بر کتمان نیز سودی نبخشد.»

نگارنده: مقصود آن است که امام باقر علیه السلام زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را می‌دانند، ولی بیم انتشار خبر آن را دارند، همانسان که علامه‌ی مجلسی رحمه الله فرموده است، لذا امامان علیهم السلام از وقت ظهور آگاهند. مؤید این مطلب هم آن است که ایشان خبر داده‌اند در فلان سال رخ می‌دهد، ولی به جهت انتشار این خبر، تأخیر افتاده است.

در این مجال بحث دیگری واقع می‌شود: آیا در علم خدا وقت ظهور مشخص است و تغییر نمی‌کند، و یا آنکه به تبع حال مردم یا دعای آنان تغییر می‌یابد؟ و آیا دعای ما در سرعت بخشیدن به ظهور تأثیری دارد یا تنها فایده‌ی این دعا به خود ما بر می‌گردد همانسان که در توقیع آمده و پیشتر گذشت: «و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که آن فرج شماست.»

بحثی دیگر در اینجا مطرح می‌شود: وقت گزاری به چه معناست؟ تأخیر آن به جهت کردار مردم یعنی چه؟ مشیت و قضا و قدر الهی چیست؟ و اظهار امری که بعدها در آن بداء واقع خواهد شد، چه حکمتی دارد؟

دیگر آنکه نهی امامان معصوم علیهم السلام از خروج بر حاکم ظالم به چه معناست؟ و اینکه آیا قیام و خروج نیازمند رهبری یا اذن معصومین علیهم السلام است، هم چنان که اکثر فقهاء بر آنند، یا آنکه اختصاص به آن زمان دارد، و کسی که قدرت دارد باید قیام کند؟ این‌ها مباحثی مفید است، لکن در این کتاب مجال آن نیست.

فصل سی و سوم

ولادت امام عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف

پیش زمینه های حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيف

ابتکاری نبوی برای تعیین مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان رصین و گفتارهای جامع ایشان است، از جمله ی آنها تعیین امام مهدی علیه السلام است به اینکه او از نسل امام حسین علیه السلام و پسر برگزیده ی کنیزان می باشد. و این معرفی بر ادعای مدعیان خط بطلان می کشد.

دیگر آنکه فرمودند: مهدی از عترت من است. از نسل فاطمه است. خدا تنها با ما آغازیده و تنها با ما به پایان خواهد رساند. اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خدا آن را طولانی می کند. او زمین را از عدل و داد آکنده خواهد ساخت. ثروت را مشت مشت دهد نه به شمارش. ما هفت تن از فرزندان عبد المطلب آقایان اهل بهشتیم: من، برادر علی، عمویم حمزه، پسر عمویم جعفر، حسن، حسین و مهدی. مهدی پنجمین بعد از هفتمین نفر از فرزندان من است. او نهمین کس از صلب حسین است، پدرم فدای پسر برگزیده ی کنیزان، و این سخن خبر از غیبت امام علیه السلام است، چرا که دوران برده داری مدت هاست پایان یافته.

و این اوصاف تنها بر حضرت مهدی پسر امام حسن عسکری علیه السلام انطباق دارد، او نهمین تن از صلب امام حسین علیه السلام است و مادرش کنیزی رومی بوده.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

مخالفین در تأویل این حدیث خود را به زحمت انداخته اند. آنان می پندارند مهدی علیه السلام به دنیا خواهد آمد و مادرش کنیزی خواهد بود. البته همانگونه که می دانیم دوران کنیزان پایان یافته است! چگونه می گویند او بعدها به دنیا خواهد آمد و حال آنکه نهمین شخص از نسل امام حسین علیه السلام است، و اکنون بیش از چهل نسل از امام حسین علیه السلام می گذرد، زیرا میانگین هر شخصی سی سال است و امام حسین علیه السلام در سال شصت و یک هجری به شهادت رسید!

ظاهراً این عبارت رسول خدا صلی الله علیه و آله: پدرم فدای پسر برگزیده ی کنیزان، میان مردم معروف بوده است، تا جایی که برخی مدعی انطباق آن برزید شهید علیه السلام شده اند، غیبت نعمانی / ۲۲۹ از ابو الصباح روایت می کند: «حضور امام صادق علیه السلام رفتم، ایشان فرمودند: پشت سر چه [خبر] داری؟ عرضه داشتم: شری را پشت سر گذارده ام،^۱ عمویان زید می پندارد پسرزن اسیر، قائم این امت و پسر برگزیده ی کنیزان است، ایشان فرمودند: دروغ گفته است، او آنگونه که گفته

۱. این حدیث طبق نسخه ی شیخ حر عاملی رحمه الله از غیبت نعمانی ترجمه شد، رک به اثبات الهداة ۳ / ۱۲۵. م

نیست، اگر خروج کند کشته شود.»

نگارنده: این تکذیب را می‌بایست نسبت به ادعای کسانی دانست که زید را مهدی می‌دانستند، زیرا احادیث صحیحی از امام صادق و دیگر امامان علیهم‌السلام در مدح زید و بلندای مقام وی رسیده است، و اینکه او به مقاومت در برابر ظلم و امامت رضا از آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم فراخواند.^۱ علاوه بر آنکه آقای خوئی در معجم ۸/ ۳۶۳ آن را ضعیف دانسته‌اند.

همین تعبیر را امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز بارها در مورد حضرت مهدی علیه‌السلام به کار برده‌اند، شرح نهج البلاغه ۷/ ۵۸: «اهل بیت پیامبرتان را بنگرید، اگر درنگ و اقامت کردند شما نیز چنین کنید، و اگر از شما یاری طلبیدند یاری نمایید که به طور قطع خداوند فتنه را به دست مردی از ما اهل بیت برطرف خواهد نمود. پدرم فدای پسر برگزیده‌ی کنیزان، تنها با شمشیر به سراغ آنان می‌رود، هشت ماه شمشیر را بر شانه‌اش دارد، تا جایی که قریشیان گویند: اگر این از فرزندان فاطمه بود بر ما رحم می‌کرد.

خدا او را بر بنی‌امیه مسلط می‌کند تا آنها را خرد کرده و درهم بشکند، مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخِذُوا وَقْتِلُوا ثَقَاتِلًا، سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»^۲ از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. درباره‌ی کسانی که بیشتر بوده‌اند [همین] سنت خدا [جاری بوده] است؛ و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت.

شارح [ابن ابی‌الحدید] گوید: اگر کسی بگوید: این مرد موعود که ایشان درباره‌اش فرموده‌اند: پدرم فدای پسر برگزیده‌ی کنیزان، کیست؟ گوییم: شیعیان بر این باورند که او امام دوازدهم آنها و پسر کنیزی به نام نرجس است، اما اصحاب ما معتقدند او از نسل فاطمه است و در آینده از کنیزی به دنیا خواهد آمد، و هم اکنون موجود نیست.»

نگارنده: کنیزان، دیگر کجایند تا مادر امام مهدی علیه‌السلام از آنها باشد، آنگونه که ابن ابی‌الحدید پنداشته است؟!

غیبت نعمانی / ۲۲۹ از حارث همدانی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت می‌کند: «پدرم فدای پسر

۱. البته جلالت جناب زید، ملازمه‌ای با تأیید و امضای قیام او توسط اهل بیت علیهم‌السلام ندارد. برای آگاهی بیشتر در این باره رک به تحقیق برخی از محققان معاصر در کتاب عزاداری رمز محبت ۲/ ۴۲۳ م.

۲. سوره‌ی احزاب / ۶۲-۶۱

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه‌السلام

منزلت امام علیه‌السلام

حکومت امام علیه‌السلام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه‌السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه‌السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه‌السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

برگزیده‌ی کنیزان - مقصود ایشان قائم از فرزندان خویش است - آنان را به ذلت می‌کشاند و جام صبر^۱ می‌نوشاند، و تنها با شمشیر به استقبالشان می‌رود.

در آن هنگام فاجران قریش آرزو کنند که کاش می‌توانستند دنیا و ما فیها را بدهند و او از آنها گذشت کند، [ولی] او دست از آنان برنخواهد داشت تا آنکه خدا راضی شود.»

مقتضب الاثر / ۳۱ از ابن ابی جحیفه‌ی سوائی، حارث همدانی و حارث بن شرب که نزد امیرالمؤمنین علیه السلام حضور داشتند روایت می‌کند: «چون پسرش حسن علیه السلام می‌آمد می‌فرمود: ای پسر رسول خدا! خوش آمدی، و هنگامی که حسین علیه السلام می‌آمد می‌فرمود: پدر و مادرم فدایت ای پدر پسر برگزیده‌ی کنیزان!

گفته شد: یا امیرالمؤمنین! چرا درباره‌ی حسن چنان می‌گویید و در مورد حسین چنین؟ و پسر برگزیده‌ی کنیزان کیست؟ فرمودند: آن گمشده‌ی رانده و آواره، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین، و دست خود را بر سر حسین علیه السلام نهادند.»

غیبت نعمانی / ۲۲۸ از عبد الرحیم قصیر روایت می‌کند: «به امام باقر علیه السلام گفتم: این فرموده‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام: پدرم فدای پسر برگزیده‌ی کنیزان، آیا مقصود فاطمه علیها السلام است؟ فرمودند: فاطمه برگزیده‌ی آزادان است، او [مهدی] ... [سفید] مایل به سرخی است، خدا، فلانی را رحمت کند.»

ارشاد ۲ / ۳۸۲ از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «عمر بن خطاب از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد و گفت: بگو: مهدی چه نام دارد؟ ایشان فرمودند: حبیبم صلی الله علیه و آله با من عهد فرموده که سخنی از نامش نگویم تا زمانی که خداوند او را مبعوث کند.

عمر گفت: از اوصافش بگو، ایشان فرمودند: او جوانی است میان بالا، با چهره و موی زیبا که بر شانه هایش فرو می‌ریزد، و نور صورتش سیاهی موهای سرو محاسنش را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پدرم فدای پسر برگزیده‌ی کنیزان.»^۲

۱. شیروی تلخ درختی است.
۲. و نیز کمال الدین ۲ / ۶۴۸، غیبت شیخ طوسی / ۴۷۰، الانوار المضيئة / ۵۶، روضة الواعظین / ۲۶۶، عقد الدرر / ۴۱، فرائد فوائد الفكر / ۴ و اعلام الوری / ۴۳۴

هم امام مهدی (عج)، پسر برگزیده کنیزان است و هم جدّش امام جواد (عج)

تعبیر پسر برگزیده کنیزان توسط رسول خدا ﷺ در شأن حضرت مهدی (عج) به کار رفته است. ایشان در مورد امام جواد (عج) نیز چنین عبارتی را به کار بردند.

امام جواد (عج) گندمگون بودند و دستگاه حاکم از این مطلب برضد امام رضا (عج) سوء استفاده کردند. آنان شایعه کردند امام جواد (عج) فرزند امام رضا (عج) نیست، چون بسان ایشان سفید نمی باشد! آنان قیافه شناسان را آوردند و آنان او را فرزند امام (عج) دانستند و خدا ایشان را در قبال دروغ پردازان یاری نمود.

کافی ۱/ ۳۲۲ و ارشاد ۳۱۷ روایت می کنند: «علی بن جعفر در مورد ماجرای حکم قیافه شناسان [به اینکه امام جواد پسر امام رضا (عج) است] و تکذیب دروغ گویان، گفت: من برخاستم و دهان ابو جعفر [امام جواد (عج)] را بوسیده آب دهانش وارد دهانم شد و عرض کردم: نزد خدا شهادت می دهم شما امام من هستید.

امام رضا (عج) گریستند و فرمودند: ای عمو! آیا از پدرم نشنیدید: رسول خدا ﷺ فرمودند: پدرم فدای پسر برگزیده کنیزان، پسرزن نوبی^۱ پاک دهان، صاحب رجمی که نجیب به دنیا می آورد. وای بر آنان [بنی عباس]، خداوند اعیس^۲ صاحب فتنه و دودمانش را لعنت کند.^۳ و اوست [مهدی] که سال ها، ماه ها و روزها آنان را می کشد، به ذلت می کشاند و جام صبر می نوشاند. او رانده و آواره است، پدر و جدّش را کشته اند ولی خونخواهی نکرده است، غیبت می کند و گفته می شود: مرد یا به هلاکت رسید، در کدامین وادی سیر می کند؟ ای عمو! آیا این شخص جز از [نسل] من خواهد بود؟ عرض کردم: راست گفتی، فدایت گردم.»

۱. طائفه ای از حبشیان

۲. تصغیر اعیس و کنایه از بنی عباس است.

۳. متن روایت کافی چنین است: لعن الله الاعیس و ذریته صاحب الفتنه، و یقتلهم سنین و شهوراً و آیاماً... که ترجمه شد، لکن علامه ی مجلسی احتمال دقیقی را ذکر می کنند، و آن این است که الفتنه در اصل الغیبه بوده باشد، که در این صورت بازگردان چنین می شود: خداوند اعیس و ذریه اش را لعنت کند. آنکه غائب می گردد، سال ها، ماه ها و روزها آنها را می کشد... رک به مرآة العقول ۳/ ۳۸۲ م

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام (عج)
منزلت امام (عج)
حکومت امام (عج)
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح (عج)
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام (عج)
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام (عج) در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

با این حساب امام جواد علیه السلام پسر برگزیده کنیزان نوبی است، و امام عصر علیه السلام پسر برگزیده کنیزان رومی، اوست رانده‌ی آواره که غائب می‌شود، و هموست که از خط ضلالت که بنی امیه و بنی عباس پرچمداران آنند، انتقام می‌گیرد.

برخی از ابتکارات ائمه علیهم السلام در تعیین شخصیت امام مهدی علیه السلام

از جمله‌ی آن، تعیین به نام، مادر، شماره، اوصاف و شخصیت.

غیبت نعمانی / ۱۷۹ از ابوهیثم میثمی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «چون سه نام محمد، علی و حسن پشت سرهم آمدند، چهارم آنها قائم آنهاست»^۱

غیبت شیخ طوسی / ۳۶ از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام: «با هفتمین از ما فرج خواهد بود.»
شیخ حر عاملی رحمه الله در اثبات الهداة ۳/ ۹۹ پس از نقل آن می‌نویسد: «مقصود هفتمین شخص از خود ایشان است [که با ایشان آغاز و به حضرت مهدی علیه السلام ختم می‌گردد] نه از نسل حضرت امیر علیه السلام».

غیبت شیخ طوسی / ۲۸ از آن حضرت روایت می‌کند: «صاحب ما که از صلب این است - و به موسی بن جعفر علیه السلام اشاره کردند - ظاهر می‌گردد و زمین را همانسان که از ظلم و ستم پر شده از عدالت می‌آکند، و دنیا برایش آرام می‌شود.»

کمال الدین ۲ / ۳۳۴ از مفضل بن عمر: «حضور آقا^۲م امام صادق علیه السلام رسیدم و عرضه داشتم: آقای من! کاش جانشین پس از خود را به ما معرفی کنید، ایشان فرمودند: ای مفضل! امام بعد از من پسر موسی است، و جانشین آرزو شده و منتظر، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی خواهد بود.»

همان ۲ / ۳۸۳ از صقر بن ابی دلف از امام هادی علیه السلام روایت می‌کند: «امام پس از من پسر حسن است، و پس از حسن پسرش قائم که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آنگونه که از ستم و جور آکنده شده است.»

۱. اثبات الهداة / ۲۲۷، کمال الدین ۱ / ۳۳۳ و ۳۳۴، کفایة الاثر / ۲۸۰، غیبت مفید / ۴۰۰ و غیبت شیخ طوسی / ۱۳۹/

کافی ۱/ ۳۴۱ از ابو حمزه: «نزد امام جعفر بن محمد علیه السلام رفتم و عرض کردم: شما صاحب این امر هستید؟ فرمودند: نه، گفتم: فرزند شماست؟ فرمود: نه، عرضه داشتم: فرزند فرزندان است؟ فرمودند: نه، گفتم: فرزند فرزند فرزند شما؟ پاسخ منفی دادند، عرض کردم: او کیست؟ فرمودند: آن کسی که زمین را از دادگری می‌آکند، آنسان که از بیداد و ستم پرشده است، و این پس از فتره‌ای از امامان است،^۱ همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از فتره‌ای از رسولان^۲ مبعوث شد.»^۳

جریان یافتن سنت تنی چند از پیامبران علیهم السلام در ولادت و غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کمال الدین ۱/ ۳۲۱ از سعید بن جبیر از امام زین العابدین علیه السلام روایت می‌کند: «در قائم ما سنت‌هایی از پیامبران است؛ سنتی از پدرمان آدم، سنتی از نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و محمد صلی الله علیه و آله».

از آدم و نوح طول عمر، از ابراهیم مخفی بودن ولادت و دوری گزینی از مردم، از موسی هراس و غیبت، از عیسی اختلاف مردم درباره‌ی او، از ایوب فرج و گشایش پس از بلا و از محمد صلی الله علیه و آله خروج با شمشیر.»

همان ۱/ ۱۵۲ و ۲/ ۳۴۰ از عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام: «در قائم سنتی از موسی بن عمران است، عرض کردم: آن سنت چیست؟ فرمودند: مخفی بودن تولد و غیبت از قوم خویش، گفتم: موسی چه مقدار از اهل و قوم خود غیبت کرد؟ فرمودند: بیست و هشت سال.»

همان ۲/ ۳۵۰ از ابوبصیر از آن حضرت: «در صاحب این امر سنت‌هایی از پیامبران است؛ سنتی از موسی بن عمران، عیسی، یوسف، و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله. سنت از موسی بن عمران

۱. دورانی که امامی ظاهر نباشد، رک به مرآة العقول ۴/ ۵۴. م

۲. دورانی که رسالت گسسته و اوصیاء در خفایند، مأخذ پیشین. م

۳. مشابه آن عقد الدرر ۱۵۸، وی پنداشته این حدیث از امام حسین علیه السلام است، زیرا از ابا عبد الله علیه السلام نقل شده، و البته این اشتباه تنها همین یک بار نیست که از وی سرزده است!

آن است که هراسان و منتظر است، سنت از عیسی آن است که آنچه در مورد عیسی گفته شد [که وی از دنیا رفت] درباره‌ی او نیز بگویند، سنت یوسف خفا و پنهانی است که خداوند بین او و خلق حجابی قرار می‌دهد که او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند، و اما سنت محمد ﷺ آن است که وی به هدایت ایشان رهنمون می‌شود و طبق سیره‌ی ایشان رفتار می‌کند.»

غیبت نعمانی / ۱۶۴ از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «در صاحب این امر سنت‌هایی از چهار پیامبر است؛ سنتی از موسی، عیسی، یوسف و محمد ﷺ. گفتم: سنت موسی چیست؟ فرمودند: هراسان است و انتظار می‌کشد. از سنت عیسی پرسیدم، فرمودند: آنچه در مورد عیسی گفته شد درباره‌ی او نیز گویند. عرض کردم: سنت یوسف؟ فرمود: زندان و غیبت،^۱ و از سنت پیامبر ﷺ سؤال کردم و فرمودند: چون قیام کند طبق سیره‌ی ایشان رفتار نماید، و آثار ایشان را تبیین کند، او هشت ماه شمشیر را بر شانه قرار دهد و بکشد تا آنکه خدا راضی گردد. پرسیدم: چسان از رضایت خداوند آگاه خواهد شد؟ فرمودند: خدا رحمت را در دل او قرار می‌دهد.»^۲

اثبات الوصیة / ۲۲۶ آن را نقل می‌کند و در قسمتی از آن آمده است: «شباهت او به یوسف در زیبایی و سخاوت اوست، و سنت او از محمد ﷺ آن است که با شمشیر ظاهر می‌گردد.»
دلائل الامامة / ۲۹۱ نیز روایت می‌کند و در پاره‌ای از آن آمده است: «شباهت او به یوسف آن است که برادرانش با او خرید و فروش می‌کردند و سخن می‌گفتند، ولی او را نمی‌شناختند.»^۳
کمال الدین ۱ / ۲۸: «سنت یوسف آن است که برادرانش با او معامله می‌کردند و سخن می‌گفتند، لکن او را نمی‌شناختند، سنت عیسی سیاحت است، و سنت محمد ﷺ شمشیر.»

همان ۱ / ۳۲۷ از امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی نقل می‌کند: «شباهت او به یونس بن متی

۱. شیخ طوسی همین روایت را نقل می‌کند، ولی سخنی از زندان در آن نیست. البته نقل مرحوم نعمانی نیز صحیح است، چرا که بنابراین زندان، کنایه از همان غیبت خواهد بود. م

۲. الامامة والتبصرة / ۹۳

۳. کمال الدین ۱ / ۱۵۲، ۲۳۶، ۳۲۷، ۳۲۹ و غیبت شیخ طوسی / ۱۴۰

آن است که از غیبت باز می‌گردد در حالی که پس از بالا رفتن سن [هنوز] جوان است... شباهت به موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوام هراس، طول غیبت، مخفی بودن ولادت، به ستوه آمدن پیروان بعد از او، از آزار و ذلتی که با آن مواجه می‌شوند، تا آنکه خدای عزوجل اذن ظهور دهد و او را بردشمنش یاری و تأیید کند... شباهت ایشان به جدّش مصطفی صلی الله علیه و آله آن است که با شمشیر خروج می‌کند، دشمنان خدا و رسول و جباران و طاغوت‌ها را می‌کشد، با شمشیر و رعب یاری می‌شود و کسی توان مقابله با بیرقی که به او تعلق دارد را نخواهد داشت.

برخی از نشانه‌های خروجش این‌هاست: خروج سفیانی از شام، خروج یمانی از یمن، فریادی از آسمان در ماه رمضان و منادیی که از آسمان نام او و پدرش را ندا می‌کند.^۱

همان ۲ / ۳۴۵ از ابوبصیر: «به امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف گفتم: ای پسر پیامبر! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمودند: ای ابوبصیر! او پنجمین شخص از فرزندان پسر موسی است، پسر بانوی کنیزان، غیبتی خواهد داشت که اهل باطل در آن به تردید می‌افتند، آنگاه خدای عزوجل او را آشکار می‌کند و بردستانش مشارق و مغارب زمین را می‌گشاید. روح الله عیسی بن مریم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گزارد. زمین به نور پرورگارش روشن می‌شود، و در آن مکانی نخواهد ماند که غیر از خدای عزیز و جلیل در آن عبادت شده، مگر آنکه خدا در آن پرستش گردد، و همه‌ی دین برای خدا خواهد بود، اگرچه مشرکان خوش نداشته باشند.»

همان ۲ / ۴۸۰ از سدید از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت می‌کند: «... زیرا خداوند عزوجل ابا کرده مگر آنکه در او سنت‌های پیامبران عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت هایشان جریان یابد. ای سدید! و ناگزیر از آن است که مدت‌های غیبت‌های آنها در او کامل شود، خداوند تعالی می‌فرماید: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ^۲، قطعاً از حالی به حالی برخواید نشست، یعنی سنت‌های آنان که پیش از شما بودند.»

کافی ۱ / ۳۳۶ از سدید از آن حضرت روایت می‌کند: «برادران یوسف عجل الله تعالی فرجه الشریف نوادگان و پسران پیامبران بودند، آنان با یوسف تجارت و معامله کردند، با او سخن گفتند در حالی که

۱. اثبات الهداة ۳ / ۴۶، بحار ۱۴ / ۳۳۹، اعلام الوری ۴۰۳ / ۳ و کشف الغمّة ۳ / ۳۱۳

۲. سوره‌ی انشقاق / ۱۹

برادران او بودند و او برادر ایشان بود، ولی او را نشناختند تا آن [زمان] که گفت: **أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي**^۱، من یوسفم و این برادر من است.

پس این امت ملعون چرا انکار می کنند که خداوند عزوجل در زمانی از زمان ها با حجت خود چنین کند، همانگونه که با یوسف کرد!

یوسف **عَلَيْهِ السَّلَام** مُلک مصر را در اختیار داشت و با پدرش هیجده روز فاصله داشت، و اگر می خواست به او خبر دهد می توانست. یعقوب و فرزندان هنگام بشارت، نه روزه از سرزمین خود به مصر آمدند، پس از چه رو این امت انکار می کنند که خدای عزیز و جلیل با حجت خود چنان کند که با یوسف کرد که در بازارهایشان راه رود و بر بساط آنان گام نهد، تا آنکه خدا به او در این باره [ظهور] اذن دهد، آنسان که به یوسف اذن داد، **قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ**^۲، گفتند: آیا تو خود، یوسفی؟ گفت: من یوسفم.

همان ۲ / ۴۸۰: «خداوند امر او را در یک شب سامان می دهد.»

صاحب این امر کسی است که میلادش مخفی است، و مردم گویند: به دنیا نیامده!

اثبات الوصیة / ۲۲۲ از سعد بن عبد الله با سند خود از امام باقر **عَلَيْهِ السَّلَام** روایت می کند: «قائم آن کسی است که ولادت او بر مردم پوشیده است.»

کمال الدین ۲ / ۴۷۹ از ابوبصیر از امام صادق **عَلَيْهِ السَّلَام**: «ولادت صاحب این امر بر مردمان مخفی خواهد بود، تا آنکه هنگام خروج بیعت احدی در گردش نباشد.»

غیبت نعمانی / ۱۸۳ از ابوالجارود از امام باقر **عَلَيْهِ السَّلَام**: «شما هماره گردن هایتان را به سوی مردی از ما می کشید [و منتظر خروج ما هستید] و می گوید: این همان [قائم] است، ولی خدا او را [از دنیا] می برد، تا آنکه برای این امر کسی را فرستد که نمی دانید به دنیا آمده یا نه، آفریده شده یا نه.»

۱. سوره ی یوسف **عَلَيْهِ السَّلَام** / ۹۰

۲. مأخذ پیشین

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت‌گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

همان / ۱۸۲ از او از ایشان: «اینان و تو، پیوسته [چشم دوخته و در انتظار] خواهید بود، تا آنکه خدا برای این امر کسی را بفرستد که ندانند آفریده شده یا نه.»

کافی ۱ / ۳۴۲ از عبد الله بن عطا نقل می‌کند: «خدمت امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه داشتم: شیعیان شما در عراق بسیارند، و به خدا سوگند در میان اهل بیت شما کسی مانند شما وجود ندارد، پس چرا خروج نمی‌کنید؟

ایشان فرمودند: ای عبد الله بن عطا! گوش‌هایت را نزد احمقان گسترده‌ای، آری، به خدا قسم من صاحب [خروج‌کننده‌ی] شما نیستم، عرض کردم: پس او کیست؟ فرمودند: ببینید آن کس که ولادتش بر مردم مخفی باشد صاحب شماست...»

این عبارت در غیبت نعمانی / ۱۶۷ چنین آمده: «... بین کسی که مردم نمی‌دانند به دنیا آمده یا نه، او صاحب شماست.»

کمال الدین ۲ / ۳۶۰ از عباس بن عامر قصبانی از امام کاظم عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت می‌کند: «صاحب این امر کسی است که مردم گویند: هنوز به دنیا نیامده است.»

همان ۲ / ۳۸۱ از امام هادی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت می‌کند: «صاحب این امر کسی است که مردم گویند: هنوز به دنیا نیامده است.»

همان ۲ / ۴۳۲ از حسن بن منذر نقل می‌کند: «حمزة بن ابوالفتح روزی آمد و گفت: خبری خوش دارم، دیشب در خانه برای ابو محمد فرزندی به دنیا آمد و ایشان فرمان کتمان این خبر را دادند، گفتم: نامش چیست؟ گفت: نامش محمد و کنیه اش به جعفر [ابا جعفر] است.»

عباسیان، پیروی از شیوه‌ی نمرود و فرعون

در منابع تاریخی و دیگر ادیان آمده که منجمان به نمرود خبر دادند در همین سال فرزندی در پایتخت او به دنیا خواهد آمد که حکومت او را در مخاطره قرار می‌دهد، لذا نمرود زاد و ولد را منع کرد و تمامی پسرانی را که به دنیا می‌آمدند به قتل رساند!

همین خبر را به فرعون نیز دادند و او هم بسان نمرود رفتار کرد!
 تفسیر قمی ۱ / ۲۰۷ روایت می‌کند: «نمرود برای هرزن بارداری نگهبانی گمارده بود و هر

فرزند پسری را سر می برید. مادر ابراهیم او را برای فرار از ذبح [در غاری] پنهان کرد. ابراهیم درون غار در هر روز بسان یک ماه دیگران رشد می کرد و بزرگ می شد، تا آنکه در غار سیزده ساله شد. پس از آن مادرش به دیدار او آمد و چون خواست از او جدا شود دست بر مادر آویخت و گفت: ای مادر! مرا بیرون ببر، مادر گفت: پسر من! پادشاه اگر بفهمد تو در این زمان به دنیا آمده ای تو را خواهد کشت.»

همان ۱۳۵/۲ از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «هنگامی که مادر موسی به وی باردار شد، اثر حمل او تنها در هنگام ولادت آشکار شد. فرعون برای مراقبت و زیر نظر داشتن زنان بنی اسرائیل، زنانی قبطی را مأموران آن کرده بود. این کار بابت آن بود که به فرعون خبر رسیده بود بنی اسرائیل می گویند: در میان ما مردی به دنیا خواهد آمد که بدو موسی بن عمران گفته می شود و نابودی فرعون و یارانش بردستان اوست. لذا گفت: فرزندان پسرشان را می کشم تا خواسته شان تحقق نیابد. او میان مردان و زنان فاصله انداخت و مردان را محبوس کرد.

هنگامی که مادر موسی وی را به دنیا آورد، او را نگریست، اندوهگین شد و گریسته گفت: الآن است که ذبح شود.

خدا در دل آن زن مأمور، محبت موسی را قرار داد و او گفت: چرا رنگت زرد شد؟ مادر موسی پاسخ داد: بیم آن دارم که فرزندم را ذبح کنند. آن زن گفت: نه راس، و موسی به گونه ای بود که هر که او را می دید دوستدارش می شد، و این همان فرموده ی خدای عزیز و جلیل است: **وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي**،^۱ و مهری از خودم بر تو افکندم. پس آن زن قبطی مأمور دوستدار موسی شد. صندوقی برای مادر موسی نازل شد و خطاب شد: او را در صندوق قرار ده و در دریا بیانداز **وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ**،^۲ و نترس و اندوه مدار که ما او را به تو بازمی گردانیم و از پیامبران قرار می دهیم. او هم موسی را در آن گذاشت، در آن را بست و به نیل انداخت.

۱. سوره ی طه / ۳۹

۲. سوره ی قصص / ۷

پیدشویان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
 منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

فرعون بر ساحل نیل، قصر و تفرجگاهی داشت. وی به همراه همسرش آسیه از قصر به زیر آمد و سیاهی‌ی را در نیل مشاهده کرد که امواج آن را بالا می‌بردند و بادها با آن برخورد می‌کردند تا آن را کنار در قصر فرعون آوردند. وی دستور داد آن را بگیرند. صندوق را نزد وی بردند و چون آن را گشود پسری درون آن دید و گفت: این از بنی اسرائیل است. خدا در دل فرعون و آسیه محبت شدیدی نسبت به موسی قرار داد، ولی فرعون [علی رغم آن محبت] در صدد کشتن موسی برآمد، آسیه گفت: لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ^۱، او را نکشید، شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم، ولی آنها خبر نداشتند، که او موساست...»

المستدرک ۲ / ۷۴ از وهب بن منبه می‌آورد: «هنگامی که مادر موسی به او باردار شد، این خبر را به ارشاد خداوند - که می‌خواست به واسطه‌ی موسی بر بنی اسرائیل احسان کند و امتنان ورزد - از همه مخفی کرد، لذا هیچ کس از این حمل آگاهی نداشت. در سال تولد او، فرعون قابله‌ها را مأمور بازرسی کرد و چنان زنان را تفتیش می‌کرد که سابقه نداشت. اما مادر موسی نه شکمش برآمد، نه رنگش تغییر کرد و شیرش هم فاسد نشد، از این رو قابله‌ها کاری با او نداشتند. چون شبی که موسی در آن به دنیا آمد فرا رسید، مادرش بدون مراقب و قابله او را زایید، و کسی جز خواهرش مریم از آن آگاه نشد، خداوند به او وحی کرد: أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ^۲، او را شیر ده، و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز، و نترس و اندوه مدار که ما او را به تو بازمی‌گردانیم و از پیامبران قرار می‌دهیم.

مادرش سه ماه او را مخفی داشت و در آغوش خویش شیر می‌داد و او نه می‌گریست و نه حرکت می‌کرد. ولی وقتی براو و خود ترسید، جعبه‌ای در بسته ساخت و داخل آن را آماده کرد و شب هنگام در آب افکند، آنگونه که خدا فرمان داده بود. او تابوت را پنبه و جب در پنبه و جب ساخته بود بدون آنکه قیراندود کند، تابوت هم

۱. همان ۹/

۲. سوره‌ی قصص ۷/

بر روی آب آمد تا اینکه آب آن را نیمه شب به ساحل انداخت. صبح هنگام فرعون در جایگاهی که در ساحل نیل داشت نشست و تابوت را دید، به خدمه گفت: آن را بیاورید، آوردند و موسی را درون آن مشاهده کرد، با دیدن او گفت: چرا این پسر ذبح نشده؟ من که به قابله‌ها فرمان داده بودم هیچ نوزادی را مخفی نکنند!

فرعون با زنی از بنی اسرائیل که آسیه دختر مزاحم نام داشت ازدواج کرده بود. وی یکی از بهترین زنان و از دختران پیامبران بود، با مؤمنان مهربان بود و بر آنان انفاق و بخشش می‌کرد. او که در کنار فرعون نشسته بود گفت: این مولود از یک سال بزرگتر است، و شما فرمان دادید کودکان همین سال را سربزند، پس او را رها کن تا مایه‌ی روشنی دیدگانمان باشد، لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ^۱، او را نکشید، شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم، ولی آنها خبر نداشتند، هلاکشان بردستان اوست. برای فرعون تنها دختر زاده می‌شد...

دستگاه خلافت قریش از دیرزمان در جستجوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

اثبات الهداة ۳/ ۷۰ از فضل بن شاذان با سند صحیح از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند: «بنی امیه و بنی عباس به دو جهت شمشیرهایشان را بر [گردن] ما گذاشتند؛ یکی آنکه می‌دانستند هیچ حقی در خلافت ندارند، از این رو می‌هراسیدند ما آن را ادعا کنیم و در جایگاه خود [اهل بیت] قرار گیرد.

دوم آنکه از روایات متعدد فهمیده بودند زوال حکومت جباران و ظالمان بردست قائم ما خواهد بود و تردیدی نداشتند که خود، از آنهایند، لذا تلاش کردند اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را بکشند و نسل ایشان را از میان برند تا با این کار بتوانند از به دنیا آمدن قائم جلوگیری کنند و یا او را به قتل رسانند، ولی خداوند ابا کرد امر او را برای احدی از آنان آشکار کند، تا اینکه نورش را کامل گرداند، اگرچه کافران را خوش نیاید.»

جستجوی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام از روزی آغاز شد که جدش پیامبر صلی الله علیه و آله به آمدن او بشارت

دادند. پیش از این نیز گذشت که عمر از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد نام ایشان سؤال کرد، ولی ایشان دست رد بر سینه‌ی او زدند، لذا در مورد اوصاف او پرسید.

و نیز در بخش تحریفات بشارت نبوی گذشت که طبری سخن معاویه به ابن عباس را آورده است: «شما بر این پندارید که خلافتی هاشمی و مهدی قائم دارید، و حال آنکه مهدی عیسی بن مریم است، خلافت هم در دستان ماست تا آن را به او تحویل دهیم.»

البته معاویه خود مدعی مهدویت شد و ما این مطلب را از مسند احمد به اثبات رساندیم! امویان پس از وی نیز در جستجوی مهدی بودند!

شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین ۱ / ۷۴ می نویسد: «خبر آمدن موسی در میان بنی اسرائیل، و اینکه نابودی فرعون و حکومت وی بردست اوست منتشر شده بود، لذا فرعون اولاد بنی اسرائیل را به قتل می رساند.

نمرود نیز پیش از وی اولاد رعیت و اهالی مملکت خود را در طلب ابراهیم علیه السلام می کشت، آن هنگام که خبر فرا رسیدن زمان ولادت وی، و اینکه هلاکت نمرود، اهل مملکت و دین وی به دست اوست، انتشار یافت.

طاغوت زمان امام حسن بن علی علیه السلام پدر صاحب الزمان علیه السلام نیز چنین کرد، وی در پی فرزند ایشان برآمد، برای خانه شان نگهبان گذاشت، و کنیزان ایشان را حبس کرد تا وضع حمل کنند.»

عباسیان و آگاهی از امامت عترت علیهم السلام

عباسیان نیک می دانستند امامان از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله برگزیدگان خدایند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله به اطاعت از آنان فرمان داده اند، لکن سلطنت - همانگونه که هارون به مأمون گفت - عقیم است.

عیون اخبار الرضا علیه السلام ۲ / ۸۵ نقل می کند: «زمانی که هارون به مدینه رفت امام کاظم علیه السلام به دیدن او آمدند، هارون برخاست و صورت و دودیده‌ی امام علیه السلام را بوسه داد، آنگاه به من، امین و مؤتمن رو کرد و گفت: ای عبد الله، ای محمد و ای ابراهیم! در مقابل عموم آقایتان راه بروید، رکابش را بگیرید، لباسش را درست کنید و تا منزل بدرقه نمایید. موسی بن جعفر

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آرام به من رو کردند و مرا به خلافت خبر دادند، سپس فرمودند: چون عهده دار این امر شدی با فرزندانم نیکی کن. سپس ما بازگشتیم.

من با دل و جرأت ترین فرزندان پدرم بودم، از این رو چون مجلس خلوت شد گفتم: یا امیرالمؤمنین! این مردی که اینچنین او را بزرگداشتی، تبجیل کردی، در مقابلش از جا برخاستی، صدر مجلس نشاندی، خود پایین تر از او نشستی و به ما فرمان دادی رکابش را بگیریم که بود؟ پدرم گفت: او امام مردم، حجت خدا بر خلق و خلیفه‌ی او بر بندگان است. گفتم: یا امیرالمؤمنین! آیا این اوصاف همه برای شما و در شما نیست؟ گفت: من در ظاهر امام مردم هستم که با قهر و غلبه بدین منصب دست یافته‌ام، ولی موسی بن جعفر امام حق است، پسر من! به خدا قسم او نسبت به جایگاه پیامبر از من و تمامی این خلق شایسته‌تر است. اما به خدا سوگند اگر تو سر این امر با من نزاع کنی، آنچه را که چشمانت در آن است جدا خواهم ساخت، چرا که حکومت عقیم است [و نسب نیز در آن سودی نرساند]!

وقتی خواست از مدینه به مکه رود، فرمان داد کیسه‌ی سیاهی که دویست دینار در آن بود بیاورند، و رو به فضل بن ربیع کرد و گفت: این را نزد موسی بن جعفر ببر و بگو: امیرالمؤمنین می‌گوید: ما در تنگی هستیم و بعد از این زمان احسان ما به شما خواهد رسید.

من گفتم: یا امیرالمؤمنین! به نوادگان مهاجر و انصار و سایر قریش و بنی هاشم و کسانی که حسب و نسبشان را نمی‌دانی تا پنج هزار دینار می‌دهی، ولی به موسی بن جعفر که او را چنین احترام نمودی دویست دینار عطا می‌کنی، یعنی پایین‌ترین عطا!

گفت: بی‌مادر! ساکت شو، چرا که اگر آن مقداری که گفתי به او عطا کنم، ایمن نیستم که در آینده با صد هزار شمشیر از شیعیان و پیروانش به مصاف من آید، و فقرا و خانواده‌اش برای من و شما بهتر از آن است که دستان و چشمانشان باز باشد!

وقتی مخارق آوازه خوان این گفتگورا دید و شنید خشمگین شد و برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! من وارد مدینه شدم و اکثر اهالی آن از من چیزی درخواست کردند، و اگر من به آنها چیزی ندهم بخشنده‌گی شما و مکانت من برای آنان معلوم نشود! هارون هم دستور داد ده هزار دینار به او بدهند، مخارق گفت: این برای اهل مدینه، ولی من بدهی نیز دارم،

پدرم دستور داد ده هزار دینار دیگر نیز به او بدهند، او گفت: می خواهم دخترانم را نیز شوهر دهم و باید برایشان جهازی تهیه کنم، دستور داد ده هزار سکه دیگر آورند، مخارق ادامه داد: من برای قوت خود و اهل و عیالم به غله نیاز دارم، پدرم فرمان داد زمینی که غله ی آن در سال به ده هزار دینار می رسد را در همان ساعت به او بدهند!

آنگاه مخارق برخاست و به نزد موسی بن جعفر آمد و گفت: با خبر شدم که این ملعون با شما چسان رفتار کرد و چه مقدار مال برایتان مشخص کرد، من چاره ای اندیشیدم و سی هزار دینار و نیز زمینی که غله اش در سال به ده هزار دینار می رسد از او اخذ نمودم، در حالی که - آقای من! - به هیچ یک نیازی ندارم و تنها برای شما گرفتم، من گواهی می دهم که این زمین از آن شماست و اموال را نیز برایتان آورده ام.

امام علیه السلام فرمودند: خدا مالت را برکت دهد و پاداشت را نیکو گرداند، من نه دره می از آن و نه چیزی از این زمین نمی گیرم، ولی صله و نیکی تو را پذیرفتم، پس راشدانه بازگرد، و در این باره دیگر نزد من نیا. او هم دست حضرت را بوسه داد و رفت.

نگارنده: خوشا به حال این آوازه خوان و بدا به حال هارون!

عباسیان پیش از او نیز می دانستند امیرالمؤمنین و عترت ایشان علیه السلام امامانی ربانی هستند، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به عباس و فرزندانش خبر داده بودند که حکومت و طغیان خواهند کرد. هنگامی که جدّ بنی عباس، علی بن عبد الله بن عباس در کوفه به دنیا آمد، پدرش عبد الله او را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آورد تا برای او به خیر و برکت دعا کند و نام بگذارد، ایشان او را علی نام نهادند و فرمودند: پدر شاهان را بگیر!

اسامی پادشاهان عباسی نیز در صحیفه ای نزد محمد بن حنفیه بود و گفته می شود که از طریق ابوهاشم پسر محمد بن حنفیه به دست بنی عباس رسید.

پسران آنها به خوبی از امامت امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق علیه السلام آگاه بودند، و در مورد آینده شان از ایشان سؤال می کردند، مطالبی که هم اکنون مجال آن نیست.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دستگاه حاکم مراقبت و فشار را بر امام عسکری علیه السلام می افزاید

زمانی که تعداد امامان علیهم السلام به دوازده تن نزدیک شد، هراس عباسیان فزونی یافت. آنها دهمین امام و فرزندشان امام عسکری علیه السلام را مجبور نمودند در پایتخت - سامرا - که عسکر نامیده می شد اقامت داشته باشند، و لذا این دو امام همام علیهم السلام به عسکری لقب یافتند.

سپس خلیفه ی عباسی بر آن شد تا امام هادی علیه السلام را به قتل برساند و نقشه ی خود را جامه ی عمل پوشانید. او امام عسکری علیه السلام را که یازدهمین امام بود بیش از پیش تحت نظر گرفت و پس از مدتی تصمیم گرفت برای جلوگیری از ولادت امام دوازدهم موعود، ایشان را نیز بکشد!

بعید نیست خلیفه، امام عسکری علیه السلام را تهدید کرده باشد که اگر ازدواج کند ایشان را به قتل برساند، و می پنداشته ایشان - بسان دیگر شخصیت های قریش - با زنی قریشی ازدواج می کنند، اما امام علیه السلام کنیز خود نرجس رومی را آزاد و با او ازدواج کردند، و خداوند چنین اراده کرد که مهدی موعود صلی الله علیه و آله و سلم از او باشد.

کمال الدین ۲ / ۴۰۸ از علان رازی روایت می کند: «برخی از شیعیان برایم نقل کرد که چون همسر ابو محمد علیه السلام باردار شد، ایشان بدو فرمودند: به پسری محمد نام باردار خواهی شد و او قائم پس از من است.»

همان ۲ / ۴۰۷ از موسی بن جعفر بن وهب بغدادی نقل می کند که این توقیع از ناحیه ی امام عسکری علیه السلام بیرون آمد: «آنان پنداشتند مرا می کشند تا این نسل را قطع کنند، ولی خداوند عزوجل پندارشان را تکذیب کرد، والحمد لله.»

غیبت شیخ طوسی / ۱۳۴ و ۱۳۸: «امام عسکری علیه السلام هنگامی که حجت به دنیا آمد فرمودند: ظالمان پنداشتند مرا می کشند تا این نسل را قطع کنند، آنان قدرت قادر را چگونه یافتند؟ و او را مؤمل^۱ نامیدند.»

کافی ۱ / ۳۲۹ و ۵۱۴ از احمد بن محمد بن عبد الله نقل می کند: «هنگامی که زبیری - که خدایش لعنت کند - به قتل رسید، این نامه از امام حسن عسکری علیه السلام صادر شد: این جزای کسی که بر خدا نسبت به اولیای او جرأت به خرج داده است، او گمان کرد مرا می کشد و

۱. کسی که آرزویش را دارند.

نسلی از من نخواهد بود، حال قدرت خدا را در خود چسان دید؟

فرزندی برای ایشان به دنیا آمد که نامش را م ح م د نهادند و این در سال دویست و پنجاه و شش بود.^۱

نگارنده: مقصود از زبیری، مهتدی خلیفه‌ی عباسی است، زیرا او پسر معتز است که زبیر بن متوکل نام دارد. معتز سه سال و نه ماه حکومت کرد و هموست که امام هادی علیه السلام را به شهادت رساند. فرماندهان ترک او را مجبور کردند از قدرت کناره گیرد و پس از او مهتدی را به خلافت رساندند. او یازده ماه حکومت کرد و ترکان او را به قتل رساندند. هموست که امام عسکری علیه السلام را حبس کرد و در صدد قطع نسل ایشان برآمد، ولی خدا به او مهلت نداد و طومار عمرش را در هم پیچید. ترکان پس از او معتمد بن متوکل را به قدرت رساندند و او بیست و سه سال حکومت کرد. امام عصر علیه السلام در دوران او به دنیا آمد. او در سال پنجم حکومت، امام عسکری علیه السلام را به شهادت رساند.^۲ غیبت شیخ طوسی / ۲۰۵ از ابوهاشم جعفری نقل می‌کند: «به همراه امام عسکری علیه السلام در حبس مهتدی بن واثق بودم، ایشان به من فرمودند: ای ابوهاشم! این طاغی می‌خواست در این شب خدا را به سخره گیرد، ولی خداوند عمرش را بریده و آن را برای قائم مقام وی قرار داده است. من هم فرزندی ندارم ولی فرزندی روزی خواهم شد.

چون صبح شد ترک‌ها بر مهتدی شوریدند و او را به قتل رساندند، و معتمد در جای او قرار گرفت، و خداوند تعالی ما را حفظ کرد.»

بحار الانوار ۵۰ / ۳۱۳: «ترکان بر مهتدی شوریدند و مردم نیز آنان را یاری کردند، زیرا می‌دانستند او معتزلی و منکر قدر است. آنها او را کشتند و معتمد را جایگزین و با او بیعت کردند. مهتدی تصمیم به قتل امام عسکری علیه السلام گرفته بود، ولی خداوند او را به خود مشغول کرد تا آنکه کشته شد.»

دلائل الامامة / ۴۲۳ می‌نویسد: «دوران امامت امام عسکری علیه السلام پس از پدر در مابقی حکومت معتز بود. پس از او مهتدی به خلافت رسید. سپس احمد بن جعفر متوکل که به

۱. کمال الدین ۲ / ۴۳۵، ارشاد / ۳۴۹ و غیبت شیخ طوسی / ۱۳۸

۲. تاریخ الموالید / ۵۵

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

معتمد معروف بود بیست و دو سال و یازده ماه قدرت را به دست گرفت. با گذشت پنج سال از حکومت او، ولی الله علیه السلام در حالی که بیست و نه سال داشت به شهادت رسید. آن حضرت روز جمعه که هشت شب از ربیع الاول سال دویست و شصت هجری گذشته بود، در سامرا، و به سم از دنیا رفتند، و در خانه در کنار قبر پدرشان علیه السلام به خاک سپرده شدند.»

ابن حبیب در المحبر / ۴۲ می نویسد: «مهدی در ششم رجب سال دویست و پنجاه و شش به قدرت رسید، و یازده ماه حکومت کرد. در دوران خلافت او شخصی در ماه رمضان سال دویست و پنجاه و شش در بصره خروج کرد.

معتمد به قدرت رسید. مادرش کنیز بود. او یکشنبه ششم رجب سال دویست و پنجاه و شش به دنیا آمد. کنیه اش ابو العباس بود. بیست و سه سال حکومت کرد.»

الخرائج والجرائح ۷۸ / ۱ از عیسی بن صبیح روایت می کند: «امام حسن عسکری علیه السلام در حبس بر ما وارد شدند، من ایشان را می شناختم، ایشان به من فرمودند: تو شصت و پنج سال و یک ماه و دو روز داری. من کتاب دعائی با خود داشتم که تاریخ تولد من روی آن نوشته بود، آن را نگاه کردم و دیدم همین طور است.

ایشان فرمودند: آیا فرزندی روزی شده ای؟ گفتم: نه، صدا زدند: خدایا! او را فرزندی روزی کن تا بازویش باشد که فرزند بازوی خوبی است، آنگاه این بیت را خواندند:

من کان ذا عضد یدرک ظلامته
إنّ الدلیل الذی لیست له عضد

کسی که بازویی دارد ظلمی را که بر او وارد شده پاسخ می دهد، ذلیل کسی است که بازویی ندارد

من عرض کردم: آیا شما فرزندی دارید؟ فرمودند: آری، به خدا فرزندی برایم به دنیا خواهد آمد که زمین را از عدل و داد آکنده می سازد، ولی اکنون نه، آنگاه این شعر را خواندند:

لعلک یوماً أن ترفی کأثماً
بنی حوالی الأسود اللوابد

فإنّ تمیماً قبل أن یلد الحصى
أقام زماناً و هو فی الناس واحد

شاید تو روزی مرا ببینی که پسرانم پیرامون مرا بسان شیران گرفته اند

تیم پیش از آنکه نسل فراوانش به دنیا آیند، در میان مردم تنها بود»

۱. کشف الغمة ۳ / ۲۹۳، الفصول المهمة ۲۸۸ / ۱ و اثبات الهداة ۳ / ۲۲۲

امام عسکری علیه السلام به ولادت حضرت مهدی علیه السلام بشارت می دهد

کمال الدین ۴۳۱/۲ از محمد بن احمد علوی از ابو غانم خادم نقل می کند: «برای ابو محمد علیه السلام فرزندی به دنیا آمد و نامش را محمد گذارد. در روز سوم او را به اصحابش نشان داده فرمود: پس از من این صاحب شما و خلیفه ی من بر شماست، اوست قائمی که گردن ها با انتظار به سویش کشیده می شود. هنگامی که زمین از جور و ستم پر شود، او خروج و آن را از عدل و داد پر می کند.»

همان ۴۰۸/۲ از احمد بن اسحاق بن سعد از امام عسکری علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «سپاس خداوند را که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین پس از مرا به من نمایاند. او در خلقت و اخلاق شبیه ترین مردم به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. خدای تبارک و تعالی از او در غیبتش محافظت خواهد کرد، سپس آشکارش می کند و او زمین را از عدل و داد می آکند، همانسان که از ظلم و بیداد پر شده است.»

همان ۴۳۵/۲ با سند خود از جماعتی از جمله معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح روایت می کند: «ما چهل نفر در منزل امام عسکری علیه السلام بودیم که پسرشان را به ما نمایاندند و فرمودند: این پس از من امام شما و خلیفه ی من بر شماست، از او اطاعت کنید و بعد از من در اعتقادات خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد. بدانید! شما پس از این روز دیگر او را نخواهید دید.

ما از نزد حضرت بیرون آمدیم، و چند روز بیشتر نگذشت که ابو محمد علیه السلام از دنیا رفتند.» همان ۳۸۴/۲ از احمد بن اسحاق اشعری روایت می کند: «حضور امام ابو محمد حسن بن علی عسکری علیه السلام رسیدم و می خواستم در مورد جانشین ایشان پرسش کنم، ایشان خود ابتدا به سخن کرده فرمودند: ای احمد بن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی از زمانی که آدم علیه السلام را آفرید زمین را از حجت خالی نکرده است، و تا قیامت نیز آن را از حجت خود بر بندگان خالی نخواهد ساخت. به خاطر اوست که بلا را از اهل زمین دفع می کند، باران فرو می فرستد و برکات زمین را بیرون می دهد.

عرضه داشتیم: ای پسر رسول خدا! امام و خلیفه ی بعد از شما کیست؟ با شتاب

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

برخاستند و وارد اتاق شدند، سپس بیرون آمدند در حالی که پسری - که چهره اش بسان ماه شب چهارده است، و سه ساله نشان می دهد - را برشانه داشتند. فرمودند: ای احمد بن اسحاق! اگر کرامت تو نزد خدای عزوجل و حجج او نبود پسر من را نشانت نمی دادم، او همانم و کنیه ی رسول خدا ﷺ است، زمین را همانگونه که از ستم و جور آکنده شده است، از عدل و داد مملومی سازد.

احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر است، مثل ذوالقرنین است، به خدا قسم غیبتی خواهد داشت که در آن تنها کسی از هلاکت نجات می یابد، که خدای عزیز و جلیل براعتقاد به امامت او استوارش دارد، و برای دعا به تعجیل فرج او توفیقش دهد. عرضه داشتم: مولای من! آیا نشانه ای هست که دلم بدان اطمینان یابد؟ در این هنگام آن پسر به عربی فصیح به زبان آمد و فرمود: من بقیت الله در زمین او و انتقام گیرنده ی از دشمنان او هستم، پس - ای احمد بن اسحاق! - بعد از آنچه به چشم دیدی دنبال اثر [و نشانه] نباش.

احمد گوید: با شادمانی بیرون آمدم، فردای آن روز نزد ایشان بازگشتم و گفتم: ای پسر پیامبر! به آنچه بر من منت نهادید مسرور شدم، ولی سستی که از خضرو ذوالقرنین در اوست چیست؟

فرمودند: ای احمد! طولانی شدن دوران غیبت، گفتم: آیا غیبت او به درازا خواهد انجامید؟ فرمودند: سوگند به پروردگارم آری، تا آنجا که اکثر معتقدان به این امر از آن برگردند، و تنها کسی باقی ماند که خدای عزوجل بر ولایت ما از او پیمان گرفته است، ایمان را در دل او نوشته و با روحی از جانب خود او را تأیید کرده است.

ای احمد بن اسحاق! این امری از امر خدا، سری از سزا و غیبی از غیب اوست، آنچه را به تو دادم بگیر، کتمان کن و از شاگردان باش تا فردا در علین با ما باشی.

مصنف این کتاب گوید: من این حدیث را تنها از علی بن عبد الله وراق شنیدم، آن را با دست خط او مشاهده کردم، در این باره از خود او پرسیدم و آن را برابم از سعد بن عبد الله از

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

احمد بن اسحاق روایت کرد، همانگونه که من نقل نمودم.^۱

غیبت شیخ طوسی / ۱۵۱ روایت می‌کند: «احمد بن اسحاق از امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف در مورد صاحب این امر سؤال کرد و ایشان با دست اشاره کردند، یعنی اوزنده است و گردنی درشت دارد.»

کمال الدین ۲ / ۴۳۳: «احمد بن حسن بن اسحاق قمی گوید: هنگامی که جانشین صالح به دنیا آمد، نامه‌ای از امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف به جدم احمد بن اسحاق رسید. در آن با دست خط امام عجل الله تعالی فرجه الشریف که توقیعات با همان خط به احمد می‌رسید آمده بود: برای ما فرزندی به دنیا آمده است، این [خبر] نزد تو بماند و از تمامی مردم پوشیده باشد، زیرا تنها نزدیکترین خویشاوند را به جهت قربت، و ولی را به جهت ولایتش از آن آگاه ساخته‌ایم. دوست داشتیم تورا از آن بی‌گانه‌ایم تا خداوند تورا بدان مسرور کند، هم چنانکه ما را بدان شادمان نمود، والسلام.»

کافی ۱ / ۳۲۸ از عمرو اهوازی: «ابو محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف پسرش را به من نشان داد و فرمود: این صاحب شما پس از من است.»

همان از محمد بن علی بن بلال نقل می‌کند: «دو سال پیش از آنکه ابو محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا رود، از سوی ایشان نامه‌ای برایم آمد و مرا از جانشین خود خبر داد، و سه روز قبل از آنکه از دنیا رود نیز نامه‌ای رسید و از جانشین خبر داد.»

همان از ابو هاشم جعفری نقل می‌کند: «به امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف گفتم: جلالت شما مانع می‌شود سؤال بپرسم، آیا اجازه می‌دهید؟ فرمودند: بپرس، عرض کردم: آقای من! آیا فرزندی دارید؟ فرمودند: آری، گفتم: اگر حادثه‌ای برای شما رخ داد کجا سراغ او را بگیرم؟ فرمودند: در مدینه.»

کمال الدین ۲ / ۴۰۷ و ۴۳۶ از یعقوب بن منقوش: «حضور ابو محمد حسن بن علی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیدم، ایشان بر سکویی که در خانه بود نشسته بودند. سمت راست ایشان اتافی بود که بر آن پرده‌ای آویخته قرار داشت. عرضه داشتم: آقای من! صاحب این امر کیست؟ فرمودند: پرده را بالا بزن، من نیز چنین کردم و پسری که پنج وجب داشت و ده یا هشت ساله و یا

۱. الخرائج والجرائح ۳ / ۱۱۷۴، اعلام الوری / ۴۱۲ و اثبات الهداة ۱ / ۱۱۳ و ۳ / ۴۷۹

همین سنین می نمود بیرون آمد، پیشانی اش آشکار بود و رویش سفید، چشمانی درخشان داشت، کف دستانش درشت و زانوان مایل به جلو بود، خالی برگونه ی راست و موهایی بافته برسر داشت، آمد و بران ابو محمد علیه السلام نشست. ایشان به من فرمودند: این صاحب شماسست، آنگاه از جا جهید و به او فرمود: پسر! تا هنگام معلوم داخل شو، او هم وارد اتاق شد و من نظاره می کردم.

سپس به من فرمودند: ای یعقوب! ببین که داخل اتاق است، من هم وارد شدم ولی احدی را ندیدم.»

کافی ۱/ ۳۲۹ از ضوء بن علی عجلای از مردی از اهل فارس که نام او را گفت، روایت می کند: «به سامرا و کنار در منزل ابو محمد علیه السلام آمدم، ایشان مرا فراخواندند، وارد شدم و سلام کردم، فرمودند: علت آمدنت چیست؟ عرضه داشتم: اشتیاق به خدمت شما، فرمودند: پس در خانه باش.

من در خانه همراه خادمان بودم، بیرون می رفتم و مایحتاج آنها را از بازار می خریدم و هرگاه مردانی در خانه بودند، بدون اذن وارد می شدم. روزی وارد شدم و امام در بیرونی بودند، صدایی در خانه شنیدم، ایشان یکباره ندا کردند: همان جا بمان، من هم جرأت نکردم داخل شوم یا بیرون روم، آنگاه کنیزی که چیزی پوشیده با خود داشت بیرون آمد. سپس حضرت ندا کردند: وارد شو و داخل شدم. آن کنیز را هم صدا زدند و او نیز بازگشت، بدو فرمودند: از آنچه با خود داری پرده بردار، او چنین کرد و پسری سفید روی و زیبا نمایان شد، شکم او را نیز نشان داد، مویی سبز و نه سیاه از بالای سینه تا ناف او امتداد داشت، ابو محمد علیه السلام فرمود: این صاحب شماسست، سپس کنیز را فرمان دادند و او را برد، و بعد از آن دیگر او را ندیدم.»

مرحوم کلینی در ۱/ ۵۱۴ نیز آن را نقل می کند و در ادامه آمده است: «ضوء بن علی به فارسی گفت: سنّ او را چقدر تخمین زدی؟ او گفت: دو سال. عبدی [که ناقل این روایت از ضوء است] به ضوء گفت: تو [الآن] او را در چه سنینی می پنداری؟ ضوء گفت: چهارده سالگی.

ابو علی و ابو عبد الله [که در سند این روایت هستند] گفتند: ما سنّ او را بیست و یک سال تخمین می‌زنیم.^۱

غیبت شیخ طوسی / ۲۱۵ از محمد بن اسماعیل حسنی و علی بن عبد الله حسنی نقل می‌کند: «در سامرا حضور امام ابو محمد ع رسیدیم، جماعتی از شیعیان نیز حضور داشتند، بدر خادم وارد شد و گفت: مولای من! قومی ژولیده و غبار آلود بر در هستند، حضرت فرمودند: اینان گروهی از شیعیان ما در یمن هستند...»

امام ع به بدر فرمودند: برو و عثمان بن سعید عمری را بیاور، اندک زمانی گذشت که عثمان وارد شد. ایشان فرمودند: ای عثمان! برو - که تو وکیل و مورد اعتماد امین برمال خدایی - و مالی را که این یمنیان با خود حمل کرده‌اند بگیر...

همه گفتیم: سید ما! به خدا عثمان از بهترین شیعیان شماست، و بر آگاهی ما از منزلت او نزد خود افزودید که او وکیل و ثقه‌ی شما برمال خدای متعال است.

فرمودند: آری، و گواهی دهید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسر او محمد وکیل پسر مهدی شماست.»

نور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ولادت

کمال الدین ۲ / ۴۳۳ از محمد بن عثمان عمری رحمه الله نقل می‌کند: «هنگامی که مهدی جانشین ع به دنیا آمد نوری از بالای سراو تا بلندای آسمان رفت، سپس به صورت بر زمین افتاد و برای خدا سجده کرد، آنگاه سر برآورد و می‌فرمود: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ،^۲ خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و صاحبان دانش [نیز گواهی می‌دهند]، جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست. در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است. میلاد ایشان در روز جمعه بود.»

۱. کمال الدین ۲ / ۴۳۵، تقریب المعارف / ۱۸۴، غیبت شیخ طوسی / ۱۴۰ و الخرائج و الجرائع ۲ / ۹۵۷

۲. سوره‌ی آل عمران / ۱۹ - ۱۸

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

همان ۲/ ۴۹۹ از ابو عبد الله حسین بن اسماعیل کندی نقل می‌کند: «ابوطاهر بلالی به من گفت: توقیعی که از ابو محمد علیه السلام درباره‌ی جانشین پس از ایشان برای من آمد در خانه‌ی تو به امانت باشد.

سعد بن عبد الله به حسین بن اسماعیل گفت: دوست دارم نسخه‌ای از آن توقیع برایم بنویسی، او هم به ابوطاهر گفت، ابوطاهر گفت: او را بیاور تا بین من و او واسطه و سندی در کار نباشد.

دو سال پیش از آنکه امام عسکری علیه السلام از دنیا رود توقیعی از ایشان برایم آمد و از جانشین بعد از ایشان خبر می‌داد، و نیز سه روز پیش از شهادت آن حضرت توقیعی رسید و متضمن همان امر بود، خدا لعنت کند کسی را که حقوق اولیای خدا را انکار کند، و مردم را بر شانه‌های آنان نشاند، و الحمد لله کثیراً.^۱

تعمّد امام عسکری علیه السلام نسبت به کثرت عقیقه‌ی فرزندان

خداوند هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا کرد، به ایشان فرمان داد به شکرانه‌ی این فرزند نماز بگزارد و شتر قربانی کند. بعدها ایشان برای حسنین علیهما السلام نیز چنین کردند و ائمه علیهم السلام نیز به ایشان اقتدا نمودند.

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمد پدرش امام عسکری علیه السلام عقیقه‌ی فراوانی داد. کمال الدین ۲/ ۴۳۲ از محمد بن ابراهیم کوفی روایت می‌کند: «ابو محمد علیه السلام کسی را به نزد من فرستاد و گوسفندی ذبح شده برایم آورد و فرمود: این عقیقه‌ی پسر محمد است.» همان ۲/ ۴۳۰ از ابو جعفر عمری: «هنگامی که سید علیه السلام به دنیا آمد ابو محمد علیه السلام فرمودند: به سراغ ابو عمرو بفرستید، کسی را به دنبال او فرستادند و او آمد، امام علیه السلام فرمودند: ده هزار رطل^۲ نان و ده هزار رطل گوشت بخور و تقسیم کن - گمان می‌کنم فرمود: آن را در میان بنی هاشم تقسیم کن -، و فلان تعداد گوسفند برای او عقیقه کن.»

۱. تقریب المعارف / ۱۸۳، ارشاد / ۳۴۹، اعلام الوری / ۴۱۳ و الفصول المهمة / ۲۹۲

۲. واحدی در وزن

کمال الدین ۷۵۰/۲ از ابوالادیان روایت می‌کند: «من خادم امام عسکری علیه السلام بودم و نامه‌های ایشان را به شهرها می‌بردم. در آن بیماری که از دنیا رفتند نزد ایشان رفتم، ایشان نامه‌هایی نوشتند و به من سپرده فرمودند: این‌ها را به مدائن ببر، تو پانزده روز در سفر خواهی بود و در روز پانزدهم وارد سامرا خواهی شد که فریاد مرگ در خانه‌ی من می‌شنوی و مرا برمغتسل می‌یابی.

عرض کردم: آقای من! آن هنگام چه کسی امام خواهد بود؟ فرمودند: کسی که پاسخ‌های نامه‌های مرا از تو درخواست کند، قائم پس از من است.

گفتم: بیشتر بفرمایید، فرمودند: کسی که بر من نماز گزارد، قائم بعد از من می‌باشد. عرضه داشتم: بیشتر، فرمودند: آنکه از آنچه در کیسه است خبر دهد، او قائم بعد از من است. هیبت ایشان نگذاشت که بپرسم درون کیسه چه خواهد بود.

پس من نامه‌ها را برداشتم و به مدائن برده با جواب‌های آنها بازگشتم و در روز پانزدهم - همانسان که امام علیه السلام فرموده بودند - وارد سامرا شدم. به یکباره صدای فریاد از خانه‌ی ایشان شنیدم و ایشان را روی مغتسل یافتم. جعفر بن علی برادرشان را نیز دیدم که در خانه بود و شیعیان پیرامون او بودند و به او تسلیت و تبریک می‌گفتند!

من با خود گفتم: اگر این امام باشد امامت نادرست است، چرا که وی را می‌شناختم، نبیذ می‌نوشتید، قمار بازی می‌کرد و طنبور می‌نواخت. پس جلورفتم و تسلیت و تبریک گفتم اما درباره‌ی هیچ چیزی از من سؤال نکرد [و پاسخ نامه‌ها را مطالبه نکرد].

آنگاه عقید آمد و گفت: آقای من! برادرت کفن شد، برخیز و براو نماز بگزار، وی هم با شیعیان پیرامون که سمان و حسن بن علی قتیل معتصم معروف به سلمه پیشاپیش آنها بودند وارد شد. داخل خانه که شدیم با پیکر امام عسکری علیه السلام در کفن و بر روی تابوت مواجه شدیم. جعفر بن علی جلورفت تا بر برادر نماز گزارد. چون خواست تکبیر گوید کودکی گندمگون با موهای مجعد و دندان‌هایی فاصله دار بیرون آمد، ردای جعفر را کشید و فرمود: عمو! برو عقب که من به نماز بر پدرم شایسته‌ترم، او هم که رنگ چهره‌اش کبود و زرد شده بود عقب رفت، و آن کودک نماز خواند و امام عسکری علیه السلام در کنار قبر پدرشان دفن شدند.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آن کودک سپس به من فرمود: ای بصری! پاسخ‌های نامه‌هایی که با خود داری را به من بده، من نیز چنین کردم و با خود گفتم: این دو نشانه، تنها کیسه مانده است. سپس نزد جعفر بن علی رفتم، او نفس‌های بلندی می‌کشید. حاجز و شاء بدو گفت: آقای من! آن کودک که بود تا محاکمه‌اش کنیم؟ او گفت: به خدا قسم نه او را دیده‌ام و نه می‌شناسم.

ما نشسته بودیم که چند نفر از قم آمدند، سراغ امام حسن عسکری (ع) را گرفتند و از خبر وفات ایشان مطلع شدند، آنان گفتند: به چه کسی [به عنوان جانشین] تسلیت بگوییم؟ مردم هم به جعفر اشاره کردند. آنان به او سلام، تسلیت و تبریک گفتند، و گفتند: ما نامه‌ها و اموالی را به همراه داریم، آیا می‌گویی نامه‌ها از جانب چه کسانی است و اموال چه مقدار است؟ جعفر در حالی که لباس‌هایش را تکان می‌داد برخاست و گفت: از ما می‌خواهند علم غیب داشته باشیم!

خادم [امام (ع)] از خانه بیرون آمد و گفت: شما با خود نامه‌هایی از فلان و فلان و نیز کیسه‌ای که هزار دینار در آن است دارید، که ده دینار آن تقلبی است. آنها نامه‌ها و اموال را به او سپردند و گفتند: کسی که تو را برای دریافت این‌ها فرستاده امام است.

جعفر بن علی نزد معتمد رفت و جریان را گفت. معتمد خادم‌انش را فرستاد تا صقیل کنیز را دستگیر کنند. آنان از او سراغ کودک را گرفتند ولی او انکار کرد و مدّعی شد باردار است تا ماجرای کودک را بپوشاند، لذا او را نزد ابن ابی شوارب قاضی بردند که یکباره خبر مرگ عبیدالله بن یحیی بن خاقان و خروج صاحب زنج در بصره آمد و بدین وسیله به این امور مشغول شدند و آن کنیز از دست آنان رهایی یافت و الحمد لله رب العالمین.^۱

حضرت مهدی، بسان یحیی و عیسی (ع) در کودکی حکم خدا را دریافت نمود

کافی ۱ / ۳۸۴ از محمد بن اسماعیل بن بزیع نقل می‌کند: «از امام جواد (ع) درباره‌ی برخی امور مربوط به امام سؤال کردم و گفتم: آیا می‌شود امام کمتر از هفت سال داشته باشد؟

۱. و نیز الثاقب فی المناقب / ۲۶۵، تبصرة الولی / ۱۲۷ و اثبات الهداة ۳ / ۴۸۵ و ۴۷۲

فرمودند: آری، و کمتر از پنج سال.

سهل گوید: علی بن مهزیار در سال دویست و بیست و یک این حدیث را برایم نقل کرد.^۱
اثبات الوصیة / ۲۲۳ از علی بن مهزیار می آورد: «به امام هادی علیه السلام که بر امامت ابومحمد
عسکری علیه السلام تصریح کرده بودند گفتم: آقای من! آیا امام می تواند هفت سال داشته باشد؟
فرمودند: آری، و پنج سال.»

نگارنده: نبوت و امامت امری الهی است و ربطی به سن ندارد، بعد از آنی که عیسی علیه السلام
در گهواره سخن گفت و خود را نبی خواند،^۱ و خدا هم درباره ی یحیی فرمود: **وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا**،^۲
و نبوت را در کودکی به او دادیم.

همانگونه که خداوند به توسّط فرشتگان، انبیا و اوصیا را از کودکی تحت تکفّل قرار می دهد،
امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند از زمانی که آن حضرت از شیر
گرفته شد، بالاترین فرشته از فرشتگانش را با ایشان قرین کرد، او را به راه بزرگواری ها می برد و
محاسن اخلاق عالم را شب و روز به ایشان می آموخت.»^۳

لذا هیچ جای شگفتی نیست که با فرشتگان، ولی موعود خود را نگهداری کند.

۱. سوره ی مریم علیه السلام / ۳۰

۲. همان / ۱۲

۳. نهج البلاغة / ۲ / ۱۵۷

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

احادیث ولادت

برخی احادیث صحیح

عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَرَجُلَا الشَّرِيف

درباره ی ولادت حضرت مهدی

خلاصه‌ی بحث آیت الله میلانی

احادیث، آثار و گواهی‌ها در میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نه ده‌ها، بلکه به صدها مورد می‌رسد. بسیاری از دانشمندان گذشته و معاصر درباره‌ی اسناد آن بحث و بر صحت عدیدی از آن‌ها تصریح کرده‌اند، از معاصرین آیت الله میلانی در الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه فی الفکر الاسلامی، آقای مهری در ردّ اباطیل احمد الکاتب و شیخ احمد ماحوزی در کتاب ولادة القائم المهدی بالروایات الصحیحة الصریحة نگارش سید ولید المزیدی.

اما خلاصه‌ی بحث آقای میلانی صفحه‌ی ۱۰۶:

«تولد انسان با اقرار پدر و گواهی قابل به اثبات می‌رسد، اگرچه احدی غیر از آنها او را نبیند، حال چگونه خواهد بود اگر صدها نفر گواهی دهند که او را مشاهده کرده‌اند، مؤرخان بدان اعتراف کنند، نسب شناسان به نسب او تصریح نمایند، اموری از او به منصفی ظهور برسد که نزدیکان از آن خبردارند، سفارش‌ها، تعلیمات، نصائح، ارشادات، نامه‌ها و سخنان مشهور از او صادر شود، وکلای او معروف، سفیرانش معلوم، و یارانش در هر دوره و نسلی میلیون‌ها باشند. قسم به جانم کسی که از چنان ظروف و شرایطی سوء استفاده و ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را انکار می‌کند، دلایلی بیش از این برای اثبات به دنیا آمدن ایشان نیاز دارد؟ یا آنکه به مشرکانی می‌ماند که به جدّ ایشان رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا. أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا. أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَنَا بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا. أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُفَيْكَ حَتَّى تُنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرَأُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا، گفتند: هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا برای ما از زمین چشمه‌ای روان سازی، یا تو را بستانی باشد از درختان خرما و انگور که در خلالش نهرها جاری گردانی، یا چنان که گفته‌ای آسمان را پاره پاره بر سر ما افکنی یا خدا و فرشتگان را پیش ما حاضر آوری، یا تو را خانه‌ای از طلا باشد، یا به آسمان بالا روی. و ما به آسمان رفتنت را باور نکنیم تا برای ما کتابی که آن بخوانیم بیاوری. بگو: پروردگار من منزّه است، آیا جز این است که من انسانی هستم که به رسالت آمده‌ام؟»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

امام عسکری علیه السلام از ولادت فرزندشان خبر می دهند

۱. روایت صحیح از محمد بن یحیی العطار از احمد بن اسحاق از ابوهاشم جعفری: «به امام عسکری علیه السلام گفتم: جلالت شما مانع می شود سؤال بپرسم، آیا اجازه می دهید؟ فرمودند: بپرس، عرض کردم: آقای من! آیا فرزندی دارید؟ فرمودند: آری، گفتم: اگر حادثه ای برای شما رخ داد کجا سراغ او را بگیرم؟ فرمودند: در مدینه.»

۲. روایت صحیح از علی بن محمد از محمد بن علی بن بلال: «دو سال پیش از آنکه ابومحمد علیه السلام از دنیا رود از سوی ایشان نامه ای برایم آمد و مرا از جانشین ایشان خبر داد، و سه روز قبل از آنکه از دنیا رود نیز نامه ای رسید و از جانشین خبر می داد.»

علی بن محمد در این روایت ثقه‌ی ادیب فاضل ابن بندار است، محمد بن علی بن بلال هم در وثاقت و جلالت چنان مشهور است که شخصیتی چون ابوالقاسم حسین بن روح به او مراجعه می کرده است.

گواهان ولادت امام علیه السلام، از معاصران و غیر معاصران

۳. بانوی پاک و علویه حکیمه دختر امام جواد و خواهر امام هادی و عمه‌ی امام عسکری علیه السلام عهده دار امر قابلیت بود، همو که در هنگام ولادت امام علیه السلام به یاری جناب نرجس علیها السلام آمد. ایشان تصریح می کند که امام علیه السلام را پس از ولادت دیده است. برخی بانوان از جمله کنیز ابوعلی خیزرانی - که وی آن را به امام عسکری علیه السلام اهدا کرده بود هم چنانکه محمد بن یحیی که از ثقات است بدان تصریح نموده - و ماریه و نسیم خادمه نیز در این امر کمک کرده اند. و معلوم است که در میان مسلمانان کسی جز زنان قابله از ولادت آگاهی نمی یابد.

امام عسکری علیه السلام پس از ولادت فرزندشان سنت شریف عقیقه را انجام دادند، عملی که سنت مداران هنگامی که خداوند از فضل خود فرزندی روزی شان می کند انجام می دهند.

تعدادی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام نیز گواهی به مشاهده‌ی ایشان داده اند. افرادی هم بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام گواهی به این امر داده اند، یعنی در غیبت صغری که از سال ۲۶۰ شروع شد و تا ۳۲۹ ادامه یافت.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به جهت کثرت گواهان، ما به آنچه بزرگان متقدم شیعه نگاشته اند اکتفا می کنیم؛ شیخ کلینی متوفای سال ۳۲۹ که تقریباً تمام غیبت صغری را درک کرده است، شیخ صدوق م ۳۸۱، شیخ مفید م ۴۱۳ و شیخ طوسی م ۴۶۰.

در ابتدا برخی روایات ایشان درباره ی خصوص کسانی که آن حضرت را مشاهده کرده اند می آوریم، بعد از آن تنها اسامی کسانی که در کتب این چهار بزرگوار روایت مشاهده ی آنها آمده است را خواهیم آورد. از جمله ی آنها:

۴. کافی ۱/ ۳۲۹ با سند صحیح از عبد الله بن جعفر حمیری روایت می کند: «من و ابو عمرو رضی الله عنهما [عثمان بن سعید سفیر نخست امام عصر علیه السلام] نزد احمد بن اسحاق بودیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از ایشان درباره ی جانشین سؤال کنم، من هم گفتم: ای ابا عمرو! می خواهم از شما در مورد مطلبی پرسش کنم، و البته که هیچ شکی در این رابطه ندارم، اعتقاد من این است که زمین از حجت خالی نمی شود، مگر چهل روز پیش از قیامت، آن هنگام است که حجت از میان برداشته، و در توبه بسته می شود، پس لم یکن ینفع نفساً ایمانها لم تکن امنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً،^۱ کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد. آنان شرار خلق خداوند عزوجل هستند، و قیامت بر آنان برپا می شود. من دوست دارم بریقینم افزوده شود، و ابراهیم علیه السلام هم از پروردگارش درخواست کرد به او نشان دهد چسان مردگان را زنده می گرداند، قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لَّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي،^۲ فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟ گفت: چرا، ولی تا دلم آرامش یابد، ابو علی احمد بن اسحاق برایم گفت: به ابو الحسن [امام هادی علیه السلام] گفتم: با چه کسی ارتباط داشته باشم، از که دینم را اخذ کنم و قول که را بپذیرم؟ ایشان فرمودند: عمری [عثمان بن سعید] مورد اعتماد من است، پس هر آنچه از من به تو رساند از من رسانده است، و هر چه از من به تو بگوید از من گفته است، از او بشنو و فرمان بر، زیرا ثقه ی امین است.

۱. سوره ی انعام / ۱۵۸

۲. سوره ی بقره / ۲۶۰

ابو علی دیگر بار برایم گفت: همان سؤال را از امام عسکری علیه السلام پرسیدم، ایشان فرمودند: عَمَری و پسرش [محمد بن عثمان] دو تن مورد اعتمادند، هر چه از من به تو برسانند، از من رسانده اند، و هر آنچه بگویند از من می گویند، از آن دو بشنو و فرمانشان بر که دو ثقه ی امینند. و این سخن دو امام درگذشته در مورد توسست.

ابو عمرو [به شکرانه] به سجده درآمد، گریست، و گفت: سؤال خود را بپرس، گفتم: آیا جانشین ابو محمد علیه السلام را دیده ای؟ ابو عمرو فرمود: به خدا سوگند آری، و گردنش چنین بود - و با دست [به گردن خود] اشاره کرد -.

گفتم: سؤال دیگری نیز دارم، فرمود: بپرس، گفتم: نامش چیست؟ فرمود: شما از پرسش این سؤال ممنوع هستید، من این را از پیش خود نمی گویم زیرا حق حلال کردن و حرام کردن را ندارم، بلکه از خود ایشان علیه السلام می گویم. زیرا باور سلطان این است که ابو محمد علیه السلام از دنیا رفته و فرزندی به جای نگذاشته است، میراث ایشان را قسمت کرده اند، و کسی که هیچ نصیبی در آن ندارد آن را تصاحب کرده است. خانواده اش [برای نیازهایشان] این سوو آن سو می روند ولی احدی جرأت ندارد خود را به آنان بشناساند یا به آنها کمکی برساند، و اگر نام ایشان معلوم شود به دنبال ایشان خواهند گشت، پس تقوای خدا پیشه کنید و از این امر دست نگه دارید.»

۵. همان با سندی صحیح از علی بن محمد که همان ابن بندار ثقه است از [حمدان] مهران قلانسی ثقه روایت می کند: «به عَمَری گفتم: ابو محمد علیه السلام از دنیا رفت؟ فرمود: ایشان از دنیا رفت، ولی کسی را در میان شما جانشین گذارد که گردنش چون این است - و با دست [به گردن خود] اشاره کرد -».

۶. شیخ صدوق با سند صحیح از مشایخ جلیل القدر نقل می کند: «محمد بن حسن از عبد الله بن جعفر حمیری روایت می کند: به محمد بن عثمان عَمَری علیه السلام گفتم: من همان سؤال ابراهیم از پروردگارش را از شما می پرسم، آن هنگام که گفت: رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِمُتُؤْمِنُ قَالَ بَلَى وَلَئِنْ لَيُظْمَرَنَّ قَلْبِي، ای پروردگار من! به من بنمای که مردگان را چگونه زنده می سازی. گفت: آیا هنوز ایمان نیاورده ای؟ گفت: بلی، و لکن می خواهم که دلم آرام یابد؛

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

به من بگویند آیا صاحب این امر را دیده‌اید؟ فرمود: آری، و گردنی چنین دارد - و با دست به گردن خود اشاره کرد -»^۱

۷. **کمال الدین:** «ابو جعفر محمد بن علی اسود برایم گفت: علی بن حسین بن موسی بن بابویه پس از وفات محمد بن عثمان عَمری علیه السلام از من خواست تا از ابوالقاسم حسین بن روح درخواست کنم که از مولایمان صاحب الزمان علیه السلام بخواهد به درگاه خدای عزوجل دعا کنند تا فرزندی پسر به او عطا نماید.

من این پیغام را رساندم، و ایشان آن را به حضرت ابلاغ نمود، و بعد از سه روز به من خبر داد که حضرت برای علی بن حسین دعا کرده‌اند، و برای او فرزندی مبارک که خدا او را نافع قرار می‌دهد زاده خواهد شد، و پس از او نیز فرزندانی به هم خواهند رسید.

شیخ صدوق بعد از نقل این جریان می‌نویسد: ابو جعفر محمد بن علی اسود علیه السلام بارها - که مرا می‌دید به مجلس استادم محمد بن حسن بن احمد بن ولید علیه السلام می‌روم و به کتب علم و نگاهداری آن رغبت دارم - به من گفت: هیچ عجیب نیست تو چنین رغبتی به دانش داشته باشی، زیرا به دعای امام علیه السلام به دنیا آمده‌ای.»

۸. **شیخ طوسی در کتاب غیبت از جلیلان و بزرگان شیعه روایت می‌کند و می‌نویسد:**
«محمد بن محمد بن نعمان [شیخ مفید] و حسین بن عبیدالله از ابوعبدالله محمد بن احمد صفوانی برایم روایت کردند: شیخ ابوالقاسم [حسین بن روح سفیر سوم] علیه السلام به ابوالحسن علی بن محمد سمری علیه السلام وصیت کرد، و ایشان عهده دار آن امری شدند که وی بر عهده داشت.

چون هنگام وفات ایشان [علی بن محمد] فرا رسید، شیعیان نزد او حضور یافتند و در مورد جانشین و قائم مقام او سؤال کردند ولی ایشان در این باره هیچ نگفت، و سخن از این گفت که امر نشده به کسی در این باب وصیت کند.»

و مخفی نیست که جایگاه سمری همان جایگاه حسین بن روح یعنی وکالت از امام علیه السلام است، و مشاهده‌ی ایشان را در اموری که بدان نیاز پیدا کند می‌طلبند، و از این روست که وصایا،

۱. کمال الدین ۲/ ۴۴۱

ارشادات، اوامرو فرمایشات امام مهدی علیه السلام که بردست سفرای چهارگانه رسیده، متواتر است.

۹. روایات، صریح در آن است که سفیران چهارگانه و دیگران امام علیه السلام را رؤیت کرده اند، افرادی از جمله: ابراهیم بن ادريس ابو احمد، ابراهیم بن عبده ی نیشابوری، ابراهیم بن محمد تبریزی، ابراهیم بن مهزیار ابو اسحاق اهوازی، احمد بن اسحاق بن سعد اشعری - وی یک بار دیگر هم به همراه سعد بن عبد الله بن ابی خلف اشعری امام علیه السلام را مشاهده کرده است -، احمد بن حسین بن عبد الملک ابو جعفر ازدی، احمد بن عبد الله هاشمی از فرزندان عباس به همراه سی و نه مرد دیگر، احمد بن محمد بن مطهر ابو علی از یاران امام هادی و امام عسکری علیه السلام، احمد بن هلال ابو جعفر عبرتائی - وی پیش از آنکه به زمره ی غالیان پیوندد به دیدار حضرت مشرف شده است - و جماعتی همراهش از جمله: علی بن بلال، محمد بن معاویه بن حکیم، حسن بن ایوب بن نوح، عثمان بن سعید عمری رضی الله عنه تا چهل نفر، اسماعیل بن علی نوبختی ابو سهل، ابو عبد الله بن صالح، ابو محمد حسن بن وجناء نصیبی، ابو هارون از اساتید محمد بن حسن کرخی، جعفر کذاب عموی آن حضرت - دو بار -، بانوی پاک علویه حکیمه دختر امام جواد علیه السلام، زهری - که زهرانی هم گفته شده - به همراه عمری، رشیق صاحب مادرای، ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه، عبد الله سوری، عمرو اهوازی، علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی، علی بن محمد شمشاطی فرستاده ی جعفر بن ابراهیم یمانی، ابو سعید غانم هندی، کامل بن ابراهیم مدنی، ابو عمرو عثمان بن سعید عمری رضی الله عنه، محمد بن احمد انصاری ابو نعیم زیدی - که ابو علی محمودی، علان کلینی، ابو هیثم دیناری، ابو جعفر احوال همدانی و سید محمد بن قاسم علوی عقیقی تا حدود سی نفر با او بودند -، سید موسوی محمد بن اسماعیل بن امام موسی بن جعفر علیه السلام - وی پیرترین کس از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله در عصر خویش بود -، محمد بن جعفر ابو العباس حمیری با گروهی از شیعیان قم، محمد بن حسن بن عبید الله تمیمی زیدی معروف به ابو سوره، محمد بن صالح بن علی بن محمد بن قنبر کبیر غلام امام رضا علیه السلام، محمد بن عثمان عمری با چهل تن به اجازه ی امام عسکری علیه السلام که در میان آنها افرادی چون معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب بن نوح، یعقوب بن منقوش، یعقوب بن یوسف ضرباب غسانی و یوسف بن احمد جعفری حضور داشتند.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

گواهی وکلای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

و نیز کسانی که ایشان و معجزاتی از ایشان را دیده‌اند

۱۰. شیخ صدوق کسانی را که از معجزات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه آگاهی یافته و ایشان را دیده‌اند ذکر می‌کند، آنان چنان زیاد هستند که تبانی شان بر دروغ امکان ندارد، مخصوصاً آنکه اهالی مناطق مختلف هستند، وکلای حضرت از جمله: عمری و پسرش، حاجز، بلالی و عطار از بغداد، عاصمی از کوفه، محمد بن ابراهیم بن مهزیار از اهواز، احمد بن اسحاق از قم، محمد بن صالح از همدان، بشامی و اسدی یعنی محمد بن ابوعبدالله کوفی از اهل ری، قاسم بن علاء از آذربایجان و محمد بن شاذان از نیشابور.

از غیر وکیلان: ابوالقاسم بن ابی حلیس، ابوعبدالله کندی، ابوعبدالله جنیدی، هارون قزاز، نیلی، ابوالقاسم بن دبیس، ابوعبدالله بن فروخ، مسرور طباطبائی غلام امام هادی عجل الله تعالی فرجه، احمد بن الحسن، محمد بن الحسن، اسحاق کاتب از بنی نوبخت و دیگران از بغداد، محمد بن کشمرد، جعفر بن حمدان و محمد بن هارون بن عمران از همدان، حسن بن هارون، احمد بن اخیة و ابوالحسن از دینور، ابن باشاذله از اصفهان، زیدان از صیمره، حسن بن نصر، محمد بن محمد، علی بن محمد بن اسحاق، پدر او و حسن بن یعقوب از قم، قاسم بن موسی، پسرش، ابو محمد بن هارون، علی بن محمد، محمد بن محمد کلینی و ابو جعفر رفاء از ری، مرداس و علی بن احمد از قزوین، محمد بن شعیب بن صالح از نیشابور، فضل بن یزید، حسن بن فضل بن یزید، جعفری، ابن اعجمی و علی بن محمد شمشاطی از یمن، ابوجراء و غیر او از مصر و ابو محمد حسن بن وجناء نصیبی از نصیبین.

ایشان کسانی را که از اهالی شهرزور، صیمره، فارس، قابس و مرو بوده و امام عجل الله تعالی فرجه را دیده‌اند نیز نام می‌برد.

گواهی خادمان و کنیزان به مشاهده‌ی امام عجل الله تعالی فرجه

۱۱. خادمان امام عسکری عجل الله تعالی فرجه و برخی کنیزان نیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را مشاهده کرده‌اند، کسانی چون ابو نصر طریف خادم، خادمه‌ی ابراهیم بن عبده نیشابوری که با مولایش آن حضرت را دید،

ابوالادیان خادم، ابو غانم خادم که گفت: برای ابو محمد علیه السلام پسری به دنیا آمد و ایشان او را محمد نام نهاد، در روز سوم او را به اصحابش نشان داد و فرمود: این پس از من صاحب شما و خلیفه‌ی من بر شماست، این است قائمی که گردن‌ها با انتظار به سویش کشیده می‌شود، پس هنگامی که زمین از ستم و بیداد پر شود خروج کرده آن را از عدل و داد می‌آکند.

عقید خادم، پیرزنی خدمتکار و کنیز ابو علی خیزرانی که آن را به امام عسکری علیه السلام اهدا کرده بود نیز در میان گواهانند.

واکنش دستگاه حاکم، دلیلی بروادت امام مهدی علیه السلام

۱۲. امام حسن عسکری علیه السلام در ربیع الثانی سال ۲۳۲ به دنیا آمدند، و با سه تن از حاکمان بنی عباس - معتمد ۲۵۵، مهتدی م ۲۵۶ و معتمد م ۲۷۹ - معاصر بودند.

معتمد عناد و دشمنی شدیدی با اهل بیت علیهم السلام داشت. کسی که تاریخ طبری و دیگر کتب را بررسی کند و حوادث سال‌های ۲۵۷ تا ۲۶۰ - که سال‌های نخست حکومت اوست - را از نظر بگذراند، کینه توزی او نسبت به اهل بیت علیهم السلام را نیک درمی‌یابد. البته خدا در این دنیا نیز او را عقاب کرد، او در سلطنت خود هیچ نداشت تا جایی که به سیصد دینار نیاز پیدار کرد ولی به دست نیاورد، و به مرگی بد مرد، آنگاه ترکان او را در سرب مذاپ انداختند!

یکی از کرده‌های وقیحانه‌ی او آن است که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، فرمان داد منزل ایشان را تفتیش کنند، به دنبال حضرت مهدی علیه السلام بگردند، کنیزان امام عسکری علیه السلام را حبس و همسران ایشان را دستگیر کنند، و جعفر کذاب نیز در راستای دستیابی به جایگاه برادر در میان شیعیان، مأموران را کمک می‌کرد!

کار چنان شد که - آنگونه که شیخ مفید می‌فرماید - بازماندگان امام عسکری علیه السلام با دستگیری، زندان، تهدید، تحقیر و استخفاف مواجه شدند! و جبهه‌ای که معتمد در برابر حضرت مهدی علیه السلام اتخاذ کرده بود بسان موقف فرعون از موسی علیه السلام بود که مادرش از ترس او، کودک را به آب انداخت.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

گواهی نسب شناسان به ولادت امام علیه السلام

۱۳. عالمان نسب که خبرگان این امرند نیز به این مطلب شهادت داده‌اند، از جمله:

الف. نسب شناس شهیر ابو نصر سهل بن عبد الله بن داود بن سلیمان بخاری از بزرگان قرن چهارم که به سال ۳۴۱ زنده بوده است. وی از مشهورترین نسب شناسان معاصر غیبت صغری بوده است.

وی در *سلسلة العلویة می نویسد: «جعفر فرزند علی بن محمد علیه السلام است، و هموست که شیعیان جعفر کذاب می نامند. علت این امر آن است که وی ادعای میراث برادرش حسن را به جای پسرش قائم حجت علیه السلام داشت، نه آنکه نسب او مشکلی داشته باشد.»*

ب. سید عمری نسابه‌ی معروف و از سرشناسان قرن پنجم، وی می نویسد: «ابو محمد علیه السلام از دنیا رفت و فرزندش از نرجس نزد خواص یاران و افراد مورد وثوق خاندانش معلوم بود، و جریانات ولادت او و اخباری که در این باره شنیده‌ایم را خواهیم آورد. مؤمنان و بلکه تمامی مردم با غیبت او امتحان شدند.

جعفر بن علی به مال و جایگاه برادرش طمع کرد، از این رو منکر شد ایشان فرزندی داشته باشد، برخی از فراعنه نیز او را در دستگیری کنیزان برادر یاری کردند.»

ج. فخر رازی شافعی م ۶۰۶ در *الشجرة المباركة فی أنساب الطالبية تحت عنوان اولاد امام عسکری علیه السلام می نویسد: «حسن عسکری امام، دو پسر و دو دختر داشت: یکی از آن دو پسر صاحب الزمان است و دومی در حیات پدر از دنیا رفت، آن دو دختری که فاطمه نام داشت و دیگری ام موسی و هر دو در حیات پدر از دنیا رفتند.»*

د. مروزی از زورقانی که بعد از سال ۶۱۴ در گذشته است، وی در کتاب *الفخری جعفر پسر امام هادی علیه السلام را به خاطر تلاش برای انکار برادر زاده اش به کذاب وصف می کند، و این بر اعتقاد وی به ولادت امام مهدی علیه السلام دلالت دارد.*

ه. سید جمال الدین احمد بن علی حسینی معروف به ابن عنبه نسابه م ۸۲۸ در *عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب می نویسد: «علی هادی، عسکری لقب دارد و این بدان جهت است که در سامرا که عسکر نام داشته اقامت داشته، مادر ایشان کنیز بوده است. ایشان در نهایت*

فضل و خرد بوده است. متوکل ایشان را به سامرا آورد و در آنجا ماند تا از دنیا رفت.

ایشان دو پسر از خود به جای گذاردند: امام ابو محمد حسن عسکری علیه السلام که زهد و دانش والایی داشت، و پدر امام محمد مهدی امام دوازدهم شیعیان است، و همان قائم منتظر آنهاست و از کنیزی به نام نرجس به دنیا آمده است. برادر ایشان [امام عسکری علیه السلام] هم ابو عبد الله جعفر و ملقب به کذاب بود، زیرا بعد از برادرش حسن امامت او را ادعا نمود. ابن عنبه در الفصول الفخرية - که به فارسی چاپ شده - نیز می نگارد: «ابو محمد حسن که او را عسکری گویند - و عسکر سامراست: متوکل او و پدرش را از مدینه به سامرا آورد و زندانی کرد. او یازدهمین امام از امامان دوازده گانه و پدر محمد مهدی علیه السلام دوازدهمین آنهاست». و نسب شناس زیدی سید ابوالحسن محمد حسینی یمانی صنعانی از سرشناسان قرن یازدهم، وی در مشجری خود ذیل نام امام علی النقی نام پنج پسر را می نویسد: امام عسکری علیه السلام، حسین، موسی، محمد و علی. و در ذیل نام امام عسکری علیه السلام می نویسد: محمد بن... و در مقابل آن منتظر شیعه.

ز. محمد امین سویدی م ۱۲۴۶ در سبائک الذهب فی معرفة قبائل العرب می نویسد: «محمد مهدی به هنگام وفات پدر پنج ساله بود. او قامتی میانه و چهره و مویی زیبا داشت، بینی اش برجستگی داشت و پیشانی اش نورانی بود.»

ح. نسب شناس معاصر محمد ویس حیدری سوری در الدرر البهیه فی أنساب الحیدریه و الأویسیه می نگارد: «امام حسن عسکری: در مدینه و به سال ۲۳۱ به دنیا آمد و در سال ۲۶۰ در سامرا از دنیا رفت.

امام محمد مهدی: هیچ فرزند و نسلی برای او ذکر نکرده اند.»

در حاشیه ی عبارت اخیر نوشته است: «او در نیمه ی شعبان سال ۲۵۵ به دنیا آمد و مادرش نرجس نام داشت. درباره اش گفته اند: یک رنگ [و بدون شائبه در رنگ]، پیشانی آشکار، ابروانی با فاصله، گونه کشیده و بینی اش دارای برجستگی است. بلند قامت، زیبا روی و بسان شاختی درخت بان است. پیشانی اش چونان ستاره ای درخشان است، در گونه ی راست خالی به مانند دانه ی مشک بر سفیدی نقره دارد، موهایی دارد که به نرمه ی گوش

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌رسد. دیدگان، موزونتر، زیباتر، آرام‌تر و با حیات‌ر از او ندیده‌اند.»

گروهی از عالمان سنی هم به ولادت ایشان اعتراف می‌کنند

۱۴. آقای میلانی در ادامه سخن ابن اثیر در مورد سال ۲۶۰، ابن خلکان در وفیات الاعیان، و ذهبی در سیر الاعلام و العبر درباره‌ی سال ۲۵۶ را ذکر می‌کند، اینان از جمله کسانی هستند که میلاد امام مهدی علیه السلام را ذکر کرده‌اند.

محقق حلی رحمته الله به مشاهده و مکاتبه‌ی امام مهدی علیه السلام استدلال می‌کند

محقق حلی رحمته الله در المسلك فی اصول الدین / ۳۱۱ می‌فرماید: «دلیل بر وجود حضرت از جهت نقل، اتفاق جماعت بسیاری از شیعیان بر مشاهده‌ی ایشان، و طائفه‌ای برنامه‌ها و مکاتبات ایشان است، اتفاقی که از مجموعه‌ی آن یقین به وجود آن امام حاصل می‌شود. برخی زنانی که آن حضرت را مشاهده کرده‌اند: حکیمه دختر امام محمد بن علی بن موسی علیه السلام، نسیم، ماریه و کنیز خیزرانی.

از مردان: ابوهارون، وی می‌گوید: من صاحب الزمان علیه السلام را دیده‌ام، میلاد ایشان در جمعه سال دویست و پنجاه و شش واقع شد.

ابوغانم خادم، او گوید: برای ابو محمد علیه السلام فرزندی به دنیا آمد که نامش را محمد گذاشت و در روز سوم او را به یاران خویش نمایاند.

از ابو حکیم محمد بن معاویه، محمد بن ایوب و محمد بن عثمان عمری نقل شده که گفتند: ابو محمد علیه السلام پسرش را به ما که چهل نفر بودیم نشان داده فرمودند: این امام شما پس از من است.

از جمله وکلا و کسانی که با ایشان نامه نگاری کردند: عمری و پسرش، محمد بن مهزیار، احمد بن اسحاق، قاسم بن علاء، بسامی، محمد بن شاذان و دیگران که از کثرت قابل شمارش نیستند، و با وقوف بر روایات آنان و آنچه از آنها نقل شده تواتر حاصل می‌شود و هر گونه شکی زائل می‌گردد.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدا

یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه‌های ظهور

رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

چه بسا بسیاری از مخالفین این عمر طولانی را بعید بشمارند، و منشأ آن غفلت از قدرت خداوند متعال، و قَلَّتْ تأمل و درنگ در اخبار معمرین^۱ است، کسانی مانند نوح عجل الله تعالی فرجه که طبق صریح قرآن بیش از نهصد و پنجاه سال زندگی کرد و در روایات عمروی هزار و پانصد سال ذکر شده است، سلیمان عجل الله تعالی فرجه هفتصد و دوازده سال عمر داشت، در زمان پیامبر ما ص سلمان فارسی چهار صد و پنجاه سال عمر نمود، و اگر این موارد هم نمی بود باز می دانستیم عمر طولانی می تواند تحت قدرت خداوند در آید، و بر او ناممکن نیست، آن هنگام که مصلحت اقتضا نماید.»

نه روایت صحیح، علاوه بر آنچه گذشت

علاوه بر آنچه ذکر کردیم و نیز روایات صحیحی که آقای میلانی آوردند، و نیز تواتری که محقق حلی رحمته الله بدان استناد نمودند، نه روایت صحیح دیگر نیز برای اتمام حجت بر معاندان از نظر می گذرانیم:

۱. کشف الحق / ۳۳: «ابو محمد بن شاذان رحمته الله گوید: محمد بن حمزه بن حسن بن عبد الله بن عباس بن علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه برایم گفت: از ابو محمد عجل الله تعالی فرجه شنیدم که فرمودند: ولیّ خدا و حجت او بر بندگان و خلیفه‌ی من بعد از من، در حالی که ختنه شده بود، در شب نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج به هنگام طلوع فجر به دنیا آمد. نخستین کسی که او را شست رضوان خازن بهشت به همراه جمعی از فرشتگان مقرب و با آب کوثر و سلسبیل بود، سپس عمه‌ام حکیمه دختر محمد بن علی الرضا او را شستشوداد. محمد بن حمزه گفت: مادر او ملیکه است، گاه او را سوسن و گاه ریحانه نیز گویند، صقیل و نرجس نیز از اسامی اوست.»

نگارنده: اینکه امام عسکری عجل الله تعالی فرجه نام کنیزی که او را آزاد کردند و به همسری گرفتند تغییر دادند، حکایت از مراقبت شدید خلیفه نسبت به خانه و کنیزان امام عجل الله تعالی فرجه است تا بلکه بدین وسیله از به دنیا آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جلوگیری به عمل آورند.

۱. کسانی که عمر درازی داشته‌اند.

۲. در فصل آماده سازی امت توسط رسول خدا ﷺ برای دوران غیبت، از کمال الدین ۴۰۹/۲ از ابوعلی بن همام گذشت: «از محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه شنیدم که گفت: از پدرم شنیدم: نزد امام حسن عسکری رضی الله عنه بودم که از ایشان درباره ی روایتی که از پدرانش نقل شده سؤال کردند: زمین تا روز قیامت از حجت خدا بر خلق خالی نخواهد شد، و هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است؟ فرمودند: این سخن حق است، همانسان که روز حق است.

پرسیدند: ای پسر رسول خدا! امام و حجت پس از شما کیست؟ فرمودند: پسر محمد امام و حجت بعد از من است، هر آنکه بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

بدان! او غیبتی دارد که جاهلان در آن سرگردان، و اهل باطل هلاک می شوند، و وقت گزاران دروغ می گویند، سپس خارج می شود، و گویا بیرق های سفید را می بینم که بر فراز سر او در نجف کوفه تکان می خورد.»

۳. اثبات الوصیة / ۲۱۷ از احمد بن اسحاق: «نزد ابو محمد رضی الله عنه وارد شدم، ایشان به من فرمودند: ای احمد! در این شک و تردیدی که مردم در آن به سر می برند حال شما چگونه است؟ عرضه داشتم: آقای من! هنگامی که نامه ی ولادت آقای ما رسید، مرد، زن یا پسری از ما [شیعیان] که قادر به درک و فهم باشد نماند جز آنکه به حق معتقد شد.

فرمودند: آیا ندانستید زمین از حجت خدا خالی نمی گردد؟ آنگاه به مادرشان فرمودند که در سال ۲۵۹ حج به جای آورد، و به او خبر دادند که در سال دویست و شصت چه بر سر خود می آید.

ایشان صاحب رضی الله عنه را احضار کردند و به او وصیت نمودند، اسم اعظم، مواریث و سلاح را نیز بدو سپردند. و مادر ابو محمد رضی الله عنه به همراه صاحب رضی الله عنه به مکه رفتند.»

۴. اثبات الهداة ۵۶۹/۳ از اثبات الرجعة فضل بن شاذان از محمد بن عبد الجبار آورده است: «به مولایم امام حسن بن علی رضی الله عنه عرض کردم: یابن رسول الله! خدا مرا فدای شما گرداند، دوست دارم بدانم پس از شما امام و حجت خدا بر بندگان شما کیست؟ فرمودند: پس از من،

پسر امام و حجت خداست، همو که همانم و هم کنیه ی رسول خداست، او آخرین حجت و خلیفه ی خداست.

عرض کردم: یابن رسول الله! از چه کسی به دنیا می آید؟ فرمودند: از دختر پسر قیصر پادشاه روم. بدان! او به دنیا می آید و برای مدتی طولانی، از مردم غائب می شود، سپس ظاهر می گردد.

۵. کمال الدین ۲ / ۴۴۰ از عبد الله بن جعفر حمیری: «از محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه شنیدیم: آن حضرت علیه السلام را دیدم که در کنار مستجار دست در پرده های کعبه آویخته و عرضه می دارد: خدایا! انتقام مرا از دشمنانم بگیر.»

۶. همان ۲ / ۴۳۳ از محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه نقل می کند: «هنگامی که مهدی جانشین علیه السلام به دنیا آمد، نوری از بالای سراو تا بلندای آسمان رفت، سپس به صورت بر زمین افتاد و برای خدا سجده کرد، آنگاه سر برآورد و می فرمود: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَكُ وَالْوَلِيُّ الْعَلِمُ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ، خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و صاحبان دانش [نیز گواهی می دهند]، جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست. در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است. میلاد ایشان در روز جمعه بود.»

۷. غیبت شیخ طوسی / ۲۱۷: «از جماعتی از شیعه از جمله علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب بن نوح روایت شده که گفتند: نزد ابو محمد حسن بن علی علیه السلام رفتیم تا از حجت بعد از ایشان سؤال کنیم و چهل نفر در مجلس ایشان حضور داشتند. عثمان بن سعید عمری برخاست و گفت: ای پسر پیامبر! می خواهم از شما در مورد مطلبی که خود از من بدان آگاهترید سؤال کنم، حضرت فرمودند: ای عثمان! بنشین، وی غضبناک برخاست که برود که امام علیه السلام فرمودند: هیچ کس بیرون نرود.

پس از مدتی عثمان را صدا زدند و او برد و قدم ایستاد، حضرت فرمودند: آیا به شما بگویم برای چه آمده اید؟ گفتند: آری، ای فرزند پیامبر! فرمودند: آمده اید تا از من درباره ی حجت

۱. سوره ی آل عمران / ۱۹ - ۱۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پس از من پرسش کنید، آنان هم پاسخ مثبت دادند. ناگهان پسری بسان پاره‌ی ماه که شبیه‌ترین مردم به ابومحمد بود حاضر شد، امام علیه السلام فرمودند: این امام شما بعد از من و خلیفه‌ی من بر شماست، از او فرمان برید و پس از من پراکنده نشوید که در اعتقادات خویش هلاک خواهید شد.

بدانید! شما او را بعد از این روز دیگر نخواهید دید تا آنکه به سنّ و سالی برسد، پس آنچه که عثمان می‌گوید را از او بپذیرید و به فرمانش عمل کنید، سخن او را قبول کنید که خلیفه‌ی امامتان است و اختیار با اوست.»

۸. کمال الدین ۲/ ۳۸۱ از ابوهاشم داود بن قاسم از امام هادی علیه السلام: «جانشین پس از من حسن است، ولی چگونه به جانشین بعد از جانشین دست یابید؟ عرض کردم: خدا مرا فدایت گرداند، چطور؟ فرمودند: شما او را نمی‌بینید و یاد کردن او به نام بر شما حلال نخواهد بود، گفتم: پس چگونه ایشان را یاد کنیم؟ فرمودند: بگویید: حجت از آل محمد علیهم السلام»

۹. اثبات الهداة ۳/ ۷۰۰ از فضل بن شاذان در اثبات الرجعة: «ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری گوید: هنگامی که عمرو بن عوف والی قصد کشتن مرا کرد، هراسی عظیم مرا فرا گرفت. با خانواده ام وداع کردم و به سمت خانه‌ی ابومحمد علیه السلام آمدم تا با ایشان نیز وداع کنم، و قصد فرار داشتم. چون برایشان وارد شدم پسری را دیدم که در کنار ایشان نشسته است. چهره‌ی او مانند ماه شب چهارده می‌درخشید، از نور و درخشش او مبهوت شدم و نزدیک بود فراموش کنم برای چه آمده‌ام، آن پسر فرمود: ای ابراهیم! مگریز، زیرا خداوند شتر او را از تو کوتاه خواهد نمود، پس حیرتم فزونی یافت.

به امام عسکری علیه السلام گفتم: آقای من! ای پسر رسول خدا! این کیست که از درون من خبر داد؟ فرمودند: این پسر من و خلیفه‌ی من پس از من است.

در آخر روایت آمده که وقتی ابراهیم از نزد امام علیه السلام بیرون آمد، عمویش به او خبر داد که معتمد برادرش را به سراغ عمرو بن عوف فرستاده و به او دستور قتل وی را داده است.»

کشف الحق / ۴۴ آن را به طور کامل نقل می‌کند و در ادامه‌ی آن آمده است: «هموست که غیبتی طولانی خواهد داشت، و بعد از آنکه زمین از ستم و ظلم آکنده شود ظاهر شده

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آن را از عدل و داد خواهد آکند. از ایشان نام او را پرسیدم، فرمودند: او همنام و کنیه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، ولی بر هیچ کس جایز نیست او را نام برد و یا کنیه‌ی او را بگوید تا آنکه خداوند دولت و حکومت او را آشکار نماید، پس - ای ابراهیم! - آنچه را که امروز از ما دیدی و شنیدی جز از شایسته‌ی [آگاهی از] آن کتمان نما.

من بر آن دو و پدرانشان درود فرستادم و با استعانت از فضل خدا بیرون آمدم، و به آنچه از صاحب شنیده بودم اطمینان داشتم. [عمویم] علی بن فارس به من بشارت داد که معتمد برادرش ابواحمد را با فرمان قتل عمرو ارسال نموده است، ابواحمد نیز همان روز وی را گرفت و تکه تکه کرد، و الحمد لله رب العالمین.»

روایات گواهی حکیمه دختر امام جواد علیه السلام که عهده‌دار قابلیت بود

علامه‌ی محدّث سید هاشم بحرانی رحمته الله کتابی در موضوع کسانی که به دیدار امام علیه السلام نائل شده‌اند نگاشته و تا هفتاد و شش نفر را برشمرده است، که نخستین آنان عمه‌ی پدر امام عصر عجل الله تعالی فرجه، بانو حکیمه دختر امام جواد علیه السلام است.^۱

در منابع ما با چند سند و طریق که برخی هم صحیح است، گواهی حکیمه به ولادت آن حضرت آمده است. البته بین نقل‌های آن تفاوت مختصری از حیث اجمال و تفصیل یافت می‌شود، که قسمتی از آن در اثر جو و فضای خطرناک موجود و محیط به امام عسکری علیه السلام، و مخصوصاً نزدیکانی چون مادر و عمه بوده است.

از برخی روایات ظاهر می‌شود که حکیمه در برهه‌ای به مدینه رفته است، و این بدان معناست که وی مجبور بوده سامرا را ترک گوید، و بعدها به جهت رخداد اختلاف و درگیری میان فرماندهان ترک بر سر عزل و نصب خلیفه و بهبودی شرایط، بدان بازگشته و در آن از دنیا می‌رود و در کنار قبر امامین عسکریین علیه السلام دفن می‌شود.

در اینجا برخی روایات گواهی حکیمه را نقل و به برخی دیگر هم اشاره می‌کنیم:

کمال الدین ۴۱۷/۲ از محمد بن بحر شیبانی نقل می‌کند: «در سال دویست و هشتاد و شش

۱. الذریعة ۳/ ۳۲۶

وارد کربلا شدم و فرزند غریب رسول خدا ﷺ را زیارت کردم، آنگاه به بغداد و به سمت مقابر قریش آمدم، و این در نیم روز و اوج گرما بود و بادهای گرم نیز می وزید. چون به مشهد امام کاظم علیه السلام رسیدم و نسیم آن خاک پوشیده از رحمت و پیچیده در باغ های غفران را استشمام نمودم، با اشک هایی ریزان و نفس های بلند پیایی خود را بر آن قبر انداختم و اشک مانع نگاهم بود. چون اشک و ناله ام قطع شد چشمانم را گشودم و پیرمردی را دیدم که کمروشانه هایش خمیده بود، پیشانی و کف دستانش پینه بسته بود و به کس دیگری که همراه او در کنار قبر بود می گفت: پسر برادر! عمویت در اثر امور غیبی پیچیده و دانش های والایی که آن دو آقا بدو سپردند و جز سلمان کسی توان برگرفتن آنها را ندارد، به شرافتی عظیم دست یافته است، عمر عمومی تو دیگر به پایان رسیده است، و در پیروان ولایت کسی را نمی یابد که سرّ خود را با او بگوید!

من با خود گفتم: در طلب دانش خود را به هردری زده ام و به زحمت و مشقت بسیاری دچار شده ام، ولی سخنی از این پیرمرد به گوشم خورد که از دانشی عظیم حکایت می کند! بدو گفتم: ای پیرمرد! این دو آقا کیانند؟ گفت: دو ستاره ای که در خاک سامرا آرمیده اند، گفتم: تو را به ولایت و شرافت مکانت این دو آقا به جهت امامت و وراثت [از رسول خدا ﷺ] سوگند می دهم، من خواهان دانش آنان و در پی آثارشان هستم، و سوگندهای استوار یاد می کنم که اسرار آن دو سرور را حفظ کنم، او گفت: اگر راست می گویی احادیثی که از راویان با خود همراه داری را نشان ده، من هم چنین کردم و او چون کتاب ها و روایات همراه مرا بررسی نمود گفت: راست گفתי، من بشر بن سلیمان برده فروش از نسل ابویوب انصاری هستم، من یکی از موالیان ابوالحسن و ابومحمد علیهما السلام و همسایه ی آنها در سامرا هستم.

بدو گفتم: پس برادرت را با بیان برخی از اموری که خود از آن دو مشاهده کرده ای گرامی دار، صدا زد: مولای ما امام هادی علیه السلام مرا در امور بردگان خبره گردانده بود، و من جز با اجازه ی ایشان خرید و فروش نمی کردم، و با این کار از موارد شبهه ناک اجتناب می نمودم، تا آنکه آگاهی من در این باره کامل شد و فرق بین حلال و حرام را خوب می فهمیدم.

شبی در خانه ام در سامرا بودم و پاسی از آن گذشته بودم که ناگهان کسی در را کوفت.

به سرعت برخاستم و با کافور خادم فرستاده‌ی مولایمان امام هادی علیه السلام مواجه شدم، او گفت که ایشان مرا فرا می‌خواند. پس لباس هایم را پوشیدم و نزد ایشان رفتم، دیدم ایشان با پسرشان ابومحمد و خواهرشان حکیمه از پشت پرده سخن می‌گفتند، چون نشستم فرمودند: ای بشر! تواز فرزندان انصار هستی و این ولایت پیوسته در میان شما بوده و خلف از سلف آن را ارث می‌برد، و شما ثقات ما اهل بیت هستید.

من تورا به فضیلتی شرافت می‌دهم که بدان بر شیعیان سبقت گیری، با سَری که تورا از آن می‌آگاهانم و [آن این است که] تورا برای خرید کنیزی می‌فرستم، آنگاه نامه‌ای با خط و زبان رومی نوشتند و با انگشتر خود آن را مهر کردند، و کیسه‌ای زرد که دویست و بیست دینار در آن بود بیرون آوردند و فرمودند: این را بگیر و به بغداد برو، در ارتفاع روز بر معبر فرات حاضر شو و چون کشتی‌های اسیران کنارت رسید و کنیزان از آن بیرون آمدند، انواع خریداران از وکلای فرماندهان بنی عباس و جماعتی از جوانان عراق آنان را احاطه می‌کنند، تمام روز از دور کسی را که عمر بن یزید برده فروش نام دارد زیر نظر داشته باش تا آنکه او کنیزی را که چنین اوصافی دارد بر خریداران عرضه کند؛ دو جامه‌ی ضخیم حریر دربردارد، و نمی‌گذارد پرده را کنار زنند یا او را لمس کنند، و خریدار تنها می‌تواند از پس پرده‌ای نازک او را ببیند. برده فروش او را می‌زند و او هم به زبان رومی فریاد می‌زند، بدان که او می‌گوید: وای از هتک پوشش. در این هنگام یکی از خریداران می‌گوید: من او را به سیصد دینار می‌خرم، زیرا عفاف او بر رغبتم افزود، او به عربی می‌گوید: اگر در زئ سلیمان و بر سریر او در آیی هیچ رغبتی نسبت به تونخواهم داشت، پس بر مال خویش بترس!

برده فروش می‌گوید: چه چاره کنم، باید تورا بفروشم، آن کنیزگوید: عجله‌ای نیست و می‌بایست خریداری را برگزید که دلم به او و امانتداری و دیانتش آرام شود.

در این هنگام نزد عمر بن یزید برو و بگو: من نامه‌ای از برخی اشراف که به زبان و خط رومی است با خود دارم و در آن کرم، وفا، کمال و سخاوت او یاد شده است، این را به کنیز برده تا از آن به اخلاق فرستنده‌ی آن پی برد، و اگر بدو مایل شد و پسندید، من نسبت به خرید وکالت دارم.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بشرین سلیمان گفت: من هرآنچه را که مولایم مشخص کرده بود موبه موانجام دادم، پس چون او نامه را دید به شدت گریست و به عمرین یزید گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش و قسم سختی خورد که اگر بدو نفروشد خود را می‌کشد، من هم درباره‌ی قیمت با او به گفتگو پرداختم تا آنکه سرهمان مقدار دیناری که مولایم علیه السلام با من همراه کرده بود توافق کردیم، او هم کیسه را گرفت و آن کنیز را - که شادمان و خندان بود - به من داد.

من او را به حجره‌ای که در بغداد در آن مأوی داشتم بردم. آرام و قرار نداشتم، نامه‌ی مولایش علیه السلام را از جیب در آوردم، آن را می‌بوسیدم، برگونه و پلک می‌گذاشتم و بر بدن می‌کشیدم، با تعجب گفتم: آیا نامه‌ای را می‌بوسی که صاحبش را نمی‌شناسی؟ گفت: ای ناتوانی که نسبت به جایگاه پسران پیامبران معرفت اندک است! گوش بسپار و دل را [برای فراگیری این خبر] خالی کن؛ من ملیکه دختریشوعا پسر قیصر پادشاه روم هستم، مادرم از نسل حواریون و به شمعون وصی مسیح منتسب است، خبری عجیب برایت می‌گویم، جدّ من قیصر می‌خواست مرا که سیزده سال داشتم به ازدواج پسر برادرش در آورد، پس در قصر خود سیصد تن از نسل حواریین و کشیشان و راهبان، هفتصد نفر از افراد بلند پایه و چهار هزار نفر از فرماندهان و امیران لشکرو رؤسای قبائل گرد آورد، و از سلطنت عظیم خود تختی ساخته شده از انواع جواهر را بر فراز چهل پله در صحن قصر قرار داد. پس چون برادر زاده‌اش بر آن بالا رفت و صلیب‌ها را برگرداگرد او گرفتند، و اسقفان نیز برخاسته اسفار انجیل را باز کردند، صلیب‌ها بر زمین فرو افتاد، ستون‌ها به زمین نشست، و برادر زاده از فراز سریر افتاد و از هوش رفت!

رنگ اسقف‌ها دگرگون شد و به هراس افتادند، بزرگ آنها به پدر بزرگم گفت: ای پادشاه! ما را از ملاقات این امور منحوس که بر زوال دین مسیحی و این پادشاهی دلالت می‌کند معاف دارید. پدر بزرگم این را به فال بد گرفت و صدا زد: این ستون‌ها و صلیب‌ها را به پا دارید و برادر این بخت برگشته‌ی بدکار - که بیچاره پدر بزرگش - را بیاورید تا این دختر را به همسری او در آورم تا نحوست این یک را به خوش یمنی او دفع کنم. پس چون چنین کردند، همان واقعه رخ داد و مردم پراکنده شدند. پدر بزرگم با اندوه برخاست و داخل قصر خویش شد و

پرده‌ها را بیانداخت.

در آن شب دیدم که گویا مسیح، شمعون و تعدادی از حواریین فرود آمده و در قصر جدّم حضور به هم رسانیده‌اند، و در همان موضعی که جدّم آن سریر را قرار داده بود، منبری برافراشته‌اند که در بلندا و رفعت سر به آسمان می‌زند. آنگاه محمد به همراه گروهی از پسرانش وارد شدند، پس مسیح برخاست و او را به آغوش کشید، او می‌فرمود: ای روح الله! من نزد تو آمده‌ام تا از وصیّ تو شمعون، دخترش ملیکه را برای این پسر ام ابو محمد - صاحب این نامه - خواستگاری کنم.

مسیح به شمعون نگاهی کرد و فرمود: شرافت به سراغت آمده پس رَحِم خود را به رحم رسول خدا ﷺ پیوند زن، او نیز پذیرفت. پس بر فراز منبر رفتند و محمد خواستگاری کرد و مرا به ازدواج ایشان در آورد، و مسیح، فرزندان محمد و حواریون بر این امر گواه شدند.

از خواب که برخاستم ترسیدم این رؤیا را برای پدر و پدر بزرگم بگویم، شاید مرا بکشند، لذا آن را در خود نگاه داشتم و برای آنها بیان ننمودم. محبّت ابو محمد چنان در دلم جای گرفته بود که دست از خوردن و آشامیدن کشیدم، جسمم ضعیف و لاغر شد و به شدّت بیمار شدم. پدر بزرگم تمامی پزشکان شهرهای مختلف روم را حاضر کرد و دوائی مرا جویا شد، اما چون به مرحله‌ی یأس رسید به من گفت: نور دیدگانم! آیا خواسته‌ای در این دنیا داری تا برایت برآورم؟ گفتم: ای پدر بزرگ! درهای امید را بسته می‌بینم، خوب است اگر دست از شکنجه‌ی اسیران مسلمانی که در زندان داری برداشته، از غل و بند بَرهانی، و با آزادی بر آنان منت نهی، امید آنکه مسیح و مادرش مرا عافیت و شفا بخشند. هنگامی که او این کار را انجام داد، چنین وانمود کردم که رو به بهبودی‌ام، و اندکی غذا تناول کردم، لذا پدر بزرگم بسیار شادمان شد و به اکرام و گرامیداشت اسیران پرداخت.

پس از چهار شب چنین دیدم که بانوی بانوان به همراه مریم دخت عمران و هزار خدمتگزار بهشتی به دیدن من آمده است، مریم به من فرمود: این بانوی بانوان مادر همسرت ابو محمد ﷺ است، من دامن ایشان را گرفته گریستم و از ابای ابو محمد از دیدار خود گله کردم، ایشان به من فرمودند: پسر ام ابو محمد در حالی که توبه خداوند شرک می‌ورزی و

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بر آیین نصاری هستی به دیدارت نمی آید، این خواهرم مریم است و از دین تونزد خدای تعالی بیزاری می جوید، پس اگر رضایت خداوند عزوجل، مسیح و مریم و دیدار ابو محمد را خواستاری بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

هنگامی که این جمله را گفتم، بانوی بانوان مرا به سینه چسبانید و آرام کرد، او فرمود: هم اینک منتظر آن باش که ابو محمد به دیدارت آید، چرا که او را به سوی تومی فرستم.

از خواب برخاستم و می گفتم: چقدر مشتاق دیدن ابو محمد هستم. شب بعد ابو محمد علیه السلام در خواب نزد من آمد، گویا به او چنین می گفتم: حبیب من! آیا بعد از آنی که دلم را به محبت خویش مبتلا کردی با من طریق جفا پیش گرفتی؟ فرمود: تأخیر من تنها به علت شرک تو بود، حال که اسلام آوردی هر شب به دیدارت خواهم آمد، تا آنکه خداوند در بیداری ما را گرد آورد، و تا هم اکنون به دیدار من می آید.

بشر گفتم: بدو گفتم: چه شد که به اسارت در آمدی؟ پاسخ داد: ابو محمد یکی از شب ها به من خبر داد که پدر بزرگم فلان روز لشکری را برای نبرد با مسلمانان اعزام خواهد کرد، آنگاه خود نیز به دنبال آنها می رود، پس به طور ناشناس و در زوایای پنهان به همراه تنی چند از خدمتکاران از فلان راه به آنها ملحق شو، من نیز چنین کردم و لشکریان مسلمین بر ما غالب شدند و چنان شد که مشاهده نمودی، و تا امروز احدی غیر از تونمی داند که من دختر پادشاه روم، و این هم بابت آن است که من خود تورا آگاه کردم. پیرمردی که من سهم غنیمت او بودم نامم را سؤال کرد، من نام خود را فاش نکردم و گفتم: نرجس، و نام کنیزان را نیز پرسید.

بشر گوید: بدو گفتم: تو رومی هستی ولی شگفت آنکه به عربی سخن می گویی! فرمود: علاقه ی پدر بزرگم به دانش و فرهنگ، موجب شد مرا وادار کند تحت تعلیم زن مترجمی که به فرمان او بود قرار گیرم، او صبح و شام نزد من می آمد و زبان عربی را به من می آموخت تا آنکه آن را فرا گرفتم.

وقتی او را به سامرا بردم حضور مولایمان امام هادی علیه السلام رسید، ایشان بدو فرمودند: خداوند چسان عزت اسلام، ذلت نصرانیت و شرافت اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله را به تونمایاند؟ او پاسخ

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

داد: ای پسر رسول خدا! چگونه امری را برای شما وصف کنم که خود به آن داناترید؟ حضرت فرمودند: می خواهم تو را گرامی دارم، حال کدامیک نزد تو محبوبتر است، ده هزار درهم و یا بشارتی برای تو که شرف ابدی در آن است؟ عرضه داشت: بلکه بشارت، فرمودند: پس به فرزندی که بردنیا شرق تا به غرب حکم خواهد راند و زمین را از عدل و داد خواهد آکند، انسان که از ستم و ظلم پرشده، شادمان باش.

او پرسید: از چه کسی؟ فرمودند: از کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در فلان شب، از فلان ماه، از فلان سال در روم، از تو برای او خواستگاری کردند. گفت: از مسیح و وصی او خواستگاری کردند؟ حضرت فرمودند: مسیح و وصی او تو را به ازدواج که در آوردند؟ گفت: پسر شما ابو محمد، فرمودند: آیا او را می شناسی؟ عرضه داشت: از آن شبی که بردست بانوی بانوان مادرش اسلام آوردم، مگر شد شبی با او دیدار نکنم؟

حضرت فرمودند: ای کافور! خواهرم حکیمه را فرا بخوان، چون حکیمه وارد شد بدو فرمودند: این همان است، حکیمه هم مدتی طولانی او را در آغوش گرفت و از دیدار او بسیار شادمان شد، امام عجل الله تعالی فرجه به او فرمودند: ای دختر رسول خدا! او را به خانه ات ببر و فرائض و سنن را بیاموزان، زیرا همسر ابو محمد و مادر قائم عجل الله تعالی فرجه است.

همان ۲/۴۶۶ از محمد بن عبد الله طهوی روایت می کند: «پس از شهادت امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه به نزد حکیمه دختر امام جواد عجل الله تعالی فرجه رفتم تا از او درباره ی حجّت و حیرتی که مردم بدان دچار شده اند پرسش کنم، ایشان به من گفتند: بنشین، من هم نشستم، آنگاه فرمود: ای محمد! خداوند تبارک و تعالی زمین را از حجّتی گویا و یا ساکت خالی نخواهد گذارد، و پس از حسن و حسین - و بابت تفضیل آن دو و بیان این نکته که نظیری در زمین برای این دو وجود ندارند - آن را در دو برادر دیگر قرار نداد، جز آنکه خداوند فرزندان حسین عجل الله تعالی فرجه را بر فرزندان حسن عجل الله تعالی فرجه برتری داده است، همانگونه که فرزندان هارون را بر نسل موسی برتری داد، اگرچه موسی حجت بر هارون عجل الله تعالی فرجه بود، پس تا روز قیامت برتری از آن فرزندان او [امام حسین عجل الله تعالی فرجه] است.

و این امت ناگزیر از حیرتی است که اهل باطل در آن به تردید افتند و پیروان حق باقی

مانند تا خلق حجت و برهانی بر خداوند نداشته باشند، و این حیرت پس از شهادت ابو محمد حسن (علیه السلام) رخ نمود. گفتم: بانوی من! آیا حسن فرزندی هم داشت؟ تبسمی کرد و گفت: اگر حسن فرزندی نداشته باشد چه کسی پس از او حجت خواهد بود، و به تو گفتم که پس از امام حسن و امام حسین (علیه السلام) امامت دیگر برای دو برادر نخواهد بود [لذا جعفر کذاب نمی تواند این امر را ادعا کند].

گفتم: بانوی من! درباره ی ولادت و غیبت مولایم بفرمایید. فرمود: من کنیزی داشتم که نرجس خوانده می شد،^۱ پسر برادرم به دیدن من آمد که چشمش بدو افتاد، خدمت ایشان عرضه داشتم: آقای من! شاید از او خوشستان آمد، برایتان [به هدیه] بفرستم؟ فرمود: نه، ای عمه! ولی از او در شگفتم، گفتم: چرا؟ فرمود: فرزندی از او به دنیا خواهد آمد که نزد خدای عزوجل کرامت دارد، خدا به او زمین را از عدل و داد می آکند، همانسان که از ستم و جور پیر شده است، گفتم: آقای من! پس او را نزد شما بفرستم؟ فرمود: در این باره از پدرم (علیه السلام) اجازه بگیر، من هم لباسم را پوشیدم و به خانه ی ابوالحسن (علیه السلام) آمدم، سلام کردم و نشستم، ایشان خود سخن آغاز کرده فرمودند: ای حکیمه! نرجس را نزد پسرم ابو محمد بفرست، عرض کردم: آقای من! بابت همین نزد شما آمدم تا در این باره از شما رخصت گیرم، فرمودند: ای بانوی با برکت! خدای تبارک و تعالی دوست دارد تو را در این پاداش شریک گرداند، و نصیبی در خیر برایت قرار دهد.

پس به منزل بازگشتم و او را آراسته به ابو محمد (علیه السلام) هدیه نمودم، آن دورا در منزل خود جای دادم و چند روزی نزد من ماندند، سپس ایشان نزد پدر رفتند، و من هم آن دختر را با ایشان فرستادم.

ابوالحسن امام هادی (علیه السلام) به شهادت رسید و ابو محمد (علیه السلام) جانشین پدر شد، من هم بدانسان که به دیدار پدرش می رفتم به دیدار ایشان می رفتم. روزی نرجس خواست تا کفش از پایم در آورد، و گفت: بانوی من! کفشتان را بدهید تا در آورم، من گفتم: بلکه شما بانو و سرور منی، به خدا سوگند نه می گذارم شما کفشم را در آورید و نه آنکه مرا خدمت کنید،

۱. این جمله به اقتضای فضای شدید تقیه صادر شده است.

بلکه من شما را بر روی دیدگانم می نهم و خدمت می کنم. ابو محمد علیه السلام این سخن را شنید و فرمود: ای عمه! خدا به تو پاداش نیک عطا کند.

من تا غروب خورشید در حضور امام علیه السلام بودم، آنگاه کنیزی را صدا زده گفتم: لباس هایم را بیاور تا بروم، امام علیه السلام فرمودند: نه، ای عمه! امشب را نزد ما سپری کن، زیرا در این شب فرزندی به دنیا می آید که در درگاه خدا گرامی است و خدای عزوجل به وسیله ی او زمین را پس از مرگ آن زنده می گرداند.

عرض کردم: آقای من! از چه کسی، و حال آنکه در نرجس اثر حمل نمی بینم؟ فرمودند: از نرجس و نه دیگری، از جا پریدم و نرجس را خوب واری کردم و هیچ اثری در او به چشم نخورد، نزد امام علیه السلام برگشتم و خبر دادم که اثری در او نیست، ایشان تبسم کردند و فرمودند: هنگام فجر اثر حمل او برای آشکار می شود، زیرا مثل او مثل مادر موسی است که نشانه ی حمل در او آشکار نشد و تا زمان ولادت کسی از آن آگاهی نیافت، چون فرعون در طلب موسی شکم زنان باردار را پاره می کرد، و این هم نظیر موسی علیه السلام است.

حکیمه گوید: نزد نرجس بازگشتم و فرمایش امام علیه السلام را با او گفتم و حالش را پرسیدم، او گفت: بانوی من! هیچ نشانی از این امر در خود نمی بینم.

من تا طلوع فجر مراقب او بودم، او مقابل من خوابیده بود و هیچ پهلوی به پهلوی نشد، انتهای شب به هنگام طلوع فجر هراسان [از خواب] پرید، او را به سینه چسباندم و نام خدا را براو بردم، ابو محمد علیه السلام صدا زد: براو **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** بخوان، من هم چنین کردم و گفتم: حالت چطور است؟ گفت: آن مطلبی که مولایم به تو فرمودند آشکار شد، من باز سوره ی قدر را براو خواندم و جنینی که درون او بود نیز بسان من قرائت می کرد و بر من نیز سلام کرد.

از آنچه شنیدم ترس مرا فرا گرفت که ابو محمد علیه السلام صدا زد: از امر خدای عزیز وجلیل در شگفت نباش، زیرا خداوند تبارک و تعالی در کودکی زبان ما را به حکمت می گشاید و در بزرگی حجت در زمین قرار می دهد، کلام ایشان تمام نشده بود که نرجس از مقابل دیدگانم ناپدید شد، او را ندیدم و گویا میان من و او پرده ای زده شد، فریاد کنان به سوی ابو محمد علیه السلام دویدم، ایشان به من فرمودند: ای عمه! برگرد که او را در جایش خواهی یافت،

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام
یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی ها
نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

من هم بازگشتم و تنها مدتی اندک درنگ کردم که پرده‌ی میان من و او کنار رفت، و او را دیدم، چنان نوری از او ساطع بود که توان دیدن را از من گرفت.

به یکباره کودک را مشاهده کردم که به صورت و بردوزانوبه سجده افتاده، دو سبابه را بالا گرفته می‌فرماید: گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد، جَدِّم محمد رسول خداست، و پدرم، امیرالمؤمنین، آنگاه یک یک امامان را شمردند تا اینکه به خود رسیدند، در ادامه به درگاه خدا عرضه داشتند: خدایا! آنچه را که به من وعده داده‌ای عملی ساز، فرمان مرا به انجام رسان، گام مرا استوار گردان و زمین را به من از عدل و داد بیاکن.

ابو محمد علیه السلام صدا زدند: عمه! او را بگیر و بیاور، من نیز چنین کردم. چون بردستان من حضور پدر رسید سلام کرد، امام علیه السلام او را از من گرفتند و زبانشان را بدو دادند [و در کام او نهادند] و او از آن نوشید، آنگاه فرمودند: او را نزد مادرش ببر تا شیر دهد، و به من بازگردان.

من نیز او را به مادرش سپردم و او شیرش داد، و نزد ابو محمد علیه السلام بازگرداندم و پرنندگان بر فراز سر او حرکت می‌کردند. امام علیه السلام یکی از پرنندگان را صدا زده فرمودند: این را بگیر، محافظت کن و در هر چهل روز به ما بازگردان، پرنده هم او را گرفت و به آسمان پرید، دیگر پرنندگان نیز به دنبال او رفتند. شنیدم امام علیه السلام فرمودند: تو را به خدایی سپردم که مادر موسی موسی را بدو سپرد.

پس نرجس شروع کرد به گریه کردن، امام علیه السلام به او فرمودند: آرام باش که برای او شیر خوردن حرام است مگر از سینه‌ی تو، و همانگونه که موسی نزد مادرش بازگشت، به تو باز خواهد گشت، و این فرموده‌ی خداست: **فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ**، 'پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش روشن شود و غم نخورد.

عرضه داشتم: این پرنده چه بود؟ فرمودند: روح القدس که موکل به امامان علیهم السلام است، آنان را موفق و ارشاد می‌کند، و با دانش می‌پرورد.

پس از چهل روز آن پسر باز گردانده شد و پسر برادر علیه السلام سراغ من فرستاد و مرا فراخواند،

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

من هم حضور ایشان رسیدم و آن کودک را دیدم که در مقابل ایشان راه می‌رود، گفتم: مولای من! این پسر دو سال دارد؟ تبسمی کرد و فرمود: اولاد انبیاء و اوصیاء اگر امام باشند به خلاف دیگران نشوونما خواهند داشت، کودکی از ما اگر یک ماه بر او بگذرد بسان کسی است که یک سال بر او گذشته است، کودک ما در شکم مادر سخن می‌گوید، قرآن می‌خواند و پروردگارش را که عزیز و جلیل است عبادت می‌کند، و به هنگام شیرخوارگی ملائکه از او فرمان می‌برند و صبح و شام بر او فرود می‌آیند.

من هر چهل روز آن پسر را می‌دیدم تا آنکه تنها چند روز پیش از شهادت ابو محمد عجل الله تعالی فرجه او را به صورت مردی دیدم و نشناختم، به برادر زاده‌ام گفتم: این کیست که فرمان می‌دهید نزد او بنشینم؟ فرمودند: این پسر نرجس و خلیفه‌ی من بعد از من است، به زودی مرا از دست خواهید داد، پس از او بشنو و فرمان بر.

امام عجل الله تعالی فرجه چند روز بعد از دنیا رفتند و مردم اینگونه که می‌بینی پراکنده شدند، به خدا قسم من صبح و شام او را می‌بینم، و از آنچه می‌پرسید مرا آگاه می‌سازد و من هم به شما خبر می‌دهم. به خدا سوگند قصد آن دارم از او مطلبی را سؤال کنم ولی خود سخن بدان می‌آغازد. سؤالاتی بر من وارد می‌شود، و همان ساعت از جانب ایشان پاسخ آن به دست من می‌رسد، بدون آنکه من آنها را از ایشان پرسیده باشم. دیشب به من خبر داد که تونزد من می‌آیی و فرمان داد تو را از حقیقت آگاه کنم.

محمد بن عبد الله گوید: به خدا قسم حکیمه به من از اموری خبر داد که جز خدا کسی از آن آگاه نبود، لذا دانستم این مطلب صدق و حقیقتی از سوی خداست، چون این خداست که او را بر اموری که احدی را از آن مطلع نساخته، آگاهی می‌دهد.

دلائل الامامة / ۲۶۸ از اسماعیل حسنی از حکیمه دختر امام جواد عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «امام حسن بن علی عسکری عجل الله تعالی فرجه یک شب و یا یک روز به من فرمودند: دوست دارم امشب نزد ما افطار کنی، زیرا در این شب امری رخ خواهد داد، گفتم: چه؟ فرمودند: قائم از آل محمد در این شب به دنیا می‌آید، عرض کردم: از که؟ فرمودند: از نرجس. من به سراغ او نزد کنیزان رفتم، نخستین کسی که با من روبرو شد نرجس بود، فرمود: عمه! فدایت شوم، حالت چگونه

است؟ گفتم: بلکه من فدایت گردم، ای بانوی بانوان این زمان! پس کفشم را در آوردم و او آب آورد تا برپایم بریزد، قسم دادم که این کار را نکند، بدو گفتم: خداوند تو را به فرزندی که امشب به دنیا می آوری گرامی می دارد، با گفتن این سخن دیدم که حیا و وقار او را گرفت [و خجالت کشید]، و من هیچ اثر حمله در او مشاهده نکردم. او گفت: چه زمانی خواهد بود؟ من وقتی را تعیین نکردم مبادا دروغ گفته باشم، پس ابو محمد علیه السلام به من فرمود: در فجر اول. چون افطار کردم و نمازم را خواندم سررا بر زمین گذاشته خوابیدم، نرجس نیز همان جا با من خوابید. به هنگام نماز برخاستم و آماده شدم، او نیز چنین کرد. نماز گزاردم و به انتظار وقت ولادت نشستم، و کنیزان و نرجس خفتند. هنگامی که به گمانم زمان آن نزدیک شد بیرون آمدم و به آسمان نظر نمودم، ستارگان فرو می آمدند و نزدیک فجر اول بود.

به داخل بازگشتم و گویا شیطان دل مرا به تشویش انداخت [و دچار تردید کرد] که یکباره ابو محمد علیه السلام فرمودند: شتاب نکن، زیرا نزدیک شده است. ایشان در سجده بود و شنیدم در دعای خویش چیزی می خواند که نمی فهمیدم. چرت مرا در ربود که با حرکت نرجس بیدار شدم، به او گفتم: نام خدا بر تو، و به سینه ام چسبید، من کودک را به برگرفتم، نرجس به سجده افتاد، آن کودک نیز به سجده درآمد و صدا زد: لا إله إلا الله، محمد رسول خدا و علی حجت خداست، و یک یک امامان را نام برد تا به پدرش رسید. ابو محمد علیه السلام فرمودند: پسرم را نزد من بیاور، من هم رفتم تا او را آماده کنم ولی دیدم پاک و بی آلایش است، پس او را نزد امام علیه السلام آوردم. ایشان صورت، دست ها و پاهای او را بوسه دادند، زبان در دهان او گذاردند و آنسان که جوجه را با نوک غذا می دهند با او رفتار کردند، آنگاه فرمودند: بخوان، و شروع کرد از بسم الله الرحمن الرحیم...

سپس برخی کنیزان را که می دانستند این خبر را مخفی نگاه می دارد فراخواندند، او هم آمد و نگریست، حضرت فرمودند: براو سلام کنید و بوسه دهید، و بگویید: تو را به خدا می سپاریم، و رفتند.

سپس فرمودند: ای عمه! نرجس را برایم صدا بزن، من هم چنین کردم و به او گفتم: تو را فراخوانده تا با کودک وداع کنی، نرجس وداع کرد و ما او را با ابو محمد علیه السلام رها کردیم و آمدیم.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فردا که به نزد ایشان رفتم کودک را ندیدم، و تبریک گفتم، ایشان فرمودند: ای عمه! او در ودایع خداست، اگر خدا خروج او را اذن دهد.»

الخرائج و الجرائح ۱/ ۴۵۵ از حکیمه: «روزی نزد امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه رفتم، ایشان فرمودند: عمه! امشب را نزد ما سپری کن، زیرا خدا جانشین را در آن آشکار می‌سازد، گفتم: از چه کسی؟ فرمودند: نرجس، عرض کردم: در او اثری از بارداری مشاهده نمی‌کنم، فرمودند: عمه! او بسان مادر موسی است که هنگام ولادت اثر حمل در او آشکار شد. پس من و نرجس شب را در اتاقی ماندیم. نیمه شب هر دو نماز شب گزاریم، من با خود گفتم: فجر نزدیک شده ولی آنچه ابو محمد عجل الله تعالی فرجه فرموده رخ ننموده است! ایشان از اتاقشان صدا زدند: شتاب نکن، و من با خجالت به اتاق بازگشتم.

نرجس هراسان پیش من آمد، او را به سینه چسبانیدم و قل هو الله أحد، إنا أنزلناه وآية الكرسي را براو خواندم، و جانشین از درون شکم چون من قرائت می‌کرد.

نوری در خانه درخشید که یکباره دیدم جانشین زیر مادر و روبه قبله، سربه سجده گذارده است، پس او را برگرفتم. ابو محمد عجل الله تعالی فرجه از اتاق ندا کردند: ای عمه! پسر من بیاور. من هم او را حضور ایشان بردم، زبان خود را در کام او گذاشت و بران خود نشانند، فرمود: پسر من! به اذن خدا تکلم کن، او هم گفت: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَنُكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ،^۱ و خواستیم بر کسانی که در آن زمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم، و ایشان را وارثان قرار دهیم. و در زمین قدرتشان دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم. و خداوند، بر محمد مصطفی، علی مرتضی، فاطمه‌ی زهرا، حسن و حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد و حسن بن علی پدرم درود فرستد.

پزندگانی سبزم را احاطه کردند، ابو محمد عجل الله تعالی فرجه به یکی از آنان نگریست، او را فراخواند

۱. سوره‌ی قصص ۶/ ۵

و فرمود: او را بگیر و حفظ کن، تا آنکه خدا درباره اش اذن دهد، زیرا او امر خود را به انجام می‌رساند.

به ایشان گفتم: این پرنده و این پرندگان چیستند؟ فرمودند: این جبرئیل بود و اینان فرشتگان رحمت، آنگاه فرمودند: عمه! او را به مادرش بازگردان **كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**^۱، تا چشمش روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده‌ی خدا درست است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.

من نیز او را به مادر برگرداندم. چون به دنیا آمد پاکیزه و نظیف بود، و بر ساق دست راستش نوشته شده بود: **جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَّقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً**^۲، حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است.»

نگارنده: ظاهراً در این روایت تقدیم و تأخیری رخ داده است و این سخن جناب حکیمه: پرندگانی سبز ما را احاطه کردند، قسمت پایانی روایت بوده است. چنین امری در روایات طولانی متضمن جریانات متعدد طبیعی است.

غیبت شیخ طوسی / ۱۴۰ از ابو عبد الله مطهری از جناب حکیمه: «نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج امام عسکری علیه السلام سراغ من فرستاده فرمودند: ای عمه! امشب را نزد من افطار کن، زیرا خدای عزوجل تو را به ولی و حجت خود بر خلق، که خلیفه‌ی من پس از من است مسرور خواهد ساخت.

من بسیار شادمان شدم و لباس‌هایم را پوشیده همان ساعت بیرون آمدم و خود را به ابو محمد علیه السلام که در حیات خانه نشسته بود و کنیزان پیرامونش بودند رساندم، عرضه داشتم: آقای من! فدایت گردم، جانشین از کدامیک خواهد بود؟ فرمودند: از سوسن، من آنها را نگاه کردم و تنها در سوسن اثر حمل دیدم.

نماز مغرب و عشا را به جای آوردم، بعد از آن برایم سفره‌ای آوردند و با سوسن افطار کردم و در یک اتاق ماندیم. به خواب سبکی فرو رفتم، بعد بیدار شدم و فکرم به وعده‌ی امام علیه السلام

۱. همان / ۱۳

۲. سوره‌ی اسراء / ۸۱

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در مورد [ولادت] ولی خدا مشغول بود. پیش از وقتی که هر شب برای نماز شب برمی‌خاستم برخاسته نماز را به جای آوردم تا آنکه به وتر رسیدم. در این هنگام سوسن هراسان از جا پرید و بیرون رفت و وضو ساخت، آمد و نماز شب را خواند و به وتر رسید. در دلم خطور کرد که فجر نزدیک شده است، از جا بلند شدم تا آسمان را نگاه کنم، دیدم فجر اول طلوع کرده است، و نسبت به وعده‌ی ابو محمد عجل الله تعالی فرجه دلم به تردید افتاد. ایشان از اتاقش صدا زد: تردید نکن، و گویا هم اینک رخ می‌دهد و آن را می‌بینی إن شاء الله تعالی.

من با شنیدن این سخن، از امام عجل الله تعالی فرجه، به خاطر آنچه در دلم قرار گرفت خجالت کشیدم و با همین حالت خجلت به اتاق بازگشتم، به ناگاه دیدم او نماز را قطع کرد و هراسان بیرون آمد، در کنار در اتاق با او مواجه شده گفتم: پدر و مادرم فدایت، آیا چیزی احساس می‌کنی؟ گفت: آری، ای عمه! امر سختی را احساس می‌کنم، گفتم: اگر خدا بخواهد هیچ ترسی بر تو نیست، بالشی را برداشتم و در اتاق انداختم، او را بر آن نشاندم و خود بسان قابله در مقابل او نشستم، دست مرا گرفت و به سختی فشرد، آنگاه ناله‌ای کرد و شهادتین را گفت.

من پایین را نگاه کردم و یکباره ولی الله عجل الله تعالی فرجه را مشاهده نمودم که بر اعضای سجود به زمین افتاده است، او را از کتف‌هایش گرفته، در آغوش نشانیدم و دیدم پاکیزه و نظیف است، ابو محمد عجل الله تعالی فرجه مرا صدا زدند: عمه! بیا و پسر مرا بیاور. او را آوردم و به ایشان دادم، با زبان چشمان او را مسح کردند و او آن را گشود، سپس آن را داخل دهان کودک گذاردند و کامش را برداشتند، آنگاه در گوش‌های او گذاشتند، او را در دست چپ نشانند و ولی الله درست نشست، دست بر سر او کشیدند و فرمودند: پسر من! به قدرت خدا سخن بگو، ولی خدا عجل الله تعالی فرجه از شیطان رجیم به خدا پناه جست و چنین آغازید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَنُفَكِّرُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ، و بر رسول خدا صلى الله عليه وآله، امیرالمؤمنین و یک یک ائمه تا پدرش عجل الله تعالی فرجه درود فرستاد.

ابو محمد عجل الله تعالی فرجه او را به من دادند و فرمودند: عمه! او را نزد مادرش بازگردان تا تَقَرَّعَيْنَهَا وَلَا تَحْزَنْ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ، من نیز او را بازگرداندم، و هنگامی بود که فجر دوم طلوع کرده بود.

نماز صبح را گزاردم و تا طلوع خورشید تعقیبات را به جای آوردم. سپس با ابو محمد علیه السلام خداحافظی کرده به خانه ام رجوع نمودم. سه روز بعد مشتاق دیدن ولی الله شدم، لذا نزد آنان رفتم. از اتاق سوسن آغاز کردم ولی اثری از او ندیدم، و سخنی هم از آنان به گوشم نرسید و خوش نداشتم سؤال کنم.

حضور ابو محمد علیه السلام رسیدم و خجالت کشیدم سراغ بگیرم، خود ایشان سخن آغاز کرده فرمودند: ای عمه! او در سایه ی لطف، حفظ، سترو غیب خداست تا آنکه خداوند بدو اذن دهد، پس چون خداوند مرا از دنیا برد و دیدی شیعیانم دچار اختلاف شده اند، افراد مورد اطمینان آنها را از این مطلب آگاه کن و نزد تو و ایشان پوشیده باشد، زیرا خدا ولی خویش را از خلق غائب می گرداند و از بندگان می پوشاند، و هیچ کس او را نمی بیند تا آنکه جبرئیل برای او اسبش را بیاورد **لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا**^۱ تا خداوند کاری را که انجام شدنی بود به انجام رساند.»

همان / ۱۴۳ در قسمتی از روایتی دیگر نقل می کند: «خبر فرزندی را که برایمان به دنیا آمده کتمان کن، و احدی را از آن با خبر نساز تا زمان مقرر به سر آید، من نیز نزد مادرش آمدم و با آنها خداحافظی کردم.»^۲

المجدی فی انساب الطالبیین / ۱۳۱ از علان کلابی روایت می کند: «من با ابو جعفر محمد بن علی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام که سنّ کمی داشت رفاقت داشتم. شخصی با وقارتر، پاک تر و جلیل تر از او ندیدم. امام هادی علیه السلام او را در کودکی در حجاز گذاشته بود، و در جوانی نزد پدر آمد. او همراه برادرش امام عسکری علیه السلام بود و از او جدا نمی شد. ایشان هم با او مأنوس بود ولی با [دیگر] برادرش جعفر گشاده رویی نمی کرد.

علان گوید: ابو جعفر علیه السلام برایم گفت: عمه ام حکیمه، مولایم ابو محمد [امام عسکری علیه السلام] را دوست می داشت، در حقش دعا می کرد، و آرزو می نمود فرزند او را ببیند. ابو محمد کنیزی داشت که نرجس و پیشتر صقیل نام داشت. شب نیمه ی شعبان،

۱. سوره ی انفال / ۴۲

۲. و نیز دلائل الإمامة / ۲۶۹، کمال الدین / ۲ / ۴۲۴، ۴۳۰ و ۴۲۶، غیبت شیخ طوسی / ۱۴۲ با دو سند، ۱۴۳ و ۱۴۷، روضة الواعظین / ۲ / ۲۵۶ و اعلام الوری / ۳۹۴

حکیمه نزد ابو محمد رفت و برایش دعا کرد. او فرمود: ای عمه! امشب را نزد ما بمان، بابت امری که رخ می نماید.

حکیمه گوید: من کنیزان ابو محمد را از نظر گذراندم لکن اثر حمل در آنان نیافتم. در نرجس نیز نیک دقت نمودم ولی اثری ندیدم. هنگام فجر نرجس به اضطراب افتاد. من به کمک او رفتم که خوابی عظیم مرا فرا گرفت. نفهمیدم چه کردم جز آنکه مولود را بردست خود دیدم. آن را که مختون و پاکیزه بود نزد ابو محمد آوردم. او را گرفت و بر پشت و چشمش دست کشید، زبان در کامش قرارداد، در گوشی اذان و در دیگری اقامه گفت و به من سپرد و فرمود: ای عمه! نزد مادرش ببر، من همین کار را انجام دادم. او آن را گرفت و بوسید و به من داد. آنگاه پرده ای میان من و آقایم ابو محمد قرار گرفت و چون کنار رفت، ایشان را تنها یافتم. عرضه داشتم: مولای من! کودک چه شد؟ فرمودند: آنکه بدو شایسته تراست او را گرفت، چون روز هفتم شد نزد ما بیا.

روز هفتم رفتم و کودک را در مقابل ایشان مشاهده کردم، جامه هایی زرد در برداشت، و عظمت و نوری داشت که مرا مبهوت ساخت. گفتم: آقای من! آیا درباره ی این مولود مبارک مرا آگاه می سازید؟ فرمودند: عمه! این یاری بخش اولیای خدا و انتقام گیرنده از دشمنان اوست، خدا بدو انتقام ما را می گیرد و الفت ما را گرد می آورد... پس من به شکرانه به درگاه خدا به سجده افتادم.

من پس از آن نیز نزد ایشان می رفتم، ولی کودک را نمی دیدم، روزی گفتم: مولای من! سید و منتظر ما چه شد؟ فرمودند: او را به کسی سپردیم که مادر موسی پسرش را نزد او ودیعه گذارد.

کمال الدین ۵۰۷/۲ از احمد بن ابراهیم نقل می کند: «در سال ۲۶۲ نزد حکیمه دختر امام محمد بن علی الرضا و خواهر صاحب العسکرامام هادی علیه السلام رفتم و از پس پرده سخن گفتم و از اعتقاد او پرسیدم، او هم امامانی را که به آنان اعتقاد دارد نام برد، و در ادامه گفت: و حجت بن الحسن بن علی.

گفتم: خدا مرا فدایت گرداند، آیا او را دیده اید، یا خبر او را شنیده اید؟ پاسخ داد: خبر

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

از امام عسکری علیه السلام دارم که برای مادرشان نوشتند، 'گفتم: آن فرزند کجاست؟ پاسخ داد: مستور است، گفتم: شیعیان به که مراجعه کنند؟ در جواب گفت: به مادر بزرگ او مادر امام عسکری علیه السلام.

از او پرسیدم: آیا به کسی اقتدا کنم که به یک زن وصیت کرده است؟ گفت: آری، همانگونه که حسین بن علی علیه السلام در ظاهر به خواهرش زینب دختر امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت کرد، و علومی که از امام سجاد علیه السلام صادر می شد به حضرت زینب علیه السلام نسبت داده می شد، و این برای محافظت از علی بن الحسین علیه السلام بود.

سپس گفت: شما مردمانی هستید که روایات به شما رسیده است، مگر خودتان روایت نمی کنید: میراث نهمین شخص از فرزندان حسین بن علی را تقسیم می کنند، و حال آنکه او خود زنده است؟»

همان ۵۱۷/۲ از محمد بن علی بن احمد بزرگی روایت می کند: «شخصی از بنی هاشم کنیز پیری داشت، به او امر کرد جریانی را که برایش پیش آمده نقل کند، آن زن گفت: صاحب من به من گفت: برو به خانه ی حسن بن علی و به حکیمه بگو: چیزی بده که فرزندی را که برایمان به دنیا آمده است بهبودی دهد.

من هم آمدم و همین مطلب را به حکیمه گفتم، او صدا زد: آن میله ای را که مولود دیشب را با آن سرمه کشیدیم بیاورید - و مقصودش پسر حسن بن علی علیه السلام بود - آن را آوردند و به من داد، من هم آن را نزد صاحبم بردم و با آن بر آن مولود سرمه کشید و عافیت یافت. آن میله نزد ما بود و با آن استشفای می کردیم، ولی یکباره ناپدید شد.»

شیخ طوسی در غیبت / ۱۴۴ از حنظله بن زکریا از احمد بن بلال بن داود کاتب که سنی بود و دشمنی خود با اهل بیت علیهم السلام را اظهار می کرد نقل می کند: «خانه های ما در سامرا در مقابل خانه ی ابن الرضا - یعنی امام عسکری علیه السلام - بود. مدتی طولانی از آنجا به قزوین و دیگر مناطق رفتم، چنین مقدر بود که بدان بازگردم. وقتی رسیدم یافتم که همه ی خویشان و خانواده ام را از دست داده ام، مگر پیرزنی که مرا پرورش داده بود که دخترش هم همراهش

۱. همان گونه که مشاهده می شود بانو حکیمه علیه السلام نمی گوید امام مهدی علیه السلام را ندیده ام. م.

بود، او از همان نخست زنی پوشیده و پاک بود و دروغ نمی گفت، کنیزان دیگری نیز در خانه باقی بودند.

چند روزی نزد آنها ماندم، چون خواستم بروم آن پیرزن گفت: چرا به این زودی می خواهی برگردی، حال آنکه زمانی طولانی اینجا نبوده ای؟ اینجا بمان که موجب خوشحالی ماست، من به استهزاء گفتم: می خواهم به کربلا بروم! - و مردم برای نیمه ی شعبان و عرفه به آنجا می رفتند -، پیرزن گفت: خدا تو را نگاه دارد از اینکه این سختی به قصد توهین یا استهزاء باشد! برای مطلبی را می گویم که دو سال بعد از رفتنت مشاهده کردم؛ در این اتاق و در نزدیکی دالان در بین خواب و بیداری بودم و دخترم نیز همراهم بود که مردی نیکوروی با لباس هایی تمیز و بویی خوش وارد شد و گفت: ای فلانه! این ساعت کسی از همسایگان می آید و تو را فرا می خواند، با او برو و نه راس. پس ترس مرا فرا گرفت و دخترم را صدا زدم، به او گفتم: آیا فهمیدی کسی داخل خانه شود؟ پاسخش منفی بود، من خدا را یاد کردم، قرآن خواندم و خوابیدم.

دوباره همان مرد آمد و همان مطلب را گفت، باز ترسیدم و بر دخترم فریاد زدم، او هم گفت: کسی وارد خانه نشده است، خدا را یاد کن و نه راس، من نیز قرآن خواندم و خفتم. آن مرد برای سومین بار آمد و گفت: ای فلانه! کسی به سراغت آمده که تو را فرا می خواند، او در را می کوبد پس با او برو، در این هنگام صدای کوفته شدن در را شنیدم، پشت در آمدم و گفتم: کیست؟ پاسخ آمد: در را باز کن و نترس، در را گشودم و خادمی که با خود ردایی داشت مشاهده کردم، او گفت: برخی همسایگان برای امر مهمی به تونیز دارند، پس بیا، و سرم را با آن ردا پوشانید و وارد خانه ای که می شناختم کرد. در وسط خانه چیزی [شبیه خیمه] درست کرده بودند و مردی در کنار آن نشسته بود. خادم کنار آن را بالا زد و من وارد شدم. در آنجا زنی بود که درد زایمان او را گرفته بود، و زنی هم که گویا قابله بود در پشت او نشسته بود.

آن زن به من گفت: آیا ما را در این امریاری می کنی؟ من نیز او را یاری کردم، تنها مدت کمی گذشت که پسری به دنیا آمد، او را بردست گرفته صدا زدم: پسر است، پسر است!

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سرم را بیرون آوردم تا به آن مردی که نشسته بود بشارت دهم که به من گفته شد: فریاد زن، صورتم را که برگرداندم دیگر آن پسر روی دستم نبود، آن زنی که نشسته بود گفت: فریاد زن. آن خادم دستم را گرفت و سرم را باردا پوشانید و به خانه ام بازگرداند و کیسه ای به من داده گفت: آنچه را که دیدی با احدی نگو. من وارد خانه شدم و به بستر بازگشتم، دخترم خواب بود، او را بیدار کردم و پرسیدم که آیا از رفت و برگشت من خبر دارد؟ گفت: نه، کیسه را گشودم و ده دینار در آن بود.

من این مطلب را جز در این زمان و به جهت بیم بر تو، بابت سخنی که از سراسر استهزا گفתי با کس دیگری نگفته ام، این قوم نزد خدای عزوجل شأن و منزلتی دارند، و هر آنچه ادعا می کنند حق است.

من از سخنان پیرزن شگفت زده شدم و آن را نیز به سخره گرفتم، در مورد زمان این رخداد از او پرسیدم ولی همین مقدار می دانم که در سال دویست و پنجاه و اندی از آنجا رفتم، و به سال دویست و هشتاد و یک یعنی همان زمانی که این پیرزن این خبر را برایم نقل کرد به سامرا بازگشتم، و این در دوران وزارت عبد الله بن سلیمان بود.

حنظله گوید: من، ابوالفرج مظفر بن احمد را نیز دعوت کردم و او هم با من این جریان را شنید.

این گزارش از رعب و اختناق به وجود آمده توسط دستگاه حاکم، و نیز تجسس و حساسیت آنان نسبت به این واقعه حکایت دارد. علاوه بر آنکه می رساند زیارت امام حسین (علیه السلام) یک جریان مردمی بوده که دو بار در سال یعنی شعبان و عرفة به اوج خود می رسیده است، و نیز آنکه زائران آن حضرت از سامرا فراوان بوده اند، و این علی رغم منع و تهدید متوکل و دیگران بوده است.

همانسان که می رساند امام حسن عسکری (علیه السلام) بر آن بوده اند تا زنان مورد اعتماد و اهل کتمان می چون این پیرزن را از ولادت امام مهدی (علیه السلام) آگاه سازند.

و بیان می کند که مزدوران دولت - کسانی مانند ابن بلال در این جریان - از نواصب بوده اند، و او پس از سال ها برای نزدیک شدن به شخصی شیعی این جریان را برایش نقل کرده است.

شرفیابی سعد بن عبد الله اشعری به دیدار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم

کمال الدین ۲/ ۵۴ از احمد بن مسرور از سعد بن عبد الله اشعری روایت می‌کند: «من شیفته‌ی جمع‌آوری کتبی که دربردارنده‌ی دانش‌های پیچیده و دقیق است، و عاشق دریافت حقائق آن بودم، بسیار دوست می‌داشتم مشتبهات و امور پیچیده‌ی آن را حفظ کنم، نسبت به امور مشکل و دشواری که بدان دست می‌یافتم بخیل بودم، در مذهب خود تشیع تعصب داشتم، به دنبال بحث و گفتگو و نزاع - گرچه منجر به دشمنی شود - از امنیت و سلامت خود می‌گذشتم، عیوب فرقه‌های مخالفین را می‌گرفتم، از طعن‌ها و ننگ‌های پیشوایان آنان پرده برمی‌داشتم و چهره‌ی آنها را فاش نشان می‌دادم.

تا آنکه به سرسخت‌ترین ناصبیان برخورد، او بسیار جدل می‌کرد، و قیحانه سؤال می‌پرسید و بر باطل از همه استوارتر بود. روزی در مناظره به من گفت: ای سعد! تو و یارانت هلاک شوید، شما رافضیان بر مهاجرین و انصار خرده و ایراد می‌گیرید، و قرب آنان به رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار می‌کنید. این صدیق است که با شرف سبقت، بر تمام صحابه برتری یافت، مگر نمی‌دانید پیامبر صلی الله علیه و آله او را به خاطر این با خود به غار برد که می‌دانست خلافت پس از خود به او می‌رسد و امور امت را بر عهده خواهد گرفت، کژی‌ها را اوست که باید راست کند و خلل‌ها را از میان برد، حدود را اقامه کند، و برای فتح بلاد شرک لشکرها اعزام دارد، و همانسان که بر نبوت خویش هراسید بر خلافت او هم. کسی که برای خفا به مکانی می‌گریزد شایسته نیست دیگری را با خود همراه کند، و از آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله او را همراه خود برد می‌فهمیم مقصود همین بوده که گفتم. علی را هم برای این نکته به بستر خوابانید که جانش برای او اهمیتی نداشت، بلکه سنگینی می‌کرد، و می‌دانست اگر او به قتل رسد می‌تواند دیگری را در اموری که وی صلاحیت دارد جایگزین کند.

سعد گوید: من پاسخ‌هایی به او دادم ولی همه را رد کرد.

سپس ادامه داد: ای سعد! اشکال دیگر را نیز که بینی شما رافضیان را به خاک می‌کشد دریاب؛ آیا پندار شما چنین نیست که صدیق مبرا از آلودگی شک و فاروق مدافع اسلام،

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیوم

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیوم

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیوم

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیوم

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیوم

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیوم در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نفاق خود را پنهان می‌کردند و به لیلۃ العقبة^۱ استناد می‌کنید، بگوئیم آیا آن دو به رغبت اسلام آوردند یا به هراس؟

من برای دفع این سؤال چاره اندیشیدم، تا مبادا مرا به نتیجه‌ی آن ملزم کند، زیرا اگر اعتراف می‌کردم که به رغبت اسلام آوردند، ادعای نفاق [که اعتقاد من بود] کنار زده می‌شد، و اگر می‌گفتم که به اجبار و هراس اسلام آوردند می‌گفت: اسلام در آن زمان نیرویی نداشت تا بتواند کسی را مجبور کند!

از نزد او بیرون آمدم در حالی که غضب سراپای وجودم را فرا گرفته بود، و جگر از شدت اندوه پاره پاره شده بود. طوماری آماده و چهل و چند سؤال دشوار - که پاسخگویی برایشان نیافته بودم - در آن مکتوب نمودم، و امید آن داشتم که دانای شهرم احمد بن اسحاق که با مولایمان امام عسکری علیه السلام رفاقت داشت بتواند پاسخ دهد. به سراغ ایشان رفتم و خبردار شدم به سمت سامرا رهسپار شده است. در برخی از منازل وسط راه به او پیوستم، وقتی حضور او رسیدم به من گفت: خیر باشد، گفتم: اشتیاق دیدار شما و عادت همیشگی پرسش. او گفت: هر دو بیک هدف اتفاق کرده ایم، شوق دیدار مولایمان ابو محمد علیه السلام و نیز پرسش از معضلات تأویل و ابهامات تنزیل مرا راهی کرده است، تونیز به این دیدار مبارک بیا که بر ساحل دریایی که عجائبش پایان ندارد و از بین نمی‌رود - یعنی امامان - دست خواهی یافت.

پس ما رفتیم تا آنکه وارد سامرا شدیم، و به در خانه‌ی مولایمان رسیدیم و اذن طلبیدیم. کسی بیرون آمد و برای ما اجازه‌ی ورود آورد. احمد بن اسحاق کیسه‌ای بر روی شانه داشت و آن را با عبایی طبری پوشانده بود. درون آن صد و شصت کیسه دینار و درهم بود، و بر روی هر یک مهر صاحب آن موجود بود.

هنگامی که نور چهره‌ی مولایمان ابو محمد علیه السلام ما را خیره کرد، چهره‌ی ایشان را جز به ماه شب چهارده تشبیه نکردم. بر روی ران راست ایشان پسری بود که در چهره و منظر به مشتری می‌ماند، دو طرف فرق سرش دو دسته مو بود و به الف میان دو واو می‌نمود. در برابر مولایمان

۱. پس از جنگ تبوک تعدادی از منافقان صحابه با رم دادن شتر پیامبر صلی الله علیه و آله در صدد ترور ایشان برآمدند. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

اناری طلایی بود که نقش و نگار روی آن در میان نگین‌های کمیاب می‌درخشید و برخی از رؤسای اهل بصره آن را به ایشان اهدا کرده بود، و در دست ایشان هم قلمی بود. هرگاه می‌خواست بر روی کاغذ چیزی بنویسد آن پسرانگشتان او را می‌گرفت، از این رو امام عجل الله تعالی فرجه آن انار را می‌غلطاند و او را بدان مشغول می‌کرد، تا مانع نوشتن نشود.

ما برایشان سلام دادیم و جواب نیکویی دریافت کردیم، و به ما اشاره کردند تا بنشینیم. پس چون از نوشتن فارغ شدند، احمد بن اسحاق کیسه را بیرون آورد و مقابل حضرت قرار داد. امام عجل الله تعالی فرجه پسر را نگریست و بدو فرمود: پسر! مهر هدایای شیعیان و دوستداران را بشکن، او عرضه داشت: مولای من! آیا جایز است من دستی پاک را به هدایایی نجس و اموالی آلوده که حلال و حرام آن خلط شده بزنم؟ ایشان هم به احمد بن اسحاق فرمودند: ای پسر اسحاق! هرآنچه را که در کیسه است بیرون آور تا او حلال و حرام آن را مشخص کند. نخستین کیسه‌ای که احمد آن را بیرون آورد آن پسر صدا زد: این از فلان بن فلان است، از فلان محله در قم، مشتمل بر شصت و دو دینار است؛ قسمتی از پول اتفاقی که صاحبش آن را فروخته و میراث او از پدرش بوده و چهل و پنج دینار است، و از قیمت نه لباس که چهارده دینار بوده و نیزاجاره‌ی مغازه‌ها به سه دینار.

مولایمان به او فرمودند: پسر! درست گفتی، قسمت حرام آن را نیز برای او بیان کن، او هم فرمود: دینار رازی که تاریخ آن فلان سال است و نقش نصف یکی از دو طرف آن محو شده است، و تگه دینارهایی آملی که وزن آن ربع دینار است را پیدا کن. علت حرمت آن هم این است که صاحب این کیسه، در فلان ماه از فلان سال، رشته‌ای برای فلان بافنده از همسایگانش به یک منّ و ربع منّ وزن کرده، پس مدّتی از آن گذشته و در انتهای آن زمان دزدی آن رشته‌ها را به سرقت برده است. بافنده هم او را از دزدیده شدن رشته‌ها خبر می‌دهد، ولی او تکذیب می‌کند و به جای آن، یک منّ و نیم رشته‌ی بهتر از او پس می‌گیرد و از آن لباسی تهیه می‌کند که این دینار با تکه دینارها قیمت آن بود.

هنگامی که کیسه باز شد کاغذی در میان دینارها بود به نام کسی که ایشان درباره‌اش خبر دادند، و همان مقداری که فرمودند، و دینار و تکه دینار را با آن علامت بیرون آوردند.

سپس کیسه‌ی دیگری را بیرون آورد. پسر فرمود: این برای فلانی پسر فلانی از فلان محله‌ی قم است، پنجاه دینار در آن است که بر ما جایز نیست بدان دست زنیم، احمد گفت: چرا؟ فرمود: زیرا از پول گندمی است که صاحب آن در تقسیم به کشاورزش ستم کرده است، او سهم خود را با پیمانه‌ی کامل دریافت کرده ولی سهم کشاورز را به پیمانه‌ای ناقص حساب کرده است!

مولایمان علیه السلام بدو فرمودند: پسر! درست گفتی، سپس فرمودند: ای احمد بن اسحاق! همه را ببرت! پس دهی یا آنکه سفارش کنی آنها را به صاحبانش بازگردانند که ما هیچ نیازی بدان نداریم، و لباس آن پیرزن را برای ما بیاور. احمد گوید: آن لباس در خرجین بود ولی فراموش کرده بودم.

وقتی که وی برای آوردن لباس رفت، مولایمان امام عسکری علیه السلام به من نگاه کرده فرمودند: ای سعد! چرا آمدی؟ عرضه داشتم: احمد بن اسحاق مرا به دیدن مولایم مشتاق کرد، حضرت فرمود: و نیز آن سؤالاتی که می‌خواستی از او بپرسی؟ گفتم: مولای من! همچنان باقی است، فرمودند: از روشنی چشمم بپرس - و به آن پسر اشاره کردند -.

آن پسر به من فرمود: از هر آنچه برایت پیش آمده بپرس، عرض کردم: مولای ما و پسر مولای ما! از شما اهل بیت برایمان روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله طلاق همسرانش را به امیرالمؤمنین علیه السلام سپرده بودند و حضرت امیر علیه السلام در روز جمل برای عایشه پیغام فرستاد: تو با فتنه‌ی خود بر اسلام و اهل آن گرد و غبار به پا کردی، و با نادانی ات پسرانت را به حوض‌های هلاکت در آوردی، پس خودداری کن، وگرنه تورا طلاق می‌دهم. و حال آنکه طلاق زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به فوت ایشان بود.

ایشان فرمودند: طلاق چیست؟ عرض کردم: باز کردن راه، فرمودند: اگر طلاق آنها به وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده، راه آنان باز شده، پس چرا ازدواج برایشان جایز نیست؟ گفتم: زیرا خداوند تبارک و تعالی ازدواج را بر آنان حرام کرده است، فرمودند: چگونه، و حال آنکه مرگ راه آنان را باز کرده است؟ گفتم: پس ای آقای من! به من خبر دهید این طلاقی که پیامبر صلی الله علیه و آله حکم آن را به حضرت امیر علیه السلام واگذار فرمودند به چه معناست؟

فرمود: خداوند - که نامش مقدّس است - مرتبت زنان پیامبر ﷺ را بالا برده و به شرافت امّهات [وام المؤمنین بودن] مخصوص گردانده است، رسول خدا ﷺ فرمودند: یا ابا الحسن! این شرف تا زمانی برای اینان باقی است که از خدا اطاعت کنند، پس هریک از ایشان پس از من با خروج بر تو خدا را عصیان کرد، از میان همسران طلاق ده و از شرافت ام المؤمنین بودن بیانداز.^۱

عرض کردم: ای پسر پیامبر! برایم از فرمان خداوند به پیامبرش موسی ﷺ بفرمایید: فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى^۲، پایپوش خود را بیرون آور که در وادی مقدّس طوی هستی. فقهای فریقین گمان می‌کنند از پوست مردار بوده است.

فرمودند: هرکسی چنین بگوید بر موسی ﷺ افترا بسته و او را در نبوتش به جهل نسبت داده است، زیرا این امر از دو خطا جدا نیست؛ یا آنکه نماز موسی در آن کفش جایز بوده و یا آنکه جایز نبوده است، اگر جایز بوده، پس پوشیدن آن در آن مکان نیز جایز بوده است، و اگر آن مکان مقدّس و مطهّر بوده، از نماز که اقدس و پاک تر نبوده است. اگر هم نماز او در آن جایز نبوده، لازم آید که موسی حلال را از حرام نشناخته و ندانسته نماز در چه چیزی جایز است و در چه جایز نیست، و این [اعتقاد] کفر می‌باشد.

عرضه داشتم: مولای من! پس تأویل آن چیست؟ فرمودند: موسی در وادی مقدّس با پروردگارش نجوا کرد و عرضه داشت: پروردگار من! دوستی خود را برای خالص گرداندم، و دل را از غیرتو شستشودادم، - و او خانواده اش را بسیار دوست می‌داشت -، خداوند تعالی فرمود: دو کفشت را در آور، یعنی اگر محبت نسبت به من خالص است، دوستی خانواده ات را از دل بکن، و دل را از میل به سوی غیر من بشوی.

عرض کردم: ای پسر رسول خدا! درباره ی تأویل کهی‌عص^۳ بفرمایید، فرمودند: این حروف از اخبار غیب است که خداوند بنده اش زکریا را از آن با خبر ساخت، آنگاه ماجرای آن را بر

۱. امام رضا ﷺ نیز پس از شهادت پدرشان امام کاظم ﷺ یکی از همسران پدر به نام ام فروه را طلاق دادند، رک به کافی ۱/ ۳۸۱ و بصائر الدرجات ۴۶۷/ م

۲. سوره ی طه ۱۲/

۳. سوره ی مریم ۱/

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام ﷺ
منزلت امام ﷺ
حکومت امام ﷺ
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح ﷺ
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام ﷺ
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام ﷺ در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

حضرت محمد ﷺ بازگو کرد؛

زکریا از پروردگارش خواست اسامی پنج تن را بدو بیاموزد، پس خدا جبرئیل را فرو فرستاد و او را آموخت، زکریا چون محمد، علی، فاطمه و حسن را یاد می کرد، اندوهش از میان می رفت، ولی هرگاه حسین را یاد می کرد گریه گلویش را می گرفت و نفسش می برید.

روزی عرضه داشت: خدای من! چرا هنگامی که چهارتن از آنها را یاد می کنم با نام هایشان اندوهم تسلی می یابد، ولی چون حسین را یاد می کنم گریه ام می گیرد و غم هایم به هیجان می آید؟

خداوند او را از ماجرای امام حسین ﷺ آگاه ساخت و فرمود: کهی عص؛ پس کاف نام کربلاست، هاء هلاکت و از بین رفتن عترت، یاء یزید و کسی است که بر حسین ﷺ ظلم می کند، عین عطش او و صاد صبر اوست.

زکریا چون این را شنید سه روز از مسجد بیرون نیامد و نگذاشت کسی بر او وارد شود و به گریه و ناله پرداخت، در گریه می گفت: خدای من! آیا بهترین خلقت را به مصیبت فرزندش مبتلا می کنی؟ خدای من! آیا بلای این مصیبت را بر آستانش فرود می آوری؟ خدای من! آیا به علی و فاطمه جامه های این مصیبت را می پوشانی؟ خدای من! آیا اندوه این مصیبت را بر آنان وارد می آوری؟ پس از آن می گفت: خدایا! مرا فرزندی روزی کن که در پیری دیده ام بدو روشن شود و او را وارث و جانشین قرار ده، و جایگاه او نزد من را همان جایگاه حسین قرار ده، پس چون او را به من عطا کردی مرا شیدای محبتش کن، آنگاه همانگونه که محمد حبیب را به مصیبت فرزندش مبتلا می کنی مرا به مصیبت او مبتلا نما.

پس خدا یحیی را به او داد و به مصیبتش مبتلا ساخت. دوران حمل یحیی شش ماه بود و نیز دوران حمل حسین ﷺ، و ماجرای طولانی دارد.

عرضه داشتم: مولای من! چرا مردم نمی توانند برای خود امام اختیار کنند؟ فرمودند: [امامی که] اصلاح کند یا به فساد بکشد؟ عرض کردم: اصلاح کند، فرمودند: از آنجا که کسی از صلاح و فساد می کند مطلع نیست، آیا ممکن است مردم مفسد را برگزینند؟ گفتم: آری، فرمود: علت همین است، و آن را با برهانی که عقلت در

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

برابر آن تسلیم شود بیان می‌کنم؛ بگوئیم رسولانی که خداوند تعالی برگزید، کتاب برایشان فرو فرستاد و با وحی و عصمت تأییدشان کرد و بزرگان امم هستند و در انتخاب از آنها به صواب نزدیک‌ترند، - کسانی مانند موسی و عیسی عَلَيْهِمَا السَّلَام -، آیا با وجود بلندای خرد و کمال علم آنان ممکن است هنگام انتخاب منافق را برگزینند، در حالی که گمان می‌کنند مؤمن است؟ گفتم: نه، فرمودند: این موسی کلیم خداست که با وجود عقلی بلند، علم کامل و نزول وحی، از میان مشاهیر قوم و سرشناسان لشکر، هفتاد نفر از کسانی که در ایمان و اخلاصشان تردیدی نداشت برای میقات پروردگارش اختیار کرد، ولی همه منافق از کار در آمدند! خداوند می‌فرماید: **وَاحْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا...^۱** تا آنجا که فرمود: **لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً...^۲** **فَأَخَذَهُمُ الصَّاعِقَةُ يُظْلِمُهُمْ^۳** و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای میعاد ما برگزید... تا خدا را آشکارا ببینیم، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد... پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فرو گرفت...

پس وقتی دیدیم کسی که خدا او را برای نبوت برگزیده افسد را به جای اصلح انتخاب می‌کند، در حالی که گمان دارد او اصلح است و نه افسد، خواهیم دانست که اختیار تنها از آن کسی است که از آنچه سینه‌ها مخفی می‌کند و باطن‌ها پوشیده می‌دارد آگاه است، و اینکه انتخاب مهاجرین و انصار قیمتی ندارد.

سپس فرمودند: ای سعد! آن هنگام که دشمنت ادعا کرد رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَام انتخاب شده‌ی این امت را تنها با خود به غار برد زیرا می‌دانست خلافت پس از ایشان از آن اوست، و اوست که امور تأویل و زمام امت بدو سپرده می‌شود، کثی‌ها را اوست که باید راست کند و خلل‌ها را از میان برد، حدود را اقامه کند، و برای فتح بلاد کفر لشکرها اعزام دارد، و همانسان که بر نبوت خویش هراسید بر خلافت او هم، و کسی که برای ایمنی از شربه مکانی می‌گریزد تا مخفی شود، شایسته نیست دیگری را با خود همراه کند. علی را هم برای این نکته به بستر خوابانید که جان‌ش برای او اهمیتی نداشت، بلکه سنگینی می‌کرد، و می‌دانست اگر او به

۱. سوره‌ی اعراف / ۱۵۵

۲. سوره‌ی بقره / ۵۵

۳. سوره‌ی نساء / ۱۵۳

قتل رسد می تواند دیگری را در اموری که وی صلاحیت دارد جایگزین کند!
چرا ادعای او را به این مطلب نقض نکردی که رسول خدا ﷺ [به اعتقاد شما] فرمودند:
خلافت پس از من سی سال است. و این سی سال متوقف بر عمر چهار خلیفه در مذهب
آنهاست. او هم چاره ای نداشت جز آنکه بگوید: آری، آنگاه تومی گفتی: آیا چنین نیست که
پیامبر ﷺ همان طور که می دانستند ابوبکر پس از ایشان به خلافت می رسد، می دانستند
پس از او عمرو و علی خواهند بود؟ باز هم چاره ای جز تأیید نداشت.

در این هنگام می گفتی: پس بر رسول خدا ﷺ لازم بود که هر چهار نفر را به غار برند،
و همان طوری که بر جان او ترسیدند، بر جان آن سه دیگر نیز بهراسند، و در حق آن سه
استخفاف نورزند!

و هنگامی که او گفت: آیا صدیق و فاروق از سر رغبت اسلام آوردند و یا به جهت بیم و
هراس، چرا نگفتی: بلکه از سر طمع؛ آن دو با یهودیان نشست و برخاست داشتند و از آنها
درباره ی جریاناتی که در تورات و دیگر کتب گذشته که از آینده سخن می گوید یافته اند -
از جمله ماجرای پیامبر ﷺ و عاقبت دعوت ایشان - خبر می گرفتند. یهودیان می گفتند:
محمد بر عرب مسلط و پیروز خواهد شد، همانسان که بختنصر بر بنی اسرائیل سلطه و ظفر
یافت، الا اینکه او در ادعای نبوت دروغگوست!

لذا آن دو نزد پیامبر ﷺ آمدند و بر توحید گواهی دادند و بیعت کردند، به طمع اینکه چون
امور ایشان به نتیجه رسد، هریک ولایت بر منطقه ای را از طرف ایشان به دست آورد... همان
گونه که طلحه و زبیر نزد حضرت علی علیه السلام آمدند و بیعت کردند، و هریک طمع آن داشت تا
از سوی ایشان به حکومت ناحیه ای برسد، ولی چون مأیوس شدند، بیعت خود را شکستند
و بر آن حضرت خروج کردند، پس خدا آن دو را بسان پیمان شکنان شبیه شان از میان برد.
در ادامه مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام برای نماز به همراه آن پسر برخاستند، من نیز
بیرون آمدم و به دنبال احمد بن اسحاق گشتم. او گریان به من رسید، گفتم: چرا تأخیر
کردی و می گیری؟ گفت: آن لباسی را که مولایم از من خواست حاضر سازم گم کرده ام، بدو
گفتم: اشکالی ندارد به ایشان بگو، او هم به سرعت نزد امام علیه السلام رفت و با تبسم بیرون آمد و

بر محمد و آل محمد درود می فرستاد، گفتم: چه خبر؟ گفت: آن لباس را زیر پاهای مولایمان مشاهده کردم و بر آن نماز می خواندند، پس شکر خدا را به جای آوردیم. بعد از آن روز هم برای مدت چند روز [که در سامرا حضور داشتیم] به خانه ی مولایمان رفت و آمد می کردیم ولی آن پسر را دیگر ندیدیم.^۱

تشرّف زهری

غیبت شیخ طوسی / ۱۶۴ از محمد بن یعقوب به طور مرفوع از زهری روایت می کند: «به دنبال صاحب الزمان جستجوی بسیاری کردم و در این راه مال قابل توجهی را نیز از دست دادم، از این رو نزد جناب عمری آمدم و خادم و ملازم او شدم. پس از مدتی از او درباره ی حضرت سؤال کردم، او گفت: راهی برای دسترسی به ایشان نیست. اصرار و التماس مرا که دید گفت: صبح بیا.

من هم صبح آمدم و او به همراه جوانی که از زیباترین و خوشبوترین مردم و به هیئت تاجران بود، و بسان آنان چیزی در آستین داشت، به استقبال من آمد. چون او را دیدم نزدیک عمری آمدم، او به من اشاره کرد و سراغ او رفتم، و به هر سؤالی که داشتم پاسخ فرمود. سپس خواست تا وارد خانه شود، خانه ای بود که کسی بدان اعتنا نمی کرد، عمری گفت: اگر می خواهی سؤالی [دیگر] بپرسی بپرس که بعد از این دیگر ایشان را نخواهی دید،

من هم رفتم تا بپرسم ولی او نشنید و داخل شد، و تنها این جمله را به من فرمود: ملعون است، ملعون است کسی که نماز شام را تا آن زمان تأخیر اندازد که ستارگان در هم آمیزند و فراوان شوند،^۲ ملعون است، ملعون است کسی که نماز صبح را تأخیر اندازد تا آنکه ستارگان بروند، و وارد خانه شد.

۱. دلائل الامامة / ۲۷۴، احتجاج ۴۶۱/ ۲، الثاقب فی المناقب / ۲۵۴، الخرائج و الجرائح ۴۸۱/ ۱، تأویل الآیات / ۲۹۹ و ارشاد القلوب / ۴۲۱/ ۱

۲. ممکن است مقصود از نماز شام در اینجا نماز مغرب باشد و این عبارت ردّی بر فرقه ی خطابیّه باشد که معتقد بودند نماز مغرب را پیش از وقوع این حالت نمی توان خواند، رک به بحار الانوار ۸۰/ ۶۰ م

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه العالی
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه العالی
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه العالی
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه العالی
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه العالی

احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه العالی در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

برخی شرفیابان

کافی ۱/ ۱۹۵ از علی بن الحسین یمانی که به سامرا آمد و شرفیاب دیدار امام علیه السلام شد.^۱
همان ۱/ ۳۳۱ از ابو عبد الله بن صالح نقل می‌کند که در کنار حجر الاسود امام علیه السلام را دید و مردم
یکدیگر را می‌کشند [تا به حجر برسند]، و حضرت فرمودند: به این کار امر نشده‌اند.^۲
کمال الدین ۲/ ۴۹۳ از ابو القاسم بن ابی حلیس که در سامرا معجزه‌ای از امام علیه السلام دید.^۳
تنبيه الخواطر ۲/ ۳۰۳ جریان مشاهده‌ی امام علیه السلام توسط عمر بن حمزه را می‌نگارد.

ماجرای جعفر بن محمد بن قولویه رحمته الله

الخراج و الجرائح ۱/ ۴۷۵ از ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه^۴ روایت می‌کند: «در سال
[سیصد و] سی و نه برای انجام حج آمدم و به بغداد رسیدم. آن سال سالی بود که قرامطه
حجر الاسود را به کعبه بازگردانیده بودند. مهمترین خواسته‌ام آن بود که بینم چه کسی آن
را نصب می‌کند، زیرا در کتب ماجرای بردن آن و نیز اینکه حجت زمان آن را در جایش قرار
می‌دهد آمده بود، همانگونه که در زمان حجاج امام زین العابدین علیه السلام آن را در جایش گذارد
و ثابت ماند. ولی به بیماری سختی مبتلا شدم و بر جانم ترسیدم، و دیگر خود توان دستیابی
به این مقصود را نداشتم. از این رو شخصی که به ابن هشام شهرت داشت را نائب خود
گردانیده و نامه‌ای مه‌مهور بدو سپردم. در آن از عمرم پرسیده بودم و اینکه آیا در این بیماری
خواهم مرد یا نه.

به ابن هشام گفتم: این نامه را به کسی بده که حجر را در مکان آن قرار می‌دهد و پاسخ را
دریافت کن که تورا برای همین امر خواستم.

ابن هشام گوید: به مکه که رسیدم و زمان نصب حجر فرا رسید، به پرده داران کعبه

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عج

۱. و نیز کمال الدین ۲/ ۴۹۱، الهدایة الکبری ۷۲/، ارشاد ۳۵۲/، تقریب المعارف ۱۹۳/، کشف الغمة ۳/ ۲۴۲ و
بحار الانوار ۵۱/ ۳۲۹ و ۳۳۰
۲. ارشاد ۳۵۰/، المستجاد ۵۳۰/، کشف الغمة ۳/ ۲۴۰، الصراط المستقیم ۲/ ۲۴۰، تبصرة الولی ۶۱/ و بحار ۵۲/ ۶۰
۳. عیون المعجزات ۱۴۴/، الخرائج و الجرائح ۳/ ۱۱۳۱، اثبات الهداة ۳/ ۶۷۴ و ۶۹۹ و بحار ۵۱/ ۳۳۱
۴. مؤلف کتاب گرانسنگ و نفیس کامل الزیارات

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح علیه السلام
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

هدیه‌ای دادم و لذا توانستم در جایی قرار بگیرم که نصب‌کننده‌ی حجر را ببینم، و کسی از آنها را در کنار خود قرار دادم تا نگذارد ازدحام مردم مرا از هدف منع کند.

هرکسی در صدد نصب برمی‌آمد، حجر قرار نمی‌گرفت و لرزان می‌ماند، تا آنکه مردی گندمگون و خوش سیما آمد، آن را برگرفت و در جایش گذارد، و حجر قرار یافت و ثابت ماند. صداها بلند شد و آواز در بیرون رفت.

من هم به دنبال او رفتم، مردم را چنان کنار می‌زدم که گمان کردند دیوانه‌ام، لذا راه را برایم باز می‌کردند و من دیده‌ام از او بر نمی‌داشتم. آواز مردم جدا شد و من هم با شتاب به دنبالش روانه بودم. او با تأنی می‌رفت ولی من نمی‌رسیدم.

پس چون به جایی رسید که احدی جز من او را نمی‌دید ایستاد و به من رو کرد و فرمود: آنچه را با خود داری بده، من هم نامه را به ایشان دادم، بدون آنکه در آن نظر کند فرمود: به او بگو: در این بیماری بر تو بیم نمی‌رود، و آن امری که گزیری از آن نیست [یعنی مرگ] بعد از سی سال واقع خواهد شد.

لرزه برانداختم افتاد و توان حرکت نداشتم، ایشان هم رفتند. ابن قولویه گوید: ابن هشام این خبر را به من رساند.

در سال [سیصد و] شصت و نه ابوالقاسم بیمار شد، لذا در صدد آماده‌سازی امور مربوط به مرگ و تجهیز خود برآمد، و وصیتش را با جدّیت تمام نوشت. به او گفتند: چرا چنین می‌هراسی؟ امید است خداوند تعالی به شما لطف کند و سلامتی دهد، پس نترس. او در پاسخ گفت: این سالی است که مرا نسبت به آن بیم داده‌اند، و در همان بیماری از دنیا رفت.

ملیکه مادر امام مهدی و از دودمان شمعون صفا علیه السلام

این روایت که خداوند مادر امام مهدی علیه السلام را نوه‌ی قیصر روم قرار داده است صحیح می‌باشد، و نیز اینکه مادر ملیکه از نسل شمعون صفا علیه السلام است.

در روایات ما آمده است که جناب شمعون بارها به روم سفر کرد، و همسر قیصر توسط او ایمان

آورد، اما شمعون به نزد قوم خویش بازگشت. گزارشی درباره‌ی پسران و دختران او، و نیز کسانی از ایشان که در روم باقی مانده و رومی شده‌اند در منابع ما نیست.

البته در کتب مسیحیان آمده که همسروی نیز در روم همراهش بوده و با او به قتل رسیده است، لذا هیچ بعید نیست نسلی از او در روم مانده باشد.

در قصة الحضارة ۴ / ۳۹۴۴ می‌نویسد: «لکتانتيوس برای ما از آمدن پطرس [شمعون] به روم در عهد نرون خبر داد، و به گمان قوی او بارها به روم آمده است... در عبارات قدیمی آمده که همسرش نیز به همراه او به قتل رسیده است، و او را وادار کردند تا این صحنه که همسرش را برای قتل می‌برند ببیند.»

لذا طبیعی است که در روم و غیر روم فرزندی داشته باشد، و برخی دختران و نوادگانش آنجا ازدواج کرده، و در سطح پسران قیصرها باشند.

اثبات الهداة ۳ / ۵۶۹ از فضل بن شاذان رحمته الله از محمد بن عبد الجبار روایت می‌کند: «به مولایم حسن بن علی عسکری رحمته الله عرض کردم: یابن رسول الله! خدا مرا فدای شما گرداند، دوست دارم بدانم پس از شما امام و حجت خدا بر بندگان شما کیست؟ فرمودند: پس از من، پسر من امام و حجت خداست، همو که همنام و هم‌کنیه‌ی رسول خداست، و آخرین حجت و خلیفه‌ی خداست.

عرض کردم: یابن رسول الله! از چه کسی به دنیا می‌آید؟ فرمودند: از دختر پسر قیصر پادشاه روم، بدان! او به دنیا می‌آید و به مدتی طولانی، از مردم غائب می‌شود، سپس ظاهر می‌گردد.»

نگارنده: سند این حدیث صحیح و ممتاز است، زیرا فضل بن شاذان ثقة آن را بایک واسطه که محمد بن عبد الجبار ثقة است، از امام عسکری رحمته الله روایت می‌کند.
و این روایت، روایت مفصل و صحیح محمد بن بحر شیبانی را تقویت می‌کند.

چگونه خداوند ملیکه را به نزد امام عسکری رحمته الله آورد؟

صفحاتی پیش روایت مفصل کمال الدین از محمد بن بحر شیبانی که جریان جناب ملیکه

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و شرفیابی به محضر امام هادی و امام عسکری علیه السلام را در برداشت گذشت و در آن بالصراحه مادر جناب ملیکه از نسل شمعون معرفی می‌شود.^۱

بررسی

۱. راوی این روایت عالم مؤلف ادیب محمد بن بحر شیبانی رحمه الله است که پیشتر توثیق او گذشت، شیخ صدوق رحمه الله در عقاید مذهب به فقراتی از کتب وی استشهاد می‌کند. اگرچه استاد ما آیت الله خوئی رحمه الله بر اساس روش خویش روایت را ضعیف می‌شمارد! ایشان در معجم رجال الحدیث ۴ / ۲۲۴ می‌نویسد: «در سند روایت تعدادی افراد ناشناس هستند، علاوه بر آنکه نمی‌توان وثاقت کسی را با روایت خود او به اثبات رساند.»

مقصود ایشان از این سخن اخیر فرمایش امام هادی علیه السلام به بشرین سلیمان است: شما ثقات ما اهل بیت هستید، یعنی از آنجا که این سخن امام هادی علیه السلام از خود بشر روایت شده نمی‌تواند وثاقت او را به اثبات رساند.

لکن روایت صحیحی که چند سطر پیش از محمد بن عبد الجبار گذشت، این روایت را تقویت و تأیید می‌کند. در اثبات وثاقت شیبانی نیز همین کافی است که شیخ صدوق و قمیین علی رغم سختگیری که داشتند بر او رحمت فرستاده‌اند. شیخ صدوق بر او یان آن اعتماد نموده و بر برخی رحمت فرستاده است. آیت الله صافی نیز در منتخب الاثر ۳ / ۳۳۲ آنان را توثیق کرده‌اند، به علاوه آنکه انگیزه‌ای برای جعل وجود ندارد.

این مبنایی است که شیخ انصاری رحمه الله آن را اختیار نموده و بدین وسیله روایت مشورت گرفتن عمرا از امیرالمؤمنین علیه السلام در فتوحات و اذن بدان را تصحیح می‌کند.

ایشان در مکاسب ۲ / ۲۴۳ می‌نگارد: «ظاهر آن است که عراق با اجازه فتح شد، و دلیل ملکیت مسلمین نسبت به آن کشف از این اجازه می‌کند. اما فتوحات غیر عراق در زمان عمر که قسمت غالب فتوحات را تشکیل می‌دهد؛ ظاهر برخی روایات آن است که آنها هم

۱. کمال الدین ۲ / ۴۱۷، دلائل الإمامة ۲۶۲، روضة الواعظین ۱ / ۲۵۲، مناقب آل ابی طالب علیه السلام ۴ / ۴۴۰، منتخب الانوار ۵۱، اثبات الهداة ۳ / ۳۶۳، ۴۰۹ و ۴۹۵ و بحار ۵۱ / ۶ و ۱۰

به اجازه و امر مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است، در کتاب خصال، باب های هفتگانه، در این باب که خدای متعال جانشینان پیامبران را در زندگی پیامبران در هفت جا، و پس از وفات آنان نیز در هفت جا می آزماید آمده است: ... کسی که پس از رفیقش [به خلافت] برخاست - مقصود عمر پس از ابوبکر است - در مورد امور با من مشورت می کرد و به امر من رفتار می نمود، درباره ی مسائل پیچیده ی آن با من سخن می گفت و به رأی من رفتار می کرد، نه من کسی غیر از خود را می شناسم که او در این باره با وی سخن گفته باشد و نه یارانم ... در ادامه می نویسد: در سند این روایت جماعتی هستند که موجب سلب اعتبار از روایت می شود، لکن اعتماد قمی ها بر آن - با وجود شناختی که شخص متبّع نسبت به آنان دارد، که در کتاب هایشان هیچ روایتی را از راوی ضعیف نمی آورند، مگر بعد از آنکه قرائنی در بین باشد که موجب اعتماد بدان شود - ضعف آن را فی الجملة جبران می کند.»

پس این مقدار برای صحیح دانستن روایت بانو ملیکه کافی است، حال چگونه خواهد بود اگر روایت صحیح محمد بن عبد الجبار - که خود به تنهایی در اثبات مطلب کفایت می کند - را بدان ضمیمه کنیم؟

۲. این روایت سطح بلند علم و عقل بشرانصاری رحمه الله را می رساند، زیرا حکایت خود را تنها زمانی با شیبانی در میان گذارد که او را آزمون و اطمینان یافت که وی عالم و دوستدار اهل بیت علیهم السلام است. او به شیبانی گفت: اگر راست می گویی، احادیثی که از راویان با خود همراه داری را نشان ده، و چون آنها را بررسی نمود گفت: راست گفتی، من بشر بن سلیمان هستم ...

۳. آنچه را که جناب ملیکه در مورد سقوط سریر، زینت ها، صلیب ها و داماد اول و نیز دوم بیان می کند، نشانه ای ربانی برای قیصر است تا به او بفهماند نباید این کار را انجام دهد، البته او نیز این را دریافت و دست نگاه داشت.

برخی از نواصب ماجرای بانو نرجس علیها السلام را به سخره می گیرد، ولی همزمان کرامات ادعایی ابن تیمیه را که بزرگتر از این جریان است می پذیرد، و کسانی را پیشوا قرار داده است که بهره ای از دانش ندارند! فَإِنَّهَا لَا تَعْيَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْيَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ^۱ در حقیقت چشم ها کور

۱. سوره ی حج / ۴۶

نیست، لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است!

۴. جناب ملیکه نام‌هایی چون نرجس، سوسن، ریحانه و صقیل داشت.^۱ علت تعدد اسامی را باید در این جستجو کرد که خلیفه، زنانی را برای جاسوسی خانه‌ی امام علیه السلام و شناخت زنان باردار ایشان مأمور کرده بود، چرا که امامی که به دنیا می‌آید طومار ظالمان را به هم خواهد پیچید.

خانواده‌ی مادری امام مهدی علیه السلام

بر طبق گزارشاتی که ما صحیح می‌دانیم، می‌بایست میلاد بانوملیکه حوالی سال ۲۳۵ هجری یعنی حدود ۸۵۰ میلادی باشد. زیرا قیصر، در سن سیزده سالگی بانو خواست تا او را به همسری عموزاده‌اش درآورد که معجزه‌ی سقوط سریره همراه زینت‌ها، صلیب‌ها و هرآنکه بر روی آن است رخ داد، و قیصر نکته را فهمید و مراسم را لغو نمود.

بانو دچار تب شدند و چنان بالا رفت که پدر بزرگ هراسید و پزشکان را حاضر کرد... حضرت زهرا علیها السلام را در عالم رؤیا مشاهده کرد، توسط ایشان مسلمان شد، امام عسکری علیه السلام در خواب به دیدارش می‌آمد، در خواب به او فرمودند که به همراه کنیزانش به دنبال لشکری که پدر بزرگش برای نبرد با مسلمین اعزام می‌کند برو، لشکر روم هم آن زمان عادتاً به سمت دیار بکر در مرز عراق با روم، و یا منطقه‌ی ارض روم در مرز آذربایجان مسلمان با روم می‌آمدند. بانوملیکه و سایر زنان هم به عمد خود را در مسیری قرار دادند که آنان را در اختیار لشکر اسلام قرار دهد. مسلمین هم آنها را با سایر اسیران به بغداد آوردند، و لابد عمرایشان در آن زمان حدود بیست سال بوده است، لذا است که گفتیم ولادت ایشان حدوداً در سال ۲۳۵ واقع شده است.

و در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری هم امام مهدی علیه السلام از او زاده شد، یعنی جمعه ۸/۲ آگوست/ ۸۶۹ میلادی.

احادیث ولادت

اما پدر بزرگش قیصر؛ از جهت تطابق زمانی ممکن است تیوفیل یا ثیوفیل باشد. اما در مورد پسر او یسوعا هیچ نیافتیم. در مورد تیوفیل نوشته‌اند که پسرش میخائیل سوم وارث او بود.

وفات تیوفیل را به سال ۲۲۷ عنوان می‌کنند، یعنی پیش از ولادت بانوملیکه! تاریخ طبری

۱. کشف الحق / ۳۳

۳۱۸/۷ می نویسد: «در روز مرگ معتصم، با پسرش هارون واثق بن محمد معتصم بیعت شد، و این در چهارشنبه هشتم ربیع الاول سال ۲۲۷ بود. در این سال توفیل پادشاه روم که حکومتی دوازده ساله داشت درگذشت.»

همان ۳۴۸/۷: «در آن سال [۲۳۳] میخائیل بن توفیل بر مادرش تذوره شورید، او را در آفتاب قرار داد، و [پس از مدتی] وارد دیر کرد. اولغیط را - که مادرش را در رابطه با او متهم نموده بود - به قتل رساند. حکومت مادر او شش سال بود.»

یعنی وی ترسید مادرش با لغیط ازدواج کند و حکومت را از پسر به شوهرش انتقال دهد.

همان ۶۰۸/۷: «در این سال [۲۵۴] بسیل معروف به صقلبی بر میخائیل بن توفیل پادشاه روم شورید و او را به قتل رساند. حکومت میخائیل بیست و چهار سال بود. صقلبی پس از او حکومت روم را به دست گرفت.»

نگارنده: باید گفت امپراطور ثيوفيلوس از سال ۸۴۲ تا ۸۶۶ م حکومت کرده، و این همان زمانی است که مادر امام علیه السلام در آن رشد کرد و به سامرا آمد. لذا صحیح است که توفیل را جد او بدانیم، و لکن هم چنان که گذشت مطلبی در مورد پدرش یشوعا در دست نیست.

قصة الحضارة / ۵ / ۴۹۷۳: «ثيوفيلس (۸۴۲-۸۲۹) قانونگذار مصلح، پادشاه بانی و مدیر هوشیار که سنت در تنگنا گذاردن شکنندگان تماثل را زنده نمود، و به اسهال از دنیا رفت. بیوه‌ی او ثيودورا به عنوان حاکمی توانا جانشین او شد (۸۵۶-۸۴۲)، و دوران تنگنا را پایان داد. میخائیل سوم میگسار (۸۶۷-۸۴۲) به عجز خود امپراطوری را ابتدا به مادرش سپرد، و پس از مرگ مادر به عمومی فرهیخته و توانایش قیصر بارداس.

آنگاه شخصیتی یگانه به طور غیر منتظره‌ای وارد عرصه می شود. او خاندان مقتدر مقدونی را تأسیس می کند. باسل مقدونی در (۸۶۲؟) در نزدیکی هدریانوپل در خانواده‌ای ارمنی و کشاورز زاده شد. بلغاریان در کودکی او را به اسارت گرفتند، و جوانی را در میان آنان در آن سوی دانوب در مناطقی که آن روز به مقدونیه معروف بود گذراند. در بیست و پنج سالگی از میان آنان گریخت و به سمت قسطنطنیه آمد. یکی از سیاستمداران او را به عنوان مشاور امور لشکری اجیر کرد، علت این امر هم توان جسمی او بود. او در جریان یک سفر به

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همراه آن سیاستمدار به یونان رفت. در آنجا نظریه زنی به نام دنیلیس را به خود جلب کرد و قسمتی از ثروت او را به دست آورد. وقتی به پایتخت بازگشت، اسبی سریع را که ملک میخائیل سوم بود پرورش داد، لذا امپراطور او را به خدمت گرفت. او همچنان از تقا یافت تا آنکه به رئیس تشریفات تبدیل شد، اگرچه خواندن و نوشتن نمی دانست. باسل همیشه در کارهایی که بر عهده اش می گذاشتند توانا و سریع بود.

هنگامی که میخائیل به دنبال شوهری برای معشوقه‌ی خود بود، باسل همسر وستایی خود را طلاق داد و با ثروتی کلان او را به تراقیه فرستاد، و با یودوسیا که پیوسته در خدمت امپراطور بود ازدواج کرد. بدین ترتیب میخائیل معشوقه‌ی خود را به باسل بخشید. ولی مقدونی می پنداشت به خاطر کردارش مستحق پادشاهی است. او به میخائیل قبولاند که بارداس قصد کنار زدن او را دارد، و پس از مدتی با دست‌های خود بارداس را به قتل رساند (۸۶۶).

میخائیل از دیرباز به دنبال آن بود که تنها عنوان پادشاه را داشته باشد، نه آنکه حکومتداری کند، لذا باسل را به عنوان امپراطور قرار داد و تمامی امور را بدو سپرد. زمانی که میخائیل او را تهدید به عزل کرد، باسل تدبیری اندیشید و خود او را ترور نمود، و به امپراطوری رسید (۸۶۷).

و بدین ترتیب مناصب حکومتی به افراد با کفایت می رسد، حتی در دوران حکومت‌های وراثتی. می بینیم که کشاورز زاده‌ای درس ناخوانده با سطح فرهنگی پایین، طولانی‌ترین خاندان حاکم بیزانسی را تأسیس می کند. او خود نوزده سال حکومت را بر عهده می گیرد و با مدیریتی دور اندیشانه، قوانینی شایسته، قضاوتی عادلانه، خزانه‌ای مملو، بنای کلیساها و قصرهای جدید در محدوده‌ی حکومتی، متمایز می گردد.»

نگارنده: خلاصه‌ی سخن این دانشمند بزرگ غربی: قیصر ثيوفيلس از سال ۸۲۹ تا ۸۴۲ میلادی حکومت کرد. بیوه‌ی او ثيودورا از سال ۸۴۲ تا ۸۵۶ به عنوان نیابت از او، و پسرش میخائیل سوم از ۸۴۲ تا ۸۶۷ و پس از او هم عمویش قیصر بارداس. در ادامه باسل مقدونی از راه رسید و خاندان مقدونی را که حدود ۲۰۰ سال حکومت کردند تشکیل داد.

بدین ترتیب و براساس این فرضیه که مادر امام علیه السلام حدوداً سال ۸۵۰ به دنیا آمده باشد، قیصری که پدر بزرگ او بوده تیوفیل خواهد بود و شاید هم میخائیل سوم، زیرا او تا سال ۸۶۷ حکومت کرده یعنی زمانی که عمر این بانو به هفده سال رسیده است، یعنی ایشان در عصر میخائیل قسطنطنیه را ترک گفته است.

مسعودی در التنبیه و الاشراف / ۱۴۵ می‌نگارد: «میخائیل بن توفیل بیست و هشت سال حکومت کرد، یعنی بقیه‌ی دوران واثق، متوکل، منتصر و مستعین. مادر او تدوره نیز در کنار او تدبیر می‌کرد. وی بعد از مدّتی و به خاطر مطلبی که با مادرش ارتباط داشت، در صدد کشتن او برآمد، ولی مادر گریخت و به دیری درآمده راهب شد. مردی از اهالی عموریه از پسران پادشاهان گذشته و به نام ابن بقراط با او بر سر حکومت نزاع کرد، میخائیل مسلمانانی که در زندان داشت را برای جنگ با او بیرون آورد و اسب و سلاح در اختیارشان گذاشت. او توانست بر ابن بقراط پیروز شود، اما او را نکشت بلکه ظاهر او را زشت کرد، چرا که ابن بقراط لباس شاهانه و کفش سرخ نمی‌پوشید.

بسیل صقلی جدّ کنستانتین بن لاون بن بسیل - که در این زمان که سال ۳۴۵ است حکومت روم را بر عهده دارد - میخائیل را به قتل رساند.»

با این حساب ترجیح با آن است که یسوعا پسر میخائیل سوم، جدّ ملیکه باشد، و او بوده که می‌خواسته نوه‌ی خود را به همسری برادر زاده‌اش در آورد و آن اتفاقات رخ می‌نماید.

کتابخانه‌ی اینترنتی تاریخ، کتاب تاریخ الدولة البیزنطیة اثر دکتر محمد حسنین ربیع:

<http://مکتبه‌التاریخ.com/۰۷/۲۰۱۱/theodora-wife-of-emperor-theophilus.html>

«امپراطور ثيوفیلیوس پس از مرگ همسرش با ثیودورا ازدواج کرد و پنج دختر و یک پسر که همان میخائیل سوم است برایش به دنیا آمدند. ثيوفیلیوس در سال ۸۴۲ م از دنیا رفت و پسر و یگانه وارثش را که عمرش از شش سال تجاوز نکرده بود به جای گذارد. او وصیت کرده بود ثیودورا [تا زمانی که میخائیل بزرگ شود] عهده‌دار حکومت شود. مجلسی متشکل از بزرگان دولت - که معروفترین آنها ثیوکتیستوس عموی ثیودورا بود - نیز بدو کمک می‌کردند. ثیودورا به مدت ۱۴ سال قدرت را در دست داشت.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

برداس عموی میخائیل نیز در پرورش وی نقش آفرین بود. لکن در این امر سستی کرد ولذا اخلاق میخائیل ناپسند شد، او همواره مشروب می‌خورد و به قمار می‌پرداخت، از این رو بیزانسی‌ها به او لقب میگسار را دادند. ظاهراً عمویش برداس به عمد سستی می‌کرد تا او را از حکومت دور کند، و البته خود فعلاً نفوذ و قدرت تصرف بسیاری یافت!

در عهد ثیودورا مذاکراتی با مسلمانان پیرامون پرداخت فدیة برای آزاد سازی اسیران در گرفت و این امر در ساحل نهر لاس به سال ۸۴۵ م انجام شد. در سال ۸۴۶ ثیودورا لشکری به صقلیه فرستاد تا آن را به حکومت خود بازگرداند، ولی از اغالبه شکست خوردند.

در ماه می ۸۵۳ وی یک کشتی را به دمیاط و بلاد شام ارسال کرد. دمیاط در آن دوران کسی نداشت تا از آن دفاع کند، زیرا لشکریان آن برای شرکت در سان به مناسبت عید قربان شهر را ترک گفته بودند. لذا دمیاط در معرض غارت بیزانسی‌ها قرار گرفت، و آنان ۶۰۰ نفر از اهالی آن را به اسارت بردند.

فرجام ثیودورا به دست برادرش برداس رقم خورد. بین برداس و ثیوکتیسوس عمو و معشوق ثیودورا نزاعی در گرفت. برداس نزد امپراطور میخائیل سوم سعایت کرد و گفت: ثیوکتیسوس قصد ازدواج با ثیودورا را دارد. از این رو امپراطور فرمان داد او را زندان کنند، و نهایتاً در سال ۸۵۴ م او را کشتند.

هنگامی که یکی از راهبان مدعی شد پسر ثیودورا است و از میخائیل به حکومت سزاوارتر می‌باشد، به برداس فرمان داد او را دستگیر کرده به قتل برساند. امپراطور میخائیل سوم، مادر و برادران خود را مجبور کرد راهب شوند.»

علی‌رغم آنچه گذشت، باید اقرار کرد معلومات ما در مورد خانواده‌ی بانو ملیکه عجل الله تعالی فرجه بسیار محدود است، البته منابع متعددی به زبان‌های یونانی و ایتالیایی موجود است که نیاز به تتبع و بررسی دارد.

برخی محققین به من گفت که منابع مهم و مفصل تاریخ امپراطوری روم شرقی - حاکمان قسطنطنیه - به زبان یونانی نوشته شده است.

در ادامه لیست اسامی امپراطوران روم شرقی را می آوریم تا به محقق کمک کند، چرا که بحث هایی که در این راستا عنوان شده ضعیف است:

لیست اسامی امپراطوران روم

در سایت:

https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_Byzantine_emperors

اسامی امپراطوران دولت بیزانس از کنستانتین اول ۳۳۷ م تا سقوط دولت آنان در سال ۱۴۵۳ م به دست محمد فاتح سلطان عثمانی، آمده است و بیش از یکصد تن اند.

گویند: مؤسس استانبول دریانوردی مجارستانی است که به سال ۶۵۷ قبل از میلاد آن را بنا کرد. نام آنجا بیزانس بود. و اولین کسی که آن را به شهری تبدیل نمود امپراطور کنستانتین در سال ۳۲۴ میلادی بود. وی آن را به نام خود قسطنطنیه نام نهاد و بابت فتح آن در ۱۱ ماه می سال ۳۳۰ م جشنی عظیم گرفت. در سال ۱۴۵۳ م، سلطان محمد فاتح عثمانی آن را فتح کرد و به دولت بیزانس شرقی خاتمه داد و آن را استانبول نامید و پایتخت قرار داد.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

در خاتمه نکته ای شایان ذکر است؛ انسان، از وسائل عذیده ای که خداوند متعال برای ولی خود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، و به جهت تغییر عالم و برپا داشتن دولت عدل الهی فراهم کرده، در شگفت می ماند، یکی از آنها آن است که مسیح علیه السلام در زمانی مناسب فرود می آید و به اقناع پیروان غربی خود می پردازد.

خداوند در شخصیت حضرت مهدی علیه السلام عناصر متعددی قرار داده که موجب جذب مردم می شود، ایشان از سویی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است و آن حضرت بشارت او را داده اند، و نامه و عهدی معهود برایش نگاشته اند تا منهاج عملکرد او باشد.

از جانب امام زین العابدین علیه السلام نسبش به کسری منتهی می شود، زیرا مادر امام سجاد علیه السلام نواده ی کسری بوده است. از جانب مادر خود ملیکه یا نرجس نیز، هم به قیصران می رسد که پدران بانو بوده اند، و هم به شمعون صفا و هارون از ناحیه ی مادر بانو.

با این حساب آن حضرت عربی، فارسی و رومی است، علاوه بر آنکه به هردو نسلی که از

ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام منشعب شده می‌رسد، از جهت پدر به اسماعیل علیه السلام و از جهت مادر به اسحاق علیه السلام.

فضیلت شب میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شب نیمه‌ی شعبان

المصنف عبدالرزاق ۴/ ۳۱۶ از کثیرین مره نقل می‌کند: «خداوند در شب نیمه‌ی شعبان به بندگان نگاهی می‌کند و اهل زمین را می‌آمزد، مگر مشرک و یا کسی که کینه‌ی دیگری را [به ناحق] به دل دارد.»

همان ۴/ ۳۱۷ از ابن عمر: «در پنج شب است که دعا ردّ نمی‌شود؛ شب جمعه، شب اول رجب، شب نیمه‌ی شعبان، شب‌های عید فطر و قربان.»

مسند احمد ۲/ ۱۷۶ از عبدالله بن عمرو از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «خدای عزوجل شب نیمه‌ی شعبان بر آفریدگان نظر می‌کند و بندگان را می‌آمزد مگر دو نفر را؛ کسی که کینه دارد و کسی که انسانی را کشته است.»^۱

سنن ابن ماجه ۱/ ۴۴۴ و ترمذی ۳/ ۱۱۶ از عایشه نقل می‌کنند: «شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون رفتند، و من هم در پی ایشان رفتم. ایشان را در بقیع یافتم که سربه آسمان بالا گرفته بودند، به من فرمودند: ای عایشه! آیا بیم آن داشتی که خدا و رسولش بر تو ستم کنند؟! من گفتم: نه، گمان کردم که نزد برخی زنان تنان رفته‌اید! ایشان فرمودند: خداوند تعالی در شب نیمه‌ی شعبان به پایین‌ترین آسمان فرود می‌آید^۲ و بیش از موهای گوسفندان [قبیله‌ی] کلب می‌آمزد.»

امالی شجری ۲/ ۱۰۷ از ابوبکر از آن حضرت: «خدای تبارک و تعالی در نیمه‌ی شعبان به آسمان دنیا فرود می‌آید و تمام افراد بشر را می‌آمزد، مگر مشرک و انسانی که در دل کینه دارد.»

همان ۲/ ۱۰۱ از امام کاظم از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «خداوند تبارک و تعالی

۱. و نیز زکریا به سنن ابن ماجه ۱/ ۴۴۵، ابن حبان ۷/ ۴۷۰، تاریخ بغداد ۱۴/ ۲۸۵ و مجمع الزوائد ۸/ ۶۵ از بزار و طبرانی و روایت طبرانی را توثیق می‌کند.

۲. چند سطر بعد حدیثی از امام رضا علیه السلام می‌آید که بر این پندار باطل خط بطلان می‌کشد.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

شب نیمه‌ی شعبان به آسمان دنیا فرود می‌آید و می‌گوید: آیا سائلی هست تا حاجتش را روا سازم؟ آیا کسی هست غفران طلبد تا او را بیامرزم؟ آیا توبه کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا بدهکاری هست تا ادای دینش را براو آسان گردانم؟ پس این شب و سرعت اجابت [دعا] در آن را غنیمت شمارید.»

توحید صدوق / ۱۷۶ از ابراهیم بن ابی محمود روایت می‌کند: «خدمت امام رضا علیه السلام عرضه داشتم: ای پسر پیامبر! در مورد روایتی که مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند - که ایشان فرمودند: خداوند تبارک و تعالی هر شب به پایین ترین آسمان فرود می‌آید - چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمودند: خداوند کسانی را که سخنان را از جایگاه‌های آن تغییر می‌دهند لعنت کند. به خدا سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین چیزی نفرمودند، ایشان فرمودند: خداوند تبارک و تعالی هر شب در یک سوم پایانی آن، و شب جمعه ابتدای آن فرشته‌ای را به پایین ترین آسمان فرو می‌فرستد و بدو فرمان می‌دهد ندا در دهد: آیا درخواست کننده‌ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا توبه کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا کسی هست غفران طلبد تا او را بیامرزم؟ ای آنکه به دنبال خیر هستی بیا، ای کسی که در پی شروبدی هستی دست بردار، تا زمانی که فجر طالع شود. با طلوع فجر او هم به جایگاه خود در ملکوت آسمان باز می‌گردد. پدرم از جدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله این را برایم نقل کردند.»

ثواب الاعمال / ۱۰۱ از کردوس از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «هرکسی شب عید و شب نیمه‌ی شعبان را به بیداری بگذراند، روزی که دل‌ها می‌میرد دلش نخواهد مرد.»

شیخ طوسی رحمه الله در امالی ۳۰۲ / ۱ از ابو یحیی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «از امام باقر علیه السلام در مورد فضیلت شب نیمه‌ی شعبان سؤال شد، ایشان فرمودند: بعد از شب قدر آن شب برترین شب است، در آن شب خدای متعال فضل خود را به بندگان می‌بخشد و به لطف خود آنها را می‌آموزد، پس در آن شب در نزدیکی به خدا تلاش کنید، زیرا شبی است که خداوند تعالی بر خویش قسم یاد کرده کسی را که در آن شب از او درخواستی کند ردّ نکند، مادامی که خواهان معصیت نباشد.

آن شبی است که خدا برای ما اهل بیت - و درازای لیلۃ القدر که برای پیامبرمان صلی الله علیه و آله

قرار داده - قرار داده است، پس در دعا و ثنای خدای عزیز و جلیل بکوشید که هرآنکه صد بار در آن تسبیح خدای تعالی گوید، صد بار حمد او و یکصد بار تکبیر گوید، گناهان گذشته‌اش را بیامرزد و حوائج دنیا و آخرت او را برآورد - حال چه آن حاجت را از خدا بخواهد، و چه آنکه خدا خود بداند او بدان نیاز دارد گرچه وی نخواهد - و این بابت کرم خداوند و تفضل او بر بندگان است.

ابویحیی گوید: به آقایمان امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفتم: در آن شب چه دعا کنم؟ فرمودند: نماز عشا را که خواندی دو رکعت نماز به جای آور، در رکعت نخست حمد و سوره‌ی جحد - که همان قل یا ایها الکافرون است - را بخوان، و در دومین رکعت حمد و سوره‌ی توحید، چون سلام نماز را دادی سی و سه بار بگو: سبحان الله، سی و سه بار: الحمد لله و سی و چهار بار: الله اکبر، آنگاه بخوان: یا من إلیه ملجأ العباد فی المهمات ...

بعد از فراغ سربیه سجده گذارده بیست مرتبه بگوید: یا رب، هفت مرتبه: یا محمد، ده بار: لا حول و لا قوة إلا بالله، ده مرتبه: ما شاء الله و ده بار: لا قوة إلا بالله، آنگاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستاده و حاجت را از خدا می‌خواهی، پس به خدا سوگند اگر با این عمل به فضل و کرم خدا به تعداد قطرات باران درخواست کنی تو را بدان می‌رساند.^۱

کامل الزیارات / ۱۷۹ از امام زین العابدین عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «هرکه دوست می‌دارد صد و بیست و چهار هزار پیامبر را و دست دهند، قبر ابوعبد الله الحسین بن علی عجل الله تعالی فرجه را در نیمه‌ی شعبان زیارت کند، زیرا ارواح پیامبران علیهم السلام از خداوند برای زیارت او اجازه می‌گیرند و به ایشان اذن داده می‌شود و پنج پیامبر اولوالعزم از جمله‌ی آنها هستند، گفتیم: آنها کیانند؟ فرمودند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله.

عرضه داشتیم: اولوالعزم به چه معناست؟ فرمودند: به شرق و غرب و جن و انس زمین مبعوث شدند.^۲

شیخ حر عاملی رحمه الله در اثبات الهداة ۳ / ۸۱ می‌نگارد: «به دست خط شهید [اول] عجل الله تعالی فرجه

۱. مصباح المتعبد ۷۶۲، اقبال الاعمال ۷۱۸ و وسائل الشیعة ۵ / ۲۳۷

۲. تهذیب ۴۸ / ۶، مصباح المتعبد ۷۶۱، اقبال الاعمال ۷۱۰ و وسائل الشیعة ۱۰ / ۳۶۴

یافت شد که امام صادق علیه السلام فرمودند: شبی که قائم علیه السلام در آن به دنیا می آید، هر فرزندی که زاده شود مؤمن خواهد بود، و اگر در سرزمین شرک به دنیا آید، خداوند او را به برکت امام علیه السلام به ایمان منتقل خواهد نمود.»

نگارنده: اگر از علمای مذاهب سنی بپرسیم که شب نیمه‌ی شعبان چنین منزلت و عظمتی را از کجا به دست آورده است چه می‌گویند؟ تنها پاسخی که یافت می‌شود موافق مذهب ماست که خداوند متعال آن شب را برای میلاد ولی خود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه برگزیده است، همو که به ظلم پایان می‌دهد و زمین را از داد و عدل می‌آکند.

غیبت صغری

عَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى
رَبِّهِ الشَّرِيف

پاره ای از سیره ی حضرت مهدی
در غیبت صغری

دستگاه حاکم و جستجوی امام بعد از شهادت پدر علیه السلام

کافی ۱/ ۵۲۵ از حسین بن حسن علوی نقل می‌کند: «مردی از ندیمان روزحسینی^۱ به شخصی که همراه او بود گفت: او اموالی جمع می‌کند و وکلایی دارد - و تمامی وکلادر نواحی مختلف را نام بردند - این خبر به عبیدالله بن سلیمان وزیر^۲ رسید، او هم در صدد دستگیری آنان برآمد. خلیفه گفت: به دنبال خود او بگردید، چون امر مهمی است. عبیدالله بن سلیمان گفت: خود وکلارا دستگیر می‌کنیم، خلیفه گفت: نه، بلکه افراد ناشناسی را با اموالی به سراغ آنها بفرستید، هرکسی چیزی از آنها دریافت کرد دستگیر شود.

توقیعی [از ناحیه‌ی امام] صادر شد و به وکلا فرمان می‌داد از هیچ کسی چیزی دریافت نکنند و وانمود کنند چیزی نمی‌دانند. مردی ناشناس در خلوت به محمد بن احمد گفت: با خود مالی دارم و می‌خواهم آن را برسانم، محمد هم گفت: اشتباه گرفته‌ای، من خبری در این باره ندارم، آن مرد با نرمی و آرامی ادامه داد و اصرار کرد، ولی محمد همچنان خود را به ناآگاهی می‌زد. حکومت جاسوس هایش را پراکنده کرد، ولی وکلا به خاطر آن فرمان دست نگه داشته بودند.^۳

سلطه مانع زیارت قبر امام حسین و امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌شود

کافی ۱/ ۵۲۵ از علی بن محمد روایت می‌کند: «توقیعی از ناحیه‌ی مقدسه صادر شد که از زیارت مقابر قریش [کاظمین] و امام حسین علیه السلام نهی می‌کرد. پس از چند ماه وزیر [فضل بن جعفر بن فرات]، باقطنی را فراخواند و به او گفت: بنی فرات [خانواده‌ی وزیر] و برسیان را ملاقات کن و بگو: به زیارت مقابر قریش نروند، زیرا خلیفه فرمان داده در جستجوی کسانی که به زیارت می‌روند برآمده، دستگیرشان کنند.^۴

۱. گویا از حاکمان سامرا بوده است، وافی ۳/ ۸۸۰ م.

۲. وزیر معتضد عباسی از سال ۲۷۸ تا سال ۲۸۸، رک به ذیل تاریخ بغداد ۲/ ۴۰

۳. مشابه آن اعلام الوری ۴۲۱، تقریب المعارف ۱۹۷، اثبات الهداة ۳/ ۶۶۵ و بحار ۵۱/ ۳۱۰

۴. تقریب المعارف ۱۷۹، ارشاد ۳۵۶، غیبت شیخ طوسی ۱۷۲، الخرائج و الجرائح ۱/ ۴۶۵، اعلام الوری ۴۲۱، اثبات الهداة ۳/ ۶۶۵ و کشف الغمة ۳/ ۲۴۶

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت
غیبت صغری

نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

علامه‌ی مجلسی رحمه الله در بحار الانوار ۵۱/ ۳۱۲ پس از نقل روایت می‌نگارد: «بنی فرات خانواده‌ی وزیر ابوالفتح فضل بن جعفر بن فرات بودند که از وزرای عباسیان بود... برس منطقه‌ای بین حله و کوفه است، و مقصود از زیارت مقابر قریش زیارت کاظمین عجل الله تعالی فرجه است.»

سلطه، پس از شهادت امام عسکری عجل الله تعالی فرجه بر خانه‌ی ایشان هجوم می‌آورد

کمال الدین ۲/ ۷۳ از ابوالحسین حسن بن وحناء از پدرش از پدر بزرگش روایت می‌کند: «در خانه‌ی امام عسکری عجل الله تعالی فرجه بودیم که لشکریان بر ما حمله آوردند و در میان آنان جعفر بن علی کذاب نیز حضور داشت. آنان به غارت و چپاول پرداختند. تمام فکر من مشغول مولایم قائم عجل الله تعالی فرجه بود که یکباره دیدم ایشان آمدند و از در بیرون رفتند. من به ایشان که شش سال داشت نگاه می‌کردم، اما هیچ کس دیگر ندید تا آنکه از دیده رفت.»^۱

همان ۲/ ۹۸ از سعد بن عبد الله از ابوعلی متیلی نقل می‌کند: «ابو جعفر [محمد بن عثمان عمری] نزد من آمد و مرا به عباسیه [محلّه‌ای در بغداد] برد. در ویرانه‌ای داخل کرد و نامه‌ای در آورده برایم خواند. در آن نامه شرح همه‌ی وقایعی که بر سر خانه [ی امام عسکری عجل الله تعالی فرجه] آمده، ذکر شده بود، از جمله آنکه؛ موهای ام عبد الله را می‌گیرند، از خانه بیرون می‌آورند و به بغداد نزد سلطان می‌برند، و دیگر وقایع. سپس به من گفت: این مطالب را به خاطر بسپار و نامه را پاره کرد و این مدتی پیش از آن مطلب^۲ بود.»

نگارنده: مقصود از این روایت آن است که جناب عمری خبر می‌دهد که دستگاه حاکم برای تفتیش خانه‌ی امام عسکری عجل الله تعالی فرجه در جهت دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، بدان هجوم می‌آورند، و زنی را که بدو مشکوک هستند که شاید مادر آن حضرت باشد به دستور خلیفه به بغداد می‌برند!

همچنین امام عسکری عجل الله تعالی فرجه به مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خبر می‌دهند که چه به وقوع خواهد پیوست، همان ۲/ ۴۳۱ از ابوعلی خیزرانی روایت می‌کند: «هنگامی که جعفر کذاب به خانه‌ی

۱. منتخب الانوار / ۱۵۹، تبصرة الولی / ۱۲۳ و حلیة الابرار / ۲ / ۵۴۶

۲. ممکن است اشاره باشد به نیل جناب عمری به سفارت ناحیه‌ی مقدسه، و یا اشاره‌ای به فوت ایشان یا پدرش که سفیر نخست بود باشد. م

ابو محمد علیه السلام هجوم آورد، کنیزی که به ابو محمد علیه السلام اهدا کرده بودم به فرار از جعفر نزد من آمد. [و بعدها] جعفر او را به همسری خود در آورد. آن کنیز برایم گفت که زمان به دنیا آمدن امام علیه السلام حضور داشته و مادر ایشان صقیل نام داشته است. ابو محمد علیه السلام به صقیل خبر دادند که چه بر سر خانواده شان خواهد آمد، لذا او از ایشان خواست از خدا بخواهند مرگش را پیش از آن قرار دهد، و در حیات ابو محمد علیه السلام از دنیا رفت. بر روی قبر او هم لوحی است که بر آن نوشته: این قبر مادر محمد است.»

جعفر کذاب و ادعای امامت

کمال الدین ۱/ ۳۱۹ از ابو خالد کابلی در ضمن حدیثی از امام سجاد علیه السلام روایت می کند: «پدرم از پدرش علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد: هنگامی که پسرم جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام به دنیا آمد نام او را صادق بگذارید، زیرا که پنجمین کس از نسل او جعفر نام دارد و ادعای امامت می کند و این بابت جرأت داشتن بر خداوند و دروغ بستن براوست، او نزد خدا جعفر کذاب است که بر خدای عزوجل افترا می بندد...»

جعفر عموی امام زمان علیه السلام است. وی مردی فاسق و بی حیا بوده و می گساری نیز می کرده است، او طنبور می نواخته، قمار می کرده و ندیم خلیفه بوده است!

در روایت کمال الدین ۲/ ۷۵ آمده که خلیفه ندیم خود جعفر کذاب را پیش می اندازد تا بر پیکر امام عسکری علیه السلام نماز بخواند! «جعفر بن علی جلورفت تا بر برادر نماز گزارد. چون خواست تکبیر گوید، کودکی گندمگون با موهای مجعد و دندان هایی فاصله دار بیرون آمد، ردای جعفر را کشید و فرمود: عمو! برو عقب که من به نماز بر پدرم شایسته ترم، او هم که رنگ چهره اش کبود و زرد شده بود عقب رفت، و آن کودک نماز خواند.

سپس نزد جعفر بن علی رفتم، او نفس های بلندی می کشید. حاجز و شاء بدو گفت: آقای من! آن کودک که بود تا محاکمه اش کنیم؟ او گفت: به خدا قسم نه او را دیده ام و نه می شناسم.

ما نشسته بودیم که چند نفر از قم آمدند، سراغ امام حسن عسکری علیه السلام را گرفتند و از خبر

وفات ایشان مطلع شدند، آنان گفتند: به چه کسی [به عنوان جانشین] تسلیت بگوییم؟ مردم هم به جعفر اشاره کردند. آنان به او سلام، تسلیت و تبریک گفتند، و گفتند: ما نامه‌ها و اموالی را به همراه داریم، آیا می‌گویی نامه‌ها از جانب چه کسانی است و اموال چه مقدار است؟ جعفر در حالی که لباس هایش را تکان می‌داد برخاست و گفت: از ما می‌خواهند علم غیب داشته باشیم!

خادم [امام علی (ع)] از خانه بیرون آمد و گفت: شما با خود نامه‌هایی از فلان و فلان و نیز کیسه‌ای که هزار دینار در آن است دارید، که ده دینار آن تقلبی است. آنها نامه‌ها و اموال را به او سپردند و گفتند: کسی که تو را برای دریافت این‌ها فرستاده امام است.

جعفر بن علی نزد معتمد رفت و جریان را گفت. معتمد خادمانش را فرستاد تا صقیل کنیز را دستگیر کنند. آنان از او سراغ کودک را گرفتند ولی او انکار کرد و مدّعی شد باردار است تا ماجرای کودک را بپوشاند، لذا او را نزد ابن ابی شوارب قاضی بردند که یکباره خبر مرگ عبیدالله بن یحیی بن خاقان و خروج صاحب زنج در بصره آمد و بدین وسیله به این امور مشغول شدند و آن کنیز از دست آنان رهایی یافت و الحمد لله رب العالمین.»

در روایتی آمده که خلیفه فرمان می‌دهد صقیل کنیز را زندانی کنند، و او دو سال با دیگر زنان در زندان بود، زیرا سنیان فتوی می‌دهند حدّ اکثر مدت بارداری دو سال است! صقیل عنوانی بوده مشترک که برخی کنیزان هم داشته‌اند.

آنها منتظر بودند او پسرش را به دنیا آورد تا او را از بین برند. زندان آنها هم تحت اشراف شخص قاضی القضاة ابن ابی شوارب بوده است که از اهمیت موضوع حکایت دارد.

و نیز گذشت که خیزرانی کنیزی به امام عسکری (ع) اهدا کرده بود، و چون مأموران سلطه به خانه ریختند، او گریخت و به منزل مولای سابقش رفت و جریان میلاد امام مهدی (ع) را برای او تعریف کرد.

روضة الواعظین ۲/ ۲۶۶ می‌نویسد: «میلاد او مخفی و امر او پوشیده بود، و این بابت سختی زمان و جستجوی شدید سلطان و تلاش وی برای یافتن ایشان بود، زیرا در مذهب امامیه این امر مشهور بود و همه انتظار آن را می‌کشیدند. پدر در زندگی خویش او را به [همه‌ی]

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام (ع)

منزلت امام (ع)

حکومت امام (ع)

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (ع)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (ع)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام (ع) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مردم نشان نداد و عموم مردم هم بعد از وفات ایشان او را ندیدند. جعفر بن علی برادر امام عسکری علیه السلام میراث برادر را تصاحب کرد، و در راستای حبس کنیزان و دستگیری همسران ایشان علیه السلام تلاش کرد. او بر اصحاب ابو محمد علیه السلام خرده می گرفت که چرا انتظار پسر را می کشند و او را موجود و امام می دانند.

او حکومت را تحریک کرد تا جایی که آنان [یعنی اصحاب امام عسکری علیه السلام] را ترسانند و پراکنده ساخت. او بدین ترتیب بازماندگان ابو محمد علیه السلام را به گرفتاری عظیم مبتلا کرد، از دستگیری، حبس، تهدید، تحقیر و ذلت و استخفاف. البته سلطان از این کارها به نتیجه ای نرسید. جعفر میراث ابو محمد علیه السلام را تصاحب نمود و سعی کرد نزد شیعه خود را قائم مقام برادر معرفی کند، لکن احدی نپذیرفت و بدان اعتقاد نیافت. او نزد سلطان رفت و از او خواست به مقام برادر برسد و مال بسیاری بذل نمود، و به هر چیزی که گمان می کرد او را به مقصود نزدیک می کند متوسل شد، ولی نتیجه ای برایش نداشت.»

ظاهر آن است که هجوم نخست بر خانه ی امام عسکری علیه السلام، بلافاصله بعد از دفن ایشان بوده است، و سبب آن نیز این بوده که امام مهدی علیه السلام به طور ناگهانی ظاهر می شوند و بر پدر نماز به جای می آورند.

اما هجوم دوم از بابت اجرای فرمان خلیفه به وراثت انحصاری جعفر بوده است، لذا وی با مأموران می آید تا میراث برادر را برگیرد و خانه ی ایشان را نیز تصاحب کند!

کمال الدین ۴۲۰/۲ از محمد بن صالح بن علی بن محمد بن قنبر کبیر غلام امام رضا علیه السلام روایت می کند: «هنگامی که جعفر پس از فوت امام عسکری علیه السلام بر سر میراث ایشان به نزاع پرداخت، صاحب الزمان از جایی نامعلوم بیرون آمده فرمودند: ای جعفر! چرا متعرض حقوق من می شوی؟ او هم متحیر و مبهوت شد و ایشان از نظر غائب گشت. جعفر هر چه در میان مردم به دنبال او گشت اثری نیافت.

زمانی که مادر امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت، طبق فرمان او خواستند در خانه به خاک بسپارند که جعفر به نزاع برخاست و گفت: این خانه ی من است و او در آن دفن نمی شود! امام علیه السلام دوباره ظاهر شده فرمودند: ای جعفر! آیا این خانه ی توس است؟ آنگاه

غائب شد و بعد از آن او را ندید.»

کافی ۱ / ۲۴۵ از علی بن محمد روایت می‌کند: «در میان کسانی که جعفر فروخت دخترکی بود از نسل جعفر بن ابی طالب علیه السلام که در خانه [ی امام عسکری علیه السلام] او را پرورش می‌دادند. برخی علویان ماجرای دخترک [و اینکه آزاده و از بنی هاشم است]^۱ را به خریدار گفت. خریدار گفت: قبول کردم که او را بازگردانم به شرط اینکه تمام قیمتی که در قبال آن پرداخت کردم به من بازگردد.

آن علوی هم رفت و خبر را به اهل ناحیه رساند، آنان هم چهل و یک دینار برای او فرستادند و دستور دادند دخترک را به صاحب [و ولیّ او از آل جعفر] بازگردانند.»

غیبت شیخ طوسی / ۱۷۴ با سند خود از سعد بن عبد الله اشعری نقل می‌کند: «استاد راستگویم احمد بن اسحاق بن سعد اشعری رحمه الله برایمان گفت: برخی از شیعیان نزد او آمد و گفت: جعفر بن علی نامه‌ای به او نوشته و در آن خود را معرفی می‌کند، و عهده دار این امر پس از برادر می‌داند، و مدعی است علم حلال و حرام و آنچه مورد نیاز است و نیز دیگر علوم را داراست!

احمد بن اسحاق گوید: وقتی که نامه را خواندم، نامه‌ای برای صاحب الزمان علیه السلام نوشتم و نامه‌ی جعفر را نیز درون آن گذاشتم، جواب چنین آمد:

بسم الله الرحمن الرحيم، نامه‌ی تو - که خدایت باقی دارد -، و نیز آن نامه‌ای که درون آن فرستادی به من رسید و هر آنچه را که در برداشت - با وجود اختلاف الفاظ و تکرار اشتباه موجود در آن - دانستم، و اگر تو در آن تدبیر می‌کردی بعضی از آنچه من بر آن وقوف یافته‌ام را می‌فهمیدی، والحمد لله رب العالمین حمداً لا شریک له بابت احسان و فضلی که بر ما دارد، خداوند عزیز و جلیل برای حق ابا دارد مگر آنکه آن را به اتمام رساند و برای باطل، مگر آنکه آن را از میان برد، و او بر من گواه مطلبی است که می‌گویم، و نیز [گواه] من بر شما، آن هنگامی که در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست گرد می‌آییم، و او از ما درباره‌ی آنچه در آن اختلاف داریم پرسش می‌کند.

۱. رک به وافى ۳ / ۸۸۰ و مرآة العقول ۶ / ۲۰۰

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

صاحب نامه هیچ امامت واجب، اطاعت و هیچ عهده بر [گردن] آنکه بدو نوشته، تو و هیچ یک از خلق ندارد، و سخنی برایتان خواهم گفت که بدان بسنده کنید، ان شاء الله تعالی. ای فلان! خدایت رحمت کند، همانا خداوند تعالی خلق را بیهوده نیافریده و به عبث وانگذاشته، بلکه به قدرت خود خلق کرده و برای آنان گوش، چشم، دل و خرد قرار داده است، آنگاه پیامبران علیهم السلام را به بشارت و هشدار به سوی آنها ارسال نموده تا به فرمانبری از او فرمانشان دهند و از سرپیچی نهی کنند، و آنان را از امر خالق و دینشان که نمی دانستند آگاه گردانند. او کتابی بر آنان فرو فرستاد و نیز فرشتگانی که فضیلت خداداد ایشان، دلائل آشکار، براهین واضح و آیات غالب را میان ایشان و کسانی که به سویشان مبعوث شده اند بیاورند. پس برای برخی از آنها آتش را سرد و ایمن نمود و او را خلیل خود قرار داد، با برخی سخن گفت و عصایش را از دهایی آشکار قرار داد، بعضی به اذن خدا مردگان را زنده کرد و کور مادر زاد و پیس را شفا بخشید، برخی را هم سخن پرندگان آموخت و از هر چیزی داده شد.

سپس محمد صلی الله علیه و آله را رحمت بر جهانیان مبعوث کرد، بدو نعمت خویش را به پایان رسانید و پیامبرانش علیهم السلام را خاتمه داد، او را به سوی تمامی مردم فرستاد، صدق او را آشکار نمود و نشانه ها و علامات او را واضح گرداند، آنگاه او را ستوده، از دست رفته و با سعادت از دنیا برد، و امر [جانشینی] را پس از او به برادر، پسر عمو، وصی و وارثش علی بن ابی طالب علیه السلام سپرد و پس از ایشان نیز به جانشینان از فرزندان یک به یک. به وسیله ی آنان دینش را احیا کرد و نور خود را تمام ساخت. او میان آنان با برادران، عموزادگان و نزدیکان به ترتیب - یعنی صاحبان رجم - فرقی روشن قرار داد که بدان حجت از محجوج [کسی که دیگری براو حجت باشد] و امام از مأموم شناخته می شود، آن فرق این است که آنان را از گناهان معصوم، از عیب ها مبرا، از آلودگی مطهر و از شبهه منزّه داشت، آنها را خزانه داران دانش، ودیعه گاه حکمت و جایگاه سرخویش قرار داد، و با براهین تأیید فرمود، و اگر چنین نبود مردمان مساوی می بودند و هر کسی مدعی امر خدای عزوجل می شد، و حق از باطل و عالم از جاهل شناخته نمی شد.

این باطل گرا که با ادعایش بر خدا افترا بسته است، نمی داند امید به چه چیزی دارد تا ادعای خود را کامل کند؛ آیا به فهمی در دین خدا؟ به خدا قسم حلالی را از حرام نمی شناسد، و میان خطا و صواب فرق نمی گذارد!

یا به دانش؟ حتی را از باطل و محکمی را از متشابه تشخیص نمی دهد و از حد و وقت نماز آگاه نیست!

آیا به ورع؟ خداوند گواه است که او نماز واجب را چهل روز ترک گفت و به زعم خود در طلب شعبده بود، و شاید خبرش به شما رسیده باشد. این ظرف های مستی اوست که مهیاست^۱، و آثار معصیت او مر خدای عزوجل را مشهور و پابرجاست!

یا به نشانه ای؟ پس آن را بیاورد، یا به برهانی؟ پس آن را اقامه کند، یا به دلیلی؟ پس بیان کند!

خداوند عزوجل در کتابش می فرماید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. حم، تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ. قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَتُنُونِ بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ. وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ^۲،
حاء، میم، فرو فرستادن این کتاب از جانب خدای ارجمند حکیم است. آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و [تا] زمانی معین نیافریدیم، و کسانی که کافر شده اند، از آنچه هشدار داده شده اند روی گردانند. بگو: به من خبر دهید، آنچه را به جای خدا فرامی خوانید به من نشان دهید که چه چیزی از زمین [را] آفریده یا [مگر] آنان را در [کار] آسمان ها مشارکتی است؟ اگر راست می گوئید کتابی پیش از این [قرآن] یا بازمانده ای از دانش نزد من آورید. و کیست گمراه تر از آن کس که به جای خدا کسی را می خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی دهد، و آنها از دعایشان

۱. در نسخه ی علامه ی مجلسی رحمه الله از کتاب شریف احتجاج که این جریان در آن هم آمده است، به جای عبارت و هاتیک ظروف مسکرة منصوبه که در ترجمه گذشت، عبارت و هاتیک طرق منكرة منصوبه و به معنای نشانه های آشکار کردارهای زشت او، آمده است، رک به بحار الانوار ۲۵ / ۱۸۳ م

۲. سوره ی احقاف ۶ / ۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی

منزلت امام عجل الله تعالی

حکومت امام عجل الله تعالی

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بی خبرند؟ و چون مردم محشور گردند، دشمنان آنان باشند و به عبادتشان انکار ورزند.

پس - خدا عهده دار توفیق تو گردد - از این ظالم آنچه را که برایت بیان کردم درخواست کن، او را بیازمای، و از آیه ای از کتاب خدا بپرس که برایت تفسیر کند، یا نماز واجبی تا حدود و واجبات آن را برتوییان نماید، تا از حال و قدر او آگاه شوی و عیب و نقصان او برایت آشکار گردد، و خداوند حسابرس اوست.

خداوند حق را برای اهل آن حفظ کند و در محل استقرار آن قرار دهد. خدای عزیز و جلیل ابا کرده که پس از حسن و حسین (علیه السلام) امامت در دو برادر باشد. و اگر خدا به ما اذن سخن دهد، حق آشکار شده باطل از میان می رود و پرده [ی خود را] از شما برمی دارد، من به خدا امید دارم که کفایت کند، و احسان و ولایت را نیکو دارد و حسبنا الله و نعم الوکیل.»

کمال الدین ۲/ ۴۷۶ از ابوالحسن علی بن سنان موصلی از پدرش نقل می کند: «هنگامی که سید ما امام حسن بن علی عسکری (علیه السلام) از دنیا رفتند، هیئت هایی از قم و جبال با اموالی آمدند و خبر از ارتحال امام عسکری (علیه السلام) نداشتند. به سامرا که رسیدند سراغ حضرت را گرفتند و با خبر فوت ایشان مواجه شدند، پرسیدند: وارث ایشان کیست؟ گفتند: جعفر بن علی، سراغ او را گرفتند، پاسخ دادند: برای تفریح با قایقی به دجله رفته می نوشد و آوازه خوانان هم همراه او هستند!

آنها در میان خود مشورت کرده گفتند: این کار، کار امام نیست، بعضی گفتند: برویم تا این اموال را به صاحبان آن بازگردانیم. ابوالعباس محمد بن جعفر حمیری قمی گفت: صبر کنید تا این مرد بازگردد و او را بیازماییم.

وقتی بازگشت نزد او رفتند سلام کردند و گفتند: آقای ما! ما اهل قم هستیم و جماعتی از شیعیان و غیر آنان [اهل قم] همراهمان هستند، و ما پیشتر اموالی برای مولایمان امام حسن بن علی (علیه السلام) می آوردیم. جعفر گفت: حال کجاست؟ گفتند: با ما، گفت: بیاورید، گفتند: نه، این اموال جریانی جالب دارد، جعفر گفت: چه جریانی؟ گفتند: این اموال گرد می آید و در آن از عموم شیعیان یک دینار و دو دینار است، آنها را درون کیسه ای قرار می دهند و مهر می کنند، ما چون نزد مولایمان امام عسکری (علیه السلام) می رسیدیم می فرمودند: تمام مال فلان

مقدار دینار است، از فلانی فلان قدر، از فلانی فلان مقدار - تا آنکه اسامی همه را می بردند - و می فرمودند که چه نقشی بر روی مهرها وجود دارد.

جعفر صدا زد: دروغ می گوئید، در مورد برادرم مطلبی می گوئید که چنین نبوده، این دانش غیب است و جز خدا کسی ندارد.

آنان با شنیدن این سخن به یکدیگر نگریستند، جعفر گفت: این مال را نزد من بیاورید، آنها گفتند: ما اجیر و وکیل صاحبان مال هستیم، و آن را جز با نشانه هایی که از سیدمان حسن بن علی علیه السلام به یاد داریم تسلیم نخواهیم کرد، حال اگر تو امام هستی برهان بیاور، وگرنه آن را به صاحبانش باز می گردانیم تا خود نظر دهند.

جعفر نزد خلیفه که در سامرا بود رفت و از او یاری طلبید. خلیفه آنان را احضار کرد و گفت: این اموال را به جعفر بسپارید، آنها گفتند: خداوند امور امیرالمؤمنین (!) را سامان دهد، ما اجیران و وکلای صاحبان اموالیم، و این امانت جماعتی است که فرمان داده اند تنها به کسی بسپاریم که نشانه داشته باشد، و عادت ما با حسن بن علی علیه السلام نیز همین بود. خلیفه گفت: آن علامت که میان خود و او داشتید چه بود؟ گفتند: دینارها، صاحبان آن، اموال و مقدار آن را برایمان توصیف می کرد، و بعد از آن تسلیم او می کردیم. ما بارها نزد ایشان رفتیم و همین نشانه و علامت ما بود، و حال ایشان از دنیا رفتند. اگر این مرد صاحب امر است، همان نشانه ای که برادرش ارائه می داد ارائه دهد، وگرنه آنها را به صاحبانشان باز می گردانیم.

جعفر گفت: یا امیرالمؤمنین! این قوم کذابند و بربرادرم افترا می زنند، و این علم غیب است! خلیفه در پاسخ گفت: اینان فرستادگانی هستند و کاری جز رساندن پیام ندارند، جعفر هم مبهوت ماند و هیچ نگفت.

آنان گفتند: اگر امیرالمؤمنین (!) لطف کند و کسی را برای بدرقه ی ما بفرستد تا از این شهر خارج شویم، او هم کسی را فرستاد. هنگامی که از شهر بیرون رفتند، پسری که در زیبایی گوی سبقت را از همگان ربوده و گویا خادم بود نزد آنان آمد و ندا کرد: ای فلان بن فلان! ای فلان بن فلان! مولایتان را اجابت کنید، آنها گفتند: تو خود مولای مایی، او گفت:

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پناه بر خدا، من بنده‌ی مولایتان هستم، نزد او بروید.

آنها می‌گویند: ما همراه او رفتیم تا وارد خانه‌ی مولایمان حسن بن علی علیه السلام شدیم. یکبارہ دیدیم فرزند ایشان سید ما قائم علیه السلام به مانند پاره‌ی ماه بر سریری نشسته و جامه‌هایی سبز دربردارد. سلام کردیم و ایشان پاسخ دادند، سپس فرمودند: تمام مال فلان مقدار دینار است، فلانی فلان مقدار و فلانی فلان قدر فرستاده و همه را بیان کردند. آنگاه به توصیف لباس‌ها، بارها و جانورانی که با خود به همراه داشتیم پرداختند.

ما به شکرانه‌ی آنچه دانستیم برای خدای عزوجل به سجده افتادیم، و زمین مقابل ایشان را بوسه دادیم، از آنچه می‌خواستیم پرسیدیم و پاسخ گرفتیم، و اموال را برای ایشان آوردیم. ایشان فرمان دادند از این پس مالی به سامرا نیاوریم، زیرا کسی را در بغداد می‌گمارند که اموال نزد او برده شود و توقیعات از نزد او بیرون آید، و از حضور ایشان مرخص شدیم. حضرت مقداری حنوط و کفن به ابوالعباس محمد بن جعفر قمی حمیری دادند و فرمودند: خداوند پاداش تورا در مورد خودت افزون کند. ما به گردنه‌ی همدان نرسیده بودیم که او از دنیا رفت، رحمه الله.

ما بعد از آن اموال را نزد وکلایی که در بغداد حضور داشتند می‌بردیم و توقیعات نیز از نزد آنها بیرون می‌آمد.

مصنف این کتاب [شیخ صدوق رحمه الله] می‌گوید: این جریان بر آگاهی خلیفه از امر امامت و کسی که عهده‌دار آن است دلالت دارد، از این روست که با آن قوم و اموالی که همراه داشتند کاری نداشت. جعفر را از آنان بازداشت و دستور نداد اموال را تسلیم او کنند، جز آنکه دوست داشت این مطلب مخفی بماند و نشر نیابد، تا مبادا مردم بدان رهنمون شوند! جعفر کذاب پس از فوت امام حسن بن علی علیه السلام بیست هزار دینار نزد خلیفه برد و گفت: یا امیرالمؤمنین! مرتبت و جایگاه برادرم را برای من قرار دهید، او پاسخ داد: منزلت برادرت از جانب ما نبود بلکه از سوی خدا بود، ما سعی بر آن داشتیم که جایگاه او را پایین آوریم ولی خداوند عزوجل ابا کرد مگر آنکه هر روز او را بالا برد، و این بابت نگاهداری، برخورد نیکو، دانش و عبادت او بود. حال تو اگر نزد شیعیان برادرت از آن جایگاه برخورداری به

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ما نیازی نخواهی داشت، اگر هم چنین نیست و شایستگی‌های او را نداری، ما برایت فایده‌ای نداریم.»^۱

همان ۲/ ۴۸۸ از محمد بن شاذان بن نعیم نقل می‌کند: «مردی از اهالی بلخ، مالی را به همراه نامه‌ای - که در آن نوشته‌ای نبود، و تنها با انگشت خود بر آن کشیده بود - فرستاد و به رسول گفت: این مال را با خود ببر و به کسی بده که تو را از ماجرای آن خبر دهد و جواب نامه را نیز بگوید. آن مرد هم به عسکر [سامرا] آمد و نزد جعفر رفته ماجرا را گفت، جعفر پرسید: آیا توبه بداء اعتقاد داری؟ گفت: آری، جعفر گفت: نظرفیقت تغییر یافته و از تو خواسته این مال را به من بسپاری! او گفت: این پاسخ قانع کننده‌ای نیست و بیرون آمد...

و در ادامه نامه‌ای از امام عجل الله تعالی فرجه رسید که پاسخ او را داد و به مقصودش رساند.»^۲
کافی ۱/ ۲۳ از حسن بن عیسی عریضی روایت می‌کند: «پس از آنکه امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه از دنیا رفتند، مردی مصری مالی را برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه به مکه آورد ولی با اختلاف میان مردم مواجه شد، برخی گفتند: امام عسکری عجل الله تعالی فرجه بدون آنکه کسی را جانشین قرار دهد از دنیا رفت، و جانشین جعفر است، بعضی هم گفتند: او جانشین تعیین نمود.

مرد مصری شخصی به نام ابوطالب را با نامه‌ای به عسکر فرستاد. او به آنجا آمد و نزد جعفر رفت و از او برهان و دلیل بر امامت خود خواست، وی گفت: اکنون مجال آن نیست. ابوطالب هم آمد و نامه را به دست سفراء داد، پاسخ او چنین آمد: خداوند به تودر مصیبت رفیقت پاداش دهد که از دنیا رفت، و درباره‌ی آن مالی که وی با خود داشت سفارش کرد که آن را به فردی مطمئن بدهد تا در آن به وظیفه عمل کند، و نامه‌اش پاسخ داده شد.»

کمال الدین ۲/ ۴۸۳ از اسحاق بن یعقوب روایت می‌کند: «از محمد بن عثمان عمری عجل الله تعالی فرجه خواستم نامه‌ای را که در آن سؤالات پیچیده‌ام را مطرح کرده بودم به ناحیه برساند. توقیع با خط مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه چنین آمد: اما آنچه درباره‌اش سؤال کردی - خدا تو را راهنمایی کند، و از منکرین من از اهل بیت و پسر عموهایم محفوظ دارد -؛ بدان! میان

۱. الثاقب فی المناقب / ۲۶۷، تبصرة الولی / ۱۳۰ و مشابه آن الخرائج والجرائح / ۳ / ۱۱۰۸

۲. دلائل الامامة / ۲۸۷، الخرائج والجرائح / ۳ / ۱۱۲۹ و الثاقب فی المناقب / ۲۶۱

خدای عزوجل و هیچ کس خویشاوندی نیست [و لذا هرکه به باطل بگروید نپندارد نسبش کارساز است]. هرکس مرا انکار کند از من نبوده و راه او راه پسر نوح علیه السلام است. اما عمویم جعفر و فرزندان، بسان برادران یوسف علیه السلام هستند.

اما فقا؛ نوشیدن آن حرام است، ولی شلماب^۱ عیبی ندارد.

اما اموالتان؛ ما تنها برای پاک شدن شما آن را می پذیریم، پس هرکه خواست برساند و هرآنکه خواست دریغ کند، زیرا آنچه خدا به من داده بهتر از آن است که به شما داده است. اما ظهور فرج؛ موکول به خداوند - تعالی ذکره - است، و وقت گزاران دروغ می گویند. اما سخن کسی که می پندارد حسین علیه السلام کشته نشده؛ کفر، تکذیب [حق] و گمراهی است.

اما در خداهای؛ به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم.

اما محمد بن عثمان عمری - که خدا از او، و پیشتر از پدرش راضی باشد -؛ ثقه‌ی من است و نامه‌ی او نامه‌ی من است.

اما محمد بن علی بن مهزیار اهوازی؛ خداوند دل او را اصلاح و تردیدش را برطرف خواهد کرد.

اما آنچه به ما رساندی؛ ما تنها آن را قبول می کنیم که پاک و طاهر باشد. پول [پرداختی به] زن آوازه خوان حرام است.

محمد بن شاذان بن نعیم هم مردی است از شیعیان ما اهل بیت.

اما ابوالخطاب محمد بن ابوزینب اجدع؛ او ملعون است، و یارانش نیز ملعونند، با هم باوران آنان هم مجلس نشو که من و پدرانم علیهم السلام از آنان بیزاریم.

اما کسانی که به اموال ما دست می برند؛ هرکس چیزی از آن را حلال بشمارد و مصرف کند، جزاین نیست که آتش می خورد...

اما پشیمانی گروهی که با آنچه به ما رساندند در دین خدای عزوجل دچار تردید شدند؛

۱. گویا آب شلغم است.

ما به کسی که می خواهد آن را پس گیرد پس دادیم، و نیازی به صله ی کسانی که شک دارند نداریم.

اما علت غیبت؛ خدای عزوجل می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ**^۱، ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می کند نپرسید. یک یک پدرانم عليه السلام بیعت طاغوت زمان را برگردن داشتند، ولی من زمانی که خروج می کنم بیعت احدی از طاغوت ها برگردن نخواهد بود.

اما چگونگی بهره مندی از من در دوران غیبت؛ مانند بهره مندی از خورشید است آن هنگامی که ابر آن را از دیدگان بپوشاند، و من امان اهل زمینم، چنانکه ستارگان امان اهل آسمانند.

پس در سؤال از آنچه ربطی به شما ندارد را ببندید، و برای آگاهی از آنچه کفایت شده اید، خود را به زحمت نیاندازید، و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، زیرا آن فرج شماست، و السلام علیک یا اسحاق بن یعقوب و علی من اتبع الهدی^۲.
مطالب دیگری نیز پیرامون جعفر خواهد آمد.

برخی توقیعات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، پاسخ ها و نامه های ایشان

شیخ صدوق رحمه الله به دعای امام عجل الله تعالی فرجه الشريف به دنیا می آید

کمال الدین ۵۰۲/۲ می نویسد: «ابو جعفر محمد بن علی اسود برایم گفت: علی بن الحسین بن موسی بن بابویه پس از وفات محمد بن عثمان عمری رحمه الله از من خواست تا از ابوالقاسم حسین بن روح درخواست کنم که از مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بخواهد به درگاه خدای عزوجل دعا کنند تا فرزندی پسری به او عطا نماید.

من این پیغام را رساندم، و ایشان آن را به حضرت ابلاغ نمود، و بعد از سه روز به من خبر

۱. سوره ی مائده / ۱۰۱

۲. غیبت شیخ طوسی / ۱۷۶، اعلام الوری / ۴۲۳، الخرائج و الجرائح / ۳ / ۱۱۱۳، احتجاج / ۲ / ۴۶۹ و کشف الغمة

داد که حضرت برای علی بن الحسین دعا کرده اند، و فرزندی مبارک که خدا او را نافع قرار می دهد زاده خواهد شد، و پس از او نیز فرزندی به هم خواهند رسید.

ابو جعفر محمد بن علی اسود گوید: من نیز درباره ی خود همین درخواست را کردم که دعا کنند خدا فرزندی به من عنایت کند، ولی اجابت نکرد و گفت: راهی بدان [خواسته] نیست. پس علی بن الحسین، صاحب محمد [شیخ صدوق] و پس از او فرزندی دیگر شد، ولی من نه.

شیخ صدوق بعد از نقل این جریان می نویسد: ابو جعفر محمد بن علی اسود علیه السلام بارها - که مرا می دید به مجلس استاد محمد بن حسن بن احمد بن ولید می روم و به کتب علم و نگاهداری آن رغبت دارم - به من گفت: هیچ عجب نیست تو چنین رغبتی به دانش داشته باشی، زیرا به دعای امام علیه السلام به دنیا آمده ای.

رجال نجاشی / ۲۶۱ می نویسد: «علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی ابو الحسن، بزرگ قمیین، پیشگام، فقیه و مورد اعتماد آنان در عصر خود بود. او به عراق آمد و به ابو القاسم حسین بن روح علیه السلام نزدیک شد و سؤالاتی از او پرسید. بعدها هم به دست علی بن جعفر بن اسود نامه ای به ایشان رساند و درخواست نمود آن را به صاحب علیه السلام برساند، و در آن تقاضای فرزند کرده بود، پاسخ آمد: برایت در این باره به درگاه خدا دعا کردیم، و دو پسر نیک روزی خواهی شد. پس ابو جعفر و ابو عبد الله از کنیزی برای او به دنیا آمدند.

ابو عبد الله حسین بن عبد الله می گفت: از ابو جعفر [شیخ صدوق] شنیدم که می گفت: من به دعای صاحب الامر علیه السلام به دنیا آمدم، و به این مطلب افتخار می کرد.

غیبت شیخ طوسی / ۱۸۷ می نگارد: «علی بن الحسین بن موسی بن بابویه با دختر عمویش محمد بن موسی بن بابویه ازدواج کرده بود، لکن فرزندی از او برایش به دنیا نیامد. از این رو برای شیخ ابو القاسم حسین بن روح علیه السلام نامه نوشت که از حضرت درخواست کند از خدا بخواهند تا فرزندی فقیه برای او به دنیا آیند.

جواب چنین آمد: تو از این زن فرزندی نخواهی داشت، ولی مالک کنیزی دیلمی خواهی شد و دو فرزند فقیه از او برایت زاده می شوند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت
غیبت صغری

نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ابوعبدالله بن سوره به من گفت: ابوالحسن بن بابویه رحمه الله سه فرزند داشت؛ محمد و حسین فقیه بودند و در حفظ مطالب مهارت خوبی داشتند، و مطالبی را به خاطر می سپردند که دیگر اهل قم توانایی آن را نداشتند. آن دو برادری به نام حسن نیز داشتند که بین آن دو بود، وی به عبادت و زهد مشغول بود، با مردم ارتباطی نداشت و از فقاقت نیز برخوردار نبود.

همو گوید: هر زمان که ابوجعفر و ابوعبدالله دو پسر علی بن الحسین مطلبی را روایت می کردند، مردم از حافظه‌ی آنان شگفت زده شده می گفتند: این امر به شما اختصاص دارد و به جهت دعای امام است. این مطلب در میان اهل قم مشهور بود.»

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از وفات سفیر خود عمری رحمه الله خبر می دهند

غیبت شیخ طوسی / ۲۲۶ از جعفر بن احمد نوبختی نقل می کند: «پدرم احمد بن ابراهیم و عمویم ابوجعفر عبد الله بن ابراهیم و جماعتی از خاندان - یعنی بنی نوبخت - برایم نقل کردند: هنگامی که بیماری ابوجعفر عمری شدت یافت، گروهی از بزرگان شیعه از جمله ابوعلی بن همام، ابوعبد الله بن محمد کاتب، ابوعبد الله باقطنی، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابوعبد الله بن وجناء و دیگران سرشناسان نزد ابوجعفر رحمه الله آمدند و گفتند: اگر حادثه‌ای رخ دهد، چه کسی به جای شما خواهد بود؟ فرمود: این ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی قائم مقام من، سفیر میان شما و صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه، وکیل و ثقه‌ی امین است، پس در امور خود بدو رجوع کنید و در مسائل مهم خود بر او اعتماد کنید که من بدانچه گفتم مأمور بودم و آن را رساندم.»

کمال الدین ۵۰۲/۲ از ابوجعفر محمد بن علی اسود رحمه الله: «ابوجعفر عمری برای خود قبری کند و با ساج^۱ آماده اش کرد، در این باره از او سؤال کردم، فرمود: مردم اغراضی دارند.

بعداً نیز در این باره سؤال کردم و گفت: من امر شده‌ام که کار خود را به پایان برسانم. و بعد از دو ماه از دنیا رفت.»^۲

۱. درختی است محکم.

۲. غیبت شیخ طوسی / ۲۲۲، الخرائج والجرائح ۳ / ۱۱۲۰ و اثبات الهداة ۳ / ۶۷۷

پاسخ امام عجل الله تعالی فرجه در نفی تفویض

غیبت شیخ طوسی / ۱۷۸ از علی بن احمد دلال قمی روایت می‌کند: «گروهی از شیعیان اختلاف کردند که آیا خداوند خلق و رزق را به امامان علیهم السلام تفویض کرده یا نه، طائفه‌ای گفتند: این امر محال است زیرا کسی جز خدا قادر بر خلق اجسام نیست، برخی دیگر گفتند: خداوند این قدرت را به ائمه علیهم السلام داده و این امر را به ایشان تفویض نموده است، لذا آنان می‌آفرینند و روزی می‌دهند. این دو گروه در این باره با یکدیگر در نزاع بودند که کسی گفت: چرا به ابو جعفر محمد بن عثمان عمری رجوع و از او در این مورد پرسش نمی‌کنید تا حق را برایتان آشکار سازد؟ او طریق به صاحب الامر علیه السلام است. آنها هم نامه‌ای نوشته و برای او فرستادند.

به واسطه‌ی او توقیعی بیرون آمد و این نسخه‌ای از آن است؛ خداوند تعالی است که اجسام را آفرید و ارزاق را تقسیم کرد، زیرا او نه جسم است و نه در جسمی حلول می‌کند، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، هیچ چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا. اما امامان علیهم السلام؛ آنان از خداوند متعال می‌خواهند، پس او می‌آفریند، از او درخواست می‌کنند و او روزی می‌دهد، تا درخواست آنها را اجابت کند و حقشان را بزرگ دارد.»

ردّ بر غالیان و نهی از غلو

احتجاج ۲/ ۷۳ می‌نگارد: «از جمله توقیعاتی که از سوی صاحب الزمان علیه السلام صادر شده و ردّ بر غالیان است، پاسخ نامه‌ی محمد بن علی بن هلال کرخی است: ای محمد بن علی! خداوند بر ترو بالاتر از آن است که وصف می‌کنند - سبحانه و بحمده -، ما شریکان او در دانش و قدرتش نیستیم، جز او دیگری غیب را نداند^۲ همانسان که در کتاب استوار خود

۱. سوره‌ی شوری ۱۱/

۲. علامه‌ی محقق مجلسی رحمه الله پس از نقل این روایت می‌فرماید: مقصود از نفی علم غیب در این روایت، آن است که کسی بدون وحی و الهام از غیب با خبر شود، اما آگاهی از غیب به وسیله‌ی وحی و الهام قابل انکار نیست، زیرا عمده‌ی معجزات پیامبران و اوصیا علیهم السلام، خبر از امور غیبی بوده است، و خداوند خود آنها را استثنا کرده می‌فرماید: عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ، دانای غیب، کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند مگر رسولی را که از او خشنود باشد، بحار الانوار ۲۵/ ۲۶۸. م

فرموده - تبارکت أَسْمَاؤُهُ: قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ،^۱ بگو: هر که در آسمان ها و زمین است - جز خدا - غیب را نمی داند.

من و تمامی پدرانم از اولین؛ آدم، نوح، ابراهیم، موسی و دیگران پیامبران، و آخرین؛ محمد رسول خدا، علی بن ابی طالب و دیگر امامان علیهم السلام که گذشتند تا پایان زمان و دوران من، بندگان خدای عزوجل هستیم، خداوند عزوجل می فرماید: وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا. قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى،^۲ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می کنیم. می گوید: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسوس کردی با آنکه بینا بودم؟ می فرماید: همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می شوی.

ای محمد بن علی! جاهلان و نادانان شیعه و کسانی که بال پشه بر باورشان رجحان دارد، ما را آزار داده اند. من خدایی را که الهی جزا نیست و به عنوان گواه کافی است، رسولش محمد صلی الله علیه و آله، فرشتگانش، انبیا و اولیایش و تو و هر آنکه نامه ی من را بشنود گواه می گیرم که نزد خدا و رسولش از کسی که می گوید ما عالم به غیب هستیم و با خدا در حکومتش شراکت داریم، یا آنکه ما را در جایگاهی غیر از آن جایگاه که خدا برای ما پسندیده و ما را برای آن آفریده قرار دهد، و یا از آنچه برایت در صدر این نامه تفسیر و بیان کردم درباره ی ما تجاوز کند بیزاری می جویم، و شما را گواه می گیرم که هر کسی که ما از او بیزاری جویم، خدا، فرشتگان، رسل و اولیای او از او بیزاری جویند.

من این توقیع را که در این نامه است در گردن تو و هر که آن را بشنود امانت قرار دادم که آن را از احدی از موالی و شیعیانم کتمان نکند، تا جایی که همه ی موالیانم از آن آگاه شوند. امید است خداوند عزیز و جلیل آنان را دریابد، پس به اعتقاد حق بازگردند، و از آنچه از فرجامش آگاه نیستند، دست نگاه دارند.

۱. سوره ی نمل / ۶۵

۲. سوره ی طه / ۱۲۶ - ۱۲۴

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

پس هرآنکه نامه‌ی مرا بفهمد ولی به آنچه امر و نهی کردم رجوع نکند، لعنت خداوند و بندگان صالح او که ذکر کردم بر او وارد آمده است.»

تفسیر عیاشی ۱/ ۱۶ از یوسف بن سخت بصری: «توقیعی به خط محمد بن محمد بن علی^۱ دیدم که در آن آمده بود: بر شما واجب است که اعتقاد داشته باشید ما پیشوایان [از جانب] خدا هستیم، امامان و خلفای خداوند در زمین، امینان او بر خلق و حجج او در بلاد هستیم، حلال و حرام را می‌شناسیم و تأویل کتاب و فصل الخطاب را می‌دانیم.»

نامه‌ای با هدف تقویت ایمان ضعیفان شیعه

غیبت شیخ طوسی / ۱۷۲ از علی بن ابراهیم رازی روایت می‌کند: «شیخ مورد اعتماد^۲ در بغداد برایم گفت: ابن ابی غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان در مورد جانشین دچار اختلاف شدند، ابن ابی غانم می‌گفت: ابو محمد علیه السلام بدون جانشین از دنیا رفت. آنها در این باره نامه‌ای نوشتند و به ناحیه فرستادند. پاسخ به خط امام علیه السلام چنین آمد: بسم الله الرحمن الرحیم، خداوند ما و شما را از ضلالت و فتنه‌ها نگاه دارد، روح یقین ببخشد و از عاقبت بد پناه دهد.

به من خبر رسیده که جماعتی از شما در اعتقادشان به تردید افتاده‌اند و در والیان امور دچار شک و سرگردانی شده‌اند، این مطلب ما را به خاطر شما - و نه به خاطر خودمان - اندوهگین ساخت، چرا که خدا با ماست و هیچ نیازی به غیر او نداریم، حق با ماست لذا کسی که خود را از ما باز دارد، موجب هراس ما نخواهد بود، و ما پرورش یافتگان ربّمان هستیم و پس از آن خلق پرورش یافتگان ما هستند.

ای جماعت! چرا در تردید آمد و شد می‌کنید و در حیرت واژگونید، مگر سخن خدای

۱. ظاهراً تصحیفی به هنگام نسخه برداری منبع صورت گرفته است و محمد بن الحسن بن علی که امام عصر علیه السلام است، به محمد بن محمد بن علی تبدیل شده است، هم چنان که محقق تفسیر عیاشی نیز اشاره می‌کند. م
۲. مقصود، جناب عثمان بن سعید عمّری رضی الله عنه سفیر نخست امام مهدی علیه السلام می‌باشد، هم چنان که مرحوم طبرسی در احتجاج بدان تصریح می‌کند، احتجاج ۲/ ۴۶۶ م

عزیزو جلیل را نشنیده‌اید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**، ای

کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؟

آیا از وقایعی که برای امامان - که درود برد گذشته و باقی آنان باد - رخ می‌دهد و در روایات آمده، آگاه نبودید؟

آیا ندیدید که چسان خداوند برایتان پناهگاهی قرار داد تا بدان پناه برید؟ و نشان‌هایی گذارد تا بدان رهنمون شوید؟ از زمان آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا زمانی که آنکه از دنیا رفته [امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام] ظاهر شد [و امامت به ایشان رسید]، هرگاه نشانه‌ای غائب شود دیگری آشکار می‌گردد، و چون ستاره‌ای ناپدید گردد ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند. پس چون خدا او را به سوی خود برد، گمان کردید که خدای تعالی دین خود را از میان برده و سبب میان خود و خلقش را بریده است؟ هرگز، این نبوده و نخواهد بود تا آنکه قیامت شود و امر خدای سبحان ظاهر گردد، در حالی که اینان خوش ندارند.

آن [امامی] که گذشت با سعادت از دنیا رفت و ما را به فقدانش دچار نمود بر همان شیوه‌ی پدرانش عَلَيْهِمُ السَّلَام، بسان دو کفشی که در برابر یکدیگرند. وصیت و دانش او در ماست و نیز جانشین و قائم مقام او، تنها ظالم گناهکار است که با ما بر سر جایگاه او نزاع می‌کند، و تنها منکر کافر است که آن را به جای ما ادعا می‌کند، و اگر نه آن بود که امر خدای متعال مغلوب و سرش آشکار و علن نمی‌گردد، چیزی - از حق ما - برای شما ظاهر می‌گشت که عقل‌هایتان از آن در شگفت ماند و شک‌هایتان را بر طرف گرداند، لکن هرآنچه خداوند بخواهد همان شود، و برای هر پایانی نوشته‌ای است. پس تقوای خدا پیشه کنید، تسلیم ما باشید و این امر را به ما بازگردانید...، تلاش نکنید از آنچه بر شما پوشیده شده پرده بردارید، از [راه] راست منحرف نشوید و به چپ [و کجراهه] نروید، و بر مسیر روشن، و به وسیله‌ی مودّت، به سوی ما بیایید که برایتان خیرخواهی کردم و خداوند بر من و شما گواه است.

اگر محبت ما نسبت به صلاح، رحمت و دلسوزی بر شما نبود، به جای سخن گفتن با شما مشغول به امری بودیم که بدان امتحان شده‌ایم، یعنی منازعه‌ی ظالم گردنکش

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

گمراهی که در گمراهی خود غوطه می خورد، با پروردگارش مخالفت می کند، ادعای چیزی را می کند که برای او نیست، و حق کسی که خداوند اطاعت از او را واجب گردانیده انکار می کند. و در دختر رسول خدا ﷺ برای من الگویی نیکوست، و جاهل جامه ی عمل خود را خواهد پوشید، و کافر خواهد دانست عاقبت [نیک] دنیا از آن کیست.

خداوند ما و شما را به رحمت خود از تمامی مهالک، بدی ها، آفات و بلاها مصون دارد که او بر این امر ولایت دارد و بر هر آنچه بخواهد قادر است، و ولی و حافظ ما و شما باشد، و درود و رحمت و برکات خداوند بر تمام اوصیاء و اولیاء و مؤمنین باد.»

نهی از بردن نام امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ در غیبت صغری

کافی ۱ / ۳۳۳ از ابو عبد الله صالحی روایت می کند: «پس از شهادت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ شیعیان از من خواستند نام و مکان حضرت را سؤال کنم، جواب اینچنین آمد: اگر آنان را به سوی نام راهنمایی کنی آن را فاش کنند، و اگر از مکان آگاه شوند بدان سوره نمایند...»

در حدیثی دیگر ابن رئاب از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند: کسی جز کافر، نام صاحب این امر را نمی برد.»

کمال الدین ۲ / ۵۰۹ روایت می کند: «احمد بن خضر بن ابوصالح خجندی در جستجو بر آمد و ترک وطن کرد تا برایش معلوم شود که چه کند، که توقیعی چنین از صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ برایش صادر شد: هر که جستجو کند، در طلب برآمده، هر که در طلب برآید، راه نماید، آنکه راه نماید، [او را] در معرض قتل قرار داده است، و هر آنکه چنین کند، شرک ورزیده.

او هم دست نگاه داشت و بازگشت.»^۱

کمال الدین ۲ / ۴۸۲ و ۳۸۳ از علی بن عاصم کوفی می آورد: «در توقیعات صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین آمد: ملعون است، ملعون است کسی که در محفل مردم مرا نام برد.»

نگارنده: اکثر فقهای ما روایات نهی از نام بردن را مخصوص دوران غیبت صغری دانسته اند، آن هنگام که دشمنان به دنبال ایشان بودند، و به هر مکانی که گمان می کردند ایشان در آنجا حضور

۱. و نیز غیبت شیخ طوسی / ۱۹۶

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دارد هجوم می‌آورند، حتی کسی را که گمان می‌کردند به ایشان باردار است زندانی می‌نمودند!
از این رو گویند بعد از گذشت عصر غیبت صغری، این حرمت - با رفع علت - برداشته شده است.^۱

البته بعید نیست نهی از بردن نام، سال پیش از ظهور را نیز شامل شود، چرا که دشمنان به جستجوی ایشان خواهند پرداخت، بلکه در روایت آمده که سفیانی در مدینه هرکه را که همانم ایشان باشد، به قتل خواهد رساند.

چند نمونه از پاسخ‌های فقهی و کرامات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

احتجاج ۴۸۷/۲ سؤالات محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری و پاسخ‌های حضرت را نقل می‌کند:

«حمیری نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم، خداوند عمرتان را طولانی قرار دهد، عزّت، کرامت، سعادت و سلامتتان را دوام بخشد، نعمتش را تمام گرداند، در احسان بر شما و موهبت‌های والا و فضل خویش نزدتان بیفزاید، و مرا در رخدادهای ناگوار فدای شما گرداند...»

درباره‌ی اهل بهشت پرسید که چون وارد آن شوند آیا زاد و ولد خواهند داشت؟ پاسخ آمد:
در بهشت زنان باردار نمی‌شوند و ولادتی نخواهد بود، و نه حیض، نفاس و...»

۱. شایان ذکر است که برخی فقیهان قائل به جواز بردن نام خاص امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در این اعصار شده‌اند، برخی هم قائل به حرمتند.

محدث نوری رحمته الله پس از نقل برخی روایات می‌نگارد: این احادیث صریح در آن است که عدم جواز بردن نام مولایمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با نام معهود، یکی از ویژگی‌ها و خصائص ایشان است مانند غیبت و طول عمر. و پایان این منع، ظهور، استیلاء و حکومت ایشان است، و کسی غیر از خدای متعال از سزو حکمت آن آگاه نیست، نه بابت هراس و تقیه - که پدران گرامی او عجل الله تعالی فرجه الشریف و بلکه خواص شیعیان نیز بدان مبتلایند، و نیز بسیاری از القاب شایع ایشان، با این نام [م ح م د] فرقی ندارد [و اگر این حکم بابت هراس و تقیه می‌بود، می‌بایست دیگر اسامی ایشان نیز مشمول این حکم می‌شد] - که با نبود آن منتفی گردد... مستدرک الوسائل ۱۲/ ۲۸۶

در روایات بسیاری پایان منع تسمیه، ظهور و قیام امام عجل الله تعالی فرجه الشریف عنوان شده است، رک به مصدر پیشین و نیز واجبنا فی عصر الغیبة / ۵۴ م

چون مؤمن فرزندی خواهد، خداوند آن را بدون بارداری و ولادت خواهد آفرید، بر آن صورتی که بخواهد...

پرسید: آیا خاک قبر [امام حسین علیه السلام] با مرده در قبر قرار داده می شود؟
پاسخ آمد: با مرده در قبر قرار داده می شود، و با حنوط او نیز مخلوط می گردد، ان شاء الله...
پرسید: نقل شده که امام صادق علیه السلام بر کفن پسرش نوشت: اسماعیل شهادت می دهد به لا اله الا الله، آیا گواهی به لا اله الا الله را می توانیم با خاک قبر امام حسین علیه السلام یا غیر آن بنویسیم؟

پاسخ آمد: این کار جایز است.
پرسید: آیا شخص می تواند با تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام تسبیح گوید، و آیا فضیلتی در آن است؟

پاسخ آمد: شخص با آن تسبیح می گوید، هیچ یک از تسبیح ها برتر از آن نیست. یکی از فضائل آن این است که شخص تسبیح را می گرداند، اما فراموش می کند تسبیح بگوید، و برای او تسبیح می نویسند.

پرسید: آیا می توان بر مهری از تربت امام حسین علیه السلام سجده نمود، و آیا فضلی در آن است؟
جواب آمد: جایز است، و فضیلت در آن است...

کمال الدین ۲ / ۵۰۰: «جعفر بن حمدان سؤالاتی در مورد احکام اولاد و وقف پرسید و جواب آن آمد...»

کافی ۱ / ۵۲۴: از ابو عقیل عیسی بن نصر روایت می کند: «علی بن زیاد صیمری نامه ای نوشت و تقاضای کفن کرد، پاسخ آمد: تو در سال هشتاد^۱ بدان نیاز خواهی داشت، وی نیز به سال هشتاد مرد و چند روز پیش از مرگ برایش کفنی ارسال شد.»

کمال الدین ۲ / ۵۱۰: از اسحاق بن حامد کاتب، کرامتی از امام علیه السلام در مورد مردی که لباسی برای حضرت فرستاده بود نقل می کند.^۲

۱. هشتاد سالگی و یا سال ۸۰ سده ی سوم هجری

۲. الخرائج والجرائح ۳ / ۱۱۳۲، الثاقب فی المناقب / ۲۶۲ و اثبات الهداة ۳ / ۶۸۰

کافی ۱ / ۵۲۰ از حسن بن فضل بن زید یمانی کرامتی از کرامات امام علیه السلام را نقل می‌کند.^۱
 همان ۱ / ۵۲۳ از محمد بن علی بن شاذان نیشابوری روایت می‌کند که کرامتی در رابطه با مالی
 که برای حضرت فرستاده بود، برایش پیش آمد.^۲
 توقیعات صادره از امام عصر رضی الله تعالی عنه متعدد است، و در معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام آنها
 را گرد آورده ایم.

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام علیه السلام
 منزلت امام علیه السلام
 حکومت امام علیه السلام
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح علیه السلام
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام علیه السلام
 احادیث ولادت
غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام علیه السلام در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

۱. کمال الدین ۲ / ۴۹۰، ارشاد ۳۵۳ / ۳، اعلام الوری ۴۱۹ و الخرائج و الجرائح ۲ / ۷۰۴
 ۲. کمال الدین ۲ / ۴۸۵ و ۵۰۹ و دلائل الامامة ۲۸۶

نشانه‌های ظهور

مروری بر برخی از نشانه‌های ظهور

در فصول گذشته بیشتر نشانه‌ها ذکر شد، و یکی از استوارترین آنها روایت جابر از امام باقر علیه السلام بود.^۱

برخی در شمارش علامات ظهور و تطبیق آن، و برخی هم در رد آنها و رد تطبیقاتشان - هرچند واضح باشد - جانب افراط را گرفته‌اند، و صحیح آن است که نشانه‌ها بررسی و تحقیق شود، و تطبیق آن اگر واضح باشد پذیرفته شود.

ائمہ علیہم السلام، شیعیان را بر اساس آرزومندی و انتظار فرج پرورش می‌دهند

الامامة والتبصرة / ۹۳ از علی بن مهزیار نقل می‌کند: «به امام هادی علیه السلام نامه نوشتم و درباره‌ی فرج سؤال کردم، پاسخ آمد: هنگامی که صاحب‌تان از سلطه‌ی ظالمین غائب شد، منتظر فرج باشید.»

ارشاد / ۳۶۰ از حسن بن جهم روایت می‌کند: «مردی از امام کاظم علیه السلام درباره‌ی فرج سؤال کرد، ایشان فرمودند: می‌خواهی برای مفصل بگویم یا مجمل؟ او گفت: مجمل، حضرت فرمودند: هنگامی که بیرق‌های قیس در مصر، و بیرق‌های کنده در خراسان به زمین فرود آید.»^۲

سؤال موجود در این روایت از فرجی خاص در زمان امام کاظم علیه السلام است، یعنی ایامی که هارون بر شیعیان بسیار سخت می‌گرفت، و نشانه‌ی وارد در آن از ظهور بعید است، گرچه برخی پنداشته‌اند مقصود از این فرج ظهور امام مهدی علیه السلام است.

توصیف اعصار ظلم و به خصوص عصر ظهور

مجله‌ی تراثنا ۲۱۷ / ۱۵ - مختصر اثبات الرجعة - از محمد بن مسلم نقل می‌کند: «مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: قائمتان چه زمان ظهور می‌کند؟ حضرت فرمودند: آنگاه که گمراهی فزون و هدایت کم شود، جور و فساد فراوان و صلاح و راستی کم گردد، مردان به مردان و زنان به زنان

۱. تفسیر عیاشی / ۱ / ۶۴

۲. غیبت شیخ طوسی / ۲۷۲، الخرائج و الجرائح / ۳ / ۱۱۶۵، اعلام الوری / ۴۲۹، کشف الغمة / ۳ / ۲۵۱، منتخب الانوار / ۳۶، اثبات الهداة / ۳ / ۷۲۸ و بحار / ۵۲ / ۲۱۴

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجله تعالی فرجه‌ش
 منزلت امام عجله تعالی فرجه‌ش
 حکومت امام عجله تعالی فرجه‌ش
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجله تعالی فرجه‌ش
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجله تعالی فرجه‌ش
 احادیث ولادت
 غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت
 امام عجله تعالی فرجه‌ش در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

بسنده کنند، فقیهان به دنیا، و اکثر مردم به اشعار و شعرا روی آورند، گروهی از اهل بدعت مسخ و به صورت بوزینه و خوک در آیند، سفیانی بیاید، سپس دجال خروج کند و بسیار به گمراهی بکشاند، آن هنگام در شب بیست و سوم ماه رمضان است که نام قائم عجله تعالی فرجه‌ش ندا شود و در روز عاشورا قیام کند، گویا او را می‌بینم که میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در حضورش ندا در می‌دهد: [بیعت با ایشان] بیعت با خداست، پس شیعیان به سوی او می‌آیند.^۱

کشف الحق / ۱۸۷ آن را نقل می‌کند و در ادامه آمده است: «پس شیعیان ایشان از اطراف زمین به سوی ایشان می‌آیند - و زمین برایشان درنوردیده می‌شود - تا بیعت کنند. آنگاه رهسپار کوفه شده و در نجف آن فرود می‌آید. از آنجا لشکرها را برای دفع عمال دجال به شهرها می‌فرستد. پس او زمین را از داد و عدل می‌آکند، آنسان که از بیداد و ستم پر شده است. عرض کردم: ای پسر پیامبر! پدر و مادرم فدایتان، آیا کسی از اهل مکه می‌داند که قائمتان از کجا بدان می‌آید؟ فرمودند: نه، او به طور ناگهانی بین رکن و مقام ظاهر خواهد شد.»

نگارنده: مقصود از دجال در این حدیث، دجال موعود نیست، بلکه حاکم یا عالم سوئی است که سفیانی را همراهی می‌کند.

غیبت نعمانی / ۲۷۸ از اصبع بن نباته روایت می‌کند: «از امیرالمؤمنین عجله تعالی فرجه‌ش شنیدم که فرمودند: پیش از قائم سال‌هایی پرفریب خواهد بود، در آن صادق تکذیب و کاذب تصدیق می‌شود، ماحل نیز نزدیک می‌گردد.

در حدیثی آمده: و رویبضه در آن سخن می‌گوید، من گفتم: رویبضه و ماحل چیست؟ فرمودند: آیا قرآن نمی‌خوانید: **وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ**،^۲ و او سخت کیفر است؟ و مقصود مکر است.

گفتم: ماحل چه؟ فرمودند: مقصود مکار است.^۳

۱. و نیز رک به اثبات الهداة ۳ / ۵۷۰

۲. سوره ی رعد / ۱۳

۳. هم چنان که علامه‌ی مجلسی فرموده گویا در این روایت افتادگی وجود دارد، چرا که اصبع هم از رویبضه می‌پرسد و هم از ماحل، لکن تنها معنای ماحل ذکر می‌شود. ایشان خود در ادامه کلام ابن اثیر را در معنای رویبضه می‌آورد که وی آن را به معنای انسان پست حقیر گرفته، بحار الانوار ۵۲ / ۲۴۵ م

کفایة الاثر/ ۲۱۳ از علقمة بن قیس روایت می‌کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر کوفه برای ما خطبه‌ی لؤلؤه را ایراد کردند، در آخر آن فرمودند: بدانید! من نزدیک است کوچ کنم و به غیبگاه [قبر] روان شوم، پس منتظر فتنه‌ی اموی و حکومت کسرای، میراندن آنچه خداوند احیاء کرده و احیاء آنچه او میرانده، باشید، عبادتگاهتان را در خانه‌هایتان قرار دهید، و بر مانند آتش افروخته بردرخت غضا^۱ دندان گیرید، پس خدا را فراوان یاد کنید که یاد او بالاتر است، اگر می‌دانستید.

در ادامه فرمودند: شهری که زوراء نام دارد، بین دجله و دجیله و فرات بنا می‌شود. اگر آن را می‌دیدید، با گچ و آجر محکم شده، با طلا، نقره، لاجورد خالص، مرمر، درب‌های عاج و آبنوس، خیمه، گنبد و اسباب مجلل آراسته‌اند. با ساج، عرعر، صنوبر و چوب افراشته‌اند. با کاخ‌ها بالا برده‌اند. پادشاهان بنی‌شعیب^۲ - بیست و چهار پادشاه به تعداد سال‌های کدید - یکی پس از دیگری بر آن مستولی خواهند شد. در میان آنها سَفّاح، مقلّاص، جموع، خدوع، مظفر، مؤنث، نظار، کبش، مهتور، عشار، مصطلم، مستصعب، علام، رهبانی، خلیع، سیار، مسرف، کدید، اکتب، مترف، اکلب، وشیم، ظلام و عیوق هستند. گنبدی کبود و با رشته‌ای سرخ [در آن] تعبیه می‌شود.

به دنبال آن، برپادارنده‌ی حق در اقالیم پرده از چهره برمی‌کشد، چونان ماه تابان در میان ستارگان درخشان.

آگاه باشید! خروج او ده نشانه دارد؛ اول طلوع ستاره‌ای دنباله‌دار... در آن فتنه و آشوب و شرافروزی خواهد بود و اینها علائم برکت و فزونی است. از هر نشانه‌ای به نشانه‌ی دیگر شگفتی است. پس چون نشانه‌های ده گانه پایان یابد، آن هنگام است که ماه درخشان از ما آشکار می‌گردد، و کلمه‌ی اخلاص خداوند بر توحید کامل می‌شود...

۱. درختی که چوب بسیار سختی دارد و زمان درازی طول می‌کشد تا خاموش شود.

۲. شیعیان نام شیطان است و کنایه از حاکمان بنی‌عبّاس می‌باشد. آنها سی و هفت تن بودند و علت اینکه در این روایت سخن از بیست و چهار تن به میان آمده، می‌تواند آن باشد که حضرت آن حکامی را که حکومت مستقر داشتند قصد کرده‌اند، نه همه‌ی آنها را. کدید هم ممکن است کنایه از معتز عباسی باشد که بیست و چهار سال عمر کرد، و یا مقتدر که بیست و چهار سال خلافت داشت، رک به بحار الانوار ۳۶ / ۳۵۶. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

رسول خدا صلی الله علیه و آله با من عهد کردند که دوازده امام که نه تن از صلب حسین هستند این امر را بر عهده خواهند گرفت، ایشان فرموده‌اند: هنگامی که مرا به آسمان بالا بردند به ساق عرش نگریستم، بر آن نوشته بود: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، و مرا به علی تأیید و نصرت کردم. دوازده نور نیز مشاهده کردم، عرضه داشتم: پروردگار من! این انوار چه کسانی است؟ ندا آمد: ای محمد! این انوار امامان از نسل توست.

من عرض کردم: یا رسول الله! آیا آنان را برایم نام نمی‌برید؟... ایشان هم اسامی امامان عجل الله تعالی فرجه را بیان کردند و فرمودند: وقائم از نسل حسین، همنام و شبیه‌ترین مردم به من است، اوزمین را پراز عدل و داد می‌کند، همانگونه که پراز ظلم و جور شده است.»

الملاحم والفتن / ۱۳۶ آن را نقل می‌کند و می‌نویسد: «امام عجل الله تعالی فرجه پانزده روز پیش از خروج از بصره این سخن را ایراد فرمودند.»^۱

کافی ۸ / ۳۷ از حمران روایت می‌کند: «در حضور امام صادق عجل الله تعالی فرجه سخن از بنی عباس و روزگار سخت شیعیان به میان آمد که فرمودند: من با ابو جعفر منصور - در حالی که سوار بر اسب و در میان گروهی سواره بود، سوارانی در مقابل و سوارانی از پشت سر - سوار بر الاغی کنار او می‌رفتم، او به من گفت: ای ابا عبد الله! بر تو شایسته است به توانی که خدا به ما عطا کرده و عزتی که برای ما فراهم آورده شادمان باشی، به کسی خبر نده که خود و اهل بیت از ما به این امر شایسته‌ترید که ما را نسبت به خودت و آنان تحریک می‌کنی [و ممکن است در صدد آزارتان برآییم]، من گفتم: هر که چنین خبری از من نزد تو آورده دروغ گفته است، او گفت: آیا بر آنچه می‌گویی قسم یاد می‌کنی؟ گفتم: مردم ساحرند [و فتنه‌انگیز]، یعنی دوست دارند دل تو را نسبت به من خراب کنند، پس گوش خود را به آنان مسپار، زیرا ما به تو محتاج‌تریم تا تو نسبت به ما.

او گفت: آیا روزی را به یاد داری که از تو پرسیدم آیا برای ما هم حکومتی هست؟ گفتم: آری، طویل، عریض و شدید، و شما همواره مهلت داشته و در فراخی دنیايتان به سر خواهید

۱. و نیز مناقب آل ابی طالب عجل الله تعالی فرجه ۲ / ۲۷۳، مشارق انوار الیقین ۱۶۴ - وی آن را خطبة الافتخار نامیده است -، اثبات الهداة ۱ / ۵۹۸ و ۲ / ۴۴۲ و بحار ۳۶ / ۳۵۴، ۴۱ / ۳۱۸ و ۳۲۹ و ۵۲ / ۲۶۷

برد تا آنکه خونی از ما را به حرام، در ماه حرام و در شهر حرام بریزید، - و دانستم او این سخن را به خاطر سپرده است لذا - گفتم: امید است خدای عزوجل تو را کفایت کند، من این مطلب را خاص تو نگفتم، تنها یک حدیث بود که آن را نقل کردم، شاید کسی غیر از تو از خاندانت این کار را انجام دهد، و نسبت به من آرام شد.

هنگامی که به خانه ام بازگشتم برخی از موالیان ما آمد و گفت: فدایت گردم، به خدا شما را در گروه سواره‌ی منصور دیدم که بر الاغی سوار بودید و او بر اسب، و او چنان بر شما مشرف بود و سخن می‌گفت که گویا پایین بودید، با خود گفتم: این حجت خدا بر خلق و صاحب این امر [امامت] است و بدو اقتدا می‌شود، و آن دیگری به ستم رفتار می‌کند، فرزندان پیامبران (علیهم‌السلام) را می‌کشد و خون‌ها را [به حرام] بر زمین می‌ریزد که خدا دوست ندارد، و در میان سواران خویش است ولی شما بر روی الاغ، لذا تردیدی به جانم افتاد که از آن بر دین و جان هراسیدم! اما گفتم: اگر فرشتگانی را که اطراف من، مقابل، پشت سر، راست و چپم هستند می‌دیدم، او و آنچه در آن است را حقیر می‌شمردم و دلم آرام شد.

سپس گفت: اینان تا چه زمانی حکومت دارند؟ یا چه زمانی از آنها راحت می‌شویم؟ گفتم: آیا نمی‌دانی که هر چیزی مدتی دارد؟ گفت: آری، گفتم: آیا دانش تو برایت نفعی دارد؟ هنگامی که این امر [انقضای دولت عباسیان یا ظهور دولت حق] فرا رسد، [نابودی اینان] از دیده برهم نهاده‌ی سریع‌تر خواهد بود. اگر تو از حال اینان نزد خدای عزوجل آگاه بودی و اینکه چسان است، بغض بیشتری داشتی، و اگر تو بکوشی یا اهل زمین بکوشند تا آنان را به گناهی سخت‌تر از آنچه دارند مرتکب کنند، [نتوانسته و] نخواهند توانست، پس شیطان تو را منحرف نکند زیرا عزت برای خدا، رسولش و مؤمنان است، لکن منافقان نمی‌دانند.

آیا نمی‌دانی کسی که منتظر امر ما باشد و بر آزار و بیمی که بدو می‌رسد شکیبایی کند، فردا در زمره‌ی ما خواهد بود؟ پس چون دیدی که حق و پیروان آن از بین رفتند، ستم بلاد را فرا گرفت، قرآن کهنه شد و آنچه در آن نیست را بدان نسبت دادند و مطابق میل‌ها گردانیده شد، دین انسان که آب واژگون می‌شود واژگون شد، اهل باطل امور پیروان حق را در

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دست گرفتند، شرآشکار است و از آن نهی نمی‌شود و پیروان آن را معذور می‌دارند، فسق ظاهر شد و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده می‌کنند، مؤمن ساکت است و گفتارش پذیرفته نیست، فاسق دروغ می‌گوید ولی دروغ و افترای وی برآورد نمی‌شود، صغیر کبیر را تحقیر می‌کند، رَحِم‌ها قطع می‌گردد...»

دلائل الامامة / ۲۰۳ از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت می‌کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام در مدینه برایمان سخنرانی کردند، فتنه و نزدیکی آن را یاد کردند، و در ادامه سخن از قیام قائم از فرزندان ایشان و اینکه زمین را از عدل می‌آکند، آنسان که از جور مملو شده به میان آوردند. من در خلوت حضور رسیدم و عرضه داشتم: یا امیرالمؤمنین! قائم از نسل شما چه زمانی ظهور می‌کند؟ ایشان آهی کشیده فرمودند: قائم ظاهر نمی‌شود مگر پس از آنکه امور به دست کودکان افتد، حقوق رحمان ضایع شود، قرآن را به طرب و آواز بخوانند...»

و دیگر اوصافی که برای اعصار ظلم و منتهی به ظهور آمده و از نشانه‌های عام و با فاصله می‌باشد، مانند العدد القویة / ۷۰ که در آن آمده است: «قرآن را به غنا می‌خوانند، پس چون شاهان بنی عباس آن نابینایان دچار التباس گشته شدند... و بصره ویران شد، قائم از نسل حسین قیام می‌کند.»

کسوف و خسوف پیش از ظهور

کمال الدین ۲ / ۶۵۵ از امام صادق علیه السلام می‌آورد: «پنج روز گذشته از ماه رمضان، پیش از قیام قائم علیه السلام خورشید دچار کسوف می‌شود.»

غیبت نعمانی / ۲۷۲ از ابوبصیر از آن حضرت روایت می‌کند: «نشانه‌ی خروج مهدی، کسوف خورشید در ماه رمضان در سیزده و چهارده آن است.»

دلائل الامامة / ۲۵۹ از ام سعید احمسیه نقل می‌کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: ای پسر رسول خدا! فدایت شوم، نشانه‌ای برای خروج قائم برایم بفرمایید، فرمودند: ای ام سعید! چون ماه شب چهارده در رجب دچار خسوف شد و مردی از زیر آن بیرون آمد، آن هنگام خروج قائم خواهد بود.»

کافی ۸ / ۲۱۲ از بدر بن خلیل از دی روایت می‌آورد: «نزد امام باقر علیه السلام نشسته بودم که فرمودند: دو نشانه پیش از قیام قائم خواهد بود که از زمان فرود آدم بر زمین رخ نداده است؛ خورشید در نیمه‌ی ماه رمضان دچار کسوف می‌شود و ماه در آخر آن. مردی پرسید: ای پسر پیامبر! خورشید در آخر ماه و ماه در نیمه کسوف می‌کنند! حضرت فرمودند: من بهتری دانم چه می‌گویی [و منظورت این است که سخن من برخلاف رسم امور فلکی است]، ولی آن دو نشانه‌هایی هستند که از زمان فرود آدم علیه السلام رخ نداده‌اند.»

غیبت نعمانی / ۲۷۱ از ورد برادر کمیت: «امام باقر علیه السلام فرمودند: پیش از این امر، ماه پنج [شب] باقی مانده [از ماه]، و خورشید در پانزدهم دچار کسوف می‌شوند، و در ماه رمضان خواهد بود. آن هنگام است که برنامه‌ی منجمین به هم می‌ریزد.»

سنن دارقطنی ۲ / ۶۵ از جابر از محمد بن علی [امام باقر علیه السلام]: «مهدی ما دو نشانه دارد که از زمان خلقت آسمان‌ها و زمین رخ نداده است؛ ماه در شب اول رمضان و خورشید در نیمه‌ی آن دچار کسوف می‌شوند...»^۱

یکی از نشانه‌ها:

دولت‌های کوچک، به خود جرأت مخالفت با جباران را می‌دهند

غیبت نعمانی / ۲۶۹ از ابو بصیر روایت می‌کند: «از امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر فرموده‌ی خداوند سؤال شد: سُرُّهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ^۲ به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در جان‌هایشان به آنان خواهیم نمود، ایشان فرمودند: در جان‌هایشان، مسخ، و در آفاق، شورش آفاق بر آنان را به آنها می‌نمایاند، پس قدرت خدا را در جان‌هایشان و در آفاق خواهند دید.

حَقَّ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ، تا برایشان روشن گردد که او خود حَقّ است؛ مقصود خروج قائم است که از سوی خدای عزوجل حق [و قطعی] است، و به طور حتم این خلق آن را می‌بینند.»

۱. التذكرة قرطبی ۲ / ۷۰۳، الحاوی ۲ / ۶۶ و مرقاة المفاتیح ۵ / ۱۸۶، السيرة الحلبیة ۱ / ۱۹۳ نیز ابتدای آن را آورده است که البته از احادیث اهل بیت علیهم السلام برگرفته ولی اشاره‌ای نکرده است!

۲. سوره‌ی فصلت / ۵۳

نبرد و طاعون پیش از ظهور

کمال الدین ۶۵۵/۲ از سلیمان بن خالد نقل می‌کند: «از امام صادق علیه السلام شنیدم: دو مرگ پیش از قائم خواهد بود؛ مرگ سرخ و مرگ سفید، تا جایی که از هر هفت نفر پنج نفر از بین روند، مرگ سرخ شمشیر است و مرگ سفید طاعون.»

همان از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «این امرواقع نخواهد شد تا آنکه دو سوم مردم از میان روند، گفته شد: هنگامی که دو سوم مردم از بین روند چه باقی می‌ماند؟ فرمودند: آیا خوش ندارید که یک سوم باقی باشید؟»

غیبت نعمانی / ۲۷۷ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند: «پیش از قائم مرگ سرخ، مرگ سفید، ملخ به هنگام، و ملخ سرخ بسان خون و نا به هنگام خواهد بود. مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید طاعون.»^۱

قرب الاسناد / ۱۷۰ از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت می‌کند: «امام رضا علیه السلام فرمودند: پیش از این امر قتل بیوح است، گفتم: بیوح چیست؟ فرمودند: کشتاری دائم و پایان ناپذیر.»

غیبت نعمانی / ۲۷۱ از وی روایت می‌کند: «در حج از عربی بیابانی شنیدم که می‌گفت: امروز روزی بیوح است، به او گفتم: بیوح چیست؟ گفت: به شدت گرم.» همان / ۲۸۳ از زراره نقل می‌کند: «خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: آیا ندا حق است؟ فرمودند: آری به خدا، چنانکه هر قومی به زبان خود آن را بشنوند.

و نیز فرمودند: این امرواقع نخواهد شد، تا آنکه نه دهم مردم از میان روند.» الفتن ابن حماد / ۹۱/۱: «کیسان رواشی قصار که مردی ثقة است از مولای خود نقل می‌کند: حضرت علی علیه السلام فرمود: مهدی خروج نمی‌کند تا آنکه یک سوم کشته شوند، یک سوم بمیرند و یک سوم باقی مانند.»^۲

الصراف المستقیم / ۲۵۸ از کتاب عبد الله بن بشار برادر شیری امام حسین علیه السلام روایت می‌کند:

۱. ارشاد / ۳۵۹، غیبت شیخ طوسی / ۲۶۷ و الخرائج و الجرائح / ۳ / ۱۱۵۲

۲. سنن الدانی / ۹۴، عقد الدرر / ۶۳، الحاوی / ۲ / ۶۸ و جمع الجوامع / ۲ / ۱۰۳

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

«چون خداوند اراده نماید آل محمد را آشکار کند، نبردی از صفر تا صفر آغاز می شود، و این اوان خروج مهدی خواهد بود.

ابن عباس گفت: یا امیرالمؤمنین! نزدیکترین رخداد حاکی از ظهور او کدام است؟ ایشان گریستند و فرمودند: هنگامی که در سدّ فرات شکافی به هم رسد و [آب] در کوچه های کوفه جاری شود، شیعیان ما برای دیدار قائم آماده شوند.»

حسن بن سلیمان حلی در مختصر بصائر الدرجات / ۱۹۵ از حضرت امیر علیه السلام نقل می کند:

«سپاس خداوندی را که یگانه و ستوده است، همو که در مُلک خویش یکتاست و به قدرت خود علو دارد، او را برای راهی که شناساند، اطاعتی که الهام نمود و حکمت مکنونی که آموخت می ستایم که او به هر آنچه عهده دار کند ستوده و به هر بلایی که مبتلا کند مشکور است ...

همانا امر ما سخت و دشوار است، فرشته ی مقرب، پیامبر مرسل و بنده ای که خداوند قلب او را برای ایمان آزموده است [هم] توان حمل آن را ندارند. حدیث ما را تنها دژهای استوار یا سینه های امین یا خردهای گران است که حفظ می کند. شگفتی، تمام شگفتی بین جمادی و رجب است.

مردی از شرطة الخميس^۱ صدا زد: یا امیرالمؤمنین! از چه در شگفتید؟ فرمودند: چرا چنین نباشم و حال آنکه قضا [ی الهی] در مورد شما گذشته است ... شگفتی، تمام شگفتی بین جمادی و رجب است.

مردی دیگر صدا زد: یا امیرالمؤمنین! این چیست که مدام از آن ابراز شگفتی می کنید؟ فرمودند: مادر دیگری [از دشمنان] به عزایش بنشیند، چه چیزی شگفت انگیزتر از مردگانی است که سرهای زندگان را می زنند!

او گفت: یا امیرالمؤمنین! این امر چسان خواهد بود؟ فرمودند: قسم به آنکه دانه را شکافت

۱. علامه مولی محمد تقی مجلسی رحمته الله می فرماید: خمیس به معنای لشکر است و از این جهت آن را خمیس نامیده اند که از پنج قسمت تشکیل می شود: پیش قراولان، دنباله، میمنه، میسر و قلب، و شرطه افرادی توانا و کار آزموده هستند که در زمره ی پیش قراولان قرار دارند، و چنان است که گویا بر خود شرط کرده اند به عقب بازنگردند مگر آنکه کشته یا پیروز گردند، رک به روضة المتقین ۶ / ۷۵ م

و انسان را آفرید، گویا آنها را می‌نگرم که در کوچه‌های کوفه حضور دارند، شمشیرها را آخته بر شانه‌هایشان گذارده‌اند، و تمامی دشمنان خدا، رسول ﷺ و مؤمنان را می‌زنند، و این سخن خدای عزیز و جلیل است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ**^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده، به دوستی نگیرید. آنها واقعاً از آخرت سلب امید کرده‌اند، همان گونه که کافران از اهل گور قطع امید نموده‌اند.

ای مردم! از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست دهید، من به راه‌های آسمان از عالم به راه‌های زمین آگاه‌ترم. من پیشوای مؤمنین، نهایت سابقین، زبان متقین، خاتم وصیین، وارث پیامبران و خلیفه‌ی پروردگار جهانیان هستم. من قسمت‌کننده‌ی آتش، خازن بهشت، صاحب حوض و صاحب اعرافم، امامی از ما اهل بیت نیست مگر آنکه تمامی اهل ولایت خود را می‌شناسد و این فرمایش خدای تبارک و تعالی است: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**^۲ [ای پیامبر!] تو فقط هشداردهنده‌ای، و برای هر قومی رهبری است.

ای مردم! از من سؤال کنید قبل از آنکه فتنه‌ای شرقی [بسان شتری چموش] پایش را بلند کند و در مهارش گذارد. و این [فتنه] پس از مرگ و زندگانی است، یا آنکه آتشی با هیزم درشت در مغرب زمین شعله‌ور شود و فریاد به خونخواهی یا مانند آن کند. پس آن هنگام که فلک بگردد خواهید گفت: او مُرد، یا هلاک شد، در کدام وادی سیر می‌کند. پس در آن روز تأویل این آیه خواهد آمد: **ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا**^۳ [پس از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم.

برای آن نشانه‌ها و علاماتی است؛ نخست آن که کوفه با لشکر و خندق محاصره شود، در سرکوچه‌های کوفه آتش روشن شود، چهل شب مساجد تعطیل شود، سه پرچم – که با [پرچم] هدایت مشته می‌شوند – پیرامون مسجد اکبر آمد و شد کنند که قاتل و مقتول در

۱. سوره‌ی ممتحنه / ۱۳

۲. سوره‌ی رعد / ۷

۳. سوره‌ی اسراء / ۶

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آتش اند. کشتار بسیار، مرگ وسیع، قتل نفس زکیه در پشت کوفه در میان هفتاد نفر، آنکه میان رکن و مقام ذبح می شود، قتل صبر اسبغ مظفر در بیعت بتان و به همراه بسیاری از شیاطین انس، خروج سفیانی با پرچمی سبز و صلیبی از طلا که فرماندهی آن پرچم مردی است از کلب و با دوازده هزار اسب آهنگ مکه و مدینه می کنند، امیر آن از بنی امیه است و خزیمه نام دارد، چشم چپ ندارد، در چشمش لگه ای خون است، دنیا به کامش خواهد بود و بیرق او شکست نخواهد خورد تا آنکه در مدینه فرود آید. پس مردان و زنانی از آل محمد را جمع می کند و در خانه ای که خانه ی ابوالحسن اموی گویند زندانی می کند.

لشکری را در طلب مردی از آل محمد که مردانی از مستضعفان در مکه برگردش جمع شده اند اعزام می کند، و امیر آنها مردی از غطفان است. آنان به میان سنگ های سفید در بیداء که می رسند به زمین فرو می روند و تنها یک مرد که خدا صورتش را به پشت برگردانده نجات می یابد، تا آنان [سفیانی و لشکریان] را هشدار دهد و نشانه ای برای کسانی که پشت سراو [در راه] هستند باشد، آن روز این آیه تأویل خواهد شد: **وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ**، وای کاش می دیدی هنگامی را که آنان وحشت زده اند، پس گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند.

سفیانی صد و سی هزار نفر را به عراق اعزام می کند. آنان در روهاء، فاروق و موضع مریم و عیسی علیه السلام در قادسیه فرود می آیند، هشتاد هزار نفرشان هم در کوفه موضع قبر هود علیه السلام در نخيله.

در روز زینت بر آن هجوم می برند. حاکم مردم جباری متجاوز است که او را کاهن ساحر گویند. از شهری که زوراء نام دارد در میان پنج هزار کاهن خروج می کند، و بر روی پل آن هفتاد هزار نفر را به قتل می رساند. چنان می شود که مردم به جهت خون ها و بوی بد اجساد، سه روز از فرات استفاده نمی کنند. او دوشیزگانی را در کوفه به اسارت می گیرد...
آنگاه صد هزار نفر که یا مشرکند و یا منافق از عراق خروج می کنند تا آنکه به دمشق - که همان ارم ذات العمد است - برسند و هیچ کس مانعشان نشود.

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
 منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

پرچم‌های شرق زمین که نه از پنبه است، نه کتان و نه ابریشم، می‌آید. سرچوبه‌ی آنها با مهرسید اکبر مهرشده است. مردی از آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام آنها را سوق می‌دهد. روزی که در مشرق باز شود، بوی آن در مغرب بسان مشک می‌پیچد. هراس یک ماه جلوتر از آن سیر می‌کند.

پسران سعد سقاء - که پسران فاسقانند - در کوفه می‌مانند و خون خواهی پدرانشان می‌کنند تا آنکه لشکر حسین بر آنان هجوم آورند و بسان دو اسب مسابقه سبقت می‌گیرند. آنان ژولیده و غبار آلودند، اهل اشک و شادی...

آنان ابدالی هستند که خدای عزیز و جلیل توصیفشان فرموده: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ**،^۱ خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد. و مطهران، نظیران آنها از آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام اند.

مردی راهب از اهالی نجران به عنوان نخستین مسیحی که امام عَلَيْهِ السَّلَام را اجابت می‌کند خروج می‌کند. صومعه‌اش را ویران ساخته، صلیبش را خرد می‌کند. او موالی، مردمان ضعیف و اسبانی را با خود می‌آورد. آنها با بیرق‌های هدایت به سوی نخيله می‌روند و محل اجتماع مردم از تمامی زمین، فاروق خواهد بود که راه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و ما بین برس و فرات است.

آن روز از مشرق تا به مغرب سه هزارتن از یهود و نصاری به دست یکدیگر کشته می‌شوند و آن روز تأویل این آیه ظاهر می‌گردد: **فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ**،^۲ سخنشان پیوسته همین بود، تا آنان را درو شده‌ی بی‌جان گردانیدیم، به وسیله‌ی شمشیر و زیر سایه‌ی آن.

تیزنگراز بنی اشهب با کمک مردمانی که برادرانش نیستند به قدرت می‌رسد و می‌گیرند تا آنکه به سبطری آمده و به درخت پناه آورند، و آن روز تأویل این آیه ظاهر می‌شود: **فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ. لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ**،^۳

۱. سوره‌ی بقره / ۲۲۲

۲. سوره‌ی انبیاء عَلَيْهِ السَّلَام / ۱۵

۳. همان / ۱۳ - ۱۲

پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. [هان] نگریزید، و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و [به سوی] مسکن‌هایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید.

[مقصود از] مساکن آنها، همان گنج‌ها - از اموال مسلمین - است که غنیمت گرفته بودند. آن روز خسف و قذف و مسخ نیز دامنگیر آنها می‌شود و تأویل این آیه نیز آشکار می‌گردد: وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ^۱، و آن، از ستمگران چندان دور نیست.

منادیی در ماه رمضان از سمت مشرق و به هنگام طلوع خورشید ندا در می‌دهد: ای پیروان هدایت! گرد آید. و دیگری از سوی مغرب و پس از غیبت خورشید ندا می‌کند: ای پیروان گمراهی! گرد آید. فردای آن روز به هنگام ظهر، خورشید نورش را از دست داده سیاه و تاریک می‌گردد. و در روز سوم و با خروج دابة الارض، حق و باطل از یکدیگر جدا می‌شوند. رومیان به سمت منطقه‌ای در ساحل دریا کنار غار آن جوانان می‌آیند. خداوند آنان را از غارشان به سوی آنها می‌فرستد. مردی از آنان ملیخا نام دارد و یکی هم کمسلمینا، این دو گواهان و کسانی هستند که تسلیم قائم می‌باشند. یکی از آن جوانان به سمت روم فرستاده می‌شود ولی دست خالی باز می‌گردد. دیگری را می‌فرستد که با فتح رجوع می‌کند، آن روز تأویل این آیه واقع خواهد شد: وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً^۲، هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه در برابر او تسلیم هستند.

آنگاه خداوند از هرامتی، گروهی را مبعوث می‌کند تا آنچه را وعده داده می‌شدند، به آنان بنمایاند و آن روز است که تأویل این آیه ظاهر می‌شود: وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ^۳، و آن روز که از هرامتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم...

صدیق اکبر با پرچم هدایت و شمشیر ذوالفقار و چوب دستی می‌آید و برای بار دوم^۴ در سرزمین هجرت [خود] - یعنی کوفه - فرود می‌آید. مسجد آن را منهدم ساخته، طبق بنای

۱. سوره ی هود / ۸۳

۲. سوره ی آل عمران / ۸۳

۳. سوره ی نمل / ۸۳

۴. بار نخست پس از جنگ جمل بود که ایشان به کوفه آمدند و آن را پایتخت قرار دادند. م

نخست بنا می‌کند و خانه‌های جبارانی را که اطراف آن است ویران می‌سازد. رهسپار بصره می‌شود و بردرریای آن مشرف می‌گردد. تابوت و عصای موسی را به همراه دارد. دریا را قسم می‌دهد و آن، صدایی می‌کند و بصره به دریایی عظیم مبدل می‌گردد و تنها مسجد آن و بسان جلوکشتی بر روی آب باقی می‌ماند.

سپس به سوی حروراء [خاستگاه خوارج] می‌رود و آن را به آتش می‌کشد...

آنگاه رهسپار مصر می‌شود، بر فراز منبر آن می‌رود و برای مردم سخنرانی می‌کند. زمین به عدالت خرم می‌شود، آسمان باران خود و درخت میوه‌اش را عطا می‌کند، زمین گیاهش را می‌بخشد و برای اهلش زینت می‌کند، حیوانات وحشی آرام می‌شوند تا جایی که در زمین مانند چارپایان می‌چرند، دانش در قلب‌های مؤمنان فرو می‌افتد، پس هیچ مؤمنی نیازمند دانش برادرش نخواهد بود و آن روز است تأویل این آیه: **يُعْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ**^۱، خداوند هر یک را از گشایش خود بی‌نیاز گرداند.

زمین گنج‌هایش را برای آنها بیرون می‌دهد و قائم می‌فرماید: **كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ**^۲، بخورید و بنوشید، گواراتان باد، به [پاداش] آنچه در روزهای گذشته انجام دادید. مسلمانان آن روز برای دین، راستکارانند، به آنان اجازه‌ی سخن داده می‌شود. پس آن روز تأویل این آیه خواهد بود: **وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا**^۳، و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها] صف در صف آیند. پس خداوند آن روز تنها دین حق خود را می‌پذیرد، **أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ**^۴، آگاه باشید! آیین خالص از آن خداست. تأویل این آیه آن روز خواهد بود: **أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ**. **وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**. **قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ**. **فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرُوا إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ**^۵، آیا ننگریسته‌اند که ما باران را به سوی زمین بایر می‌رانیم،

۱. سوره‌ی نساء / ۱۳۰

۲. سوره‌ی حاقه / ۲۴

۳. سوره‌ی فجر / ۲۲

۴. سوره‌ی زمر / ۳

۵. سوره‌ی سجده / ۳۰ - ۲۷

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و به وسیله‌ی آن کشته‌ای را برمی‌آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند؟ مگر نمی‌بینند؟ و می‌پرسند: اگر راست می‌گویید، این پیروزی [شما] چه وقت است؟ بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند. پس، از ایشان روی برتاب و منتظر باش که آنها نیز در انتظارند.

او میان خروج تا روز مرگ سیصد و اندی سال درنگ می‌کند، و تعداد یارانش سیصد و سیزده نفر است؛ نه تن از بنی‌اسرائیل، هفتاد نفر از جن و دویست و سی و چهار تن - که در میان آنها هفتاد نفری هستند که چون مشرکان قریش رسول خدا ﷺ را هجو کردند، خشم گرفتند و از آن حضرت خواستند اجازه دهد پاسخ مشرکان را بدهند، ایشان هم با فرود آمدن این آیه رخصت دادند: **إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ**^۱، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند باری خواسته‌اند. و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخوانند گشت ...

بیست تن از اهل یمن از جمله مقداد بن اسود، دویست و چهارده نفری که در ساحل بحر در جهت عدن بودند و پیامبری با رسالت به سوی آنها مبعوث شد و آنها بدو گرویدند. از سایر مردم دو هزار و هشتصد و هفده تن، و از فرشتگان چهل هزار تن - از جمله سه هزار تن از مسومین و پنج هزار تن از مردفین - ...»

بررسی

۱. روایاتی که پیشتر گذشت براین مطلب اتفاق دارند که اندکی پیش از ظهور، نبردی رخ می‌دهد که خسارات فراوانی به دنبال دارد. خساراتی که در برخی روایات یک سوم عالم و یا بیش از آن را نشان رفته است، در برخی سخن از مرگ سرخ و سفید است، ولی حرفی از یک سوم یا دو سوم نیست، در بعضی سخن از یک سوم مردم است، اما مشخص نشده که این کشتگان در نبرد شرکت داشته‌اند، یا از اهالی منطقه‌ی درگیری بوده‌اند و یا اینکه از سرتاسر عالم.

۱. سوره‌ی شعراء / ۲۲۷

در روایت الصراط المستقیم سخن از امتداد جنگ از صفر تا صفر است، لکن تعداد کشتگان نیامده است.

دیگر آنکه زمان این نبرد مشخص نشده است، جز آنکه پیش از امام علیه السلام عنوان شده، و روایتی که قوی ترین سند را دارد روایت محمد بن مسلم رضی الله عنه است که در آن سخن از نابودی دو سوم مردم پیش از ظهور رفته است، بدون آنکه زمان یا مکان آن ذکر شده باشد، و روایت سلیمان بن خالد سبب این نابودی را جنگ عنوان کرده بود. روایت احمد بن محمد بن ابی نصر هم سخن از کشتار شدید پیش از ظهور می راند، بدون ذکر خسارات ناشی از آن.

ممکن است که این جنگ هم زمان و یا اندک مدتی پس از ظهور باشد، چرا که در روایات، گاه از رخداد های پس از ظهور - مثل لشکری که به زمین فرو می رود - تعبیر به علامت شده است و شاید این واقعه نیز مثل آن باشد.

روایت کمال الدین ۶۵۰/۲ هم می رساند که این نبرد و یا طاعون با مسلمین کاری ندارد، زیرا در آن آمده است: «گفته شد: هنگامی که دو سوم مردم از بین روند چه باقی می ماند؟ فرمودند: آیا خوش ندارید که یک سوم باقی باشید؟» لذا برخی آن را به جنگی بین هند و چین و یا روسیه و چین و غرب تفسیر کرده است.

مؤید این مطلب هم عبارتی است که در خطبه ی منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «آن روز از مشرق تا به مغرب سه میلیون تن از یهود و نصاری به دست یکدیگر کشته می شوند و آن روز تاویل این آیه ظاهر می گردد: فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ^۱، سخنشان پیوسته همین بود، تا آنان را دروشده ی بی جان گردانیدیم. به وسیله ی شمشیر.»^۲

۲. این خطبه که هم اینک از نظر گذشت علاوه بر آنکه از حیث سند ضعیف است، برخی فقرات آن هم ناموزون و متهاافت است و می رساند که این خطبه به طور کلی از معصوم نیست، ولی در ضمن آن تعدادی از احادیث آمده است، افزون بر تصورات گوینده ی آن نسبت به آینده، و نهایتاً می تواند مؤید باشد.

۱. سوره ی انبیاء علیه السلام ۱۵/

۲. بحار الانوار ۵۲/ ۲۷۴

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در وصف نبرد به طور منحصر به فردی می‌گوید: فتنه‌ای شرقی است که با هیز می درشت در
مغرب زمین افروخته می‌گردد...

۳. نتیجه آن است که در سال ظهور نبردی رخ می‌دهد، و از مؤمنین و بلکه مسلمین
به دور است.

رجعت

بازگشت پیامبر اکرم ﷺ ،
امامان و برخی پیامبران علیهم السلام به دنیا

جایگاه رجعت در باور شیعه

رجعت که به اهل بیت علیهم السلام و برخی دیگر اقوام مربوط می شود، در احادیث به معنای بازگشت از آخرت به دنیا است، و البته ممکن است گاه بر خود ظهور نیز اطلاق شود.

من لا یحضره الفقیه ۳/ ۴۵۸ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «کسی که به بازگشت ما ایمان ندارد و متعه را حلال نمی شمارد از ما نیست»^۱

شیخ مفید رحمته الله در المسائل السرویه / ۲۰۷ پس از نقل مشابه همین روایت می نگارد: «مقصود از این حدیث اعتقادی است که به آل محمد علیهم السلام اختصاص دارد، و آن عبارت است از اینکه خداوند گروهی از امت محمد صلی الله علیه و آله را بعد از مرگشان و پیش از قیامت زنده می کند، و این اعتقاد مختص به خاندان پیامبر علیه السلام است.»

مرحوم حسن بن سلیمان حلی در المحتضر / ۱۲ می نگارد: «شیعیان بر این مطلب اجماع دارند، شیخ مفید و سید مرتضی اجماع شیعه را بر رجعت جماعتی از مؤمنین از قبرها و پس از مرگ، به همراه امام مهدی علیه السلام به هنگام ظهور نقل کرده اند.»

مخالفین شیعه و به سخره گرفتن این اعتقاد!

اعتقاد به رجعت در میان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان معروف بوده است، و جریاناتی پیرامون خرده گرفتن مخالفین بر شیعه به جهت این اعتقاد را نقل کرده اند.^۲

الفصول المختارة / ۹۳ جریانی بین سید حمیری و سوار قاضی را از قول حرث بن عبیدالله ربعی نقل می کند، وی گوید: «در مجلس منصور نشسته بودم و سوار و سید نیز حضور داشتند، سید این ابیات را می خواند:

إن الإله الذي لا شيء يشبهه آتاكم الملك للدنيا وللدن
آتاكم الله ملكا لا زوال له حتی یقاد إلیکم صاحب الصین
وصاحب الهند مأخوذ برمته وصاحب الترتک محبوس علی هون

۱. و نیز الهدایة / ۶۰

۲. و صرفاً به جهت اعتقاد به رجعت، بزرگان اهل سنت روایات شخصیت جلیل القدری چون جابر بن یزید جعفی را کنار گذاردند، رک به صحیح مسلم ۱/ ۱۵. م

همانا خدایی که هیچ چیز شبیه او نیست، حکومت را برای دنیا و دین به شما داده است

خداوند حکومتی به شما عطا کرده که پایان نپذیرد تا آنکه حاکم چین را نیز تسلیم شما گردانند

حاکم هند تحت اختیار شما درآید، و حاکم ترک نیز با خواری حبس شود

و تمام قصیده را خواند، منصور هم می شنید و مسرور بود.

سوار گفت: یا امیرالمؤمنین! به خدا قسم این سخنی می گوید که بدان اعتقادی ندارد، به

خدا کسانی که او به دوستی آنها اعتقاد دارد دیگرانند، و دشمنی با شما را مخفی می دارد.

سید گفت: به خدا دروغ می گوید و من در ستایش شما راستینم، این حسادت است که

او را برای این سخن واداشته است، زیرا شما را چنین مسرور می بیند، و بریدن من از دیگران و

ارادتم به شما خاندان، از پدر و مادرم در من ریشه دوانیده است. او و قومش هم در جاهلیت

و هم در اسلام دشمنان شما بوده و هستند و خداوند در مورد خاندان او این آیه را فرو فرستاده

است: **إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ**^۱، کسانی که تو را از پشت اتاق ها به

فریاد می خوانند، بیشترشان نمی فهمند. منصور گفت: راست می گویی.

سوار صدا زد: یا امیرالمؤمنین! او به رجعت اعتقاد دارد، و به شیخین ناسزا می گوید.

سید در پاسخ گفت: اما اینکه من رجعت را باور دارم براساس فرمایش خداست: **وَيَوْمَ نُخْشِرُ**

مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ^۲، و آن روز که از هراقتی، گروهی از کسانی را که

آیات ما را تکذیب کرده اند محشور می گردانیم، پس آنان نگاه داشته می شوند، و نیز می فرماید:

وَحَسَرْنَا لَهُمْ فَلَمْ نَعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا^۳، و ما آنان را گرد می آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی کنیم. لذا

دانستیم که دو حشر [و زنده شدن] داریم؛ یکی عام است [و همه را شامل می شود] و دیگری

خاص، همو فرموده است: **قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا أَثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ**

مِنْ سَبِيلٍ^۴، می گویند: پروردگارا! دو بار ما را میراندی و دو بار ما را زنده گرداندی. به گناهانمان

اعتراف کردیم پس آیا راه بیرون رفتنی [از آتش] هست؟ همومی فرماید: **فَأَمَّا اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ**

۱. سوره ی حجرات / ۴

۲. سوره ی نمل / ۸۳

۳. سوره ی کهف / ۴۷

۴. سوره ی غافر / ۱۱

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بَعَثَهُ،^۱ پس خداوند او را [به مدت] صد سال میراند، آنگاه او را برانگیخت، و نیز: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ،^۲ آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خدا به آنان گفت: بمیرید، آنگاه آنان را زنده ساخت.

این کتاب خدای عزیز و جلیل بود، رسول خدا ﷺ نیز فرمودند: روز قیامت متکبران به صورت مور محشور می‌شوند، و نیز: هرچه در بنی اسرائیل رخ داد، مثل آن درامت من نیز به وقوع خواهد پیوست حتی مسخ، فرو رفتن در زمین و پرتاب. حذیفه نیز گوید: به خدا دور نیست که خداوند بسیاری از این امت را به صورت بوزینه و خوک مسخ کند. پس رجعت که عقیده‌ی من است در قرآن و سنت وارد شده، و من اعتقاد دارم که خداوند تعالی این سوار را به صورت سگ یا بوزینه یا خوک و یا موری به دنیا باز خواهد گرداند، زیرا به خدا قسم گردنکش، متکبر و کافر است.

منصور خندید و سید سرود:

جائیت سوارا أبا شملة	عند الإمام الحاكم العادل
فقال قولاً خطأ كله	عند الوری الحافی والناعل
ما ذب عما قلت من وصمة	فی أهله بل لج فی الباطل
وبان للمنصور صدق کما	قد بان کذب الأنوک المجاهل
یبغض ذا العرش ومن یصطفی	من رسله بالنیر الفاضل
ویشناً الحبر الجواد الذی	فضل بالفضل علی الفاضل
ويعتدی بالحکم فی معشر	أدوا حقوق الرسل للراسل
فیسن الله تراویقه	فصار مثل الهائم الهائل

در مقابل سوار لنگ پوش نزد امام حاکم عادل نشسته بودم

او سخنی گفت که همه می‌دانستند اشتباه محض بود

۱. سوره‌ی بقره / ۲۵۹

۲. همان / ۲۴۳

در برابری که به خاندانش گرفتم هیچ دفاعی نداشت، بلکه نسبت به باطل اصرار می‌ورزید
 صدق من برای منصور مشخص شد، همانگونه که دروغ احمق نادان
 او با خداوند صاحب عرش و رسولانش که آنها را با حجت واضح برمی‌گزیند، دشمنی می‌کند
 نسبت به دانشمند سخاوت پیشه‌ای که با فضیلت خود بر دیگر صاحبان فضل برتری دارد،
 کینه می‌ورزد

و در قضاوت، به گروهی که حقوق رسولان را ادا کرده‌اند، ستم می‌کند
 پس خدا تزویر او را آشکار ساخت، و او هم بسان شخصی سرگردان و هراسان شد
 منصور گفت: دست از او بردار، سید هم پاسخ داد: آنکه شروع کرده ظالم‌تر است، دست
 از من بردارد تا دست از او بردارم.

منصور به سوار گفت: منصفانه سخن گفت، از او دست بردار تا او نیز از تو دست بردارد.»

اختصاص رجعت به برخی ابرار و برخی فجار

تصحیح الاعتقاد / ۲۱۰ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «در زمان قیام قائم تنها کسی
 به دنیا رجوع می‌کند که ایمانش خالص و یا کفرش خالص باشد، و دیگران تا روز مآب
 [و قیامت] بازگشتی نخواهند داشت.»

مختصر البصائر / ۲۵ از ابوبصیر روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام به من فرمودند: آیا اهل عراق
 رجعت را انکار می‌کنند؟ عرضه داشتم: آری، فرمودند: مگر قرآن نمی‌خوانند: وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ
 كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا تَا آخِرَ آیه.»

تفسیر قمی ۱ / ۲۴ و ۲ / ۳۶ از حماد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «مردم در مورد این آیه چه
 می‌گویند: وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا، و آن روز که از هراتی، گروهی را محشور می‌گردانیم؟
 گفتیم: می‌گویند در قیامت است، فرمودند: اینگونه که می‌گویند نیست، این در رجعت
 است، آیا خدا در قیامت از هراتی گروهی را محشور می‌کند و دیگران را او می‌گذارد؟
 آیه‌ی قیامت این است: وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا، و ما آنان را گرد می‌آوریم و هیچ یک را
 فروگذار نمی‌کنیم.»

پیشوایان گمراهی
 دجال

ثابت قدمان
 فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همان ۱۳۱/۲ از مفضل روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: **وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا**، فرمودند: هیچ یک از مؤمنین نیست که کشته شده باشد مگر آنکه رجوع می‌کند تا بمیرد، و تنها کسی باز خواهد گشت که ایمانش خالص و یا کفرش محض باشد.^۱

شیخ حر عاملی رحمه الله در **الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة** / ۳۴۳ پس از نقل این روایت می‌نگارد: «و مانند این حدیث بسیار زیاد است که برخی هم گذشت، و مخفی نیست که این روایت - به طریق اولی - دلالت بر رجعت ایشان [اهل بیت علیهم السلام] دارد، علاوه بر تصریحات بسیاری که موجود است.»

مختصر البصائر / ۱۹۴ از محمد بن سلام: «امام باقر علیه السلام درباره‌ی این آیه: **قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَفْثَنَيْنَ وَأَحْيَيْنَا أَفْثَنَيْنَ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ**، می‌گویند: پروردگارا! دو بار ما را می‌راندی و دو بار ما را زنده گرداندی. به گناهانمان اعتراف کردیم پس آیا راه بیرون رفتنی [از آتش] هست؟ فرمودند: این مخصوص اقوامی است و به رجعت بعد از مرگ مربوط می‌شود و در قیامت نیز جریان خواهد یافت، پس گروه ظالم [از رحمت خدا به] دور باشند.»

بحار الانوار ۵۳/ ۱۱۶ و ۵۹ بعد از نقل این روایت می‌فرماید: «یکی از دو احیاء در رجعت است و دیگری در قیامت، و یکی از دو میراندن در دنیا است و دیگری در رجعت.»

اعتقاد به رجعت در زیارات

این باور در مهم‌ترین زیارت که زیارت جامعه‌ی کبیره است آمده: «مؤمن یایابکم، مصدق برجعتکم، منتظر لأمرکم، مرتقب لدولتکم، آخذ بقولکم، عامل بأمرکم، مستجیر بکم، مؤمن بسرکم و علانیتکم، و شاهدکم و غائبکم، و أولکم و آخرکم، و نصرقی لکم مُعَدَّةً، حتی یحیی الله تعالی دینه بکم، و یردکم فی آیامه، و یظهرکم لعدله، و یمکنکم فی أرضه، و جعلنی من یقتض آثارکم، و یسلک سبیلکم، و یهتدی بهدایکم، و یحشرنی زمزمتکم، و یکرزنی رجعتکم، و یملک فی دولتکم، و یُسَرِّف فی عافیتکم: من به بازگشت شما ایمان دارم، رجعتتان را تصدیق می‌کنم، در انتظار امر شما به سر می‌برم، دیده به دولت شما دوخته‌ام، سخن شما را اخذ و به فرمان شما عمل می‌کنم، به شما پناه می‌جویم، به آشکار و

۱. مختصر البصائر / ۲۵ و ۴۳، تأویل الآیات / ۱ و ۴۰۹ و الایقاظ من الهجعة / ۲۵۸ و ۲۷۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نهان، شاهد و غائب و اول و آخرتان ایمان دارم، یاری من برای شما آماده است، تا آنکه خداوند متعال دینش را به شما زنده و در ایام خود^۱ شما را باز گرداند، برای [به اجرا گذاشتن] عدل خود آشکارتان نماید، و در زمین خود شما را قدرت دهد، و مرا از کسانی قرار دهد که دنباله رو شما هستند، در راه شما سیر می‌کنند، به هدایت شما رهنمون و در گروه شما محصور می‌شوند، در رجعت شما باز می‌گردند، در دولتتان به قدرت می‌رسند و در [دوران] عافیت شما شرافت می‌گیرند.^۲

مصباح المتهجد / ۲۵۳ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه - در زیارت قبور پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، حسنین و دیگر امامان عجل الله تعالی فرجه - روایت می‌کند: «... رو به قبله ایستاده می‌گوید: السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته، السلام علیک ایها النبی المرسل، والوصی المرتضی، والسیدة الکبری، والسیدة الزهراء، والسبطان المنتجبان، والأولاد والأعلام، والأمناء المنتجبون المستخزنون، جئت انقطاعاً إليکم وإلی آبائکم، وولدکم الخلف علی بركة الحق، فقلبی لکم مُسَلِّمٌ، ونصرتی لکم مُعَدَّةٌ حتی یحکم الله بدينه، فعمکم معکم لامع عدوکم، إني لمن القائلین بفضلکم، مُقَرَّرُ رجعتکم، لا أنکر الله قدرة، ولا أزعج إلا ما شاء الله: ای پیامبر! سلام بر تو و نیز رحمت و برکات خدا، سلام بر تو ای پیامبر مرسل، ای وصی برگزیده، ای سیده‌ی کبری و سیده‌ی زهرا، ای دو نواده‌ی برگزیده و فرزندان و نشانه‌ها [ای حق] و امینان برگزیده و خزانه داران [دانش خدا]. به برکت حق، بریده [از دیگران] به سوی شما و پدرانانتان و فرزند جانشینانتان آمده‌ام، پس دلم تسلیم شماست، یاری‌ام برای شما آماده است تا آنکه خداوند دینش را حاکم گرداند، من با شما هستم نه با دشمنتان، از کسانی هستم که به فضل و برتری شما اعتقاد دارند و رجعت شما را باور دارم، قدرت خدا را انکار نمی‌کنم و جز آنچه خدا بخواهد نمی‌پندارم.»

اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و رجعت، از ایمان به غیب

تفسیر علی بن ابراهیم رحمه الله ۳۹۱ / ۲: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدٌ إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا»^۳ دانای نهان، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند.

۱. ممکن است اشاره به حدیث امام باقر عجل الله تعالی فرجه باشد که فرمودند: روزهای خداوند عزوجل سه روز است؛ روزی که قائم قیام کند، روز رجعت و روز قیامت، خصال ۱۰۸ / ۱ م

۲. عیون اخبار الرضا عجل الله تعالی فرجه ۲ / ۲۷۲، من لا یحضره الفقیه ۶۰۹ / ۶ و تهذیب ۹۵ / ۶

۳. سوره‌ی جن ۲۷ - ۲۶

جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی خواهد گماشت؛ خداوند رسول برگزیده‌ی خود را از آنچه پیش از او بوده، و نیز جریانات قائم، رجعت و قیامت که بعد از او خواهند بود آگاه می‌کند.»

همان ۱/ ۳۸۳ از ابو حمزه روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام در مورد فرموده‌ی خداوند: **فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ**،^۱ پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرمودند: مقصود آن است که اینان به حقایق رجعت اعتقاد ندارند.»

برخی از مسلمانان قسم می‌خورند که رجعتی در کار نیست!

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۵۹ از ابوبصیر روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ**،^۲ و با سخت‌ترین سوگندهایشان بخدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می‌میرد بر نخواهد انگيخت، فرمودند: درباره‌ی این آیه چه می‌گویند؟ گفتم: بر این باورند که مشرکان برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند می‌خورند که خدا مردگان را زنده نخواهد نمود، حضرت فرمودند: گوینده‌ی این سخن هلاک شود، وای بر آنها، آیا مشرکان به خدا قسم می‌خورند، یا به لات و عزی؟ گفتم: فدایت شوم، شما بفرمایید تا آگاه شوم، فرمودند: چون قائم ما قیام کند، خداوند گروهی از شیعیان ما را به سوی او بر خواهد انگيخت که دسته‌ی شمشیرشان بر شانه‌هایشان قرار دارد.

این خبر به گروهی از شیعیان ما که هنوز نمرده‌اند می‌رسد، آنها می‌گویند: فلانی و فلانی از قبرهایشان برانگیخته شده‌اند و در کنار قائم حضور دارند. این خبر به قومی از دشمنان ما می‌رسد و آنان می‌گویند: ای شیعیان! چقدر شما دروغ پردازید، شما در دولت خودتان دروغ می‌گویید، نه به خدا سوگند، اینان نه زیسته‌اند و نه تا روز قیامت خواهند زیست.

و خداوند سخن آنان را حکایت کرد و فرمود: **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ**،^۳

۱. سوره‌ی نحل / ۲۲

۲. همان / ۳۸

۳. و نیز کافی / ۵۰ / ۸

پیدشویان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
 منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
 روم
 ترکمان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
رجعت
 امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

همان از سیرین نقل می‌کند: «نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بودم که فرمودند: مردم در مورد این آیه چه می‌گویند: **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ يَمُوتُ**؟ گفتم: می‌گویند: [مشرکان می‌گویند:] نه قیامتی در کار است و نه برانگیختن و زنده شدنی، فرمودند: به خدا سوگند دروغ گفته‌اند، این مربوط به زمانی است که قائم قیام کند و رجعت کنندگان با او برگردند، پس مخالفان شما گویند: ای شیعیان! دولتتان آشکار شد، و اینکه می‌گویید فلانی و فلانی و فلانی بازگشته‌اند از دروغ‌های شماست، نه به خدا قسم، خداوند کسی را که مرده برنمی‌انگیزد.

آیا نمی‌بینی می‌فرماید: **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ؟** مشرکان لات و عزری را بزرگتر از آن می‌دانستند که به چیز دیگری قسم بخورند، پس خداوند فرمود: **بَلَىٰ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا... لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ**. **إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**،^۱ آری، [انجام] این وعده براو حق است... تا [خدا] آنچه را در [مورد] آن اختلاف دارند، برای آنان توضیح دهد، و تا کسانی که کافر شده‌اند، بدانند که آنها خود دروغ می‌گفته‌اند. ما وقتی چیزی را اراده کنیم، همین قدر به آن می‌گوییم: باش، پس موجود می‌شود.»

بازگشت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ طبق وعده‌ی الهی

تفسیر قمی ۱/ ۲۵ و ۲/ ۱۴۷ از عمرو بن شمر نقل می‌کند: «در حضور امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام سخن از جابر به میان آمد، ایشان فرمودند: خدا جابر را رحمت کند، دانش او به حدی رسیده بود که از تأویل این آیه آگاه بود: **إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ**،^۲ در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده‌گاه بازمی‌گرداند؛ مقصود رجعت است.»

تأویل الآیات ۱/ ۲۴ و مختصر البصائر/ ۲۱۰ از ابو مروان روایت می‌کنند: «از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد این آیه پرسیدم: **إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ**، فرمودند: نه، به خدا دنیا به پایان نخواهد رسید تا آنکه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در ثویه گرد آیند، با هم دیدار

۱. سوره‌ی نحل ۴۰/ ۳۸ -

۲. سوره‌ی قصص ۸۵/ -

کنند و در آن مسجدی با دوازده هزار در بنا کنند. ثویه موضعی است در کوفه.»

مختصر البصائر / ۲۴ از بکیرین اعین روایت می‌کند: «کسی که هیچ شکی در او ندارم - یعنی

امام باقر علیه السلام - به من فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام رجعت خواهند نمود.»

تفسیر قمی ۱۴۷/۲ از ابو خالد کابلی نقل می‌کند: «امام سجاد علیه السلام در مورد آیه ی: **إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ**، فرمودند: پیامبرتان صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام به سوی شما باز خواهند گشت.»

همان ۳۹۱/۲: «**حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ**»^۱ تا آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند؛ فرمود: [آنچه وعده داده می‌شوند] قائم و امیرالمؤمنین علیه السلام در رجعت هستند.

فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفُ نَاصِرًا وَأَقْلُ عَدَدًا^۲، آنگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف‌تر و کدام یک شماره‌اش کمتر است؛ فرمود: این همان فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام است: به خدا سوگند، ای پسر صهاک! اگر عهده‌ی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و نوشته‌ای که از خداوند گذشته نمی‌بود، هر آینه درمی‌یافتی کدامیک از ما یاورش ضعیف‌تر و کم‌شماره‌تر است.

هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از رجعت به مردم خبر دادند، آنان گفتند: این چه زمان خواهد بود؟ خداوند فرمود: ای محمد! بگو: **إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا**^۳، نمی‌دانم آنچه را که وعده داده شده‌اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی قرار داده است؟»

کافی ۲۴۷/۸ از حسن بن شاذان واسطی نقل می‌کند: «به امام رضا علیه السلام نامه نوشتم و از جفای اهل واسط و شوریدن آنان بر خود گله کردم، گروهی از عثمانیان مرا می‌آزردند. ایشان با خط خود نوشتند: خدای تبارک و تعالی از اولیای ما برصبر در دولت باطل میثاق گرفته است، پس بر حکم پروردگارت شکیبا باش، پس چون سید خلق قیام کند، آنان گویند: **يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ**؛ ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این است همان وعده‌ی خدای رحمان، و پیامبران راست می‌گفتند.»

۱. سوره‌ی جن / ۲۴

۲. همان

۳. همان / ۲۵

۴. سوره‌ی یس / ۵۲

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر
سرزمین شام

حجاز
نمایه ای از ظهور

عراق
قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی ها

نبرد قدس
یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
روم

ترکان
دولت عدل

آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
احادیث ولادت

غیبت صغری
نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مختصر البصائر / ۲۶ از جابر بن یزید روایت می‌کند: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه در مورد آیه‌ی: **يَا أَيُّهَا الْمَدْيَنُ**.

قُمْ فَأَنْذِرْ،^۱ ای جامه برسر کشیده، برخیز و بترسان، فرمودند: مقصود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و قیام ایشان در رجعت است که بیم می‌دهند.

إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكَبْرِ نَذِيرٌ لِلْبَشَرِ،^۲ آن از پدیده‌های بزرگ است. هشدار دهنده‌ی بشر است؛ یعنی محمد صلی الله علیه و آله در رجعت، هشدار دهنده‌ی بشر است.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ،^۳ و ما تو را جز برای تمام مردم، نفرستادیم؛ در رجعت.

همان از هموز امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه می‌فرمودند: آنکه جامه بر سر کشید [پیامبر صلی الله علیه و آله]، به هنگام رجعت حضور خواهد داشت. شخصی صدا زد: یا امیرالمؤمنین! آیا پیش از قیامت زندگی [دوباره] و پس از آن مرگ خواهد بود؟ ایشان فرمودند: آری، به خدا قسم یک کفر پس از رجعت، از کفرهایی پیش از آن سخت تر است.»

رجعت مراحل دارد، و نخستین کسی که بازمی‌گردد امام حسین عجل الله تعالی فرجه است

مختصر البصائر / ۱۸ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «نخستین کسی که در رجعت باز می‌گردد، حسین بن علی عجل الله تعالی فرجه است. ایشان چهل سال در زمین درنگ می‌کنند تا آنکه ابروها بر دیدگان نشان بیفتد.»^۴

همان / ۲۴ از حمران بن اعین و ابوالخطاب از امام صادق عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند: «نخستین کسی که از زمین بیرون می‌آید و به دنیا باز می‌گردد حسین بن علی عجل الله تعالی فرجه است. رجعت فراگیر نیست، بلکه خاص است و تنها کسی که ایمان یا شرکش خالص باشد رجعت خواهد کرد.»

همان / ۲۷ و ۲۲ از حمران بن اعین از امام باقر عجل الله تعالی فرجه می‌آورد: «همسایه تان حسین بن علی عجل الله تعالی فرجه رجوع خواهد نمود، پس آن مقدار حکومت خواهد کرد که ابروهایش از پیری بر دیدگان افتد.» همان / ۴۸ از امام صادق عجل الله تعالی فرجه: «امام حسین عجل الله تعالی فرجه در میان یارانی که با او به شهادت رسیدند

۱. سوره‌ی مدثر / ۲ - ۱

۲. همان / ۳۶ - ۳۵

۳. سوره‌ی سبأ / ۲۸

۴. حلیة الابرار / ۲ / ۶۵۰، البرهان / ۲ / ۴۰۸، مختصر البصائر / ۲۸ و بحار / ۵۳ / ۶۳

و با همراهی هفتاد پیامبر- هم چنان که با موسی بن عمران علیه السلام برانگیخته شدند- می آید و قائم انگشتر را به ایشان می دهد.

امام حسین علیه السلام است که غسل، کفن و حنوط او را بر عهده خواهد داشت، و در قبر قرار خواهد داد.»

همان از عقبه روایت می کند: «از امام صادق علیه السلام درباره ی رجعت سؤال شد که آیا حق است؟ ایشان فرمودند: آری، پرسیدند: اول کسی که خارج می شود کیست؟ فرمودند: امام حسین علیه السلام که به دنبال قائم علیه السلام خارج می شود.

من عرض کردم: آیا همه ی مردم در کنار او حضور دارند؟ فرمودند: نه، بلکه آنگونه که خدای متعال در کتاب خود یاد کرده: **يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا**^۱، روزی که در صور دمیده شود، و گروه گروه بیایید؛ گروهی بعد از گروهی دیگر.»

تفسیر فرات / ۲۰۳ با سند خود روایت می کند: «امام صادق علیه السلام در مورد فرمایش خداوند: **يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ. تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ**^۲، آن روز که لرزنده بلرزد، و از پی آن لرزه ای افتد، فرمودند: الراجفة حسین بن علی علیه السلام است و الرادفة علی بن ابی طالب علیه السلام، او نخستین کسی است که همراه حسین بن علی در میان نود و پنج هزار نفر خاک را از سر خود می تکاند، و این همان فرموده ی خداست: **إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ. يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ**^۳، در حقیقت ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می ایستند قطعاً یاری می کنیم. [همان] روزی که ستمگران را پوزش طلبیشان سود نمی دهد، و برای آنان لعنت است، و برای ایشان بدفرجامی آن سراسر است.»

مختصر البصائر / ۲۷ از یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «کسی که قبل از روز قیامت حسابرسی مردم را به عهده خواهد داشت، حسین بن علی علیه السلام است، و اما روز قیامت فرستادنی به بهشت است و فرستادنی به دوزخ.»

۱. سوره ی نبأ / ۱۸

۲. سوره ی نازعات / ۷ - ۶

۳. سوره ی غافر / ۵۲ - ۵۱

الخرائج والجرائح ۲ / ۸۴۸ از جابر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «امام حسین علیه السلام پیش از آنکه به شهادت برسند به یاران فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پسر من! توبه عراق کشانیده خواهی شد، آن زمینی است که پیامبران و جانشینان آنان در آن با یکدیگر ملاقات کرده‌اند، زمینی است که عمورا نامیده می‌شود. تو و جماعتی از یارانت - که درد تماس آهن را احساس نمی‌کنند - در آن به شهادت خواهید رسید، و این آیه را تلاوت کردند: قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، گفتیم: ای آتش! برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش، نبرد بر تو و آنان سرد و سلامت خواهد بود.

پس شادمان باشید که به خدا اگر ما را بکشند نزد پیامبران علیهم السلام می‌رویم، سپس آن مقدار که خدا بخواهد درنگ می‌کنم، آنگاه نخستین کسی خواهم بود که از زمین بیرون می‌آید، و همزمان با خروج امیرالمؤمنین علیه السلام، قیام قائممان و حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله خارج خواهم شد.

در ادامه گروهی از آسمان و از نزد خدا - که هیچگاه به زمین نیامده بودند - بر من فرود می‌آیند، و نیز جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و لشکریانی از فرشتگان.

محمد، علی، من، برادرم و تمامی کسانی که خداوند بر آنان مِت نهاد، بر اسبانی از اسبان پروردگار، اسبانی سیاه و سفید از نور که هیچ مخلوقی بر آن ننشسته است. آنگاه محمد صلی الله علیه و آله بیرق خود را به اهتزاز در آورده و با شمشیرشان آن را به قائم می‌سپارند.

پس از آن، ما آن مقداری که خدا بخواهد درنگ می‌کنیم. سپس خداوند چشمه‌ای از روغن، چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ی آبی را از مسجد کوفه بیرون می‌آورد. بعد از آن امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله را به من سپرده و به شرق و غرب می‌فرستد. به هر دشمنی برسم خونس را خواهم ریخت، صنمی را وانمی‌گذارم جز آنکه به آتش خواهم کشید تا به هند برسم و آن را بگشایم.

دانیال و یونس به سوی امیرالمؤمنین علیه السلام خارج می‌شوند و می‌گویند: خدا و رسولش راست گفتند. خداوند هفتاد نفر را به همراه آن دو به بصره می‌فرستد و کسانی را که به جنگ

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

ایشان آمده اند می کشند. لشکری نیز به سمت روم ارسال می کند و خداوند فتح را نصیب آنها خواهد نمود.

سپس من هر جنبنده ای را که خدا گوشت آن را حرام کرده خواهم کشت تا آنکه تنها پاکیزه بر زمین باشد. یهود و نصاری و دیگر ادیان را خواهم آورد و آنان را بین اسلام و شمشیر مخیر خواهم ساخت، پس بر هر که اسلام بیاورد منت خواهم گذارد و هر که را خوش نیاید خدا خونس را خواهد ریخت.

هیچ کس از شیعیان ما نخواهد ماند مگر آنکه خداوند فرشته ای به سوی او می فرستد، تا خاک از چهره اش بروبند، و همسران و جایگاهش در بهشت را به او معرفی کند.

هیچ نابینا، زمینگیر و مبتلایی بر زمین نباشد، جز آنکه خداوند به ما اهل بیت بلا را از او بر طرف خواهد نمود.

برکت آسمان به زمین نازل خواهد شد تا جایی که [شاخه های] درخت به جهت [سنگینی] میوه هایی که خداوند در آن اراده می کند خواهد شکست، و میوه ی زمستان در تابستان و میوه ی تابستان در زمستان تناول می شود، و این فرمایش خدای متعال است: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا،^۱ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند.

آنگاه خداوند به شیعیان ما کرامتی خواهد کرد؛ هیچ چیزی در زمین و آنچه در آن است از آنان پوشیده نخواهد ماند، تا آنجا که مردی از آنها که می خواهد از خانواده اش مطلع باشد، به آنها از کارهایشان خبر می دهد.»

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۸۲ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «نخستین کسی که به دنیا باز می گردد حسین بن علی علیه السلام و یاران ایشان، و یزید بن معاویه و یاران او هستند، و به مانند دو پریکسان تیر، آنها را خواهد کشت. آنگاه امام علیه السلام این آیه را تلاوت کردند: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ

۱. سوره ی اعراف / ۹۶

الْكِرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا^۱ پس [از چندی] دوباره شما را باز گردانده بر آنان چیره می‌کنیم، و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم.»

مختصر البصائر/ ۲۹ از جابر بن یزید از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «حضرت علی علیه السلام با پسرش امام حسین علیه السلام رجعتی به زمین خواهند داشت. ایشان با بیرق خود می‌آیند تا از بنی امیه، معاویه، خاندان وی و کسانی که در نبرد با ایشان حضور داشتند انتقام بگیرند. آنگاه خداوند یاران خویش را به سوی آنان می‌فرستد، سی هزار نفر از اهل کوفه و هفتاد هزار تن از سایر مردم، و بسان بار نخست در صفین با آنان روبرو می‌شود تا آنکه آنها را به قتل رسانده و خبررسانی هم از آنها باقی نخواهد گذارد. سپس خدای عزوجل آنها را به شدیدترین عذاب خود در کنار فرعون و آل فرعون داخل می‌کند.

ایشان بازگشت دیگری هم به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهند داشت تا خلیفه در زمین باشد و امامان علیهم السلام کارگزاران او باشند، و خدا به طور آشکار در زمین پرستش شود، آنسان که به طور سزایی در آن عبادت می‌شد.

سپس فرمودند: آری به خدا و چند برابر آن و با دست خود نشان دادند. خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله مُلک تمامی اهل دنیا - از روزی که دنیا را آفرید تا روزی که آن را از بین برد - را عطا می‌کند، تا وعده‌ای را که در کتابش به ایشان داده به انجام رساند: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۲، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.»

۱. سوره‌ی اسراء / ۶

۲. سوره‌ی توبه / ۳۳

رجعت

امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

رجعت امامان و برخی پیامبران علیهم السلام

تفسیر قمی ۱۴۷/۲ از ابو خالد کابلی نقل می‌کند: «امام سجاد علیه السلام در مورد آیه ی: **إِنَّا الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ**، فرمودند: پیامبران علیهم السلام، امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام به سوی شما باز خواهند گشت.»

تفسیر عیاشی ۱/۱۸۱ از فیض بن ابی شیبه روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت کردند: **وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَلَخَذْتُكُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ** **إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا** **وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ**،^۱ و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاری اش کنید. [آنگاه] فرمود: آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟ گفتند: آری، اقرار کردیم. فرمود: پس گواه باشید و من با شما از گواهانم، و فرمودند: به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان بیاورید و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری نمایید.

عرضه داشتم: و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری نمایید؟ فرمودند: آری، از آدم بگیر و [تا آخر] بیا، خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نمی‌کند، مگر آنکه به دنیا بازگشته در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام خواهد جنگید.»

تفسیر قمی ۱/۱۰۶ از ابن مسکان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «خداوند هیچ پیامبری را - از آدم بگیر و بیا - مبعوث نکرد، جز آنکه به دنیا باز می‌گردد و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری می‌کند، و این همان فرموده‌ی خداست: **لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ**، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله، **وَلَتَنْصُرُنَّهُ**، یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام.»

همان ۲/۱۳۲: «**سِيرِبَكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا**»،^۳ آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت؛

۱. یکی از کسانی که رجعت می‌کنند، صدیقه‌ی طاهره علیها السلام است. بیشتر در فصل دوازدهم ذیل عنوان: سلمان فارسی از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، روایت مفصل جناب سلمان از دلائل الامامة ۲۳۷/ [چاپ جدید / ۴۴۸] گذشت که در این مطلب صراحت داشت. م

۲. سوره‌ی آل عمران ۸۱/

۳. سوره‌ی نمل ۹۳/

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آیات امیرالمؤمنین و ائمه عجل الله تعالی فرجه هستند، هنگامی که رجعت کنند دشمنانشان با دیدنشان آنها را می‌شناسند. دلیل بر اینکه آیات ائمه عجل الله تعالی فرجه هستند فرمایش امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه است: به خدا قسم خدا نشانه‌ای بزرگتر از من ندارد. پس چون به دنیا بازگردند، دشمنانشان در دنیا آنها را خواهند شناخت.»

مختصرالبصائر/ ۲۸ از سلیمان دیلمی روایت می‌کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه در مورد این آیه سؤال کردم: إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا، آنگاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را پادشاهانی ساخت، فرمودند: [مقصود از] پیامبران، رسول خدا صلى الله عليه وآله، ابراهیم، اسماعیل و نسل او عجل الله تعالی فرجه هستند، و پادشاهان ائمه عجل الله تعالی فرجه.

عرضه داشتم: چه مُلکی به شما عطا شده؟ فرمودند: مُلک بهشت و مُلک رجعت.»

رجعت اسماعیل نبی با امام حسین عجل الله تعالی فرجه

کامل‌الزیارات / ۶۵ از برید بن معاویه عجل‌ی روایت می‌کند: «خدمت امام صادق عجل الله تعالی فرجه عرض کردم: ای پسر رسول خدا! برای من درباره‌ی اسماعیلی که خدا در کتابش اینچنین از او یاد می‌کند بفرماید: وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا^۱، و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، زیرا او درست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود؛ آیا اسماعیل بن ابراهیم عجل الله تعالی فرجه است، چون مردم می‌پندارند وی همان پسر ابراهیم عجل الله تعالی فرجه است؟ فرمودند: اسماعیل [پسر ابراهیم عجل الله تعالی فرجه] پیش از ابراهیم از دنیا رفت، و ابراهیم حجت قائم خدا و صاحب شریعت بود، با این حساب اسماعیل [اگر پیروی باشد] به سوی چه کسی فرستاده شده است؟

عرض کردم: فدایت گردم، پس مقصود کیست؟ فرمودند: او اسماعیل بن حزقیل نبی عجل الله تعالی فرجه است، خداوند او را به سوی قومش مبعوث کرد، ولی آنها او را تکذیب کردند، کشتند و پوست صورتش را کردند. خداوند بر آنان غضب کرد و اسطپائیل فرشته‌ی عذاب را نزد او

۱. سوره‌ی مائده / ۲۰

۲. سوره‌ی مریم / ۵۴

فرستاد، او گفت: ای اسماعیل! من اسطاطایل فرشته‌ی عذاب هستم، پروردگار عزّت مرا نزد تو فرستاده تا قومت را - اگر خواستی - به انواع عذاب معذب گردانم.

اسماعیل گفت: نیازی بدان ندارم، خدا وحی کرد: ای اسماعیل! پس حاجت چیست؟ عرضه داشت: پروردگار من! تو برای خود به ربوبیت، برای محمد به نبوت و برای جانشینانش به ولایت میثاق گرفتی، و به بهترین خلق خود خبر دادی که امتش با حسین بن علی علیه السلام پس از پیامبرشان چه خواهند کرد، و به حسین علیه السلام وعده دادی که او را به دنیا بازگردانی تا خود از کسانی که با وی چنین کردند انتقام گیرد، درخواست من از تو - پروردگارم! - آن است که مرا به دنیا بازگردانی تا از کسانی که با من چنین کردند انتقام گیرم، همانسان که حسین علیه السلام را بازمی گردانی.

پس خداوند اسماعیل بن حزقیل را بدان وعده داد، و او با امام حسین علیه السلام رجعت می‌کند.»

رجعت، پاره‌ای از تأویلی که مردم به دانش آن احاطه ندارند

تفسیر عیاشی ۱۲۲/۲ از حمزان نقل می‌کند: «از امام باقر علیه السلام در مورد امور مهمی چون رجعت و دیگر مسائل سؤال کردم، فرمودند: این امری که درباره‌اش از من سؤال می‌کنید، زمانش نرسیده است، خداوند می‌فرماید: بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ^۱، بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است.»

مردم در رجعت، حقیقت را به عیان می‌بینند

التنزیل والتحریف سیاری / ۷۰ از ابو عبد الله بن نجیح یمانی نقل می‌کند: «از امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه سؤال کردم: لَنُسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ^۲، در همان روز است که از نعمت پرسش خواهید شد، فرمودند: نعمتی که خدا بر شما عطا کرد، محمد و آل محمد علیهم السلام هستند.

۱. سوره‌ی یونس / ۳۹

۲. سوره‌ی تکوین / ۸

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در مورد این آیه: **عَيْنَ الْيَقِينِ**^۱؛ فرمودند: به چشم دیدن.

و در مورد این: **كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ. ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ**^۲، نه چنین است، خواهید دانست، باز

هم نه چنین است، خواهید دانست؛ فرمودند: یک بار در رجعت و یک بار در قیامت.»

زمین، و احیای آن با رجعت

تفسیر قمی ۱۷۱/۲: «**أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ**»^۳ آیا ننگریسته‌اند که ما باران را

به سوی زمینِ بایر می‌رانیم؟؛ مقصود زمین خراب است، و این مثالی است که خدا در مورد

رجعت و قائم زده است، و چون رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای آنان از رجعت فرمودند، آنها گفتند:

مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^۴، اگر راست می‌گویید، این پیروزی چه وقت است؟»

برخی آیات آخرت در رجعت

تفسیر عیاشی ۳۰۶/۲ از ابوبصیر از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «**وَمَنْ كَانَ فِي**

هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَصْلُ سَبِيلًا»^۵ و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد، در آخرت [هم]

کور و گمراه‌تر خواهد بود؛ فرمودند: رجعت.»

رجعت، فریاد در آیه

تفسیر قمی ۳۲۷/۲ از جمیل روایت می‌کند: «امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد این آیه: **يَوْمَ يَسْمَعُونَ**

الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»^۶ روزی که فریاد به حق را می‌شنوند، آن [روز] روز بیرون آمدن [از

زمین] است، فرمودند: این رجعت است.»

۱. همان ۷/

۲. همان ۴-۳

۳. سوره‌ی سجده ۲۷/

۴. همان ۲۸/

۵. سوره‌ی اسراء ۷۲/

۶. سوره‌ی ق ۴۲/

برخی ناصبیان رجعت می‌کنند و از آنان انتقام گرفته می‌شود

دلائل الامامة / ۲۴۷ از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند تمامی آزار دهندگان مؤمنین در زمان خودشان را - با همان صورتی که داشتند - به میان آنها برمی‌گرداند، تا مؤمنان از آنها انتقام گیرند.»

تفسیر قمی ۶۵ / ۲ از معاویه بن عمار روایت می‌کند: «از امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه پرسیدم: وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً^۱ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگی خواهد داشت، ایشان فرمودند: به خدا اینان ناصبیان هستند، عرض کردم: فدایت شوم، ما اینان را می‌بینیم که در عمر طولانی خود در رفاه و راحتی زندگی می‌کنند تا بمیرند، فرمودند: به خدا که این امر در رجعت است...»

همان ۱۷۰ / ۲: «وَلَنَذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ^۲ و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب نزدیکتر [نیز] به آنان می‌چشانیم؛ عذاب نزدیکتر، عذاب رجعت و با شمشیر است.

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^۳، امید که آنها بازگردند؛ در رجعت باز می‌گردند تا عذاب شوند.»
مختصر البصائر / ۱۷ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «در مورد آیه‌ی: حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَاباً ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ^۴ تا وقتی که دری از عذاب دردناک بر آنان گشودیم، فرمودند: آن علی بن ابی طالب علیه السلام است، آن هنگام که در رجعت بازگردد.»

همان ۲۱ / از ابو بصیر روایت می‌کند: «حضور امام صادق علیه السلام رسیدم و عرضه داشتم: ما می‌گوییم که عمرو بن ذر نمی‌میرد تا آنکه با قائم آل محمد علیه السلام بجنگد.

فرمودند: مَثَلُ ابْنِ ذَرٍّ مَثَلُ مَرْدٍ اسْرَائِيلَ اسْتِ در بنی اسرائیل که او را عبد ربه می‌گفتند و یارانش را به گمراهی می‌خواند، و مرد. یارانش به قبر او پناه می‌آوردند و در کنار آن گفتگو می‌کردند که یکباره از قبر بیرون آمد و خاک از سر می‌رفت و به آنها چنین و چنان گفت.»

نگارنده: عمرو بن ذر همدانی داستان سرایی است که به ریش بلند شهرت داشته است. وی به بنی عباس تَقَرَّب می‌جست و برای لشکریان آنان داستان‌ها می‌گفت و آنان را بر قیام تحریک

۱. سوره‌ی طه / ۱۲۴

۲. سوره‌ی سجده / ۲۱

۳. سوره‌ی مؤمنون / ۷۷

می‌کرد.^۱ او به منصب قضاوت نیز نائل شد. ابن حجر در رِوَاة الآثار / ۱۴۴ او را ثقه (!) می‌شمارد، می‌نویسد: «عمرو بن ذر همدانی... صحیح عُمر است که فردی ثقه و مشهور بوده.»

ولیکن نزد ما مذموم است، رجال کشی ۲ / ۴۸۳ از ثویر روایت می‌کند که عمرو بن ذر، ابن قیس ماصرو صلت بن بهرام برای تحدی نزد امام باقر علیه السلام رفتند، و به گمان خود چهار هزار سؤال جمع آوری کرده‌اند تا امام علیه السلام را به چالش بکشند، اما چون حضور رسیدند هیچ نپرسیدند!

«امام باقر علیه السلام فرمودند: ای پسر ذر! آیا برای ما بعضی از احادیث ما را که به شما رسیده نمی‌گویی؟ وی گفت: آری، ای پسر رسول خدا! پیامبر فرمودند: من در میان شما دو امر گران را باقی می‌گذارم که یکی از دیگری بزرگتر است؛ کتاب خدا و اهل بیت، اگر بدین دو تمسک کنید هرگز به گمراهی نیفتید.

امام باقر علیه السلام فرمودند: پسر ذر! هنگامی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدار کنی و ایشان بفرمایند پس از من با ثقلین چه کردی، چه خواهی گفت؟ ابن ذر چنان گریست که می‌دیدم اشک‌ها بر ریشش جریان یافته است، و گفت: بزرگتر را که پاره کردیم و اصغرا کشتیم.

حضرت فرمودند: پسر ذر! با این حساب به ایشان راست می‌گویی، نه به خدا قسم روز قیامت گامی برداشته نمی‌شود تا آنکه خدا او را از سه امر پیرسد؛ عمر خود را در چه به پایان رسانده، مالش را از کجا به دست آورده و در چه راهی صرف نموده، و محبت ما اهل بیت. در این هنگام آنها برخاستند و خارج شدند.

امام علیه السلام به غلامی فرمودند: دنبال آنها برو و ببین چه می‌گویند، او هم چنین کرد و بازگشت و گفت: فدایت شوم، شنیدم که به ابن ذر می‌گفتند: ما برای این با تو آمدیم؟! و او گفت: وای بر شما! مردی است که می‌پندارد خدا از من از ولایت او خواهد پرسید، چگونه از کسی که از احکام خردی چون سفره و کوزه نیز آگاه است، پرسش کنم؟»

نتیجه آن است که عمرو بن ذر نه تنها داستان سرا، بلکه ناصبی کبیری بوده است و در رجعت بازمی‌گردد.

۱. تاریخ الاسلام ذهبی ۸ / ۴۰۵

رجعت

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

رجعت و تشبیه آن به احیای قوم موسی علیه السلام در میقات

المحکم والمتشابه / ۱۱۲ از تفسیر نعمانی از اسماعیل بن جابر روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام حدیثی طولانی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردند که در آن سؤالاتی از آیات و احکام قرآن آمده بود، امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بودند:

اما ردّ بر منکر رجعت این سخن خدای عزیز و جلیل است: وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ^۱، و آن روز که از هراقتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم، پس آنان نگاه داشته می‌شوند؛ یعنی به دنیا، ولی حشر آخرت این فرموده‌ی خدای عزوجل است: وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا^۲، و ما آنان را گرد می‌آوریم و هیچ یک را فروگذار نمی‌کنیم.

و سخن خدای سبحان: وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ^۳، و بر [مردم] شهری که آن را هلاک کرده‌ایم، بازگشتشان حرام است؛ در رجعت [بازگشت آنان حرام] است، اما در قیامت باز می‌گردند.

و نیز: وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ^۴؛ و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یارایش کنید؛ این امر تنها در رجعت به وقوع خواهد پیوست.

همچنین است خطاب خدا به امامان و وعده‌ی نصرت به ایشان، و انتقام از دشمنان‌شان، خدای سبحان می‌فرماید: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا^۵، خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته

۱. سوره‌ی نمل / ۸۳

۲. سوره‌ی کهف / ۴۷

۳. سوره‌ی انبیاء / ۹۵

۴. سوره‌ی آل عمران / ۸۱

۵. سوره‌ی نور / ۵۵

کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند؛ و این تنها زمانی واقع می‌شود که به دنیا بازگردند.

و نیز: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^۱، و خواستیم بر کسانی که در زمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم، و ایشان را وارثان قرار دهیم.

همچنین: إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ^۲، در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده‌گاه باز می‌گرداند؛ یعنی رجعت دنیا.

و نیز: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ^۳، آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: بمیرید، آنگاه آنان را زنده ساخت.

و سخن خدای عزوجل: وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا^۴، و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای ميعاد ما برگزید؛ خداوند تعالی آنها را پس از مردن به دنیا بازگرداند.

تفسیر قمی ۲ / ۷۵ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت می‌کند که فرمودند: «هر شهری که خدا اهل آن را به عذاب از میان برد، در رجعت باز نخواهند گشت.

علی بن ابراهیم قمی رحمته الله در ادامه می‌نگارد: این آیه [وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ] از بزرگ‌ترین دلایل رجعت است، چرا که هیچ مسلمانی منکر نیست که همه‌ی مردم - چه آنان که [به عذاب] هلاک شده‌اند و چه سایرین - در قیامت رجوع می‌کنند.

مقصود از عدم رجوع آنها هم در رجعت است، و گرنه در قیامت باز می‌گردند و داخل آتش می‌شوند.»

رجعت

۱. سوره قصص / ۵

۲. همان / ۸۵

۳. سوره بقره / ۲۴۳

۴. سوره اعراف / ۱۵۵

ابلیس ظاهر می شود و مؤمنان او را سنگباران می کنند

معانی الاخبار / ۱۳۹ از عبد العظیم بن عبد الله حسنی از امام هادی علیه السلام روایت می کند: «معنای رجیم آن است که او با لعنت رجم می شود، از مواضع خیررانده شده، و هر مؤمنی او را یاد کند لعنت می فرستد.

در علم سابق خداست که چون قائم خارج شود، در زمانش مؤمنی نخواهد ماند مگر آنکه ابلیس را با سنگ رجم کند، همانسان که پیشتر با لعنت رجم می شده است.»

سعد السعود / ۳۲ می نویسد: «فصلی در آنچه از صحیفه های ادریس علیه السلام می آوریم؛ این صحف را در نسخه ای قدیمی که شاید به دو یست سال پیش برگردد یافتیم، و در خزانه ی کتب حرم مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام یافتیم. اول و آخر آن از بین رفته و حدود هفت جزء آن باقی مانده است... در وصف مؤمنان می فرماید: ... آنان اولیای منند، پیامبری مصطفی و امینی مرتضی برایشان اختیار کردم، او را پیامبر و رسول آنان، و آنها را اولیاء و انصار او قرار دادم. آنان امامانی هستند که برای پیامبر مصطفی و امین مرتضای برگزیده ام، آن زمانی است که در علم غیب خویش پوشیده ام، و ناگزیر واقع خواهد شد تا در آن روز تو، سواران، پیادگان و تمامی سپاهیان را نابود کند، پس **بِرُفْأَتِكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ**، **إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ**،^۱ تا روز مهلت یافتگانی، تا روز وقت معلوم.»

روایت: قتل ابلیس و حزب وی به دست پیامبر صلی الله علیه و آله در رجعت

مختصر البصائر / ۲۶ از عبد الکریم بن عمرو خثعمی روایت می کند: «امام صادق علیه السلام فرمودند: ابلیس گفت: **أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ**،^۲ مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده، اما خداوند ابا کرد و فرمود: **فَأَنْتَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ**. **إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ**، تا روز مهلت یافتگانی، تا روز وقت معلوم.

پس چون روز وقت معلوم فرا رسد، ابلیس - که خدایش لعنت کند - در میان تمامی

۱. سوره ی ص / ۸۱ - ۸۰

۲. سوره ی اعراف / ۱۴

پیروانش از زمانی که خدا آدم را آفرید تا [همان] روز وقت معلوم ظاهر می شود، و این [همزمان با] آخرین رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

عرضه داشتم: چندین رجعت خواهد بود؟ فرمودند: آری، رجعت ها و رجعت ها، هیچ امامی در قرنی [از قرون] نیست جز آنکه نیکوکار و بدکار روزگارش با او باز می گردد، تا خدا مؤمن را بر کافر چیره گرداند.

هنگامی که روز وقت معلوم فرا رسد، امیرالمؤمنین علیه السلام در میان یاران رجعت می کنند و ابلیس به همراه اصحابش می آید. دیدار آنان در زمینی از زمین های فرات است که بدان روحاء گویند و به کوفه تان نزدیک است. نبرد سختی - که از زمانی که خدای عزیز و جلیل جهانیان را آفرید مانند آن رخ نداده است - میان آنان در خواهد گرفت. گویا یاران امیرالمؤمنین علیه السلام را می بینم که یکصد گام به عقب رفته اند، و قسمتی از پاهایشان در فرات قرار گرفته است. آن هنگام است که [عذاب خداوند] جبار عزوجل فرود می آید **فِي ظُلُلٍ مِنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَفُضِيَ الْأَمْرُ**، در سایبان هایی از ابر سپید و فرشتگان به سوی آنان بیایند و کار یکسره شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشاپیش ایشان است و دشنه ای از نور در دست دارد. ابلیس چون نگاهش برایشان افتد به عقب بازمی گردد، یارانش می گویند: حال که پیروز شده ای، آهنگ کجا داری؟ او می گوید: **إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ**... **إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ**،^۳ من چیزی را می بینم که شما نمی بینید... من از خدا، پروردگار جهانیان، می هراسم. پیامبر صلی الله علیه و آله بدو می رسد و ضربه ای بین دو کتف او می زند که موجب نابودی او و تمام پیروانش خواهد بود. آن هنگام خدای عزوجل عبادت شود و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهند.

امیرالمؤمنین علیه السلام چهل و چهار هزار سال حکومت کنند، تا جایی که برای مردی از شیعیان ایشان هزار فرزند پسر از صلبش به دنیا آید، هر سال یک پسر. آن هنگام است که به صورتی که خدا بخواهد، دو بهشتی که از شدت سبزی به سیاهی می زند، در کنار مسجد

۱. سوره ی بقره / ۲۱۰

۲. سوره ی انفال / ۴۸

۳. سوره ی حشر / ۱۶

کوفه و پیرامون آن آشکار شود.»

تفسیر قمی ۲/ ۲۴۵ روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام در مورد: **فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ**. إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، فرمودند: روز وقت معلوم، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بر صخره‌ای که در بیت المقدس است ذبح می‌کنند.»

روایت: قتل ابلیس به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۴۲ از وهب بن جمیع غلام اسحاق بن عمار روایت می‌کند: «از امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیات سؤال کردم: **قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ**. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ. إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، عرضه داشتم: فدایت گردم، این کدام روز است؟ فرمودند: ای وهب! آیا پندار تو این است که آن، روزی است که خدا مردم را مبعوث می‌فرماید؟ خداوند به او تا روزی که قائم ما را در آن برانگیزد مهلت داده است، پس چون قائم ما را برانگیخت، در مسجد کوفه حضور دارد که ابلیس می‌آید و مقابل ایشان بر دوزانو می‌نشیند و می‌گوید: ای وای بر من از این روز.

آنگاه ایشان موهای پیشانی او را گرفته گردنش را می‌زنند، و آن، روز وقت معلوم است.»
ینابیع المودة / ۴۲۴: «آن، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را می‌کشند، پس از قیام قائم ما مهدی علیه السلام.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عج

فصل سی و هشتم

امام عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در قرآن

برخی آیاتی که به حضرت مهدی
تفسیر شده است

آیات وعده‌ی الهی به نصب جانشین در زمین

فصول عدیده‌ای از کتاب دربردارنده‌ی آیاتی بود که در احادیث پیامبر و ائمه علیهم‌السلام و علمای تفسیر در مورد امام علیه‌السلام تفسیر شده است. در این فصل دیگر آیات مربوطه از نظر می‌گذرد که از اهمیت و عمق این اعتقاد در اسلام و قرآن حکایت می‌کند.

کافی ۱/ ۱۹۳ از عبد الله بن سنان روایت می‌کند: «از امام صادق علیه‌السلام در مورد این آیه پرسیدم: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ،^۱ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، فرمودند: آنان امامان علیهم‌السلام هستند.»

تأویل الآيات ۱/ ۳۶۸ همین روایت را اینگونه نقل می‌کند: «در مورد علی بن ابی طالب و امامان از فرزندانش علیهم‌السلام نازل شده است، و در مورد این قسمت: وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، فرمودند: مقصود از آن ظهور قائم علیه‌السلام است.»

غیبت نعمانی / ۲۴۰ روایت می‌کند: «امام صادق علیه‌السلام در مورد این آیه: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا، خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، فرمودند: درباره‌ی قائم و یارانش نازل شده است.»

همان / ۲۷۶ از یونس بن ظبیان از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند: «چون شب جمعه فرا رسد پروردگار تعالی فرشته‌ای را به پایین ترین آسمان فرو می‌فرستد. پس چون فجر طالع

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه‌السلام

شود، آن فرشته بر عرش بر فراز بیت معمور می نشیند، منبرهایی از نور برای محمد، علی، حسن و حسین (علیهم السلام) قرار داده می شود و آنان بر فراز آنها قرار می گیرند. فرشتگان، پیامبران و مؤمنین در حضور ایشان گرد می آیند و درهای آسمان گشوده می شود. هنگام زوال خورشید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرضه می دارد: پروردگار من! میعادت که در کتابت بدان وعده دادی، که این آیه است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا. فرشتگان و پیامبران نیز همین سخن را گویند. سپس محمد، علی، حسن و حسین به سجده می افتند و می گویند: پروردگارا! به خشم در آی که حريم توهتك، برگزیدگان کشته و بندگان صالحت ذلیل شدند.

پس خدا هر چه خواهد انجام دهد، و این روزی معلوم است.»

تفسیر قمی ۱/ ۱۴: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ درباره ی قائم آل محمد (علیه السلام) نازل شده است.»

همان ۲/ ۸۷ روایت می کند: «امام باقر (علیه السلام) در مورد این آیه: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ، همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند، فرمودند: این آیه - تا آخر آن - برای آل محمد (علیهم السلام) است، و خدا مشارق و مغارب زمین را تحت سلطه ی مهدی و یارانش در می آورد، و دین را آشکار می کند. خدا به وسیله ی او و یارانش بدعت ها و باطل را می میراند - همانسان که سفیهان حق را میراندند - تا جایی که اثری از ظلم به چشم نخورد.»

احتجاج ۱/ ۲۵۶ در حدیثی طولانی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کند: «... این ها همه برای آن است که مهلتی که خداوند تعالی به ابلیس فرموده تمام شود تا آن نوشته به پایان مدت خود رسد، وَيَحَقِّقُ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ،^۲ و گفتار [و عذاب خدا] درباره ی کافران محقق گردد، و وعد حقّی که در کتابش چنین بیان کرده نزدیک گردد: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

۱. سوره ی حج / ۴۱

۲. سوره ی یس / ۷۰

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام (علیه السلام)
منزلت امام (علیه السلام)
حکومت امام (علیه السلام)
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح (علیه السلام)
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام (علیه السلام)
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام (علیه السلام) در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

لَيْسَتْ خَلْقَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ.

این، هنگامی است که از اسلام تنها نام، و از قرآن تنها خطوط آن باقی ماند، و صاحب الامر با تحقق دلیل بر غیبت، غائب گردد، زیرا فتنه دل‌ها را در برگرفته است تا جایی که نزدیک‌ترین مردم به او دشمن‌ترین آنها نسبت به او باشد. آن هنگام است که خداوند او را با لشکریایی که نمی‌بینید یاری می‌رساند، و دین پیامبرش ﷺ را بردست او بر تمامی ادیان چیره می‌گرداند، گرچه مشرکان خوش نداشته باشند.»

غیبت شیخ طوسی / ۱۱۰ از اسحاق بن عبد الله بن علی بن الحسین: «قَوَّيْتُ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِفُونَ»^۱ پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همان گونه که خود شما سخن می‌گویید؛ قیام قائم آل محمد ﷺ [حق است]، و این آیه نیز در مورد او نازل شده: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ در شأن مهدی نازل شده است.»

بحار الانوار ۵۱ / ۶۴ می‌نگارد: «به خط شیخ محمد بن علی جباعی چنین یافتیم: به دست خط شیخ شهید ﷺ دیدم: صفوانی در کتاب خود از صفوان از امام صادق علیه السلام حدیثی را نقل می‌کند که در قسمتی از آن چنین آمده است: خدایا! آنچه را به ما وعده دادی به انجام رسان که تو خُلف وعده نمی‌کنی.

من عرض کردم: آقای من! وعده‌ی الهی در کجا آمده؟ فرمودند: فرمایش خدای عزوجل: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ.»

کفایة الاثر / ۵۶ از جابر بن عبد الله روایت می‌کند: «جندب بن جناده‌ی یهودی از خیر آمد و به رسول خدا ﷺ گفت: ای محمد! بگو خدا چه چیزی ندارد؟ چه چیزی نزد او نیست؟ و چه چیزی را نمی‌داند؟ ایشان فرمودند: آنچه که خدا ندارد شریک است، آنچه نزد او نیست ظلم بر بندگان است، و آنچه او نمی‌داند اعتقاد شما یهودیان است که عزیر را پسر خدا می‌دانید و حال آنکه او برای خود فرزندی نمی‌داند.

۱. سوره‌ی ذاریات / ۲۳

در این هنگام جندب گفت: شهادت می‌دهم که خدایی غیر از الله نیست و شما به حق رسول او هستید. دیشب در خواب موسی بن عمران علیه السلام را دیدم که به من فرمود: ای جندب! بردست محمد اسلام آرو به جانشینان پس از او متمسک باش. اسلام را خداوند روزی من کرد، حال درباره‌ی جانشینان خود برایم بگوئید تا بدان‌ها تمسک جویم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جندب! جانشینان من پس از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل هستند. جندب گفت: یا رسول الله! در تورات آمده که آنان دوازده تن بودند. ایشان فرمودند: آری، امامان بعد از من نیز دوازده نفرند. او گفت: ای رسول خدا! آیا همه در یک زمانند؟ فرمودند: نه، بلکه یکی پس از دیگری، و توتنها سه تن از آنان را درک خواهی نمود، جندب گفت: آنان را برایم نام برید، حضرت فرمودند: توسید اوصیاء، وارث پیامبران و پدر امامان علی بن ابی طالب، بعد از او پسرش حسن و پس از او هم حسین را درک خواهی کرد، پس بعد از من به آنها متمسک باش و نادانی جاهلان تو را فریب ندهد. هنگامی که ولادت پسر حسین، علی بن الحسین فرا رسد خداوند تو را از دنیا خواهد برد، و آخرین توشه‌ی تواز دنیا مقداری شیراست. او گفت: ای پیامبر خدا! در تورات چنین یافتم: الیا یقطو شبرا و شبیرا، لیکن اسامی آنها را نمی‌دانم، جانشینان پس از حسین چند نفرند و نامشان چیست؟ فرمودند: نه تن از نسل حسین که مهدی از آنهاست. هنگامی که مدت [امامت] حسین به پایان رسد، پسرش علی که زین العابدین لقب او ست عهده دار آن خواهد شد، با سپری شدن مدت او پسرش محمد که باقر خوانده می‌شود آن را بر عهده خواهد گرفت، با اتمام دوران او پسرش جعفر که صادق خوانده می‌شود، بعد از او پسرش موسی که کاظم گویند، چون مدت او به پایان رسد پسرش علی که رضا خوانده می‌شود، سپس پسرش محمد که زکی خوانده شود، آنگاه پسرا که علی نام دارد و نقی گفته می‌شود، بعد پسرا و حسن که امین خوانده می‌شود آن را عهده دار خواهند شد، سپس امام آنها غائب می‌گردد.

جندب گفت: یا رسول الله! حسن است که غیبت می‌کند؟ ایشان فرمودند: نه، بلکه پسر او حجت. گفت: نام او چیست؟ فرمودند: نامش برده نشود تا آنکه خدا او را آشکار سازد. جندب عرضه داشت: سخن از ایشان در تورات آمده است و موسی بن عمران ما را به شما

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و جانشینانی که پس از شما و از نسل شما هستند بشارت داده است، آنگاه رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت فرمودند: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا. جندب گفت: ای رسول خدا! بیم ایشان از چیست؟ فرمودند: ای جندب! در زمان هریک از ایشان سلطانی است که بر آنان غالب می شود و آنها را می آزارد، هنگامی که خداوند خروج قائم ما را سرعت بخشد، او زمین را همانسان که از ظلم و ستم پر شده از داد و عدل خواهد آکند، و در ادامه فرمودند: خوشا به حال شکیبایان در غیبت او، خوشا به حال پرهیزکارانی که در راه آنان هستند، خدا آنان را در کتابش چنین وصف کرده است: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ،^۱ کسانی که به غیب ایمان می آورند، و نیز فرموده: أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ،^۲ اینانند حزب خدا، آری، حزب خداست که رستگاراند.»

خصال ۲ / ۴۷۴ از عمرو بکائی از کعب الاحبار می آورد: «خلفا دوازده تن هستند. هنگامی که دوران آنان به پایان نزدیک شود و گروهی صالح بیایند، خداوند عمر آنها را طولانی خواهد گرداند، و خداوند امت را اینگونه وعده داده: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ.

با بنی اسرائیل نیز چنین کرده است، و دور نیست که این امت را در یک روز و یا نیم روز گرد آورد: وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ،^۳ و در حقیقت یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می شمردید.»

پیشتر نیز روایاتی در تفسیر این آیه در فصل یاران امام علیا و نیز رجعت گذشت. شایان ذکر است که جانشینی الهی در قرآن، مختص به پیامبر، امامان و برخی انبیاء علیهم السلام است، گرچه پیروان دستگاه خلافت آن را شامل تمامی حاکمان گرفته اند! صوفیان نیز پافرازانده تمامی مردم را مشمول آن دانسته اند!

و بحث پیرامون آن در کتاب الف سؤال و اشکال آمده است.

۱. سوره ی بقره / ۳

۲. سوره ی مجادله / ۲۲

۳. سوره ی حج / ۴۷

ضعیف شمرده شدگانی که خدا به آنها وعده‌ی توانایی داده است

غیبت شیخ طوسی / ۱۱۳ روایت می‌کند: «امیرالمؤمنین (ع) در مورد آیه‌ی: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَنُكِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ،^۱ و خواستیم بر کسانی که در زمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم، و ایشان را وارثان قرار دهیم. و در زمین قدرتشان دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم، فرمودند: اینان آل محمد هستند، خداوند مهدی آنان را پس از مشقت و رنج ایشان برمی‌انگیزد، پس او عزت ایشان را فراهم می‌آورد و دشمنشان را به ذلت می‌کشانند.»

نهج البلاغة ۱/ ۵۰۶ از آن حضرت نقل می‌کند: «دنیا بعد از رمیدن - بسان شتری که [دوشنده‌ی خود را] به خاطر شفقت بر فرزندش گاز می‌گیرد - با ما عطوفت خواهد کرد، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَنُكِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.»
دلائل الامامة / ۲۳۷ از سلمان روایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ به من فرمودند: خداوند متعال پیامبر یا رسولی را مبعوث نکرد مگر دوازده نقیب برای او قرار داد... آنگاه نقیبان دوازده گانه‌ی خویش را نام بردند و فرمودند: سپس پسر او محمد بن الحسن المهدی که امر خدا را برپا می‌دارد.

ای سلمان! این، تأویل این آیه است: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَنُكِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.
در این هنگام برخاستم و باکی نداشتم مرگ به دیدار من آید و یا من به دیدار او روم.»
معانی الاخبار / ۷۹ از مفضل بن عمر نقل می‌کند: «از امام صادق (ع) شنیدم که فرمودند: رسول خدا ﷺ به علی، حسن و حسین (ع) نگریسته گریستند و فرمودند: شما را پس از من ضعیف می‌شمارند.

عرضه داشتیم: ای پسر پیامبر! معنای این فرموده چیست؟ فرمودند: یعنی شما امامان پس از من هستید، خدای عزیز و جلیل می فرماید: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. این آیه تا روز قیامت در مورد ما جریان دارد.»

البرهان ۳ / ۲۲۰ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل می کند: «فرعون و هامان در اینجا دوتن از جباران قریش هستند که خدای تعالی به هنگام قیام قائم از آل محمد علیهما السلام در آخر الزمان آنان را زنده می گرداند و به خاطر کرده هایشان از آنان انتقام خواهد گرفت.»
پیش از این نیز در فصل یاران، تفسیر آیات پیرامون به ارث گزاردن زمین برای صالحان، و نیز در فصل ولادت و رجعت روایاتی مربوط با همین موضوع گذشت.

آیات وعده‌ی الهی به غلبه‌ی دین و اتمام نور

کافی ۱ / ۴۳۲ از محمد بن فضیل روایت می کند: «از امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردم: يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ^۱ می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ایشان فرمودند: می خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با دهان خود خاموش کنند.

عرض کردم: وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ، و حال آنکه خدا نور خود را کامل خواهد گردانید، فرمودند: و خداوند امامت را به نهایت خواهد رسانید، دلیل این مطلب فرموده‌ی خدای عزیز و جلیل است: فَأَمِّنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا^۲، پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید؛ پس نور امام است.

عرضه داشتیم: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ^۳، اوست کسی که فرستاده‌ی خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، فرمودند: اوست که رسولش را به ولایت و وصیش فرمان داد، و ولایت آیین درست است.

گفتم: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، فرمودند: آن را هنگام قیام قائم بر تمامی ادیان فائق خواهد گرداند. خداوند می فرماید: مُتِمُّ نُورِهِ، نور خود را کامل

۱. سوره‌ی صف / ۸

۲. سوره‌ی تغابن / ۸

۳. سوره‌ی توبه / ۳۳

خواهد گردانید؛ [نور] ولایت قائم است، وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، گر چه کافران را ناخوش افتد؛ [یعنی کافران] به ولایت علی علیه السلام ...»

تفسیرقمی ۳۶۵ / ۲: «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ؛ به وسیله ی قائم از آل محمد علیهم السلام [نور خود را کامل خواهد گرداند]. آن هنگام که خروج کند خداوند او را بر تمام ادیان فائق می گرداند تا آنکه جز خدا پرستش نشود، و این همان فرمایش است: زمین را از عدل و داد می آکند، انسان که از ستم و جور پر شده است.»

همان ۳۷۲ / ۲: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ او امامی است که خدا بر تمام ادیان او را غالب می گرداند، پس زمین را از داد و عدل پر می کند، همانگونه که از بیداد و ظلم آکنده شده است، و این از همان قسمی است که گفتیم تأویل آن بعد از نزول آن است.»

کمال الدین ۶۷۰ / ۲ روایت می کند: «امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فرمودند: به خدا قسم تأویل آن هنوز نازل نشده است، و نازل نمی شود تا آنکه قائم علیه السلام خارج گردد. پس چون خروج کند هیچ کسی که به خدای عظیم کافر باشد یا برای امام شریک قرار دهد نمی ماند، مگر آنکه خروج او را ناخوش می دارد. حتی اگر کافریا مشرکی درون صخره ای باشد آن صخره ندا کند: ای مؤمن! درون من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل رسان.»

مجمع البیان ۶۴ / ۹ می نگارد: «عیاشی با سند خود از عمران بن میثم از عبایه نقل می کند: امیرالمؤمنین علیه السلام این آیه را تلاوت کردند: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، و فرمودند: آیا آن [دین حق] غالب شده است؟ مردم جواب دادند: آری، ایشان فرمودند: نه، قسم به آنکه جانم به دست اوست [واقع نمی شود] تا آنکه هیچ منطقه ای باقی نماند، مگر آنکه در آن صبح و شام گواهی به لا اله الا الله ندا شود.»

البته این روایت در تفسیر عیاشی رحمه الله که به طور ناقص به دست ما رسیده موجود نمی باشد. تهذیب الاحکام ۱۵۴ / ۶ از محمد بن مسلم روایت می کند: «از امام باقر علیه السلام سؤال کردم که چون قائم قیام کند براساس کدامین سیره و روش رفتار خواهد نمود؟ فرمودند: به سیره ی

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

رسول خدا ﷺ تا آنکه اسلام فائق آید.

عرض کردم: سیره‌ی پیامبر ﷺ چگونه بود؟ فرمودند: بر آنچه در جاهلیت بود خط بطلان کشید و با عدل به سوی مردم آمد، قائم علیه نیز چنین است، چون قیام کند آنچه را که مردم در زمان آتش بس [میان مؤمنان و دشمنانشان] دارند ابطال می‌کند و با عدل سوی آنان می‌آید.»

اما در منابع سنیان:

صحیح مسلم ۴ / ۲۲۳۰ از عایشه از رسول خدا ﷺ: «شب و روز به پایان نمی‌رسد تا آنکه لات و عزی پرستش شوند! گفتم: ای رسول خدا! گمان می‌کردم که چون خدا این آیه را فرستاد: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، اسلام غالب شد!

ایشان فرمودند: آنچه خدا از این [غلبه] بخواهد در آینده واقع خواهد شد، سپس باد پاکی را می‌فرستد و هر که را در دل به اندازهِ ذره‌ای خردلی ایمان دارد از دنیا می‌برد، و کسانی که هیچ خیری در آنها نیست باقی می‌مانند و به دین پدران‌شان باز می‌گردند.^۱

تفسیر طبری ۱۰ / ۸۲ از ابوهریره: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ هنگامی که عیسی بن مریم خروج کند.»^۲

سنن بیهقی ۹ / ۱۸۰ از مجاهد: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ هنگامی که عیسی بن مریم فرود آید، تنها اسلام است که در زمین خواهد بود.»

البیان گنجی ۲۸ / ۵ از سعید بن جبیر: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او مهدی از عترت فاطمه است.

البته منافاتی با قول کسی که آن را به عیسی مربوط می‌داند ندارد، زیرا او یاور امام است همانگونه که گذشت.»

تفسیر رازی ۱۶ / ۴۰: «از ابوهریره نقل شده: این وعده‌ای الهی است به اینکه خدای متعال

۱. المستدرک ۴ / ۴۴۶ - وی آن را بنا بر شرط مسلم صحیح می‌شمارد، -، بغوی ۳ / ۵۱۹ - صحیح می‌داند، -، جامع

الاصول ۱۱ / ۸۴ و المصنف عبدالرزاق ۱۱ / ۳۸۱

۲. سنن بیهقی ۹ / ۱۸۰ از جابر بن عبد الله و الدر المنثور ۳ / ۲۴۱

اسلام را بر تمامی ادیان برتری می دهد.

راوی در ادامه گوید: این امر زمانی کامل می شود که عیسی بن مریم خروج کند. سدی گوید: آن، هنگامی است که مهدی خروج کند، و احدی باقی نماند جز آنکه به اسلام بگردد یا آنکه مالیات دهد.»

نگارنده: این آیه وعده ی خدا به فائق گردانیدن دینش بر تمامی ادیان است، و این امر تنها بر دستان حضرت مهدی عجّه اللّه تعالی است که محقق می شود، اما مسیح علیه السلام وزیر است نه امیر. عالمان دستگاه حاکم، از تفسیر آن به امام مهدی علیه السلام می هراسیدند، لذا به سراغ حضرت عیسی علیه السلام رفتند!

آیات امر به نبرد تا آنکه فتنه ای نباشد

کافی ۲۰۱/۸ از محمد بن مسلم نقل می کند: «از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه پرسش کردم: وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ،^۱ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد، و دین مخصوص خدا شود، فرمودند: تأویل این آیه هنوز فرا نرسیده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر نیاز خود و یارانش، به آنان [اهل کتاب با قبول جزیه، مشرکین با قبول فدیّه و منافقین با پذیرش اسلام ظاهری با وجود علم به نفاق^۲] اجازه [ی زندگی] داد، و اگر تأویل آن واقع شده بود ایشان قبول نمی کرد. لکن آنان کشته می شوند تا آنکه خدای عزوجل توحید شود و شرکی نباشد.»

تفسیر عیاشی ۵۶/۲ از زراره از امام صادق علیه السلام می آورد: «از پدرم درباره ی این آیه سؤال شد: قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً^۳، حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ، همگی با مشرکان بجنگید، چنان که آنان همگی با شما می جنگند، تا دیگر فتنه ای نباشد، و دین مخصوص خدا شود، فرمودند: تأویل این آیه هنوز نیامده است، چون قائم ما قیام کند کسانی که او را درمی یابند تأویل این آیه را خواهند دید، و دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله تا بدانجا که شب

۱. سوره ی انفال ۳۹/

۲. رک به مرآة العقول ۲۶/ ۱۱۱ م

۳. سوره ی توبه ۳۶/

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجّه اللّه تعالی

منزلت امام عجّه اللّه تعالی

حکومت امام عجّه اللّه تعالی

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجّه اللّه تعالی

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجّه اللّه تعالی در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌رسد خواهد رسید، تا شرکی بر زمین نباشد همانسان که خدا فرموده است. «
الهدایة الکبریٰ / ۷۴ از مفضل بن عمر نقل می‌کند: «به مولایم امام صادق علیه السلام گفتم: لِيُظْهِرَهُ
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر تمام ادیان غلبه نیافت، فرمودند: ای مفضل! اگر چنین
بود، مجوسیت، نصرانیت، یهودیت، صابئه و هیچ فرقه ای نمی بود، و هیچ گونه مخالفت،
شک، شرک، پرستشگران بت ها، لات، عزی، پرستشگران خورشید، ماه، ستارگان، آتش و
سنگ وجود نداشتند، این آیه: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، در این روز خواهد بود، و این مهدی و این
رجعت است، و همان فرمایش خداست: وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ.»

پایان یافتن جنگ ها تنها بر دست حضرت مهدی علیه السلام

خصال ۲ / ۵۷۲ از مکحول از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند: «به خاطر سپارندگان از یاران
پیامبر محمد صلی الله علیه و آله می‌دانند که در میان آنان کسی نیست که منقبتی داشته باشد جز آنکه
من نیز با او شریک هستم و بر او برتری دارم، و من هفتاد منقبت دارم که احدی از آنها با من
در آن شراکت ندارد.

من گفتم: یا امیرالمؤمنین! آنها را برایم بیان بفرمایید، فرمودند: ... اما پنجاه و سوم؛
خداوند تبارک و تعالی دنیا را به پایان نمی‌رساند تا آنکه قائم از ما قیام کند، دشمنان ما را
می‌کشد، جزیه نمی‌پذیرد، صلیب و صنم را درهم می‌شکند، جنگ پایان می‌پذیرد، برای
دریافت مال فراخوان می‌دهد، و آن را به تساوی قسمت می‌کند، و در میان رعیت به عدالت
رفتار می‌نماید.»

نگارنده: در فصل: (ثابت قدمان تا ظهور امام مهدی علیه السلام)، احادیثی در تفسیر آیه ی: حَتَّى تَضَعَ
الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا، تا در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته شود [و به پایان رسد]، گذشت، که در روایات
سنی به نزول مسیح علیه السلام و خروج دجال تفسیر شده است.

کافی ۵ / ۱۰ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «شخصی از دوستان ما از پدرم علیه السلام در مورد
جنگ های امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد، ایشان فرمودند: خدا محمد صلی الله علیه و آله را با پنج شمشیر

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابداً

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فرستاد، سه شمشیر آخته است و تا زمانی که جنگ [ها] پایان یابد در غلاف نخواهد شد، جنگ [ها] هم پایان نمی‌گیرد تا آنکه خورشید از مغرب طلوع کند، پس چون خورشید از مغرب سر بر آورد همه‌ی مردم آن روز ایمان می‌آورند، ولی در آن روز لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد.

یک شمشیر پیچیده است و یکی هم در غلاف قرار دارد، بیرون کشیدن آن توسط غیر ماست و حکم آن به ما رجوع دارد [و مربوط می‌شود]...»

تنها در عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه کافران از دین مسلمین مأیوس می‌شوند

تفسیر عیاشی ۱/ ۲۹۲ از جابر روایت می‌کند: «امام باقر عجل الله تعالی فرجه در مورد این آیه: الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْا^۱، امروز کسانی که کافر شده‌اند، از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند، پس، از ایشان نترسید و از من بترسید، فرمودند: روزی که قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند بنی‌امیه نومید شوند، پس آنان کسانی هستند که کافر شده‌اند، از آل محمد عجل الله تعالی فرجه نومید شده‌اند.»

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از غیب موعود

کمال الدین ۲/ ۳۴۰ از داود بن کثیر رقی نقل می‌کند: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی این آیه: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ، آنان که به غیب ایمان می‌آورند، فرمودند: [یعنی] کسی که اقرار می‌کند قیام قائم حق است.»

تأویل الآيات ۱/ ۳۱ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «ألم، و هر حرف بریده در قرآن، از حروف اسم اعظم خداست، و رسول و امام آنها را به هم می‌پیوندند و بدان دعا می‌کنند و اجابت می‌شوند.

۱. سوره‌ی انعام / ۱۵۸

۲. سوره‌ی مائده / ۳

۳. سوره‌ی بقره / ۳

عرضه داشت: **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ**، آن کتابی است که در آن هیچ تردیدی نیست [، به چه معناست]؟ فرمودند: کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که هیچ شکّی نیست ایشان امام هدی علیه السلام، [امام] هدایت برای پرهیزکاران است.

پس این دو آیه برای شیعیان ماست، آنهایند که پرهیزکارند و به غیب ایمان دارند، و غیب، برانگیختن، زنده شدن، قیام قائم و رجعت است. **وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ**، و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند؛ از قرآنی که به ایشان آموخته ایم تلاوت می کنند.

کمال الدین ۲/ ۳۴۰ از یحیی بن ابوالقاسم نقل می کند: «از امام صادق علیه السلام درباره ی این آیات سؤال کردم: **أَلَمْ. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ**، ایشان فرمودند: پرهیزکاران شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب حجت غائب.

گواه این مطلب فرموده ی خدای عزوجل است: **وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ**،^۳ و می گویند: چرا نشانه ای از جانب پروردگار بر او نازل نمی شود؟ بگو: غیب فقط به خدا اختصاص دارد، پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم.^۴

آیاتی که براستواری و مرزبانی اعتقادی تشویق می کند

غیبت نعمانی / ۲۷ و ۱۹۹ از برید بن معاویه عجلی روایت می کند: «امام باقر علیه السلام در مورد این آیه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا**،^۵ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید، فرمودند: برانجام فرائض شکیبایی نمایید، در مقابل دشمنان

۱. همان / ۲

۲. همان / ۳

۳. سوره ی یونس / ۲۰

۴. بعید نیست عبارت گواه این مطلب به بعد، کلام شیخ صدوق رحمه الله در توضیح روایت باشد. ایشان همین حدیث را در کمال الدین ۱/ ۱۷ می آورند و پس از عبارت ذیل می نگارند: خداوند عزوجل در این آیه، نشانه را غیب عنوان کرده و غیب هم حجت است و شاهد صدق این مطلب سخن خداست: **وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً**، و پسرمریم و مادرش را نشانه ای گردانیدیم (سوره ی مؤمنون / ۵۰) یعنی حجت قرار دادیم.

۵. سوره ی آل عمران / ۲۰۰

ایستادگی کنید، و بر [ولایت] امام منتظران استوار مانید.»

تفسیر عیاشی ۱/ ۲۱۲ از یعقوب سراج نقل می‌کند: «خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا زمین یک روز بدون دانشمندی از شما که مردم به سراغ او آیند، باقی خواهد ماند؟ فرمودند: ای ابویوسف! اگر چنین شود خدا پرستش نخواهد شد، زمین از دانشمندی از ما خالی نخواهد بود، [دانشمندی که] ظاهر است و مردم در حلال و حرام خود به سراغش می‌آیند، و این امر در کتاب خدا آشکار است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا**؛ بر دینتان، و صابروا؛ در مقابل دشمن و مخالفتان، و رابطوا؛ بر امامتان، و اتقوا الله؛ نسبت به آنچه به شما فرمان داده و بر شما واجب گردانیده است.»

نگارنده: وجود امام به طور مسلم ضروری است، حال یا ظاهر و مشهور است و یا هراسان و پنهان، امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه ۴/ ۳۷ می‌فرماید: «زمین از کسی که حجت خدا را به پا دارد خالی نخواهد بود - که یا ظاهر و مشهور است و یا هراسان و پنهان -، تا حجت‌ها و براهین خداوند از میان نرود.»

از این رو یا قسمتی از این روایت افتاده و یا آنکه راوی تنها قسمتی از آن را روایت کرده است. کافی ۱/ ۲۰ از محمد بن مسلم نقل می‌کند: «از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردم: **الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا**،^۱ کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، فرمودند: بر امامان یکی پس از دیگری ایستادگی کردند، **تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ**، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند:] هان! نهراسید و غمگین نباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.»

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه یکی از صاحبان امر

کمال الدین ۱/ ۲۲۲ از ابوبصیر روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام در مورد آیه ی: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**،^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و

۱. سوره ی فصلت ۳۰/

۲. سوره ی نساء ۵۹/

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید، فرمودند: امامان از فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام، تا آنکه قیامت برپا شود.»

تفسیر عیاشی ۱/ ۲۵۱ از ابان می آورد: «نزد امام رضا علیه السلام رفتیم و از این آیه پرسیدیم: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**، ایشان فرمودند: آن علی بن ابی طالب علیه السلام است و سکوت اختیار کردند، چون سکوت ایشان طولانی شد عرضه داشتیم: بعد از ایشان چه کسی؟ فرمودند: حسن و ساکت شدند، با طولانی شدن سکوت دوباره عرض کردم: پس از ایشان؟ فرمودند: حسین، گفتم: سپس؟ فرمودند: علی بن الحسین و ساکت شدند، ایشان پس از هرامامی سکوت می کردند تا آنکه من سؤال را تکرار کنم و پاسخ می دادند، و تا آخر آنها را نام بردند.»

کافی ۱/ ۴۲۶ از حسین بن نعیم صحاف: «از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسیدیم: **وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ**،^۱ و خدا را فرمان برید و پیامبر را اطاعت نمایید، و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیامرسانی آشکار است، ایشان فرمودند: به خدا کسانی که پیش از شما بودند هلاک نشدند، و تا قیام قائم ما هلاک نمی شوند مگر به خاطر ترک ولایت ما و انکار حق ما، رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا نرفتند مگر پس از آنکه حق ما را برگردن این امت لازم داشتند، و خداوند هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می نماید.»

تفسیر عیاشی ۱/ ۲۴۶ از برید بن معاویه: «خدمت امام باقر علیه السلام بودم و در مورد این آیه سؤال کردم: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**، ایشان در پاسخ فرمودند: **الْمُتَرَلِّينَ الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحَبِطِ وَالطَّاعُوتِ**، آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته اند ندیده ای؟ که به جبت و طاغوت ایمان دارند؛ فلان و فلان، **وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا**،^۲ و درباره ی کسانی که کفر ورزیده اند می گویند: اینان از کسانی که ایمان آورده اند راه یافته ترند؛ پیشوایان گمراه و دعوتگران به سوی آتش می گویند: اینان از خاندان محمد و اولیای آنان ره یافته ترند. **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ**

۱. سوره ی تغابن / ۱۲

۲. سوره ی نساء / ۵۱

پیدشویان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
 منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

نَصِيرًا. أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ، اینانند که خدا لعنتشان کرده، و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یابوری نخواهی یافت. آیا آنان نصیبی از حکومت دارند؟؛ مقصود امامت و خلافت است، فَأَيُّهَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَصِيرًا،^۱ [اگر نصیبی هم داشتند،] به قدر نقطه‌ی پشت هسته‌ی خرمایی [چیزی] به مردم نمی‌دادند؛ ما مردمی هستیم که خدا قصد کرده است، و نقیر نقطه‌ایست که در وسط هسته می‌بینی.

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ، بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند؛ ماییم کسانی که به خاطر امامتی که خدا به ما داده - و نه تمام خلق - بر ما رشک می‌ورزند، فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا،^۲ در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم؛ می‌فرماید: پس ما از آنان رسولان، انبیاء و امامان قرار دادیم، حال چرا اینان این امور را درباره‌ی آل ابراهیم می‌پذیرند ولی در مورد آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام نمی‌پذیرند؟!

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا،^۳ پس برخی از آنان به وی ایمان آوردند، و برخی از ایشان از او روی برتافتند، و [برای آنان] دوزخ پرشراره بس است. به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده‌اند، در آتشی [سوزان] درآوریم که هر چه پوستشان بریان گردد، پوستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند. آری، خداوند توانای حکیم است. و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درآوریم. برای همیشه در آن جاودانند، و در آنجا همسرانی پاکیزه دارند، و آنان را در سایه‌ای پایدار درآوریم.

عرض کردم: اینکه خدا درباره‌ی آل ابراهیم فرمود: وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا، این ملک عظیم چیست؟ فرمودند: آن است که از آنها امامانی قرار داد که هر که از ایشان اطاعت کند، از خدا

۱. همان ۵۳-۵۲

۲. همان ۵۴

۳. همان ۵۷-۵۵

اطاعت کرده است، و هرآنکه عصیان‌شان کند خدا را نافرمانی کرده است، پس این ملک عظیم است.

سپس فرمودند: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً،^۱ خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آنها بازگردانید، و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد، خدا شنوای بیناست؛ ما را قصد کرده است که نخستین [و امام پیشین] از ما به امام بعد از خود، کتب، دانش و سلاح را بسپارد.

وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ [به عدلی] که در اختیار دارید، سپس به مردم فرمود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ پس تمامی مؤمنان را تا روز قیامت گرد آورد [و مخاطب قرار داد و فرمود]: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ تنها ما را قصد کرده است.

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا، پس هرگاه در امری اختلاف نظر داشتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام‌تر است.

پس اگر هراسیدید در امر به اختلاف در آید، به خدا، رسول و اولیای امر خود رجوع کنید... چگونه ممکن است خدا به آنان فرمان دهد از اولی الامر اطاعت کنند، ولی اجازه دهد با آنان نزاع نمایند؟ این سخن خطاب به کسانی است که امر [به اطاعت از خدا و رسول و اولیای امر] شدند و به آنان گفته شد: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

اهل بیت علیهم‌السلام صدیقانی که خدا به آنان نعمت داده است

تفسیر فرات / ۳۰ از اصبع بن نباته در حدیثی طولانی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت می‌کند: «برترین شهیدان حمزه پسر عبدالمطلب، جعفر بن ابی طالب - همو که دو بال دارد و با فرشتگان پرواز می‌کند، و احدی از آدمیان در بهشت به چنین زینتی نیازآسته، و امری است که خدا

او را بدان شرف بخشیده - دوسبط [یعنی] حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت، همانان که از من به دنیا آمده‌اند، و مهدی که خدا کسی از ما اهل بیت را که بخواهد قرارش می‌دهد، هستند، سپس سه بار فرمودند: مسرور باشید، وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا. ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا^۱ و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره‌ی کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگاند و آنان چه نیکو همدمانی هستند. این تفضّل از جانب خداست، و خدا بس داناست.»

همان / ۳۵ مشابه این مضمون را از اصبح روایت می‌کند: «... هنگامی که خدا اولین و آخرین را گرد آورد، برترین‌های آنها هفت تن از ما بنی عبد المطلب هستند؛ پیامبران گرامی‌ترین مخلوقات نزد خداوند و پیامبر ما گرامی‌ترین پیامبران، سپس اوصیاء برترین امم پس از انبیاء هستند و وصی او برترین اوصیاست، پس از آنان شهیدان افضل امم پس از انبیاء و اوصیاء هستند، و حمزه سید شهیدان است و جعفر صاحب دو بال است که با فرشتگان پرواز می‌کند...»

کافی ۱ / ۴۵۰ از همورایتی مشابه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام را در روزی که بصره را فتح کرد دیدم که براستر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته و می‌فرماید: ای مردم! آیا شما را از بهترین خلق روزی که خدا آنان را گرد آورد آگاه نسازم...»

أَمْرٌ مِّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ

تأویل الآیات ۱ / ۴۰۳ از محمد بن مسلم روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدا: أَمْرٌ مِّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ^۲ یا [کیست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند؟ فرمودند: این آیه در مورد قائم علیه السلام فرود آمد، هنگامی که خروج کند عمامه بر سر گذارده، در کنار مقام نماز به جای می‌آورد و به تضرّع نزد پروردگارش می‌پردازد،

۱. همان ۷۰ / ۶۹ -

۲. سوره‌ی نمل / ۶۲

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

پس بیرقی که به او تعلّق دارد شکست نخواهد خورد.»

تفسیر قمی ۱۲۹/۲ از صالح بن عقبه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «این آیه در شأن قائم از آل محمد علیهم السلام نازل شد، به خدا او مضطّر است، هنگامی که در مقام دو رکعت نماز بگزارد و خدا را بخواند اجابتش کند، گرفتاری را برطرف می‌کند و او را به خلافت در زمین می‌گمارد.»

تأویل الآيات ۴۰۲/۱ از ابراهیم بن عبد الحمید از آن حضرت روایت می‌کند: «قائم چون خروج کند وارد مسجد الحرام می‌شود، رو به کعبه و پشت به مقام می‌دهد و دو رکعت نماز می‌گزارد. آنگاه می‌ایستد و می‌فرماید: ای مردم! من نزدیکترین مردم به آدم هستم، ای مردم! من نزدیکترین مردم به ابراهیم، ای مردم! من نزدیکترین مردمان به اسماعیل، ای مردم! من نزدیکترین مردم به محمد صلی الله علیه و آله هستم، سپس دودست را به سمت آسمان بالا می‌برد، دعا و تضرّع می‌کند تا آنکه به رومی افتد، و این سخن خدای عزوجل است: **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ**، یا [کیست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند، و گرفتاری را برطرف می‌گرداند، و شما را جانشینان زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می‌پذیرید.»

روز فتح موعود و قائم عجل الله تعالی فرجه

تأویل الآيات ۴۴۵/۲ از ابن دراج نقل می‌کند: «امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: **قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ**،^۱ بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند، فرمودند: روز پیروزی، روزی است که دنیا برای قائم فتح شود، و [دیگر] تقرّب با ایمان به هیچ کسی که پیش از آن ایمان و به این پیروزی یقین نداشته سودی نمی‌بخشد.

چنین کسی [که ایمان و یقین داشته] ایمانش برایش سودمند است و قدر و منزلتش نزد خدا بالا می‌رود، در روز بعث بهشت هایش برای او آراسته می‌گردد، و آتش هایش از او پوشیده می‌شود، و این پاداش موالیان امیرالمؤمنین و دودمان پاک ایشان علیهم السلام است.»

۱. سوره ی سجده ۲۹/

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

کمال الدین ۱/ ۱۸ و ۳۰ از علی بن رئاب روایت می‌کند: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه در مورد این آیه: **يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ**،^۱ روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت بیاید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد، فرمودند: نشانه‌ها ائمه هستند، و نشانه‌ای که انتظارش را می‌کشند قائم عجل الله تعالی فرجه است. آن روز است که ایمان کسی که پیش از قیام ایشان به شمشیر، ایمان نیاورده، بدو سودی نمی‌بخشد، گرچه به پدران ایشان عجل الله تعالی فرجه ایمان آورده باشد.»

تفسیرقمی ۲/ ۳۶۶: «وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ»^۲ و دیگر که آن را دوست دارید: یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست؛ مقصود در دنیا به وسیله‌ی فتح قائم عجل الله تعالی فرجه است.» و دیگر روایات در این باره در فصل گروه استوار گذشت.

روز قائم عجل الله تعالی فرجه، تأویل قرآن فرامی‌رسد

تفسیرقمی ۱/ ۲۳۵: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ»^۳ آیا [آنان] جز در انتظار تأویل آنند؟ روزی که تأویلش فرا رسد؛ از آیاتی است که تأویل آن بعد از نزول آن خواهد بود، فرمود: این درباره‌ی قائم عجل الله تعالی فرجه و روز قیامت است.»

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا

دلائل الامامة / ۲۵۰ از فضل بن عمر نقل می‌کند: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه فرمودند: در مورد بنی فلان [عباس] سه آیه نازل شد؛ سخن خدای عزوجل: **حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا**، تا آنگاه که زمین پیرایه‌ی خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که بر آن قدرت دارند، شبی یا روزی فرمان [عذاب] ما آمد؛ مقصود [از فرمان] قائم با شمشیر است.

۱. سوره‌ی انعام / ۱۵۸

۲. سوره‌ی صف / ۱۳

۳. سوره‌ی اعراف / ۵۳

فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنَّ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ^۱، و آن را چنان درویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است.

و نیز این فرموده‌ی او که عزیز و جلیل است: فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرُّوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَعَثَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ. فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۲، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم، و یکباره نومید شدند. پس ریشه‌ی آن گروهی که ستم کردند برکنده شد، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است، حضرت فرمودند: [با] شمشیر. و نیز این گفتار: فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ. لَا تَرَكَضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ^۳، پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. نگریزید و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و [به سوی] سراهایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید؛ مقصود آن است که قائم، از بنی فلان درباره‌ی گنج‌های بنی امیه سؤال می‌کند.»

خداوند از پیامبران عليه السلام در اقرار به مهدی عليه السلام میثاق گرفته است

بصائر الدرجات / ۷۰ و ۷۱ از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند: «... آنگاه از پیامبران میثاق گرفت و فرمود: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ، آیا پروردگار شما نیستم؟ سپس فرمود: و این محمد رسول الله و این علی امیرالمؤمنین؟ قَالُوا بَلَى، گفتند: چرا؛ لذا به مقام نبوت رسیدند.

خداوند از اولوالعزم میثاق گرفت [و فرمود]: بدانید! من پروردگارتان هستم، محمد رسول من، علی امیرالمؤمنین و جانشینان پس از او عهده‌داران امر [امامت] من و خزانه داران دانش منند. به مهدی دینم را یاری و دولتم را آشکار خواهم ساخت، از دشمنانم انتقام خواهم گرفت، و - چه به رغبت و چه به کراهت - عبادت خواهم شد، آنان گفتند: پروردگارا! اقرار کردیم و گواهی دادیم...»

۱. سوره‌ی یونس / ۲۴

۲. سوره‌ی انعام / ۴۵ - ۴۴

۳. سوره‌ی انبیاء عليه السلام / ۱۳ - ۱۲

۴. سوره‌ی اعراف / ۱۷۲

خداوند به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام خبر از حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می دهد

تأویل الآیات ۴۹۶/۲ از ابو بصیر یحیی بن ابوالقاسم روایت می کند: «جابر بن یزید جعفری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره ی تفسیر این آیه سؤال کرد: **وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ**، 'و بی گمان ابراهیم از شیعیان اوست، ایشان فرمودند: خداوند سبحان هنگامی که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را آفرید، پرده از دیدگانش برداشت، او هم نگریست و در کنار عرش نوری را مشاهده نمود، عرضه داشت: خدای من! این نور چیست؟ ندا شد: این نور محمد برگزیده ی من از خلق است. نوری در کنار آن مشاهده کرد و درباره ی آن پرسید، گفته شد: این نور علی بن ابی طالب یاور دین من است.

در کنار آنان سه نور دیگر دید و چون پرسید ندا آمد: این نور فاطمه است، دوستانش را از آتش بریدم، و نور دو فرزندش حسن و حسین.

نه نور دیگر برگرد آنها مشاهده نمود و عرضه داشت: خدای من! این نورهای نه گانه چیست؟ گفته شد: ای ابراهیم! اینان امامان از نسل علی و فاطمه هستند.

ابراهیم صدا زد: خدایا! به حق آن پنج نفر، این نه تن را برای من معرفی کن، ندا آمد: ای ابراهیم! نخستین آنها علی بن الحسین است، و پسرش محمد، پسر او جعفر، پسر او موسی، پسرش علی، پسرش محمد، پسر او علی، پسرش حسن و حجت قائم پسر او.

ابراهیم گفت: خدا و آقای من! انواری را می بینم که برگرد آنها حلقه زده اند و کسی جز تو شماره ی آنان را نمی داند، ندا آمد: ای ابراهیم! اینان شیعیان آنهایند، شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب.

عرضه داشت: شیعیان آنها با چه چیزی شناخته می شوند؟ فرمود: به نماز پنجاه و یک رکعت، بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، قنوت پیش از رکوع و انگشتر به دست راست کردن، در این هنگام ابراهیم صدا زد: خدایا! مرا از شیعیان امیرالمؤمنین قرار ده، و خداوند این خبر را در کتاب خود آورد و فرمود: **وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ**.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران
ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه وارث منازل ظالمان

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۳۵ از سعد بن عمر از تنی چند از یاران امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «در حضور حضرت سخن از خانه‌های عباسیان به میان آمد، مردی گفت: خدا خرابی آنها را به ما بنمایاند یا آنها را به دست ما ویران کند، امام علیه السلام فرمودند: چنین نگو، این‌ها منازل قائم و یارانش خواهد بود، آیا فرموده‌ی خدا را نشنیده‌ای: **وَسَكُنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ**^۱ و در سراهای کسانی که بر خود ستم روا داشتند سکونت گزیدید.»

وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ

مختصر البصائر / ۲۰۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند: «آنگاه صد هزار نفر که یا مشرکند و یا منافق از عراق خروج می‌کنند تا آنکه به دمشق - که همان ارم ذات العمد است - برسند و هیچ کس مانعشان نشود.

پرچم‌های شرق زمین که نه از پنبه است، نه کتان و نه ابریشم، می‌آید. سرچوبه‌ی آنها با مهر سید اکبر مهر شده است. مردی از آل محمد علیه السلام آنها را سوق می‌دهد... آن روز خسف و قذف و مسخ دامگیر آنها می‌شود و تأویل این آیه نیز آشکار می‌گردد: **وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ**^۲ و آن، از ستمگران چندان دور نیست.»

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خَفْتُكُمْ

غیبت نعمانی / ۱۷۴ از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «ابو جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام فرمودند: چون قائم علیه السلام قیام نماید می‌فرماید: **فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خَفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ**^۳ و چون از شما ترسیدم، از شما گریختم، تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

۱. سوره‌ی ابراهیم / ۴۵

۲. سوره‌ی هود / ۸۳

۳. سوره‌ی شعراء / ۲۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

حق اهل بیت علیهم‌السلام را ثابت و باطل بنی امیه و امثال آنان را نابود می‌کند

تفسیر عیاشی ۵۰ / ۲ از جابر روایت می‌کند: «از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الیه از تفسیر این آیه سؤال کردم: **يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ**،^۱ خدا می‌خواهد حق را با کلمات خود ثابت، و کافران را ریشه‌کن کند، حضرت فرمودند: تفسیر آن در باطن؛ خداوند می‌خواهد، پس چیزی است که خدا آن را اراده می‌کند و هنوز به انجام نرسانده.

اما سخن او: **يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ**؛ یعنی حق آل محمد را ثابت گرداند، اما این فرموده: **بِكَلِمَاتِهِ**؛ کلمات او در باطن علی است، او کلمه‌ی خدا در باطن است.

گفتار او: **وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ**؛ آنان بنی امیه‌اند، آنها کافراند که خدا ریشه‌کن می‌کند، اما این فرمایش: **لِيُحِقَّ الْحَقَّ**؛^۲ تا حق را ثابت گرداند؛ یعنی حق آل محمد را هنگامی که قائم قیام می‌کند ثابت گرداند، و اما این سخن: **وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ**؛ و باطل را نابود گرداند؛ مقصود قائم است، پس چون قیام کند باطل بنی امیه را نابود گرداند، و این سخن خداست: **لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ**. تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند، هرچند بزهکاران خوش نداشته باشند.»

آخرین حلقه‌ی استوارترین دست آویز

مائه منقبة / ۷۱ از ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «ای گروه‌های مردم! بدانید خدای متعال برای شما دری قرار داده که هرکه بدان وارد شود، از آتش و بالاترین هراس ایمن گردد.

در این هنگام ابوسعید خدری برخاست و گفت: یا رسول الله! ما را بدان رهنمون شو تا آن را بشناسیم، ایشان فرمودند: آن، علی بن ابی طالب سید جانشینان، امیر مؤمنان و برادر رسول پروردگار جهانیان است.

گروه‌های مردم! هرکه دوست دارد به استوارترین دست آویز ناگسستنی تمسک کند، به ولایت علی بن ابی طالب متمسک باشد، زیرا ولایت او ولایت من است و فرمانبری از او فرمانبری از من.

۱. سوره‌ی انفال / ۷

۲. همان / ۸

گروه‌های مردم! هرکه دوست دارد حجت پس از من را بشناسد، علی بن ابی طالب را بشناسد.

ای گروه‌های مردم! هرکه می‌خواهد خدا و رسولش را به ولایت گیرد، بعد از من به علی بن ابی طالب و امامان از دودمان من اقتدا نماید، چرا که خزانه داران دانش منند.

جابر بن عبد الله انصاری برخاست و عرضه داشت: ای پیامبر خدا! امامان چه تعدادند؟ فرمودند: ای جابر! - خدا تو را رحمت کند - از من درباره‌ی تمام اسلام سؤال کردی، تعداد آنان تعداد ماه‌هاست **عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ**، [در حقیقت شماره‌ی ماه‌ها] نزد خدا، از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، در کتاب خدا، دوازده ماه است.

تعداد آنان تعداد چشمه‌هایی است که برای موسی بن عمران **عَلَيْهِ السَّلَام** جوشید، آن هنگام که با عصایش بر سنگ زد، **فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا**،^۱ پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت. و تعداد نقیبان بنی اسرائیل: **وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا**،^۲ و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم. پس - ای جابر! - امامان دوازده تن هستند، نخستین آنها علی بن ابی طالب **عَلَيْهِ السَّلَام** است، و آخرین آنان قائم مهدی.

امام مهدی **عَلَيْهِ السَّلَام** صاحب لیلۃ القدر

تفسیر فرات / ۲۱۸ از امام صادق **عَلَيْهِ السَّلَام** روایت می‌کند: **«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»**؛ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم؛ شب فاطمه است و قدر خدا، پس هرکه فاطمه را آنچنان که شایسته‌ی شناخت اوست بشناسد، شب قدر را درک کرده است. ایشان به این جهت فاطمه نامیده شدند، که مخلوقات از شناخت او بریده شده‌اند.

۱. سوره‌ی توبه / ۳۶

۲. سوره‌ی بقره / ۶۰

۳. سوره‌ی مائده / ۱۲

۴. سوره‌ی قدر / ۱

وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ^۱، و توجه می دانی که شب قدر چیست؟
شب قدر از هزار ماه بهتر است؛ یعنی بهتر از هزار مؤمن، و او مادر مؤمنین است.

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا،^۲ فرشتگان و روح در آن [شب] فرود آیند؛ ... روح القدس فاطمه است.

يَا ذُنَّ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ. سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ^۳، به فرمان پروردگارشان، برای هرکاری [که
مقرر شده است]. تا دم صبح، صلح و سلام است؛ یعنی تا آن زمان که قائم خروج کند.

تاویل الآیات ۲ / ۸۲۰ از ابو یحیی صنعانی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «پدرم به من
فرمودند: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام این آیه را تلاوت کردند: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
و حسن و حسین نزد ایشان بودند، حسین صدا زد: پدر جان! گویا به دهان شما شیرینی
[خاصی] دارد. ایشان فرمودند: ای پسر رسول خدا و پسر من! من درباره ی آن چیزی می دانم
که تونمی دانی، چون این سوره نازل شد جدّت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا فراخواند، آن را برایم قرائت
کرد، سپس برشانه ی راستم زد و فرمود: ای برادر و وصی من و ولی امت من بعد از من، و ای
دشمن دشمنانم تا روزی که برانگیخته شوند، این سوره بعد از من برای تو و برای فرزندان تو
پس از توست، جبرئیل برادر من از ملائکه، رخدادهای اتمم در سالشان را برایم گفت، و این
امرا - بسان امور نبوت - با تو خواهد گفت.

این سوره نوری درخشان در دل تو و جانشینان دارد تا آنکه فجر قائم علیه السلام طالع شود.
همان ۲ / ۸۱۸ از حمران از امام صادق علیه السلام: «... اما این فرموده: لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛
مقصود فاطمه علیه السلام است ... حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ؛ تا قیام قائم علیه السلام».

حضرت مهدی علیه السلام بندها و بارها را از دوش مؤمنان برمی دارد

کافی ۱ / ۴۲۹ از ابو عبیده ی حذاء روایت می کند: «از امام باقر علیه السلام در مورد استطاعت [بحث
جبر و اختیار] و سخن مردم در این باب سؤال کردم، ایشان این آیه را تلاوت کردند: وَلَا يَزَالُونَ

۱. همان ۳ - ۲

۲. همان ۴ /

۳. همان ۵ - ۴

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

مُخْتَلِفِينَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلَئِكَ خَلَقَهُمْ،^۱ پیوسته در اختلافند، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده، و برای همین آنان را آفریده است؛ ای ابو عبیده! مردم در رسیدن به اعتقاد صحیح در اختلافند، و همه شان بر باطلند.

عرضه داشتیم: إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ؟ حضرت فرمودند: اینان شیعیان ما هستند، و برای رحمت خود آنان را آفریده است، همان که فرمود: وَلَئِكَ خَلَقَهُمْ...

سپس فرمود: فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ،^۲ آن را برای کسانی که پرهیزکاری می کنند مقرر خواهم داشت؛ یعنی از ولایت و اطاعت غیر امام اجتناب دارند.

يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ،^۳ [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند؛ مقصود نبی ﷺ، وصی و قائم است.

يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ، به کار پسندیده فرمان دهد؛ چون قیام کند، وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، و از منکر باز می دارد؛ منکر کسی است که فضل امام را انکار کند.

وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ، و چیزهای پاکیزه را بر آنان حلال می گرداند؛ فراگیری دانش از اهل آن. وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ، و چیزهای ناپاک را برایشان حرام می دارد؛ چیزهای ناپاک اعتقاد کسی است که [با حق] مخالفت می کند.

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ، و از [دوش] آنان قیدهایشان را برمی دارد؛ این ها گناهانی است که قبل از شناخت فضل امام داشتند.

وَالْأَعْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ، و بندهایی که برایشان بوده؛ اغلال اعتقادی است که داشتند و بدان امر نشده بودند، یعنی ترک فضل امام می کردند، پس چون نسبت به فضل و برتری امام شناخت پیدا کردند، گناهشان را محو کرد.

در ادامه به وصف آنان پرداخت و فرمود: فَأَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ، پس کسانی که به او ایمان آوردند؛ یعنی به امام.

وَعَزَّوْهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، و بزرگش داشتند و یاریش

۱. سوره ی هود / ۱۱۹ - ۱۱۸

۲. همان

۳. همان / ۱۵۷

کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند؛ مقصود کسانی است که از عبادت جبت و طاغوت اجتناب کردند، و جبت و طاغوت فلان و فلان و فلان هستند، و عبادت اطاعت مردم از آنهاست.

سپس فرمود: **وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ**،^۱ و به سوی پروردگارتان بازگردید، و تسلیم او شوید. آنگاه به آنان پاداش داد و فرمود: **لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ**،^۲ در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است؛ امام آنان را به قیام و ظهور قائم و قتل دشمنانشان [در دنیا]، و به نجات در آخرت و وارد شدن نزد حضرت محمد ﷺ و خاندان راست کردارش در کنار حوض مژده می دهد.»

وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

تفسیر عیاشی ۲/ ۲۰۴ از حنان بن سدید روایت می کند: «امام باقر علیه السلام در مورد این آیه: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**،^۳ ای پیامبر! تو فقط هشدار دهنده ای، و برای هر قومی هدایتگری است، فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من هشدار دهنده و علی هدایتگر است، و هر امامی هدایتگر قری است که در آن می باشد.»

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ

کافی ۱/ ۳۶۱ از عبد الله بن سنان نقل می کند: «از امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه پرسش کردم: **يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ**،^۴ روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم، ایشان فرمودند: امامشان که در میان آنهاست و قائم اهل زمان خویش می باشد.»

۱. سوره ی زمر / ۵۴

۲. سوره ی یونس / ۶۴

۳. سوره ی رعد / ۷

۴. سوره ی اسراء / ۷۱

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام صلی الله علیه و آله
منزلت امام صلی الله علیه و آله
حکومت امام صلی الله علیه و آله
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام صلی الله علیه و آله
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام صلی الله علیه و آله در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

محرومیت مردم از بهره گیری

تفسیر قمی ۲ / ۸۵: «وَبُئِيَ مُعْطَلَةٌ وَقَصْرٌ مَشِيدٌ»^۱ و چاه متروک و عمارت افراشته؛ این مثالی برای آل محمد علیهم السلام است.

چاه متروک؛ آن است که از آن آب برنمی گیرند، و مقصود امامی است که غائب شده و لذا از او دانش اقتباس نمی شود.

عمارت افراشته؛ یعنی مرتفع، و مثالی برای امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام و فضائل آنان است که بر دنیا اشراف دارد و همان فرموده ی خداست: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ.

نگارنده: مقصود آن است که اهل بیت علیهم السلام امامان امت و منبع دانش و خیر هستند، و به سبب ظلم امت، به مانند چشمه ها و عمارت هایی متروک شده اند، امری که انحطاط امت را به دنبال داشته است.

آیات امتحان در عصر غیبت

قرب الاسناد / ۱۶۲ از احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «به خدا قسم آنچه گردن هایتان را به سمتش می کشید [و دیده بدان دوخته اید] نخواهد آمد تا آنکه جداسازی و آزموده شوید، آنگاه از هر ده تن مقداری [از بین] رود و تنها کمترین مقدار باقی ماند، سپس این آیه را تلاوت کردند: أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ^۲ آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید، بی آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟»

تأویل الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ

تأویل الآيات ۱ / ۳۷۲ از علی بن اسباط روایت می کند: «اصحاب ما درباره ی این آیه: الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ^۳، آن روز، فرمانروایی بحق، از آن [خدای] رحمان است، روایت می کنند:

۱. سوره ی حج / ۴۵

۲. سوره ی آل عمران / ۱۴۲

۳. سوره ی فرقان / ۲۶

فرمانروایی، هم در این روز، و هم پیش و پس از آن از آن خداست، ولی چون قائم علیه السلام قیام کند تنها خدای عزیز و جلیل است که با اطاعت پرستش خواهد شد.»

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف مظهر قدرت خدا

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ۱۸۱ / ۲: «ابن عباس، ابن مسعود، جابر، براء، انس، ام سلمه، سدی، ابن سیرین و امام باقر علیه السلام در مورد این آیه: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا، و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نَسَبی و دامادی قرار داد، گفتند: آن، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسینند، - وَكَانَ رِئُكَ قَدِيرًا، و پروردگار تو همواره تواناست - و وقایع در آخرالزمان، زیرا در میان صحابه و خویشاوندان [پیامبر صلی الله علیه و آله] نسب و سبب تنها در او جمع شده است، و از این روست که هم از ناحیه ی نسب و هم سبب، استحقاق ارث دارد.»

جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا

تفسیر فرات / ۱۰۷ از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا... تا حَسَنَتٌ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا»^۲ کسانی که روی زمین به نرمی گام برمی دارند... چه خوش قرارگاه و مقامی - سیزده آیه -؛ اینان اوصیاء هستند که بر زمین به نرمی گام برمی دارند.

پس چون قائم قیام کند تمام ناصبیان را براو عرضه می کنند، اگر به اسلام که همان ولایت است اقرار کند، وگرنه گردنش زده می شود، مگر آنکه حاضر به پرداخت جزیه شود، همانسان که اهل ذمه می پردازند.»

۱. همان / ۵۴

۲. همان / ۷۶ - ۶۳

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشريف
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشريف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشريف
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشريف
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشريف
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه الشريف در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ

غیبت شیخ طوسی / ۱۰۹ از ابن عباس روایت می‌کند: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ . قَوْرَبِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ»^۱ و روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همان گونه که خود شما سخن می‌گویید؛ قیام قائم عجل الله تعالی فرجه». «

عذاب برای دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

تفسیر قمی ۱/ ۳۱۲ از امام باقر عجل الله تعالی فرجه روایت می‌کند: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَغْعِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ»^۲ بگو: به من خبر دهید، اگر عذاب او شب یا روز به سراغ شما آید، بزهکاران چه چیزی از آن به شتاب می‌خواهند؟؛ این عذابی است که در آخر الزمان بر فاسقان اهل قبله وارد می‌گردد، در حالی که آنان نزول عذاب بر خود را انکار می‌کنند.»

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و جریان سنت یعقوب عجل الله تعالی فرجه با فرزندان در ایشان

تفسیر عیاشی ۱/ ۶۱ از جابر روایت می‌کند: «از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه درباره‌ی تفسیر این آیه پرسش کردم: إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا»^۳ هنگامی که به پسران خود گفت: پس از من، چه را خواهید پرستید؟ گفتند: معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق - معبودی یگانه - را می‌پرستیم، ایشان فرمودند: در قائم عجل الله تعالی فرجه جریان یافت.»^۴

۱. سوره‌ی ذاریات / ۲۳ - ۲۲

۲. سوره‌ی یونس / ۵۰

۳. سوره‌ی بقره / ۱۳۳

۴. مشهدی رحمه الله در توضیح این حدیث می‌نگارد: برخی [فیض کاشانی در تفسیر صافی ۱/ ۱۹۲] در توجیه این روایت گفته است: شاید مقصود امام عجل الله تعالی فرجه این است که [از آنجا که هر امامی برپادارنده‌ی امر خدا و لذا بدین معنا قائم است] هریک از ایشان هنگام مرگ از فرزندان خود همین سؤال را می‌پرسند و آنها همین جواب را می‌دهند. ایشان خود در ادامه احتمال دیگری را بیان می‌کنند که مقصود از جریان یافتن این آیه در قائم عجل الله تعالی فرجه، آن است که یعقوب پیامبر عجل الله تعالی فرجه در وصیت خود به فرزندان، از آنها برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز اقرار گرفت، همانسان که در برخی روایات آمده که ایشان در وصیت خود به فرزندان، ولایت امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه را نیز بیان کردند، تفسیر کنزالدقائق ۲/ ۱۶۵. م

کاسه‌ی حضرت زهرا علیها السلام نزد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

تفسیر عیاشی ۱/ ۱۷۱ از نجم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «حضرت فاطمه برای حضرت امیر علیه السلام کارهای خانه، خمیر درست کردن، نان پختن و جارو کشیدن را بر عهده گرفت، حضرت علی علیه السلام هم کارهای بیرون را، از جمله هیزم و غذا آوردن.

امیرالمؤمنین علیه السلام روزی به او فرمودند: ای فاطمه! آیا چیزی داری؟ عرضه داشت: نه، قسم به کسی که حق تو را بزرگ داشت، از سه روز پیش چیزی نداریم تا بدان از شما پذیرایی کنیم. ایشان فرمودند: چرا به من نگفتی؟ فاطمه علیه السلام پاسخ داد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا نهی کردند که از شما چیزی بخواهم و فرمودند: از پسر عمت چیزی مخواه، اگر او خود چیزی برایت آورد، وگرنه تو چیزی مخواه.

حضرت علی علیه السلام بیرون رفتند و مردی را دیدند و از او دیناری قرض گرفتند. ایشان شب شده بود که می‌آمدند که با مقداد بن اسود برخورد کردند، بدو فرمودند: برای چه کاری در این ساعت بیرون آمده‌ای؟ وی عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! قسم به آنکه حق شما را عظیم داشت، بابت گرسنگی.

نجم گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بودند؟ و ایشان پاسخ مثبت دادند.

[امام باقر علیه السلام ادامه دادند:] حضرت امیر علیه السلام فرمودند: من هم بابت همین امر بیرون آمدم، دیناری قرض گرفتم و تو را بر خود ترجیح داده آن را به تومی دهم و دینار را به او دادند و بازگشته دیدند رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته اند و فاطمه نماز می‌خواند و میان آن دو چیزی سرپوشیده است. چون فاطمه علیه السلام [از نماز] فارغ شد آن را آورد و به یکباره با کاسه‌ای از نان و گوشت مواجه شدند، حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای فاطمه! **أَنْتِ لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ**، این از کجا برای تو [آمده است؟ او در پاسخ می‌گفت: این از جانب خداست، که خدا به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا مثل تو و فاطمه را برایت نگویم؟ در پاسخ عرضه داشت: چرا،

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فرمودند: مثل زکریا هنگامی که نزد مریم وارد عبادتگاه می شد و نزد او رزقی می یافت، قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَأَكِيدُ هَذَا قَوْلًا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

پس آنها یک ماه از آن تناول کردند، و آن همان کاسه ای است که قائم علیه السلام از آن می خورد و نزد ماست.»

هفتمین خوشه

تفسیر عیاشی ۱/ ۱۴۷ از مفضل بن محمد جعفری: «از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسیدم: كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَبَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ، همانند دانه ای که هفت خوشه برویاند، حضرت فرمودند: دانه، فاطمه علیه السلام است، و هفت خوشه هفت تن از فرزندان او هستند که هفتمین آنان قائم آنهاست. گفتم: امام حسن علیه السلام چگونه؟ فرمودند: امام حسن علیه السلام امامی از سوی خداست و اطاعت از او واجب می باشد، لکن از خوشه های هفت گانه نیست، نخستین آنها امام حسین علیه السلام است و آخرینشان قائم.

گفتم: مقصود از این قسمت آیه چیست: فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةُ حَبَّةٍ، در هر خوشه ای صد دانه باشد؟ فرمودند: برای هر مردی از آنان در کوفه، یک صد فرزند از صلبش به دنیا می آید، و این تنها مربوط به این هفت تن می باشد.»

نگارنده: به تصریح روایت، نخستین آنها امام حسین علیه السلام است و هفتمین و آخرینشان امام مهدی وَعَلَيْهِ السَّلَام، اما نسبت به دیگر امامان بیانی ندارد، و امام حسن علیه السلام را واجب الاطاعة معرفی می کند، لکن خوشه نمی داند.

أَجَلٍ قَرِيبٍ

تفسیر عیاشی ۱/ ۲۵۸ و ۲/ ۲۳۵ و کافی ۸/ ۳۳۰ از امام باقر علیه السلام روایت می کنند: «به خدا سوگند، کاری که حسن بن علی علیه السلام انجام داد، برای این امت از هر آنچه خورشید بر آن تابیده بهتر بود، به خدا این آیه فرود آمد: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ

وَأَتُوا الزَّكَاةَ،^۱ آیا ندیدی کسانی را که به آنان گفته شد: دست [از جنگ] بدارید، و نماز را برپا کنید و زکات بدهید؛ [مقصود] اطاعت از امام است، ولی آنان خواستار جنگ بودند.^۲

فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ، و [لی] همین که کارزار بر آنان مقرر شد؛ در کنار امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ،^۳ گفتند: پروردگارا! چرا بر ما کارزار مقرر داشتی؟ چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی؟ نَحِبُ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعُ الرُّسُلَ،^۴ تا دعوت تو را پاسخ گوئیم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم؛ آنان خواستند بیکار را تا [زمان] قائم عَلَيْهِ السَّلَام تأخیر اندازند.

العَذَابِ الْأَكْبَرِ

تأویل الآيات ۲ / ۴۴؛ از مفضل بن عمر روایت می‌کند: «از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد این آیه سؤال کردم: وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ،^۵ و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب نزدیک‌تر به آنان می‌چشانیم، امید که آنها [به حق] بازگردند، ایشان فرمودند: [عذاب] نزدیک‌تر، گرانی قیمت و بزرگتر، [ظهور] مهدی با شمشیر است.»

المحجة / ۱۷۳ از کشف البیان محمد بن الحسن شیبانی نقل می‌کند: «از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که در معنای آیه فرمودند: نزدیک‌تر، قحطی و خشکسالی است، و بزرگتر، خروج قائم مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با شمشیر در آخر الزمان.»

هنگامی که برخی دشمنان حق مسخ می‌شوند

غیبت نعمانی / ۲۶۹ از ابوبصیر نقل می‌کند: «خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرضه داشتم:

۱. سوره نساء / ۷۷

۲. اصحاب امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام مأمور بودند با اطاعت از ایشان، دست از نبرد بردارند، اما آنها خواستار جنگ بودند، رک

به مرآة العقول ۲۶ / ۴۵۵. م

۳. سوره نساء / ۷۷

۴. سوره ابراهیم / ۴۴

۵. سوره سجده / ۲۱

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام
حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

[لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، تادِر زندگی دنیا عذاب رسوایی را به آنان بچشانیم؛ عذاب رسوایی دنیا چیست؟ فرمودند: ای ابوبصیر! کدام رسوایی بالاتر از آنکه مردی در خانه و اتاق و نزد برادران و خانواده اش باشد، که ناگهان خانواده گریبان ها را براو چاک زند و فریاد کنند، پس مردم بگویند: چه شده؟ و گفته شود: فلانی هم اینک مسخ شد. عرض کردم: این پیش از قیام قائم عجله است یا پس از آن؟ فرمودند: نه، بلکه قبل از آن.

ظهور، نصرت موعود

تفسیر قمی ۱/ ۴۹: «وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ، و اگر از جانب پروردگارت یاری رسد؛ یعنی قائم عجله، لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ آلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ،^۲ حتماً خواهند گفت: ما با شما بودیم. آیا خدا به آنچه در دل های جهانیان است داناتر نیست؟»

سینه ی امام مهدی عجله مخزن آیات الهی

تأویل الآيات ۱/ ۴۳۲ از عبد العزیز عبدی نقل می کند: «از امام صادق عجله درباره ی این آیه سؤال کردم: بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ،^۳ بلکه آن، آیاتی روشن در سینه های کسانی است که علم یافته اند، ایشان فرمودند: اینان، امامان از خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله اند که در هر زمان هستند.»

التنزيل والتحریف ۳/ ۴۳ از علی بن اسباط: «مردی از امام صادق عجله درباره ی همین آیه سؤال کرد، ایشان فرمودند: ماییم آنها. آن شخص گفت: فدایت شوم، قائم چه زمان قیام می کند؟ فرمودند: ما همه - یکی پس از دیگری - قائم به امر خدا [و برپادارنده ی آن] هستیم، تا آنکه صاحب شمشیر بیاید، چون او بیاید، امر به گونه ای دیگر خواهد بود.»

۱. سوره ی فصلت ۱۶/

۲. سوره ی عنکبوت ۱۰/

۳. همان ۴۹/

پایان بخش کَلِمَةُ بَاقِيَةٍ

کمال الدین ۱ / ۳۲۳ از ابو حمزه‌ی ثمالی از امام سجاد علیه السلام روایت می‌کند: «این آیه درباره‌ی ما نازل شد: وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»^۱ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند، و در مورد ما فرود آمده است: وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»^۲ و آن را در فرزندان خود گفتاری جاودان کرد. و امامت تا روز قیامت در نسل حسین بن علی بن ابی طالب است.

قائم ما دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی‌تر است... زمان دیگری چنان به درازا می‌کشد که اکثر معتقدان این امر از آن رجوع کنند، پس تنها کسی که یقینش محکم و معرفتش صحیح باشد، در درون خود ایرادی بر حکم ما نگیرد و تسلیم ما اهل بیت باشد، بر آن استوار خواهد ماند.»

کفایة الاثر / ۸۶ از ابوهریره روایت می‌کند: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی این آیه سؤال کردم: وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ، ایشان فرمودند: امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار داد، نه تن از امامان - از جمله مهدی این امت - از صلب او خواهند آمد.

سپس فرمودند: اگر مردی بین رکن و مقام برپا [به عبادت] بایستد، آنگاه در حالی که دشمن اهل بیت من است خدا را ملاقات کند، وارد آتش می‌شود.»

الامامة والتبصرة / ۴۹ از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در مورد همین آیه فرمودند: «در نسل حسین علیه السلام [قرار داد]، این امر از زمانی که به حسین علیه السلام منتقل شد، همواره از پدری به فرزندش می‌رسد و به برادر یا عمویی باز نمی‌گردد، و معلوم نمی‌شود که کسی از آنهاست جز آنکه فرزندی داشته باشد.»

۱. سوره‌ی انفال / ۷۵

۲. سوره‌ی زخرف / ۲۸

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُ بَعْدَ حِينٍ

کافی ۸ / ۲۸۷ از ابو حمزه روایت می‌کند: «امام باقر علیه السلام در مورد این آیات: قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ. إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ^۱، بگو: مزدی برای این [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم [و به خدا نسبت دهم]. این جز پندی برای جهانیان نیست، فرمودند: آن، امیرالمؤمنین علیه السلام است.

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُ بَعْدَ حِينٍ^۲، و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست؛ به هنگام خروج قائم علیه السلام».

امام مهدی علیه السلام تقیه نمی‌کند

تاویل الآیات ۲ / ۳۹۹ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «هنگامی که این آیه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد: اَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ^۳، [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من به تقیه مأمور شدم. ایشان ده سال بر همین اساس رفتار کردند تا آنکه مأمور شدند فرمان خود را آشکار سازند.

آنگاه حضرت امیر علیه السلام را بدان فرمان دادند و ایشان بر طبق آن رفتار کردند، تا آنکه مأمور به اظهار شدنند. بعد امامان برخی برخی دیگر را بدان امر، و بر همین اساس سیر می‌کردند. هنگامی که قائم ما قیام کند تقیه کنار می‌رود و شمشیر را برهنه می‌سازد. ایشان چیزی جز شمشیر از مردم نگیرد و به آنها ندهد [و با شمشیر به استقبالشان می‌رود].»

ارتباط حروف مقطعه با امام عصر علیه السلام

تفسیر قمی ۲ / ۲۶۷ از یحیی بن میسره خثعمی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «حم عسق»^۴

۱. سوره ی ص ۸۷ - ۸۶

۲. همان ۸۸

۳. سوره ی فصلت ۳۴

۴. سوره ی شوری ۲ - ۱

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

اعداد سال‌های قائم است. قاف، کوهی است از زمرد سبز که دنیا را احاطه کرده، و سبزی [و کبودی] آسمان از آن کوه است. دانش همه چیز در عسق است.»

تأویل الآیات ۲/ ۵۴۲ از سکونی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الیه نقل می‌کند: «حم؛ حتمی بودن، عین؛ عذاب، سین؛ سال‌هایی چونان سال‌های یوسف، قاف؛ قذف [پرتاب شدن]، خسف و مسخی که در آخرالزمان سفیانی، یارانش و مردمانی از کلب - که سی هزار نفرند و با او خروج می‌کنند - را خواهد رسید. این زمانی است که قائم عجل الله تعالی فرجه الیه - که مهدی این امت است - در مکه خروج نماید.»

تفسیر ثعلبی ۸/ ۳۰۳: «بکر بن عبد الله مزنی [درباره‌ی حم عسق] گوید: ... سین؛ سنا و نور مهدی است، قاف؛ قوت و توان عیسی بن مریم عجل الله تعالی فرجه الیه است، هنگامی که فرود آید، و مسیحیان را کشته، کلیساها را ویران سازد.»

البدء والتاریخ ۲/ ۱۷۰: «برخی مفسران در مورد حم عسق گفته است: جاء، حرب و نبرد است، میم، ملک بنی امیه، عین، عباسیان، و سین، سفیانی.»

ظهور و پایان مهلت ظالمان

تأویل الآیات ۱/ ۳۹۲ از معلی بن خنیس روایت می‌کند: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه در مورد سخن خدای عزوجل: أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ. ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ،^۱ مگر نمی‌دانی که اگر سال‌ها آنان را برخوردار کنیم. و آنگاه آنچه که [بدان] بیم داده می‌شوند آنان را در رسد، فرمودند: خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الیه.

مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ،^۲ آنچه از آن برخوردار می‌شدند، به کارشان نمی‌آید [و عذاب را از آنان دفع نمی‌کند]، حضرت فرمودند: اینان بنی امیه هستند که در دنیایشان بهره‌مند بودند.»

کافی ۱/ ۴۳۵ از ابوبصیر روایت می‌کند: «از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه درباره‌ی این آیه سؤال کردم:

۱. سوره‌ی شعراء / ۲۰۶ - ۲۰۵

۲. همان / ۲۰۷

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ، کسی که کِشت آخرت بخواهد، ایشان فرمودند: شناخت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان، نَزْدَهُ فِي حَرْثِهِ، برای وی در کِشته اش می افزاییم، فرمودند: نصیب خود را از دولتشان به طور کامل دریافت می کند.

وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ، و کسی که کِشت این دنیا را بخواهد به او از آن می دهیم و [لی] در آخرت او را نصیبی نیست، فرمودند: در دولت حق با قائم، بهره ای ندارد.»

ظهور و پایان مهلت ظالمان در حق اهل بیت علیهم السلام

تفسیر رقمی ۴۱۶/۲ از ابوبصیر روایت می کند: «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ»^۲ پس او را نه نیرویی ماند و نه یاری؛ نه نیرویی دارد که بدان برخالش توان یابد، و نه یآوری که او را در برابر خدا - اگر قصد سوئی بدو داشته باشد - یاری کند.

گفتم: إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا، آنان دست به نیرنگ می زنند، پاسخ داد: به رسول خدا صلی الله علیه و آله نیرنگ زدند، با علی و فاطمه علیهما السلام نیز نیرنگ زدند، پس خدا فرمود: ای محمد! إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا. وَأَكِيدُ كَيْدًا،^۳ آنان دست به نیرنگ می زنند. و [من نیز] دست به نیرنگ می زنم، فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ - یا محمد - أَهْلُهُمْ رُؤِيدًا؛ پس کافران را - ای محمد! - مهلت ده، و کمی آنان را به حال خود واگذار؛ تا زمانی که قائم علیه السلام برانگیخته شود، و برای من از جباران و طاغوت های قریش، بنی امیه و دیگر مردم انتقام گیرد.»

خداوند او را بر خون ظالمان مسلط می گرداند

التنزيل والتحريف / ۴۹ از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ»^۵

۱. سوره ی شوری / ۲۰
۲. سوره ی طارق / ۱۰
۳. همان / ۱۶ - ۱۵
۴. همان / ۱۷
۵. سوره ی ص / ۱۷

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بر آنچه می‌گویند شکبیا باش؛ ای محمد! بر تکذیب ایشان مرتورا [شکبیا باش]، چرا که من به وسیله‌ی مردی از تواز آنها انتقام خواهم گرفت، او قائم من است که او را بر خون‌های ظالمان مسلط می‌گردانم.»

دشمنان را در آتش جنگ می‌افکند

کافی ۸ / ۵۰ از سلیمان دیلمی روایت می‌کند: «از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی این آیه سؤال کردم: هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ، آیا خبر غاشیه به تو رسیده است؟ ایشان فرمودند: قائم با شمشیر به سراغ آنان می‌آید.

گفتم: وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ،^۱ در آن روز، چهره‌هایی زبونند، فرمودند: خاضع‌اند و توان خودداری ندارند.

عرضه داشتم: عَامِلَةٌ،^۲ تلاش کرده، فرمودند: به غیر آنچه خدا نازل کرده عمل نموده است. عرض کردم: مَنَاصِبُهُ، رنج [بیهوده] برده‌اند، فرمودند: [کسانی] غیر از والیان و صاحبان امر را [به پیشوایی] گمارده‌اند.

گفتم: تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً،^۳ در آتشی سوزان درآیند، فرمودند: در دنیا و روزگار قائم به آتش جنگ می‌افتند، و در آخرت به آتش جهنم.»

خداوند به وسیله‌ی او حق را ثابت می‌گرداند

تفسیر قمی ۲ / ۲۷۵ از محمد بن مسلم روایت می‌کند: «امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در مورد این آیه: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى،^۴ بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر خالصترین دوستی درباره‌ی خویشاوندان، فرمودند: مقصود ایشان درباره‌ی اهل بیتشان است.

۱. سوره‌ی غاشیه ۱/

۲. همان ۲/

۳. همان ۳/

۴. همان ۴/

۵. سوره‌ی شوری ۲۳/

انصار نزد رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند: ما شما را مأوی دادیم و نصرت کردیم، پس قسمتی از اموال ما را بستان و در پیشامدها از آن استفاده کن، خداوند فرو فرستاد: **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا**، بگو: به ازای آن پاداشی از شما نمی خواهم؛ یعنی در ازای نبوت، **إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ**، مگر خالصترین دوستی درباره ی خویشاوندان؛ یعنی درباره ی اهل بیتشان.

سپس فرمودند: آیا نمی بینی که شخصی رفیقی دارد، و همودر درون، درباره ی خانواده ی خود مطلب [وخواسته ای] دارد، ولی دلش [بدون اظهار آن نزد رفیقش] آرام نمی شود؟ خداوند اراده کرد که درون رسول خدا ﷺ خواسته ای از امتشان نباشد [مگر آنکه اظهار شود]،^۱ لذا خالصانه ترین دوستی نسبت به خویشان ایشان را بر مردم واجب قرار داد. پس اگر بدان عمل کنند، به واجب عمل کرده اند، و اگر سر باز زنند، واجبی را ترک کرده اند.

در این هنگام آنان از نزد رسول خدا ﷺ رفتند، برخی می گفتند: ما اموال خود را بر او عرضه داشتیم، ولی او گفت: در دفاع از اهل بیت من پس از من بجنگید، گروهی هم گفتند: پیامبر چنین نگفت و منکر شدند و گفتند - انسان که خدا حکایت کرده -: **أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا**،^۲ آیا می گویند: بر خدا دروغی بسته است؟

خداوند فرمود: **فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يُخَيِّمَ عَلَىٰ قَلْبِكَ**، پس اگر خدا بخواهد بر دلت مَهرمی نهد؛ یعنی اگر افترا بندی.

وَيَخِ اللَّهُ الْبَاطِلَ، و خدا باطل را محو می کند؛ یعنی بر آن خط بطلان می کشد، **وَيُحَقِّقُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ**، و حقیقت را با کلمات خویش پا برجای می کند؛ یعنی با پیامبر و ائمه و قائم از آل محمد ﷺ، **إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ**، اوست که به راز دل ها داناست.»

پیمان مکتوب از جدش رسول خدا ﷺ

دلائل الامامة / ۲۵۶ از محمد بن علی همدانی از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «شبی که قائم آل محمد در آن قیام می کند، رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین علیه السلام و جبرئیل علیه السلام بر حراء

۱. علامه ی مجلسی رحمه الله در بیان معنای این فقره دو احتمال ذکر می کنند، شایسته است بدان مراجعه شود، بحار الانوار

۲۳ / ۲۳۹ م.

۲. همان / ۲۴

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

فرود می‌آیند، جبرئیل به آن حضرت می‌گوید: [ای پیامبر!] اجابت کن، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله پوستی را از [پشت] بند لباس خود بیرون می‌آورد و به علی علیه السلام می‌دهد و می‌فرماید: بنویس: بسم الله الرحمن الرحیم، این عهدی از خدا، رسول او و علی بن ابی طالب، برای فلان پسر فلان - با نام او و نام پدرش - است.

[امام صادق علیه السلام در ادامه فرمودند:] و این سخن خدای عزیز و جلیل در کتاب اوست: وَالْظُّوْنِ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنُشُورٍ^۱ سوگند به طور، و کتابی نگاشته شده، در طوماری گسترده. و همان نوشته‌ایست که علی بن ابی طالب علیه السلام نگاشت، و طومار گسترده همان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از بند لباس خود در آوردند.

عرضه داشتم: وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ^۲ سوگند به آن خانه‌ی آباد؛ آیا این رسول خدا صلی الله علیه و آله است؟ فرمودند: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله املا می‌کرد و نویسنده علی علیه السلام بود.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و شیعیان ایشان از سابقان

غیبت نعمانی / ۹۰ از داود بن کثیر رقی نقل می‌کند: «خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم، در مورد این آیه برایم بفرمایید: وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ^۳. أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ^۴ و سبقت گیرندگان مقدّمند. آنانند همان مقربان، ایشان فرمودند: خدا، روزی که خلق را در [عالم] میثاق آفرید، دو هزار سال پیش از آفرینش مخلوقات، آن را فرمود.

گفتم: برایم توضیح دهید، فرمودند: خدای عزوجل هنگامی که خواست مخلوقات را بیافریند، آنها را از گل آفرید، آتشی برافروخت و فرمود: داخل شوید، نخستین کسانی که وارد آن شدند محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین، حسن، حسین و نه تن از امامان - یکی پس از دیگری - بودند، سپس شیعیانشان به دنبالشان آمدند [و آتش سرد و سلام شد]، پس به خدا ایشان سابقانند.»

۱. سوره‌ی طور / ۳ - ۱

۲. همان / ۴

۳. سوره‌ی واقعه / ۱۱ - ۱۰

۴. رک به کافی ۲ / ۷۰ م

زمین، پس از آنکه به ستم ستمکاران مرده است، به عدالت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه زنده می شود

کمال الدین ۶۶۸/۲ از سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^۱ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند؛ خداوند آن را پس از مرگش، به وسیله ی قائم علیه السلام زنده می کند. مرگ زمین، کفراهل آن است، و کافر مرده است. «تَأْوِيلُ الْآيَاتِ ۶۶۳/۲ آن را نقل می کند و در ادامه ی آن آمده است: «او در آن به عدالت رفتار می کند، پس زمین حیات می یابد، و اهل آن بعد از مرگشان زنده می شوند.»

غیبت شیخ طوسی / ۱۰۹ از ابن عباس نقل می کند: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ» یعنی زمین را به وسیله ی قائم آل محمد اصلاح می کند. بَعْدَ مَوْتِهَا؛ یعنی پس از ستم اهل آن.

قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ، به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید؛ آیات را به قائم آل محمد روشن گردانیده ایم، شاید بیندیشید.»

غیبت نعمانی / ۲۴ از شخصی از اصحاب امام صادق علیه السلام از ایشان روایت می کند: «این آیه در سوره ی حدید: وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»^۲ و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان ها کتاب داده شد و زمان بر آنان به درازا کشید، و دل هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؛ درباره ی اهل زمان غیبت نازل شد.

خداوند عزیز و جلیل در ادامه فرمود: اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. و زمان [به درازا کشیده] زمان غیبت است.

ای^۳ امت محمد، و یا ای گروه شیعه! خدای عزوجل می خواهد شما بسان کسانی که از پیش به آنها کتاب داده شد و زمان برایشان به درازا کشید، نباشید، پس تأویل این آیه در مورد اهل زمان غیبت است نه دیگر زمان ها، و خداوند متعال شیعیان را نهی می کند از اینکه در حجت او تردید کنند و یا گمان دارند که دیده برهم نهادنی زمین را از حجت خالی

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

۱. سوره ی حدید / ۱۷

۲. همان / ۱۶

۳. بعید نیست از اینجا به بعد، کلام مرحوم نعمانی باشد. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام
منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام
یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

می‌کند، هم چنان که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در سخن با کمال فرمودند: خدایا! شهادت می‌دهم که زمین از حجت خدا خالی نخواهد شد - که یا ظاهر و معلوم است و یا هراسان و پنهان -، تا حجت‌ها و براهین خدا از میان نرود.

خداوند آنها را از شک و تردید بر حذر داشت که زمان طولانی می‌شود و دل‌هایشان سخت می‌گردد.

امام عَلَيْهِ السَّلَام در ادامه‌ی حدیث آیه‌ی بعد را ذکر کردند: **اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ**؛ یعنی آن را به عدل قائم به هنگام ظهورش زنده می‌کند، پس از آنکه به واسطه‌ی ستم پیشوایان گمراهی مرده است.»

ماء معین

کمال الدین ۱ / ۳۲۵ از ابو بصیر از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^۱ بگو: به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟ این آیه در شأن قائم نازل شد، می‌فرماید: اگر امامتان غائب شود و ندانید کجاست، کیست که امامی آشکار برایتان آورد که از اخبار آسمان و زمین، و حلال خدای عزوجل و حرام او برایتان بگوید؟ به خدا قسم تاویل این آیه هنوز نیامده است، و ناگزیر خواهد آمد.»

التنزيل والتحريف / ۶۲ از حلبی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؛ اگر امامتان از شما غائب گردد، کیست که امامی جدید برایتان آورد؟»

اثبات الوصية / ۲۲۶ از عباد بن یعقوب اسدی روایت می‌کند: «از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی این آیه پرسش کردم: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ، ایشان فرمودند: هنگامی که امامتان را نیابید و نبینید، چه می‌کنید؟»

۱. سوره‌ی ملک / ۳۰

حقی نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را نیز منکر می شوند!

تأویل الآيات ۲ / ۷۷۱ از عبد الله بن بکیر به طور مرفوع از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «... إِذَا تَشَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»^۱ چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: [این ها] افسانه های پیشینیان است؛ یعنی قائم علیه السلام را تکذیب می کند و می گوید: ما تو را نمی شناسیم، و از فرزندان فاطمه علیها السلام نیستی، همان گونه که مشرکان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گفتند.»

آغاز ظهور به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الهام می شود

کافی ۱ / ۳۴۳ از مفضل بن عمر روایت می کند: «امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ^۲ پس چون در صور دمیده شود، فرمودند: امامی ظفرمند و پنهان، از ما خواهد بود، چون خدا - که یادش عزیز است - بخواهد امر او را آشکار سازد، در دل او نقطه ای می نهد،^۳ پس او ظاهر می شود، و به فرمان خدای تبارک و تعالی قیام می کند.»^۴

تأویل الآيات ۲ / ۷۳۲ از آن حضرت نقل می کند: «هنگامی که در گوش قائم دمیده شود، به او اجازه ی قیام داده شده است.»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

اثبات الوصية ۲۲۸ از مفضل نقل می کند: «از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر جابر سؤال کردم، ایشان فرمودند: با فرومایگان درباره ی آن سخن مگو که آن را نشر می دهند، آیا در کتاب خدای عزیز و جلیل نخوانده ای: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ...»

علامه ی مجلسی رحمه الله در بحار الانوار ۲ / ۷۰ پس از نقل این حدیث از رجال کشی می فرماید: «شاید مقصود آن است که این اسرار [که در تفسیر جابر بن یزید جعفی رحمه الله وجود دارد]، به هنگام قیام قائم علیه السلام و برداشته شدن تقیه آشکار می گردد. احتمال آن نیز می رود که استشهاد به این آیه برای بیان سختی فهم آن علومی است که قائم علیه السلام آشکار می سازد و بر کافران گران

۱. سوره ی مطففین / ۱۳

۲. سوره ی مدثر / ۸

۳. در این حدیث شریف، دل امام به صور تشبیه شده و آنچه که در دل او به واسطه ی الهام افکنده می شود به نفخ و دمیدن در آن، رک به مرآة العقول ۴ / ۶۱ م.

۴. غیبت نعمانی / ۱۸۷، کمال الدین ۲ / ۳۴۹، غیبت شیخ طوسی / ۱۰۳، اثبات الهداة ۳ / ۴۴۷ و ۵۰۱ و بحار ۵۷ / ۵۱ و ۷۰ / ۵۱

است، همان گونه که ادامه ی این آیه و بعد از آن دلالت دارد.»

و با ظهور است که دولت ابلیس جن و انس پایان می پذیرد

تأویل الآيات ۲ / ۷۳۴ از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً،^۱ مرا با آنکه [اورا] تنها آفریدم و اگذار؛ مقصود از این آیه ابلیس لعین است که او را تنها و بدون پدر و مادر آفرید. وَجَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَمْدُوداً،^۲ و دارایی بسیار برای او قرار دادم؛ یعنی این دولت را تا روز وقت معلوم - روزی که قائم قیام می کند - [برایش قرار دادم]. وَبَيْنَ شُهُوداً. وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيداً. ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ. كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيداً،^۳ و پسرانی آماده [به خدمت، دادم]. و [برایش] عیش خوش] آماده کردم. باز [هم] طمع دارد که بیفزایم. ولی نه [چنین نمی کنم]. زیرا او دشمنِ آیات ما بود؛ می فرماید: با امامان عناد داشت و به غیر راه آنان فرا می خواند، و مردم را از آنان - که آیات خدایند - باز می داشت.»

تفسیر قمی ۲ / ۳۹۵ از عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام می آورد: «ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً، فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَرٍ. ثُمَّ قَتِلَ كَيْفَ قَدَرٍ،^۴ چگونه [او] سنجید؟ [آری،] کشته بادا، چگونه [او] سنجید؟؛ عذابی در پی عذاب، قائم علیه السلام او را عذاب می کند.»

بسان ستاره ای، غائب و چون ستاره ای درخشان، آشکار می شود

کافی ۱ / ۳۴۱ از امام هانی نقل می کند: «از امام باقر علیه السلام درباره ی این آیات سؤال کردم: فَلَا أَقْسَمُ بِالْخُنُثِيِّ. الْجَوَارِ الْكُنُثِيِّ،^۵ نه، نه! سوگند به اختران پنهان. که حرکت می کنند و مخفی می شوند، فرمودند: امامی که در سال دویست و شصت غائب می گردد، سپس بسان ستاره ای فروزان در شب تاریک آشکار می شود، پس اگر زمان او را دریابی دیده ات روشن خواهد شد.»

۱. سوره ی مدثر / ۱۱

۲. همان / ۱۲

۳. همان / ۱۶ - ۱۳

۴. سوره ی مدثر / ۲۰ - ۱۹

۵. سوره ی تکویر / ۱۶ - ۱۵

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

همان در روایتی دیگر: «امامی که در زمان خود، هنگامی که مردم از او بی خبرند - به سال دویست و شصت - غائب می شود، آنگاه چونان ستاره ای فروزان در ظلمت شب ظاهر می گردد، پس اگر آن را دریابی دیده ات روشن گردد.»

کمال الدین ۱ / ۳۳۰ از ام هانی ثقفیه نقل می کند: «صبح هنگام حضور مولایم محمد بن علی الباقر علیه السلام رسیدم و عرضه داشتم: آقای من! آیه ای در کتاب خدای عزوجل از دلم گذشته و مرا به اضطراب آورده و به خاطر آن شب را به بیداری گذرانده ام، ایشان فرمودند: پس ای ام هانی! پپرس، گفتم: آقای من! **فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنَّسِ. الْجَوَارِ الْكُنَّسِ**، فرمودند: ای ام هانی! خوب سؤالی کردی، او کسی است که پس از این زمان [و در آینده] به دنیا می آید، او مهدی از این عترت است، حیرت [و سرگردانی مردم] و غیبتی برای او خواهد بود که اقوامی در آن به گمراهی می افتند و اقوامی رهنمون می شوند، پس خوشا به حالت اگر او را دریابی، و خوشا به حال آنکه او را دریابد.»

پیامبر صلی الله علیه و آله آسمان است و امامان علیهم السلام برج های آسمان

اختصاص ۲۲۳ / از اصیغ بن نباته از ابن عباس نقل می کند: «... پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کردند: **وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ**، سوگند به آسمان آکنده ز برج، و فرمودند: ای پسر عباس! آیا براین باوری که خداوند که به آسمانی که برج ها دارد سوگند می خورد، مقصودش [همین] آسمان و برج های آن است؟ عرض کردم: ای فرستاده ی خدا! پس چیست؟ فرمودند: اما آسمان منم، و بروج امامان پس از من، نخست آنان علی و آخرینشان مهدی است.»

وَالْوُتْرُ

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ۱ / ۲۸۱ از جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «وَالْفَجْرِ. وَلَيَالٍ عَشْرٍ»^۲ سوگند به سپیده دم، و به شبهای دهگانه؛ ای جابر! فجر، جدّم و شب های ده گانه، امامان

۱. سوره ی بروج / ۱

۲. سوره ی فجر / ۲-۱

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عَلَيْهِ السَّلَام

منزلت امام عَلَيْهِ السَّلَام

حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

[غیر از امیرالمؤمنین و حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام] هستند.

وَالشَّقْعُ، 'قسم به جفت؛ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، وَالْوَتْرُ و به فرد؛ نام قائم است.

فجر در سوره‌ی فجر

تأویل الآيات ۷۹۲/۲ از جابر بن یزید از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «وَالْفَجْرُ؛ آن، قائم عَلَيْهِ السَّلَام است. وَلَيَالٍ عَشْرٍ؛ امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام از حسن تا حسن. وَالشَّقْعُ؛ امیرالمؤمنین و فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَام. وَالْوَتْرُ؛ آن، خداست، که یگانه است و هیچ شریکی ندارد. وَاللَّيْلُ إِذَا يَسُرُّ، و به شب، وقتی سپری شود؛ آن، دولت حبتراست که تا قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام ادامه دارد.»

امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در سوره‌های شمس و لیل

تفسیر فرات / ۲۱۲ از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام: «حارث اعور به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام گفت: ای پسر رسول خدا! فدایت گردم، درباره‌ی فرموده‌ی خدا برایم بگوئید: وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا،^۱ سوگند به خورشید و تابندگی آن، ایشان فرمودند: ای حارث! آن، محمد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، عرضه داشت: وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا،^۲ سوگند به ماه چون پی [خورشید] رود، فرمودند: آن، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام است که در پی حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، گفت: وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا،^۳ سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، فرمودند: آن، قائم از آل محمد است که زمین را از عدل و داد می‌آکند.»

تأویل الآيات ۸۰۳/۲ از فضل بن عباس از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا؛ خورشید امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است و تابندگی آن قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام، زیرا خدای سبحان فرموده: وَأَنْ يُخْشَرَ النَّاسُ ضُحًى،^۴ که مردم پیش از ظهر [و به هنگام تابش خورشید] گرد می‌آیند.

۱. همان / ۳

۲. سوره‌ی شمس / ۱

۳. همان / ۲

۴. همان / ۳

۵. سوره‌ی طه / ۵۹

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها؛ حسن و حسین (علیهما السلام)، وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا؛ آن، قیام قائم (علیه السلام) است.
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا،^۱ سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد؛ حبترو دولت او که حق را پوشانندند.
وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا،^۲ سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت؛ محمد (صلی الله علیه و آله) آسمان است،
همو که خلق در دانش بدوروی آرند و بالا روند...

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا،^۳ [قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند؛ ثمود گروهی از
شیعیان هستند،^۴ خدای سبحان می فرماید: وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى
فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ،^۵ و اما ثمودیان؛ پس آنان را راهبری کردیم و [لی] کوردلی را بر
هدایت ترجیح دادند، پس صاعقه‌ی عذاب خفت آور آنان را فروگرفت؛ آن [عذاب خفت آور]
شمشیر است، آن هنگام که قائم (علیه السلام) قیام کند.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ، پس فرستاده‌ی خدا به آنان گفت؛ آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.
نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا،^۶ زنهار! ماده شتر خدا و [نوبت] آبخوردنش را [حرمت نهید]؛ ناقه [اشاره
به] امامی است که از خدا و رسولش فراگرفته است. مقصود از سقیاها آن است که جایگاه
فراگیری دانش نزد اوست.

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا،^۷ و [لی] دروغگویش خواندند و آن [ماده
شتر] را پی کردند، و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک
یکسان کرد؛ در رجعت...»

تفسیر قمی ۲/ ۲۵۰ از محمد بن مسلم نقل می‌کند: «از امام باقر (علیه السلام) در مورد این آیه سؤال
کردم: وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى،^۸ سوگند به شب چو پرده افکند، ایشان فرمودند: شب در اینجا، فلانی

۱. سوره‌ی شمس / ۴

۲. همان / ۵

۳. همان / ۱۱

۴. زبیدی و دیگر فرق غیر اثنا عشری، رک به تأویل الآیات ۲ / ۸۰۴ و بحار الانوار ۲۴ / ۷۳ م

۵. سوره‌ی فصلت / ۱۷

۶. سوره‌ی شمس / ۱۳

۷. همان / ۱۴

۸. سوره‌ی لیل / ۱

است که در حکومت خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) را پوشانند [و از مسند ظاهری کنار زد]، و آن حضرت در حکومت آنان تا زمانی که به پایان رسید صبر کرد.

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، 'سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد؛ روز، قائم از ما اهل بیت است، هنگامی که قیام کند بر دولت باطل چیره گردد. قرآن درباره‌ی او برای مردم مثال‌ها زده و پیامبرش (صلی الله علیه و آله) و ما را بدان خطاب کرده است، پس کسی جز ما از آن آگاه نیست.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام (علیه السلام)

منزلت امام (علیه السلام)

حکومت امام (علیه السلام)

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح (علیه السلام)

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام (علیه السلام)

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام (علیه السلام) در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سفارت و سفیران

سفیران راستین حضرت مهدی
و دروغگویان مدعی سفارت

عَجَّالُ الْمَعَالِ
رُوحَةُ الشَّرِيفِ

عموم شیعیان به سفیران چهارگانه اعتماد دارند

در فصول کتاب گذشت که شیعیان در برخورد و تعامل با سفیران امام علیه السلام، دقت و احتیاط ویژه‌ای داشتند. آنها بر وثاقت جناب عثمان بن سعید عمری اسدی و پسرش محمد اتفاق و اجماع کردند، زیرا گواهی امام هادی و امام عسکری علیه السلام را در این باره شنیده بودند، علاوه بر کراماتی که از این دو بزرگوار مشاهده کردند، و به یقین می‌فهماند پاسخ‌ها از ناحیه‌ی امام علیه السلام است، نه آنان. شیعیان با مدعیان دروغین برخورد می‌کردند، آنها ادعای جعفر کذاب مبنی بر امامت، و ادعای دیگران مبنی بر سفارت را رد کردند، زیرا در قبال درخواست معجزه به عجز آمدند، و این دلیل محکمی است بر راستواری مذهب، و بنیان آن بر برهان قطعی.

احتجاج ۲/ ۲۹۱ می‌نویسد: «نمایندگان رضایت بخش و سفیران ستوده در زمان غیبت؛ نخستین آنها شیخ مورد وثوق ابو عمرو عثمان بن سعید عمری است. ابتدا امام هادی علیه السلام او را بدین منصب گمارد، و پس از ایشان پسرش امام عسکری علیه السلام، او هم در زندگانی این دو امام علیه السلام امورشان را عهده‌دار بود. پس از ایشان، امور مربوط به صاحب الزمان علیه السلام را بر عهده گرفت و توقیعات و جواب سؤالات به واسطه‌ی او می‌رسید.

وقتی که از دنیا رفت، پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان در جای او قرار گرفت و در تمامی امور قائم مقام او شد. پس از او ابو القاسم حسین بن روح از بنی نوبخت، و بعد از ایشان ابو الحسن علی بن محمد سمري متولی این امر شدند. اینان همه با تصریح صاحب الامر علیه السلام و گماردن سفیر پیشین به این منصب در آمدند، و شیعیان ادعای آنان را تنها پس از ظهور نشانه‌ای اعجاز گونه به دست هریک از ایشان - معجزه‌ای که از جانب صاحب الامر علیه السلام داشتند، و بر صدق گفتار و صحت نمایندگی آنان دلالت می‌کرد - می‌پذیرفتند.

هنگامی که اوان رحلت ابو الحسن سمري فرا رسید و مرگش نزدیک شد، به او گفتند: چه کسی را جانشین خود قرار می‌دهی؟ او توقیعی بیرون آورد که این نسخه‌ی آن است: بسم الله الرحمن الرحيم، ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را در [فقدان] تو بالا برد، زیرا تو از این زمان تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت، پس کار خود را سامان ده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از وفات قائم مقام تو شود، چرا که غیبت تام واقع شده

و ظهور تنها بعد از اذن خداست - که یادش بلند است - که پس از طولانی شدن مدت، سخت شدن دل‌ها و پرشدن زمین از ستم خواهد بود. کسانی نزد شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده می‌کنند، بدانید! هرکس پیش از خروج سفیانی و فریاد، ادعای مشاهده کند کذاب و افترازن است، و لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم.

از روی توقیع نوشتند و از نزد ایشان بیرون آمدند. روز ششم حضور ایشان رسیدند و در حال جان کندن بود، پرسیدند: جانشین شما کیست؟ فرمود: خداوند امری دارد که آن را به سرانجام می‌رساند، و از دنیا رفت، و این آخرین سخنی بود که از ایشان شنیدیم، خدا از او راضی باشد و او را نیز راضی گرداند.^۱

شیخ صدوق رحمه الله این جریان را با یک واسطه از سمری نقل می‌کند، یعنی حسن [حسین] بن احمد مکتب که شیخ صدوق در کتب خویش با احترام از او یاد می‌کند و رضایت الهی را برای او خواستار می‌شود. ابن حجر در لسان المیزان ۲ / ۲۷۱ درباره‌اش می‌نویسد: «علی بن حکم در مشایخ الشيعة گوید: وی در قم ساکن بوده و کتابی نیکو در فرائض نگاشته است، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه از او فرا می‌گرفته و او را عظیم می‌شمرد است.»^۲

نگارنده: شبهه‌ای برای برخی پیش آمده و تصور کرده این حدیث بر عدم امکان مشاهده‌ی امام عليه السلام در دوران غیبت کبری دلالت دارد، و این ناشی از فهم ناصحیح فقره‌ی اخیر توقیع، و تفسیر نادرست مشاهده به دیدن است، و حال آنکه مشاهده، حضور مستمر نزد امام عليه السلام و به عبارت دیگر ادعای سفارت است.

علاوه بر آنکه از عبارت: نزد شیعیان من خواهد آمد، نیز غفلت کرده است، امری که با ادعای سفارت همخوان است.

مورد دیگری که از آن غفلت شده احادیث صحیحی است که بر رؤیت در عصر غیبت دلالت دارد.

۱. و نیز کمال الدین ۲ / ۵۱۶، غیبت شیخ طوسی / ۲۴۲، اعلام الوری / ۴۱۷، الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۲۸، الثاقب فی المناقب / ۲۶۴، کشف الغمة ۳ / ۳۲۰، الصراط المستقیم ۲ / ۲۳۶، منتخب الانوار / ۱۳۰ و...
۲. و نیز رک به تهذیب المقال ۲ / ۳۷۲، مستدرکات الحدیث ۳ / ۷۲، تعلیقة الوحید البهبهانی / ۱۳۶ و معجم رجال الحدیث ۲ / ۱۹۸ و ۳ / ۳۵

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عليه السلام
منزلت امام عليه السلام
حکومت امام عليه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عليه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عليه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عليه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

ما در پاسخ این شبهه رساله‌ای با عنوان: جواب علی شبهه شیخ و سید فی رؤیه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاشته، و احادیث صحیح را گرد آورده‌ایم، از جمله: کافی ۱ / ۳۴۰ و غیبت نعمانی / ۱۹۴ از امام صادق علیه السلام: «قائم دو غیبت خواهد داشت؛ یکی دراز مدت، و دیگری کوتاه مدت، در غیبت نخست کسی غیر از شیعیان خاص از مکان او اطلاع ندارند، و در دیگری این تنها یاران خاصند که از آن مطلعند.

در روایت دیگری فرمودند: ناگزیر صاحب این امر غائب خواهد شد، و در دوران غیبت از مردم دوری خواهد گزید، مدینه نیکومنزلی است، و با وجود سی تن دیگر تنهایی نیست. «افزون بر آن، شماری از ثقات عدول، که بدن و ذهن سالمی داشته‌اند، در جریاناتی صحیح و متعدد، خبر از دیدن امام علیه السلام داده‌اند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و کیلانی غیر از سفیران نیز دارند

در اینجا عبارت شیخ طوسی رحمه الله در کتاب غیبت / ۳۴۵ را از نظر می‌گذرانیم، سخن ایشان شمایمی از دستگاه وکالت و وکلای ستوده به دست می‌دهد، ایشان می‌فرماید:

«فصلی در ذکر برخی گزارشات مربوط به سفرای دوران غیبت؛ پیش از آنکه سخن از سفیران دوران غیبت به میان آوریم، به طور خلاصه برخی اخبار درباره‌ی کسانی که متولی امور هریک از امامان بودند، و نیز آنانی که ستوده و در راه حق بودند، و کسانی که مذموم بوده به کجراهه رفتند، را ذکر می‌کنیم.

در برخی روایات آمده که حضرات فرموده‌اند: خادمان و خواص ما بدترین خلق خدایند، لکن این فرمایش عام نیست [تا تمام خادمان را شامل گردد]، بلکه این را درباره‌ی کسانی که دین را تغییر دادند، تبدیل و خیانت کردند - هم چنان که خواهیم آورد - فرموده‌اند.

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از پدرش از محمد بن صالح همدانی نقل می‌کند: من به صاحب الزمان علیه السلام نامه نوشتم: خانواده‌ام مرا آزار داده، با حدیثی که از پدرانت علیهم السلام منقول است - خادمان و خواص ما بدترین خلق خدایند - سرکوفت می‌زنند.

در جوابش چنین نوشتند: وای بر شما، سخن خدای متعال را نمی‌خوانید: **وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم**

وَيَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَىٰ ظَاهِرَةً، و میان آنان و میان شهرهایی که در آنها برکت نهاده بودیم، شهرهایی آشکار قرار دادیم؛ به خدا قسم ما شهرهایی هستیم که در آن برکت نهاده است، و شما شهرهای آشکارید.

[شیخ طوسی در ادامه می‌فرماید:] از جمله ستودگان حمران بن اعین است، حسین بن عبیدالله، از ابو جعفر محمد بن سفیان بزوفری، از احمد بن ادریس، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از عبد الله بن بکیر، از زرارہ روایت می‌کند: سخن از حمران بن اعین راندم و امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند هرگز مرتد نمی‌شود [و از حق باز نمی‌گردد]، آنگاه مدتی سکوت کردند، سپس فرمودند: آری، به خدا هرگز مرتد نمی‌شود. دیگر از آنان مفضل بن عمر است، با همین سند از احمد بن ادریس، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از محمد بن ابی عمیر، از حسین بن احمد منقری، از اسد بن ابی علاء، از هشام بن احمر: حضور امام صادق علیه السلام رسیدم و می‌خواستم در مورد مفضل بن عمر از ایشان پرسش کنم، ایشان در زمین خود بودند، روز بسیار گرمی بود و عرق بر سینه‌شان جاری بود. پس خود ابتدا به سخن کرده فرمودند: قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، چه مرد خوبی است مفضل بن عمر جعفری، قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، چه مرد خوبی است مفضل بن عمر جعفری - من شمردم و سی و چند بار این سخن را تکرار کردند - و فرمودند: او پدری بعد از پدری است.

از هشام بن احمر منقول است: اموالی را برای امام کاظم علیه السلام به مدینه بردم، ایشان فرمودند: آن را بگیر و به مفضل بن عمر بسپار، من نیز چنین کردم و در خانه‌ی مفضل آوردم. موسی بن بکر گوید: خادم امام کاظم علیه السلام بودم، هرچه [اموال] به ایشان می‌رسید از سوی مفضل بود. چه بسیار می‌دیدم مردی چیزی می‌آورد ولی ایشان نمی‌پذیرفت و می‌فرمود: آن را به مفضل برسان.

دیگر از آنان معلی بن خنیس است، او از خواص امام صادق علیه السلام بود. علت اینکه داود بن علی او را به قتل رساند همین بود. او نزد امام علیه السلام ستوده بود، بر اعتقاد به ایشان از دنیا رفت

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدیمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال
یاری فرشتگان

فضیلت استواری
بلاد عرب

مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان
یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

و جریان وی مشهور است.

از ابوبصیر روایت شده: هنگامی که داود بن علی معلی بن خنیس را به قتل رساند و به دار آویخت، این امر بر امام صادق علیه السلام گران و سخت آمد، ایشان فرمودند: ای داود! چرا خادم و عهده دار امور من در مال و خانواده ام را کشتی؟ به خدا قسم او نزد خدا از تو وجیه تر است - و حدیث طولانی است -.

در روایت دیگری فرمودند: به خدا قسم او داخل بهشت شد.

از جمله ی آنها نصر بن قابوس لخمی است، در روایت است که وی بیست سال وکیل امام صادق علیه السلام بود و کسی از آن خبر نداشت، او مردی نیک و فاضل بود. عبدالرحمن بن حجاج هم وکیل امام صادق علیه السلام بود و در عصر امام رضا علیه السلام با ولایت ایشان از دنیا رفت. دیگر از آنان عبد الله بن جندب بجلی بود، وی وکیل امام کاظم و امام رضا علیه السلام، و نزد ایشان عابدی بلند مرتبت بود، آن گونه که در روایات آمده است.

از جمله، کسانی که در روایت ابوطالب قمی آمده اند، وی گوید: در اواخر عمر امام جواد علیه السلام نزد ایشان رفتم، شنیدم که فرمودند: خداوند به صفوان بن یحیی، محمد بن سنان، زکریا بن آدم و سعد بن سعد به خاطر من پاداش خیر دهد، زیرا با من وفا کردند.

زکریا بن آدم از موالیان اهل بیت بود، نامه ای از امام جواد علیه السلام درباره ی او صادر شد: قضای خداوند در مورد مردی [زکریا] که از دنیا رفته است را بیان کردی [و خبر از مرگ او دادی]، خدای تعالی او را در روزی که به دنیا آمد، روزی که می میرد و روزی که زنده برانگیخته می شود رحمت کند. در ایام زندگانی با شناخت حق و اعتقاد بدان زیست، بر آن شکیبا بود و پاداش خود را به حساب خدا گذاشت، وظیفه ای که برای خدا و رسولش بر او واجب بود را انجام می داد، و بدون آنکه پیمان شکند یا جایگزینی [برای حق] قرار دهد از دنیا رفت، پس خدا به او پاداش نیتش را بدهد، و جزای تلاشش را عطا کند.

اما محمد بن سنان: از علی بن الحسین بن داود روایت شده: شنیدم امام جواد علیه السلام محمد بن سنان را به نیکی یاد کرده فرمودند: خدا به خاطر رضایت من از او، از او رضا باشد، زیرا نه با من و نه با پدرم مخالفت نکرد.

دیگراز آنان عبد العزیز بن مهتدی قمی اشعری است، از امام جواد عجل الله تعالی فرجه‌ش در مورد او صادر شد: آن را دریافت کردم -والحمد لله- و دانستم صاحبان اموالی که به دست رسید کیانند، خدا گناهان تو و آنها را بیامزد و بر ما و شما رحمت فرستد.

و نیز: خدا گناهت را ببخشد و ما و تو را رحمت کند، و به خاطر رضایت من از تو، از تو راضی باشد.

دیگری علی بن مهزیار اهوازی است که شخصی ستوده بود. جماعتی، از تلکبری، از احمد بن علی رازی، از حسین بن علی، از ابوالحسن بلخی، از احمد بن مابندار اسکافی، از علاء نداری، از حسن بن شمون نقل می‌کنند که گفت: من این نامه را که به خط امام جواد عجل الله تعالی فرجه‌ش بود برای علی بن مهزیار خواندم: بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی! خدا پاداشت را نیکو گرداند، در بهشتش سکنی دهد، در دنیا و آخرت از خواری مصون دارد، و با ما محشور فرماید.

یا علی! من تو را در خیرخواهی، اطاعت، خدمت، احترام و انجام آنچه بر تو واجب است آزموده‌ام، اگر بگویم مانند تو را ندیده‌ام امید آن دارم که صادق بوده باشم، پس خداوند به پادشاه بهشت‌های فردوس را جایگاه پذیرایی ات قرار دهد که منزلت و نیز خدمت تو در گرما و سرما و شب و روز بر من پوشیده نیست، از خداوند مسئلت دارم که چون در قیامت خلائق را گرد آورد، به تو چنان رحمتی عطا کند که بدان غبطه خورند، او شنونده‌ی دعاست.

از جمله ایوب بن نوح بن دراج، عمرو بن سعید مدائنی -که از فطحیان بود- گوید: در حضور امام هادی عجل الله تعالی فرجه‌ش در صریا^۱ بودم که ایوب بن نوح وارد شد و مقابل ایشان ایستاد، حضرت به او فرمانی دادند و رفت. آنگاه به من رو کردند و فرمودند: ای عمرو! اگر دوست داری مردی از اهل بهشت را نظر کنی، او را بنگر.

دیگری علی بن جعفر همدانی است، وی مردی فاضل و رضایت بخش بود، و در زمهری وکلای امام هادی و امام عسکری عجل الله تعالی فرجه‌ش قرار داشت. احمد بن علی رازی، از علی بن مخلد ایادی، از ابو جعفر عمری نقل می‌کند: ابوطاهر بن بلال به حج رفت، و مشاهده کرد علی

۱. منطقه‌ای نزدیک مدینه

بن جعفر انفاق کلانی دارد. چون بازگشت به امام عسکری علیه السلام نامه ای در این باره نوشت، حضرت در نامه ی او نگاشتند: ما دستور داده بودیم صد هزار دینار به او بدهند، بعد از آن نیز فرمان دادیم همان مقدار را بپردازند ولی او برای حفظ ما نپذیرفت. ورود [و اظهار نظر] در امر ما - در آنچه ما خود آنان را دخالت نداده باشیم - چه ربطی به مردم دارد؟

وی [پیشتر] نزد امام هادی علیه السلام رفت و ایشان فرمان دادند سی هزار دینار به او بدهند. دیگر از آنان ابوعلی بن راشد است، ابن ابی جید، از محمد بن حسن بن ولید، از صفار، از محمد بن عیسی روایت می کند: امام هادی علیه السلام به شیعیان بغداد و مدائن و سواد و حوالی آن نوشت: من ابوعلی بن راشد را قائم مقام علی بن حسین بن عبد ربه و وکلایم در آنجا گماردم، و در فرمانبرداری از او اطاعت از خود، و در سرپیچی از او سرپیچی از خود را لازم دانستم، و [این را] با خط خود نگاشتم.

محمد بن یعقوب به طور مرفوع از محمد بن فرج نقل می کند: به ایشان [امام هادی علیه السلام] نامه ای نوشتم و درباره ی ابوعلی بن راشد، عیسی بن جعفر بن عاصم و ابن بند پرسیدم، ایشان نوشتند: ابن راشد - که خدایش رحمت کند - را یاد کردی، او سعادت مند زندگی کرد و شهید از دنیا رفت و برای ابن بند و عاصمی نیز دعا کردند. ابن بند را با عمودی زدند و کشتند، ابن عاصم را نیز بر روی پل سیصد تازیانه زدند، و در دجله انداختند.

اینان ستودگان بودند، از همه سخن نگفتیم زیرا معروفند و در کتاب ها از آنان یاد کرده اند. **قطب راوندی رحمه الله در الخرائج و الجرائح ۳/ ۱۱۰۸:** «وکیل امام عسکری علیه السلام شیخ عثمان بن سعید عمری بود، پس از او نیز پسرش محمد بن عثمان عهده دار این امر شد، بعد از ایشان ابوالقاسم حسین بن روح، و در ادامه شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری این منصب را بر عهده گرفتند، و پس از ایشان بود که غیبت طولانی واقع شد.

هریک از اینان به اجمال و تفصیل از کمیت اموال اطلاع داشتند، نام های صاحبان آنها را می بردند، و این آگاهی را حضرت قائم علیه السلام به آنان داده بود.»

شیخ حر عاملی رحمه الله در وسائل الشیعة ۲۰/ ۷۹ می نویسد: «فایده ی هفتم؛ سخن از اصحاب اجماع و امثال آنان مانند صاحبان اصول و مشابهان، و جماعتی که ائمه علیهم السلام آنان را ثقه

دانسته، ستوده‌اند و فرمان داده‌اند به آنان رجوع، و به روایاتی که نقل می‌کنند عمل شود، همانان که عدالتشان به تواتر معلوم است، و وجودشان در سند قرینه‌ایست که موجب اطمینان به صدور حدیث می‌شود، اگرچه با واسطه‌ی کسی روایت را بیاورند.

شیخ ثقه‌ی جلیل ابو عمرو کثی در کتاب رجال می‌نویسد: شیعیان بر تصدیق اینان - که یاران امام باقر و امام صادق علیه‌السلام هستند - اجماع و اتفاق دارند، و بر فقاہت آنان اذعان می‌کنند، آنان می‌گویند: فقیه‌ترین اولین شش تن هستند؛ زرارہ، معروف بن خربوذ، برید، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار و محمد بن مسلم طائفی. آنان می‌گویند: فقیه‌ترین اینان زرارہ است. برخی به جای ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی - یعنی لیث بن بختری - را آورده‌اند.

شیخ حرر در ادامه احادیث عدیده‌ای در ستایش، جلالت، بلندای مرتبه و امر به مراجعه‌ی به اینان را می‌آورد، سپس می‌فرماید: نام بردن فقهای اصحاب امام صادق علیه‌السلام؛ شیعیان اتفاق دارند که هرچه از اینان به طور صحیح برسد صحیح است، و گفتارشان صدق، و پس از آن شش نفری که بر شمرده و نام بردیم، به فقاہت اینان - که شش نفرند - اذعان می‌کنند؛ جمیل بن دراج، عبد الله بن مسکان، عبد الله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان و ابان بن عثمان. آنان می‌گویند: ابواسحاق فقیه - یعنی ثعلبه بن میمون - بر این باور است که فقیه‌ترین اینان جمیل بن دراج است، و اینان جوانان یاران امام صادق علیه‌السلام هستند.»

همان ۸۸/۲۰ می‌نگارد: «جماعتی که امامان علیهم‌السلام آنان را ثقه دانسته، ستوده‌اند و فرمان داده‌اند به آنان رجوع، و به روایاتی که نقل می‌کنند عمل شود، و آنان را وکیل خود و مرجع شیعیان قرار داده‌اند، بسیاریند، و ما تعدادی از آنان را برمی‌شمریم. بیشتر آنان در کتاب غیبت شیخ طوسی آمده‌اند و برخی نیز در باب قضاوت گذشت، و گروهی دیگر نیز خواهند آمد.

برخی از والا رتبان و بزرگان آنان ایشانند: محمد بن عثمان عمری، عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمري، حمران بن اعین، مفضل بن عمر، معلی بن خنیس، نصر بن قابوس، عبدالرحمن بن حجاج، عبد الله بن جندب،

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه‌السلام

منزلت امام علیه‌السلام

حکومت امام علیه‌السلام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قضاوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه‌السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه‌السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه‌السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

صفوان بن یحیی، محمد بن سنان، زکریا بن آدم، سعد بن سعد، عبد العزیز بن مهتدی، علی بن مهزیار، ایوب بن نوح، علی بن جعفر همانی، ابوعلی بن راشد، بنوفضال، زرارہ، برید عجل، ابوبصیر لیث بن بختری، محمد بن مسلم، ابوبصیر اسدی، حارث بن مغیرہ، ابان بن تغلب، ابان بن عثمان، یونس بن عبدالرحمن، علی بن حدید، ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی - یعنی محمد بن ابی عبد الله -، احمد بن اسحاق اشعری، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزة بن الیسع، حاجز بن یزید، محمد بن علی بن بلال، عاصمی، محمد بن ابراهیم بن مهزیار و پدرش، محمد بن صالح همدانی و پدرش، قاسم بن علاء، محمد بن شاذان نیشابوری، فضل بن شاذان نیشابوری، علی بن مهزیار، حارث مرزبانی و دیگران.

ابن طاووس در کشف المحجۃ از کتاب الرسائل محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم با سند خود روایت می‌کند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) کاتب خود عبد الله بن ابی رافع را فراخوانده فرمودند: ده تن از افراد مورد اعتماد مرا بیاور، وی عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! آنان را نام ببرید، فرمودند: اصبع بن نباته، ابوالطفیل عامر بن واثله ی کنانی، زر بن حبیش، جویریة بن مسهر، خندف بن زهیر، حارث بن مصرف، حارث اعور، علقمة بن قیس، کمیل بن زیاد و عمیر بن زرارہ را بیاور...

شیخ صدوق در عیون الاخبار با سند سابق از فضل بن شاذان از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که در نامه ای به مأمون نوشتند: خالص اسلام گواهی به لا اله الا الله... بیزاری جستن از کسانی که به حق آل محمد ظلم کردند... دوستی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و کسانی از صحابه که مورد قبول [اهل بیت (علیهم السلام)] هستند، در راه پیامبرشان (صلی الله علیه و آله) سلوک نمودند، و [دین را] تغییر ندادند و تبدیل نکردند، مانند سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود، عمار بن یاسر، حذیفه بن یمان، ابوالهیثم [بن] تیهان، سهل بن حنیف، عثمان بن حنیف و دو برادرش، عبادة بن صامت، ابویوب انصاری، خزیمه بن ثابت ذوالشهادتین، ابوسعید خدری و امثال آنان - که خدا از آنان راضی باشد -، و دوستی پیروان و شیعیان آنان و کسانی که به هدایت آنها رهنمون شده و بر راهشان سیر می‌کنند.

پیدشویان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

کشی از ثقات از ابو محمد رازی نقل می‌کند: من و احمد بن ابی عبد الله برقی در سامرا بودیم که فرستاده‌ی آن مرد^۱ عجل الله تعالی فرجه آمد و گفت: غائب بیمار^۲ ثقه است، ایوب بن نوح، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزه و احمد بن اسحاق همه ثقه هستند. شیخ نیز در کتاب غیبت مشابه آن را می‌آورد.

کشی می‌فرماید: برخی ثقات در نیشابور توقیعی طولانی [از امام عسکری عجل الله تعالی فرجه به اسحاق بن اسماعیل] ذکر کرد، در قسمتی از آن آمده: ای اسحاق! نامه‌ی ما را بر بلالی - که خدا از او رضا باشد - بخوان، زیرا او ثقه‌ی امین و آگاه بر واجب خویش است. آن را بر محمودی - که خدایش از بلا نگاه دارد - نیز بخوان که ما چقدر اطاعت او را می‌ستاییم. چون وارد بغداد شدی آن را بر دهقان وکیل و ثقه‌ی ما که از موالی ما [اموال را] دریافت می‌کند نیز قرائت کن. کلینی از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از عبد الله بن احمد، از ابراهیم بن حسن، از وهیب بن حفص، از اسحاق بن جریر روایت می‌کند که امام صادق عجل الله تعالی فرجه فرمودند: سعید بن مسیب، قاسم بن محمد بن ابی بکرو ابو خالد کابلی از ثقات علی بن الحسین عجل الله تعالی فرجه بودند...

در کتاب الموارث نیز حدیث محمد بن مسلم از امام باقر عجل الله تعالی فرجه گذشت که فرمودند: جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله برایم حدیث گفت - و جابر دروغ نمی‌گفت: پسر برادر با پدر بزرگ هم سهم است.

در موافقت نیز حدیث یزید بن خلیفه گذشت، وی گفت: به امام صادق عجل الله تعالی فرجه گفتم: عمر بن حنظله برای ما روایت کرد که شما وقتی را [برای نماز] مشخص کرده‌اید، ایشان فرمودند: پس بر ما دروغ نمی‌گوید.

در کتاب قضا نیز گذشت که امام عسکری عجل الله تعالی فرجه در مورد کتب بنی فضال فرمودند: روایاتشان را اخذ کنید، ولی آراء آنان را واگذارید.

شیخ صدوق در اکمال الدین از محمد بن محمد خزاعی، از ابو علی اسدی، از پدرش،

۱. از ضمیمه کردن این روایت، به روایت دیگر رجال کشی / ۵۲۷ که در آن سخن از سال ۲۴۸ آمده، به نظر می‌رسد مقصود از مرد در این گزارش، امام هادی عجل الله تعالی فرجه باشد که به جهت تقیه به نامشان تصریح نشده است. م
 ۲. با توجه به پاورقی پیشین، بعید نیست مقصود از وی علی بن جعفر همانی باشد. م

از محمد بن ابی عبد الله كوفي می آورد که وی تعداد کسانی را که خود اطلاع دارد و از جمله افرادی هستند که از معجزات صاحب الزمان علیه السلام آگاه بوده و ایشان را دیده اند ذکر می کند؛ از وکلای حضرت: عمری و پسرش، حاجز، بلالی و عطار از بغداد، عاصمی از کوفه، محمد بن ابراهیم بن مهزیار از اهواز، احمد بن اسحاق از قم، محمد بن صالح از همدان، سامی و اسدی یعنی خود محمد بن ابی عبد الله از اهل ری، قاسم بن علاء از آذربایجان و محمد بن شاذان نعیمی از نیشابور. از غیروکیلان: ابوالقاسم بن ابی حابس از بغداد، و جماعت بسیاری را نام می برد.

شهید ثانی در شرح الدراریة می فرماید: عدالتی که در راوی معتبر است از تصریح دو عادل و یا استفاضه ی آن شناخته می شود، یعنی عدالتش میان روایت پژوهان و دیگران اهل علم مشهور باشد، مانند مشایخ پیشین ما از دوران شیخ محمد بن یعقوب کلینی تا این زمان، احدی از این مشایخ مشهور نیاز ندارد کسی به عدالتش تصریح کند و از آن خبر دهد، زیرا در تمامی اعصار وثاقت، دقت و ورع آنان - علاوه بر عدالت - مشهور بوده است، و دیگرانند که نیازمند تصریح به عدالت هستند.

حق آن است که بسیاری از عالمان پیشین ما و مصنفانی که در کتب رجال - بدون آنکه ضعیف شمرده شوند - یاد شده اند، این چنینند، و این به جهت آثار آشکار و حالات مشهور آنهاست، اگرچه در برخی موارد به توثیق آنان تصریح نکرده باشند.

از اموری که سخن شهید ثانی را تأیید می کند، آن است که نقل شده در زمان ظهور امامان علیهم السلام برخی افراد ضعیف، حدیث وضع می کرده اند، ولی افراد مورد اعتماد روایاتی را که در آنها تردید داشتند بر امامان علیهم السلام و نیز کتب معتبر عرضه می نمودند، و ائمه علیهم السلام نیز خود - در غالب موارد - ابتدا به سخن کرده از حدیث دروغین خبر می دادند. از هیچ یک از شخصیت های مشهور شیعه نقل نشده که در دوران غیبت، حدیثی وضع و به امامان علیهم السلام نسبت داده شود. حتی اگر هم رخ داده باشد، به طور قطع هیچ موردی از آن در روایات علمای مشهور شیعه نیامده است، و این مطلب ضروری است، و الله اعلم.»

عثمان بن سعید و محمد بن عثمان

شیخ طوسی در رجال / ۳۸۹ می‌نگارد: «عثمان بن سعید عمری سَمّان، ابو عمرو کنیه دارد، و او را زیّات نیز گویند. یازده سال داشت که خادم امام هادی علیه السلام شد، ایشان عهدی معروف به او دارند.»

ایشان در غیبت / ۳۵۳ می‌نویسند: «اما سفیران ستوده در زمان غیبت: نخست آنان کسی است که امام هادی و پسرشان امام عسکری علیه السلام او را گماردند، یعنی شیخ مورد اعتماد ابو عمرو عثمان بن سعید عمری علیه السلام که اسدی بود. جهت اینکه به او عمری گویند در سخن ابو نصر هبة الله بن محمد بن احمد کاتب پسر دختر ابو جعفر عمری آمده است، وی گوید: او اسدی بود، و به پدر بزرگش منسوب کردند لذا عمری عنوان گرفت، گروهی از شیعیان می‌گویند: امام عسکری علیه السلام فرمودند: در کسی [نام] عثمان و [کنیه‌ی] ابو عمرو جمع نمی‌شود، و فرمان دادند کنیه‌اش شکسته شود، لذا [به جای ابو عمرو] عمری گفتند. به ایشان عسکری نیز می‌گفتند، زیرا اهل عسکر سامرا بود، و نیز سَمّان، چون که به وسیله‌ی روغن تجارت می‌کرد تا این امر پوشیده باشد. شیعیان اموالی را که واجب بود به امام عسکری علیه السلام برسانند به او می‌سپردند و او هم - به علت تقیه - در میان کیسه و مشک روغن می‌گذاشت و نزد ایشان می‌برد.

جماعتی، از ابو محمد هارون بن موسی، از ابو علی محمد بن همام اسکافی، از عبد الله بن جعفر حمیری، از احمد بن اسحاق بن سعد قمی روایت می‌کنند: روزی حضور امام هادی علیه السلام رسیدم و عرض کردم: آقای من! من گاهی حضورتان می‌رسم و گاه نه، برایم ممکن نیست همه وقت نزد شما بیایم، سخن که را پذیرفته و فرمان که را به انجام رسانم؟ فرمودند: این ابو عمرو ثقه‌ی امین است، هرچه به شما بگوید از من می‌گوید، و هرچه برساند از من می‌رساند.

پس از اینکه ایشان از دنیا رفتند، روزی خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم و همان سخن را گفتم، ایشان هم فرمودند: این ابو عمرو ثقه‌ی امین است، ثقه‌ی [امام] گذشته و مورد وثوق من در حیات و موت، هرچه به شما بگوید از من می‌گوید، و هرچه برساند از من می‌رساند.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ابو محمد هارون گوید: ابو علی از ابوالعباس حمیری نقل می‌کند: ما این سخن را بسیار یاد می‌کردیم و از جلالت جایگاه ابو عمرو سخن می‌گفتیم.

جماعتی، از ابو محمد هارون، از محمد بن همام، از عبد الله بن جعفر نقل می‌کنند: پس از درگذشت امام عسکری (ع) سالی حج گزاردیم. پس از آن نزد احمد بن اسحاق در بغداد آمدم و دیدم ابو عمرو نیز آنجاست. من با اشاره به احمد بن اسحاق گفتم: ما این شیخ را ثقه و رضایت بخش می‌دانیم، ایشان درباره‌ی شما مطالبی گفتند - و هرآنچه را که از احمد بن اسحاق درباره‌ی فضل ابو عمرو و منزلت وی به یاد داشتیم بیان کردم - و شما از کسانی هستید که در سخن و صدقشان تردیدی نیست، تو را به حق خدا و دوامی که ثقه‌ات دانستند، آیا صاحب الزمان پسر امام عسکری (ع) را دیده‌ای؟ او گریست و فرمود: به شرطی که تا زنده‌ام با احدی از آن سخن نگویم، من نیز پذیرفتم، فرمود: ایشان (ع) را دیدم و گردنش چنین بود - مقصودش این بود که گردنی درشت و نیکو داشت - گفتم: نام ایشان؟ فرمود: از این مطلب نهی شده‌اید.

احمد بن علی بن نوح ابوالعباس سیرافی، از ابو نصر کاتب هبة الله بن محمد بن احمد معروف به ابن برینه، از برخی بزرگان و شرفای شیعه و اصحاب حدیث، از ابو محمد عباس بن احمد صائغ، از حسین بن احمد خصیبی، از محمد بن اسماعیل حسنی و علی بن عبد الله حسنی روایت می‌کنند: در سامرا خدمت امام عسکری (ع) رسیدیم، جماعتی از شیعیان نیز حضور داشتند، بدر خادم وارد شد و گفت: مولای من! قومی ژولیده و غبار آلود بر در هستند، حضرت فرمودند: اینان گروهی از شیعیان ما در یمن هستند - در جریانی طولانی تا آنجا که آن دو گویند: امام عسکری (ع) به بدر فرمودند: برو و عثمان بن سعید عمری را بیاور، اندک زمانی گذشت که عثمان وارد شد، ایشان فرمودند: ای عثمان! برو که تو وکیل و ثقه‌ی امین بر مال خدایی... بر من گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است، و پسرش محمد وکیل پسر مهدی شما.

احمد بن علی بن نوح ابوالعباس سیرافی، از ابو نصر کاتب هبة الله بن محمد بن احمد پسر دختر ابو جعفر عمری - که خدا روح او را پاک قرار دهد و راضی گرداند - از اساتید خود

روایت کرد: هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت، عثمان بن سعید - که خدا از او راضی باشد و او را راضی گرداند - در غسل ایشان حضور یافت و تمامی امور ایشان از تکفین، حنوط و خاکسپاری را - که بدان مأمور بود - بر عهده گرفت، و این بابت اوضاع غیر قابل انکار آن زمان بود.

توقیعات صاحب الامر علیه السلام توسط عثمان بن سعید و پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان به شیعیان و خاصان امام عسکری علیه السلام می رسید، توقیعاتی در بردارنده ی امر و نهی، و پاسخ سؤالاتی که شیعیان بدان نیاز داشتند، با همان خطی که در زندگی امام عسکری علیه السلام صادر می شد.

شیعیان نیز به عدالت این دو اعتقاد داشتند تا آنکه عثمان بن سعید - که خدایش رحمت کند و رضا باشد - از دنیا رفت. پسرش ابو جعفر او را غسل داد و تجهیز کرد، تمامی امور پدر نیز به او منتقل شد، شیعیان هم بر عدالت، وثاقت و امانت وی اتفاق کردند، و این به خاطر آن بود که در حیات امام عسکری علیه السلام، و پس از وفات ایشان در حیات پدرش عثمان، بر امانت و عدالت وی تصریح شده بود و مأمور بودند بدو رجوع کنند.

جعفر بن محمد بن مالک فزاری بزاز، از جماعتی از شیعه از جمله علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب بن نوح - در جریانی مفصل و مشهور - روایت می کند که گفتند: نزد امام عسکری علیه السلام رفتیم تا از حجت بعد از ایشان سؤال کنیم و چهل نفر در مجلس حضور داشتند... ناگهان پسری بسان پاره ی ماه که شبیه ترین مردم به ابو محمد علیه السلام بود حاضر شد، امام علیه السلام فرمودند: این امام شما بعد از من و خلیفه ی من بر شماست، از او فرمان برید و پس از من پراکنده نشوید که در اعتقادات خویش هلاک خواهید شد.

بدانید! شما او را بعد از این روز دیگر نخواهید دید تا آنکه براو سنّ و سالی بگذرد، پس، از عثمان، آنچه را می گوید بپذیرید و به فرمانش عمل کنید، سخن او را قبول کنید که خلیفه ی امامتان است و بدو رجوع می شود.

ابونصر هبة الله بن محمد گوید: قبر عثمان بن سعید در غرب بغداد در شارع الميدان

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

است، در ابتدای موضع معروف در کوچه ی معروف به جبله، در مسجد کوچه و در طرف راست کسی که وارد می شود، و قبر در قبله ی مسجد قرار دارد.

شیخ طوسی در ادامه خود می افزاید: من قبر او را در همانجا که وی گفت دیده ام، جلوی آن دیواری بنا کرده اند و محراب در آن دیوار است. در کنار آن دری است که به موضع قبر که در اتاقی تنگ و تاریک قرار دارد می رسد. ما پیشتر ماه به ماه به زیارت آن می رفتیم، و از زمان ورودم به بغداد یعنی سال چهار صد و هشت تا چهار صد و سی و اندی نیز چنین می کنم. بعد از آن رئیس ابومنصور محمد بن فرج آن دیوار را برداشت و قبر را آشکار ساخت و صندوقی بر آن قرار داد. آن قبر در مکانی مسقف قرار دارد و کسی که بخواهد به زیارت آن می رود.

اهالی آن محله به زیارت او تبرک می جویند و می گویند: او مردی صالح بوده است، گاه نیز می گویند: او پسر دایه ی امام حسین علیه السلام است، ولی حقیقت امر را نمی دانند. قبرایشان تا الآن که سال چهار صد و چهل و هفت است، به همان حال باقی است.

سخن پیرامون ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

عبد الله بن جعفر حمیری گوید: برای شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری - که خدا روحش را پاک قرار دهد -، در تسلیت وفات پدرش - که خدای تعالی از او راضی باشد - توقیع صادر شد و در قسمتی از آن آمده بود: **إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، تسلیم فرمان و راضی به قضای او هستیم، پدرت سعادت مند زیست و ستوده از دنیا رفت، خدایش رحمت کند و به اولیاء و امامانش علیهم السلام ملحق گرداند. او هماره در فرمان آنان می کوشید، و در آنچه او را به خدای عزیز و جلیل و آنان نزدیک می نمود تلاش می کرد، خدا چهره اش را زیبا گرداند و از لغزشش درگذرد.

در پاره ای دیگر آمده بود: خدا به تو پاداش فراوان دهد و صبری نیکو عطا کند، توبه مصیبت دچار شدی، ما نیز، فراق او تو را تنها کرد، ما را نیز، پس خدا او را در بازگشتگاهش مسرور گرداند. از کمال سعادت وی آن است که خدای متعال فرزندی چون تورو زی اش کرد

که پس از او جانشینش باشد، به فرمان او قائم مقامش شود، و بر او رحمت فرستد. می‌گوییم: الحمد لله، زیرا جان‌ها به جایگاه تو و آنچه خدای عزوجل در تو و نزد تو قرار داده آرام است، خداوند تو را یاری کند، نیرو، توان و توفیق دهد، و ولی، حافظ، نگاهدار و کفایتگر تو باشد. جماعتی، از هارون بن موسی، از محمد بن همام، از عبد الله بن جعفر حمیری نقل می‌کنند: هنگامی که ابو عمرو - که خدای تعالی از آن راضی باشد - از دنیا رفت، نامه‌ها با همان خطی که [در زمان حیات او] برایمان می‌آمد، رسید و ابو جعفر - که خدایش راضی باشد - را جانشین وی قرار داد.

با همین سند از محمد بن همام: محمد بن حمویه بن عبد العزیز رازی در سال دویست و هشتاد، از محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی برایم چنین نقل کرد: پس از وفات ابو عمرو این نامه برایم آمد: پسر - که خدا او را نگاه دارد - در حیات پدر - که خدا از او راضی باشد، او را راضی گرداند و چهره‌اش را زیبا قرار دهد - همواره مورد وثوق ما بود. او نزد ما همان جای پدر را دارد و به امر ماست که فرمان می‌دهد و بدان عمل می‌کند، خداوند او را مورد عنایت قرار دهد، پس به سخن او عمل کن و مراجعین ما را از این مطلب بی‌گازان.

جماعتی، از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه و ابوغالب زراری و ابو محمد تلعبکری، از محمد بن یعقوب از اسحاق بن یعقوب روایت می‌کنند: از محمد بن عثمان عمری رحمته الله درخواست کردم نامه‌ای را که در آن سؤالات مشکلم را مطرح کرده بودم به ناحیه برساند، توقیع با خط مولایمان صاحب الدار رحمته الله چنین آمد و پیشتر گذشت: اما محمد بن عثمان عمری - که خدا از او، و پیشتر از پدرش راضی باشد -؛ ثقه‌ی من است و نامه‌ی او نامه‌ی من است.

ابوالعباس گوید: هبة الله بن محمد پسر دختر ام کلثوم دختر ابو جعفر عمری از مشایخش چنین نقل کرد: شیعیان به عدالت عثمان بن سعید و محمد بن عثمان - که خدا رحمتشان کند - اعتقاد داشتند تا آنکه ابو عمرو عثمان بن سعید - که خدایش رحمت کند - از دنیا رفت. پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان او را غسل داد و تجهیز کرد، تمامی امور پدر نیز به او منتقل شد، شیعیان هم بر عدالت، وثاقت و امانت وی اتفاق کردند، و این به خاطر آن بود

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام رحمته الله
منزلت امام رحمته الله
حکومت امام رحمته الله
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام رحمته الله
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام رحمته الله در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

که در حیات امام عسکری علیه السلام، و پس از وفات ایشان در حیات پدرش عثمان، بر امانت و عدالت وی تصریح شده بود و مأمور بودند بدو رجوع کنند.

اختلافی در عدالت و تردیدی در امانت او نیست. در طول حیات او و امور مهم، توقیعات به واسطه‌ی او برای شیعیان می‌آمد، و با همان خطی بود که در حیات پدرش عثمان می‌رسید. شیعه در این امر جز او را نمی‌شناخت و به کس دیگری رجوع نمی‌کرد.

براهین بسیاری از او نقل شده، معجزات امام علیه السلام بردستان او آشکار شد، و همچنین است اموری که از جانب امام علیه السلام به شیعیان خبر می‌داد و موجب فزونی بصیرت آنان نسبت به این امر بود، و این‌ها نزد شیعیان مشهور است و ما برخی موارد آن را پیشتر ذکر کردیم، از این رو تکرار نمی‌کنیم، زیرا همین قدر برای انسان منصف کافی است.

ابن نوح گوید: ابونصر هبة الله پسر دختر ام کلثوم دختر ابو جعفر عمری برایم گفت: ابو جعفر محمد بن عثمان عمری، در فقه کتاب‌هایی بر اساس آنچه خود از امام عسکری و صاحب علیه السلام و نیز از پدرش عثمان بن سعید - از امام عسکری و امام هادی علیه السلام - شنیده، نگاشته بود، برخی از آن کتب کتب الاشریة است. ام کلثوم دختر ابو جعفر - که خدا از او راضی باشد - می‌گوید: این کتب، هنگام وصیت به ابوالقاسم حسین بن روح، به او که آنها را در اختیار داشت رسید.

ابونصر گوید: گمان می‌کنم ام کلثوم در ادامه گفت: پس از او هم به ابوالحسن سمری منتقل شد.

ابو جعفر بن بابویه گوید: از محمد بن عثمان عمری رحمه الله روایت شده که گفت: به خدا سوگند صاحب این امر، هر ساله در موسم حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند و می‌شناسد، ولی آنان ایشان را می‌بینند و نمی‌شناسند.

جماعتی، از محمد بن علی بن الحسین، از پدرش، محمد بن الحسن و محمد بن موسی بن متوکل، از عبد الله بن جعفر حمیری چنین نقل کردند: از محمد بن عثمان - که خدا از او رضا باشد - سؤال کردم: آیا صاحب این امر را دیده‌ای؟ فرمود: آری، و آخرین بار کنار بیت الله الحرام بود و ایشان عرضه می‌داشت: خدایا! آنچه را به من وعده دادی به انجام رسان.

محمد بن عثمان گفت: آن حضرت علیه السلام را دیدم که در کنار مستجار دست در پرده های کعبه آویخته و عرضه می دارد: خدایا! انتقام مرا از دشمنانت بگیر.

با همین سند از محمد بن علی، از پدرش، از علی بن سلیمان زراری، از علی بن صدقه قمی رحمته الله: بدون آنکه محمد بن عثمان عمری پرسشی کند، توقیعی برای او آمد تا به کسانی که از نام [امام علیه السلام] می پرسند خبر دهد: یا سکوت و بهشت، و یا کلام و آتش، زیرا اگر آنان [شیعیان] از نام آگاه شوند آن را نشر می دهند، و اگر بر مکان واقف گردند بدان راهنمایی می کنند.

ابن نوح گوید: ابونصر هبة الله بن محمد، از ابوعلی بن ابی جید قمی رحمته الله، از ابوالحسن علی بن احمد دلال قمی برایم چنین نقل کرد: روزی نزد ابو جعفر محمد بن عثمان رفتم تا سلامی بگویم، دیدم مقابل او چوبی قرار دارد و نقاشی بر روی آن مشغول کار است و آیاتی از قرآن و اسامی ائمه علیهم السلام را در اطرافش می نگارد، گفتم: آقای من! این چوب چیست؟ فرمود: این برای قبر من است و در آن خواهد بود، و بر روی آن قرار داده می شوم - و شاید گفت: بدان تکیه داده می شوم -، از [آماده سازی] قبر فارغ شده ام. هر روز درون قبر می روم و یک جزء قرآن تلاوت کرده بیرون می آیم - او [ابن ابی جید] گفت: گمان می کنم علی بن احمد دلال گفت: محمد بن عثمان دست مرا گرفت و برد و قبر را به من نمایند -، پس چون روز فلان از ماه فلان از سال فلان فرارسید، نزد خدای عزوجل خواهم رفت و در اینجا به همراه این چوب دفن خواهم شد.

وقتی از حضور او بیرون آمدم آنچه را گفته بود یادداشت کردم و مراقب بودم. مدت زیادی نگذشت که ابو جعفر بیمار شد و در همان روز و ماه و سالی که گفته بود از دنیا رفت و در همان مکان به خاک سپرده شد.

ابونصر هبة الله گوید: من این مطلب را از غیر ابوعلی نیز شنیدم، ام کلثوم دختر ابو جعفر - که خدا از او و پدرش راضی باشد - نیز آن را برایم نقل نمود.

جماعتی، از ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، از محمد بن علی بن اسود قمی نقل کردند: ابو جعفر عمری رحمته الله برای خود قبری کند و آن را با ساج آماده نمود، در این باره از او

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سؤال کردم، فرمود: مردم اغراضی دارند.

بعداً نیز در این باره سؤال کردم و گفت: امر شده ام که کار خود را به پایان برسانم. و بعد از دو ماه از دنیا رفت - خدا از او رضا باشد و او را راضی گرداند -.

ابونصر هبة الله گوید: به دست خط ابو غالب زراری - که خدایش رحمت کند و بیامرزد - چنین یافتیم: ابو جعفر محمد بن عثمان عمری در آخر جمادی الاولى سال سیصد و پنج از دنیا رفت.

ابونصر هبة الله بن محمد بن احمد گوید: ابو جعفر عمری به سال سیصد و چهار از دنیا رفت، در حالی که نزدیک به پنجاه سال عهده دار این امر بود. مردم اموال را نزد او می آوردند، و او توقیعات - پیرامون امور مهم دین و دنیا، و سؤالات مردم و پاسخ های شگفت - را با همان دست خطی که در زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام به آنان می رسید، بر آنان عرضه می نمود - خدا از او راضی باشد و او را راضی گرداند -.

ابونصر هبة الله گوید: قبر ابو جعفر محمد بن عثمان، در کنار مادرش در شارع باب الکوفه است، در محلی که خانه هایش در آن بود، و هم اکنون در وسط بیابان قرار دارد.

ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، طبق فرمان امام علیه السلام ابو القاسم حسین بن روح را جانشین خود قرار می دهد

حسین بن ابراهیم قمی، از ابو العباس احمد بن علی بن نوح علیه السلام، از ابو علی احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری علیه السلام، از ابو عبد الله جعفر بن محمد مدائنی معروف به ابن قزدا در مقابر قریش [کاظمین علیه السلام] چنین برایم نقل کرد: من هنگامی که مالی را برای شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان عمری علیه السلام می بردم، عادت این بود که سخنی می گفتم که هیچ کس با او چنین سخن نیاغازد، می گفتم: این مال که فلان مقدار است برای امام علیه السلام است، او هم می گفت: آری،

۱. با توجه به اینکه آغاز غیبت صغری در سال دویست و شصت هجری بوده و از آن زمان تا سال سیصد و چهار، چهار سال بیشتر نیست، می توان گفت: مقصود از اینکه ایشان حدود پنجاه سال این امر را بر عهده داشته، آن است که هم در زمان امام عسکری علیه السلام و هم در دوران سفارت پدر، اموری را بر عهده داشته است، همان گونه که از روایت کافی ۱/ ۳۳۰ و نیز غیبت شیخ طوسی / ۳۶۰ استفاده می گردد. م

آن را بگذار، من دوباره باز می‌گشتم و می‌گفتم: تومی گویی برای امام است؟ او هم پاسخ می‌داد: آری، برای امام علیه السلام است و آن را دریافت می‌کرد.

آخرین باری که خدمت ایشان رسیدم چهارصد دینار با خود همراه داشتم، طبق عادت همان سخن را گفتم، ولی ایشان فرمود: آن را نزد حسین بن روح ببر، من درنگ کردم و گفتم: آیا طبق عادت، شما آن را می‌گیرید؟ ایشان سخن مراد کرد و گفت: برو - خدا تو را از بلا نگاه دارد - و آن را به حسین بن روح بسپار.

وقتی غضب را در چهره‌اش دیدم بیرون رفتم و بر مرکبم نشستم، در میانه‌ی راه با حالت تردید برگشتم و در را کوفتم، خادم آمد و پرسید: کیست؟ گفتم: من فلانی هستم، برایم اجازه‌ی ورود بگیر، ولی با اعتراض او نسبت به سخن و بازگشتم مواجه شدم.

گفتم: برو اجازه بگیر که باید ایشان را ببینم، او نیز چنین کرد. جناب عمری که به خانه‌ی زنان رفته بودند، بیرون آمدند، بر روی تختی نشستند و پاهایشان بر زمین بود، گفتند: چرا بازگشتی، و آنچه را گفتم به انجام نرساندی؟ گفتم: نتوانستم به انجام رسانم، با حالت غضب فرمود: برو - خدا تو را از بلا نگاه دارد - که من، ابوالقاسم حسین بن روح را در جای خود گماردم، گفتم: آیا به فرمان امام؟ فرمود: برو - خدایت نگاه دارد - همانسان که می‌گویی. من نیز با شتاب نزد حسین بن روح که در خانه‌ای کوچک بود آمدم و جریان را برای او بازگو کردم. او مسرور شد و سپاس خدای عزیز و جلیل را به جای آورد، من دینارها را به او سپردم، پس از آن نیز چنین می‌کردم.

ابوالحسن علی بن بلال بن معاویه مهلبی، از جعفر بن محمد بن قولویه قمی، از جعفر بن احمد بن متیل قمی نقل می‌کند: ابو جعفر محمد بن عثمان عمری در بغداد حدود ده نفر - از جمله ابوالقاسم بن روح - را داشت که از جانب او به انجام امور می‌پرداختند. آنان همه از حسین بن روح بدو نزدیکتر بودند حتی اگر کاریا حاجتی برای ابو جعفر پیش می‌آمد، آن را توسط غیر او انجام می‌داد، ولی چون هنگام وفاتش فرا رسید، او اختیار و بدو وصیت شد. مشایخ ما می‌گفتند: تردیدی نداشتیم که جانشین ابو جعفر، جعفر بن احمد بن متیل است و یا پدرش، و این به خاطر نزدیکی و قرب او، و نیز حضور پررنگش در خانه‌ی ابو جعفر

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بود، تا جایی که ایشان در آخر عمر غذایی نمی خوردند مگر آنچه در خانه ی جعفر بن احمد بن متیل و پدرش تهیه شده باشد، بابت اتفاقی که رخ داده بود.

رفقای ما تردیدی نداشتند که اگر رخدادی پیش آید، اوست که بابت این قرب جانشین خواهد شد، ولی وقتی فوت ابو جعفر فرا رسید و ابوالقاسم اختیار شد، آنان انکار نکردند، بلکه با او به مانند ابو جعفر - که خدایش راضی باشد - همراهی کردند و حضورش می رسیدند. جعفر بن احمد بن متیل هم پیوسته در میان یاران ابوالقاسم و نزد او بود، همان گونه که تا دم مرگ با ابو جعفر عمری بود. پس هرکسی بر ابوالقاسم ایراد گیرد، بر ابو جعفر و نیز بر حجت علیه السلام خرده گرفته است.

جماعتی، از ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، از ابو جعفر محمد بن علی اسود رضی الله عنه نقل می کنند: اموالی را که در باب الوقف به دست می آمد، نزد ابو جعفر محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه می بردم و ایشان دریافت می کرد. دو یا سه سال پیش از وفات ایشان اموالی را بردم، اما فرمان داد آن را به ابوالقاسم روحی - که خدا از او راضی باشد - بدهم، من هم چنین کردم و از ایشان رسید نیز خواستم. ایشان درخواست مرا به گله نزد ابو جعفر برد، ابو جعفر هم دستور داد دیگر رسید نخواهم و فرمود: هرچه به دست ابوالقاسم برسد به دست من رسیده است. بعد از آن اموال را می بردم و تقاضای رسید نمی کردم.

با همین سند از محمد بن علی بن الحسین، از علی بن محمد بن متیل، از عمویش جعفر بن احمد بن متیل روایت می کند: هنگام وفات ابو جعفر محمد بن عثمان عمری، کنار سرش نشسته بودم و سؤال می کردم و سخن می گفتم، ابوالقاسم بن روح نیز کنار پاهای او نشسته بود. ابو جعفر به من رو کرد و فرمود: مأمور شدم تا ابوالقاسم حسین بن روح را جانشین قرار دهم.

پس، من از کنار سرایشان برخاستم، دست ابوالقاسم را گرفته به جای خود نشاندم، و خود کنار پاهایش نشستم.

ابن نوح گوید: ابو عبد الله حسین بن علی بن بابویه قمی، در ربیع الاول سال سیصد و هفتاد و هشت به بصره آمد، او برایم گفت: از همسر علویه ی صفار و حسین بن احمد بن ادريس

این جریان را شنیدم، آنان گفتند که در آن زمان در بغداد بودند و این مطلب را خود دیده‌اند. جماعتی، از ابو محمد هارون بن موسی، از ابو علی محمد بن همام - که خدایش رضا باشد و راضی گرداند - نقل کردند که ابو جعفر محمد بن عثمان عمری، پیش از وفات ما را - که سرشناسان و بزرگان شیعه بودیم - گرد آورد و فرمود: اگر مرگ به سراغم آمد، این امر به ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی منتقل می‌گردد، من مأمور شده‌ام تا پس از خود او را در مکانم قرار دهم، پس بدو رجوع کنید و در امورتان براو اعتماد نمایید.

حسین بن ابراهیم، از ابن نوح، از ابونصر هبة الله بن محمد روایت می‌کند: دایی من ابوابراهیم جعفر بن احمد نوبختی، از پدرش احمد بن ابراهیم، عمویش ابو جعفر عبد الله بن ابراهیم و جماعتی از خاندان ما - یعنی بنی نوبخت - نقل کرد: هنگامی که بیماری ابو جعفر عمری شدت گرفت، گروهی از بزرگان شیعه از جمله ابو علی بن همام، ابو عبد الله بن محمد کاتب، ابو عبد الله باقطنی، ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابو عبد الله بن وجناء و دیگر از سرشناسان، نزد ابو جعفر آمدند و گفتند: اگر حادثه‌ای رخ دهد، چه کسی به جای شما خواهد بود؟ فرمود: این ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی قائم مقام من، سفیر میان شما و صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه، وکیل و ثقه‌ی امین است، پس در امور خود بدو رجوع کنید و در مسائل مهمتان براو اعتماد کنید، چرا که به آنچه گفتیم امر شدم و آن را رساندم.

با همین سند از هبة الله بن محمد پسر دختر ام کلثوم دختر ابو جعفر: ابوالقاسم حسین بن روح، سال‌ها نماینده‌ی ابو جعفر بود، بر اموالک وی نظارت داشت، و پیام‌های او را برای رؤسای شیعه می‌برد. وی چنان به ابو جعفر نزدیک بود که ایشان امور خانوادگی خود را با او در میان می‌گذاشت. ابو جعفر در هر ماه سی دینار برای ارتزاق به او می‌داد و این علاوه بر آن چیزی بود که از جانب وزیران و رؤسای شیعه مانند آل فرات و دیگران - بابت مکانت و جلالتی که نزد آنان داشت - بدو می‌رسید.

از آنجا که شیعیان مطلع بودند پدرم او را به خود اختصاص داده، ثقه می‌داند، فضیلت و تدبیر وی را بازگویی کند و نشر می‌دهد، و نیز خود او شایستگی‌هایی نشان داده بود، نزد شیعیان مکانتی عظیم یافت. لذا در همان حیات پدرم مقدمات جانشینی او فراهم شد

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تا آنکه با تصریح براو، این امر بدو انتقال یافت.

در مورد ایشان اختلافی در نگرفت و تردیدی رخ نداد مگر از سوی کسی که در آغاز از فرمان پدرم آگاهی نداشته است، و اطلاع ندارم کسی از شیعه در مورد او دچار تردید شده باشد. من این مطلب را از تنی چند از بنی نوبخت - که خدا رحمتشان کند - نیز شنیده‌ام، کسانی چون ابوالحسن بن کبریا و دیگران.

جماعتی، از ابوالعباس بن نوح برایم نقل کردند: به دست خط محمد بن نفیس که در اهواز نوشته بود چنین یافتیم: نخستین نامه‌ای که از ابوالقاسم - که خدایش راضی باشد - [از ناحیه] آمد این است: ما او را می‌شناسیم، خدا تمام خیر و رضوان خویش را بدو بشناساند و با توفیق یاری اش دهد، از نامه اش آگاه شدیم، بدو اعتماد داریم، او نزد ما مقام و جایگاهی دارد که موجب مسرت اوست، خدا در احسان براو بیفزاید که ولیّ تواناست، والحمد لله لا شریک له و صلی الله علی رسولہ محمد و آله و سلم تسلیما کثیراً.

این نامه در روز یکشنبه شش شب گذشته از شوال سال سیصد و پنج رسید.^۱
شیخ طوسی رحمه الله در ادامه برخی توقیعات را نقل می‌کند.

غیبت شیخ طوسی / ۴۴۷: «محمد بن عثمان بن سعید عمری که ابو جعفر کنیه دارد و پدرش ابو عمرو، هر دو نماینده‌ی صاحب الزمان علیه السلام بودند و نزد شیعیان منزلتی بزرگ داشتند.»

کمال الدین ۲ / ۵۱۰ تسلیت امام عصر علیه السلام به محمد بن عثمان در وفات پدرش رحمه الله را نقل می‌کند.^۱

علامه‌ی حلی رحمه الله در خلاصه / ۲۲۰: «عثمان بن سعید... وی شخصیتی مورد وثوق و جلیل القدر است که نمایندگی امام عسکری علیه السلام را عهده دار بوده است. در علت نامگذاری او به عمری اختلاف است، گفته شده که وی پسر دختر ابو جعفر عمری - که خدا از او راضی باشد - بوده و به جدّش منتسب شده است، برخی نیز گویند: امام عسکری علیه السلام فرمودند: در کسی [نام] عثمان و [کنیه‌ی] ابو عمرو جمع نمی‌شود، و فرمان دادند کنیه اش شکسته شود، لذا

۱. و نیز غیبت شیخ طوسی / ۲۱۹، احتجاج ۲ / ۴۸۱، الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۱۲ و منتخب الانوار / ۱۲۸

[به جای ابو عمرو] عمری گفتند.»

همان / ۲۵۰: «محمد بن عثمان بن سعید عمری: ... کنیه‌ی ایشان ابو جعفر و کنیه‌ی پدرشان ابو عمرو است و هر دو در خدمت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه منصب نمایندگی داشتند، و نزد شیعیان مکانتی عظیم دارند. محمد برای خود قبری حفر و آن را با ساج آماده کرده بود... هنگامی که وفات سمری فرا رسید، از او خواستند جانشین تعیین کند، ولی فرمود: خداوند امری دارد و آن را به انجام می‌رساند.

غیبت دوم همان است که پس از درگذشت جناب سمری رخ داد.»

آیت الله خوئی رحمه الله در معجم ۱۲/ ۱۲۲: «شیخ طوسی او را در زمره‌ی سفیران ستوده آورده و می‌ستاید، و روایاتی چند در مدح و جلالتش نقل می‌کند...»

کمال الدین ۵۰۴/ ۲ از جعفر بن محمد بن متیل: «ابو جعفر محمد بن عثمان سَمَّان معروف به عمری - که خدایش راضی باشد - مرا خواند و پارچه‌هایی کوچک و خط دار و کیسه‌ای درهم به من داد و فرمود: نیاز است هم اکنون خود به واسط بروی، و آنچه را به تو سپردم، به نخستین مردی که هنگام صعود از کشتی به شط، با تو برخورد می‌کند بسپاری.

من ناراحت شده با خود گفتم: مثل منی را برای این کار و با این شیء خُرد می‌فرستند؟ به واسط آمدم و از کشتی بالا رفتم. از نخستین کسی که برخوردم سراغ حسن بن محمد بن قطة صید لانی - وکیل اوقاف واسط - را گرفتم، او گفت: خودم هستم، تو که هستی؟ گفتم: جعفر بن محمد بن متیل، او مرا به نام شناخت، به یکدیگر سلام کردیم و در آغوش کشیدیم. من گفتم: ابو جعفر عمری بر تو سلام رسانده و این پارچه‌ها و کیسه را به من داده تا به تو بسپارم، صدا زد: الحمد لله، محمد بن عبد الله حائری از دنیا رفته و من برای تهیه‌ی کفن آمده بودم.

وی پارچه‌ها را گشود و درون آن هر چه نیاز داشت بود؛ کفن، پارچه و کافور، و در کیسه، هزینه‌ی کرایه‌ی حَمال و حَقار.

پس جنازه‌اش را تشییع کردیم و من بازگشتم.»^۱

۱. و نیز الخرائج والجرائح ۱۱۹/ ۳، الثاقب فی المناقب ۲۶۱/ و اثبات الهداة ۳/ ۶۷۸

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد رب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

سفیر سوم، حسین بن روح علیه السلام

علامه‌ی حلی در خلاصه ۴۳۲ می‌نگارد: «وکیل امام علیه السلام ابو عمرو عثمان بن سعید عمری است. نخستین کسی که او را در این منصب قرار داد امام عسکری علیه السلام بود، سپس ابو عمرو بر [سفارت] پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان تصریح کرد، امام عسکری علیه السلام نیز بر او تصریح کرده بودند. هنگامی که وفات ابو جعفر محمد بن عثمان فرا رسید و بد حال شد، گروهی از بزرگان شیعه از جمله ابوعلی بن همام، ابو عبد الله محمد کاتب، ابو عبد الله باقطنی، ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابو عبد الله بن وجناء و دیگران سرشناسان نزد او آمدند و گفتند: اگر حادثه‌ای رخ دهد، چه کسی به جای شما خواهد بود؟ فرمود: این ابو القاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی قائم مقام من، سفیر میان شما و صاحب الامر، وکیل و ثقه‌ی امین است، پس در امور خود بدو رجوع کنید و در مسائل مهم بر او اعتماد کنید که به آنچه گفتم امر شده‌ام و آن را رساندم.

ابو القاسم بن روح نیز به ابو الحسن علی بن محمد سمري وصیت کرد، و چون وفات سمري فرا رسید، برخی حاضران از ایشان درخواست کردند تا وصی قرار دهد، ایشان فرمود: خداوند امری دارد و آن را به انجام می‌رساند.

ایشان - که خدا رحمتش کند - در سال سیصد و بیست و نه درگذشت.

کمال الدین ۵۰۳/۲ از جعفر بن محمد بن متیل نقل می‌کند: «هنگام وفات ابو جعفر محمد بن عثمان عمری ستمان - که خدایش رضا باشد - کنار سرش نشسته بودم و سؤال می‌کردم و سخن می‌گفتم، ابو القاسم حسین بن روح نیز [در پایین پای او] حضور داشت. ابو جعفر به من رو کرد و فرمود: مأمور شدم که ابو القاسم حسین بن روح را جانشین قرار دهم. پس، من از کنار سرایشان برخاستم، دست ابو القاسم را گرفته به جای خود نشاندم، و خود کنار پاهایش نشستم.»

علل الشرائع ۲۴۱/۱: «علت آنکه خداوند تعالی، پیامبران و امامان علیهم السلام را در همه‌ی حالات چیره نمی‌گرداند؛

محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی - که خدایش راضی باشد - برایم گفت: با جماعتی

از جمله علی بن عیسیٰ قصری نزد شیخ ابوالقاسم حسین بن روح - که خدا روح او را پاک دارد - بودیم، مردی برخاست و گفت: می‌خواهم سؤالی بپرسم، ایشان هم استقبال کردند، آن مرد گفت: آیا حسین بن علی علیه السلام ولی خدا بود؟ ایشان پاسخ مثبت دادند، او گفت: آیا قاتل او - که خدا لعنتش کند - دشمن خدا بود؟ و با پاسخ مثبت ایشان مواجه شد، آن مرد صدا زد: آیا ممکن است خدا دشمنش را برولیش مسلط گرداند؟ ابوالقاسم فرمود: در آنچه می‌گویم درنگ کن؛ بدان! خدای تعالی با مردم به عیان سخن نمی‌گوید، و خود شفاهاً با آنان هم کلام نمی‌شود، لکن او - که عزیز و جلیل است - رسولانی از جنس و صنف آنان که بشری چون خودشان بودند را به سوی آنان مبعوث نمود. اگر رسولانی که هم نوع و در چهره‌ی آنان نبودند می‌فرستاد، می‌گریختند و نمی‌پذیرفتند. هنگامی که در صورت خود آنان آمدند، غذا می‌خوردند، و در بازارها راه می‌رفتند، آنها گفتند: شما مانند ما هستید، سخن شما را تنها پس از آن می‌پذیریم که کاری انجام دهید که ما از انجام آن عاجز باشیم، تا بدانیم شما به امری اختصاص یافته‌اید که ما توان آن را نداریم.

از این رو خدای متعال برای آنان معجزاتی قرار داد که خلق از آن عاجزند، برخی از آنها پس از آنکه هشدار داد و عذر خود را بیان داشت طوفان آورد و تمامی طغیانگران و سرکشان را غرق کرد. بعضی در آتش افکنده شد که براو سرد و ایمن شد. برای برخی از آنان از میان سنگ سخت شتری بیرون آمد و در سینه‌اش شیر جریان یافت. برای برخی دیگر دریا شکافته شد، از سنگ چشمه‌ها جاری گشت، عصای خشکش به اژدها تبدیل شد و هرآنچه را به دروغ می‌پرداختند بلعید. بعضی از ایشان کور مادرزاد و پیس را شفا می‌داد، مردگان را به اذن خدا زنده می‌کرد و از آنچه در خانه‌ها می‌خورند و مخفی می‌دارند می‌آگاهانید. برای برخی نیز ماه شکافت، و چارپایان چون شتر و گرگ با او سخن گفتند، و غیر این امور.

هنگامی که ایشان این کارها را انجام دادند و امت‌هایشان خود را از انجام چنین اموری عاجز یافتند، تقدیر و لطف خدا نسبت به بندگان و نیز حکمت او چنین اقتضا کرد که پیامبرانش با این معجزات، در برخی حالات غالب و قاهر باشند و در برخی حالات مغلوب و مقهور، و اگر آنان را در تمامی حالات غلبه می‌داد، مبتلانی نمی‌کرد و نمی‌آزمود، مردمان

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

آنان را به جای خدا به خدایی می گرفتند، و فضیلت صبرآنان بر بلا و محنت و آزمون شناخته نمی شد.

خدای عزوجل در این گونه امور، حالات آنان را چون دیگران قرارداد تا در زمان محنت و بلا شکیباً باشند، و در حال عافیت و پیروزی بردشمن سپاسگزار، و در تمامی احوال، متواضع، سرفرو آر و خاضع باشند، و نیز بندگان بدانند اینان علیهم السلام نیز خدایی دارند که خالق و مدبّر آنهاست، پس او را پرستش کنند و رسولانش را فرمان برند، و حجت و برهان خدای تعالی - بر کسی که نسبت به آنان از حد تجاوز کند و مدعی ربوبیتشان شود، یا درباره ی آنچه پیامبران و رسل آورده اند عناد ورزد، مخالفت، عصیان و انکار کند - استوار و ثابت باشد و نیز **لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَا مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ**، 'تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد، و کسی که [باید] زنده شود، با دلیلی واضح زنده بماند'.

محمد بن ابراهیم بن اسحاق - که خدا از او رضا باشد - گوید: فردای آن روز نزد شیخ ابوالقاسم حسین بن روح آمدم و با خود گفتم: آیا آنچه دیروز برای ما گفت، از پیش خود بود؟ ایشان خود ابتدا به سخن کرده فرمودند: ای محمد بن ابراهیم! اگر از آسمان فروافتم و پرندگان مرا بربایند، یا آنکه باد مرا در مکانی دور بیافکند، برایم بهتر از آن است که در دین خدا - که ذکرش بلند است - به رأی خود سخن گویم، آن مطلب از جانب اصل بود و از حجت علیه السلام شنیده شده بود.»

کمال الدین ۵۱۹/۲ از حسین بن علی بن محمد معروف به ابو علی بغدادی نقل می کند: «... همان سال در بغداد زنی را دیدم که از من سراغ نماینده ی مولایمان علیه السلام را گرفت. برخی قمی ها ابوالقاسم حسین بن روح را به او معرفی کردند. من حضور داشتم که آن زن نزد ایشان آمد و گفت: ای شیخ! چه چیزی همراه من است؟ ایشان فرمود: هر آنچه به همراه داری در دجله بیانداز، سپس بیا تا به تو بگویم. آن زن هم رفت و همه را در دجله انداخت و بازگشت. جناب ابوالقاسم به کنیزی فرمود: آن ظرف را برایم بیاور، او هم ظرفی آورد. ایشان به زن فرمود: این همان ظرفی است که به همراهت بود و در دجله افکندی، من بگویم در آن

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

چیست یا خود می‌گویی؟ وی پاسخ داد: خود بگوئید، حسین بن روح فرمود: در این ظرف، یک جفت دستبند طلا، حلقه‌ای بزرگ که گوهری دارد، دو حلقه‌ی کوچک که گوهر دارند و دو انگشتری که یکی فیروزه است و دیگری عقیق، و مطلب همین طور بود که فرمود و چیزی را وانگذازد. ایشان خود، آن ظرف را باز کردند و آنچه در آن بود را به من نشان دادند. زن نگاه کرد و گفت: این همان است که با خود داشتم و در دجله افکندم. از مشاهده‌ی چنین کرامتی که صدق دعوی او بود، من وزن هر دو از هوش رفتیم.

بعد از اینکه حسین این جریان را برایم گفت، افزود: روز قیامت نزد خدای عزوجل گواهی خواهم داد که مطلب همان طوری بود که گفتم، بی آنکه کم یا زیاد کرده باشم. او به امامان دوازده گانه علیهم السلام نیز سوگند یاد کرد که راست گفته و کم و زیاد نکرده است. «همان ۵۰۳/۲ ماجرای را نقل می‌کند که جناب حسین بن روح رحمه الله در آن، با زنی به زبان فارسی و با لهجه‌ی منطقه‌ی اوسخن گفتند، و حال آنکه او را نمی‌شناختند.

سفیر چهارم، جناب علی بن محمد سمري رحمه الله

کمال الدین ۴۳۲/۲ می‌نویسد: «وکیل امام عثمان بن سعید بود. چون وفات وی فرا رسید، پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان را وصی قرار داد، ابو جعفر نیز به ابوالقاسم حسین بن روح، و ایشان به ابوالحسن علی بن محمد سمري - که خدا از اینان راضی باشد - وصیت کردند. هنگامی که وفات سمري فرا رسید، از ایشان خواستند تا کسی را جانشین خود قرار دهد، ولی فرمود: خداوند امری دارد که آن را به انجام می‌رساند. غیبت تام آن است که بعد از ارتحال سمري واقع شد.»

غیبت شیخ طوسی / ۳۹۳: «سخن درباره‌ی آخرین سفیر ابوالحسن علی بن محمد سمري، پس از شیخ ابوالقاسم حسین بن روح - که خدایشان رضا باشد -، و اینان نمایندگان بودند؛ جماعتی، از ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، از محمد بن ابراهیم بن اسحاق، از حسن بن علی بن زکریا - در بغداد - از ابو عبد الله محمد بن خلیلان، از پدرش، از جدش عتاب که از فرزندان عتاب بن اسید است برایم روایت کردند: مهدی عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه به

دنیا آمد، مادرش ریحانه نام داشت، و نرجس، صقیل و سوسن نیز گفته می شد، البته به سبب بارداری صقیل گفته می شد.

میلااد ایشان در هشتم شعبان سال دویست و پنجاه و شش بود.

وکیل ایشان عثمان بن سعید بود. چون وفات وی فرا رسید، پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان را وصی قرار داد، ابو جعفر نیز به ابو القاسم حسین بن روح، و ایشان به ابو الحسن علی بن محمد سمري وصیت کردند.

هنگامی که وفات سمري فرا رسید، از ایشان خواستند تا کسی را جانشین خود قرار دهد، ولی فرمود: خداوند امري دارد که آن را به انجام می رساند. غیبت تام آن است که بعد از ارتحال سمري واقع شد.

محمد بن محمد بن نعمان و حسین بن عبیدالله، از ابو عبد الله محمد بن احمد صفوانی برایم نقل کردند: شیخ ابو القاسم به ابو الحسن علی بن محمد سمري وصیت کرد، و او هم اموری را که ابو القاسم بر عهده داشت، بر عهده گرفت. هنگام وفات، شیعیان نزد او حضور یافتند و از وکیل و قائم مقام او پرسیدند، ولی ایشان هیچ چیزی در این باره نفرمود، و اظهار داشت که مأمور نیست کسی را پس از خود برای این امر تعیین کند.

جماعتی، از ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از ابو الحسن صالح بن شعیب طالقانی رحمه الله - در ذی قعده ی سال سیصد و سی و نه -، از ابو عبد الله احمد بن ابراهیم بن مخلد برایم نقل کردند: من نزد بزرگان - که خدایشان رحمت کند - در بغداد رسیدم، شیخ ابو الحسن علی بن محمد سمري رحمه الله ابتدا به سخن کرد و فرمود: خدا علی بن الحسین بن بابویه قمی را رحمت کند.

مشایخ تاریخ آن روز را نگاشتند، و خبر رسید که در همان روز، ایشان از دنیا رفته است.^۱ ابو الحسن سمري - که خدایش رضا باشد - پس از آن و در نیمه ی شعبان سال سیصد و بیست و نه از دنیا رفت.

۱. و نیز کمال الدین ۲ / ۵۰۳، الثاقب فی المناقب / ۲۷۰، الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۲۸، اثبات الهداة ۳ / ۶۷۸ و بحار

نگارنده: در ابتدای فصل سفیران، توقیعی که جناب سمري عليه السلام آن را خواند، و در آن مأمور بود پس از خود کسی را جانشین قرار ندهد، به علت آنکه غیبت تام آغاز شده است، گذشت.

دلائل الامامة / ۵۲۴ روایت می‌کند: «علی بن محمد سمري گفت: در نامه‌ای به امام عليه السلام درباره‌ی علوم ایشان سؤال کردم، در پاسخ نگاشتند: دانش ما بر سه وجه است: ماضی، غابرو حادث؛ ماضی مشروح است، و غابرو موقوف، و اما حادث، در دل‌ها افکنده و در گوش‌ها القاء می‌شود، و این برترین دانش ماست، و پیامبری بعد از پیامبرمان صلی الله علیه و آله نیست [پس کسی گمان نکند ما پیامبرانیم].»

حسین بن روح، مرد مرحله‌ی تحوّل

نکته‌ی نخست؛ برخی مورخان، قرن چهارم هجری را قرن تشیع نام نهاده‌اند، زیرا موجی شیعی و عظیم را به خود دیده است. آدام متز خاور شناس در کتاب خود الحضارة الإسلامية فی القرن الرابع نیز این حقیقت را تأیید می‌کند.

دولت فاطمیین در مغرب قدرت یافت، و در ابتدای قرن چهارم مصر را تحت فشار قرار داد، تا جایی که آن را اشغال کرد و پایتخت قرار داد.

نهضت علویان نیز در شمال ایران پیروز شد و دولت خود را در طبرستان پایه گذاری کرد. هم زمان خطر قرمطیان که خود را از شیعیان می‌انگاشتند و معتقد بودند رهبرشان از نسل حضرت امیر عليه السلام است نیز بالا گرفت، و هجوم‌های پیاپی و سالانه‌ی آنان به کاروان‌های حاجیان بروز کرد. آنها در ادامه به مکه هجوم آوردند، حجاج را به شکلی فجیع کشتند، حجر الاسود را به سرقت بردند، و حج را تعطیل کردند. حملات آنان در همین وسعت منحصر نشد و دامنه‌ی آن اطراف بغداد، بلاد شام و فلسطین را نیز گرفت.

البته این اوضاع و شرائط بیرونی که دولت عباسیان را احاطه کرده بود، همان قدر که موجب نفوذ علویان و تشیع شده بود، خود موجب فشار داخلی عباسیان بر شیعیان بود.

طبیعی است که آنان، شیعیان بغداد را به تأیید فاطمیین متهم کنند، یا آنها را در ارتباط با آنان بدانند، یا آنکه یاران علویان طبرستان، و حتی قرامطه تلقی کنند.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عليه السلام
منزلت امام عليه السلام
حکومت امام عليه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عليه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عليه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عليه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

البته این تنها خطری نبود که متوجه شیعیان بود، در میان خود آنان هم اندیشه‌ی غلورخ نمود، این امر از ناحیه‌ی برخی مدعیان دروغین منصب سفارت بود، کسانی که برخی از آنان ادعای خود را با سفارت و منزلت نزد امام مهدی علیه السلام آغاز می‌کرد، در ادامه مدعی می‌شد روح آن حضرت در او حلول نموده است، سپس پا را فراتر گذاشته ادعا می‌کرد خداوند، در پیامبر، امامان علیهم السلام و حتی خود او حلول نموده است!

اولین نفرات اینان، شریعی، رفیق او ابن نصیر، حلاج و شلمغانی بودند. اینان هریک انصار و یارانی ساده هم برای خود به هم زدند، بلکه برخی افراد دستگاه حاکم نیز به آنان گرویدند و به حمایت پرداختند، البته اگر نگوییم خود خلیفه نیز برای ضربه زدن به شیعه، پشت آنان را می‌گرفته است.

در چنین اوضاع سختی، سکاندار کشتی تشیع، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی رحمه الله است، شخصیتی مملو از ژرف نگری، یقین و خویشتن داری، او شیعیان را راهبری کرد و با استواری تمام اندیشه‌های اهل بیت علیهم السلام را به تصویر کشید. وی، استقلال شیعیان را از زیدیان طبرستان، فاطمیان مغرب و مصرو قرمطیان جزیره و حوالی حفظ نمود، و از دروغ پردازی غالیان تمایز داد، از این رو به حق می‌بایست او را مرد میدان تحوّل دانست.

دوم؛ سفیر دوم جناب محمد بن عثمان عمری رحمه الله از مکانتی عظیم در بغداد برخوردار بود، او نزدیک به ده نفر صحابی داشت که همه عالم و پرهیزکار بودند و -از دید مردم- شایستگی جانشینی او را داشتند، و احمد بن متیل و پسرش جعفر از بارزترین آنان بودند، این در حالی است که حسین بن روح که از متدینان بنی نوبخت و عالمان آنان بود، بسان آنان به جناب عمری نزدیک نبود. لکن خدا به خاطر اوصافی که خود می‌داند، او را برای این مهم برگزید، شخصیت بلند و خویشتن داری وی نیز آشکار بود و ابن متیل و ابوسهل نوبختی بر آن گواهی می‌دهند، شیخ طوسی در غیبت / ۳۹۱ می‌نگارد: «ابن نوح گوید: از گروهی از اصحابمان در مصر شنیدم که می‌گفتند: از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چرا این امر به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح -و نه شما- واگذار شد؟ او پاسخ داد: آنان خود بهتری می‌دانند چه کسی را انتخاب کنند، من مردی هستم که با دشمنان دیدار می‌کنم و به گفتگو و مناظره می‌نشینم، حال اگر بسان ابوالقاسم

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

از مکان امام مطلع باشم و در تنگنا قرار گیرم، شاید مکان ایشان را بنمایانم، اما ابوالقاسم اگر حجت در زیر جامه‌اش باشد و با قیچی او را پاره پاره کنند، جامه را کنار نمی‌زند.»

نگارنده: این اوصاف جناب حسین بن روح علیه السلام نزد اصحاب معروف بود، و بعد از آنکه با خبر سفیر دوم از اینکه امام علیه السلام او را به سفارت گمارده است و به عنوان سفیر مورد قبول آنان قرار گرفت، این عامل را می‌توان عامل دوم پذیرش وی قرار داد.

کمال الدین ۵۰۳/۲ از جعفر بن متیل رضی الله عنه روایت می‌کند: «هنگام وفات ابو جعفر محمد بن عثمان عمری سَمّان - که خدایش رضا باشد - کنار سرش نشسته بودم و سؤال می‌کردم و سخن می‌گفتم، ابوالقاسم حسین بن روح نیز [پایین پایش] حضور داشت. ابو جعفر به من رو کرد و فرمود: مأمور شدم تا ابوالقاسم حسین بن روح را جانشین قرار دهم.

پس، من از کنار سرایشان برخاستم، دست ابوالقاسم را گرفته به جای خود نشاندم، و خود کنار پاهایش نشستم.»

سوم؛ شگفت‌آورترین مطلبی که پیرامون احوال وی می‌خوانیم، احتیاط وی و مشی بر اساس تقیه است، در آن اوضاعی که برای شیعیان در بغداد فوق العاده خطر بود، غیبت شیخ طوسی / ۳۸۴: «ابو القاسم علیه السلام نزد مخالف و موافق، از خردمندترین مردمان بود و به تقیه رفتار می‌کرد. ابونصر هبة الله بن محمد، از ابو عبد الله بن غالب پدر همسر ابوالحسن بن ابوالطیب نقل می‌کند: من خردمندتر از شیخ ابوالقاسم حسین بن روح ندیدم، روزی او را در خانه‌ی ابن یسار دیدم، او نزد مقتدر و سیده [مادر مقتدر] نیز جایگاهی عظیم داشت، حتی سنیان او را بزرگ می‌داشتند. ابوالقاسم از جهت تقیه و هراس در آنجا حضور می‌یافت.

روزی دو نفر در حضورش بحث می‌کردند، یکی می‌گفت: ابوبکر پس از پیامبر صلی الله علیه و آله افضل مردم است، پس از او عمرو و آنگاه علی، آن شخص دیگر می‌گفت: علی از عمر افضل است، سخن میان آنان بالا رفت که شیخ ابوالقاسم گفت: آنچه صحابه بر آن گرد آمده‌اند مقدم داشتن صدیق، پس از او فاروق، بعد عثمان ذو النورین و آنگاه علی وصی است، اصحاب حدیث بر این باورند و ما نیز همین را صحیح می‌دانیم!

اهل مجلس تعجب کردند، نزدیک بود سنیان او را بر بالای سر برند، برای او بسیار دعا

کردند، و بر کسانی که ایشان را شیعه می دانستند خرده گرفتند.

من خنده ام گرفته بود، اما خود را کنترل کردم و آستین در دهان قرار دادم تا مبادا رسوا شوم و از مجلس خارج شدم. ایشان هم به من نگاهی کرد و متوجه شد. وارد خانه که شدم یکباره دیدم در منزل را می کوبند، بیرون آمدم و دیدم ابوالقاسم حسین بن روح سوار بر استر است، و دانستم پیش از آنکه به منزل رود نزد من آمده. فرمود: ای ابا عبد الله! - خدا یاری ات کند - چرا خندیدی؟ گویا خواستی بر من نهیب بزنی که آنچه گفتم نزد تو صحیح نیست؟ من گفتم: همین طور است.

فرمود: ای شیخ! از خدا بترس، از تو نخواهم گذشت، این سخن را از من عجیب می شماری؟ عرض کردم: آقای من! مردی که خود را نماینده و وکیل امام می داند چنین سخنی می گوید، آیا جای تعجب و خنده نیست؟ فرمود: قسم به جانت، اگر باز چنین کردی از تو دوری خواهم گزید، آنگاه وداع کرد و رفت.

ابونصر هبة الله بن محمد، از ابوالحسن بن کبریا نوبختی نقل می کند: به شیخ ابوالقاسم خبر رسید در بانی که برادر اول در بانی می کند، معاویه را لعن و شتم کرده است، پس فرمان داد او را از خدمت برانند.

او مدتی طولانی ماند و می خواست باز گردد، ولی به خدا قسم ایشان او را به خدمت باز نگردانند. برخی از افراد خانواده او را به همراه خود برد و مشغول به کار کرد. این ها همه بابت تقیه بود.

ابونصر هبة الله گوید: ابواحمد در انویه ی ابرص که خانه اش در کوچه ی کاغذ فروشان بود برایم چنین گفت: من و برادرانم نزد حسین بن روح می رفتیم و با او معامله می نمودیم. ما مثلاً ده نفر بودیم که نه نفر را و لعنت می فرستادند، و یک نفر تردید می کرد. اما چون از نزد او بیرون می آمدیم، نه فرمان با محبت او به درگاه خدا تقرب می جستند، و یک نفر توقف می نمود! زیرا او با ما طریق مدارا پیش می گرفت.»

مناقب آل ابی طالب (عج) ۳ / ۱۰۵: «بزل هروی از حسین بن روح سؤال کرد: دختران رسول خدا ﷺ چند نفر بودند؟ او در پاسخ گفت: چهار، پرسید: کدام برتر است؟ ایشان

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الیه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الیه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الیه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الیه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه الیه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

جواب داد: فاطمه، او گفت: چرا او برتر است، حال آنکه کم سن‌ترین آنان بوده و از همه کمتر محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله را درک کرده است؟ ایشان فرمود: به خاطر دو امر که خدا او را بدان مخصوص گردانید؛ او وارث پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و نسل ایشان از اوست، خداوند او را به این دو ویژگی مخصوص ننمود، مگر بابت برتری خلوص نیت او.»

در بحث زندانی شدن ایشان خواهد آمد که هدف از چنین پرسش‌هایی آن بود که برای ایشان و شیعیان در دسرسازی کنند!

چهارم؛ اینکه خداوند سفیر حجت خود عجل الله تعالی فرجه الیه را از میان بنی نوبخت برمی‌گزیند، شبیه برانگیختن پیامبری از میان دستگاه حاکم است. بنی نوبخت از زمان منصور در دولت عباسیان دارای منزلت و مقام بودند. هنگامی که منصور در اهواز به زندان بنی امیه افتاد، نوبخت - که او نیز زندانی بود و در نجوم و ترجمه سرشته داشت - او را دید، و به فراست دریافت که وی از بنی هاشم است و به حکومت خواهد رسید. منصور در کاغذی برای او نوشت که اگر به حکومت رسد او را نیز به منصبی بگمارد. با پیروزی نهضت عباسیان، منصور نیز وفا کرد و زمین‌های گسترده‌ای به او داد و او بر دست منصور اسلام آورد.^۱

منصور او را مشاور خود قرار داد و به اشاره‌ی او بود که پایتخت خود بغداد را بنا کرد. خاندان نوبخت از همان زمان، در تاریخ عباسیان و نیز فرهنگ و سیاست داخل شدند. آنان در وسط بغداد منطقه‌ای داشتند و خانه‌هایشان معروف بود و شخصیت‌های دولتی و وزیران به دیدار آنان می‌آمدند. حتی مورخان می‌نویسند مهلبی رئیس الوزراء در مقبره‌ی آنان دفن شد، و این دلالت بر آن دارد که مقبره‌ی آنها در مکانی مناسب قرار داشته است. ظاهراً بنی نوبخت در زمان مأمون و یا پیش از آن به تشیع گرویدند.

عالمات و مؤلفان بزرگی در کنار منجمان و مترجمان از میان آنها سر بر آوردند. اما شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رحمه الله از دانشمندان غیر معروف آنان بود، و خداوند او را به سفارت برگزید.^۲ پنجم؛ دوران سفارت جناب حسین بن روح رحمه الله از سال ۳۰۵ آغاز شد و به سال ۳۲۶ پایان یافت،

۱. تاریخ الاسلام ذهبی ۹ / ۴۶۷

۲. برای آشنایی با بنی نوبخت رک به الانساب سماعی ۵ / ۵۲۹، وفیات الاعیان ۲ / ۱۲۷، مروج الذهب ۴ / ۱۳۰ و رجال نجاشی ۳۷۳

و این هم زمان با خلافت مقتدر عباسی بود. مقتدر در سیزده سالگی و به سال ۲۹۵ به خلافت رسید، ربع قرن حکومت کرد و در سال ۲۲۰ به قتل رسید.

مآثر الانافة ۱ / ۲۷۴ می نویسد: «مردی از بربر او را به قتل رساند و لباس هایش را در آورد. مردی از کنار او عبور کرد و شرمگاه او را با گیاهی پوشانید. آنگاه قبری برای او کند و دفن کرد که اثر آن مخفی ماند.»

ابن عبد ربه در العقد الفرید / ۱۲۷۰ می نویسد: «مقتدر در دوران خلافت دو بار خلع شد، یک بار با گذشت چهار ماه و چند روز از خلافتش و به توسط ابن معتز، ولی همان روز کودتای ابن معتز خنثی شد. بار دوم پس از گذشت بیست و یک سال و دو ماه و دو روز از خلافتش از قدرت کناره گیری کرد و بر این امر گواه گرفت. او دو روز و اندی قاهر را به قدرت نشانید، ولی لشکریان آن دو با یکدیگر درگیر شدند و مقتدر به خلافت بازگشت.

وی هشت روز باقی مانده از رمضان سال دویست و هشتاد و دو به دنیا آمد، و روز چهارشنبه سه روز مانده به آخر شوال سال سیصد و بیست در شماسیه^۱ کشته شد، لذا خلافت او بیست و پنج سال منهای پانزده روز، و سنّ او سی و هشت سال و یک ماه و بیست روز بود...

وزرای او به ترتیب عباس بن حسن، علی بن محمد بن موسی بن فرات، عبیدالله بن خاقان، ابوالحسن علی بن عیسی بن داود بن جراح، حامد بن عباس، احمد بن عبیدالله خصیبی، محمد بن علی بن مقله، سلیمان بن حسن بن مخلد بن جراح، عبیدالله بن محمد کلوذانی، حسین بن قاسم بن عبیدالله بن سلیمان بن وهب، و فضل بن جعفر بن موسی بن فرات بودند.»

نگارنده: وزیر در آن روز به معنای رئیس الوزراء بوده است، یعنی کسی که خزانه دار دولت و عهده دار بسیاری از امور اداری بوده است. وزیر، فرماندهان لشکر و حاکمان مناطق، سه ضلع مثلث قوای دولت را تشکیل می دادند، و البته گاه قوه ی دیگری نیز یافت می شد. در میان این یازده وزیری که وزارت مقتدر را بر عهده داشتند، تنی چند از شیعیان و یا مایلان به

۱. منطقه ای در بغداد

تشیع حضور دارند، از جمله ابن مقله، و بارزترین اینان ابن فرات است که خلیفه او را به منصب وزارت گمارد، پس از مدتی برکنار کرد، اموالش را مصادره نمود و وی را به زندان انداخت. البته شایستگی های ابن فرات، موجب شد مقتدر وی را به قدرت بازگرداند. ابن فرات نزد مردم نیز محبوبیت داشت.

اللباب فی تهذیب الانساب ۲ / ۱۴ می نویسد: «ابن فرات در جود و سخا شبیه برمکیان بود، شاعر نیز گوید:

آل الفرات و آل برمک ما لکم قَلّ المعین لکم و قَلّ الناصر

ای آل فرات و ای آل برمک! از چه روست که یاران و ناصران شما اندکند؟»

ابوالحسن صابی در تاریخ الوزراء / ۳ می نویسد: «بنی فرات اهل شهری به نام بابلا صریفین از نهر وان اعلی بودند. آنان در آنجا بیش از سیصد نفر خویشاوند دارند. اولین شخص از آنان که به قدرت رسید، ابوالعباس احمد بن محمد بن موسی بن فرات بود. وی خوش خط، کارآمد، آگاه از حساب و امور و پیشگام اهل زمان در این موارد بود...

ابوالفضل بن عبد الحمید کاتب گوید: هنگامی که ابوالقاسم عبیدالله بن سلیمان به وزارت المعتضد بالله رسید، همه جا پراز خوارج بود، طمع از همه سو حکم می کرد، دارایی ها و اموال از میان رفته بود، اسماعیل بن بلبل مالیات دوسال را در یک سال به کار گرفته بود، نه در خزانه ها مالی بود و نه زری تا بتوان نیاز ناگزیر هر روزه را که هفت هزار دینار است برآورده ساخت.

روزی در مجلس خود در کاخ المعتضد بالله به من گفت: ای ابوالفضل! ما وارد دنیایی ویران و بسته شدیم، بیت المال خالی است، و آغازین زمان های حکومت خلیفه ای جدید است، تا زمان دریافت مالیات هم زمان بسیاری مانده، من هر روز حد اقل هفت هزار دینار برای انفاق های خلیفه نیازمندم، اگر روش کارگشایی داری بگو.

من - که دوست می داشتم بنی فرات را از حبس پرهانم - گفتم: اگر این مقصود و بیش از آن را خواهانی، دو پسر فرات را آزاد ساز و به کار گیر. او هم برخاست، نزد معتضد رفت و جریان را گفت و افزود: من دیر زمانی است که از این امور فاصله گرفته ام، پسران فرات در این امور

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

خبره‌اند و دانش کافی را نیز دارند.

معتضد گفت: چگونه آنان با ما آشتی کنند و حال آنکه به فساد متهمشان کردیم، در حقشان بدی روا داشتیم و اموالشان را مصادره نمودیم؟ او در پاسخ گفت: پس شما حاضرید با آنان آشتی کنید، معتضد گفت: بیم آن می‌رود که میان من و تو را به هم زنند، اما اختیار حبس یا آزادی آنان با توست.

عبیدالله بیرون آمد و جریان را برایم تعریف کرد، ابوالعباس را احضار نمود و بدو گفت: من تقاضا کردم تو را ببخشد، حال از تویاری می‌طلبم، چه خواهی کرد؟ ابوالعباس گفت: توانم را به کار می‌گیرم تا حق تو را ادا و بارت را سبک کنم. عبیدالله خواسته‌ی خود را با او در میان گذاشت، ابوالعباس گفت: جناب وزیر، احمد بن محمد طائی و برادرم ابوالحسن علی بن محمد را احضار کرده، مرا با آنان تنها بگذارد. عبیدالله نیز همین کار را انجام داد.

ابوالعباس و ابوالحسن، برای طائی فرمانداری کوفه، قصر و [دو منطقه‌ی] باروسمای اعلی و اسفل و حوالی آن را ضمانت کردند، با این شرط که هر روز هفت هزار دینار و هر ماه شش هزار دینار پردازد، و پیمان نامه‌ای نوشتند...

او ابوالحسن علی بن محمد بن فرات را که با ابوالعباس برادرش محبوس بود، احضار نمود. ابوالعباس با ریسمانی که بردستش بسته بودند و آثار آن تا آخر عمر باقی بود، آویزان بود، و یکصد و بیست هزار دینار از اموالش را مصادره کرده بودند.

ابوالحسن را که جامه‌ای مندرس در برداشت و موهایش بسیار شده بود، در میان بند از زندان بیرون آوردند.

چون مقابلش قرار گرفت گفت: ای وزیر! خدا را در نظر بگیر، و در حالی که می‌لرزید، از آنچه بر سر خود و برادرش ابوالعباس آمده شکوه کرد. عبیدالله بن سلیمان او را دلداری داد و نزدیک خود نشانید. هراس او را خاموش کرد و مسئله را با او در میان گذارد. ابوالحسن مسرور شد و گفت: مالیات فلان ناحیه فلان قدر است، فلان مقدار از آن رسیده و فلان قدر باقی مانده، کارگزار آن نیک رفتار است، کارگزار فلان ناحیه ناوارد است و شایسته است تعویض گردد...

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

او به اطرافیان رو کرد و گفت: آیا کسی مانند پسر فرات را دیده‌اید؟ به خدا با خلیفه در مورد گذشت از او و برادرش سخن می‌گویم و از آن دو کمک می‌گیرم، زیرا این دو بی‌نظیرند. چند روز گذشت و درباره‌شان با خلیفه صحبت کرد و آنها بخشیده و به کار گمارده شدند.»

نگارنده: خاندان فرات از خاندان‌های معروف بغداد بودند، بنی نوبخت، بسطامیان جعفری که بنی سبزه گفته می‌شدند، آل حمدان که امیران موصل و حلب و برخی در بغداد بودند و نیز آل مقله، از مشاهیر بودند، و ظاهراً باقطنین نیز شیعه بودند، کافی ۱/ ۵۲۵ از علی بن محمد روایت می‌کند: «توقعی [از ناحیه‌ی مقدسه] صادر شد که از زیارت مقابر قریش [کاظمین] و امام حسین عجل الله تعالی فرجه نهی می‌کرد. پس از چند ماه وزیر [فضل بن جعفر بن فرات]، باقطنی را فراخواند و به او گفت: بنی فرات و برسیان را ملاقات کن و بگو: به زیارت مقابر قریش نروند، زیرا خلیفه فرمان داده در جستجوی کسانی که به زیارت می‌روند برآمده، دستگیرشان کنند.»

نشوار المحاضرة / ۱۰۶۶ از دفاع ابن فرات وزیر، از اعطای مناصب مهم به شیعیان به این علت که از دیگران کارآمدترند، سخن به میان می‌آورد: «مردم به خاطر کنار گذاشتن بزرگان کتاب و سپردن کارها به آل بسطام و آل نوبخت بر من خشم گرفته‌اند، به خدا قسم اگر می‌شایست، جز آل نوبخت کسی را بر سر کار نمی‌آوردم.

ابوالحسین گوید: علت جانبداری وی از آل بسطام، آن بود که ابوالعباس [احمد بن محمد بن بسطام] ریاست آنان را برعهده داشت و نیز بابت مذهب، تعصب وی نسبت به بنی نوبخت نیز بابت مذهب بود.»

ششم؛ مادر مقتدر نیز از عوامل قدرت ایشان بود. او کنیزی صقلی یعنی بلغاری بود^۱ و ناعمه نام داشت. معتضد، پس از آنکه او مقتدر را به دنیا آورد، نامش را شغب گذارد. وی شخصیتی توانمند داشت و ظاهر آن است که همو بود که فرماندهان لشکر را برای بیعت با فرزند نوجوانش قانع نمود.

۱. الوافی بالوفیات ۱۱/ ۷۴ و معجم البلدان ۱/ ۸۷

زکلی در الاعلام ۱۶۸/۳ می نویسد: «زنی با تدبیر و دوراندیش از کنیزان ابو جعفر المعتمد بالله بود که وی را آزاد کرد و به همسری گرفت. هنگامی که در سال دویست و نود و پنج خلافت به مقتدر سیزده ساله رسید، این زن بود که او را راهنمایی می کرد و بر امور خلافت استیلا داشت.

او در سال سیصد و شش زنی پیشکار به نام ثمل را فرمان داد که در هفته یک روز را به بررسی امور مردم اختصاص دهد. ثمل نیز می نشست و فقیهان، قاضیان و سرشناسان حاضر می شدند، او نامه ها را با خط خود ارائه می نمود.

هنگامی که عبد الله بن حمدان با کمک برخی اطرافیان مقتدر بروی شورید، و او را به سال سیصد و هفده خلع کردند، مقتدر نزد مادرش مخفی شد و طبق یک قول او و مادرش را به خانه ی مونس مظفر بردند.

مادر او در منطقه ی رصافه ششصد هزار دینار داشت. آن زن را دستگیر کردند، ولی با سرکوب شدن آن نهضت در همان سال، به منصب تدبیر امور بازگشت و تا سال سیصد و بیست که پسرش به قتل رسید باقی ماند. پس از آن قاهر او را - که زنی شایسته بود - مورد شکنجه و ضرب قرار داد. در آمد وی در سال یک میلیون دینار بود که آن را صدقه می داد.»

ذهبی در تاریخ الاسلام ۳۹۹/۲۳ می نویسد: «نخستین کار قاهر آن بود که اموال آل مقتدر را مصادره کرد، و خود آنان را تحت شکنجه قرار داد. او مادر مقتدر را که بیمار بود احضار کرد و با دست خود به سختی او را زد! ولی او چیزی از اموال خود را - به جز پنجاه هزار دینار - اظهار ننمود. قاهر قاضیان را حاضر کرد و آنان را شاهد گرفت که این زن املاک خود را فروخته است... پیوسته او را شکنجه می کرد تا آنکه آویخته به ریسمانی قالب تهی کرد.»

قاهر پس از یک سال و نیم خلع شد و چشمانش را در آوردند.^۱

ظاهراً مقتدر و مادرش کراماتی از جناب حسین بن روح علیه السلام مشاهده کرده بودند، زیرا در مرحله ی نخست - یعنی پیش از آنکه حنبلیان آن دو را برضد شیعه تحریک کنند - او را احترام می کردند، غیبت شیخ طوسی / ۳۸۴ می نویسد: «ابو القاسم علیه السلام نزد مخالف و موافق از خردمندترین مردم

۱. مروج الذهب / ۱۳۰۴

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

بود... او نزد مقتدر و سیده [مادر مقتدر] نیز جایگاهی عظیم داشت، حتی سنیان او را بزرگ می‌داشتند.»

ابن حجر در لسان المیزان ۲/ ۲۸۳ می‌نویسد: «او یکی از رؤسای شیعیان در خلافت مقتدر بود، و جریاناتی با وزیران دارد... در بغداد از منزلتی عظیم برخوردار بود.»

هفتم؛ در اینجا دو عبارت می‌آوریم که از نقش جناب حسین بن روح رحمه الله در رخداد های عظیم حکایت می‌کند:

صفدی در الوافی بالوفیات ۱۲/ ۲۲۶ می‌نویسد: «ابوالقاسم شیعی حسین بن روح بن بحر. ابن ابی طی گوید: او یکی از نمایندگان صاحب الامر است. ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری به نیابت او تصریح کرده... اطرافیان او بسیار بودند، حتی امیران، وزیران، کسانی که از وزارت عزل شده بودند و نیز سرشناسان نزد او می‌رفتند، مردم خردمندی او را وصف می‌کردند.

اوضاع برای منوال بود تا آنکه حامد بن عباس به وزارت رسید. میان آن دو اموری رخ داد که شرح آن به طول می‌انجامد. پس او را دستگیر کرد و پنج سال به زندان انداخت. هنگامی که مقتدر خلع شد، او را آزاد کردند. وقتی به قدرت برگشت، نظرش را درباره‌ی ابوالقاسم جویا شدند، او گفت: رهایش کنید که به خاطر اوست که چنین بر سر ما آمد، و احترام او چون سابق ماند.

او را متهم کردند که با قرامطیان درباره‌ی محاصره‌ی بغداد نامه‌نگاری می‌کند و ثروت‌ها برایش گرد می‌آید. او برای شیعیان فتوا می‌داد و فایده می‌رساند. نزدیک بود به ریاست برسد که به سال سیصد و بیست و شش از دنیا رفت.»

ذهبی در سیر الاعلام ۱۵/ ۲۲۲ می‌نویسد: «بزرگ شیعیان و یکی از نمایندگان صاحب الزمان منتظر، شیخ صالح ابوالقاسم حسین بن روح بن بحر قینی. ابن ابی طی در تاریخ خود می‌نگارد: ابو جعفر محمد بن عثمان عمری به نیابت او تصریح نموده است... علی بن محمد ایدای از پدرش نقل می‌کند: روزی دیدم ابو عمر قاضی براو وارد شد، ابوالقاسم گفت: صحت نظر کسی که هشدار می‌دهد، موجب عبرت کسی است که در ورطه افتاده است،

پس قاضی آنچه را که مصمم است انجام ندهد.

ابو عمر نگاهی به او کرد و گفت: شما از کجا اطلاع دارید؟ ابوالقاسم پاسخ داد: اگر به صحت آنچه گفتم اعتراف داری، اینکه از کجا خبر دارم مهم نیست، و اگر چنین نیست بر من پیروز شده‌ای.

ابو عمر دستان او را گرفت و گفت: نه به خدا قسم، شما را تا امروز یا فردا فرصت می‌دهم، چون بیرون رفت ابوالقاسم گفت: کسی چون او ندیدم که در استدلال شکست خورده باشد و برهان را با نفاق پاسخ دهد، او را از امری آگاه ساختم که با دیگری چنین نکردم.

ابوالقاسم محترم بود تا آنکه وزارت به دست حامد بن عباس افتاد. پس میان آن دو اموری در گرفت که شرح آن به درازا می‌انجامد. ابن ابی طی در ادامه شرح احوال او را آورده و نیز اینکه چگونه دستگیر شد، پنج سال به زندان افتاد، و چسان به هنگام خلع مقتدر رهایی یافت. هنگامی که مقتدر به خلافت بازگشت، در مورد ابوالقاسم با او مشورت کردند، او گفت: رهایش کنید که به خاطر او چنین بر سر ما آمد. او هم چنان مورد اکرام و تبجیل بود تا آنکه به سال سیصد و بیست و شش از دنیا رفت، و نزدیک بود امر او ظاهر شود.

[ذهبی در ادامه می‌گوید: نظر من این است که خداوند شرّ او را دفع کرد (!) زیرا او در باطن در صدد پراکنده ساختن امت بود، گفته شده که با قرمطیان نامه نگاری می‌کرد که به بغداد بیایند و آن را محاصره کنند. شیعیان اموال در اختیار او می‌گذاشتند. او در دفاع از خود ظرافت خاصی داشت، سخنانی بلیغ دارد که بر فصاحت و کمال خرد او دلالت می‌کند. او فتوا دهنده و پیشوای رافضیان بود و جلالتی شگفت داشت. هموست که پس از آگاهی از فساد عقیده‌ی شلمغانی در مقام ردّ بر او برآمد.]

کودتا بر ضدّ مقتدر از جانب دو فرمانده لشکر بود؛ نازوک و ابن حمدان، لکن مونس فرمانده بزرگ بر آنان چیره شد و خلافت را به مقتدر بازگرداند.^۱

این دو عبارتی که از صفدی و ذهبی که هر دو غیر شیعی هستند گذشت، از جلالت جناب حسین بن روح علیه السلام و نقش بارز ایشان در حوادث آن ایام حکایت می‌کند:

۱. صلة تاریخ الطبری / ۹۷

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران
ابدال

یاری فرشتگان
فضیلت استواری

بلاد عرب
مصر

سرزمین شام
حجاز

نمایه‌ای از ظهور
عراق

قساوت دشمنان
ایرانیان

یمنی‌ها
نبرد قدس

یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم
ترکان

دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت
غیبت صغری

نشانه‌های ظهور
رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

الف. می‌رساند ایشان شخصیتی متمایز و غیر عادی بودند. این دو نفر، ایشان را عالمی شیعی که سفیر امام غائب شیعیان است معرفی می‌کنند، نزد بزرگان حکومت مورد احترام و بزرگداشت است، احترامی که از شخص خلیفه و مادرش می‌آغازد!

این گفتار: مردم خرد او را وصف می‌کردند، و نیز: جلالتی شگفت داشت، خطّ بطلانی است بر کزافه گویی ابن حجر که مدّعی است این احترام ساخته‌ی افکار شیعیان است!

وی در لسان المیزان ۲/ ۲۸۳ می‌نویسد: «ابوالقاسم حسین بن روح بن بحر؛ یکی از رؤسای شیعه در دوران خلافت مقتدر است، او حکایاتی با وزیران دارد، پس از مدتی دستگیر و زندانی شد. سبب زندانی شدن... [سفید است]. به سال سیصد و بیست و شش درگذشت. شیعیان برای او حکایاتی ساختند، و به گمان خود کراماتی پرداختند، آنان می‌پندارند که وی در زمان خویش نماینده‌ی منتظر بوده، و در بغداد از جلالتی عظیم برخوردار بوده است، و خدا خود می‌داند.»

البته آخرین جمله‌ی ابن حجر، بر تردید وی نسبت به آنچه پیشتر گفت دلالت دارد!

ب. حسین بن روح رحمه الله به عمق قضایای سیاسی وارد شد، البته با اسلوبی خاص و به راهنمایی امام عجل الله تعالی فرجه. او نصیحت می‌کرد، هشدار می‌داد، طبق آگاهی‌هایی که از امام عجل الله تعالی فرجه دریافت می‌کرد شخصیت‌های بزرگ را فرمان می‌داد، و همه او را ارج نهاده از او حساب می‌بردند، زیرا به عیان صدق خبرهای وی را دیده و از آن بهره برده بودند. البته ماجرای که ذهبی درباره‌ی قاضی نقل کرد، دلالت بر آن ندارد که وی گفتار حسین بن روح را به انجام نرسانده است.

ابو عمر یسان دیگر وزراء به خانه‌ی حسین بن روح می‌آمد، و ممکن است خلیفه و مادرش نیز چنین کرده باشند، البته در مورد عکس این فرض یعنی حضور یافتن جناب نوبختی نزد آنان هیچ عبارتی یافت نشد. قاضی القضاة در صدد امری مهم برآمده بود، امری که ممکن است قتل برخی نزاع‌افروزان دستگاه سلطه - در درگیری که اطراف آن برای دستیابی به مقصود خود به حکم قاضی نیاز دارند - باشد، ولی حسین بن روح خیرخواهانه از او خواست که مقصودش را عملی نکند!

قاضی به تردید افتاد و از منشأ این آگاهی پرسید، یعنی از خبری که به نحوسری میان قاضی و

یکی از بزرگان - که بارزترین آنان خلیفه، مادرش، رئیس وزیران و مونس فرمانده لشکرند - گذشته است، ولی جناب حسین بن روح از آن مطلع است.

اما ایشان پاسخ دادند: وقتی سخنم صحیح است منشأ آن اهمیتی ندارد، اما اگر نادرست باشد حق داری مرا متهم کنی. قاضی هم گفت: تو را متهم نمی‌کنم، ولی یک یا دو روز مهلت می‌دهم که پاسخ سؤال مرا بدهی! هنگامی که خارج شد، ابن روح شگفتی خود را از نفاق وی اظهار داشت، و اینکه قاضی در عوض خضوع در برابر بهان و سپاس به خاطر خیرخواهی، نفاق پیشه کرده و چنین سخن می‌راند!

این یعنی قاضی به طور ضمنی صحت گفتار ابن روح را تأیید کرده است، زیرا حسین بن روح او را به نفاق متهم می‌کند، چون از موضوعی می‌گریزد و منشأ آن را جوابی می‌شود، حال آنکه خود نیک می‌داند دانش ابن روح از امام مهدی علیه السلام است که توسط خدا بدیشان الهام می‌شود.

ذهبی در سیر اعلام النبلاء ۱۴/ ۵۵۵ از این قاضی سخن می‌گوید: «ابو عمر قاضی امام کبیر، قاضی القضاة، محمد بن یوسف بن یعقوب بن اسماعیل پسر عالم بصره حماد بن زید بن درهم ازدی...»

دارقطنی، قاضی ابوبکر ابهری و ابوبکر بن مقری از او روایت می‌کنند... وی در عقل، بردباری و تیزهوشی چنان بود که اگر در توصیف شخصی مبالغه می‌کردند می‌گفتند: گویا این ابو عمر قاضی است... مجلسی با عظمت تراز مجلس او دیده نشده؛ بغوی در سمت راست او می‌نشست، ابن صاعد سمت چپ، و ابن زیاد نیشابوری و دیگران مقابل او... وی به سال سیصد و بیست از دنیا رفت.»

ج. غرض جناب حسین بن روح از دخالت در امور سیاسی، و یا غرض امام علیه السلام از ورود او، آن بود که مذهب اهل بیت علیهم السلام هم به نحوفکری و هم عملی نفوذ کند، و از دیگر مذاهب - که یا راه غلو را در پیش گرفته‌اند و یا آنکه به تفریط افتاده‌اند - متمایز گردد، و نقش خود را در حیات امت ایفا کند، تا آنکه زمان ظهور فرا رسد.

آخرین مرحله در راستای تحقق این هدف، بردست سفیران چهار گانه و مخصوصاً جناب حسین بن روح انجام پذیرفت، و شیعیان هم آموختند که می‌بایست به فقیهانشان رجوع کنند

و چگونگی تعامل با دوران غیبت امامشان علیه السلام - که دوران امتحان الهی امت است - را فراگیرند.

د. حامد بن عباس وزیر مقتدر کسی بود که اقدام به حبس جناب ابن روح کرد و ایشان در زندان قصر خلیفه محبوس شد، زندانی که از زندان وزیر بهتر بود، زیرا هنگامی که خلیفه بر وزیر غضب و او را عزل کرد، وزیر درخواست کرد در قصر خلیفه به حبس افتد نه زندان وزیر بعدی.^۱

پس از مدتی شورشی بر ضدّ خلیفه واقع شد و او را کنار زدند، قصرش را غارت کردند، زندان را گشودند و همه را آزاد ساختند، اما باز وی به قدرت بازگشت. زمانی که نظر او را درباره‌ی حبس دوباره‌ی ابن روح جویا شدند وی گفت: رهایش بگذارید که هرآنچه بر سر ما آمد به خاطر او بود. یعنی مقتدر اعتقاد دارد ابن روح مرد صالحی است، و شورشی که بر ضدّ وی انجام و به خلع او منجر گشت، عقوبتی بوده به خاطر حبس ولیّ خدا جناب حسین بن روح علیه السلام.

مدت زمان حبس ایشان پنج سال عنوان شده است. بنابر گزارش غیبت شیخ طوسی / ۳۰۷
رهایی ایشان از زندان، در اواخر سال سیصد و دوازده یا اوائل سال سیصد و سیزده بوده است.

علت حبس ایشان؛ در نسخه‌ی ابن حجر جای بیان علت سفید است، اما ذهبی می‌گوید:
«ابو القاسم محترم بود تا آنکه وزارت به دست حامد بن عباس افتاد. پس میان آن دو اموری در گرفت که شرح آن به درازا می‌انجامد... دستگیر شد و پنج سال به زندان افتاد.»

اما این اموری که ذهبی و دیگران درباره‌ی آن سخن می‌گویند چه بوده است؟ چیزی یافت نشد مگر همان عبارتی که از تاریخ ابن ابی طی حلبی رحمته الله آوردند. ابن ابی طی کتاب تاریخ مفصلی داشته که مع الاسف در عصر ما مفقود است.

البته تا حدّی می‌توان بدان پی برد؛ مقتدر در دشمنی با اهل بیت علیهم السلام و شیعه، روش متوکل را ادامه نداد، بلکه سیاست مأمون و نواده‌ی او واثق را در پیش گرفت، و شیعیان را با سنیان هم سنگ کرد، علاوه بر آنکه حسین بن روح را نیز بسیار تبجیل می‌کرد. لکن مجسمه‌ی حنابله توانستند در بغداد موجی ضدّ شیعی ایجاد کنند و مقتدر را تحت تأثیر قرار داده وادار کنند حامد بن عباس را به منصب ریاست وزراء بگمارد. آنان فاش گفتند که شیعیان در مورد ابوبکرو عمر چه اعتقادی دارند و بدین وسیله مردم را امتحان می‌کردند، از زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا و نیز قبر امام کاظم علیه السلام

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در بغداد ممانعت ورزیدند و...

حامد بن عباس وزیری ایرانی بود با افکار متوکل و حنبلیان، و هموست که حسین بن روح را به زندان انداخت. در منابع اهل سنت آمده که وزیر، اعتقاد خود به قدیم بودن قرآن را ترویج می کرد و مدّعی بود واثق - که دشمن سرسخت مجسمه ی حنابله بوده - پیش از مرگ توبه کرده و از اعتقاد به مخلوق بودن قرآن بازگشته است! تاریخ بغداد ۱۴ / ۱۸ می نویسد: «حامد بن عباس به واسطه ی مردی از مهدی نقل می کند که واثق پیش از مرگ از اعتقاد به مخلوق بودن قرآن توبه کرد و بازگشت.»

مجال تفصیل این مطلب نیست، ولی خلاصه آنکه؛ مأمون، با موج دشمنی با اهل بیت علیهم السلام و باور به تجسیم خداوند - که از بنی امیه نشأت داشت و در عصر هارون انتشار یافته بود - مواجه شد. وی منشوری نوشت و در آن از معاویه بیزاری جست، و فرمان به قتل کسی که خدا را تشبیه کند، او را قابل مشاهده بداند و قرآن را پاره ای از ذات او قلمداد کند داد. بعد از او برادرش معتصم آمد و به مخالفت با مأمون پرداخت. او مجسمه را به خود نزدیک نمود. بعد از او هم واثق آمد و سیاست مأمون را پیاده کرد. از این رو مجسمه ی حنابله در بغداد برضد او شوریدند. واثق، رئیس آنان - احمد بن نصر خزاعی - را با دست خود و به سال دویست و سی و یک ذبح کرد.^۱

ابن کثیر در البدایة و النهایة ۱۰ / ۳۳۴ می نویسد: «واثق، یکی از محکمترین مردم در اعتقاد به خلق قرآن بود و صبح و شام و پیدا و پنهان بدان فرامی خواند، و پشت او به باور پدر و نیز عمویش مأمون گرم بود، بدون آنکه دلیل، برهان، حجت، بیان و سنت یا آیه ای از قرآن را بر آن اقامه کند. لذا احمد بن نصر برخاست و مردم را به سوی خدا، امر به معروف، نهی از منکر، اعتقاد به اینکه قرآن کلام نازل و غیر مخلوق خداست و امور بسیاری فراخواند. جماعتی از اهل بغداد نیز برگرد او اجتماع کردند و هزاران نفر جمع شدند.»

البته ابن کثیر توضیحی نمی دهد که مقصود از امور بسیار چیست، اگر صراحت به خرج می داد می گفت آنها عبارتند از تقدیس بنی امیه، دشمنی با اهل بیت علیهم السلام، اعتقاد به رؤیت خدا و تشبیه او به خلق، تکفیر شیعیان، اباحه ی خون آنان به اتهام شرک، یا دشنام به صحابه و ...

۱. رک به تاریخ بغداد ۵ / ۳۸۴ و ۳۸۶، تهذیب الکمال ۱ / ۵۰۸ و تاریخ یعقوبی ۲ / ۴۸۲

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در ادامه متوکل با همان بینش مجسمه‌ی حنابله آمد و حزبی متشکل از آنان به نام اهل حدیث تأسیس نمود. وظیفه‌ی آنها این بود که با شیعیان به ستیز در آیند، بر مجالس آنان در عاشورا هجوم برند، و به جاسوسی کسانی که به زیارت کربلا و یا کاظمین می‌روند بپردازند!

البته این موج با قتل او پایان یافت، و خلفای پس از او سیاست موازنه‌ی مذاهب و قوای سیاسی را در پیش گرفتند، که از جمله‌ی اینان مقتدر بود، تا آنکه حنابله دیگر بار قدرت یافتند و او را وادار کردند به وزارت حامد بن عباس تن دهد.

آنچه در سیره‌ی جناب ابوالقاسم حسین بن روح نویختی رحمه الله مشاهده می‌کنیم که وی حتی در رابطه با معاویه تقیه می‌کند، حکایت از شدت عمل مجسمه در وزارت حامد بن عباس دارد، آنها می‌خواستند حسین بن روح را بکشند و خون شیعیان را مباح اعلام کنند!

لکن چون دست آویزی نیافتند، ایشان را به زندان انداختند. و ممکن است مقتدر یا مادرش در حبس وی در زندان قصر خلیفه بی‌تأثیر نبوده باشند.

به طور حتم، خلیفه، مادرش و بسیاری از سردمداران، از وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نیز سفارت جناب ابن روح اطلاع داشتند، زیرا کراماتی از او مشاهده کرده بودند که شاهد صدق بوده، لذا خلیفه بر این باور است که شورش‌ی که برضد او رخ داد و برای مدتی از قدرت کنار زده شد، به خاطر برخوردی است که با ایشان داشته است.

آثاری پیرامون سیره‌ی چهار سفیر

عالمان شیعه در موضوع سیره‌ی چهار سفیر کتب مستقلی را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند، الذریعة الی تصانیف الشيعة ۱/ ۳۵۳ می‌نویسد: «[کتاب] اخبار الوكلاء الاربعة؛ آنان عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمري هستند، نائبان خاص در غیبت صغری و سفراء و نمایندگان امام حجت مهدی عجل الله تعالی فرجه. این اثر از آن ابوالعباس احمد بن علی بن عباس بن نوح سیرافی ساکن بصره و از اساتید نجاشی است. بین سال‌های چهار صد و ده تا بیست از دنیا رفت، همان گونه که از فهرس شیخ طوسی برمی‌آید، ایشان می‌فرماید: در همین نزدیکی‌ها از دنیا رفت، شیخ طوسی نگارش فهرس خود را به اشاره‌ی

شیخ مفید آغاز کرد و بعد از وفات ایشان آن را به پایان رسانید، زیرا در آن سخن از جریان روز فوت شیخ مفید در سال ۴۱۳ به میان می‌آورد، لذا وفات سیرافی نیز در این حدود خواهد بود.

[کتاب] اخبار الوكلاء الاربعة؛ اثر ابو عبد الله احمد بن محمد بن عیاش جوهری صاحب مقتضب الاثر که به سال ۴۰۱ از دنیا رفته است. نجاشی این مطلب را نقل نموده است.^۱ از دیگر مراجع این موضوع، کتاب‌هایی است که به احادیث امام مهدی علیه السلام پرداخته است، و نیز کتب رجال و تراجم، ما نیز در کتاب عصر الشیعة در این باره سخن رانده ایم.

شیعیان به قبور چهار سفیر در بغداد تبرک می‌جویند

این چهار بزرگوار در بغداد مدفونند. سفیر اول جناب عثمان بن سعید رضی الله عنه مدتی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام به بغداد منتقل شد. و ظاهر آن است که ایشان پس از آن چند سال بیشتر باقی نماند و مأمور شد پسرش محمد بن عثمان را - که امام عسکری علیه السلام بر وکالتش تصریح کرده بود - جانشین خود قرار دهد، امام عسکری علیه السلام فرمودند: «بر من گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است، و پسرش محمد وکالت پسر من مهدی شما را بر عهده خواهد داشت.^۱ با وجود آنکه وصیت، مراسم غسل و قبرایشان را بیان کرده‌اند، لکن در مورد تاریخ ارتحال ایشان چیزی به دست نیامد. پیشتر نیز گذشت که شیخ طوسی رحمه الله قبر او را توصیف نمود و فرمود که به زیارت ایشان رفته است.^۲

البته سال وفات جناب ابو جعفر محمد بن عثمان رضی الله عنه را ۳۰۵ ذکر کرده‌اند، و گفته‌اند که امام علیه السلام دو ماه پیش از وفات او، از آن خبر داده‌اند، از این روایشان آماده شد و قبری حفر کرد، در آن قرآن می‌خواند، و لوحی که آیات قرآن و اسامی امامان علیهم السلام بر آن نقش بود را تهیه کرد تا با او دفن شود. وفات جناب حسین بن روح رضی الله عنه نیز در شعبان سال ۳۲۶ بوده است، شیخ طوسی در غیبت / ۳۸۶ می‌نگارد: «دختر ابو جعفر عمری می‌گوید: قبر ابو القاسم حسین بن روح در نوبختیه در

۱. غیبت شیخ طوسی / ۳۵۶

۲. همان / ۳۵۸

کوچه ای که خانه ی علی بن احمد نوبختی قرار دارد، می باشد...

ابونصر نیز گوید: ابوالقاسم حسین بن روح - که خدایش راضی باشد - در شعبان سال ۳۲۶ از دنیا رفت. من روایات بسیاری از ایشان نقل کرده ام.»

وفات جناب علی بن محمد سمري رحمه الله در نیمه ی شعبان سال ۳۲۹ واقع شد، شیخ طوسی در غیبت / ۳۹۶ می فرماید: «ابونصر هبة الله بن محمد کاتب می گوید: قبر ابوالحسن سمري - که خدایش رضا باشد - در شارع معروف به خلنجی قرار دارد... وی وفات ایشان را در سال ۳۲۹ عنوان می کند.»

سید محمد صادق بحر العلوم در مقدمه ی علل الشرائع می نویسد:

«الف: ابو عمرو عثمان بن سعید عمری رحمه الله؛ ایشان وکیل سه امام هادی، عسکری و ابوالقاسم مهدی علیه السلام بود. قبرشان در غرب بغداد به طرف بازار میدان، مشهور است، و شیعیان بدان تبرک می جویند.

ب: ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری رحمه الله؛ ایشان پسر نائب پیشین و جانشین او به فرمان صاحب علیه السلام است. ایشان به خلانی معروف بوده و در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ از دنیا رفته است. ایام سفارت او و پدرش چهل و پنج سال به طول انجامید، از سال ۲۶۰ آغاز شد و تا ۳۰۵ امتداد یافت. قبر او در شرق بغداد کنار مادرش در شارع باب الکوفة است، همان جایی که منازل و خانه های ایشان قرار داشت.

ج: ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحرنوبختی رحمه الله؛ وی از سال ۳۰۵ به منصب شریف نیابت نائل شد، تا آنکه در ۱۸ شعبان ۳۲۶ از دنیا رفت. قبر او در شرق بغداد در بازار عطاران است. به زیارت او می روند و تبرک می جویند. آن قبر به نام قبر حسین بن روح شهرت دارد. د: ابوالحسن علی بن محمد سمري رحمه الله؛ ایشان آخرین سفیری بود که به شرف نیابت نائل آمد و از تاریخ ۱۸ شعبان ۳۲۶ تا سال ۳۲۹ که انتهای غیبت صغری و آغاز غیبت کبراست، عهده دار این امر بود. قبر ایشان در غرب بغداد به طرف بازار حراج، معروف و مشهور است، به زیارت او می روند و تبرک می جویند.»

شیخ حرز الدین در مرآة المعارف درباره ی قبر کلینی رحمه الله می نویسد: «مرقد ایشان در بغداد

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عليه السلام

منزلت امام عليه السلام

حکومت امام عليه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عليه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عليه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عليه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

در سمتی که به باب کوفه منتهی می شود و در کنار رصافه، در ساحل شرقی دجله سرپل قدیم و در مسجد صفویه - و تکیه ی مولویه - که آن را به آصفیه تحریف کرده اند، واقع شده است...

ما برای نخستین بار قبر شیخ کلینی را در سال ۱۳۰۵ در بغداد زیارت کردیم. جناب شیخ امام جماعت مسجد که در همانجا هم اقامت داشت، قبر شیخ کراچکی را نیز به ما نشان داد. نشانه ی قبر ایشان دکه ای بلند و به اندازه ی دو سوم قامت انسان بود که در پشت دکه ی قبر شیخ کلینی علیه السلام قرار داشت. ما، سنگ قدیمی را بر روی دکه مشاهده نکردیم، گرچه هنوز آثاری در موضع آن به چشم می خورد. در کنار آن دکه، نشان دو قبر بود که از سنگ و آثار باقی مانده آشکار می شد.

معروف است که در همین سمت شرقی رصافه در آن ازمنه، خانه هایی مسکونی و نزدیک به هم وجود داشته که از آن سرشناسان شیعه بوده است، یکی از آنها خانه ی ثقة الاسلام شیخ محمد بن یعقوب کلینی بوده که بعدها به مسجد و مقبره ی ایشان و برخی بزرگان شیعه تبدیل می شود.

در ابتدای این بازار که با مجرای دجله امتداد دارد و گاه بازار حراج و گاه بازار سراجین، و در زمان ما بازار سرای گویند، مرقد شیخ عثمان بن سعید عمری است. در وسط آن کنار سرپل قدیمی مرقد شیخ کلینی و شیخ کراچکی واقع شده است. کمی پایین تر از قبر این دو و در محلّ ریزش دجله، مرقد شیخ علی بن محمد سمري در مسجد قبلانیه قرار دارد.^۱

دیگروکلاء در دوران سفرای اربعه

ایشان بیش از ده نفرند و مشهورترینشان محمد بن جعفر اسدی، حاجزین یزید و شاء بغدادی و احمد بن اسحاق اشعری هستند.

شیخ طوسی در غیبت / ۴۱۵ می نویسد: «در زمان سفیران ستوده، افرادی مورد وثوق بودند که توقیعات واصل از اصل [امام علیه السلام] به سفیران، از سفراء به آنها می رسید، از جمله ی آنها

۱. مقدمه ی التعجب من اغلاط العامة کراچکی / ۱۶، و نیز رک به اعیان الشیعة ۶ / ۲۱ و تهذیب المقال ۲ / ۴۰۰

ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی رحمه الله است. ابوالحسین بن ابی جید قمی، از محمد بن الحسن بن ولید، از محمد بن یحیی العطار، از محمد بن احمد بن یحیی، از صالح بن ابی صالح روایت می کند: در سال ۲۹۰ برخی از مردم از من درخواست کرد چیزی از او دریافت کنم، من ابا کردم و برای کسب تکلیف نامه ای نوشتم، پاسخ چنین آمد: محمد بن جعفر عربی در ری حضور دارد، به او سپرده شود که از ثقات ماست.

محمد بن یعقوب کلینی، از احمد بن یوسف شاشی، از محمد بن الحسن کاتب مروزی روایت می کند: دویست دینار برای حاجز و شاء فرستادم و در این باره به غریم^۱ نامه نوشتم و پاسخ آن آمد و خبر از وصول می داد.

همو گفتم: هزار دینار از اموال ایشان نزد من بود، دویست دینار آن را فرستادم، پاسخ آمد: اگر می خواهی با کسی در ارتباط باشی، با ابوالحسین اسدی در ری مرتبط باش.

دو یا سه روز بعد خبر درگذشت حاجز - که خدایش راضی باشد - آمد. وقتی این خبر را به کاتب مروزی رساندم اندوهگین شد. بدو گفتم: اندوهگین نباش که در این توقیع دو نشانه برای تو ذکر شده است؛ نخست آنکه به تو خبر داده آن مال هزار دینار است، و دوم آنکه فرمان داده با ابوالحسین اسدی در ارتباط باشی چون از مرگ حاجز مطلع بوده است.

با همین سند از ابو جعفر محمد بن علی بن نوبخت: برای حج آماده شده بودم که توقیع آمد: ما این را خوش نداریم. پس سینه ام تنگ شد و اندوهگین شدم، نامه نوشتم: من شنوا و مطیع می مانم جز آنکه به جهت بازماندن از حج غمگینم. توقیع آمد: سینه ات تنگ نشود که سال آینده حج خواهی گزارد.

سال بعد اذن طلبیدم و صادر شد، نوشتم: من محمد بن عباس را - که به دیانت و صیانتش وثوق دارم - برای مصاحبت در حج برگزیدم، جواب آمد: اسدی نیکو مصاحبی است، اگر آمد کسی را براو نگزین، او هم آمد و من با او همراه شدم.

محمد بن شاذان نیشابوری گوید: چهار صد و هشتاد درهم نزد من جمع شد، اما از آنجا که دوست داشتم آن را پانصد درهم کامل گردانم، بیست درهم از مال خود بدان افزودم و به

۱. کنایه از امام عصر عجل الله تعالی فرجه به خاطر تقیه، رک به ارشاد ۲/ ۳۶۲. م

اسدی سپردم و چیزی در مورد اینکه از مال خود آن را کامل کردم ننوشتم، پاسخ چنین آمد: پانصد [درهمی] که بیست [درهم] آن از آن توبود، رسید. اسدی با عدالتی استوار - بدون آنکه [نسبت به حق] تغییر یابد و ایرادی براو وارد شود - در ربیع الآخر سال ۳۱۲ از دنیا رفت. دیگر از آنان احمد بن اسحاق و جماعتی هستند و توقیع در ستایش آنها صادر شد. احمد بن ادريس، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابو محمد رازی نقل می‌کند: من و احمد بن ابی عبد الله در عسکری بودیم که فرستاده‌ی آن مرد آمد و گفت: احمد بن اسحاق اشعری، ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن حمزة بن الیسع افرادی ثقة هستند.»

نگارنده: در این گزارش که از نظر می‌گذرد، تصویر دقیقی از احوال سفراء و مدعیان سفارت در بغداد به دست می‌آید، **دلائل الامامة / ۲۸۲:** «احمد بن محمد دینوری سراج که کنیه اش ابو العباس است و آستاره لقب دارد گوید: یک یا دو سال بعد از آنکه امام عسکری (علیه السلام) از دنیا رفت، از اردبیل به قصد حج به دینور رفتم. مردم دینور در حیرت به سرمی بردند و آمدن من موجب مسرت آنان شد. شیعیان نزد من جمع شدند و گفتند: شانزده هزار دینار از اموال شیعیان جمع شده است، می‌خواهیم آن را با خود ببری و به آنکه لازم است تحویل دهی. من گفتم: ای قوم! در این حیرتی که می‌بینید ما نماینده رانمی‌شناسیم. آنها گفتند: تو را برای این انتخاب کردیم که از و شوق و بزرگی ات آگاهیم، پس آن را با خود ببر ولی با این شرط که تنها با دلیل و برهان آن را در اختیار کسی قرار دهی. آن اموال را در کیسه‌هایی که هریک به نام یک نفر بود نزد من آوردند. من هم آنها را با خود برداشتم و آمدم تا به قرمیسین - که احمد بن حسن در آن اقامت داشت - رسیدم. برای عرض سلام نزد او رفتم. چون مرا دید شادمان شد و کیسه‌ای که هزار دینار در آن بود و نیز بسته‌هایی لباس به من سپرده گفت: این‌ها را با خود ببر و تنها با دلیل و برهان در اختیار کسی قرار ده.

به بغداد که رسیدم تمام اهتمام را صرف جستجوی نماینده کردم. به من گفتند مردی است به نام باقطنی و مدعی نمایندگی و سفارت، شخص دیگری به نام اسحاق احمر و نیز کسی به نام ابو جعفر عمری.

من اول نزد باقطنی رفتم، با پیرمردی خوب رو و به ظاهر کامل مواجه شدم. اسبی عربی

و خادمانی بسیار داشت. مردم حضور او جمع می‌شدند و گفتگویی کردند. من وارد شدم و سلام کردم، او هم خوش آمد گفت، مرا نزدیک خود جای داد، مسرور شد و احسان کرد.

مدتی طولانی نشستم تا اکثر مردم بیرون رفتند. از حاجتم سؤال کرد، گفتم: مردی از اهالی دینور هستم، همراه خود اموالی دارم که باید آن را تحویل دهم. گفت: آن را بیاور، گفتم: دلیل می‌خواهم، گفت: فردا بیا، من هم فردا رفتم ولی برهانی نیاورد، روز سوم نیز رفتم ولی باز دلیلی اقامه نکرد.

نزد اسحاق احمر رفتم، جوانی پاکیزه با خانه‌ای بزرگتر از خانه‌ی باقطنی. اسب، لباس و کمال او بهتر و بالاتر از باقطنی بود، خادمانش بیشتر بودند و افراد بیشتری نزد او حضور می‌یافتند. وارد شدم و او خوش آمدگویی کرد و نزدیک خود جای داد. منتظر ماندم تا مجلس تا حدی خلوت شود. پس از حاجتم سؤال کرد و من نیز همان سخن را که به باقطنی گفته بودم با او در میان گذاشتم، و سه روز نزد او آمدم ولی هیچ برهانی نیاورد.

آنگاه حضور ابو جعفر عمری رسیدم، پیرمردی بود متواضع، کمربندی سفید داشت و بر روی زیراندازی در اتاقی کوچک نشسته بود. نه خادمی داشت و نه بسان دیگران اسب و اسباب. سلام کردم و پاسخ داد، مرا به خود نزدیک و گشاده رویی کرد و حال مرا جویا شد، من نیز گفتم که از جبل آمده‌ام و اموالی با خود به همراه دارم. او گفت: اگر دوست داری این اموال به جایی که لازم است برسد، باید به سامرا رفته و خانه‌ی ابن الرضا [امام عسکری علیه السلام] و نیز فلان بن فلان وکیل را جویا شوی - و خانه‌ی ابن الرضا در آن وقت ساکنان خود را داشت - آنچه را می‌خواهی آنجا خواهی یافت.

من نیز بیرون آمدم و رهسپار سامرا شدم. به سمت خانه‌ی ابن الرضا رفتم و در مورد وکیل سؤال کردم. دربان گفت: او در خانه مشغول است، هم اکنون خارج می‌شود. من هم کنار در به انتظار خروج او نشستم. پس از مدتی بیرون آمد، من برخاستم و سلام گفتم. دست مرا گرفت و به اتاق خود برد. از حال من و علت آمدنم سؤال کرد، من هم جریان را برایش گفتم و گفتم که باید آن اموال را با دلیل و برهان تحویل دهم. او گفت: باشد، سپس غذایی آورد و گفت: این را بخور و استراحت کن که خسته‌ای، تا نماز نخست هم ساعتی مانده، بعد از

آن آنچه را که خواستی برایت خواهم آورد.

من غذا را خوردم و خوابیدم. هنگام نماز بیدار شدم و نماز را به جای آوردم. آنگاه به نهر رفته، حمام کردم و آمدم. منتظر ماندم تا آنکه یک چهارم شب سپری شد، پس او آمد و با خود نامه ای داشت، در آن آمده بود: بسم الله الرحمن الرحیم، احمد بن محمد دینوری آمد و شانزده هزار دینار در فلان تعداد کیسه با خود آورد. درون آنها کیسه ی فلانی پسر فلانی با کذا و کذا دینار است، کیسه ی فلانی پسر فلانی با کذا و کذا دینار - تا آنکه یک کیسه ها را برشمرد - و کیسه ی فلان پسر فلان ذراع، شانزده دینار است. در این هنگام شیطان مرا وسوسه کرد، ولی گفتم: آقای من از من آگاه تر است، پس آنچه را درباره ی کیسه ها و صاحبان آن آمده بود تا آخر خواندم. در ادامه آمده بود: او از قرمیسین از نزد احمد بن حسن مادرانی برادر صوّاف، کیسه ای که هزار دینار در آن است و نیز فلان تعداد بسته لباس - که رنگ و فرستنده ی یک یک آنها ذکر شده بود - آورده است.

پس شکر خدا را به خاطر مَنّی که بر من گذارده و شک از دلم زدوده به جای آوردم. در آن نامه فرمان داده بود هر آنچه را به همراه دارم به جایی ببرم که ابو جعفر عَمری دستور می دهد. پس به بغداد و نزد ابو جعفر عَمری آمدم. مرا که دید فرمود: چرا نرفتی؟ گفتم: آقای من! از سامرا بازگشته ام. با ایشان مشغول صحبت بودم که نامه ای از مولایمان علیه السلام برای او آمد و ضمیمه ای مثل آنچه با من است داشت. در آن، سخن از اموال و لباس ها رفته بود و فرمان داده بود همه در اختیار ابو جعفر محمد بن احمد بن جعفر قَطّان قمی قرار گیرد. ابو جعفر عَمری لباس هایش را در بر کرد و به من فرمود: آنچه را که با خود داری به منزل محمد بن احمد بن جعفر قَطّان قمی بیاور، من نیز همین کار را انجام دادم و همه را تسلیم او کردم و راهی حج شدم.

به دینور که بازگشتم مردمان جمع شدند، من هم نامه ای را که وکیل مولایمان علیه السلام برایم آورده بود، برای آنان خواندم. هنگامی که سخن از کیسه ی ذراع به میان آمد، صاحب کیسه بی هوش بر زمین افتاد. ما هم به او پرداختیم تا آنکه به هوش آمد و به شکرانه به سجده افتاد و گفت: سپاس مر خدایی را که به هدایت بر ما مَنّت نهاد، هم اینک دانستم که زمین خالی

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

از حجت نخواهد بود. این کیسه را ذراع به من داد و کسی جز خدا نمی‌دانست.

من پس از مدتی ابوالحسن مادرائی را ملاقات کردم و فقره‌ی مربوط به او را نیز خواندم، او گفت: سبحان الله! در هرچه تردید کردی، در این تردید نکن که خدای عزوجل زمین را خالی از حجت نخواهد گذاشت. بدان! هنگامی که اذکوتکین^۱، بریزید بن عبد الله در سهرورد هجوم آورد، بر مناطق تحت سلطه‌ی وی مستولی شد، و خزائن را به دست آورد، مردی سراغ من آمد و گفت: یزید بن عبد الله، فلان اسب و فلان شمشیر را برای مولایمان قرار داده است. من مأمور انتقال خزائن یزید بن عبد الله به نزد اذکوتکین بودم، اما مراقب بودم آن اسب و شمشیر را برای مولایمان نگاه دارم تا آنکه چیزی جز آن دو باقی نماند. اذکوتکین پیایی مطالبه می‌کرد و دیگرراهی جز تسلیم آنها نداشتیم. از این رو به ازای آن شمشیر و اسب، هزار دینار حساب کردم و به خزانه دار سپرده، از او خواستم آن را در مطمئن‌ترین مکان جای دهد و به هیچ وجه آن را به من ندهد، حتی اگر نیاز مبرمی بدان بود، و اسب و شمشیر را تسلیم نمودم.

در مجلس خود در ری نشسته و مشغول بررسی امور و امر و نهی بودم که ابوالحسن اسدی وارد شد. او گاه گاه نزد من می‌آمد و نیازهایش را برطرف می‌ساختم. هنگامی که مدت زمان زیادی از نشستن او گذشت، گفتم: چه حاجتی داری؟ گفت: می‌خواهم با شما تنها باشم. به خزانه دار فرمان دادم مکانی در خزانه برایمان مهیا کند. وارد خزانه که شدیم او نامه‌ی کوچکی از مولایمان بیرون آورد، در آن آمده بود: ای احمد بن حسن! آن هزار دیناری که نزد تو داریم - قیمت شمشیر و اسب - را به ابوالحسن اسدی بسپار.

من برای سپاس از درگاه خدای عزیز و جلیل بابت ممتی که بر من نهاده، به سجده افتادم، و دانستم که او به حق خلیفه‌ی خداست، چرا که احدی جز تو از این امر آگاهی ندارد، و از شادمانی اینکه خدا مرا به این امر هدایت کرده، سه هزار دینار نیز بدان افزودم.^۲

۱. از امراء ترک و اتباع بنی عباس، مرآة العقول ۶ / ۱۹۱ م.

۲. فرج المهموم / ۲۳۹، اثبات الهداة ۳ / ۷۰۱، بحار ۵۱ / ۳۰۰، و نیز به طور اختصار کافی ۱ / ۵۲۲، دلائل الامامة ۲۸۵ / ۲، ارشاد ۳۵۴ / ۳، غیبت شیخ طوسی ۱۷۱ / ۱، الخرائج والجرائح ۱ / ۴۶۴، اعلام الوری ۴۲۰ / ۱، اثبات الهداة ۳ / ۶۶۲

نگارنده: این گزارش از سختگیری و احتیاط شیعه درباره‌ی مدعیان سفارت حکایت می‌کند، و می‌رساند که آنان از مدعیان درخواست معجزه داشتند، و البته که تنها بردستان سفیران و وکلای مورد اعتماد امام علیه السلام مشاهده می‌کردند. علاوه بر آنکه می‌رساند حاکم ری و برخی فرماندهان شیعه بودند، و امام علیه السلام وکیل خود جناب ابوالحسن اسدی را سراغ یکی از آنها می‌فرستند تا اموال مزبور را دریافت کند، و او را از نیتی که احدی از آن اطلاع ندارد بی‌گناهاند.

شیخ صدوق در کمال الدین ۲/ ۴۸۸ توثیق دو وکیل - حاجزین یزید و اسدی - را از نصر بن صباح بلخی، و نیز فرمان امام مهدی روحه الله تعالی به برخی به رجوع به این دو که در ری بودند را، نقل می‌کند.^۱

کافی ۱/ ۵۲۱ از حسن بن عبد الحمید نقل می‌کند: «من در مورد حاجز [و اینکه آیا وکیل امام علیه السلام است یا نه] دچار تردید شدم، پس چیزی با خود برداشتم و به عسکر آمدم، توقیع آمد: نه در ما، و نه در کسانی که به فرمان ما در جای ما قرار می‌گیرند شکی نیست، آنچه همراه داری به حاجزین یزید بسپار.»^۲

امامان علیهم السلام، و پذیرش خمس، نذر و هدیه

یکی از امور جالب توجه در اسلام، آن است که خدای متعال در طری نسل‌ها، منبع مالی عظیمی را به عترت پیامبرش صلی الله علیه و آله اختصاص داده است. مسلمین اتفاق نظر دارند که تشریع این قانون، پیش از جنگ بدر بوده است، هنگامی که دولت اسلام به نخستین درآمدهای خود دست یافت، آنگاه سخن خدا نازل شد: **وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسُهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَاقُحِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**^۳ و بدانید هر چه را نفع می‌برید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده‌ی خود در روز جدایی [حق از باطل] - روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند - نازل کردیم،

۱. مشابه آن غیبت شیخ طوسی / ۲۵۷، الخرائج والجرائح ۲/ ۶۹۵ و اثبات الهداة ۳/ ۶۷۳ و ۶۹۳

۲. الهدایة / ۹۰، ارشاد / ۳۵۴، اعلام الوری / ۴۲۰، اثبات الهداة ۳/ ۶۶۲ و ۶۷۷ و مشابه آن کمال الدین ۲/ ۴۹۹

۳. سوره‌ی انفال / ۴۱

ایمان آورده‌اید. و خدا بر هر چیزی تواناست.

سهم خدای تعالی به رسول ﷺ می‌رسد، و نصف دیگر را پیامبر ﷺ برای خویشان، یتیمان، بینوایان و در راه ماندگان از بنی هاشم به مصرف می‌رساند.

و نیز اتفاق بر این دارند که پیامبر ﷺ گرامیداشت الهی بنی هاشم را برای امت بیان فرمودند و محمیة بن جزء را مسؤول خمس قرار دادند، او هم آن را جمع می‌نمود و به فرمان آن حضرت، در بنی هاشم صرف می‌کرد، صحیح مسلم ۱۸/۳ روایت می‌کند: «ربیعة بن حارث و عباس بن عبد المطلب با هم گفتند: به خدا خوب است این دو پسر [عبد المطلب بن ربیعه و فضل بن عباس] را نزد رسول خدا ﷺ بفرستیم، تا با ایشان صحبت کنند که شاید آنها را مأمور برخی صدقات قرار دهند، تا آنچه را مردم می‌پردازند بپردازند، و از آنچه مردم بهره می‌برند بهره ببرند... وقتی ایشان نماز ظهر را به جای آوردند، ما [عبد المطلب و فضل] پیش از ایشان به خانه رسیدیم و بیرون خانه منتظر بودیم تا بیایند. ایشان آمده فرمودند: آنچه را در درون دارید ابراز کنید و وارد منزل شدند و ما هم به دنبالشان رفتیم، و روزی بود که نزد زینب بنت جحش بودند.

هر یک از ما می‌خواست خود سخن بگوید که بالاخره یکی از ما گفت: یا رسول الله! شما نیکوکارترین و رسنده‌ترین مردمانید، ما هم به سنّ ازدواج رسیده‌ایم، آمده‌ایم تا ما را مأمور برخی از این صدقات قرار دهید تا بسان مردم بپردازیم و نیز بهره‌مند شویم. ایشان مدتی طولانی سکوت کردند... فرمودند: صدقه، برآل محمد شایسته [وجایز] نیست، این‌ها آلودگی‌های [دست] مردم است. در ادامه فرمودند: محمیة - که امور مربوط به خمس را بر عهده داشت - و نوفل بن حارث بن عبد المطلب را فرا بخوانید. آنها آمدند، ایشان به محمیة فرمودند: دخترت را به همسری این پسر - فضل بن عباس - درآور، و به نوفل هم فرمودند: دخترت را به ازدواج این پسر درآور.

به محمیة فرمودند: مهرا این دو را از خمس بپرداز...

در روایت دیگری آمده است: سپس فرمودند: این صدقات آلودگی‌های مردم است، و بر

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام ﷺ

منزلت امام ﷺ

حکومت امام ﷺ

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عیسیٰ

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام ﷺ

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام ﷺ در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

محمد و آل محمد جایز نیست.^۱

الاستیعاب ۴ / ۱۴۶۳ می نویسد: «رسول خدا ﷺ او را عهده دار امور خمس قرار داد، و فرمان

داد مهریه ی زنان بنی هاشم را بپردازد.»

الاصابة ۶ / ۳۷: «وی کارگزار رسول خدا ﷺ بر خمس بود.»

تاریخ یعقوبی ۲ / ۷۶: «روز بدر، محمیه بن جزء بن عبد یغوث زبیدی هم پیمان بنی جمح را بر مقاسم قرار داد.»

امتاع الاسماع ۱ / ۲۰۵: «رسول خدا ﷺ در تمامی منافع خمس قرار داد، و محمیه بن جزء متولی آن بود. خمس ها نزد او گرد می آمد، و صدقات جدا بود.»

ابن الهمام در شرح فتح القدیر ۲ / ۲۷۳ می نویسد: «بخاری از آن حضرت روایت می کند: صدقه، بر ما اهل بیت جایز نیست.»

در این مصاف در صدد بحث از آن نیستیم که خلفا، به عمد با رسول خدا ﷺ مخالفت کردند و خمس را به صاحبان شرعی آن یعنی بنی هاشم ندادند، زیرا می هراسیدند توان مالی هم به توان معنوی آنان ضمیمه گردد.

بلکه غرض بیان سبب تعامل اهل بیت علیهم السلام با مسئله ی خمس - که سرمایه ای هنگفت بوده - است. آنان گاه مطالبه می کردند، همان گونه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام از عمر خواست، ولی او آن را بسیار شمرد و حاضر به پرداخت نشد!

گاه نیز آن را نزد غاصبان رها می کردند، همان گونه که حضرت امیر علی علیه السلام در مورد خمس، فدک و دیگر اموال رفتار کرد.

در برخی موارد به شیعیان می بخشیدند تا معیشتشان حلال و پاک مولد باشند، و گاه فرمان می دادند به خود یا وکلایشان پرداخت شود و از مصرف حتی یک درهم آن بر حذر می داشتند، هم چنان که در دوران امام هادی و امام عسکری و امام عصر علیهم السلام مشاهده می شود.

سبب این تفاوت، آن است که خدای متعال این حق را به آنان داده که هر گونه می خواهند با آن رفتار کنند، می توانند رها کنند، و یا دریافت نمایند، علاوه بر آنکه ممکن است چیزی از آن را برای

۱. مشابه آن مسند احمد ۴ / ۱۶۶ و عون المعبود ۸ / ۱۴۶

خود برنمی گرفتند، و در مسیر مصالح مؤمنین مصروف می داشتند.

اما اینکه می بینیم در ازمه‌ی آخرین امامان علیهم‌السلام، این مسئله بدون اغماض عنوان شده، حکمت‌ها و فوایدی دارد از جمله آنکه فرهنگ اتفاق در میان شیعیان استوار شود، ارتباط آنان با امامان علیهم‌السلام و وکلایشان حفظ گردد و ...

کمال الدین ۲/ ۴۸۳ با سندی صحیح نقل می‌کند: «اما کسانی که به اموال ما دست می‌برند؛ هرکس چیزی از آن را حلال بشمارد و مصرف کند، جزاین نیست که آتش می‌خورد... اما پشیمانی گروهی که با آنچه به ما رساندند در دین خدای عزوجل دچار تردید شدند؛ ما به کسی که می‌خواهد آن را پس گیرد پس دادیم، و نیازی به صله‌ی کسانی که شک دارند نداریم.»

شیخ طوسی در غیبت / ۱۷۲ از امام مهدی علیه‌السلام نقل می‌کند: «به من خبر رسیده که جماعتی از شما در اعتقادشان به تردید افتاده‌اند و در والیان امور دچار شک و سرگردانی شده‌اند، این مطلب ما را به خاطر شما - و نه به خاطر خودمان - اندوهگین ساخت، چرا که خدا با ماست و هیچ نیازی به غیر او نداریم، حق با ماست لذا کسی که خود را از ما باز دارد، موجب هراس ما نخواهد بود، و ما پرورش یافتگان ربّمان هستیم و پس از آن خلق پرورش یافتگان ما هستند.»

تواتر رویت امام علیه‌السلام در غیبت، و تکذیب مدعیان سفارت

پیشتر روایت صحیح کمال الدین ۲/ ۵۱۶ که آن را از ابو محمد حسن بن احمد مکتب نقل می‌کند گذشت: «در سالی که جناب شیخ علی بن محمد سمري - قدس الله روحه - از دنیا رفت در بغداد بودم. چند روز پیش از وفات حضور ایشان رسیدم که توقیعی برای مردم بیرون آورد: بسم الله الرحمن الرحيم، ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را در [فقدان] تو بالا برد، زیرا تو از این زمان تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت، پس کار خود را سامان ده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از وفات قائم مقام توشود، چرا که غیبت تام واقع شده و ظهور تنها بعد از اذن خداست - که یادش بلند است - که پس از طولانی شدن

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه‌السلام

منزلت امام علیه‌السلام

حکومت امام علیه‌السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه‌السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه‌السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه‌السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مدت، سخت شدن دل ها و پر شدن زمین از ستم خواهد بود.

کسانی نزد شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده می کنند، بدانید! هر کس پیش از خروج سفیانی و فریاد، ادعای مشاهده کند کذاب و افترازن است، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلیّ العظیم.

از روی توقیع نوشتیم و از نزد ایشان بیرون آمدیم. روز ششم حضور ایشان رسیدیم، در حال جان کندن بود، گفته شد: جانشین شما کیست؟ فرمود: خداوند امری دارد که آن را به سرانجام می رساند، و از دنیا رفت. این آخرین سخنی بود که از او شنیدیم، رضوان خدا بر او باد. در ابتدای همین فصل گذشت که به قرینه ی: کسانی نزد شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده می کنند، آنچه در این روایت انکار شده، ادعای سفارت و حضور است، نه صرف دیدن. یعنی ادعایی که مدعی نزد شیعیان می آید و می گوید امام علیه السلام را مشاهده کرده، نزد ایشان حضور یافته و سفیر امام و واسطه ی مردم با ایشان است، ادعایی که بر تعدادی از مدعیان سفارت - اگرچه آن را سفارت ننامند - انطباق دارد. لذا واجب است آنان را رد و تکذیب کنیم، و به مانند برخورد شیعیان با جعفر کذاب، حلاج، شلمغانی و سایرین - که اینان خواه ناخواه وارثان آنهایند - از آنان معجزه بخواهیم.

پس هر کسی که در غیبت کبری مدعی مشاهده شد و خود را سفیرانگاشت، یا آنکه ادعا کرد امام علیه السلام او را مأمور تبلیغ - حتی نسبت به امری خرد - نموده است، کذاب، افترازن و لازم الاجتناب است.

اما اگر کسی مدعی رؤیت ایشان و مشاهده ی کرامت شد، یا آنکه ادعا کرد امام علیه السلام به او فرمانی - که ربطی به مقام سفارت ندارد - داده است، ولی خود را سفیر و وکیل امام علیه السلام معرفی نکرد، تکذیب چنین شخصی نه تنها لازم، بلکه صحیح نیست، و اگر شروط صدق در او جمع باشد، می بایست تصدیق نمود.

گزارشات تشرف تعدادی از ثقات جلیل القدر عادل صحیح العقیده که از سلامت حواس و فکر برخوردارند و حتی صدق برخی از آنان محسوس می باشد، در دوران غیبت کبری، به حدّ تواتر رسیده است.

دروغ پردازانی که مدعی سفارت شدند

مذهب اهل بیت علیهم السلام از دیرباز با دو مقوله روبرو بوده و با قاطعیت تمام و بدون هرگونه نرمش، برهترین دو خط بطلان کشیده و می کشد، مقوله ی غلو و افراط و نیز تفریط و تقصیر، زیرا پشتوانه ی آن وحی الهی است که از هر دو به دور می باشد.

در منابع ما جبهه گیری های امامان علیهم السلام نسبت به کسانی که مدعی الوهیت ایشان، هرگونه شراکتی با خداوند، نبوت و یا به دروغ مدعی سفارت از ایشان شده اند، آمده است.

یکی از عوامل غلو آن است که برخی مردم معجزاتی محیر العقول از ایشان مشاهده می کردند، لکن از آنجا که عقلشان توان درک عظمت خدای تعالی و بخشوده ی وی نسبت به اولیاء خود را نداشت، از سویی شیطان هم آنان را تحریک می کرد، لذا می پنداشتند خداوند در امام علیه السلام حلول نموده است، تا بعد از مدتی بتوانند ادعا کنند امام علیه السلام در خودشان حلول کرده است! امامان علیهم السلام با این انحرافات به مبارزه پرداختند، و بندگی محض را ارائه نمودند.

امامان علیهم السلام و غالیان

رجال کشی ۱ / ۳۲۳ از امام باقر علیه السلام روایت می کند: «عبد الله بن سبأ مدعی نبوت بود، و می پنداشت امیرالمؤمنین علیه السلام خداست. خبر به آن حضرت رسید، او را فراخوانده در این باره پرسیدند و او اقرار کرد و گفت: آری، شما خدایید و به دلم افتاده که من پیامبری هستم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: وای بر تو، شیطان بر تو سلطه یافته، از این باور بازگرد. مادر تو به عزایت بنشیند - و توبه کن. اما او ابا کرد. حضرت او را سه روز حبس کردند و توبه دادند، اما او توبه نکرد، از این رو او را با آتش سوزاندند و فرمودند: شیطان عقل او را برد، او نزد وی می آمد، و اینچنین به دلش می انداخت.»

همان ۱ / ۳۲۵ از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «هنگامی که حضرت علی علیه السلام از نبرد با اهل بصره فارغ شد، هفتاد تن از رُط نزد ایشان آمدند، سلام کردند و با زبان خود با ایشان سخن گفتند، و ایشان با همان لغت پاسخ دادند.

۱. طائفه ای از سیاهان و یا هندیان

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ایشان فرمودند: من آن گونه که شما می‌گویید نیستم، من بنده‌ی خدا و مخلوقم. اما آنان نپذیرفتند و گفتند: شما، شما همانید، حضرت فرمودند: اگر از آنچه درباره‌ی من گفتید بازنگشته به درگاه خدای متعال توبه ننمایید، شما را به قتل خواهم رساند. ولی آنان باز هم نپذیرفتند.

ایشان فرمان دادند چاه‌هایی حفر شود، آنگاه با راه‌هایی آنها را به یکدیگر متصل کردند، سپس آن جماعت را درون چاه‌ها پراکنده ساختند. در یکی از چاه‌ها که کسی در آن نبود، آتشی افروختند که دود آن، آنان را فراگرفت و از بین رفتند.»

ابن عبد البر در التمهید ۵ / ۳۱۷: «او را ربّ و اله خود دانستند و گفتند: تو خالق و رازق مایی. ایشان آنان را توبه و هشدار داد، اما آنها بر اعتقادشان پافشاری کردند. پس حفره‌هایی کند...»^۱

امام صادق علیه السلام نیز از کسی که مدعی ربوبیت ایشان شود بیزاری جسته و بر او لعنت فرستادند، رجال کشی ۲ / ۵۸۷ از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «ای ابو محمد! از کسی که ما را رب می‌پندارد بیزاری بجوی، عرضه داشتم: خدا از چنین کسی بیزار است، فرمودند: از کسی که ما را پیامبر می‌انگارد برائت بجوی، گفتم: خدا از چنین شخصی بیزار است.»

اصل زید الزراد / ۴۶: «زید زراد گوید: هنگامی که ابوالخطاب در کوفه لبیک گفت، و در مورد امام صادق علیه السلام چنان ادعایی کرد، من به همراه عبید بن زراره نزد آن حضرت رفتیم، من عرض کردم: فدایت شوم، ابوالخطاب و یارانش در مورد شما مطلب بزرگی می‌گویند، او می‌گوید: لبیک جعفر، لبیک معراج. یارانش بر این باورند که ابوالخطاب را نزد شما به معراج آورده‌اند و چون به زمین بازگشته به سوی شما فرا می‌خواند، و لذا است که خطاب به شما لبیک می‌گوید.

اشک از دیدگان امام صادق علیه السلام سرازیر شد و صدا زد: پروردگارا! از آنچه اجدع عبد بنی اسد درباره‌ی من ادعا می‌کند، نزد تو بیزاری می‌جویم، مو و پوست من برای تو در کرنش است، بنده و پسر بنده‌ی تو و خاضع و فروتنم.

۱. فتح الباری ۱۲ / ۲۳۸، تاریخ الاسلام ۳ / ۶۴۳، الانساب سمعانی ۵ / ۴۹۸ و شرح نهج البلاغه ۵ / ۵ و ۸ / ۱۱۹

پیدشویان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت ها
 برنامه ی الهی
 تحریف بشارت ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
 سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

آنگاه مدتی سربه سمت زمین گرفت و گویا با پروردگارش مناجات داشت. سپس سر برآورد و فرمود: آری، آری، بنده ای خاضع، خاشع، نزد پروردگار خود فروتن، کوچک، حقیر، هراسان و بیمناک از پروردگار خویش، به خدا قسم پروردگاری دارم که او را عبادت می کنم و هیچ چیزی را با او شریک قرار نمی دهم.

چرا چنین می کند؟ خدا او را خوار کند، بترساند و در روز قیامت بیم او را به ایمنی مبدل نگرداند، نه تلبیه ی پیامبران چنین بوده، نه تلبیه ی من و نه رسولان، من چنین لبیک می گویم: لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک.

در این هنگام ما برخاستیم، به من فرمودند: ای زید! این را برایت گفتم تا در قبرم آرام باشم. ای زید! این را از دشمنان پوشیده دار.

مقصود امام عجل الله تعالی فرجه از جمله ی اخیر، آن است که زید مراقب باشد مبدا بنی عباس سوء استفاده، و آنان را به عبادت اهل بیت عجل الله تعالی فرجه متهم کنند.

کافی ۲۲۵/۸ از مالک بن عطیه نقل می کند: «امام صادق عجل الله تعالی فرجه غضبناک بیرون آمده فرمودند: برای کاری بیرون رفتم که برخی سیاهان مدینه به من برخورد و صدا زد: لبیک یا جعفر بن محمد، لبیک! من همان زمان هراسان و بیمناک از سخن او به منزل برگشتم، برای پروردگارم به سجده افتادم، چهره به خاک آلودم، خود را ذلیل شمردم و از آنچه مرا بدان ندا کرد بیزاری جستم.

اگر عیسی بن مریم از آنچه خدا درباره اش گفته بود [یعنی از نبوت، به ربوبیت] تجاوز می کرد، چنان ناشنوا می شد که دیگر تا ابد چیزی نشود، آن سان کور می شد که پس از آن تا ابد نبیند، و بسانی گنگ می گشت که تا ابد سخن نگوید.

سپس افزودند: خداوند ابوالخطاب را لعنت کند و با آهن به قتل رساند.

علامه ی مجلسی رحمه الله در مرآة العقول ۱۵۸/۲۶ پس از نقل این روایت می نگارد: «دعای امام عجل الله تعالی فرجه مستجاب شد، کشی روایت می کند که عیسی بن موسی بن علی بن عبد الله بن عباس که کارگزار منصور برکوفه بود - هنگامی که به او خبر رسید ابوالخطاب و یارانش به اباحی گری می پردازند، مردم را به نبوت ابوالخطاب دعوت می کنند، در مسجد گرد می آیند

و چنین جلوه می دهند که مشغول عبادتند - کسی را فرستاد و همه را به قتل رساند، و تنها یک نفر توانست جان به سلامت به در برد. وی مجروح شد و در میان کشتگان افتاد و چنین پنداشتند که او نیز به قتل رسیده است. پس چون شب فرارسید، از میان آنها خارج شد و نجات یافت. او ابوسلمه سالم بن مکرم ساریان بود. در روایتی آمده که آنان هفتاد نفر بودند.»

رجال کشی ۵۸۴/۲ از حنان بن سَدر: «به سال ۱۳۸ در خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم و میسر نیز حاضر بود، میسر گفت: فدایت گردم، در شگفتم از گروهی که با ما به اینجا می آمدند، ولی از میان رفتند! ایشان فرمودند: کیان؟ گفت: ابوالخطاب و یارانش. امام علیه السلام که تکیه داده بودند، درست نشستند، انگشت به سمت آسمان گرفته فرمودند: لعنت خدا، فرشتگان و مردم همه بر ابوالخطاب باد، خدا را گواه می گیرم که او کافر فاسق مشرک بود و با فرعون در شدید ترین عذاب - در صبح و شام - محصور می شود. به خدا سوگند من نسبت به بدن هایی که همراه با او به آتش افتادند، بخل می ورزم [و برایشان افسوس می خورم].»

معانی الاخبار/ ۳۸۸ نقل می کند: «به امام صادق علیه السلام گفتند: ابوالخطاب از شما نقل می کند که فرمودید: چون حق را شناختی هر آنچه خواهی انجام ده، فرمودند: خدا ابوالخطاب را لعنت کند، به خدا چنین نگفتم، من گفتم: چون حق را شناختی هر کار خیری خواستی انجام ده که از تو پذیرفته شود، خدای عزیز و جلیل می فرماید: **مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ**^۱، هر که کارشایسته کند - چه مرد باشد یا زن - در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می شوند و در آنجا بی حساب روزی می یابند. و نیز فرموده: **مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً**^۲، هر کس - از مرد یا زن - کارشایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] بخشیم.»

امام کاظم علیه السلام نیز چنین برخورد می کنند، رجال کشی ۵۸۷/۲ از ابن مغیره نقل می کند: «من و

۱. سوره ی غافر/ ۴۰

۲. سوره ی نحل/ ۹۷

یحیی بن عبد الله بن حسن در حضور امام کاظم علیه السلام بودیم که یحیی گفت: فدایت شوم، اینان می‌پندارند شما [به طور مستقل و بدون دریافت از خدا] از غیب آگاهید. حضرت فرمودند: سبحان الله، سبحان الله! دستت را بر سرم بگذار، به خدا سوگند مویی در بدن یا سرم نمانده مگر آنکه برخاسته.

نه، به خدا قسم این تنها به واسطه‌ی وراثت از رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست آمده است.»

همچنین امام رضا علیه السلام، رجال کشی ۲/ ۸۲۹ می‌نویسد: «نصر بن صباح گوید: محمد بن فرات اهل بغداد بود.

حسین بن حسن قمی، از سعد بن عبد الله، از عبیدی، از یونس، از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند: ای یونس! آیا محمد بن فرات و دروغ او بر من را نمی‌بینی؟ عرض کردم: خدا او را از رحمت دور کند، در هم بکوبد و به شقاوت مبتلا کند. ایشان فرمودند: خدا با او چنین کند، خدا به او حرارت آهن را بچشانند، همان گونه که با کسان پیش از او که بر ما دروغ می‌بستند چنین کرد.

ای یونس! من این را تنها بابت آن گفتم که اصحابم را از او بر حذر داری، و آنان را به لعن و بیزاری جستن از او فرمان دهی که خدا از او بیزار است.

سعد، از ابن العبیدی، از برادرش جعفر بن عیسی و علی بن اسماعیل میثمی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: محمد بن فرات مرا آزد، خدا او را بیازارد و حرارت آهن را بچشانند، او مرا آزد، خدایش لعنت کند، به مانند آنکه ابوالخطاب که خدایش لعنت کند جعفر بن محمد علیه السلام را آزد. هیچ خطابی مانند محمد بن فرات بر ما دروغ نبست. به خدا قسم هر کسی بر ما دروغ بندد، خداوند حرارت آهن را به او بچشانند.

محمد بن عیسی گوید: آن دو و نیز دیگران برایم گفتند: محمد بن فرات [بعد از نفرین امام رضا علیه السلام] تنها مدتی کوتاه درنگ کرد که ابراهیم بن شکله او را به سخت‌ترین نحوه هلاکت رساند.

محمد بن فرات معتقد بود که باب و پیامبر است. قاسم یقطینی و علی بن حسکه‌ی قمی نیز چنین ادعایی داشتند، خدایشان لعنت کند.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شیخ صدوق در اعتقادات / ۹۹ می نویسد: «امام رضا علیه السلام در دعایشان می گفتند: خدایا! من از قدرت و توان به درگاهت بیزاری می جویم که هیچ قدرت و توانی جز به تونیست. خدایا! من به درگاه تواز کسانی که برای ما ادعایی کردند که به حق برای ما نیست، بیزاری می جویم.

خدایا! نزد تواز کسانی که درباره ی ما چیزی که خود نگفته ایم گفتند، بیزاری می جویم. خدایا! خلق برای تو و فرمان از سوی توست، تنها تو را می پرستیم و از تو یاری می طلبیم. خدایا! تو خالق ما و خالق پدران نخستین و آخرین مایی. خدایا! ربوبیت جز تو را نسزد، والوهیت تنها به توشاید، پس بر نصاری که عظمت تو را خُرد شمردند، و نیز کسانی از آفریدگانت که مشابه اعتقاد آنان را دارند، لعنت فرست. خدایا! ما بندگان و پسران بندگان توایم، نه اختیار نفع رساندن به خود را داریم و نه دفع ضرر از خود، نه مرگ، حیات و نه نشور را.

خدایا! هرآنکه ما را ربّ انگارد، نزد تواز او بیزاری می جویم، هر که می پندارد آفرینش و رزق بر عهده ی ماست، از او به درگاه تو برائت می جویم، مانند بیزاری جستن عیسی از نصاری.

خدایا! ما آنان را به آنچه می انگارند دعوت نکردیم، پس به گفتار آنان ما را مؤاخذه نما، و ما را در رابطه با آنچه می پندارند ببخش، رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذَيَّارًا. إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا، پروردگارا! هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار. چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزنند.» و نیز امام هادی علیه السلام، رجال کشی ۲ / ۸۰۵: «نصربن صباح گوید: حسن بن محمد معروف به ابن بابا، محمد بن نصیر نمیری و فارس بن حاتم قزوینی، توسط امام هادی علیه السلام لعن شدند. ابو محمد فضل بن شاذان در برخی کتب خود نوشته: یکی از دروغ پردازان مشهور، ابن بابا قمی است.

سعد، از عبیدی نقل می کند: امام هادی علیه السلام خود به طور ابتدایی [و بدون آنکه من

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت‌گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

سؤالی پرسیده باشیم] به من نوشتند: نزد خدا از فهری و حسن بن محمد بن بابا قمی بیزاری می‌جویم، پس از این دو بیزار باش که من، تو و جمیع پیروانم را هشدار می‌دهم، من آن دورا لعن می‌کنم، لعنت خدا بر آنان باد. آن دو به [نام] ما از مردم ارتزاق می‌کنند، دوفتنه انگیز آزار دهنده، خدا آنان را بیازارد و در فتنه سرنگونشان کند.

ابن بابا می‌پندارد من او را به پیامبری فرستاده‌ام و او باب است! لعنت خدا بر او باد، شیطان او را تسخیر خود کرد و به گمراهی درآورد. خدا لعنت کند هر کسی را که این سخن را از او بپذیرد.

ای محمد! اگر توانستی سر او را با سنگی بشکنی، بشکن، زیرا او مرا آزرده است، خدا در دنیا و آخرت او را بیازارد...»

نگارنده: اشخاص دیگری هم هستند که به الوهیت امامان علیهم السلام و یا حلول خداوند در آنان معتقد شدند. هدف بیشتر آنها این بود که بدین واسطه بتوانند ادعا کنند، خدا، روح پیامبر یا امامان علیهم السلام در آنها حلول کرده است!

اغلب این افراد در عصر خود معروف و مشهور بوده‌اند، حتی برخی از آنان توسط خلفا و یا وزیران، پشتیبانی می‌شده‌اند.

این خط انحرافی، بعد از شهادت امام عسکری و غیبت امام عصر علیه السلام نیز باقی ماند، و بارزترین مدعیان عبارتند از: شریعی یا سیرعی، نصیری، نمیری، حلاج، شلمغانی، ابن هلال کرخی، ابن بلال، ابوبکر بغدادی و ابودلف مجنون.

شرعی، نمیری، کرخی، بغدادی و مجنون

شیخ طوسی رحمه الله در غیبت / ۳۹۷ می‌نویسد: «سخن از مذمومینی که به دروغ و افترا، مدعی بابت و سفارت شدند - خدایشان لعنت کند -؛

نخستین نفر آنان معروف به شریعی است. جماعتی، از ابو محمد تلعبری، از ابو علی محمد بن همام برایم چنین نقل کردند: کنیه‌ی شریعی ابو محمد بود. هارون گوید: به گمانم حسن نام داشت. وی از اصحاب امام هادی و پس از ایشان از اصحاب امام عسکری علیه السلام

بود. او نخستین کسی بود که مقامی را ادعا کرد که خدا بدو نداده و شایستگی آن را نداشته است. او بر خدا و حجج او علیهم السلام دروغ بست و به آنان، آنچه را نسزد و از آن بیزارند نسبت داد. لذا شیعیان بر او لعن کردند و از او بیزاری جستند، و توقیعی از امام علیه السلام در لعن و برائت از وی صادر شد. هارون گوید: سپس کفرو الحاد از وی آشکار شد.

تمام این مدعیان، ابتدا بر امام دروغ می بستند و خود را وکیل ایشان معرفی می کردند، و سست ایمانان را بدین وسیله به سمت خویش فرا می خواندند. بعدها پا را فراتر نهاده به قول حلاجیه معتقد می شدند، هم چنان که از ابو جعفر شلمغانی و نظائر او مشهور است، لعنت های پیایی خدا بر آنان باد.

دیگرازان آن محمد بن نصیر نمیری است. ابن نوح گوید: ابونصر هبة الله بن محمد گفت: محمد بن نصیر نمیری از اصحاب امام عسکری علیه السلام بود. بعد از اینکه ایشان از دنیا رفتند، وی مدعی مقام ابو جعفر محمد بن عثمان و باییت شد. اما خدای تعالی - با الحاد و جهلی که از وی ظاهر شد، و نیز لعنت فرستادن ابو جعفر محمد بن عثمان بر او، و بیزاری جستن و دوری از او - او را رسوا کرد. وی پس از شریعی مدعی این امر شده بود.

ابوطالب انباری گوید: هنگامی که محمد بن نصیر چنان ادعایی کرد، ابو جعفر بر او لعنت فرستاد و از او برائت جست. وقتی این خبر به وی رسید، به قصد آنکه دل ابو جعفر را به دست، یا عذر آورد، آمد، ولی ایشان به او اجازه ی ورود ندادند و با نومییدی او را بازگرداندند. سعد بن عبد الله گوید: محمد بن نصیر نمیری، خود را رسول نبی می دانست، و بر این باور بود که امام هادی علیه السلام او را فرستاده است. به تناسخ اعتقاد داشت، درباره ی امام هادی علیه السلام غلومی کرد و قائل به ربوبیت ایشان بود. ازدواج با محارم و نیز مردان را جایز می دانست و... محمد بن موسی بن حسن بن فرات نیز از او پشتیبانی می کرد...

سعد گوید: هنگامی که محمد بن نصیر در بستر بیماری منجر به مرگ افتاد، درباره ی جانشینش سؤال کردند، با زبانی گرفته و ضعیف گفت: احمد، اما اطرافیان مقصود او را نفهمیدند و به سه طائفه تقسیم شدند؛ برخی گفتند: مقصود پسرش احمد است، گروهی گفتند: احمد بن محمد بن موسی بن فرات، و طائفه ای هم گفتند: احمد بن ابو الحسین بن

بشر بن یزید، لذا از هم گسستند.

از جمله‌ی آنان احمد بن هلال کرخی است. ابوعلی بن همام گوید: احمد بن هلال از اصحاب امام عسکری علیه السلام بود. شیعیان [پس از جناب عثمان بن سعید،] بروکالت محمد بن عثمان گرد آمدند و این بابت تصریح امام عسکری علیه السلام در دوران حیاتشان بود. آنها به احمد بن هلال گفتند: آیا سفارت ابو جعفر محمد بن عثمان را با وجود تصریح امامی واجب الاطاعة نمی‌پذیری؟! وی پاسخ داد: نشنیدم که به وکالت او تصریح کنند، البته منکر وکالت پدرش - یعنی عثمان بن سعید - نیستم، اما جرأت این را ندارم که بگویم ابو جعفر وکیل صاحب الزمان است. شیعیان گفتند: دیگران که شنیده‌اند، او گفت: شما باید و آنچه شنیده‌اید، و خود در این مسئله متوقف ماند. شیعیان هم او را لعنت کردند و بیزاری جستند. پس از مدتی به واسطه‌ی ابوالقاسم بن روح، توقیعی در لعن و براءت از وی در جمله‌ی کسانی که لعن شده بودند، صادر شد.

یکی دیگر از آنها ابوطاهر محمد بن علی بن بلال است. جریانی که میان او و ابو جعفر محمد بن عثمان - که خدا چهره‌اش را نورانی کند - گذشت و او حاضر به تسلیم اموال امام علیه السلام نشد و ادعای وکالت کرد، تا آنکه شیعیان او را لعنت کرده از او بیزاری جستند، و توقیعی از صاحب الزمان علیه السلام در مورد او صادر شد، معروف است.

ابو غالب زراری، از ابوالحسن محمد بن محمد بن یحیی معاذی نقل می‌کند: مردی از شیعیان به ابوطاهر بن بلال پیوسته بود، اما پس از مدتی به میان ما بازگشت. علت را جویا شدیم و گفت: روزی نزد ابوطاهر بن بلال بودم و برادرش ابوطیب، ابن حرز و جماعتی حضور داشتند، پسری وارد شد و گفت: ابو جعفر عمری بر در خانه است. آن جماعت هراسان شدند و به خاطر جریانات گذشته، خوشایندشان واقع نشد. ابوطاهر اذن ورود داد. ابو جعفر وارد شد، ابوطاهر و آن جماعت ایستادند و او در بالای مجلس، و ابوطاهر هم در مقابل ایشان نشست. بعد از آنکه آن جماعت ساکت شدند، ابو جعفر فرمود: ای ابوطاهر! تو را به خدا قسم می‌دهم، آیا صاحب الزمان علیه السلام به تو فرمان نداد اموالی را که نزد توست به من بسپاری؟! وی گفت: آری، پس ابو جعفر - که خدایش رضا باشد - برخاست و رفت.

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری‌فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همه‌ی اهل مجلس خاموش و مبہوت شدند، وقتی که به حالت عادی برگشتند، برادرش ابوطیب گفت: کجا صاحب الزمان را دیدی؟ وی پاسخ داد: ابو جعفر مرا به یکی از خانه‌هایش برد، صاحب الزمان از فراز خانه بر من مشرف شد و دستور داد اموالی را که نزد خود دارم به ابو جعفر بسپارم. ابوطیب گفت: از کجا دانستی او صاحب الزمان است؟ ابوطاهر گفت: از هیبت و هراسی که مرا فرا گرفت، دانستم صاحب الزمان است. بدین ترتیب من از ابوطاهر بریدم.»

احتجاج ۲/ ۲۸۹ می نویسد: «محمد بن نصیر نمیری از اصحاب امام عسکری علیه السلام بود. هنگامی که ایشان از دنیا رفتند، ادعای باییت کرد، ولی خدای متعال او را - به سبب الحاد، غلو، تناسخ، و نیز ادعای اینکه رسول نبی است و امام هادی علیه السلام او را فرستاده است، و همچنین جایز شمردن ازدواج با محارم - رسوا ساخت. از جمله‌ی غالیان، احمد بن هلال کرخی بود که پیشتر از اصحاب امام عسکری علیه السلام بود. بعدها از اعتقاد صحیح بازگشت و منکر باییت ابو جعفر محمد بن عثمان شد. لذا توقیعی از صاحب الامر و الزمان علیه السلام در لعن و بیزاری از او - در زمره‌ی کسانی که لعنت کرده و از آنان برائت جسته - صادر شد.

ابوطاهر محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج و محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزاقر - که خدایشان لعنت کند - نیز چنین هستند، و به واسطه‌ی شیخ ابوالقاسم حسین بن روح علیه السلام توقیعی در لعن و بیزاری از آنان صادر شد، و نسخه‌ی آن این است: خداوند تو را مدتی طولانی باقی دارد، تمام خیر را به تو بشناساند و عمل تو را بدان ختم کند. آن برادران ما را که به اعتقادشان وثوق داری و به نیت آنان دل آرامی - خداوند سعادتشان را پیوسته دارد - بیاگاهان که محمد بن علی معروف به شلمغانی - که خدا انتقام او را پیش اندازد و بدو مهلت ندهد - از اسلام بازگشته و مفارقت جسته، در دین خدا الحاد پیش گرفته، ادعایی کرده که با آن، به خالق - که جلیل و متعال است - کفر ورزیده، دروغ بسته، افترا زده و مرتکب بهتان و گناهی عظیم شده است، آنان که برای خدا شریک قرار می‌دهند، دروغ گفتند و به گمراهی بعید و زیانی آشکار گرفتار آمدند.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ما به درگاه خدای تعالی و رسولش - که صلوات، سلام، رحمت و برکات خدا بر او باد - از او بیزاری جسته لعنتش کردیم، لعنت‌های پیاپی خدا - در ظاهر و باطن ما، پنهان و پیدا، همه وقت و در هر حالی - بر او، و بر هر کسی که از او پیروی کند، و این سخن ما به او برسد، ولی باز از او تبعیت کند.

خداوند تورا ولیّ خود قرار دهد، به آنان خبرده که ما در مورد او هشدار می‌دهیم و بر حذر می‌داریم، هم چنان که نسبت به نظائر پیشین وی - از سریعی، نمیری، هلالی، بلالی و دیگران - بودیم.

رفتار خداوند - جلّ ثنائه - پیش و پس از آن [هماره] با ما نیکو بوده است، تنها به او وثوق داشته از او یاری می‌طلبیم، او در تمامی امورمان برای ما کافی است، و چه نیکو عهده‌داری است.»

مقالات الاسلامیین / ۷ می‌نویسد: «پیروان شریعی بر این پندارند که خداوند در پنج نفر حلول کرده است: پیامبر، علی، حسن، حسین و فاطمه، و ایشان را الایمان دانند. پیروان وی - بر خلاف گروهی که پیشتر گفتیم - هیچ خرده‌ای بر پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌گیرند. دیگر باور آنها این است که این پنج نفر که خدا درونشان حلول کرده پنج ضد دارند: ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه و عمرو بن عاص.

آنان در مورد این اضداد به دو گروه تقسیم می‌شوند: برخی معتقدند این اضداد ستوده‌اند (!) زیرا فضیلت آن پنج نفر، جز به این پنج ضد شناخته نمی‌شود، لذا از این جهت ستوده‌اند!

اما برخی بر این باورند که این پنج ضد مذمومند.

منقول است که شریعی می‌پنداشته خداوند در او حلول نموده است. و نیز گفته شده: فرقه‌ای از رافضه که آنان را نمیری گویند و پیروان نمیری هستند، معتقدند خدا در نمیری حلول نموده است.»

معجم رجال الحديث ۱۸ / ۳۱۷ می‌نگارد: «محمد بن نصیر نمیری؛ کشی گوید: ابو عمرو گوید: طائفه‌ای به نبوت محمد بن نصیر فهری نمیری معتقد شدند، و این بابت آن بود که

وی مدعی شد نبی رسول است و امام هادی علیه السلام او را فرستاده است.

وی به تناسخ، غلو در مورد امام هادی علیه السلام و ربوبیت ایشان، حلال بودن ازدواج با محارم و... اعتقاد داشت»

الذریعة ۳/ ۲۶۸ می نویسد: «[کتاب] تاریخ العلویین؛ تالیف محمد امین بن علی غالب بن سلیمان آقا بن ابراهیم آقا که نسبش - آن گونه که در کتاب آورده - به یعرب بن قحطان می رسد. وی می نویسد: علویانی که در سواحل دریای شام در چند منطقه با پایتخت لاذقیه سکونت دارند، اتباع محمد بن نصیرنمیری هستند. آنها همه شیعیان دوازده امامی هستند و به امامت حجت بن الحسن عسکری علیه السلام اعتقاد دارند. لکن نیابت نائبان چهارگانه را انکار و آنها را تکذیب می کنند و می گویند: باب امام عسکری علیه السلام ابوشعیب محمد بن نصیربصری نمیری است. پس از او ابو محمد عبد الله بن محمد حنان جنبلانی که سال ۲۳۵ به دنیا آمده و به سال ۲۸۷ از دنیا رفته است و طریقه ی جنبلانیه بدو منسوب می باشد عهده دار این امر شد. در ادامه شاگرد او حسین بن حمدان خصیبی متولد ۲۶۰ و متوفای ۳۴۶ که در جنبلان می زیست و به حلب هجرت کرد و کتاب الهدایة الکبری را آنجا برای حاکم آن سیف الدولة بن حمدان نگاشت، این امر را بر عهده گرفت. وی وکلایی از جمله علی جسری در بغداد داشت.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در ادامه می افزاید: حقایق، با رجوع به احوال محمد بن نصیر و حسین بن حمدان در کتب مربوط به غیبت و رجالمان آشکار می شود.»

برخی از مطالب پیرامون محمد بن نصیر و غلوی که پیروانش درباره ی او کرده اند را در کتاب الهدایة الکبری اثر حسین بن حمدان خصیبی می توان یافت.

شایان ذکر است که سمعانی در الانساب ۵/ ۴۹۸ بین نصیری و عبد الله بن سبأ - که فاصله ای بیش از دو قرن دارند - خلط کرده است!

هم چنان که گذشت، یکی از آنان احمد بن هلال عبرتائی است، شیخ طوسی در غیبت ۳۵۱/ می نویسد: «محمد بن یعقوب روایت می کند: توقیعی طولانی - که ما آن را مختصر نمودیم - برای عمری آمد: ما به درگاه خدای تعالی، از ابن هلال - که خدا او را رحمت نکند - و نیز از

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

کسی که از او بیزاری نجوید، برائت می‌جویم، پس، اسحاقی، همشهریانش و هرکه در مورد او از تو پرسیده یا می‌پرسد را از آنچه درباره‌ی احوال این فاجر گفتیم، آگاه ساز. ابوطاهر محمد بن علی بن بلال و تنی چند دیگر نیز از این زمره هستند، ولی سخن را با آنان طول نمی‌دهیم، زیرا مشهور بوده و در کتاب‌ها آمده است.»

ابن حسکه، ابن حاتم، فارس، سمهری و ابو الزرقاء

از منابع ما ظاهر می‌شود که شماری از این گمراه‌کنندگان، تحت تأثیر فلسفه‌ی معجوس و حلول آنان بوده‌اند، زیرا نوشته‌اند سربعی بارزترین شاگرد ابن حسکه‌ی قمی بود، و اعتقادشان بر انکار رسول خدا صلی الله علیه و آله، الوهیت امامان علیهم السلام، و نیز ادعای حلول خداوند در آنان، استوار بوده است! انتساب وی به قم، لابد ناشی از آن است که وی برهه‌ای از عمر خود را در آن سپری کرده است. اهالی قم کافران و منحرفان را از آن اخراج می‌کرده‌اند.

محقق بحرانی رحمه الله در الحقائق الناضرة ۱/ ۱۲ می‌نگارد: «امامان علیهم السلام شیعیان را از ورود تمامی بدعت‌گزاران [در میان آنان] بر حذر داشته، فرمان به اجتناب از آنان داده‌اند، و آنان را معرفی کرده‌اند، هم چنان که در احادیثی که پیش از این گذشت دانستید.

از این جمله، روایاتی است که از امامان پسین علیهم السلام در لعن جماعتی که این اوصاف را داشتند صادر شده است، مانند فارس بن حاتم قزوینی، حسن بن محمد بن بابا، محمد بن نصیرنمیری، ابوطاهر محمد بن علی بن بلال، احمد بن هلال، حسین بن منصور حلاج، ابن ابی عزافر، ابودلف و جماعت بسیاری که خود را شیعه می‌نامند و باورهای وقیحی چون غلو، اباحی‌گری، تناسخ و اموری چنین دارند. توقیعاتی از ایشان علیهم السلام در لعن و بیزاری جستن از اینان در هر مکانی صادر شد، و شیخ رحمه الله در کتاب غیبت تعدادی از اینان را آورده است. کشی نیز گزارشاتی پیرامون کارهای اینان، و همچنین توقیعات صادره‌ی مربوط به اینان به خاطر کارهایشان، نقل می‌کند.»

رجال کشی ۲/ ۸۰۴: «نصر بن صباح گوید: حسین بن علی خواتیمی غالی و ملعون بود. وی امام رضا علیه السلام را درک کرده بود.

همو گوید: حسن بن محمد معروف به ابن بابا، محمد بن نصیر نمیری و فارس بن حاتم قزوینی: امام هادی علیه السلام هراین سه را لعنت کرده است.

ابو محمد فضل بن شاذان در برخی کتاب هایش گفته است: یکی از کذابان مشهور ابن بابا قمی است.

سعد، از عبیدی نقل می کند: امام هادی علیه السلام خود به طور ابتدایی [و بدون آنکه من سؤالی پرسیده باشم] به من نوشتند: نزد خدا، از فهری و حسن بن محمد بن بابا قمی بیزاری می جویم، پس، از این دو بیزار باش که توو جمیع پیروانم را هشدار می دهم. من آن دورا لعن می کنم، لعنت خدا بر آنان باد. آن دو به [نام] ما از مردم ارتزاق می کنند، دو فتنه انگیز آزار دهنده، خدا آنان را بیازارد و در فتنه سرنگونشان کند.

ابن بابا می پندارد من او را به پیامبری فرستاده ام و او باب است! لعنت خدا بر او باد، شیطان او را تسخیر خود کرد و به گمراهی در آورد. خدا لعنت کند هر کسی را که این سخن را از او بپذیرد.

ای محمد! اگر توانستی سراو را با سنگی بشکنی، بشکن، زیرا او مرا آزرده است، خدا در دنیا و آخرت او را بیازارد.

ابو عمرو گوید: گروهی به نبوت محمد بن نصیر نمیری قائل شدند، به علت آنکه ادعا کرد نبی رسول است و امام هادی علیه السلام او را فرستاده است، وی به تناسخ و نیز غلو درباره ی امام هادی علیه السلام اعتقاد داشت...

نصر بن صباح گوید: موسی سواق پیروانی دارد که علیاویه^۱ نام دارند، و به حضرت محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله اهانت می کنند.

علی بن حسکه حواری قمی، استاد قاسم شعرانی یقطینی بود. ابن بابا و محمد بن موسی شریقی نیز از شاگردان علی بن حسکه بودند، آنان ملعون هستند، خدایشان لعنت کند. فضل بن شاذان در برخی کتب گفته: یکی از دروغ پردازان مشهور علی بن حسکه است. نصر بن صباح گوید: عباس بن صدقه، ابوالعباس طرنانی و ابوعبد الله کندی معروف به

۱. طائفه ای از غالیان

شاه رئیس، از غالیان بزرگ و ملعون بودند.

موسی بن جعفر بن وهب گوید: عروه، درباره‌ی فارس بن حاتم به امام هادی علیه السلام نامه‌ای نگاشت، ایشان در پاسخ مرقوم داشتند: او را تکذیب و هتک کنید، خدا او را [از رحمت خود] دور و خوار گرداند، او در هر آنچه ادعا و بیان می‌کند، دروغ می‌گوید. لکن خود را از خوض و سخن در این باره نگاه دارید، مراقب باشید با او مشورت نکنید، و راهی برایش نگذارید که [بدان] در طلب شری‌آید، خداوند ما را از سختی [و شرّ] او و کسی که مانند اوست کفایت کند...

فضل بن شاذان در برخی کتاب‌هایش گفته: یکی از کذابان مشهور، فارس بن حاتم قزوینی فاجراست.

... محمد بن عیسی بن عبید روایت می‌کند: امام هادی علیه السلام فرمان قتل فارس بن حاتم قزوینی را صادر، و برای کشنده‌ی او بهشت را ضمانت نمودند، پس جنید او را به هلاکت رساند.

فارس فتنه‌گر بود و مردم را به فتنه دچار می‌کرد، و به بدعت فرا می‌خواند. نامه‌ای چنین از امام هادی علیه السلام آمد: این فارس - که خدایش لعنت کند - [مدعی است که] از جانب من فتنه‌گری می‌کند و به بدعت فرا می‌خواند، خون او برای هر کسی که او را بکشد هدر است، حال چه کسی مرا از او راحت می‌کند و او را می‌کشد، و من برای او بهشت را بر خدا ضمانت کنم؟...

اسحاق انباری گوید: امام جواد علیه السلام به من فرمودند: ابوالسمه‌ری - که خدا او را لعنت کند - چه کرد، او بر ما دروغ می‌بندد، و می‌پندارد که خود - ابوالزرقاء دعوت‌گران به سوی ما هستند. شما را گواه می‌گیرم که به نزد خداوند عزیز و جلیل از آن دو بی‌زاری می‌جویم، آن دو فتنه‌گر و ملعونند...»

دیگراز اینان ابوبکر بغدادی و ابودلف هستند. شیخ طوسی در غیبت / ۴۱۲ می‌نویسد: «سخن درباره‌ی ابوبکر بغدادی برادر زاده‌ی شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان عمری، و نیز ابودلف مجنون؛

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شیخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان، از ابوالحسن علی بن بلال مهلبی، از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه نقل فرمود: ما ابودلف کاتب - که خدایش حفظ نکند - را به الحاد می شناختیم. او بعدها اظهار غلو کرد، بعد از آن دیوانه شد، و در ادامه به تفویض گروید. هر جا می رفت او را تحقیر می کردند. شیعیان تنها مدتی کوتاه وی را دیدند. آنان از او و هر کسی که با او ارتباط دارد، بیزاری می جویند.

بعد از آنکه برای ابوبکر بغدادی چنان ادعایی [سفارت] کردند، ما کسی را به نزد او فرستادیم، ولی او این مطلب را انکار و قسم یاد کرد، و ما پذیرفتیم. اما هنگامی که وارد بغداد شد، به این ادعا گروید و از طائفه‌ی حق منحرف شد، و بدان فراخواند! پس جای تردیدی برای ما باقی نماند که او بر همان اعتقاد است، از این رو او را لعنت کردیم و بیزاری جستیم، زیرا هر کسی پس از سمری علیه السلام مدعی این امر شود، نزد ما کافر، گمراه و گمراه‌گراست.

ابوعمر و محمد بن محمد بن نصر سگری گوید: هنگامی که پسر محمد بن حسن بن ولید قمی از جانب پدرش به همراهی جماعتی نزد ابوبکر بغدادی آمدند و در مورد نیابتی که برای وی ادعا می شد سؤال کردند، وی آن را انکار کرد و گفت: هیچ چیزی بر عهده‌ی من گذاشته نشده. اموالی براو عرضه شد ولی نپذیرفت و گفت: بر من حرام است چیزی از آن را دریافت کنم، زیرا هیچ چیزی از این امر بر عهده‌ی من نیست و هیچ ادعایی در این باره ندارم. ابن عیاش گوید: روزی با ابودلف بودم که سخن از ابوبکر بغدادی به میان آوردیم، او گفت: آیا می دانی چرا آقای ما شیخ [ابوبکر بغدادی] برتر از ابوالقاسم حسین بن روح و دیگران بود؟ گفتم: نه، گفت: زیرا ابو جعفر محمد بن عثمان در وصیتش، نام وی را بر نام او مقدم داشت. من گفتم: با این حساب، منصور [دوانیقی] باید از مولایمان امام کاظم علیه السلام برتر باشد! گفت: چرا؟ پاسخ دادم: زیرا امام صادق علیه السلام در وصیت، نام او را بر نام ایشان مقدم داشتند.^۱ وی گفت: توباً آقایمان دشمنی داری، من گفتم: همه‌ی خلق - به غیر از تو - با ابوبکر

۱. منصور فرمان داده بود هر کسی را که امام صادق علیه السلام به عنوان جانشین خود تعیین کرده، گردن بزنند. اما معلوم شد امام صادق علیه السلام بابت تقیه و حفظ جان امام کاظم علیه السلام، نام منصور را در وصیت خود، پیش از نام فرزندشان امام کاظم علیه السلام ذکر کرده‌اند، رک به کافی ۱/ ۳۱۰ م.

بغدادی دشمنند. پس نزدیک بود با یکدیگر درگیر شویم و گریبان هم را بگیریم.

ابوبکر بغدادی در قُلت دانش و مروّت مشهور است، و جنون ابودلف بسیار، در این کتاب در این باره سخن نمی‌گوییم. ابن نوح برخی از آن موارد را ذکر کرده است.»

حسین بن منصور حلاج

۱. عموم مورخان و فقهای مذاهب، متفق و معتقدند حلاج ادعاهایی بزرگ داشت که موجب خروج وی از اسلام شد. او مدعی شد وکیل امام مهدی علیه السلام است، بعدها هم ادعای الوهیت نمود! با این وجود برخی صوفیان، عارفان، غریبان و کسانی که تحت تأثیر آنهایند، او را ستوده، بزرگ انگاشتند!

۲. عموم فقیهان ما بر مذمت وی اتفاق نظر دارند، و او را در زمره‌ی کسانی به شمار آورده‌اند که توقیعی از امام مهدی علیه السلام در لعن و برائت از وی صادر شده است، شیخ طوسی رحمه الله در غیبت / ۴۰۱ می‌نگارند: «مذمومانی که به دروغ و افترا، ادعای بابیت و سفارت کردند - خدایشان لعنت کند -»

یکی از آنان حسین بن منصور حلاج است. حسین بن ابراهیم، از ابوالعباس احمد بن علی بن نوح، از ابو نصر هبة الله بن محمد کاتب پسر دختر ام کلثوم دختر ابو جعفر عمری برایم نقل کرد: هنگامی که خدای تعالی خواست حقیقت امر حلاج را آشکار کند، و او را رسوا و خوار گرداند، چنین شد: حلاج به گمان خود و به جهت جهالت مفرطی که داشت، پنداشت نیرنگ و حيله اش در ابوسهل اسماعیل بن علی نویختی - که خدا از او راضی باشد - نیز اثر می‌کند. از این رو نامه‌ای فرستاد و ایشان را طلبید تا نیرنگ زند، و به وسیله‌ی فریب ایشان - که در میان مردم از مکانتی برخوردار بود، و در علم و ادب برای خود منزلتی داشت - بتواند دیگران را نیز در سلک خود درآورده، به مقصود خود که حيله کردن با ضعیفان و گسترش باطل بود، دست یابد.

او در نامه‌اش نوشته بود: من وکیل صاحب الزمان علیه السلام هستم - وی با این سخن ابتدا

۱. الاثنا عشریة شیخ حرعاملی / ۵۲

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ناآگاهان را به سمت خود جلب می‌کرد و بعد از آن پا فراتر می‌گذاشت و دیگر ادعاهای خود را مطرح می‌نمود. فرمان دادم برای تو نامه‌ای نگاشته و هر آن نصرتی را که خواهانی برای اظهار کنند، تا [در اعتقاد به من] استوار شوی و هیچ تردیدی در این امر نداشته باشی.

ابوسهل در جواب نوشت: من خواسته‌ی کوچکی دارم که برای تو و در مقایسه با دلائلی که آشکار ساخته‌ای کار آسانی است، من مردی هستم که به کنیزان علاقه‌ی بسیار، و تعدادی از آنان را نیز در اختیار دارم، لکن پیری مرا از آنان دور می‌کند، و می‌بایست هر جمعه خضاب کنم. من مشقت بسیار این کار را متحمل می‌شوم تا این مسئله را از آنان مخفی دارم، و گرنه قرب آنان به بعد و وصالشان به هجران مبدل گردد. از تومی خواهم مرا از خضاب و سختی آن برهانی و ریش مرا سیاه گردانی، که در این صورت مطیع تو خواهم بود، نزد تو خواهم آمد، همان اعتقاد تو را داشته و به کیش تو فرا می‌خوانم!

حلاج وقتی پاسخ او را دریافت کرد دانست که نامه نوشتن به وی اشتباه بوده است، لذا نه دیگر نامه‌ای نوشت و نه کسی را فرستاد. ابوسهل نیز او را محور سخن و مضحکه‌ی همگان قرار داد و این مطلب را در بین کوچک و بزرگ منتشر کرد، و همین امر باعث شد حقیقت امر حلاج فاش شود، و مردم از او بگریزند.

جماعتی، از ابوعبد الله حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه برای نقل کردند: حلاج به قم آمد و به برخی از خویشان ابوالحسن^۱ نامه نوشت و او و ابوالحسن را به سوی خود دعوت کرد، وی نوشت: من فرستاده و وکیل امام هستم.

هنگامی که نامه به دست پدرم رسید آن را پاره کرد و به آورنده گفت: برای نادانی‌ها چقدر گنجایش داری! آن مرد - که به گمانم خود را پسر عمه و یا پسر عموی حلاج معرفی می‌کرد - گفت: اوشما را دعوت کرده است، چرا نامه‌اش را پاره کردی؟ همه به او خندیدند و به استهزاء گرفتند. ابوالحسن هم به همراه جماعتی از یاران و غلامان به دگان خویش رفت.

وقتی وارد خانه‌ای شد که دگانش در آن قرار داشت، هر که آنجا نشسته بود برخاست، به جزیک مرد که پدرم او را نشناخت. وقتی ایشان نشست و بسان تجار حساب و دواتش را

۱. پدر شیخ صدوق رحمته‌الله

بیرون آورد، به برخی حاضران رو کرد و درباره‌ی آن مرد سؤال نمود. او این را شنید و گفت: من خود حضور دارم، از دیگری درباره‌ام پرسش می‌کنی؟! پدرم پاسخ داد: ای مرد! تو را احترام کردم و بزرگ داشتم که از خودت سؤال ننمودم. آن مرد گفت: آیا نامه‌ی مرا در حضور خودم پاره می‌کنی؟

پدرم فرمود: پس، آن مرد تویی. ای غلام! او را بیرون کن و دشمن خدا و رسول صلی الله علیه و آله بیرون رفت. سپس فرمود: آیا ادعای معجزات داری؟ خدا تو را لعنت کند. دیگر در قم او را مشاهده نکردیم.»

۳. حلاج و حلول، اسوه و مقصد نهایی شلمغانی! حسین بن روح، دختر جناب محمد بن عثمان را از ارتباط با زنی از بنی بسطام - که اعتقاد داشت ارواح معصومین علیهم السلام به محمد بن عثمان، حسین بن روح و... انتقال یافته - نهی نمود و فرمود: «دخترم! مبدا از این پس نزد این زن بروی، اگر هم نامه‌ای برای نوشت یا شخصی را به سراغت فرستاد نپذیر، و دیگر با او دیدار نکن، این [گفتار او] کفر به خدای تعالی و الحاد است. این مرد ملعون، این باور را در دل‌های این قوم استوار ساخته است، تا بدین وسیله بتواند به آنان بگوید که خداوند متعال با او متحد شده و درونش حلول کرده است - همان گونه که نصاری درباره‌ی مسیح علیه السلام گویند - تا به قول حلاج - که خدایش لعنت کند - برسد.»^۱

شیخ مفید رحمه الله در تصحیح اعتقادات الامامیه / ۱۳۴ می‌فرماید: «حلاجیه گروهی از صوفیانند. آنان اباحی‌گردد و به حلول اعتقاد دارند. حلاج تظاهر به تشیع می‌کرد، گرچه ظاهر امر او تصوف بود. آنان افرادی ملحد و زندقه‌هستند، چنین وانمود می‌کنند که تمامی فرقه‌ها با اعتقادشان همسویند. برای حلاج اموری باطل را ادعا می‌کنند، همان سان که مجوسیان برای زردشت، و مسیحیان برای راهبان‌شان آیات و بینات را ادعا می‌کنند. و البته که مجوسیان و مسیحیان به عمل به عبادات از اینان نزدیک‌ترند، و اینان از شرّاع و عمل‌بدان، از آنها دورتر.»

عبارت محقق بحرانی نیز در الحقائق الناضرة ۱/ ۱۲ پیشتر گذشت: «از این جمله، روایتی

۱. غیبت شیخ طوسی / ۴۰۵

است که از امامان پسین علیهم السلام در لعن جماعتی که این اوصاف را داشتند صادر شده است، مانند فارس بن حاتم قزوینی، حسن بن محمد بن بابا، محمد بن نصیرنمیری، ابوطاهر محمد بن علی بن بلال، احمد بن هلال، حسین بن منصور حلاج، ابن ابی عزاقر، ابودلف و جماعت بسیاری که خود را شیعه می نامند و باورهای وقیحی چون غلو، اباحی گری، تناسخ و اموری چنین دارند. توقیعاتی از ایشان علیهم السلام در لعن و بیزاری جستن از اینان در هر مکانی صادر شد.»

۴. در مصادر تاریخ و سیره مطالب بسیاری پیرامون حلاج، داستان ها، سخنان و دروغ پردازی های پیروانش آمده است، چنان که می توان در این باب یک جلد کتاب به رشته ی تحریر درآورد. البته رساله های دانشگاهی، مقالات و مباحثی که غربیان درباره ی او و امور مربوطه نگاشته اند، چندین برابر است!

طبری در تاریخ خود ۸/ ۲۵۵ می نویسد: «سال ۳۰۱: ... در این سال شخصی جادوگر که به حلاج معروف و کنیه اش ابو محمد بود، به همراه رفیقش به خانه ی وزیر علی بن عیسی احضار شدند. از گروهی از مردم شنیدم که وی مدعی ربوبیت است. او و رفیقش را سه روز از ابتدا تا نیم روز به بند کشیدند، بعد آنها را پایین آورده به زندان می بردند. او مدتی طولانی در حبس بود و جماعتی از جمله نصر قشوری فریب او را خوردند، تا آنکه مردم اعتراض کردند و بر کسانی که بر حلاج ایراد می گرفتند و او را به بدی یاد می کردند، نفرین نمودند. پس او را از زندان بیرون آورد، دست ها و پاهایش را برید، آنگاه گردن زده و به آتش سوزاندند.»

الانساب سمعانی ۲/ ۲۹۲: «حلاج: ... یعنی پنبه زن، و کسی که به این عنوان شهرت دارد ابو مغیث حسین بن منصور حلاج است... جدّ وی مجوسی از اهالی بیضاء فارس بود و محمی نام داشت. حسین در واسط - و طبق قولی در شوشتر - رشد کرد. او به بغداد آمد و با صوفیان در آمیخت، و با بزرگان صوفیه مانند جنید بن محمد، ابو حسین نوری و عمرو بن عثمان مکی مصاحبت کرد... چند سالی هم شاگرد سهل بن عبد الله بود.

وی در بغداد بعضی اوقات جامه ی مویین می پوشید، گاه دو خرّقه ی رنگین، گاه قبا و عمامه و گاه با قبایی در زئی لشکریان. اولین سفری که از شوشتر به بصره رفت، هیجده سال

داشت. بعد از آن با دو خرقة نزد عمرو بن عثمان مکی و جنید بن محمد رفت، و هیجده ماه در کنار عمرو بن عثمان ماند...

بعداً با جماعتی از صوفیان به بغداد بازگشت. از آنجا به مکه آمد و یک سال در آن اقامت گزید. سپس به بغداد و به قصد جنید رجوع کرد...

به مدت یک سال به شوشتر آمد و در میان مردم وجهه ای عظیم یافت، چنان که تمام هم عصرانش بدو حسادت ورزیدند. عمرو بن عثمان پیوسته نامه می نوشت و به او فرمان می داد به خوزستان رود و سخنانی درشت درباره اش می گفت. این امر موجب خشم حلاج شد، پس لباس های صوفیه را کنار گذاشت و قبا به برگرد و همنشین اهل دنیا شد. پس از مدتی به مدت پنج سال به خراسان، ما وراء النهر، سیستان و کرمان رفت. آنگاه به فارس بازگشت، و به سخنرانی برای مردم پرداخت. مجلسی تشکیل می داد و آنان را به سوی خدا دعوت می کرد. وی در فارس به ابو عبد الله زاهد شناخته می شد. برای اهالی آن دیار آثاری نیز تصنیف نمود...

بعد به بصره رفت و مدتی کوتاه در آن ماند. دوباره راهی مکه شد. لباس هایی وصله دار و لنگ پوشید. جماعت بسیاری در این سفر وی را همراهی نمودند. ابویعقوب نهرجوری به او حسد کرد و درباره اش سخنانی گفت. لذا به بصره بازگشت و یک ماه در آن ماند. سپس به اهواز آمد، و از آنجا به بغداد و مکه رفت. بعدها چنین دید که به بلاد شرک سفر، و به سوی خدا دعوت کند. از این رو آهنگ هند، چین و ترکستان کرد. در ادامه بازگشت، حج به جا آورد و در آنجا اقامت گزید. پس از مدتی به بغداد رفت و زمینی به دست آورد و خانه بنا کرد...

تاریخ بغداد ۸/ ۱۱۲ می نویسد: «یک سال در بغداد ماند. پس از آن به برخی پیروان گفت: از فرزندان حمد مراقبت کن تا من بازگردم، چون به نظرم رسیده به بلاد شرک بروم و مردمان را به خدا دعوت کنم، و رفت. خبردار شدم که آهنگ هند کرده، پس از آن به خراسان رفته و بعد وارد ما وراء النهر و ترکستان شده است...

بعد از بازگشت از این سفر سخنان فراوانی درباره ی او گفتند. وی سومین حج خود را به

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

جای آورد و به مدت دو سال در آنجا اقامت کرد. سپس بازگشت و از رویکرد پیشین خود عدول نمود. او در بغداد زمین گرفت و خانه‌ای بنا نمود...

گروهی او را ساحرمی دانستند، قومی دیوانه می خواندند، و طائفه‌ای برای او کراماتی قائل بودند، سخن پیرامون او مختلف بود تا آنکه سلطان او را به حبس انداخت.

همان ۱۱۶/۸ می نویسد: «محمد بن علی کتانی گفت: حسین بن منصور در آغاز امر وارد مکه شد. ما بسیار تلاش کردیم تا جامه‌ی وصله دار او را به دست آوریم. سوسی گوید: ما شیشوی از آن برگرفتیم و وزن کردیم، نیم دانگ بود به جهت کثرت ریاضت وی...

علی بن احمد حاسب گوید: از پدرم چنین شنیدم: معتضد برای اموری چند مرا به هند فرستاد تا در رابطه با آن اطلاعاتی کسب کنم و او را آگاه سازم. در کشتی مردی که به نام حسین بن منصور شناخته می شد، همراه من بود. اخلاقی نیکو داشت و خوش صحبت بود. از کشتی پیاده شدیم و به ساحل درآمدیم. بدو گفتم: برای چه کاری به اینجا آمده‌ای؟ او گفت: آمده‌ام تا سحر بیاموزم و مردم را به خدا دعوت کنم!

در کنار ساحل کلبه‌ای و درون آن پیرمردی بود، حسین بن منصور به او گفت: آیا کسی را سراغ دارید که سحر بداند؟ پیرمرد رشته نخ‌ی بیرون آورد و یک طرف آن را به دست حسین بن منصور داد، سپس آن را به هوا پرتاب کرد و به پارچه‌ای تبدیل شد، پس به بالای آن رفت و فرود آمد!

به حسین بن منصور گفت: چنین چیزی می خواهی؟ بعد از آن حسین از من جدا شد و دیگر او را ندیدم مگر در بغداد...

منصور بن عبد الله گوید: از برخی رفقا چنین شنیدم: شبلی بریدن به دار آویخته‌ی منصور گذشت، بر او نگاهی انداخت و گفت: آیا تو را از مردمان نهی نکردیم...

ابوبکر بن ابی سعدان گوید: حسین بن منصور، تزویرگر و دروغ پرداز بود. ابو عبد الرحمن گوید: شنیدم که عمرو بن عثمان او را لعنت می کرد و می گفت: اگر بدو دست یابم با دست خود او را به قتل خواهم رساند، من گفتم: چرا؟ گفت: آیه‌ای از کتاب خدا را تلاوت کردم، او [حسین بن منصور] گفت: من نیز می توانم چنین سخن بگویم!

ابوزرعه‌ی طبری، از ابویعقوب اقطع نقل می‌کند: من به خاطر حسن طریقه و تلاشی که از حسین بن منصور دیدم، دخرتم را به همسری او در آوردم. بعد از مدتی کوتاه برایم معلوم شد که او ساحر، حيله گر، خبیث و کافر است...

وقتی وارد بغداد شد بسیاری از مردم و نیز رؤساء را گمراه کرد. طمع وی بیشتر متوجه رافضیان بود، زیرا در سلک آنان وارد شده بود. وی به ابوسهل بن نوبخت - که مردی فرهیخته، فهیم و تیزهوش بود - نامه‌ای نوشت تا او را به گمراهی بکشاند...

ابوبکر بن سعدان گوید: حسین بن منصور به من گفت: به من ایمان آور تا گنجشکی را نزد تو بفرستم که فضله‌ای به اندازه‌ی دانه‌ای، بر روی مسی به وزن چند منّ بیندازد، و طلا شود! من بدو گفتم: بلکه توبه من ایمان بیاور تا فیلی برایم بفرستم که به پشت بخوابد و دست و پایش در هوا قرار گیرد، و چون بخواهی او را پنهان کنی در یکی از دو چشمت پنهان داری! پس مبهوت ماند و سکوت کرد...

گفته شده که او به وسیله‌ی اموری شبیه شعبده و سحر و ادعای نبوت، در پی گمراه ساختن مردم بود... ادعا فراتر رفت و گفتند او مدعی ربوبیت است...

جریان وی میان مردم پخش شد و در مورد قتل او سخن می‌گفتند. خلیفه فرمان داد او را تسلیم حامد بن عباس کنند تا در حضور قضاة پرده از چهره‌اش بردارد. جریاناتی گذشت و خلیفه درباره‌ی او به یقین رسید و از آنچه درباره‌ی او می‌گفتند آگاه شد، از این رو فرمان قتل و به آتش سوزاندن او را صادر کرد.

او را در روز سه شنبه هفت روز باقی مانده از ذی القعدة سال ۳۰۹ در مجلس مأموران حاضر کردند و تقریباً هزار تازیانه براو نواختند. دست‌ها و پاهایش را قطع کردند، گردنش را زدند، و بدنش را به آتش سوزاندند، سراو را بر روی دیوار زندان جدید در مقابل دید مردم قرار دادند، دست و پایش را نیز در کنار سرش آویختند...

ابوبکر بن حمشاذ گوید: مردی با توبه‌ای به دینور آمد، و شب و روز از آن جدا نمی‌شد. مردم آن را تفتیش کردند و نوشته‌ای اثر حلاج در آن یافتند، در ابتدای آن چنین آمده بود: از رحمن رحیم به فلانی پسر فلانی. پس او را به بغداد فرستادند. حلاج را احضار و آن نوشته

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

را براو عرضه کردند، او گفت: این دست خط من است و من آن را نگاشته‌ام. آنان گفتند: پیشتر مدعی نبوت بودی، حال ادعای ربوبیت می‌کنی؟! پاسخ داد: من ادعای ربوبیت ندارم، اما آیا جز این است که نویسنده خداست و من و دست ابزاریم؟

ابوعلی اوارجی، به علی بن عیسی خبر داد که محمد بن علی قنائی - که کاتب بود - حلاج را می‌پرستد و مردم را به اطاعت از او فرا می‌خواند. علی بن عیسی کسی را فرستاد که او را دستگیر و خانه‌اش را تفتیش کند. او نزد علی بن عیسی اقرار کرد که از پیروان حلاج است، و از خانه‌اش دفترها و نامه‌هایی به خط حلاج آوردند. حامد بن عباس از مقتدر درخواست کرد حلاج و دعوتگران وی را بدو بسپارد...

حامد آنان را دستگیر کرد و با آنها به گفتگو پرداخت. آنها اعتراف کردند که از یاران و دعوتگران حلاجند، و گفتند الوهیت وی برای آنان به اثبات رسیده است و مردگان را زنده می‌کند، و بدین ترتیب پرده از چهره‌ی حلاج برداشتند، اما حلاج این مطلب را انکار و آنها را تکذیب کرد و گفت: به خدا پناه می‌برم از آنکه ادعای ربوبیت یا نبوت کنم، من مردی هستم که خدا را می‌پرستم، نماز، روزه و کار خیر بسیار انجام می‌دهم، و جز این نمی‌دانم.»

سیر اعلام النبلاء ۱۴ / ۳۱۳ می‌نویسد: «فقیه ابوعلی بن بناء گوید: حلاج ادعای الوهیت داشت و معتقد بود لاهوت در طبیعت حلول کرده است. وزیر علی بن عیسی او را احضار نمود، ولی دید نه می‌تواند قرآن را درست بخواند و نه از فقه و حدیث بهره‌مند است، پس به او گفت: فراگیری فرائض و امور طهارت، برای توشایسته‌تر از نوشتن نامه‌هایی است که نمی‌دانی در آن چه می‌گویی...

حلاج، نصر قشوری را از طریق صلاح و دین - و نه آنچه بدان فرا می‌خواند [و ادعا می‌کرد] - فریفته بود. نصر هم مادر مقتدر را از کشتن وی هراسانید و گفت: بیم آن دارم که عقوبت این عمل دامنگیر پسرت شود، او هم پسرش را از این کار بازداشت، ولی مقتدر نپذیرفت و به حامد دستور داد او را به قتل برساند، اما همان روز تب کرد و این باعث شد نصر و مادر مقتدر بیش از پیش فریفته شوند و مقتدر نیز به تردید افتد. لذا به حامد دستور داد دست نگه دارد، و چند روزی به تأخیر افتاد تا آنکه وی بهبودی یافت. حامد اصرار کرد و گفت: اگر

این شخص باقی بماند شریعت را دیگرگون می‌کند، و مردمانی را از دین برمی‌گرداند که به از بین رفتن حکومتان منجر خواهد شد، پس بگذارید او را بکشم، اگر مشکلی برای شما پیش آمد مرا به قتل برسانید. پس فرمان قتل او را صادر کرد و همان روز او را کشتند...

در خانه‌ی او نامه‌هایی پیدا کردند که از جانب دعوتگران وی از اطراف و اکناف آمده بود، نوشته بودند: ما برای تو در هرزمینی بذری کاشتیم که نموداشته باشد، برخی او را باب امام خطاب کرده بودند، برخی صاحب الزمان - یعنی کسی که شیعیان منتظر او هستند -، برخی او را صاحب ناموس اکبر یعنی پیامبر، و برخی هم خدا!

از حلاج در این باره سؤال کردند، وی گفت: من این نامه‌ها را نمی‌شناسم، آنها را برضد من ساخته‌اند...

محمد بن اسحاق ندیم هم در مورد حلاج مطالبی نقل می‌کند و براو هجوم می‌آورد، در ادامه اسامی کتب وی را می‌نگارد: کتاب طاسین الأول، الأحرف المحدثه والألیه، ظلّ ممدود، حمل النور والحیاء والأرواح، الصهور، تفسیر قل هو الله احد، الأبد والمأبود، خلق الإنسان والبیان، کید الشیطان، سرّ العالم والمبعوث، العدل والتوحید، السیاسة، علم الفناء والبقاء، شخص الظلمات، نور النور، الهیاكل والعالم، المثل الأعلى، النقطة وبدو الخلق، القیامات، الکبر والعظمة، خزائن الخیرات، موائد العارفين، خلق خلائق القرآن، الصدق والإخلاص، التوحید، النجم إذا هوی، الذاریات ذرواً، هو هو، کیف کان و کیف یكون، الوجود الأول، لا کیف، الکبریت الأحمر، الوجود الثانی، کیفیه والحقیقه و کتبی دیگر»^۱

عرب بن سعد قرطبی در صلة تاریخ الطبری / ۶۰ می‌نویسد: «حلاج مردی گمراه و خبیث بود. در شهرها می‌گشت و بر جاهلان تزویر می‌کرد. گروهی براین باورند که وی به رضا از آل محمد دعوت می‌نمود، اما ظاهر آن است که وی نزد سنی سنی بود، نزد شیعی شیعی و نزد معتزلی معتزلی.

او شعبده بازی می‌کرد. تلاش می‌کرد طب را فرا گیرد. کیمیا را تجربه نمود. با تزویر

۱. رک به سیر الاعلام ۱۷ / ۲۵۴ و میزان الاعتدال ۱ / ۵۴۸

پیوسته‌ی خود ناآگاهان را به گمراهی کشاند. بعدها ادعای ربوبیت کرد و به حلول قائل شد. افتراهای سختی بر خدای عزوجل و رسولانش زد.

نامه‌هایی از او یافت شد سراسر یاهو سرایی، سخن واژگون و کفر عظیم. در برخی از آنها آمده بود: من غرق کننده‌ی قوم نوح، و نابودگر عاد و ثمودم! وی به یارانش می‌گفت: تو نوحی، تو موسی و تونیز محمد، من ارواح آنان را به ابدان شما بازگردانده‌ام!

محمد بن یحیی صولی گوید: من بارها او را دیده و با او سخن گفته‌ام، او را جاهلی یافتم که خود را خردمند و انمود می‌کرد، الکنی که خود را به فصاحت می‌زد، و بدکاری که تظاهر به عبادت می‌کرد و پشم می‌پوشید.

نخستین کسی که بدو دست یافت علی بن احمد راسبی بود که چون از احوال وی آگاه شد، او را به عیان و دربند بر روی شتری به بغداد فرستاد. ماجرای او و آنچه برای خودش به اثبات رسیده بود را نیز در نامه‌ای نوشت و فرستاد. علی بن عیسی وزیر در سال ۳۰۱ او را احضار کرد و فقیهان را برای مناظره با وی آورد. او نه چیزی از قرآن می‌دانست، نه فقه و حدیث و شعر و لغت و اخبار مردم! پس او را سخیف خواند و مورد ضرب قرار داد...

ابن فرات در دوران نخستین وزارت خود بر [خانه‌ی] او هجوم آورد. موسی بن خلف نیز در پی او برآمد، ولی او با غلامش گریختند، تا آنکه در همین سال بدو دست یافت و به حامد وزیر سپرد. حامد او را در حضور حاضران می‌آورد و کتک می‌زد و ریشش را می‌کند...

۵. صوفیان و دوستان آنان برای آنکه حلاج را محبوب مردم قرار دهند بر اساس خیالات و بافته‌هایشان برای او شخصیت پردازی کردند، از این رو سخنانی را بدو نسبت دادند، و داستان‌هایی فتنه‌گر برای او دست و پا کردند، لذا حلاج دنیای تصوف، فلسفه و عرفان، غیر از حلاج واقعی شد، آنان او را رمز صوفی مظلوم دورانش دانستند!

عجیب است که قاضی شهید نورالله شوشتری رحمته‌الله که عالمی بزرگ و مدافع مذهب اهل بیت علیهم‌السلام بوده و در همین راستا به شهادت رسیده، نسبت به حلاج و ابن عربی حسن ظن به خرج داده است! علت این امر را باید آن دانست که ایشان درباره‌ی این دو شناختی محدود داشته است. وحید بهبهانی رحمته‌الله در تعلیقه / ۱۴۹ می‌نگارد: «حسین بن منصور؛ در وجیزه در مورد او آمده:

مذمت بسیاری دارد.

در بلغه چنین آمده: برخی از اجلّی شیعه در مدح وی، کار را به آنجا رسانده اند که مدعی شده اند او از اولیاست، مانند صاحب مجالس المؤمنین و محبوب القلوب و جزاین دو، لکن این امر خالی از بُعد و غرابت نیست.

در شرح حال شیخ مفید رحمته الله خواهد آمد که یکی از آثار ایشان، ردّ بر اصحاب حلاج است. «محدث ارموی در فیض الإله فی ترجمه القاضی نور الله / ۴۳ می نگارد: «فاضل کشمیری در کتاب نجوم السماء در احوال قاضی رحمته الله می نویسد - و خلاصه اش این است: پوشیده نیست که آنچه قاضی سید نور الله شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین و غیر او آورده اند - یعنی مدح جماعتی از صوفیه و حسن ظنّ به آنان، کسانی چون حسین بن منصور حلاج که توقیعی در بردارنده ی لعن او، از مولایمان صاحب الزمان رحمته الله صادر شد، همان گونه که عالمان ما که خدا از ایشان راضی باشد، در کتب معتبر نگاشته اند، و نیز سفیان ثوری، با یزید بسطامی، محیی الدین عربی و همانندان آنها از متقدّمین و متأخّرين صوفیه که فساد مذهب و اعتقاد باطلشان نزد علماء ما ثابت است - موجب نمی شود قاضی که آنها را می ستاید صوفی باشد، زیرا مدح شخصی منحصرّاً به معنای اختیار مسلک و قبول باور وی نیست...»

۶. برخی سنیان نیز در مورد او به اشتباه افتاده اند، شربینی در مغنی المحتاج ۴ / ۱۳۴ می نویسد: «از ابن سریق در مورد حلاج پرسیدند، گفت: در مورد او چیزی نمی گویم، امر او برایم واضح نیست. قاضی ابو عمرو جنید و فقیهان عصر او فتوی به کفر او دادند و مقتدر هزار تازیانه بر او زد...»

مردم درباره اش مختلفند، برخی در تعظیم او مبالغه می کنند، و برخی کافر می دانند. ابن مقرئ نیز بسان دیگران قائل به کفر کسی است که در کفر پیروان ابن عربی شک کند. «ابن عربی در تفسیر ۲ / ۲۳۳ با یزید بسطامی و گفتارش: سبحانی ما اعظم شأنی! و حسین بن منصور و گفتارش: انا الحق! را تأیید می کند و آنان را موحد تام می انگارد!

حلاج خوشایند آلوسی نیز قرار گرفته است، وی در تفسیرش ۵ / ۱۵۹ می پندارد معرفت الهی با

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام رحمته الله

منزلت امام رحمته الله

حکومت امام رحمته الله

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح رحمته الله

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام رحمته الله

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام رحمته الله در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

تمامی اجزاء بدن حلاج مخلوط شده بود، و با هر قطره از خون وی کلمه‌ی الله نوشته شد!

وی در ۱۶ / ۲۱۴ حلاج را در ادعای الوهیت معذور می‌شمارد!

ابن تیمیه نیز وارد گود می‌شود و راهی برای تصحیح ادعاهای حلاج و هم پیاله‌هایش ارائه

می‌کند، او معتقد است که خدا به فاسقان جن نیز قدرت بر انجام معجزات می‌دهد!

در دقائق التفسیر ۲ / ۱۴۲ می‌نویسد: «من در قلعه‌ای در مصر محبوس بودم. شخصی از جن نزد امیر که از یارانش جدا افتاده بود رفت و خود را ابن تیمیه معرفی کرد و امیر هم پنداشت او ابن تیمیه است. وی ملک مادرین را از این مطلب آگاه ساخت و او شخصی را فرستاد و حقیقت را جویا شد و فهمید من از زندان بیرون نرفته‌ام، و آن شخصی جَنّی بوده دوستدار من که همان کاری را انجام می‌داده که من انجام می‌دادم. هنگامی که ترکان به دمشق می‌آمدند به اسلام دعوتشان می‌کردم، و چون شهادتین را می‌گفتند به آنها غذا می‌دادم. برخی از مردم گفتند: به چه دلیل نمی‌گویی او فرشته بوده؟ گفتم: فرشته دروغ نمی‌گوید، اما او به دروغ خود را ابن تیمیه معرفی کرده.

بسیاری از مردم کسی را دیده‌اند که خود را خضر معرفی می‌کرده و حال آنکه جن بوده است. چنین امری برای یهود و نصاری نیز رخ می‌دهد، و آنان در معبدشان کسی را می‌بینند که خود را خضر عنوان می‌کند. گاه است که خود را موسی، عیسی، محمد و... عنوان کند، و اینها همه واقع شده، و پیامبر فرمود: هر که مرا در خواب ببیند، به حق مرا دیده چون شیطان به صورت من در نمی‌آید...

پیروان حلاج پس از قتل او، کسی به سراغشان می‌آمد و خود را حلاج معرفی می‌کرد. شیخی به نام دسوقی در مصر نیز پس از مرگش، نامه‌هایش از او به یارانش می‌رسید و شخصی راستین از پیروانش یکی از آن نامه‌ها را به من نمایاند و دیدم به خط جن است. من دست خط جن را بارها دیده‌ام!

همین گونه است نسبت به کسانی که علی یا محمد بن الحنفیه را زنده می‌دانند، و شخصی از جن در صورت آنها ظاهر می‌شده است! منتظر افضه نیز چنین است...!»

نگارنده: بنابراین این تیمیه باید ظلم و بیهوده‌کاری را به خدا نسبت داد، چرا که وی

می‌پندارد خدا به فاسقان جن قدرت برمعجزه می‌دهد، و اگر چنین باشد دیگر نمی‌توان انبیاء و اوصیایشان علیهم‌السلام را تصدیق نمود، زیرا ممکن است از جتّیان باشند!

از دیگر سو براساس چنین انگاری، باید انسان در هر چه مشاهده می‌کند تردید کند، چه می‌خواهد نبی یا فردی صالح باشد، و چه شخصی بدکار، زیرا ممکن است جتّی باشد! و البته که این تردید به شخص ابن تیمیه در مورد خودش نیز سرایت می‌کند!

شلمغانی، ابن ابی عزافر

شلمغانی در جوانی عالمی استوار و مورد اعتماد بود و کتاب‌هایی در فقه و حدیث نگاشت. اما با گذشت زمان شیطان او را به ضلالت کشاند، و در نتیجه خود را از مصادیق این آیه قرار داد: **وَأَنذِرْ عَالِمِهِمُ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ**،^۱ و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت؛ آنگاه شیطان، او را دنبال کرد و از گمراهان شد. انحراف او با ادعای سفارت امام مهدی علیه‌السلام آغاز شد. وی با ادعای شراکت با حسین بن روح رضی‌الله‌عنه در مقوله‌ی سفارت، مردم را می‌فریفت. بعدها هم به میدان حلول آمد و - بسان معاصرش حلاج - مدعی شد خدا در او حلول کرده است! فرجام حلاج موجب عبرت وی نشد و لذا در مسیر بدعت خود باقی ماند.

او برخی خانواده‌ها و شخصیت‌های سیاسی بغداد از جمله آل بسطام را نیز تحت تأثیر قرار داد و به گسترش بدعت حلول - که چیزی شبیه باور کرخیان مخمّسه، یعنی کسانی که می‌پنداشتند خداوند در حضرات پنج تن علیهم‌السلام حلول کرده، بود - در میان آنان پرداخت، بلکه مذهب وی از کرخیان نیز رسواتر بود.

شیخ مفید در الفصول العشرة / ۱۶ می‌فرماید: «محمد بن علی بن ابی العزافر شلمغانی درگذشته به سال ۳۲۳؛ وی از عالمان پیشین اصحاب ما [شیعیان]، و در راه مستقیم بود. لکن حسادت نسبت به ابوالقاسم حسین بن روح رضی‌الله‌عنه او را برآن داشت که ترک مذهب کند و به عقائدی سخیف معتقد شود، لذا سخنانی ناروا گفت، و توقیعی در لعن او از ناحیه صادر شد.

۱. سوره‌ی اعراف / ۱۷۵

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام علیه‌السلام
منزلت امام علیه‌السلام
حکومت امام علیه‌السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه‌السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه‌السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام علیه‌السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

او کتابی در غیبت نوشته است.»

شیخ طوسی نحوه‌ی تأثیرگذاری شلمغانی را بیان می‌کند، ایشان در غیبت / ۴۰۳ می‌نگارد:

«یکی از کسانی که ادعای سفارت و باییت داشت ابن ابی عزقراست. حسین بن ابراهیم، از احمد بن نوح، از ابونصر هبة الله بن محمد بن احمد کاتب پسر دختر ام کلثوم دختر ابو جعفر عمری، از ام کلثوم برایم نقل کرد: ابو جعفر بن ابی عزقرا نزد بنی بسطام از وجاهتی برخوردار بود. علت این امر آن بود که شیخ ابوالقاسم منزلت و مرتبتی برای وی نزد مردم قرار داده بود. وی پس از آنکه مرتد شد، هرگونه دروغ و کفری را برای بنی بسطام بیان می‌کرد و به شیخ ابو القاسم نسبت می‌داد، مردم هم از او می‌پذیرفتند. تا آنکه خبر به جناب ابوالقاسم رسید. ایشان آن امور را انکار کرد و سخت شمرد. بنی بسطام را از سخن گفتن با او نهی کرد و فرمان داد او را لعنت کرده بیزاری جویند، اما آنها نپذیرفتند و هم چنان او را عهده دار امور خود دانستند، و این بابت آن بود که وی به آنها می‌گفت: من سزای را که ابوالقاسم بر کتمان آن پیمان گرفته بود افشا کردم، لذا پس از قرب به او، به دوری و بُعد عقاب شدم. آن [راز] امری عظیم بود و کسی جز فرشته‌ی مقرب، نبی مرسل و مؤمن آزموده، تحمل آن را ندارد. وی با این کار بر بلندای عظمت آن مطلب می‌افزود!

این خبر به ابوالقاسم رسید. در نامه‌ای به بنی بسطام، براو و کسانی که سخن او را تأیید می‌کنند و هم چنان عهده دار می‌دانند، لعنت فرستاد و بیزاری جست.

وقتی نامه به آنان رسید آن را به شلمغانی نشان دادند، وی به شدت گریست و گفت: این سخن، باطنی عظیم دارد؛ لعنت به معنای دور کردن است، لذا اینکه گفته: خدا او را لعنت کند، بدان معناست که خدا از عذاب و آتش او را دور گرداند، هم اینک دریافتیم که چه مقامی دارم، و دو گونه را به خاک آلود و گفت: این مطلب را کتمان کنید!

ام کلثوم - که خدایش رضا باشد - گوید: من به شیخ ابوالقاسم خبر دادم که روزی به خانه‌ی مادر ابو جعفر بن بسطام رفتم. او به استقبال من آمد و بسیار احترام گذاشت، حتی برپایم افتاد و به بوسه گرفت! من این کار را ناروا شمردم و گفتم: بانوی من! دست نگه دار، این کار بزرگی است، و خود بردستان او افتادم، او گریست و گفت: چسان چنین نکنم و

حال آنکه شما سرور من فاطمه عليها السلام هستید! من بدو گفتم: بانوی من! چگونه؟ پاسخ داد: شیخ ابو جعفر محمد بن علی [شلمغانی] رازی را با ما در میان گذاشته است. گفتم: چه رازی؟ گفت: از ما عهد گرفته که آن را فاش نسازیم، و می ترسم اگر افشا کنم به عقوبت آن گرفتار شوم.

من به او اطمینان دادم که آن را بر کسی افشا نخواهم کرد، و در دل شیخ ابوالقاسم حسین بن روح را استثناء کردم. او گفت: شیخ ابو جعفر [شلمغانی] به ما گفته: روح رسول خدا صلی الله علیه و آله به پدر تو - یعنی ابو جعفر محمد بن عثمان - منتقل شده است، روح امیرالمؤمنین علیه السلام به بدن حسین بن روح، و روح سرورمان فاطمه عليها السلام به شما انتقال یافته است، حال چگونه شما را تبجیل نکنم؟

من گفتم: دست نگه دار، چنین نکن که این دروغ است، او [براین مطلب اصرار داشت و] گفت: این سَرّی عظیم است، و ایشان از ما پیمان گرفته که آن را برای هیچ کسی بازگوئی نکنیم. پس تو را به خدا قسم می دهم که [آن را فاش نکنی] مبدا عذابی مرا در رسد. بانوی من! اگر نبود آنکه مرا وادار به افشای آن کردید، برایتان نمی گفتم، بعد از شما هم برای احدی نخواهم گفت.

از نزد او که بیرون آمدم حضور شیخ ابوالقاسم بن روح رسیدم و جریان را تعریف کردم. ایشان که به من و سخنم اعتماد داشت فرمود: دخترم! مبدا از این پس نزد این زن بروی، اگر هم نامه ای برایت نوشت یا شخصی را به سراغت فرستاد نپذیر، و دیگر با او دیدار نکن، این [گفتار او] کفر به خدای تعالی و الحاد است. این مرد ملعون، این باور را در دل های این قوم استوار ساخته است، تا بدین وسیله بتواند به آنان بگوید که خداوند متعال با او متحد شده و درونش حلول کرده است - همان گونه که نصاری درباره ی مسیح علیه السلام گویند - تا به قول حلاج - که خدایش لعنت کند - برسد.

پس، من از بنی بسطام دوری جستم و دیگر سراغشان نرفتم، هیچ عذری از آنان نپذیرفتم و حاضر به دیدار با مادرشان هم نشدم، و این ماجرا در میان بنی نوبخت منتشر شد. شیخ ابوالقاسم برای همه نامه به لعن ابو جعفر شلمغانی و بیزاری از او و نیز مریدان او، و کسانی

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

که به اعتقاد اورضایت دارند یا با او سخن می گویند - چه برسد به آنکه موالات او را داشته باشند - نوشت.

بعد از آن هم توقیعی از صاحب الزمان علیه السلام در لعن و بیزاری از او، اتباع، پیروان، کسانی که به اعتقاد اورضایت دارند، و کسانی که پس از آگاهی از این توقیع او را عهده دار می دانند، صادر شد.

او حکایاتی قبیح و اموری ناپسند دارد که کتاب خود را از ذکر آن منزه می داریم، ابن نوح و دیگران نوشته اند.

اما سبب قتل وی؛ هنگامی که ابوالقاسم بن روح او را لعنت کرد، حکایت او را آشکار ساخت، بیزاری جست و تمامی شیعیان را بدان فرمان داد، او دیگر نتوانست حقیقت را مخفی دارد، لذا در مجلسی که بزرگان شیعه حضور داشتند و همه، لعن و بیزاری جستن شیخ ابوالقاسم از او را بازگویی کردند، صدا زد: من و او را در یک مجلس حاضر کنید تا من دست او را بگیرم و او دست مرا، پس اگر آتشی از آسمان بر او فرود نیامد و نسوزاند، بدانید هرچه درباره ی من گفته صحیح است.

از آنجا که این ماجرا در خانه ی ابن مقله رخ داده بود، راضی از آن خبردار شد، لذا فرمان داد او را دستگیر کنند و به قتل برسانند. پس او کشته شد و شیعیان راحت شدند.

ابوالحسن محمد بن احمد بن داود گوید: محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزافر - که خدایش لعنت کند - معتقد بود فضیلت ولی را جز با خرده گیری ضد در مورد او نمی توان شناخت. این باور از اینجا ناشی می شود که وی می خواست به کسانی که ایراداتی را که بروی می شود می شنوند، چنین بنمایاند که فضیلت وی را دربردارد!

آنها این اعتقاد را از آدم اول تا آدم هفتم پیاده کردند. آنان به هفت عالم و هفت آدم اعتقاد دارند. آنها این باور را در مورد موسی و فرعون، محمد و ابوبکر و علی و معاویه نیز پیاده کردند! در مورد ضد، برخی براین باورند که ولی او را می گمارد و وادار به خرده گیری بر خود می کند، همان گونه که برخی ظاهریان گویند: علی بن ابی طالب علیه السلام ابوبکر را به خلافت نشاناد! برخی نیز این را انکار کرده گویند: ضد در کنار ولی قدیم و ازلی است.

اینان گویند: قائمی که اصحاب ظاهر گویند فرزند یازدهمین و هموست که قیام می‌کند، و مقصود از آن ابلیس است، زیرا خدا می‌فرماید: فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ. إِلَّا إِبْلِيسَ،^۱ پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند، جز ابلیس، که به سجده در نیامد، سپس گفت: لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ،^۲ من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست. این آیه می‌رساند که ابلیس به هنگام فرمان به سجده، ایستاده بوده، و بعد از آن نشسته است!

و مقصود از اینکه قائم قیام می‌کند، همان ایستاده‌ایست که مأمور به سجده شد و ابا کرد، یعنی همان ابلیس!

شاعر آنها - که خدا لعنتشان کند - نیز سروده:

يا لاعناً للضد من عدیّ ما الضدّ الا ظاهر الوئی

ای کسی که ضد را نفرین می‌کنی، ضد ظاهروئی است...

صفوانی گوید: از ابوعلی بن همام چنین شنیدم: محمد بن علی عزاقری شلمغانی می‌گفت: حق یکی است با پوشش‌هایی مختلف، یک روز در جامه‌ی سفید است، روزی در سرخ و روزی هم در زرد!

ابن همام فرمود: این نخستین سخن او بود که ناروا شمردم، زیرا همان سخن پیروان حلول است.

جماعتی، از ابو محمد هارون بن موسی، از ابوعلی محمد بن همام برای گفتند: محمد بن علی شلمغانی، هیچگاه نماینده‌ی جناب ابوالقاسم نبود، و ایشان او را بر این سمت نگماردند. هرکه چنین باوری دارد اشتباه می‌کند. او تنها فقیهی از فقیهان ما بود، ولی خلط کرد و کفرو الحاد از او بروز نمود. لذا توقیعی به واسطه‌ی جناب ابوالقاسم، در لعن و بیزارى جستن از وی، تابعان، پیروان و هم فکرائش صادر شد.

حسین بن ابراهیم، از احمد بن علی بن نوح، از ابونصر هبة الله بن محمد بن احمد، از

۱. سوره‌ی حجر ۳۱ - ۳۰

۲. سوره‌ی اعراف ۱۶

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه‌ها
حاکمان بدکردار
بشارت‌ها
برنامه‌ی الهی
تحریف بشارت‌ها
اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه‌ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی‌ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف
روم
ترکان
دولت عدل
آماده‌سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه‌های ظهور
رجعت
امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

ابوعبد الله حسین بن احمد حامدی برّاز معروف به غلام ابوعلی بن جعفر، معروف به ابن زهومی نوبختی که پیرمردی گوشه گیر بود برایم گفت: از روح بن ابوالقاسم بن روح شنیدم: هنگامی که محمد بن علی شلمغانی کتاب التکلیف را نگاشت، شیخ ابوالقاسم فرمود: کتاب را بیاورید تا ببینم. آن را نزد ایشان آوردند و از ابتدا تا انتهای آن را خواند، آنگاه فرمود: هرچه در آن است از امامان (علیهم السلام) روایت شده است، مگر دو یا سه مورد که برایشان دروغ بسته است، خدایش لعنت کند.

جماعتی، از ابوالحسن محمد بن احمد بن داود، و ابوعبد الله حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه روایت می‌کنند: یکی از اشتباهات محمد بن علی [شلمغانی] در مذهب، آن است که در باب گواهی آمده است، وی از عالم (علیه السلام) روایت می‌کند: اگر برادر مؤمنت برگردن مردی حقی داشت، ولی او را از آن بازداشت، و تنها یک شاهد ثقه در بین بود، به آن شاهد رجوع و درباره‌ی گواهی‌اش پرسش می‌کنی، پس چون نزد تو گواهی داد، تو هم به همراه و بسان او نزد حاکم گواهی می‌دهی، تا حقی شخصی مسلمان از بین نرود. این عبارت طبق نقل ابن بابویه است.

ابن بابویه گوید: این دروغی است که او گفته و ما چنین حکمی را سراغ نداریم. در موضوعی دیگر نیز گفته: وی دروغ گفته است.

توقیعی که در لعن وی صادر شد؛ جماعتی، از ابو محمد هارون بن موسی، از محمد بن همام نقل کردند: به واسطه‌ی شیخ ابوالقاسم حسین بن روح - که خدایش رضا باشد - در ذی الحجه سال ۳۱۲ در لعن ابن ابی عزافر صادر شد و مرگب آن هنوز خشک نشده است. جماعتی، از ابن داود برایمان گزارش کردند: توقیعی به واسطه‌ی حسین بن روح درباره‌ی شلمغانی صادر شد، و ایشان نسخه‌ی آن را در ذی الحجه سال ۳۱۲ برای ابوعلی بن همام فرستادند.

ابن نوح گوید: ابو الفتح احمد بن ذکا غلام علی بن محمد بن فرات (علیه السلام) نقل می‌کند: ابوعلی بن همام بن سهیل، برای ما از توقیعی خبر داد که در ذی الحجه سال ۳۱۲ صادر شده بود.

محمد بن حسن بن جعفر بن اسماعیل بن صالح صیمری گوید: شیخ حسین بن روح در ذی الحجه سال ۳۱۲ از زندانش در خانه‌ی مقتدر، [توقیع را] برای استاد ما ابوعلی بن همام فرستاد. ابوعلی هم آن را املاء کرد و به من خبر داد که ابوالقاسم به خاطر آنکه دستگیر شده و در حبس است، در مورد ترک اظهار آن کسب تکلیف کرد، لکن مأمور شد آن را اظهار کند و نهراسد. ایشان پس از مدتی کوتاه از زندان رهایی یافت، و الحمد لله.

توقیع چنین است: خداوند تورا مدتی طولانی باقی دارد، تمام خیر را به تو بشناساند و عمل تورا بدان ختم کند. آن برادران ما را که به اعتقادشان وثوق داری و به نیت آنان دل آرامی - خداوند سعادت‌مندان کند - بیاگاهان که محمد بن علی معروف به شلمغانی - ابن داود می‌افزاید: که از کسانی است که خدا انتقام او را پیش اندازد و بدو مهلت ندهد - از اسلام بازگشته و مفارقت جسته است، در دین خدا الحاد پیش گرفته، ادعایی کرده که با آن، به خالق - که جلیل و متعال است - کفر ورزیده است، دروغ بسته، افترا زده و مرتکب بهتان و گناهی عظیم شده، آنان که برای خدا شریک قرار می‌دهند دروغ گفتند و به گمراهی بعید و زیان آشکار گرفتار آمدند.

ما به درگاه خدای تعالی و رسول او و خاندانش - که صلوات، سلام، رحمت و برکات خدا بر آنان باد - از او بیزاری جسته لعنتش کردیم، لعنت‌های خدا - در ظاهر و باطن ما، پنهان و پیدا، همه وقت و در هر حالی - بر او و کسی که از او پیروی و تبعیت کند، یا این سخن ما به او برسد ولی باز بدو معتقد باشد...

هارون گوید: ابوعلی این توقیع را گرفت و برای تمامی بزرگان قرائت نمود. نسخه‌هایی از آن نیز به سایر مناطق فرستاده و در میان شیعیان مشهور شد، از این روشیعیان بر لعن و بیزاری جستن از وی اتفاق نمودند.

محمد بن علی شلمغانی در سال ۳۲۳ به قتل رسید.»

حسادت شلمغانی نسبت به جناب حسین بن روح رحمته الله

انحراف شلمغانی از زمانی آغاز شد که حسین بن روح پیش از آنکه به زندان افتد، خود را از دستگاه حاکم مخفی نموده بود. در این برهه بود که وی واسطه‌ی میان حسین بن روح و مردم بود، بدو مراجعه می‌کردند، او نامه‌های مردم را می‌گرفت و به ایشان می‌سپرد. هنگامی که وی در مسیر انحراف گام نهاد، ایشان او را کنار گذاردند و عالم ثقه جناب ابوعلی بن همام را جایگزین او نمودند.

غیبت شیخ طوسی / ۳۰۲ از ابو عبد الله احمد بن محمد بن عیاش از ابو غالب زراری رحمته الله روایت می‌کند: «در یکی از سفرهایم، در جوانی از کوفه خارج شدم و مردی از برادرانمان - ابن عیاش نام او را فراموش کرده - نیز با من همراه بود، و این در زمان شیخ ابو القاسم حسین بن روح رحمته الله، استتار ایشان، و گماردن ابو جعفر محمد بن علی معروف به شلمغانی توسط ایشان بود. شلمغانی در راه مستقیم بود و کفر و الحادی از او بروز نکرده بود. به جهت آنکه او نماینده‌ی جناب حسین بن روح در میان مردم بود، آنان در حاجات و امور مهم خود نزد او می‌آمدند و با او دیدار می‌کردند.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عج

مردی که همراه من بود گفت: آیا می‌خواهی با ابو جعفر دیدار کنی؟ امروز او برای شیعیان گمارده شده، من که می‌خواهم از او درخواست کنم دعایی به ناحیه بنویسد، من هم پاسخ مثبت دادم.

بر او وارد شدیم و تعدادی از شیعیان هم حضور داشتند، سلام کردیم و نشستیم. او به رفیقم رو کرد و گفت: این جوان که همراه توست کیست؟ او گفت: مردی از خاندان زراره بن اعین، به من رو کرد و گفت: از کدام تیره؟ گفتم: آقای من! من از نسل بکیرین اعین برادر زراره هستم، گفت: خاندانی با جلالت و عظیم‌القدر در این امر [تشیع].

رفیقم گفت: آقای ما! می‌خواهم دعایی برایم مکاتبه کنید، او هم پذیرفت. هنگامی که این را شنیدم با خود گفتم: من نیز امیری را که برای هیچ کس از خلق خدا اظهار نکرده بودم - یعنی در مورد همسر مادری ابو العباس پسر من، او با من بسیار مخالفت می‌کرد و خشمگین می‌شد، البته وی را دوست می‌داشتم -، در نظر گرفته و از او می‌خواهم در مورد امری مهم

بدون آنکه آن را بیان کنم برایم درخواست دعا کند، لذا صدا زدم: خداوند عمر آقایمان را طولانی گرداند، من نیز حاجتی دارم، دعا برای گشایش در امری مهم.

او هم برگه‌ای را که در آن درخواست آن مرد را نوشته بود، برداشت و نوشت: زراری درباره‌ی امری مهم خواهان دعاست، و آن را پیچید، ما هم برخاستیم و بیرون رفتیم.

چند روز بعد رفیقم گفت: آیا نزد ابو جعفر برویم و در مورد درخواست هایمان بپرسیم؟ لذا نزد او آمدم. هنگامی که نشستیم آن برگه را بیرون آورد. در آن پاسخ سؤالات بسیاری آمده بود. رو کرد به رفیقم و جواب سؤالش را داد. بعد از آن به من رو کرد و چنین خواند: اما زراری و جریان زوج و زوجه؛ خداوند میان آن دو آشتی برقرار کند. من مبهوت ماندم، با رفیقم برخاستیم و بیرون آمدم، او گفت: شگفت زده شدی! من گفتم: امری شگفت انگیزتر از آن رخ داد، گفت: چه؟ گفتم: رازی بود که جز خدا و من کسی از آن آگاهی نداشت ولی او خبر داد. گفت: آیا در مورد ناحیه تردید داری؟ الآن بگو ببینم ماجرا چه بوده، من هم برایش تعریف کردم، او هم شگفت زده شد.

به کوفه که بازگشتیم به خانه ام آمدم. مادر ابو العباس غضب کرده و نزد خانواده اش رفته بود. اما یکبارہ آمد و از من درخواست کرد از او راضی شوم، پوزش خواست، و تا زمانی که مرگ میان ما فاصله انداخت، در هیچ امری با من مخالفت نکرد.

نگارنده: از این گزارش ظاهری شود که شلمغانی نامه‌ها و سؤالات را که این مورد یکی از آنها بوده، می‌رسانده است، لذا انحراف وی پس از این زمان بوده، یعنی زمانی که حسین بن روح در زندان خانه‌ی مقتدر که زندانی سیاسی بود - و پیشتر گذشت - محبوس بود.

غیبت شیخ طوسی / ۳۰۷ از حسن بن جعفر بن اسماعیل بن صالح صیمری نقل می‌کند: «هنگامی که شیخ ابو القاسم حسین بن روح - که خدایش راضی باشد - توقیع لعن ابن ابی عزافر را فرستاد، در ذی الحجه سال ۳۱۲ از زندانش در خانه‌ی مقتدر، برای استاد ما ابو علی بن همام رحمته الله فرستاد. ابو علی هم آن را بر من املاء کرد و به من خبر داد که ابو القاسم به خاطر آنکه دستگیر شده و در حبس است، در مورد ترک اظهار آن کسب تکلیف کرد، لکن مأمور شد آن را اظهار کند و نهراسد. ایشان پس از مدتی کوتاه از زندان رهایی یافت، و الحمد لله.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

همان از ابوعلی بن همام: «محمد بن علی شلمغانی عزاقری برای شیخ حسین بن روح پیغام فرستاد که می خواهد با ایشان مباحله کند و گفت: من سفیر حضرت هستم، و مأمورم علم را اظهار کنم، لذا در پیدا و پنهان به اظهار آن پرداختم، پس با من مباحله کن. شیخ در پاسخ او چنین فرستاد: هریک از ما که [در مرگ] بردیگری پیشی گیرد، شکست خورده است. و این عزاقری بود که پیشی گرفت و کشته و به دار آویخته شد. ابن ابی عون نیز با او دستگیر شد، و این امر در سال ۳۲۳ واقع شد.»

با این حساب، از زمانی که لعن وی صادر شد تا وقتی که به قتل رسید، یازده سال فاصله بوده است. او در این سال ها پلّه پلّه ادعاهای خود را از ادعای مشارکت با حسین بن روح علیه السلام در سفارت گرفته، تا حلول ارواح امامان علیهم السلام در این روح و خودش، و سرانجام هم ادعای الوهیت، بالا برد! معلوم نیست کسی از بنی بسطام که تحت تأثیر وی بودند از او تبعیت کرده است یا نه، اما ابن ابی عون که به همراه وی کشته شد، به الوهیت وی معتقد بود، مانند محمد بن علی قنائی که حلاج را اله می انگاشت!

انسان با تأمل در احوال شلمغانی، دانش، مکانت و قرب او و نیز معجزاتی که به واسطه ی حسین بن روح از امام علیه السلام دیده، برای انحراف او سببی جز ضعف عقل و ایمان و یقین نمی یابد، و همین بود که او را در دنیا و آخرت به بد فرجامی در آورد.

شیخ طوسی رحمه الله در غیبت / ۳۹۱ می فرماید: «محمد بن علی بن ابی عزافر شلمغانی در ابتدای کتاب الغیبة خود می نویسد: اما در آنچه میان من و مرد مذکور - که خدا بر توفیقش بیفزاید - واقع شده، کسی حق دخالت ندارد، مگر آنکه خود او را دخالت دهم، زیرا جفا بر من شده و خود ولی و صاحب اختیار آنم.

در فصلی دیگر نیز می گوید: هرآنکه الطاف الهی بر او فزون گردد، حجت [خدا] نیز بر او بیشتر شود و می بایست در آنچه او را ناراحت یا مسرور می گرداند صدق پیشه کند، و با وجود جفای عظیم او [حسین بن روح]، روا نیست میان خود و خدا جز راست بگویم، این مرد برای امری از امور منصوب و گماشته شده، و شیعیان حق ندارند در آن امر از او عدول کنند، حکم اسلام نیز - با وجود جفایی که کرده - بسان دیگر مؤمنان بر او جاری است.»

بدین ترتیب شلمغانی به سفارت حسین بن روح علیه السلام اعتراف می‌کند، لکن ایشان را به جهت آنکه به سفارت وی اذعان ندارد، ظالم می‌داند!

شلمغانی در منابع تاریخی

ابن اثیر در تاریخ خود ۲۹۰ / ۸ می‌نویسد: «قتل شلمغانی و بیان اعتقاد او؛ در این سال ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزازقه قتل رسید. شلمغان منطقه‌ای است در واسط. سبب آن بود که وی باوری غلو آمیز در تشیع بنیان نهاد، و به تناسخ و حلول خدا در خود اعتقاد داشت، علاوه بر اموری دیگر.

کسی که باورهای اینچنینی او را آشکار کرد، ابوالقاسم حسین بن روح - که شیعیان او را باب می‌نامند - در وزارت حامد بن عباس بود. وی در دوران سومین وزارت ابوالحسن بن فرات با پسر او محسن رفاقت کرد. در وزارت خاقانی در جستجوی او برآمدند، ولی او خود را مخفی کرد و به موصل گریخت و چند سال نزد ناصرالدوله حسن بن عبد الله بن حمدان - در حیات پدرش عبد الله بن حمدان - ماند. از آنجا هم به بغداد رفت و خود را پنهان نمود. در بغداد آشکار شد که وی ادعای ربوبیت دارد، و گفته شده که حسین بن قاسم بن عبد الله بن سلیمان بن وهب - که برهه‌ای وزیر مقتدر بوده -، ابو جعفر و ابو علی دو پسر بسطام، ابراهیم بن محمد بن ابی عون، ابن شیبب زیات و احمد بن محمد بن عبدوس، از او پیروی کرده و درباره اش همین اعتقاد را داشتند و این مطلب از آنان بروز کرده است. در ایامی که ابن مقله وزیر مقتدر بود، در طلب آنان برآمدند ولی دست نیافتند.

در شوال سال ۳۲۲ شلمغانی آشکار شد و ابن مقله‌ی وزیر او را دستگیر کرد، به زندان انداخت و بر خانه اش هجوم آورد. درون خانه نامه‌ها و کتاب‌هایی از کسانی که ادعا می‌شد با او هم اعتقادند، و او را چنان خطاب کرده بودند که بشری بشری دیگر را خطاب نمی‌کند، یافت شد. در آنها دست خط حسین بن قاسم هم یافت شد، دست خط‌ها را عرضه کردند و مردم آنها را شناختند. آنها را نزد شلمغانی بردند، او هم اقرار کرد که دست خط همینان است، ولی اعتقاد خود را منکر شد، اظهار اسلام کرد و از آنچه در موردش گویند، بی‌زاری جست!

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

ابن ابی عون و ابن عبدوس را نیز دستگیر کردند و به همراه او نزد خلیفه آوردند، به این دو دستور داده شد شلمغانی را بزنند، ولی ابا کردند. آن دو را بر این کار مجبور کردند، پس ابن عبدوس او را زد، ولی ابن ابی عون تا دست خود را به سمت ریش و سر شلمغانی دراز کرد لرزیدن گرفت، لذا سروریش او را بوسید و گفت: اله، سرور و رازق من!

راضی به شلمغانی گفت: می‌پنداشتم تو ادعای الوهیت نداری، پس این چیست؟ وی گفت: سخن ابن ابی عون به من چه ربطی دارد، خدا می‌داند که من هرگز به وی نگفته‌ام که خدا هستم!

ابن عبدوس گفت: او ادعای الوهیت ندارد، بلکه ادعا می‌کند - به جای ابن روح - باب امام منتظر است، و گمانم چنین بود که این را از بابت تقیه می‌گوید. آنها را چند بار در حضور فقیهان، قضاة، نویسندگان و فرماندهان احضار کردند. در آخرین روز فقهاء فتوی دادند که خون او مباح است، لذا او و ابن ابی عون را در ذی القعدة به دار آویخته و به آتش سوزاندند.

اعتقاد او آن بود که خدای خدایان است، و اوست که حق را استوار می‌گرداند، اول قدیم ظاهر باطن رازق کامل است و تمامی معانی بدو اشاره دارد!

او می‌گفت: خداوند در هر چیزی به مقداری که آن چیز تحمل دارد حلول می‌کند. او ضد را آفریده تا بر طرف مقابل دلالت نماید. او در آدم - هنگامی که او را آفرید - و در ابلیس - که ضد یکدیگرند - حلول کرد. دلیل بر حق افضل از حق است. ضد امری از شبیه آن امر بدان نزدیکتر است. خدا چون در جسدی زمینی حلول کند، قدرت و معجزه‌ای ظاهر خواهد شد که دلالت می‌کند او همان است. هنگامی که آدم غائب شد، لاهوت در پنج شخص زمینی - که هریک ناپدید شود دیگری جای او قرار می‌گیرد - و پنج ابلیس که اضداد آنان هستند ظهور نمود. بعدها در ادريس و ابلیس جمع و سپس پراکنده شد. در نوح و ابلیس گرد آمد و ...

خدا در هر چیز و هر معنایی آشکار می‌شود، و در هر کسی آن گونه است که در دل او می‌گذرد. همیشه در ذهن اوست و غائب نمی‌گردد، چنانکه گویا آن را مشاهده می‌کند.

خدا نامی برای یک معناست. هرکسی مردم بدو نیاز دارند اله است، لذا همه باید اله نام گیرند. هریک از پیروان او نسبت به کسی که درجه‌ای پایین‌تر دارد ربوبیت دارد، تا آنکه به ابن ابی عزافر منتهی شود که رب الارباب است و پس از او ربوبیتی نیست!
 آنان حسن و حسین را فرزندان علی نمی‌دانند، زیرا کسی که مقام ربوبیت دارد، نه فرزند دارد و نه پدر!

آنان موسی و محمد را خائن می‌نامند، زیرا ادعا می‌کنند هارون موسی را و علی محمد را ارسال کردند، ولی این دو خیانت نمودند! آنان می‌پندارند علی به محمد به تعداد سال‌های اصحاب کهف مهلت داد و چون این مدت - که سیصد و پنجاه سال است - به پایان رسید، شریعت بدو منتقل شد!

می‌گویند: فرشته و ملک کسی است که مالک خود باشد و حق را بشناسد. بهشت، شناخت آنها و پذیرش مذهب آنهاست، و دوزخ، جهالت نسبت به ایشان و عدول از اعتقادشان است!

آنان نماز، روزه و دیگر عبادات را ترک می‌کنند، عقد نکاح نمی‌کنند، فروج را مباح می‌شمارند، می‌گویند که محمد به سوی بزرگان قریش و جباران عرب مبعوث شد، ولی آنها ابا کردند، لذا امر کرد به سجده درآیند. حکمت یعنی آزمودن مردم با اباحه‌ی فروج زنانشان. انسان می‌تواند با هر کس از خویشان، همسر رفیق و همسر پسرش که بخواهد - و هم مذهب او هستند - نزدیکی کند!... و این بر اساس اعتقاد آنها به تناسخ است! آنان معتقد بودند فرزندان ابوطالب و بنی عباس همه باید از بین روند.

اعتقاد اینان بسیار شبیه به باور نصیرییه است و شاید یکی باشد، زیرا نصیرییه به ابن فرات اعتقاد داشتند و در مذهب آنان جایگاهی داشت.

حسین بن قاسم [از پیروان شلمغانی] در رقه بود. راضی بالله کسی را سراغ او فرستاد و در آخر ذی القعدة او را به قتل رسانیده سرش را به بغداد ارسال نمود.

وفیات الاعیان ۱۵۶/۲ مشابه این عبارات را می‌آورد، می‌نویسد: «در این سال ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی مشهور به ابن ابی عزافر به قتل رسید. علت قتل آن بود که وی باوری

غلوآمیز در تشیع بنیان نهاد، و به تناسخ و حلول خدا در خود اعتقاد داشت، علاوه بر اموری دیگر.

کسی که باورهای اینچنینی او را آشکار کرد، ابوالقاسم حسین بن روح - که شیعیان او را باب می نامند - بود. لذا در طلب شلمغانی برآمدند. او هم مخفی شد و به موصل گریخت. سال ها در آنجا مقیم بود و بعد به بغداد رفت ...

وی می نویسد: کسی که او را محاکمه کرد خود خلیفه راضی بود.^۱

سیر اعلام النبلاء ۵۶۸/ ۱۴ می نویسد: «این خبر منتشر شد که وی ادعای ربوبیت و احیای مردگان دارد. پیروانش افزون شدند. ابن مقله او را نزد راضی بالله احضار کرد...»

ابوعلی حسین [بن قاسم وزیر] که بدو جمال گویند، در سال ۳۱۹ وزیر مقتدر بود، و عمید الدولة لقب داشت. وی پس از هفت ماه عزل و زندانی شد. مجلسی با حضور شلمغانی ترتیب دادند و او را حاضر ساخته به مناظره با او پرداختند. نامه هایی از او آشکار شد که در آن شلمغانی را اله می خواند. او هفتاد و هشت سال زیست.^۲

روایات آنان را بپذیرید، ولی نظراتشان را نه

امامان علیهم السلام در مورد کتاب های عالمانی که در مسیر حق و مستقیم بودند، ولی بعداً منحرف شدند - مانند شلمغانی - قاعده ای به دست ما داده و فرموده اند: روایات آنان را بپذیرید، ولی نظراتشان را نه.

غیبت شیخ طوسی / ۳۸۹ می نگارد: «ابوالحسین بن تمام، از عبد الله کوفی خادم شیخ حسین بن روح - که خدایش رضا باشد - نقل می کند: پس از آنکه ابن ابی عزاقمر مورد مذمت قرار گرفت و توقیعی در لعن او آمد، از شیخ - یعنی ابوالقاسم - درباره ی کتب وی چنین سؤال شد: با کتاب های او که خانه هایمان پر است از آنها، چه کنیم؟ ایشان در پاسخ گفت: در این باره همان سخنی را می گویم که ابو محمد حسن بن علی عسکری علیه السلام درباره ی

۱. و نیز رک به مآثر الانافاة ۲۸۹/ ۱، الوافی بالوفیات ۸۱/ ۴ و ۲۲۶/ ۸ و تاریخ الاسلام ۱۱۵/ ۲۴

۲. شذرات الذهب ۲۹۳/ ۱

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

کتاب بنی فضال^۱ فرمودند، از ایشان پرسیدند: با کتاب‌های آنها که خانه‌هایمان از آن آکنده است، چه کنیم؟ ایشان فرمودند: آنچه را روایت کردند بپذیرید، ولی نظراتشان را واگذارید.»

نجاشی در فهرست خود / ۳۷۸ می‌نویسد: «محمد بن علی شلمغانی ابو جعفر معروف به ابن ابی عزافر، از عالمان پیشین اصحاب ما بود. لکن حسادت نسبت به ابوالقاسم حسین بن روح، او را برآن داشت که ترک مذهب کند و به عقائدی سخیف معتقد شود. تا آنکه توقیعاتی درباره‌ی او صادر شد، و سلطان او را دستگیر کرد و به قتل رسانید و به دار آویخت. او نوشته‌هایی دارد از جمله: کتاب التکلیف، نامه‌ای به ابن همام، کتاب ماهیه العصمة، کتاب الزاهر بالحجج العقلية، کتاب المباهلة، کتاب الأوصیاء، کتاب المعارف، کتاب الإيضاح، کتاب فضل النطق علی الصمت، کتاب فضل العمرتين، کتاب الأنوار، کتاب التسليم، کتاب البرهان والتوحيد، کتاب البداء والمشيئة، کتاب نظم القرآن، کتاب الإمامة الکبیر، کتاب الإمامة الصغیر.

ابوالفرج محمد بن علی کاتب قنائی گوید: ابوالفضل محمد بن عبد الله بن المطلب به ما گفت: ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی در دورانی که در معلثایا^۲ مخفی بود، کتاب‌هایش را برایم یاد کرد.»

غیبت شیخ طوسی / ۳۹۳ از محمد بن احمد بن داود قمی چنین می‌آورد: «به دست خط احمد بن ابراهیم نوبختی و املاء ابوالقاسم حسین بن روح - در پشت نامه‌ای که در آن سؤالات و پاسخ‌هایی بود که از قم فرستاده شده بود و در آن پرسیده بودند آیا این جواب‌ها از جانب فقیه [امام] عجل الله تعالی فرجه است یا محمد بن علی شلمغانی؟ زیرا از شلمغانی چنین نقل شده: من پاسخ این سؤالات را داده‌ام. پس در پشت نامه‌شان پاسخ را نگاشت - چنین یافتیم: بسم الله الرحمن الرحيم، ما از این نامه و آنچه دربردارد آگاه شدیم، تمام آن پاسخ‌های ماست، و واگذارده‌ی گمراه گمراهگر معروف به عزافری - که خدایش لعنت کند - هیچ نقشی [حتی] در یک حرف از آن نداشته است.

۱. حسن بن علی بن فضال و پسرانش در زمهری راویان فطحی بودند که پس از امام صادق عجل الله تعالی فرجه به امامت عبد الله افطح گردن نهادند، البته خود حسن بن علی بن فضال نهایتاً از این اعتقاد بازگشت. م

۲. منطقه‌ای در موصل

پیشتر نیز اموری به واسطه‌ی احمد بن هلال و دیگر نظائر وی برایتان می‌آمد، آنها هم به مانند این از اسلام بازگشتند، لعنت و خشم خدا بر آنان باد.

[کسی که این سؤال را نوشت افزوده:] پیش از این نیز [درباره‌ی توقیعات] پرسش کرده بودم، جواب چنین آمد: بدان! کسانی که درباره‌شان تحقیق کردی، هیچ ضرری در آنچه به واسطه‌شان رسیده نیست، و این [توقیعات] صحیح است.

پیشتر نیز همین سؤال از برخی عالمان [امامان] علیهم‌السلام درباره‌ی برخی کسانی که خدا بر آنان غضب کرده، شد، ایشان علیهم‌السلام فرمودند: دانش دانش ماست، و کفر کسی که کافر شد، ضرری به شما نمی‌رساند، پس آنچه به واسطه‌ی او رسید، اگر به وسیله‌ی روایت شخصی دیگر از ثقات - که خدایشان رحمت کند - برایتان ثابت شد، خدا را شکر کرده آن را بپذیرید، و در آنچه شک کردید یا آنکه تنها به واسطه‌ی او به شما رسید، به ما بازگردانید تا صحت یا بطلان آن را بیان کنیم، و خداوند - که نام‌هایش مقدّس و ثنائیش جلیل است - عهده‌دار توفیق شماست، او در تمامی امورمان برای ما کافی و نیکو عهده‌داری است.»

همان / ۳۸۹ از ابوالحسن محمد بن فضل بن تمام رضی‌الله‌تعالی‌عنه نقل می‌کند: «نخستین زمان‌هایی که به حدیث نگاری مشغول شدیم در حضور ابو جعفر بن محمد بن احمد بن زکوزکی رضی‌الله‌تعالی‌عنه سخن از کتاب التکلیف به میان آوردیم و باور ما این بود که هر کسی این کتاب را داشته باشد غالی است، ایشان گفتند: ابن ابی عزافر در کتاب التکلیف چه چیزی از خود نوشته است؟ او فقط چک نویسی می‌کرد و نزد شیخ ابوالقاسم حسین بن روح می‌آورد و عرضه می‌داشت و ابوالقاسم تصحیح می‌کرد. پس از تصحیح آن را نقل می‌کرد و فرمان می‌داد استنساخ کنیم. یعنی کسی که به آنان فرمان می‌داد حسین بن روح - که خدا از او راضی باشد - بود. ابو جعفر گوید: من آن را در بغداد با خط خود نوشتم. ابن تمام گوید: بدو گفتم: آقای من! آن را به من بسپار تا از خط شما بنویسم، او گفت: از دست من بیرون رفته.

ابن تمام گوید: من با شنیدن این حکایت، آن را از دیگری گرفتم و نوشتم.»

الذریعة الی تصانیف الشيعة ۴ / ۴۰۶ می‌نویسد: «کتاب التکلیف؛ اثر ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزافر مقتول. او آن کتاب را در دوران استقامت خود

نگاشت. لکن حسادت برجایگاه حسین بن روح نوبختی وی را برآن داشت که ترک مذهب کند...

ابوالمفضل شیبانی درگذشته به سال ۳۸۷ این کتاب را از او روایت می‌کند. پدر شیخ صدوق نیز آن را - البته به استثناء روایت گواهی بدون علم شخص برای برادرش - از او روایت کرده است.»

همان ۱۸۷/۲۱: «[کتاب] المعارف؛ اثر ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزافر»

برخی^۱ معتقدند کتاب التکلیف شلمغانی، همان کتاب فقه الرضا می‌باشد. بنابراین احتمال، تأیید آن کتاب توسط سفیر امام علیه السلام تأیید این یک را نیز به دنبال دارد، به خصوص آنکه مصادر بسیار دیگری، احادیث و فتاوی موجود در آن را تأیید نموده است.

مخمسه‌ی حلولیه^۲

اصل این باور، برگرفته از مذهب حلول مجوسی است. مخمسه براین باورند که مصالح عالم بر عهده‌ی سلمان فارسی، مقداد، عمار، ابوذر و عمر بن امیه‌ی ضمری گذاشته شده است.^۳

آنان بعدها این اعتقاد را در مورد پیامبر، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام پیاده کردند!

شاید نخستین کسی که به نشر این باور در بغداد پرداخت، احمد بن هلال کرخی باشد که پیروانش را کرخیه یا کرخیان گویند، همو که توسط امام زمان علیه السلام لعنت شد.

شیخ طوسی در غیبت / ۴۱۴ می‌فرماید: «کرخیان، مخمسه بودند و احدی از شیعیان در آن تردیدی ندارد. ابودلف نیز چنین اعتقادی داشت و می‌گفت: سرورمان شیخ صالح - یعنی ابوبکر بغدادی - مرا از مذهب ابو جعفر کرخی به مذهب صحیح هدایت کرد. جنون ابودلف و حکایات فساد عقیده‌ی او بیش از آن است که به شمارش آید.»

۱. آیت الله سید حسن صدر کاظمی رحمته الله درگذشته به سال ۱۳۵۴ در کتاب فصل القضاء. م

۲. از آنجا که پیشتر یاد شدند، سخن از آنان به میان آمد.

۳. خلاصة الاقوال علامه‌ی حلی / ۳۶۴

یاقوت حموی در معجم البلدان ۴ / ۴۷: سخن از کرخی دیگری - از اهالی کرخه‌ی اهواز و نه بغداد - با همین باور به میان می‌آورد، می‌نویسد: «ابو جعفر کرخی معروف به جبرو؛ او در میان کرخیان از جلالتی برخوردار بوده. وی در بصره سکونت داشته.

ابوعلی محسن گوید: من او را در زمانی که پیرمردی بد حال بود و لذا کارهای خُرد کارگزاران بصره را برعهده می‌گرفت، مشاهده کردم. هنگامی که ابوالقاسم بن ابی عبد الله بریدی والی بصره شد، اموال او را - به خاطر اتهامی که در مورد ثروتی به او زده بودند - مصادره نمود، دستانش را بردیواری میخ کوب کرد... ناخن هایش را کشید، و با چوب فارسی براو ضربه زد. لکن نه از دنیا رفت و نه به بیماری طولانی مبتلا شد. پس از سال‌ها او را دیدم و در سلامت کامل بود.

براینان هیچ ایرادی وارد نیست جز آنکه متهم به غلو هستند. از قاسم و دوپسرش [ابو جعفر و جعفر] به طور متعدد نقل شده که معتقدند علی، فاطمه، حسن، حسین و محمد (علیهم‌السلام) پنج شب نور قدیم هستند که پیوسته بوده و خواهند بود، و دیگر باورهای اینان که مشهور است.»
اصل مذهب مخمسه از بشار شعیری نشأت می‌گیرد و دگرگون شده‌ی مذهب علیاویه است که در زمان امام صادق (علیه‌السلام) ظاهر شد.

رجال کشی ۲ / ۷۰۱ از مرازم روایت می‌کند: «امام صادق (علیه‌السلام) به من فرمودند: آیا مبشّر [بشارت داده شده] به شرّ شعیری را می‌شناسی؟ گفتم: بشار؟ فرمودند: بشار.
عرضه داشتم: آری، همسایه‌ی من است، امام فرمودند: یهودیان [چنان] گفتند و [به پندار خود] خدا را یگانه دانستند، نصاری نیز گفتند و [به باور خود] خدا را یگانه دانستند^۱، بشار نیز سخنی عظیم گفته است! هنگامی که به کوفه رفتی سراغ او برو و بگو: جعفر به تو می‌گوید: ای کافر! ای فاسق! ای مشرک! من از تو بیزارم.

مرازم گوید: وارد کوفه که شدم باره‌ایم را گذاشتم و سراغ او آمدم، کنیزش را صدا کرده

۱. عبارت بر طبق احتمال آقای مصطفوی در حاشیه رجال کشی ۳۹۸ ترجمه شد. م

۲. علامه‌ی مجلسی در توضیح عبارت امام (علیه‌السلام) دو احتمال ذکر می‌کنند که عبارت، طبق احتمال اول بازگردان شد، رک به بحار الانوار ۲۵ / ۳۰۶ م.

پیدشویان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه
 منزلت امام عجل الله تعالی فرجه
 حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام عجل الله تعالی فرجه
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن
سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

گفتم: به ابواسماعیل بگو: مرازم [بردر خانه] است، او هم آمد، بدو گفتم: جعفر بن محمد به تومی فرماید: ای کافر! ای فاسق! ای مشرک! من از تو بیزارم. او گفت: آقای من مرا یاد کرد؟ گفتم: آری، تو را چنین یاد فرمود، گفت: خدا به تو پاداش نیک دهد و با تو نیک رفتار کند، و برای من دعا کرد!

باور! بشار همان باور علیاویه است، می‌گویند: حضرت علی عجل الله تعالی فرجه [علی رغم ربوبیت، از آسمان] گریخت و به صورت علوی هاشمی ظاهر شد، و محمد را به عنوان ولی و رسول خود آشکار ساخت!

اینان در چهار نفر با پیروان ابوالخطاب مشترکند: علی، فاطمه، حسن و حسین عجل الله تعالی فرجه. اینان معتقدند حقیقت، شخص علی عجل الله تعالی فرجه است زیرا نخست این چهار تن در امت بوده، و فاطمه، حسن و حسین عجل الله تعالی فرجه حقیقتی دیگر نیستند!

حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار می‌کنند و او را عبد علی می‌دانند! برای محمد جایگاهی قائلند که مخمسه برای سلمان می‌دانند و او را رسول محمد صلی الله علیه و آله می‌شمارند! اینان در اباحی گری، تعطیل و تناسخ به مانند آنهایند.»

همان ۲ / ۷۷۵ از عثمان بن عیسی کلابی نقل می‌کند: «از محمد بن بشیر شنیدم: ظاهر از انسان آدم است و باطن ازیلی است!... وی پسرش سمیع بن محمد را وصی قرار داد، پس او امام است و هرکه سمیع بدو وصیت کند امام و لازم الاطاعة است تا آن زمان که موسی بن جعفر عجل الله تعالی فرجه بیاید!... پنداشتند واجب الهی نمازهای پنج‌گانه و روزه‌ی رمضان است، و زکات، حج و دیگر فرائض را منکر شدند. آنان ازدواج با محارم و... را جایز می‌دانند! به تناسخ اعتقاد دارند...»

این فرقه، مخمسه، علیاویه و اصحاب ابوالخطاب می‌انگارند هر کسی خود را به آل محمد منتسب داند، دروغگو و افترازن است و در زمره‌ی کسانی است که خدا درباره‌شان فرموده: **وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ**

۱. به نظر می‌رسد از اینجا به بعد کلام شیخ کشی رحمته الله باشد. م

مِمَّنْ خَلَقَ، و یهودان و ترسایان گفتند: ما پسران خدا و دوستان او هستیم. بگو: پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می کند؟ [نه]، بلکه شما [هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است...

زیرا محمد و علی در باور آنان رب هستند و نه می زایند و نه زاییده می شوند!...
سبب قتل محمد بن بشیر - که خدایش لعنت کند - آن بود که وی شعبده باز و جادوگر بود... او هیئتی ساخته بود شبیه انسان و وانمود می کرد امام کاظم علیه السلام است. به هنگام شعبده آن را باز می کرد و...

به یارانش می گفت: امام کاظم علیه السلام نزد من است، اگر می خواهید او را ببینید و بدانید من نبی هستم، بیایید. او آنان را به خانه می برد و می گفت: آیا در این اتاق کسی غیر از من و خودتان می بینید؟ آنان پاسخ منفی می دادند. آنگاه می گفت: بیرون بروید، و پشت پرده می رفت و آن صورت را باز می کرد و آنان می آمدند و قسمتی از پرده را که میان خود و آنان بود کنار می زد. آنها شخصی ایستاده را می دیدند که گویا امام کاظم علیه السلام است. او از طریق شعبده به آنان وانمود می کرد با ایشان تکلم و نجوا می کند. سپس اشاره می کرد دور شوید، و پرده را می آویخت و دیگر چیزی نمی دیدند!

به سبب شعبده های وی مردمانی گمراه شدند تا آنکه خبر به برخی از خلفاء رسید - و به گمانم هارون یا خلفای پسین او بودند - و گفتند او زندیق است. پس او را دستگیر کرد و خواست گردنش را بزند که گفت: مرا زنده نگاه دار تا برایت کارهایی انجام دهم که پادشاهان را خوش آید و او رهایش کرد. وی برای خلیفه کارهایی انجام داد که موجب شد او را به فرماندهی بگمارد... از او تعطیل و اباحی گری بروز یافت.

امام صادق و امام کاظم علیه السلام او را نفرین می کردند و از خدا می خواستند حرارت آهن را به او بچشانند و همین طور هم شد.»

نگارنده: مذهب مخمسه از حلول و تناسخ فارسی و هندی اقتباس یافته است. فشار حکومت ها بر شیعه بابت اجبار آنها بر تقدیس ابوبکر و عمر، یکی از عوامل اختراع نظریه ی اضداد ستوده توسط برخی افسونگران بود، تا بتوانند مخالفان اهل بیت علیهم السلام را بستانند!

عالمان ما به شرح حال تنی چند از غالیانی که راه شلمغانی و کرخیان را پیموده اند، پرداخته اند، از جمله علی بن احمد کوفی متوفای ۳۵۲ هجری.

فهرست شیخ طوسی / ۲۷۱: «وی شیعی و بر طریق مستقیم بود و کتاب هایی بسیار و استوار نگاشت... سپس دگرگون شد و به مذهب مخمسه گروید و کتبی در غلو و... نوشت.»
خلاصة الاقوال / ۳۶۴: «ابن غضائری گوید: کذاب و غالی است، و صاحب بدعت و...»
مجال بیان تفصیل این باورها و بدعت ها و نیز گستره ی گمراهی که دامن زدند نیست، و مهم آن است که اینان همه منقرض شده اند و تنها طائفه ای قلیل مانده اند که حضرت امیر علیه السلام را خدا می انگارند.

شلمغانیان عصر حاضر

ادعای مهدویت و نیز سفارت تا به امروز ادامه دارد، و به حسب شرائط کم و زیاد می شود. البته شایان ذکر است که این مدعیان حتی در شرائط عادی نیز از کثرت نسبی برخوردارند. در برخی نوشته جات می خواندم کسانی که در مصر به اتهام این ادعا در زندان به سر می برند حدود بیست نفرند، و این غیر از کسانی است که از آنان تعهد گرفته اند که دست از نشر این ادعا بردارند! در فلسطین تنی چند، در یمن و در عربستان و هابی نیز بیش از یک تن - از جمله شیخ لحیدان که در فضای مجازی هم سایتی دارد - ادعای این امر را دارند!
یکی از عوامل قَلت وجود مدعیان آن است که حکومت ها مانع نشر پندارهای آنان می شوند، یا به زندانشان می اندازند، و یا کسانی را متصدی کشف حقیقت و اقامه ی برهان برضد آنان می کنند.

از این رو هنگامی که حکومتی ضعیف می شود، یا خلأ سیاسی رخ می دهد و یا آنکه غرضی دیگر به دنبال آنهاست و پرو بال دادن به آنها را می طلبد، رو به فزونی می گذارند! مدعیان بسیاری

۱. اگرچه گفته شده که وی در آخر عمر به گرایش های فاسد گرویده، لکن در دوران استقامت و استواری، آثاری استوار - به تعبیر شیخ طوسی رحمه الله - دقیق و گران بها از خود به جای گذاشته است، امری که موجب شده بزرگانی چون محقق کرکی، شیخ حسین بن عبد الوهاب معاصر سید مرتضی و فاضل افندی به ستایش وی بپردازند، رک به البنات ربائب.. قل هاتوا برهانکم، سید جعفر مرتضی عاملی / ۲۶۲ م

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

در عراق رخ نموده و از نظائر مصری، آفریقایی، فلسطینی، حجازی و بحرینی خود متمایز شده‌اند، زیرا گروهی مسلح را نیز تحت فرمان دارند. دو مورد از مشهورترین آنها، یکی حرکت جند السماء است که در نجف شکل گرفت، و دیگری حرکت مهدوین در بصره می‌باشد که رهبر آن احمد اسماعیل قاطع است، و یمانی و احمد الحسن نیز نامیده می‌شود.

زیرکی حلاج از تمامی اینان بیشتر بود، زیرا او باطل خود را محکم پایه ریزی کرد، با تصوّف و صوفیان زیست، و ادبیاتی نوین را در عرصه‌ی عشق، تجلی و... ارائه نمود. فرزند کم سالش را نزد رفیقش در بغداد گذاشت و رهسپار هند شد. مشقّت و غربت را بر جان خرید، تا سحر و شعبده را فرا گیرد.

شلمغانی هم از تمامی اینان داناتر بود. او به فراگیری دانش پرداخت و به مرحله‌ی علمی والایی دست یافت. در زمانی که هنوز پا به جاده‌ی انحراف نگذارده بود کتاب‌هایی نگاشت که حتی پس از کفر و انحراف، به مقتضای قاعده‌ای که پیشتر گذاشت، مورد اعتماد عالمان ما قرار گرفت. اما شلمغانیان عصر حاضر، نه از زیرکی و جذابیت حلاج برخوردارند و نه از دانش شلمغانی در دوران استواری اش! با این وجود در بسیاری از اوصاف با آنها اشتراک دارند، از جمله:

۱. عدم ثبات و استواری بین گفتم و نگفتم، و کردم و نکردم؛ این صفت کسی است که می‌خواهد موقعیت میانه روی خود را نگاه دارد، تا هم از عقوبت اقرار بگریزد و هم بدعت خود را به طور کامل رها نکند!

۲. پوشیدگی و رمزگرایی؛ علت این رویه آن است که اینان، از کسانی که از دروغ پردازیشان آگاهند می‌هراسند، لذا تا می‌توانند از آنان دوری می‌گزینند، حاضر به گفتگو با آنها نمی‌شوند، علاوه بر آنکه از کسانی که با آنان دشمنی ندارند نیز واهمه دارند، زیرا ممکن است دلیل و برهانی بر ادعایشان طلب نمایند، و حال آنکه آنها فاقدند!

اینان در عراق، بحرین و دیگر مناطق تشکیلاتی حزبی و سرّی به هم زده‌اند. رئیسشان فرامین و برنامه‌هایی برای پیروان ارائه می‌دهد. در امور شخصی آنان حتی لباس و زندگانی خانوادگی شان دخالت می‌کنند. دستور می‌دهند همسری را طلاق گویند و کسی را به همسری بگیرند، و چنین جلوه می‌دهند که این‌ها همه طبق دستورات امام مهدی علیه السلام یا سفیر وکیل حضرت - یعنی

خودشان - است!

۳. خود بزرگ بینی و غرور؛ وقتی انسان از نحوه‌ی خود انگاری آنان آگاه می‌شود، می‌یابد که گویا هریک بار سنگینی از غرور را به دوش می‌کشد. اینان می‌پندارند با امام علیه السلام ارتباط دارند، همنشین خاص و آمرو ناهی از سوی ایشانند! و از آنجا که امام مهدی علیه السلام ولی و حجت خدا در زمین است، این هم باید خود را بزرگ شمارد تا با ادعایش همخوانی داشته باشد!

در مقابل دیگران را به چشم حقارت می‌نگرد، بسان افرادی که نه می‌فهمند و نه از خرد بهره‌ای دارند، زیرا دعوت او را نمی‌پذیرند و فرمان نمی‌برند، اما اگر ادعای آنها را برتابند و فرمان برند، به یکباره همه باهوش و فهمیده خواهند شد!

۴. اینان از صراحت لهجه بیم دارند، و لذا گویشی خود ساخته و رمزی به کار می‌گیرند تا خود را نزد مردم اهل علم و بلاغت نشان دهند، و چنین وانمود کنند که سخنانشان دربردارنده‌ی معانی عمیق و ژرفی است که عوام نیازمند شرح و توضیح‌ آند، و از سویی از مسؤولیت سخن صحیح صریح شانه خالی کنند!

۵. اینان در ارتباط بین مرید و مراد و سالک و شیخ، همان شیوه‌ی صوفیان و عرفاء را به کار می‌گیرند، و الفاظی چون مقامات ربانی، سیر به سوی خدا، عشق الهی و تجلی را لقلقه‌ی زبان خود قرار داده‌اند! و البته که در این تجلی باید ریشه‌های حلول و ادعای الوهیت را نیز جست!

بازخوانی نمونه‌هایی از منطق آنان و نیز گریزشان از مناظره

در شهری عربی درخواست کردم یکی از بزرگان‌شان حاضر شود تا با او درباره‌ی ادعای سفارتی که دارد به مناظره بپردازم، اما نپذیرفت! اما بعد از ترک آن منطقه، معاون وی نامه‌ای برایم نوشت و گله کرد که چرا من در مورد او گوش به سخن مردم داده‌ام، و خواست تا نامش فاش نشود، وی نوشته بود:

«هرآنچه به شما گفته‌اند افترا بر ماست... ما از دست جاهلان به خدا پناه می‌جوییم، و کسانی که - ناگزیر - با پاره‌ای از سؤالات سطحی‌شان مواجه شده و کمی اهتمام آنان را احساس کرده‌ای، سؤالاتی که درباره‌ی ظاهر مولایشان سرور عالم، حجت روزگار و

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه‌ها

حاکمان بدکردار

بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

نجات بخش جهانیان "ص" می پرسند، ولی نه از معنا، حقیقت، آثار، اهداف، آمال، دردها، شئون و جریانات مربوط به ایشان. پرسش هایی که چیزی جز ساده نگری و ظاهر و صورت ندارد و به سرداب، لباس، انگشتر، خال و تکه هایی از روایات توصیف مربوط می شود و نه ظاهر آن برای اهل باطن فایده ای دارد و نه باطن آن برای اهل ظاهر، و باطن و ظاهر آن با هم نیز برای کوشندگان و اهل تحقیق ثمری ندارد.

شخصی که پرسش می کند حالی مخالف حال مولایش دارد، از روح ایشان به دور است، به دنبال چیزی است که موجب مسرت ایشان نیست، نه در مسیر ایشان گام برمی دارد، و نه در پی انجام منویات ایشان است.

آیا شما بر این باورید که این جماعت با این سؤالات سست و شناخت صوری، به مولای اعظم خود نزدیک شده اند، و یا آنکه با تمسخر و تحریک بر ضد ما به قرب ایشان رسیده اند؟ ما از آن خداییم و از او یاری می جوئیم... قسم به حق مولایت، اینان قبل از آنکه شما بیایید و بعد از آنکه بروید چنین بوده و خواهند بود... اینان دیروز، امروز و فردا چنین بوده و هستند... از حیث معرفت، اخلاق، اخلاص و عمل از امامشان به دورند، با کینه توی و درگیری از او به دورند.

اینان در زمان حضور شما نه از ورعتان بهره جستند، و نه از پاکی، تقوا و تحقیق شما، بیم آن داریم که شما آنچه را که بر ما افترا زده می شود از اینان برگرفته و حقیقت دانسته باشید.» نگارنده: نویسنده با این سخنان در صدد خرده گرفتن بر جماعت انبوهی است که برای شنیدن سخن من در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه گرد آمده بودند.

من چنین پاسخ نوشتم: بابت ستایشی که از من داشتید از خداوند طلب غفران می کنم، چرا که من شایستگی و افتخار آن را ندارم که به سوی مولایم دعوت، و فضائل گسترده و مفاخری را که خدا ایشان را بدان مخصوص گردانیده فریاد کنم... من بنده ای مسکین هستم که مردم در زمهری شیعیان و موالی آن حضرت و پدرانش علیهم السلام می شمارند و از آنچه درباره ی ایشان علیهم السلام خوانده ام سؤال می کنند، تمام امید من آن است که رضایت مولایم شاملم گردد و به خاطر سخن مردم که مرا نزدیک می شمارند، مؤاخذه ام ننماید.

اما گفتارت در مورد مؤمنینی که پیرامون کسی که سخن از مولایشان می‌گوید گرد می‌آیند، و از او درباره‌ی ایشان پرسش می‌کنند... اشتباهی بزرگ است که در ارزش گذاری این نیکان - که شاید بدل برگزیده و ولیّ خدا که درخواستش رد نمی‌شود و اگر خدا بخواهد کسی را برگزیند و سرّش را نزد او نهاده و مشیّت خود را در دلش ودیعه گذارد او را اختیار می‌کند و نه من و نه تو را، در میانشان باشد - برایت پیش آمده است.

از رهگذر همین بینش غلط در ارزش گذاری مؤمنان ساده اندیش است که شیطان به سراغ انسان آمده و برای او چنین وانمود می‌کند که از ساده اندیشانی که از پوشش و ظاهر امام و خشم و خشنودی ایشان می‌پرسند، بهتر است، و اینچنین می‌بیند که خود معنا، حقیقت، آثار، اهداف، آمال، دردها، شوّون و جریانات مربوط به ایشان را نیکتر از آنان می‌فهمد - همان گونه که متأسفانه خود گفتید - ...

خدایا! به تو پناه می‌برم از اینکه مؤمنی را حقیر بشمارم، و حال آنکه ولیّ خود را در میان بندگان مخفی داشته‌ای، پناه می‌جویم از اینکه خود را از ساده اندیشی ژنده پوش، یا درس ناخوانده‌ای که در صف ناآگاهان به شمارش می‌آورند، بهتر دانم، چرا که این ها قلوب بندگان تو و پوشیده از ماست، هر کدام را که بخواهی با بخشوده‌ها و عطایای خویش آباد می‌کنی، و قلب بنده‌ی زیانکار را نیز - اگر بخواهی - به عقوبت و حرمان تهی قرار خواهی داد، حجت و ولیّ تو امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردی را می‌بینی که در لام و واوا اشتباه نمی‌کند و سخن سرائی بلیغ است، اما دلش از شب تاریک تاریک‌تر، و مردی را می‌بینی که نمی‌تواند آنچه را در دل دارد به زبان بیان کند، اما دلش بسان چراغی می‌درخشد.»^۱

خدا گواه است که من از مجالس این ساده اندیشان که برای شرکت در عزای امام حسین علیه السلام و شنیدن فضائل اهل بیت طاهرین علیهم السلام می‌آیند تبرّک می‌جویم، زیرا امیدوارم - به خاطر وجود پیرزنی که خود را به آن مجالس می‌کشاند و به یاد آنان اشک فرو می‌ریزد، و یا خردسال یتیمی که با اشتیاق آمده است و شاید امام علیه السلام به سراغ او بیاید، یا کسی را بفرستد که به گرامیداشت او یا پدر و مادرش دست بر سر او بکشد - محل فیضان بخشوده‌ی خدا و عنایت ولیّ مؤمنان باشد.

او در قسمتی از جواب خود چنین نوشت: «شما گفتید: خدا من و شما را هدایت کند. ما که ادعای زندقه و الحاد یا درستی و فساد نداریم، بلکه مدعی امری هستیم که بدان مأمور شدیم، ما به دیدار کسی شرفیاب شدیم که از همه ی این بندگان برای ما بهتر است...» نگارنده: نسبت به جمله ی اخیر؛ آیا مسئله ی مهم در دیدار امام علیه السلام آن است که ایشان برای شما جایگزین بندگان است؟ و آیا این نگاه شخصی بالاترین ثمره ی دیدار است؟ آن ادعایتان که ساده اندیشان معنا، حقیقت، آثار، اهداف و... حجت خدا بر خلق رانمی دانند، کجا رفت؟!

به اعتقاد من اگر ساده اندیشی خردمند و پاکدل با باوری استوار، به دیدار ایشان شرف یابد، او نیز خود را مشغول مولای خود و انوار ایشان می کند، و از خود و اینکه این دیدار جایگزین و آرام بخش سرزنش سرزنشگران، آزار آزار دهندگان و ستم خویشان است، غافل می باشد. چگونه ممکن است کسی که چراغ یقین در دلش افروخته، در راه خدا سرازیر نمی شناسد، و به مولایش دل بسته است، اموری مربوط به خود و اینکه آیا به چیزی که برای او از بندگان بهتر است دست یافته، او را از مولایش بازدارد؟

خلاصه ی سخن شما این است که شرفیاب دیدار ولی و حجت خدا شده اید، و ادعا دارید ایشان شما را فرمان داده این ادعا را اعلام کنید.

در اینجا سؤالاتی از شما مطرح می شود و نیازمند جواب است:

۱. شما در سخنتان ضمیر جمع به کار بردید و گفتید: مدعی امری هستیم که بدان مأمور شدیم، ما به دیدار کسی شرفیاب شدیم...

حال آیا شما همه تشرف یافتید، یا بزرگتان با امام علیه السلام دیدار کرد و شما با او؟

۲. آیا امام به شما فرمان دادند که صرفاً از دیدار با ایشان خبر دهید، و تکذیب و آزار مردم را تحمّل کنید، یا آنکه فرمان دادند مردم را به سوی ایشان دعوت کنید؟ من تا به حال نشنیده ام کسی به محضر امام علیه السلام مشرف شده باشد و ادعا کند ایشان به او فرمان داده اند مردم را بیاباگاهانند، چه رسد به اینکه مردم را به سوی خود دعوت کند!

۳. آیا آنچه از شما یا برخی از شما نقل شده که مدعی است پاره ای از ولایت امام علیه السلام را در اختیار

او گذارده‌اند، و لذا از پدر، مادر، همسر و حاکم شرع نسبت به مردم اولویت دارد، صحیح است؟
 ۴. آیا امام علیه السلام به شما دستور داده‌اند که حزبی سرّی تشکیل دهید، یا به راه اندازی گروه‌ها و مؤسسات بپردازید و در راستای جذب مردم به حزب، دعوت و مؤسسه تان بکوشید؟! این چه باوری است؟!

در پاسخ نامه‌ی شخصی دیگر از آنان چنین نگاشتم:
 مطلبی عظیم از شما نقل شده، کدامین ادعا بالاتر از آن است که شخص بگوید با حجت و امین خدا بر سرّ او ارتباط دارد و از جانب ایشان راهنمایی می‌شود؟
 به خدا قسم من افتخار می‌کنم تمام عمر را خادم کسی باشم که برهانی بر این مطلب بیاورد.
 سؤال نخست من آن است که این، ادعایی است بس بزرگ و مهم که دلیلی در سطح خود می‌طلبید، حال این دلیل کجاست؟

سؤال دوم: کسی که چنین مقام شامخی را ادعا می‌کند نیازمند حزب و تشکیلات نیست، زیرا با کسی در ارتباط است که اسم اعظم را دارد و دل‌ها بسان انگشتی در اختیار اوست. حال آیا این حزب گرایی چیزی غیر از آن است که به مانند دیگران محتاج این امورید؟! چگونه بین این دو مقوله هماهنگی برقرار سازیم که شما از سویی مدعی مقام ربانی والایی هستید، و از سویی دیگر با پیروان تان - بسان رئیس دوره‌ی پیشاهنگی با نوجوانان، یا فرمانده یک گروه مسلّح با نیروهای ناآگاهش - به طور حزبی رفتار می‌کنید؟!

شما چرا با مخالفان خود چنین رقابت می‌کنید، آن گونه که در میان گروه‌های متخالف مشاهده می‌کنیم، چیزی شبیه رفتار دستگاه‌های اطلاعات غربی و دخالت‌های شرقی؟!
 من همواره در انتظار جوابی برای این تردید هستم، دلیلی بیاورید تا تصدیقتان کنم، و گرنه خود را در واهی خواندن ادعایتان معذور می‌دارم!

و پرواضح است که تنها معجزه‌ای صریح و روشن می‌تواند برهانی بر این مدعا باشد، معجزه‌ای که با اهمیت ادعا و عظمت مدعی - البته اگر راست بگوید - هم خوانی داشته باشد!
 ولی هیچ یک از آنها جوابی ندادند!

پیشوایان گمراهی
 دجال
 ثابت قدمان
 فتنه‌ها
 حاکمان بدکردار
 بشارت‌ها
 برنامه‌ی الهی
 تحریف بشارت‌ها
 اوصاف امام علیه السلام
 منزلت امام علیه السلام
 حکومت امام علیه السلام
 یاران
 ابدال
 یاری فرشتگان
 فضیلت استواری
 بلاد عرب
 مصر
 سرزمین شام
 حجاز
 نمایه‌ای از ظهور
 عراق
 قساوت دشمنان
 ایرانیان
 یمنی‌ها
 نبرد قدس
 یهود
 حضرت مسیح علیه السلام
 روم
 ترکان
 دولت عدل
 آماده‌سازی برای غیبت
 وقت گزاران دروغگو
 ولادت امام علیه السلام
 احادیث ولادت
 غیبت صغری
 نشانه‌های ظهور
 رجعت
 امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
 ادعیه و زیارات

خود را حامل پیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می انگارد!

شخصی که او را شیخ حیدر مشّت می خواندند بارها سراغ من می آمد و سؤالاتی مطرح می کرد. من هم پاسخ هایی می دادم. پس از سال ها ادعا کرد یمانی است، بعد از آن نیز با شاگرد خود احمد اسماعیل قاطع در این ادعا مشارکت جست.

روزی حیدر نزد من آمد و به زعم خود پیغامی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه برایم آورد که در آن مرا به ایمان به خود و نیز یمانی فرامی خواند. وقتی که پرسیدم: این پیغام از سوی کیست؟ گفت: امام صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه!

بدو گفتم: شیخ حیدر! آیا مطمئنی؟ گفت: آری، گفتم: شتاب نکن، از تو سؤال می کنم: آیا تو خود امام مهدی، حجت بن الحسن، نهمین فرزند از نسل امام حسین عجل الله تعالی فرجه را دیده ای؟ همو که جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارت او را داده اند، همو که خدای تعالی ذخیره کرده تا زمین را همانسان که از جور و بیداد مملو شده از عدل و داد بیاکند... آیا تو ایشان را ملاقات کرده ای و برای من نامه نوشته و دستور داده اند به من برسانی؟! او هم پاسخ مثبت داد! من او را نصیحت کردم و ماجرای حلاج را برایش بازگو نمودم که چگونه مدعی سفارت از جانب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شد و به پدر شیخ صدوق رحمه الله در قم نامه نوشت و او را به ایمان به خود دعوت کرد و ایشان چگونه پاسخ او را دادند. بعداً حلاج خود به قم آمد، و ایشان او را توبیخ و اخراج کردند.

در خاتمه هم گفتم: من از پذیرش این نامه معذورم! هرگاه امام عجل الله تعالی فرجه را دیدی و ایشان تو را مکلف به رساندن نامه کردند بگو: فلانی از پذیرش نامه ابا کرد، مگر بعد از آنکه معجزه ای شاهد بر صدق من و نامه ببیند. او هم قبول کرد و گفت: خوب است، چه معجزه ای می خواهی؟ گفتم: همان معجزه ای که ابو سهل نوبختی از حلاج خواست؛ ریش سفید مرا به رنگ جوانی بازگرداند، پس برای مدتی ساکت شد، و من مشغول نوشتن شدم.

بعد از مدتی طولانی گفت: آیا اگر امشب خوابی ببینی قبول خواهی کرد؟ گفتم: نه، حتی اگر بیست مرتبه خواب ببینم!

شیخ حیدر! دین و مذهب ما بر اساس دلائل قطعی بنا شده است، حال می خواهی آن را از خواب بگیریم؟ دین خدا عزیزتر از آن است که از خواب به دست آید، نیازمند برهان منطقی

است که عقل در قبال آن تسلیم گردد، و یا معجزه‌ای که سرها در برابر آن فرود آید، امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: خدا دو حجت بر مردمان دارد؛ حجتی آشکار و حجتی نهان، آشکار رسولان، پیامبران و امامان علیهم السلام هستند، و نهان خردها.

دیگر بار سکوت اختیار کرد و پس از مدتی برخاست و رفت...

خود را پسر امام عصر علیه السلام می‌داند، و شعار او ستاره‌ی اسرائیل است!

عراق پس از سقوط صدام جنایتکار، نه حرکت منحرف را به چشم دیده که مهمترین آنها دو مورد است؛ جند السماء با فرماندهی کرعای مدعی مهدویت. اولشکریان خود را در نزدیکی نجف در لشکرگاهی مخفی گرد آورد تا بتواند نجف و کربلا را تحت سیطره در آورد و حکومتی اسلامی به رهبری خود ترتیب دهد. لکن نیروی نظامی آنان را محاصره کرد و نبردی عظیم میان آنان در گرفت که به نابودی آنان و قتل مهدی موعودشان انجامید!

حرکت دوم حرکت احمد اسماعیل قاطع در بصره است که امتداد همان نهضت جند السماء و با اندیشه و تأمین مالی وهابیان می‌باشد. وی خود را احمد الحسن نامیده و پسر و وصی امام علیه السلام می‌انگارد. او بر این باور است که پدرش او را پیش از خود فرستاده، از این رو سفیر ایشان بر جهانیان است، علاوه بر آنکه خود را یمانی موعود نیز می‌داند!

او طی نامه‌هایی علماء ادیان را به مباحله فراخواند، وی چنین نوشت: اگر دعوت مرا اجابت نکنند، بدانند که خود و پیروانشان در گمراهی آشکار به سر می‌برند، و خداوند آنان را با عذاب و عقاب خود از میان خواهد برد!

و نامه‌هایش را با مهر خود که به شکل ستاره‌ی شش گوشه‌ی یهود است مهر کرد!

من شیخ عبدالحسین حلفی را نزد او در تنومه - نزدیک بصره - فرستادم. ایشان هم او را شخصی حيله‌گرو نادان یافت. لذا او را به مباحله دعوت کرد و روزی را معین کردند. به این صورت که یکی دست دیگری را بگیرد و به درگاه خدا دعا کنند تا باطل نابود شود و حق نجات یابد و خود را به درون شط العرب بیاورند. ولی احمد اسماعیل نقض قرار کرد و حاضر نشد.

او بعدها پا را فراتر گذارد و درخواست کرد تمامی مراجع شیعه را حاضر کنند تا با آنان مناظره و

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مباهله کند!

او افرادی را نیز به سراغ من فرستاد. من نیز او را به قم دعوت می کردم تا به گفتگو بنشینیم ولی عذر می آورد. پس از مدتی دو نفر را فرستاد و با آنان به بحث نشستیم، ولی دیدم هر دو ناآگاه و اهل هوی و جدال هستند، به آنان گفتم: آیا رفیقان قادر به ارائه ی معجزه هست؟ گفتند: آری، معجزات تمام انبیاء و رسولان علیهم السلام را دارد. پس معجزه ای درخواست کردم، گفتند: چه می خواهی؟ گفتم: دعا کند اولمرت هلاک شود، و به ما خبر دهد که چه زمان و چگونه به هلاکت خواهد رسید؟ آن دو وارد اتاق دیگری شدند و از طریق تلفن با امامشان صحبت کردند، آنگاه آمدند و گفتند: فردا پاسخ را می دهیم. فردا آمدند و گفتند: امام مهدی علیه السلام اجازه ی نابودی او را نداده اند! اینجا مجال بیان جریانات ما با این گمراه و یارانش نیست، در ردّ تّرهات و اباطیل وی کتاب مستقلّی نوشته و دجال بصره نامیده ایم که در این پیوند یافت می شود:

<http://www.alameli.net>

در این کتاب جریان حرکت او را بیان و حقیقت استدلال های بی پایه ی او را هویدا ساختیم، و در مقدّمه گفتیم که بارزترین اوصاف مدعیان مهدویت، جهالت، تزویر و وقاحت است. فصل مستقلّی را نیز به پشتیبانی وهابیت و صهیونیسم از این جنبش اختصاص دادیم. از این روست که وی علامت خود را ستاره ی اسرائیل قرار داده است. البته نظام صدام نیز در آماده سازی این دجال سهیم بوده!

وی که پیشتر با حیدر مشّت همسو بود، بعدها با او دچار اختلاف می شود. حیدر هم کتابی می نویسد و او را مفتضح می گرداند، لذا دجال او را به قتل می رساند! فصلی را نیز به افتراءات وی بر حوزه ی علمیه و مراجع اختصاص داده و گفتیم که از ایران درخواست کرده حکومت را تسلیم او کنند.

فصل دیگری را هم در موضوع کینه و دشمنی وی با عراقیان منعقد ساختیم. وی از آنان خواست از او اطاعت کنند، و به جهت شرکت آنان در انتخابات پارلمان عراق که او و نیز وهابیان آن را حرام می دانند، به آنها ناسزا گفت!

استدلال های بی پایه و واهی او را نیز در فصلی درهم شکستیم و گفتیم که او به تحریف روایات

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی علیه السلام

می‌پردازد، از جمله روایتی که در آن آمده است: «یظهر ابن النبی المهدی: مهدی پسر پیامبر ظاهر می‌شود» را تحریف و کلمه‌ی النبی را از آن حذف نمود و گفت: «یظهر ابن المهدی: پسر مهدی ظاهر می‌شود» تا آن را بر خود تطبیق دهد!

و فصلی به ابطال استدلال وی به خواب و استخاره - به شرط اینکه شخص، بدعت وی را بپذیرد - اختصاص یافت.

و گفتیم که اصل باور وی بر این ادعا استوار است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در سال ۱۴۲۴ هجری در خواب دیده است! وی شخصی است نا آگاه که نه قرآن را می‌تواند خوب بخواند، و نه از قواعد لغت و ادبیات آگاهی دارد!

ردّی قاطع بر مدعیان ارتباط خاص با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

مشکل تنها از سوی این مدعیان نیست، بلکه پیروان آنان نیز سهیم اند. برخی از آنان بسان خود مدعیان، شیطان صفتند، اما برخی ساده لوح و ساده اندیش. لذا باید سطح آگاهی و شناخت مؤمنان را بالا برد تا دجالانی چون احمد اسماعیل آنها را از راه به در نبرند.

هر کسی ادعا می‌کند با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ارتباطی خاص دارد و ایشان به او فرمانی داده‌اند تا به مردم برساند، یا آنکه دستور داده‌اند یارانی گرد آورد و خود، مردم را برای ظهور آماده سازد، این همان ادعای سفارت است، ادعایی خطیر که جز به معجزه تصدیق نمی‌شود، معجزه‌ای که می‌بایست فاش و علنی باشد و هیچ تردیدی در آن راه نیابد. لذا باید به چنین کسانی گفت: شما - به ادعای خود - مستجاب الدعوه هستید، پس دعا کنید معجزه‌ای بنمایاند، یا اینکه شما - به زعم خود - امام عجل الله تعالی فرجه را می‌بینید، به ایشان بگویید: مردم ما را تکذیب کردند و فلان معجزه را خواستار شدند! امامان عجل الله تعالی فرجه هرگاه شخصی را برای ابلاغ پیامی می‌فرستادند نشانه‌ی یا معجزه‌ای در اختیار او قرار می‌دادند. شیعیان هم به سفیران مراجعه می‌کردند و آیات و معجزاتی از آنان مشاهده می‌نمودند. اگر مدعی ارتباط خاص با امام عجل الله تعالی فرجه چنین برهانی از خود نشان ندهد، کذاب و مفتری است.

در بحرین از زنی که ادعای سفارت داشت درخواست کردم از امام عجل الله تعالی فرجه بخواهد طاغوت یهود را هلاک کند و از روز هلاکت وی خبر دهد. او هم وعده داد، ولی روز بعد گفت: این امر پس از

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

چهار سال و اندی واقع می شود و زنی در آن تاریخ اولمرت را به قتل خواهد رساند!
من گفتم: تا آن زمان مدت بسیاری مانده، معجزه ای در طی یک ماه یا دو هفته به ما نشان ده،
او هم پذیرفت و وعده داد، ولی رفت و پشت سرش را نگاه نکرد! و تاریخی که برای مرگ اولمرت
مشخص کرده بود گذشت، ولی چنین نشد!

ادعیہ و زیارات

برخی دعاها و زیارات مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

از جمله امور اختصاصی مکتب تشیع، برخورداری از سرمایه‌ی عظیم ادعیه و زیارات پیامبر و امامان علیهم‌السلام است. عالمان و راویان ما اهتمام خاصی نسبت به تدوین آنها در کتاب‌هایی مخصوص این امر داشته‌اند. این‌ها از یک سو ثروت فوق‌العاده با اهمیت علمی و پرورشی است، و از دیگر سو بیانگر ارتباط وثیق، عمیق و دیرینه‌ی شیعه با پیشوایان علیهم‌السلام می‌باشد.

یکی از قدیمی‌ترین کتب ادعیه در اسلام، صحیفه‌ی سجادیه است که نگاشته‌ی امام علی بن الحسین زین‌العابدین علیه‌السلام می‌باشد و با بلاغت و اندیشه‌هایی که در خود گنجانده، عالمان را مبهوت ساخته است.

و یکی از قدیمی‌ترین کتب زیارت، کتاب کامل‌الزیارات جعفر بن محمد بن قولویه رحمه‌الله در گذشته به سال ۳۶۸ هجری و استاد شیخ مفید رحمه‌الله متوفای ۴۱۳ هجری می‌باشد. لذا تفصیل این امر را به آن کتب ارجاع می‌دهیم و در اینجا تنها نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم:

سلام و درود بر پاکان عترت علیهم‌السلام و دعا برای ایشان

الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ / ۲۵۰: «امام علیه‌السلام پس از درود فرستادن بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرضه می‌دارد: رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكِ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ، وَخَلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ خَلْقِكَ وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتُؤَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَقَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِآخِرِهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةً عَرِشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلَّةً سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعِدَّةً أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضًا، مُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا إِمَامَ أَقَمْتَهُ عِلْماً لِعِبَادِكَ، وَمَنَاراً فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضَاوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَمْرِهِ وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَلَا يَتَقَدَّمُهُ مُتَقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عَصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ،

وعروءُ المتمسِّكين، وبهَاءُ العالمين.

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيَّكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً، وَأَعِنِهِ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ عَصُدَهُ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَأَمِدِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ، وَسَنَنْ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأُخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَأَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَأَيْنُ بِهِ الضَّرِيَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَاحْتَقِ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوْجاً، وَأَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ.

وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مَطِيعِينَ، وَفِي رِضَا سَاعِينَ، وَإِلَى نَصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ.

اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَّمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيَنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاكِيَاتِ النَّامِيَّاتِ الْغَادِيَّاتِ الرَّائِحَاتِ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَثُبِّ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

دعا برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه و عید قربان

الصحيفة السجادية / ٢٨٣: «از جمله دعاهاى امام عجل الله تعالی فرجه در روز قربان و جمعه:

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَعِجْلِ الْفَرَجِ وَالرَّوْحِ وَالنَّصْرَةَ وَالتَّمَكِينَ وَالتَّأْيِيدَ لَهُمْ.

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْأَمَّةِ الَّذِينَ حَتَمَتْ طَاعَتَهُمْ، مَنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.»

پیشوایان گمراهی

دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

دعا برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در شب های ماه مبارک رمضان

کافی ۳/ ۴۲۲ دعایی را از امام باقر علیه السلام به عنوان جزئی از خطبه ی نخست روز جمعه روایت می کند و مقصود از آن دعا برای امام معصوم در هر عصری است، و مشابه آن در ضمن دعای معروف به افتتاح که در شب های ماه مبارک رمضان خوانده می شود نیز آمده است.

در این دعا تمجید بلیغی از خدای تعالی می شود، بر پیامبر و عزت طاهرین ایشان علیهم السلام درود فرستاده می شود و این دعا - که برای امام مهدی علیه السلام است - در ادامه می آید:

«اَفْتَحْ لَه فَتْحاً سِيراً وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً. اَللّهُمَّ اَظْهِرْ بَه دِيْنَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اَللّهُمَّ اِنَّا نَرْغُبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيْمَةٍ تُعْزِبُهَا الْاِسْلَامَ وَاهْلَهَ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَاهْلَهَ، وَتَجْعَلُنَا فِيْهَا مِنَ الدَّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ فِي سَبِيْلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

در دعای افتتاح نیز می خوانیم:

«اَللّهُمَّ وَصِّلْ عَلٰى وَلِيِّ اَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ، اَحْفِفْهُ بِمَلَا ئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَاتِّدِهْ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ. اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ اِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِيْنِكَ، اِسْتَخْلِفْهُ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِه، مَكِّنْ لَه دِيْنَه الَّذِى ارْتَضَيْتَه لَه، اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِه اَمْنًا، يَعْْبُدُكَ لَا يَشْرِكُ بِكَ شَيْئًا.

اَللّهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعِزِّزْ بَه وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بَه، وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً.

اَللّهُمَّ اَظْهِرْ بَه دِيْنَكَ وَمِلَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اَللّهُمَّ اِنَّا نَرْغُبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيْمَةٍ تُعْزِبُهَا الْاِسْلَامَ وَاهْلَهَ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَاهْلَهَ، وَتَجْعَلُنَا فِيْهَا مِنَ الدَّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ اِلَى سَبِيْلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَبِّلْنَاهُ، وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَابْلَغْنَاهُ.

اَللّهُمَّ اَلْمُمْ بِه سَعَعْنَا، وَاشْعَبْ بَه صَدَعْنَا، وَارْتُقْ بَه فَتَقْنَا، وَكَثِّرْ بَه قِلَّتْنَا، وَاعْزِبْ بَه ذِلَّتْنَا، وَاغْنِ بَه عَائِلَتْنَا، وَاقْضِ بَه عَنْ مَغْرَمِنَا، وَاجْبُرْ بَه فَقْرَنَا، وَسُدِّ بَه خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بَه عَسْرَنَا، وَيَبِيْضْ بَه وَجُوْهَنَا، وَفُكِّ بَه اَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بَه طَلِبَتْنَا، وَأَنْجِزْ بَه مَوَاعِيْدَنَا، وَاسْتَجِبْ بَه دَعْوَتَنَا، وَاعْطِنَا بَه فَوْقَ رَغْبَتِنَا.

يَا خَيْرَ الْمُسْؤُوْلِيْنَ، وَأَوْسَعَ الْمُعْطِيْنَ، اِشْفِ بَه صَدُوْرَنَا، وَأَذْهَبْ بَه غَيْظَ قُلُوْبِنَا، وَاهْدِنَا بَه لِمَا

اختلف فيه من الحق بإذنيك، إنك تهدي من تشاء إلى صراطٍ مستقيم، وانصُرنا على عدوك وعدونا
إله الحق آمين.

اللهم إنا نشكو إليك فقد نبينا، وغيبه إمامنا، وكثرة عدونا، وشدة الفتن بنا، وتظاهر الزمان علينا،
فصل على محمد وآل محمد وأعنا على ذلك بفتح تعجله، وبضرب تكشفه، ونصر تعزه، وسلطان حق
تظهره، ورحمة منك تجل لناها، وعافية منك تلبسناها، برحمتك يا أرحم الراحمين.

دعا برای حفظ و نصرت امام مهدی

این دعا از امامان علیهم السلام روایت شده و می توان برای هریک از ایشان خواند و او را نام برد، کافی
۱۶۲ / ۴ نقل می کند: «در شب بیست و سوم ماه رمضان در حال سجود و قیام و جلوس و هر
حالتی، و [بلکه] در تمامی این ماه، و هر نحو زمانی که برایت میسر بود این دعا را تکرار کن؛
بعد از حمد و سپاس خدای تبارک و تعالی و درود فرستادن بر رسول خدا ﷺ می گویی: اللهم
كن لوليک فلان بن فلان، فی هذه الساعة وفي كل ساعة، ولياً وحافظاً، و ناصراً و دليلاً، و قائداً و عيناً،
حتى تسكنه أرضك طوعاً و تمتعه فيها طويلاً.»

دعاء ندبه

سید بن طاووس در اقبال الاعمال ۱ / ۵۰۴ آن را نقل می کند. علامه ی مجلسی در بحار الانوار در
مواضعی از جمله ۹۹ / ۱۰۴ آن را از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری - که خدایش رضا
باشد - روایت می کند؛ دعاء ندبه، دعایی برای صاحب الزمان علیه السلام که مستحب است در اعیاد
چهار گانه خوانده شود. من اطمینان دارم که این دعا از یکی از چهار سفیر صادر شده است.
ابن المشهدی در المزار / ۵۷۳ می فرماید: «دعای ندبه؛ محمد بن ابی قره گوید: من این دعا
را از کتاب ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری - که خدا از او راضی باشد - نقل
می کنم. او در آن کتاب این را دعا برای صاحب الزمان - که دروهای خدا بر او باد و خدا
فرج او و نیز فرج ما را به واسطه ی فرج او شتاب بخشد - شمرده و فرموده مستحب است در
اعیاد چهار گانه خوانده شود.»

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان

فتنه ها

حاکمان بدکردار

بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

زیارت آل یاسین و دعای پس از آن

احتجاج طبرسی رحمه الله ۲/ ۴۹۲:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّائِيَ آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَّانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حِجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجَمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعِدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُتَبِّينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُكَبِّرُ وَتُهَيِّلُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُنْسِي وَتُصْبِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَمَاعِ السَّلَامِ.

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حَجَّتُهُ، وَالْحُسَيْنَ حَجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حَجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حَجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حَجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حَجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حَجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حَجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حَجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حَجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حَجَّةُ اللَّهِ. أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكَرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ وَالْمُرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ.

يَا مَوْلَايَ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ.

فَأَشْهَدُ عَلَى مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُ بِهِ، وَالْمَنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ.

فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِأُمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ، بِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أُولَكُمْ وَآخِرَكُمْ، وَنَصْرِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ.»

زیارت آل یاسین به نقل جناب محمد بن جعفر المشهدی رحمته الله

ایشان در المزار / ۵۶۶ می نگارند: «شیخ اجل فقیه عالم ابو محمد عربی بن مسافر عبادی - که خدایش رضا باشد - در خانه اش در حله ی سیفیه^۱ در ربیع الاول سال ۵۷۳ و نیز شیخ پارسا ابوالبقاء هبة الله بن نماء بن علی بن حمدون رحمته الله در همان حله ی سیفیه - هر دو به نحوقرائت [که برایشان خوانده می شد] - تحدیث کردند: شیخ امین ابو عبد الله حسین بن احمد بن محمد بن علی بن طحال مقدادی رحمته الله در حرم مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در ایوان بزرگی که در طرف سر امام علیه السلام است، در دهه ی آخر ذی الحجه سال ۵۳۹ به ما فرمود: شیخ اجل و سرور مفید ابو علی حسن بن محمد طوسی - که خدایش راضی باشد - در همان حرم در دهه ی آخر ذی القعدة سال ۵۰۹ برایم فرمود: سرور سعید پدرم ابو جعفر محمد بن حسن طوسی - که خدا از او راضی باشد - از محمد بن اسماعیل، از محمد بن اشناس بزاز، از ابوالحسین محمد بن احمد بن یحیی قمی، از محمد بن علی بن زنجویه ی قمی، از ابو جعفر محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل می کند. همچنین ابوعلی حسن بن اشناس، از ابوالمفضل محمد بن عبد الله شیبانی روایت می کند که ابو جعفر محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری به او خبر داده - و اجازه ی [نقل] تمامی روایت خود را به وی داده است - که برای او از ناحیه - که خدا آن را نگاه دارد - پس از سؤال ها، درود و توجه آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، لا لأمر الله تعقلون ولا من أوليائه تقبلون، حكمه بالغه، وما تُغني الآيات والتدبر عن قوم لا يؤمنون، والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين.

هنگامی که خواستید به وسیله ی ما به درگاه خدای تعالی و نیز به خود ما روی آورید بگویید، همان گونه که خدای تعالی فرموده:

سلام علی آل یس، ذلک هو الفضل المبین، والله ذو الفضل العظیم لمن یدیه صراطه المستقیم.
التوجه: قد آتاکم الله یا آل یس خلافته، وعلم مجاری أمره، فیما قضاء ودبره وأرادَه فی ملکوته، وکشف

۱. از آنجا که شهر حله توسط سیف الدولة صدقة بن منصور بن دبیس بن علی بن مزید اسدی در محرم سال ۴۹۵ بنا شد، سیفیه نام گرفت. م

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها
اوصاف امام رحمته الله

منزلت امام رحمته الله
حکومت امام رحمته الله

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام رحمته الله

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام رحمته الله در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

لكم الغطاء، وأنتم خَزَنَتُهُ وشَهِدَاؤُهُ وعِلْمَاؤُهُ وأَمَنَّاؤُهُ، وسَاسَةُ العِبَاد، وَأَرْكَانُ البِلَاد، وَقُضَاةُ الأَحْكَام، وأَبْوَابُ الإِيْمَان.

وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَاحَ العَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذُهُ مَحْتَوِماً مَقْرُوناً، فَمَا شِئْتُ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ، خِيَارُهُ لَوْلِيَّتِكُمْ نِعْمَةً، وَانْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخَطَةً، فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ، وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ، يَا أَعْيَنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَمَسَاكِنَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ.

أَنْتَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ، كَمَالُ نِعْمَتِهِ، وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ، مَا بَلَغْنَاهُ مِنْ دَهْرِنَا، وَصَاحِبُ الرُّجْعَةِ لَوْعِدِ رَبِّنَا، الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرْجُنَا، وَنَصْرُ اللَّهِ لَنَا وَعِزُّنَا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصُوبُ، وَالْغُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَرَأَى وَالْمَسْمَعِ، الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهُ مَوَاقِئَهُ، وَبَيَدِ اللَّهِ عُهُودُهُ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ سُلْطَانُهُ.

أَنْتَ الْحَكِيمُ الَّذِي لَا تُعْجِلُهُ الْعَصْبِيَّةُ، وَالكَرِيمُ الَّذِي لَا تُبَخِّلُهُ الْحَفِيزَةُ، وَالْعَالَمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ، مُجَاهِدْتُكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيَّةِ اللَّهِ، وَمُقَارَعْتُكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ انتِقَامِ اللَّهِ، وَصَبْرُكَ فِي اللَّهِ ذُو أُنَاةِ اللَّهِ، وَشُكْرُكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحْفُوظاً بِاللَّهِ، اللَّهُ نَوَّزَ أَمَامَهُ وَوَرَاءَهُ وَبِئْتَهُ وَشِمَالَهُ وَفَوْقَهُ وَتَحْتَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَخْزُوناً فِي قُدْرَةِ اللَّهِ، اللَّهُ نَوَّرَ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّائِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجَمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُتَبِّينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعُودُ وَتُسَبِّحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُتَمَجِّدُ وَتَمْدَحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُنْمِىَ وَتُصْبِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالتَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ، وَرُعَاتِنَا، وَقَادَتِنَا، وَأُمَمَتِنَا، وَسَادَتِنَا، وَمَوَالِينَا.

السَّلام عليكم، أنتم نورنا، وأنتم جاهننا أوقات صلواتنا، وعصمتنا لدعائنا وصلواتنا وصيامنا واستغفارنا، وسائر أعمالنا.

السَّلام عليك أيها الإمام المأمول، السَّلام عليك بجوامع السلام.

أشهدك يا مولاي، أتي أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأن محمداً عبده ورسوله، لا حبيب إلا هو وأهله، وأن أمير المؤمنين حجته، وأن الحسن حجته، وأن الحسين حجته، وأن علي بن الحسين حجته، وأن محمد بن علي حجته، وأن جعفر بن محمد حجته، وأن موسى بن جعفر حجته، وأن علي بن موسى حجته، وأن محمد بن علي حجته، وأن الحسن بن علي حجته، وأنت حجته، وأن الأنبياء دُعاة وهداة رُسُديكم. أنتم الأول والآخر وخاتمته، وأن رجعتكم حق لا شك فيها يوم لا ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً، وأن الموت حق، وأن منكراً ونكيراً حق، وأن النشـرحـق، والبعث حق، وأن الصراط حق، والمرصاد حق، وأن الميزان حق، والحساب حق، وأن الجنة والنار حق، والجزاء بهما للوعد والوعيد حق، وأنكم للشفاعة حق، لا تُردُّون ولا تسبقون بمشيئة الله، وبأمره تعملون.

ولله الرحمة والكلمة العليا، وبيده الحسنی، وحجة الله النُعمی، خلَق الجنَّ والإنس لعبادته، أراد من عباده عبادته، فشقَّ وسعِد، قد شقَّ من خالفكم، وسعِد من أطاعكم.

وأنت يا مولاي فاشهد بما أشهدك عليه، تحزُّنه وتحفظه لي عندك، أموت عليه وأنشر عليه وأقف به، ولياً لك، بريئاً من عدوك، ماقتاً لمن أبغضكم، واداً لمن أحبكم.

فالحق ما رضىتموه، والباطل ما سخطتموه، والمعروف ما أمرتم به، والمنكر ما نهيتم عنه، والقضاء المثبت ما استأثرت به مشييتكم، والممحو ما استأثرت به ستتكم. فلا إله إلا الله وحده لا شريك له، ومحمد عبده ورسوله، وعلي أمير المؤمنين حجته، والحسن حجته، والحسين حجته، وعلي حجته، ومحمد حجته، وجعفر حجته، وموسى حجته، وعلي حجته، ومحمد حجته، وعلي حجته، والحسن حجته، وأنت حجته وأنتم حججه وبراهينه.

أنا يا مولاي مُستبشِرٌ بالبيعة التي أخذ الله على شرطها قتالاً في سبيله، اشترى به أنفس المؤمنين، فنفسى مؤمنة بالله وبكم يا مولاي، أولكم وآخركم، ونصرقي لكم مُعدَّة، ومودتي خالصة لكم، وبراءتي من أعدائكم، أهل الحردة والجدال ثابتة لئلا يركم. أنا وليٌ وحيدٌ، والله إله الحق يجعلني كذلك، أمين أمين.

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه ها

حاکمان بدکردار
بشارت ها

برنامه ی الهی

تحریف بشارت ها

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه

منزلت امام عجل الله تعالی فرجه

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه

روم

ترکان

دولت عدل

آماده سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه های ظهور

رجعت

امام عجل الله تعالی فرجه در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

مَنْ لِي إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دَنْتَ وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ، تَحْرُسُنِي فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَسْتَرَهُ وَبِرَكَتِهِ، أَغْنِنِي أَدْرِكُنِي، صَلِّنِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسَّلِي وَتَقَرَّبِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّنِي بِهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي، اللَّهُمَّ بِحُجَّتِكَ اعْصِمْنِي، وَسَلِّمْكَ عَلَى آلِ يَس.

مولای، أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي.»

این عبارت کامل زیارت آل یاسین طبق نقل جناب ابن المشهدی رحمه الله بود که ایشان خود تصریح کرده سؤالات حمیری و پاسخ های امام علیه السلام را از آن حذف کرده است، و البته ای کاش آن را کامل نقل می کرد، زیرا قسمتی از نامه بوده و مقصود از توبیخی که در فقره ی نخست آمده: لا لأمر الله تعقلون ولا من أوليائه تقبلون، را واضح می کرده است، لابد از اینکه بگوییم این عبارت جواب کسانی بوده که برخی مقولات را مطرح کرده بودند.

سند این روایت، مورد وثوق و امانتداری راویان آن - از محمد بن المشهدی گرفته تا حمیری - همه ثابت است. لکن نسبت به دعای پس از آن متوقفیم، چرا که در بعضی عبارات آن خلل است، لذا نزد ما ترجیح با آن است که این دعا، عبارات حسین بن روح باشد که به تصریح خودش، اجازه داشته پاسخ برخی مسائل را بنویسد.

غیبت شیخ طوسی / ۳۷۳ از محمد بن احمد بن داود قمی چنین می آورد: «به دست خط احمد بن ابراهیم نوبختی و املاء ابوالقاسم حسین بن روح - در پشت نامه ای که در آن سؤالات و پاسخ هایی بود که از قم فرستاده شده بود و در آن پرسیده بودند آیا این جواب ها از جانب فقیه [امام] علیه السلام است یا محمد بن علی شلمغانی؟ زیرا از شلمغانی چنین نقل شده: من پاسخ این سؤالات را داده ام. پس در پشت نامه شان پاسخ را نگاشت - چنین یافتیم: بسم الله الرحمن الرحيم، ما از این نامه و آنچه در بردارد آگاه شدیم، تمام آن پاسخ های ماست، و واگذارده ی گمراه گمراهگر معروف به عزاقری - که خدایش لعنت کند - هیچ نقشی [حتی] در یک حرف از آن نداشته است.»

می بینیم جناب حسین بن روح می گوید: پاسخ های ما، این تعبیر اعم از آن است که این کلام عین عبارت امام علیه السلام باشد یا آنکه مضمون کلام حضرت و تعبیر جناب حسین بن روح. و عجیب

نیست که امام عجل الله تعالی فرجه به او فرمان دهند که پاره ای از مسائل را پاسخ دهد. البته این مطلب چیزی از اهمیت آن نمی کاهد به خصوص آنکه بلاغت آن از سنخ سخنان امامان عجل الله تعالی فرجه است. حال اگر به املاء جناب حسین بن روح باشد، وی با تفاوتی از آن است که در دین مطلبی بگوید که لفظ یا معنای آن را از امامش شنیده باشد. پیشتر نیز از علل الشرائع ۱/ ۲۴۱ ماجرای مفصل گذشت که در انتهای آن آمده بود: «محمد بن ابراهیم بن اسحاق - که خدا از او رضا باشد - گوید: فردای آن روز نزد شیخ ابوالقاسم حسین بن روح آمدم و با خود گفتم: آیا آنچه دیروز برای ما گفت، از پیش خود بود؟ ایشان خود ابتدا به سخن کرده فرمودند: ای محمد بن ابراهیم! اگر از آسمان فروافتم و پرندگان مرا برابیند، یا آنکه باد مرا در مکانی دور بیافکند، برایم بهتر از آن است که در دین خدا - که ذکرش بلند است - به رأی خود سخن گویم، آن مطلب از جانب اصل بود و از حجت عجل الله تعالی فرجه شنیده شده بود.»

نگارنده: این جریان، از بلندای مقام ایشان حکایت می کند، و اینکه مطلب درونی شخص را دانست، و سفیران امام عجل الله تعالی فرجه از روی علم و یقین سخن می رانند و نه ظن و اجتهاد.

زیارتی برای تمام معصومان عجل الله تعالی فرجه از جمله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

مصباح المتعجد / ۳۵۷ از عبد الله بن محمد بن عابد نقل می کند: «از مولایم امام عسکری عجل الله تعالی فرجه در منزل ایشان در سامرا به سال ۲۵۵ درخواست کردم تا درودنامه ای بر پیامبر و جانشینانش عجل الله تعالی فرجه را بر من املاء کنند، و با خود برگه های بسیاری آورده بودم، ایشان بدون آنکه از کتابی بگویند فرمودند:

... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ، وَأَوْجِبَتْ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيراً.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَاَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْهُ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانصُرْ ناصريه وَاخْذُلْ خاذليه، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابَةَ الْكُفْرِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ

الملحدين حيث كانوا وأين كانوا من مشارق الأرض ومغاربها وبرّها وبحرّها، واملاً به الأرض عدلاً وأظهر به دين نبيك عليه وآله السلام.

واجعلني اللهم من أنصاره وأعوانه وأتباعه وشيعته، وأرني في آل محمد ما يأملون وفي عدوّهم ما يحذرون، إله الحقّ آمين..»

زیارت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خانه شان

ابن المشهدی رحمه الله در المزار / ۶۵۶ زیارتی را برای سرداب غیبت نقل می کند که در ابتدای آن آمده است: «الله أكبر الله أكبر، لا إله إلا الله والله أكبر، والله الحمد، الحمد لله الذي هدانا لهذا، وعرفنا أوليائه وأعداءه، ووقفنا لزيارة أمتنا ولم يجعلنا من المعاندين الناصبين، ولا من الغلاة المفوضين، ولا من المرتابين المقصرين.

السلام على ولي الله وابن أوليائه...»

فرهنگ
موضوعی
احادیث
امام مهدی عج

برخی دیگر از ادعیه و زیارات

- مزار شیخ مفید / ۹۵: دعا برای حفظ و نصرت امام علیه السلام بعد از زیارت امام حسین علیه السلام.
- مصباح کفعمی / ۵۵۰: دعایی برای تجدید عهد با امام علیه السلام.
- مهج الدعوات / ۱۶ و ۲۳۲: مناجات امام مهدی علیه السلام با خدای متعال.
- کافی / ۳ / ۳۲۵: دعا برای پیامبر و ائمه علیهم السلام در سجده ی شکر.
- کامل الزیارات / ۱۷۴: دعایی از امام باقر علیه السلام در ولایت و برائت.
- جمال الاسبوع / ۲۸۵: دعا برای امام علیه السلام بعد از نماز جعفر طیار.
- مصباح المتهجد / ۳۲۶: دعا برای امام علیه السلام در قنوت نماز جمعه.
- من لا یحضره الفقیه / ۱ / ۳۲۹: دعا برای امام علیه السلام در سجده ی شکر.
- مصباح المتهجد / ۳۲۸: دعا برای تعجیل فرج به وسیله ی امام علیه السلام.
- کافی / ۲ / ۵۴۷ و من لا یحضره الفقیه / ۱ / ۳۲۷: دعا برای امام علیه السلام بعد از فریضه.
- دلائل الامامة / ۳۰۰: صلوات بر پیامبر و امامان علیهم السلام و دعا برای امام مهدی علیه السلام.

مصباح المتهجد / ۷۰۸، اقبال الاعمال / ۵۱۵، مصباح کفعمی / ۶۸۸ و البلد الامین / ۲۶۵: دعا برای امام علیه السلام در روز مباهله.

مصباح الزائر / ۱۷۸: زیارت امامان و امام مهدی علیه السلام.

همان / ۳۲۷: زیارتی دیگر برای امام علیه السلام.

همان / ۳۱۲، الايقاظ من الهجعة / ۲۹۶ - از مزار مفید، شهید و ابن طاووس - و بحار الانوار ۱۰۲ / ۸۳: زیارت امام مهدی علیه السلام در خانه‌ی ایشان بعد از زیارت قبر پدر و جدش علیه السلام.

مہج الدعوات / ۱۶۵: دعای توسل به پیامبر و امامان علیہم السلام: «ابو حمزه‌ی ثمالی گوید: یک بار دست پسرم شکست، و او را نزد یحیی بن عبد الله شکسته بند آوردم. آن را نگاه کرد و گفت: بد شکسته است، و به اتاق خود بالا رفت تا دستمالی بیاورد. در همین اثناء به یاد دعایی که علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام به من آموختند افتادم. پس دست پسرم را گرفته آن را براو خواندم و بر شکستگی دست کشیدم که به اذن خدای متعال بهبودی یافت، و چون یحیی پایین آمد هیچ ایرادی ندید.

یحیی صدا زد: دست دیگری را بده ولی در آن هم عیبی مشاهده نکرد، پس گفت: سبحان الله! آیا هم اکنون شکستگی بدی در آن نبود؟! چنین سحری از شما شیعیان عجیب نیست!

بدو گفتم: مادرت به عزایت بنشیند، این سحر نیست، من دعایی را که از مولایم علی بن الحسین علیه السلام شنیده بودم به یاد آوردم و خواندم. از من خواست تعلیمش دهم ولی من گفتم: آیا بعد از سخنی که از توشنیدم! نه، دیدات را بدان روشن نمی‌کنم، تو اهل بیت آن را نداری. حمران بن اعین گوید: من به ابو حمزه گفتم: تو را به خدا قسم می‌دهم که آن را به ما بیاموزی، او هم در پاسخ گفت: سبحان الله! من این را تنها برای این گفتم که به شما بیاموزم، بنویسید:

بسم الله الرحمن الرحيم، يا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، يا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، يا حَيُّ مَعَ كُلِّ حَيٍّ، يا حَيُّ حِينَ لَا حَيٍّ، يا حَيُّ يَبْقَى وَيَفْنَى كُلُّ حَيٍّ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يا حَيُّ يا كَرِيمُ، يا مُجِيبُ الْمُوتَى، يا قَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، إِنْى أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَآتَقَرُّ بِإِلَيْكَ، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ

پیشوایان گمراهی
دجال

ثابت قدمان
فتنه‌ها

حاکمان بدکردار
بشارت‌ها

برنامه‌ی الهی

تحریف بشارت‌ها

اوصاف امام علیه السلام

منزلت امام علیه السلام

حکومت امام علیه السلام

یاران

ابدال

یاری فرشتگان

فضیلت استواری

بلاد عرب

مصر

سرزمین شام

حجاز

نمایه‌ای از ظهور

عراق

قساوت دشمنان

ایرانیان

یمنی‌ها

نبرد قدس

یهود

حضرت مسیح علیه السلام

روم

ترکان

دولت عدل

آماده‌سازی برای غیبت

وقت گزاران دروغگو

ولادت امام علیه السلام

احادیث ولادت

غیبت صغری

نشانه‌های ظهور

رجعت

امام علیه السلام در قرآن

سفارت و سفیران

ادعیه و زیارات

شیء، وأتوجهُ إليك وأتوسَّلُ إليك بجرمةِ هذا القرآن، وبجرمةِ الإسلام، وشهادةِ أن لا إلهَ إلا أنت وحدك لا شريكَ لك، وأن محمداً عبدُك ورسولُك، وأتوجهُ إليك وأتوسَّلُ إليك وأستشفعُ إليك، بنبيِّك نبيِّ الرحمةِ محمدٍ ﷺ... وبحقِّ خلفِ الأئمةِ الماضين، والإمامِ الزكيِّ الهاديِّ المهديِّ، الحجةِ بعدَ آبائه على خلقِكَ، المؤدِّي عن علمِ نبيِّك، ووارثِ علمِ الماضين مِنَ الوصِيِّين، المخصوصِ الدَّاعِي إلى طاعتِكَ وطاعةِ آبائه الصالحين.

يا محمدُ يا أبا القاسمِ، بأبي أنت وأُمِّي، إلى اللهِ أَتَشْفَعُ بك، وبالأئمةِ مِنْ وَلَدِكَ، وبعليِّ أميرِ المؤمنين، وفاطمةَ، والحسنِ، والحسينِ، وعليِّ بنِ الحسينِ، ومحمدِ بنِ عليِّ، وجعفرِ بنِ محمدٍ، وموسى بنِ جعفرٍ، وعليِّ بنِ موسى، ومحمدِ بنِ عليِّ، وعليِّ بنِ محمدٍ، والحسنِ بنِ عليِّ والخلفِ القائمِ المنتظرِ.»

مهج الدعوات / ۲۵۳، بحار الانوار / ۹۴ / ۳۴۶ و مصباح كفعمی / ۲۷۸: دعای اعتقاد و توسل به امام علیعلیه السلام در درگاه خدا.

مهج الدعوات / ۲۳۳، مصباح كفعمی / ۲۷۸ و البلد الامين / ۳۸۷: دعایی دیگر به نام اعتقاد از امام کاظم علیعلیه السلام.

مهج الدعوات / ۲۹۵: دعایی از لسان امام علیعلیه السلام.

مهج الدعوات / ۳۳۴: دعایی از جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیعلیه السلام.

همان / ۳۰۲: حجاب مولانا صاحب الزمان علیعلیه السلام.

همان / ۲۷۸، بحار الانوار / ۹۵ / ۲۶۶ و تبصرة الولی / ۲۱۲: دعای علوی مصری که امام مهدی علیعلیه السلام تعلیم او کردند.

مصباح المتعجد / ۶۳۹، اقبال الاعمال / ۳۶۴، البلد الامين / ۲۵۰ و بحار الانوار / ۹۸ / ۲۳۴: دعای موقف از امام علی بن الحسین علیعلیه السلام که در آن دعایی برای تمامی امامان علیعلیهم السلام است.

مصباح المتعجد / ۵۴: در تعقیب نماز ظهر.

فلاح السائل / ۱۷۰ می نویسد: «یکی از امور مهم در تعقیب نماز ظهر، آن است که در دعا برای مهدی علیعلیه السلام - که رسول خدا ﷺ در روایات صحیح، امت را به او بشارت داده و وعده داده اند که در آخر الزمان ظاهر می شود - به امام صادق علیعلیه السلام اقتدا شود.» سپس سند و متن دعا را می آورد.

مصباح المتعجد / ۳۴۵: «از امام صادق علیه السلام روایت شده که مستحب است بعد از نماز عصر روز جمعه این صلوات را برای پیامبر صلی الله علیه و آله [که در آن عباراتی چند درباره ی امام مهدی علیه السلام آمده است] بخوانند.»

تهذیب الاحکام ۳ / ۱۴۳: دعا برای امام مهدی علیه السلام در روز غدیر خم.

مصباح المتعجد / ۲۶۶: بعد از دو رکعت نماز حضرت زهرا علیها السلام.

مہج الدعوات / ۶۸ و الايقاظ من الهجعة / ۳۱۳: دعایی که روایت شده امام مهدی علیه السلام آن را در قنوت خواندند.

پیشوایان گمراهی
دجال
ثابت قدمان
فتنه ها
حاکمان بدکردار
بشارت ها
برنامه ی الهی
تحریف بشارت ها
اوصاف امام علیه السلام
منزلت امام علیه السلام
حکومت امام علیه السلام
یاران
ابدال
یاری فرشتگان
فضیلت استواری
بلاد عرب
مصر
سرزمین شام
حجاز
نمایه ای از ظهور
عراق
قساوت دشمنان
ایرانیان
یمنی ها
نبرد قدس
یهود
حضرت مسیح علیه السلام
روم
ترکان
دولت عدل
آماده سازی برای غیبت
وقت گزاران دروغگو
ولادت امام علیه السلام
احادیث ولادت
غیبت صغری
نشانه های ظهور
رجعت
امام علیه السلام در قرآن
سفارت و سفیران
ادعیه و زیارات

فصل (۱)

- ۱۱..... پیشوایان گمراهی / بزرگترین خطر برای امت
- ۱۲..... خطر این امت، پیشوایان گمراه کننده، نه دجال
- ۱۴..... پیشوایان گمراه کننده، خون عترت پیامبر ﷺ و امت را می ریزند
- ۱۷..... کوشش ها برای تبرئه ی صحابه از وصف گمراهگری
- ۱۹..... پیروی از حاکمان موجب گمراهی است، و سرپیچی موجب مرگ!
- ۲۰..... معرفی پیشوایان گمراهی توسط امیر المؤمنین علی علیه السلام
- ۲۱..... معرفی رهبران گمراهی توسط عبادة بن صامت
- ۲۴..... تصریح پیامبر ﷺ بر اینکه برخی پیشوایان گمراهی از صحابه هستند!
- ۲۵..... عمر می گوید: پیامبر ﷺ درباره ی رهبران گمراه کننده مخفیانه با من سخن گفتند!
- ۲۵..... پیامبر ﷺ تنها یک بار به خانه ی عمر آمد!
- ۲۶..... علت گرفتاری امت به رهبران گمراه کننده
- ۲۷..... احادیث پیرامون شجره ی ملعونه در قرآن، گمراه گران را معلوم می کند
- ۳۱..... اهل سنت این روایت را از پیامبر ﷺ صحیح می دانند: خلافت پس از من سی سال است
- ۳۳..... حکومت رهبران گمراهی و پیروان آنان تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف ادامه دارد

فصل (۲)

- ۳۵..... دجال / دجال در نگرش مسلمین، یهود و آن دسته از صحابه که تحت تأثیر اندیشه ی یهود بودند
- ۳۶..... دجال در نگرش اهل بیت علیهم السلام
- ۴۷..... نگرش یهود نسبت به دجال
- ۵۵..... اعتقاد به دجال نزد دستگاه خلافت، کانون اسرائیلیات!

- احادیث پیرامون دجال در منابع سنیان به چند جلد می‌رسد! ۷۲
- قهرمانان سه گانه در تحریف دجال ۷۷
- عقیده ای که عمر درباره ی دجال رواج داد..... ۸۰
- فرزندان عمر بر عقیده و باور پدرشان تأکید می‌کنند! ۸۳
- بلایی که بر سر عبدالله بن صیاد بیچاره و پسرش عماره آمد! ۸۴
- دجال تمیم داری ۸۹
- دجال خاخام کعب الاحبار ۹۵
- کعب الاحبار شورش دجال را شورشی عربی جلوه می‌دهد! ۹۶
- هر کس به دجال کعب ایمان نیاورد کافر است! ۹۸
- ارتباطی که کعب الاحبار میان دجال و مهدی ایجاد نمود و ضربه ی آن را متوجه اسلام کرد! ۹۸
- کعب می‌پندارد یهودیان قسطنطنیه را فتح خواهند کرد! ۱۰۰
- کعب الاحبار مسلمانان را از دجال می‌هراساند، اگر قسطنطنیه را فتح کنند! ۱۰۱
- کعب در تأیید دروغ‌هایش شگردهایی مختلف داشت! ۱۰۴
- کعب الاحبار گفتار رسول خدا ﷺ را نمی‌پذیرد و پیروان دستگاه خلافت از او تبعیت می‌کنند! ۱۰۴
- اهل بیت ﷺ دروغ پردازی‌های کعب را رد می‌کنند! ۱۰۵
- دروغ پردازان پیش از دجال! ۱۰۸
- خاتمه‌ای پیرامون دابة الارض و مأجوج ۱۰۹
- آیه ی دابة الارض که با مردم سخن می‌گوید! ۱۰۹
- دابة الارض در منابع سنیان ۱۱۲
- مبالغه‌ها و اسرائیلیات آنها درباره ی دابة الارض ۱۱۳
- روایتی که حضرت امیر ﷺ را دابة الارض معرفی می‌کند و نیز گزارشی در انکار آن ۱۱۸
- آیات پیرامون مأجوج و مأجوج ۱۲۰
- نمونه‌هایی از مبالغات اهل سنت پیرامون مأجوج و مأجوج ۱۲۵

فصل (۳)

- ثابت قدمان / گروهی که تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ثابت قدم می مانند. ۱۲۹.....
- غریبان و گروه ثابت قدم تا ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۱۳۰.....
- احادیث سنیان درباره ی گروه ظفرمند یا منصور. ۱۳۲.....
- روایاتی که سخن از جهاد و پیروزی آنان می راند. ۱۳۳.....
- اهتمام معاویه به تطبیق این احادیث بر خود و اهل شام! ۱۳۴.....
- گزارشاتی دروغین و تحریف شده در ستایش معاویه و اهل شام. ۱۳۵.....
- گزارشاتی در ستایش ساکنان بیت المقدس و مناطق پیرامون آن. ۱۳۶.....
- گزارشاتی در ستایش اهالی طالقان. ۱۳۶.....
- دروغ پردازی های یهود در برتری مناطق شام! ۱۳۷.....
- احادیث غریبان و غربت اسلام در منابع شیعه و سنی. ۱۴۲.....
- غریبان و گروه یاری شده کیانند؟ ۱۴۵.....
- روایات احیاگران اسلام. ۱۴۶.....
- حدیث بین دو جاهلیت مبعوث شدم. ۱۵۰.....

فصل (۴)

- فتنه ها / فتنه های پیش بینی شده در امت اسلام. ۱۵۱.....
- پیامبر صلی الله علیه و آله امت را درباره ی فتنه های پس از خود هشدار می دهند. ۱۵۲.....
- سوء استفاده راویان دستگاه خلافت از احادیث فتنه! ۱۵۳.....
- فتنه ی جهانی و پر شدن زمین از ظلم و جور جباران. ۱۵۷.....
- اهل بیت علیهم السلام امان امت و کشتی نجات از فتنه ها. ۱۵۹.....
- اختلاف روایات در تعداد فتنه هایی که در این امت رخ می دهند! ۱۶۲.....
- برخی روایات از سه فتنه سخن می گویند. ۱۶۲.....

- برخی روایات از چهار فتنه سخن می‌راند ۱۶۵
- برخی روایات پنج فتنه را عنوان کرده است ۱۷۱
- برخی روایات هم از هفت فتنه سخن گفته‌اند ۱۷۳
- فتنه‌های متصل به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۷۴
- حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان اختلاف میان مردم و بروز نابسامانی‌ها، در امت من برانگیخته می‌شود ۱۷۵
- ظهور پس از زمانی سخت و ناگوار ۱۷۶
- نگهبانان زیاد می‌شوند و کنیزان به حکومت می‌رسند ۱۷۶
- آنگاه فتنه‌ای رخ می‌دهد که هرگاه گویند پایان یافت، امتداد می‌یابد! ۱۷۷
- بدترین تمام فتنه‌ها پیش از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۷۸
- فتنه‌ی گنج کعبه و کوه طلا در مجرای رود فرات ۱۷۹
- فتنه‌ای که پس از شهادت پنجمین شخص از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به وقوع می‌پیوندد ۱۸۳
- فتنه‌ی عقیدتی، پس از فقدان فرزند پنجم از فرزندان هفتمین ۱۸۴
- تربیت شیعه برای رویارویی با فتنه و انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۸۷
- فتنه‌ی موعود شام پیش از ظهور ۱۹۰
- شدت یافتن فتنه‌ها قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رخدادی در حجاز ۱۹۱
- عبارات بسیاری که شبیه احادیث است، اما حدیث نیست ۱۹۱

فصل (۵)

- حاکمان بد کردار / نکوهش حاکمان بد کردار و برخی دانشوران آخرالزمان ۱۹۳
- دانشوران بد کردار، پیروان پیشوایان گمراه‌کننده! ۱۹۴

فصل (۶)

- بشارت‌ها / بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام درباره‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۹۹
- احادیث بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «مهدی از عترت من، همانام و هم کنیه‌ی من است» ۲۰۰
- ۱۲۳۳

- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دولت جهانی ایشان حتمی است ۲۰۲
- مهدی به حق، و از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام است ۲۰۳
- رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت زهرا را به مهدی علیه السلام بشارت می دهند ۲۰۴
- پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت امیر را به حضرت مهدی علیه السلام بشارت می دهند ۲۰۹
- رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسین را به حضرت مهدی علیه السلام بشارت می دهند ۲۱۱
- امیرالمؤمنین امام حسین علیه السلام را بشارت می دهند ۲۱۲
- شیوه های ابتکاری پیامبر و امامان علیهم السلام برای شناساندن ۲۱۲
- امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یازدهمین فرزند خود، بشارت می دهد ۲۱۴
- امام حسن مجتبی علیه السلام به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می دهند ۲۱۵
- بشارت امام حسین علیه السلام به نهمین فرزندش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۱۶
- امام زین العابدین علیه السلام: گویا صاحب شما را می بینم که بر فراز نجفستان برآمده است ۲۱۸
- هفتمین امام از فرزندان امام باقر علیه السلام ۲۱۸
- بشارت امام صادق علیه السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ششمین فرزندشان ۲۲۰
- امام کاظم علیه السلام: قائم، پنجمین فرزند من است ۲۲۳
- امام رضا علیه السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چهارمین فرزند از نسل خود بشارت می دهند ۲۲۵

فصل (۷)

- برنامه ی الهی / جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برنامه ی الهی** ۲۲۹
- پیامبر صلی الله علیه و آله: خدا تنها به ما آغاز کرد و فقط به ما ختم خواهد نمود ۲۳۰
- حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پایان بخش تمامی اسرار ۲۳۲
- امیرالمؤمنین علیه السلام: خدا تنها به ما آغاز کرد و فقط به ما به پایان می رساند، نه به شما ۲۳۵
- خاتم الاوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل خاتم الاسباط ۲۴۰
- با مهدی ما، حجت های الهی به پایان می رسد ۲۴۲
- امام عسکری علیه السلام: مهدی آخرین حجت و خلیفه ی الهی است ۲۴۴

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: من خاتم الاوصياء هستم و خداوند به من بلا را برطرف می کند..... ۲۴۶

فصل (۸)

تحریف بشارت ها / تحریف بشارت نبوی توسط سلطه ۲۴۷

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی از عترت من است، ولی آن را به امت تغییر دادند! ۲۴۸

عبارت «نام او نام من است» را به «نام او شبیه نام من است» تبدیل کردند! ۲۴۹

به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله افزودند که «نام پدر او نام پدر من است»! ۲۵۰

«امام مهدی از نسل امام حسین علیه السلام» را به «از نسل امام حسن علیه السلام» تبدیل کردند! ۲۵۳

معاویه، نخستین مدّعی مهدویت! ۲۵۸

موسی بن طلحه، دومین مدّعی ۲۶۳

بنی حسن و محمد بن عبدالله بن حسن مثنی ۲۶۵

۸. عباسیان بر پیامبر صلی الله علیه و آله دروغ بسته، مهدی را از خود انگاشتند! ۲۷۰

روایات جعلی سنیان در تحریف حدیثی صحیح! ۲۷۴

منصور ادّعا کرد پسرش مهدی موعود است! ۲۷۶

۱۱. هارون الرشید به دروغ پدر و جدّش اعتراف می کند! ۲۷۹

۱۲. اندکی پیش از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوازده دروغ پرداز ادّعی مهدویت می کنند ۲۸۰

۱۳. حذف نسب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از کتاب الفتوحات المکیة! ۲۸۰

فصل (۹)

اوصاف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف / برخی اوصاف جسمی و معنوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۸۵

برخی اوصاف جسمی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۸۶

۱. پیشانی او بلند است، بینی اش برجستگی دارد و دندان هایش فاصله ۲۸۶

۲. او مسن است، ولی جوان جلوه می کند و مرور روزگاران او را پیر نخواهد کرد ۲۸۷

۳. سفید مایل به سرخی ۲۸۸

۴. چشمان او گود، ابروانش برآمده و میان دو شانه‌اش عریض است ۲۸۸
۵. نام او نام من است و شمائل او شمائل من ۲۸۹
۶. سیره‌ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پوشاک ۲۸۹
۷. این وصف: «بین دو ران او فاصله است» برای آن حضرت ثابت نیست ۲۹۰
- برخی اوصاف معنوی امام علیه السلام ۲۹۲
۱. رأی را تابع قرآن قرار می‌دهد، آن هنگام که قرآن را تابع رأی خود قرار می‌دهند ۲۹۲
۲. معدنی اصیل و شخصیتی ربانی ۲۹۳
۳. سپر حکمت را در بر دارد و آن را با تمام آداب فرا گرفته است ۲۹۴
۴. او قرآن را به اجرا می‌گذارد و همان گونه که نازل شد، به مردم می‌آموزد ۲۹۵
۵. آواره، رانده، تنها، یگانه و به دور از خانواده! ۲۹۷
۶. او بیرق و مواریت پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر انبیاء علیهم السلام را به همراه دارد ۲۹۸
۷. مواریت پیامبران علیهم السلام ۲۹۹
۸. او پیمانی از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد ۳۰۲
۹. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ساقی امت در محشر ۳۰۲
۱۰. راه راست ۳۰۳
۱۱. صاحب لیلة القدر ۳۰۳
۱۲. بقیت الله در زمین ۳۰۵
۱۳. ستاره‌ی درخشان و نور الهی در آیه‌ی شریفه ۳۰۶
۱۴. شمشیری از جدّش عبدالمطلب علیه السلام برای او ذخیره شده است ۳۰۷
۱۵. نسل صدیقه‌ی طاهره علیه السلام از نقاط عالم به تأیید او گرد می‌آیند ۳۰۹
۱۶. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اجرای سنت، مبارزه و مأموریت جدّش صلی الله علیه و آله را تکمیل می‌کند ۳۱۰
۱۷. تقیه با ظهور ایشان به پایان می‌رسد ۳۱۰

فصل (۱۰)

- ۳۱۳..... منزلت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف / منزلت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد خداوند
- ۳۱۴..... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از هفت سرور بهشتیان
- ۳۱۶..... امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برگزیده و مختار الهی
- ۳۲۰..... خداوند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میثاق گرفته است
- ۳۲۱..... امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از چهار نفری است که خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را به دوستی او فرمان داد
- ۳۲۱..... ابری که درون آن فرشته‌ای قرار دارد، با اوست و بر سرش سایه می‌افکند
- ۳۲۲..... ظهور معجزات پیامبران علیهم السلام بر دستان ایشان
- ۳۲۲..... حتی متعصبان سنی آن حضرت را بر ابوبکر و عمر برتری می‌دهند
- ۳۲۳..... روایت طاووس بهشتیان

فصل (۱۱)

- ۳۲۵..... حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف / مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رخداد های پس از آن
- ۳۲۶..... اختلاف روایات درباره‌ی مدت حکومت ایشان
- ۳۳۶..... عظمت حکومتی که خداوند به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عطا می‌کند
- ۳۴۲..... آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شهید می‌شوند یا اینکه به طور طبیعی از دنیا می‌روند؟
- ۳۴۴..... پس از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه‌ها خواهد شد؟
- ۳۴۵..... استمرار حکومت اهل بیت علیهم السلام تا قیامت
- ۳۴۸..... چه کسانی بعد از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت خواهند نمود؟
- ۳۵۷..... جنایت کعب الاحبار و راویان سرسپرده‌ی دستگاه خلافت در تحریف چهره‌ی آینده.....
- کعب و شاگردان مکتبش می‌پندارند که مخزومی، علاوه بر یمانی بعد از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۵۸..... به حکومت خواهد رسید!
- ۳۵۹..... یمانی کعب الاحبار بعد از مهدی علیه السلام باقی می‌ماند و قریش را از میان می‌برد

- ۳۶۱..... یاران / یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۶۲..... ۱. یاران خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت
- ۳۶۲..... امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت
- ۳۶۳..... یارانی با مأموریت‌هایی خاص
- ۳۶۵..... آیا کوه رضوی ارتباطی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان دارد؟
- ۳۶۹..... خضر از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۷۲..... شاید الیاس نبی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد
- ۳۷۹..... اصحاب کهف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۸۳..... ماجرای بساط
- ۳۸۷..... هفت عالم از مناطق مختلف در میان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۸۸..... نفس زکیه در نجف از علائم قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۹۰..... نفس زکیه که در مدینه به شهادت می‌رسد از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است
- ۳۹۲..... نفس زکیه که در مکه کشته می‌شود از یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است
- ۳۹۴..... ۲. سیصد و سیزده نفر یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۹۴..... مقام و منزلت یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۹۵..... پیشینیان گوی سبقت بر آنان را نربودند، پسینیان نیز بدان‌ها نخواهند رسید
- ۳۹۷..... خداوند آنها را در یک شب از اقصای نقاط زمین گرد هم می‌آورد
- ۴۰۰..... یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امت شمرده شده در قرآن
- ۴۰۲..... آنان شیعیان کسانی هستند که خداوند به آنان وعده‌ی خلافت و استقرار در زمین را داده است
- ۴۰۴..... صالحانی که خداوند وعده داده زمین را به ارث خواهند برد
- ۴۰۵..... آیه‌ی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ... بشارتی برای آنهاست
- ۴۰۶..... آنان، تکیه گاه استوار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مظلومانی که خداوند اذن نبرد به آنان داده	۴۰۷
وعده داده شدگان به نصر	۴۰۷
آنان کسانی هستند که پس از مظلوم واقع شدن انتقام می گیرند	۴۰۷
تیزبینان	۴۰۸
ابدال شام و نجیبان مصر و عراق در میان آنان	۴۰۹
پنجاه زن در میان اصحاب آن حضرت	۴۱۰
آنان در مسجد الحرام تجمع می کنند	۴۱۶
بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند	۴۱۷
امام علیه السلام در روز حج اکبر، عالمیان را به امامت خویش دعوت می کند	۴۲۲
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانش را بر سراسر عالم حکومت می دهد	۴۲۳
۳. یارانی که از مکه همراه خود می آورد	۴۲۴
تعداد آنان ده هزار نفر و در برخی روایات پانزده هزار نفر	۴۲۴
حرکت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عراق	۴۲۵
جریان سنت خدا در یاران طالوت، در یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف	۴۲۶
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاران را می آزماید	۴۲۶
۴. یارانی که از قبرها زنده می شوند و برمی خیزند	۴۲۸
برخی مؤمنان در قبر از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه خواهند شد	۴۲۸
بیست و هفت نفری که برای یاری امام مهدی علیه السلام به دنیا باز می گردند	۴۲۹
سلمان فارسی از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۴۲۹
رجعت مؤمنانی که شایستگی نصرت امام عصر علیه السلام را دارند	۴۳۲
تمام شگفتی بین دو ماه جمادی و رجب	۴۳۴
۵. یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیگر سیارات	۴۳۶
نقد این نگرش که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتظار وجود یاران را می کشد	۴۳۸
بررسی این شبهه که ظهور ایشان بر فراگیر شدن ستم توقف دارد	۴۴۴

۴۴۵..... نادرستی این سخن که یاران امام عَلَيْهِ السَّلَام از غیر اعراب هستند

۴۴۷..... احادیثی با اسنادی ناتمام که یاران حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و شهرهایشان را نام می برد

فصل (۱۳)

۴۴۹..... **ابدال / ابدال در منابع پیروان دستگاه خلافت**

۴۵۰..... راویان دستگاه خلافت معنای ابدال را تحریف می کنند

۴۵۱..... در ادامه بهترین امت را به چهل، هشتاد و پانصد تن افزایش دادند!

۴۵۲..... هر کجا می روم رَدّ پایی از روباه است!

۴۵۴..... راویان وابسته گفتند: ابدال جانشینان انبیاء هستند و هیچ عربی میان آنان نیست!

۴۵۶..... و گفتند که علامت آنان عقیم بودن است

۴۵۷..... امامان را انکار کردند، اما ابدال را پذیرفتند!

فصل (۱۴)

۴۵۹..... **یاری فرشتگان / خداوند امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى را با فرشتگان یاری می کند**

۴۶۰..... جبرئیل به نام امام مهدی و پدرش عَلَيْهِ السَّلَام ندا می دهد

۴۶۰..... نخستین کسی که بیعت می کند جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام است، لشکرهای ملائکه نیز می آیند

۴۶۳..... بپرق رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و فرشتگان مربوط به آن همراه امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى

۴۶۴..... جبرئیل پیش قراول، و اسرافیل در دنباله ی لشکر است

۴۶۵..... خداوند او را با انواعی از ملائکه یاری می رساند

فصل (۱۵)

۴۶۹..... **فضیلت استواری / فضیلت استواری و انتظار در دوران غیبت**

۴۷۰..... هان ای شتابزدگان! خداوند با شتاب بندگان شتاب نمی کند

۴۷۰..... رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: پس از من دوران صبر می آید

روح انتظار و آرزو، خود از فرج است.....	۴۷۴
خطای در امید ضرری نمی زند، ولی یأس خطاست.....	۴۷۴
فضل مؤمنان منتظر.....	۴۷۵
امامان علیهم السلام شتاب شیعیان را می کاهند و انتظار فرج را به ایشان می آموزند امیرالمؤمنین علیه السلام :	
از رحمت خدا نومید نباشید.....	۴۷۷
سنت الهی در غربال مؤمنان.....	۴۷۸
امام باقر علیه السلام : کسی که برای رضای خدا انتظار بکشد، چونان کسی است که در کنار امام علیه السلام جهاد کند.....	۴۷۹
کسی که با اخلاص در ولایت انتظار کشد، اهل بهشت است.....	۴۸۲
مؤمن حتی اگر در بستر بمیرد شهید است.....	۴۸۳
امام صادق علیه السلام : طوبی برای کسی که در دوران غیبت قائم ما به امر ما متمسک باشد.....	۴۸۴
برتری ایمان در دولت باطل از دولت حق.....	۴۸۵
برای مؤمن فرقی نمی کند پیش از ظهور بمیرد یا پس از آن.....	۴۸۹
نفس کشیدن کسی که به خاطر ما اندوهگین است تسبیح است.....	۴۹۱
کمی شمار مؤمنان در زمان غیبت.....	۴۹۱
زمین، از افراد با ایمان و کاملی که همانند یاران امام علیه السلام هستند خالی نخواهد بود.....	۴۹۲
اهمیت آمادگی - گرچه نمادین - برای یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف	۴۹۳
وجوب تقیه تا زمان ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف	۴۹۴

فصل (۱۶)

بلاذ عرب / وضعیت بلاد عرب در عصر ظهور.....	۴۹۵
مذمت عرب در منابع حدیثی.....	۴۹۶
وای بر عرب از بنی امیه و بنی عباس.....	۴۹۷
پنداشتند که اعراب از بین می روند و کعبه منهدم می گردد!.....	۴۹۸
روایاتی که شام و یمن را می ستاید و عراق و نجد را مذمت می کند!.....	۵۰۱

- برتری لشکر شام بر دیگران! ۵۰۲
- احادیثی در وصف دگرگونی بلاد عرب در عصر ظهور ۵۰۵

فصل (۱۷)

- مصر و امام / وضعیت مصر در عصر ظهور** ۵۰۷
- همگان، توصیه‌ی پیامبر ﷺ به مصر و اهالی آن را روایت کرده‌اند ۵۰۸
- روایات مربوط به مصر در عصر ظهور ۵۰۸
- نجیبان مصر، وزیران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۰۸
- هیئت مصری، حاملان پیام بیعت با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۱۰
- امیرامیران مصر در سال ظهور ۵۱۰
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد مصر می‌شود و آن را مرکز اعلام جهانی خویش قرار می‌دهد ۵۱۱
- ابقع، و یاری او توسط مصریان ۵۱۳
- مصریانی که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام به جستجوی امام بعدی آمدند ۵۱۴
- دشمنی کعب الاحبار با مصر و دروغ پردازی‌های وی درباره‌ی آن ۵۱۵
- دروغ کعب الاحبار: دجال از مصر است ۵۱۶
- رؤیاهای کعب درباره‌ی ویران شدن مصر و بلاد عرب! ۵۱۷
- علمای سنی حدیث لشکر مصر را صحیح می‌شمارند، ولی علمای بنی‌امیه رد می‌کنند! ۵۱۷
- ورود لشکر مغرب به مصر ۵۱۸

فصل (۱۸)

- سرزمین شام / وضعیت بلاد شام در عصر ظهور** ۵۲۱
- شام و حرکت سفیانی ۵۲۲
- خروج سفیانی در سال ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۲۲
- آغاز حرکت سفیانی، بعد از خروج ابقع بر اصبه و رخداد زلزله ۵۲۲

۵۲۵.....	چهره‌ای هراس آور، سری بزرگ، سرخ رو با چشمانی آبی رنگ
۵۲۶.....	سفیانی از نسل معاویه
۵۲۷.....	سفیانی، حتمی و ناگزیر
۵۲۹.....	دوران سفیانی یک سال و چند ماه
۵۳۱.....	نجات یافتگان از متابعت سفیانی در بلاد شام
۵۳۲.....	چون سفیانی خروج کرد، به سمت ما بیایید
۵۳۴.....	تلاش‌هایی برای اجبار امام صادق و امام رضا علیهما السلام بر قیام
۵۳۵.....	تأثیر روایات مربوط به سفیانی بر پیروان بنی امیه
۵۳۷.....	نبرد قرقیسیا

فصل (۱۹)

۵۴۱.....	حجاز / وضعیت حجاز در عصر ظهور
۵۴۲.....	وقایع حجاز پیش از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۵۴۴.....	حکمرانی می‌میرد و مرگ او فرج تمامی مردم است
۵۴۵.....	آتشی عظیم در شرق حجاز
۵۴۶.....	لشکر سفیانی در حجاز
۵۴۹.....	جریان این لشکر در منابع ما بدون تحریف آمده است
۵۵۲.....	تعداد لشکر سفیانی و مکان فرو رفتن زمین
۵۵۳.....	آیاتی که درباره‌ی این معجزه نازل شد
۵۵۷.....	نفس زکیه که در مدینه کشته می‌شود
۵۵۷.....	ندای آسمانی در منابع اهل سنت
۵۶۱.....	ندا، نشانه‌ای که گردن‌های مردم در برابر آن فرود می‌آید
۵۶۴.....	منصور دوانیقی حدیث ندای آسمانی را نقل می‌کند!
۵۶۵.....	ندا امری الهی و حتمی است، و همه‌ی مردم علی‌رغم اختلاف زبان‌هایشان آن را می‌شنوند

۵۶۶.....	ندا، فریاد به حق
۵۶۶.....	ندا در حالی رخ می دهد که مسلمین، مخصوصاً شیعیان در اوضاعی سخت به سر می برند
۵۶۷.....	ندا، به دنبال جنگی در حجاز
۵۶۸.....	ندا، در شب بیست و سوم ماه رمضان
۵۶۸.....	نشانه هایی دیگر در کنار ندای آسمانی
۵۶۹.....	از نشانه های ظهور: چراغی که خاموش می شود و به جای آن، نور حضرت جلوه می کند
۵۶۹.....	نشانه ای در ماه رجب و پیش از ندا
۵۶۹.....	معنای این روایت: با امام عَلَيْهِ السَّلَام در حالی بیعت می کنند که خوش ندارد
۵۷۰.....	ندای شیطان پس از ندای جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام
۵۷۲.....	این ندا غیر از صدایی است که از شام آید

فصل (۲۰)

۵۷۵.....	ظهور / نمایه ای از ظهور
۵۷۶.....	شانزده ماه نخست
۵۷۸.....	بیعت با امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ، پس از مرگ حاکم و درگیری قبائل
۵۸۳.....	خداوند امر ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را در یک شب سامان می دهد
۵۸۴.....	روز مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ، یکی از روزهای سه گانه ی خداوند
۵۸۴.....	دیدار امام عَلَيْهِ السَّلَام با یاران ابرار
۵۸۶.....	شهادت نفس زکیه، امتحان است
۵۸۷.....	ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در سالی فرد
۵۸۸.....	آغاز ظهور، جمعه نهم محرم
۵۸۸.....	ظهور، شنبه و روز عاشورا
۵۸۹.....	روایت: عاشورا با نوروز مصادف است
۵۹۰.....	سخنرانی نخست امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به اهل مکه

سخنرانی جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز عاشورا	۵۹۴
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مدتی طولانی در مکه درنگ می کند، سپس راهی مدینه می شود	۵۹۶
عملکرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه	۵۹۹
امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه جریان ابوبکر و عمر را مطرح می کند	۶۰۰
واکنش ناصیبیان و بتریه در قبال عمل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۶۰۳

فصل (۲۱)

عراق / وضعیت عراق در عصر ظهور	۶۰۵
عراق، پایتخت دولت عدل الهی	۶۰۶
ضعف گزارش خشکی فرات	۶۰۸
ضعف گزارشات ویرانی بغداد	۶۰۸
مهمترین روایات منابع سنی پیرامون بصره	۶۱۱
امیرالمؤمنین علیه السلام از قیام صاحب زنج در بصره خبر می دهند	۶۱۳
روایات غرق شدن بصره	۶۱۵
روایات خرابی بصره	۶۱۶
شیشبانی، طاغوت عراق پیش از سفیانی	۶۲۱
حسنی موعود	۶۲۱
خروج عوف سلمی پیش از سفیانی	۶۲۳
بحران گرسنگی، هراس و مرگ در نزدیکی های ظهور	۶۲۴
ورود نیروهای روم غربی به عراق	۶۲۷
فرو ریختن دیوار مسجد کوفه	۶۲۸
نیروهای سفیانی و یا سوریه در عراق	۶۲۹
آیا زرقاوی رفیق سفیانی است؟	۶۳۱
ضعف گزارشی که می گوید سفیانی وارد ایران می شود	۶۳۲

- ضعف گزارش نبرد اصطخر در نزدیکی اهواز، و نیز روایت نبرد روحاء و نجف ۶۳۳
- امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عراق را فتح می کند، و آن را پایتخت قرار می دهد ۶۳۵
- امام عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد عراق می شوند، و سه گروه در آن اختلاف کرده اند ۶۳۷
- امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا در نجف نزول اجلال می کنند ۶۳۹
- امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتقام خون امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف ۶۴۴
- کسانی که بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کنند ۶۴۷
- بتریه، نخستین خوارج بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۶۴۸
- آخرین گروهی که بر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کنند از مقدادیه در بعقوبه هستند ۶۵۰
- اینان یا همه از غیر عربند، یا آنکه فرمانده شان غیر عرب است ۶۵۲
- پاکسازی عراق از دشمنان ۶۵۳
- پایتخت کوفه است، و کربلا مکانتی عظیم دارد ۶۵۴
- خانه ی شخصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منطقه ی مسجد سهله ۶۵۷

فصل (۲۲)

- قساوت دشمنان / قساوت دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، و برخورد شدید امام با آنان** ۶۵۹
- غدد سرطانی باید ریشه کن شود ۶۶۰
- برخورد شدید با ستمگران ۶۶۱
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا کذابان شیعه را به هلاکت می رساند ۶۶۴
- هیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیم دشمنان ۶۶۵
- خواری دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۶۶۸
- استمرار خط بنی امیه و بنی عباس تا ظهور ۶۷۰
- امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حدّ الهی را بر بسیاری از منافقین به اجرا می گذارد ۶۷۲

فصل (۲۳)

- ایرانیان / ایرانیان در عصر ظهور..... ۶۷۳
- کثرت روایات سنیان در ستایش ایرانیان ۶۷۴
- ایرانیان، نخستین گروه از سه گروه زمینه ساز ۶۷۶
- حدیث: آغاز امر امام ع از ایران است ۶۸۰
- حدیث: اصحاب بیرق های سیاه و اهل مشرق ۶۸۱
- روایاتی که احتمال می رود اجزائی از روایت بیرق های سیاه باشد ۶۸۴
- خراسانی حاکم ایران و شعیب فرماندهی لشکر..... ۶۸۶
- ضعف گزارش ورود امام مهدی ع به ایران پیش از عراق ۶۸۹
- احادیث منابع شیعی درباره ی خراسانیان و اصحاب بیرق های سیاه ۶۸۹
- برخی روایات پیرامون قم ۶۹۰
- حدیث: خداوند مردی از ما اهل بیت را برای امت محمد ص آماده ساخته ۶۹۳
- درگیری داخلی ایران در سال ظهور ۶۹۵

فصل (۲۴)

- یمنی ها / یمنی ها و ظهور حضرت مهدی ع ۶۹۷
- ستایش یمنی ها در منابع مسلمین ۶۹۸
- یمانی در احادیث اهل بیت ع ۷۰۳
- شخصی مصری و یمنی همسو با سفیانی خروج می کنند ۷۰۶
- خمار چشم در صنعاء ۷۰۷
- گفته شده که نام یمانی، حسن یا حسین است ۷۰۷
- روایت: مهدی از کرعه و یمانی از یکلا خارج می شوند ۷۰۸

فصل (۲۵)

- نبرد قدس / فلسطین و نبرد قدس در عصر ظهور ۷۱۱
- اوصاف آخرین فتنه پیش از ظهور ۷۱۲
- سفیانی فلسطین و مناطق پنجگانه را تحت سیطره در می آورد ۷۱۳
- گزارش: بیرق های خراسان به سوی قدس ۷۱۴
- ورود روم به عراق و فلسطین ۷۱۴
- نبرد موعود دمشق و قدس ۷۱۵
- امام علیه السلام در دژه ی عذراء در نزدیکی دمشق اردو می زند ۷۱۷
- خداوند سفیانی و نیز روم را بردستان امام علیه السلام شکست می دهد ۷۱۸
- فشار منطقه ای بر سفیانی برای بیعت با حضرت مهدی علیه السلام ۷۱۹
- روایت نزول حضرت مهدی علیه السلام در بیت المقدس ۷۲۳
- روایت: جباری از قریش که به بیت المقدس وارد می شود ۷۲۳
- بررسی روایات نبرد دمشق و قدس ۷۲۵
- تأثیر پیروزی قاطع امام علیه السلام و ورود به قدس ۷۲۶
- هشت ماه جنگ ۷۲۶

فصل (۲۶)

- یهود / یهود و نبرد با آنان در عصر ظهور ۷۲۷
- آیات قرآن در مورد نقش یهود در عصر ظهور ۷۲۸
- نبرد موعود یهود و مسلمین ۷۳۳
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بلاد عرب را از یهود پاکسازی می کند ۷۳۵
- یهودیانی که بردست امام علیه السلام اسلام می آورند ۷۳۶
- تابوت سکینه ۷۳۷

آشکار ساختن هیکل ۷۳۸

بیرق‌های خراسان متوجّه قدس ۷۳۸

فصل (۲۷)

حضرت مسیح علیه السلام / فرود حضرت مسیح علیه السلام از آسمان و یاری امام عصر علیه السلام ۷۳۹

آیات نزول حضرت مسیح علیه السلام ۷۴۰

نزول مسیح علیه السلام در منابع اهل سنت ۷۴۲

احادیث نزول حضرت عیسی علیه السلام در منابع ما شیعیان ۷۴۶

علت تحریف گزارشات نزول مسیح علیه السلام توسط سلطه ۷۴۸

در روایات اهل سنت، مسیح علیه السلام قاتل دجال است، ولی در روایات ما امام مهدی علیه السلام ۷۵۲

ابوهریره امید آن داشت که مسیح علیه السلام را درک کند ۷۵۲

منابع سنی می‌پندارند مسیح علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن می‌شود ۷۵۳

چهار مطلب پیرامون نزول حضرت عیسی علیه السلام ۷۵۴

نخست: مسیح علیه السلام کجا فرود می‌آید؟ ۷۵۴

دوم: تلاش برای انکار اقتدای مسیح به حضرت مهدی علیه السلام ۷۵۵

سوم: تأثیرگذاری حضرت مسیح علیه السلام در نواحی مسیحی نشین ۷۵۸

چهارم: مدت بقای حضرت مسیح علیه السلام در زمین ۷۵۹

فصل (۲۸)

روم / وضعیت روم در عصر ظهور و پس از آن ۷۶۱

روم و نقش آنها در عصر ظهور ۷۶۲

کثرت دروغ پردازی پیرامون روم ۷۶۲

کعب الاحبار به چه قیمتی بافته‌هایش را در معرض فروش قرار می‌داد؟ ۷۶۶

قوی‌ترین روایات پیرامون روم در عصر امام مهدی علیه السلام ۷۶۷

هجوم رومیان بر مسلمین	۷۶۷
رومیان به سواحل می آیند و اهل کف خارج می شوند	۷۶۸
فرار برخی دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بلاد روم	۷۶۸
روایات صلح میان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و روم	۷۷۰
تحریف حدیث صلح و افزودن بر آن	۷۷۱
معنای فتح روم توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تکبیر	۷۷۳
حضرت مسیح عجل الله تعالی فرجه الشریف با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر رومیان احتجاج می کند	۷۷۴
حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای نبرد با رومیان می آید	۷۷۵
سخت ترین مردم نسبت به شما رومیان هستند	۷۷۶
خواری روم پس از نبرد سخت	۷۷۷
زندگی مسالمت آمیز در کنار مسیحیان و پذیرش جزیه	۷۷۷
کعب الاحبار حدیث نبرد سخت را تحریف می کند	۷۷۹
گمان کردند نبرد با روم، پایان بخش امت اسلام است	۷۸۰
زمان و مکان بزرگترین جنگ، در بافته های کعب و شاگردان!	۷۸۱
کعب می پندارد مرکز مسلمین دمشق است	۷۸۳
کعب همچنان می پندارد و می بافتد، و دروغ هایش حدیث نبوی می شود!	۷۸۳
کعب می گوید: یک سوم مسلمانان پا به فرار می گذارند، و این سخن حدیثی نبوی می شود!	۷۸۴
سخنی را به حذیفه نسبت می دهند که آن را نگفته است!	۷۸۴
چنین جلوه می دهند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گویا مأمور یهودیان است!	۷۸۶
نقش یمنیان و خراسانیان در نبرد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با روم	۷۸۹

فصل (۲۹)

ترکان / ترکان در عصر ظهور	۷۹۱
مقصود از ترک در احادیث عصر ظهور	۷۹۲

ترکان مغول.....	۷۹۲
ترک‌ها در نبرد قرقیسیا.....	۷۹۶
روایتی منسوب به پسر مهزیار.....	۷۹۹
بیرق‌های ترک در تأیید امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف	۸۰۲
حرکت زمینه ساز ترک‌ها در آذربایجان.....	۸۰۳
ترکان برای تأیید امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام می‌کنند.....	۸۰۵

فصل (۳۰)

دولت عدل / نشانه‌های دولت عدل الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۸۰۷
گونه‌ی جدید زندگی بشر، بردست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۸۰۸
خداوند دانش‌ها را به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف الهام می‌کند.....	۸۰۹
نوع انرژی و روشنایی در عصر ظهور دگرگون می‌شود.....	۸۰۹
اهل زمین به دیگر سیارات متصل می‌شوند.....	۸۱۰
رجعت برخی مؤمنان به دنیا.....	۸۱۲
بازگشت برخی شهدا به دنیا.....	۸۱۴
در عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حیات دگرگون می‌شود و مؤمنان فرشتگان را می‌بینند.....	۸۱۵
در آن روزگار، مؤمن به اذن خدا مرده را زنده می‌کند.....	۸۱۶
مرحله‌ی نخست، پیش از دوران آسایش و راحتی.....	۸۱۷
گنج‌های زمین را گرد می‌آورد و در میان مردم سخنانی می‌کند.....	۸۱۸
خداوند به وسیله‌ی او زمین را پس از مرگ، زنده می‌کند.....	۸۲۰
بیست و چهار باران در سال ظهور.....	۸۲۰
بدون شمارش عطا می‌کند.....	۸۲۱
همه‌ی مردم غنی شوند و دیگر احدی صدقه قبول نکند.....	۸۲۲
مردم در آن دوران چنان غرق در نعمت شوند، که زندگان آرزوی حضور مردگان را داشته باشند.....	۸۲۳

۸۲۴.....	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین ها را از نو قسمت می کند
۸۲۷.....	فراگیری عدالت و آرامش نسبت به خوبان و بدان
۸۲۷.....	با مسکینان مهربان ، و نسبت به مسؤولان سخت
۸۲۸.....	امنیت اجتماعی و اقتصادی و نیز فراگیری فرهنگ
۸۲۸.....	محبوبیت مردمی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۲۹.....	آبادانی بلاد عرب و ما بین مکه و مدینه
۸۲۹.....	مسجد جامع جهانی بین کوفه و کربلا
۸۳۰.....	ارتقای بهداشت جسمی و روحی
۸۳۱.....	تقسیم عالم به سیصد و سیزده ایالت
۸۳۱.....	یاران حضرت با علم ربانی و بدون شاهد قضاوت می کنند
۸۳۳.....	پنجاه زن در میان حاکمان ایالات
۸۳۳.....	شاید اداره ی حکومت ها بر اساس انتخابات باشد
۸۳۳.....	و شاید عالم به جامعه ای بی نیاز از ارز و پول تبدیل گردد
۸۳۴.....	تصحیح مهندسی مساجد و مشاهد
۸۳۵.....	تنظیم موسم حج و قوانین سیر
۸۳۵.....	تطبیق احکام شرعی بر اساس پیمانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله
۸۳۶.....	تحریم سود بردن مؤمن از برادر مؤمن خود
۸۳۷.....	سختگیری بر عاصیان ، زیرا به حرام نیازی ندارند
۸۳۷.....	درندگان و موزیان آشتی می کنند و بی آزار می شوند
۸۳۸.....	بسط ظلم برای همیشه برچیده خواهد شد

فصل (۳۱)

۸۴۱.....	آماده سازی برای غیبت / چگونگی آماده سازی امت برای غیبت
۸۴۲.....	رسول خدا صلی الله علیه و آله امت را برای تحمل غیبت آماده می کند

- حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسان ذوالقرنین، پس از غیبت ظهور می کند ۸۴۳
- غیبتی چون غیبت حضرت موسی علیه السلام ۸۴۴
- غیبت و شباهت به عزیر نبی علیه السلام ۸۴۷
- اهل بیت من بسان ستارگان آسمانند، هر ستاره ای از دیده رود، دیگری طلوع می کند ۸۴۷
- حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت، عهدی الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله ۸۴۸
- غیبت امام علیه السلام به سبب ظلم اهل زمین ۸۵۰
- یکی از علل اساسی طولانی شدن غیبت ۸۵۰
- نهمین نفر از صلب امام حسین علیه السلام غائب می شود ۸۵۱
- امیرالمؤمنین علیه السلام و سخن درباره ی ستاره ی غائب ۸۵۲
- امام حسن مجتبی علیه السلام: خداوند عمر او را در غیبت طولانی می گرداند،
آنگاه به قدرت خود او را آشکار می سازد ۸۵۶
- امام حسین علیه السلام: میراث آنکه غائب می شود را تقسیم می کنند، در حالی که زنده است! ۸۵۷
- امام زین العابدین علیه السلام: قائم ما دو غیبت دارد ۸۵۷
- امام باقر علیه السلام: چگونه خواهید بود آن هنگام که خداوند ستاره تان را ناپدید کند؟ ۸۵۸
- امام صادق علیه السلام: چرا انکار می کنند که خداوند عمر مهدی را طولانی گرداند؟! ۸۶۱
- امام کاظم علیه السلام: نعمت باطن، امام غائب ۸۶۵
- امام رضا علیه السلام: ولادت او مخفی است، ولی نسبش نه ۸۶۵
- امام جواد علیه السلام: سومین فرزند من مهدی است که در غیبت انتظارش را می کشند ۸۶۸
- امام هادی علیه السلام: چگونه شما به جانشین پس از جانشین دست یابید؟! ۸۶۹
- امام حسن عسکری علیه السلام: او غیبتی دارد که نادانان در آن سرگردان می شوند ۸۷۰
- روایتی از خاخام بزرگ، وهب بن منبه درباره ی غیبت ۸۷۰

فصل (۳۲)

وقت گزاران دروغگو / وقت گزاران دروغگو و شتاب زدگان نادان ۸۷۳

امامان علیهم السلام، و مهار شتاب زدگان ۸۷۴

فصل (۳۳)

ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف / پیش زمینه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۸۸۳

ابتکاری نبوی برای تعیین مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۸۸۴

هم امام مهدی علیه السلام، پسر برگزیده ی کنیزان است و هم جدّش امام جواد علیه السلام ۸۸۷

برخی از ابتکارات ائمه علیهم السلام در تعیین شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۸۸۸

جریان یافتن سنت تنی چند از پیامبران علیهم السلام در ولادت و غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۸۸۹

صاحب این امر کسی است که میلادش مخفی است، و مردم گویند: به دنیا نیامده! ۸۹۲

عباسیان، و پیروی از شیوه ی نمرود و فرعون ۸۹۳

دستگاه خلافت قریش از دیر زمان در جستجوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۸۹۶

عباسیان و آگاهی از امامت عترت علیهم السلام ۸۹۷

دستگاه حاکم مراقبت و فشار را بر امام عسکری علیه السلام می افزاید ۹۰۰

امام عسکری علیه السلام به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می دهد ۹۰۳

نور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ولادت ۹۰۷

تعمّد امام عسکری علیه السلام نسبت به کثرت عقیقه ی فرزندشان ۹۰۸

حضرت مهدی، بسان یحیی و عیسی علیهم السلام در کودکی حکم خدا را دریافت نمود ۹۱۰

فصل (۳۴)

احادیث ولادت / برخی احادیث صحیح درباره ی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۱۳

خلاصه ی بحث آیت الله میلانی ۹۱۴

امام عسکری علیه السلام از ولادت فرزندشان خبر می دهند	۹۱۵
گواهان ولادت امام علیه السلام ، از معاصران و غیر معاصران	۹۱۵
گواهی وکلای حضرت مهدی علیه السلام و نیز کسانی که ایشان و معجزاتی از ایشان را دیده اند	۹۲۰
گواهی خادمان و کنیزان به مشاهده ی امام علیه السلام	۹۲۰
واکنش دستگاه حاکم، دلیلی بر ولادت امام مهدی علیه السلام	۹۲۱
گواهی نسب شناسان به ولادت امام علیه السلام	۹۲۲
گروهی از عالمان سنی هم به ولادت ایشان اعتراف می کنند	۹۲۴
محقق حلی رحمته الله به مشاهده و مکاتبه ی امام مهدی علیه السلام استدلال می کند	۹۲۴
نه روایت صحیح، علاوه بر آنچه گذشت	۹۲۵
روایات گواهی حکیمه دختر امام جواد علیه السلام که عهده دار قابلیت بود	۹۲۹
شرفیابی سعد بن عبد الله اشعری به دیدار امام مهدی علیه السلام	۹۴۹
تشرّف زهری	۹۵۷
برخی شرفیابان	۹۵۸
ماجرای جعفر بن محمد بن قولویه رحمته الله	۹۵۸
ملیکه مادر امام مهدی و از دودمان شمعون صفا علیه السلام	۹۵۹
چگونه خداوند ملیکه را به نزد امام عسکری علیه السلام آورد؟	۹۶۰
خانواده ی مادری امام مهدی علیه السلام	۹۶۳
لیست اسامی امپراطوران روم	۹۶۸
فضیلت شب میلاد امام مهدی علیه السلام شب نیمه ی شعبان	۹۶۹

فصل (۳۵)

غیبت صغری / پاره ای از سیره ی حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغری	۹۷۳
دستگاه حاکم و جستجوی امام بعد از شهادت پدر علیه السلام	۹۷۴
سلطه مانع زیارت قبر امام حسین و امام موسی بن جعفر علیه السلام می شود	۹۷۴

- سلطه، پس از شهادت امام عسکری علیه السلام بر خانه‌ی ایشان هجوم می‌آورد ۹۷۵
- جعفر کذاب و ادعای امامت ۹۷۶
- برخی توقیعات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پاسخ‌ها و نامه‌های ایشان ۹۸۷
- شیخ صدوق رحمه الله به دعای امام علیه السلام به دنیا می‌آید ۹۸۷
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از وفات سفیر خود عمری رحمه الله خبر می‌دهند ۹۸۹
- پاسخ امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در نفی تفویض ۹۹۰
- ردّ بر غالیان و نهی از غلو ۹۹۰
- نامه‌ای با هدف تقویت ایمان ضعیفان شیعه ۹۹۲
- نهی از بردن نام امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغری ۹۹۴
- چند نمونه از پاسخ‌های فقهی و کرامات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۹۵

فصل (۳۶)

- نشانه‌های ظهور /** مروری بر برخی از نشانه‌های ظهور ۹۹۹
- ائمه علیهم السلام، شیعیان را براساس آرزومندی و انتظار فرج پرورش می‌دهند ۱۰۰۰
- توصیف اعصار ظلم و به خصوص عصر ظهور ۱۰۰۰
- کسوف و خسوف پیش از ظهور ۱۰۰۵
- یکی از نشانه‌ها: دولت‌های کوچک، به خود جرأت مخالفت با جباران را می‌دهند ۱۰۰۶
- نبرد و طاعون پیش از ظهور ۱۰۰۷

فصل (۳۷)

- رجعت /** بازگشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امامان و برخی پیامبران علیهم السلام به دنیا ۱۰۱۷
- جایگاه رجعت در باور شیعه ۱۰۱۸
- مخالفین شیعه و به سخره گرفتن این اعتقاد! ۱۰۱۸
- اختصاص رجعت به برخی ابرار و برخی فجّار ۱۰۲۱

اعتقاد به رجعت در زیارات	۱۰۲۲
اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رجعت، از ایمان به غیب	۱۰۲۳
برخی از مسلمانان قسم می‌خورند که رجعتی در کار نیست!	۱۰۲۴
بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله طبق وعده‌ی الهی	۱۰۲۵
رجعت مراحل دارد، و نخستین کسی که باز می‌گردد امام حسین علیه السلام است	۱۰۲۷
رجعت امامان و برخی پیامبران علیهم السلام	۱۰۳۲
رجعت اسماعیل نبی با امام حسین علیه السلام	۱۰۳۳
رجعت، پاره‌ای از تأویلی که مردم به دانش آن احاطه ندارند	۱۰۳۴
مردم در رجعت، حقیقت را به عیان می‌بینند	۱۰۳۴
زمین، و احیای آن با رجعت	۱۰۳۵
برخی آیات آخرت در رجعت	۱۰۳۵
رجعت، فریاد در آیه	۱۰۳۵
برخی ناصیبان رجعت می‌کنند و از آنان انتقام گرفته می‌شود	۱۰۳۶
رجعت و تشبیه آن به احیای قوم موسی علیه السلام در میقات	۱۰۳۸
ابلیس ظاهر می‌شود و مؤمنان او را سنگباران می‌کنند	۱۰۴۰
روایت: قتل ابلیس و حزب وی به دست پیامبر صلی الله علیه و آله در رجعت	۱۰۴۰
روایت: قتل ابلیس به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۱۰۴۲

فصل (۳۸)

امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن / برخی آیاتی که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است	۱۰۴۳
آیات وعده‌ی الهی به نصب جانشین در زمین	۱۰۴۴
آل محمد علیهم السلام ، ضعیف شمرده شدگانی که خدا به آنها وعده‌ی توانایی داده است	۱۰۴۹
آیات وعده‌ی الهی به غلبه‌ی دین و اتمام نور	۱۰۵۰
آیات امر به نبرد تا آنکه فتنه‌ای نباشد	۱۰۵۳

- ۱۰۵۴..... پایان یافتن جنگ ها تنها بردست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۰۵۵..... تنها در عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کافران از دین مسلمین مأیوس می شوند
- ۱۰۵۵..... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از غیب موعود
- ۱۰۵۶..... آیتی که براستواری و مرزبانی اعتقادی تشویق می کند
- ۱۰۵۷..... امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از صاحبان امر
- ۱۰۶۰..... اهل بیت علیهم السلام صدیقانی که خدا به آنان نعمت داده است
- ۱۰۶۱..... أَمْ مَنْ يُحِبُّ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ
- ۱۰۶۲..... روز فتح موعود و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۰۶۳..... روز قائم علیه السلام ، تأویل قرآن فرا می رسد
- ۱۰۶۳..... حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا
- ۱۰۶۴..... خداوند از پیامبران علیهم السلام در اقرار به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میثاق گرفته است
- ۱۰۶۵..... خداوند به ابراهیم علیه السلام خبر از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دهد
- ۱۰۶۶..... امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارث منازل ظالمان
- ۱۰۶۶..... وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ
- ۱۰۶۶..... فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ
- ۱۰۶۷..... حق اهل بیت علیهم السلام را ثابت و باطل بنی امیه و امثال آنان را نابود می کند
- ۱۰۶۷..... آخرین حلقه ی استوارترین دست آویز
- ۱۰۶۸..... امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صاحب لیلۃ القدر
- ۱۰۶۹..... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بندها و بارها را از دوش مؤمنان برمی دارد
- ۱۰۷۱..... وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ
- ۱۰۷۱..... يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ
- ۱۰۷۲..... محرومیت مردم از بهره گیری
- ۱۰۷۲..... آیات امتحان در عصر غیبت
- ۱۰۷۲..... تأویل الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ

- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر قدرت خدا ۱۰۷۳
- جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا ۱۰۷۳
- إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلٍ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ ۱۰۷۴
- عذاب برای دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۰۷۴
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جریان سنت یعقوب علیه السلام با فرزندان در ایشان ۱۰۷۴
- کاسه‌ی حضرت زهرا علیها السلام نزد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۰۷۵
- هفتمین خوشه ۱۰۷۶
- أَجَلٌ قَرِيبٌ ۱۰۷۶
- الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ ۱۰۷۷
- هنگامی که برخی دشمنان حق مسخ می‌شوند ۱۰۷۷
- ظهور، نصرت موعود ۱۰۷۸
- سینه‌ی امام مهدی علیه السلام مخزن آیات الهی ۱۰۷۸
- پایان بخش کَلِمَةً بَاقِيَةً ۱۰۷۹
- وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ۱۰۸۰
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تقیه نمی‌کند ۱۰۸۰
- ارتباط حروف مقطعه با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۰۸۰
- ظهور و پایان مهلت ظالمان ۱۰۸۱
- ظهور و پایان مهلت ظالمان در حق اهل بیت علیهم السلام ۱۰۸۲
- خداوند او را بر خون ظالمان مسلط می‌گرداند ۱۰۸۲
- دشمنان را در آتش جنگ می‌افکند ۱۰۸۳
- خداوند به وسیله‌ی او حق را ثابت می‌گرداند ۱۰۸۳
- پیمان مکتوب از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۰۸۴
- حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان ایشان از سابقان ۱۰۸۵
- زمین، پس از آنکه به ستم ستمکاران مرده است، به عدالت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می‌شود ۱۰۸۶

۱۰۸۷.....	ماء معین
۱۰۸۸.....	حتی نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز منکر می شوند!
۱۰۸۸.....	آغاز ظهور به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف الهام می شود
۱۰۸۹.....	و با ظهور است که دولت ابلیس جن و انس پایان می پذیرد
۱۰۸۹.....	بسان ستاره ای، غائب و چون ستاره ای درخشان، آشکار می شود
۱۰۹۰.....	پیامبر صلی الله علیه و آله آسمان است و امامان علیهم السلام برج های آسمان
۱۰۹۰.....	وَالْوُتْر.....
۱۰۹۱.....	فجر در سوره ی فجر
۱۰۹۱.....	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سوره های شمس و لیل

فصل (۳۹)

۱۰۹۵.....	سفارت و سفیران / سفیران راستین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دروغگویان مدعی سفارت
۱۰۹۶.....	عموم شیعیان به سفیران چهار گانه اعتماد دارند
۱۰۹۸.....	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وکیلانی غیر از سفیران نیز دارند
۱۱۰۷.....	عثمان بن سعید و محمد بن عثمان
۱۱۱۰.....	سخن پیرامون ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری
	ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، طبق فرمان امام علیه السلام
۱۱۱۴.....	ابو القاسم حسین بن روح را جانشین خود قرار می دهد
۱۱۲۰.....	سفیر سوم، حسین بن روح رحمه الله
۱۱۲۳.....	سفیر چهارم، جناب علی بن محمد سمري رحمه الله
۱۱۲۵.....	حسین بن روح، مرد مرحله ی تحوّل
۱۱۴۱.....	آثاری پیرامون سیره ی چهار سفیر
۱۱۴۲.....	شیعیان به قبور چهار سفیر در بغداد تبرک می جویند
۱۱۴۴.....	دیگر وکلاء در دوران سفرای اربعه

۱۱۵۰.....	امامان علیهم السلام ، و پذیرش خمس، نذر و هدیه
۱۱۵۳.....	تواتر رؤیت امام علیه السلام در غیبت، و تکذیب مدعیان سفارت
۱۱۵۵.....	دروغ پردازانی که مدعی سفارت شدند
۱۱۵۵.....	امامان علیهم السلام و غالیان
۱۱۶۱.....	شریعی، نمیری، کرخی، بغدادی و مجنون
۱۱۶۷.....	ابن حسکه، ابن حاتم، فارس، سمهری و ابو الزرقاء
۱۱۷۱.....	حسین بن منصور حلاج
۱۱۸۳.....	شلمغانی، ابن ابی عزافر
۱۱۹۰.....	حسادت شلمغانی نسبت به جناب حسین بن روح رحمته الله
۱۱۹۳.....	شلمغانی در منابع تاریخی
۱۱۹۶.....	روایات آنان را بپذیرید، ولی نظراتشان را نه
۱۱۹۹.....	مخمسه‌ی حلولیه
۱۲۰۳.....	شلمغانیان عصر حاضر
۱۲۰۵.....	بازخوانی نمونه‌هایی از منطق آنان و نیز گریزشان از مناظره
۱۲۱۰.....	خود را حامل پیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌انگارد!
۱۲۱۱.....	خود را پسر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند، و شعار او ستاره‌ی اسرائیل است!
۱۲۱۳.....	ردی قاطع بر مدعیان ارتباط خاص با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

فصل (۴۰)

۱۲۱۵.....	ادعیه و زیارات / برخی دعاها و زیارات مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۲۱۶.....	سلام و درود بر پاکان عترت علیهم السلام و دعا برای ایشان
۱۲۱۷.....	دعا برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز جمعه و عید قربان
۱۲۱۸.....	دعا برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شب‌های ماه مبارک رمضان
۱۲۱۹.....	دعا برای حفظ و نصرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۲۶۱	

دعاء ندبه	۱۲۱۹
زیارت آل یاسین و دعای پس از آن	۱۲۲۰
زیارت آل یاسین به نقل جناب محمد بن جعفر المشهدی رحمته الله	۱۲۲۱
زیارتی برای تمام معصومان عليهم السلام از جمله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۱۲۲۵
زیارت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خانه شان	۱۲۲۶
برخی دیگر از ادعیه و زیارات	۱۲۲۶

